ماهنامه

کازیوه

(سپیده دم)

شماره : اول   مهرماه ۱۳۸۹

نشریه **جمعی از هواداران حزب توده ایران در کردستان**



آزادی ، دموکراسی و عدالت اجتماعی

مطالب این شماره : **صفحه**

=====================

بەشی کوردی : لاپەڕە

✓ **تماس با کازیوه** : tudeh_kurdistan@yahoo.co.uk

✓ پايگاه اينترنتي كازيوه :
http://a1320.wordpress.com/

سرمقاله

همانگونه که در شناسنامه این نشریه درج گردیده است، ***کازیوه*** از طرف **جمعی از هواداران حزب توده ایران در کردستان** منتشر می شود.
این جمع پیش از انتشار کازیوه به مدت بیش از یکسال وبلاگی با عنوان "*جمعی از هوداران حزب توده ایران _ کردستان*" به آدرس: www.10mehr1320.blogfa.com را اداره می نمودند که متاسفانه حدود 3 ماه پیش از طرف دستگاه های امنیتی رژیم مسدود گردید و از فعالیت بازماند.
پس از مسدود شدن وبلاگ، هرچند که این جمع در ابتدا درنظر داشت وبلاگ دیگری با همان عنوان درword press ایجاد نماید و ایجاد هم کرد. اما ارزیابی همه جانبه عملکرد وبلاگ پیشین(در بلاگفا) ما را به این نتیجه رساند که به جای وبلاگ مبادرت به انتشار نشریه **کازیوه** کنیم که هم محدودیت های فنی وبلاگ را ندارد و هم خارج از کنترل دستگاه های امنیتی می تواند راه خود را ادامه دهد.
با این وصف به منظور دسترسی آن دسته از خوانندگان و علاقه مندانی که فعلا ایمیل آدرس آنها را در اختیار نداریم تا نشریه را برایشان ارسال کنیم، پایگاه اینترنتی(وبلاگی) را نیز به نام "کازیوه" به نشانی:

http://a1320.wordpress.com/

ایجاد نمودیم. همچنین برای دسترسی به شماره های پیشین کازیوه نیز این پایگاه می تواند مورد استفاده قرار گیرد.
هرچند که گردانندگان کازیوه خود را هوادار حزب توده ایران میدانند و متعهد و مقید به پیروی از برنامه، دیدگاه ها و شعارهای این حزب هستند، اما **کازیوه** به عنوان یک نشریه سعی می کند از یکسویه نگری بپرهیزد و امکان طرح دیدگاه ها و نظریات همه دگراندیشان مترقی و عدالتخواه را در صفحات محدود خود فراهم نماید.
علاوه براین، گردانندگان کازیوه دو اصل مهم **"انتقاد و انتقاد از خود"** را همواره مد نظر خواهند داشت و از هرگونه مطلب انتقادی، و نه تخریبی ، در مورد خود، حزب توده ایران و همه جریانات سیاسی استقبال خواهد کرد.
ما به خوبی میدانیم که حزب ما، حزب توده ایران در مقطعی از تاریخ مبارزات پرافتخار خود طی سالهای اوایل انقلاب به دلیل پاره ای خوشبینی ها و سؤبرداشتها از نیات واقعی سردمداران تازه به دوران رسیده جمهوری اسلامی و برخی اشتباهات و تندروی های جریانات حاضر در عرصه سیاسی کردستان، در ارزیابی اوضاع کردستان دچار اشتباهات دردناکی شد که ناخواسته به رابطه صمیمانه و تاریخی خود با جنبش ملی کردستان و اعتبار سیاسی خود در میان مبارزین کرد لطمه وارد نمود.
البته این اشتباه در ارزیابی اوضاع سیاسی کردستان، هرگز به معنی عدول حزب از سیاست های اصولی و تاریخی خود در حمایت همه جانبه از جنبش ملی خلق کرد نبود. و به جرات می توان گفت حزب توده ایران در تمامی طول تاریخ پرفرازونشیب خود حتی برای لحظه ای به انکار یا تقلیل خواسته های برحق جنبش ملی کردستان اقدام نکرده است.
با این وصف کازیوه از هم اکنون آمادگی خود را برای نقد و بررسی همه جانبه مواضع، دیدگاه ها و عملکرد حزب توده ایران و همه جریانات دیگر درآن شرایط بسیار حساس اعلام می دارد.

مسئولیت مطالب درج شده در کازیوه بر عهده ی گردانندگان آن است و مواضع حزب توده ایران در سایت رسمی حزب به نشانی .. .. انتشار می یابد.
همچنین مسئولیت مطالبی که به نام اشخاص در کازیوه منتشر می شود برعهده ی نویسنده آن است.

کازیوه مهرماه ۱۳۸۹

****

اعلاميه كميته مركزي حزب توده ايران

پيكار شصت و نه ساله حزب توده ايران در راه تحقق حقوق كارگران و زحمتكشان،در راه بهروزي ميهن و استقرار آزادي، استقلال و عدالت اجتماعي

هم ميهنان عزيز!

دهم مهرماه ۱۳۸۹، مصادف با شصت و نهمين سالگرد تاسيس حزب توده ايران، كهن ترين سازمان سياسي كشورمان است.

پايه گذاري حزب توده ايران، در مهرماه ۱۳۲۰ توسط گروهي از زندانيان سياسي آزاد شده از زندانهاي رژيم رضاشاه و همچنين شماري از شخصيت هاي برجسته ملي و آزادي خواه، در دوراني كه ايران در چنگال عقب ماندگي اجتماعي، مداخلات گسترده قدرت هاي استعماري دست و پا مي زد، رخدادي بزرگ در تاريخ تحولات ميهن ما بود كه منشا تحولات اجتماعي، سياسي و فرهنگي مهمي شد.

اهميت نقش حزب توده ايران در حوادث و رويدادهاي تاريخ معاصر ايران آنچنان است كه نمي توان هيچ واقعه تاريخي پراهميتي را در تمامي اين سالها بافت كه نقش و تاثير حزب ما بر آن آشكار نباشد.

اگرچه دستگاه هاي تبليغاتي حكومت هاي ارتجاعي، و بلندگوهاي امپرياليسم جهاني تلاش كرده اند تا با قلب حوادث تاريخي، ماهيت انقلابي و رزمنده حزب طبقه كارگر و زحمتكشان كشور را واژگونه ترسيم كنند، با اينهمه، حزب ما توانسته است بر نيروي ويرانگر دشوارترين آزمون هاي تاريخ ميهن ما فائق آيد، و با وجود حملات گسترده ارتجاع، دستگيري، شكنجه و اعدام ده ها هزار تن از اعضا و هواداران حزب همچنان پيگير و استوار به مبارزات خود ادامه داده است.

ارتجاع و امپراليسم از بنيان هاي فكري و سياسي حزب ما، و از كاربرد خلاق اين بنيان هاي علمي در ارائه راه كارهاي موثر براي پيشبرد امر مبارزه جنبش مردمي و همچنين از توان حزب در سازماندهي كارگران و توده هاي محروم آنچنان هراسان بوده و هست كه تنها سال هاي كوتاهي از حيات شصت و نه ساله حزب ما در شرايط علني سپري شده است.



از مزدوران رژيم وابسته به پهلوي گرفته كه شمار بزرگي انسان هاي والا و رزمندگان قهرمان توده اي همچون روزبه، سيامك، مبشري، و كيوان... را به جوخه هاي اعدام سپردند، تا دژخيمان رژيم ولايت فقيه، كه در بزرگ ترين كشتار سياسي تاريخ ميهن ما، هزاران مبارز راه عدالت اجتماعي و آزادي در بند را، از جمله شمار كثيري از قديمي ترين زندانيان سياسي جهان، اسطوره هاي پايداري زندان هاي شاه و رژيم ولايت فقيه، كه بيش از سه دهه از عمر خود را به خاطر پايبندي به آرمان هاي طبقه كارگر و آزادي ميهن در شكنجه گاه هاي شاه و رژيم جمهوري اسلامي سپري كرده بودند، قتل عام كردند.

هفت دهه نبرد تاريخي حزب توده ايران

برجسته ترين ويژگي هفت دهه مبارزه حزب ما پايداري قهرمانانه توده اي ها در مقابل يورش هاي ارتجاع و امپرياليسم و پافشاري بر ادامه پيكار در راه تحقق اهداف و آرمان هاي طبقه كارگر و زحمتكشان ميهن ما بوده است. به گواهي اسناد منتشر شده دولت هاي امپرياليستي، يكي از مهمترين اهداف كودتاي آمريكايي ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ ، كه به

سرنگوني دولت ملي دكتر مصدق و سركوب خونين جنبش ملي ايران منجر شد، نابودي كامل حزب توده ايران و توان آن براي ادامه فعاليت سياسي بود.

رژيم ولايت فقيه نيز خيلي زود كار نيمه تمام رژيم شاه را، در سال هاي دهه 60، پي گرفت و سران رژيم در سال ۱۳۶۱، سركوب حزب توده ايران را در جبهه هاي جنگ ايران و عراق اعلام كردند هراس ارتجاع و دشمنان مردم و ميهن ما از حزب توده ايران به سبب تاثيرات مهم حزب در دگرگون كردن حركت سياسي، اجتماعي و فرهنگي كشور است.

انتشار صدها کتاب و جزوه علمي، نشريات و مجلات پرمحتواي سياسي، اجتماعي و فرهنگي، نشر گسترده انديشه هاي دوران ساز مارکسيسم – لنينيسم در جامعه، سازماندهي سنديکاهاي کارگري و دهقاني، سازماندهي فعاليت هاي صنفي دانشجويي و ايجاد تشکل هاي پيشرو براي رهايي زنان ميهن از چنگال واپس گرايي و ستم جنسي و طبقاتي، طرح برنامه هاي انقلابي و مبارزه براي به رسميت شناختن حقوق کارگران و تصويب قانون کار، مبارزه براي تحقق اصلاحات ارضي به نفع دهقانان، بهره مند شدن زنان از حق انتخاب شدن و انتخاب کردن، بهداشت و آموزش رايگان براي همه خلق هاي کشور و آزادي احزاب و جمعيت هاي صنفي، از جمله نظرات دوران سازي بودند که براي نخستين بار توسط حزب ما در ميهن ما در شکل و محتوايي سازنده و خلاق مطرح شد و از سوي گسترده ترين قشرهاي جامعه مورد استقبال قرار گرفت، و در راه تحقق آنها هزاران توده اي و نيروهاي مترقي مبارزه اي متشکل را سازماندهي کردند.

سياست هاي حزب توده ايران در بوته آزمون هاي تاريخي

ميعار تاثير مبارزه احزاب و سازمان هاي سياسي کشور بر حوادث تاريخي ميهن ما را مي توان از بررسي سياست هاي مبارزاتي و عملکرد اين سياست ها در پيشبرد برنامه هاي جنبش مردمي استنتاج کرد.

در طول شصت و نه سال گذشته حزب توده ايران با گذشت از فراز و نشيب هاي فراوان و با وجود برخي کاستي ها، توانسته است راه کارهاي نوآورانه و يگانه اي را در پيش روي جنبش مردمي گذاشته و مهر و نشان خود را بر حوادث بر جاي گذارد.

در دهه ۱۳۲۰ و ۱۳۳۰ اين حزب توده ايران بود که در ميهن ما نحست ماهيت ضد انساني فاشيسم را افشا کرد و سپس با روشن بيني به افشاي برنامه هاي امپرياليسم، از جمله امپرياليسم آمريکا در ايران پرداخت. اين در شرايطي بوده که بخش وسيعي از نيروهاي سياسي و ملي کشور درباره سياست ها و برنامه هاي امپرياليسم آمريکا دچار خوش بيني هاي خطرناکي بودند.

در سال هاي دشوار مبارزه برضد حکومت پليسي شاه در دهه چهل اين توده اي ها بودند که ماهيت رفرم هاي سرمايه داري شاه را برملاء کردند و سپس اين حزب توده ايران، يگانه سازمان سياسي کشور بود، که در تيرماه ۱۳۵۴، برنامه همه جانبه اي را براي تحولات مترقي و بنيادين در ايران تدوين و ارائه داد. تحولاتي که به باور حزب ما لازمه اش پيروزي انقلابي ملي و دمکراتيک بود

. پيروزي انقلاب بهمن ۵۷، در حالي که اکثريت نيروهاي چپ رو در آن زمان ارزيابي هاي نادرستي از مرحله انقلاب داشتند و همچنين بخش بزرگي از نيروهاي ملي اصولاً به انقلاب معتقد نبودند، نه تنها نشانگر درستي ارزيابي هاي علمي حزب ما از شرايط کشور بود بلکه مهر و نشان جدي خود را بر خواست هاي نيروهاي شرکت کننده در انقلاب، خصوصا کارگران و زحمتکشان برجاي گذاشت.

طرح شعارهايي همچون اصلاحات ارضي، ملي شدن صنايع و بانك ها، تدوين قانون کار مترقي، به رسميت شناختن حقوق خلق ها و زنان از جمله شعارهايي است که حزب ما در برنامه ۱۳۵۴ ارائه داده بود.

حوادث سال هاي پس از پيروزي انقلاب و مبارزه دشوار حزب ما در شرايط بغرنج توطئه هاي امپرياليسم جهاني براي به شکست کشاندن جنبش و مانورهاي نيروهاي ارتجاعي براي منحرف کردن انقلاب از آرمان هايش نشانگر مبارزات خستگي ناپذير توده اي ها در راه تحقق خواست هاي جنبش مردمي است.

حزب توده ايران از معدود احزاب و سازمان هاي سياسي کشور است که در سال هاي اخير با ديدي روشن به نقد سياست هاي حزب در اين دوران پرداخته است و در برخي عرصه ها به کاستي هاي جدي اين سياست ها اشاره کرده است.

تاکيد بر ادامه حمايت از خميني در حالي که سران رژيم به سرعت به آرمان هاي انقلاب پشت مي کردند، کم توجهي به امر سرکوب خشن آزادي ها و حقوق دمکراتيك، با تاکيد بر اصل عمده بودن تضاد با امپرياليسم و همچنين قبول ضمني اصل ولايت فقيه، تا زمان حيات خميني، از جمله عرصه هايي است که در دهه هاي گذشته از سوي حزب ما به نقد کشيده شده است. در همين دوران دشوار در عين حال حزب ما از جمله معدود نيروهاي سياسي کشور بود که با جسارت در مقابل سياست هاي خانمان برانداز "جنگ، جنگ تا پيروزي" رژيم ايستاد و آن را سياستي غير ملي و مخرب ارزيابي کرد.

رهبري جنبش کارگري و سنديکايي کشور در مقابله با "قانون کار" ضد کارگري احمد توکلي، در اوايل سال هاي شصت از ديگر عرصه هاي فعاليت هاي درخشان توده اي ها در مقابله با برنامه هاي ارتجاع بود.

يورش هاي گسترده و خونين رژيم ولايت فقيه براي نابودي حزب ما، در بهمن ۱۳۶۱ و ارديبهشت ۱۳۶۲، يکي از دشوارترين آزمون ها در طول هفت دهه گذشته بوده است.

دستگيري اكثريت رهبري و كادرهاي آزموده حزب در كنار هزاران رزمنده توده اي و سپس شوهاي تلويزيوني قربانيان شكنجه براي بي اعتبار كردن تاريخ و مبارزات حزب ما، و برنامه هاي مداوم و پيچيده دستگاه هاي امنيتي براي حزب سازي، دامن زدن به جو بي اعتمادي و هدف گرفتن باقي مانده رهبري حزب، حيات حزب توده ها را با مخاطرات جدي رو به رو كرد.

بر رغم اين، توده اي ها توانستند پرچم رزم طبقه كارگر و زحمتكشان ميهن را همچنان در اهتزاز نگاه دارند و به بازسازي سازماني و سياسي خود پرداخته و ققنوس وار از خاكستر اين شكست برخيزند.

يكي از مهمترين اهداف دستگاه هاي امنيتي رژيم در اين سال ها دامن زدن به اختلافات، انشعاب ها و شكاف ها در صفوف حزب ما و جلوگيري از انسجام سياسي – تشكيلاتي آن بود.

نگاهي به حوادث سال هاي اخير و بخش عمده اي از تهاجمات تبليغاتي سازمان دهندگان انشعاب ها و گسست ها كه در راستاي اهداف دستگاه هاي امنيتي رژيم عمل مي كردند نشانگر وجوه مشتركي است كه آنها را مي توان در تهاجم بي امان به حزب ما خلاصه كرد.

اما سوال اين است كه چرا حزبي كه آنچنان ضربه اي را متحمل شده و در پي فروپاشي كشورهاي سوسياليستي تمام بنيان هاي فكري و نظري آن به چالش كشيده شده است، اين چنين هدف جنگ رواني – تبليغاتي دستگاه هاي سركوب رژيم قرار مي گيرد؟

پاسخ اين سوال را بايد در پافشاري حزب ما بر بنيان هاي نظري خود، در اهتزاز نگاه داشتن پرچم ماركسيسم – لنينيسم و انترناسيوناليسم پرولتري، و تدوين سياست هاي روشن و راهگشاي مبارزاتي و تاثيرات همه جانبه آن بر جنبش مردمي ميهن ما جستجو كرد.

نشست كميته مركزي حزب ما در فروردين ماه ١٣٦٩، در دوران دشوار فروپاشي كشورهاي سوسياليستي و در دوران آشفته انديشي نيروهاي گوناگون سياسي در زمينه چگونگي برخورد با حوادث كشور»در پي مرگ خميني، براي نخستين بار شعار "طرد رژيم ولايت فقيه" را مطرح و اعلام كرد. "گذشت زمان صحت و حقانيت سياست مرحله اي حزب را داير بر ضرورت مبارزه دامنه دار و وسيع عليه اصل "ولايت فقيه" به مثابه تئوري و براتيك رژيم استبداد قرون وسطايي مذهبي به اثبات رساند...

وظايفي كه در برابر نيروهاي سياسي و از جمله حزب ما قرار دارد سترگ است: در زمينه سياسي طرد رژيم تئوكراتيك "ولايت فقيه" به منظور پيشبرد اهداف دمكراتيك و تحقق شعار آزادي و صلح، در عرصه اجتماعي – اقتصادي هموار كردن راه رشد اقتصاد ملي به قصد پايان دادن به فقر و فلاكت كنوني، ايجاد كار براي ميليون ها انسان، تأمين سطح زندگي بهتر براي محرومان جامعه، دگرسازي علمي – فني از طريق درهم شكستن نظام آموزشي كنوني در همه سطوح و بالاخره نجات فرهنگ ايراني ... (اسناد پلنوم كميته مركزي حزب توده ايران، فروردين ماه ١٣٦٩، نامه مردم هاي شماره 308 – 312).

كم نبودند نيروهايي كه از چپ و راست بر ديدگاه هاي راه گشاي حزب ما تاختند و آنها را انحرافي معرفي كردند. دستگاه هاي امنيتي رژيم نيز از زبان قربانيان شكنجه و در نشريات زير كنترل شان در خارج از كشور، از جمله نشريه ضد توه اي "راه توده" اين سياست حزب را سياستي خانمان سوز اعلام كرده و توده اي ها را به "شورش" بر ضد مركزيت حزب فراخواندند. امروز با گذشت بيست سال از انتشار اين ارزيابي دقيق از حوادث كشور كمتر نيروي ملي و آزاديخواه و عادل كشور را مي توان يافت كه در اساس با برداشت هاي سياسي ارائه شده از سوي حزب ما در آن دوران دشوار موافق نباشد.

حوادث دهه ١٣٧٠ و حمايت فعال حزب ما از جنبش مردمي در سال هاي اخير نيز از جمله عرصه هاي روشن سياست هاي حزب ما است. حزب ما انتخابات ١٣٧٦ را، رفراندوم تاريخي مردم برضد رژيم ولايت فقيه خواند و با انتقاد از ساست هاي خوشباورانه خاتمي و ديگر نيروهاي اصلاح طلب در تبليغ "اصل مترفي ولايت فقيه" و تاكيد بر تنظيم سياست هاي دولت اصلاحات در چارچوب منافع نيروهاي "خودي" و طرد نيروهاي "غيرخودي"، يعني خطوط قرمز تعين شده از سوي ولي فقيه رژيم استبدادي، از هر حركت مثبت اين دولت، هر چند كوچك، در راه تحقق آزادي ها و حقوق دمكراتيك حمايت كرد.

اين حزب توده ايران بود كه در جريان انتخابات ١٣٨٤، با وجود همه تهاجمات تبليغاتي از چپ و راست با قاطعيت از نامزدي آقاي معين دفاع كرد و هنگامي كه انتخابات با تقلبات آشكار احمدي نژاد به مرحله دوم رسيد دولت خاتمي را به لغو نتيجه دور اول و تن ندادن به برنامه هاي نيروهاي نظامي فراخوند.

مبارزه ادامه دارد

شصت و نهمين سالگرد حزب توده ايران در حالي فرا مي رسد كه بيش از يك سال از كودتاي انتخاباتي 22 خرداد ماه ١٣٨٨، و پيكار باشكوه و آگاهانه

ميليون ها ايراني براي درهم شكستن ماشين استبداد و تحميل اراده مردمي بر رژيم مي گذرد.

سران ارتجاع، و در رأس آن ولي فقيه رژيم، با درك ابعاد شكست تاريخي يي كه درانتظار آنها بود و هراسناك از نزديكي پايان عمر استبداد فقاهتي با باطل كردن راي ميليون ها ايراني، عنصر منفوري همچون احمدي نژاد را برنده انتخابات اعلام كردند.

ابعاد دخالت هاي نظاميان: سپاه پاسداران، بسيج و دستگاه هاي انتظامي، به رهبري علي خامنه اي، و سازماندهي آشكار تقلبات گسترده انتخاباتي آنچنان بود كه حتي اعتراض بخش هاي مهمي از روحانيت وفادار به "نظام" را نيز برانگيخت و بزرگ ترين شكاف در درون نيروهاي حاكميت جمهوري اسلامي را، از زمان تأسيس آن تا به امروز، پديد آورد. سركوب خونين و خشن گردهمايي هاي اعتراضي ميليون ها شهروند خشمگين، در تهران و ديگر شهرهاي مهم كشور، دستگيري و شكنجه هزاران تن از معترضان به تقلبات انتخاباتي، كشتار ده ها تن از تظاهر كنندگان، برپايي دادگاه هاي فرمايشي و نمايشات مسخره "اعترافات" قربانيان شكنجه و همچنين تشديد فضاي امنيتي كشور تا حدي كه بسياري از مراجع تقليد شيعه عملاً در خانه هاي خود زنداني هستند، ابعاد گسترده بحران مشروعيت رژيم را نشان مي دهد.

در تمامي تاريخ سي ساله رژيم جمهوري اسلامي دوراني را نمي توان يافت كه رژيم با چنين بحراني رو به رو باشد و رهبر آن، علي خامنه اي، و اصل ولايت در ميان "نيروهاي خودي" تا به اين حد بي اعتبار شده باشد.

حوادث اخير نشان داد كه رژيم حاكم با تكيه بر سرنيزه و زور است كه مي خواهد به حيات خود ادامه دهد و از اين رو نيز به سرعت به سمت بيش از پيش نظامي – امنيتي كردن حيات سياسي كشور پيش مي رود.

حركت هاي سركوبگرانه اخير نه تنها از سر قدرت نيست بلكه نشانگر ضعف هاي جدي رژيم و خطرات واقعي است كه ادامه حيات آن را تهديد مي كند.

اگرچه اعتراضات خياباني گسترده توده ها با حضور سنگين نيروهاي نظامي و انتظامي پايان يافته است ولي انزجار و بي اعتباري رژيم آنچنان است كه تنها با حفظ فضاي شديد اختناق و سركوب مي تواند جلوي ازسرگيري اين حركت هاي را سد كند.

جنبش مردمي در مقابل چالش هاي جدي يي كه دستگاه هاي سركوب رژيم در مقابل آن قرار دارند نه تنها با استواري و سربلندي ايستاده است بلكه نشان داده است كه از بلوغ تحسين برانگيز سياسي برخوردار است. مبارزه براي طرد رژيم ولايت فقيه و استوار يك حكومت ملي و متكي بر آراي مردم نه تنها سركوب نشده است بلكه هر روز اشكال جديدي را مي يابد و حيات رژيم ولايت فقيه را به چالش جدي كشانده است.

نافرماني همگاني و تحريم گسترده همه نهاده هاي وابسته به استبداد و همچنين ادامه اعتراض هاي مردمي، گسترش و تحكيم وحدت در صفوف نيروهاي اجتماعي مدافع جنبش و در ميان نيروهاي سياسي ملي و مردمي از جمله راه هاي ادامه موثر و ارتقاي كيفي و كمي مبارزه كنوني است.

رزمندگان توده اي! اعضاء و هواداران حزب

زنده ياد رفيق حجت الله قريشي، كه در سنگرهاي انقلاب جان خود را باخت، مي گفت: "با حزب توده ايران، تاريخ و سرگذشت شگرفي همدوش است. چيزي مرموز و پرجاذبه، چيزي به تبرك روزبه، سيامك و وارطان در سطر سطر تاريخ اين حزب موج مي زند، چيزي شبيه موج و طوفان."

حيات شصت و نه ساله حزب توده ايران بيش از هر چيز مديون پيكار خستگي ناپذير و قهرمانانه شماست. شما در شصت و نه سال گذشته در سهمگين ترين آزمون ها، وفادار به آرمان هاي والا و انساني حزب طبقه كارگر ايران پرچم حزب توده ها را در اهتزاز نگاه داشتيد و اين راز روئين تني حزب ماست، كه بر رغم همه تلاش هاي غدارانه ارتجاع همچنان استوار و نيرومند در عرصه مبارزات سياسي كشور حضور دارد.

از بهمن ماه ۱۳٦۲، كه يورش وسيع دستگاه هاي امنيتي رژيم به حزب ما آغاز شد تا به امروز يعني نزديك به 25 سال است كه رژيم ولايت فقيه همه امكانات گسترده خود را، از كشاندن قربانيان شكنجه به پاي تلويزيون، تا حزب سازي و تلاش براي انشقاق و انفجار حزب از درون، و بي اعتبار كردن مركزيت آن، به كار گرفته است و همچنان به اين تلاش ها ادامه مي دهد. هوشياري و آگاهي تحسين برانگيز اعضاء و هواداران حزب سد اساسي موفقيت برنامه هاي رژيم بوده و خواهد بود.

در آستانه شصت ونهمين سالگرد تاسيس حزب توده ايران با كاروان انبوه جان باختگان قهرمان حزب و همه جان باختگان راه آزادي تجديد عهد مي كنيم و بار ديگر اعتقاد عميق و خلل ناپذير خود را به رسالت تاريخي حزب توده هاي كار و زحمت، براي رهايي ايران از چنگال استبداد و استقرار آزادي، استقلال واقعي و عدالت اجتماعي، اعلام مي كنيم.

درود آتشين به خاطره تابناك همه جان باختگان راه آزادي

درود به زندانيان سياسي قهرمان و همه خانواده هاي شهدا و زندانيان سياسي

پيروز باد مبارزه مشترك همه نيروهاي آزادي خواه براي طرد رژيم ولايت فقيه!

كميته مركزي حزب توده ايران

۳ مهرماه ۱۳۸۹

****

آرمانهاي انقلاب اکتبر زنده اند

امسال بشریت مترقی در اوضاعی به استقبال سالگرد پیروزی انقلاب اکتبر می رود که، بحران ژرف و همه جانبه اقتصادی، سیستم سرمایه داری جهانی را فراگرفته و جنبه گذرا و موقتی این صورت بندی را بیش از هر زمان دیگری آشکار ساخته است.

این واقعیت در برخورد و ارزیابی تاریخی از ماهیت و جایگاه انقلاب اکتبر از اهمیت جدی و اصولی برخوردار بوده و مدخل داوری پیرامون این رویداد سترگ تاریخی و دستاوردها و اندیشه های آن برای دوران کنونی یعنی دوران جهانی شدن است و دقیقا از چنین زاویه ای باید به این پرسش کلیدی که آیا در دوران ما در چارچوب جهانی شدن و رشد و گسترش فن آوری های نوین، انقلاب اکتبر و اندیشه و آرمان آن هنوز اهمیت و موضوعیت خود را حفظ کرده و یا اینکه به عنوان تجربه ای ناموفق به تاریخ پیوسته است، پاسخی روشن و مشخص داد!
رخ داد اکتبر یک تصادف در طول تاریخ دراز تکامل بشری نیست، این انقلاب زنجیره ای از حرکت قانونمند تاریخ به سوی تکامل و ترقی و آزادی واقعی انسان محسوب می گردد و از این رو تاکید براندیشه و ارزش های آن به ویژه در عرصه نظری و ایدئولوژیک خاصه آنجا که جنبه عام و جهانشمول می یابد در نبرد دشوار کنونی میان جبهه کار و سرمایه از اهمیت بنیادین برخوردار است. با انقلاب اکتبر بشر دوره نوینی را آغاز کرد و به سمت نقطه پایان نهادن به جبر اجتماعی گام بلندی به پیش برداشت ‘‘:اختیار جبر شناخته شده است‘‘، بنابراین انسان با کشف و دریافت قوانین جامعه و تاریخ، شرایط غلبه بر جبر اجتماعی را فراهم می سازد. با پیروزی انقلاب اکتبر انسان دست به تغییر نظام اجتماعی و آفرینش آگاهانه جامعه نوینی زد که با آرمان های دیرینه انسانی و آرزوها و آمال های کنونی او توافق داشته و دارد.

در واقع پیروزی انقلاب اکتبر یک کامیابی عظیم دانش فلسفی-اجتماعی انقلابی، یک رخ داد منحصر بفرد در سراسر سرگذشت پر فراز و نشیب بشریت بود و جامه حقیقت براین اندیشه کارل مارکس پوشاند که می گفت، فلاسفه تاکنون جهان را توصیف می کردند ولی اینک باید دست



به کار تغییر آن زد!
درست برپایه لزوم چنین تغییری است که با توجه به بحران اقتصادی کنونی ‘‘شبح کمونیسم‘‘ به فراز دنیای ما به پرواز درآمده و خواب را از چشمان ‘‘پاپ ها‘‘، ‘‘مترنیخ ها‘‘، ‘‘تزارهای‘‘ دوران جهانی شدن ربوده است! آیا امروزه بیش از هرزمان دیگری زحمتکشان فکری و یدی در اندیشه و تکاپوی تغییر جهان نیستند؟ و آیا در این تکاپوی آینده ساز ارزش ها و آرمان های اکتبر کبیر مورد توجه و بررسی نیست؟ به هر روی یاد کرد و گرامیداشت انقلاب اکتبر نمی تواند جدای از اندیشه مارکسیسم-لنینیسم قلمداد گردد. لنین به مثابه ادامه دهنده خلاق و مبتکر مارکس و انگلس، با کشف ماهیت اقتصادی-سیاسی امپریالیسم به قانون رشد ناموزون کشورهای سرمایه داری در دوران امپریالسم رسید. این قانون از مهمترین کشفیات لنین است که در تکامل مارکسیسم نقش اساسی داشت.

فعالیت نظری خلاق لنین عرصه های متنوعی را در برمی گیرد و دستاوردها و تجربیات انقلاب اکتبر با این فعالیت جوشان نظری و بطور کلی مارکسیسم-لنینیسم پیوند ناگسستنی دارد، لنینیسم پرچم اندیشه انقلاب اکتبر بود و برخلاف مدعیات کسانی که می خواهند و می کوشند با دستاویز فروپاشی سوسیالیسم در روسیه و اروپای شرقی، آن را در نقطه مقابل مارکسیسم قرار دهند، زاییده مارکسیسم و امتداد علمی و اصولی نظرات مارکس و انگلس است و از آن جدایی پذیر نیست. صحیح است که لنینیسم بطور عمده در نتیجه فعالیت فکری لنین و بررسی اوضاع خاص روسیه و اروپای اوایل سده بیستم و اعمال خلاق تئوری های مارکسیستی با این اوضاع مشخص به وجود آمده ولی این امر مانع از جنبه عام و بین

المللی اصول لنینیسم و پیوند آن با مارکسیسم نیست. ویژگی برجسته نظرات خلاق لنین یا همان لنینیسم به مثابه اندیشه انقلاب اکتبر در آنست که با توجه و با بررسی اوضاع تاریخی جدید جهان نظرات مارکس و انگلس را بسط و تکامل داد و بنیان های علمی این نظرات را تقویت و استحکام بخشید.

از این رو مارکسیسم-لنینیسم به عنوان پرچم اندیشه و آرمان انقلاب اکتبر در عام ترین و مهمترین خطوط خود از جمله در تعریف و توضیح ماهیت امپریالیسم، بحران های اقتصادی نظام سرمایه داری، ناموزونی رشد اقتصادی در دوران امپریالیسم و تئوری انقلاب سوسیالیستی، اهمیت، علمیت و موضوعیت خود را حفظ کرده است. مارکسیست-لنینیست ها در توضیح علل بحران های اقتصادی از جمله بحران کنونی، برخلاف نظریه پردازان مدافع سرمایه داری و یا رفرمست های منتقد جهانی شدن، به ماهیت پدیده ها و رابطه دیالکتیکی آن توجه می کنند و ضمن افشای پیگیرانه نظرات مخرب نولیبرالی، بحران های اقتصادی را نتیجه تضاد درونی سرمایه داری که هر چند گاه به صورت بحران تظاهر و بروز می نماید، ارزیابی می کنند. به عبارت دیگر بحران ها منجمله بحران ژرف و دامنه دار کنونی چیزی نیستند جز تظاهر تضادهای سرمایه داری و حل موقت این تضادها و برقراری موقت تناسب لازم میان رشته های گوناگون که به شکل کورکورانه و لذا خشن و ویرانگر صورت می گیرد .آن چنان که پیدا است ژرفش بحران اقتصادی توجه جدی به تئوری های مارکسیسی-لنینیستی در خصوص امپریالیسم را برانگیخته است. بودند و هستند افراد و جریانات فکری که از "راست" و "چپ" با ارایه تعریف غیر علمی از جهانی شدن و با عمده ساختن دستاوردهای علمی و فنی شگفت آور اواخر سده بیستم و اوایل سده بیست و یکم، اکتبر و اندیشه های آن را پایان یافته و نارسا معرفی می سازند.

ماتریالیسم دیالکتیک می آموزد که واقعیت تمام نشدنی، بغرنج و لذا دارای جوانب مختلف و پیچیده است و بر این اساس سیر قانونمند تاریخ به سوی تکامل را نمی توان محدود و مسدود به حساب آورد و نظام سرمایه داری را ابدی دانست که باید به بازسازی و اصلاح آن کمربست! آیا مقایسه اندیشه های انقلاب اکتبر با وضعیت کنونی جهان خود گویای این حقیقت نیست؟

خصوصیت اصلی و بنیادین اندیشه های اکتبر که عبارتند از شکستن تعبدها و زنجیره های فکری، درهم کوبیدن جمود و خشک اندیشی و ضرورت تغییر جهان به سود نیروهای پیش رونده تاریخ همچنان علمی و معتبر است! مارکسیسم-لنینیسم نظریه قشری و جامدی نیست که احکام آن یکبار برای همیشه تنظیم شده و مافوق همه چیز قرار دارد. لنین پیشوای انقلاب اکتبر در اثر ارزشمند خود ماتریالیسم و امپریوکرینیسم (رفیق طبری معادل مایه گرایی و آزمون سنجی را برای این اثر لنین پیشنهاد کرده بود) خاطر نشان ساخته: "نقطه نظر زندگی و عمل باید نقطه نظر اولیه و اساسی تئوری شناخت باشد".

چنین است ماهیت و سیمای اندیشه هایی که انقلاب اکتبر بر پایه آن به ثمر رسید دوران ما و مشخصات آن با صراحت از طراوت و زنده بودن اکتبر و آرمان های آن حکایت می کنند!

****

حزب توده ایران و مبارزه در راه رفع ستم ملی

حزب توده ایران از بدو تشکیل خود در سال ۱۳۲۰ تاکنون به پیروی از آموزه های مارکسیست _ لنینیستی الغای ستم ملی و تامین حقوق برابر همه ی ملیت ها و اقلیت های مذهبی ساکن ایران را از الویت های مبارزاتی خود به شمار آورده است.

حمایت همه جانبه حزب توده ایران از جنبش های ملی _ مترقی آذربایجان و کردستان در سال ۱۳۲٤ و مشارکت صادقانه ی صدها تن از اعضای حزب توده ایران در این رویدادهای تاریخی سند درخشانی از دفاع همه جانبه و عملی حزب توده ایران از جنبش های مترقی خلق های ایران در راه رفع ستم ملی است.

از آن پس نیز، به گواهی اسناد غیرقابل کتمان تاریخی، حزب ما از همین سیاست اصولی جانبداری نموده و در این راه مبارزه نموده است.

با این وصف حزب ما بین مبارزه ی حق طلبانه و اصولی خلق های ایران برای کسب حقوق برابر و رفع همه اشکال ستم ملی و مذهبی، با اقدامات ماجراجویانه و تحریک آمیز جریانات وابسته به امپریالیسم و ارتجاع منطقه تفاوت اصولی و بنیادین قایل است.

ما از مبارزه حق طلبانه همه ی ملیت ها و اقلیت های مذهبی ساکن ایران قاطعانه دفاع کرده و می کنیم. اما با تمام نیرو برضد تقرقه افکنی و سواستفاده ی برخی محافل ارتجاعی و مشکوک از مسائل و مشکلات ملی و مذهبی که امپریالیسم آن را تدارک دیده، مخالفت و مقابله می کنیم.

در اوضاع دشوار کنونی که ارتجاع حاکم بدیهی ترین حقوق خلق های ساکن ایران را پایمال کرده و به شیوه های خشن و ضدانسانی هر ندای حق طلبانه ا ی را در هر کجای ایران، با خشونت تمام سرکوب می کند، باید توجه داشت که مبارزه برای رفع ستم ملی و مذهبی تابعی از نیازهای مبارزه سراسری جنبش مردمی برای نیل به آزادی، دمکراسی و عدالت اجتماعی و طرد رژیم ولایت فقیه است.

در چنین شرایطی و تا زمانی که رژیم ستم پیشه و بغایت ارتجاعی ولایت فقیه برسر کار است، نمی توان انتظار داشت که هیچکدام از ملیت ها و اقلیت های مذهبی و دگراندیشان سیاسی به حقوق انسانی خود دست یابند.

سیاست ها و اقدامات سرکوبگرانه و ارتجاعی جمهوری اسلامی همه خلق های ساکن ایران و دگراندیشان را هدف گرفته است، بنابراین برای مقابله با آن بایستی در یک جبهه واحد ضد دیکتاتوری به مبارزه پرداخت و قاطعانه با نیروها و جریاناتی که آگاهانه و ناآگاهانه مسائل ملی و منطقه ای را به مسئله عمده و اساسی بدل می کنند و با ایجاد تفرقه در صفوف مبارزه سراسری خلق های ایران بر ضد رژیم ولایت فقیه، عملا به حیات آن یاری می رسانند، مخالفت و مبارزه کرد.

همچنین لازم است که همه سازمانها، احزاب و جریانات دمکراتیک و مترقی ایران، مسئله رفع ستم ملی و مذهبی را به عنوان بخشی از اهداف اصلی جنبش سراسری قلمداد کنند، در غیر این صورت جنبش سراسری تضعیف و جنبش ملی خلق های ساکن ایران نیز تکیه گاه اصلی خود را از دست داده و امکان مانور نیروهای ارتجاعی رژیم ضد ملی ولایت فقیه در سرکوب این جنبش ها و توان امپریالیسم و جریانات مرتجع برای سواستفاده از مسائل ملی و مذهبی افزایش می یابد.

بدون شک جریانات مشکوک و بی ریشه ای که به ویژه طی یکسال اخیرهم صدا با بلندگوهای تبلیغاتی رژیم، تمام توان خود را به کار گرفته اند تا مانع از پیوند جنبش حق طلبانه خلق کرد با جنبش سراسری شوند و هیچ فرصتی را برای بدنام کردن رهبران موثر جنبش سراسری از دست نمی دهند، نمی توان و نباید دوست و حامی ملت کرد به شمار آورد.

با این وصف لازم است حساب برخی جریانات و روشنفکران مترقی، خواه کرد و غیر کرد را که به دلایل تاریخی دچارنوعی بدبینی و بدگمانی نسبت به اهداف جنبش سراسری هستند، از باندها و جریانات مشکوک جدا نمود و نباید اینگونه جریانات و افراد را که عمدتا از تحقق پیدا نکردن شعارها و اهداف اصلی انقلاب سال 1357 سرخورده اند به صف دشمنان خلق کرد و جنبش سراسری راند. اینان با تعمیق و گسترش مبارزات سراسری، دیر یا زود با شور و امید به صفوف جنبش خواهند پیوست و در جریان آن شرکت موثر خواهند داشت.

پیروز باد مبارزات سراسری خلق های ایران در راه طرد رژیم ولایت فقیه و رفع همه ی اشکال ستم و نابرابری.

****

۸ اکتبر روز جهانی کودک

روزی که برای تمام کودکان ایران نیست

• یک میلیون و ۴۰۰هزار کودک کار و ۳۰۰ هزار کودکی که پشت در مدرسه ماندند بخشی از وضعیت کودکان در ایران است. ... ایلنا

در ایران ۱۶ مهر روز کودکان است که برابر با ۸ اکتبر این روز در سراسر جهان روز جهانی کودک نامگذاری شده است.
تعدادی از کودکان ایرانی، تنها همین روز «عزیزپرورده» می‌شوند و سراسر این روز را همراه با صرف پفک، چیپس، تخمه و.. پای کارتون‌ها و فیلم‌های مختلف روز کودک می‌نشینند، امروز دیگر شکی ندارند که پدر و مادرشان بابت خیره شدنشان به تلویزیون به آنها غر نمی‌زند.
کودکان دیگر به بهانه این روز هم که شده از پشت ویترین‌های پر زرق و برق مغازه‌ها، گرانقیمت‌ترین اسباب‌بازی را از آن خود کرده و در کنار آن دست پر مهر پدر یا مادر را بر روی پیشانی خود حس می‌کنند اما کودکان دیگری حتی ۱۶ مهر هم آزار می‌بینند، از تلویزیون محروم می‌شوند، گوشه خیابان کار می‌کنند؛ انگشتان کوچکشان همچنان گره‌های نخ را به روی قالی سفت می‌کند؛ بچه‌داری می‌کنند و هزاران هزار کودک در گاراژ و کارگاه‌ها رنگ آفتاب، اسباب بازی، استراحت و.. را نمی‌بینند.
ایران هفده سال است که به کنوانسیون بین‌المللی حقوق کودک پیوسته اما با این وجود حتی کمتر از ۱۵ درصد از کودکان و



خانواده‌هایشان با این قانون آشنا هستند.
در شرایطی که بیش از ۵۰ درصد از والدین ایرانی تنبیه بدنی کودکان را حق طبیعی خود می‌دانند، ۳۰ درصد از کودکان یک تا پنج سال در معرض آزارهای جسمی هستند، ۵۳ درصد از آزاررسان‌های پر و پا قرص کودکان پدران و ۹۰ درصد آزارها توسط پدر و مادر و یا ناپدری و نامادری و در فضای خصوصی منزل صورت می‌گیرد؛ وقتی ۷۰ درصد از تماس‌ها با اورژانس اجتماعی (۱۲۳) به دلیل کودک‌آزاری بوده، با وجود آنکه امسال حدود ۳۰۰ هزار کودک از تحصیل بازمانده‌اند و آمار کودکان خارج از چرخه تحصیل در مدارس، دورنمای خوبی ندارد، در چنین شرایطی می‌خواهیم روز جهانی کودک را تبریک بگوییم!
وجود یک میلیون و ۴۰۰ هزار کودک کار در کشور که هفت هزار کودک کار مربوط به تهران هستند، افزایش مادرانی که نمی‌خواهند مادر و همسر فداکار باشند و سایر موارد نشان از وجود خلاءهای زیادی در حوزه کودکان دارد.
در عین حال علی‌رغم خلاءهای بی‌شمار ،براساس گفته صاحب نظران، پیمان‌نامه حقوق کودک به کتابچه‌ای فاقد اهمیت در کشور تبدیل شده که در حال حاضر در میان سایر کتاب‌ها و قوانین خاک می‌خورد.

****

رفیق شهید حسن قزلچی

(بنیانگذار ادبیات داستانی کردی در ایران)

رفیق شهید حسن قزلچی (ماموستا حه سه ن قزلچی) در سال ۱۲۹٤ در یک خانواده مبارز در شهر بوکان متولد شد.
رفیق قزلچی در سنین جوانی در دوران مبارزه خلقهای ایران علیه استبداد رضاخانی فعالیت انقلابی خود را آغاز کرد. وی که به خوبی با مسائل ایران و به ویژه با مسائل کردستان آشنایی داشت و ستمی را که در حق مردم محروم کردستان اعمال می شد با همه وجود احساس می کرد، پس از سقوط رضاخان با جمعی از روشنفکران مبادرکرد، گروهی با عنوان **"کومه‌له ژ.کاف"** را که یک جریان مترقی و ضداستبدادی بود تشکیل دادند.
"کومه له ژ. کاف" نخستین تشکل سیاسی کردهای ایران به شمار میرود و به همین خاطر، تشکیل این جریان در تاریخ سیاسی ملت کرد دارای اهمیت زیادی است. این گروه رفع ستم ملی از کردهای ایران را هدف خود قرار داده بود.
"کومه له ژ. کاف" به ویژه پس از پیوستن قاضی محمد به آن نفوذ و اعتبار فراوانی یافت و در سال ۱۳۲٤ اندکی قبل از تشکیل حکومت خودمختار **"جمهوری کردستان"** به حزب دمکرات کردستان ایران تغییر نام داد و رفیق حسن قزلچی به عضویت کمیته مرکزی این حزب انتخاب گردید.
با تاسیس حکومت خودمختار کردستان در سال ۱۳۲٤ ، قاضی محمد رهبر پرآوازه کردهای ایران و رئیس جمهوری کردستان، رفیق قزلچی را به سمت مشاور فرهنگی خود برگزید.
با سرکوب حکومت های خودمختار آذربایجان و کردستان، رفیق قزلچی همراه با تعدادی از همرزمانش به کردستان عراق مهاجرت نمودند و در آنجا به تجدید تشکیلات حزب دمکرات کردستان ایران و انتشار نشریه "ریگا" پرداختند.
رفیق قزلچی در همین دوران با رفقای حزب شیوعی عراق (حزب کمونیست عراق) پیوند یافت و با نشریات این حزب نیز همکاری می نمود.
رفیق قزلچی در اواخر دوران حکومت نوری سعید در عراق به دلیل همکاری با احزاب انقلابی عراق دستگیر و مدتی زندانی گردید که با پیروزی انقلاب عراق در سال 1958 از زندان رهایی یافت.
در همین سالها بود که رفیق حسن قزلچی با ایدولوژی دورانساز مارکسیسم _ لنینیسم آشنایی عمیق تری یافت و به حزب توده ایران پیوست.



رفیق قزلچی در اواخر دهه ۱۳۳۰ با توجه به سوابق و تجربیات فرهنگی و مطبوعاتی اش به عنوان عضو هیئت تحریریه **"رادیو پیک ایران"** که از طرف حزب توده ایران اداره می شد، برگزیده و مسئولیت بخش کردی این رادیو را برعهده گرفت.
باسرنگوني استبداد محمد رضا شاهي و پیروزی انقلاب خلقهاي ایران ، رفیق حسن قزلچی پس از یک دوره طولانی زندگی در تبعید به ایران برگشت و مسئولیت انتشار **"نامه مردم" ارگان کمیته مرکزی حزب توده ایران به زبان کردی را برعهده گرفت.**
رفیق قزلچی در این زمان عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران بود.
مسئولیت انتشار نامه مردم به زبان کردی را می توان آخرین فعالیت مطبوعاتی رفیق قزلچی به شمار آورد.
رفیق قزلچی در جریان یورش رژیم ارتجاعی ولایت فقیه به حزب توده ایران در سالهای۲-۱۳٦۱همراه با شمار زیادی از اعضای کمیته مرکزی و کادرهای برجسته حزب دستگیر گردید و در حالی که ۷۰ سال از عمر پربارش سپری می شد، از طرف شکنجه گران ددمنش ولایت فقیه در بند مخوف ۳۰۰ تحت چنان شکنجه های جسمی و روانی سخت و طاقت فرسایی قرار گرفت که در مهرماه ۱۳٦۳در زیر شکنجه شهید شد.
در واقع در طول بازداشت و در دوران "بازجویی"های توام با سخت ترین و غیرانسانی ترین شکنجه ها به منظور اعتراف گیری در بند ۳۰۰ ، ۱۱نفر از اعضای کمیته مرکزی حزب توده ایران طی سالهای ٤ - ۱۳٦۲ در زیر شکنجه به شهادت رسیدند که رفیق حسن قزلچی یکی از آنان بود.
رفیق قزلچی که به حق در میان مردم کرد به "ماموستا حه سه ن قزلچی" معروف است، را میتوان علاوه بر یک فعال سیاسی و خستگی ناپذیر ، یکی از

پرسابق ترین روزنامه نگاران کرد به شمار آورد.
همچنین وی نخستین داستان نویس کرد و بنیانگذار ادبیات داستانی کردی در ایران است.

آقای" رضا کریم مجاور" پژوهشگر و نویسنده کتاب ارزشمند ***"آنتولوژی داستان کوتاه کردستان ایران از آغاز تا امروز"*** طی گفتگو با ایسنا درباره جایگاه رفیق حسن قزلچی در ادبیات نوین کردی میگوید: **حسن قزلچی از اوایل سالهای دهه 1320 به کار نوشتن می پردازد و نخستین چهره ی کرد ایران است که داستان می نویسد."**

از رفیق حسن قزلچی علاوه بر چند مجموعه داستان کوتاه به زبان کردی، صدها مقاله و گفتار رادیویی در زمینه های گوناگون ادبی، سیاسی، اجتماعی به زبانهای کردی و فارسی برجای مانده است.

مجموعه داستان "**پێکەنینی گەدا**" (خندیدن گدا) وی را می توان از بهترین نمونهای ادبیات داستاني به زبان کردی به شمار آورد.

رفیق حسن قزلچی در میان فعالین سیاسی و نویسندگان کرد کشورهای عراق، سوریه و ترکیه از شهرت و اعتبار فراوانی برخودار بود و شهادت وی در شکنجه گاه رژیم ولایت فقیه موجی از نارضایتی و نفرت را در این مناطق برانگیخت.

یادش گرامی و راهش پر رهرو باد!

****

به مناسبت٦٩ مین سالگرد تاسیس
حزب توده ایران

تو هر کجا که باشی
گرده افشانی اندیشه ات
در میان گلبرگهای شعرم
آنچنان نطفه می بندد
تا باروری باورم به ثمر بنشیند.

و در زیر سایه سار
آگاهی ات
که شریف است و نجیب
نیلوفرانه رشد می کنم.

و بر گرد ساقه هایت می پیچم
تا از شیرهء حیات بخش سیال در رگانت
بنوشم.

من رهایت نمی کنم
هر کجا که باشی می یابمت.

تویی که آنچنان در باز پروری زیستن
توانایی
که خدا را به رشک می اندازی.

اما هرگاه با تو سخن می گویم
آهوی گریزان چشمانم
از تو رم نمی کند،

و با چشمانم آنچنان دیدگانت را
نشانه می گیرم
که حس هم تراز بودن
از دستانمان نگریزد.

نه آنسان که کرنش کنان
با خدا سخن می گویند!

وقتی که با تو سخن می گویم
پژواک صدای خویش را
در گوشهای خود می شنوم.

چرا که با تمام عظمتت در درون مایی
و بزرگیت از جان مایهء
یکایک ما ریشه می گیرد.

مسعود دلیجانی

دوشنبه ۱۲ مهر ۱۳۸۹ - ۰۴ اکتبر ۲۰۱۰

****

اجلاس منطقه ایِ "شورای جهانی صلح":

هرگونه مداخله خارجی در ایران را محکوم می کنیم!

شورای جهانی صلح، از پیکار زحمتکشان ایران در راه صلح، حقوق دموکراتیک و عدالت اجتماعی پشتیبانی می‌کند، و بر این نکته تأکید می‌کند که: روند و سمت‌گیریِ تحولات سیاسی آتیِ ایران فقط باید توسط خود مردم ایران تعیین شود اجلاس منطقه خاورمیانه " شورای جهانی صلح"، در روز ۷ مهرماه، در شهر قاهره، پایتخت مصر، و با شرکت سازمان های مدافع صلح و همبستگی از: اردن، ایران، فلسطین، سوریه، عراق، ترکیه، سودان، مصر، و با حضور نمایندگان سازمان های صلح از کشورهای: هندوستان، یونان و قبرس، برگزار گردید. دبیر اجرائی "شورای جهانی صلح" و همچنین هیئتی از "سازمان همبستگی با خلق های آسیا - آفریقا"، که میزبانی نشست را به عهده داشت، در جلسه شرکت کردند. نماینده کمیته دفاع از حقوق مردم ایران ("کودیر")، به دعوت "شورای جهانی صلح" در این جلسه شرکت و دررابطه با تحولات ماه های اخیر ایران و تهدید های ایالات متحده و اسرائیل، سخنرانی کرد.
به ابتکار مشترک "شورای جهانی صلح" و "سازمان همبستگی با خلق های آسیا - آفریقا"، یک روز قبل از اجلاس منطقه ای، در روز ۵ مهرماه ، کنفرانسی با عنوان: جنبش صلح و همبستگی در منطقه و "خاورمیانه جدید" ، با موفقیت برگزار شد. در بحث های اجلاس منطقه ای "شورای جهانی صلح"، مسئله ضرورت ایجاد شرایط مورد نیاز برای بسیج یک جنبش صلح موثر و توده ای مورد توجه شرکت کنندگان قرار گرفت. نمایندگان چندین سازمان صلح از کشورهای منطقه، در رابطه با اهمیت ایجاد شرایط دموکراتیک برای شرکتِ موثر و همه جانبه جنبش کارگری، جوانان و زنان در جنبش صلح، تاکید کردند.
نماینده "کمیته دفاع از حقوق مردم ایران"، "کودیر"، در سخنان خود به شرایط خطرناکی که به دلیل سیاست های امپریالیسم و همچنین سیاست های ضدمردمی و نابخردانه رژیم، ایران را تهدید می کند، اشاره کرد. او متذکر شد که، یکی از پی آمدهای اصلی و خطرناک سیاست سرکوبی که رژیم تمامیت گرا در پیش گرفته است، ایجاد موانع جدی بر سر



راه کوشش ها برای بسیج و سازمان دهیِ یک جنبش صلح وسیع و واقعی در کشور است. او با اعلام حمایت از جنبش اعتراضی مردم ایران و محتوای صلح دوستانه و ترقی خواهانه آن، تمامی تلاش های مسموم نیرو هائی را که با سیاست ها و اظهار نظرهای خود طرح های خطرناک دولت ایالات متحده و متحدان آن و به ویژه اسرائیل را توجیه می کنند، و یا از تحریم های اعمال شده برضد مردم ایران حمایت می کنند، به طور صریح محکوم کرد. او در ادامه سخنان خود، سیاست های رژیم را در واقع در خدمت و درمسیر خواست های امپریالیسم ارزیابی کرد، و گفت: "رژیمی که اتحادیه های کارگری را منحل و فعالان کارگری را زندانی می کند، کمونیست ها و فعالان چپ را در زندان ها به سبعانه ترین شکل شکنجه می دهد و سر به نیست می کند، جلو هرگونه فعالیت آزاد و مستقل فعالان جنبش زنان و دانشجویی را می گیرد، و برای روشنفکران و هنرمندان مردمی محدودیت های بی سابقه ایجاد می کند، در حقیقت برضد جنبش صلح، بر ضد جنبش مقاومت مردم در برابر تهدیدات امپریالیسم آمریکا و اسرائیل، عمل می کند."
در بیانیه پایان‌گیریِ اجلاس منطقه ای "شورای جهانی صلح"، که از سوی شرکت کنندگان در اجلاس به تصویب رسید، در رابطه با تحولات ایران اظهار شده است : " کارزار برنامه‌ریزی شده و منظمی که از سوی اسرائیل، ایالات متحده آمریکا و متحدان اروپایی آن بر ضد ایران، پیرامون مسئله هسته‌ای دامن زده شده است، نه تنها ایجاد تنش، بلکه همچنین آماده کردن افکار عمومی این کشورها و کشورهای منطقه به منظور به راه انداختن درگیری و کشمکشی جدید است. اجلاس منطقه ای شورای جهانی صلح، مخالفِ تحمیل تحریم‌های اقتصادی از سوی شورای امنیت سازمان ملل متحد و تحریم‌های

تنبیهی و برنامه ریزی شده دیگر از سوی اتحادیه اروپا بر ضد ایران است، و از حق ایران برای بهره برداری از انرژی هسته‌ای به منظور مصارف صلح آمیز حمایت می‌کند." شرکت کنندگان در اجلاس منطقه ای شورای جهانی صلح، همبستگی خود را با نیروهای صلح دوست ایران در مبارزه بغرنج شان برای صلح، دموکراسی و عدالت اجتماعی، ابراز کردند. شرکت کنندگان در اجلاس، بر وجودِ ارتباطِ ذاتی میان مبارزه برای حقوق و آزادی های دموکراتیک مردم زحمتکش، و توانِ ورود به کارزار در راه یک جنبش صلح توده ای و موثر به منظور مقاومت در برابر تهدیدهای امپریالیسم جهانی به رهبری امپریالیسم آمریکا را مورد تائید و تاکید قرار دادند." نیروهای صلح‌دوستِ خاورمیانه تردیدی ندارند که، در نتیجه مقاومت و پیکار مردم منطقه و جنبش همبستگی با آن در سرتاسر دنیا، این نقشه‌های امپریالیستی نقش بر آب خواهند شد. این پیکار مردم، پیکاری است در راه صلحِ واقعی، پیشرفت و عدالت اجتماعی، پیکاری است در راه دفاع از حقوق و آزادی‌های دموکراتیک، و مبرا از دخالت نیروهای امپریالیستی. "دکتر آکل تاقظ"، مسئول فلسطینیِ کمسیون منطقه خاورمیانه و عضو هیئت

اجرائیه شورای جهانی صلح، در گزارش خود، که به تائید اجلاس رسید، هر گونه تهدیدی بر ضد ایران را مردود و محکوم شمرد، و حمایت کامل خود را از مبارزه مردم و نیرو های مترقی ایران برای یافتن راهکارهایی برای حل مسائل داخلی کشور، بر اساس حفظ خودمختاری و استقلال ایران و بدون هرگونه دخالت خارجی، اعلام کرد، و ضمن دفاع از "مبارزه زحمتکشان ایران در راه صلح، حقوق دموکراتیک و عدالت اجتماعی" هر گونه طرح و برنامه ای برای تهاجم نظامی به ایران به هر بهانه‌ای را محکوم کرد. گزارش به این حقیقت اشاره می کند که: "نشست امروز ما در قاهره به نیرو گرفتن و تقویت بیشتر شورای جهانی صلح در منطقه خاورمیانه کمک می‌کند. ما هنوز باید برای برقراری پیوند، یا ترمیم و تجدید پیوند، با نیروهای صلح‌دوست در بسیاری از کشورهای این منطقه تلاش کنیم. به کمک

یکدیگر ما می‌توانیم در این امر موفق شویم. ما باید نحوه ارتباطات‌مان، و گردآوری

و مبادله اطلاعات مان در باره فعالیت‌هایمان را در بسیاری از کشورها بهبود بخشیم.

شورای جهانی صلح می‌تواند به کانون قابل ارجاعی برای صلح‌دوستان و سازمان‌های آنان در منطقه خاورمیانه تبدیل شود

. هر چه شورای جهانی صلح در خاورمیانه توانمندتر بشود، مقاومت ملت‌های ما در برابر نقشه‌های امپریالیستی پرتوان‌تر خواهد شد. ما اینجا در قاهره می‌توانیم این اطمینان را به شما بدهیم که، به پیکار مشترک خود همراه با خانواده شورای جهانی صلح در راه ایجاد جهانی نو و برخوردار از صلح، همیاری، عدالت و فارغ از جنگ، ادامه خواهیم داد. چالش‌های پیش روی ما سهمگینند ، اما تردید نداریم که ملت‌های خاورمیانه، به رغم تفاوت‌هایی که دارند، بر اساس احترام متقابل و گفتگو، سرانجام پیروز خواهند شد، چرا که ما آینده‌ای مشترک داریم و دشمن‌مان هم یکی است."

نقل از نامه مردم

ش853

****

بـخش هـايـي از :

بیانیه «جبهه متحد کرد»

درباره حادثه تروریستی سنندج

روز پنج شنبه پانزدهم مهرماه ۸۹، دو فرد ناشناس با حمله مسلحانه به نیروهای انتظامی مستقر در میدان اقبال (آزادی) سنندج، فضای ترور در شهر حاکم می‌کنند. در این حادثه و تیراندازی‌های متعاقب آن تعدادی از هموطنان ما کشته و زخمی شده وافراد مسلح با استفاده از فضای رعب ایجاد شده، موفق به فرار می‌شوند.

مردم کردستان در کمال متانت نشان داده‌اند که در قبال این نافهمی‌ها و ناشنوائی‌ها، گزینه‌ای جز ابراز نشانه‌های آرام مخالفت و انتظار از ارگانهای ذیربط برای تامین امنیت مردم ندارند.
مردم دیگر مناطق ایران نیز ایمان آورده‌اند که عامه مردم مناطق کردنشین هیچ سنخیتی با سلطه فضای غیرمدنی ندارند. این مردم ایمان دارند،کسانی که با ابزار خشونت، امکان استدلال و گفتگوی مدنی را برای بیان نیات و اهداف مصلحانه و سازنده سرکوب می‌کنند، از نا امنی در مناطق کردنشین سود می‌برند.
مردم ما و صد البته کسانی که به امنیت در کردستان علاقه ندارند، می‌دانند که آرامش، فضای رشد سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و همچنین بیان مستدل و قانونی خواستها و دخالت مردم در تعیین سرنوشت خود را ممکن تر می‌سازد.
مردم کردستان معتقداند که اعمال فشار، خشونت و اسلحه، ابزار گفتگوی انسانی و مدنی نیست و به کارگیرندگان آن، یا از اقناع و گفتگو ناتوان‌اند و یا منافعشان با آرامش و تفاهم در تضاد است. لذا از نظر ما بمب گذاری کور و ضد انسانی مهاباد و نیز تیر اندازی نامفهوم سنندج، همچون همه فرافکنی‌های گذشته دارای یک ماهیت و سرچشمه است.

متاسفانه امروزه مجال مشارکت مردمی – مدنی هر روز تنگ تر شده، امکان مداخله، مدیریت و روشنگری افکار عمومی از سازمانهای مردم نهاد گرفته شده و عملا میدان برای تاخت و تاز گروههای خود سر و اهالی خشونت باز شده است. پر واضح است که در چنین فضائی تنها حرکاتی نمود می‌یابند که بر محمل قدرت غیر قانونی و غیر دموکراتیک استواراند.حال آنکه در همه جوامع پیشرفته و صد البته قانونمند، بازکردن گره‌های اجتماعی و مقابله با خودسری‌ها، از طریق تاثیرگذاری و مشارکت نیروهای مردمی مقدور می‌گردد.

از نظر ما به عنوان "جبهه متحد کرد " وقایع اخیر می‌تواند نشانه‌ای آشکار و زنگ خطر برای سلسله حوادثی باشد که مستقیما" منافع و امنیت مردمان منطقه و بالتبع کل ایران را نشانه گرفته است.

پر واضح است که صرف اعلام کشتن مهاجمان، هم در قضیه مهاباد و هم در رویداد اخیر سنندج، بدون اطلاع رسانی دقیق در خصوص هویت مهاجمان نه فقط افکار عمومی را قانع نمی‌سازد، بلکه متاسفانه به ایجاد فضای ابهام و اتهام دامن می‌زند.

جبهه متحد کرد.

مهرماه ۱۳۸۹

****

سەر وتار:

لە بەشی کوردی "رادیۆ پەیکی ئێران"ەوە تا کازیوە

هەر وەک لە روبەرگی کازیوەدا ئاماژەی پێکراوە، مانگنامەی " *کازیوە* " لە لایەن کۆمەڵێک لە لایەنگرانی حزبی تودەی ئێران لە کوردستان ئامادە و بڵاو دەکرێتەوە

چاپ و بڵاو کردنەوەی رۆژنامە و نامیلکە و وتار بە زمانی کوردی لە لایەن حزبی تودەی ئێرانەوە مێژوویەکی دوور و درێژی هەیە کە سەرەتاکەی دەگەڕێتەوە بۆ دەستبەکار بوونی بەشی کوردی "رادیو پەیکی ئێران" (رادیو پیک ایران) لە دوایین ساڵەکانی دەیەی ١٣٣٠ی هەتاوی (دەیەی ٦٠ی زایینی) لەو ساڵانەدا بەشی کوردی رادیۆ *پەیک* بە بەرپرسیاریەتی ئەدیب و رۆژنامەنووسی بەناوبانگی کوردستان "مامۆستا حەسەن قزلجی" دەستی بە کار کرد و ماوەیەکی زۆر بەردەوام بوو.

کە واتە دەتوانین بڵێین "رادیۆ پەیکی ئێران" یەکەم رادیۆی سەربەخۆ (ناحکومی)یە کە بە زمانی کوردی بەرنامەی بڵاو کردووەتەوە. ئەمەش بایەخێکی مێژوویی هەرە گرینگی بە رادیۆ پەیک بەخشیوە کە پێویستە لێکۆڵەرانی بواری رۆژنامەگەری و میدیای کوردی ئاوڕی لێبدەنەوە .

هەروەها دوای رووخانی رژیمی پاشایەتی و سەرکەوتنی شۆڕشی گەلانی ئێران لە کۆتایی ساڵی ١٣٥٧دا، بۆ ماوەی چەند ساڵێک کەش و هەوایەکی لەبار و گونجاو بۆ کاری رۆژنامەگەری و فەعالیەتی حزب و رێکخراوە سیاسی و مەدەنییەکان پێک هات، جەریدەی "نامە مردم" ئۆرگانی رەسمی حزبمان، هەر بە بەرپرسایەتی "مامۆستا حەسەن قزلجی" بە زمانی کوردی چاپ و بڵاو دەکرایەوە.

جێگەی وەبیرهێنانەوەیە کە "نامە مردم" یەکەم ئۆرگانی رەسمی حیزبێکی سەرتاسەری ئێران بوو کە بە زمانی کوردیش چاپ و بڵاو دەکرایەوە.

ئەمانە و چاپ و بڵاو کردنەوەی دەیان کتێب و سەدان وتار و بەرهەمی جۆراوجۆر بە زمانی کوردی لە لایەن حزبی تودەی ئێران و ئەندامان و لایەنگرانیەوە، سەلمێنەری ئەم راستییەن کە بە پێچەوانەی پروپاگەندەی هەندێک لایەنی نەیاری حزبەکەمان، حزبی تودەی ئێران بەسەر ئەوەشدا کە حزبێکی سەرتاسەرییە، بە درێژایی مێژووی پڕ لە شانازی خۆی، گرینگی تەواوی بە زمانی کوردی و زمان و ئەدەبی سەرجەم نەتەوەکانی ئێران داوە.

"کازیوە" خۆی بە درێژە پێدەری ئەم رێگا پڕ لە شانازییە دەزانێت.

خۆمان بە خۆشحاڵ دەزانین کە دەرچوونی یەکەم ژمارەی کازیوە لە مانگی مهر "رەزبەر" دایە کە مانگی دامەزرانی "حزبی تودەی ئێران"ە.

بەرز و پیرۆز بێت ٦٩هەمین ساڵرۆژی دامەزرانی حزبی تودەی ئێران.

****

کوردستان بەرەو کوێ دەبەن؟

(بەشی یەکەم)

لە مانگی رابردوودا چەند رووداوێک لە کوردستان روویانداوە کە هەر چەند بە رواڵەت پێوەندییان پێکەوە نەبووە، بەڵام ئەگەر بە وردی شیبکرێنەوە بۆمان دەردەکەوێت کە ئەم رووداوانە نە تەنا پێوەندییان پێکەوە هەیە و بۆ بەرەوو پێش بردنی سیاسەتێکی دیاری کراو خولقێندران، بەڵکوو ئەگەری دارشتن و بەرێوەبردنیان لە یەک شوێنی "تایبەت"ەوە دەکرێت. هێرش کردنە سەر هێزی ئینتزامی لە شاری سنە بە چاوخشاندنێکی خێرادا بەسەر چۆنیەتی رووداني ئەم کردەوانە و چۆنیەتی بەرەوروو بوونەوەی دەزگا ئەمنیەتییەکانی رژیم لەگەڵیاندا بۆمان دەردەکەوێت کە رژیم نە تەنها نەیویستوە بە دواداچوونی وردیان بۆ بکات و "بکران"ی ئەم کردەوانە ئاشکار بێکات، بەڵکوو بە تەواوەتی هەوڵیداوە "بکرکان" بشارێتەوە و سەر لە خەڵک بشێوێنێت.

سەبارەت بە رووداوەکەی مهاباد بەرپرسانی رژیم ئیدیعای ئەوەیان کرد کە ٣٠ کەس لە بکرانی کردەوەکەیان لە پێکدادانێکی چەکدارانە کوشتووە. بەڵام کەس نەیزانی ئەو ٣٠ کەسە سەر بە چ لایەنێک بوون، ناونیشانیان چ بووە، مەیتەکانیان لە کوێیە و پێکدادانەکە لە چ شوێنێک روویداوە؟!

سەبارەت بە رووداوەکەی شاری "سنە"ش هەر ئەوەندە راگەیندرا کە هەر دوو بکرەکە بە دەستی هێزەکانی رژیم کوژراون و هیچ تر.

یەعنی "بکرەکان" کوژراون و پەروەندەی هەر دوو رووداوەکە پێچرایەوە! ئایا ئەمانە نیشانەی چین و بۆ کاربەدەستانی رژیم نایانەوێت بە شێوەیەکی شەفاف و ئاشکرا سەبارەت بەم رووداوانە و بکرەکانیان زانیاری بدەنە خەڵک و بنەماڵەی قوربانیانی رووداوەکان؟

ئەمە لە حاڵێکدایە کە بێگومان دەزگا ئەمنیەتییەکانی رژیم لە سەر بکرانی هەر دوو رووداوەکە زانیاری تەواویان لایە.

کە واتە ئەی بۆ ئەو زانیارییانە لە خەڵک دەشارنەوە؟ دیارە تا وڵامی ئەم پرسیارە نەدرێتەوە و گشت زانیارییەکان نەخرێتە روو، هەر چەشنە لێدوان و شیرکردنەوەیەک سەبارەت بە "ناسنامە"ی بکرانی هەر دوو رووداوەکە، تەنها "گومان"ە و هیچ تر. بەڵام ئەوەی کە بۆ ئێمە گرینگە "ئامانج" و هەدەفی بکرانی ئەم رووداوانەیە، نەک زانینی ناوی بکرەکان و ئەوەی کە خەڵکی کوێن و سەر بە چ تایفە و عەشیرەتێکن.

ئەمجۆرە زانیارییانە تەنها بە کەڵکی پۆلیس و ئەو کەس و لایەنانە دێت کە لە فکری تۆڵە سەندنەوە دان. بە واتایەکی تر، ئەوەی بۆ ئێمە و خەڵک گرینگە و پێویستە بەدواداچوونی بۆ بکەین و لێی تێبگەین "ئامانج"ی خوڵقێەران و بکرانی ئەمجۆرە کردەوانەیە.

ئەمەش لە بارودۆخی ئێستای ئێران و کودستاندا شتێکی زۆر سەخت نییە. لە واقعیدا هەر ئەوەندە بەسە کە بزاین لەوەها بارودۆخێکدا چ کەسان و لایەنگەلێک لەمجۆرە کردەوانە واتە سودمەند دەبن، تا بزانین خوڵقێنەران و بکرەکانی کێن. کە واتە "سود" وەرگرتن لە کردەوەیەک ئەساس و هۆی سەرەکی ئەنجامدانیەتی. چونکە هیچ کەس و لایەنێک دەست ناداتە کردەوەیەک کە لێ سودمەند نەبێت. بەسەر ئەوەشدا مومکینە لایەنێک بە ئەنجامدانی کردەوەیەک هەستێت کە جگە لە خۆی کەسان و لایەنگەلێکی تریش راستەوخۆ یان ناراستەوخۆ سودی لێوەر بگرن. لە وەها حاڵەتێکدا ئەم پرسیارە دێتە ئاراوە کە بو دەبێت دوو لایەنی جیاواز و بە رواڵەت دژ بە یەک لە یەک کردەوەی یەکسان سودمەند بن؟ ئایا لایەنگەلێکی لەمجۆرە تەنانەت ئەگەر لە رواڵەتدا دژ بە یەکیش بن، مەشروعیەت بە کردەوەکانی یەکتر نابەخشن و رووداوی "سوودبەخش" بۆ یەکتر ناخولقێنن؟

گوشار بۆ سەر چالاکانی مەدەنی لە کوردستان پەرەدەستێنێت

لە چەند مانگی ئەخیردا گرتن و زیندانی کردنی چالاکانی مەدەنی و رۆژنامەنووسانی سەربەخۆ لە سەرجەم ناوچەکانی کوردستان بە شێوەیەکی بەرچاو

پەرەی سەندووە و تا ئێستا دەیان چالاکی مەدەنی و ڕۆژنامەنووسی سەربەخۆ بە تۆمەتی هاوکاری کردنی حزبە نەیارەانی رژیم دەستگیر و زیندانی کراون.
لەوانە هەندێکیان لە سەقز و سنە و مەریوان، بە پەلە لە لایەن دادگاکانی رژیمەوە حوکم دراون و سزای توندیان بەسەردا داسەپێنراوە. هەروەها دەیان کەسی تر لەم چالاکانە بە مەبەستی پاراستنی گیانیان، بە هۆر جۆرێک بێت وڵاتیان بە جێهێشتووە و روویان لە وڵاتانی تر کردووە.
ئەم گرتن و تۆمەتبار کردنانە بە تایبەت دوابەدوای تەقینەوەکەی شاری مهاباد و هێرش کردنە سەر هێزی ئینتزامی لە شاری سنە، بە شێوەیەکی بێ هاوتا پەرەی سەندووە و وای لێهاتووە کە تەنانەت چالاکانی بواری "ژینگە پارێزی" و دیفاع لە حەیواناتیشی گرتووەتە بەر! لەم بەینەدا ڕۆژنامەنووسانی سەربەخۆ و چالاکانی کۆمەڵایەتی و هونەرمەندەکان توندترین گوشاریان خراوەتە سەر و زۆرترین کەسیان لێ دەستگیر کراوە.
ئەمە لە حاڵێکدایە کە زۆربەی ئەو چالاکانەی کە دەستگیر کراون، بە پێی شێوەی چالاکییەکانیان و بەرهەم و وتارەکانیان، کە باشترین بەڵگەن بۆ تێگەشتن لە بیروبۆچوونی سیاسی، کۆمەڵایەتی ئەم چالاکانە، دەردەکەوێت کە نە تەنها سەر بە حزب نەیارەکای رژیم نین و هیچ پێوندییەکی ڕاستەوخۆ یان ناڕاستەوخۆ لەگەڵ ئەم حزبانەدا نییە، بەڵکوو بەردەوام لە رەخنەگرانی جیدی حزبەکان بوون و هەن. تا رادەیەک کە تەنانەت هەندێک لەم چالاکانە، بە هۆی بیروبۆچوونی جیاواز و رەخنەکانیانەوە، لە رابردوودا لە لایەن ئەم حزبانەوە تۆمەتی "جاشایەتی"یان خراوە پاڵ و هەرەشەیان لێکراوە!
ئەمەش شتێک نییە کە دەزگا ئەمنیەتییەکای رژیم لێی بێ گا بن، بەڵام بەسەر ئەوەشدا هەر بە تۆمەتی پێوەندی لەگەڵ ئەو حزبانە دیانگرن و سزای قورسیان بە سەردا دەسەپێنن!
سەیر لەوەدایە کە هەر ئەو حزب و لایەنانەی کە تا دوێنێ ئەو چالاکە مەدەنیانەیەیان بە جاش و بەکرێگیراوی رژیم ناولێدەبرد، بەگڕ و تینەوە هەواڵی بەندکردن و سزادانیان رادەگەیەنن و دەقی هەواڵەکانیشیان بە شێوەیەک دادەرێژن کە بینەر یان بیسەر وا تێبگات کە چالاکە بەندکراوەکە سەر بەو حزبەیە!
دیارە هۆکاری ئەمجۆرە مامەڵە کردنە لە گەڵ بەندکراوانی مەدەنیدا لە "هەلپەرەستی" حزبەکانەوە سەرچاوە دەگرێت، بەڵام بە داخەوە لە هەندێک حاڵەتدا لە لایەن دادگاکانەوە وەک بەڵگە لە دژی بەندکراوەکان بەکار هێنراوە. ئەمجۆرە "هەلپەرەستی"یە، بە تایبەت لە لایەن یەکێک لە حزبە کوردییەکانەوە کە لە بنەڕەتدا هیچ باوەڕێکی بە خەباتی مەدەنی و سەربەخۆ نییە و شەڕی چەکداری بە تەنها رێگەی رزگار کردنی کوردستان دەزانێت، بە روونی دەبینرێت و دەبیسرێت!
سەیر لەوەدایە کە زۆربەی ئەو چالاکە مەدەنیانەش هەر بە تۆمەتی پێوەندی لەگەڵ ئەم حیزبەدا دەستگیر و زیندانیانی دەکرێن! ئەمە چ مانایەکی هەیە و چیمان بۆ دەردەخات. ئایا وتە بەنرخەکەی وەکیلی یەکێک لە چالاکە بەندکراوەکانمان وەبیر ناهێنێتەوە کە وتوویەتی: لە کوردستاندا دەست گەڵێک لە کاردان تا قەڵەم لە لاوانی کورد بستێننەوە و چەکیان بدەنە دەست و رەوانەی "شاخ"یان بکەن؟

درێژەی هەیە....

****

پەنابەرانی رۆژهەڵاتی کوردستان :

بە سەختی دەژین و کەس ئاورمان لێناداتەوە

کۆمەڵێك لە پەنابەرانی رۆژهەڵاتی کوردستان کە لە کەمپەکانی شێرەوەن و خانەقین نشتەجێن ، کاتژمێر 9:30 سەرلەبەیانی رۆژی پێنج شەمە 30ی ئەیلولی(سپتامبر) 2010 . بەمەبەستی چەند داواکارییەك و ئاورلێنەدانەوە لێیان،رێپێوانێکی هێمنانەیان بۆ بەردەم ئیدارەی گەرمیان رێکخست.

مەجیدی ئەلیاسی ، رێکخەری رێپێوانەکە، لە سەر ئامادەکاری بۆ رێپێوانەکە رایگەیاند "رێپێوانەکە لە دانیشتوانی کەمپەکانی : ***شێرەوەن*** و ***خانەقین*** و ***تەفرەقە*** و ***مێخاس*** و ***دەورە*** و ***باریکە*** پێك هاتووە . ئەم رێپێوانەمان بۆ بەردەم ئیدارەی گەرمیان بۆ لای "مەلا سەعید، سەرپەرشتیاری ئیدارەی گەرمیان رێکخست " هەرچەندە پێمانخۆش بوو رێپێوانەکەمان لە بەردەم قائیمقامییەتی قەزای کەلار بوایە ، بەڵام ئەوان ئیجازەیان پێنەدابن کە رێپێوانەکەمان لەوێ بە ئەنجام بگەیەنین ، دیارە هۆکارەکەشی ئەوە بوو کە پێیان وتین ئێوە رەبتی ئیداریتان بە قەزای خانەقینەوە هەیە، نابێ لێرە ڕێپێوان بکەن . دیارە بە هۆی باری ئەمنییەوە نەمانتوانی لەخانەقین رێپێوانەکەمان بە ئەنجام بگەیەنین . هەرچەندە قەزای خانەقینیش خۆی بە مەسئولی ئێمە نازانێت ". لە بەشێکی تری قسەکانیدا رێکخەری رێپێوانەکە روونیکردەوە کە " داوامان کردووە لە حکومەتی هەرێم و حکومەتی عێراق،کە ئەمنییەتی ئەو پەنابەرانەمان لە لایەن ئێرانەوە بپارێزرێت کەدەیانەوێ پرۆنەوە بۆ ئێران ، بۆ ئەوەی نەك جارێکی تر تووشی لێدان و ئازار و ئەشکەنجە ببنەوە " دواتر مەجیدی ئەلیاسی تیشکی خستە سەر ئەوەی کە ئێستا ئەوان بە دەستی نەبوونی جێگای نشتەجێبوونەوە دەناڵێنن . بۆیە داواکارن لە حکومەت کاری جدییان لەو بوارەدا بۆ بکات .

مەردلویچ کەرەمی، کە پێشتر ئەنجومەنی کەمپی شێرەوەن بووە،پێیٰ وتین ، "دوای 30 ساڵ ئاوارەیی لە حکومەتی هەرێمدا هیچ حەق و حقوقێکمان نییە ، وەك پەنابەر نە لە حکومەتی هەرێم و نە لەلای un))چارەنوسمان دیار نییە ، داوامان کردووە کە چارەنووسی خۆمان و منداڵەکانمان دیاری بکرێت .هەموومان ژن و منداڵمان خەریکی کرێکارین و دینارێك مووچەمان لە حکومەت



نییە ، ئەگەر باسی یەکخستنی چوار پارچەی کوردستان دەکرێك، ئەی بۆ باسی ئێمە ناکرێ خۆ ئێمەیش کوردین؟ بۆخزمەتی ئێمە ناکەن؟ ئێمە داوای سەرەتایی ترین مافی خۆمان دەکەین، چونکە تا ئێستا مووچەیەکی حکومەتی هەرێممان پێ ڕەوا نابینرێ و لە هیچ جێگایەك دامەزراندن بۆ ئێمە نییە داوامان وایە ئێمەش وەك کورد مامەڵەمان لەگەڵ بکرێ ".

خەلیل ئەحمەد ، یەکێکی تر بوو لە پانابەرەکان و ئاماژەی بەوەدا " هاتووین داوای ئەوە بکەین کە جارێکی تر نەهێڵین چارەنووسی منداڵەکانمان بسووتێ ، داوامان لە حکومەتی بەغدا هەیە پێداچوونەوەیەك بکات بۆ حەقی ئێمە ، لە گەڵ ئەوەشدا داوا لە حکومەتی هەرێمی کوردستان دەکەین کە چارەنووسی ئێمە یەك لایی بکرێتەوە و هەردوو حکومەت داوا لە ئێران بکەن ئەو کەسانەی کە دەیانەوێ بگەرێنەوە بۆ ئێران با لە رێگەی قانونییەوە ئیجرائاتیان لەگەڵ بکرێت " . لە لایەکی ترەوە ناوبراو گلەیی لەوە هەبوو کە" ئەو کاتەی منداڵەکانیان بۆ خوێندنی زانکۆ و پەیمانگاکان دەچن ، داوای پشتگیری *لایەنێکیان لێ دەکەن بۆ وەرگرتنیان ، یا لە کاتی دامەزراندنیاندا ، داوای ناسنامەی باری شارستانییان لێ دەکەن و دەڵێن ئێوە ئێرانین*. لە کوتایی قسەکانیدا ناوبراو ، وتی" ***ئێمە وەك بەرمیلە بەنزینمان لێ هاتووە و لە حاڵەتی ئەوەداین کە خۆمان بتەقێنینەوە*** " . **ژیانمان بەو شێوەیە بەرێوە ناچێت و بە سەختی دەژین و کەس ئاورمان لێناداتەوە** .

رێپۆرتاژ : نیزام شەبیب : گەرمیان

****

وتوویژی سایتی "بۆ رۆژهەڵات"
لەگەڵ هاوڕێ "عەلی بێهروز"
(ئەندامی حزبی تودەی ئێران لە کوردستان)

ئاماژە:
ئەم وتوویژە ساڵێک پێش ئێستا ئەنجام دراوە و هەر لەو کاتەدا لەو سایتەدا بڵاوکرایەوە.
بەڵام بە هۆی گرینگی بابەتەکەوە بە پێویستمان زانی لە گازیوەشدا بڵاوی بکەینەوە.

پ : حزبی تودەی ئێران لەکوێی هاوکێشەسیاسیەکانی ئێستای ئێران و کوردستاندایە؟ ئاستی پێگەی جەماوەریتان لەناوخۆی ئێراندا چۆنە؟

ج: حزبی تودەی ئێران دێرین ترین و بە تەمەن ترین حزبی سیاسی ئێرانە کە تا ئێستاش بوونی هەیە و درێژە بە خەباتی خۆی لە پێناو ئازادی و دیمۆکراسی و عەدالەتی کۆمەلایەتی دەدات.

ئێمە لە چەند رۆژی داهاتوودا واتە لە 10/7 ی ئەمساڵدا 68مین ساڵرۆژی پێکهاتنی حزبەکەمان پیرۆز دەکەین.

حزبی تودەی ئێران لە 68 ساڵ خەبات و تێکۆشانی بێ وچانی خۆیدا توانیویەتی کاریگەری و تەئسیری بەرچاو و حاشا هەڵنەگری لە سەر گشت رووداوە سیاسی، کۆمەلایەتی، زانستی، هونەری و ئەدەبییەکانی ئێران لە 68 ساڵی رابردوودا هەبێت و هیچ بوارێك لە بوارە جیاجیاکانی مێژووی سەردەمی ئێران نییە کە جێ پەنجە و مۆرکی حزبی تودەی ئێرانی پێوە دیار نەبێت.

هەروەها حزبی تودەی ئێران وەك حزبی چینی کرێکاری ئێران لە ئاستی جیهانی دا حزبێکی ناسراوە و پێوەنییەکی دۆستانەی پڕشکۆی لەگەڵ گشت ئەحزابی کۆمۆنیست و رەوت و بزووتنەوە پێشکەوتنخوازەکانی وڵاتانی تردا هەیە و لە کۆڕ و کۆبوونەوە جیهانییەکاندا وەك رەسەنترین نوێنەری کرێکاران و زەحمەتکێشانی ئێران سەیری دەکرێت و بەشدار دەبێت.

ئەمانە مایەی شانازییە بۆ ئێمەی تودەیی و کرێکاران و زەحمەتکێشانی ئێران.

ئەمانە لە حاڵێکدایە کە حزبی تودەی ئێران لە 68 ساڵ تەمەنی خۆیدا تەنها 6_5 ساڵ توانیویەتی ئاشکرا بێت و پتر لە 60 ساڵ ناچار بووە بە شێوەی نهێنی خەبات بکات.

هەروەها نابێ لە بیر بکرێت کە دوای هێرشی کۆماری ئیسلامی لە ساڵی ۲-۱۳٦۱ی هەتاوی بۆ سەر حزبەکەمان، دەیان هەزار کادیر و ئەندام و لایەنگری حزب قۆڵبەست و رەوانەی زیندانەکان کران و سەدان کەس لە باشترین و بە ئەزموونترین کادیرانی حزب بە تایبەتی لە ساڵی 1367ی هەتاوی دا ئێعدام کران.

حزبی تودەی ئێران لەو هێرشە درندانەی رژیمدا جگە لە هەزاران کادیر و ئەندامی لێهاتوو، زۆرتر لە نەوەد لە سەدی ئەندامانی کومیتەی ناوەندی و مەکتەبی سیاسی خۆی لە دەست دا.

ئاشکرایە کە ئامانجی رژیم لەم هێرشە کە بە پێی بەڵگەنامە باوەڕ پێکراوەکان بە هاوپشتی و هاوکاری هەمەلایەنەی رێکخراوە هەواڵگرییەکانی بریتانیا، ئیسرائیل و پاکستان ئەنجام درا، هەڵوەشاندنەوە و لە ناو بردنی حزبەکەمان بوو، بەڵام خۆشبەختانە ئەم ئامانجە قیزەونە بە ئاکام نەگەیشت و جارێکی تر حزبی تودەی ئێران بە پشت بەستن

به ئەزموونی دەیان ساڵ خەباتی نەهێنی، لە ماوەیەکی کەمدا ئاڵای پڕشکۆی خەباتی بەرز کردەوە.

لە وڵامی پرسیارەکەتاندا کە حزبی تودەی ئێران لە ئێستادا لە کوێی هاوکێشە سیاسییەکانی ئێراندایە و پێگەی جەماوەری حزب لە ناوخۆی ئێران چۆنە؟

دەتوانم بڵێم ئێمە لە بیست وپێنج ساڵی رابردوودا جگە لە رێکخستنەوەی تەشکیلاتی نەهێنی حزب لە سەرجەم شار و شارۆچکەکان و کارگە و زانکۆکان و هتد... دەستمان دایە چالاکی و تێکۆشانێکی مەدەنی و سیاسی هەمەلایەنە کە ئاستی کاریگەرییەکەی لە دروشم و داخوازییەکانی بزووتنەوە جەماوەرییەکانی ئێستای ئێراندا بەرچاو دەکەوێت.

بەڵام ئێمە بە پێچەوانەی هەندێك لە لایەنە ئۆپۆزسیۆنەکانی تر نامانەوێت و نەمان ویستوە بە کەڵك وەرگرتن لە دەزگاکانی راگەیاندن بە شێوەیەکی پۆپۆلیستی گوزارش لە خەبات و چالاکییەکانی خۆمان بکەین و بەم شێوە بوونی خۆمان بسەلمێنین. بە واتایەکی تر ئێمە دەستمان داوەتە خەبات و تێکۆشانێکی سیاسی نەهێنی و باس کردن لە چۆنیەتی و شوێنی چالاکییەکانمان هیچ مانایەکی نییە جگە لە ئاگا کردنەوەی دەزگاکانی سەرکوتکری رژیم.

پ : ماوەی چەند مانگێکە لەئێران و دوای راگەیاندنی ئەنجامی هەڵبژاردنەکانی خولی دەیەمی سەرۆکایەتی ,پەشێوی و ئاڵۆزیەکی زۆر ئێرانی گرتۆتەوە و ماوە ماوە لەسەر شەقامەکانی شارە جۆربەجۆرەکانی ئێران ناڕەزایی دەردەبڕن,ئێوە پێتان وایە ئاراستەی ئەو ئاڵۆزیانە بەچ ئاکامێك دەگات؟

ج: بە باوەڕی ئێمە، ئەو بزووتنەوە جەماوەرییەی کە لە ئێستادا لە ئێران سەری هەڵداوە، ئاڵۆزی و هەڵچوونێکی کاتی نییە و بزووتنەوەیەکی رەسەن و هەمەلایەنەی جەماوەرییە کە لە ئاکامی دەیان ساڵ سەرکوت و دیکتاتۆریت و ستەمی کۆماری ئیسلامی سەری هەڵداوە.

بێگومان ئەم بزووتنەوەیە تەنانەت ئەگەر نەشتوانێت ئامانجەکان و خواستەکانی خۆی دەستەبەر بکات، کاریگەریەکی بەرچاوی لە سەر داهاتووی کۆماری ئیسلامی و کۆمەڵگای ئێران دەبێت.

بەڵام ئاشکرایە کە ئاست و رادەی ئەو کاریگەرییە پێوەندی راستەوخۆی بە هاوکێشە سیاسییەکانی ناوخۆ و دەرەوەی وڵات هەیە. هەڵبەت مەبەستم لە دەرەوەی وڵات دەوڵەتە رۆژئاواییەکان و رێکخراوە نێودەوڵەتییە گوێڕایەڵەکانیان نییە. بەڵکوو مەبەستم ئاستی پشتگیری و پشتیوانی بزووتنەوە و رێکخراوە ناحکومییە دیمۆکراسی خوازەکانی جیهان و لە پێش هەموویانەوە کرێکاران و ئەحزابی کۆمۆنیست و ئازادیخوازی وڵاتانی ترە.

لە ناوخۆی ئێراندا بە تایبەت لەم چەند مانگەدا و دوای سەرهەڵدانی ئەو بزووتنەوە جەماوەرییە بەربڵاوە، بەداخەوە بۆمان دەرکەوت کە حزب و لایەنە ئۆپۆزسیۆنەکان لە رووی توانایی رێکخستن و بەرەوپێش بردنی بزووتنەوەکە زۆر لاواز و کەم توانان . هەر ئەمەش تا رادەیەك بووەتە هۆی دڵساردی

جەماوەر و بی ئاسۆیی بزووتنەوەکە کە بێگومان کاریگەری خراپی لە سەر دادەنێت و دەستی رژیم بۆ سەرکوتکردن و دامرکاندنی ئاواڵەتر دەکات.

هەڵبەت ناتوانین نکۆڵی لە رۆڵی بەرچاو و کاریگەری رەوتی چاکسازیخواز، بە گشت لایەنەکانییەو، لەم بزووتنەوە جەماوەرییەدا بکەین،ئەم رەوتە کە لە ئێستادا ناتوانین و نابێت وەک "ریفۆرمخوازی حکومی" ناویان لێببەین، چونکە چەندین لایەنی جیاواز و دەیان رێکخراوە و بزووتنەوەی مەدەنی و سەربەخۆی گرتوەتە خۆ، تا ئێستا کەم تا کورت توانیویەتی لە رووی رێکخستن و درێژەدان بە نارەزایەتییەکان کاریگەر بێت.

بەڵام ئاشکرایە کە ئەم رەوتە ناتوانێت تا کۆتایی و تا دەستەبەر کردنی گشت داخوازییەکانی گەلانی ئێران هەروا بمێنێتەوە و بە پێی ماهیەتی چینایەتی خۆی بە تایبەت ئەگەر لایەنە رادیکاڵ و شۆرشگێرەکان لە گۆرەپانەکەدا نەبن یان بوونیان لاواز و کاریگەر نەبێت، درەنگ یان زوو گۆرەپانی خەبات چۆڵ دەکات و بۆ پاراستنی بەرژەوەندییەکانی خۆی بزووتنەوەکە بە لارێدا دەبات .

بە باوەری ئێمە لە ئێستادا کە هەلێکی گونجاو بۆ ئۆپۆزسیۆنی راستەقینە و دیمۆکراسی خوازی ئێران وەدەست هاتووە. دەبێت بە دوور لە هەر چەشنە خۆ بە زل زانین یان بەد گومانی" بەوانی تر"، لێک نزیک بینەوە و هەوڵی پێکهێنانی بەرەیەکی دژە دیکتاتۆری بدەن.

ئێمە وەک حزبی تودەی ئێران چەندەها ساڵە داوامان لە سەرجەم ئۆپۆزسیونی دیمۆکراسی خواز و سەربەخۆی ئێران بۆ پێکهێنانی بەرەیەکی دژە دیکتاتۆری کردوە و تا ئێستاش لەو باوەرەداین کە تەنها و تەنها بە پێکهاتنی وەها بەرەیەک لە سەرجەم ئۆپۆزسیونی راستەقینەی ئێران دەتوانین کۆتایی بە رژیمی دیکتاتۆری کۆماری ئیسلامی بهێنین.

بێگومان سەرجەم گەلانی ئێرانیش بۆ رزگار بوونیان لە دەست ئەم رژیمە چاوەروانی پێکهاتنی وەها بەرەیەکن.

ئەگەر ئەم بەرەیە لە داهاتوویەکی نزیکدا پێک بێت، بێگومان ئاکام و ئەنجامی بزووتنەوەی جەماوەری ئێران تا لە ناو بردن و هەرەسهێنانی رژیم درێژەی دەبێت، ئەگەر نا ئەم بزووتنەوەیە تەنها دەتوانێت ببێتە هۆی هەندێک چاکسازی و گۆران لە سیستەمی حکومەتی ئێراندا.

هەڵبەت ئەم دەستکەوتەش کەم نییە، بەڵام مەترسی بە لارێدا چوونی بزووتنەوەکە و دەست بە سەرداگرتنی لە لایەن نەیارانی گەلانی ئێرانیشەوە لە ئارادایە کە نابێت بهێڵین وەها سەرئەنجامێکی بە سەردا داسەپێنن و ئاکامی بزووتنەوەکە، هاتنە سەر کاری دیکتاتۆرێکی تر بێت و ساڵی 57 مان بۆ دووپات ببێتەوە!

پ : رێکخستنەکانی حزبی تودەی ئێران لەکوێی ئەو بزووتنەوە جەماوەریەدان و چ دەور و رۆڵێکیان هەیە؟

ج: ئێمە وەک حزبی تودەی ئێران خۆمان بە بەشێک لەم بزووتنەوەیە دەزانین و کادیر و ئەندام و لایەنگرانی حزب شان بە شانی

جەماوەری ناڕازی لە زانکۆ و کارگە و شەقامەکانی شارەکاندا چالاکی دەنوێنن و بوونیان هەیە و گشت هەوڵ و توانایی خۆیان بۆ قوڵترکردنەوەی ناڕەزایەتییەکان و بەرزکردنەوەی ئاستی داخوازییەکان و هەروەها ڕێکخستنی جەماوەر وەگەڕ ختسووە و وەك تێکۆشەرانی تر قوڵبەست دەکرێن، ئەشکەنجە دەدرێن و ...

پ : بەشێکی زۆری پارت ولاینەکانی ئۆپۆزسیۆنی ئێستای ئێران لە وڵاتانی ئەوروپایی وەك پەنابەر دەژین,جگەلەوەی لایەنی کوردی ئۆپۆزسیۆن لەکوردستانی ئێراق لەکامپەکاندا ژیان بەسەردەبەن,دەمەوێ بپرسم خوێندنەوەی ئێوە بۆ ڕەوشی ئێستای ئۆپۆزسیۆنی ئێران چیە؟

پێتان وایە لایەنی ئۆپۆزسیۆنی ئێران بەو حاڵەی ئێستایانەوە چ دوورو نەخشێکیان لەسەر گۆڕەپانی سیاسی ئێراندا هەیە؟

ج: پێش لە وڵامدانەوە پێویستە 2 شت روون بکەینەوە:

1: لە ناو ئەو لایەنانەدا کە خۆیان بە ئۆپۆزسیونی ئێران دەزانن و دژ بە کۆماری ئیسلامی وەستاونەتەوە. دوو لایەن دەبێت لێك جیا بکرێنەوە. ئۆپۆزسیونی پێشکەوتوو و دیمۆکراسی خواز و سەربەخۆ و ئۆپۆزسیونی وابەستە و دواکەوتوو کە هەندێکیان پاشماوەکانی دەم و دەزگا ئەمنیەتییەکانی رژێمی رووخاوی پێشووی ئێرانن.

ئێمە تەنیا لایەنی سەربەخۆ و دیمۆکراسی خواز بە ئۆپۆزسیونی راستەقینە دەزانین.

2: پەنابەر بوونی ئۆپۆزسیونی ئێران لە وڵاتانی ئەوروپا یان هەر شوێنێکی تر هەرگیز بە مەیل و ئارەزووی خۆیان نەبووە و قەت هیچ خەباتکار و تێکۆشەرێکی راستەقینە ئەگەر مەترسی بەندکردن و مەرگی لە سەر نەبێت وڵاتەکەی و جەماوەرەکەی خۆی بە جێ ناهێڵێت و روو لە دەرەوەی وڵات ناکات.

کە واتە پانابەرێتی ئۆپۆزسیون ئاکامی راستەوخۆی سەرکوت و دیکتاتۆرێتی رژێمی کۆماری ئیسلامییە کە بە سەر ئەو حزب و لایەن و کەسایەتییانەدا داسەپێنراوە.

ئۆپۆزسیونی ئێرانی پێك هاتووە لە دەیان حزب و لایەنی سیاسی کە لە ناویاندا هەندێکیان وەك حزبی ئێمە پێشتریش و لە کاتی دەسەڵاتدارێتی رژێمی پاشایەتیشدا تەجروبە و ئەزموونی پەنابەرێتی و کێشە و کاریگەرییەکانی لە سەر پەنابەرەکان دیوە و دەزانین چ بەڵایەکی لێدەکەوێتەوە!

هەڵبەت ئەندام و لایەنگرانی ئێمە هەم لەم رژێمەدا و هەم لە سەردەمی رژێمی پێشوودا تا ئەو جێیەی بۆیان کرابێت وڵاتەکەی خۆیان بە جێ نەهێشتووە و ژیانی پەنابەرێتییان هەڵنەبژاردووە. ئەمەش لای ئێمە زۆر سروشتییە، ئێمە بە دەیان ساڵە خەباتی نهێنی دەکەین و بەم جۆرە خەباتە راهاتووین. هەر بۆیە بە نیسبەت حزبەکانی تر کەمترین رێژەی پەنابەرمان لە دەرەوەی وڵات هەیە. لە راستیدا جێگەی ئێمە ناوەوەی وڵات و لە جەرگەی کۆمەڵگادایە و شێوەی خەباتمان خەباتی نهێنییە.

بەڵام سەبارەت بە رەوشی ئێستای ئۆپۆزسیونی ئێرانی لە دەرەوەی وڵات، خۆتان باشتر لە من ئاگاداری کێشەکانن. بە قەولی

شاعێر "دڵۆپ کە لە سەرچاوەکەی و لە ئاوی ڕەوان دوورکەوتەوە یان وشك دەبێت یان بۆن دەکات"

سەرچاوە و ئاوی ڕەوانی هەر حزب و ڕێکخراوەیەك کۆمەڵگاکەیەتی ، کە لێی دوورکەوتەوە بەرەبەرە تووشی دابڕان و فەرامۆشی دەبێت و پێوەندییە کۆمەڵایەتییەکانی دەپچڕێت، لە وەها حاڵەتێکدا خەتابار کردنی" ئەوانی تر "و خۆ بە زل زانین و خۆپەسەندی و دەیان نەخۆشی و کێشەی فیکری سەر هەڵدەدات و هەر کەس و هەر لایەنێك خۆی بە "حەقی بێ ئەملا و ئەو لا" دادەنێت و ئەوانی تر بە "ناحەق و خەیانەتکار" دەزانێت و ...

ئەمجار هەر کەس تاقمێك لە دەوری خۆی کۆ دەکاتەوە و باڵ باڵێن و جوداسری ڕووداوەدات و حزبەکان لەت لەت دەکرێن و لە ماوەیەکی کەمدا حزبێکی ۱۰۰۰ کەسی دەبێتە چوار حزبی ۲۵۰ کەسی و ئەمەش لە ڕاستیدا ئەو خەسارە گەورەیە کە بە سەر زۆربەی ئۆپۆزسیونی ئێرانیدا هاتووە و بوەتە هۆی لاواز بوونیان.

بە باوەڕی من ئەم قەیرانە دوژمن شادکەرە یەکێکە لە کاریگەرییەکانی "پەنابەرێتی" و "کەمپ نشینی" ئۆپۆزسیونی ئێران بە گشتی.

لە وەها بارودۆخێکدا ئاساییە کە ئۆپۆزسیونی ئێران نەتوانێت کاریگەری بەرچاوی لە سەر ڕووداوەکانی ناوخۆ هەبێت کە نموونەی هەرە بەرچاوی ئەم حاڵەتە بێ بەرنامەیی و کەم کاریگەری ئۆپۆزسیونە لە سەر بزووتنەوەی جەماوەری ئێستای ئێرانە.

حزبی تودەی ئێران بە خوێندنەوە و بە تێگەیشتن لەم قەیرانەیە کە چەندەها ساڵە بانگەواز بۆ پێکهێنانی بەرەیەکی دژە دیکتاتۆری دەکات. بە باوەڕی ئێمە تەنیا و تەنیا بە پێك هاتنی وەها بەرەیەکە کە ئۆپۆزسیونی سەربەخۆ و دیمۆکراسی خوازی ئێران دەتوانێت ڕۆڵ و دەوری کاریگەری لە سەر ڕووداوەکانی ئێران و ئاکامی بزووتنەوەی جەماوەری گەلانی ئێران هەبێت.

پ : بەشێکی زۆری پارتەکانی ئۆپۆزسیۆنی ئێران بەتایبەت لایەنەکوردیەکان فیدراڵی بۆ ئایندەی سیستەمی حوکمڕانی لەئێران بە بنەما دەگرن, تێڕوانینی ئێوە لەسەر فیدراڵیزم چیە؟

ج: حزبی تودەی ئێران هەر لە سەرەتای پێك هاتنی خۆیەوە پشتگیری لە یەکسانی سەرجەم نەتەوەکانی ئێران کردوە و تا ئێستاش ئەم سیاسەتە هەر درێژەی هەیە.

لە ئێستادا دەیان بەڵگەی مێژوویی بە دەستەوەیە کە حزبی تودەی ئێران تەنها حزبی سەرانسەری ئێران بوو کە هەر لە سەرەتای سەرهەڵدانی بزووتنەوەی نەتەوەیی گەلی کورد و پێك هاتنی کۆماری کوردستانەوە پشتگیری و حیمایەتی لەو بزووتنەوەیە و کۆماری کوردستان کردووە.

هەر چەند لە ئێستادا هەندێك لایەن بە هەر هۆیەکەوە بێت نکوڵی لە پێوەندییەکانی حزبی تودەی ئێران و کۆماری کوردستان دەکەن و دۆستایەتی دڵپاکانەی حزبی تودەی ئێران و پێشوا قازی محەمەد لە خەڵك دەشارنەوە! بەڵام ڕۆژێك بەڵگە مێژووییەکان خۆیان دەنوێنن و ئاشکرا دەبێت کە کام کەس و لایەنگەلێك

پشتی قازی محەمەدیان چۆڵ کرد و خەیانەتیان پێکرد و ئەندامان و لایەنگرانی کام حزب بوون کە تا دوایین ساتەکان پشت گیرییان لە کۆماری کوردستان و کۆماری ئازەربایجان کرد و لەو پێناوەدا بە دەیان ساڵ زیندانی کران و تەنانەت گیانی خۆیان بەخت کرد.

هەر چەند حزبی تودەی ئێران حزبێکی سەراسەرییە و لە پێناو رزگاری سەرجەم گەلانی ئێران و پێك هێنانی سیستەمێکی دیمۆکراتیك لە ئێستادا و لە داهاتوودا سیتەمێکی سۆسیالیستی خەبات دەکات. بەڵام خەبات و تێکۆشان لە پێناو دەستەبەر کردنی مافی نەتەوەیی گەلی کورد و گەلانی تری ئێران بە خەباتێکی رەوا و بە بەشێك لە خەباتی سەراسەری دەزانێت و بەم هۆیەوە پشتگیری لە خەباتی نەتەوەی گەلی کورد کردوە و دەیکات.

سەبارەت بە سیستەمی فیدرالیسم بۆ ئێرانیش پێویستە بوترێ کە حزبی تودەی ئێران لە کونگرەی پێنجەمی خۆیدا، (لە ساڵی 1382ی هەتاوی) پێك هاتنی سیستەمێکی فیدراڵی بۆ ئێران بە سیستەمێکی گونجاو دانا و ئێستا لەم پێناوەدا تێدەکۆشێت.

پ: زۆربەی چاودێرانی سیاسی پێیان وایە کە ئۆپۆزسیۆنی ئێستای ئێران توانایی ڕوخاندنی ریژیمی ئێرانیان نیە و لەو ڕووەوە چاوەڕوانی دەستی ئەمریکان هاوکارییان بکات,بۆچونی ئێوە لەوبارەوە چیە؟ئایا ئێوە دژی هاوکاری ئەمریکا دەوەستنەوە؟

ج: حزبی تودەی ئێران بە توندی دژایەتی هەر چەشنە دەست تێوەردانێکی دەرەکی لە ناوخۆی ئێران دەکات و ئیجازە بە هیچ وڵاتێك نادات ئاوێتەی کێشە ناوخۆییەکانی ئێران بێت.

فەرامۆش نەکەین کە وڵاتەکەی ئێمە بە سەدان ساڵ لە ژێر چەپۆکی بریتانیا و ئامریکا و وڵاتە رۆژئاواییە هاوپێمانەکانیاندا بووە کە جگە لە مەینەتی و رۆژ رەشی و دواکەوتوویی و دیکتاتۆریەت، هیچ دیارییەکی تریان بە گەلانی ئێران پێشکەش نەکردوە .

ئێمە قەت نامانەوێ وڵاتەکەمان ببێتە ئەفغانستان و عێراق. یان دوبارە دیکتاتۆرێکی وەك "شا"مان بە سەردا داسەپێنرێت .

سەبارەت بە توانایی یا ناتوانایی ئۆپۆزسیونی ئێرانیش بۆ رووخاندنی رژیمی کۆماری ئیسلامی، پێشتر باسی هەندێك کێشە و گرفتمان کرد. بەڵام ئەمە هیچ پێوەندییەکی بە وڵاتانی ترەوە نییە و گەلانی ئێران و ئۆپۆزسیونی سەربەخۆ و پێشکەوتنخوازی ئێران هیچ پێویستییەکیان بە هێزی بێگانە نییە.

پ : ئێستا لەسەر ئاستی نێودەوڵەتی نەیاریەکی زۆر بۆ خەباتی چەکداری بەدی دەکرێت و جەخت لەسەر ئەوە دەکرێتەوە کە بۆ بە دەستهێنانی ماف و داخوازیەکان پێویستە رێگای خەبات و تێکۆشانی مەدەنی و سیاسی بگرێتەبەر.

ئێوە پێتان وایە بەخەباتی سیاسی و مەدەنی مافی نەتەوە بەش خوراوەکانی ئێران دەستەبەر بکرێت؟ بۆبەدەستهێنانی مافەکانتان ئێوە خەباتی چەکداری ڕەت دەکەنەوە؟

ج: حزبی تودەی ئێران بە گشتی هیچ شێوەیەك لە خەبات و تێکۆشانی شۆڕشگێڕانە رەت ناکاتەوە بەڵام هەڵبژاردنی شێوەی خەبات

پێوەندی ڕاستەوخۆی بە قۆناغی شۆڕش و بارودۆخی کۆمەڵایەتی و سیاسی وڵاتەوە هەیە.
لە ئێستادا ئێمە خەباتی چەکداری ناکەین و بەکارامەی نازانین و پێمان وایە لەم قۆناغەدا خەباتی مەدەنی و سیاسی کاریگەری باشتری هەیە.

پ : بەشێکی زۆری پارتەکوردیەکانی نەیاری ئێران دووچاری " انشعاب" بوونەتەوە,ئێوە پێتان وایە فاکتەری ئەو ئینشعابانە لەکوێوە سەرچاوە دەگرن؟تاچەند ئێران ڕۆڵی لەو ئیشعابانەدا هەیە؟
ج: پێشتر باسی بەڵاکان و گرفتەکانی پەنابەرێتی و کەمپ نشینیمان کرد.
بێگومان هۆکاری سەرەکی بەشێك لەو جیابوونەوە و (انشعاب) انە دەگەڕێتەوە بۆ ئەو دیاردەیە. بەڵام نابێت هەموو جیابوونەوەیەك بە خراپ بزانین، کاتی وا هەیە بە هۆی سەرهەڵدانی بیروبۆچوون و لێکدانەوەی جیاوازەوە لە ناو حزبێکدا جیابوونەوە روو دەدات کە ئەمە شتێکی ئاسایی و سرووشتییە.
سەبارەت بە روڵی رژیم دەتوانم بڵێم بێگومان کۆماری ئیسلامی لە هەر چەشنە جیابوونەوە و لەت لەت بوونێکی ئۆپۆزسیون پێشوازی دەکات و هەوڵی بۆ دەدات.
بە باوەڕی ئێمە رژیم لە پێك نەهاتنی بەرەیەکی دژە دیکتاتۆریشدا کە حزبی تودەی ئێران چەندەها ساڵە هەوڵی بۆ دەدات رۆڵ و دەستی هەیە.

هەر سەرکەوتوو بن. ..

****

برخي از كتابهاي منتشر شده
از طرف انتشارات حزب توده ايران

براي تهيه اين كنابها با فرمت PDF به
سايت حزب توده ايران مراجعه كتيد.









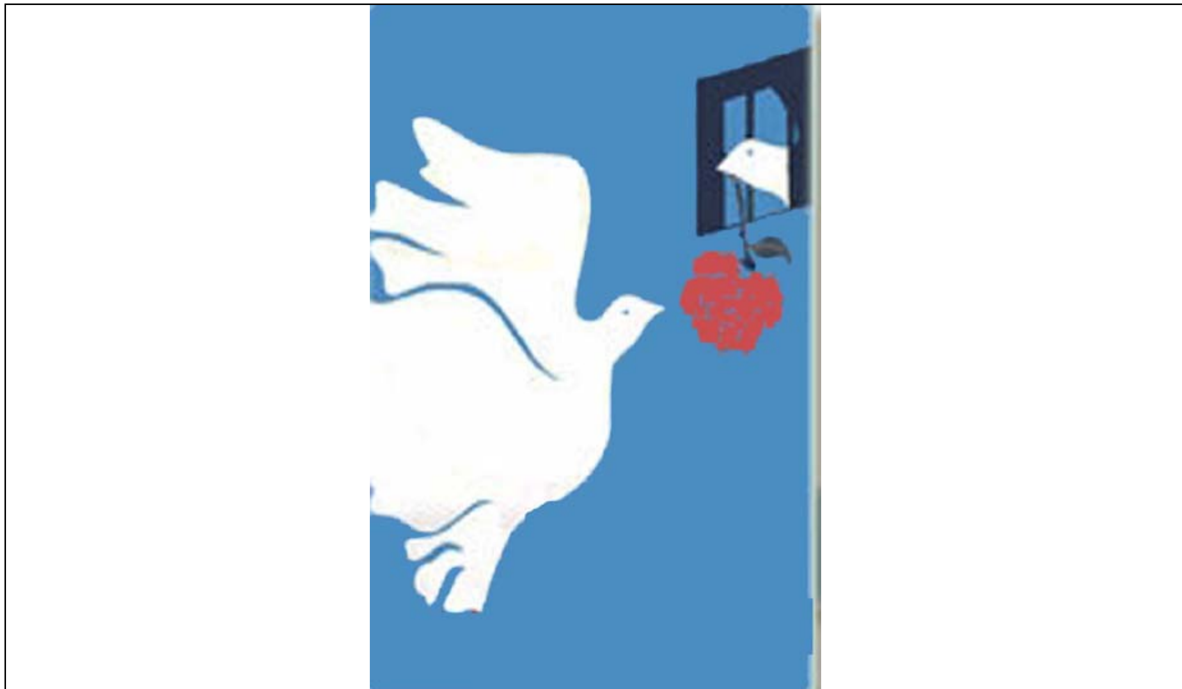
ماهنامه

کازیوه

(سپیده دم)

شماره: دوم
آبان ماه ۱۳۸۹

نشریه **جمعی از هواداران حزب توده ایران در کردستان**



آزادی ، دموکراسی و عدالت اجتماعی

مطالب این شماره : **صفحه**

================================

بەشی کوردی : **لاپەڕە**

✓ **مسئولیت مطالب درج شده در کازیوه بر عهده ی گردانندگان آن است و مواضع رسمی حزب توده ایران در سایت حزب به نشانی :**

http://www.tudehpartyiran.org/

انتشار می یابد.

همچنین مسئولیت مطالبی که به نام اشخاص در کازیوه منتشر می شود برعهده ی نویسنده آن است.

✓ **تماس با کازیوه** : tudeh_kurdistan@yahoo.co.uk

✓ پایگاه اینترنتي کازیوه :
http://a1320.wordpress.com/

سرمقاله

بدون شک در دنیای امروز تهیه و انتشار نشریه ای با حجم و کیفیت کازیوه، با توجه به امکانات وسیعی که نشر کامپیوتری و شبکه اینترنت در اختیار همگان قرار داده است، کار چندان دشوار و پر زحمتی به نظر نمی رسد.
با این حال مسئله توضیع نشریه و رساندن آن به دست مخاطبین، همچنان و چه بسا بیش از گذشته سخت و دشوار است.
این دشواری بویژه برای جمع ما، آن هم در شرایط کار مخفی که توام با مشکلات و خطرهایی است که کمترین بی توجهی به آنها دستکم می تواند ادامه حیات "کازیوه" را به خطر بیندازد و ناشگفته پرپر کند، کاملا ملموس و محدود کننده است.
از این گذشته کازیوه در حال حاضر حتی از داشتن یک پایگاه اینترنتی (سایت) نیز محروم است و هیچ امکانی هم برای راه اندازی آن ندارد. که این مسئله نیز به نوبه خود بر دشواری توضیع نشریه افزوده است.
همه ی اینها در حالی است که متاسفانه تا این لحظه راه یا راه های کم خطر، سریع و کم هزینه ای برای رساندن نشریه به دست مخاطبین آن نیافته ایم و همچنان در این خصوص مشغول مطالعه و بررسی هستیم.
واقعیت این است که حل این معضل برای جمع ما بسیار مهم و تعیین کننده است و ادامه انتشار کازیوه در گروه یافتن چنین راه هایی است.
ما در ابتدای شروع به کار نشریه، از جمله راه هایی که برای شناساندن و توضیع نشریه در نظر گرفته بودیم و با خوشبینی روی آن حساب می کردیم، همکاری برخی سایت ها و پایگاه های اینترنتی سازمانها و احزاب مترقی کشورمان و چند سایت کردی ظاهرا مستقل ترقی خواه بود، به همین خاطر همراه با شماره اول کازیوه، طی نامه ی محترمانه ای از مدیران اینگونه سایت ها خواهش کردیم گوشه ی کوچکی از سایت خود را به معرفی کازیوه یا دستکم درج خبر انتشار آن اختصاص دهند.
اما متاسفانه و در کمال ناباوری انتظار ما برآورده نشد و مدیران این سایت ها، به هر علت حاضر نشدند در حد یک خبر ساده نیز صحبتی از انتشار و دریافت کازیوه به میان آورند!
این نامهربانی غیردوستانه در حالی بود که همه دست اندرکاران این سایت ها مدام از پرنسیپ های روزنامه نگاری و اطلاع رسانی بی طرفانه سخن گفته و می گویند.
درست در چنین جو مایوس کننده و تاسف باری بود که مدیریت سایت وزین "نوید نو" با آغوش باز پذیرای کازیوه شد و ضمن آرزوی موفقیت برای تحریریه کازیوه، نسخه PDF شماره اول نشریه امان را جهت مطالعه بر روی سایت قرار داد.
ما صمیمانه سپاسگذار این رفقا هستیم.
بدون شک هم ما و هم همه ی هواداران و دوستان حزب توده ایران در کردستان اقدام دوستانه و حرفه ای "نوید نو" را فراموش نخواهیم کرد و همواره با احترام از آنان یاد خواهیم کرد.
اما نامهربانی دیگران را به هر علت که بود باشد، به فراموشی خواهیم سپرد و همچنان از همه ی ترقی خواهان کشورمان انتظار داریم ما را در تهیه، انتشار و رساندن کازیوه به دست مخاطبین آن یاری کنند.

تحریریه کازیوه
آبان ماه 1389

پوزش خواهی !

متاسفانه به دلیل پاره ای مشکلات ، این شماره از کازیوه با تاخیر و همراه با مشکل فنی (در نسخه PDF) آن انتشار یافت .
از این بابت صمیمانه پوزش میخواهیم .

چشم انداز تحولات کشور و مبارزه برای طرد رژیم "ولایت فقیه"

همان طور که تاریخ مبارزات میهن ما نشان داده است حرف آخر را در این مبارزه توده ها خواهند زد و نه مرتجعان حاکم. چشم انداز تحولات آینده کشور نشانگر ادامه و تشدید بحران رژیم است

تأمل بر سر روند سیاسی، اجتماعی و اقتصادی کشور و چشم انداز تحولات آتی در شرایط ادامه حاکمیت استبدادی ولی فقیه و نظامی - انتظامی شدن بیش از پیش ماهیت حاکمیت کنونی به یکی از موضوعات اساسی مورد توجه نیروهای سیاسی-اجتماعی کشور بدل شده است.
انتخابات 22 خرداد 1388، و در پی آن کودتای نظامی ولی فقیه و پایمال شدن آرای میلیون ها ایرانی، ماهیت بسیار ارتجاعی و محدود ساختارهای کنونی را در سامان دهی تحولات اساسی به نفع منافع و خواست های اکثریت مردم میهن ما به نمایش گذاشت.
ساختار رژیم ولایت فقیه، همان طوری که حزب ما سالهاست بر آن اشاره دارد، ساختاری عمیقاً استبدادی، ضد مردمی و سد اساسی یی است در راه تحقق حاکمیت مردم بر سرنوشت شان. کودتای انتخاباتی خرداد نشان داد که رژیم با اتکاء به "نهادهای قانونی" زیر نظر و کنترل ولی فقیه، از جمله شورای ارتجاعی نگهبان، و نیروهای نظامی و انتظامی می تواند به راحتی حق طبیعی مردم در انتخاب نمایندگان، و ریاست جمهوری را به محاق تعطیل کشانده و مزدوران خود را بر کرسی اداره قوه مجریه و مقننه بنشاند.
این عملکرد که ما اعمال آن را در جریان دو انتخابات ریاست جمهوری سال های 1384 و 1388 و همچنین انتخابات مجلس در سال 1386 مشاهده کرده ایم سئوال اساسی یی را در مقابل جنبش اصلاحات قرار می دهد. رفراندوم تاریخی دوم خرداد 1376، و در پی آن انتخاب سید محمد خاتمی، به عنوان ریاست جمهوری و در پی آن حاکم شدن اصلاح طلبان بر مجلس ششم تجربه یگانه ای در تاریخ میهن ما پس از انقلاب بهمن 1357 بود که امکانات ویژه ای را برای ایجاد تغییرات مهم در روند اداره میهن فراهم آورد. این امکان تاریخی به دلایل گوناگون، از جمله محدویت های نظری-طبقاتی اصلاح طلبانی که اراده امور قوه مقننه و مجریه را در دست گرفتند، نتوانست آن تغییرات اساسی لازم از جمله محدود کردن اختیارات ولی فقیه و نیروهای نظامی-انتظامی در تصمیم گیری های سیاسی-اقتصادی کشور را، به عنوان گام نخست در راه تحقق حاکمیت مردم بر سرنوشت شان سازمان دهی کند.
مرتجعان حاکم با درس گیری از شکست دوم خرداد 1376 و در پی آن شکست خرداد 1380، مصمم شدند که شرایطی را پدید آورند که چنین تحولاتی که حامل خطرات مهلکی برای ادامه رژیم ولایت فقیه بود دیگر امکان تکرار نیابد.
تجربه سه انتخابات بعدی نشانگر برخورد نوین رژیم با امر مراجعه به آرای مردم بود. حاکم کردن نظامیان و نیروهای انتظامی بر اداره انتخابات و تقلبات بی سابقه، مسئله حد و حدود موثر بودن شرکت در چنین شکلی از "انتخابات" را در مقابل جنبش اصلاح طلب و رهبران سیاسی-اجتماعی جنبش قرار داده است.
محدود کردن هرگونه امکانات تبلیغاتی، دستگیری، شکنجه و سازمان دهی شوهای تلویزیونی، انحلال احزاب و سازمان های طرفدار اصلاحات، و تبعید خانگی مراجع تقلید و رهبران درجه اول مذهبی که حاضر به همکاری با برنامه های خامنه ای و نظامیان حامی او نیستند، و مهم تر از آن سرکوب خشن جنبش های اجتماعی، از جمله تهاجم به جنبش سندیکایی، مبارزات زنان، و جنبش دانشجویی در مجموع شرایط جدیدی را در حیات سیاسی-اجتماعی کشور پدید آورده است که نیازمند بررسی عینی و هوشمندانه برای یافتن راهکارهای مناسب در راه پیشبرد امر جنبش مردمی است. نکته جالب در اخبار هفته های اخیر و سفر خامنه ای به قم، که از جمله برای تحکیم پایه های متزلزل ولی فقیه در میان مراجع تقلید صورت گرفته بود، در عین حال فرصتی بود برای خامنه ای و طرفداران او که سیاست های کنونی و برنامه هایشان را برای آینده، از جمله نظامی-انتظامی شدن بیش از پیش حاکمیت کشور را برای موافقان و مخالفان ترسیم کنند
سخنرانی خامنه ای در جمع بسیجیان، در سفر به قم، و تاکید او بر لزوم تقویت نقش بسیج و سپاه در صحنه سیاسی کشور، به روشنی و فارغ از هر گونه ابهام تکیه گاه اصلی ولی فقیه و دولت ضد ملی احمدی نژاد را در معادلات سیاسی نشان می دهد. خامنه ای در این سخنرانی ضمن تعریف و تمجید فراوان از سپاه و بسیج از جمله تاکید کرد: "یکی از موفقیت های بسیج، افزایش توانایی و بصیرت خود در مقابل پیچیده شدن توطئه های دشمنان است که قضایای فتنه سال ۸۸ موید این موضوع است ... در فتنه سال ۸۸ خیلی ها اشتباه کردند و از این جمع، بسیاری هم بعد از مدتی اشتباه خود را تصحیح کردند اما حرکت عظیم بسیج با حفظ پرچم بصیرت، مسیر را اشتباه نکرد و توانست در صراط حق بماند. ..."
پس از ایراد این سخنرانی، وزیر اطلاعات دولت کودتا در گردهمایی مسئولان سیاسی نیروهای مسلح، با صراحت تمام اعلام کرد، دولت احمدی نژاد طبق برنامه ریزی و زیر هدایت ولی فقیه تشکیل شده است. وی روز چهارم آبان ماه در این زمینه خاطر نشان ساخت: "امروز مسیری که مقام معظم رهبری طراحی کرده اند وضعیت را به گونه ای شکل داده که دولت نهم و دهم بر سر کار آید و نظام در مسیر درست قرار بگیرد و به این ترتیب مقابله هایی که با آن صورت می گیرد یک مقوله کاملا جدی است. ..." (تأکیدات از ماست)

سئوال اساسی یی که با توجه به ارزیابی های بالا باید به آن پاسخ روشنی داد این است در وضعیت کنونی چگونه سیاست های عملی و واقع گرایانه یی را باید برای پیشبرد امر مبارزه اتخاذ کرد؟
تجربیات یک سال و نیم گذشته که با تظاهرات میلیونی و با شکوه مردم بر ضد کودتای انتخاباتی ولی فقیه آغاز شد حاوی درس های مهم و نکات جالبی است که باید به آنها توجه کرد.
مسئله اول محدوده بسیار تنگ شعارهای مطرح شده از سوی جنبش اصلاحات و تمرکز اساسی آن بر شعار "رأی من کجاست" در پی کودتای انتخاباتی ولی فقیه رژیم بود. این محدود بودن شعار ها و نپرداختن به مسایلی همچون بی عدالتی لجام گسیخته، فقر و محرومیت، نتوانست آن طور که باید و شایسته است بخش های گسترده توده های کار و زحمت را به صفوف مبارزه جلب کند. کم سو بودن نقش طبقه کارگر و زحمتکشان در جنبشی که پس از کودتای انتخاباتی 22 خرداد 1388 شروع شد با تشدید فشار و سرکوب خشن و خونین تظاهرات خیابانی، پاشنه آشیل جنبش شد، که رژیم توانست با استفاده از آن و بستن امکانات ارتباطی و حاکم کردن نظامیان بر شهرهای عمده کشور، به تدریج جلوی حرکت های اعتراضی را سد کرده و این شکل مبارزه توده ها را با مشکلات جدی رو به رو کند.
نکته قابل توجه دیگر در تحولات یک سال و نیم گذشته این است که با وجود همه حرکت های ولی فقیه و نظامیان حاکم برای خاتمه دادن به "فتنه 88" جنبش مردمی نه تنها متوقف نشده است بلکه همچنان نیرومند به حیات خود ادامه می دهد. تنفر و انزجار توده ها از عملکرد و شیوه حکومتی دولت احمدی نژاد و حاکمیت ولی فقیه و نظامیان حامی او بر حیات سیاسی- اقتصادی کشور آنچنان است که با پیدایش کوچکترین امکان بروزی دوباره در شکل یک انفجار بزرگ اجتماعی خود را نشان خواهد داد.
تحولات یک سال و نیم گذشته همچنین شکاف های جدیدی را در صفوف حاکمیت و حتی نیروهای به اصطلاح "اصولگرا" پدید آورده است که معنایش محدود تر شدن بیش از پیش پایگاه اجتماعی خامنه ای و حامیان اوست.
بحران رژیم نه تنها فروکش نکرده است، بلکه با ادامه و تعمیق ورشکستگی اقتصادی - اجتماعی سیاست های رژیم و مجموع سیاست های مخربی همچون یورش به حقوق اجتماعی مردم، تشدید روند خصوصی سازی، تشدید بیکاری و تعرض به یارانه ها، هر روز ابعاد گسترده تری به خود خواهد گرفت و بعضاً زمینه ساز مبارزات جدیدی در میهن ما خواهد بود.
آمادگی برای مصاف های آتی جنبش مردمی با رژیم ولایت فقیه منوط به جسارت نیروهای طرفدار اصلاحات در درک ضروریات لحظه کنونی و تشخیص ضرورت توجه مبارزه برای طرد شیوه حکومت مداری ولایت مطلقه فقیه، ارائه برنامه جایگزین برای شکل آینده حکومت مردم و تأمین عدالت اجتماعی و غلبه بر فقر و محرومیت و همچنین بسیج و سازمان دهی و پیوند منسجم وسیع ترین نیروهای اجتماعی خصوصاً طبقه کارگر و زحمتکشان در صفوف این مبارزه است.
سفر ناموفق خامنه ای به قم نشان داد که "کفگیر" ولی فقیه و رژیمش "به ته دیگ خورده است" و بحران مشروعیتی که حاکمیت کنونی را در خود فرو کشیده است همچنان ادامه یافته و هر روز ابعاد گسترده تری به خود خواهد گرفت. فراز و نشیب ها در امر مبارزه توده ها برای حصول آزادی و عدالت اجتماعی امری طبیعی است ولی همان طور که تاریخ مبارزات میهن ما نشان داده است حرف آخر را در این مبارزه توده ها خواهند زد و نه مرتجعان حاکم.
چشم انداز تحولات آینده کشور نشانگر ادامه و تشدید بحران رژیم و ضرورت آماده کردن جنبش مردمی برای نبرد های تعیین کننده با استبداد حاکم است.



به قتل و غارت مرزنشینان خاتمه دهید

روزی نیست که خبر مصادره اموال، یا به گلوله بستن عده ای از کولبرها و کاسبکاران خرده پای مناطق مرزی کردستان از طرف خبرگزاری های دولتی و غیردولتی ایران انعکاس نیابد.
به طوری که این مسئله تبدیل به یک امر تکراری شده و با همه دردناکی اش، دیگر حتی توجه کسی را نیز برنمی انگیزد و همچون امری عادی با آن برخورد می شود.
کار به جایی رسیده است که کشته شدن، ناقص العضو شدن و به زندان رفتن و از دست دادن همه دار و ندار اندک این کولبرها و کاسبکاران خرده پا، دیگر برای خود آنها هم تبدیل به بخشی از واقعیات زندگی فاجعه بار روزانه اشان شده است و به ناگذیر به آن تن داده اند.
دیگر گشتن، غارت و به گلوله بستن کولبرها برای افراد نیروی انتظامی و سپاهی مستقر در مرزها نیز تبدیل به "پیشه" شده است و با عدم پیگیری دستگاه قضایی در خصوص این قتل و غارت ها، آنان نیز گستاخ تر از پیش به یکه تازی در مرزها مشغولند و هر کسی را که بخواهند، غارت، دستگیر یا به گلوله می بندند و به کسی نیز جواب پس نمی دهند.
همه اینها در حالی است که کلان قاچاقچیان بومی و غیر بومی، که اغلب این کولبرها در ازای دریافت دستمزدی اندک برای آنها کار میکنند، در خانه های مجلل خود نشسته اند وبا رشوه دهی یا شراکت با مقامات اداری و انتظامی به قول خودشان" از مزر تا تهران جاده ها را میخرند " و محموله های قاچاق خود را در برابر چشم صدها مامور انتظامی وسپاهی " رشوه گزفته" به بازارهای ایران می



رسانند و بدون اینکه کمترین زحمتی کشیده باشند، سودهای صدها میلیون تومانی به جیب می زنند.
از این سوی مرز نیز، با همکاری همان ماموران و مقامات "رشوه بگیر"، مواد مخدر، مواد خوراکی نیمه فاسد و هرچه را که بتوانند در بازار خارج از کنترل عراق " آب کنند" ارسال می کنند و بر سود و ثروت خویش می افزایند.
نیروی انتظامی و یگانهای سپاه پاسداران مستقر در مرزها در حالی که به خوبی کلان قاچاخچیان فعال در منطقه را می شناسند و نشانی انبارهای کالای آنان را در دست دارند، هرازگاهی، کولبرها و کاسبکاران (خرده قاچاخچیان) مرزنشین را مورد هجوم قرار میدهند و اینگونه اقدامات شنیع خود را تحت عنوان "مبارزه با قاچاق کالا" به مقامات مافوق خود گزارش می دهند.
با اینکه از گشایش بازارچه های مرزی و مبادله کالا به عراق زمان زیادی سپری نمی شود، تاکنون صدها و بلکه هزاران نفر از افراد مرزنشین که بر اساس قانون بازارچه های مرزی حق دارند به عنوان "پیله ور" به شیوه قانونی به تبادل کالا با آنسوی مرز بپردازند، به واسطه "قرق شدن" بازارچه ها از جانب چند بزرگ تاجر شناخته شده، به ناچار به قاچاق کالا روی نموده اند.
این عده حتی بیشتر از کولبرها مورد دستبرد، هجوم و غارت ماموران نیروی انتظامی قرار می گیرند و اغلب قربانی اینگونه اقدامات و یورش ها می شوند و جان و مال و هستی خود را از دست میدهند .

تنش و ناآرامی در غرب کشور،

خطری که باید آن را جدی گرفت!

سلسله حوادث خونین در مناطق غربی کشور به ویژه مناطق کردنشین، نگرانی ژرف همه نیروها و شخصیت های ملی و میهن دوست را برانگیخته است.

درگیری مسلحانه میان افراد "ناشناس" با واحدهای امنیتی- نظامی درشهر سقز، دراواخر شهریور ماه، انفجار یک بمب قوی در مراسم رژه نیروهای نظامی به مناسبت سالگرد جنگ ایران و عراق در شهر مهاباد، درگیری مسلحانه خونین در اواسط مهر ماه در سطح شهر سنندج، مرکز استان کردستان، ناآرامی درشهرهای کامیاران و مریوان، و نزاع و برخوردهای فیزیکی در دانشگاه ارومیه، به بهانه توهین به اقوام و اقلیت های ملی و مذهبی، به خوبی نمایانگر فضای سنگین و متشنج حاکم بر استان های غربی کشور است. این رویدادها که بدون شک اتفاقی و از مسیر حوادث جاری میهن ما جدا نیست، تاکنون با قاطعیت از سوی احزاب و سازمان های ملی و منطقه ای محکوم و مردود شناخته شده است. به عنوان نمونه، پس از انفجار مرگبار در شهر مهاباد، احزاب ملی کردستان ایران با انتشار بیانیه هایی این اقدام تروریستی را محکوم و استفاده از چنین روش هایی را مغایر با سیاست و مواضع خود اعلام داشتند. در بیانیه مشترک احزاب کردستان ایران، با صراحت تاکید می شود: "جنبش رهایی بخش کردستان و نیروهای سیاسی آن، هرگز در مبارزه عادلانه خود به بمب گذاری در اماکن عمومی متوسل نشده و جمهوری اسلامی خود با اغراض مشخصی در طراحی و اجرای چنین اقداماتی سابقه دار است. ..."
در میان فعالان کرد و مبارزان جنبش ضد استبدادی کنونی، که در کردستان و دیگر استان های غربی زندگی می کنند، این اتفاق نظر وجود دارد که تروریسم کور و حوادث اخیر نشانه هایی از تمایل کودتاچیان به تشدید فضای امنیتی در غرب کشور و تسری آن به سراسر ایران است. چندی پیش سخنگوی سازمان دفاع از حقوق بشر کردستان پیرامون رخدادهای خونین، از جمله درگیری مسلحانه در شهر سنندج، خاطر نشان ساخت: "این حرکت در جهت تحقق خواسته ها، منافع و مطالبات کردها نبوده و نیست و صرفا درجهت میلیتاریزه کردن کردستان است ... این حرکت نیز در راستای حوادث اخیر مهاباد است."
گسترش خشونت در غرب کشور، به ویژه مناطق کردنشین، ارتباط مستقیم با سیاست های تبعیض آمیز و اعمال ستم ملی دارد. حضور سپاه پاسداران و فضای امنیتی حاکم در منطقه، زندگی هم میهنان کرد ما را تحت تاثیر مخرب خود قرار داده است، و این امر در پیوند با فقر اقتصادی و عدم دسترسی مردم به امکانات آموزشی، بهداشتی و فرهنگی و نظایر آن، کردستان را به منطقه ای متشنج و بستر مناسبی برای فعالیت های تروریستی کور و تنش آفرین بدل ساخته است. این را هم باید افزود که، درسایه فضای امنیتی و سرکوب احزاب ترقی خواه، زمینه مناسبی برای رشد جریانات ارتجاعی مذهبی فراهم آمده است، و تبلیغات مذهبی رژیم در این مناطق و اعمال فشار بر اهل سنت و نادیده گرفتن حقوق آنان، پیدایش جریانات مذهبی واپس گرا و جنایتکار را سبب شده است. در طول سالیان اخیر، سپاه پاسداران و وزارت اطلاعات همواره دارای روابط معینی با این جریانات بوده اند و کوشیده اند تا از آنان به ضد نیروهای ملی، میهن دوست و ترقی خواه استفاده کنند. سیاست احزاب ملی کردستان دریک سال گذشته و همراهی مسئولانه آن ها با جنبش مردمی بر ضد کودتای انتخاباتی، به هیچ وجه خوشایند کودتاچیان، خصوصا سپاه پاسداران، نیست، و از این رو یکی از اصلی ترین ترفندهای ارتجاع ایجاد تنش درمناطق کردنشین است (مشابه آنچه که در ابتدای انقلاب اتفاق افتاد، و منجر به جنگ برادر کشی گردید). بی گمان حوادث خونین اخیر و اقدام های تروریستی در شهرهای مهاباد و سنندج را از این چارچوب جدا و مستثنی نباید ارزیابی کرد. تحکیم رابطه و پیوند میان جنبش های ملی با جنبش سراسری ضد استبدادی می تواند سیاست تنش آفرینی کودتاچیان و نیروهای مرتجع و ضد ملی را خنثی کرده و ناکام سازد!

به نقل از نامه مردم 854

3 آبان ماه 1389

قوی باش رفیق!

نامه فرزاد کمانگر به معلمان دربند

یکی بود یکی نبود ماهی سیاه کوچولویی بود که با مادرش در جویبار زندگی می کرد ، ماهی از ۱۰۰۰۰ تخمی که گذاشته بود تنها این بچه برایش مانده بود بنابراین ماهی سیاه یکی یک دانه ی مادرش بود، یک روز ماهی کوچولو گفت: مادر من می خواهم از اینجا بروم. مادرش گفت کجا؟ می خواهم بروم ببینم جویبار آخرش کجاست.
هم بندی، هم درد سلام
شما را به خوبی می شناسم. معلم، آموزگار، همسایه ی ستاره های خاوران، همکلاسی ده ها یار دبستانی که دفتر انشایشان پیوست پرونده هایشان شد و معلم دانش آموزانی که مدرک جرمشان اندیشه های انسانیشان بود. شما را به خوبی می شناسم، همکاران صمد و خان علی هستید.
مرا هم که به یاد دارید
منم، بندی بند اوین
منم دانش آموز آرام پشت میز و نیمکت های شکسته ی روستاهای دورافتاده ی کردستان که عاشق دیدن دریاست،
منم به مانند خودتان راوی قصه های صمد اما در دل کوه شاهو،
منم عاشق نقش ماهی سیاه کوچولو شدن،
منم، همان رفیق اعدامیتان،
حالا دیگر کوه و دره تمام شده بود و رودخانه از دشت هموارى می گذشت. از راست به چپ رودخانه های کوچک دیگری هم به آن پیوسته بودند و آبش را چند برابر کرده بودند... ماهی کوچولو از فراوانی آب لذت می برد... ماهی کوچولو خواست ته آب برود. می توانست هرقدر دلش خواست شنا کند و کله اش به جایی نخورد ناگهان یک دسته ماهی را دید، ۱۰۰۰۰ تایی میشدند، که یکی از آنها به ماهی سیاه گفت: به دریا خوش آمدی رفیق.

همکار دربند، مگر می توان پشت میز صمد شدن نشست و به چشمهای فرزندان این آب و

خاک خیره شد و خاموش ماند؟
مگر می توان معلم بود و راه دریا را به ماهیان کوچولوی این سرزمین نشان نداد؟ حالا چه فرقی می کند از ارس باشد یا کارون، سیروان باشد یا رود سرباز، چه فرقی می کند وقتی مقصد دریاست و یکی شدن، وقتی راهنما آفتاب است. بگذار پاداشمان هم زندان باشد.

مگر می توان بار سنگین مسئولیت معلم بودن و بذر آگاهی پاشیدن را بر دوش داشت و دم برنیاورد؟ مگر می توان بغض فروخورده دانش آموزان و چهره ی نحیف آنان را دید و دم نزد؟

مگر می توان در قحط سال عدل و داد معلم بود، اما "الف" و "بای" امید و برابری را تدریس نکرد، حتی اگر راه ختم به اوین و مرگ شود؟

نمی توانم تصور کنم در سرزمین "صمد"، "خانعلی" و "عزتی" معلم باشیم و همراه ارس جاودانه نگردیم. نمی توانم تجسم کنم که نظاره گر رنج و فقر مردمان این سرزمین باشیم و دل به رود و دریا نسپاریم و طغیان نکنیم؟

می دانم روزی این راه سخت و پر فراز و نشیب، هموار گشته و سختی ها و مرارت های آن نشان افتخاری خواهد شد "برای تو معلم آزاده"، تا همه بدانند که معلم، معلم است حتی اگر سدّ راهش فیلتر گزینش باشد و زندان و اعدام، که آموزگار نامش را، و افتخارش را ماهیان کوچولویش به او بخشیده اند، نه مرغان ماهیخوار.
ماهی کوچولو آرام و شیرین در سطح دریا شنا میکرد و با خود می گفت: حالا دیگر مردن برای من سخت نیست، تأسف آور هم نیست، حالا دیگر مردن هم برای من... که ناگهان مرغ ماهی خوار فرود آمد و او را برداشت و برد. ماهی بزرگ قصه اش را تمام کرد و به ۱۲۰۰۰ بچه و نوه اش گفت حالا دیگر وقت خواب است. ۱۱۹۹۹ ماهی کوچولو شب بخیر گفتند و مادر بزرگ هم خوابید اما این بار ماهی کوچولوی سرخ رنگی هرکاری کرد خوابش نبرد. فکر برش داشته بود...

معلم اعدامی زندان اوین
فرزاد کمانگر - اردیبهشت ماه ۱۳۸۹

حزب توده ایران و فدرالیسم

مسئله شکل نظام سیاسي آینده ایران، علي الخصوص طي دو دهه اخیر مورد بحث و بررسي جدي و همه جانبه احزاب و سازمان هاي سیاسي و کارشناسان مسایل ایران قرار گرفته و آرا و نظریات گوناگوني در این باره ابراز شده است. این مسئله بویژه از طرف احزاب، گروه ها و شخصیت هاي برخواسته از میان آن دسته از هم میهناني که به دلایل ملي و مذهبي مورد ستم واقع شده و مي شوند، با جدیت بیشتري مورد بحث و کنکاش قرار گرفته و همچنان مرکز توجه آنان است.

حزب توده ایران نیز، علیرغم آنکه در کنگره چهارم خود که در سال 1376 برگزار گردید، جامع ترین و مترقي ترین برنامه سیاسي، اقتصادي، اجتماعي و فرهنگي براي ایران پس از سرنگوني جمهوري اسلامي را تدوین و ارائه نموده بود ، به دور از هر گونه دگماتیسم و خودپسندي در کنگره پنجم حزب در سال 1382 به بازنگري در آن بخش از برنامه حزب که به "حل مسئله ملي" مربوط بود، مبادرت ورزید که در نتیجه آن سند مهمي را به تصویب رساند که طي آن جانب داري حزب توده ایران از استقرار یك نظام "فدرال" در ایران مورد تاکید قرار گرفته است.

سند مصوب کنگره پنجم حزب توده ایران در سال 1382 براي حل مسئله ملي:

مساله ملی

ایران کشوری است کثیرالمله که در آن خلق های گوناگون (فارس ها، آذربایجانی ها، کوردها، بلوچ ها، عرب ها و ترکمن ها) زندگی می کنند، و دارای سرزمین، زبان، آداب و آئین و رسوم ویژه خود هستند. افزون بر این، اقلیت های مذهبی در سراسر کشور، به صورت پراکنده، زندگی می کنند.
رشته های گوناگونی خلق های گوناگون کشور ما را به هم پیوند می زند. آنها طی سده های متمادی تاریخ، سرنوشت مشترکی داشته اند و دست در دست هم، در ابداع و ایجاد فرهنگ غنی کشور ما با هم همکاری کرده اند، و در راه استقلال و آزادی میهن مشترک خویش، دوشادوش هم، فداکاری کرده اند.

* حزب توده ایران طرفدار برابری کامل حقوق کلیه خلق های ایران و ا قلیت ها و خواهان اتحاد داوطلبانه آنها در چارچوب میهن واحد، و بر پایه حفظ تمامیت ارضی ایران، ماست. براین اساس، حزب توده ایران ، طرفدارسرسخت استقراریک حکومت فدرال در ایران و تامین حق کامل خلق های ایران در تعیین سرنوشت خویش، و شناسایی حق اقلیت های مذهبی ساکن ایران (مسیحی، زرتشتی، کلیمی، بهایی و جز آن) در برخوردار شدن از کلیه حقوق ملی، اجتماعی و فرهنگی است.

(نقل از برنامه حزب توده ایران مصوب کنگره پنجم)

حزب توده ایران در این سند بسیار مهم و تاریخي قویا از استقرار "فدرالیسم" در ایران حمایت و جانبداري نموده است.
ما در شماره هاي بعدي "کازیوه" اشکال مختلف "فدرالیسم" را مورد بحث و بررسي جدي قرار خواهیم داد و مباني فدرالیسمي را که کنگره پنجم حزب توده ایران به پذیرش آن مبادرت نموده، تبین خواهیم کرد.

رفیق شهید علی شناسایی

از پیش کسوتان جنبش کارگری ایران

شهادت در زیر شکنجه آبان ماه 1363

رفیق شهید علی شناسایی از پیش کسوتان جنبش کارگری و توده ای کشور بوکه که پس از 43 سال پیکار خستگی ناپذیر زیر شکنجه جان سپرد.
وی در سال 1292 در باکو (مرکز آذربایجان شوروی) در یک خانواده مهاجر ایرانی چشم به زندگی گشود. پس از دوره آموزش مقدماتی در سال 1310 به ایران بازگشت. به سربازی برده شد و سپس در کارخانه دخانیات به کارگری پرداخت. در سال 1320 هم زمان با تاسیس حزب توده ایران به آن پیوست و همراه او دهها تن از فعالین سندیکایی که هر کدام نماینده صدها کارگر بودند به حزب پیوستند. وی که در مقاطع گوناگون نقش مهمی در سازمان دهی مبارزه کارگری و اعتصابات به عهده داشت همواره تحت تعقیب رژیم ستم شاهی بود. در بهمن 1327 به اتهام شرکت در "توطئه ترور شاه" دستگیر و به یک سال زندان محکوم شد.
پس از کودتای ننگین 28 مرداد، به دستور حزب به تبریز رفت و در شرایط سخت زندگی مخفی توانست به تشکیلات کارگری و سندیکایی در آذربایجان سروسامانی بدهد.
در اسفند 1333 به نمایندگی از سوی سندیکاهای کارگری ایران به منظور شرکت در سندیکای جهانی کارگران مخفیانه به خارج از کشور رفت. اما هنگام بازگشت با تنی چند از یارانش از جمله رفیق شهید حسن حسین پور تبریزی – در بیروت دستگیر و به ایران تحویل داده شد. رژیم رفیق شهید شناسایی را دیگر بار به 5 سال زندان محکوم کرد. وی 2 سال از دوران زندان را در تبریز و سه سال را در تهران گذراند، سپس به دلیل روحیه مقاوم و سرسختی که داشت یک سال بر سال های محکومیت وی افزوده شد و این یک سال را در زندان برازجان (تبعید گاه زندانیان سیاسی) در شرایط بسیار دشواری سپری کرد.
پس از رهایی از زندان، با حزب تماس گرفت و همچنان به ویژه در زمینه کارگری و سندیکایی به کار انقلابی خود ادامه داد. در این سال ها خانه او پناهگاه چهره های درخشان مبارزان توده ای و کارگری از جمله رفیق علی امید بود. با پیروزی انقلاب بهمن 57 مبازه علنی خود را از سر گرفت و تمام توان و وقت خود را در اختیار حزب گذاشت. این رفیق کهنسال برای خدمت به کارگران و حزب پرافتخارشان همیشه آماده بود. در کنار کارهای حزبی و سندیکایی، او کودکان رنجدیده میهن مان را نیز فراموش نمی کرد. او ساعات کوتاه استراحت خود را صرف ترجمه کتاب برای کودکان و نوجوانان می کرد. او بارها به خاطر احساس مسئولیت و تلاش و از خودگذشتگی در راه انجام وظایف مورد تقدیر قرار گرفت.
رفیق شناسایی در اولین یورش به حزب (17 بهمن 1361) دستگیر شد و پس از 18 ماه شکنجه و تعزیر در آبان 63 به شهادت رسید. به هنگام مرگ درست 43 سال از مبارزه سازمان یافته او به عنوان عضو وفادار حزب توده ایران سپری شده بود. به دستور حاکمان "شرع" رفیق شناسایی در گورستان دورافتاده ای به خاک سپرده شد. اما دوستداران جنبش انقلابی و کارگری کشور آرامگاهش را غرق در گل کردند و در مراسم یادبود و سالگردش به سوگ نشستند.
پیش از شهادت، هنگامی که دژخیمان رژیم به بهانه های گوناگون، داروهای او را قطع کردند و گردن و پاهایش ورم کرده بود و تاب ایستادن نداشت، گفت: آنها چیزی را از من می خواهند که اگر کشته شوم هم زیر بار نمی روم. فشار زیاد روی من آوردند که توبه کنم، تعهد بسپارم و انزجارنامه بنویسم. یعنی به اصطلاح به "اتاق آزادی" بروم. اما این محال است. من هیچ گناهی جز دفاع از انقلاب ندارم.

***

رفیق علی شناسایی در دهم آبان ماه 1320 هم راه با گروهی از کارگران دخانیات با امضا آنکت حزب، به صفوف حزب توده ایران پیوست. در مراسمی که در دهم آبان ماه 1360 به مناسبت چهلمین سال عضویت او در حزب و به منظور تجلیل از مبارزات خستگی ناپذیرش در دفاع از منافع کارگران برپا شده بود. رفیقی پرسید: "چرا یک ماه پس از بنیان گذاری حزب به آن پیوستنید؟" رفیق شناسایی با حالتی برافروخته و جدی پاسخ داد:
"نه، من از همان دهم مهر 1320 عضور حزب بودم، یک ماه تاخیر در پر کردن آنکت حزبی به خاطر فعالیت شبانه روزی در سازمان دهی کارگران بود. وقتی به حزب آمدم تا آنکت پرکنم ده ها تن از فعالین سندیکایی را نیز با خود همراه داشتم که هر یک نماینده صدها کارگر بودند. من دیر به حزب نیامدم. من حزب را به میان کارگران بردم و با کارگران به حزب آمدم."

سخنرانی نماینده کمیته مرکزی حزب توده ایران در نشست مهم گروه چپ پارلمان اروپا

به دعوت گروه "اتحاد چپ اروپا و گروه سبز و چپ شمال اروپا" GUE/NGL، نماینده کمیته مرکزی حزب ما در اجلاس این گروه مهم پارلمانی اروپا، در قبرس حضور یافته و در جلسه ویژه ای که به بررسی وضع ایران اختصاص یافته بود، سخنرانی کرد.
دیگر سخنران این نشست مهم خانم کورنیلا ارنست، عضو حزب چپ اروپا، از آلمان و از مسئولان "هیئت ایران" در پارلمان اروپا بود.
در این جلسه که به ریاست آقای نیکوس چیونتس، عضو پارلمان اروپا، از یونان برگزار می شد، شماری از نمایندگان پارلمان اروپا، از جمله از قبرس، پرتغال، اسپانیا، یونان، جمهوری چک، آلمان، هلند، دانمارک، و فرانسه حضور داشتند.
نماینده کمیته مرکزی حزب مان در سخنرانی خود ضمن اشاره به شرایط دشوار زندگی زحمتکشان در زیر خط فقر و با اشاره به نرخ 17% بیکاری که بیش از 5/3 میلیون نفر را به صف بیکاران رانده است و همچنین سیاست های مخرب، ضد ملی و نولیبرالی دولت احمدی نژاد در خصوصی سازی لجام گسیخته و حمله به حقوق کارگران و زحمتکشان میهن مان، به تشریح حوادث ایران، کودتای انتخاباتی رژیم ولایت فقیه، به رهبری علی خامنه ای و نقش روز افزون نظامیان و نیروهای انتظامی در اداره امور کشور پرداخت. نماینده حزب ضمن اشاره به مبارزه حماسی میلیون ها ایرانی بر ضد کودتای انتخاباتی رژیم، جنبش اعتراضی را جنبشی مردمی و ضد استبدای ارزیابی کرد.
نماینده حزبمان ضمن ارائه تحلیل طبقاتی از حاکمیت به قشرهای اجتماعی مختلف شرکت کننده در جنبش اعتراضی اشاره کرد و اضافه کرد که یکی از تلاش های نیروهای مترقی و پیشرو ارتقای نقش طبقه کارگر در این جنبش بوده و هست. نماینده حزب ما در ادامه همین سخنان به جنبش قهرمانانه زنان میهن ما که به رغم دشواری ها و فشارهای شدید و سرکوبگرانه رژیم به مبارزه خود ادامه می دهد و همچنین جنبش دانشجویی کشور پرداخت و



نمایندگان پارلمان اروپا را در جریان خواست های مبارزاتی آنها قرار داد.
نماینده حزب سپس ضمن اشاره به دخالت های امپریالیستی در میهن ما مخالفت شدید حزب توده ایران را با هرگونه دخالت خارجی اعلام کرد و با انتقاد از برخی نیروهای سیاسی که خواهان اعمال و تشدید تحریم های اقتصادی بر ضد ایران هستند، اعمال تحریم اقتصادی را به ضرر منافع مردم ایران اعلام کرد و گفت همان طور که تجربه عراق نشان داد این تنها حکومت دیکتاتوری است که از اعمال این تحریم ها برای تشدید سرکوب و ارعاب مخالفان بهره برداری خواهد کرد.
نماینده حزب ما در بخش مفصلی که به پرسش و پاسخ با نمایندگان پارلمان اروپا اختصاص داشت به سئوالات گوناگونی، از جمله پیرامون ادامه تنش ها و تشنج در زمینه سیاست های هسته ای ایران پاسخ داد و از جمله گفت که حزب توده ایران مدافع حق ایران در بهره وری صلح آمیز از انرژی هسته ای است و هیچ کشور و یا نیروی خارجی اجازه نفی این حق طبیعی ایران را ندارد. نماینده حزب ما سپس با اشاره به انباشت سلاح های هسته ای در منطقه، از جمله در اسرائیل و پاکستان، گفت که نیروهای مترقی و آزادی خواه خواهان منطقه ای عاری از سلاح های هسته ای هستند.
نماینده حزب ما در بخش دیگری از پاسخ های خود ضمن اشاره به وضعیت دشوار زندانیان سیاسی و فشارهای شکنجه گران برای درهم شکستن مخالفان از نمایندگان پارلمان اروپا خواست که تلاش های خود را برای فشار بر دولت ایران در زمینه آزادی بدون قید و شرط زندانیان سیاسی تشدید کنند.
سخنران بعدی این نشست خانم کورنیلا ارنست، عضو حزب چپ اروپا، از آلمان و از مسئولان "هیئت ایران" در پارلمان اروپا بود که در سخنان خود ضمن اشاره به وضعیت متشنج منطقه گفت که گروه چپ در پارلمان

اروپا مخالف هرگونه مداخله نظامی در ایران است. خانم ارنست با اشاره به سخنان نماینده حزب گفت ما هم با تشدید و اعمال تحریم بر ضد ایران مخالفیم و موافقیم که این چنین تحریم هایی نتیجه مشابهی همچون تحریم ها بر ضد دولت صدام را خواهد داشت. خانم ارنست همچنین تأکید کرد آنها از جنبش دموکراتیک مردم ایران حمایت می کنند و در زمینه سرکوب حقوق بشر نگرانی ها و مخالفت های خود را به دولت ایران اعلام کرده اند.
بخش انتهایی نشست به اظهار نظر نمایندگان پارلمان اروپا اختصاص داشت که در آن همه شرکت کنندگان ضمن تشکر از حضور نماینده کمیته مرکزی حزبمان در این نشست مواضع اعلام شده حزب را روشنگر و برای درک دقیق تر حوادث ایران مفید دانستند.
شرکت کنندگان در این نشست، از جمله نماینده کمیته مرکزی حزبمان، همچنین به دیدار آقای نیکولیس سیلیکیاتس، عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست قبرس-آکل و وزیر امور داخله قبرس رفتند و درباره مشکلات مهاجران سیاسی به اروپا و سیاست های پارلمان اروپا در این زمینه به تبادل نظر پرداختند.



به نقل از نامه مردم 854
3 آبان ماه 1389

کازیوه را به دوستان و رفقای خود بشناسانید و از این طریق در توضیع نشریه به ما کمک کنید!

شرکت هیئت نمایندگی حزب توده ایران در پنجاه و یکمین کنگره حزب کمونیست بریتانیا

بخشی از سخنان نماینده حزبمان به توضیح ماهیت روابط دیپلماتیک و تجاری دولت احمدی نژاد با برخی کشورهای ترقی خواه در آمریکای لاتین و کوشش های پرهزینه نمایندگان دیپلماتیک و ارگان های مطبوعاتی رژیم در خارج از کشور اختصاص داشت.

پنجاه و یکمین کنگره حزب کمونیست بریتانیا در روزهای هشتم و نهم آبان ماه (۳۰ تا ۳۱ اکتبر) در منطقه کرویدون، در جنوب لندن، با موفقیت برگزار شد.این کنگره با توجه به بحران همه جانبه اقتصادی در کشورهای سرمایه داری و به ویژه انگلستان، که اقتصاد آن در دهه های اخیر عمدتاً و تقریبا دربست در خدمت سرمایه مالی بوده است، و نیز با توجه به قدرت رسیدن حزب محافظه کار پس از ۱۳ سال، اهمیت بسزائی داشت. کنگره همچنین با انتشار طرح جدید "مسیر بریتانیا برای رسیدن به سوسیالیسم"، برنامه استراتژیک حزب کمونیست بریتانیا، بحث در رابطه با آن را آغاز کرد. هیئت نمایندگی کمیته مرکزی حزب توده ایران در کنار هیئت های نمایندگی احزاب کمونیست کوبا، فلسطین (حزب مردم فلسطین)، ایرلند، پرتغال، سودان و شیلی، به دعوت رسمی رهبری حزب برادر، در آن شرکت کردند. کمونیست های بریتانیا در بحث های کنگره پر اهمیت خود که در نودمین سالگرد بنیانگذاری حزب برگزار می شد تعهد کردند که حزب را به نیروئی برای "مبارزه گری، صراحت و روشنگری، و وحدت" در مبارزه با سیاست های ضدکارگری دولت نولیبرال ائتلاف احزاب "محافظه کار" و "لیبرال – دموکرات" تبدیل کنند. هیئت های نمایندگی واحد های حزبی از سراسر کشور در رابطه با وظایف عاجل پیش روی طبقه کارگر در مقابله با سیاست دولت راستگرای حاکم که تهاجمی همه جانبه به اشتغال و سیستم تامین اجتماعی را آغاز کرده است، بحث های دقیقی را مطرح کردند. محور عمده این بحث ها تاکید بر نیاز به ایجاد وسیع ترین اتحاد ها با سندیکاهای کارگری و عموم مردم در کارزار مخالفت با سیاست کاهش بودجه های عمومی و حمله به دستاورد های زحمتکشان و به تحلیل بردن بیشتر بخش دولتی بود.
دبیر کل حزب کمونیست بریتانیا، رفیق رابرت گریفیث، در سخنرانی افتتاحیه کنگره، خطاب به نمایندگان گفت که، حزب "برای مقابله با معضل بیکاری توده ای و دفاع از ویژگی های اساسی یک جامعه متمدن که در حال حاضر با تهاجم سبعانه سرمایه داری انحصار سودجو روبه رو ست" به دنبال "وسیع ترین ائتلاف ممکن" است. او خواستار تشکیل یک "اتحاد ضد انحصارات" به منظور مخالفت با کاهش بودجه های رفاهی و اجتماعی شد و "جنگ طبقاتی" را که بر ضد کارگران و بیکاران به راه انداخته شده، مورد توجه قرار داد. رهبر حزب کمونیست بریتانیا در ادامه اظهار داشت که، طبقه حاکم در بریتانیا در مسیر جنگ حرکت می کند و از هر امکان و راهی که در دسترس باشد برای تحمیل برنامه خود برای اجرای سیاست های ریاضت کشانه، پائین بردن میزان مالیات های مستقیم، خصوصی سازی، از بین بردن مقررات کاری، و استثمار تشدید یابنده استفاده خواهد کرد. کنگره در کنار رسیدگی به امور تشکیلاتی و مالی حزب، بحث های مهمی را بر محور دو قطعنامه در مورد شرایط اقتصادی، اجتماعی و سیاسی انگلستان، و همچنین تحولات بین المللی و موضع گیری های حزب کمونیست در رابطه با آن ها، در دستور کار داشت. در بحث های مربوط به تحولات سیاسی در انگلستان، نمایندگان کنگره در ضرورت سازمان دهی یک جنبش قدرتمند زحمتکشان کشور به محوریت اتحادیه های کارگری به منظور رویارویی با سیاست های نولیبرالی و شدیداً ارتجاعی دولت دیوید کامرون، نخست وزیر انگلستان، هم عقیده بودند. دولت راستگرا با اعلام برنامه یی مبنی بر کاهش بی سابقه بودجه به میزان ۷۵ میلیارد پوند استرلینگ، عملاً ادامه حیات ساختارهای جامعه مدرن انگلستان و از جمله ارگان های منتخب شهری و استانی را زیر علامت سئوال برده است. پیش بینی می شود که ۵۰۰/۰۰۰ کارمند و کارگر بخش عمومی بیکار شوند. با کاهش بودجه آموزش عالی، بسیاری از مراکز دانشگاهی و علمی با دشواری روبه رو خواهند شد. بسیاری از دانشگاه های انگلستان اعلام کرده اند که برای جبران کسری بودجه، از بالا بردن شهریه دانشگاه ها و در نتیجه دشوار کردن تحصیلات عالیه برای فرزندان زحمتکشان، گریزی ندارند.

همبستگی بین المللی
به ابتکار رهبری حزب کمونیست بریتانیا، در برنامه روز اول کنگره و قبل از شروع بحث در باره مسائل بین المللی، جلسه یی در مورد عرصه های محوری همبستگی بین المللی حزب تدارک شده بود. در این جلسه که با مسئولیت دبیر بخش روابط بین المللی حزب کمونیست بریتانیا برگزار شد، همه نمایندگان کنگره شرکت داشتند و در آن نماینده کمیته مرکزی حزب توده ایران، دبیر کل حزب کمونیست ایرلند، و عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست پرتغال در رابطه با شرایط مبارزه در کشورهای خود و عرصه های ضرور برای تجلی همبستگی بین المللی سخن گفتند. نماینده حزب توده ایران در سخنان خود پس از تبریک به رهبری حزب برادر به مناسبت برگزاری کنگره و همچنین نودمین سالگرد بنیانگذاری حزب کمونیست بریتانیا، در رابطه با شرایط حاکم بر میهن و در باره جنبش اعتراضی مردم از مقطع ۲۲ خرداد ۱۳۸۸ مفصل توضیح داد. او با افشای سیاست های اقتصادی، اجتماعی رژیم سرکوبگر، و ترسیم ابعاد بحران سیاسی رژیم و چگونگی حاکم شدن سران سپاه پاسداران بر ارگان های تعیین کننده دولتی و اقتصادی، رژیم را فاقد هرگونه مشروعیتی از منظر منافع عالی

مردم میهن معرفی کرد و خواستار وسیع ترین جنبش همبستگی با مبارزه مردم ایران شد. بخشی از سخنان نماینده حزبمان به توضیح ماهیت روابط دیپلماتیک و تجاری دولت احمدی نژاد با برخی کشورهای ترقی خواه در آمریکای لاتین و کوشش های پرهزینه نمایندگان دیپلماتیک و ارگان های مطبوعاتی رژیم در خارج از کشور اختصاص داشت. او بر پایه تحلیل برنامه اقتصادی، اجتماعی، و تشریح باورها و عملکرد ارتجاعی رژیم و توضیح چگونگی بهره گیری امپریالیسم از عملکرد رژیم برای پیشبرد سیاست های خود در منطقه، رژیم حاکم و دولت احمدی نژاد را فاقد هرگونه پتانسیلی در ایفای نقشی مثبت به نفع جنبش ضدامپریالیستی منطقه دانست. این سخنرانی پس از پاسخ به سئوال های نمایندگان کنگره در میان تشویق همه جانبه حاضران پایان یافت.
در روز دوم برگزاری کنگره، سفیر جدید کوبا در انگلستان، "استر آرمنتروس کاردناس"، در راس هیئت نمایندگی حزب کمونیست کوبا در محل کنگره حضور پیدا کرد و در طی سخنرانی خود پیام رسمی کمیته مرکزی حزب کمونیست کوبا خطاب به پنجاه و یکمین کنگره کمونیست های بریتانیا را ارائه داد. او در سخنان خود اظهار داشت: "من بسیار احساس افتخار می کنم که به این اجلاس دعوت شده ام. ما از همبستگی حزب شما با کوبا بسیار قدردانی می کنیم و از بابت آن از شما سپاسگزاریم." سفیر کوبا که کارنامه درخشانی در مسئولیت های دیپلماتیک خود داشته است و فقط از هفته آخر مهرماه در مقام سفیر کوبای سوسیالیستی در انگلستان شروع به کار کرده است، در مورد حمایت کوبا از مبارزه کشورهای امریکای لاتین و کارائیب که دیدگاه های سوسیالیستی اتخاذ کرده اند، اظهار داشت: "ما به پشتیبانی خود از مبارزه آنانی که به سوسیالیسم به عنوان عادلانه ترین جایگزین پایدار برای وحشیگری یی که سرمایه داری معرف آن است باور دارند، ادامه خواهیم داد. . . ما بر این باوریم که راه درست به سوی جهان برابری و حق حاکمیت خلق ها در رویارویی با نظم کنونی جهان، همین راه است."
در طول زمان برگزاری کنگره، هیئت نمایندگی حزب توده ایران با رفیق رابرت گریفیث، دبیر کل حزب کمونیست بریتانیا ، رفیق جان فاستر، دبیر بخش روابط بین المللی آن، و دیگر رفقای رهبری حزب برادر و همچنین هیئت های نمایندگی دیگر احزاب برادر حاضر در کنگره و از جمله رفیق "حنا عمیره"، عضو هیئت سیاسی حزب مردم فلسطین، گفتگوهای مفید و همه جانبه ای داشت. در شروع بحث های بخش بین المللی کنگره، آخرین شماره " توده نیوز" و همچنین نشریه " کمیته دفاع از حقوق مردم ایران" (کودیر) در اختیار همه نمایندگان کنگره قرار گرفت.
قطعنامه مربوط به تحولات بین المللی در فصل مربوط به تحولات خاورمیانه، به اوضاع ایران و حمایت حزب کمونیست انگلستان از مبارزه مردم میهن مان و مخالفت با تهدید های امپریالیسم در رابطه با پرونده هسته ای پرداخته است. سند کنگره حزب کمونیست بریتانیا، حق طبیعی ایران به توسعه تکنولوژی هسته ای غیرنظامی در چارچوب موافقتنامه منع گسترش سلاح های هسته ای را مورد تائید قرار داد. سند مصوب کنگره حزب کمونیست انگلستان مشخصاً رهبری حزب را فرا می خواند که "در همکاری با حزب توده ایران در رابطه با توسعه موثر کارزار های همبستگی با مردم ایران و مبارزات آنان" اقدام کند. قطعنامه مصوب کنگره همچنین رهبری حزب را فرا می خواند که از فعالیت های "کودیر" حمایت کرده و با جنبش های مترقی کشورمان همبستگی فعال داشته باشد.
پنجاه و یکمین کنگره حزب کمونیست انگلستان، با انتخاب هیئت اجرائیه جدید حزب، و با خواندن سرود انترناسیونال، که با همسرایی همه نمایندگان حاضر در کنگره اجرا شد، با موفقیت به کار خود پایان داد.



حقیقت ساده

از کریس دی برگ
آهنگساز و خواننده ایرلندی
مترجم: پیمان معظمی

**کودی در میدان جنگ متولد می شود،
سرباز جوانی کشته می شود،
و زنی در غم و شادی می گرید.
"چه موقع دوباره در صلح و آرامش زندگی خواهیم کرد؟"**

**کودکی در سرزمینی که بادهای وحشی می وزند،
متولد می شود،
در کشوری که از جنوب تا شمال ویران شده است،
و خانواده هایی که هر روز در حال گریزند،
چه موقع دوباره وطنمان را خواهیم دید؟
چه موقع این حقیقت ساده را درمی یابیم
که تنها چیز ارزشمند این است که:
"زندگی یک کودک از جنگ مهم تراست،
زندگی یک کودک از مرز مهمتر است،**

**کودکی در آفتاب سوزان صحرا متولد می شود،
زندگی کوچک او تازه آغاز شده است
و مادری که برای فرزند گرسنه اش می گرید
"چه موقع می توانم دوباره فرزندم را سیر کنم؟**

**کودکی در یک خانه معمولی متولد می شود
شرق یا غرب، می تواند هر کسی باشد
اما همه می خواهیم بدانیم که:
"آیا فرزند من تا رسیدن روز زنده می ماند؟
چه موقع می توانیم این حقیقت ساده را در یابیم که
تنها چیز ارزشمند این است که:
"زندگی یک کودک از جنگ مهم تراست،
زندگی یک کودک از مرز مهمتر است،**

**زندگی یک کودک تنها یک طپش از ابدیت است"
باید ایمان بیاوریم،
به خاطر انسانیت
باید ایمان بیاوریم....**

سەروتار

ئەمە راستە کە لە سەردەمی ئێستادا ئامادە کردنی مانگنامەیەک لە قەوارەی *کازیوە*دا بە رەچاو گرتنی ئەو هەموو ئیمکاناتەی کە کامپیوتێر و تۆڕی ئینتێرنێت بەخشیویەتی بە هەمووان، کارێکی پڕزەحمەت و دژوار نییە.
بەڵام بۆ ئێمەی دەستەی نووسەرانی کازیوە، بە تایبەت بە رەچاو گرتنی ئەوەی کە بە شێوەی نهێنی کارەکانمان دەکەین و کەمترین هەڵە دەتوانێت لانیکەم کۆتایی بە ژیانی مانگنامەکەمان بهێنێت، ئەم ئەرکە سادە و هاسانە، قورسایی تایبەتی بەخۆی هەیە. و ئێمەش شانمان داوەتە ژێر ئەم قورساییە و بەو پەڕی شانازییەوە ئەم ئەرکە پیرۆزەمان وەئەستۆ گرتووە.
بەڵام لە ئێوەی خوێنەر نایشارینەوە کە لە بواری بڵاو کردنەوە و گەیاندنی کازیوە بە خوێنەرانی خۆیدا، کەم و کۆڕیەکی یەکجار زۆرمان هەیە و لەم بوارەدا پێویستمان بە یارمەتی هەموو دۆستان و لایەنگرانی حیزبی تودەی ئێران و سەرجەم ئەو کەسانە هەیە کە خوازیاری بیستنی دەنگی جیاوازن.
ئێوەی بەڕێز دەتوانن بە ناساندن و ناردنی کازیوە بۆ دۆستانی دوور و نزیکی خۆتان لەم بوارەدا هاوکاریمان بکەن.

هەروەها ئەگەر خاوەن سایت یان وێبلاگی تایبەت بە خۆتانن لە رێگەی ئەو پێگە ئینتێرنێتیانەوە کازیوە بە خوێنەرانی ماڵپەرەکانتان بناسێنن. ئەمە لە ئێستادا گەورەترین و بەنرخ ترین هاوکارییە بۆ ئێمە.
هەر لێرەدا پێویستە گلەیەکی دۆستانە ئاراستەی ئەو ماڵپەر و سایتە کوردییانە، بە تایبەت ئەوانەی کە ئیدیعای "چەپ و سەربەخۆ"ییان هەیە بکەین. لە مڕ ئەو بێدەنگییەی سەبارەت بە دەرچوونی ژمارەی یەکەمی کازیوە نواندیان.
ئێمە قەت چاوەڕوانی ئەوەمان نەدەکرد کە تەنانەت ماڵپەڕێکی بە ئەزموون و ناسراوی وەک (......) کە دروشمی "چەپی سەربەخۆی" بەرز کردووەتەوە بە سەر ئەوەشدا کە ژمارەی یەکەمی کازیوەمان بۆ نارد، تەنانەت حازر نەبێت لە هەواڵێکی سادەشدا باسی دەرچوونی کازیوە بکات!
ئەمە لە حاڵێکدایە کە هەمان سایت حازرە راگەیەندراوەکانی تاقمێکی دواکەوتووی وەک "سپای رزگاری" بڵاو بکاتەوە!
هەروەها ماڵپەرێکی دیکەی کوردی کە دروشمی بڵاو کردنەوەی دەنگە جیاوازەکانی بەرز کردووەتەوە، ئامادە نەبوو گوێ لە دەنگی کازیوە بگرێت یان هەواڵی دەرچوونی رابگەیەنێت.
ئێمە وەک هەمیشە ئەم نادۆستایەتیانە لە بەرچاو ناگرین و ئۆمێدمان هەیە هەڵەیەک رووی



دابێت و کاری لەم جۆرە لە کەسانی پێشکەوتن خواز و لایەنگری دیموکراسی نەوەشێتەوە. هەر بۆیە بە دڵنیاییەوە ژمارەی دووهەم و ژمارەکانی دواتری کازیوەیان بۆ دەنێرین".

ئەمەش هەوڵێکە بۆ سەلماندنی بوونی "کازیوە" کە ئەگەر نەشیان خوێندەوە لانیکەم بکەوێتە بەرچاویان تا بەڵکوو رۆژێک لە رۆژان بزانن کە یەکێک لە هێماکانی زیندوو بوونی هەر کۆمەڵگایەک بوونی دەنگی جیاواز لەو کۆمەڵگا دایە و سەرەکی ترین نیشانەی باوەڕ بە دیمۆکراسی لای هەر کەسێک قەبووڵ کردنی بوونی بیری جیاوازە و فرە چەشنییە.

بە هەرحاڵ هەر کەس و لایەنێک، پێی خۆش بێت یا نە، لە ئێستادا "کازیوە" بوونی هەیە و دەمێنێتەوە و بەردەوام دەبێت.

کازیوە بە دۆستان و هاوڕێکانتان بناسێنن!

کێشەی پەنابەرانی مەدەنی ڕۆژهەڵاتی کوردستان لە باشور بەردەوامە

دوابەدوای بڵاو بوونەوەی چەندین ڕاپۆرت لە سەر ڕەوشی پەنابەرانی ڕۆژهەڵاتی کوردستان لە باشوور، ئەو کێشەیە هێشتا بەردەوامە و چارەسەر نەکراوە.
وەک دەزاندرێت کە ژمارەیەک لە چالاکانی سیاسی و مەدەنی و تێکۆشەرانی مافی و مرۆڤ و ڕۆژنامەوانانی ڕۆژهەڵاتی کوردستان کە خۆیان وەک کەسایەتی سەربەخۆ و ناحیزبی پێناسە دەکەن، بە هۆی زوڵم و فشارەکانی ڕژیمی ئێران و بۆ پاراستنی خۆیان لە زیندان و شکەنجە و لە ناو چوون بە دەستی ئەو ڕژیمە، پەنایان بۆ باشووری کوردستان هێناوە و وەک بەشێک لە نیشتیمانی خۆیان واتا کوردستان بە وڵاتی خۆیان زانیوە و چاوەڕوانی ئەوەشیان کردووە کە بە باشی پێشوازیان لی بکرێت .
بەڵام مەخابن بەرپرسیارانی باشووری کوردستان بە پێی یاسایەکی نەنووسراو و بە گوێرەی سیاسەتێک کە بناغەکەی نادیارە، داوا لەو پەنابەرانە دەکەن کە ببنە ئەندامی یەکێک لە حیزبەکانی ڕۆژهەڵاتی کوردستان کە لە ئۆردوگاکانی کۆیە، دەوروبەری هەولێر یان سلێمانی و زرگوێز نیشتەجێن و کاغەزی ئەندامەتی ئەوانیان تەحویل بدەن تا مافی ئیقامەت و مانەوەیان لە باشوور هەبێت، ئەگینا بە هیچ جۆرێک ئەو مافەیان پێ نادرێت!!!
لە ڕاپۆرتەکانی پێشوو دا هەر لەو بوارە ئاماژە بە ڕۆژنامەوان، چالاکی مافی مرۆڤ و مامۆستای قووتابخانە " ئەمیر بابەکری" کرا و چەندین چالاکی دیکە کرابوو. هەمان کێشە هەمێستاکە بۆ چەند چالاکی دیکەش ساز بووە کە لە ناویان دا دەکرێ ئاماژە بە خوێندکاری بواری ماف و تێکۆشەری مەدەنی " فایق ڕووڕاست" بکەین ناسراو بە " ئازاد."

فایق ڕووڕاست خەڵکی شاری مەهاباد و تێکۆشەرێکی مافی مرۆڤە کە دوای تێپەڕ کردنی یەکساڵ ئەشکەنجە لە ژوورەکانی تاکەکەسی ئیدارەی ئیتلاعاتی مەهاباد و ئورمیە و زیندانی گشتی شاری مەهاباد، ئێستا لە باشوری کوردستان نیشتەجێیە. ناوبراو یەکێک بووە لەو کەسانەی کە ڕێپێوانی نارەزایی لە دژی ئێعدامی مامۆستا فەرزاد کەمانگەری لە ساڵی 2008 لە شاری مەهاباد وەڕێ خستبوو. هەروەها بە هۆی چالاکیەکانی مەدەنی لە مافی درێژەدان بە خوێندنی بواری "ماف" لە زانکۆی ئورمیە بێ بەش کرا.
فایق ڕووڕاست هەمێستاکە ڕووبەڕوی فشاری بەرپرسانی ئاسایشی باشوور هاتووە بە مەبەستی ئەوەی کە کارت یان کاغەزی ئەندامەتی یەکێک لە حیزبەکانی ڕۆژهەڵات بۆ ئیقامەتی کاتی لە باشوور وەربگرێت، بەڵام ناوبراو ئامادە نییە کە ئەو کارەی بکات و ڕایگەیاندووە کە وێڕای ڕێزی بۆ تێکۆشانی هەموو پارت و ڕێکخستنێک، ناوبراو ئامادە نییە بچێتە ناو بازنەی ئەو حیزبانە و وەک تێکۆشەرێکی مەدەنی و خەباتکارێکی مافی مرۆڤ، سەربەخۆیی کەسایەتی خۆی دەپارێزێت و نابێتە بەشێک لە هیچ دەستە و حیزبێکی ئیدیۆلۆژیک و سیاسی تەنانەت ئەگەر هەروا بە بێ ئیقامەتیش بمێنێتەوە.
فایق ڕووڕاست داوای لە کۆمەڵەی مافی مرۆڤی کورد لە ئوروپا و ڕێکخراوەکانی مەدەنی و مافی مرۆڤی دیکە دەکات کە لە دژی ئەو هەڵوێست و سیاسەتە نارەوایەی ئاسایشی باشووری کوردستان نارەزایەتی دەرببڕن و داوایان لی بکەن کە پێداچوونەوەیەکیان هەبێت بە سەر ئەو سیستەمەی خۆیان دا.

سەرچاوە: ماڵ پەڕی هەڵوێست

حوكمی هەڵپەسێردراو یان شمشێری " دێمۆكلێس"

هەر چەند گرتن و زیندانی كردن و لەسێدارە دان و لەمجۆرە كردەوە دژە مرۆڤیانە لە لایەن كۆماری ئیسلامی ئێرانەوە دیاردەیەكی تازە نییە و ئەم رژێمە هەر لە یەكەم ساڵەكانی هاتنە سەر كارییەوە بە پشت بەستن بەم كردەوانە درێژەی بە دەسەڵاتە دواكەوتووانەكەی خۆی داوە، بەڵام دوابەدوای سەرهەڵدانی ئەو بزووتنەوە نارەزایەتییە جەماوەرییەی ساڵی رابردوو، كە لە دژی "دزینی رای خەڵک" و هێنانە سەر كاری ئەحمەدی نژاد لە لایەن ویلایەتی فەقیە و سپای پاسدارانەوە، سەری هەڵدا رژێم لە ئاستی سەراسەری ئێراندا دەستی داوەتە بەڕێوەبردنی پیلانێكی ڤیزەونی كەم وێنە كە ئامانجی سەرەكی لە بەڕێوەبردنی كپ كردن و لە ناوبردنی هەر چەشنە بزووتنەوەیەكی كۆمەڵایەتی و مەدەنییە.

ئەم پیلانە كە بە تایبەت لە "گەمەی گرتن و بەردانی" چالاكانی مەدەنی و رۆژنامەنووسانی سەربەخۆدا دەردەكەوێت، بە باشی بەرنامەی بۆ دارێژراوە و بە وردی لە لایەن دەزگا ئەمنیەتییەانەوە بەڕێوەدەبرێت.

كوردستانیش وەک بەشێک لە ئێران لەم پیلانە بێبەش و بەری نەكراوە و بە تایبەت لە چەند مانگی رابردوودا هەڵسووڕاوانی مەدەنی و رۆژنامەنووسانی سەربەخۆی كوردیش كەوتوونەتە بەر شاڵاوی گوشار و زەبری دەزگا ئەمنیەتییەكانی رژێم، بە جۆرێک كە تەنها لە چەند مانگی ئەخیردا بە دەیان چالاكی مەدەنی و رۆژنامەنووسی سەربەخۆی كورد قۆڵبەست و زیندانی كراون.

یەكێک لە تایبەتمەندییەكانی ئەم جۆرە گرتنانە ئەوەیە كە زۆربەی هەرە زۆری گیراوەكان لە سەرەتادا تۆمەت و تاوانی قورس و ترسناكیان دەخرێتە پاڵ و بۆ ماوەی چەند مانگێک ئەشكەنجە دەدرێن، دەخرێنە ژووری تاكەكەسییەوە و هەر چەشنە پێوەندییەكیان لەگەڵ دنیای دەرەوەدا لێ قەدەغە دەكرێت.

بەڵام بە سەر ئەوەشدا، دوابەدوای ماوەیەک، زۆریەک لەم گیراوانە لە لایەن دادگاكانی رژێمەوە بە قەراری وەسیقە(وثیقە) یان بە وەرگرتنی حوكمی هەڵپەسێردراو (حوكمی تعلیقی) ئازاد دەكرێن.

ئەمە لە حاڵێكدایە كە ئەگەر تەنها یەكێک لەو تۆمەتانەی كە لە كاتی دەستگیر كردنی ئەم چالاكانەدا خراوەتە پاڵیان راست بێت، ئەوە بە پێی یاساكانی كۆماری ئیسلامی دەبوا بە دەیان ساڵ زیندانی بكرێن.

كەواتە ئەم پرسیارە دێتە ئاراوە كە ئەگەر تۆمەتەكان درۆن و هەڵبەستراوی دەزگا ئەمنیەتییەكانن، مەبەستی رژێم لەم جۆرە مامەڵە كردنە لەگەڵ هەڵسووڕاوانی مەدەنی و رۆژنامەنووسانی سەربەخۆ دەبێ چ بێت؟

بۆ وڵامدانەوە بەم پرسیارە پێویستە، تەنانەت ئەگەر زۆر بە خێراییش بێت، سەرنجی چۆنیەتی سەرهەڵدانی ئەو بزووتنەوە جەماوەرییەی ساڵی رابردووی گەلانی ئێران لە دژی ساختە كاری لە ئەنجامەكانی دەهەمین دەوری هەڵبژاردنی سەرۆک كۆماری ئێران بدەین و رۆڵی هەڵسووڕاوان و رێكخراوە مەدەنییەكان و هەروەها رۆژنامەنووسانی سەربەخۆ لەو رووداوەدا رەچاو بگرین.

تا بۆمان دەركەوێت كە رژێمی كۆماری ئیسلامی لە ئێستادا تا چ رادەیەک هەڵسووڕاوانی مەدەنی و رێكخراوە كۆمەڵایەتییەكان بە مەترسی بۆ سەر درێژەدان بە دەسەڵاتی نگریسی خۆی دەزانێت.

واقعیەت ئەوەیە كە لە ئێرانی ئەمڕۆدا، لە نەبوونی ئۆپۆزیسیۆنێكی سیاسی بەهێزدا كە بتوانێت بزووتنەوەیەكی جەماوەری سەراسەری دژ بە رژێمی ویلایەتی فەقیە وەڕێ بخات، ئەم ئەركە كەوتووەتە ئەستۆی رێكخراوە مەدەنییەكان و چالاكانی كۆمەڵایەتی و رۆژنامەنووسانی سەربەخۆی ناوەوەی وڵات و ئەوانیش توانایی و لێهاتوویی خۆیان بۆ بەڕێوەبردنی وەها ئەركێک، لە جەریانی بزووتنەوە بەربڵاوەكەی ساڵی رابردوودا، سەلماند.

ئەمەش شتێک نییە كە رژێم لێی بێ ئاگا بێت.

كەواتە زەبر و گوشاری خۆی بە تەواوەتی خستووەتە سەر ئەو رێكخراو و هەڵسووڕاوانە و دەستی داوەتە گرتن و زیندانی كردنی بەلێشاوی ئەوان و هەڵوەشاندنەوەی رێكخراوەكانیان.

ئەمەش ئاشكرایە كە ئەم پیلانە لە هەر ناوچە و شوێنێک بە پێی رابردووی سیاسی ناوچەكە بەڕێوە دەبرێت.

بەڵام بە گشتی و لە ئاستی سەراسەری دا بە كوردستانیشەوە بگرە، دەركردنی "قەراری وەسیقە" و "حوكمی هەڵپەسێردراو"

وەک ئامرازێکی کاریگەر لە لایەن دادگاکانی رژیمەوە کەڵکی لێوەر دەگیردرێت.

هەروەها بۆ خوێندکارانی بەندکراوی زانکۆکان جیا لەمانە لە ئامرازی "هەڵپەساردن" لە خوێندیش کەڵک وەردەگیردرێت. لەم ناوەدا "حوکمی هەڵپەسێردراو" هەر چەند لە سەرەتادا بە حوکمێکی سووک ئەژمار دەکرێت، بەڵام لە واقعیدا قورس ترین حوکمە بۆ چالاکانی مەدەنی هەڵسووڕاوانی کۆمەڵایەتی. چونکە ئەم حوکمە وەک "شمشێری دێمۆکلێس" بەردەوام لە سەر سەری ئەو چالاکانە رادەگیرێت و لە هەر چەشنە چالاکییەکی مەدنی و کۆمەڵایەتی دووریان دەخاتەوە.



ئەمەش گوشارێکی مەدەنی و دەروونی لە تاقەت بەدەر دەخاتە سەریان و کەسایەتی ئەمجۆرە کەسانە، کە بە شێوەیەکی سروشتی، چالاک و نەگەتیڤە تووشی دووفاتی دەکات و لە ناخەوە بەرەو دارمانی دەبات.

هەر بەم بۆنەوە زۆربەک لەو هەڵسوڕاوانە بە ناچار رێگای هەندەران دەگرنە بەر و رو لە وڵاتانی تر دەکەن.

ئەم "هەڵهاتنە"ش دوای ماوەیەک بە تەواوەتی دەبێتە هۆی دابڕانیان لە چالاکی کۆمەڵایەتی و بەرەو بێکەڵک بوونیان دەبات.

لە واقیعدا ئامانجی سەرەکی دارێژەران و بەرێوەبەرانی ئەو پیلانەی کە لە سەرەتادا ئاماژەیان پێکرد برتییە لە دەمکوت کردن، پەراوێز خستن و دوورخستەوەی چالاکانی مەدەنی و پیشەیی لە فەعالیەتە کۆمەڵایەتییەکانیان و دروست کردنی گۆڕستانێک لە "بێدەنگی".

بێگومان بەرێوەچوونی ئەم پیلانە بە تایبەت لە کوردستاندا کە هەم رێکخراوە مەدەنییەکانی ئەزموونێکی وەهایان نییە و هەم ژمارەی چالاکانی بوارە جیاجیاکان بە نیسبەت رێژەی دانیشتووانەکە زۆر کەمن، دەتوانێت بە شێوەیەکی بەرچاو بەر بە پێشکەوتنی کۆمەڵایەتی گەلەکەمان بگرێت.

کەواتە ئەرکی هەموومانە کە بە هەر شێوەیەک کە بۆمان دەکرێت پشتگیری ئەو چالاکانە بکەین و هانیان بدەین بۆ ئەوەی وڵات بە جێ نەهێڵن و روو لە هەندەران نەکەن.

جیاوازی نێوان یەکسانی و ڕەوابینی

د.هادی مەحموود

لە سیاسەتی جەندەریدا جگە لەوەی پێویستە جیاوازی نێوان چەمکی یەکسانی بەرامبەر یاسا لەگەڵ چەمکی یەکسانی لە نێو یاسادا بکەین و تەنیا یەکەمیان بەس نییە و دووهەمیان گرنگە.

پێویستە بەرچاوڕونیمان هەبێ لە مامەڵەکردن لەگەڵ چەمکی یەکسانی جەندەری Gender Equality و چەمکی ڕەوابینی جەندەری Gender Equality.

یەکسانی جەندەری بریتییە لە حاڵەتێکی ئیفترازی دوای بڕیاردانی یاسا و تشریعات کە جیاکاری دژ بە ژنان قەدەغە دەکات و ئاماژە بۆ یەکسانی لە مامەڵە کردن دەکات، بەڵام مەرج نییە ئەو یاسایە بە شێوەیەکی ئیلقایی ڕاستەوخۆ ژنان سوودی لێوەرگرن، بەڵکوو زۆر جار کۆمەڵێک بەربەستی دامەزراو و عورفی کۆمەڵایەتی هەیە کە ڕێگری لە جێبەجێ کردنی ئەو حاڵەتە ئیفترازییە دەکەن.

بەڵام ڕەوابینی Equality چەمکێکە پەیوەندی بە دابەشکردنی عەداڵەتەوە هەیە. سیاسەتی جەندەری تەنها بە یەکسانی جەندەری تایەتەدی، بەڵکوو هاوکات لەگەڵ ئەوەدا دەبێ هەموار کردن لە بارودۆخ و هەلومەرجی کۆمەڵایەتی ئەنجام بدرێ، بە جۆرێک داهات و چانسی ڕەوا بۆ لایەنی مافخوراو لە هاوسەنگییەوە دابین بکرێ بۆ کونتڕۆڵ کردنی ئەو بەربەستانەی ڕێگا لە یەکسانی جەندەری دەگرن.

هەندێ جار لە یاسادا جیاکاری نامێنێ، بەڵام لە تەرزی ژیانی کۆمەڵایەتیدا ئەو جیاکارییە دەبێت. ڕەوابینی جەندەری زەمینەی دابینی یەکسانی جەندەرییە.

توانasازی لە ڕوانگەیەکی جەندەرییەوە لە بورای قەوارەی ژنان لە کاری سیاسی و ناوەندەکانی بڕیاردا

١: پێناسە

بەشداریکردن لە سیاسەتدا یەکێکە لە شێوازە گرنگەکانی دەربڕین لە دیمۆکراسی و بەرجەستە بوونی بەشداری هاوڵاتییە لە تێکرای ئەو مەسەلانەی کە مۆرکی گشتیان هەیە، تەنانەت لەو مەسەلە گشتیانەش کە تاک لە شارەکەی یان گەڕەکەکەی یان لە دامەزراوێک کاری تێدا دەکات ڕووبەڕووی دەبێتەوە.

ئەو چەمکە بۆ ماوەیەکی دوور و درێژ لە فەرهەنگی سیاسەتدا لە بازنەی بەشداریکردن لە دەنگداندا بوو، تەنها ئەم مافەش بۆ پیاو بوو، بەڵام لەگەڵ ژیانی سیاسی هاوچەرخ و پرۆسەی مۆدرنیزم و سەرهەڵدانی چەمکی حزبی سیاسی و زیاد بوونی ڕۆڵی ڕێکخراوە و بزووتنەوە کۆمەڵایەتییەکان، پێداچوونەوەیەک لە چەمکی بەشداری کردن لە سیاسەتدا دەربڕینی ئەو هەستکردنەیە کە لای تاکێک یان کۆمەڵە هاوڵاتییەکەوە (ژن و پیاو) دروست دەبێت، بۆ دەربڕینی ئیرادە و خواست و ویست و بەرژەوەندییەکانی کۆمەڵگا.

٢: قۆناغەکانی بەشداریکردن

- بەشداری لەو مەسەلانەی کە مۆرکی گشتیان هەیە.
- چوونە نێو سیاسەت.
- هۆشمەندی بۆ وەرگرتنی بەرپرسی سیاسی و ئەنجامدانی شێوازە جۆراوجۆرەکانی - تێکۆشانی مەدەنی دیمۆکراتیانە.

٣: شێوازی بەشداریکردن

- چانسی بەشداریکردنی یەکسان لە بەڕێوەبردنی دەسەڵاتی یاسادانان و کاری حکومیدا. هەروەها لە بواری دەسەڵاتی دادوەریدا.
- کارکردن لە سەندیکا و جمعیات و حزبی سیاسی.
- ناڕەزایەتی دەربڕین و ڕەخنە گرتن لە سیاسەتی مەحەلی و ئیقلیمی و نێودەوڵەتی.
- خۆپیشاندان لە شوێنە گشتییەکاندا.
- مانگرتن و کار کردن بۆ چاککردنی باری بژێوی.
- ڕادەربڕین لە دەزگاکانی ڕاگەیاندن.

٤: هۆکاری بەشداری نەکردن لە سیاسەت و نەبوون لە ناوەندی بڕیاردا

هۆکاری پاشماوەی کولتوری

- سیستمی باوکسالاری و فۆرخکردنی بواری گشتی و ناوەندی بەرپرسیاری لە لایەن پیاوەوە.
- باوەڕ نەبوون بەوەی کە ژن توانای دەستپێشخەری و وەرگرتنی پۆستی سیاسی هەیە.
- دابەشکردنی کۆمەڵایەتییانەی کار کە ژن وەک کاروباری نێو ماڵ و ئەرکی تەقلیدی پێدەسپێردرێ و ئەرکە مەزنەکانی نێو کۆمەڵگاش بۆ پیاو تەرخان دەکرێت.
- بەخشینی وێنەیەکی تەقلیدی بە ژنان لە پرۆگرامەکانی خوێندندا.
- بەکارهێنانی خوێندنەوەی کۆن و موحافیزەکارانە بۆ ئایین کە بە ئەرکە تەقلیدییەکانی ژن دەبەخشێت. لە مێژووی کۆمەڵگا ئیسلامییەکانیشدا هەردەم ناوەندی خیلافەت و ئیمامە بۆ پیاو بووە. (لن یفلح ولوا امرهم امراه).
- دامەزراندنی پەیوەندەی هەرەمی لە سەر بنەمای جیاوازی رەگەز.

هۆکاری سیاسی

- نەبوونی نەریت و پەیوەندی دیمۆکراسی لە ژیانی سیاسی بە گشتی.
- بوونی کۆسپ لە بەردەم پەیڕەوکردنی مافەرکان تەنانەت ئەگەر دانی پێبینرێت، لەو کۆسپانەش: سیستمی ژیانی سیاسی لە سەر بنەمای عەشیرەتگەری، تایفەگەری.
- کەمی بایەخدان بە سیاسەت بە هۆی بێ هودەیی و باوەڕنەبوون بە سوودی بەشداری لە سیاسەت وەک رێگایەک بۆ گۆڕانکاری. ئەمەش لە کەمی بەشداری لە هەڵبژاردنەکاندا رەنگ دەداتەوە. (بوونی بۆشایی بەرفراوان لە نێو ناوەندی دەسەڵاتدار و هاوڵاتیان).
- نەبوونی نەریتی دیمۆکراسی لە نێو خودی حزبە سیاسییەکان.

هۆکاری تایبەت بە هەلومەرجی ژنانەوە

- دابەشکردنی کۆمەڵایەتیانەی کە بەرپرسی لە بایەخدان بە خێزان دەکەوێتە ئەستۆی ژنەوە. منداڵ بە خێوکردن، چێشتلێنان، جل و بەرگ شوستن) کار دەکاتە سەر کاتەکەی و بایەخدان بۆ مەسەلە گشتییەکانی دەرەوەی خێزانی خۆی کەمتر دەکاتەوە.
- تێڕوانینی نەگەتیفانەی کۆمەڵگا سەبارەت بەو ژنانەی لە سیاسەت کار دەکەن، بە جۆرێک کە لە حاڵەتی بەشدار بوونی بە ئەرکی نێوماڵ هەڵناستێ و بەم جۆرەش قەیرانەکانی خێزان دەخرێتە ئەستۆی ژنانەوە.
- لە ئاکامی ئەم رەوشەی ژنان، یەکەم تەماشای تواناکانی دەکرێت و تەنانەت ئەگەر لە سیاسەتدا بەشدار بێت ئەوا ئەرکی لاوەکی پێدەسپێردرێ.
- ئەم رەوشەی ژنان وادەکات کە خودی ژنان بە ترسەوە مامەڵە لەگەڵ بواری سیاسەت بکەن و دوو دڵ بن لە وەرگرتنی پۆستی سیاسی کە دەخوازێ ماوەیەکی زۆر لە دەرەوەی ماڵ بن، نەوەک بە ئەرکی خێزانیان هەڵنەستن. لە ئاکامی ئەمەشدا بەشداریکردن لە حزبە سیاسییەکاندا کارێکی بزوێنەر نییە بە نیسبەت ژنانەوە.
- بەرزبوونەوەی ئاستی نەخوێندەواری لە ریزی ژناندا.
- کەمی هۆشمەندی ژنان بە گرنگی مافەکانیان و چەمکی یەکسانی.

٥: پێداویستییەکانی تواناسازی لە باری یاساییەوە

- جێبەجێ کردنی ڕێکەوتننامەی نەهێشتنی جیاکاری دژ بە ژنان.
- دابین کردنی پرەنسیپی یەکسانی لە نێوان ژن و پیاو لە دەستوردا
- نەک تەنها یەکسانی بەرامبەر یاسا، بەڵکوو یەکسانی لە نێو یاسادا.
- بەیاخدان بە ئامادەکردن و پەرەپێدانی توانستی ژنان بۆ پیادە کردنی ئەو مافانە.
- پاراستنی ئەو یاسایانە و دۆزینەوەی میکانیزمی تایبەت بۆ جێبەجێ کردنی کە لە ڕێکەوتننامەی لە ناو بردنی هەموو چەشنە هەڵاواردنێک دژ بە ژنان ئاماژەی بۆ کراوە لە ڕێگای:
- پرەنسیپی یەکسانی ژن و پیاو لە دەستور و یاساکاندا تۆمار بکرێ.
- قەدەغە کردنی جیاکاری و سزادانی ئەوانەی ئەنجامی دەدەن.
- پاراستنی مافەکانی ژن بە پێی یاسا و دانی تۆڕێکی پاراستنی یاسایی لە ڕێگای دادگای ناوخۆەوە، دامەزراوەی تایبەتمەندەوە.
- ئیلتیزام کردنی دامەزراوەکانی دەوڵەت بە ماوە نەدان بە هەر شێوازێکی هەڵاواردن.
- هەڵوێست وەرگرتن و سزادانی ئەو دامەزراوانەی جیاکاری ئەنجام دەدەن.
- هەموار کردنی ئەو بەندانەی لە یاسای سزاداندا جیاکاری تێدایە.
- بەکارهێنانی تشریع (یاسا) بۆ نەهێشتنی جیاکاری.
- لە باری سیاسی و کۆمەڵایەتییەوە

بڵاو کردنەوەی هۆشمەندی هاوبەشی بەشداربوونی ژن و پیاو لە سیاسەتدا وەک ڕێگایەک بۆ بنیاتنانی دیمۆکراسی.

سەربەخۆیی بڕیاردانی ژنان و ملکەچ نەبوونی بۆ هیچ دەسەڵاتێکی گشتی و تایبەتمەند لە کاتی هەڵبژاردنی ئاراستەی سیاسی و چالاکی نواندن، بە جۆرێک بوار نەدرێت سەربەخۆییان لە ژێر هیچ بیانوویەکەوە پێشێل بکرێت. نمونە (لە کاتی دەنگدان).

هۆشمەند کردنی ژنان بە مافی هاوڵاتی بوون و پشتگیری چالاکی بایەخدانیان بە سیاسەت و کاری گشتی و هاندانیان بۆ بەشداری بە بوارە گشتییەکاندا ڕاگەیاندن.. چالاکی هۆنەری، چالاکی دەرەوەی ماڵ).

٦: چۆنیەتی کارا کردنی تواناسازی ژنان لە سیاسەت و ناوەندی بڕیار

- بوونی کۆتا نەک تەنها لە دەسەڵاتی یاسادان بەڵکوو لە بواری دەسەڵاتی تەنفیزی و دادوەری.
- بوونی بەرنامەیەکی نیشتمانی لە چوارچێوەی پرسەیەک بۆ گەشەپێدانی ژنان لە هەموو بوارەکاندا.
- دەسپێشخەری حزبە سیاسییەکان کە بە سیستمی کۆتا لە هەڵبژاردنی ژنان لە پلە جۆراوجۆرەکانی ناوەندی بڕیاردا، کار بکات.
- یارمەتیدانی حکومەت بۆ ئەو حزب و لایەنە سیاسییانە و ڕێکخراوەکانی کۆمەڵگای مەدەنی کە چەمکی یەکسانی جەندەری و سیستمی کۆتا پەیڕەو دەکەن.
- ڕۆڵی دەزگاکانی ڕاگەیاندن، سیستم و بەرنامەی خوێندن ... هتد.
- مامەڵە کردن لە گەڵ ئەم پرۆسەیە لە چوارچێوەی بنیاتنانی دیمۆکراسی و پایەخدان بە باری ژیانی ژنان و پەرەپێدانی گەشە سەندن لە بواری ئابووری و کۆمەڵایەتی.
- ئامادە بوون بۆ سازدانی تێکۆشانی جەماوەری مەدەنی بۆ جێبەجێ کردنی ئەم ئەرکانە و هەماهەنگی نێوان ئەو لایەنانەی کە ئەم مەسەلەیە لە بەرنامەیاندایە.

کاری توندوتیژی

شۆڕش پەراوێز دەخات

و: لە عەرەبییەوە : عەبدوڵڵا خالید

(توندوتیژی سەرنج بۆ خودی توندوتیژی رادەکێشێت).
رای گشتی دەکەوێتە ژێر کاریگەریی ئەو گروپەی کە توندوتیژی ئەنجامدەدات زیاتر لەو ستەمەی کە ئەوانە دەیانویست ریسوای بکەن، بە تایبەت کاتێک کە لایەنی دەسەڵات ئەو بەرەنگارکارانە بە هاندەری لایەنی توندوتیژی و تیرۆریست بخانە روو.
بزووتنەوەی بەرەنگاریی بە پەنا بردنە بەر توندوتیژی ململانێکە دەخاتە ئاستێک کە نەیار باشتر ئامادەیە و توانایی ئەوەی هەیە پەلامار بدات بە پاساوی (کاری تاوانباریی ئەوانەی کە تاکە ئامانجیان پەلاماردانی سیستمی گشتییە).
بەم ریگەیە ململانێی راستەقینە کۆتایی پێدەهێنرێت و پەراوێز دەخرێت، چونکە ئەگەر دەوڵەمەند و بەهێزەکان کەرەستەکانی توندوتیژی بە باشی ئامادە بێت لە لایان، دەبێ ئەوەشمان بیر نەچێت کە هەروەها باشترین ئامرازەکانی راگەیاندن و پەیوەندی کۆمەڵایەتی پێشکەوتوویش هەر لە لای ئەوانە.
ئەوەش وادەکات کە هەموو پروپاگەندەیەک بەکار بهێنن و وەک چۆن خۆیان دەیانەوێت بۆ رەتکردنەوەی کاری توندوتیژی کە ئۆپۆزیسیۆن دەیکات بە ئامانجی کەمکردنەوەی کاریگەرییەکان لە دیدی رای گشتیدا.
ئەوانەی کە پەنا دەبەنە بەر توندوتیژی بانگەشە بۆ ئەوە دەکەن کە کەلێنێکیان کردووەتەوە لە رێگەیەوە پاساوەکانیان دەخەنە روو، بەڵام وەک "تێۆدۆر ئیبر" دەڵێت: (گەل تەنها باسی ئامرازەکان دەکات، بەڵام خۆپیشاندەران هەوڵدەدەن جەخت لەسەر ناوەڕۆکی کارە سیاسییەکان بکەنەوە). هەر کاتێک بۆ ئەوەی کە کاریگەری کۆمەڵایەتی بەرچاوی هەبێت، پێویستە تێگەیشتن و سۆزی جەماوەر وەدەستبهێنێت و رەگ لە نێوان (زۆرینەی بێدەنگ) و (کەمینەی کارا) داکوتێت بە شێوەیەک کە بەرگریکار لە نێو جەماوەردا وەکوو (ماسی نێو ئاو) بێت؟
گەنجە یاخییەکان کە (گۆدار) کردوویانێتییە پاڵەوانی فیلمی (La chinoise)هەوڵ دەدەن خۆیان رازی بکەن بە دابڕانە خۆشەکەیان بەوەی (کەمینەیەک کە چاوی بڕییە ئامانجی شۆڕشگێڕانەی رەوا بە کەمینە نامێنێتەوە).
دەستەواژەیەکی جوان و سەرنجڕاکێشە، بەڵام بە داخەوە راست نییە. بێگومان رەوایەتی پرسێک بە ژمارەی ئەو کەسانە نییە کە بانگەشەی بۆ دەکەن، بەڵام سەرکەوتنی ئەم پرسە کارێکی جیاوازە.
(بەیار) هەمیشە دەیگوت کەسی تێکۆشەر نابێت تەنها بە باوەڕی رازی بێت، بەڵکوو دەبێت تێبکۆشێت بۆ ئەوەی باوەڕەکەی بڕواو دانی پێدابنرێت.
ئەمەش پێویستە بۆ هەر هەوڵێک بە ئاراستەی راستیدا. بەڵام لە بواری فەلسەفی و ئایینیدا، کارێکی یەکلاکەرەوەیە کە مرۆڤ بڕوا بکات یان نا، بە پێچەوانەوە لە گۆڕەپانی سیاسییدا تەنها باوەڕهێنان بە دروستی پرسێک بەس نییە، بەڵکوو توانای باوەڕپێهێنان توخمێکی یەکلاکەرەوە و پێویستییەکی ستراتیژییە.
کەمینە باوەڕهاتووەکان مێژوو دروست ناکەن، بەڵام ئەو کەمینەیەی کە دەزانێت چۆن بەرامبەر رازی دەکات کۆمەڵ بەرەو پێش دەبات ، بۆیە پێویست وایە ستراتیژی ئەو کارانەی کە خواستیان گۆڕانی ئابووری و سیاسی چینە بەرفراوانەکانی جەماوەرە کە هەوڵبدات جەماوەر بە راستگۆیی ئامانجی دیاریکراو و کارکردن لە پێناو وەدیهێنانی رازی بکات.
لێرەوە گرنگی (پەیوەندی گشتی) سەرهەڵدەدات کە بزووتنەوەکان لەگەڵ چینە میلیەکاندا دروستی دەکەن، بە ئامانجی پتەو کردن و سەرخستنی ئەو بزووتنەوەیە، بەڵام ئەگەر ئەرک بوو لە بواری پەیوەندی گشتیدا کە پێویستە ئاکارییەکان تێر بکات، ئەوە ئەرکیشە کە پێویستە دەروونییەکانیش تێر بکات. بۆیە پێویستە

دیراسەی پەرچەکداری چینە جیاجیاکانی گەل بکرێت لە هەمبەر بزووتنەوەکە و هەوڵدان بۆ نەهێشتنی ناکۆکی لە نێوانیان بۆ وەدیهێنانی بەشداریی ئیجابی خەڵک لە بزووتنەوەکە یان راکێشانی سۆزی خەڵک بۆی یان دژایەتی نەکردنی.

زەروورەتی ستراتیژی دەخوازێت کە (تواناکان بە شێوەیەک بڵاو بکرێتەوە، لە هەر شوێنێکدا هێزێکی نوێ دروست بکات).

ئامانجی سەرەکی خۆپیشاندان دەربڕینی بڕوا تایبەتییەکانمان نییە، بەڵکوو بۆ ئەوەیە کە خەڵکی دیکە بەشدار و پشتگیر بێت لەگەڵ بڕواکانمان.

هەروەها پێویستە خۆپیشاندان نەبێتە ئامرازێک بۆ خۆپیشاندەر بۆ دەربڕینی رک و تووڕەیی، بەڵکوو بکرێتە ئامرازێک بۆ پێگەیشتن و دیدار لەگەڵ گەل و یەکترناسین، پێویستیشە خۆپیشاندەران لە رێگەی رەفتاری جەستەیی و گوتاریانەوە بچنە پەیوەندییەکی راستەوخۆ و کەسێتی لەگەڵ بینەر و ئامادەبووان بۆ ئەوەی ئەو بینەر و ئامادەبووانە هەست بەوە بکەن کە ئەوانیش خاوەن ئەوپرسەن .

خۆپیشاندانی میللی مەرج نییە تەنها ئاراستەی "ئەقڵ" بکرێت، بەڵکوو دەبێت لە سروشتی خۆیدا و دوور لە هەر کارێکی قەڵب، ئاراستەی هەست و سۆزیش بکرێت.

پێویستە هەوڵیش بدەین ئەوانەی کە بانگەشەی دەکەین لە رووی سۆز و هەستەوە ئامادەیان بکەین و ئەوەش ببێتە رێگەیەک بۆ گەیشتن بە عەقڵانیەت.

لەم بوارەدا ناتوندوتیژی توانای زیاترە لە توانای توندوتیژی (تیۆدۆرئیبرت) ئاماژە بۆ ئەوە دەکات لە کاتی کاری توندوتیژی بەرچەکداری توند بە ئاسانی دروست دەبێت و رێگە لە رێگاچارەی عەقڵانی بۆ ملمانێیەکە دەگرێت، بەڵام لە کارە ناتوندوتیژەکاندا تۆخمی هەڵچوون یارمەتیدەر دەبێت بۆ بەڵگە و چارەی عەقڵانی.

بەم شێوەیە ئامرازە ناتوندوتیژییەکان لە لای رای گشتی توانای زۆر بۆ پاڵپشتکردنی بزووتنەوەکە دروست دەکات.

هێزی ئەم ئامرازە پەروەردەییانە بۆ گەل کە دەیبینێت و دەیبیستێت زۆر لە هێزی ئامرازە توندوتیژەکان زیاترە.

بۆیە لە کاتێکدا خۆپیشاندانی توندوتیژی لە تاکە دەنگی (مەنولۆگ)ێکی قەرەباڵغی شێواو دەچێت لە بەردەم گەلدا و بە نامۆییش لە بەردەم گەل و بێ بەشداری گەل نمایش دەکرێت.

بەڵام خۆپیشاندانی ناتوندوتیژ دەبێتە دیالۆگێکی راستەقینە لەگەڵ گەلدا و گەلیش لە کارەکانیدا بەشدارە.

بەڵگە و سەلماندنێکی دیکەش هەیە گەواهی بۆ بەرژەوەندی ئامرازە ناتوندییژەکان دەدات کە ئەویش کاتە، چونکە خۆپیشاندانێکی ناتوندوتیژ لە توانایدایە کاتێکی درێژتر لە خۆپیشاندانێکی توندوتیژ بەردەوام بێت.

لێرەوە وا دەردەکەوێت کاریگەریی زیاتریشی دەبێت. بۆ نموونە بایکوتکردنی کۆگایەک زیاتر بەردەوام دەبێت و کاریگەریی زیاتر دەبێت لە تێکدان و سوتانی ئەو کۆگایە.

هەڵمەتی تێکۆشانی مەدەنی دەتوانێت بۆ ماوەیەکی زیاتر بەرەنگاری دەسەڵاتی هەبوو بکات، لە ئاژاوە گێڕی.

لە لایەکی دیکەوە پەنابردنە بەر توندوتیژی، غەریزەی هاوکاری جۆری لە نێوان تاکەکانی سەر بە تیمی نەیار، دەجوڵێنێت و پاڵیان پێوە دەنێت بۆ توانەوە لە یەک بەرەی یەکگرتوودا .

تەنانەت ئەوانەی لەریزی نەیاراندان و ئامادەی ئەوەیان تێدایە کە دان بە دروستی داواکانی بزووتنەوەی بەرەنگاری ناتوندوتیژی دا بنێن (با ناویان بنێین میانڕەو یان لیبراڵەکان) کە دەتوانن کار بکەنە سەر گروپەکەیان بە ئاراستەی کرانەوە و تێگەیشتن، ناتوانن بە ئاشکرایی داکۆکی لەوانە بکەن کە پەنا دەبەنە بەر توندوتیژی.

توندوتیژی خۆی لە خۆیدا وا دەکات رک و کینە بوروژێنێت لە لای تیمی نەیار، توندوتیژی هەوڵدەدات هەموو ئەوانە رەتبکاتەوە کە سەر بە تیمی بەرامبەرن

بە بێ جیاوازیکردن. ئەفرەتیان لێدەکات تەنها لە بەر ئەوەی سەر بەو تیمەن، ئەوەش لە دەرئەنجامدا پاڵ بە میانڕەوەکانی سەر بە تیمی بەرامبەرەوە دەنێت بچنە ریزی توندڕەوەکان و هەمان هەڵوێستیان هەبێت.
بەڵام ئەو رۆڵەی کە میانڕەوان دەیگێڕن لە گەشە کردنی ململانێدا دەکرێت یەکلاکەرەوە بێت، چونکە ئەگەر بوونە پارێزەری بەرەنگار بوونەوە، ئەوان باشترین کەسن بۆ چاندنی تۆوی گومان لە باوەڕی تیمی نەیارهدا.
بەم شێوەیە هەڵوێستێکی نانوتیژی لەو کاتەی ململانێ و ناکۆکی دەگوازێتەوە بۆ گۆڕەپانی دادوەری ،لە رێگەی قەدەغە کردنی هەموو سیاسەتێک کە رک و کینەی تێدا بێت بۆ تیمی بەرامبەر، ئەمەش بوار دەدات بە میانڕوان کە تێڕوانینی تێکۆشەرانی ناتوندوتیژ بخەنە روو بێ ئەوەی ناپاکی لەگەڵ خودی تیمەکەی خۆیاندا بکەن.
لە لایەکی دیکەشەوە بەکارهێنانی توندوتیژی کەشێک لە ترس دروست دەکات وا دەکات کە ناکۆکی نێوان لایەنە ناکۆکەکان نەتوانرێت ببەزێندرێت.
ترس لە بنچینەدا پەیوەندی نێوان چەوسێنەر و چەوساوەکان جیا دەکاتەوە، تەنانەت پێش ئەوەی ململانێیەکە ئاشکرا بێت، بەکارهێنانی توندوتیژیش ئەو ترسە زیاتر دەکات.
هەر تیمێک گرەو لە سەر ترسی تیمەکەی دیکە دەکات بۆ ملکەچکردنی، بەڵام ئەو ترسە تەنها لێکرەوانەوە و تێنەگەیشتن بەرهەم دەهێنێت کە هەر دوو تیمەکە زیاتر لە یەک دوور دەخاتەوە، لە کاتێکدا پێویست وایە کە ئەرکە سەرەکییەکانی ململانێ بریتی بێت لە ناچار کردنی هەر دوو نەیارەکە کە یەکتر بناسن و لێک تێبگەن.
هەروەها لێرەدا ترس راوێژکارێکی خراپ دەبێت، چونکە پاڵ بە هەر دوو تیمەکەوە دەنێت کە کاری توندوتیژی ئەنجام بدەن.
بە پێچەوانەوە کاری ناتوندوتیژی هەوڵدەدات ترس بڕوێنێتەوە لە پەیوەندی نێوان هەر دوو لایەنە نەیارەکە، چونکە پێویستە کاری ناتوندوتیژی لە قۆناغە سەرەتاییەکانیدا دەرفەت بە چەوساوەکان بدات لەو ترسە ئازاد بن کە وایان لێدەکات لە هەڵوێستی چۆکداداندا بن و دووریان دەخاتەوە لە رووبەڕوو بوونەوەی چەوسێنەرەکان.
"چافێز" دەڵێت، (دەبێت ململانێ لەگەڵ ترسدا بکەین، چونکە ئەگەر توانیمان لە ترس رزگار بین، ئەوە کارەکانمان ئاسان دەبێت، ئەو پیاوەی چووەتە ریزی خۆپیشاندەران بەر لەو بڕیارەی زۆر بیری کردوەتەوە.
رێز و ستایشی بەرخودانکاران لە کاتی تێکۆشانیاندا زەمانەتی ئەوە دەکەن بۆ نەیارانیان کە بەرخودانکاران ئەو مافانە پێشێل ناکەن کە دانی پێدانراوە، هەروەها ئەو دەسەڵاتەی کە پێی دەگەن بە کاری ناهێنن بۆ تۆڵە کردنەوە "مارتن لۆتەر کینگ" دەڵێت، (تاکە ئامراز بۆ رەوانەوەی ئەو ترسە بێ پاساوەی سپی پێستەکان، دەرکەوتنمانە وەکوو کەسایەتی ناتدوتیژ. بەشێکی دیاریکراوی سپی پێست هەیە لە هەستکردن بە گوناە پێی وایە ئەگەر رۆژێک لە رۆژان رەشپێستەکان گەیشتنە دەسەڵات بێ بەزەییانە تۆڵەی ئەو چەوساندنەوە و سوکایەتیکردنە دەکەنەوە کە لە لایەن سپی پێستەکانەوە دژیان بەکار هاتووە. وەک چۆن خێزان بە خراپی مامەڵە لەگەڵ منداڵەکانی دەکات و رۆژێک لە رۆژان هەست بەوە دەکەن کاتێک دەیانەوێت لییدەن ئەویش هێزی وەکوو ئەوانە و لە پڕێکدا دەکەونە مەترسیەوە کە ئەو دەسەڵاتە نوێیەی بەکار بهێنێت بۆ تۆڵەی هەموو ئەو لێدانەی کە لە رابردوودا بەری کەوتووە).
بەم شێوەیە ئەوانەی کە دەیانهەوێت گۆڕانکاری لە کۆمەڵگادا بکەن و پەنا دەبەنە بەر توندوتیژی، دەبنە پەرایزخراو لە تێڕوانینی زۆرینەی دانیشتووان و بگرە رەتدەکرێنەوە، ئەمەش زیان بە ئامانجەکان دەگەیەنێت.
کاتێک لە "برنادێت دڤلین" کچە گەنجی بەرخودانکاری ئیرلەندییان پرسی : بۆ دەتەوێت واز لە توندوتیژی بهێنیت؟)
گوتی: من توندوتیژیم بەکار نەهێناوە تا وازی لێ بهێنم. تەنکیدم لەوە کردووەتەوە کە ئاژاوە ناکاریگەرە، چونکە رژێمی ئێستا زیاتر بەهێز دەکات لەوەی لاوازی بکات، ئاژاوەگێڕی، خەڵک لە قۆناغی نەبوونی فیکری سیاسیەوە بەرەو سیاسەتی پەرچەکدار دەبات، زیانەکەش بە تەواوی لێرەدایە.)



له لایەکی دیکەوە هەر چەندێک داخوازییەکانی (بەرەی رزگاری کیبک) بزووتنەوەی سەربەخۆیی کەنادا رەوا بێت، بەڵام رفاندنی (بیار لابۆرت) و کوشتنی له ساڵی ١٩٧٠ زیانێکی گەورەی گەیاندە بزووتنەوەکە و لاوازیکرد له دیدی رای گشتی.

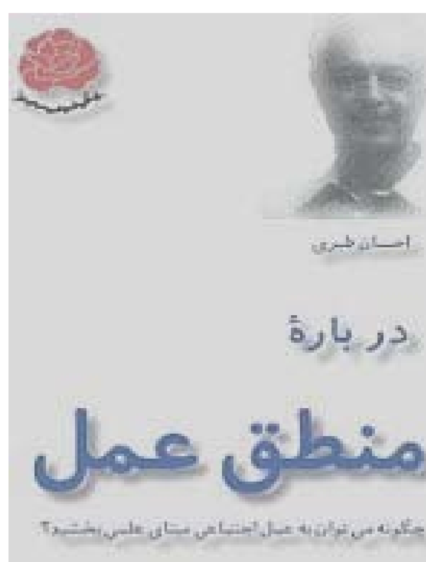
یەکێک له رفێنەرانی ئەو کەسایەتییە پێی وابو ئەو له سەر هەقە کاتێک که حوکمی زیندانی تا هەتایی بۆ دەرچوو، له بەردەم دادوەردا گوتی (من دەزانم ئێمە سەردەکەوین چونکه ئێمە ئامادەین هەزار لێدانمان بەربکەوێت بۆ ئەوەی بتوانین یەک لێدان بوەشێنین، بەڵام ئەوان ئامادە نیین یەک لێدانیان بەرکەوێت). هەزار لێدا بەرامبەر یەک لێدان، لەوانەیە له واقیعدا ئەوە تەرازووی هێزی نێوان هەر دوولا بێت، بەڵام چۆن پڕوپاگەندەی ئەوە دەکات که سەردەکەوێت؟ (بیار ڤالێیر)ی دانەری کتێبی (قووله سپی پێستەکانی ئامریکا) یەکێک بوو له تئۆریست و پراکتیزە کارە گەورەکانی ئەو بەرەیە که له ساڵی ١٩٧١ لەو بەرەیە جیا بووەوە. له نووسینێکی رەخنە ئامێزی دوور و درێژدا پاڵپشتی هەر کارێکی چەکداری رەتدەکاتەوە (هەر ئاژاوەگێرییەکی چەکداری تەنها خزمەتی گەمەکانی دەسەڵاتی هەبوو دەکات، ئاژاوەگێری چەکداری... له ئەمرۆدا له سایەی تەرازووی هێزەکانی ئێستادا ئەنتی – شۆڕگێرییە، بۆیە ململانێی چەکداری نەک هەر هەڵە و کەم و کوڕییە، بەڵکوو باشترین رێگەیە بۆ بۆمبرێژکردنی پێشکەوتنی ململانێکە و لەناو بردن و تەفاندنەوەی).

برخي از كتابهاي منتشر شده
از طرف انتشارات حزب توده ايران

براي تهيه اين كتابها با فرمت PDF به سايت حزب توده ايران مراجعه كتيد.







نوشته ای از رفیق فقید احسان طبری
در زمینه "منطق عمل" و اینکه چگونه
می توان به عمل اجتماعی مبنای علمی بخشید.



ماهنامه

کازیوه

(سپیده دم)

شماره سوم آذرماه ۱۳۸۹

نشریه جمعی از هواداران حزب توده ایران در کردستان



آزادی ، دموکراسی و عدالت اجتماعی

مطالب این شماره : **صفحه**

=====================

بەشی کوردی :

لاپەڕە

مسئولیت مطالب درج شده در کازیوه بر عهده ی گردانندگان آن است و

مواضع رسمی حزب توده ایران در سایت حزب به نشانی :

/ http://www.tudehpartyiran.org

انتشار می یابد.

- **تماس با کازیوه** : tudeh_kurdistan@yahoo.co.uk

- **پایگاه اینترنتی کازیوه** :

http://a۱۳۲۰ .wordpress.com/

سرمقاله

میهن استبداد زده ما دوران بسیار حساس و بغرنجی را از سر می گذراند و در آستانه چنان تحولات سرنوشت سازی قرار گرفته است که هر گونه کم توجهی و یا نادیده انگاشتن ابعاد مختلف و گاه متضاد آن می تواند موجب آسیب های جبران ناپذیری گردد.
در این خصوص بویژه می توان به تحولات و رویدادهای چند ساله اخیر مناطق ملی - مذهبی و حاشیه ای کشور،از جمله بلوچستان و کردستان اشاره نمود که متاسفانه به هر علت مورد کم توجهی احزاب و سازمان های ترقی خواه و موثر کشورمان قرار گرفته اند.
این در حالی است که این مناطق، به دلایل گوناگون جغرافیایی، سیاسی، اجتماعی و مذهبی خود ویژه اشان و همچنین بواسطه ستم چندگانه ای که با خشونت هرچه بیشتر از طرف رژیم ولایت فقیه بر ساکنان این مناطق اعمال می گردد، از هر لحاظ در وضعیتی قرار گرفته اند که با بقیه مناطق ایران تفاوت های آشکاری دارد.
به همین علت در مقابله با رژیم و سیاست های سرکوبگرانه و غیرانسانی آن، کنش ها و واکنش های خودویژه ای از خود نشان داده و می دهند که عدم درک جوهره و ریشه های آن می تواند موجب گمراهی و اغفال گردد و تحلیل های نادرستی درپی داشته باشد.
همچنین به دلایل پیش گفته، به خصوص طی ده سال اخیر این مناطق تبدیل به بستر و زمینه ی مناسبی برای رشد خارهای زهرآگین و بسیار خطرناکی از نوع باندهای مرتجع و تروریستی چون «جندالله» در بلوچستان و «انصارالاسلام» در کردستان گردیده است.
البته با اتکا به محکومیت اعمال و اقدامات جنایتکارانه این باندها از سوی همه احزاب و سازمان های مترقی و موثر کشورمان، از جمله احزاب و سازمان های مترقی کرد و بلوچ، می توان گفت هیچکدام از آنها در درک ماهیت ارتجاعی این جریانات تردیدی ندارند. اما آیا این مسئله برای مردم عادی و اکثریت ساکنان این مناطق نیز به همین اندازه واضح و روشن است؟
بدون شک رشد روزافزون و گسترش اقدامات این جریانات پیشاپیش به این پرسش جواب منفی داده است. بنابراین بر همه ی احزاب و سازمانهای ترقیخواه کشور، به ویژه احزاب، سازمان ها و شخصیت های ترقیخواه بلوچ و کرد لازم است که با شفافیت هرچه بیشتر و بدور از ملاحظات نابجای فرقه گرایانه، ضمن تقبیح و محکوم کردن اعمال و اقدامات جنایتکارانه این جریانات همه توان خود را برای افشای نیات پلید و خطرناک آنها در میان تود ه های مردم بلوچ و کرد به کار گیرند.
باید با فعالیت خستگی ناپذیر آگاهگرانه توده های ستم دیده این مناطق را از این حقیقت آگاه نمود که اعمال غیرانسانی جندالله و انصارالاسلام به جز لکه دار کردن سیمای مبارزات حق طلبانه آنها در راه رفع ستم ملی و مذهبی ثمر دیگری به بار نخواهد آورد.

همچنین ما درباره توطئه خطرناکی که از جانب این جریانات و تسلیح کنندگان و حامیان مرتجع آنها در جریان است به همه احزاب و سازمان های ترقیخواه کشورمان هوشدار باش می دهیم و از آنها میخواهیم که با دقت و احساس مسولیت بیشتری با مسائل و مشکلات این مناطق برخورد نمایند.
بویژه که از هم اکنون نشانه های غیر قابل انکاری از اجرای یک توطئه خطرناک امپریالیستی - ارتجاعی در این مناطق مشاهده می شود که هدف از آن دامن زدن به کینه و نفرت مذهبی در میان ساکنین شیعه و سنی این مناطق و در نهایت هدایت آن به سمت ایجاد یک درگیری تمام عیار مذهبی است.
باید از هم اکنون برای خنثی سازی این توطئه غیرانسانی و بسیار خطرناک چاره اندیشی کرد و مانع از اجرای آن گردید!

تحریریه کازیوه

گسترش ناامنی خطری جدی برای کشور

حزب توده ایران جنایت وحشیانه انفجارهای انتحاری در چابهار را که منجر به مرگ و مجروح شدن تعداد زیادی از هم میهنان گردید به شدت محکوم کرده و بار دیگر نسبت به گسترش ناامنی و بی ثبات سازی ایران در سایه تداوم و بقای دولت احمدی نژاد هشدار می دهد. تروریسم و ناامنی فقط و فقط به سود اهداف و منافع استبداد حاکم برمیهن ما، ارتجاع منطقه و امپریالیسم و نیروهای مداخله گر خارجی است.

ترور و ناامنی سیاستی در جهت منافع استبداد، ارتجاع و امپریالیسم

ده ها تن از افراد بی گناه در یک اقدام تروریستی در بندر چابهار واقع در استان سیستان و بلوچستان به
خاک و خون کشیده شدند.
این اقدام تروریستی و از قبل برنامه ریزی شده که در پس آن می توان هدف های معین سیاسی را به خوبی تشخیص داد توسط گروهی به نام جندالله که از سوی ارتجاع منطقه سازماندهی شده و حمایت می گردد انجام پذیرفت. این جریان واپس گرا مدت هاست از سوی همه حزب ها، نیروها و سازمان های ملی، میهن دوست و انقلابی میهن ما از جمله نیروهای مدافع حقوق ملی خلق های ایران محکوم و افشاء شده است و در ماهیت واقعی آن جای هیچگونه تردیدی نیست.
نکته پراهمیت در این اقدام ضد انسانی و وحشیانه که مستقیما حقوق و منافع مردم و امنیت ملی ایران را نشانه گرفته است. سیاست های ضد ملی ومردم ستیز رژیم ولایت فقیه و خصوصا دولت نامشروع کودتاست. از سویی سیاست اعمال ستم ملی و تبعیض مذهبی به خشن ترین شکل ممکن در مناطقی چون سیستان و بلوچستان موجب تنش و نارضایتی ژرف اجتماعی شده که نتیجه آن با توجه به سرکوب سیستماتیک حزب ها و سازمان های مردمی و ترقی خواه، رشد جریانات واپس گرای مذهبی است که در ماهیت خود مشابه باندهای قشری و تاریک اندیش حاکمیت نظیر دولت کنونی (احمدی نژاد) هستند و به روش های تروریستی سعی در پیشبرد مقاصد خود دارند.
و از دیگر سو ماجراجویی های نابخردانه و سیاست توهم آمیز دولت احمدی نژاد در عرصه سیاست خارجی بویژه معادلات منطقه ای، امپریالیسم و ارتجاع منطقه را درانجام اقدام های مداخله جویانه نسبت به میهن ما تحریک و تهییج می سازد.
تروریسم و جنایت در بلوچستان ریشه در این عوامل دارد.
دولت ضدملی کودتا به رهبری ولی فقیه از آنجا که تمام توان و ظرفیت نهادهای امنیتی کشور را که باید در چارچوب قانون و تحت کنترل قوای قانونی، مدافع و سپر امنیت کشور باشند، در خدمت سرکوب و تجاوز به حقوق مردم قرارداده است، این نهادها انگیزه و توان ضرور را برای حفظ امنیت ملی و جلوگیری از پیدایش و گسترش ناامنی و تروریسم در کشور ندارند.
حادثه بندر چابهار فقط یک حرکت کور تروریستی و یا انتقام جویانه نیست و نمی تواند باشد. ناامنی های اخیر حاکی از ناکارآمدی دولت ضد ملی احمدی نژاد و نتیجه اعمال سیاست های مردم ستیز، ضد ملی و سرکوبگرانه ولی فقیه است.
حزب توده ایران جنایت وحشیانه انفجارهای انتحاری در چابهار را که منجر به مرگ و مجروح شدن تعداد زیادی از هم میهنان گردید به شدت محکوم کرده و بار دیگر نسبت به گسترش ناامنی و بی ثبات سازی ایران در سایه تداوم و بقای دولت احمدی نژاد هشدار می دهد. تروریسم و ناامنی فقط و فقط به سود اهداف و منافع استبداد حاکم برمیهن ما، ارتجاع منطقه و امپریالیسم و نیروهای مداخله گر خارجی است.

سایت حزب توده ایران

۲۶ آذر ۱۳۸۹ – ۱۷ دسامبر ۲۰۱۰

آزاد سازی اقتصادی با موج نوین سرکوب و ارعاب

با آغاز اجرای طرح تحول اقتصادی و حذف یارانه ها شاهد موج جدیدی از دستگیری ها، اعدام و ایجاد فضای وحشت در
.جامعه هستیم
حزب ما موج نوین بازداشت ها، محاکمات ناعادلانه و نیز اعدام کنیه توزانه و وحشیانه در زندان زاهدان را قاطعانه محکوم کرده و خواستار آزادی فوری همه زندانیان سیاسی از جمله بازداشت شدگان اخیر و لغو احکام ضد انسانی اعدام است.

با آغاز اجرای طرح تحول اقتصادی و حذف یارانه ها شاهد موج جدیدی از دستگیری ها، اعدام و ایجاد فضای وحشت در جامعه هستیم.
پس از آنکه محمود احمدی نژاد اجرای جراحی بزرگ اقتصادی را اعلام داشت، ارگان های امنیتی گروهی از فعالان سیاسی و اجتماعی و روزنامه نگاران را در تهران و دیگر شهر ها بازداشت و روانه زندان ساختند.
بامداد ۲۸ آذر ماه یازده تن از ماموران امنیتی با یورش به منزل مسکونی فریبرز رییس دانا، این عضو کانون نویسندگان ایران را بازداشت کردند. علت این بازداشت از سوی مقامات امنیتی و قضایی تاکنون اعلام نشده است.
همزمان به گزارش پایگاه اطلاع رسانی کلمه ۲۸ آذر ماه چهار تن از روزنامه نگاران و فعالان فرهنگی-اجتماعی ضمن احضار توسط وزارت اطلاعات دستگیر شدند. در همین حال قوه قضاییه در هماهنگی و همدستی کامل با نهادهای امنیتی-نظامی و به منظور ایجاد ترس در جامعه هنگام شروع برنامه حذف یارانه ها و افزایش قیمت ها تعدادی از روزنامه نگاران و مبارزان جنبش سندیکایی را محاکمه و برای آنها احکامی نظیر حبس و اخراج از کار صادر نمود. لطف الله میثمی مدیر مسئول نشریه چشم انداز ایران و محمد صادق جوادی حصار سردبیر روزنامه توقیف شده قدس، به ترتیب در تهران و مشهد محاکمه و «مجرم» شناخته شدند. همچنین به حکم دیوان عدالت اداری علی نجاتی رییس پیشین هیات مدیره سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه از کار اخراج گردید. رضا شهابی عضو سندیکای کارگران شرکت واحد نیز در درون زندان باردیگر محاکمه شد و در همان حال جعفر پناهی سینماگر مردمی براساس حکم دادگاه به ۶ سال حبس تعزیری، ۲۰ سال محرومیت از ساختن و کارگردانی هر نوع فیلم، نوشتن فیلم نامه و هر نوع مصاحبه و نیز خروج از کشور محکوم گردید.
در ادامه رعب آفرینی، تهدید و بازداشت های جدید، در یک اقدام انتقام جویانه و ضد انسانی ۱۱ تن در زندان زاهدان به حکم دادگاه انقلاب اسلامی اعدام شدند.
بازداشت، محاکمه، صدور و اجرای احکام اعدام همزمان با آغاز رسمی جراحی بزرگ اقتصادی که فقط و فقط اجرای نسخه های ضد مردمی دیکته شده از سوی صندوق بین المللی پول و بانک جهانی است و به شدت قدرت خرید مردم بویژه زحمتکشان را کاهش خواهد داد، حاکی از هراس کودتاچیان از مردم و ناتوانی رژیم ولایت فقیه در پاسخگویی به نیازهای مبرم جامعه است.
حزب ما موج نوین بازداشت ها، محاکمات ناعادلانه و نیز اعدام کنیه توزانه و وحشیانه در زندان زاهدان را قاطعانه محکوم کرده و خواستار آزادی فوری همه زندانیان سیاسی از جمله بازداشت شدگان اخیر و لغو احکام ضد انسانی اعدام است.

سایت حزب توده ایران
۳۰ آذر ۱۳۸۹ - ۲۱ دسامبر ۲۰۱۰

جنبش دانشجویی در مصاف با استبداد: ایستادگی کرده ایم، از این پس نیز خواهیم ایستاد

مبارزه امسال در شانزده آذر توجه دقیق به همه ظرفیت ها و بهره گیری از شیوه های متنوع مخالفت و اعتراض را برجسته و آگاهی ژرف جنبش دانشجویی و تشخیص درست لحظه سیاسی و مرحله دشوار کنونی را نشان داد.

امسال بزرگداشت شانزده آذر برای مبارزان و فعالان جنبش دانشجویی کشور حاوی تجربیات و درس های با ارزشی بود. بویژه آنکه دانشجویان به رغم فضای شدید امنیتی حاکم بر دانشگاه ها و مراکز آموزش عالی با طنین شعار اتحاد، مبارزه، پیروزی سرزندگی، تداوم وخلاقیت جنبش دانشجویی را به اثبات رساندند.

روز شانزدهم آذر به دنبال فراخوان فعالان دانشجویی دانشگاه امیر کبیر (پلی تکنیک) تهران، صدها دانشجو در حمایت از زندانیان سیاسی خصوصا دانشجویان در بند دست به تجمع اعتراضی زدند. این گردهمایی با یورش یگان های نیروی انتظامی و بسیج به خشونت گرایید و حداقل چهار دانشجو بازداشت شدند. دانشجو نیوز ۱٦ آذر ماه گزارش داد: "دانشجویان دانشگاه امیرکبیر به پاسداشت ۱٦ آذر و درحمایت از دانشجویان در بند دست به تجمع زدند ... از ساعات ابتدای صبح امروز شانزدهم آذر ۸۹، حدود ۵۰ دانشجوی پلی تکنیک به این دانشگاه ممنوع الورود شده اند ... در داخل دانشگاه نیز نیروی های انتظامات با حضور در پارک دانشگاه (محل اعلام شده برای تحصن امروز) از نشستن و ایستادن دانشجویان در آن جلوگیری می کنند ..."

دانشجو نیوز در تکمیل این خبر ساعاتی بعد اعلام داشت: "پس از ایجاد درگیری بین دانشجویان و نیروهای فشار ... باقری که از اعضای حراست دانشگاه است و نقش زیادی در سرکوب های چندین سال اخیر داشته، ٤ تن از دانشجویان را بازداشت و به حراست منتقل کرد ..."

در روز دانشجو، دانشگاه آزاد قزوین شاهد گردهمایی بیش از هزار نفر بود که شعار مرگ بر دیکتاتور سر دادند. مطابق گزارش دانشجو نیوز: "تجمع اعتراضی شانزدهم آذر در دانشگاه قزوین با حضور بیش از ۱ هزار نفر از ساعت ده (صبح) از میدان قلم این دانشگاه آغاز شد. این حضور اعتراضی با شعار یا حسین میر حسین آغاز و درحالی بود که حضور نیروهای امنیتی و بسیج هر لحظه گسترده تر می شد و آن ها اقدام به تهدید و فیلم برداری از دانشجویان نمودند ... در ادامه دانشجویان با شعار مرگ بر دیکتاتور و دانشجوی زندانی آزاد باید گردد، خواستار آزادی دانشجویان و همکلاسی های دربند خود شدند ..." در دانشگاه بین المللی قزوین نیز گردهمایی اعتراضی برپا شد که طی آن حداقل ٦ دانشجو به ستاد خبری وزارت اطلاعات احضار گردیدند. در دانشگاه بوعلی سینای همدان، رشت، سهند تبریز، علم و صنعت تهران و برخی دیگر از مراکز آموزشی عالی نیز تجمع ها و اعتراضاتی صورت گرفت. روز شانزده آذر با حضور گسترده نیروهای انتظامی در اطراف خیابان های دانشگاه تهران همراه بود. یک روز پیش از این (۱۵ آذر ماه) دانشجویان دانشکده فنی دانشگاه تهران گردهمایی را سازمان داده و با شعارهایی چو مرگ بر دیکتاتور، مرگ بر این دولت مردم فریب با گرامیداشت شانزده آذر یاد سه آذر اهورایی را گرامی داشتند.

همچنین فعالان دانشجویی با درایت و هوشیاری تحسین برانگیزی چند روز مانده به روز دانشجو، با انتشار بیانیه هایی عزم راسخ جنبش دانشجویی را در مبارزه با استبداد و ارتجاع اعلام داشتند.

به عنوان نمونه جمعی از فعالین دانشجویی فراخوانی را به منظور برگزاری مراسم روز دانشجو صادر کردند که در آن تاکید شده بود: "تاکنون ایستادگی کرده ایم، از این پس نیز خواهیم ایستاد ... انقلاب ۵۷، ۲ خرداد ۱۳۷٦، اعتراضات ۱۸ تیر ماه ۱۳۷۸ و در نهایت انتخابات سال گذشته بی شک هر یک نقاط عطفی در تاریخ این مرز و بوم پرگهر ایجاد کرده اند اما افسوس که این مبارزات مستمر تاکنون هدف غایی خود ... را به دست نیاورده .... بر ما دانشجویان آزادی خواه است که در روز ۱٦ آذر سکوت نکنیم و به انحا مختلف اعتراض خود را به استبداد نشان دهیم ..."

بیانیه دانشجویان دانشگاه آزاد نیز مورد قابل تامل دیگری است که درایت و شجاعت مبارزان جوان و دانشجویان را به اثبات می رساند. دراین بیانیه که به امضاء دانشجویان دانشگاه آزاد واحدهای، تهران جنوب، تهران مرکز ، تهران شمال، تبریز، کرج، مشهد، شهرری و قزوین رسیده است، یادآوری می گردد: "مدهوشان سرمست از باده قدرت، تیغ در دست عرصه کشور را جولانگاه تاخت و تاز خود ساخته اند و پایداری و مقاومت دانشجویان را در راه دستیابی به آرمان ها یشان تاب نمی آورند و از آن می هراسند. آن کس که در آرای ملت و اعتماد ایشان جنایت ورزد باید هم از فرزندان این ملت بهراسند ... با ریخته شدن خون سه آذر اهورایی در اعتراض به ظلم و استبداد، شانزدهم آذر ماه به نمادی جهت استبداد ستیزی واعلام حضور جنبش دانشجویی تبدیل گشت ... پس از کودتای صورت گرفته اخیر دولت نامشروع برآمده از آن در طی هفده ماه گذشته و نیز پیش از آن با پایمال کردن و به استهزاء گرفتن عملی اصول

قانون اساسی و عبور از حقوق ملت به صورت پیوسته سعی درغبار آلود کردن فضای کشور داشته است و در این حین به چپاول سرمایه های ملت در این فضای غبار آلود دست زده است و منابع و منافع این ملت را به دست عده ای چکمه پوش و چماق به دست سپرده است ... با تاکید براینکه حضور در خیابان ها و برگزاری تجمعات اعتراضی در دانشگاه ها را از راهکارهای موثر مبارزه می دانیم ولی اعلام می کنیم که راه های بی شمار دیگری نیز وجود دارند که باید تمرین شوند ... ثابت خواهیم کرد که دانشگاه، این ... سنگر آزادی هنوز زنده است."

علاوه بر این بیانیه ها که حاکی از تدبیر و آگاهی و احساس مسئولیت ملی است، باید به حرکت درخشان دانشجویان دانشگاه رازی کرمانشاه اشاره کرد که در روز ۱۵ آذر ماه با شعار "مرگ بر دیکتاتور"، صفار هرندی، از چهره های تاریک اندیش ارتجاع حاکم را از دانشگاه بیرون راندند. دانشجو نیوز ۱۵ آذر ماه از کرمانشاه گزارش داد: "صفار هرندی وهیات همراهش با شعارهایی همچون مرگ بردیکتاتوری توسط دانشجویان دانشگاه رازی کرمانشاه غافل گیر شدند ... لازم به ذکر است بسیج دانشگاه رازی، طی چند روز اخیر با ثبت نام از دانشجویان و صدور دعوت نامه برای آنچه که آنرا مراسم جشن ۱٦ آذر می نامیدند، تمام تلاش خود را کرده بودند تا صندلی ها اکثرا در اختیار افراد بسیج قرار بگیرد ... پس از شعار مرگ بر دیکتاتور جمع کثیری از دانشجویان شروع به دست زدن های متمادی درحمایت از شعار دهندگان نمودند که تا مدت طولانی ادامه داشت ... در ادامه و به هنگامی که نوبت به سخنرانی صفار هرندی رسید، جمعی از دانشجویان با سردادن شعار از سالن خارج شدند ..."

این مجموعه اقدام ها از صدور بیانیه ها تا تجمع و گردهمایی در روز دانشجو و نظایر آن با توجه به جو امنیتی و سرکوب شدید فعالان دانشجویی، دستاوردی ارزنده و پراهمیت قلمداد می گردد. چند هفته مانده به ۱٦ آذر کودتاچیان با تشدید اعمال فشارها کوشیده بودند که ترس بر فضای مراکز آموزش عالی مسلط شود. اعمال محدودیت های جنسیتی دردانشگاه شهرکرد، اصفهان و سنندج، صدور احکام اخراج و احضار به کمیته های انضباطی مانند اخراج پر سرو صدای یکی از مبارزان طیف چپ جنبش دانشجویی از دانشگاه ارومیه و بازداشت دو عضو سابق انجمن اسلامی دانشگاه امیر کبیر تهران و تهدید خانواده برخی از دانشجویان شهید در جریان مبارزه و مقابله با کودتای انتخاباتی در سال گذشته، تماما با هدف در موضع تدافعی قراردادن جنبش دانشجویی و ایجاد جو رعب و وحشت درمیان توده دانشجویان در سراسر کشور بود. در کنار این اقدام ها روز ۱۵ آذر ماه و پس از مشاهده اینکه جنبش دانشجویی حاضر به عقب نشینی نیست، ناگهان کیفر خواست بسیج دانشجویی دانشگاه تهران علیه به اصطلاح "سران فتنه" در سطحی وسیع بوسیله خبرگزاری ها و پایگاه های اطلاع رسانی مدافع دولت کودتا منتشر شد. خبرگزاری فارس ۱۵ آذر ماه متن این کیفرخواست یا درحقیقت جو سازی آگاهانه و هدفمند را چنین ارائه داد: "بسیج دانشجویی دانشگاه تهران و علوم پزشکی تهران با ارایه کیفر خواستی علیه موسوی، کروبی ... از قوه قضاییه خواسته اند تا بیش از این زمینه بی اعتمادی توده های مردم نسبت به این قوه را فراهم نکند ... قوه قضاییه حداقل اقدام ممکن را انجام دهد ..."

در روز شانزده آذر نیز خبرگزاری فارس با جو سازی که هدف آن ایجاد جو رعب بود گزارش داد: "در پی اعترافات بنیامین سر پل اصلی ستاد موسوی با گروهک نفاق دستگیر شد ... این فرد نقش موثری در شناسایی و اغفال فریب خوردگان حوادث پس از انتخابات داشته است ..."

به این ترتیب علاوه بر جو پلیسی حاکم بر دانشگاه، کودتاچیان با جنگ روانی-تبلیغاتی حساب شده به مقابله با جنبش دانشجویی و جلوگیری از بزرگداشت آن پرداختند که در پرتو هوشیاری و خلاقیت فعالان دانشجویی در رسیدن به این هدف ها ناکام ماندند.

مبارزه امسال در شانزده آذر توجه دقیق به همه ظرفیت ها و بهره گیری از شیوه های متنوع مخالفت و اعتراض را برجسته و آگاهی ژرف جنبش دانشجویی و تشخیص درست لحظه سیاسی و مرحله دشوار کنونی را نشان داد. این تجربیات دستاوردهای پرارزش نه تنها برای جنبش دانشجویی، بلکه برای پیکار سراسری توده ها علیه استبداد به شمار می آید و بی تردید در رشد و گسترش جنبش مردمی موثر واقع خواهد شد. تقویت صفوف جنبش دانشجویی، نزدیکی و تعامل طیف های فکری-سیاسی آن با یکدیگر در تحلیل نهایی به ارتقاء سطح جنبش ضد استبدادی منجر شده و سرانجام استبداد و ارتجاع را به عقب نشینی وادار و دولت ضد ملی کودتا را در هم خواهد شکست.

ادامه فشار بر فعالین سیاسی و مدنی مستقل ایرانی در کردستان عراق

بنابر اطلاعات و اخبار موثقی که به دست ما رسیده است، طی ماه های اخیر اداره آسایش (امنیت) کردستان عراق، بویژه در استان سلیمانیه که تحت کنتدل اتحادیه میهنی است، به طور بی سابقه ای پناهجویان و فعالین سیاسی و مدنی مستقل ایرانی ساکن این منطقه را تحت فشار قرار داده و هر روز به بهانه ای بر شدت فشارها می افزاید.

این در حالی است که این پناهجویان از هرگونه حقوق پناهندگی و حمایت های معمول بین المللی بی بهره هستند و از هر لحاظ در شرایط بسیار سختی به سر می برند.

در تازه ترین اقدام اداره آسایش سلیمانیه صدور اجازه اقامت یا تمدید اقامت فعالین سیاسی و مدنی مستقل ایرانی ساکن این منطقه را منوط به داشتن کارت عضویت یا هواداری (لایه نگری) از یکی از احزاب کرد ایرانی مستقر در کردستان عراق نموده است.

در غیر این صورت نه تنها برای آنها اجازه اقامت صادر نمی شود بلکه آنها را تهدید به اخراج و بازگرداندن به ایران می کنند.

آشکار است که این اقدام آسایش منطقه کردستان عراق علاوه بر اینکه در تضاد کامل با همه ی قوانین و پیمان نامه های بین المللی مرتبط با حقوق پناهندگی قرار دارد، نقض ابتدایی ترین اصول حقوق بشر نیز به شمار میرود.

زیرا اجبار افراد به عضویت یا طرفداری از هر حزب یا گروه سیاسی و دینی و غیره طبق اصول اساسی اعلامیه جیهانی حقوق بشر ، با هر بهانه و دستاویزی که صورت بگیرد ممنوع و اقدامی مجرمانه تلقی می گردد.

این در حالی است که احزاب کرد ایرانی ساکن اقلیم کردستان عراق تاکنون در مقابل این اقدام آسایش هیچگونه موضعگیری مشخصی نکرده و با سکوت خود عملاه مهر تایید بر آن نهاده اند.

از طرفی دیگر به علت شدت یافتن سرکوب خشن فعالین سیاسی و مدنی از طرف نیروهای امنیتی رژیم جمهوری اسلامی در کردستان ایران، هر روز تعداد بیشتری از این فعالین به کردستان عراق می گریزند.

نیروهای اطلاعاتی جمهوری اسلامی نیز با استفاده از ارتباطاتی که با احزاب حاکم بر کردستان عراق دارند، بر شدت فعالیت های خود در آن منطقه افزوده و به اشکال مختلف به تعقیب و تهدید فعالین کرد مستقل ایرانی ادامه می دهند.

به باور ما فشارهای اخیر آسایش منطقه کردستان عراق را نیز بایستی بخشی از برنامه سرکوب و ارعاب فعالین سیاسی و مدنی مستقل کردستان ایران از جانب دستگاه های امنیتی جمهوری اسلامی به شمار آورد و با همه ی توان با آن به مقابله برخواست.

بنابراین از احزاب و سازمان های سیاسی کرد ایرانی مستقر در کردستان عراق انتظار میرود که با استفاده از اهرم هایی که در اختیار دارند مانع از ادامه روند سرکوب و فشار بر این فعالین شوند و از آسایش منطقه کردستان، بویژه آسایش سلیمانیه بخواهند به این رویه خود خاتمه دهد.

بدون شک برد و تاثیر این اقدام، بسیار بیشتر از دلخوش کردن به این است که این فعالین، از سر" اجبار" به این احزاب مراجعه کنند، و کارت هواداری (لایه نگری) از آنها دریافت نمایند.

همچنین در همین زمینه از سازمان ها و احزاب سراسری کشورمان می خواهیم که به دفاع از این فعالین برخیزند و با طرح این اقدام ناپسند آسایش منطقه کردستان عراق در مجامع حقوق بشر بین المللی و واداشتن آنها به اقدامات لازم، مانع از ادامه فشار بر فعالین سیاسی و مدنی کرد ایرانی در کردستانی عراق شوند.

مبارزه خستگی ناپذیر برای آزادی زندانیان سیاسی!

زندانیان سیاسی یی که در چنگال ارتجاع حاکم و کودتاچیان گرفتار شده اند، وضعیت نگران کننده ای دارند. آزادی بدون و قید شرط همه زندانیان سیاسی و عقیدتی بدون استثناء، از آماج های فوری جنبش ضد استبدادی میهن ماست. باید مبارزه برای آزادی آنان را درعرصه های ملی و بین المللی تشدید کنیم!

تشدید فشار برزندانیان سیاسی طی هفته های گذشته نگرانی های جدی را در داخل و خارج کشور برانگیخته است. با وجود آزادی تعدادی از زندانیان سیاسی در روزهای گذشته، این نگرانی ها همچنان باقی بوده، از میزان فشار به زندانیان سیاسی نیز کاسته نشده است. عباس جعفری دولت آبادی، دادستان تهران، مدتی قبل و در راستای اعمال فشار ارتجاع بر مبارزان دربند، اعلام کرد که، در موضوع اعطای مرخصی به زندانیان سیاسی تجدید نظر صورت گرفته و از این پس برای دادن مرخصی به زندانیان سیاسی رفتار آنان مورد بررسی قرار گرفته و اگر اصلاحی درعملکردشان دیده شد، به آن ها مرخصی می دهیم. دادستان انقلاب اسلامی تهران زمانی مساله جلوگیری از مرخصی زندانیان را مطرح کرد که احمدجنتی و برخی دیگر از کودتاچیان از ''اعطای مرخصی های بی مورد'' زبان به انتقاد گشودند. ماجرای مرخصی تنها بخش کوچکی از اعمال فشار برزندانیان سیاسی است. مدت هاست که به گروهی از زندانیان سیاسی نه تنها هرگز مرخصی داده نشده، بلکه از مداوای آنان در بیرون زندان نیز جلوگیری شده است. نمونه هایی نظیر منصور اسالو، محمد اولیایی فرد، عالیه اقدام دوست و احمدزید آبادی کم نیستند. علاوه بر شکنجه و بازجویی توام با فشار روحی و فیزیکی، در تمام دوران زندان نیز حقوق زندانیان سیاسی رعایت نمی گردد. به دنبال مراجعه های مکرر خانواده های زندانیان سیاسی به مسئولان و شخصیت های حکومتی، پایگاه اطلاع رسانی کلمه، ۲۵ آبان ماه، در گزارشی به نقل از سخنگوی فراکسیون اقلیت مجلس [اصلاح طلبان] از جمله نوشت: ''... به بسیاری از زندانیان که مشکلات جسمی دارند، اجازه مداوا داده نمی شود ... یکی از ابتدایی ترین حقوق متهم، آگاه بودن از جرمش است که متاسفانه درایران رعایت نمی شود. با اینکه بیش از یک سال از انتخابات خرداد سال ۸۸ می گذرد، اما هنوز حکمی برای بسیاری از بازداشت شدگان صادر نشده است ....''

این مسایل البته در سیستم قضایی و چگونگی اداره زندان ها در جمهوری اسلامی به هیچ رو تازگی ندارد. در دهه خونین شصت کوچک ترین حق و حقوقی برای زندانیان سیاسی قایل نبودند، شکنجه های وحشیانه روحی و جسمی به جوانان، زنان باردار، افراد بیمار و کهنسال رواج داشت و هیچ کدام از زندانیان آن دوره هم حق برخورداری از وکیل را نداشتند.

فجایع امروز ادامه همان سیاست های گذشته است که منجر به یکی از کم سابقه ترین جنایات تاریخ معاصر میهن ما گردید.

از این رو و با شناختی که از ماهیت دستگاه قضایی و دادرسی های رژیم ولایت فقیه وجود دارد، باید به طور خستگی ناپذیر در عرصه های ملی و بین المللی برای حقوق و نجات جان زندانیان سیاسی، فارغ از هر عقیده و گرایش سیاسی و تعلق سازمانی، مبارزه کرد. دراین خصوص اخبار و گزارشات نگران کننده ای از وضعیت زندانیان سیاسی شامل مبارزان جنبش کارگری، دانشجویی، زنان، روزنامه نگاران و صدها معترض بازداشت شده حوادث سال گذشته به بیرون درز پیدا کرده است. نامه های عبدالله مومنی و محمد نوری زاد در باره شکنجه ها از جمله این خبرها تلقی می شوند. ابراهیم یزدی، دبیرکل نهضت آزادی ایران، که به صورت غیر قانونی و با اتهامات واهی دستگیر شده است، تحت فشار قرار گرفته تا از مخالفت با سیاست های سرکوبگرانه دولت دست بردارد.

خانواده وی با انتشار نامه یی، خواستار آزادی یزدی شده اند. در بخشی از این نامه یادآوری می شود: ''دکتر ابراهیم یزدی ۷۹ ساله، مسن ترین زندانی زندان بد نام اوین است و بار سومی است که دریک سال اخیر زندانی می شود ... او را تحت فشار مضاعف قرار داده اند تا دست از مخالفت در برابر سیاست های سرکوبگر حاکم بردارد. وی با کردار و گفتار خویش به سکوت تن نداده است. ...'' وضعیت جسمانی دبیر کل نهضت آزادی وخیم گزارش می شود و از این رو آزادی فوری وی در این نامه خواسته شده است.

به علاوه، مبارزان جنبش کارگری کماکان در شرایط سخت و نامطلوبی در زندان بسر می برند. حکم دادگاه تجدید نظر اهواز برای سه فعال سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه به اتهام توهین به رهبری، یکی از نمونه های گویا در این زمینه قلمداد می گردد.

منصور اسالو و ابراهیم مددی از مدت ها پیش به شیوه های گوناگون در درون زندان نیز مورد تعرض و زیر فشار شدید بوده اند. منصور اسالو، به گواهی پزشکان زندان، احتیاج مبرم به مداوای بیرون از زندان دارد، ولی تاکنون مقامات قضایی به وی وخانواده او اجازه برخورداری از این حق طبیعی را نداده اند. روزنامه نگاران در بند نیز وضعیت نگران کننده ای دارند. خبرگزاری هرانا، ۲۳ آبان ماه،

گزارش داد: "کیوان مهرگان دبیر سیاسی ضمیمه روزنامه اعتماد ملی که پس از حوادث عاشورا بازداشت و در زندان محبوس بود در دادگاه انقلاب اسلامی به سه سال حبس تعلیقی محکوم شد. هنگامه شهیدی دیگر روزنامه نگاری است که در روزهای گذشته به سلول انفرادی انتقال یافته و تحت فشارهای روحی قرار دارد." پایگاه اطلاع رسانی کلمه، ۲۵ آبان ماه، در خصوص روزنامه نگار بازداشت شده نازنین خسروانی نوشت: "نازنین خسروانی، روزنامه نگار صبح روز ۱۲ آبان ماه در منزل پدری خود بازداشت شد و پس از یک هفته در تماس کوتاه تلفنی با خانواده، سلول های انفرادی زندان اوین را محل نگهداری اش عنوان کرد، او درهمان تماس کوتاه از سرمای سلول های زندان ابراز ناراحتی و در خواست لباس گرم کرده بود ... مسئولان زندان اوین پس از اعلام اینکه این روزنامه نگار ممنوع الملاقات است، از پذیرش لباس گرم هم خودداری کردند. کیوان صمیمی، عیسی سحر خیز و احمد زید آبادی نیز از زمره فعالان سیاسی و روزنامه نگارانی هستند که مدام زیر فشار بازجویان ومسئولین زندان قرار دارند." درکنار روزنامه نگاران، فعالان جنبش دانشجویی در زندان متحمل بیشترین فشارها هستند. کمیته گزارشگران حقوق بشر، ۲۳آبان ماه، اعلام داشت که، قاضی اجرای احکام با آزادی مشروط محمد پور عبدالله دانشجوی طیف چپ مخالفت کرده است. پور عبدالله دانشجوی دانشگاه تهران در سال ۸۷ دستگیر و سپس در دادگاه انقلاب اسلامی به ۳ سال حبس تعزیری محکوم شد. وی به دلیل مخالفت قاضی هرگز نتوانست همچون دیگر زندانیان سیاسی از حق مرخصی استفاده کند. حسین سرشومی دانشجوی دانشگاه اصفهان در وضعیت سختی در بند الف- ط حفاظت اطلاعات در زندان مرکزی اصفهان (دستگرد) محبوس می باشد. این فعال شناخته شده طیف چپ جنبش دانشجویی بلافاصله پس از کودتای انتخاباتی و در جریان یورش گزمگان مسلح به دانشگاه اصفهان بازداشت گردیده بود. گزارشگران حقوق بشر متذکر می شوند که زندان مرکزی اصفهان (دستگرد) به کهریزک اصفهان شهرت یافته و زندانیان سیاسی در این بازداشتگاه با شدیدترین شکنجه های روحی و جسمی مواجه هستند. تایید احکام اعضای سازمان دانش آموختگان ایران اسلامی (ادوار تحکیم وحدت) نمونه دیگری از بی عدالتی و اعمال فشار برزندانیان سیاسی خصوصا فعالان جنبش دانشجویی است. دراین زمینه سازمان دانش آموختگان با انتشار بیانیه ای، ۲۳ آبان ماه، خواستار آزادی فوری علی جمالی، حسن زیدآبادی و سایر زندانیان سیاسی، به ویژه اعضای در بند این سازمان سیاسی- دانشجویی، شد. همچنین وضعیت شمار دیگری از مبارزان در بند جنبش دانشجویی افرادی نظیر شبنم مددزاده دانشجوی تربیت معلم کرج، علی قلی زاده دانشجوی دانشگاه فردوسی مشهد و فواد فریمانی دانشجوی دانشگاه امیر کبیر تهران نا مناسب و نگران کننده گزارش گردیده است. حتی خانواده های این زندانیان نیز مورد تهدید و توهین قرارمی گیرند. ادوار نیوز، ۲۳ آبان ماه، دراین خصوص تصریح کرد: "دستگاه قضا خانواده زندانیان را نیز تنبیه می کند."

تشکیل بند سیاسی زنان از دیگر موارد مهم در رابطه با زندانیان سیاسی کشور است. خبرگزاری هرانا، ۲۶ آبان ماه ،گزارش داد: "اقدام مقامات زندان در جداسازی زنان سیاسی از سایر زندانیان و محبوس کردن آنان در یک سالن در بسته، نشان از این دارد که مقامات امنیتی در صدد ساختن بند سیاسی زنان هستند." پایگاه اطلاع رسانی کلمه، ۲۶ آبان ماه، نیز نوشت: "... فقط در سال های دهه شصت و همچنین سال های پیش از انقلاب به دلیل کثرت تعداد زندانیان سیاسی زن، مقامات زندان ناچار شدند، بند جداگانه ای را به آنان اختصاص دهند. هم اکنون و پس از گذشت نزدیک به ۲۰ سال، باردیگر در نظام جمهوری اسلامی، تعداد زندانیان سیاسی زن آنقدر زیاد شده که نیاز به ایجاد یک بند با عنوان "بند سیاسی" به ضرورتی برای مقامات زندان تبدیل شده است. .. هم اکنون حدود ۱۸ زن سیاسی در بند عمومی زندان اوین به سر می برند که در مجموع بیش از ۷۰ سال حکم زندان دریافت کرده اند ... زنان در دو هفته گذشته از تمامی حقوق خود به عنوان یک زندانی محروم شده اند ... هم چنین از وضعیت عالیه اقدام دوست، فعال حقوق زنان، که پس از اعتراض به این شرایط، به سلول انفرادی منتقل شده بود، اطلاعی در دست نیست. ..."

پایگاه اطلاع رسانی تغییر برای برابری، ۱۹ آبان ماه، گزارش داد: "روز یکشنبه ۱۶ آبان ماه حوالی ساعت ۹:۳۰ زندانی سیاسی عالیه اقدام دوست به سلول انفرادی زندان اوین منتقل شد. خانم اقدام دوست به دلیل اعتراض نسبت به انتقال زنان زندانی سیاسی به بند متادون، او را به سلول های انفرادی منتقل نمودند."

عالیه اقدام دوست اولین زن مبارزی است که صرفا به دلیل فعالیت برای رفع تبعیض جنسیتی به بند کشیده شد و مورد آزار و اذیت قرار می گیرد.

کارزار بین المللی حقوق بشر در ایران، ۲۶ آبان ماه، گزارش داد که ، عبدالرضا قنبری زندانی سیاسی زیر حکم اعدام قرار دارد، وی دی ماه سال گذشته و در جریان مقابله با کودتای انتخاباتی بازداشت گردید و توسط شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب اسلامی محاکمه و به اعدام محکوم شده است. وی معلم بوده و دارای سابقه زندان در دهه خونین شصت است. از سوی دیگر فعالین حقوق بشر و دمکراسی در ایران، ۲۷ آبان ماه، از بازداشت و شکنجه خانم مهری جوان محجوب

دوست خبر دادند. وی نیز از زندانیان سیاسی دهه شصت است که همسرش در جریان حوادث سال قبل دستگیر و زندانی گردید. هنگام دفاع از حقوق زندانیان سیاسی نباید زندانیان گمنام را که در جریان مقابله با کودتای انتخاباتی دستگیر شده اند، فراموش کرد. اغلب این افراد بدون روشن بودن علت بازداشت و اتهام وارده در وضعیت سختی در زندان بسر می برند. پایگاه اطلاع رسانی کلمه، ۲۵ آبان ماه، در مورد یکی از این زندانیان سیاسی نوشت: "ایوب قنبرپوریان یکی از زندانیان حوادث پس از انتخابات، وضعیت جسمانی و روحی بسیار نامناسبی دارد، اما با این حال دادستان تهران و مسئولان زندان با مرخصی او مخالفت می کنند. ایوب ۲۰ ساله و اهل یکی از روستاهای کوه دشت لرستان است که در تهران به عنوان کارگر ساختمانی مشغول بکار بوده است. او در تظاهرات مسالمت امیز مردم در اعتراض به نتیجه انتخابات ۲۲ خرداد شرکت داشته و به همین دلیل بازداشت و روانه زندان شده است. خانواده قنبرپوریان و هم بندی های او نسبت به وضعیت جسمی و روحی او به شدت اظهار نگرانی می کنند. ..."



زندانیان سیاسی یی که در چنگال ارتجاع حاکم و کودتاچیان گرفتار شده اند، وضعیت نگران کننده ای دارند. آزادی بدون و قید شرط همه زندانیان سیاسی و عقیدتی بدون استثناء، از آماج های فوری جنبش ضد استبدادی میهن ماست. باید مبارزه برای آزادی آنان را درعرصه های ملی و بین المللی تشدید کنیم!

به نقل از نامه مردم شماره ۸۵۷

درس ها و تجربیات جنبش ۲۱ آذر

جنبش خلقی و دمکراتیک ۲۱ آذر در آذربایجان، همواره بر دفاع از استقلال، آزادی، حاکمیت ملی وتمامیت ارضی ایران درچارچوب منافع مردم، با تشکیل انجمن های ایالتی و ولایتی تاکید می کرد. این جنبش تامین حقوق ملی خلق های ایران را در پیوند با مبارزات سراسری دانسته و پیگیری می کرد، و براحزاب و نیروهای ترقی خواه و میهن دوست کشور تکیه داشت. این ویژگی ها پی ستونِ مبارزه برای لغو ستم ملی و تضمین برابری همه خلق هایَ ایران بوده و هست!

جنبش ۲۱ آذر ۱۳۲۴ آذربایجان، یک رخداد بی ارتباط با تاریخ مبارزات مردم ایران بر ضد استعمار و استبداد نبود. ریشه ها و شرایط تاریخی معینی این جنبش را پدید آورد و شکل داد!

به عبارت دقیق تر، زمینه های تاریخی ظهور و پیدایش آن به نقش برجسته آذربایجان در افشا و مبارزه با استعمار و ارتجاع در کشور ما باز می گردد که دراین رابطه می توان به انقلاب بزرگ مشروطیت و جنبش دمکراتیک شیخ محمد خیابانی اشاره کرد. با سرنگونی استبداد رضا خانی، امکانات عینی و ذهنی برای رشد نیروهای انقلابی و میهن دوست جامعه فراهم آمد و فضای کشور در اثر تحولات جهانی و تغییر تناسب قوا به زیان امپریالیسم جهانی دچار دگرگونی گردید که این دگرگونی به مبارزه برای جلوگیری از احیا دیکتاتوری در راه تامین حاکمیت مردم استحکام قابل ملاحظه ای بخشید. دراین مجموعه شرایط تاریخی است که می باید نهضت ۲۱ آذر و نیز جنبش ۲ بهمن را باز شناخت و به داوری درباره آن ها نشست.

برخلاف تبلیغات امپریالیسم و وابستگان داخلی آن، جنبش ۲۱ آذر به هیچ وجه ساخته وپرداخته "دست بیگانگان" نبود. چنین اتهام بی پایه و در واقع دروغ پردازی وقیحانه، سیاست رسمی دو رژیم استبدادی بوده و هست. به طور مثال، اخیرا و در آستانه فرارسیدن سالگرد جنبش ملی آذربایجان (۲۱ آذر)، پایگاه اطلاع رسانی تابناک، ۲ آذر ماه، در سلسله مقالاتی با معرفی یک کتاب خاطرات ، باردیگر به تحریف تاریخ و دروغ پردازی متوسل شده، به ضد مبارزات قهرمانانه مردم ایران در دهه بیست خورشیدی که شامل جنبش ۲۱ آذر و ۲ بهمن نیز می شود، از جمله نوشته است: "... شاه جوان ایران، پس از شهریور ۱۳۲۰



رفیق پیشه وری

چندان تسلطی برهمه مناطق ایران نداشت، شوروی ها در کردستان عراق حزب هیوا را حمایت کردند و در ایران حزب توده را. درآن برهه، جای جای ایران را از شمال روس ها و از جنوب انگلیس ها درنوردیده بودند ... کردستان جنوبی و سنندج و کرمانشاه در اختیار انگلیسی ها بود، ولی کردستان شمالی- مهاباد و بانه و سردشت و ... سرزمین بی صاحب مانده بود و مسکو به خاطر به دست آوردن امتیاز نفت شمال از خود مختاری کردها و آذری ها دفاع ... کرد. ..."

با چنین دروغ هایی نمی توان سیما و ماهیت جنبش آزادی خواهانه و ملی ایران، خصوصا نهضت های خلقی در آذربایجان وکردستان را مکدر و خدشه دار ساخت. همچنان که رژیم وابسته و ضد ملی شاه نتوانست! جنبش دمکراتیک ۲۱ آذر ماه، ابتدا خواستی جز تشکیل انجمن های ایالتی و ولایتی نداشت. این دولت مرکزی بود که برخواست به حق مردم چشم فرو بست وبا دستور امپریالیسم به مقابله با آن برخاست. با تشکیل حکومت ملی و خود مختار بر پایه اراده توده ها، اقدام ها و اصلاحات دمکراتیک به سود زحمتکشان عملی شد. درگام نخست اراضی خالصه، همچنین املاک بزرگ زمین داران و فئودال ها بین روستاییان بی بضاعت و فقیر تقسیم گردید و برای کمک به دهقانان زحمتکش بانک فلاحت تاسیس شد. سپس حقوق بازنشستگی، حق بیمه برای کارگران و کارمندان با تنظیم قانون کار مترقی تضمین گردید و با تعیین مزد عادلانه و ساعات کار معین، مرخصی سالیانه با پرداخت حقوق، مرخصی سه ماهه با پرداخت حقوق برای زنان باردار رسمیت یافت. زنان از حقوق انسانی و حق رای، حق انتخاب کردن و انتخاب شدن برخوردار گردیدند و برای اولین بار در تاریخ ایران در انتخابات آزادانه شرکت جستند. در طول عمر کوتاه حکومت ملی و خودمختار آذربایجان، گام های اساسی

برای تعالی وترقی فرهنگ برداشته شد. بیش از ۵۰ روزنامه و نشریه اجازه انتشار یافتند، شبکه مدارس بسط یافت و کتابخانه ها و قرائت خانه های متعددی گشایش پیدا کرد. تاسیس تئاتر دولتی وارکستر فیلارمونیک از دیگر اقدامات فرهنگی حکومت خودمختار بود. تمام این اقدام ها خشم امپریالیسم و ارتجاع داخلی را برانگیخت و به همان میزان حمایت نیروهای ملی و میهن دوست را به همراه داشت.
علاوه برحزب توده ایران، که پشتیبان قاطع مبارزات ملی بود، حزب ''ایران''، از احزاب ترقی خواه و ملی کشور، در شهریور ماه ۱۳۲۵ در روزنامه ''جبهه آزادی'' پیرامون نهضت ۲۱ آذر چنین موضع گیری کرده بود: ''ما نهضت دمکراتیک آذربایجان را برای سعادت ایران لازم دیدیم ... و نهضت دمکراتیک آذربایجان را اسلحه آزادیخواهان ایران شناختیم. ...''
زنده یاد دکتر محمد مصدق نیز در جلسه ۱۹ دی ماه ۱۳۲۴ مجلس شورای ملی، خطاب به حکیمی، نخست وزیر وقت، گفته بود: ''نظریات من این بود که بین دولت راجع به طرز اداره نمودن قسمتی از مملکت با اهالی آن جا اختلاف حاصل شده است. باید با اهالی محل داخل مذاکره شد. ...''
اینهاست حقایق تاریخی یی که دشمنان استقلال و آزادی و پیشرفت ایران می کوشند با دروغ پردازی، وارونه جلوه اش دهند.
جنبش خلقی و دمکراتیک ۲۱ آذر همواره بر دفاع از استقلال، آزادی، حاکمیت ملی و تمامیت ارضی ایران در چارچوب منافع مردم، با تشکیل انجمن های ایالتی و ولایتی، تاکید می کرد. این جنبش تامین حقوق ملی خلق های ایران را در پیوند با مبارزات سراسری دانسته و پیگیری می کرد، و بر احزاب و نیروهای ترقی خواه و میهن دوست کشور تکیه داشت. این ویژگی ها پی ستونِ مبارزه برای لغو ستم ملی و تضمین برابری همه خلق هایَ ایران بوده و هست. درعین حال، این تجربیات گرانبهای تاریخی ضرورت توجه به حقوق خلق ها و رابطه گسست ناپذیر آن با مبارزات همگانی را در شرایط امروز کشور برجسته ساخته و در برابر ما قرار می دهد. تجربیاتی که باید، تاکید می کنیم، باید در وضعیت حساس کنونی به کار گرفته شوند.
زنده یاد میرجعفر پیشه وری، صدر حکومت ملی و خود مختار آذربایجان و از پیش کسوتان جنبش کارگری و کمونیستی میهن ما، طی سخنرانی یی که به مناسبت نخستین سال تشکیل حکومت خود مختار در ۱۲ شهریور ماه ۱۳۲۵ در بنای تئاتر دولتی تبریز ایراد کرد، ماهیت جنبش ۲۱ آذر را این گونه ترسیم کرد: ''سال گذشته درهمین صحنه، نقشه ایران را با انگشتان خود در هوا ترسیم کرده، متذکر شدم که خواست ها و گفته های ما در درون این نقشه است، هرچه می خواهیم درداخل ایران می خواهیم ... خواست های ما تنها برای آذربایجان نیست، بلکه برای سعادت ایران و همه خلق های ایران است. ...''
(سخنرانی زنده یاد پیشه وری، به نقل از: مجله دنیا، شماره ۸، آبان ۱۳۵۹،دوره چهارم، صفحه ۴۶) .

به نقل از نامه مردم شماره ۸۵۷

تبعیض، نابرابری و اعمال خشونت بر ضد زنان

به مناسبت روز جهانی منع خشونت بر ضد زنان، فعالان و مبارزان جنبش زنان میهن ما دراقدام هایی ضمن گرامی داشت این روز بین المللی به افشای سیاست های زن ستیزانه رژیم ولایت فقیه پرداختند.
دراین افشاگری ها نکته مرکزی ومحوری، مخالفت با لایحه ضد ملی به اصطلاح حمایت از خانواده بود.
ایلنا در اوایل آذر ماه درمطلبی درخصوص گسترش نگران کننده خشونت های خانگی به ضد زنان از جمله نوشت: "... در برخی کشورها قوانین خاص مقابله با خشونت علیه زنان و خشونت های خانگی به تصویب رسیده و درحال اجراست، اما متاسفانه قوانین ایران در این خصوص سکوت اختیار کرده و تاکنون نص صریحی که حاکی از توجه به این مهم باشد ملاحظه نشده است."
در ادامه این مطلب به نقش مخرب شورای نگهبان و دولت کودتا در زمینه رواج خشونت نسبت به زنان اشاره غیر مستقیم شده وخاطر نشان می گردد: "صرف نظر از استعمال واژه های "جرایم جنحه ای و خلافی" که بعد از انقلاب با لغو مجازات عمومی و تصویب قانون مجازات اسلامی دیگر کاربردی ندارد و به جای تقسیم بندی جرایم به جنایت، جنحه وخلاف با تقسیم بندی مجازات ها (حدود، قصاص و دیات و تعزیرات) در قانون مواجه هستیم که با تغییری که دولت (دولت احمدی نژاد) در لایحه مربوط به خانواده ایجاد کرده، یک فرصت تاریخی برای جلوگیری از اعمال خشونت علیه زنان از دست رفت."
علاوه بر این، یکی از کارشناسان حقوقی در مصاحبه ای با ایلنا، ۵ آذر ماه، با تاکید یادآوری کرد: "ازدواج موقت و ازدواج مجدد مردان، خشونت علیه زنان محسوب می شود. خشونت خانگی به جامعه سرایت می کند و باعث گردش خشونت در جامعه می شود. اکنون خشونت ساختاری علیه زنان روزبه روز افزایش می یابد. چند همسری و ازدواج موقت، نه فقط در جهت از بین بردن خشونت اقدام نمی کنند، بلکه فرد عامل خشونت را تشویق هم می کنند."
در همین حال فعالان جنبش زنان با پافشاری برماهیت قرون وسطایی لایحه ضد خانواده مواد ۲۲، ۲۳، ۲۴ و ۵۱ آن را اعمال خشونت آشکار نسبت به زنان، خصوصا زنان طبقات محروم جامعه، می دانند. ماده ۵۱ لایحه ضد خانواده مروج ازدواج دختربچه هاست و این به معنی خشونت عریان است.
یکی از علل گسترش خشونت در ابعاد مختلف بر ضد زنان میهن ما، علاوه بر تبعیض وحشتناک جنسیتی و قوانین قرون وسطایی، ژرفش شکاف طبقاتی و رشد پدیده فقر در جامعه است. در کنار مسایل مهمی چون ازدواج موقت، کاهش سن ازدواج دختران و مواد ارتجاعی لایحه ضد خانواده، طرح عفاف و حجاب، نابرابری در محیط کار، دستمزد کمتر زنان در مقابل کار مساوی با مردان، اخراج زنان کارگر به ویژه زنانی که باردار می شوند، فشار اقتصادی بر زنان سرپرست خانوار و نابرابری در یافتن شغل و جز این ها، از نماد های روشن اعمال خشونت بر ضد زنان است.
مبارزه با اعمال خشونت ساختاری و سیستماتیک رژیم ولایت فقیه نسبت به زنان می باید در همه عرصه ها و با پشتیبانی فعال جنبش سراسری از خواست های جنبش زنان همراه باشد!

به نقل از نامه مردم شماره ۸۵۷

از مبارزه سندیکاهای کارگری حمایت کنیم

«مقابله با اصلاح قانون کار برای تامین حقوق سندیکایی»

ما اکنون با یکی از یورش های همه جانبه و برنامه ریزی شده ارتجاع به دستاوردهای تاریخی طبقه کارگر ایران روبرو هستیم، لذا باید با تمام توان و هوشیاری با حفظ اتحاد و وحدت عمل در صنوف جنبش کارگری-سندیکایی و تقویت پیوند با جنبش سراسری ضد استبدادی برای مقابله با این یورش و دستبرد وحشیانه مبارزه ای وسیع را سازماندهی کنیم. حزب توده ایران-حزب طبقه کارگر ایران- در کنار و همدوش سندیکاها و تشکل های مستقل کارگری دراین مبارزه با اهمیت قرارداشته و خواهد داشت.

دولت ضد ملی احمدی نژاد در چارچوب طرح تحول اقتصادی و حذف یارانه ها، برنامه اصلاح قانون کار به سود لایه های انگلی سرمایه داری ایران را آماده ساخته است. این اصلاحات که در پشت درهای بسته و بدون مشارکت و نظر کارگران و زحمتکشان و نمایندگان واقعی آنان صورت می گیرد، یورش همه جانبه به حقوق، منافع و دستاوردهای تاریخی طبقه کارگر میهن ما محسوب می گردد و از این رو مبارزه و مخالفت زحمتکشان، سندیکاها و تشکل های مستقل صنفی آنها را به دنبال داشته است.
در این زمینه در روزهای اخیر بیانیه مشترک دو سندیکای کارگری، سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوس رانی تهران و حومه و هیات بازگشایی سندیکای کارگران فلز کار مکانیک انتشار یافته که بیانگر نظرات و خواسته های به حق، قانونی و مشروع کلیه کارگران و زحمتکشان کشور می باشد. در این بیانیه مشترک اشاره می گردد: «... ما کارگران به نسخه های خانمان برانداز صندوق بین المللی پول و سازمان تجارت جهانی که نابودی اقتصاد ملی و غارت ثروت ملی مان را با هم دستی سرمایه داری انگلی تجاری داخلی نشانه رفته است، مخالف هستیم. آنچه ما را بر آن داشته تا این بیانیه را به اطلاع دیگر زحمتکشان برسانیم، بررسی مخفیانه اصلاح قانون کار در کمیسیون مجلس است...»
سپس بیانیه مشترک سندیکای کارگران شرکت واحد و هیات بازگشایی سندیکای کارگران فلز کار مکانیک با تاکید برحق برخورداری کارگران از سندیکا، لغو قراردادهای موقت و مخالفت با خصوصی سازی و خارج ساختن کارگران از شمول قانون کار در اصلاحیه مذکور یادآور می شوند: «در اصلاحیه قانون کار، فصل ششم هیچ اسمی از سندیکاهای کارگری به بیان نیامده است، در صورتی که در ماده ۱۰۱ برنامه توسعه چهارم و در رابطه با مقاوله نامه های ۸۷ و ۹۸ و آزادی تشکیل سازمان های مستقل کارگری به سازمان بین المللی کار قول اجرایی شدن این ماده داده شده بود... طراحان این اصلاحیه، ماده ۳۳ قانون کار ضد کارگری محمد رضا شاه را دوباره زنده کرده و به کارفرمایان حقوقی بیشتر از زمان ستم شاهی برای اخراج بی قید و شرط داده است... طبقه کارگر بدون امکانات و حتی سندیکاها چگونه می تواند در یک شرایط مساوی با (کارفرمایان) توافق بکنند آن هم در مورد دستمزد، بیمه و سایر مسایل رفاهی؟ حذف پیمان های دست جمعی و حداقل حقوق از دیگر اصلاحات قانون کار است... در اصلاحیه قانون کار، جهت کاهش قیمت تمام شده کالاها و خدمات از کاهش مدت بیمه بیکاری به ۲ سال و کاهش مبلغ بیمه بیکاری به نصف و حتی حذف بیمه اجباری کارگران سخن به میان آمده است... طبقه کارگر می گوید که قراردادهای موقت باید لغو شود نه بهسازی، در اصلاحیه پا را از این هم فراتر گذاشته از روزمزدی و حتی کار ساعتی و کنترات هم نام برده شده است که این به معنای بردگی کامل و برگشت به قرن ۱۸ میلادی است... در اصلاحیه برای آسان شدن سرمایه گذاری، کارگاه های تا ۲۰۰ نفر از مشمولیت قانون خارج خواهند گردید... آنچه اعتراض زحمتکشان را در سراسر دنیا برانگیخته است، توصیه سازمان تجارت جهانی و صندوق بین المللی پول به دولت هاست که از هر قانونی که به نفع طبقه کارگر باشد جلوگیری شود. در کشور ما نیز برای آنکه خیال کارفرمایان و سرمایه داری انگلی تجاری راحت شود زمزمه انحلال سازمان تامین اجتماعی، تعاونی های مصرف و مسکن به گوش می رسد...»
در بخش پایانی این بیانیه مشترک اعلام می شود: «برادران و خواهران زحمتکش! ما نخواهیم گذاشت دستاوردهای یکصدساله مبارزات خونین پدرانمان با توصیه های سرمایه داری جهانی و تهاجم سرمایه داری انگلی تجاری داخلی از بین برود. سی سال نادیده انگاشتن حقوق زحمتکشان و قانون اساسی کافی است... جلوگیری از سلطه اقتصادی بیگانه بر اقتصاد کشور (اصول قانون اساسی)، از حقوق مسلم و قانونی ماست و خواستار اجرایی شدنش هستیم.
... اتحاد وعزم ما و تجربه درخشان پیشکسوتان کارگری پیش روی ماست. تصمیم و اراده ما آینده ای روشن برای فرزندانمان را به ارمغان خواهد آورد. تصمیم ما راهگشاست.»
آنچه به درستی و صراحت در بیانیه مشترک قید شده، واقعیت سیاست های دولت ضد ملی و کارگر ستیز احمدی نژاد و اصول و مبانی سمت گیری ضد مردمی اقتصادی-اجتماعی رژیم ولایت فقیه است.
ما اکنون با یکی از یورش های همه جانبه و برنامه ریزی شده ارتجاع به دستاوردهای تاریخی طبقه کارگر ایران روبرو هستیم، لذا باید با تمام توان و هوشیاری با حفظ اتحاد و وحدت عمل در صنوف جنبش کارگری-سندیکایی و تقویت پیوند با جنبش سراسری ضد استبدادی برای مقابله با این یورش و دستبرد وحشیانه مبارزه ای وسیع را سازماندهی کنیم. حزب توده ایران-حزب طبقه کارگر ایران- در کنار و همدوش سندیکاها و تشکل های مستقل کارگری دراین مبارزه با اهمیت قرارداشته و خواهد داشت. حزب ما در عین حال حمایت همه احزاب و نیروهای مترقی و آزادیخواه از این مبارزه به حق را اقدامی در راستای نزدیکی و اتحاد عمل برضد استبداد و ارتجاع ارزیابی نموده و بر اهمیت چنین حمایتی تاکید می کند.

سایت حزب توده ایران

پایه‌گذاری دموکراسی، در مسیر حرکت به سوی سوسیالیسم

به نقل از نشریه انگلیسی زبان "مورنینگ استار"

بحران جاری سرمایه‌داری ضربه شدیدی به آفریقای جنوبی زده است، به طوری که در دو سال گذشته یک میلیون فرصت شغلی از دست رفته است. بلید نزیمانده، دبیرکل حزب کمونیست آفریقای جنوبی، معتقد است : ''اگر دولت حزب ''کنگره ملی آفریقا'' بر تعهد خود در اجرای طرح‌های زیربنایی، از جمله برگزاری جام جهانی فوتبال امسال، پابرجا نمانده بود، ممکن بود وضع از این هم بدتر شود.''

رفیق نزیمانده که وزیر آموزش عالی در دولت کنگره ملی است، چندی پیش برای تقویت پیوندهای بین‌المللی میان نهادهای آموزشی دو کشور، سفری به بریتانیا کرد. او در گفت و گویی با رفیق ''رابرت گریفتز''، دبیرکل حزب کمونیست بریتانیا، می‌گوید: ''ما در حال خروج از بحران هستیم، و انتظار داریم که رشد اقتصادی‌مان در سال آینده به ۲ تا ۳ درصد برسد.'' اگرچه این رقم نصف رقم مشابه در دوره پیش از رکود اقتصادی است، اما او معتقد است که به رغم یک تهدید عمده که کشور با آن روبه‌روست، این میزان رشد قابل دستیابی خواهد بود. رفیق نزیمانده با شور و شوق می‌گوید: ''از طریق طرح دولتی ''راه رشد نوین'' در سه سال آینده در حدود ۱۱۵ میلیارد دلار در بخش‌های ساختمان‌سازی، خدمات عمومی و برنامه‌های ایجاد کار سرمایه‌گذاری خواهد شد.'' او اضافه می‌کند : ''پنج اولویت اصلی این استراتژی جدید عبارتند از: کار مناسب، آموزش، دسترسی به مراقبت‌های بهداشتی و درمانی، توسعه روستایی، و مبارزه با فساد و جرایم.''

و اما بزرگ ترین خطر و تهدید برای رشد اقتصاد آفریقای جنوبی همانا اقدام آمریکا به چاپ ۶۵۰ میلیارد دلار اسکناس است که ''جنگ ارزها'' را دامن می‌زند و نرخ بهره‌ها را بالا می‌برد، و این در حالی است که دولت‌ها تلاش دارند ارز کشورهای خود را حفظ کنند و بودجه ضروری را برای هزینه‌ها فراهم کنند. نرخ بهره در ژوهانسبورگ اکنون به ۵/۷ درصد رسیده است که موجب جذب پول‌هایی می‌شود که به دنبال سودهای سریع و کوتاه مدت هستند، اما خود مانعی است در راه وام گرفتن برای سرمایه‌گذاری‌های دراز مدت.

نزیمانده می‌گوید: ''در حال حاضر بحثی در درون کنگره ملی آفریقا در جریان است برای مالیات بستن بر معاملات قماری و استفاده از به اصطلاح ''سرعت‌گیر''ها برای تنظیم جابه‌جایی سریع سرمایه‌ها، مشابه همان کاری که در برزیل می‌کنند.'' اگرچه نرخ بهره را اخیراً نیم درصد کاهش داده‌اند، اما به نظر او یک کاهش یک درصدی دیگر نیز لازم است. نگرانی او همچنین درصد بالایی از جمعیت اضافه شده به کشور، ''بیکار'' و متکی به میزان مصرف ''طبقه متوسط'' و استخراج گسترده معادن است، اگرچه صادرات بیشتر به چین مزایای مالی چشمگیری برای کشور دارد. نزیمانده بر این باور است که فعالیت‌های ''بانک‌های دولتی توسعه و مسکن''، و نیز ''شرکت توسعه صنعتی''، باید بیشتر به سمت وام‌دهی با بهره کمتر سوق داده شود تا به این ترتیب سرمایه‌گذاری در بخش ساختمان و تولید برای بازار داخلی تقویت شود.'' نزیمانده در پاسخ به این سئوال که آیا اکنون کشورش گرفتار طرح‌های مالی بخش خصوصی شده است که بازپرداخت‌های درازمدتی را بر امور مالی دولت تحمیل می‌کنند، همان طور که در بریتانیا رخ داده است؟ پاسخ داد: ''ما هنوز خود را آن‌چنان در طرح‌های مالی بخش خصوصی گرفتار نکرده‌ایم، اما وارث چند مورد از شراکت‌های دولتی- خصوصی هستیم. وزارت‌خانه‌های دولتی نسبتاً با احتیاط با این شرکت‌ها کار می‌کنند.''

درباره خصوصی‌سازی که پیامد آن در بریتانیا چیزی نبوده است جز سودهای سرشار برای صاحبان شرکت‌ها، سر به فلک کشیدن قیمت‌ها برای مصرف کنندگان، و کمبود سرمایه‌گذاری در زیربنای حیاتی کشور، او می‌گوید: ''حزب کمونیست آفریقای جنوبی و سندیکاها در یک مبارزه ۱۵ ساله تلاش کردند تا سیستم حمل و نقل شهری و بین شهری، شرکت هواپیمایی آفریقای جنوبی، اداره پست، و مؤسسات مالی و توسعه را در بخش دولتی حفظ کنند، اما متأسفانه مالکیت شرکت‌های مخابراتی را از دست دادیم.'' نزیمانده از اینکه خط مشی دولت‌های پیشین برای وادار کردن بانک‌های دولتی به فعالیت در خط کاملاً انتفاعی اکنون مورد تجدید نظر قرار گرفته است، خشنود است. رویکرد دولت پرزیدنت جیکوب زوما مبتنی بر تقویت نهادهای دولتی است تا خصوصی سازی یا ''انتفاعی'' کردن آن ها. تلفن زنگ می‌زند و در گفتگوی ما وقفه می‌افتد. ابراهیم پاتل، وزیر توسعه اقتصادی و دبیرکل پیشین سندیکای کارگران نساجی است که تماس گرفته است. وزارت‌خانه تحت نظر او را دولت جدید ایجاد کرد تا فعالیت‌های خزانه‌داری را از تمرکز زدایی و کنترل کند. اما رشد اقتصادی فراتر از حد معمول، چالش‌های دیگری را به همراه دارد. نزیمانده ادامه می‌دهد: ''ما به نیروی کار ماهر و آموزش دیده بیشتری نیاز داریم.'' و در همین بخش است که وزارت‌خانه تحت نظارت او باید فعالیت کند. می‌گوید: ''در ۱۹ ماه گذشته یک برنامه سراسری برای آموزش پس از مدرسه تدوین کرده‌ایم. هدف درازمدت ما در مسیر توسعه مهارت‌ها، متوجه آموزش و تربیت شمار بیشتری افزارمند و تکنیسین است.'' نزیمانده می‌داند که راه طولانی و دشوار است. تازه‌ترین طرح او مشتمل بر کمک مالی به دانش‌آموزانی است که از خانواده‌های کم‌درآمد در جامعه‌ای هستند که در آن فقط ۵ درصد از جوانان ۱۸ تا ۲۴ ساله سیاه‌پوست در کالج درس می‌خوانند، در حالی که رقم مشابه در میان سفیدپوستان ۵۹ درصد است. او می‌گوید: ''مرده‌ریگ استعمار را می‌توان در ساختار اقتصادی ما و تقریباً در هر گوشه‌ای از جامعه ما دید.'' وزارت زنان، کودکان و امور معلولان نیز به تازگی تأسیس شده است تا در میان وظایف دیگر، **به مشکلات جدّی خشونت‌های خانگی و تبعیض‌های اجتماعی رسیدگی کند. نزیمانده با شور و احساس می‌گوید: "این اول کار است، اما ما باید این مسائل را در وزارت‌خانه‌های دیگر نیز مطرح و دنبال کنیم، زنان را به همه عرصه‌های زندگی دولتی، اقتصادی و اجتماعی بکشانیم، و روابط جنسیتی را در کشورمان دگرگون کنیم."**

او از توجه مفرط رسانه‌های غربی به برنامه‌های خانگی و خانوادگی پرزیدنت زوما آگاه است، اما مطرح کردن دیدگاه‌های خود را برای انتشار در اینجا بی‌مورد می‌داند. می‌گوید: "رئیس جمهور سخت کار کرده است تا اختلاف‌های محتمل و موجود میان سیاست‌های دولت، سندیکاها و حزب کمونیست آفریقا را کاهش دهد... مشورت‌های زیادی میان سه ستون اصلی ائتلاف انقلابی صورت می‌گیرد، از جمله در مورد انتخاب و انتصاب وزیران (امری که در بریتانیا فکرش را هم نمی‌شود کرد!) و حزب ما این رویکرد سازنده و جمع‌گرایانه را ارزش

می‌نهد.»
حزب کمونیست آفریقای جنوبی تا کنون همیشه در برابر خواست چپ‌های افراطی و نیروهای ضد کنگره ملی برای بیرون آمدن از ائتلاف سه‌گانه مقاومت کرده است. امروزه تعداد اعضای حزب کمونیست در مجلس و هیأت دولت از همیشه بیشتر است. گویید مانتاشه، دبیرکل کنگره ملی آفریقا، صدر حزب کمونیست آفریقای جنوبی هم هست.
نزیمانده با بر شمردن نمونه‌هایی از اختلاف میان برخی از سازمان‌های کارگری با مشی رسمی کنگره ملی آفریقا و کارزارهایی که این سازمان‌ها به راه انداخته‌اند، می‌گوید: «با همه این احوال، نقش مستقل سازمان‌های طبقه کارگر، مثل کنگره سندیکاهای آفریقای جنوبی و حزب کمونیست آفریقای جنوبی، در روند انقلابی کشور، نقشی حیاتی است.» حزب کمونیست خط مشی درازمدت «راه آفریقای جنوبی به سوی سوسیالیسم» را دنبال می‌کند که در برنامه این حزب آمده است.
نزیمانده می‌گوید: «تلاش ما این است که رهبری طبقه کارگر را در محیط‌های کار، در جوامع گوناگون کشور، در اقتصاد، در برخورد آرا و اندیشه‌ها، در دولت، و در سطح بین‌المللی برقرار کنیم و گسترش دهیم.» نزیمانده از چشم امیدی که به کنگره ملی آفریقا و آفریقای جنوبی به عنوان پیشگام نیروهای چپ و ترقی‌خواه در قاره آفریقا دوخته شده است، آگاه است. او می‌گوید: «ما فعالانه از پیکاری که در سوآزیلند برای دموکراسی در جریان است حمایت می‌کنیم؛» و در عین حال بر اهمیت تداوم پیشرفت‌های اخیر در زیمبابوه نیز تأکید ویژه دارد.
میلیون‌ها کارگر مهاجر در جستجوی کار از زیمبابوه به آفریقای جنوبی کوچ کرده‌اند، چرا که کارفرماهای بی‌وجدان زیمبابوه موجب تنش و تفرقه در میان نیروی کار شده‌اند. «ما همراه با سندیکاها برای وحدت طبقه کارگر پیکار می‌کنیم و تلاش داریم نظارت دولت بر شرایط استخدام و کار را بهبود بخشیم. اما در نهایت، راه حل مسئله در حراره (پایتخت زیمبابوه) است که دولت ائتلافی باید به دموکراتیزه کردن کشور و بهبود اقتصادی ادامه دهد.»
رهبر حزب کمونیست آفریقای جنوبی مرحله کنونی تحول و توسعه کشور را یک مبارزه طبقاتی حادّ بر سر سمتگیری جامعه می‌بیند.
او می‌گوید: «بزرگ ترین تهدید در حال حاضر از سوی به اصطلاح لیبرال‌هاست که لبه تیز حمله را متوجه کنگره ملی آفریقا کرده‌اند و مخالف مالکیت دولتی و دخالت دولت در امور کشور هستند... برقراری یک دموکراسی بنیادی و ملی سرراست‌ترین راه به سوی سوسیالیسم در کشور ماست.»



به نقل از نامه مردم شماره ۸۵۷

اجلاس جهانی حزب های کمونیست: آینده به سوسیالیسم تعلق دارد



دوازدهمین اجلاس حزب های برادر در آغاز دوره ای برگزار می شود که مبارزان سندیکائی کشور بیست و پنجمین سالگرد پایه گذاری کنفدراسیون اتحادیه های کارگری- "کوساتو" - را جشن می گیرند و آفریقای جنوبی میزبان هفدهمین فستیوال جهانی جوانان و دانشجویان است که ده ها هزار جوان مترقی از هر پنج قاره جهان در آن شرکت دارند.

نماینده های حزب های کمونیستی و کارگری از پنج قاره جهان، به منظور بحث و بررسی در باره بحران جهانی سرمایه داری و یورش دولت های سرمایه داری به زحمتکشان، در روزهای ۱۲ تا ١٤ آذرماه (۳ تا ٥ دسامبر)، در آفریقای جنوبی، گردهم آمدند، و دوازدهمین اجلاس بین المللی سالانه خود را برگزار کردند. اجلاس کمونیست های جهان در روز جمعه ۱۲ آذر ماه با پیام های همبستگی کنگره اتحادیه های کارگری آفریقای جنوبی، فدراسیون جهانی جوانان دموکرات، و سخنرانی رفیق بلید نزیمنده، دبیرکل حزب برادر، آغاز شد.

دوازدهمین اجلاس حزب های برادر در آغاز دوره ای برگزار می شود که مبارزان سندیکائی کشور بیست و پنجمین سالگرد پایه گذاری کنفدراسیون اتحادیه های کارگری- "کوساتو" - را جشن می گیرند و آفریقای جنوبی میزبان هفدهمین فستیوال جهانی جوانان و دانشجویان است که ده ها هزار جوان مترقی از هر پنج قاره جهان در آن شرکت دارند. هیئت های نمایندگی شرکت کننده در دوازدهمین گردهمایی بین المللی حزب های کمونیستی و کارگری (IMCWP)، همچنین دربردارنده هیئت نمایندگی یی از فدراسیون جهانی اتحادیه های کارگری (WFTU) بود، که در مراسم افتتاحیه پیامی مبنی بر حمایت و در جریان اجلاس یک سخنرانی یی تحلیلی ایراد کرد.

پرزیدنت ژاکوب زوما، رئیس جمهوری آفریقای جنوبی، یکی از اولین سخنرانانی بود که به نماینده های دوازدهمین گردهمایی بین المللی حزب های کمونیستی و کارگری (IMCWP)، اولین کنفرانسی که در آفریقا برگزار شد، خوش آمد گفت و در جریان بحث های آن در بعداز ظهر اولین روز اجلاس در آن سخنرانی کرد. در این گردهمایی سه روزه در کشوری که حزب کمونیست بخشی کلیدی از دولت در ائتلاف سه جانبه با کنگرهٔ ملی افریقا و کنفدراسیون اتحادیه های کارگری- "کوساتو" - را تشکیل می دهد، پرزیدنت زوما ادامه اتحاد را خواستار شد. رئیس جمهوری قدرتمندترین کشور آفریقا در سخنرانی خود گفت: "اتحاد باید ائتلاف و نیروهای مترقی در نقاط مختلف جهان را در اجراء موفق یک دستور کار مترقی بهم بپیوندد."

او در سخنرانی مهم خود اظهار داشت: "من حامل درودهای انقلابی کنگره ملی آفریقا برای نشست شما هستم.

این افتخارعظیمی برای من است که به شما به مناسبت این دیدار مهم بین المللی حزب های کمونیست - کارگری که برای اولین بار در آفریقای جنوبی برگزار می شود، خوش آمد بگویم. این اجلاس و نشست ارثیه با اهمیت برای مبارزات انترناسیونالیستی مردم و زحمتکشان در سراسر جهان است.

این امر را در گذشته کمونیست های برجسته اذعان کرده اند.

موسی کوتانه، که در مقام دبیر کل و رهبر هیئت نمایندگی آفریقای جنوبی در نشست بین المللی حزب های کمونیست و کارگری ، در مسکو، سخن می گفت، به عنوان بخشی از سخنان پایانی خود، در میان چیزهای دیگر، گفت : "ماهیت مبارزه ما به انقلابیون ما، کمونیست و غیر کمونیست، به طور یکسان درس های اساسی انترناسیونالیسم را آموخته است. ما بر پایه تجربه عملی به خوبی می دانیم که مبارزه ما ضد امپریالیسم با مبارزه یی که برادران ما با همان دشمن در هر کشور دیگر جهان درگیرند ، یکی است."

این تز، همبستگی بین المللی را با مبارزه برای الغای آپارتاید و نژادپرستی در کشور ما پیوند و ارتباط می دهد. به همین دلیل است که به مهمانان بین المللی مان خوش آمد می گوئیم، چرا که حضور شما تایید کننده ماهیت انترناسیونالیستی و ضد امپریالیستی جنبش ما است.

این اجلاس بار دیگر پیوند های رفیقانه و همبستگی را بین "کنگره ملی آفریقا" و جنبش های کارگری و حزب های کمونیست در سطح بین المللی مورد تاکید قرار می دهد.

"کنگره ملی آفریقا" با اینکه یک سازمان مرکب از طبقات گوناگون است، همواره اساس و بنیاد آن در طبقه کارگر بوده است. بسیاری از اعضاء و رهبران ما از طبقه کارگر آمده اند، و این در حالی است که بسیاری از افراد متعلق به طبقه کارگر، "کنگره ملی آفریقا" را به عنوان حزب خود و خانه سیاسی خود انتخاب می کنند."

رئیس جمهور رادیکال آفریقای جنوبی که روابط نزدیکی با حزب کمونیست پرقدرت این کشور دارد، در ادامه در توضیح سیاست خارجی کشورش اظهار داشت: "آفریقای جنوبی حضوری قدرتمند در بسیاری از سازمان های چند جانبه و تصمیم گیرنده بین المللی دارد. این حضور، فروتنانه باید گفت که، به نظر ما، تائیدی است بر درستی سیاست خارجی مترقی مستقل، صلح جویانه و مبتنی برهمبستگی یی که از سوی ائتلاف به رهبری "کنگره ملی آفریقای جنوبی" به تصویب رسید، و در تمامی زندگی تقریباً ۹۰ ساله "کنگره ملی آفریقا" دنبال شد. اجرای این سیاست خارجی پس از آن ما را در مقابله مان با چالش بی عدالتی ها، نابرابری و فقر در جهان یاری داده است. من مطمئنم که در هنگام برخورد با مسائل اقتصاد سیاسی بین المللی، شما در مورد نیاز مبرم به اصلاح سیستم مالی و اقتصادی بین المللی موشکافانه بحث خواهید کرد. بسیاری از موسسه هایی که اقتصاد جهانی را در کنترل دارند در طول دوره های زمانی ای توسعه و تکامل یافتند که بسیاری از کشورها هنوز در اسارت بودند و نمی توانستند در تصمیم گیری در باره ساختار های جهان شرکت کنند."

قبل از سخنان رئیس جمهوری، رفیق بلید نزیمانده، دبیر کل حزب کمونیست افریقای جنوبی، نطق افتتاحیه همه جانبه ای ایراد کرد و اجلاس را به عنوان یک "گردهمایی نیروهای چپ ضد امپریالیست، ضد سرمایه داری، هوادار صلح و دمکراسی" و "برای همبستگی با خلق های زحمتکش جهان" مورد بررسی قرار داد. او در رابطه با خیز جدید کشورهای سرمایه داری و قدرتمند برای دستیابی به منابع آفریقا هشدار داد و گفت این: " تقریباً یاد آور رشد استعمار اروپائی قارهٔ آفریقا در قرن نوزدهم است. این تقلائی برای استثمارهرچه بیشتر منابع طبیعی آفریقا، بدون ارائه هیچ گونه ابتکاری برای توسعهٔ محلی آفریقا است. طبق معمول، اکنون این روند، با اعمال قدرت نظامی امریکا همراه است، که در حال ایجاد نیروی نظامی جدیدی در آفریقا است." رفیق نزیمانده که وزیر آموزش عالی در دولت آفریقای جنوبی است، با تصدیق چالش های زیادی که آفریقای جنوبی بعد از دهه ها حکومت اقلیت استعمارگر، هنوز با آن ها درگیر است، گفت: " بحران جهانی سرمایه داری در زندگی کارگران و بینوایان در تمام دنیا، که شامل اینجا، افریقای جنوبی، نیز می شود، نابسامانی و ویرانی به وجود می آورد."

رهبر برجسته حزب کمونیست آفریقای جنوبی در رابطه با مسئولیت ویژه کمونیست های آفریقای جنوبی در شرایط کنونی اظهار داشت: "در حین اتخاذ و اجرای تدابیر دفاعی برای تخفیف اثرات این بحران تا آنجائی که مقدور است، ما همچنین از بحران برای پیاده کردن جسورانه تدابیر دگرگون ساز که اقتصاد و کشور ما را در یک مسیر کارگری و مولد رشد قرار می دهد، باید استفاده بکنیم." او سخنرانی افتتاحیه اجلاس حزب های کمونیست - کارگری جهان را با شعار محوری حزب کمونیست آفریقای جنوبی: " سوسیالیسم، آینده است - ساختمان آن را از همین حالا آغاز کن!" به پایان رساند. در طول اجلاس، نماینده های حزب های برادر ، با ایراد سخنرانی های جامع، تحلیل ها و نقطه نظرهای خود در رابطه با بحران کنونی و در چارچوب مضمون محوری اجلاس: "بحران نظام مند تعمیق یابنده سرمایه داری. وظیفه کمونیست ها در دفاع از حق حاکمیت، ژرفش اتحاد های اجتماعی، تقویت جبهه ضدامپریالیستی در مبارزه برای صلح، پیشرفت و سوسیالیسم"، جنبه های متنوع مبارزه کمونیست ها در جهان را تصویر کردند. به ابتکار حزب میزبان، هیئت های نمایندگی در طول جریان اجلاس در فعالیت های ابتکاری شرکت کردند. از جمله شرکت در جشن های به مناسبت بیست و پنجمین سالگرد پایه گذاری "کوساتو"- اتحادیه های کارگری آفریقای جنوبی- متحد حزب کمونیست و یکی از سه رکن استراتژیک مبارزه برای پیشرفت در این کشور . بیست و پنجمین سالگرد کوساتو، که همراه با جشنی یک روزه برگزار شد، رویداد مهٌمی در تقویم مبارزاتی طبقه کارگرافریقای جنوبی است که در جریان آن مفاهیم سیاسی رابطه اتحادیه های کارگری با ائتلاف مداوم با کنگرهٔ ملٌی آفریقا و حزب کمونیست آفریقای جنوبی مورد تاکید قرار گرفت. هیئت نمایندگان حاضر در دوازدهمین نشست حزب های کمونیست جهان در این جشن شرکت کرد. در جریان اجلاس سه روزه دوازدهمین گردهمایی بین المللی حزب های کمونیست و کارگری، همچنین جلسه همبستگی با شکوهی در حمایت از آزادی فوری پنج کوبائی زندانی در آمریکا برگزار شد. این پویش (کمپین) برای نشان دادن حمایت تمام شرکت کنندگان در دوازدهمین گردهمایی، که بیانیه ویژه یی در حمایت از آزادی فوری پنج زندانی انقلابی و میهن پرست کوبائی، حمایت از انقلاب کوبا و مردم کوبا را امضاء کرده بودند، برگزار شد.

در آخرین نشست اجلاس در روز ١٤ آذرماه، بیانیه همه جانبه و مفصل حزب های کمونیست جهان، با عنوان: "بیانیه تشوان" در رابطه با ضرورت مبارزه برای دموکراسی، اهمیت مبارزه و مقاومت طبقه کارگر و نیروهای مردمی، تعمیق اتحاد های اجتماعی، و نقش کمونیست ها در تقویت جبهه ضدامپریالیستی برای صلح، حفظ و پایداری محیط زیست، پیشرفت و سوسیالیسم، پس از بحث و موشکافی به تصویب رسید. متن کامل این بیانیه مهم و گزیده سخنرانی های ایراد شده در اجلاس به تدریج در شماره های آینده " نامه مردم" منتشر خواهد شد.

به نقل از نامه مردم شماره ۸۵۸، ۲۹ آذرماه ۱۳۸۹

سومین کنگره حزب چپ اروپا، و تصمیمات مهم آن



نماینده کمیته مرکزی حزب ما نیزبه دعوت لوتار بیسکی، رهبر حزب چپ اروپا، دراین کنگره شرکت کرد.

سومین کنگره حزب چپ اروپا با شرکت ۲۵۰ نماینده و ناظر از بیست و چهارکشورو سی وهشت حزب (کمونیست ،سوسیالیست واکولوژیست) از ۱۲ تا ۱۴ آذر ماه (۳ تا ۵ دسامبر) در پاریس بر گزار شد .نماینده کمیته مرکزی حزب ما نیزبه دعوت لوتار بیسکی، رهبر حزب چپ اروپا، دراین کنگره شرکت کرد.
کنگره می بایست پس ازبحث وبررسی، یک ''برنامه عمل جهت یک اروپای اجتماعی'' برای سال های ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۳ را تصویب کند. برنامه پیشنهادی قبل ازتشکیل کنگره در اختیارشرکت کنندگان قرار گرفته بود که پس از بحث و بررسی مفصل از سوی نمایندگان کنگره به تصویب رسید . برنامه با این عبارت شروع می شود: ''سومین کنگره حزب چپ اروپا زمانی برگزارمی شود که ملت های اروپا به فشارها ، قبول محرومیت و فداکاری های غیر قابل تحمل روز افزونی باید تمکین کنند. درواقع در اکثریت عظیمی ازکشورهای اروپائی برنامه های کاهش مخارج عمومی ، برنامه های ما فوق ریاضت کشی ، لیبرالی کردن خدمات عمومی و بازارکار با قدرت در حال اجرا است. برای عمومی کردن چنین سیاست هائی، کشورها را، با مشارکت و همراهی کامل دولت هایشان، به زیر قیمومیت کمیسیون اروپا، بانک مرکزی اروپا و سایرنهاد هایی مانند صندوق بین المللی پول، درمی آورند، و آن ها این سیاست هارا به در شکل یک پاسخ لازم و قطعی به بحران اقتصادی ومالی و یک راه چاره، عرضه می دارند. ولی در واقع چنین سیاستی چیزی نیست جزسیاست کاملاً قدرتمند بازار و سرمایه های بزرگ. واین سرمایه داری مالی وجهانی شده کنونی است که در همه جا و درهمه قلمرو ها از جمله محیط زیست، انرژی، تغذیه، فرهنگ و ارزش های اخلاقی، گسترش می یابد. ...''برنامه در ادامه می افزاید:'' بحران کنونی مالی بدهی و وام، نمایانگرمرحله جدیدی ازاین بحران است و ریشه درتحولات اقتصادی و اجتماعی سی سال گذشته دارد. متبلور شدن کلیه عوامل بحران، اکنون بیش از پیش زندگی روزانه خلق هارا به تباهی می کشاند.''و در جای دیگر این برنامه می آید: ''ما، احزاب چپ اروپائی، همراه با سایر احزاب و سازمان های سوسیالیست، کمونیست و'' سرخ – سبز ''که در کلیت خود چپ اروپائی را تشکیل می دهند، با چنین سیاست ها وبا چنین ساختارهای نولیبرا لی که از سوی اتحادیه اروپا و از خلال قرارداد هایی پیاپی تا قرار داد لیسبون اجرا می گردد، مخالفیم . مسئولیت چنین سیاستی برعهده ائتلاف بزرگی متشکل از احزاب محافظه کار، لیبرال و سوسیال–دموکرات است که سال ها، اروپا و کشور های اروپائی را رهبری می کنند. ما می خواهیم یک جایگزین سیاسی برای این مد ل نو لیبرالی ایجاد کنیم. دربرابراین دور تازه ریاضت کشی، مقاومت تازه ای در سراسر اروپا گسترش می یابد. تشویق وپشتیبانی از این مقاومت ونشان دادن امکان یک جایگزین و ایجاد جنبشی در جهت قبول چنین جانشینی، برای حزب چپ اروپا صحنه وسیع یک مبارزه است .''
برنامه همچنین سایر مسائل روز را مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرارداد ودرباره مسائل اقتصادی و مالی پیشنهاد های مشخصی را ارائه کرد:
❋ دگرگون کردن دستور کار و وظیفه بانک مرکزی اروپا. این دگرگونی باید از طریق ایجاد یک سیاست پولی مبتنی براساس یک شیوه اجتماعی موثر، دادن اعتبارات با بهره ها ی بسیارپائین به دولت های عضو جهت هزینه کردن در قلمرو توسعه های اجتماعی؛
❋ اخذ مالیات از کلیه معاملات سفته بازانه. تمام موسسات اتحادیه اروپا و کشورهای عضو باید در جهت تغییرساختار بازار مالی در مقیاس جهانی اقدام کنند؛
❋ درآمد های عمومی تازه می تواند با اخذ مالیات های جدید از درآمد های مالی بزرگ و از طریق یک رفرم مالیاتی جدید با توجه به عدالت اجتماعی حاصل گردد و این امربه یک اقتصاد واقعی کمک خواهد کرد. بازار های داخلی باید از طریق سیاست های سازنده بنیادین و افزایش در آمد های همگانی از نو جان بگیرند؛
❋ الغای ''بهشت های مالیاتی'' برای صندوق های سفته بازی درداخل و خارج سرزمین های اروپائی.
ازجمله مسائلی که ''برنامه'' به آن پرداخت موضوع '' فقر در اروپا'' بود. در این بخش گفته می شود که در اروپا هشتاد میلیون نفر زیر خط فقر زندگی می کنند و اینکه رشد وسیع بیکاری، عامل اساسی این فقر است. همچنین تعداد

روزافزون کسانی که دارای شغل های موقت و دستمزدهای پائین اند، با آنکه کار می کنند، فقیرند. دانستن اینکه در حاصلخیزترین منطقه دنیا، در بیست و هفت کشورعضو اتحادیه اروپا، از هرپنج کودک یک کودک فقرزده است نشان ورشکستگی کامل سیستم سیاسی حاکم کنونی است . حزب چپ اروپا با فقر همچون یک معضل سیاسی و اجتماعی برخورد می کند.

نمایندگان کنگره حزب چپ اروپا قطعنامه سیاسی مهمی را به تصویب رساندند و آن ابتکاری است برای رویاروئی و مبارزه با نقشه " ما فوق ریاضت "و گسترش آن از سوی دولت های اروپایی، به صورت یک تعرض گسترده دراین زمینه، با نام "ابتکار شهروندان" که "جمع آوری یک میلیون امضا، خطاب به کمیسیون اروپائی"را در دستور کارخود قرارداده است. این جمع آوری امضا در اروپا، که در ماه های آینده از سوی حزب چپ اروپا باید عملی شود، سبب پیدایش و راه اندازی یک بحث وسییع توده ای با هدف ایجاد" صندوق اجتماعی توسعه اروپائی" و به منظور تامین مالی مخارج عمومی اجتماعی و ایجاد زیربنا های سودمند خواهد بود. چنین صندوقی از راه اخذ مالیات بر جا به جائی سرمایه و نیز تغییر جهت عملکرد بانک مرکزی اروپا اثر خواهد گذاشت.

حضور نمایندگان احزاب چپ ازآفریقا و آمریکای لاتین درکنگره جنبه ای مثبت و چشمگیر در بر داشت. طی سه روزبسیاری ازاین نمایندگان در بحث ها شرکت کردند و به ویژه در باره اوضاع کشورهای خود و مبارزات مردم در رابطه با پلاتفرم های مبارزاتی چپ، صلح طلب و مترقی مطالب جالبی بیان داشتند. کنگره در روز سوم به جمع بندی مباحث و مصوبات و نیز انتخاب رهبری آینده پرداخت . "لوتار بیسکی"، رهبر"حزب چپ" آلمان، که تا کنون رهبری حزب چپ اروپا را به عهده داشت، با تمام شدن دوره مسئولیتش، قبل از تشکیل کنگره کناره گیری خود را اعلام کرده بود. در انتخابات جدید که با ورقه انجام گرفت، " پیر لوران"، رهبر و دبیر ملی حزب کمونیست فرانسه، با اکثریت آرا برای مدت سه سال آینده به سمت رهبر حزب چپ اروپا انتخاب شد. کنگره همچنین چهار معاون رهبر و یک خزانه دار را انتخاب کرد. در دوره قبل تنها یک معاون وجود داشت . پیام کمیته مرکزی حزب توده ایران خطاب به کنگره حزب چپ اروپا از سوی نماینده حزب به هیات رئیسه کنگره تسلیم شد. در این پیام که در بر دارنده تبریک به مناسبت تشکیل کنگره چپ اروپا و همچنین تحلیلی در رابطه با تحولات دو سال اخیر میهن مان، و مبارزه توده ها بر ضد رژِیم سرکوبگر حاکم است ، از جمله گفته می شود:

"ما برای کنگره شما در تبیین برنامه اقدام برای توسعه مبارزه زحمتکشان اروپا بر ضد سیاست های نولیبرالی حاکم بر حیات سیاسی و اقتصادی اتحادیه اروپا، و برای صلح، رفاه و پیشرفت آرزوی موفقیت داریم ... حزب توده ایران به نقش مهمی که "حزب چپ اروپا"در مخالفت با گرایش های نظامی گرایانه و طرفدارنو لیبرالیسم در درون اتحادیه اروپا ایفا می کند، ارج می نهد و علاقه مند به توسعه روابط دو جانبه خود با حزب چپ اروپا است... ما برای ابراز قدردانی خود از نقشی که بسیاری از حزب های تشکیل دهنده "حزب چپ اروپا"در کارزار بین المللی همبستگی با مردم ایران که در جریان مبارزه قهرمانانه اما پیچیده شان در راه صلح ، دموکراسی و عدالت اجتماعی در ایران ایفا کرده اند، می خواهیم از این فرصت استفاده کنیم. ما به مبارزه همه نیروهائی که در اروپا و در سطح جهان در مقابل دشواری ها و شوربختی هائی که سرمایه داری ایجاد کرده است، استدلال می کنند که "جهانی دیگر" امکان پذیر است، درود می فرستیم. ما به مبارزه مردم و زحمتکشان اروپا برای آینده ای ترقی خواهانه، صلح آمیز و عادلانه که با موفقیت های بیشتری همراه خواهد بود اطمینان داریم ... ما اعتقاد داریم که با وجود شرایط دشوار کنونی، نیروهای مترقی در سطح بین المللی و اروپا موفق خواهند شد تا نیروهای طرفدار جنگ، استثمار و بهره کشی را شکست دهند و پرچم مبارزه برای صلح جهانی و پیشرفت اجتماعی را به پیش رانند. ما به آوای میلیون ها نفر در سراسر جهان که فریاد می زنند: "دنیای دیگری ممکن است" اعتقاد داریم. این، به باور ما، همان جهان صلح و سوسیالیسم است."

نماینده کمیته مرکزی حزب توده ایران، همچنین در فواصل بین جلسه ها با رهبران بر جسته حزب چپ اروپا و نیز بسیاری از نمایندگان از جمله با هیات های نمایندگی آمریکای لاتین، ترکیه، مولداوی، بلاروس، مجارستان، به تبادل نظر پرداخت و ضمن توضیح اوضاع ایران، در جواب به پرسش های آنان، تحلیل های حزب را در باره جنبه های مختلف تحولات سال های اخیر کشورمان بیان داشت و در مقابل از نظریات آنان در باره چگونگی مبارزات نیروهای مردمی در این کشورها مطلع شد.

به نقل از نامه مردم شماره ۸۵۸، ۲۹ آذرماه ۱۳۸۹



بدرود رفیق علی

رفیق علی ابوذر دانشیان، عضو کمیتهٔ مرکزی حزب تودهٔ ایران، متولد ۱۱ اردیبهشت ۱۳۳۱، در روز ۲۰ آذرماه ۱۳۸۹، در اواسط گردهمائی ۶۵مین سالگرد بزرگداشت جنبش ۲۱ آذر در باکو، دچار حمله قلبی شده و در میانهٔ راه سکتهٔ شدید قلبی او را از پای می اندازد و علیرغم تلاش پزشکان، زندگی طوفانی او به پایان می رسد.

خبر برای همه غیرمنتظره بود. رفیق علی درگذشت. رفیق علی ابوذر دانشیان، عضو کمیتهٔ مرکزی حزب تودهٔ ایران، متولد ۱۱ اردیبهشت ۱۳۳۱، در روز ۲۰ آذرماه ۱۳۸۹، در اواسط گردهمائی ۶۵مین سالگرد بزرگداشت جنبش ۲۱ آذر در باکو، دچار حمله قلبی شده و در میانهٔ راه سکتهٔ شدید قلبی او را از پای می اندازد و علیرغم تلاش پزشکان، زندگی طوفانی او به پایان می رسد. رفیق علی در یک خانوادهٔ مبارز توده ای زاده شد. او از دوران کودکی و نوجوانی به یاد می آورد که منزل پدری او محل ملاقات رفقای توده ای عضو تشکیلات مخفی حزب تودهٔ ایران بود. پدربزرگش از شرکت کنندگان جنبشهای خلقی ایران و پدرش از اعضای برجستهٔ حزب بود. در دههٔ ۱۳۴۰، پدرش، سلیمان دانشیان، متهم ردیف سوم بیدادگاهی بود که متهمان اول و دوم آن رفیق شهید حکمت جو و رفیق علی خاوری بودند. همراه مادر و خانواده سال های سال نظاره گر پدر در میان میله های زندان بود. سرانجام راه پدر را برگزید و به عضویت حزب توده ها درآمد، و بدین ترتیب ادامه دهندهٔ راه طوفانی پدر و پدر بزرگ خود شد. رفیق علی بعد از یورش گزمگان جمهوری اسلامی به حزب توده ایران، ناچار به ترک وطن شد، و تا آخرین لحظات زندگی در مبارزه سیاسی فعالانه شرکت داشت. وی در محل سکونت خود، باکو، همچنین همکاری موثر و تنگا تنگی با فرقه دموکرات آذربایجان داشت. رفیق علی در کنفرانس ۱۰ فرقه دموکرات آذربایجان به عضویت کمیته مرکزی و هیئت اجرایی فرقه انتخاب شد.

رفیق علی همواره با اعتقادات راسخ خود زندگی می کرد. دوستان و مخالفان رفیق علی در یک نکته هم عقیده هستند: رفیق علی در راه آن چیزی که به آن اعتقاد داشت، بدون هیچ تزلزلی و تا به آخر و حتی یک تنه تلاش و مبارزه می کرد.

... و سرانجام نیز همانطور که آرزو می کرد ، نه در بستر، که ایستاده به استقبال مرگ رفت.

حزب تودهٔ ایران درگذشت ناگهانی رفیق علی را به خانوادهٔ گرامی و همسر فداکار و سه فرزندش و نیز همهٔ رفقا و دوستانش تسلیت می گوید. یادش گرامی باد.

دبیرخانه حزب توده ایران
۲۵ آذر ۱۳۸۹

به نقل از نامه مردم شماره ۸۵۸، ۲۹ آذرماه ۱۳۸۹

بیانیه کانون نویسندگان ایران

به مناسبت دوازدهمین سالگرد قتل محمد مختاری و محمدجعفر پوینده

آن شب که شهر را از تابوت بیرون کشیدند
گودال دسته‌جمعی ما را ستاره‌ها نشان کردند

مردم آزاده!

دوازدهمین سالگرد قتل تبهکارانه‌ی زنده‌یادانِ عرصه‌ی اندیشه و بیان، محمد مختاری و محمدجعفر پوینده، فرا می‌رسد اما نه‌تنها هنوز آمران و عاملان واقعی این جنایات هولناک را معرفی نکرده‌اند بلکه کماکان سکوت تنها پاسخ به خانواده‌های قربانیان و مردم ایران است.
اکنون همگان می‌دانند که قتل‌های سیاسی سال ۷۷ موسوم به قتل‌های زنجیره‌ئی جریانی برای حذف فیزیکی دگراندیشان و آزادی‌خواهان بود. این جنایت با قتل ددمنشانه‌ی فعالان سیاسی داریوش فروهر و پروانه اسکندری آغاز شد و با ربودن و خفه کردن دو یار سربلندِ کانون نویسندگان ایران، محمد مختاری و محمدجعفر پوینده، به اوج رسید و برای جانیان آدمکش چیزی جز نفرت و خشم مردم ایران و جهانیان در پی نداشت.

چنان‌که از آغاز انتظار می‌رفت این قتل‌ها سراسر ایران را به لرزه درآورد، پرده از بسیاری از مرگ‌های مشکوک دیگر برگرفت، روزنامه‌نگاران و نویسندگان و مورخان و فعالان اجتماعی و سیاسی را به بازنگری در تاریخ قتل‌ها و سرکوب‌های دو دهه‌ی پیش از آن واداشت، و دانش‌جویان و فرهیختگان را به دادخواهی طلبید. هنگامی که پرده اندکی کنار رفت آشکار شد که عاملان خون‌آشام در گذشته‌ی نه‌چندان دور از ریختن خون ده‌ها آزادی‌خواه دیگر هم‌چون زنده‌یادان احمد میرعلایی، غفار حسینی، حمید حاجی‌زاده، پیروز دوانی، مجید شریف و . . . هراسی به دل راه نداده بودند.

اما طی سال‌هایی که از این جنایت می‌گذرد نه‌تنها ابتدایی‌ترین خواسته‌های انسانی نادیده گرفته شد، بلکه با سرکوب و دستگیری و حبس و سانسور فضایی سربی بر جامعه حاکم کردند و گوی سبقت را از خودکامگان قرون‌وسطایی ربودند. اکنون اعمال زور و سرکوب شیوه‌ی رایج در چهارگوشه‌ی کشور است. یورش به خانه‌ها، دستگیری‌های گسترده، دادگاه‌های عدالت‌ستیز و محکومیت‌های طولانی ابعادی وسیع می‌یابد. بسیاری از منتقدان اجتماعی بدون ارایه‌ی کوچک‌ترین مدرکی در زندان‌ها به سر می‌برند و کار به جایی رسیده است که وکلای مدافع حقوق زندانیان سیاسی نیز دستگیر و زندانی می‌شوند.

ولی افزون بر آن‌چه گذشت، پدیده‌ی قتل‌های زنجیره‌ئی حدیث دیگری نیز دارد که از لزوم عزم و اراده‌ی نیرومندترِ آزادی‌خواهان برای ریشه‌کنی آن حکایت می‌کند. در آغازْ تصور می‌شد طنابی که سرکوب‌گران آدمکش به گردن مختاری و پوینده انداختند به دست و پای خودشان پیچیده است و چندی نمی‌گذرد که آمران و عاملان این قتل‌ها به سزای عمل ننگین خود می‌رسند. چنین نشد.

از یک سو، سعید امامی را از میان بردند، و با صدور قرار موقوفیِ تعقیب و بدین‌سان حذف همه‌ی اقاریر او از پرونده، رابطه‌یِ بالا و پایین در آمریت و اجرای این قتل‌ها یک‌سره گسسته شد. سپس پرونده را از طول و عرض و ارتفاع مثله کردند و سرانجام مشتی عوامل اجراییِ خرده‌پا را به محاکمه‌ای کشیدند که جریان دادرسی آن مَاهرانه از پیش تعیین شده بود. و سرانجام ناصر زرافشان، یکی از وکلای خانواده‌های قربانیان، محاکمه و به «جرم» دفاع از موکلان خود به پنج سال زندان محکوم شد.

اما، از سوی دیگر– و این همان حدیثی است که باید بازگفته شود و مورد تأکید قرار گیرد– در فضای فروکش سریع اعتراض و التهاب مردم و بر بستر جبن و ناتوانیِ به‌اَصطلاح اصلاح‌طلبانی که نخست برای جراحی اینَ «غده‌ی سرطانی» عزم جزم کرده بودند اما در نهایت عقب نشستند، آمران و عاملان قتل‌های زنجیره‌ئی طنابی را که موقتاً به دست و پایشان پیچیده بود باز کردند و دست‌به‌کار تدارک توطئه‌های تازه بر ضد آزادی‌خواهان شدند، که کشتار سال گذشته‌ی جوانان در کهریزک از آن جمله است.

راه افتادن چندباره‌ی ماشین قتل‌های زنجیره‌ئی و تکرار چرخه‌ی کشتار آزادی‌خواهان این حقیقت را یادآوری می‌کند که بهای آزادی در اینِ سرزمین هم‌چنان سنگین است و زدودن ننگ آزادی‌کُشی از جامعه‌ی ما عزم و اراده‌ی به‌مراتب نیرومندترِ مردم آزادی‌خواه را می‌طلبد.
کانون نویسندگان ایران، ضمن گرامی‌داشت یاد محمد مختاری و محمدجعفر پوینده و اعتراض به محرومیت خود از برگزاری مراسم بزرگ‌داشت برای این دو عزیز، هم‌چون گذشته خواهان معرفی و محاکمه‌ی آمران و عاملان قتل‌های زنجیره‌ئی، آزادی همه‌ی زندانیان سیاسی، و حذف سانسور از تمامی زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی و تأمین آزادی اندیشه و بیان برای همگان است

کانون نویسندگان ایران
۱۱آذر ۱۳۸۹





اطلاعیه کانون نویسندگان ایران
درباره بازداشت رییس‌دانا

مردم آزاده!

دکتر فریبرز رییس‌دانا، اقتصاددان، نویسنده، مترجم و عضو هیئت دبیران کانون نویسندگان ایران نیمه‌شب ۲۷ آذر با یورش مأموران لباس‌شخصی به منزلش دستگیر شده است.

در کشوری که به‌تازگی «نماینده«اش در کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل اعلام کرده است ایران آزادترین کشور جهان است، اقتصاددانی را ظاهراً به اتهام اظهارنظر درباره‌ی «طرح تعدیل اقتصادی و حذف یارانه‌ها» کمتر از دو ساعت پس از مصاحبه بازداشت می‌کنند، تنی چند از روزنامه‌نگاران را از محل کار خود می‌ربایند، وکیلی را به اتهام دفاع از متهمان سیاسی به بند می‌کشند و مرگ تدریجی او از گرسنگی را با بی‌اعتنایی نظاره می‌کنند، کارگری را که جرمی جز دفاع از حقوق صنفی و سندیکایی ندارد ماه‌ها در زندان نگاه می‌دارند و . . .

کانون نویسندگان ایران، که به حکم منشور خود آزادی بیان را حق بی‌چون‌وچرای هر شهروند ایرانی، بی هیچ حصر و استثنا، می‌داند خواهان آزادی بی قید و شرط فریبرز رییس‌دانا و همه‌ی زندانیان سیاسی و عقیدتی دیگر است.

کانون نویسندگان ایران
۳۰ آذر ۱۳۸۹

سەروتار

ماوەی چەند ساڵێکە لە کوردستان، لە ژێر چەتری نگریسی هێزە ئەمنیەتییەکانی رژێمدا تاقمێکی کۆنەپەرەست و مەترسیدار بە ناوی «ئەنسار ئیسلام» خەریکی فەعالیەتی سیاسی و مەزهەبییە و رۆژ لە دوای رۆژ پەرەی بە چالاکییەکانی خۆی داوە.
بە گوێرەی ئەو زانیارییانەی کە لە بەردەست دایە، ئەم تاقمە تێرۆریستیە کە لە هەر رووەوە هاوشێوەی تالیبانی ئەفغانستان و جوندوڵلای بەلوچستانە، بە پشت بەستن بە یارمەتی هێزە ئەمنییەتییەکانی رژێم و حیمایەتی هەندێک لە رژێمە کۆنەپەرەستەکانی ناوچەکە، توانیویەتی کونترۆڵی دەیان مزگەوتی شار و گوندەکانی کوردستان بگرێتە دەست و بیانکات بە بڵەندگۆی تەبلیغاتی خۆی.
هەروەها تا ئێستا دەیان شانە (هەستە)ی چەکداری نهێنی لە شوێنە جیاجیاکانی کوردستان پێکهێناوە و بۆ ئەنجامدانی هەر چەشنە کردەوەیەکی تیرۆریستی ئامادەی کردوون.
هەڵبەت ئەمە راستە کە کۆماری ئیسلامی بە پێڕەو کردن و بەڕێوەبردنی هەڵاواردانی مەزهەبی دژ بە ئەهلی سوننەتی ئێران و باقی کەمایەتییە ئایینی و مەزهەبییەکان زەمینەی گەشە کردنی تاقمی ئەنسار ئیسلامی خۆش کردووە و بە ئاشکرا و بە نهێنی یارمەتی دەدات. بەڵام بێگومان بێدەنگی و بێخەبەری حزب و لایەنە سیاسییە پێشکەوتنخوازەکانی ئێران بە گشتی و کوردستان بە تایبەتی لە چالاکییەکانی ئەم تاقمە ئەوەندەی تر بۆتە هۆی تەشەنە کردنی فیکریەتی «سەلەفی گەری» لە کوردستان و پەرەسەندنی چالاکییەکانی ئەنسار ئیسلام،
وەک هەڵگر و بڵاو کەرەوەی ئەم فیکرە ئێرتیجاعییە.
واقعیەت ئەوەیە کە لە ئێستادا چالاکییەکانی ئەنسار ئیسلام چووەتە قۆناغێکی مەترسیدار و پێویستە سەرجەم حزب و لایەنە پێشکەوتنخوازەکان، واز لە بێ دەنگی و خۆگێل کردن بهێنن و سەرجەم هێز و توانایی خۆیان بۆ ئاگا کردنەوەی خەڵک لە ئامانجە مەترسیدار و نامرۆڤانەکانی ئەنسار ئیسلام بخەنەگەڕ و بەر بە پێشڕەوی و گەشە کردنی ئەم تاقمە بگرن.
هەروەها ، بە تایبەت حزب و لایەنە کوردستانییەکان پێویستە ئەزمونەکەی کوردستانی عێراق لە بەرچاو بگرن و ئیجازە نەدەن شتێکی لە چەشنی «ئیمارەتی ئیسلامی کوردستان» (تەوێڵە)، لە کوردستانی ئێران دووپات ببێتەوە و رەوتی تیرۆر و تۆقاندن و نائەمن کردنی کەش و هەوای سیاسی، کۆمەڵایەتی و مەزهەبی بە سەر کوردستاندا داسەپێنرێت.
با هەموومان گشت هەوڵەکانمان بخەینە گەڕ و ئیجازە نەدەین ئەم تاقمە تاریک ئەندیشە پێ بنێتە قۆناغی «عەمەلیاتی»یەوە و چەک هەڵگرێت و هاوشێوەی تاقمی تیرۆریستی «جوندوڵلا» لە بەلوچستان، دەست بداتە تیرۆر و کوشتن و عەمەلیاتی خۆکوژی.
بێگومان درێژەدان بە سیاسەتی بێ دەنگی و خۆگێل کردن، بە هەر بیانوو و پاساوێک بێت، لە داهاتوودا کارەساتی گەورە و فاجیعەباری لێدەکەوێتەوە.

دەستەی نووسەرانی کازیوە

کازیوە بە دۆستان و هاوڕێکانتان بناسێنن!

سمینارێک و چەند تێبینی!

بە گوێرەی راپۆرتی ماڵپەڕی «رۆژهەڵات نیوز»،
لە مانگی ئازەر (سەرماوەز)ی ئەمساڵدا بە بەشداری کردنی ژمارەیەک لە حزب و رێکخراوە کوردییەکانی تورکیە، سوریە، عێراق و ئێران و چەند کەسێک لە نوێنەرانی پارلمان و کاربەدەستانی حکومەتی بریتانیا لە لەندی پێتەختی ئەو وڵاتە بەرێوەچووە.
بێگومان دروستکردنی پێوەندی نێونەتەوەیی و راکێشانی سەرنجی حزب و لەیەنە پێشکەوتنخوازەکانی سەرجەم وڵاتانی دنیا بۆ سەر کێشەی گەلی کورد و هەروەها وەرگرتنی پشتیوانی و حیمایەتی ئەوان لە بزووتنەوەی رزگاری خوازی گەلەکەمان نە تەنها کارێکی ناپەسەند و نابەجێ نییە، بەڵکوو کردەوەیەکی زۆر پێویست و پیرۆزە.
بەڵام هەموو کەس دەزانێت کە جیاوازییەکی یەکجار زۆر هەیە لە نێوان راکێشانی سەرنجی حزب و رێکخراوە پێشکەوتنخوازەکانی وڵاتانی تر و پێوندی گرتن لە گەڵیاندا و «بانگهێشت» کردنی حکومەتی وڵاتانی دیکە بۆ دەستێوەردان و دیخالەت لە کاروباری ناوخۆی وڵاتەکەمان!
بە داخەوە ئەوەی کە لە لەندەن روویدا، حاڵەتی دووهەم بوو و ئەمەش ناتوانێت لە بەرژەوەندی گەلەکەمان و بزووتنەوە رزگاری خوازەکەیەدا بێت. بە تایبەت کە دەوڵەتە بانگهێشت کراوەکە حکومەتی دژە کورد و بەدناوی بریتانیا بێت.
یەعنی ئەو وڵاتەی کە لانیکەم لە پارچەپارچە کردنی کوردستان و دابەش کردنی کوردستانی ژێر دەسەڵاتی ئیمپراتۆریەتی عوسمانی بۆ سەر ٣ وڵاتی تورکیا، سوریا و عێراق رۆڵی سەرەکی بووبێت.
هەروەها بریتانیا هەمان وڵاتە کە رۆڵی سەرەکی و یەکلایی کەرەوەی بووە لە هێنانە سەرکاری دیکتاتۆرێکی وەک «رەزا شا»دا کە بۆ یەکەمجار لە ئێراندا دروشمی «یەک وڵات، یەک نەتەوە، یەک زمان، یەک پادشا»ی بەرز کردەوە و بم دروشمە هەڵاواردنی نەتەوەیی و مەزهەبی هێنایە ناو فەرهەنگی سیاسی ئێران و بە دڕندانەترین شێوە بە کردەوەی دەرهێنا.
ئەوەش لای هەر کەسێک کە کەمترین زانیاری لە سەر مێژووی سەردەمی ئێران هەبێت ئاشکرایە کە رژیمی دیکتاتۆری رەزا شا ئەو سیاسەتانەی بە رێنمایی و پشتیوانی هەمە لایەنەی حکومەتی بریتانیا بەرێوە دەبرد.
بێجگە لەمانە ئایا بەرپرسانی ئەو حزب و لایەنە بەرێز و بەئەزمونانە ئاگایان لە بارودۆخی سیاسی و کۆمەڵایەتی ئێران نییە و لەم راستییە تێناگەن کە زۆربەی هێز و لایەنە سیاسیەکانی ئێران و جەماوەری خەڵکی ئەو وڵاتەش بە هیچ شێوەیەک رازی بە دەستێوەردانی وڵاتانی تر. بە تایبەت ئامریکا و بریتانیا لە کاروباری ناوخۆی ئێران نین و هەر کەس و لایەنێکی ئێرانیش کە خواستێکی لەم جۆرەی هەبێت و هەڵەیەکی وا بکات، لە فەرهەنگی سیاسی ئێراندا بە خائین و وەتەن فرۆش ناوی لێدەبرێت؟
بێگومان هەڵەگەلێکی لەمجۆرە، هیچ سوودێکی بۆ میللتی کورد نابێت جگە لە خەشدار کردن و ناشیرین کردنی سیمای بزوزتنەوەی نەتەوەی گەلەکەمان لە ناو خەڵکی ئێران و حزب و لایەنە سیاسییە رەسەنەکانی وڵاتەکەماندا و هەروەها لە ئاستی جیهانیشدا.
ئێمە هیوادارین حزبە کوردییەکان، بەتایبەت ئەوانەی کوردستانی ئێران بەم هەڵسووکەوتەی خۆیاندا بچنەوە و واز لە خەونی ئاڵۆزی «باڵکانیزە« کردن و «ئێراقیزە« کردنی ئێران بهێنن و دوای ئەم شتە نەکەون. بێگومان ئەوەی هێز و توانایی دەداتە بزووتنەوەی نەتەوەی گەلەکەمان پتەوترکردنی پێوەندی لەگەڵ هێز و لایەنە سیاسییە پێشکەوتووخوازەکانی ئێران و بزووتنەوەی گەلانی ئێران دژ بە رژیمی کۆنەپەرەستی کۆماری ئیسلامی ئێرانە و بەس.

درێژەی گوشار خستنەسەر چالاکانی سیاسی و مەدەنی ئێرانی
لە هەرێمی کوردستانی عێراق

گرتن و بەندکردنی چالاکانی سیاسی و مەدەنی کورد درێژەی هەیە

لە دوایین رۆژەکانی کۆتایی مانگی سەرماوەز، (ئازەر)دا ناوەندی هەواڵنێری سەقز ناوی کۆمەڵێک لە بەندکراوان و زیندانیانی سیاسی سەقز کە لە ماوەی رابردوودا، بە تایبەت لە چەند مانگی ئەخیردا بە تاوانی لایەنگری لە حیزبە ئۆپۆزیسیۆنەکان دەستبەسەر کراون و لە حاڵی حازردا لە بەندیخانەی ناوەندی سەقزدان یان بە دانانی بارمتە (وەسیقە) بە شێوەی کاتی ئازاد کراون و چاوەڕوانی بریاری دادگا دەکەن بڵاو کردووەتەوە.

بە گوێرەی ئەم راپۆرتە هەنووکە ٣٧ کەس بە تاوانی لایەنگری لە حزب و سازمانە نەیارەکانی کۆماری ئیسلامی لە سەقزدا دەستبەسەر کراون. جێگای ئاماژەیە کە ئەم راپۆرتە ئەو چالاکە سیاسی و مەدەنیانە کە بە تایبەت لە یەکساڵی ئەخیردا بە شێوەی راستەوخۆ یان ناراستەوخۆ بە هەڕەشە «دەمکپ» کراون ناگرێتەوە خۆ کە ئەگەر ئەوانەش لە بەرچاو بگرین سەرکوت و بەند کردن و بێدەنگ کردنی چالاکانی سیاسی و مەدەنی ئەم شارە یەکجار بەربڵاوتر و بەرین ترە.

هەروەها بە پێی ئەو راپۆرت و هەواڵانەی کە لە لایەن رێکخراوەکانی مافی مرۆڤ و سەرچاوەکانی هەواڵەوە راگەیەندراون، تەنها لە سێ مانگی ئەخیردا زۆرتر لە ٣٠ کەس لە چالاکانی سیاسی و مەدەنی مەریوان بە تۆمەتی جۆربەجۆر دەستبەسەر و رەوانەی بەندیخانە کراون.

جیا لەمانە چەندین کەسی تریش لە شارەکانی بانە، مەهاباد، بۆکان و سنە بە تۆمەتگەلێکی هاوشێوەی ئەوانی تر دەستبەسەر و رەوانەی زیندانەکانی ئەو شارانە کراون.

هەروەها بە دەیان چالاکی مەدەنی و سیاسی، بە تایبەت چالاکانی مەدەنی سەربەخۆ، بە ناچار وڵاتیان بە جێ هێشتووە و رویان لە کوردستانی عێراق کردووە.

بەڵام بە داخەوە ئەو چالاکە سیاسی و مەدەنییە سەربەخۆیانە لەو هەرێمەشدا هەر لە ژێر گوشاری هێزە ئەمنییەتییەکانی کۆماری ئیسلامیدان و بە شێوەی جۆربەجۆر هەڕەشەیان لێدەکرێت و بەرەوروی پیلانی هێزەکانی ئیتلاعات دەبنەوە.

حکومەتی هەرێمی کوردستانیش بە پێچەوانەی سەرجەم یاساکان و رێکەوتننامە نێونەتەوەییەکانی تایبەت بە مافی پەنابەریەتی و بەرگری لە پەنابەرانی سیاسی، نە تەنها لە دانی مافی پەنابەریەتی بەم چالاکانە خۆدەبوێرێ، بەڵکو هەر دەم بە بیانوویەکی تازە کۆسپ دەخاتە سەر پێدانی مۆڵەتی نیشتەجێ بوون (ئیقامەت) بەم پەنابەرانە.

بۆ نموونە لە چەند مانگی ئەخیردا ئاسایشی هەرێمی کوردستان، بە تایبەت لە پارێزگای سلێمانی کە لە ژێر کونترۆڵی یەکیەتی نیشتمانی دایە، پێدان یان تازە کردنەوەی مۆڵەتی نیشتەجێ بوونی بە چالاکانی سیاسی و مەدەنی سەربەخۆی ئێرانی راگرتووە و پێی راگەیاندوون کە یان دەبێت پشتگیری لە یەکێک لە حزبەکانی کوردستانی ئێران وەرگرن یان ئیقامەتیان پێنادرێت و رەوانەی ئێران دەکرێنەوە.

ئەمەش هیچ مانایەکی نییە جگە لە بە «زۆرەملێ حزبی کردن »ی ئەو چالاکە سەربەخۆیانە و گوشار خستنە سەریان بۆ وازهێنان لە بیروباوەڕ و چالاکییەکانیان.

دیارە کە ئەم سیاسەتەی ئاسایشی هەرێمی کوردستان، بە هەر پاساوێک ئەنجام بدرێت پێشێل کردنی سەرەتایی ترین برگەکانی جاڕنامەی مافی مرۆڤە کە تێیدا جەخت لە سەر ئەوە کراوەتەوە کە« هیچ دەوڵەت و لایەنێک لە هیچ حاڵەتێکدا بۆی نییە بە زۆر کەسێک ناچار بە ئەندام بوون لە حزبێکی سیاسی، یان گروپێکی ئایینی و هیتردا بکات».

بە باوەڕی ئێمە پێش لە هەر کەس و لایەنێک ئەرکی سەرشانی حزبە کوردستانییەکانی ئێرانە کە ئەم بریارە ناپەسەندەی ئاسایشی هەرێمی کوردستانی عێراق رەت بکەنەوە و بەکەڵک وەرگرتن لە پێوەندییەکانی خۆیان لە گەڵ بەرپرسانی باڵای ئەو هەرێمە، داوایان لێبکەن بەم شێوە لەگەڵ، چالاکانی سیاسی و مەدەنی سەربەخۆ هەڵسووکەوت نەکەن. بێگومان ئەمە زۆر بەسودترە لەوەی کە ئەم حزبانە دڵ بەوە خۆش بکەن کە کەسێک لە رووی ناچارییەوە پەنایان بۆ ببات و کارتی لایەنگرییان لێوەربگرێت کە ئەمە ئابرۆچوونێکی تەواوە بۆ ئەوان و لە درێژخایەندا کاریگەری نگەتیڤی دەبێت لەسەر چۆنیەتی هەڵسەنگاندنی ئەم حزبانە لە لایەن ئەو کەسانەوە کە بە زۆرەملێ و لە رووی ناچارییەوە کارتی لایەنگری ئەوانیان وەرگرتووە.

ئازادی بۆ سەرجەم زیندانیانی سیاسی ئێران !

قازانجی هەناردەکردنی نەوتی هەرێمی کوردستانی عێراق بۆ کێیە؟

ڕەنگبێت هیچ بابەتێک لەم بارودۆخەی ئێستادا، هێندەی کێشەی هەناردەکردنی نەوت لە هەرێمی کوردستانەوە بۆ کۆماری ئیسلامی ئێران، شەقامی کوردی و ڕۆژنامەی ئازاد و دواجار حوکومەتی هەرێمیشی مەشغوڵ نەکردبێت و کاردانەوەی ڕکارەکانیشی پێک هەڵنەبژاندبێت، دیارە کێشەکە هەروا بە ئاسانی تێناپەڕێ و دەبێتە سەردێڕی گەلێ ڕۆژنامەی عەرەبی و جیهانی و کەم تا زۆریش زیانی بۆ دۆزی کرد گەیاندووە، بەوەی کە جارێک لە دەستوور لایداوە و جارێکی تریش گەمارۆی سەر ئێران کەم دەکاتەوە و جارێکی تریش ناچێتە سەر بودجەی هەرێم.

نەوتی عێراق لە پەنجاکاندا خۆماڵی «میللی» کراو بڕیار وابوو داهاتەکەی بۆ بەرژوەندی و بەختەوەری گەل و نیشتمان سەرف بکرێت، بەڵام دەستی سەدام حسێنی واڵا کرد بۆ سەرکوت کردنی گەلانی عێراق و گەورەترین ماشینی جەنگی و داپلۆسینی بۆ بەرهەم هێنا.

نەوت هەمیشە چەکێکی دودەمی نەگریسە، دەشێت لە لایەن دەسەڵاتەوە بکرێتە سەرسەخترین ئامێر بۆ زیندە بە چاڵکردنی گیانی نیشتمانی و ڕۆژنامەی ئازاد و ئۆپۆزیسیۆن و هەموو جوانییەکانی دنیای دیمۆکراسی دەشێت چەکی نەوت دەنگە ئازادەکان کپ بکات، یان بینوسێنێ، دەشێت ئەم نەوتە نەگریسە بە تفاقترین دەزگای تۆقاندن و تیرۆر و ویژدان مراندن و سەرکوت کردنی چێ بکات، قەڵەمە جوامێرەکان لە کوێبخات... دەشێ ... دەشێ.

خۆ بە بارەکەی تریشدا دەشێت وڵاتت بۆ بکاتە بە هەشتی سەرزەمین و دەرەوی هەژاری و نەخوێندەواری و مەینەتباریت بۆ بکات و دڵۆڤانترین ژیان بۆ میللەت فەراهەم بهێنێت، ئێمەی کورد ئاوات بە مەیان دەخوازین و خەون بە بارە پۆزەتیڤەکەوە دەبینین، بەڵام ئێستادا و لەم هەلومەرجەدا، ئەوەی کە خەڵکی کوردستانی ترساندووە، بەکار هێنانی دەمە خراپەکەی تەوتە، بە تایبەتی ئەو کاتەی کە ناشەففانە دەفرۆشرێت و وەک وەزیری دارایی بەڕێز، بایز تاڵەبانی دەڵێت تا ئێستا، دینارێکی پارەی ئەو نەوتە نەهاتووەتە سەر خەزێنەی دەوڵەت، دیارە سەرچاوەی دڵەڕاوکێی خەڵک دیارنەمانی ئەم بودجە قەبە و زلەی نەوتە، بە تایبەتی لە هەلومەرجێکی ئەوتۆدا، کە هەژاری و بێ دەرامەتی خەڵکێکی زۆری کوردستانی گرتووەتەوە و خاڵێکی زەقوو ناهەموارە بە نێو چاوانی دەسەڵاتەوە، نەک هەر ئەمەش، بەڵکوو ئەو ژێرخانە ئابوورییەی کە ڕژیمی سەردامی دیکاتۆر کاڵولی کرد، هێشتا هەر تەپیوە، برینەانیشی بە تەواوی گۆشتە و زون نەبوون و میلەتیش چاوەڕێی ژیانی باشترە، ئەمە جگە لە شەقامیش کە لە ناڕەزایەتی و هەڵچوون و داچووندایە و دەشێت چارەسەری حەکیمانەی بۆ بدۆزرێتەوە و هەرێم لەم قەیرانە رزگار کات و بەختیاری و ئاوەدانی و دڵنیایی بگەڕێنێتەوە ناو خەڵک.

لە دنیای ئابووریدا چەمکێک یان زاراوەیەکی گرنگ هەیە، واتە سامانی درێژخایەن، ئەم تیۆریە ئابوورییە گرنگە، پێ لەسەر ئەوە دادەگرێت کە سامانی وڵات هی نەوەیەک نییە بە تەنیا بەڵکوو نەوەکانی داهاتووش خاوەنداریەتی دەکەن و پاراستنی ئەو سامانە ئەرکێکی نیشتمانی و نەتەوەییە و لە ئەستۆی دەسەڵاتی ئێستای کوردایە و نابێت هەروا تەخشان و پەخشان بکرێت، چونکە خاوەنی یاسایی و شەرعی ئەو نەوت و غازە بە تەنیا و تەنیا میللەتی دورجە نەک چەند تاکێک، هەر بۆ نموونە:

ئەگەر سەرۆکی خێزانێک خاوەنی سەد هەزار دۆلار بێت، ...... بەر ئەوەی کە دەسەڵاتی سەرفکردنی هەیە، ئیتر بە ئارەزووی خۆی تەخشان و پەخشان بکات، چونکە بە ڕێژەیەکی گونجاو تاکەکانی ئەو خێزانە، کە دەکاتە کوڕ و کچ و ژن و تەنانەت کوڕەزا و کچەزاش خاوەنی ئەو سامانەن، کە واتە تەخشان و بەخشانی ئەو سامانە بۆ پەرژەوەندییە کەسی و بنەماڵییەکان بە پێی چەمکی «ئەلپروە المستدامە« دەستدرێژی کردنە بۆ سەر تاکەکانی ئەو خێزانە واتە «ئەو کۆمەڵگایە« و سوتاندنی بنەماڵەکانی ئابووری داهاتوویان و خلۆر کردنەوەیان بۆ چاڵی نابووتی.

دەرهێنان و ناردنە دەرەوەی نەوتی کوردستان بەو قەبارە بەرچاوە و دیارە نەمانی پارەکەی، زوڵمێکی گەورەیە نە لە نەوەی ئێستا دەکرێت بەڵکوو لە نەوەکانی داهاتووش، بە تایبەتی لە کاتێکدا کە پارەی ئەو نەوتە فرۆشراوە ناچێتە نێو بودجەی حوکومەتی هەرێمی کوردستانەوە، هەر چەندە لەم ماوەیەدا بەڕێز ئاشتی هەورامی وتی پارەی نەوتەکە خراوەتە سەر بودجە و نەفەوتاوە، بەڵام بە پێی ڕێوشوێنی یاسایی دەبێت بچێتە سەر وەزارەتی دارایی و بەڕێز وەزیری داراییش تا ئێستا نکوڵی لێ دەکات، دیارە ئەم دوو بۆچوونە دژیەکەی

ئەم دوو وەزیرە بەڕێزە، هێندەی تر خەڵکەکەی تووشی نائۆمیدی و دڵەڕاوکێ کردووە.
وڵاتی ئامریکا لە ئێستادا نەوتێکی یەدەکی فرەی هەیە و مەگەر زۆر تەنگەتاو بێت، ئەگینا کەمتر دەستی بۆ دەبا و بە بەشی نەوەکانی داهاتووی لە قەڵەم دەدات و هەمیشە کۆمپانیا فرەو قەبەکانی خەریکی نەوت کڕینن لەم لاو لەولا، لە ونێزوئێلا شافیز دوای ئەوەی نەوتێکی زۆر لە وڵاتەکەیدا دۆزرایەوە، وتی نابێت دەست بۆ هەمووی ببرێت و گەڕەکە واز لە بەشێکی بهێنین بۆ نەوەکانی داهاتوو! ئەوەی کە جێگای تیاڕامانە، ئەو نەوتەی کە گوایە بە رەسمی دەچێتە نێو بۆری جیهانی تورکیاوە لە ١٧٪ بۆ کوردستانە و ئەوەی دیکە لە ٨٣٪ ە بەشی نەوەانی داهاتووی کوردە، بە حوسن و رەزای خۆمان دەیخەنە گیرفانی بەغداوە، واتە هەرێمی کوردستان دوچاری گەورەترین نەزیفی ئابووری دەبێتەوە و ئێمەش بە هەموو قەناعەتێک بۆ دەست کەوتنی ١٧٪ قوربانی بەلە ٨٣٪ دەدەین!!
ئالێرەدا ئەمنی قەومی کورد دووچاری گەورەترین مەترسی دەبێت و هەرێمیش بەر پرسیارە. جارێک لە گەڵ ئەندامێکی لێژنەی نەوت و گاز لە پەرلمانی عێراق کە پەرلمانتارێکی هاوپەیمانی کوردستانە، ئەمن بابەتەم ورژاند، ئەو بەڕێزە رای واربوو کە کردنەوەی کۆمپانیای نەوت و دەرهێنانی برێکی زۆر لەو مادەیە، یارمەتی هەرێمی کوردستان لە لایەن دەوڵەتە رۆژئاواییەکانەوە مسۆگەر دەکات، بە تایبەتی ئەو کاتانەی کە کوردستان دەکەوێتە بەر مەترسی هێرشی بەغداوە!
واتە ئەو کۆمپانیایانە لە پێناوی بەرژوەندی خۆیاندا، ناهێڵن جارێکی تر کوردستان کۆلۆن بکرێتەوە! بەندە لەم شیکردنەوە سادە لەو حەدەدا تاس بردمیەوە! من هەر ئەوەندەم وت باشە پەیوەندی ئەمە چییە بە ناشەفافی گرێبەستەکانەوە؟
بۆ ناکرێت دەوڵەتی عێراق خوانە خواستە لە کاتی هاتنەوە سەر ورگی کوردستاندا، هەمان «ئیمتیازات» و زیاتریشی بداتەوە بەو کۆمپانیانە و دەمکوتیان کات و ئاشەکەشیان هەر لە گەڕاندابێت؟!
تۆ بڵێی ئەوەکان بیرچوویێتەوە کە سەدامی دیکاتۆر، جیهان دەم وت کرد بوو بە پارەی نەوت و مافی سەرکوت کردنی کوردیشی بە ریفۆرم و بەختەوەری عێراقییەکان دەناساند؟!
تا هەنووکەش هەنارده کردنی نەوتی هەرێمی جێگای مشت و مڕی حوکومەتی بەغدا و هەرێمە و بەغدا دەڵێت نایاسایە و هەرێمیش پێچەوانەکەی و لەو نێوندەشدا بە لێشاو هەر نەوت هەنارده دەکرێت، ئەمە جگە لەوەی کە نەوتی خاو و نەوتی رەشیش بەشێکی تری کێشەکەیە، نەک لە نێوان بەغدا و هەرێمدا بە تەنیا، بەڵکوو لە نێوان دەسەڵات و ئۆپۆزسیۆندا، ئەم تۆمەت گۆڕینەوەیە هەرگیز لە بەرژوەندی دۆزی کوردا نییە و بمانەوێت و نەمانەوێ قوربانی دانێکی هەرزان بە هایە بە دۆزی گەلێک لە پێناو پارە و دۆلاردا!!
جارێ بەر لە هەر شت، نەبوونی شەفافیەت بۆ ئاراستە کردنی بودجە و داهاتی هەرێم بیانوویەک یان هۆکارێکی یاسایی و دەستووری دەداتە بەغدا بۆ لێپێچینەوە و بەدواداچوون و دواجار سەرکوت کردنی تاقیکردنەوەی فیدراڵی و لەکەدار کردنی بەوەی کە حکومەتی هەرێمی کوردستان ناعەداڵەتی بەرامبەر بە خەڵکی کوردستان دەکات و بە پێی مادەی ١٠٦ لە دەستووری عێراق، کە دەڵێت: هەر دوو لایەنەکە دەگرێتەوە و لادانی یەکێکیان سەرپێچییە لە دەستووری عێراق، ئێمە نامانەوێت بەڵگەی شەفافی و گزی و گەندەڵی بدەینە دەست نەیارانمان و ئەوانیش لە ژێر ئەو پەردەیەدا وردە وردە لە بەرچاو دۆستەکانمانی بخەن و بەلاماندا بهێنن، چونتکە ئەم حکومەتەی هەرێمە قارچک نییە لە خۆیەوە هەڵتۆقیبێ، ئەم حکومەتە بەری رەنج و تەقەلا و رووبارێ خوێنی پاک و بێگەردی میللەتە، بۆیە نامانەوێت بۆ پڕ کردنی چەند گیرفانێک دۆزە نەتەوەییەکەمان بکەوێتە غەرغەرە، خۆ ئەگەر بەو بودجەی نەوتی کوردستانی عێراقە، هەر هەموو نەک تەنیا پایەختەکەی! بکرێتە وڵاتێکی بەختیار و ئاوەدان و پڕتەقاڵی وە دوبەی، ئەوە نەوەکانی ئێستا و داهاتوو بە رێزەوە ئەمکارە دەنرخێنن و ئامادەشن قوربانی بۆ دەن و بەرەوڕووی هەموو ئەگەرێکی نێگەتیف ببنەوە، بەڵام بە پێچەوانەوە هیچ کەسێکی هوشیار ئامادە نییە چی تر قوربانی بۆ مشەخۆر و گەندەڵ بدات و شێواندنی ئەم هاوکیشە نەتەوەییەش نەکەوێتە ئەستۆی دەسەڵاتی هەرێمەوە.

نووسەری ئەم بابەتە چاودێرێکی سیاسی هەرێمی کوردستان و عێراقە.

سیستمی سەرمایەداری و بەزاندنی سنوورە نەتەوەییەکان

وەک دەزانرێت کۆڵەکەی سەرەکی گەشەی ئابووریی وڵاتە سەرمایەدارییەکان دەگەڕێتەوە بۆ ئەو گەشەسەندنە گەورەیەی کە بواری پیشەسازی بەخۆیەوە بینی، بەڵام دەبێت هەر دەم ئەو راستیە لە یاد نەکەین کە راستە خۆدی شۆڕشی پیشەسازی توانی پەیوەندییە دەرەبەگییەکان تێک بشکێنێ بە رەخساندنی هەلی کار لە شارەکاندا و بوارڕەخساندن لە بەردەم کۆچی بە کۆمەڵی جوتیاران بۆ نێو شارە گەورەکان و کار کردن لە کارگا و کارخانە پیشەسازییەکان، بەڵام راستیەکەی دیکە ئەوەیە خودی ئەو شۆڕشی پیشەسازییە نە دەتوانرا جێگر بێت و نە دەتوانرا برەو بە رەوتی گەشە سەندنەکەی بدرێت، ئەگەر داهێنانی تەکنۆلۆژی بەردەوام پاڵپشت نەکرایە.

بە گەڕانەوە بۆ مێژووی دروست بوونی سیستمی سەرمایەداری و رەوتی گەشە سەندنی ئەم سیستمە ئابوورییە کۆمەڵایەتییە دەبێت رۆڵی پراکتیزە تەکنۆلۆژییەکان لە یاد نەکەین، چونکە بە هەماهەنگ لەگەڵ کەڵەکە بوونی سەرمایەکان و دەستاودەست پێکردنی لەم نەوە بۆ ئەو نەوە، لە گەڵ ئەمەیشدا زانست و زانیارییەکان کەڵەکەیان پێکراوە، بە تەرخکردنی بەشێک لە دەرامەتە نەوتییەکانی وڵاتە سەرمایەدارییەکـان بۆ بەرنامەکانی گەشەپێدانی زانست و بۆ ئەنجامدانی توێژینەوەکانی گەشەپێدان، بە شێوەیەک ئەو گەشە سەندنانە هەردەم گۆڕدراەتە سەر ئەو بوارە تەکنەلوژیا پراکتیکانەی کە رەنگدانەوەی هەبووە بۆ سەر پێشخستنی ئامرازەکانی بەرهەمهێنان و بۆ بەرەو پێش بردنی کارامەیی شێوازەکانی بەرهەمهێنان کە سەرئەنجام لەگەڵ خۆیدا فرەیی بەرهەمهێنان و دابەزینی تێچوونەکانی لە تەک خۆیدا هێنا.

لە وڵاتە سەرمایەدارییە پیشەییە پێشکەوتووەکاندا زێدە بەرهەمی و گەشەی دەرامەت و ئەنجامدانی سەرمایەگوزاری مرۆیی و پراکتیزە کردنەوەی لە بواری کار و بەرهەمهێناندا بۆنە زنجیرەیەک لە ئەڵقە پێکەوە گرێدراوەکان کە هەردەم گیانی نوێتریان بە بەر سیستمی سەرمایەداریدا دەکرد و بە خۆێنی نوێتر جەستەی سەرمایداری دەهاویشت و ئەو زنجیرە، تەواو کارییەی نێوان ئەو ئەڵقە پێکەوە گرێدراوە بۆ پەرەپێدانی رەوتی چالاکییەکانیان دەبوو بەردەوام دامەزراوە و دەستەی نوێتر لە خۆ بگرن، نەک پەرەی تەنها ئەو دەزگا دامەزراوە خۆیان لە چوارچێوەی کۆمەڵی داموودەزگای فەرمی کە ئەرکێکی بەرهەمهێنان کالای خزمەتگوزاری گشتی و تایبەت بگرنە ئەستۆی خۆیان.

هێنانە دی خواست و ئامانجەکانی کۆمەڵگا و دابین کردنی پێداویستییە تاکەکەسی و گشتییەکان کە هەردەم لە گەڵ تێپەڕ بوونی کاتدا بە هۆی زیاد بوونی دانیشتووان و گەشەی ئابوری و کۆمەڵایەتی لە زیاد بوون دایە، بگرە ئەو دەزگا و دامەزراوانەیش زۆر بە زوو پەلیان کێشا بۆ پرۆسە تایبەتەکان بە کۆمەڵی مەدەنی کە فشاری خۆیان دروستکرد لە پێناو چاکتر کردنی ئاستی خزمەتگوزارییەکان و گەشەپێدانی شێوازەکانی بەرهەمهێنان و رێکخستنی پەیوەندییەکانی نێوان کرێکاران و خاوەنکاران و دەرکردنی چەندەها یاسا و رێنمایی لە پێناو پاراستنی مافە گشتی و تایبەتییەکان، لەوانە مافەکانی بەرهەمهێنەران و بە کار خراوان.

هەرچەندە هەلومەرج و بارودۆخە ناوەکییەکانی نێو وڵاتە سەرمایەدارییەکان بناغەیەکی پتەویان بۆ گەشە سەندنی ئەو وڵاتانە خولقاند، بەڵام زوو بە زوو بڕیار بە دەستان، یا خود باشتر بڵێین حکومەتەکانی ئەو وڵاتە کە نوێنەرایەتی بەرژوەندییەکانی سەرمایەدارە گەورەکانیان دەکرد و هەردەم کەوتبوونە بەر کاریگەری فشارەکانیان، هەر بۆیە ئەم حکومەتانە بۆ مەبەستی کەڵەکە پێکردنی قازانجی سەرمایەداران و بۆ ساغکردنەوەی زێدە بەرهەمەکان و لە پێناو کەم کردنەوەی زیاتری تێچوونەکانیان کەوتنە بەزاندنی سنوورە نەتەوەییەکانی خۆیان بە ئاراستەی داگیر کردنی سەربازیانەی ناوچە و وڵاتانی دواکەوتوو لەو پرۆسەیەی کە ناسرا بە چەرخی کۆلونیالیستی دەیان ساڵ زۆربەی هەرە زۆری توانا و وزە و ئابوورییەکانی ئەو ناوچانە خرانەگەڕ بۆ خزمەتگەیاندن بە ئابووری وڵاتە سەرمایەدارییەکان.

لە راستیدا بەدوای وەرگرتنی سەربەخۆیی سیاسی وڵاتانی جێهانی سێهەم بە رواڵەت رزگاریان بووە لە هەژموونی وڵاتانی سەرمایەداری، بەڵام لە راستیدا دوای ئەو چەرخە و بە ئێستایشەوە، وڵاتانی

دواکەوتوو، جەوری زەمانە و چڵێسی سیستمی سەرمایەداری دوای خستوون، هێشتاکە گێرۆدەی کۆت و بەندەکانی پڕۆسەی دابەش بوونی کاری نێودەوڵەتین و هەر ئەو کۆت و بەندانەیە زیاتر وای کردووە ئەم وڵاتانە لە بازنەی هەژاری و دواکەوتوویدا بمێننەوە و کەمێکی زۆر نەبێت لەو وڵاتانە نەیانتوانیوە هەنگاوی راستەقینە بنێن بەرەو گەشە سەندنی ئابووری و کۆمەڵایەتی.
بە مەبەستی هێشتنەوەی وڵاتانی دواکەتوو بە دواکەوتوویی و مانەوەی وڵاتە سەرمایەدارییە گەروەکانی بە پێشکەوتوویی، سیاسەتی وڵاتانی سەرمایەدار لەوەدا خۆی بینیوەتەوە کە هێندە بوار نەرەخسێ بۆ وڵاتە تازە پێگەیشتووەکان ئابوورییەکی جۆراوجۆری هاوسەنگ بخولقێنن بۆ ئەوە هەردەم لە نێو بازنەی سەرمایەداریدا بخولێنەوە و لە رووی ئابوورییەوە بە پاشکۆ بمێننەوە. مەگەر ئەوەی هەر گەشەسەندێکی ئابووری لەم وڵاتانەدا روو بدات ئەلقەیەکی تەواوکەری چالاکییە ئابورییەکانی وڵاتە سەرمایەدارییەکان بێت لە رێگای کۆمپانیا زەبەلاح و سنوور بەزێنەکانی وڵاتە سەرمایەدارییەکان بێت، یا خود بەشێک بێت لە بازنەی چالاکییەکانی کۆمپانیا فرە نەتەوەییەکان بێت کە سەرئەنجام چالاکییە کۆتاییەکان دەرژێنە نێو کاسەی ماڵی سەرمایەدارە گەورەکانی وڵاتانی سەرمایەدارییەکان، کە واتە سیستمی سەرمایەداری ئەو سیستمەیە کە گەشەیەکی ئابووری و کۆمەڵایەتی گەورەی بۆ وڵاتانی سەرمایەداری و سەردەست خولقاندووە و بە سامان و ئارەقەی گەلانی ژێر دەست برەو بەو گەشەیە دراوە و خاوەندارانی ئەو سامانە و ئارەق رێژانی ئەو وڵاتە هێشتا بە دەست دواکەوتوویی و هەژارییەوە دەناڵێنن.

کازیوە بە دۆستان و هاورێکانتان بناسێنن!

ماهنامه

کازیوه

(سپیده دم)

شماره چهارم

دی ماه ۱۳۸۹

نشریه جمعی از هواداران حزب توده ایران در کردستان



اعلام تاسیس جمهوری کردستان از جانب قاضی محمد در مهاباد–دوم بهمن ماه۱۳۲۴ شمسی

آزادی ، دموکراسی و عدالت اجتماعی

مطالب این شماره :

صفحه

=====================

بەشی کوردی :

لاپەڕە

مسئولیت مطالب درج شده در کازیوه بر عهده ی گردانندگان آن است و مواضع رسمی حزب توده ایران در سایت حزب به نشانی :

/ http://www.tudehpartyiran.org

انتشار می یابد.

- تماس با کازیوه : tudeh_kurdistan@yahoo.co.uk

- پایگاه اینترنتی کازیوه :

http://a ۱۳۲۰ .wordpress.com/

سرمقاله:

شتاب گرفتن حزب سازی در کردستان!

انکار نمی توان کرد که کردها نیز همچون همه ی ملیت های ساکن ایران می توانند و حق دارند احزاب و سازمانهای سیاسی و تشکیلات گوناگونی را برای تامین و دفاع از حقوق سیاسی – اجتماعی و ملی خود پدید آورند.

این نیز روشن است که یکی از اصول و زیربناهای استقرار دمکراسی در هر جامعه ای،از جمله کشور ما وجود احزاب و سازمانهای سیاسی گوناگون، با خواسته ها و برنامه های متفاوت است.

آشکار است که مردم کردستان نیز از این حق دمکراتیک برخوردار هستند و باید بتوانند با توجه به منافع گوناگون خویش مبادرت به تشکیل احزاب سیاسی و گروه ها و تشکلات اجتماعی (نهادهای اجتماعی) مختلف بنمایند.

تا اینجای مسئله نه تنها ایرادی ندارد و هیچ جنبه ی منفی برای آن متصور نیست، بلکه تعدد احزاب، در یک فضای سالم سیاسی، فرهنگی و اجتماعی خود می تواند نشانه یی از پیشرفت و توسعه یک جامعه باشد.

در چنین فضایی هر حزب و سازمان سیاسی و هر نهاد اجتماعی و صنفی می تواند و باید در راه تامین و دفاع از منافع کوتاه مدت و دراز مدت طبقه یا اقشاری از جامعه فعالیت نماید و با اتکا به خواستگاه اجتماعی خود در یک فرایند دمکراتیک، به حیات خود ادامه داده و در جهت گسترش پایگاه مردمی خود بکوشد.

اما متاسفانه، حکایت فعالیت سیاسی و مدنی در کردستان سالهاست که از مسیر طبیعی خود، یعنی مسیری که پیشتر به آن اشاره کردیم، خارج شده و (حزب سازی) و فعالیت ناسالم سیاسی و رسانه یی جای آن را گرفته است.

بگونه یی که تنها طی ۱۰ سال اخیر بیش از ۱۰ حزب و سازمان سیاسی کرد اعلام موجودیت کرده و اغلب با سردادن شعارهای افراطی شوینیستی ، خود را مدافع منافع کردها و جنبش ملی کردستان معرفی کرده اند.

تقریبا همه این احزاب و سازمانهای جدید الولاده که اغلب تعداد کادرها و اعضایشان از چند نفر یا حداکثر چند ده نفر تجاوز نمی کند، عمدتا از طرف کادرها و اعضای بریده کومه له و حزب دمکرات کردستان ''سرهم بندی'' می شوند و در واقع هیچ پیوندی با توده های مردم کردستان ندارند.

با این وصف به سرعت مورد حمایت و پشتیبانی یکی از دو حزب حاکم کردستان عراق (اتحادیه میهنی و حزب دمکرات بارزانی) قرار میگیرند و اردوگاه، امکانات مالی و رسانه یی در اختیار آنها قرار می گیرد که این مسئله را نباید کم اهمیت به شمار آورد.

همچنین طی یکی دو سال اخیر حداقل سه چهار حزب (نورسیده) به همان سیاق ، شکل گرفته و اعلام موجودیت کرده اند که بی پروا از رابطه خود با دولت های کشورهای مرتجع منطقه، دول اروپایی و حداقل در ۲مورد از رابطه خود با (اسرائیل) و دریافت کمک مالی از دولت آن کشور صحبت به میان می آورند!

به باور ما نباید این مسئله را، که متاسفانه مدارکی دال بر صحبت آن در دست است، دستکم گرفت و به سادگی از کنار آن گذشت، بویژه در این شرایط حساس و در زمانی که نیروهای نظامی و سازمانهای جاسوسی کشورهای امپریالیستی،خصوصا آمریکا، هم در افغانستان و هم عراق حضور جدی دارند.

همچنین نباید فراموش کرد که اقلیم کردستان عراق،به دلایل گوناگون طی سالهای اخیر عملا تبدیل به «حیات خلوت» سازمانهای جاسوسی دولت های امپریالیستی، اسرائیل و کشورهای مرتجع منطقه از جمله ایران و ترکیه گردیده است.

بنابر این، این «حزب سازی» ها را نبایستی کم اهمیت قلمداد کرد و در درجه اول بر سازمانها و احزاب اصیل و مترقی کردستان است که به افشای آنها بپردازند و اجازه ندهند که این «قارچ های مسموم» با عوام فریبی و سردادن شعارهای افراطی و شوینیستی عرصه سیاسی کردستان را بیالایند و سیمای تابناک و مترقی جنبش ملی کردستان را لکه دار نمایند.

تحریریه کازیوه

دی ماه ۱۳۸۹

ادامه تنش ها و برنامه های کودتاچیان برای تحکیم پایه های قدرت خویش

کارزار دستگاه تبلیغاتی رژیم ولایت فقیه و دولت کودتا، بر ضد جنبش مردمی و نیروهای دگراندیش و مخالف ادامه استبداد ابعاد و گستردگی کم سابقه ای یافته است.
هدف از این کارزار تبلیغاتی همچنان که ما در مقالات گذشته "نامه مردم" به آن اشاره کردیم، از جمله آماده کردن زمینه برای یورش های سرکوبگرانه بعدی بر ضد جنبش مردمی و همچنین بستن راه هرگونه فعالیت سیاسی- اجتماعی برای رهبران جنبش اصلاح طلبی، یعنی کسانی همچون موسوی، کروبی و خاتمی است.
از دید سران رژیم پایان دادن به حیات سیاسی این افراد و نیروها، از جمله ضروریات تحکیم پایه های قدرت سیاسی یی است که با وجود همه سیاست های سرکوبگرانه ماه های اخیر همچنان با دشواری های فزاینده یی رو به روست.
روزنامه کیهان در مطلبی با عنوان "پایان بازی دو جانبه" درباره چگونگی برخورد با اصلاح طلبان از جمله می نویسد: "در باره اصلاح طلبان چگونه باید قضاوت کرد؟ فرمول و قاعده مواجهه با آنها کدام است؟ آیا آنها می توانند به عرصه سیاست و حاکمیت برگردند؟ ... چند بار می توان به طیف اصلی صحنه گردان در این مجموعه فرصت داد که برای عبور و شبیخون دشمنان قسم خورده و آشتی ناپذیر ملت ایران [بخوان نظام] معبر باز کنند ... جبهه اصلاحات مطلقا اصلاح ناپذیر است ... دست اندرکاران فتنه سال گذشته که سزاوار مؤاخذه و ملامت و مجازاتند در انتخابات آینده و در حاکمیت جایی نمی توانند داشته باشند."
روزنامه ولی فقیه سپس می افزاید: "اگر کسانی می خواهند ذیل این نام [اصلاح طلبان] فعالیت کنند اولا که باید در خیانت های ۱۳ سال گذشته جبهه اصلاحات هیچ نقشی ایفا نکرده باشند ... ثالثا هیچ نسبت و ارتباطی میان آنها با صحنه گردانان ... فتنه برقرار نباشد. سیاست کشور به مناسبات قبل از سال ۸۸ باز نخواهد گشت."
همین موضع گیری را علی خامنه ای، ولی فقیه رژیم، با زبان دیگری، اما با محتوایی یکسان، طی دیداری با گروهی از اهالی قم، ۱۹ دی ماه، بیان داشت. خامنه ای با اشاره به رویدادهای سال ۸۸ و مقاومت مردمی در برابر کودتای انتخاباتی، هرگونه بازگشت به روابط و مناسبات پیش از انتخابات ریاست جمهوری دهم را ناممکن خوانده، و یادآوری کرد: "کسانی را که مردم به آنها سران فتنه می گویند، در واقع بازیچه طراحان اصلی بودند و دشمن آنها را به صحنه هل داده بود که البته آنها نیز باید راه خود را از دشمن جدا می کردند که این کار را انجام ندادند و مرتکب گناه شدند ... به دنبال حذف جمهوری اسلامی و تغییر نظام بودند."
دامنه حملات گسترده تبلیغاتی دولت کودتا، افزون بر خاتمی، موسوی و کروبی، در روزها اخیر رفسنجانی نیز هدف قرار داد. برگزاری جلسه هیئت رئیسه مجلس خبرگان، و انتشار نامه 19 دی ماه رفسنجانی فرصتی برای حملات دستگاه تبلیغاتی دولت بر ضد رفسنجانی شد.
کیهان به عنوان روزنامه ولی فقیه و یکی از ارگان های اصلی و فعال کودتاچیان، در یادداشت روز ۲۱ دی ماه خود با نام: "یک حرف از آن هزاران!" خطاب به رییس مجلس خبرگان، نوشت: "پیام ... رفسنجانی به مناسبت سالگرد قیام خونین ۱۹ دی ماه اگر چه در نگاه اول از توجه ایشان به ضرورت گرامی داشت خاطره آن قیام خونین حکایت می کند ... ولی برخی از آنچه در متن پیام آمده و نیز، بی سابقه بودن آن طی ۳۳ سال - یا دست کم ۳۱ سال گذشته، پرسش ها و ابهاماتی را پیرامون چرایی تهیه و انتشار این پیام پیش می کشد ... کسانی که در جریان فتنه ۸۸ پشت شخصیت و جایگاه آقای رفسنجانی سنگر گرفته بودند، هنوز ایشان را رها نکرده اند. ..."
به نوشته پایگاه خبری "جرس" اهداف این حملات کیهان روشن است: "حمله شریعتمداری به هاشمی رفسنجانی را بدون پرده پوشی می توان موضع صریح رهبری علیه رئیس مجلس خبرگان دانست. این حملات در روزهای آینده تا اواخر اسفند ماه افزایش خواهد یافت، چرا که اراده رهبری به تسخیر آخرین کرسی مستقل نظام تعلق گرفته است. وی سفرش به قم را یک روز دیگر تمدید کرد تا برای دومین بار با جامعه مدرسین درباره دغدغه اصلیش سخن بگوید... در اجلاسیه 24 اسفند امسال انتخابات هیأت رئیسه مجلس خبرگان برگزار می شود و برخلاف همه دوره ها که هیأت رئیسه برای دو سال انتخاب می شد، این بار برای سه سال و نه ماه خواهد بود، یعنی رئیس این دوره در زمان انتخابات مجلس، ریاست جمهوری و شورا ها رئیس خواهد بود و از همه مهمتر با توجه به بیماری رهبری و دغدغه اش برای جانشین آینده، رئیس مجلس خبرگان خیلی مهم است... هاشمی به دلیل عدم حمایت از سیاست سرکوب و سکوتش، به دلیل همین پیام 19 دی اش از خواص بی بصیرت است و اظهر من الشمس است که صلاحیت حضور در نظام را از دست داده است. در روی تک تک نمایندگان خبرگان به دقت کار شده است، بویژه آن پنجاه و پنج نفری که به دور قبل به ریاست او رأی داده بودند، نتیجه این کار متراکم که هزینه فراوانی هم برده است در اواخر اسفند مشخص خواهد شد..."
تنش های کنونی در میان جناح های گوناگون که دامنه آن به صفوف "اصول گرایان" نیز بسط پیدا کرده است بخشی از درگیری های جناح های گوناگون کلان سرمایه داری کشور، برای تحکیم پایه های قدرت سیاسی و کنترل اهرم های کلیدی اقتصادی کشور برای دهه های اینده است.

سخنان غلامحسین الهام، عضو سابق شورای نگهبان و کارگزار احمد جنتی، که اینک به عنوان مشاور حقوقی رییس جمهوری انجام وظیفه می کند، نیات، مقاصد و آماج های واپس مانده ترین، قشری ترین و راست گراترین جناح حاکمیت را آشکار می سازد. الهام، در جریان همایش موسوم به "دهه بصیرت"، یادآوری کرد: "نباید ظرفیتی که برای کوبیدن فتنه ایجاد شده است جمع شود، چرا که با بایگانی و فراموش کردن آن ها، تجربه ها فراموش شده و فتنه جدید شکل خواهد گرفت."

نکته اساسی در این اظهار نظر الهام همان فراهم آوردن آنچنان شرایطی است که به قول آنها "فتنه جدید" نتواند شکل بگیرد. از این منظر موضع گیری های تهدید آمیز ولی فقیه، جنتی و کلیه عنصرهای تاریک اندیش و کودتاچی، در نماز جمعه ها و تریبون های دیگر در واقع ضمن هشدار دادن به مخالفان برای کنار رفتن بی سر و صدا از میدان مبارزه سیاسی در عین حال آگاهانه تهدید می کنند که مرحله بعدی برنامه های ارتجاع تثبیت حکومت خلیفه گری، از نوعی که طالبان خواهان استقرار آن در افغانستان بودند هست، و ارتجاع آماده است برای تحقق این برنامه خود میدان سرکوب و حذف فیزیکی و سیاسی مخالفان خود را تا "خیمه های" دیروزین "نظام" گسترش دهد.

کروبی در تأیید همین برنامه، در سخنانی که در "سحام نیوز" انتشار یافت، در پاسخ به پرسش "نوع تغییر و تحولات مدیریتی بعد از مرگ خمینی از جمله گفت: "یک هفته به حرمت فوت امام بازنگری تعطیل شد و بعد که مجدداً شروع کردیم متوجه شدیم که یک مرتبه همه چیز عوض شده. بیکباره ظرف یکهفته برخی افراد ولایتشان قوی شد و اصرار داشتند که بر اختیارات ولایت فقیه در قانون اساسی اضافه شود..."

مهدی کروبی همچنین در خصوص صحبت های اخیر جنتی از تریبون نمازجمعه گفت: "وقتی من حرف های ایشان را می شنوم یاد حرفهای شاه می افتم. جنتی با بیان این صحبت ها ادعای اعلیحضرتی شاه را دارد که به جای تاج، عمامه بر سر دارد. عملکرد انسانها مهم است و الا عمامه با تاج، کت و شلوار با قبا و لبّاده که ملاک نیست! حداقل شاه دین مردم را ابزار صحبت های خود نمی کرد ولی متاسفانه ایشان با لباس روحانیت و از جایگاه نماز جمعه دستور می دهند!"

ما در ماه های اخیر بارها اشاره کرده ایم که برنامه ارتجاع برای سرکوب کامل جنبش مردمی نه تنها پایان نیافته است بلکه باید منتظر تلاش ها و حملات بعدی ارتجاع حاکم بود. وضعیت کشور از زوایای گوناگونی بحرانی و نگران کننده است. از یک سو تحریم های اقتصادی، و سیاست های نولیبرالی دولت احمدی نژاد کشور را به کام بحران های حاد اقتصادی -اجتماعی کشانده است و از طرف دیگر با رژیمی سرکوب گر رو در روییم که کوچک ترین گام در راه دستیابی به ابتدایی ترین حقوق مردم میهن را با زندان و شکنجه و تبعید و کشتار و اعدام جواب می دهد. نظام فاسدی که دهه هاست بر اریکه قدرت سوار بوده است، از نظر سیاسی در داخل مورد تنفر توده ها ، در خارج منزوی، و از نظر اقتصادی ورشکسته است. رشد بیکاری و تعطیلی کارخانه ها، که حتی به هنگام فعالیت شان به لحاظ تولید بی رمق بودند، وضعیت بسیار اسفباری را به وجود آورده است که انفجار اجتماعی می تواند یکی از پیامدهای محتمل آن باشد. در طول سال های گذشته و اخیر جنبش نیرومند زنان و جنبش دلیرانه دانشجویی مقاومت های تحسین برانگیزی را در صحنه سیاسی ایران به ثبت رسانده اند که هم اکنون نیز در حال جریان است. تلاش در راه بالا بردن سطح سازمان یافتگی جنبش کارگری، با وجود همه دشواری ها پیش رو و حساسیت و فشارهای نیروهای امنیتی و تلاش برای برقراری پیوند نیرومندی میان مبارزات گردان های اجتماعی، از جمله مهمترین وظایف نیروهای مترقی و آزادی خواه کشور است.

از جمله اقداماتی که می تواند به تحقق چنین امری یاری رساند همکاری نزدیک همه نیروهای باورمند به تحولات ملی – دموکراتیک در یک صف واحد با برنامه روشن مبارزاتی است. آنچه مسلم است این است که سران رژیم خوب می دانند که جنبش اعتراضی توده ها که در فردای کودتای انتخاباتی 22 خرداد ماه 1388، به میدان آمد، با وجود سرکوب خشن و خونین همچنان به حیات نیرومند خود ادامه می دهد و منتظر فرصتی است تا دوباره استبداد حاکم بر میهن ما را به شکلی مستقیم به چالش کشد. از این روست که خامنه ای و سران رژیم مصمم اند که اجازه ندهند که جنبش اعتراضی و آزادی خواهانه مردم ما در اعتراض به کودتای نظامیان دوباره سر بلند نماید و ادامه حیات رژیم را با دشواری رو به رو کند. مبارزات میلیونی توده ها در یک سال و نیم گذشته، حاوی تجربیات گرانبهایی در زمینه یافتن راه کارهای کوتاه مدت و دراز مدت مناسب مبارزاتی بر ضد رژیم ولایت فقیه بود. باید با به کار گیری این تجربیات و استفاده از همه امکانات و روزنه ها، با انسجام و اتحاد عمل همه مبارزان راه آزادی میهن به مقابله با توطئه های رژیم برخاست

حذف یارانه ها، و مبارزه برای احیای حقوق سندیکایی زحمتکشان

برنامه آزاد سازی اقتصادی و پیامدهای آن بیش از هر زمان دیگری زندگی و امنیت شغلی طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان میهن ما را با چالش های نگران کننده روبه رو کرده است. هنوز از جراحی بزرگ اقتصادی دولت ضد ملی احمدی نژاد مدت زمانی طولانی سپری نشده است که آثار قانون هدفمند سازی یارانه ها موجب واکنش هایی از سوی زحمتکشان گردیده است. ایلنا، ۹ دی ماه، در گزارشی با اشاره به سیاست دولت احمدی نژاد در قبال حقوق و منافع کارگران یاد آوری کرد: " تاکنون این قدر تشکل های کارگری [تشکل های موجود در چارچوب حاکمیت] ضعیف نبوده اند ... بعد از این باید منتظر تصویب علنی قوانین ضد کارگری باشیم. تصویب هر مصوبه ای از سوی شورای عالی کار بدون حضور نمایندگان کارگران هم مخالف اصل سه جانبه گرایی در کار ... است و هم سازمان بین المللی کار با آن مخالف است. این کار مقدمه ای است برای افزایش ناعادلانه حقوق سال آینده کارگران. ..." از سوی دیگر همزمان با تبلیغات پر سر و صدای وزارت کار و امور اجتماعی پیرامون کاهش میزان اخراج ها، ایجاد اشتغال پایدار و جز این ها، یکی از اعضای پیشین شوارى عالی تامین اجتماعی و دبیر اجرایی خانه کارگر جمهوری اسلامی با صراحت انگشت اتهام را به سوی وزیر کار نشانه رفته و اعلام داشت که، مصوبه کار گروه بازنگری قانون کار غیر قانونی بوده، و به طور جدی منافع کارگران را تهدید می کند. ایلنا، ۱۳ دی ماه، در این زمینه گزارش داد: "... هیچ مقام مسئولی حق ندارد در جهت تضعیف گفتگوهای اجتماعی در مصوبات شورای عالی کار دخل و تصرف ایجاد کند. براین اساس مصوبه اخیر کار گروه اصلاح و بازنگری قانون کار غیر قانونی است و نمی توان جلسات شورای عالی کار را بر مبنای حضور اکثریتی اعضا تشکیل داد." همچنین نماینده کارگران کارخانه های استان خراسان رضوی، در مصاحبه یی با ایلنا، ۱۴ دی ماه، متذکر شد که، کارگران از به نتیجه رسیدن شکایات خود به ادارات کار ناامید هستند و این واقعیت را مسئولان وزارت کار پنهان می سازند. به این مسایل باید ورشکستگی کارخانه ها و واحدهای تولیدی را افزود که براثر حذف یارانه ها با موقعیت وخیم و شکننده ای روبه رویند.
بر پایه آمارهای رسمی، طی چند ماه اخیر فقط ۳۰۰ واحد کوچک و متوسط تولیدی ورشکسته و تعطیل شده اند. همچنین انتشار گزارش هایی مبنی بر اخراج نزدیک به ۱۲ هزار کارگر در شهرک صنعتی عباس آباد، که ایلنا، ۱۵ دی ماه، خبر آن را بازتاب داده است، و طلب ۶ هزار میلیارد تومانی شرکت های فعال در صنعت برق از وزارت نیرو که منجر به اخراج بسیاری از کارکنان این شرکت ها گردیده، تائیدی براین واقعیت است که با حذف یارانه سوخت روند ورشکستگی و همزمان با آن اخراج کارگران سرعت بیشتری به خود خواهد گرفت، یعنی امری که سپس شامل حال واحد های بزرگ صنعتی نیز می گردد.
آزادسازی اقتصادی و حذف یارانه ها، که اصلاح قانون کار در چارچوب آن صورت می گیرد، مهم ترین، عمده ترین و اصلی ترین عامل نابودی امنیت شغلی کارگران و زحمتکشان در مرحله کنونی است. مصوبه های کار گروه بازنگری قانون کار که باعث واکنش اعتراضی زحمتکشان گردیده، دقیقا ادامه برنامه جراحی بزرگ اقتصادی و جزءِ جدایی ناپذیر آن است. تلاش تب آلود دولت کودتا برای اصلاح قانون کار جنبه مشخص دیگری نیز دارد که در پیوند تنگاتنگ با حذف یارانه ها ست، و آن عبارتست از: ممانعت از شکل گیری، تقویت و تحکیم سازمان های صنفی کارگری! ارتجاع می کوشد برای اجرای "راحت" و "بی دردسر" آزاد سازی اقتصادی، مانع از تشکل یابی زحمتکشان شود. تغییر ترکیب شورای عالی کار حتی بدون اطلاع اعضا بر پایه جلسه کار گروه بازنگری و اصلاح قانون کار در آستانه تعیین حداقل دستمزدها برای سال آینده خورشیدی، یکی از نمونه های قابل توجه در این زمینه است. محروم بودن طبقه کارگر از حقوق سندیکایی خود به معنای ادامه وضعیت موجود و پیاده سازی برنامه های اقتصادی - اجتماعی نسخه برداری شده از فرامین صندوق بین المللی پول و بانک جهانی بدون برخورد با اعتراض های سازمان یافته در مراکز صنعتی، تولیدی وخدماتی است.
دولت کودتا با مشت آهنین در پی تحمیل برنامه های خود به جامعه است. بازنگری در قانون کار، حذف مواد حمایتی آن، احیای ماده ۳۳ قانون کار رژیم سرنگون شده سلطنتی، و تثبیت قرار دادهای سپید امضا و موقت، همگی به اصطلاح پوشش "قانونی" این مشت آهنین به شمار می آیند. دولت ضد ملی احمدی نژاد به خوبی آگاه است که در صورت وجود سندیکاهای مستقل کارگری، نمی تواند و نمی توانست برنامه های ضد مردمی اقتصادی- اجتماعی نظیر حذف یارانه ها را به یکباره، گستاخانه و با چنین بی شرمی به مرحله اجرا در آورد. هر گونه تشکل یابی و سازمان یافتگی زحمتکشان به هر شکل ممکن برای این دولت نامشروع و ضد ملی غیر قابل تحمل بوده و هست.
افزایش فشار به مبارزان جنبش کارگری، نظیر انتقال موقت منصور اسانلو به سلول انفرادی گوهر دشت با حکم زندان بهنام ابراهیم زاده و محاکمه مجدد رضا شهابی در زندان، اجرای حکم رییس هیئت مدیره سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه و انتقال او به

زندان قجرشهرستان دزفول، دستگیری یکی از فعالان کارگری در شهر سنندج در ۱۷ دی ماه، و پیگرد دائمی اعضا و فعالان سندیکای شرکت واحد و فلزکار مکانیک، و مواردی از این قبیل، نشانگر این واقعیت است.
اقدام های وزارت کار و مانورهای عوام فریبانه احمدی نژاد در قبال خواست های کارگران و زحمتکشان بر پایه این حقیقت، یعنی مخالفت و مقابله با تشکیلات کارگری، استوار است.
اکنون با اجرای آزاد سازی اقتصادی وحذف یارانه ها مطابق دستورات صندوق بین المللی پول و بانک جهانی، با تهاجمی وسیع و همه جانبه به حقوق و دستاوردهای تاریخی طبقه کارگر مواجه ایم. بنابر این، ضروری است که جنبش کارگری-سندیکایی ایران به هر شکل ممکن به تقویت صفوف خود پرداخته و با تلفیق مبارزه صنفی وسیاسی در راه پیوند مستحکم با جنبش سراسری ضد استبدادی حرکت کند. همچنین نباید فراموش کرد که، اجرای آزاد سازی اقتصادی صرفا منافع صنفی- رفاهی کارگران و زحمتکشان را تهدید نمی کند، بلکه این برنامه موقعیت و جایگاه سیاسی طبقه کارگر ایران را نیز مورد هدف و دستبرد راهزنانه قرار می دهد.
نقش، تاثیر و جایگاه طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان در تحولات حال و آینده صحنه سیاسی کشور به میزان بسیار بالایی به چگونگی واکنش و مبارزه امروز زحمتکشان با برنامه های اقتصادی-اجتماعی ضد مردمی دولت کودتا و تقویت هر چه بیشتر رابطه آن با جنبش همگانی ضد استبدادی داشته و دارد. بنابر این، ضروری است که با استفاده از همه گونه امکانات، از سویی مبارزه برای احیای حقوق سندیکایی زحمتکشان را تشدید کرده و لزوم تامین امنیت شغلی کارگران را با توجه به آزاد سازی اقتصادی برجسته ساخت، و از دیگر سو، اعتراض های پراکنده و به طور عمده تدافعی کنونی را، که به دلایل عینی و ذهنی استعداد و ظرفیت تحول به اعتراض های غیر تدافعی را دارا هستند، سازمان داده و جنبش ضد استبدادی را تقویت و تحکیم کرد.
در هفته های اخیر اعتراض کارگران صنعتی البرز، اعتصاب ۳۵۰۰ نفری شرکت لاستیک سازی بارز کرمان و ده ها نمونه دیگر مانند حرکت اعتراضی کارگران فرش پارس، کارگران شرکت کنف کار رشت، اعتصاب های کارگری در سیمان تهران، فولاد خراسان، نورد اهواز، نساجی کردستان و پتروشیمی تهران حاکی از نارضایتی ژرف در مراکز کارگری و وجود زمینه عینی و توان بالقوه برای سازمان دهی این اعتراض های پراکنده و تدافعی است. در هفته های آینده با جدی تر شدن بحث های مربوط به چگونگی تعیین دستمزدها، و نیز آشکارتر شدن اثرهای ناگوار آزاد سازی اقتصادی بر زندگی اکثریت مردم کشور، کارگران و زحمتکشان بر اساس قاعده در موقعیت حساس تری از رویارویی و اعتراض با دولت کودتا قرار می گیرند.
تامین منافع زحمتکشان و ارتقاءِ سطح پیکار جویی جنبش سراسری بر ضد کودتای انتخاباتی، به میزان زیادی به نوع اعتراض های جنبش کارگری و مقابله آن بستگی دارد. باید با دقت، ظرافت و هوشیاری منطبق با توان و ظرفیت کنونی جنبش کارگری مبارزات را از شکل پراکنده خارج و با ارتقاءِ سطح همبستگی میان زحمتکشان در برابر هجوم رژیم ولایت فقیه به دستاوردهای تاریخی طبقه کارگر، ایستادگی کرد. نباید گذاشت سرمایه داری غیر مولد وانگلی و دولت سرکوبگر حامی آن با اجرای ضد مردمی ترین برنامه ها آینده کشور و منافع کارگران و زحمتکشان را پایمال و با خطر جدی روبه رو سازد!

زحمتکشان و مبارزه برای دستمزد عادلانه

حذف یارانه ها و افزایش قیمت کالاها و دیگر هزینه های زندگی زمینه های عینی و ذهنی مناسبی برای تحکیم و تقویت جنبش کارگری فراهم می آورد و از این رو اقدام شش سندیکای کارگری در انتشار بیانیه ای مشترک، گامی اصولی و آگاهانه ارزیابی می گردد. حزب توده ایران-حزب طبقه کارگر ایران با همه امکانات و توان خود در این مبارزه دشوار و حساس مانند همیشه همراه طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان قرار داشته و دارد.
مبارزه سندیکاهای کارگری علیه آزادسازی اقتصادی و بسود افزایش عادلانه دستمزدها

در سال جاری تقارن تعیین حداقل دستمزدها با اجرای
قانون هدفمندسازی یارانه ها و آزادسازی اقتصادی چالشی جدی برای طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان میهن ما پدید آورده است.
در آستانه پایان سال و نزدیک شدن زمان برگزاری جلسات شورای عالی کار به منظور تعیین حداقل مزد سال آینده، شش تشکل صنفی کارگری با انتشار بیانیه ای ضمن توضیح فشرده ای پیرامون اثرات ناگوار حذف یارانه ها بر زندگی زحمتکشان خواستار افزایش دستمزدها متناسب با نرخ واقعی تورم شدند. این بیانیه مشترک از آنجا که دولت ضد ملی احمدی نژاد می کوشد با بهره گیری از امکانات متعدد خود مانع از تامین و تضمین حقوق و امنیت شغلی کارگران و زحمتکشان شده و برنامه های ضد مردمی اقتصادی-اجتماعی نظیر حذف یارانه ها را به جامعه و طبقات محروم تحمیل نماید، از اهمیت اساسی برخوردار بوده و نمایانگر هوشیاری جنبش کارگری کشور است.
بیانیه مشترک سندیکای کارگران شرکت واحد، سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه، هیات موسس بازگشایی سندیکای فلزکار و مکانیک، انجمن صنفی کارگران برق و فلز کار کرمانشاه و نیز اتحادیه آزاد کارگران ایران و کانون مدافعان حقوق کارگر خاطر نشان می کنند: "... حداقل دستمزدی که در طول سال های گذشته و بدون حضور نماینده واقعی ما در شورای عالی کار تعیین شده است به هیچ وجه در طول این سال ها کفاف هزینه های زندگی ما را نکرده است و با سیر صعودی هر ساله تورم، سال به سال ما کارگران و خانواده هایمان در فقر و فلاکت بیشتری فرو رفته ایم ... حداقل دستمزد کارگران در سال گذشته را ۳۰۳ هزار تومان تعیین کردند ... آیا تعیین چنین دستمزدی با اذعان به خط فقر ۱ میلیون تومانی جز این است که صراحتا ما کارگران را محکوم به زندگی در زیر خط فقر کرده اند؟ ... آیا واقعا حتی دو میلیون تومان دستمزد هم در شرایط اقتصادی کنونی و با آزاد سازی قیمت ها کفاف تامین شرافتمندانه هزینه یک خانوار چهار نفره را می دهد."
سندیکاهای کارگری سپس با اشاره به مداخله دولت کودتا و نادیده گرفته شدن حقوق بدیهی کارگران از جمله حقوق سندیکایی می افزایند: "ما امضا کنندگان این بیانیه اعلام می داریم حداقل دستمزد ما کارگران باید متناسب با تورم موجود و احتساب تامین شرافتمندانه هزینه یک خانوار چهار نفره در شرایط اقتصادی کنونی و با حضور و نظر نماینده های منتخب و واقعی کارگران تعیین بشود. زندگی در زیر خط فقر برای ما و خانواده هایمان غیر قابل تحمل است. ما کارگران با تلاش و اتحاد و پیگیری مطالبات خود از طریق ایجاد تشکل های مستقل به هر طریق ممکن به این وضعیت خاتمه خواهیم داد."
در لحظه حاضر مبارزه برای افزایش حداقل دستمزدها مطابق با نرخ واقعی تورم با توجه به اینکه برنامه ضد مردمی طرح تحول اقتصادی به اجرا گذاشته شده، از اولویت های جنبش کارگری در مصاف با استبداد و ارتجاع حاکم است. در چارچوب طرح حذف یارانه ها و آزاد سازی اقتصادی به تصریح همه طیف های موجود جنبش سندیکایی زحمتکشان، قدرت مانور جنبش کارگری برای تامین منافع صنفی و سیاسی با برنامه ریزی و محاسبه معین دولت کودتا هر چه محدود تر می شود. لذا سازماندهی اعتراضات حول شعار افزایش دستمزدها مطابق با نرخ واقعی تورم از آنجا که از سوی توده های کارگر در کارگاه ها و کارخانه ها مورد حمایت و پشتیبانی است، می تواند در ارتقاء سطح رزمندگی و پیکار جویی جنبش کارگری میهن ما و تقویت صفوف آن بسیار موثر باشد.
حذف یارانه ها و افزایش قیمت کالاها و دیگر هزینه های زندگی زمینه های عینی و ذهنی مناسبی برای تحکیم و تقویت جنبش کارگری فراهم می آورد و از این رو اقدام شش سندیکای کارگری در انتشار بیانیه ای مشترک، گامی اصولی و آگاهانه ارزیابی می گردد. حزب توده ایران-حزب طبقه کارگر ایران با همه امکانات و توان خود در این مبارزه دشوار و حساس مانند همیشه همراه طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان قرار داشته و دارد.

سایت حزب توده ایران
۱ بهمن ۱۳۸۹ - ۲۱ ژانویه ۲۰۱۱



این وضعیت برای کارگران غیرقابل تحمل است!

این وضعیت برای کارگران غیرقابل تحمل است!
• شش سندیکا و تشکل صنفی کارگری تاکید کرده اند، افزایش دستمزدها باید متناسب با افزایش تورم و گرانی ها باشد ...
اخبار روز: شش سندیکا و تشکل کارگری مستقل، با انتشار بیانیه ی مشترکی در مورد وضعیت دستمزد کارگران نوشته اند: ما امضا کنندگان این بیانیه اعلام میداریم حداقل دستمزد ما کارگران باید متناسب با تورم موجود و احتساب تامین شرافتمندانه هزینه یک خانوار چهار نفره در شرایط اقتصادی کنونی و با حضور و نظر نماینده های منتخب و واقعی کارگران تعیین بشود. زندگی در زیر خط فقر برای ما و خانواده هایمان غیر قابل تحمل است. ما کارگران با تلاش و اتحاد و پیگیری مطالبات خود از طریق ایجاد تشکل های مستقل به هر طریق ممکن به این وضعیت خاتمه خواهیم داد.
به گزارش سایت سندیکای کارگران شرکت واحد تهران و حومه، متن این اطلاعیه که به امضای سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه، سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه، اتحادیه آزاد کارگران ایران؛ هیئت موسس بازگشایی سندیکای فلزکار و مکانیک، کانون مدافعان حقوق کارگر و انجمن صنفی کارگران برق و فلز کار کرمانشاه رسیده، به شرح زیر است:
افزایش حداقل دستمزدها باید متناسب با تورم و تامین شرافتمندانه هزینه یک خانوار چهار نفره در شرایط اقتصادی کنونی باشد.
حداقل دستمزدی که در طول سالهای گذشته و بدون حضور نماینده های واقعی ما در شورای عالی کار تعیین شده است بهیچوجه در طول این سالها کفاف هزینه های زندگی ما را نکرده است و با سیر صعودی هر ساله تورم، سال به سال ما کارگران و خانواده هایمان در فقر و فلاکت بیشتری فرو رفته ایم.
قرار بوده است افزایش هر ساله حداقل دستمزد کارگران متناسب با تورم و سبد هزینه یک خانوار چهار نفره باشد. اما آیا در طول سالهای گذشته چنین چیزی در تعیین حداقل دستمزدها رعایت شده است؟ طبق اظهار نظر کارشناسان اقتصادی در سال گذشته خط فقر نزدیک به یک میلیون تومان بوده است اما حداقل دستمزد کارگران در سال گذشته را ۳۰۳ هزار تومان تعیین کردند که با احتساب سایر موارد قانونی مربوط به دستمزدهای کارگران حداکثر دریافتی اکثریت عظیم آنان به ۵۰۰ هزار تومان نیز نمیرسد. آیا تعیین چنین دستمزدی با اذعان به خط فقر یک میلیون تومانی جز این است که صراحتا ما کارگران را محکوم به زندگی در زیر خط فقر کرده اند؟ آیا چنین وضعیتی برای تعیین کنندگان حداقل دستمزد و خانواده های آنان قابل تحمل است که برای ما کارگران نیز قابل تحمل باشد. آیا واقعا حتی دو میلیون تومان دستمزد هم در شرایط اقتصادی کنونی و با آزاد سازی قیمتها کفاف تامین شرافتمندانه هزینه یک خانوار چهار نفره را میدهد؟

از نظر ما اگر قرار شده است قیمت اکثر کالاهای اساسی زندگی چندین برابر بشود ما کارگران نیز حق داریم دستمزدهای خود را به چندین برابر افزایش دهیم. آیا به جز این است که نیروی کار ما کارگران تنها کالایی است که ما از طریق فروش آن به صاحبان سرمایه امرار معاش میکنیم؟ آنوقت چرا باید وقتی نوبت تعیین قیمت نیروی کار ما کارگران فرا میرسد ما باید نظاره گر باشیم و عده ای در شورای عالی کار بدون حضور نمایندهای واقعی ما، قیمت نیروی کار ما را تعیین بکنند و یک زندگی زیر خط فقر را بر ما و خانواده هایمان تحمیل نمایند.
ما امضا کنندگان این بیانیه اعلام میداریم حداقل دستمزد ما کارگران باید متناسب با تورم موجود و احتساب تامین شرافتمندانه هزینه یک خانوار چهار نفره در شرایط اقتصادی کنونی و با حضور و نظر و با حضور و نظر نماینده های منتخب و واقعی کارگران تعیین بشود. زندگی در زیر خط فقر برای ما و خانواده هایمان غیر قابل تحمل است. ما کارگران با تلاش و اتحاد و پیگیری مطالبات خود از طریق ایجاد تشکل های مستقل به هر طریق ممکن به این وضعیت خاتمه خواهیم داد.

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه
سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه
اتحادیه آزاد کارگران ایران
هیئت موسس بازگشایی سندیکای فلزکار و مکانیک
کانون مدافعان حقوق کارگر
انجمن صنفی کارگران برق و فلز کار کرمانشاه
بهمن ۱۳۸۹

جایگاه تاریخی جنبش دوم بهمن، در پیکار برای الغای ستم ملی

جنبش دوم بهمن نقطه یک تحول بنیادین در تاریخ مبارزات خلق کرد به شمار می آید، که یکی از مهم ترین ویژگی های آن تشخیص درست دوستان و دشمنان خلق کرد بود. این جنبش خلقی مساله ملی، خواسته ها، و آرمان های مردم کرد را همچون جزیی از نهضت ترقی خواهانه سرتاسر ایران و تابعی از این مبارزه همگانی، و در چارچوب منافع عمده آن طرح و معرفی می کرد.

از هنگامی که در روز دوم بهمن ماه ۱۳۲۴ در شهر مهاباد و در یک گردهمایی ۲۰ هزار نفری، حکومت خود مختار کردستان در چارچوب ایران اعلام گردید، و زنده یاد قاضی محمد به ریاست این حکومت برگزیده شد تا به امروز خلق کرد تاریخ پرفراز و نشیبی از مبارزه برای رفع ستم ملی و تحقق آرمان های خود پیموده است.
برای کسانی که با تاریخ و گذشته مردم کرد آشنایی دارند، این حقیقت پوشیده نیست که جنبش دوم بهمن با ایجاد یک تحول و چرخش کیفی، و با پی ریزی اصول عمده مبارزات خلق کرد در دوران معاصر، منشأ خدمات انکار ناپذیر گردید. جنبش دوم بهمن، برخلاف نهضت های پیشین کردستان، با رهبری و سازمان دهی یک حزب انقلابی و دمکراتیک، یعنی حزب دمکرات کردستان پدید آمد و پیروز گردید. به علاوه، حکومت خود مختار کردستان در داخل کشور بر حزب توده ایران، نهضت ۲۱ آذر آذربایجان، و دیگر نیروهای ترقی خواه و میهن دوست تکیه داشت. برنامه اصلاحات دمکراتیک که توسط حکومت خود مختار در مدت کمتر از یک سال به مرحله اجرا درآمد، یکی از ویژگی های پراهمیت جنبش دوم بهمن محسوب می گردد. مطابق با این برنامه مترقی، نقشه نخستین موسسه های صنعتی تدوین گردید، سازمان زنان، انجمن نویسندگان و سازمان های اجتماعی متعددی به وجود آمدند. برای زنان درجامعه و خانواده حقوق مساوی با مردان تعیین و تامین شد. کانون های آموزش و بهداشت رایگان و همگانی پایه گذاری و در خدمت توده های محروم قرار گرفت. اولین ایستگاه رادیویی کردستان به کار انداخته شد، و به منظور رهایی دهقانان از قید و بند مناسبات پوسیده ارباب – رعیتی، نخستین گام در افزایش نسبت تقسیم محصول به سود دهقانان به پیش برداشته شد، و اراضی برخی فئودال ها به سود دهقانان بی زمین مصادره گردید. ایجاد چاپخانه و انتشار مطبوعات گوناگون از دیگر دستاوردهای اجرای برنامه اصلاحات دمکراتیک بود. نکته پراهمیتی که جنبش دوم بهمن در مرتبه یک نقطه عطف تاریخی بر آن تاکید اصولی داشت، ارایه تعریفی علمی از مساله الغای ستم ملی، و طرح و حل آن در چارچوب منافع و مصالح عمومی و عمده جنبش سراسری ضد امپریالیستی و ترقی خواهانه ایران است. بدون پیوند استوار و تنگاتنگ حکومت ملی وخود مختار کردستان با نهضت آزادی خواهانه سراسری آن روز ایران، این جنبش نمی توانست به یک مرحله کیفی و تعیین کننده درتاریخ خلق کرد فرا روید و اصول عام و عمده جنبش معاصر کرد را تعیین کند.
زنده یاد علی گلاویژ که پژوهش های علمی او در مسایل ملی از دقت ویژه ای برخوردارند، در توضیح ماهیت و نقش تاریخی جنبش دوم بهمن، از جمله نوشته است: ''حکومت ملی کردستان تحت رهبری حزب دمکرات کردستان ... طبق شرایط زمان و اوضاع ویژه کردستان به اصلاحات مادی و معنوی به سود خلق کرد دست زد. جنبش کرد را از حالت انزوا و از دسترس نفوذ ارتجاع و امپریالسم به در آورد و آن را بر مبنای انترناسیونالیسم رشد یابنده با جنبش آذربایجان و انقلاب سرتاسری ایران که طبقه کارگر و حزب توده ایران در مرکز آن قرار داشت پیوند داد ... و آن گاه به مقتضای سرشت خود و طبق اراده و نیازمندی های حیاتی خلق کرد همه این محتوی دمکراتیک و انقلابی را در قالب خود مختاری خلق کرد در داخل ایران ریخت و بدین وسیله ستم ملی را برانداخت ... بدون بیم و مبالغه باید این واقعیت را تکرار کنیم که این دوران کوتاه با روح دمکراتیک، محتوی انقلابی و سمت گیری درست خود .... به نسل های امروز و آینده خلق کرد یگانه راه آزادی را نشان داد'' (اسناد و دیدگاه ها، صفحه ۹۵).
زنده یاد قاسملو در کتاب خود با عنوان'' کردستان و کرد''، با اشاره به مساله کرد و ویژگی های آن در دوران معاصر، به لزوم تشخیص صحیح دوستان ودشمنان خلق کرد و نقش مخرب امپریالیسم تاکید کرده و می نویسد: ''بعد از جنگ اول تا به امروز دولت های امپریالیستی سعی در پراکندن تخم نفاق و اختلاف ملی نموده وخود را دلسوز و وکیل مدافع خلق کرد نشان داده اند، تا از این طریق جنبش آزادیخواهی ملی را دچار تشتت نمایند ... لازم به یادآوری است که سیاست موذیانه امپریالیست ها در بسیاری موارد موجب عدم پیروزی مبارزه آزادیبخش خلق کرد شده است. تجربیات چندین سال مبارزه خلق کرد و تجارب مبارزه خلق های دیگر در عصر حاضر درس های مهمی در این باره به ملت کرد آموخته است. شاید کمتر ملتی را بتوان یافت که به اندازه خلق کرد خون داده و رنج و محنت کشیده باشد تا بتواند دشمن اصلی خود یعنی امپریالیسم را بشناسد'' (کردستان و کرد، صفحه ۲۹۰ ، چاپ اول، ۱۹۹۶).
اهمیت توجه و به کار گیری تجربیات جنبش دوم بهمن در اوضاع حساس کنونی بر کسی پوشیده نیست.اعمال ستم ملی که با تبعیض وحشتناک مذهبی همراه است، ضرورت توجه به مطالبات خلق های ایران در مبارزه سراسری ضد استبدادی را برجسته می سازد. همچنین این مهم وظیفه حساسی را بردوش حزب های ملی و ترقی خواه خلق کرد قرار می دهد. پیوند ارگانیک و مستحکم میان جنبش های ملی – که در راه الغای ستم ملی پیکار می کنند – با جنبش سراسری، از یک سو به ارتقاءِ سطح همبستگی جنبش مردمی و تقویت و استحکام آن می انجامد، وَ از دیگر سو، زمینه و امکانات عینی و ذهنی حل مساله ملی و الغای ستم ملی در مجرای اصولی در جهت منافع خلق های ایران را فراهم می آورد. به ویژه آنکه، در اثر سیاست های مخرب و فاجعه بار رژیم ولایت فقیه، امروزه اوضاع مناطق کردنشین کشور بسیار متشنج بوده و فعالیت جریانات مذهبی ارتجاعی نگرانی های جدی را در کردستان و سراسر ایران برانگیخته است. دولت ضد ملی کودتا از ایجاد تنش در مناطق قومی از جمله در کردستان سود می برد، و همواره در طول یک سال اخیر کوشیده است با ایجاد فضای رعب و وحشت مانع از پیوند مبارزه ملی با جنبش سراسری شود. مانور نیروهای سرکوبگر سپاه و بسیج در آستانه اجرای برنامه ضد مردمی حذف یارانه ها در استان های غربی کشور، ترور و خشونت های اخیر در برخی شهرهای کردنشین مانند انفجار بمب در مهاباد، تشدید فشار بر اصلاح طلبان کرد، دانشجویان کرد، نهادها و انجمن های مردمی فعال در استان کردستان، و صدور حکم های ضد انسانی اعدام برای مبارزان کرد، و درگیری مسلحانه روز چهارشنبه ۱۵ دی ماه در میدان گاز شهر سنندج، همگی در راستای برقراری فضای امنیتی وایجاد تشنج و درگیری در مناطق قومی خصوصا کردستان است، که باید با هوشیاری این سیاست را افشا و خنثی ساخت.
کوتاه سخن:
جنبش دوم بهمن سرآغاز حیات نوین خلق کرد و چراغ راهنمای مبارزات ملی برای الغای ستم ملی در ایران است. وفاداری به سنن و آرمان های جنبش دوم بهمن – که بخش جدایی ناپذیر تاریخ مبارزاتی مردم ایران نیز هست – یگانه مسیر دست یابی به خواسته های خلق کرد و الغای ستم ملی و تامین حقوق برابر برای همه ساکنان ایران است.

يك سند تاريخي مهم
مربوط به رابطه حكومت ملي آذربايجان و جمهوري كردستان در سال ۱۳۲۵ شمسي.

هرچند مدت حکمرانی جمهوری کردستان و حکومت ملی آذربایجان در سالهای ۲۵- ۱۳۲۴ آنقدر طولانی نبود که این دو حکومت ملی – دمکراتیک بتوانند ارتباطات خود را در سطح وسیعی گسترش دهند. اما در همین مدت کوتاه نیز این دو حکومت رابطه بسیار صمیمانه و محکمی با هم برقرار نمودند که اساس آن بر حسن همجواری و احترام متقابل و همکاری برادرانه خلق های آذری و کرد قرار داشت.

این حکومت ها به منظور حل دمکراتیک مسائل مرتبط با مناطق کردنشین آذربایجان و نواحی آذری نشین کردستان، بجای اقدام به طرح ادعاهای ارضی که می توانست موجب مناقشه و نزاع گردد، مبادرت به امضای قراردادی نمودند که هنوز هم می تواند به عنوان یک سند پایه دمکراتیک و عادلانه مورد توجه احزاب و فعالین موثر در جنبش ملی این دو خلق برادر قرار گیرد.

در ادامه متن این قرارداد را که به امضا هر دو رهبر حکومت ملی آذربایجان و جمهوری کردستان، زنده یادان جعفر پیشه وه ری و قاضی محمد رسیده است، مشاهده می کنید:

متن قرارداد دوستی و همکاری صمیمانه میان حکومت ملی آذربایجان و حکومت ملی کردستان

ماده ۱– در محلهای لازم، میان هر دو حکومت ملی نماینده مبادله می گردد.

ماده ۲– در آذربایجان، در جاهایی که تعداد معینی از اهالی آن را کردها تشکیل می دهند، در ادارات دولتی آذربایجان کردها نیز مشغول بکار شوند. در کردستان نیز در جاهایی که تعداد معینی از اهالی آن را آذربایجانیها تشکیل می دهند، در ادارات دولتی کردستان آذربایجانیها مشغول بکار شوند.

ماده ۳– برای حل مشکلات مشترک اقتصادی هر دو ملت، کمیسیون اقتصادی تشکیل گردد و تصمیمات این کمیسیون با تلاش رهبران هر دو حکومت ملی اجرا شود.

ماده ۴– همکاریهای نظامی میان هر دو حکومت ملی آذربایجان و کردستان ایجاد می گردد و نیروهای نظامی هر دو حکومت در مواقع لزوم به یکدیگر کمکهای لازمه را انجام خواهند داد.

ماده ۵– در صورت لزوم مذاکره با حکومت تهران، باید میان هر دو حکومت ملی آذربایجان و کردستان توافق حاصل شود.

ماده ۶– حکومت ملی آذربایجان تا حد امکان شرایط رشد و شکوفایی زبان و فرهنگ ملی کردهایی که در آذربایجان زندگی می کنند را فراهم می سازد. حکومت ملی کردستان نیز تا حد امکان شرایط رشد و شکوفایی زبان و فرهنگ ملی آذربایجانیهایی که در کردستان زندگی می کنند را فراهم خواهد سازد.

ماده ۷– اشخاصی که تلاش نمایند روابط دوستی تاریخی و برادرانه دموکراتیک ملی هر دو ملت آذربایجان و کرد را بهم زنند و یا خللی بر آن وارد آورند، با اقدام مشترک هر دو حکومت مجازات خواهند شد.

این قرارداد در سوم اردیبهشت ماه سال ۱۳۲۵ در ساختمان مجلس ملی آذربایجان در شهر تبریز از سوی سید جعفر پیشه وری، رهبر حکومت ملی آذربایجان و قاضی محمد، رهبر حکومت ملی کردستان به امضاء رسید.

در مراحل مذاکره و امضاء قرارداد مذکور، علاوه بر نمایندگان مجلس ملی آذربایجان، اعضای کمیته مرکزی فرقه دموکرات کردستان و آذربایجان، نمایندگان دولت و عده ای از سران طوایف کرد حضور داشتند.

لزوم حمایت از حقوق اقلیت های مذهبی کشور

به دنبال تهدید و توهین مکرر به هم میهنان زرتشتی طی ماه های اخیر، و پس از دستگیری و بازداشت عده ای از هم میهنان اهل حق و بهایی به ترتیب در استان های کرمانشاه، آذربایجان شرقی و فارس، اینک نوبت به پیگرد و بازداشت وسیع مسیحیان کشور رسیده است!
پایگاه اطلاع رسانی جرس، ۱۵ دی ماه، گزارش داد: ''لئونارد کشیشیان شبان کلیسای جماعت ربانی اصفهان را روز جمعه ۱۰ دی ماه به اداره اطلاعات آن شهر احضار و بازداشت کردند ... این کشیش در حالی بازداشت می شود که در کلیسای محل خدمت وی به جز سرویس های عادی هفتگی و نیایش و پرستش هیچ فعالیت دیگری انجام نمی شد ... گفتنی است بنابه گزارش منابع خبری متعدد از شب کریسمس تاکنون بازداشت بیش از شصت تن از شهروندان مسیحی در تهران و سایر نقاط ایران ثبت شده است. در سال گذشته نیز کلیساهای جماعیت ربانی شاهین شهر و ارومیه تقریبا به تعطیلی کشانده شدند. ...'' در همین حال استاندار تهران روز سه شنبه، ۱۴ دی ماه، طی سخنانی، مسیحیان تبشیری را که در ایران فعالیت می کنند، جریانی ''فاسد و منحرف'' نامید و آن را مصداق برنامه تهاجم فرهنگی نام نهاد.
علاوه بر این ها، مدت هاست هم میهنان اهل تسن در مناطقی چون سیستان و بلوچستان به شدت مورد پیگرد قرار دارند و نمایندگی های ولی فقیه در شهرهای این استان برنامه ای برای مداخله علنی در اداره مدارس و مساجد اهل تسنن تدوین و آماده اجرا ساخته اند که با اعتراض های گسترده روبه رو شده است.
در استان کردستان نیز مشابه همین سیاست به ضد پیروان اهل تسنن جریان دارد وسبب تنش و بروز نارضایتی عمیق اجتماعی در میان مردم گردیده است. تعیین نماینده جدید ولی فقیه در استان کردستان در راستای همین نوع فشارها صورت گرفته است.
در تنگنا قرار دادن حقوق اقلیت های مذهبی و رواج همراه با زور و سرکوب قشریت مذهبی از نوع ولایی آن درجامعه، پیامدهای ناگوار بسیاری به بار آورده است. تأمین حقوق و تضمین امنیت اقلیت های مذهبی کشور، یعنی هم میهنان زرتشتی، آشوری، ارمنی، کلیمی، بهایی، پیروان اهل حق، دراویش و اهل تسنن، ارتباط تنگاتنگی با مبارزه برای آزادی عقیده و بر ضد اختناق و دیکتاتوری دارد. حمایت از حقوق اقلیت های مذهبی، افشا و محکوم کردن سیاست سرکوبگرانه دولت ضد ملی احمدی نژاد در قبال این هم میهنان مان، از زمره وظایف تاخیر ناپذیر همه حزب ها و نیروهای ترقی خواه و انقلابی کشور است.

ایران در مقام نخست مهاجرت نیروی نخبه

محمد توکل که در جمع نخبگان استان یزد سخن میگفت، با بیان اینکه «اکثریت مهاجرین به کشور آمریکا مراجعه نموده اند»، افزود: «براساس آمار صندوق بین المللی پول تا سال ۲۰۰۹ آمار مهاجرت نخبگان از ایران سالانه بیش از ۱۰۰ هزار نفر بوده است».
وی در ادامه با تصریح اینکه «سالانه ۴ نفر از ۵ نفری که در المپیادها و مسابقات بین المللی حائز رتبه برتر شده اند از کشور مهاجرت کرده اند»، تصریح کرد: «نخبگان برای بازگشت نیازمند توجیهاتی از قبیل فرهنگی، علمی و اقتصادی هستند، از این رو حرمت قائل شدن برای علم و اندیشمندان نباید تنها در تعریف و تمجیدهای زبانی محدود بماند».
هرچند پدیده مهاجرت نیروی نخبه از کشورهای پیرامون به کشورهای متروپل (صنعتی پیشرفته) امر تازه ای نیست و این بلیه همواره یکی از مشکلات کشورهای در حال توسعه ، در زمینه توسعه انسانی، اقتصادی علمی و فرهنگی به شمار رفته است، اما در واقع این هم یکی از برنامه های غیرانسانی و ظالمانه کشورهای سرمایه داری پیشرفته است که به جای صدور علم و تکنولوژی و کمک به رشد کشورهای توسعه نیافته، به انحای مختلف از جمله حمایت همه جانبه از استقرار رژیم های دیکتاتوری در این کشورها، عملا زمینه های فرار نخبه ها و کارشناسان زبده این کشورها را فراهم می نمایند و سپس خود به جذب آنها می پردازند تا از سویی در مسیر رشد و توسعه این کشورها خلل ایجاد کرده و آنها را از لحاظ نیروی انسانی زبده و کارآمد در تنگنا قرار دهند و از سویی دیگر با جذب و به کارگیری این نیروی انسانی ماهر بر رشد اقتصادی – علمی خود بیفزایند و کشورهای خاستگاه این نخبه ها را همچنان در حد یک بازار مصرف کالاهای تولیدی و فرآورده های صنعتی خود نگه دارند.
اکنون روند مهاجرت نیروی نخبه که به درستی از آن با عنوان «فرار مغزها» نیز نامبرده می شود، در ایران زیر سلطه رژیم ولایت فقیه بویژه با قدرت گیری باند کودتاچیان ابعاد بسیار وسیع و خطرناکی یافته است که این مسئله می تواند عوارض جبران ناپذیری بر توسعه کشورمان برجای بگذارد.
بدون شک باند کودتاچی حاکم، همانطور که با اجرای سیاست ضد ملی «حذف یارانه ها» علیرغم همه ی شعارهای ضد غربی اش ،عملا تبدیل به مجری سیاست های نهاد هایی چون بانک جهانی و صندوق بین المللی پول در ایران شد و به خواست دیرینه آنها مبنی بر حذف «سوبسید» از مایحتاج روزانه مردم،جامه عمل پوشید، با اعمال انوع فشار و توهین و ایجاد سرخوردگی در قشر تحصیل کرده و ماهر کشور، به طور روزافزونی زمینه فرار و مهاجرت آنها را به غرب فراهم نموده است.
بدون شک این مسئله را نیز بایستی به عنوان یکی دیگر از سیاست های ضد ملی باند کودتاچیان وابسته به ولی فقیه به شمار آورد و با آن به مقابله برخواست.

بدرود رفیق جواد ارتشیار


سال یکم دانشکدهٔ افسری - احسانی - ارتشیار

رفیق جواد ارتشیار که عمری در خدمت به آرمان های والای زحمتکشان در صفوف حزب توده ایران با اراده ای آهنین و کم نظیر رزمید، هفته پیش در تهران چشم بر جهان ما بست.

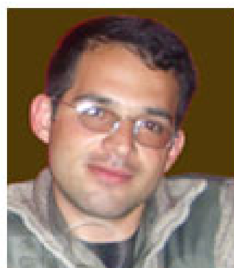
رفیق جواد تا آخرین دم حیات پر بارش به باورهای حزبی خود وفادار ماند، و با ایمانی راسخ به حقانیت مشی حزب توده های کار و زحمت چشم از جهان فرو بست. او پس از انقلاب به عضویت افتخاری کمیته مرکزی حزب توده ایران در آمد. زنده یاد رفیق جواد ارتشیار در سال ۱۳۰۱ در منطقه داراب خان استان کرمانشاه متولد شد، پس از تحصیلات ابتدایی و متوسطه در سال ۱۳۲۰ وارد دانشکده افسری گردید و در پایان همین دوران بود که به عضویت حزب توده ایران در آمد. با آغاز جنبش خلقی و دمکراتیک آذربایجان، از سوی حزب در مقام افسر به این جنبش و صفوف حزب دمکرات آذربایجان پیوست. پس از سرکوب جنبش ۲۱ آذر، همراه گروه دیگری از افسران توده ای، رفقا: تفرشیان، احسانی، تیوای و... به صفوف ملا مصطفی بارزانی پیوست، و پس از چندی در عراق دستگیر و زندانی شد. در ۱۳۲۹ از سوی دولت عراق تحویل دولت ایران گردید. رفیق ارتشیار همراه با دیگر افسران مبارز و میهن پرست توده ای در سال ۱۳۳۳ از زندان های تهران به جزیره خارک تبعید شد. او که پس از تحمل چندین سال زندان به خارک تبعید شده بود، همه عمال رژیم شاه را از مقاومت و پایداری دلاورانه خود به ستوه آورده بود. مشقات و سختی های زندان و تبعید در عزم وی در سپردن راه توده ها و باور او به آرمان هایش کوچک ترین خللی نتوانست وارد آورد.
رفیق در سال ۱۳۶۲ نیز، در یورش دوم به حزب توده ایران، دستگیر و چند سال در کمیته مشترک و اوین زندان بود.
در این دوره از زندان، وقار، شکیبایی، و شخصیت استوار او در اسارت رژیم تاریک اندیشی، الهام بخش جوانان نوخاسته توده ای در زندان بود. درگذشت رفیق ارتشیار را به خانواده، و رفقا تسلیت می گوییم. یادش گرامی و راهش پر رهرو باد.

رفیق رهبر از میان ما رفت

یلدای امسال رفیقی دیگر از کالبد حزب ما ربود! قلب نازنین رفیق زنده یاد دکتر علی اصغر رهبر، پس از عمری تکاپو و تلاش در راه بهروزی خلق از حرکت باز ایستاد. رفیق رهبر از دوران جوانی به جمع هواداران حزب توده ایران پیوست و تا پایان حیات پر بار خود به آرمان های حزب توده ها وفادار ماند. رفیق رهبر بعد از یورش گزمگان جمهوری اسلامی به حزب توده ایران، همچون بسیاری از رهبران و کادرها و هواداران حزب توده ایران روانه زندان شد و چند سالی در زندان تاریک اندیشان به اسارت سر برد. اینک دستان شفا بخش این پزشک محرومان دیگر بر دردهای مردم محروم کرج مرهمی نخواهند نهاد، و نگاه پرسشگر او دیگر دردها و آلام انسان ها را نخواهد کاوید. در گذشت آزاده ای اسارت کشیده و رفیقی پر صلابت را به خانواده اش و همه رفقا و دوستان حزب تسلیت می گوییم.

گرامی باد یاد و خاطره همه ی شهیدان و مبارزین راه آزادی ، دموکراسی و عدالت اجتماعی

حسین خضری،زندانی سیاسی کرد روزشنبه ۲۵ دی ماه اعدام شد.



حسین خضری متولد ۱۳۶۱ به اتهام اقدام علیه امنیت ملی از سوی شعبه اول دادگاه انقلاب اسلامی ارومیه و همچنین تایید شعبه ۱۰ دادگاه تجدید نظر استان اذربایجان غربی و تایید این حکم از سوی شعبه ۳۱ دیوان عالی کشور به اعدام محکوم شده است.

حسین خضری در حالی بامداد روزشنبه ۲۵ دی در زندان ارومیه اعدام شد که وکیل و خانواده ی این زندانی سیاسی از اجرای حکم اعدام وی اطلاع نداشتند و این حکم به صورت مخفیانه در زندان ارومیه به اجرا در آمده است.
گفتنی است که صدا و سیمای رژیم در خبری اتهامات حسین خضری را «شرکت در عملیات مسلحانه و کشتن یکی از ماموران نیروی انتظامی در پاسگاه مرزی گل شیخان شهرستان ارومیه در سال ۱۳۸۳» عنوان کرده است.
حسین خضری پیش تر تمامی این اتهامات را رد کرده بود و در ملاقات با خانواده اش از تلاش ماموران وزارت اطلاعات برای اخذ اعترافات تلوزیونی دروغین از وی خبر داده بود.
وی در تاریخ ۸۷/۵/۱۰ در شهرستان کرمانشاه توسط نیروهای سپاه نبی اکرم آن شهرستان دستگیرشد و مدت ۴۹ روز را در اختیار نیروهای سپاه نبی اکرم کرمانشاه بود. حسین خضری در طی این زمان متحمل شکنجه های روحی و جسمی متعددی در زمان بازجویی ها شده بود.

این زندانی سیاسی در رنجنامه ای که قبل از اعدام در اختیار خبرگزاری هرانا قرار داده بود شکنجه های جسمی خود را به قرار زیر اعلام کرده بود:

۱- کتک زدن به مدت چندین ساعت در هر روز

۲- ایجاد فشار روحی و روانی در حین بازجویی

۳- تهدید بازجویی هایم مبنی بر آنکه اگر آن مواردی که ما میگوییم قبول نکنی به برادر و داماد خانواده شما میتوانیم برچسب فعالیت های غیرقانونی علیه نظام بزنیم

۴- ضربه زدن با لگد به اندام های تناسلی من و خونریزی و تورم آن نواحی از بدنم به مدت چهارده روز

۵- پارگی پای راستم تقریبا به اندازه ۸ سانتیمتر به علت ضربه محکم پای بازجو که هنوز قابل مشاهده است

۶- وارد کردن ضربات متعدد به تمامی بدنم با باتوم

آزادی فوری و بدون قید و شرط برای تمامی زندانیان سیاسی و عقیدتی

بدنبال تداوم اعمال خشونت آمیز، احضار و دستگیریهای خودسرانه، محاکمه ، زندان، کشتار و اعدام های علنی و غیرعلنی دولتی که در مناطق مختلف ایران توسط رژیم ددمنش ولایت فقیه اجرا می شود .
طی سال جاری ۷ فعال سیاسی کرد به اسامی احسان فتاحیان، فصیح یاسمنی، فرزاد کمانگر، شیرین علم هولی،علی حیدریان، حسین خضری و فرهاد وکیلی در زندانهای جمهوری اسلامی اعدام گردیده و هم اینک ۱۵ زندانی سیاسی دیگر که با احکام اعدام روبهرو شده اند در انتظار اجرای احکامشان به سر می برند.
اسامی زندانیان سیاسی کرد محکومش به اعدام به شرح زیر است:
۱-مصطفی سلیمی فرزند عبدالله، اهل روستای ئیلوو منطقه تیلکو از توابع شهرستان سقز
۲-حبیب اله لطیفی دانشجوی رشته مهندسی صنایع در یکی از دانشگاههای ایلام
۳-زینب جلالیان متولد سال ۱۳۶۱ در ماکو
۴-شیرکوه معارفی ۳۰ ساله، اهل بانه
۵-رشید آخکندی
۶-انور رستمی فعال سیاسی ساکن شهرستان جوانرود در استان کرمانشاه
۷-رستم ارکیا زندانی سیاسی اهل ماکو
۸-سید جمال محمدی اهل شهرستان سلماس
۹-سید سامی حسینی اهل شهرستان سلماس
۱۰-ایرج محمدی سی ساله اهل شهر میانداوب
۱۱-محمد امین آگوشی ۵۰ ساله، معلم باز نشسته، اهل شهر پیرانشار ۱۲- احمد پولادخانی ۴۰ ساله اهل شهرستان پیرانشهر و کشاورز
۱۲-حسن طالعی اهل شهر ماکو
۱۳-عزیز محمد زاده فرزند علی و ۲۶ ساله اهل بانه
۱۴-حبیب ا... گلپری پور اهل سنندج
در این میان محمد امین آگوشی و احمد پولادخانی به اعدام از طریق تیرباران محکوم شدهاند که احکام آنان نیز به تائید دیوان عالی کشور رسیده است.
علاوه بر این از سرنوشت «عزیز محمد زاده» دیگر زندانی سیاسی کرد محکوم به اعدام پس از گذشت حدود ۱۱ماه همچنان هیچ اطلاعی در دست نیست. این در حالی است که خانواده این فعال کرد محکوم به اعدام هیچ اطلاعی از وضعیت نامبرده ندارند و این رویه نگران کننده را مشکوک می دانند، تا جایی که پنهان کاری مسئولان مربوطه باعث تقویت احتمال کشته شدن این زندانی سیاسی را به دنبال داشته است .
از آنجا که این سرکوب و خفقان از بدو استقرار جمهوری اسلامی تاکنون ادامه داشته و بویژه در دوران دولت کودتا احمدی نژاد آهنگ پرشتاب تری به خود گرفته است، لذا کمیته دفاع از حقوق اقوام و کانون دفاع از حقوق بشر در ایران نسبت به تداوم رفتارهای غیر قانونی، دستگیری، زندان، شکنجه و اعدام ها اعتراض نموده و خواهان آزادی بدون قید و شرط زندانیان سیاسی می باشد
آزادی فوری و بدون قید و شرط تمامی زندانیان سیاسی و عقیدتی را خواهانیم.

کمیته دفاع از حقوق اقوام
کانون دفاع از حقوق بشر در ایران

بیانیه شورای هماهنگی اصلاح طلبان کرد در خصوص وقایع اخیر کشور و کردستان

بحرانی تر کردن فضای سیاسی کشور به سود هیچ کس نیست
در سالگرد حوادث دردناک عاشورای ۸۸ که خشن ترین روش سرکوب جوانان معترض به نتایج انتخابات دهم ریاست جمهوری در ایران را به نمایش گذاشت، متاسفانه همچنان شاهد رفتارهای خشن، تحریک آمیز و بحران آفرین از سوی گروه تندرو حاکم بر کشور هستیم. تشدید حملات رسانه ای علیه رهبران جنبش سبز، گسترش موج دستگیری فعالان سیاسی، فرهنگی و جوانان – و به ویژه فعالان دانشجویی – و نیز تداوم اعدام های سیاسی ، نشانگر وجود اراده ی جدی برای تشدید بحران و امنیتی تر کردن فضای سیاسی، اجتماعی و فرهنگی کشور است. مشخص نیست در حالی که اجرای قانون هدفمند کردن یارانه ها با تبعات سنگینی که در حال و آینده برای کشور خواهد داشت، چرا همچنان بر امنیتی تر شدن فضای کشور اصرار می شود . اطلاعات اندکی که از منابع موثق حکومتی و منابع بین المللی بدست آمده است گویای این واقعیت است که شرایط اقتصادی کشور و شاخص های آن از جمله رشد اقتصادی، میزان اشتغال، حجم و ریسک سرمایه گذاری ، به هیچ وجه در وضعیت مطلوبی قرار ندارد. در عرصه فرهنگ وهنر نیزبرخوردهای های امنیتی در قبال هنرمندان متعهدی نظیر جعفر پناهی و محدویت های بی شمار علیه اهالی فرهنگ ، چهره نا مطلوبی از عملکرد حاکمان به نمایش گذاشته است. این در حالی است که در سیاست خارجی نیز، ژست های توخالی در نشست های بین المللی و رفتار های توهین آمیز که آخرین نمونه آن را در مورد وزیر خارجه سابق شاهد بودیم نتیجه ای جز هتک حرمت ایرانیان نداشته است و در کنار فضای بسته و خوفناکی که در داخل کشور حاکم کرده اند، نشان از ناکارآمدی شدید حکومت درابعاد مختلف دارد.
اینک بر خلاف ادعاهای دولتمردان اقتدارگرا که بارها از مرگ جنبش سبز گفته اند، هر روز به بهانه ای گروهی از فعالان سیاسی و اجتماعی را مورد اذیت و آزار و تهدید قرار داده و با حرکات ناپسند و ارعاب ، ضمن ایجاد نگرانی در زندانیان سربلند و خانواده های آنان، همچنان بر طبل جنگ و خشونت می کوبند . اعلام اعدام قریب الوقوع یک جوان کرد بنام حبیب الله لطیفی و متعاقبا دستگیری تعدادی از شعرا، نویسندگان و فعالان سیاسی و اجتماعی کرد در سنندج، اقدامات تحریک آمیز دیگری است که جز ایجاد فاصله بیشتر بین ملت وحاکمان نتیجه دیگری نخواهد داشت.
شورای هماهنگی اصلاح طلبان کرد در چارچوب رویکرد اصلاح طلبانه خود همانگونه که در بیانیه های قبلی تاکید کرده است ، ضمن محکوم نمودن روش های خشونت آمیز باند اقتدارگرا ی حاکم بر کشور، اعدام جوانان بی گناه و بی دفاع و دستگیری شعرا، نویسندگان، فعالان سیاسی و مدنی کرد را محکوم و به صراحت اعلام می دارد: سوق دادن فضای سیاسی کشور به سمت خشونت بیشتر و رفتارهای ناعادلانه حاکمان علیه فعالان سیاسی – اجتماعی کرد را چیزی جز مجازات مضاعف کردها به خاطر همراهی با جنبش سبز ارزیابی نمی کند. ما بر این باوریم که این فشارها به منظور منصرف نمودن فعالان سیاسی کرد از همراهی با جنبش اعتراضی ملت ایران که پس از انتخابات رسوای اخیر از شتاب بیشتری برخوردار شده است،صورت می گیرد. تردیدی نداریم که اینگونه ترفندها به راسخ تر شدن اراده جوانان کرد در ادامه رویکرد مدنی و مسالمت آمیز شان خواهد انجامید چرا که تجربه ده ها سال مبارزه به ویژه تجارب بدست آمده از سه دهه اخیر به خوبی نشان داده است که جز همبستگی آحاد ملت و همگرایی همه اقوام وجریان های سیاسی کشور راهی برای تحقق دمکراسی و استیفای حقوق ایرانیان وجود ندارد .
بعنوان یک جریان اصلاح طلب به همه گروهای های سیاسی اعلام می کنیم همانگونه که رهبران جنبش سبز بارها تکرار کرده اند واخیرا نیز سید محمد خاتمی برآن تاکید نمود، بازگشت ثبات و آرامش و عادی سازی وضعیت کشور، جز در سایه برگزاری انتخابات آزاد غیر استصوابی ، آزادی همه زندانیان سیاسی ، حذف فضای امنیتی حاکم بر کشور و اعاده حیثیت از صدمه دیدگان حوادث پس از انتخابات میسر نخواهد شد. از سوی دیگر به حاکمان کشور توصیه می کنیم به جای اعدام وزندان و نشان دادن داغ و درفش به مبارزان راه آزادی ، طریق صواب پیش گرفته و اجازه دهند ملت خود سرنوشت اش را رقم زند.

شورای هماهنگی اصلاح طلبان کرد
دوازدهم دیماه ۱۳۸۹

ماهنامه کازیوه را به دوستان و آشنایان خود معرفی کنید!

سقوط دیکتاتوری در تونس!

انتظار می رود جنبش اعتراضی مردم تونس، که و اکنشی به نبود دموکراسی و عدالت اجتماعی در این کشور است، در راستای دموکراتیک شدن حیات سیاسی کشور، اجرای اصلاحات به نفع مردم، ایجاد اشتغال، و فقرزدایی ادامه پیدا کند.

پس از قریب یک ماه ناآرامی های وقفه مردمی ، با رسیدن موج تظاهرات اعتراضی به پایتخت در روز ۲۲ دی ماه، عجز دولت از پاسخ گویی به خواسته های زحمتکشان و ادامه شدت عمل پلیس و نیروهای امنیتی و نظامی که روی تظاهرکنندگان آتش گشودند، در طول پنج روز تاریخی ۲۰ تا ۲۴ دی ماه، پرونده ننگین رئیس جمهوری فاسد و دیکتاتور این کشور بسته شد. این تظاهرات ها، که در جریان آن نزدیک به صد نفر کشته و بسیاری زخمی شده اند، جدی ترین چالش زین العابدین بن علی، رئیس جمهوری ساقط شده کشور در طول ۲۳ سال قدرت مداری او بود. تظاهرات بی سابقه در تونس، پایتخت کشور، در روز ۲۴ دی ماه، و اعتصاب عمومی کارگران در این روز، دولت زین العابدین بن علی، دیکتاتور تونس را مجبور به کناره گیری از قدرت و فرار او و خانواده اش از کشور و پناه بردن به عربستان سعودی کرد. به دنبال فرار دیکتاتور، در کشور شرایط اضطراری اعلام شد و نخست وزیر تونس اعلام کرد که برای تشکیل یک دولت جانشین اقدام خواهد کرد.
راه پیمایی روز جمعه ۲۴ دی ماه از سوی اتحادیه عمومی کارگران تونس ''یو.جی.جی.تی''، که بیش از ۳۰۰/۰۰۰ نفر عضو دارد، سازمان دهی شده بود. این اتحادیه همچنین در این روز یک اعتصاب نمادین دوساعته را در پایتخت سازمان داد. ''یو.جی.جی.تی'' از آغاز تظاهرات اعتراضی مردم در آذر ماه، از خواسته های جنبش حمایت کرده و اتحادیه های کارگری تونس را به شرکت وسیع در آن تشویق کرد. ''یو.جی.جی.تی'' ضمن ابراز همبستگی با مردم تونس، حمایت خود را از خواسته های تظاهرکنندگان بر مبنای تدوین و اجرای مدلی از توسعه که '' فرصت های برابر ، حق کار و فرصت های شغلی مناسب و معقول، و در آمدهای پایداری که کفاف نیازهای ضروری زحمتکشان را بدهد و آن را تضمین کند'' اعلام کرده بود. قبل از آخرین پرده رویارویی مردم با رژیم، عزل وزیر کشور از طرف رئیس جمهوری در روز چهارشنبه ۲۲ دی ماه در پاسخ به خواست جنبش اعتراضی، عدم اطمینان و احساس ناتوانی رئیس جمهوری در تصمیم گیری برای اقدام به حرکت های بعدی را به نمایش گذاشته بود، یعنی امری که در طول ۲۳ سال گذشته بی سابقه بوده است. روز دوشنبه ۲۰ دی ماه، رئیس جمهوری ساقط شده در حالی که قول ایجاد ۳۰۰/۰۰۰ شغل در سال ۲۰۱۱ و ۲۰۱۲ برای مقابله با بیکاری را می داد، مدعی شد که تظاهرکنندگان از سوی چپ گرایان و نیروهای اسلامی تحریک شده اند، و به اقدامات تروریستی متهم شان کرد. زین العابدین بن علی در سخنرانی خود در روز ۲۳ دی ماه، ضمن قبول اینکه در دور بعدی کاندیدای ریاست جمهوری نخواهد شد و به تضمین آزادی های سیاسی و آزادی رسانه ها ابراز تعهد کرد، خواستار ''آتش بس'' شد و گفت:'' من خواسته های مردم در مورد بیکاری، در مورد خواسته های ضروری و خواسته های سیاسی برای آزادی های بیشتر را درک می کنم.'' ولی مشخص بود که تظاهرکنندگان که به عملکرد رژیم وکوشش های مذبوحانه اش برای خاموش کردن شعله های خشم مردم و ادامه حاکمیت دیکتاتوری فاسد و نولیبرال آگاه اند، هیچ گونه تمایلی به مصالحه با سرکوبگران از خود نشان ندادند. تظاهر کنندگان شعار می دادند: ''بن علی باید برود!''، ''محاکمه عمومی برای خانواده رئیس جمهور!'' و ''آری ما به آب و نان است ، اما نه به بن علی است!'' و پلاکاردهائی را بر مَی افراشتند که در آن ها آمده بود: ''ما فراموش نخواهیم کرد !'' که به کشته شدن ۵۰ تن از آغاز تظاهرات در ماه دسامبر از سوی نیروهای دولتی اشاره داشت.

همبستگی بین المللی

حزب کمونیست لبنان با اعلام همبستگی خود با تظاهرکنندگان، در بیانیه یی، در هفته گذشته، رئیس جمهوری ساقط شده و اعوان و انصار اورا به اعمال ''نولیبرالیسم خشن'' در کشور که ''به بیکاری لجام گسیخته و فقرزدگی بی سابقه در حالی که جیب های خودشان از پول لبریز است، انجامیده '' متهم کرد. حزب کمونیست لبنان قیام مردم تونس بر ضد دولت فاسد و تبار گمار (نپوتیستیک) '' را برحق دانست. کنفدراسیون بین المللی اتحادیه های کارگری،'' آی تی یو سی'' در بیانیه یی به تاریخ ۲۲ دی ماه، از سازمان ها و اتحادیه های کارگری عضو این ''کنفدراسیون'' در سراسر جهان خواست تا با برپایی کارزارهای همبستگی، اعضای خود را بر ضد سرکوب خونین تظاهر کنندگان از سوی دولت تونس در جریان تظاهرات اخیر بسیج کنند.
در ادامه این بیانیه، شارون بارو، دبیر کل ''آی تی یو سی''، ضمن حمایت از خواسته های تظاهر کنندگان برای ارائه یک برنامه توسعه عادلانه، گفت : ''تظاهرکنندگان جوانان از جان گذشته ای هستند که خواستار درآمدی کافی برای یک زندگی ساده اند. وظیفه مقامات رسمی انجام همه گونه اقدام ضروری به منظور رسیدن به این هدف است.''
''آی تی یو سی'' از تعهد دولت به ایجاد اشتغال استقبال کرد، ولی گفت که، دولت باید ''اقدامات مشخصی'' را به مرحله عمل بگذارد. خانم شارون بارو اظهار داشت که، دولت به حقوق سندیکائی کارگران و آزادی های اساسی از قبیل آزادی بیان باید احترام بگذارد.
''آی تی یو سی'' در بیانیه منتشر شده در شب چهارشنبه خود، گفت که تصور می شود بیش از ۵۰ تن از مردم در سرکوب ها کشته و بسیاری دیگر مجروح شده اند.

قیام چگونه آغاز شد؟

طبق گزارش رسانه‌ها، شماری از شهرهای کشور آفریقایی تونس، از آغاز آذر ماه شاهد ناآرامی‌ها و تظاهرات مردم، و به‌ویژه جوانان و دانشجویان و وکلا، در اعتراض به بیکاری گسترده و وخامت وضعیت اقتصادی و گذران زندگی بوده است که بزرگ ترین جنبش اعتراضی در دهه اخیر محسوب می‌شود. خشم از ابعاد بیکاری ، هزینه های زندگی، و نیز از کارنامه دولتی که سرکوبگر و فاسد است، زمینه آغاز و وسعت گیری تظاهرات اعتراضی مردم تونس بوده است.
این جنبش اعتراضی با تظاهرات روز چهارشنبه ۸دی ماه (۲۹ دسامبر ۲۰۱۰)، که مورد حمله نیروهای امنیتی قرار گرفت به مرحله جدیدی وارد شد. حزب کمونیست مصر، در بیانیه ۸ دی ماه خود از قیام زحمتکشان تونس برای خواسته های عادلانه خود در زمینه اشتغال، تضمین بهره گیری از منابع کشور برای یک زندگی مناسب، حق آموزش و پرورش ، و مراقبت های بهداشتی، حمایت کرد. در بیانیه کمونیست های مصر، که در ارتباط نزدیکی با نیروهای چپ و جنبش کارگری تونس عمل می کند، آمده است: ''آنچه امروز در تونس در حال وقوع است نمایشگر مبارزه و قیام فقرزدگان در دفاع از خود و حقوق عادلانه شان است ... این پاسخ طبیعی به خونتای نظامی وابسته به نیروهای سوءِ استفاده گر و غارت نظام مند منابع و دارائی

های متعلق به مردم، به نمایندگی پرزیدنت بن علی و حکومت استبدادی او، است، که فقرزدگان را از ساده ترین حقوق خود محروم کرده اند.''
تونس یکی از کشورهای کوچک آفریقایی در شمالی‌ترین نقطه این قاره و در جنوب دریای مدیترانه است که گردشگری و سرمایه‌گذاری‌های خارجی، از جمله در بخش نساجی و تولید صنعتی، از عمده‌ترین منابع درآمد آن است. بزرگ ترین شریک تجاری این کشور، اتحادیه اروپاست که سهم آن در صادرات و واردات تونس بیش از ۷۰ درصد است. رئیس جمهوری این کشور، زین‌العابدین بن علی، از حزب ''مجمع دموکراتیک قانون اساسی''(''التجمع الدستوری الدیموقراطی'') است که پس از حبیب بورقیبه، نخستین رئیس جمهوری این کشور، از سال ۱۹۸۷ تا کنون سمت



ریاست جمهوری تونس را به عهده داشته است.
به دنبال ایجاد تعداد زیادی دانشگاه و دیگر مؤسسات آموزش عالی در سال‌های اخیر ، شمار دانشجویان کشور افزایش بی‌سابقه‌ای داشته است، به طوری که امروزه از هر سه جوان، یکی دانشجو است. اما اقتصاد کشور و شمار فرصت‌های شغلی تازه، همپای این افزایش نیروی تحصیل کرده رشد نکرده اند. در نتیجه، امروزه نرخ بیکاری در بین جوانان دارای تحصیلات عالی دست‌کم ۳۰ درصد است، و بیشتر مشاغل موجود و تازه، در رده کارهای ساده‌ای اند که نیاز به تخصص بالایی ندارند. نرخ عمومی بیکاری در کشور، اکنون حدود ۱۴ درصد است. از سوی دیگر، رکود اقتصادی در اتحادیه اروپا نیز، که شریک تجاری عمده تونس است، تأثیری منفی بر وضعیت اقتصادی تونس، نرخ تورم، بازار کار و صادرات این کشور داشته است. از عوامل دیگری که موجب نارضایتی رو به افزایش در بین بخشی از جمعیت ۵/۱۰ میلیون نفری تونس شده است، نبودِ آزادی بیان و محدودیت مشارکت آزادانه مردم در حیات سیاسی کشور، فساد فزاینده در رده‌های دولتی و حکومتی، و افزایش فاصله میان ثروتمندان (به طور عمده ساکن مناطق شمالی و ساحلی کشور) و تهی‌دستان (به طور عمده ساکن مرکز و جنوب کشور) است. قابل توجه است که، حدود ۹۰ درصد سرمایه‌گذاری‌های خارجی در مناطق ساحلی شمال کشور صورت می‌گیرد که از رونق اقتصادی برتری نسبت به بقیه کشور برخوردار است. همین امر، موج مهاجرت ''جنوبی''ها به ''شمال'' را در جستجوی کار در پی داشته است. واقعیت دیگر این است که، بخش بزرگی از کسب و کارهای عمده در تونس به نوعی با خانواده بن علی مربوط می‌شوند، و از این پیوندهای تباری و خویشاوندی در تأمین و پیش بُرد منافع سود برده می شود.
تظاهرات و ناآرامی‌های اخیر در پی خودسوزی یک فارغ‌التحصیل دانشگاهی بیکار به نام محمد بوعزیزی رخ داد که برای تأمین معاش بساط فروش میوه و سبزی به پا کرده بود، اما مأموران انتظامی شهر ''سیدی بوزید'' به بهانه نداشتن پروانه دست‌فروشی بساط او را به هم ریخته بودند. اگرچه به علت مهار امنیتی شدید، تظاهراتی از این دست در تونس در دهه‌های اخیر کم‌سابقه بوده است، اما همین خودسوزی در اعتراض به بیکاری و خشونت نیروهای انتظامی، بهانه یی شد که جوانان بیکار به خیابان‌ها بریزند. تا این تاریخ حدود چهار هفته بود که تظاهرات در شهرهای مختلف، و از جمله در پایتخت، تونس، که بزرگ ترین شهر کشور نیز است، ادامه داشت. در پایتخت، جوانان و دانشجویان و وکلا و قشرهای دیگری از مردم که از طریق شبکه‌های اجتماعی و پیامک یکدیگر را خبر کرده بودند، در یکی از منطقه های مرکزی شهر گرد هم می آمدند که با حمله نیروهای انتظامی روبه‌رو می شدند. در خلال این روزها، نیروهای امنیتی به تناوب با قطع موقتی شبکه‌های اینترنت و تلفن‌های موبایل سعی کردند در ارتباط گیری مردم اخلال ایجاد کنند. در تجمع دیگری در پایتخت، حدود هزار نفر در برابر اتحادیه عمومی کارکنان دولت تونس گرد آمدند که پلیس به آنان هجوم برده و متفرق شان کرد. گفته می‌شود که در یکی از این تظاهرات، دو تن از تظاهرکنندگان جوان کشته شدند. در پی این ناآرامی‌های مردمی، رئیس جمهوری، بن علی، در یک نطق تلویزیونی ،۸ دی ماه، ضمن اینکه قول داد دولت برای جوانان ایجاد شغل خواهد کرد، اعلام کرد که، آشوبگران به شدت مجازات خواهند شد. او افزود: ''قانون بی‌کم و کاست اجرا خواهد شد'' و هشدار داد که، هدف قانون، مجازات ''اقلیتی از افراطی‌ها و مزدوران خواهد بود که متوسل به خشونت و اغتشاش می‌شوند.'' بن علی با بیان اینکه خشونت‌های اخیر زیر نفوذ و هدایت رسانه‌های خارجی صورت گرفته است و چهره کشور را لکه‌دار کرده است، وزیر ارتباطات دولت را از کار برکنار کرد.
حزب ''دموکراتیک ترقی‌خواه'' تونس، که از حزب‌های عمده مخالف دولت است، روز چهارشنبه ۸ دی ماه اعلام کرد که، در تظاهرات اخیر شماری از شخصیت‌های اپوزیسیون ، از جمله یک روزنامه‌نگار، یکی از اعضای حزب ممنوع شده ''کمونیست کارگران'' تونس که از سخنگویان تظاهرکنندگان در شهر سیدی بوزید بود، و نیز شماری از هواداران حزب احیای سوسیالیستی، دستگیر شده‌اند. پیکار امروز مردم تونس ریشه در نابرابری‌های اجتماعی در این کشور دارد و واکنشی بوده است به محروم بودن زحمتکشان از پایه‌ای‌ترین حقوق اجتماعی، و سرکوب آنان از سوی نیروهای حاکم به نمایندگی بن علی و رژیم خودکامه تونس. اتحاد نیروهای صنفی و اجتماعی، و همگامی و همکاری نیروهای هوادار سوسیالیسم با این جنبش اجتماعی، ضامن عملی شدن خواست های پایه‌ای مردم و تأمین دموکراسی و آزادی‌های همگانی، و کسب مزایای اجتماعی برای توده مردم، از جمله بیکاران و طبقه کارگر خواهد بود که به نوبه خود می‌تواند به تغییرات دموکراتیک گسترده‌تر به سود مردم فراروید. حزب توده ایران، پیگیرانه مخالف سیاست های سرکوبگرانه دولت و رژیم حاکم در تونس بوده و در فرصت های مقتضی همبستگی خود با زحمتکشان و نیروهای ترقی خواه و دموکراتیک این کشور را اعلام کرده است. در ملاقات هیئت نمایندگی کمیته مرکزی حزب توده ایران با رفیق ''عبدالعزیز مساعود'' ، عضو هیئت سیاسی جنبش التجدید (حزب کمونیست سابق تونس) و سردبیر نشریه ارگان مرکزی آن، در شهریورماه ، در جریان جشنواره ''اومانیته'' در پاریس، تبادل نظر همه جانبه ای در رابطه با تحولات دو کشور انجام گرفت. این تبادل نظر در جریان دیداری در حاشیه بیست و یکمین کنگره آکل قبرس در نیکوزیا، در هفته اول آذر ماه ، نیز تکرار شد. حزب توده ایران در این دیدار ها حمایت خود از جنبش مردم و نیروهای مردمی و ترقی‌خواه تونس با خواست: زندگی بهتر، دموکراسی، و عدالت اجتماعی، را اعلام کرد. ما ضمن اعلام خشنودی زحمتکشان و نیروهای مردمی ایران از سقوط دیکتاتوری در تونس، امیدهای خود را به پیروزی هر چه افزون تر مردم و زحمتکشان تونس در جایگزین کردن رژیمی دموکراتیک، مردمی و مترقی در این کشور، ابراز می داریم. حزب توده ایران همبستگی بین المللی خود را با مبارزه بحق زحمتکشان، کمونیست ها و نیروهای مترقی تونس اعلام می دارد.

تجزیه سودان، بهای ادامه رژیم دیکتاتوری!



رفیق فتحی فضل، مسئول شعبه بین المللی حزب کمونیست سودان، در یک مصاحبه اختصاصی در خارطوم، ۲۲ دی ماه (۱۲ ژانویه)، در رابطه با همه پرسی در جنوب سودان، و تحلیل حزب برادر در باره جدایی این منطقه از کشور، و همچنین زمینه های سیاسی آن، به سئوال های ''نامه مردم'' پاسخ داد. متن این مصاحبه برای اطلاع خوانندگان نامه مردم در زیر می آید.

* حزب کمونیست سودان: حزب کنگره ملی [حزب حاکم]، که می‌خواهد از پرداخت هزینه ''موافقتنامه صلح همه‌جانبه'' یِ تحمیلی طفره برود، مسئول اصلی نتیجه همه‌پرسی است.

* پیش بینی می شود که، در نتیجه سیاست های تمامیت گرایانه، ضدمردمی وتبهکارانه رژیم اسلامی عمر البشیر، رفراندوم روزهای ۱۹- ۲۶ دی ماه برای تعیین سرنوشت جنوب سودان، به جدائی این منطقه و تشکیل یک کشور جدید بیانجامد.

''نامه مردم''، در ماه های اخیر، در رابطه با روند تحولات جاری این کشور، و مبارزات مردم سودان در راه دموکراسی، پیشرفت، و عدالت اجتماعی، و همچنین عملکرد ارتجاعی دولت عمر البشیر، دیکتاتور اسلام گرای این کشور، تحلیل های حزب کمونیست سودان را در مقطع های مختلف منتشر کرده است. با توجه با اهمیت پیامدهای همه پرسی روز های ۱۹ تا ۲۶ دی ماه در روند مبارزه مردم با رژیم دیکتاتوری اسلامی حاکم و دولت عمر البشیر، و آینده این کشور، اخیراً میان نماینده های کمیته مرکزی حزب توده ایران و مسئولان شعبه روابط بین المللی حزب کمونیست سودان، به منظور تبادل نظر در باره تحولات سودان، دیداری صورت گرفت. رفیق فتحی فضل، مسئول شعبه بین المللی حزب کمونیست سودان، در یک مصاحبه اختصاصی در خارطوم، ۲۲ دی ماه (۱۲ ژانویه)، در رابطه با همه پرسی در جنوب سودان، و تحلیل حزب برادر در باره جدایی این منطقه از کشور، و همچنین زمینه های سیاسی آن، به سئوال های ''نامه مردم'' پاسخ داد. متن این مصاحبه برای اطلاع خوانندگان نامه مردم در زیر می آید.

س – همه‌پرسی جاری در جنوب سودان بی‌تردید و ناگزیر آینده تحولات سیاسی را در سودان تغییر خواهد داد. در بیانیه یی که حزب کمونیست سودان پَس از جلسه کمیته مرکزی حزب در تاریخ ۷ آبان ماه (۲۹ اکتبر۲۰۱۰) صادر کرد، در بارِه جنبه‌های مختلف پیامدهای احتمالی همه‌پرسی بحث شده است. لطفاً در مورد مسئله های عمده یی که از وضعیت کنونی و همه‌پرسی ناشی می شود، توضیح دهید.

ج – در ابتدا باید بگویم روندی که در حال حاضر در سودان جریان دارد مبتنی بر، و نتیجه، ''موافقتنامه صلح همه‌جانبه'' یی است که در سال ۲۰۰۴ بین دولت حزب کنگره ملی، یعنی دولت اسلامی سودان، و جنبش آزادی‌بخش مردم سودان، که یک جنبش سکولار است، به امضا رسید. اساس این موافقتنامه، که از سوی کارشناسان خارجی، و به طور عمده دیپلومات‌های آمریکایی و انگلیسی و هلندی تهیه و تنظیم شده بود و امپریالیسم آمریکا تصویب آن را به حکومت تحمیل کرد، تشکیل دو حکومت جداگانه است: یک حکومت اسلامی در شمال و یک حکومت ''عرفی'' یا سکولار در جنوب. البته در همان زمان هم صحبت از این بود که با فرا رسیدن ۱۹ دی ماه (۹ ژانویه ۲۰۱۱، روز آغاز همه‌پرسی) هر دو طرف، و همچنین نیروهای اپوزیسیون، در راه رسیدن به وحدت که گزینه یی موردِ توجه و پُرجاذبه است، تلاش خواهند کرد. متأسفانه واقعیت امر کاملاً چیز دیگری بود. از سال ۲۰۰۵ به بعد، همه طرف‌های موضوع، برنامه کار جداگانه خودشان را پیش برده اند. اما پس از سوءِ قصد به جان دکتر جان گارانگ و مرگ او بود که سه طرف اصلی به اینَ نتیجه رسیدند و نیز درک کردند که برای رسیدن به هدف‌هایشان باید با یکدیگر همکاری کنند [جان گارانگ رهبر جنبش آزادی‌بخش مردم سودان بود که در سقوط هلی‌کوپتر در تابستان ۲۰۰۵ کشته شد .– نامه مردم]. امپریالیسم آمریکا و اتحادیه اروپا سهم خود را از منابع نفت و معادن سودان می‌خواهند؛ دولت اسلامی خواهان آن است که دیگر آن را به عنوان یک دولت تروریست نشناسند تا بتواند با اجرای نسخه‌های صندوق بین‌المللی پول، به همکاری اقتصادی و مبادله و معامله با بازارهای جهانی بپردازد؛ و جنبش آزادی‌بخش نوین هم به قصد دست یافتن به سهم بزرگی از منابع جنوب، شاخه شمالی خودش را قربانی می کند و پیوندهایی را که با حزب‌های مخالف دارد می‌گسلد، و هدف سیاسی اصلی مورد ادعایش را، که همانا ایجاد یک سودان دموکراتیک سکولار در مسیر پی‌ریزی یک دولت سوسیالیستی بود، زیر پا می‌گذارد. این است آنچه اکنون در سودان می‌گذرد. با توجه به این زمینه یی که توضیح دادم، کوشش می‌کنم به پرسش‌های شما پاسخ دهم. رفقای دیگر من هم در پاسخ دادن به این پرسش‌ها مرا یاری خواهند کرد.روشن است که همه‌پرسی جاری منجر به تقسیم کشور خواهد شد. این خواست و انتخابِ اکثریت بزرگی از مردم جنوب سودان است. این جدایی شمال و جنوبَ، مسائل متعددی را پیش خواهد آورد. یکی از آن مسائل، استقرار یک دولت کارآ با کادرهای تواناست که در دراز مدت بتواند رفاه مردم، از جمله خدمات پایه‌ای مثل آموزش، مواد خوراکی، آب آشامیدنی تمیز و بهداشتی، خدمات بهداشتی و درمانی، و از همه مهم تر، صلح و امنیت را تأمین کند. اتحادیه اروپا و دولت آمریکا قول داده‌اند که به دولت جدید کمک کنند، اما تجربه‌های گذشته در عراق و هائیتی و جاهای دیگر دنیا بیانگر تفاوتی کلان است میان آنچه در حرف قول داده می‌شود با آنچه در عمل اجرا می‌شود.

س – در زمینه رخدادهای جاری، کارپایه سیاسی حزب کمونیست سودان در ارتباط با این همه‌پرسی چیست؟

ج – کمیته مرکزی حزب ما، همه اعضا و هواداران خود را فرا خوانده است تا – نتیجه همه پرسی هر چه که باشد – به تلاش و پیکار در راه

وحدت کشور ادامه دهند. خواست فوری ما در این مقطع این است که، هر دو دولت فضایی آرام، باثبات و شفاف فراهم کنند تا امنیت آنانی که در همه‌پرسی شرکت می‌کنند تأمین شود. حزب ما تنها حزبی است که در جنوب برای وحدت کشور فعالیت کرده است و می‌کند. چند روز پیش دبیرکل حزب ما از یک سفر طولانی به جنوب، که طی آن به همه شهرهای عمده رفته و برای هزاران تن از مردم صحبت کرده بود، بازگشت. این سفر با هماهنگی مسئولان حزبی در جنوب تدارک و برنامه‌ریزی شده بود. حزب ما به خواست مردم جنوب احترام می‌گذارد و آن را می‌پذیرد، اما از تلاش برای وحدت دست بر نخواهد داشت.

س – گزارش جلسه کمیته مرکزی حزب شما به تصمیم حزب برای همکاری با همه نیروهای سیاسی در پیکار برای حفظ وحدت سودان اشاره دارد. چه نیروهای سیاسی دیگری برای حفظ وحدت سودان بر پایه برقراری یک دولت مستقل، دموکراتیک، غیرمتعهد و سکولار تلاش می‌کنند؟

ج – شاید تا حدود همین یک ماه پیش، همه حزب‌های کشور می‌گفتند که خواهان وحدت کشور هستند. اما حمایت از وحدت در حرف یک چیز است، و عمل کردن به غیر از آن، امری دیگر. دو حزب شریک در حکومت [کنگره ملی و جنبش آزادی‌بخش مردم سودان] از همان آغاز برنامه کار و اهداف خاص خود را داشتند و همان‌ها را هم دنبال کردند. در همه مقطع های زمانی، هر دو حزب در راه تلاش‌های ملی برای حفظ کشور در برابر خطرهایی که آن را محاصره کرده بود، کارشکنی کردند.

س – روشن است که حزب کمونیست سودان به طور جدی نگران تقسیم کشور است. به نظر شما رأی مثبت به جدایی کامل جنوب، و تشکیل یک دولت جداگانه چه پیامدهایی خواهد داشت؟

ج – این طور که به نظر می‌رسد، اکثر مردم جنوب به استقلال رأی خواهند داد، و این گمانه‌زنی نیست؛ شاهد این مدعا صحبت‌های مردم عادی و بازیگران بانفوذ و مؤثر در صحنه است، از جمله شخصیت‌های رهبری جنبش و ارتش آزادی‌بخش مردم سودان. نتیجه قریب‌الوقوع همه‌پرسی موجب پیدایش بسیاری کانون‌های تنش و درگیری در امتداد مرزهای جدید میان شمال و جنوب خواهد شد، به‌ویژه در منطقه اَبیِ‌ای که برخوردها و تنش‌ها از پیش در آن شکل گرفته و رو به افزایش است. مسائلی از قبیل ملیّت دوگانه، بدهی ملی، چراگاه‌های عشایر و زمین‌های قبایل، مالکیت زمین و مستغلات، استفاده مشترک از زیرساختارها و پالایشگاه‌ها و خطوط لوله نفت، همه زمینه بالقوه بروز اختلاف، و خطر برای همزیستی مسالمت‌آمیز دو دولت به‌شمار می‌آیند، که اگر با تدبیر و خرد حل و فصل نشوند، می‌توانند منجر به برخوردهایی خشونت‌آمیز بشوند.

س – هفته گذشته عمرالبشیر متعهد شد که به نتیجه همه‌پرسی احترام بگذارد. آیا او واقعاً راست می‌گوید؟ چطور شده است که او یکباره به عملگرایی تبدیل شده که حاضر است حتی نتیجه یی مثل تقسیم کشور را بپذیرد؟ آیا او در بیان این موضع صداقت دارد؟ یا اینکه به او اطمینان و تضمین داده‌اند که نتیجه همه پرسی به سود رژیم دیکتاتوری او خواهد بود؟

ج – البشیر هم مثل همه همدستانش تمام زندگی سیاسی‌اش را وقف سرکوب حقوق و آرمان‌های مردم در جنوب کرده است. اینان در چندین سال از مدت زمان طولانی حکومت‌شان، یعنی از سال ۱۹۸۹ تا ۲۰۰۴ [سال امضای موافقتنامه صلح] جنگ مذهبی یی به نام اسلام راه انداختند تا مردم ما را در جنوب منکوب و خفه کنند. زیر فشارهای ناشی از شکست‌شان در جنگی که خود به راه انداخته بودند، و نیز زیر فشارهایی که از سوی امپریالیسم آمریکا وارد می‌شد، سرانجام موافقت کردند تا بنشینند و با کافران و بی دینان درباره صلح مذاکره کنند! آنان چاره یی نداشتند جز پذیرش طرح امپریالیسم آمریکا برای استقرار دو حکومت در یک کشور. پس از آن، همه چیز طبق همان طرح پیش رفته است. آمریکا تبلیغات منفی‌اش را کاهش داده و امر حقوق بشر و دموکراسی را فراموش کرده است؛ ''جنبش آزادی‌بخش مردم سودان'' از ''اتحاد دموکراتیک ملی'' بیرون رفته، و برنامه ادعایی‌اش برای یک سودان واحد را هم کنار گذاشته است؛ و البشیر هم یک سوم کشور را فروخته است تا در قدرت بماند. البشیر و راستی و صداقت؟ تنها چیزی که البشیر به آن فکر می‌کند، ماندن در قدرت است.

س – آیا گردن گذاشتن به همه پرسی هزینه یی است که نیروهای اسلامی حاکم در سودان حاضر به پرداخت آن شده‌اند تا بتوانند در بقیه کشور [درشمال] در قدرت بمانند و با اتحادیه اروپا و آمریکا کنار بیایند؟ برای مالکیت و کنترل میدان‌های نفتی چه فکری شده و آیا موافقتی صورت گرفته است؟

ج – پذیرش جدایی جنوب از سوی ''حزب کنگره ملی'' نه فقط پرداخت هزینه برای باقی ماندن در قدرت و مصالحه و سازش با اتحادیه اروپا و آمریکاست، بلکه تنها راهی است که آن ها برای تأمین و تضمین تسلط یک جانبه و مطلق خودشان در شمال دارند – که در قالب یک حکومت اسلامی و عربی است. از این طریق آن ها از زیر خواست تنظیم و تصویب یک قانون اساسی سکولار در سودان شانه خالی می‌کنند که بر مبنای آن گوناگونی ترکیب جمعیت سودان به رسمیت شناخته شده و حقوق شان تضمین می‌شود. در پی جدا شدن جنوب، رژیم اسلامی حاکم ادعا خواهد کرد که سرانجام شمال به طور کامل عربی و اسلامی شده است. با توجه به کشمکش‌های جاری در ''دارفور'' و بُمب ساعتی یی که هر آن ممکن است در مناطق رود نیل جنوبی و کوه‌های نوبا منفجر شود، می‌بینیم که این ادعای فریبکارانه‌ای بیش نیست. در مورد مالکیت نفت باید بگوییم که بجز میدان نفتی هیگلیه در خط مرزی آبی‌ای که مورد اختلاف و مشاجره است، تمام میدان‌های نفتی مورد بهره برداری، در جنوب قرار دارند. اما پالایشگاه‌ها و خطوط لوله صدور نفت و بندر صادرات (بندر سودان) در شمال واقع‌اند.

س – به نظر شما مسئول اصلی وضعیتی که اکنون ایجاد شده است چه شخص یا نیرویی است؟ چه اقدام یا سیاست‌هایی می‌توانست وحدت سودان را تضمین کند و از تقسیم کشور جلوگیری کند؟

ج – همان طور که پیش تر اشاره کردم، حزب کنگره ملی، که می‌خواهد از پرداخت هزینه ''موافقتنامه صلح همه‌جانبه''یِ تحمیلی طفره برود، مسئول اصلی نتیجه همه پرسی است. ناکارآمدی جنبش و ارتش آزادی‌بخش مردم سودان و دیگر نیروهای سیاسی سودان در دوره گذار [پس از امضای ''موافقتنامه صلح...'' در سال ۲۰۰۴] نیز در پیدایش این وضع بی‌تأثیر نبوده است. اگر همه نیروهای سیاسی که به یک سودان دموکراتیک سکولار اعتقاد دارند، از جمله جنبش و ارتش آزادی‌بخش مردم سودان، نیرو و انرژی‌شان را صرف این می‌کردند تا امر وحدت کشور را به عنوان انتخابی باارزش و پُرجاذبه و امکان‌پذیر برای مردم جنوب ترسیم کنند، آنگاه می‌شد از تقسیم کشور جلوگیری کرد. البته باید گفت که از زمان امضای ''موافقتنامه صلح...'' و پیش از آن در مراحل مختلف مذاکرات، نفوذ اتحادیه اروپا و ایالات متحد آمریکا نیز در فاصله گرفتن این نیروها از شکل دادن به آینده سودان نقش داشته است.

س – جلسه کمیته مرکزی حزب شما خواستار برگزاری یک کنفرانس سراسری ملی با شرکت همه نیروهای سیاسی بر پایه حقوق مساوی شده است تا در آن در مورد راه حل‌های ممکن برای این بحران بحث و تبادل نظر شود. آیا موفق به این کار شدید؟ اگر نه، آیا هنوز پیگیر این امر هستید؟ عملی شدن چنین پیشنهادهایی با چه مانع هایی روبه‌روست؟

ج – همه نیروهای اپوزیسیون همچنان پیگیر تشکیل چنین کنفرانسی اند. قرار بود این کنفرانس روز ۱۵ دی ماه (۵ ژانویه) برگزار شود که به درخواست تعدادی از حزب‌ها به تعویق افتاد. منظور از این کنفرانس ملی، که تنها همایشی خواهد بود که می‌تواند یک وفاق ملی به وجود آورد، بحث درباره تمام موضوع‌های مربوط به آینده کشور است. قانون اساسی موقت کنونی فقط تا ۱۹ خرداد ماه ۱۳۹۰ (۹ ژوئن ۲۰۱۱) اعتبار دارد که همان تاریخ پایان دوره گذار است. بنابراین، در این کنفرانس قرار است که درباره همه چیز بحث شود، از قانون اساسی و دولت جدید کشور گرفته تا مسائل مربوط به اقلیت‌های ملی، امور سیاسی کشور، کشمکش‌های دارفور و نقاط دیگر کشور، و رابطه با جنوب و دیگر کشورهای دنیا. کمیته تدارک این کنفرانس مطالب و گزارش‌هایی درباره همه این موضوع‌ها تهیه کرد. یک توافق کلی حاصل شد. اما در لحظه آخر، البشیر پیشنهاد یک دولت مرکب از گروه‌های مخلتف را داد. ما با آن پیشنهاد مخالفت کردیم، چرا که در اساس، تکرار همان فرمول قرارداد صلح نیفاشا [میان دولت و جنبش آزادی‌بخش مردم سودان در مورد درگیری‌های جنوب] خواهد بود. دولتی تشکیل خواهد شد با ۵۲ درصد نمایندگی از سوی کنگره ملی البشیر، و ۴۸ درصد بقیه از میان تعدادی حزب‌های ساختگی خواهد بود. آنچه به آن نیاز داریم یک دولت ملی است که در آن نیروهای سیاسی واقعی سهم عادلانه‌ای داشته باشند. هم اکنون حزب‌های دیگر منتظر روشن‌تر شدن پیشنهاد البشیر هستند، و بیشتر این ها، حزب‌هایی هستند که مصر و عربستان سعودی روی آنها نفوذ دارند. نظر و هدف ما، یافتن گسترده ترین توافق ممکن بین همه گروه‌های درگیر و حرکت به سوی فعالیت‌های توده‌ای است.

س – چشم‌انداز رخدادهای مسالمت‌آمیز در سودان را پس از برگزاری همه‌پرسی و جدا شدن سودان جنوبی چطور می‌بینید؟ سودان کشوری وسیع و فقیر است که کشمکش‌های گروهی در آن سابقه‌ای طولانی دارد. شورشیان در همه جا هستند: در غرب در دارفور، در شرق در کوه‌های نوبا، و در اطراف رود نیل . این خطر وجود دارد که اگر جنگی صورت بگیرد، به سرعت به مناطق دیگر سرایت کند. هنوز بحران در دارفور و در شرق رفع نشده است. آیا امکان دارد که پس از همه‌پرسی در جنوب، این مناطق کشور هم خواهان جدایی از شمال شوند؟

ج – نخست باید تأکید کرد که به رغم وجود ‘‘موافقتنامه صلح...’’، در هیچ نقطه یی از کشور صلح و آرامش برقرار نیست، از جمله در جنوب. دارفور شاهد بالا گرفتن برخوردهای نظامی است. همچنین، اگر به زودی بر سر یک راه حل مسالمت‌آمیز و رضایت بخش به منظور عملی کردن خواست های عادلانه مردم در منطقه ابی‌ایا توافقی صورت نگیرد، این منطقه هر آن ممکن است منفجر شود. برقراری صلح در سودان هنوز خیلی کار دارد.

س – از نیروهای ترقی‌خواه جهان و به ویژه حزب‌های کمونیست چه توقعی دارید؟

ج – همان طور که هم در بیانیه مطبوعاتی کمیته مرکزی و هم در بیانیه هیأت سیاسی آمده است، همبستگی با مبارزه مردم و حمایت از آن می‌تواند به شکل‌های گوناگون صورت گیرد، از جمله:

انتشار محتوای دو بیانیه یی که به آن اشاره شد؛

خواستن از دولت خارطوم که به حقوق و آزادی‌های دموکراتیک احترام بگذارد؛

خواستن از دولت که اجازه بدهد کنفرانس ملی، که به آن اشاره کردم، برگزار شود، و از جمله، گروه‌های مسلح در دارفور هم بتوانند در آن شرکت کنند؛

فشار آوردن به نیروهای امپریالیستی، و به طور عمده به اتحادیه اروپا و ایالات متحد آمریکا، برای پایان دادن فوری به مداخله در امور داخلی ما، به ویژه پایان دادن به پشتیبانی از دولت خارطوم؛

در صورت امکان، فرستادن هیأت‌ها و نمایندگانی برای بازدید از سودان و آشنا شدن با وضعیت موجود در این کشور. خوب است روزنامه‌نگاران نیز در میان این هیأت‌ها باشند. این بازدیدها را می‌توان با هماهنگی حزب ما ترتیب داد.

نامه مردم: رفیق فتحی، از وقتی که در این شرایط بسیار دشوار و حساس برای این مصاحبه در اختیار ما گذاشتید، متشکریم. موفقیت مبارزه هدفمند حزب کمونیست سودان، نیرو های مردمی و جنبش کارگری سودان در راه صلح، دموکراسی و پیشرفت را آرزو داریم


آزادی
برای همهٔ
زندانیان سیاسی
حزب تودهٔ ایران
Tudeh Party of Iran

کازیوەی کوردی

سەروتار

حزبی چەپی کوردی!

ماوەی چەند ساڵێکە هەندێک کەسایەتی سیاسی (پێشتر خۆبە کۆمۆنیست زان)، کە زۆربەیان دابڕاوانی کۆمەڵە و حزبی کۆمۆنیستی کرێکارین بە رواڵەت لە رووی خێرخوازی و باوڕیان بە «کۆمۆنیسم»، لەم لاو لەو لا باسێکیان هێناوەتە ئاراوە کە بریتییە لە «پێویستی دروست کردنی حزبێکی چەپی کوردستانی»! ئەم باسە کە لە ئەساسدا هیچ بنەمایەکی فیکری و تئۆری مارکسیستی لە پشتەوە نییە و دوورە لە بنەماکانی تێکۆشانی هاوبەشی کۆمۆنیستەکان، تەنانەت ئەگەر بە راستی لە رووی خێرخوازی و نییەت پاکی ئەم کەسانەشەوە بێت، لە بنەڕەتدا هیچ مانایەکی نییە، جگە لە دروست کردنی ئینشقاق و چەند بەرەکی لە ناو بزووتنەوەی کۆمۆنیستی ئێراندا و نە تەنها ناتوانێت لە خزمەتی ئەم بزووتنەوەیەدا بێت، بەڵکوو بە نۆبەی خۆی زەربە لەم بزووتنەوەیە دەدات و تەفرەقە دەخاتە ناو بەرەی کۆمۆنیستە کوردەکان و باقی کۆمۆنیستەکانی ئێران.

جیالەمانە، پێویستە لەم بەرێزانە بپرسین لە کەیوە و لەسەر کام بنەمای مارکسیستی کۆمۆنیستەکان بە پێوەری «نەتەوەیی» دابەش دەکرێن و کام یەک لە مارکس، ئێنگلس و لنین کۆمۆنیستەکانی وڵاتانی خۆیان لەسەر ئەساسی «نەتەوە« دابەش و پچڕپچڕ کردووە تا کۆمۆنیستێکی کورد لە کوردستانەدا دەست بداتە وەها کرەوەیەک؟

ئایا ئەم دۆستانە قەت ئەو دروشمە هەرە بەنرخەی مارکس و ئێنگلسیان، کە لەسەر بەرگی مانیفستی حزبی کۆمۆنیست نووسراوە نەدیوە کە بانگەشەی بەکرگتنی کرێکارانی جیهان دەکات؟

بە باوەڕی مارکس کرێکارانی جیهان پێویستە یەک بگرن بەڵام بە باوەڕی ئەم بەناو کۆمۆنیستانە کرێکاران و کۆمۆنیستەکانی ئێران دەبێ بە پاساوی تەعەلوقیان بە ئەم یان ئەو نەتەوەی ئێران لێک جودا ببنەوە.

ئایا ئەم دابەشکردنە و تەفرەقەیە دەتوانێت لە خزمەت بزووتنەوەی کرێکاران و کۆمۆنیستی ئێران یان کوردستان، کە ئەویش لە حاڵی حازردا بەشێکە لە «ئێران» دابێت.

بێگومان ئەگەر بە قسەی ئەم دۆستانە بێت بە زووترین کات پێویستە کۆمۆنیستەکانی بەلوچستان و ئازەربایجان و خوزستان و هتد بە پاساوی «نەتەوەیی» ریزی کۆمۆنیستەکانی ئێران بەجێبهێڵن و حزب و رێکخراوی تایبەت بە خۆیان پێک بهێنن!

ئایا ئەمە جگە لە پچڕپچڕ کردن و ناتوان کردنی بزووتنەوەی کۆمۆنیستی و کرێکاری ئێران ناوەرۆکێکی تری هەیە؟

ئایا ئەمە شێوەیەک لە شێوەکانی فیکری نەتەوەپەرەستی نییە کە لە جلی مارکسیزم دا خۆی دەنوێنێت؟

بێگومان هەر کەسێک کە ئەلف و بێی مارکسیزمی خوێندبێت، باش دەزانێت کە لە مارکسیزم دا نەتەوەپەرەستی و پێناسەکردنی کۆمۆنیستەکان بە پێوەری نەتەوەیی هیچ بنەمایەکی نییە و هەر کەس و لایەنێک بە هەر پاساوێک بۆ ئەم مەبەستە هەوڵ بدات نە تەنها کۆمۆنیست بە ئەژمار نایەت، بەڵکوو بەکردەوە لە ریزی دوژمنانی کۆمۆنیزمدا خۆی دەبینێتەوە.

«کۆمۆنیسم» کورد و فارس و عەرەب و عەجەمی نییە و بەم پێوەرە پێناسە ناکرێت.

هەڵبەت ئەمە بەم مانایە نییە کە کۆمۆنیسم و کۆمۆنیستەکان هیچ بەهایەک بۆ تایبەتمەندییە نەتەوەییەکان دانانێن و ئینکاری ئەم تایبەتمەندییانە دەکەن. بەڵکوو بەم مانایە کە جیاوازی رەگەزی و زمانی و نەتەوەیی، کۆمۆنیستەکان لێک جودا ناکاتەوە و پێویستە وێڕای سەرنجدان بەم تایبەتمەندییانە، خەباتی خۆیان دژ بە سیستمی سەرمایەداری، بە شێوەیکی هاوبەش و یەکگرتوانە بەرەوپێش ببەن.

راستە ئێمەی کۆمۆنیست دژی هەر چەشنە هەڵاواردنێک، لەوانە هەڵاواردن و ئینکاری نەتەوەکان خەبات دەکەین، بە شایەتی مێژووی یەکسەد ساڵی ئەخیر، هەمیشە و لە هەموو حاڵێکدا پشتیوانی بزووتنەوە نەتەوەییە پێشکەوتنخوازەکانی گەلانی جیهان بووین و لەم پێناوەدا بە هەزاران قوربانیمان داوە، بەڵام ئامانجی ئێمە سڕینەوەی سەرجەم ئاسەوارەکانی هەر چەشنە نابەرابەری و هەڵاواردنێک و دامەزراندنی وەها کۆمەڵگایەکە کە هیچ کەس و نەتەوەیەک، بەهیچ پاساو و بیانوێک تێیدا نەچەوسێتەوە و بندەست نەبێت.

ئێمە بۆ گەیشتن بەم ئامانجانە، هیچ رێگەیەک شک نابەین جگە لە خەباتی هاوبەشی خۆمان، بە بێ جیاوازی زمان و نەتەوە و رەگەز و وڵات.

بەڵام ئامانجی نەتەوەپەرەست یان ناسیونالیستێک، لە باشترین حاڵدا تەنها و تەنها وەرگرتنی سەربەخۆیی نەتەوەیی و رزگار کردنی نەتەوەیەتی لە هەڵاواردنی نەتەوەیی.

سەیر نییە کە بڵێین ئەوەی ئەم دۆستە خۆبەکۆمۆنیست زانە کوردانە بانگەشەی بۆ دەکەن سەرلە نوێ هێنانەکایەی هەمان دروشمی «کۆمەڵە»ی رابردووە کە دوای پتر لە سی ساڵ بە کردەوە شکەستی هێناوە.

«کۆمەڵە»ش لە سەرەتای دروست بوونی خۆیەوە بە جیاکردنەوەی ڕیزی خۆی و تەنانەت بە دژمنایەتی کردنی حزب و ڕێکخراوە کۆمۆنیستەکانی ئێران، ئاڵای کۆمۆنیستی کوردی و کوردستانی بەرز کردەوە کە ئێستا ئاکامەکەی و ڕێژەی سەرکەوتنەکەی لەم بوارەدا لە بەرچاوماندایە.

سکرتێرەکەی و زۆربەی هەرە زۆری بناخەدانەران و ئەندام و کادرەکانی سەریان لە «ناسیونالیسم» دەرهێنا و ئێستا بانگەشەی ئەوە دەکەن کە «کۆمۆنیسم» باوی نەماوە و ...هتد.

ئەوانەی کە تا ئێستاش لە سەر هەمان بنەمای غەڵەتی پێشوویان دەڕۆن و بە وتەی خۆیان «لە سەنگەری کۆمەڵەی کۆندا» ماونەتەوە، بەکردەوە کەمتر لەوانی تر زەربەیان لە بزووتنەوەی کۆمۆنیستی و کرێکاری ئێران نەداوە.

ڕەوتێک کە هەر لە یەکەم ڕۆژی دامەزراندنییەوە، بەوپەڕی گڕوتینەوە دژایەتی سەرجەم ئەحزاب و ڕێکخراوە کۆمۆنیستی و کرێکارییەکانی جیهان دەکات و جگە لە خۆی هەموویان بە «لادەر» دەزانێ، ناتوانێ و نەیتوانیوە لە ڕیزی کۆمۆنیستەکاندا جێی ببێتەوە.

بێگومان هەوڵ و کۆششی ئەم «کۆمەڵەییە کۆنانە»، کە بە هەمان تەربییەت و بنەمای ئەخلاقی و فیکری بەڵام بە ناوی «کۆمۆنیستی کوردی»یەوە سەریان هەڵداوە ناتوانێت هیچ داهاتوویەکی هەبێت و پێشاپێش مەحکوم بە شکەستە.

ئەم دۆستانە کە تەجروبە و ئەزموونی سی و چەند ساڵەی کۆمەڵەیان لە بەرچاو دایە و خۆیان بەشێک بوون لەو «ڕەوتە هەڵەیە» پێویستە بەوپەڕی هوشیارییەوە هۆکارەکانی شکەست هێنانی ئەم «ڕێکخراوە کۆمۆنیستیە کوردستانییە» لێک بدەنەوە و جارێکی تر هەمان ڕێوشوێنی چەوت و هەڵە نەگرنە بەر و چیتر پێوەری نەتەوەیی، ئەویش لە وڵاتێکی فرەنەتەوەی وەک ئێراندا نەکەنە بیانوێک بۆ جوداسەری ئەم ڕێچکە پڕهەڵەیە نەگرنە بەر و جلی ناسیونالیزم نەکەنە بەر کۆمۆنیسم و لەوە زیاتر زەربە لە بزووتنەوەی چەپ و کۆمۆنیستی ئێران نەدەن و ڕیزەکانی خەباتی هاوبەشی کۆمۆنیستەکان پچڕپچڕ نەکەن.

ڕاستە ئێمە و ئەوانیش کوردین و ئەمەش هەندێک تایبەت مەندی زمانی و فەرهەنگی مان پێدەبەخشێت، بەڵام ئەمە تەنها تایبەت بە ئێمەی کورد نییە و سەرجەم کۆمۆنیستەکانی دنیا تەنانەت خودی «مارکس و ئێنگلس و لنین»یش دەگرێتەوە و ئوانیش لێی بێ ئاگا نەبوون و ئینکاری پێناسەی نەتەوەی خۆیان نەکردووە، بەڵام مارکس لە عەینی ئاڵمانی بوونیدا بانگەشەی هاوپشتی و یەکیەتی جیهانی کۆمۆنیستەکان و کرێکارانی دەکرد. لنین لە هەمان کاتدا کە بە زمانی رووسی دەنووسێت و فەرهەنگ و ئەدەبیات و زمانی نەتەوەکەی خۆی بە کەم ناگرێت و بۆ گەشە کردنی جۆرەها پێشنیار و بەرنامە دەخاتە روو، لە هەمان کاتدا ڕیزی کۆمۆنیستەکانی ئیمپراتۆریەتی فرەنەتەوەی روسیەی قەیسەری لێک پچڕپچڕ ناکات و کادرە کۆمۆنیستە غەیری رووسەکان، هان نادات کە ڕیزی خۆیان لە کۆمۆنیستە رووسەکان جودا بکەنەوە بەڵکوو بە پێچەوانەوە بەردەوام تەئکید لە پێویستی پاراستنی یەک ڕیزی کۆمۆنیستەکان دەکات.

هەروەها لە حاڵێکدا کە عەلی خامنەیی «تورک» و ئەحمەدی نژادی «فارس» و موحسێن ڕەزایی «بەختیاری» و بیژەن زەنگەنەی «کورد» بە بێ ڕەچاو گرتنی جیاوازی نەتەوەییان کاربەدەستی ڕژیمێکن کە ئامانج و سیاسەتەکانی لە خزمەت سەرجەم سەرمایەدارانی ئێران بە بێ جیاوازی نەتەوەیی دایە، بۆ دەبێ ئێمەی کۆمۆنیست لە باتی هەستانمان بە خەباتێکی یەکگرتووانەی هاوبەش، بە پێوەر یان بە پاساوی نەتەوەیی ڕیزەکانی خۆمان پچڕپچڕ کەین؟

ئایا ئەم کارە لە خزمەت سیستم و ڕژیمی کۆنە پەرەستی حاکمدا نییە؟

لە روانگەی ئێمەوە هەر چەشنە بانگەشەیەک بۆ جودا کردنەوەی ڕیزی کۆمۆنیستەکانی کوردستان لە کۆمۆنیستەکانی ئێران و جیهان، بە هەر بیانوو و پاساوێک بێت، بە تەواوەتی لە خزمەت سیستمی سەرمایەداری ناوخۆیی و ئمپریالیزمی جیهانی، یەعنی سیستمی سەرمایەداری جیهانی دایە.

ئەمەش هیچ پێوەندییەکی بە ئەم یان ئەو قۆناغی مێژوویی یان ئاستی پێشکەوتوویی نەتەوە و کۆمەڵگاکانەوە نییە و لە هەر دۆخ و قۆناغێکدا دەبێ لە بەر چاو بگیردرێت.

بەڵام پێویستە کۆمۆنیستەکان، لەوانە کۆمۆنیستە کوردەکان بە هوشیاری و دڵپاکیەوە ئاگاداری دۆخی تایبەتی کوردستان و سیاسەتی هەڵاواردنی نەتەوەیی لە ئێراندا بن و لە پێناو سڕینەوەیدا خەبات بکەن.

چونکە ئەمەش بەشێکە لە گۆڕەپانی خەباتی کۆمۆنیستەکانی کورد و غەیری کورد کە بۆ سڕینەوە و لە ناوبردنی هەر چەشنە ستەمەم و دیکتاتۆرییەت و نایەکسانی، لە سەرجەم بوارەکانی ژیاندا خەبات دەکەن و ئامانجیان دامەزراندنی کۆمەڵگایەکی بەختەوەر و لێواولێو لە دیمۆکراسی و دادپەروەرییە.

کەواتە بە بێ ئینکاری تایبەت مەندییەکانی هەر ناوچە و هەرێمێک لە ئێران، چ لە رووی زمانی، فەرهەنگی و نەتەوەییەوە و چ لە رووی ئابووری، کۆمەڵایەتی و جوغرافیاییەوە، پێویستە بەم پێوەرانە کۆمۆنیستەکان دابەش نەکەین و پێویستی خەباتی هاوبەش و یەکگرتووانە یان نەخەینە ژێر پرسیارەوە.

با نەتەوەپەرەست و ڕەگەزپەرەستەکان، بە هەر پاساوێک درز بخەنە ناو ڕیزی خەباتی هاوبەشی گەلانی دنیاوە، و ژەهری کینەی نەتەوەیی و ڕەگەزپەرەستی بکەنە ناو «پیاڵە»ی چەوساوەکانی دنیاوە، ئەمە ئیش و ئامانجی ئێمەی کۆمۆنیست نییە.

ئێمە بۆ برایەتی و یەکسانی و یەکگرتوویی گەلانی جیهان

تێدەکۆشین، کەواتە پێش لە هەموو کەس و لایەنێک پێویستە ڕیزەکانی خەباتی هاوبەش و یەکگرتووانەی خۆمان بپارێزین و ترسمان لە هات و هاواری پڕ لە ڕق و نەفەرەتی نەتەوەپەرەستەکان و ڕەگەزپەرەستەکان نەبێت و بۆ ڕازی کردنیان، دەست نەدەینە پچڕپچڕ کردنی ڕیزی خەباتی هاوبەش و یەکگرتووانەمان.

یەکگرتوویی و یەکیەتی کرێکاران و کۆمۆنیستەکانی جیهان ڕەمزی سەرکەوتنیانە. کۆنەپەرەستەکان و پارێزەرانی نیزامی سەرمایەداری، لەم یەکگرتن و یەک ڕیزییە دەترسن، پێویستە بەوپەڕی هوشیاریەوە ئاگامان لە خواست و پیلانەکانیان بێت و نەکەوینە داویانەوە.

دەستەی نووسەرانی کازیوە

با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری

برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی و طرد رژیم «ولایت فقیه»

آزادی برای همه زندانیان سیاسی ایران !

کازیوە

بە دۆستان و هاورێکانتان بناسێنن !

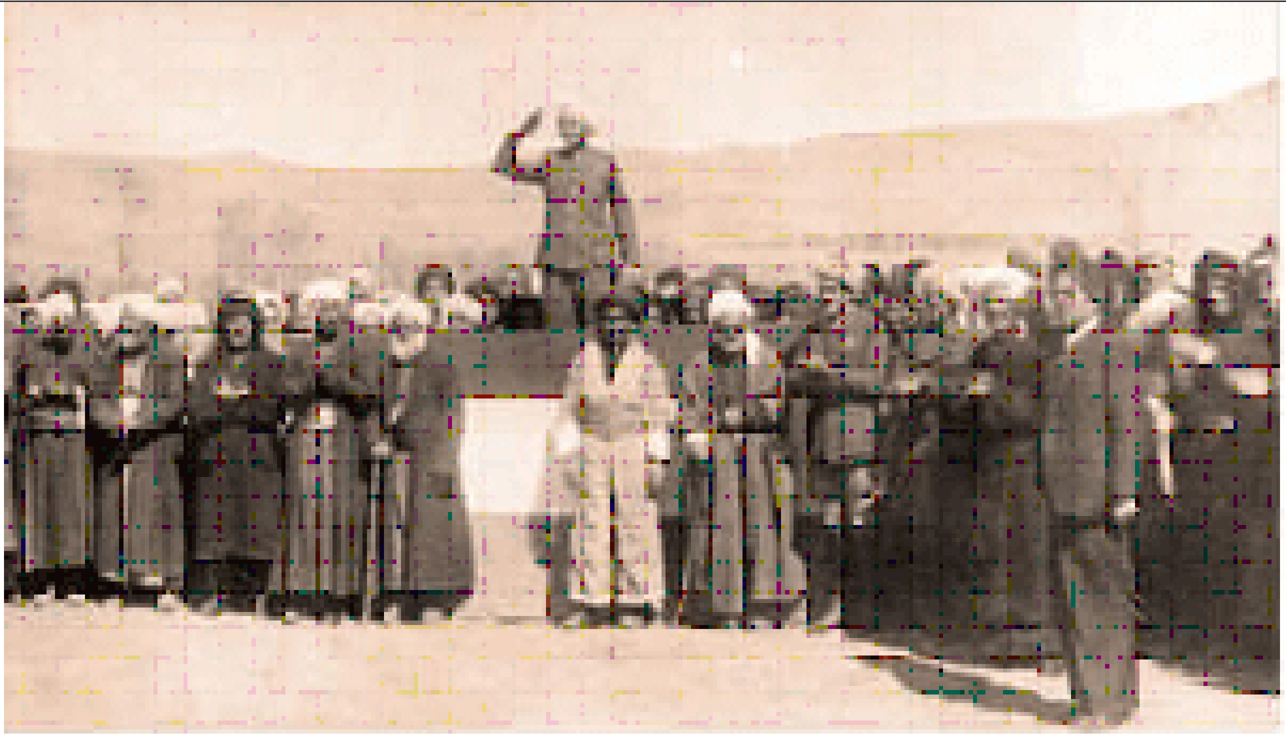
بەرز و بەڕێز بێت یادی ٢ی ڕێبەندان

٦٥مین ساڵرۆژی دامەزرانی کۆماری کوردستان

٢ی ڕێبەندانی ئەمساڵ (٢ی بەهمەن) ٦٥مین ساڵڕۆژی دامەزرانی کۆماری کوردستان بە ڕێبەرایەتی پێشوا قازی محەممەدە.
٦٥ ساڵ پێش واتە لە ٢ی ڕێبەندانی ١٣٢٤ی هەتاویدا دوای ساڵها خەبات و تێکۆشانی گەلەکەمان دژ بە هەڵاواردنی نەتەوەیی و ستەمکارییەکانی سیستمی پاشایەتی (پەهلەوی) لە کوردستانی ئێران، لە هەلێکی گونجاوی ناوخۆیی و جیهانیدا دامەزراندنی کۆماری کوردستان لە شاری مهاباد ڕاگەیەندرا.
لەو قۆناغە مێژووییەدا حزبی تودەی ئێران وەک حزبێکی ناسراو و خاوەن ئێعتباری سەراسەری، بە پێی بنەماکانی فیکری سیاسی خۆی کە دژ بە هەر چەشنە ستەمکاری و هەڵاواردنێک، لەوانە هەڵاواردنی نەتەوەیی بوو، بە بێ دوو دڵی یان هەر چەشنە ئەما و ئەگەرێک پشتیوانی هەمەلایەنەی خۆی بۆ کۆماری کوردستان ڕاگەیاندن و بەکردەوە و لە عەمەلدا بۆ سەقامگیر بوون و گەشە کردنی کۆماری کوردستان هەوڵی دا.
هەروەها سەرجەم ئەندامان و لایەنگرانی حزب لە کوردستان، کە لەو سەردەمەدا زۆربەیان کەسانی خوێندەوار و لێهاتوو لە بوارە جیاجیاکانی ئابووری، سیاسی و ئیدارەی بون، خۆبەخشانە بە وەزارەت و دامودەزگاکانی کۆماری کوردستان پێوەست بوون و بەوپەڕی لەخۆبردووییەوە زانست و تواناکانی خۆیان بۆ گەشە کردنی کۆماری کوردستان خستە گەڕ.
هەروەها چەندین ئەفسەری لێهاتووی تودەیی لە خوراسانەوە ڕویانکردە ئازەربایجان و مهاباد و ئەزموون و تەجروبەی خۆیان بۆ دامەزراندنی ئەرتەشێکی سەردەمیانە بۆ هەر یەک لە حکومەتی میللی ئازەربایجان و کۆماری کوردستان خستەگڕ. (پتر لە ٢٠ ئەفسەری لێهاتوو.)
هەڵبەت پشتگیری و حیمایتی حزبی تودەی ئێران بۆ کۆماری کوردستان و هەروەها حکومەتی میللی ئازەربایجان کە پێش لە کۆماری کوردستان دامەزرابوو، لە ڕاستیدا پێوەندی بە ئەو بنەما و ئامانجانەوە بوو کە هەم حکومەتی میللی ئازربایجان و هەم کۆماری کوردستان لە سەری دامەزرا بوون و هەوڵیان بۆ دەدا.
کۆماری کوردستان حکومەتێکی نەتەوەیی و ناوچەیی بوو کە بە ئامانج و مەبەستی دژایەتی کردنی هەر چەشنە هەڵاواردنیک، بە تایبەت هەڵاواردنی نەتەوەیی لە سەر ئەساسی باوەڕ بە دیمۆکراسی ڕاستەقینە و دژایەتی کردنی ئیمپریالیزم و نەهێشتنی ئاسەواری دواکەوتوویی ئابووری، سیاسی و فەرهەنگی لە کوردستاندا پێکهاتبوو، ئەمانەش هەمان خواست و ئامانجەکانی حزبی تودەی ئێران بوون و هەمان بنەماڵگەلێک بوون کە حزبەکەمان لە پێناویدا خەبات و تێکۆشانی دەکرد.
کە واتە وتەو نووسینەکانی هەندێک کەس و لایەنی «بێ ناسنامە« کە لەم ساڵانەدا لە ژێر ناوی «خوێندنەوەی نوێ و لێکۆڵینەوەی سەردەمیانە بۆ کۆماری کوردستان» ئیدیعای ئەوە دەکەن کە گوایە حزبی تودەی ئێران لە ڕووی هەلپەرەستی یان بە «فەرمانی سۆڤیەت» (شۆرەوی) پشتیتوانی لە کۆماری کوردستان کردووە، هیچ بنەمایەکی نییە و ئەم کەسانە یان لەڕووی ناشارەزایی یان بەمەبەستی شێواندنی مێژویی ڕاستەقینەی کۆماری کوردستان و خەشدار کردنی سیمای حزبمان هەوڵدەدەن.
ئەوەی کە تا ئێستا لە لایەن ئەم کەس و لایەنانەوە لە ژێر ناوی «خوێندنەوەی نوێ بۆ کۆماری کوردستان» ئەنجام دراوە، لە ڕاستیدا هیچ نییە جگە لە دووپات کردنەوەی تۆمەتەکان و پروپاگەندەکانی دەزگای «ساواک» لە دژی حزبی تودەی ئێران و کۆماری کوردستان. بەڵام بە زمانێکی تر و بە قەڵەمێکی تر.
بۆ نموونە لەم ساڵانەدا هەندێک کەس بە پشت بەستن بە «بەڵگە نهێنییەکانی وەزارەتی دەرەوەی بریتانیا و ئامریکا، سەرلە نوێ ئەو پرسەیان هێناوەتە ئاراوە کە گوایە کۆماری کوردستان لە لایەن «سۆڤیەت»ی جارانەوە بە مەبەستی گوشار خستنە سەر حکومەتی مەرکەزی ئێران، بۆ وەرگرتنی ئیمتیازی نەوتی باکووری ئێران پێک هێنرابوو و دواتر کە «قەوام سەڵتەنە« (سەرۆک وەزیرانی ئەو کاتی ئێران) بەڵێنی بە رووسەکاندا کە ئیمتیازی نەوتی ئەو ناوچەیان پێدەبەخشێت، ئیتر ئەرتەشی سوور لە کوردستان و ئازەربایجان پاشەکشێی کرد و پشتی کۆماری کوردستانی چۆڵ کرد!
ئەمە هەمان تۆمەت و تەبلیغاتەکانی ساواکی شایە کە هەزاران جار لە دەزگا و ڕاگەیاندنە ڕەسمییەکانی سەردەمی پاشایەتیدا وتراوە و ڕاگەیەندراوە. کەواتە نە تەنها «خوێندنەوەی نوێ بۆ کۆماری کوردستان و ڕۆڵی سۆڤیەت و حزبی تودەی ئێران لە پێکهاتن و سەرکوتکردنی ئەو کۆمارە« نییە، بەڵکوو تەبلیغاتێکی دێرینی دوژمنانی کۆماری کوردستانە کە لە ئێستادا لە زمانی کەسانی «بێ ناسنامە« و ناشارەزاوە دووپات دەکرێتەوە.
هەڵبەت گومان لەوەدا نییە کە ئێمە قەت ناشارازەکان، کە هیچ نییەت خراپییەکیان نییە، ناخەیەنە پاڵ ئەو کەس و لایەن و دەزگایانەوە کە بۆ مەبەست گەلێکی تایبەت، دەستیان داوەتە چەواشە کردن و شێواندنی مێژووی کۆماری کوردستان. بەڵام لە کردەوەدا هەر دوو لا لە خزمەت یەک ئامانجدان.
پشت بەستنی ئەم کەس و لایەنانە بە «بەڵگە نهێنییەکانی وەزارەتی دەرەوەی بریتانیا و ئەمریکا» لەو سەردەمەدا. زۆر شتمان بۆ ڕووندەکاتەوە، چونکە ئەم کەس و لایەنانە

به هەڵکەوت ئەم بە ناو بەڵگانە بە کار ناهێنن و پشتی پێنابەستن بەڵکوو بە عەمد ئەم کارە دەکەن. ئەگەر نا، ئەمانە ئەگەر بەراستی لێکۆڵەر و مێژووناسن، دەبێ باش بزانن کە بۆ ناسین و لێکۆڵینەوەی هەر چەمکێک و مێژووی هەر دیاردەیەک لە دەرەجەی یەکەمدا دەبێ روو بکەینە ئەو بەڵگە و هێما و ئاسەوارانەی کە راستەوخۆ لەو دیاردە یان قۆناغە مێژوویە بە جێماون.
ئەمە ئەساس و بنەمای لێکۆڵینەوە و خوێندنەوەی مێژوو لە رووی زانستییەوەن. بەڵام ئەم کەس و لایەنە بەناو «لێکۆڵەر و مێژووناس»ە بە عەمد ئەمە لە بیر دەکەن .

زمان حاڵی کۆماری کوردستان و وتە و لێدوانەکانی سەرکردەکانی ئەو کۆمارە، بە تایبەت پێشوا قازی محەمەد بە باشی ئەوەمان بۆ دەسەلمێنن کە کۆماری کوردستان حکومەتێکی پێشکەوتنخواز و دژە ئەمپریالیستی بوو کە بە تایبەت دژایەتی سیاسەتە ئیمپریالیستییەکانی ئەمریکا و بریتانیای دەکرد.
هەڵبەت ئەمەش ئاکامی حیمایەت و پشتگیری هەمەلایەنەی ئەو دوو دەوڵەتە لە حکومەتی مورتەجیع و سەرکوتگەری تاران (بە سەرۆکایەتی قەوام سەڵتەنە) بوو.
لە واقیعدا کۆماری کوردستان بە هۆی ماهییەتی پێشکەوتخوازانەی خۆی کەوتبووە ژێر گوشاری هەمەلایەنەی کۆنەپەرەستانی



لە راستیدا ئەو بەڵگەنامانە کە لە لایەن وەزارەتی دەرەوەی ئامریکا و بریتانیا سەبارەت بە کۆماری کوردستان خراوەتە بەردەست، تەنها گوازارشت لەو تۆمەت و بیانوانە دکات کە لەو قۆناغەدا حکومەتەکانی بریتانیا و ئامریکا بە پشت بەستن پێیان دژایەتی دامەزرانی کۆماری کوردستانیان دەکرد و پاساوێک بوون بۆ پاڵپشتی و پشتیوانی هەمە جۆرەیان لە حکومەتی مورتەجیعی قەوام سەڵتەنە بۆ هێرش کردنە سەر و سەرکوت کردنی کۆماری کوردستان.
واقیعەت ئەوەیە کە داخی دامەزرانی کۆماری کوردستان تا ئێستاش هەر لە دڵی بریتانیا و ئامریکا دایە و دوای ٦٥ ساڵ هێشتا لە دووپات بوونەوەی ئەزموونی کۆماری کوردستان دەترسن. هەر ئەمەش بۆتە هۆی هەوڵدان بۆ چەواشە کردن و شێواندنی مێژووی ئەو کۆمارە لە لایەن ئەم حکوماتانەوە.
کۆماری کوردستان، بە پێی سەرجەم ئەو سەنەد و بەڵگەنامە حاشا هەڵنەگرانەی کە لە بەردەستدان، لەوانە «رۆژنامەی کوردستان»

ناوخۆی ئێران و پشتیوانەکانیان کە بریتی بوون لە دەوڵەتانی ئیمپریالیستی، بە تایبەت ئامریکا و بریتانیا و سەرئەنجام هەر بە پیلان و کوششی ئەو لایەنانە سەرکوت کرا.
کۆماری کوردستان هەرگیز دەستکرد و دامەزروەیەکی بێ بنەمای داسەپێنراو لە لایەن ئەرتەشی سووری سۆڤیەت (شۆرەوی) نەبوو تا بە هۆی چوونە دەرەوەی ئەو ئەرتەشە لە ئێران هەرەسی هێنابێت.
کۆماری کوردستان هەرەسی نەهێنا، بەڵکوو بە هۆی پیلانی دەوڵەتانی ئامریکا و بریتانیا و هێرشی هێزی چەکداری دەوڵەتی مەرکەزی ئێرانەوە سەرکوت کرا.
ئەو کۆمارە هەڵقوڵاوی ناخی کۆمەڵگای کوردی بوو بۆ وڵامدانەوەی ٢٠ ساڵ ستەمی نەتەوایەتی و دیکتاتۆریەتی رەزا شای پەهلەوی، پاشایەک کە بە پێی هزاران بەڵگەی مێژوویی خۆی بە کودتا و پیلانی دەرەکی هاتە سەر حوکم . کە لە مێژووی ئێراندا بە کودتای ئینگلیسی «سەید زیا — رەزا شا» بەناوبانگە.

کودتایەک کە سڕینەوەی سەرجەم دەسکەوتەکانی ئینقلابی مەشروتەی ئێرانی کردبووە ئامانج و بەرهەمەکەی حکومەتی دیکتاتۆری رەزا شای پەهلەوی بوو کە بۆ یەکەمجار بە دروشمی» یەک میلیەت، یەک حکومەت، یەک وڵات، یەک شا» چەمکی هەڵاواردنی نەتەوەیی هێنایە ناو فەرهەنگی سیاسی ئێرانەوە و بە دڕندانەترین شێوەکان ئەم سیاسەتەی بەڕێوە دەبرد.

دامەزراندنی کۆماری کوردستان و حکومەتی میللی ئازەربایجان لە ئاکامی ئەم سیاسەتە زاڵمانەدا و بۆ دژایەتی کردنی ئەو حکومەتە کە دەستکردی راستەوخۆی ئیمپریالیزمی بریتانیا بوو، سەریان هەڵدا و هەر ئەمەش بووە هۆی دژایەتی هەمەلایەنەی ئیمرپالیزمی بریتانیا و ئەمریکا لە گەڵیاندا و پیلان داڕشتن و هەوڵدانیان بۆ سەرکوتکردنی ئەم دوو کۆمارە سەر بەرزە.

هەر چەند تەمەنی کۆماری کوردستان لە ١١ مانگ تێپەڕ نەبوو، بەڵام هەر لەو ماوە کەمەدا بە دەیان پرۆژە و بەرنامەی پێشکەوتنخوازانەی بەڕێوەبرد کە تا ئێستاش هەر ئاسەوارەکانی ماون و درگای پێشکەتن و گەشە کردنی بۆ رۆڵەکانی کورد ئاواڵە کرد.

لەو ماوە کەمەدا رەسمیەتی بە خوێندن بە زمانی کوردی دا، دەیان قۆتابخانەی بونیا نا، چەندین گۆڤار و رۆژنامەی کوردی بە پشتیوانی هەمەلایەنەی کۆمار ئیمکانی چاپیان پەیدا کرد، هەوڵی بەرچاوی دا بۆ گەشە پێکردنی ژێرخانی ئابووری کوردستان و لەم پێناوەدا چەندین پرۆژەی خستە بەر دەست.

هەروەها چەندین لاوی بەتوانای کوردی بۆ خوێندنی باڵا رەوانەی سۆڤیەت و کۆماری ئازەربایجان کرد.

مافی دەنگدان و بەشداری ژنان لە بوارە جۆربەجۆرەکانی ژیانی سیاسی و کۆمەڵایەتی دا بە رەسمیەت ناسی و دەرگای ئەکتیڤ بوونی بۆ ژنان کردەوە.

ئەمانە تەنها بەشێک لە بەرناماکان و دەسکەوتەکانی کۆماری کوردستان بوون کە بێگومان دوای سەرکوتکردنی ئەو کۆمارەش، ئاسەوارەکانیان لە ناو کۆمەڵگای کوردیدا هەر مانەوە و رژیمی شا نەیتوانی بە تەواوەتی بیان سڕێتەوە.

بە باوەڕی ئێمە کۆماری کوردستان لاپەڕەیەکی زێڕینی مێژووی بزووتنەوەی حەقخوازانەی گەلانی ئێران دژ بە دیکتاتۆریەت و هەڵاواردنی نەتەوەیی و ستەمکاری لە ئێراندایە و بێگومان تائسیر و کاریگەری بەرچاوی هەبوو لەسەر درێژەی خەباتی گەلانی ئێران لە دژی رژیمی دیکتاتۆری شا و رژیمی کۆنەپەرەستی کۆماری ئیسلامی. ئەوەیکە بە تایبەت بۆ نەوەی نوێی شۆڕشگێڕان و خەبات کارانی کورد گرینگەو پێویستە لە بیری نەکەن « نەریتە دیمۆکراتیییەکانی کۆماری کوردستانە« کە دەبێ بۆ گەشە کردن و بەرەوپێش چوون و بە ئەنجام گەیاندنی خواست و ئارەزوەکانیان پشتی پێبەستن.

کۆماری کوردستان سەرکوتکرا و لە ناوچوو، بەڵام ئەزموون و نەریتە دیمۆکراتیکەکانی لە بەر دەستی ئێمەدایە و پێویستە بە هوشیاریەوە کەڵکیان لێوەر بگرین.

هەروەها پێویستە دۆستان و دوژمنانی ئەو کۆمارە لە بیر نەکەین و وانەزانین دوژمنانی کۆماری کوردستان، بە تایبەت بریتانیا و ئامریکا، دۆستی ئەمڕۆی گەلەکەمانن. راستە کە دەوڵەتانی ئامریکا و بریتانیا گۆڕاون، بەڵام سیستم هەمان سیستمە و لە هیچ کات و ساتێکدا وڵاتێکی ئەمپریالیستی ناتوانێت پشتگیری و حیمایەت لە بزوتنەوەیەکی رزگاری خوازی دیمۆکراتیک بکات.

بۆ نموونە هەر ئەوەندە بەسە کە چاوێک بە مێژووی یەکسەد ساڵی ئەخیری جیهاندا بخشێنین تا بۆمان دەرکەوێت کە ئامریکا و بریتانیا و وڵاتە ئەمپریالیستەکانی تر، هەمیشە و لە هەر دۆخێکدا دامەزرێنەر و پشتیوانی دەوڵەتە سەرکوتگەر و کۆنەپەرەستەکانی جیهان بوون و تەنانەت بۆ یەکجاریش لە بزووتنەوەیەکی دیمۆکراتیکی رزگاریخواز یان دەوڵەتێکی پێشکەوتنخواز حیمایەتیان نەکردووە و بە هەر شێوەیەک بۆیان کرابێت و بکرێ دژایەتی ئەم جۆرە بزووتنەوە و دەوڵەتانە دەکەن و کردویانە.

ئامریکا و بریتانیا دۆستی نەتەوەی کورد نین و هەرگز نەبووەن، بەڵکوو دۆستی شای ئێران و دیکتاتۆرگەلێک لە چەشنی سەدام حسێن و حاکمانی رەگەزپەرەستی تورکیان، فەرامۆش نەکەین کە تورکیای دیکتاتۆر، لە هەمانکاتدا کە کوردەکانی بە تورکی کێوی ناولێدەبرد و هەر چەشنە مافێکی ئینسانی لێ زەوت کردبوون، گەورەترین ئەندامی «ناتۆ» بوو و بە چەکی ئامریکایی و ئوروپایی کوردەکان و سەرجەم بزووتنەوە پێشکەوتنخوازەکانی ئەو وڵاتەی سەرکوت دەکرد و ئێستاش، وێڕای ئەوەیکە حێزبێکی شێوە ئیسلامی لەو وڵاتەدا سوکانی حکومەتی بەدەستەوەیە هەر لە لایەن ئامریکا و ئوروپاوە حیمایەت و پشتیوانی هەمەلایەنەی لێدەکرێت و درێژە بە سەرکوتکردنی کوردەکانی ئەو وڵاتە دەدات و سیاسەتی ئینکار و سڕینەوەیان هەر بەردەامە.

کەواتە بزووتنەوەی رزگاریخوازی گەلەکەمان تەنها زەمانێک لە لایەن ئامریکا و ئوروپاوە حیمایەتی لێدەکرێت کە دەسبەرداری سەرجەم نەریتە دیمۆکراتیەکانی خۆی بێت و ببێت بە بەشێک لە ئیرتجاع و رەوتی کۆنەپەرەستی ناوچەکە.

ئەمەش لە بناخەدا بە پێچەوانەی نەریت و خواست و ئەو ئامانجانەن کە کۆماری کوردستان لە سەریان دامەزرا و پێشەوا قازی محەممەد و هاوڕێیانی لەم پێناوەدا گیانیان بەخت کرد.

کلتوری هاوسەرگیری دەسەڵات و سامان و خزمایەتی

(لە هەرێمی کوردستانی عێراق)

نوسینی: د.موحەممەد ئەمین عەلی عومەر

لەدێر زمانەوە گوتراوە بەهێزترین سۆزی مرۆڤ، سۆزە بۆ (دەسەڵات و پارە و خزمایەتی) وەک خزمایەتی پلە یەک و دوو و کەسە نزیکەکان. مەبەست و ئامانج لێی خۆشەویستیی خودی تاکەکەسە بۆ گەیشتن بە خۆشی و تێرکردنی ئارەزووکان و گەیشتن بە ئامانجی دیکتاتۆرەکان، چ دیکتاتۆری بچووک یان گەورە، جا ئارەزووە مرۆڤایەتی یان ئاژەڵییەکەی بێت، ئەمەش بە پێی تێگەشتن و هزر و فیکری ئەو کۆمەڵگایە دەگۆرێت کە لە کۆتاییدا دەرچووەکەی بە بارە خراپەکە بە دروستبوونی دیکتاتۆرتییەت، یان فەوزای سیاسی و کۆمەڵایەتی. یاخود بە بارە باشەەی بە دروست بوونی کۆمەڵگایەکی تەندورستی دیمۆکراسی دەکەوێتەوە.

کۆمەڵگای زیندوو، هوشیار و تێگەیشتوو زەمینە خۆشدەکات بۆ سیستمێکی سیاسی کۆمەڵایەتی دادپەروەر لە سەر بنەمای یەکسانی، بە هاوڵاتیبوونی هاوڵاتیان بە بێ جیاوازی نەتەوە و رەگەز و دین و بۆچوون، نەک خزمایەتی و ناسیاوی و کەسایەتی، کۆمەڵگای دواکەوتووش بە پێچەوانەوە، دیکتاتۆرییەت وەبەرهەم دێنێت و کۆمەڵگا بەرەو هەڵدێر و دواوە دەگەڕێنێتەوە.

ئەوەی بەدی دەکرێت، ئەم سۆزە بۆ دەسەڵات و بۆ پارە و خزمایەتی کە ئارەزووەکانی مرۆڤ بە لای خۆیدا رادەکێشێت، بووە بە دیاردە، بەڵام لە گەڵ ئەوەشدا زۆربەی وڵاتانی جیهان خۆیان بە دوور گرتووە لەم دیاردەیە و بە گەورەترین هۆی بڵاو بونەوەی دیاردەی گەندەڵی و تێکدانی بنەما دیمۆکراسی و سیاسی و یاساییەکانی دەوڵەت و نەهێشتنی دادوەریی کۆمەڵایەتی دادەنێن سەرەرای ئەم راستییە زەقە، لە کۆمەڵگای رۆژهەڵاتی ناوەراست و وڵاتە دواکەتووەکان بە گشتی و بە تایبەتیش لە کۆمەڵگای کوردی، سۆز بۆ هاوسەرگیری دەسەڵات و سامان و خزمایەتی لە دیاردە دەرچووە و بووە بە نەریت و کولتور.

سۆزی خزمایەتی و خۆشەویستی کەسە نزیکەکان، سۆزی دەسەڵات و پارە لە کۆمەڵگای (کوردی باشوور)ی ئێمە لە دیاردە دەرچووە و بووە بە نەریت و کلتور و ئەوەندە ورد کراوەتەوە، بازنە لە دوای بازنە کە هیچکام لەم سۆزانە بۆ هاوڵاتیانی ئاسایی نەماونەتەوە، دوور و نزیکی لە بازنەکان و ئینتما بۆ سەرۆکەکان پێوەری دلسۆزین، نەک ئینتما بۆ خودی مرۆڤ و نیشتمان و کار کردن بۆ بەرژەوندیی گشتی، تا ئەو ئاستەی تیۆری رەوتی پێشکەوتنی کۆمەڵگا بە درۆخراوەتەوە و رایەڵەی کۆمەڵگاکەکان لە کنترۆڵ دەرچووە، لەگەڵ ئەوە مرۆڤ ناتوانێت بە رەهایی ئینتمیای بۆ شتێکی دیاریکراو هەبێت، بەڵام دەبێت لەم وڵاتەی ئێمە ئینتمای بۆ سەرۆکەکان و خزمەکانیشیان هەبێت.

بۆچوونە فیکری و ئایدۆلۆژی و کۆمەڵایەتییەکان بوونیان نەماوە، مینتالتی پارتە سیاسییەکان لە بەها ئایدۆلۆژی و فیکرییەکان شۆراونەتەوە و باشترین بەڵگەش چەپڵەرێزانی کۆنەگرەکانن، سۆزەکە بووە بە سۆزی دەسەڵات و پارە و خزمایەتی و پارتە سیاسییەکان لە هەوڵی بەرژەوندی حیزب و سەرۆکەکانیانن، حیزب لە چەمکە باوەکەی دەرچووە و بووە بە کۆمپانیا، بەڵام چ کۆمپانیایەک! هیچ پێوەرە جیهانیەکانی تێدا نییە، خاوەنەکانیان پرۆفیشناڵ نین لە بواری کار کردنیاندا، پابەند نین بە رەوشتی پیشەیی کارەکانیان و بە مانایەکی تر ئاگایان لە رەوشتی پیشەیی کارەکانیان نییە، هەر بۆیە ئامادەن رەش بکەن بە سپی و سپیش بکەن بە رەش لە پێنا بە تاڵانبردنی سامانە سروشتییەکانی وڵات، سامانە مرۆڤییەکەش (هاوڵاتی)، نەک هیچ بایەخێکی پێنەدراوە، بەڵکوو هیچ سەنگێکیشی بۆ دانەکراوە و لەم گێژاوەدا تووشی نەخۆشی دووفاقی کراوە و بووە بە روبوت و کۆیلەی حیزبە دەسەڵاتدارەکان.

بێگومان لە ئەنجامی نەمانی بۆچوون و ئایدولۆژی فیکری و سیاسی و کۆمەڵایەتی لە ناو کۆمەڵگا بە گشتی و پارتە سیاسییەکان بە تایبەتی، سامان و پارە بوونە ئامرازی دەستبەسەردا گرتنی دەسەڵات، بە واتایەکی تر بوونە ئامرازێک بۆ کرینی ویژدانی هاوڵاتی و گەیشتن بە دەسەڵات، ئەمەش لە رێگای سامان و پارەی میللەت!.

هەر لە بەر نەمانی بۆچوون و ئایدۆلۆژی فیکری و سیاسی و کۆمەڵایەتی لە ناو پارتە سیاسییەکان بە تایبەتی پارتە دەسەڵاتدارەکان، متمانەی نێو ئەندام و لایەنگران نەماوە. پەیوەندییەکان بوونە پەیوەندی بەرژەوندیی تایبەت، زۆربەی هەرە زۆری ئەندامان لە بەرژەوندیی خۆیان و لێپرساو و سەرۆکەکانیان دەڕوانن، نەک میللەت و هاوڵاتی.

لە سەرووی ئەمانەشەوە، بازنەی خزمایەتییەکە وردتر کراوەتەوە بۆ ناوچە، خێڵ، عەشیرەت تا ئاستی بنەماڵە کە خاوەنی راستەقینەی پارە و دەسەڵاتی رەهان لە ناو حکومەت و حزبدا تا ئەو ئاستەی بوونی حکومەت و خیزبیش بە مانا گشتییەکەی، یان باوەکەی نەماوە.

بۆ لە دەست نەدانی دەسەڵات لە لایەن بنەماڵەکانەوە، پارە کراوەتە باشترین چەک کاریگەر، باشترین بەڵگەش بۆ ئەم راستییە نان برینی هاوڵاتییە لە سەر بۆچوون و ئایدۆلۆژیای جیاواز ،کە لە سەردەمی رژێمێکی دیکتاتۆری وەکوو بەعسیش نەکرابوو، لە رێگەی ئەم بازنە داخراوەوە (رێگەی خزمایەتی و

کەسە نزیکەکان) پەرە بە سامان و پارە دەدرێت بۆ زامن کردنی گرتنەوەی دەسەڵات لە دەرەوە و ناوەوەی حیزب و حکومەتیش، تا پارە و سامانیان زیاتر بێت، دەسەڵاتیان زیاتر دەبێت و تا دەسەڵاتیان زیادتر بێت، نەک پارە و سامانەکانیان زیاتر دەبێت، بەڵکوو دەست بە سەر هەموو سامانی وڵاتدا دەگرن.

ئەگینا بە چ لێکدانەوەیەک کوردستان خاوەنی هەزارەها ملیاردێرە کە لە راستیدا خاوەنی کارگە و کشتوکاڵ و گەشت و گوزار و تەکنۆلۆژیای سەدەم و سامانی مرۆیی پرۆفیشناڵ نییە. بەڵام بەم شێوەیە هاوسەرگیری دەسەڵات و سامان و خزمایەتی رەگ و ریشە دادەکوتێ و کۆمەڵگا بەرەو جاهیلیەت و هەڵدێر دەبات، سەرەڕای ئەوەی سامانە سروشتییەکانی وڵات ئەخاتە خزمەت دەسەڵاتداران و خزم و ناسیاوەکانیان، سامانە مرۆڤییەکەش کۆیلە دەکات و بەرەو جاهیلیەتی دەبات.

ئەم هاوسەرگیری دەسەڵات و سامان و خزمایەتییە، هەموو جومگە بنەڕەتییەکانی ژیانی گرتووەتەوە لە نا حیزب و حکومەت، بووە بە ترسناکترین هۆی دیاردەی گەندەڵی لە هەر دوو کەرتی گشتی و تایبەت، بووەتە دیاردەیەکی زەق و شۆڕ بوەتەوە بۆ خوارەوە، بێ ئەوەی دەسەڵاتی سیاسی بەر بەستێک دابنێت بۆ کەم کردنەوە یان نەهێشتنی ئەم دیاردەیە. کە ئەمە خۆی لە خۆیدا کارەساتە گەورەکەیە و هەرچەندە ماکەکانی روون و ئاشکران لەسەر ئەسایشی نەتەوەییمان، سەرەڕای پەیمانی ستراتیژیی هەر دوو حیزبی دەسەڵاتدار ئەم دیاردەیە ل گەشە کردن دایە و بووە بە کولتور و خاڵی سەرەکیی پەیمانەکە، هەر یەکە لە سنووری دەسەڵاتی خۆی.

دوورکەوتنەوە لە کلتوری هاوسەرگیریی دەسەڵات و سامان و ئارەزوو و خزمایەتی بەستراوەتەوە بە تێگەیشتنی سیاسی و رۆشنبیری و زانستی هەر هاوڵاتییێک بە پلەی یەکەم و ئینجا دەسەڵاتی سیاسی بە پلەی دووهەم لە روانگەی پابەند بوون و پراکتیزە کردنی مافەکانی مرۆڤ لە هاوڵاتی بوونی هاوڵاتییەوە تا پرسە سیاسی و ئابووری و کۆمەڵایەتی و زانستییەکان بە بێ جیاوازی نەتەوی ئایینی مەزهەبی پیشەیی و خزمایەتی.

بڕواناکەم هیچ دەسەڵاتێکی سیاسی، بە بێ فشاری جەماوەر و رۆشنبیران لە خودی خۆیەوە مافەکانی مرۆڤ و دادوەری کۆمەڵایەتی رەچاو کردبێت، لە پرسە سیاسی و ئابووری و کۆمەڵایەتی و زانستییەکان و... هتد.

بۆیە هاوڵاتی بەرپرسی یەکەمە لە بڵاو بوونەوەی گەندەڵی و نادادپەروەری کۆمەڵایەتی، بۆ نموونە: ئەگەر دوور نەڕۆین و باسی سیکتەری تایبەتیش نەکەین، کە بێگومان بنەماڵەکان بە بچووک و گەورەوە خاوەنین، بڕۆینە دەزگایەکی (گشتی) حکومی وەک بەڕێوەبەرایەتی خانەنشینی و لێکۆڵینەوەیەک بکەین، بۆمان دەردەکەوێت لە ڕێگای هاوسەرگیری دەسەڵات و سامان و خزکایەتی ژمارەیەکی زۆر خەیاڵی بە پلەی وەزیر و بریکاری وەزیر و بەڕێوەبەری گشتی خانەنشین کراون و لەوانەشە زۆربەیان بڕوانامەیەکی ئەوتۆیان نەبێت بۆ ئەو پۆستە گونجاوێت. بەڵکوو زۆریەکیش لەمانە هەر کارمەندی حکومەت نەبوون، بەڵام لە ڕێگای حیزبە دەسەڵاتدارەکانەوە وەک مەکرەمەکانی سەید ئەلرەئیس (سەدام حسێن) بۆیان کراوە.

سەیری ئەم ئەزموونە جوانەی حکومەتی هەرێم بکەن چەند دادپەروەرانەیە، هەر لە بەر خاتری خزمایەتی و ناسیاویی و لە دەست نەدانی دەسەڵات، پارە و پووڵ و سامانی گشتی بە هەدەر دەدرێت و دەبەخشرێتەوە، لە بەر ئەوەی خۆیان بە خاوەنی خاک و ئاو و هەوا و سامانە سروشتییەکانی کوردستان دەزانن. ئەگەر وابڕوات لە داهاتوودا بودجەی کوردستان تەنها بەشی ئەم پۆستە بەرزانە دکات، بە بڕوای من ئەگەر حکومەتی دادپەروەر و دیمۆکرات بێتە کایەوە، دەبێت پێش هەموو شتێک ئەمجۆرە گرفتانە چارەسەر بکات.

لە کۆمەڵگای بە رواڵەت دیمۆکراتی وەک کۆمەڵگای رۆژهەڵاتی ناوەڕاست و وڵاتە دواکەوتووەکان بە گشتی و بە تایبەتیش کۆمەڵگای کوردی، لە ڕێگای هاوسەرگیری دەسەڵات و سامان و خزمایەتی، دەسەڵات بە شێوەیەکی بەناو دیمۆکراتی ئەو یاسا و رێنمای و پرۆژانە پەسەند دەکات کە لە خزمەت کەسە موقدەس و پارتە سیاسی و گەورە لێپرسراو و دەوڵەمەدەکانن، بە یاسا بەرژوەندیی کەمینەیەکی دەسەڵاتدار و دەوڵەمەند پێش بەرژوەندیی گشتی دەخەن، بەم ڕێگایەش هەوڵەکانی ئۆپۆزسیۆن پوچەڵدەکەنەوە.

وەک ئاشکرایە کە هەر لە ئێستاوە کاریگەری کلتوری هاوسەرگیری دەسەڵات و سامان و خزمایەتی لە سەر ئاسایشی نەتەوەیی کورد و کۆمەڵگا دەرکەوتووە، کاریگەریەکی زۆر ترسناکی دەبێت لە سەر فەزای سیاسی کوردستان و پرسە نەتەوایەتییەکان و بڵاو بوونەوەی دیاردەی گەندەڵی و تێکدانی بنەما دیمۆکراسی و سیاسی و یاساییەکانی دەوڵەت و نەهێشتنی دادوەری کۆمەڵایەتی.

سادەترین دوادیمەنی کلتوری هاوسەرگیری دەسەڵات و سامان و خزمایەتی لە دەڤەری سەوز (سلێمانی)، شانۆگەرییەکی دڵتەزێن و پر شەرمەزاری و تراژیدیای پێشکەش کردین، کە شاری سلێمانی کردە قوربانیی ململانێی دوو لە هەرە کاربەدەستە گەورەکانی دەسەڵات، تا ئەو ئاستەی دامەزراوە حکومەتییەکتانیشیان کرد بە چەند کەرتێکەوە و زەرەرمەندی یەکەم خودی شارەکە و هاوڵاتیی سادە و بێدەسەڵاتەکانی بوو و براوەش پیاوە چاوچنۆک و هەڵپەرەستەکانی هەر دوولا بوون. لە کۆتاییدا هەر ئەوە ماوە بڵێم، لە سایەی ئەم دەسەڵاتەوە لەبری بەرهەمهێنانی عەقڵێکی نوێ و داهێنانێکی نوێ پەرە بە کلتوری هاوسەرگیریی دەسەڵات و سامان و خزمایەتی دەدرێت!

ئایا ئەم دارِمانە داراییەی ئێستا کۆتایی سەرمایەدارییە؟

ن: هـ . فوجمان
و: مریوان شوانی

ئایا ئەم دارِمانە داراییەی ئێستا کۆتایی سەرمایەدارییە؟

ئەم دارِمانە داراییە گەورەی وڵاتە یەکگرتووەکان و کاریگەرییەکەی لەسەر سیستمی دارایی جیهان بووەتە گفتۆگۆی ساتەوەخت و بابەتێکی ترسناک لەسەر میلەتانی جیهان بە گشتی و ترس و دڵەراوکێ لەو دەرئەنجامە مەترسیدارەی کە دەکەوێتە ئەستۆی ئەو میللەتانە، بە تایبەتی پاش ئەو تاقیکردنەوە ترسناکە دارِووخانە، کە لە سیەکانی سەدەی رابردوودا روویدا.

نامەوێ هیچ زانیارییەک بخەنە سەر بواری دارِوخان و چۆنیەتی دزینی سەروەت و سامانی میللەتانی خۆیان و وڵاتە ژێردەستەکانیان لە پێناو رزگار کردنی سەرمایەدارییدا بە گشتی، لەم دارِووخاندا لە لایەن وڵاتە سەرمایەداریەکانەوە تەنانەت ئابووریناسە سەرمایەدارەکان ئامادەییان وەرگرت لەو نوسینانەی کە کارل مارکس و لنین نووسیویانە لەبارەی حەتیمەتی گیروگرفتەکان و دارِمانە داراییەکانی سیستمی سەرمایەداری، ئەوەی دەمەوێ لەم راپۆرتەمەدا گفت و گۆی لەسەر کەم بابەتی پاشەرۆژی سیستمی سەرمایەدارییە کە بە هەزاران راپۆرتی لەبارەوە نووسراوە کە ئەم دارِمانە، واتای کۆتایی سەرمایەدارییە، یان نزیک بوونەوەیە لە کۆتایی یاخود دەرکەوتنی نیشانەی مەرگیەتی.

ئایا بە راستی ئەم دارِوخانە کۆتایی سەرمایەدارییە یان نزیکبوونەوەیەتی لە کۆتایی؟

لەوانەیە ئەم دارِوخانە رژێمی سەرمایەداریی بەرەو گۆرِان ببات، هەروەکوو نەمانی دەوڵەتێکی تک زلێهز یان لە ساتەوەختدا و دەرکەوتنی جەمسەری سەرمایەداریی تر لەجیهانی سەرمایەدارییدا. لەوانەیە کرداری عەولەمە کۆتایی پێبێت بەوەی کە ئارەزوویەکی وڵاتە یەکگرتووەکانە بۆ دەست بەسەراگرتنی جیهان و سەرنەکەوتنیان لەهێنانە دی ئەوەی کە وڵاتە یەکگرتووەکان لە پاش هێرشکردنە سەر هەر دوو تاوەری بنکەی بازرگانی بەرپایان کرد، کە تاوەکوو ئەمرۆش بەناوی شەرِی دژە تیرۆرەوە لە نێوان وڵاتە سەرمایەدارەکاندا لە پێناو دووبارە دابەش کردنەوەی وڵاتە داگیرکراوەکان و سەروەت و سامانیان بە شێوەیەکی تر، ئەگەر هاتووە دووبارە بە شێوەیەکی ئاسان دابەش نەبوونەوە.

ئەوەتا ئێمە دەبینین کە وڵاتە سەرمایەدارەکان کەوتوونەتە گەرِان بەدوای رێگەچارەیەکدا کە قەیرانەکانیان تێیدا کەمبێتەوە یان کۆتایی پێ بێت تا وەکوو ئەو رادەیەی دوورکەوتوونەتەوە و دابرِاویشن لە وڵاتە یەکگرتووەکان، بەڵام ئەوەیکە زۆرێک لە نووسەران قسەی لەسەر دەکەن کە ئەم دارِوخانە موژدەبەخشی کۆتایی سەرمایییە تەنها قسەیە و هیچ بنەمایەکی راستی تێدا نییە.

ئەوەیکە دەمەوێت لەم وتارەدا قسەی لەسەر بکەم باسکردنی یاسایەکە لە یاساکانی دیالەکتیک کە هەر کاتێ ناو دەهێنرێت یاخود باسی دەکرێت ل لێکۆڵینەوەی دیالەکتیکی رێرِەوی رژێمی سەرمایەداریدا. زۆرێک لە نووسەران کە رەخنە لە تیۆری مارکسیەتی مارکسیەکان دەگرن و بەوە تاوانباریان دەکەن کە ئەوان (چارنووس سازن) نکۆڵی لە چارەنووس و قەدەر دەکەن و دەڵێن کە پێشکەوتن حەتمیە و لێ دەرچوونی مەحاڵە، مارکسیزم دوورتر لەوەی ببێتە چارەنوساز.

یاسا سروشتی و خۆرِسکەکان کە رێرِەوی رژێمێکی کۆمەڵایەتی دیاریکراو هەڵدەسوورِێنن و دەستی بە سەردا دەگرن، ئەو یاسایانەن کە لە سروشتی بەرِێوەچوونی ئەو رژێمەدا گەشە دەکەن و پەیدا ئەبن، ئینجا مرۆڤ دەرکی پێ کردبێت یاخود دەرکی پێ نەکردبێت. خەوشی مارکسیستەکان یاخود چاکە و باشییان ئەوەیە کە ئەو یاسا سروشتیانەیان ئاشکرا کرد کە گشت رژێمە کۆمەڵایەتییەکان هەڵدەسوورِێنن، لەگەڵ ئەوانەشدا رژێمی سەرمایەداری و رژێمی کۆمۆنیستیش.

لە بەر ئەوەی ئەم یاسایانە یاسای سروشتی و خۆرِسکن و بە سەربەخۆیی کار لە توانای مرۆڤ دەکەن، هەموو هەوڵەکانی ئابووریناسان و سیاسەتمەداران بۆ راگرتن و چارەسەر کردنی یان گۆرِینی ئەو یاسایانە شکستیان هێنا.

یاسا دیالەکتیکییەکان کە زۆرێک قسە و باسیان لێوەر ئەگرێت لەبارەی ئەوەی کە پێوەندیان بە گرفتەکانی رژێمی سەرمایەداری و بە چارەنووسی رژێمی سەرمایەداریەوە هەیە، قسە لەبارەی گۆرِانکاری ئەو ئەندازە ئابوری و سیاسییە دەکات، کەی لەم رژێمەدا روودەدات و کۆئەبێتەوە بە بێ ئەوەی لە روکەشدا دەرکەوێت، کاتێک کە دەگاتە قۆناغێکی دیاریکراوی پێشکەوتن، بازدانێک روودەدات و دەبێتە هۆی گۆرِانێکی چۆنیەتی؟

قەیرانە ئابوورییەکانی رژێمی سەرمایەداریی بە شێوەی سەربەخۆ دێن و هەست بە ماوە دوورەکەی ناگرێت. کاتێ کە دەگاتە قۆناغی گۆرِانی بابەتی گرفتەکان درەئەکەون یاخود دارِمانی دارایی بە دەردەکەوێت.

هەروەها گۆرِانکاری چەندێتی سیاسی سیستمی سەرمایەداریی

به شێوەیەکی هەست پێنەکراو دەردەکەوێت، کاتێ کە دەگاتە پلەیەک لە پێشکەوتن، ڕێگە بە وەرچەرخانی بابەتی دەدات بۆ گۆڕانی ڕژێمی سیاسی لە خۆیدا. لەسەر ئەم بنەمایە مارکسیەکان گەیشتونەتە ئەوەی کە بازدان لە گۆڕانکاری چەندێتیەوە بۆ گۆڕانی بابەتی، لە ڕژێمی سیاسی سەرمایەداریدا شۆڕشە و دەبێتە هۆی لەناو بردنی و ڕژێمێکی نوێ دێنێتە ئاراوە کە ڕژێمێکی کۆمۆنیستییە، بە هەر دوو قۆناغی سوسیالیستی و کۆمۆنیستییەوە.

لە وەسفەدا کورتە و پوختەی یاساکانی دیالەکتیکی تایبەت ب ڕژێمی سەرمایەداری و گشتگیر بۆ گشت ڕژێمێکی کۆمەلایەتی نوێتر نییە، ئەمە ئەوەیە کە مارکسیستەکان هەر لە کاتی کارل مارکسەوە بەدوایدا دەگەڕێن، کە دەرکەوت ڕژێمی سەرمایەداری لە ڕاستیدا گەیشتووەتە قۆناغی وەرچەرخان بۆ گۆڕانی دیاریکراو، بابەتی ئەوەی بەرهەم هێنا کە شۆڕش بووەتە پێویستییەک بۆ هێنانەدی ئەو وەرچەرخانە، بەڵام یاسایەک لە یاساکانی دیالەکتیک دەمێنێتەوە کە لەم بارەیەوە کەم ناوی دەهێنرێت و باس دەکرێت. یاسایەک کە ناو دەبرێت بە «فناءالضدین» (لەناوچوونی دوو دژە یەک)،

که واتە واتای یاسایی لەناوچوونی دوو دژیەک چییە؟ بۆ شیکردنەوەی ئەم یاسایە نموونەیە کە بێ گومان هەموو ڕۆژێک لە ژیاندا ئەیبینین دەخەمە ڕوو. کاتێک کۆرپەلە لە منداڵدانی دایکدا نەش و نما دەکات کە ئەمە لەسەر حیسابی خوێن و هەناسەی دایکایەتییە، تاوەکو دەبێتە کۆرپەلەیەکی تەواو گەشەکردوو. بە پێشکەوتنی کۆرپەلەکە بە درێژایی ئەو ماوەیە کە بەردەوام تا دەگاتە نۆ مانگ ئەوە ماوەی گۆڕانکاری چەندێتییە کە کۆرپەلەکە پێ ئەگات، بە کۆرپەلەیی دەمێنێتەوە، بەڵام گەیشتنی کۆرپەلە بە قۆناغی پێگەیشتن بازدانێکی چۆنیەتی و بابەتی دەسەپێنێت، واتە دەرچوونی کۆرپەلە لە منداڵدانی دایکیدا، ئەم دەرچوونە شۆڕشی کۆرپەلەیە بەسەر منداڵدانی دایکیدا، ئەو بازدانە چۆنێتیە نایەتەدی تەنها لەو بازدانەدا نەبێت کە کۆرپەلە سەرکەوتن لە شۆڕشەکەیدا بەدەست بێنێت و لە منداڵدان سەردەکەوێت و دەچێتە دەرێ و ڕزگاری بێت لەو کۆت و بەندەی لە منداڵداندا بەسەریدا سەپێنرابوو، لەسەر ئەم پێشکەوتنەی خوارێ.

ئەگەر کۆرپەلەکە نەیتوانی بەسەر منداڵداندا سەرکەوێت لەو شۆڕش و بازدانەدا ئەوا کۆرپەلەکە و دایکی بەرەو مردن دەڕۆن. ڕووداوی مردن لە ئەنجامی ئەم کارەدا ناسراوە و بووەتە هۆی لەناوچوونی زۆرێک لە منداڵ و دایک، لە ئەنجامی سەرنەکەوتنی کۆرپەلە لە ڕزگاربوون لە منداڵدانی دایکیدا.

بەڵام زانستی پزیشکی توانیویەتی ڕێگاچارەیەک بدۆزێتەوە بۆ ڕزگار بوونی هەر دووکیان، واتە منداڵ و دایکەکە، بە ڕێگەی نەشتەرگەریی کە ئەویش زگ هەڵدڕینە، توانای ڕزگار نەبوونی کۆرپەلە لە منداڵدانی دایکی و لەناوچوونی خۆی و دایکی، لە یاساکانی دیالەکتیکدا بە لە ناوچونی دوو دژەیەک ناو دەبرێت (فناءالضدین).

بەڵام ئەوە ڕوونە کە لەناوچوونی دوو دژویەک (فناءالضدین) لە باری لەدایک بووندا لەناوچوونی هەموو ڕەگەزی ژن ناگەیەنێت، بەڵکو لەناوچوونی بەشێک لە ڕەگەزی ژن دەگەیەنێت کە ئەویش دایکە، ئەمەش لە ئەنجامی نەبوونی توانای کۆرپەلەکەیە بۆ ئەوەی لە منداڵدان ڕزگاری بێت.

ئێستا دێینە سەر پێشکەوتنی سیستمی سەرمایەداریی. مارکس یاسای کێشە ئابورییەکان یان « گرفتی زیادەی بەرهەمهێنان»ی ئاشکرا کرد. کە وەدەرکەوت ئەم یاسایە، یاسایەکی سروشتیە و پێویستە بۆ پێشکەوتنی سیستمی سەرمایەداریی، ئابووریناسە سەرمایەدارەکان لە پاش گشت گرفتێک، وای بڵاو دەکەنەوە کە ڕێگا چارەیەکیان بۆ گرفتەکانیان دۆزیوەتەوە لە پاشەڕۆژدا، تا وەکوو لە کۆتاییدا بێزار دەبن و دەست دەکەن بە بانگەشەی ئەوەی کە گرفتەکان یاوەر و هاوڕێی سیستمی سەرمایەدارین.

گرفتەکانی زێدەی بەرهەم بەرەو لەناوچوونی دوو دژەیەک (فناءالضدین) دەڕوات کاتێک کە زۆرێک لە کۆمپانیاکان و دەزگا ئابووریە سەرمایەدارەکان لەناو دەچن یان دەتوێنەوە ئیفلاس دەکەن (وەرشکەست دەبن) و کۆمپانیا گەورەکان کۆمپانیا بچووکەکان قوت دەدەن و شتومەکە کەڵەکەبووەکان لە کۆگاکانی سەرمایەداراندا دەسوتێنرێن، یان فڕێ دەدرێنە دەریاوە.

لە لایەکی ترەوە خەڵکانێک لە ئەنجامی نەبوونی دارایی و پارە بۆ کڕینی خۆراکی پێویست لە برسا ئەمرن، تەنانەت کرێکاری بێکار کە دەسکەوتی ڕۆژانەی لەسەر هێزوبازویەتی،ئەگەر لە توانایدا نەبێت بەکاری بێنێت، دەمرێت.

سەرمایەداریش ئەگەر ڕێگەیەکی نەدۆزیەوە بۆ گەیشتن بە ئامرازەکانی بەرهەمهێنان و هێزی کار، ئەویش دەمرێت بەڵام ئەم (فناءالضدین) لەناوچوونی دوودژیەک، لەناوچوونی سیستمی سەرمایەداریی ناگەیەنێت، لەناوچوونی بەشێک لە سیستمی سەرمایەداریی ئەگەیەنێت.

ئەم دارمانە داراییەی کە ئێستا لە ئارادایە یەکەم دارمانی دارایی نییە، بەڵکو زۆرجار قەیرانەکان لە مێژووی بەرەوپێشچوونی سیستمی سەرمایەدارییدا دووبارە بوونەتەوە، هەر وەکوو لە حاڵەتی قەیرانەکاندا دارمانی دارایی بووەتە هۆی لەناوچوونی دوو دژەیەکی بەشێک لە جیهانی سەرمایەداریی. ئیفلاس بوونی بانکێکی دیاریکراو دارمانی سیستمی بانک ناگەیەنێت، بەڵکوو لەناوچوونی بەشێک لەو سیستمە دەگەیەنێت.

ئەمڕۆ ئێمە تێبینی ئەوە ئەکەین کە هەندێک لەو بانکانەی تووشی دارمان بوونەتەوە بەنرخێکی هەرزان بە بانکە گەورەکانی تر دەفرۆشرێنەوە، دەوڵەتە سەرمایەدارەکانیش دەبینین کە بڕێک لەو باجانەی(ماڵیاتانەی) کە لە میللەتەکانیان ئەستێنن و ئەو قازانجانەی کە لە وڵاتە کۆلۆنیالیزمەکانی کە لەسەر حیسابی نەوەکانی داهاتوی میلەتەکەیان وەریان ئەگەرێ، ئەو

پارانەی کە بە بێ سنوور چاپی ئەکەن وەک هەوڵێک بۆ ڕزگار کردنی هەندێک لەو بانکە گەورانە، یاخود ڕزگار کردنی تەواوی سیستمی دارایی لە دارمانی تەواوەتی دارایی.

لە ئەنجامی ئەم دارمانە داراییەی ئەم سەردەمەدا زۆرێک لە گەلانی جیهان تووشی

نەهامەتی ئەبن، لە ئامریکا بە ملیۆنان خێزانی تر خانووەکانیان لە دەست دەدەن لە بەر ئەوەی ناتوانن ئەو پارەیەی کە بۆ کرینی قەرزیانکردووە بیدەنەوە.

بێکاری بەربڵاو ئەبێتەوە و بە ملیۆنان خەڵک سامانەکانیان لە دەست ئەدەن بە هۆی دارمان و ئیفلاسکردنی بانکەکان، بە ملیۆنان خەڵکی تر، ئەوانەی کە لە چینە ناوەندەکانن و پارە کانیان خستووە تە کارەوە، بە کرینی پشک (سهام)، یاخود لە قوماری بۆرسەکاندا بەکاریان خستووە، بەگشت جۆرێکیانەوە، لە بەر ئەوی ئەو بۆرسانە ئەو دامەزراوانەن کە گورگەکانیان مەرەکانیان قووت ئەدەن، لە ئاستی جیهاندا بە ملیۆنان کەسی تر لە برسیەتی و تونیەتی و هەژاری و زۆر نەهامەتی تردا ئەمرن، کە لە ئەژمار کردن نایەن.

پرسیار ئەوەیە ئایا ئەم دارمانە کۆتایی یا خود دەسپێکی کۆتایی سیستمی سەرمایەدارییە؟

ولامی ئەم پرسیارە بە بروای من نەخێرە. ئەم دارمانە کۆتایی یاخود نزیکبوونەوەی کۆتایی سیستمی سەرمایەداری ناگەیەنێت، لەوانەیە ماوەی دارمانەکە درێژ ببێتەوە یاخود کورت بێتەوە، لەوانەشە ئەم دارمانە توندتر و تیژتر بێت لە دارمانەکانی پێشتر یاخود قەیرانەکانی پێشتر. بەڵام سەرمایەداریی پاش ماوەیەک دەتوانێت هێز و تاوانایی خۆی بگەرێنێتەوە و جارێکی تر سیستمی سەرمایەداریی دەست بە ژیانەوە و پێشکەوتن و فراوان بوونەوە بکاتەوە و سیستمی ئەمپریالیزم زیاتر میللەتەی و گەلانی کۆلۆنیایزم بچەوسێنێتەوە و خراپی هەموو جیهان بگرێتەوە.

هەموو گرفتێکی قەیرانەکانی سیستمی سەرمایەداریی بەڵگەن کە گەیشتووەتە قۆناغێک پێویستی بە لە ناوبردنی حەتمی هەیە، ئەم قەیرانەی ئێستا ئەویش بەڵگەیە کە سیستمی سەرمایەداری مەشرروعیەتی خۆی لە دەست داوە و کاتی کۆتایی هاتنی هاتووە، لەگەڵ ئەوەشدا کۆتایی هاتنی نایەتەدی، ئایا هۆی ئەمە چییە؟

هەروەک پێگەیشتن و گەشەکردنی کۆرپەلە لە منداڵدانی دایکیدا پێویستی بە شۆرش و راپەرینە بەسەر ئەو منداڵدانەی کە تێیدا گەشەی کردوە حەتییە، ئەگەر نا ئەبێتە هۆی لەناچووونی هەردوودژیەک.

هەروا لە سیستمی سەرمایەداریدا هەمان شتە،کاتی شۆرشی کۆرپەلە(چینی کرێکار و گشت زەحمەتکێشان) پێگەیشتووە، لەو منداڵانەی کە گەشەی کردوە و گەورە بووە تێیدا.

هەروەها ناتوانایی کۆرپەلە بە شۆرشکردن بەسەر منداڵدانی دایکیدا دەبێتە هۆی لەناوچوونی هەردوو دژیەک، دەبێتە هۆی ناتوانای کۆرپەلەی پرۆلتاریا بە شۆرشکردن بەسەر ئەو منداڵدانەی کە تێیدا گەورە بووە.

ناوچوونی سیستمی سەرمایەداریی ئەبێ بە هۆی لە ناوچوونی هەردوو دژیەک، واتە دارمان و قەیران. بەڵام ئەم دارمانە یان قەیرانە مانای وانییە کە لەناوچوونی هەموو کۆمەڵگای مرۆڤایەتی بێت، بەڵکوو لەناوچوونی بەشێک لە کۆمەڵگا دەگەیەنێت، هەر وەک لە گشت قەیرانەکانی سەرمایەداریدا روودەدات.

دەرچوونی کۆرپەلەی پرۆلتاریا لە منداڵدانی دایکیدا (سیستمی سەرمایەداریی).

ئەو کۆرپەلەیە پێویستی بە توانایی شۆرش بکات بەسەر ئەو منداڵدانەی کە تێیدا گەشەی کرووە و گەورە بووە. بەڵام کۆرپەلەی چینی کرێکارانی جیهان، تاوەکوو ئێستا توانای شۆرشکردنیان نییە بەسەر ئەو منداڵدانە بەهێز و گەورەیەدا، لە بەر ئەوە لە ناوچوونی بەشێک لە هەر دوو دژیەکەکە روو ئەدات.

هەر وەکوو لە جیهانی ئەمرۆدا دەبینین، هیچ زانستێک نییە کە هەر دوو دژ یەکەکە لە لەناوچوون رزگار بکات، هەر وەکوو لە کۆرپەلە و دایکیدا روویدا.

چینی کرێکارانی جیهان لە شۆرشی ئۆکتۆبردا سەرکەوتنیان بەدەست هێنا، ئەوەیش رزگار کردنی بەشێک لە کۆرپەلەی پرۆلتاری لە سیستمی سەرمایەداریدا بوو، بەڵام ئەم سەرکەوتنە لە ئاستی جیهاندا تاکوو ئێستا نەهاتوەتەدی، بەڵکوو سەرمایەداریی سەرکەوتنێکی بەدەست هێنا لە یەکەم ئەزموونی سوسیالیزمدا(هەرەسی یەکیەتی سۆڤیەتی).

مەرجی سەرکی و حەتمی بۆ بەدەستهاتنی رزگار بوونی کۆرپەلەی پرۆلتاری جیهان لە منداڵدانی دایکیدا (سیستمی سەرمایەداریی) یەکگرتنی چینی کرێکارانی جیهانە لە سایەی سەرکردایەتییێکی هۆشمەند کە تیۆریکی شۆرشگێری سەرکردایەتی بکات و بەرەو شۆرشکردن بیبات تا کۆتایی.

لەوانەیە شۆرشی پرۆلتاریا لە بەشێکی جیهاندا رووبدات، هەر وەکوو پێشتر لە روسیەدا رویدا. بەڵام سەرکەوتنی چینی کرێکارانی جیهان پێویستی بە یەکیەتی ئەو چینە، پشتگیری کرنی گشت بەشێکی بۆ بەشە رزگار بوەکەی و پشتگیری کردنی بەشی ئازادکراو بۆ بەشە تیکۆشەرەکانی تر لە رێگای ئازادکردنیەوە.

راستە یاساکانی سروشتی سیستمی سەرمایەداریی وائەکات هەرەس و کۆتایی حەتمی بێت، بەڵام ئەم هەرەسە یان ئەم کۆتاییە لە

خۆیەوە نایاتە دی بە بێ شۆڕشکردنی چینی کرێکارانی جیهانی بەسەر سیستمی سەرمایەدارییدا و کۆتایهاتنی پێویستی بە گشت هێز و توانای ئەم چینە هەیە.

شۆڕشی پرۆلتاری بەسەر سەرمایەداریدا مەرجی حەتمییە بۆ نەهێشتنی سیستمی سەرمایەداری، لەبەر ئەوە هیچ هەرەسێک بە ئەم هەرەسەی ئێستاشەوە، هەروا هیچ قەیرانێک بەس نییە بۆ کۆتایی هێنان بە سیستمی سەرمایەداریی وەک سیستمێکی جیهانی. ئ



کازیوە

بە دۆستان و هاورێکانتان بناسێنن !

ماهنامه

کازیوه

(سپیده دم)

شماره پنجم

بهمن ماه ۱۳۸۹

نشریه جمعی از هواداران حزب توده ایران در کردستان



آزادی ، دموکراسی و عدالت اجتماعی

مطالب این شماره :　　　　صفحه

=====================

بەشی کوردی :

لاپەڕە

مسئولیت مطالب درج شده در کازیوه بر عهده ی گردانندگان آن است و مواضع رسمی حزب توده ایران در سایت حزب به نشانی :
http://www.tudehpartyiran.org /
انتشار می یابد.

تماس با کازیوه : tudeh_kurdistan@yahoo.co.uk

پایگاه اینترنتی کازیوه :

http://a1320 .wordpress.com/

۱۴ بهمن ماه سالگرد شهادت دکتر تقی ارانی و روز شهدای حزب توده ایران

''سالیان دراز از شهادت ارانی می گذرد ولی زمانه کمکاکان بر آن محور می چرخد که جان بی تاب و جوینده اش می چرخید... نبرد طبقاتی، رشد نیرومند نیروهای مولده، در این عصر انقلاب علمی و فنی، و تحول شگرف فکری انسان بیش از پیش تحقق آرمان های ارانی را به دستور روز بدل می کند. ارانی سوار بر سمند اندیشه انقلابی و علمی کمکاکان به سوی پیروزی می تازد و پرچم سرخش در بادهای توفنده عصر ما در اهتزاز است...'' از زنده یاد رفیق احسان طبری.



۱۴ بهمن ماه سال ۱۳۱۸، گزمگان حکومت دیکتاتوری رضا شاه، اندیشمند فرزانه، کمونیست مبارز و معلم انقلابی میهن ما را در سیاه چال های استبداد به قتل رساندند تا صدای رسا و اوج گیرنده جنبش کارگری و کمونیستی ایران را خاموش سازند. ولی مبارزه ارانی با قتل او خاتمه نیافت و اندیشه های دوران ساز او برای بنا کردن ایرانی آباد، آزاد و رها از بندهای استعمار، استثمار و استبداد، آنچنان نیروی عظیمی را در جامعه ما بسیج کرد و به حرکت درآورد که تا به امروز همچنان به راه پر فراز و نشیب خود ادامه می دهد. پرچم رزم ارانی، نو آوری های او در بردن آگاهی به درون جامعه عقب مانده ایران آن دوران و انتشار آثار علمی، از جمله بنیاد گذاری مجله ''دنیا'' آموزش دهنده نسل های پی در پی ای از انقلابیون برجسته همچون روزبه ها، سیامک ها، مبشری ها، وارطان ها، کیوان ها، حکمت جوها، تیزابی ها، افضلی ها، هاتفی ها و کی منش ها بود که تاریخ واقعی مبارزات مردم، کارگران و زحمتکشان میهن ما را با فداکاری های خود نگاشتند.

۱۴ بهمن ما همچنین روز شهدای حزب توده ایران و روز تجدید عهد با آرمان های والای جنبش کارگری و کمونیستی میهن ما و تجدید عهد با خاطره کاروان عظیم ده ها هزار شهید توده ای است که جان خود را برای بهروزی توده های ستم دیده کار و زحمت فدا کردند. به قول بالزاک: ''از تمام بذرهایی که بر زمین افشانده می شود خون قربانیان ستم است که غنی ترین محصول را به بار می آورد.''

''با ارانی بوده ایم، با ارانی هستیم و خواهیم بود'' نزدیک به هفت دهه پس از شهادت دکتر تقی ارانی فرزاندن و ادامه دهندگان راه او، اعضاء و هواداران حزب توده ایران، به رغم همه پیگردها و سرکوب های خونین و پی در پی رژیم های استبدادی حاکم بر میهن ما همچنان به مبارزه خود ادامه می دهند و تا تحقق آرمان ها والای انسانی که ارانی به خاطر پایبندی به آنها جان باخت، از پای نخواهند نشست.

درود آتشین به خاطره تابناک همه شهدای توده ای و همه رزمندگان راه آزادی و عدالت اجتماعی!

تشدید اختناق و سرکوب بازداشت خانگی میر حسین موسوی و زهرا رهنورد

حزب توده ایران ضمن پشتیبانی قاطع از رهبری جنبش و ایستادگی آنها بر خواست های مردمی و با محکوم کردن اعمال محدودیت های امنیتی از جمله بازداشت خانگی میرحسین موسوی و زهرا رهنورد و حمله به خانه کروبی، یگانه راه موثر برای خنثی سازی توطئه های مزدوران تاریک اندیشی را تشدید مبارزه، تکیه به نیروی فنا ناپذیر توده ها و هوشیاری و دقت در اتخاذ تاکتیک های مناسب و کارآ در اوضاع بسیار حساس کنونی قلمداد می کند.

کودتاچیان در ادامه توطئه برنامه ریزی شده خود علیه جنبش مردمی، میرحسین موسوی و زهرا رهنورد را پس از قطع کامل ارتباطات آنها در بازداشت خانگی قرار دادند.

در همین حال حملات اوباش به خانه مهدی کروبی و تجمع در برابر خانه های محمد خاتمی و رفسنجانی با برنامه از پیش تعیین شده انجام شد.

امروز کودتاچیان با راه اندازی یک نمایش حکومتی در جریان مراسم نماز جمعه به تشدید فضای ارعاب پرداخته وکوشیدند با جوسازی جنبش مردمی، رهبران مقاوم و جریانات منتقد کودتای انتخاباتی را در موضع تدافعی قرار داده و سیاست سرکوب خود را ادامه دهند.

بازداشت خانگی میر حسین موسوی و زهرا رهنورد بخش جدایی ناپذیر سیاست سرکوب کودتاچیان است که اینک با فراخوان تجمع های سراسری در روز اول اسفند ماه تشدید شده است.

میهن ما روزهای فوق العاده حساسی را از سر می گذراند. کودتاچیان پس از نمایش قدرت و توان جنبش مردمی در ۲۵ بهمن اکنون درصدد روحیه بخشیدن به نیروهای خود، بازسازی امکانات و ضد حمله به منظور درهم شکستن جنبش برآمده اند. مانورهای فریبکارانه برای ایجاد شکاف در جنبش و تفرقه در میان مخالفان و منتقدان اوضاع موجود و کودتای انتخاباتی مانند صدور قطعنامه راه پیمایی امروز (بعد از نماز جمعه) و سخنرانی ذوالنور نماینده ولی فقیه در سپاه پاسداران تشدید اعمال فشار بر میرحسین موسوی، زهرا رهنورد و مهدی کروبی و سازماندهی اوباش برای ایجاد فضای ارعاب و جز اینها مجموعه برنامه های واپس گرایان در لحظه کنونی به شمار می آیند. در اوضاع کنونی نیز با فراخوان اعتراض در روز اول اسفند شاهد تحرک بیشتر کودتاچیان هستیم.

حزب توده ایران ضمن پشتیبانی قاطع از رهبری جنبش و ایستادگی آنها بر خواست های مردمی و با محکوم کردن اعمال محدودیت های امنیتی از جمله بازداشت خانگی میرحسین موسوی و زهرا رهنورد و حمله به خانه کروبی، یگانه راه موثر برای خنثی سازی توطئه های مزدوران تاریک اندیشی را تشدید مبارزه، تکیه به نیروی فنا ناپذیر توده ها و هوشیاری و دقت در اتخاذ تاکتیک های مناسب و کارآ در اوضاع بسیار حساس کنونی قلمداد می کند. جنبش مردمی فقط با وحدت و اتحاد عمل به کامیابی خواهد رسید.

سایت حزب توده ایران
۲۹ بهمن ۱۳۸۹ – ۱۸ فوریه ۲۰۱۱



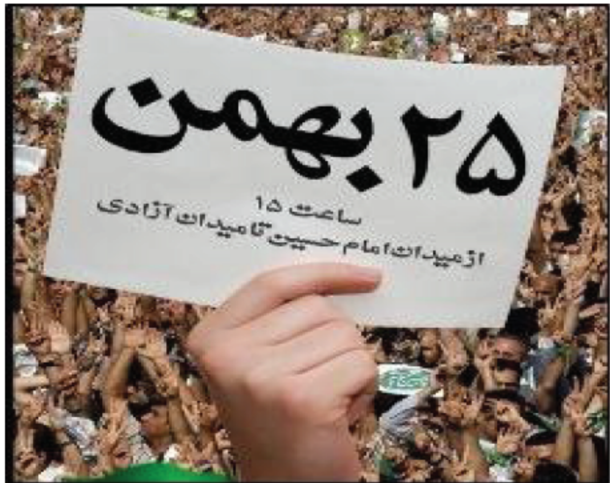
با جو سازی و ارعاب نمی توان در اراده توده ها خللی وارد آورد

کودتاچیان در هراس از تداوم مبارزه توطئه های گوناگونی را تدارک دیده اند، باید با حفظ هوشیاری و در یک صف واحد این توطئه های شوم را خنثی و افشا نمود. بویژه می باید به پرونده سازی علیه میرحسین موسوی، زهرا رهنورد و مهدی کروبی با قاطعیت و صراحت برخورد کرده، واپس گرایان تاریک اندیش را در رسیدن به مقاصد شوم و ضد مردمی خود ناکام ساخت.

پس از حضور پرشور توده ها در تظاهرات ۲۵ بهمن ماه و به چالش کشیدن استبداد و رهبر کودتای انتخاباتی علی خامنه ای (ولی فقیه) کودتاچیان با جو سازی، ایجاد فضای ارعاب و بازداشت های گسترده می کوشند، شکست سیاست ها و همچنین موقعیت متزلزل خود را پنهان سازند. تظاهرات ده ها هزار نفری ۲۵ بهمن یک شکست تمام عیار برای مزدوران تاریک اندیشی و مدافعان استبداد ولایی بود و به همین علت نیز شاهد جوسازی و هیاهوی تبلیغاتی و توطئه های چند و جمعی آنان هستیم. در راستای همین برنامه های پرنیرنگ و فریب صبح امروز ۲۷ بهمن ماه، نیروهای بسیج و لباس شخصی ها به دانشکده هنر یورش برده و پس از ضرب و شتم دانشجویان ده ها نفر را بازداشت کردند. پایگاه اطلاع رسانی کلمه در این زمینه گزارش داد: «از اولین ساعات صبح امروز– چهارشنبه ۲۷ بهمن ماه – بیش از ۵۰۰ اتوبوس با آرم های سپاه، وزارت دفاع، نیروی انتظامی و دانشگاه امام حسین، نظامیان لباس شخصی و نیروهای بسیجی را در اطراف چهار راه ولی عصر تهران پیاده کردند و این افراد به طور منظم و سازمان یافته در محوطه های دانشگاه هنر و اطراف آن مستقر شدند . . . سردار علی فضلی و سردار همدانی، بی هیچ پرده پوشی و البته با اضطراب و نگرانی از واکنش احتمالی دانشجویان، در محوطه دانشگاه حضور یافته و درحال هدایت نیروهای خود هستند. . . «.

این سازماندهی سرانجام به یک یورش وحشیانه انجامید و نیروهای بسیج و لباس شخصی دانشجویان را در تالار دانشگاه محاصره کرده و با چوب، چماق، قمه و زنجیر به دانشجویان محبوس در تالار حمله ور شدند. حمله امروز اوباش به دانشگاه هنر تهران که برای تشیع دانشجوی جان باخته صانع ژاله و دروغ پردازی درباره هویت واقعی این مبارز جنبش مردمی بود، بخشی از برنامه های کودتاچیان علیه جنبش و رهبری آن قلمداد می شود.

حمله لباس شخصی ها به خانه مهدی کروبی و فرزند او طی دیشب و امروز، تحصن گروهی تحت عنوان طلاب در میدان ارک تهران، با خواست دستگیری و اعدام موسوی و کروبی، سردادن شعار علیه این دو رهبر مقاوم جنبش در مجلس شورای اسلامی، سخنان تحریک آمیز حداد عادل و علی لاریجانی در مجلس، تبلیغات دروغین روزنامه کیهان



و خبرگزاری های فارس و رجا نیوز و پرونده سازی بر ضد میرحسین موسوی و مهدی کروبی، تشکیل جلسه کمیته ویژه بررسی «فتنه» با حضور مقامات امنیتی و نظامی به دستور رییس مجلس، صدور بیانیه های تهدید آمیز از سوی بسیج و فراکسیون هوادار دولت کودتا در مجلس و شعارهای امروز اوباش در دانشگاه تهران، اقدام ها و برنامه هایی هستند که پس از نمایش قدرت و توان جنبش مردمی در ۲۵ بهمن ماه از سوی مزدوران تاریک اندیش انجام پذیرفته و بی شک طی روزهای آینده دامنه گسترده تری خواهد یافت.

کودتاچیان در هراس از تداوم مبارزه توطئه های گوناگونی را تدارک دیده اند، باید با حفظ هوشیاری و در یک صف واحد این توطئه های شوم را خنثی و افشا نمود. بویژه می باید به پرونده سازی علیه میرحسین موسوی، زهرا رهنورد و مهدی کروبی با قاطعیت و صراحت برخورد کرده، واپس گرایان تاریک اندیش را در رسیدن به مقاصد شوم و ضد مردمی خود ناکام ساخت.

سایت حزب توده ایران
۲۷ بهمن ۱۳۸۹ – ۱۶ فوریه ۲۰۱۱

درس نیاموختن دیکتاتورها از تاریخ

''مرگ بر دیکتاتور''
''خامنه ای حیا کن- مبارک نگاه کن''
''پلیس جدا از دولت- بیا کنار ملت''
''مبارک، بن علی نوبت سید علی''

بالاخره پس از ۱۸ روز مبارزه بی امان و ماه ها و سال ها تلاش نیروهای آزادی خواه رژیم ضد مردمی و وابسته حسنی مبارک سرنگون و به سرنوشت حکومت بن علی در تونس و ده ها دیکتاتور دیگر در منطقه دچار شد. فرار حسنی مبارک همچون فرار بن علی و پیش از این فرار شاه از ایران در ۲۲ بهمن ماه سال ۱۳۵۷، موید این حقیقت تاریخی و غیر قابل اجتناب است که سرانجام حکومت های دیکتاتوری و ضد مردمی این چنین بوده و در آینده نیز چنین خواهد بود.

سرنگونی حکومت مبارک در حالی رخ داد که مردم میهن ما سی و دومین سالگرد پیروزی انقلاب بهمن و سرنگونی حکومت دیکتاتوری محمد رضا پهلوی را جشن می گرفتند. انقلاب ایران در سال های پایانی دهه هفتاد میلادی تأثیرات شگرفی را بر منطقه برجای گذاشت و منافع کوتاه و دراز مدت امپریالیسم و ارتجاع را با مخاطرات جدی رو به رو کرد.

انقلاب ایران اگرچه توانست در مرحله سیاسی خود با سرنگونی رژیم ستم شاهی به پیروزی برسد ولی به دلیل خیانت آشکار سران جمهوری اسلامی که خیلی زود اهرم های قدرت سیاسی را به انحصار خود در آوردند و اصل ضد مردمی و ارتجاعی ولایت فقیه را به جنبش مردمی و آزادی خواهی میهن ما تحمیل کردند در این مرحله متوقف ماند و نتوانست تغییرات ضرور را برای تحقق تحول اجتماعی-اقتصادی، از راه دگرگونی بنیادی در زیربنای اقتصادی کشور، به منظور تأمین عدالت اقتصادی و اجتماعی، پدید آورد. استقرار یک حاکمیت عمیقاً ارتجاعی و ضد مردمی در کنار حاکمیت سرمایه بزرگ تجاری و سرمایه داری بوروکراتیک نوین که در درون دستگاه دولتی رشد می یافت خیلی زود شعارها و آرمان های انقلاب در راه تحقق عدالت اجتماعی و استقرار حقوق و آزادی ها را قربانی منافع و خواست های کلان سرمایه داری کرد و رژیم دیکتاتوری این بار با روبنایی متفاوت از رژیم ستم شاهی در میهن ما باز تولید شد.

ایران سی و دوسال پس از پیروزی یکی از بزرگ ترین جنبش های مردمی و آزادی خواهانه منطقه، کشوری است که در چنگال رژیمی استبدادی و عمیقاً ضد مردمی دست و پا می زند و به جای تحقق عدالت اجتماعی دره عمیق فقر و ثروت و محرومیت و بیکاری ده ها میلیون ایرانی در تاریخ معاصر کشور ما کم سابقه است.

اسف بار بودن شرایط سیاسی، اقتصادی و اجتماعی کشور آنچنان است که حتی شماری از رهبران پیشین حکومت جمهوری اسلامی و کسانی که در زمان خمینی اهرم های حکومتی را به دست داشتند، اوضاع کنونی را در تاریخ جمهوری اسلامی بی سابقه می دانند.

آیت الله یوسف صانعی، از مراجع تقلید در قم، و از نزدیکان خمینی که در زمان او دادستان کل کشور بود، در دیداری با خانواده های زندانیان سیاسی در روزهای اخیر، از جمله گفت: ''استبدادی که امروز شاهد آن هستیم در تاریخ بی سابقه است. این استبداد نه خدا می شناسد، نه پیغمبر، نه سیاست نه دانشجو، این استبداد هیچ چیز نمی شناسد.''

محمود احمدی نژاد، رئیس جمهور تقلبی و برگمارده رژیم ولایت فقیه در سخنانی که به مناسبت ۲۲ بهمن ایراد کرد، ضمن تبریک و دفاع از مبارزات مردم مصر و حمایت از حاکم شدن مردم این کشور بر سرنوشت شان، ایران را دوست جنبش مردم مصر دانست و این در حالی است که چماق داران مسلح و موتور سواران بسیج امروز به طرز وحشیانه ای به هزاران تن از مردم میهن ما که در شهرهای مختلف ایران به حمایت از مبارزات مردم مصر و دیگر منطقه به خیابان ها آمده بودند به وحشیانه ترین شکلی حمله کردند.

بر اساس آخرین گزارش ها، با وجود جو پلیسی و مخالفت کودتاچیان با برپایی تظاهرات مستقل و مردمی در حمایت از مبارزات توده ای درمصر و تونس، ده ها هزار تن از مردم در تهران و دیگر شهرهای کشور به خیابان ها آمده و باردیگر سرزندگی، پویایی و توان جنبش مردمی را به نمایش گذاردند. همچنانکه پیش بینی می شد، کودتاچیان با وحشیگری و خشونت کامل با توده های جان به لب رسیده برخورد کردند. حمله به دانشگاه امیر کبیر و ضرب و شتم و بازداشت دانشجویان، شلیک گلوله به سمت مردم در خیابان های رودکی، توحید و آذربایجان، قطع عمدی برق در خیابان انقلاب و سپس حمله به مردم در تاریکی نمونه هایی از وحشی گری محسوب می شود که به صورت برنامه ریزی شده امروز به اجرا در آمد.

در حملات وحشیانه نیروهای لباس شخصی و یگان ویژه به مردم، صد ها تن بازداشت و عده ای مجروح شدند. گزارشات منتشره حاکی از کشته شدن چند تن در تهران است.

نیروهای امنیتی با توجه به تجربه حوادث سال ۸۸ و بکارگیری ترفندهای گوناگون تمام توان خود را برای جلوگیری از پیوند میان تجمعات پراکنده تهران متمرکز کرده بودند. به رغم همه این تمهیدات و فضای سنگین امنیتی، توده ها با حضور خود در صحنه از یک آزمون دشوار، سربلند بیرون آمده و قدرت و ریشه ژرف جنبش را آشکارتر ساختند. در تظاهرات امروز شعارهایی چون ''مرگ بر دیکتاتور''، ''خامنه ای حیا کن- مبارک نگاه کن''، ''پلیس جدا از دولت- بیا کنار ملت''، ''مبارک، بن علی نوبت سید علی'' سر داده شد.

منابع خبری همچنین گزارش داده اند که علاوه بر تهران، در اصفهان نیز، پلیس به تجمع‌کنندگان در میدان انقلاب آن شهر حمله کرده و شاهدان خاطرنشان کردند که ماموران یگان ویژه و گروهی از نیروهای امنیتی، به صورت آماده باش از ساعت ها قبل در پارکینگ انقلاب، جنب سینما ساحل، حضور داشتند. در شهرهای دیگر نظیر رشت، مشهد، کرمانشاه و شیراز نیز روز دوشنبه صحنه تجمعات و تظاهرات بر ضد رژیم استبدادی بود.

تظاهرات امروز هزاران تن از مردم جان به لب رسیده ما در تهران و شهرهای گوناگون کشور با وجود اقدامات امنیتی شدید سران رژیم، دستگیری های گسترده و حصر موسوی و کروبی در خانه نشان داد که جنبش اعتراضی مردم ما بر خلاف مدعیات رژیم نه تنها نمرده است بلکه با کوچکترین جرقه و امکانی به صحنه مبارزه می آید.

مبارزه مردم ما بر ضد رژیم استبدادی حاکم هنوز نیازمند سازمان یافتگی، جا افتادگی سازمانی و بیش از پیش شرکت فعال و گسترده طبقه کارگر و زحمتکشان در صفوف آن است. مبارزات گسترده جوانان و دانشجویان، در کنار پیکار دلیرانه زنان میهن ما در سال های اخیر نقش برجسته ای در پیشبرد مبارزات مردم میهن ما داشته است ولی این مبارزات به خودی خود کافی نیست و نیروهای مترقی، آزادی خواه و پشیرو جامعه باید بتوانند با بسیج و به میدان کشاندن طبقه کارگر، و زحمتکشان شهرها و روستاها توازن مبارزه کنونی را به نفع جنبش مردمی تغییر دهند.

حزب ما همان طور که در هفته های اخیر اشاره کرده است باید و می توان از حوادث کشورهای منطقه درس آموخت و آن را به نفع پیشبرد مبارزات مردم ایران به کار گرفت. بدیهی است که شرایط کشور ما هم از نظر بافت طبقاتی و هم از نظر ماهیت طبقاتی نیروهای حاکم دارای تفاوت های مهمی با شرایط کشور مصر است و از این رو نسخه برداری خام از این حوادث نادرست است ولی حوادث کشورهای منطقه از تونس و مصر می آموزد که شرکت موثر و هماهنگ قشرهای مختلف اجتماعی، همبستگی نیروهای آزادی خواه و شرکت موثر و فعال طبقه کارگر می تواند بر نیروهای نظامی و سرکوبگر رژیم های دیکتاتوری غلبه کند و راه را برای پیروزی جنبش مردمی باز نماید.

باید با صبر و حوصله این کار مهم را سازمان دهی کرد و به پیش برد. عمر حکومت های دیکتاتوری در منطقه و در میهن ما دیر یا زود به سر خواهد آمد. حوادث منطقه بشارت دهنده این امر است که دیر نیست آن روزی که علی خامنه ای، احمدی نژاد و سایر سران رژیم دست اندرکار تدارک فرار خود از کشور باشند و مردم ما بتواند به حقوق سرکوب شده خود دست یابند. شکاف در نیروهای حاکمیت، محدود شدن بیش از پیش پایگاه طبقاتی رژیم ولایت فقیه، بحران عمیق اقتصادی-اجتماعی که با توجه به مجموعه سیاست های اتخاذ شده ماه های اخیر، از جمله شتاب روند خصوصی سازی، "تعدیل نیروی کار انسانی" و "هدفمند کردن یارانه ها" روز به روز تعمیق بیشتری پیدا خواهد کرد و جدا شدن بیش از پیش شماری از نیروهایی که در گذشته یی نه چندان دور در رهبری حکومت جمهوری اسلامی قرار داشتند، در کنار از بین رفتن مشروعیت حتی "اسلامی" گروه حاکم به رهبری خامنه ای، در مجموع نشانگر بحران تعمیق یابنده رژیم و بی آیندگی حاکمیت استبداد کنونی بر ایران است.

سرنوشت تاریخی رژیم های ضد مردمی پدیده قابل تاملی است که امروز حتی شماری از نیروهای حاکمیت باید به دقت آن را بررسی کنند و از آن بیاموزند. رژیم ستم شاهی محمد رضا زمانی "جزیره ثبات" آمریکا در منطقه شناخته می شد. دولت حسنی مبارک متحد نیرومند آمریکا و اسرائیل در منطقه بود و به مدت سی سال با استقرار یک حکومت استبدادی حقوق مردم مصر را پایمال کرده بود ولی امروز از آن جزیره ثبات، این متحد نیرومند و آنهمه نیروی نظامی و انتظامی که این حکومت ها را شکست ناپذیر معرفی می کردند نشانی باقی نمانده است و این دیکتاتورها هستند که هراسناک از خشم توده ها به دنبال "محل امنی" برای پنهان شدن خود هستند.

جنبش مردمی می تواند و باید با پایبندی به خواسته های روشن مردم، وحدت و اتحاد عمل و ارایه یک برنامه واقع بینانه ضمن ایجاد زمینه های مناسب برای تعامل میان همه حزب ها و سازمان های ضد استبدادی به وظایف تاریخی خود در مقابله و مبارزه با استبداد ولایی عمل نماید. تجربه ۲۵ بهمن موید این واقعیت است.



تلاش به منظور عملی کردن خواسته های کارگران، و

ضرورت در پیش گرفتن شیوه های مبارزاتی واقعیت گرا

باید همصدا و منسجم، با حمایت از جنبش کارگری و خواسته های صنفی و سیاسی کارگران، زمینه های حضور نیرومند جنبش مردمی را برای ایجاد تغییرات بنیادی به نفع اکثریت جامعه فراهم آورد. نباید عملی کردن خواسته های بحق کارگران و زحمتکشان را به فردایِ نامعلومِ فرود رژیم ولایت فقیه واگذاشت.

روزنامه دنیای اقتصاد، ۲۳ بهمن ماه، در گزارشی از قول وزیر کار دولت احمدی نژاد خبر داد که، افزایش حقوق کارگران منتفی است. وزیر کار و امور اجتماعی از "بعید بودن افزایش حقوق کارگران در سال آینده" سخن گفته است. شیخ الاسلامی، دلیل این عدم افزایش احتمالی را "جلوگیری از افزایش تورم و قیمت ها" دانسته، و آن را با ایجاد زمینه برای "بهره مندی بیشتر کارگران از مزایای اجرای قانون یارانه ها" توجیه کرده است. وزیر کار دولت احمدی نژاد در ادامه افاضاتش، با بیان اینکه "با اجرای قانون هدفمندی یارانه ها قشر کارگری کشور دارای منفعت های بیشتر نسبت به سایر اقشار جامعه شده اند"، گفت:" تورم در کشور مهار شده و افزایش قیمت نداشته ایم. در صورت افزایش حقوق کارگران احتمال نفوذ تورمی کالا در بازار دور از انتظار نیست و سبب ایجاد مشکلاتی برای جامعه کارگری می شود."

اظهارات وزیر کار دولت احمدی نژاد در رابطه با دستمزد کارگران به هیچ وجه غیر مترقبه و خارج از انتظار نبوده است، و این ترفند از مدت ها پیش قابل پیش بینی بود. دولت احمدی نژاد برای انجام برنامه های ضد مردمی اش بار دیگر کارگران و زحمتکشان میهن را در صف اول قربانیان خویش قرار داده است.

بر طبق همین گزارش، دولت در لایحه یی که با عنوان "لایحه هدفمند کردن یارانه ها" به مجلس تقدیم کرده بود، پیشنهاد کرده بود: در سال هایی که این قانون در حال اجراست، افزایش حقوق کارگران و کارمندان متوقف شود. ماده ۱۳ لایحه دولت – که البته در مجلس حذف شد و در قانون نیامد – می گفت:" الزام افزایش حقوق کارکنان دولت موضوع ماده ۱۵۰ قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و مواد ۶۴ و تبصره آن و ماده ۱۲۵ قانون مدیریت خدمات کشوری و ماده ۴۱ قانون کار از زمان اجرای این قانون موقوف الاجراء خواهد شد و تمامی قوانین مغایر با این قانون از زمان ابلاغ، لغو می شود."

دولت احمدی نژاد سعی فراوان داشت تا با استفاده از لایحه های "قانونی" [!] یورش به سفره خالی زحمتکشان را کامل کند؛ البته در این راه به آن موفقیتی که مد نظرش بود نرسیده است، اما در حال حاضر با ترفندها یی شناخته شده مترصد است تا فقر و شوربختی بیشتری را در زندگی میلیون ها زحمتکش میهن‌مان نهادینه کند. احمدی نژاد بارها در سخنرانی هایش اعلام کرده بود که، با اجرای برنامه های اقتصادی اش هیچ گرسنه یی دیگر در جامعه وجود نخواهد داشت. البته مسلم است در صورتی که وی موفق شود یورش به دستاوردهای زحمتکشان را به سرانجام رساند، نابودی جمعیت گرسنه ها در پی خواهد بود، و این همان هدفی است که احمدی نژاد و همفکرانش آن را تعقیب می کنند. احمدی نژاد مصمم است با نابودی زحمتکشان معضل فقر و گرسنگی را نیز در جامعه حل کند.

اظهارات اخیر وزیر کار در رابطه با دستمزدها واکنش هایی را بین فعالان کارگری وابسته به رژیم نیز در پی داشته است، که در حکم نگرانی آنان نسبت به ناآرامی های احتمالی کارگری باید تلقی شود. به گزارش ایلنا، ۲۳ بهمن ماه، حسن صادقی – که هم اکنون عنوان رئیس اتحادیه پیشکسوتان جامعه کارگری را دارد – می گوید:" وزیر کار در حالی موضوع عدم افزایش دستمزدهای سال ۹۰[۱۳۹۰] را مطرح می کند که به گفته کارشناسان و صاحب نظران اقتصادی تبعات اجرای قانون هدفمند سازی یارانه ها باعث بدتر شدن وضعیت اقتصادی کارگران خواهد شد." صادقی اظهارات وزیر کار را یادآور طرح شکست خورده تثبیت قیمت ها در مجلس هفتم دانست، که باعث شد دستمزد کارگران در سال ۸۴ به نام حفظ قیمت ها افزایش نیافته و در عمل قدرت خرید آنان به طور چشمگیری کاهش یابد.

آن چیزی که مشخص است اینکه، نباید انتظار داشت تحولی مثبت در رابطه با دستمزد کارگران از طرف دولت احمدی نژاد صورت بگیرد، اما این سوال پیش می آید که، آیا فعالان کارگری و نیروهای حامی آنان هم باید از تلاش برای عملی کردن این خواسته ها اجتناب ورزیده و آن را به فردای سرنگونی این رژیم واگذارند؟ متاسفانه هم اکنون بین کسانی که با دیدگاه های "چپ" در این باره به اظهار نظر می پردازند چنین تفکری وجود دارد. خوشبختانه این تفکر انحرافی که همان خاک پاشیدن به چشم کارگران و زحمتکشان است، تفکری نیست که دست بالا را بین کارگران داشته باشد؛ اکثر نیروهای کارگری و حامیان آن ها با درک ضرورت ها، و با موضع گیری های آگاهانه، رژیم را در این زمینه به چالش گرفته‌اند. اطلاعیه اخیر شش سندیکای کارگری در ایران در رابطه با تعیین حداقل دستمزدها، رشد آگاهی جنبش کارگری

را در مقایسه با ذهنی گرایی و تفکر انحرافی به خوبی نشان می دهد. بر اساس این تفکر انحرافی ''تعیین حداقل دستمزد در جمهوری اسلامی بی معناست''، و دلیل آن هم این است که، چون تشکل های مستقل کارگری وجود ندارند بنابراین ''ضمانتی برای حداقل دستمزد وجود ندارد و همه چیز به لطف و کرم دولت و سرمایه داران بستگی دارد'' . این تفکر به دیگر دلایل و زمینه ها، از جمله به عدم وجود ''بازرسی مستقل کارگری'' و''آزادی اطلاعات''، و وجود ''بازار سیاه وسیع نیروی کار''، اشاره می کند و معتقد است که، به جای مبارزه برای خواسته ها ی کارگری یی همچون تعیین حداقل دستمزدها، تلاش همگانی باید بر ایجاد تشکل های کارگری



متمرکز گردد. اگر به چنین تفکری باور داشته باشیم ، به این نتیجه باید برسیم که، مبارزه کارگران برای دستمزدهای معوقه، اخراج های بی رویه، ایمنی کار، قراردادهای موقت و جز این ها، همه و همه غلط و بیهوده است و کارگران قبل از همه این ها باید تشکل مستقل کارگری ایجاد کنند و از طریق آن به طرح خواسته های خویش اقدام کنند. این تفکر غلط در اساس با مبارزه کارگری بیگانه است؛ کارگران و زحمتکشان از راهِ و در جریانِ مبارزه برای دستیابی به خواسته های خود بهَ ضرورت عملَی تشکل و سازماندهی پی می برند.

سخنان وزیر کار در رابطه با دستمزدها از آن رو بااهمیت است که، محفل های دست اندرکار این ترفند در درون حکومت به خوبی از این خیز دولت اطلاع داشته اند، اما اجرایی کردن تمامی این برنامه ها بر این اساس بنا شده که چون رویارویی و مقاومت از سوی کارگران ضعیف است پس به راحتی می توان سیاست های ضد کارگری را به پیش تازاند. خبرگزاری ایلنا، ۲۶ دی ماه، یعنی مدت زمانی کمتر از یک ماه پیش از سخنان اخیر وزیر کار، از قول محجوب - که در مجلس در مقام رئیس فراکسیون کارگری مجلس فعالیت می کند - با هشداری در این رابطه، نوشت:'' بحث افزایش دستمزد سنواتی کارگران ارتباطی با پرداخت نقدی یارانه ها ندارد، چرا که ماهیت این دو پدیده کاملا از هم مجزاست.'' وی در جایی دیگر در ادامه این مطلب گفت: ''یارانه های پرداختی اساسا برای جبران افزایش قیمت کالاهایی همچون سوخت است که پیش از این از یارانه ها بودند، اما افزایش دستمزد کارگران برای جبران تورم سالیانه ای است که به تبع آن قدرت خرید کارگران کاهش می یابد.'' اظهار همین سخنان به خوبی نشان می دهد که اجرای چنین سیاست ضد کارگری یی امری چندان پنهانی نبوده و دولت هم اکنون مصمم است این ترفند را به نفع جناح های انگلی حاکمیت و به قیمت فقر و بدبختی زحمتکشان به سرانجام رساند.

به همین دلیل ما بار دیگر ضمن هشدار نسبت به پیامدهای زیان بار چنین سیاست های کارگرستیزانه دولت کودتایی، که به زندگی روزانه میلیون ها تن از زحمتکشان میهن مان آسیب می رساند، همه نیروهای مترقی و مدافع حقوق کارگران را فرا می خوانیم تا با در پیش گرفتن شیوه های مبارزاتی واقعیت گرایانه و کمک به کارزار زحمتکشان از عملی شدن چنین تصمیم ضد کارگری یی مانع شوند. حرکت ها و تشکل های کارگری از درون همین مبارزات است که کم کم شکل می گیرند و منافع طبقه کارگر را محافظت می کنند. نگاهی به شکل گیری و فعالیت تشکل های کارگری مستقلی همچون تشکل ''کارکنان شرکت واحد اتوبوس رانی تهران و حومه'' و نیشکر هفت تپه، نمونه های روشن آن را نشان می دهد. فعالیت این تشکل ها در دوره هایی نضج گرفت که کارگران فعال در این واحدها با مشکلات صنفی پرشماری مواجه بودند و اتفاقا رژیم در هراس از همین گونه فعالیت ها بوده که با فشاری دوچندان به سرکوب فعالان این تشکل های مستقل پرداخته است. دستگیری و به زندان انداختن افرادی چون منصور اسالو و رضا شهابی، نقطه ضعف رژیم در رابطه با جنبش کارگری را بخوبی نشان می دهد. جنبش های کنونی در مصر و تونس بار دیگر نقش مبارزات جنبش کارگری را در پایین کشاندن این دو رژیم فاسد به روشنی نزد عموم مردم به اثبات رساند. باید همصدا و منسجم، با حمایت از جنبش کارگری و خواسته های صنفی و سیاسی کارگران، زمینه های حضور نیرومند جنبش مردمی را برای ایجاد تغییرات بنیادی به نفع اکثریت جامعه فراهم آورد. نباید عملی کردن خواسته های بحق کارگران و زحمتکشان را به فردایِ نامعلومِ فرود رژیم ولایت فقیه واگذاشت.

بررسی مجدد لایحه ضد خانواده در کمیسیون قضایی مجلس:

رژیم ولایت فقیه در تقابل با حقوق و منافع زنان

بررسی مجدد لایحه ضد خانواده در کمیسیون قضایی مجلس تلاش دیگری از سوی تاریک اندیشان برای تصویب نهایی این لایحه ضد ملی است.

به گزارش رسانه های همگانی لایحه موسوم به ''حمایت از خانواده'' مجددا در کمیسیون حقوقی و قضایی مجلس مورد بررسی قرار گرفته و در خصوص برخی مواد آن مانند ماده ۲۳ بر لزوم برخی تغییرات توافقاتی درمیان اعضای کمیسیون صورت پذیرفته است.

خبرگزاری ایلنا ۹ بهمن ماه با درج خبر بررسی دوباره لایحه ضد خانواده طی مصاحبه ای با یکی از اعضای کمیسیون قضایی مجلس گزارش داد: ''لایحه حمایت از خانواده در حال حاضر در کمیسیون حقوقی و قضایی مجددا در حال بررسی است و در جلسه هفته گذشته این کمیسیون قرار شد موادی به این لایحه اضافه شود ... قرار است به لایحه حمایت از خانواده مواردی که زنان باید حق طلاق داشته باشند اضافه و مشخص شود و در یک بخش هم به حقوق کودکان پرداخته شود ... کمیته حقوق خصوصی قرار بود در لایحه تغییراتی ایجاد کند تا افکار عمومی جامعه، نظر زنان معترض، نمایندگان مجلس و علما نسبت به این لایحه مثبت باشد اما کمیته حقوق خصوصی نتوانست تغییرات لازم را اعمال کند به همین جهت لایحه حمایت از خانواده مجددا به کمیسیون حقوقی و قضایی ارجاع داده شد تا این کمیسیون تغییراتی ... را دراین لایحه اعمال کند.''

محتوی آنچه تغییرات دراین لایحه زن ستیز و ضد ملی نامیده می شود، تاکنون اعلام نگردیده و معلوم نیست کمیسیون قضایی مجلس کدام نکات را قرار است به موادی نظیر ماده ۲۳ بیفزاید که به زعم اعضای این کمیسیون حقوق زنان وکودکان را تضمین نماید. لایحه ضد خانواده زمانی مورد بررسی مجدد قرار می گیرد که برخلاف تبلیغاتی چون ''حرکت برای تضمین حقوق زنان'' با افزودن موادی به لایحه مذکور، دراقدامی پر معنا دیوان عالی کشور با صدور حکمی شروط ضمن عقد را برای زنان منتفی و مردود اعلام کرد.

پایگاه اطلاع رسانی تغییر برای برابری ۸ بهمن ماه گزارش داد: ''دیوان عالی کشور با صدور یک رای وحدت رویه، اعلام کرده است که اگر زنی حق طلاق را ضمن عقد دریافت کرده باشد و همسر او بتواند عدم تمکینش را در دادگاه به اثبات برساند، این حق قابل اعمال نخواهد بود.'' یکی از فعالان جنبش زنان به درستی با محکوم ساختن این اقدام دیوان عالی کشور که رای صادره آن برای همه دادگاه های کشور لازم الاتباع است، می گوید: ''قدمی که از سوی دیوان عالی کشور برداشته شد، شاید یک ضد حمله به حمله ای بود که زنان برای کسب حقوق خود زده بودند. شروط ضمن عقد، می توانست به زنان کمک کند برای حقوق ناداشته ی خود اقدام کنند. یک چنین قانونی در واقع در تلاش برای این است که این حق را از آنها سلب کند.''

شیرین عبادی نیز به عنوان یک حقوق دان درخصوص این رای دیوان عالی جمهوری اسلامی با صراحت یادآوری نمود: ''این رای از جهت حقوقی کاملا اشتباه است و بسیار باعث تاسف است که وضعیت دیوان عالی کشور به جایی رسیده .... و تابع شرایط سیاسی روز هستند و می دانیم که شرایط سیاسی روز در جهت ضد زن حرکت می کند و به همین دلیل هم سیاست وارد این حکم شده و حکمی را که هم با شرع اسلام و هم با منطق حقوقی مغایرت دارد صادر کرده اند.''

صدور این حکم حرکتی حساب شده از سوی ارتجاع برای مقابله با جنبش زنان و سیاست مدبرانه این جنبش در قبال افشای لایحه



ضد خانواده است. حال با توجه به این واقعیت چگونه می توان به وعده اعمال تغییرات کمیسیون قضایی مجلس در لایحه ''حمایت از خانواده'' امید داشت؟

علاوه بر اینها نابرابری جنسیتی-طبقاتی و پایمال ساختن حقوق زنان کشور را می توان درعرصه اقتصادی و اجتماعی نیز مشاهده کرد. یکی از نمودارهای وجود تبعیض جنسیتی و نابرای میزان سهم زنان از اشتغال است. چندی پیش خبرگزاری مهر برآوردی از وضعیت اشتغال زنان کشور منتشر ساخت. مطابق این براورد رسمی زنان فقط ۱۳ درصد فرصت های شغلی را در اختیار داشته اند. خبرگزاری مهر گزارش داد: ''بررسی وضعیت اشتغال زنان کشور نشان می دهد که تا پایان سال گذشته ۸/ ۳ میلیون نفر زن در بخش های مختلف اشتغال داشته اند که بیشترین تعداد آنها در تهران و کمترین نیز در کهکیلویه و بویراحمد بوده است ... در حالی که مردان در سال گذشته ۸۷ درصد کل اشتغال کشور را در اختیار داشته اند، زنان توانسته اند ۱۳ درصد کل فرصت های شغلی را در کشور به خود اختصاص دهند که خود این موضوع نشان دهنده توزیع نامتوازن فرصت های اشتغالی بین مردان و زنان

است.''

در ادامه این گزارش آمده است: ''در سال گذشته اشتغال زنان در هیچ یک از استان های کشور به بالای ۵۰۰ هزار نفر نرسید و بیشترین حضور زنان در استان هایی مانند آذربایجان شرقی، تهران، خراسان رضوی، آذربایجان غربی، اصفهان، خوزستان و فارس بوده است.''

تبعیض و نابرابری و وجود قوانین زن ستیز و واپس گرایانه نیروی فعال و خلاق نیمی از جمعیت کشور یعنی زنان را به انفعال کشانده و این امر علاوه بر زیان های اقتصادی کلان و دراز مدت، رشد سالم جامعه را با دشواری همراه ساخته است. نباید از نظر دور داشت که علاوه بر عدم دسترسی زنان به کار و درآمد مناسب، اعمال سیاست جدا سازی جنسیتی در مراکز آموزش عالی، دانشگاه ها و فشار فزاینده به زنان مانع های جدی در راه مشارکت فعال و موثر آنها در تمام عرصه های زندگی پدید آورده است. در این میان تبعیض و نابرابری جنسیتی، زندگی زنان طبقات محروم را به شدت تحت تاثیر مخرب خود قرار داده و می دهد. ایلنا ۳۰ دی ماه از قول مدیر کل دفتر پیشگیری از آسیب های اجتماعی بهزیستی کل کشور اعلام داشت: ''۲۵ هزار زن سرپرست خانوار فاقد هرگونه پوشش حمایتی بوده و به تنهایی بار زندگی خود را به دوش می کشند ... زنان سرپرست خانوار در روابط اجتماعی و حضور در اجتماع با مشکلات عدیده ای روبرو می شوند. نابرابری در دسترسی به آموزش، عدم امکان کسب مهارت، نابرابری در پیدا کردن شغل مناسب، زنان (سرپرست خانوار) را از قابلیت های لازم برای کاهش فقر محروم کرده است ...''

پرسش مطرح این است که چرا جمهوری اسلامی تاکنون برنامه ای برای رفع معضلات و مشکلات زنان سرپرست خانوار تدوین و اجرا نکرده است؟ اما با تمام توان و امکانات خود برای تحمیل عقاید قرون وسطایی در قالب لوایحی مانند لایحه ضد خانواده فعالیت می کند؟ پاسخ به این پرسش البته دشوار نیست. ماهیت ارتجاعی رژیم ولایت فقیه خصوصا دیدگاه های قشری دولت ضد ملی کودتا با تقویت نقش و جایگاه زنان در جامعه بدون استثناء در مغایرت قرار دارد. بررسی مجدد لایحه ضد خانواده در کمیسیون قضایی مجلس تلاش دیگری از سوی تاریک اندیشان برای تصویب نهایی این لایحه ضد ملی است. بی شک جنبش زنان به عنوان یکی از گردان های پیکار جوی جنبش ضد استبدادی همدوش با سایر حزب ها و نیروهای ترقی خواه همچون گذشته با تدبیر، هوشیاری و عزمی راسخ مانع از پیشبرد مقاصد واپس گرایان تاریک اندیش شده و خواهد شد.

تشکیلات دمکراتیک زنان ایران ۶۸ ساله شد

به مناسب ۱۸ بهمن سالروز تاسیس تشکیلات دمکراتیک زنان ایران

تاریخ پرافتخار مبارزات زنان کشور ما با نام شخصیت‌ها و تشکل‌هایی پیوند خورده است که از سده پیش تا به امروز برای احقاق حقوق زنان و افشاندن بذر آگاهی در جامعه‌ی مردسالار ایران مبارزه کرده‌اند و یکی از این نام‌های پرافتخارکه از ۶۸ سال پیش بر تارک تاریخ مبارزاتی زنان می‌درخشد، تشکیلات دمکراتیک زنان ایران است.

تشکیلات دمکراتیک زنان ایران ابتدا با نام تشکیلات زنان ایران در ۱۸ بهمن ۱۳۲۲ توسط برخی از زنان مترقی و چپ که فشار و خفقان دوران دیکتاتوری رضاخانی را تجربه کرده بودند تاسیس شد و این در شرایطی بود که تقریبا سه دهه از نهضت بیداری زنان که از زمان مشروطیت آغاز شده بود می‌گذشت. پیشگامان اولیه نهضت زنان، مبارزه برای کسب سوادآموزی دختران را با وجود همه‌ی مخالفت‌های ارتجاع تا حدی نهادینه کرده بودند. اما در جامعه‌ی سنتی و مردسالار آن روز که بیسوادی بیداد می‌کرد (۷۳ درصد بیسوادی فقط در مقطع انقلاب) و زنان در بی‌حقی کامل به سر می‌بردند و فاشیسم نیز در جهان بر طبل جنگ می‌کوبید و با وجود رژیمی ارتجاعی وضد زن، کار در میان زنان چندان آسان نبود. در چنین شرایطی «تشکیلات زنان» تحت مسئولیت مریم فیروز و با تلاش زنان مبارز و مترقی آن زمان، زنانی مثل بدری و نجمی علوی، زهرا و مهرانگیز اسکندری، جمیله صدیقی، خدیجه کشاورز، اخترکامبخش، ایران ارانی، فروهید کباری وعالیه شرمینی و... شروع به کار در میان زنان کرد. این تشکیلات با جذب زنان پیشرو به صفوف خود مبارزه برای خواست‌های برحق زنان را در برنامه‌ی خود قرار داد که سرلوحه آن مبارزه برای حقوق اولیه زنان مانند داشتن حق رای، برابری حقوقی زن و مرد و لغو قوانین ارتجاعی، مبارزه برای صلح، مبارزه برای دستمزد برابر درمقابل کار برابر و تلاش برای سواد آموزی و ارتقای سطح آگاهی جنسیتی زنان در جامعه بود.

«بیداری ما» اولین ارگان تشکیلات با شعار «ماهم در این خانه حقی داریم!» بود که در سال ۱۳۲۳ انتشار یافت که بعد از توقیف آن در سال ۱۳۲۶ نشریات دیگری مانند «جهان تابان» و در سال ۱۳۳۰ «جهان زنان»(۱) با شعار«زنان ایران برای به دست آوردن حقوق خود متحد شوید» ارگان تشکیلات دموکراتیک زنان خواسته‌ها و مطالبات زنان را در سطحی وسیع گسترش می‌دادند. از جمله در سال ۱۳۳۱، زمان مبارزه برای تجدید نظر در قانون انتخابات، «جهان زنان» روزانه در یک ورق منتشر می‌شد.

تشکیلات زنان ایران در سال ۱۳۲۶ با عضویت در «فدراسیون دمکراتیک بین‌المللی زنان» با نام «تشکیلات دمکراتیک زنان ایران» و بعد از غیرقانونی شدن درسال ۱۳۲۸ با نام «سازمان زنان ایران» بزرگ‌ترین سازمان علنی و منسجم زنان بود که مبارزه‌ی پیگیرانه‌ی خود را با استفاده از شیوه‌های گوناگون به پیش برد. در مجموع حدود ۱۰ سال فعالیت علنی و نیمه‌علنی تا کودتای آمریکائی سال ۱۳۳۲، تشکیلات توانست با کار وسیع توده‌ای در بین زنان، برگزاری میتینگ‌های محلی (در جریان تجدید نظر در قانون انتخابات)، برگزاری کنفرانس‌های هفتگی و ایجاد کلاس‌های سوادآموزی، خیاطی، بهداشت و کمک رسانی به مناطق محروم و با ایجاد و فعالیت در تشکل‌هایی مانند اتحادیه‌ی زنان زحمتکش، شورای مادران، جمعیت هواداران صلح، جمعیت حمایت کودک و... بذر آگاهی را در جامعه پراکنده و زنان را حول تشکل‌های صنفی و سیاسی خود فراخواند. در این سال‌ها صدها زن درسراسر ایران به صفوف آن پیوستند هراس رژیم ازگسترش تشکیلات دمکراتیک زنان، سرکوب آن را چون سایر نیروهای مترقی در پی داشت.

به همین دلیل در جریان کودتای سال ۱۳۳۲ تشکیلات همراه با دیگر سازمان‌های مترقی مورد یورش قرار گرفت و بسیاری از اعضای آن روانه زندان‌ها یا راهی مهاجرت شدند.اما درنتیجه‌ی سال‌ها مبارزه‌ی پیگیر زنان پیشرو و مترقی و در راس آنها تشکیلات دمکراتیک زنان ایران، رژیم شاه ناچار شد در دهه ۴۰ رفرم‌هایی را در قانون اساسی و قوانین مدنی ایران- از جمله حق انتخاب کردن و



انتخاب شدن و یا تغییر برخی از مواد قانون حمایت خانواده- به نفع زنان انجام دهد. حتی سازمان‌های خودساخته مانند سازمان زنان به ریاست اشرف پهلوی نتوانست چهره‌ی زن‌ستیز رژیم شاه را بپوشاند و مثل همه دیکتاتورها سرکوب و اختناق را پیشه کرد. اما سرکوب هم نتوانست رژیم ضدمردمی و ارتجاعی شاه را نجات دهد و با انقلاب شکوهمند مردم رژیم شاهنشاهی به زباله‌دان تاریخ سپرده شد.

با پیروزی انقلاب بهمن ۱۳۵۷ مرحله دیگری در مبارزات پیگیرانه زنان و تشکیلات دمکراتیک زنان ایران آغاز شد که آغازی بر فعالیت علنی تشکیلات و فعالیت برای بازسازی سازمان‌های آن و ادامه مبارزه بود. در اولین برنامه تشکیلات بعد از انقلاب از جمله آمده است:

«سال ۱۳۵۷ که به حق می‌توان آن را «سال شکوهمند انقلاب»

نامید میلیون‌ها زن شهری و روستایی در تظاهرات ضد رژیم شرکت کردند، این قهرمانان گمنام بی‌محابا دربرابر آتش گلوله دژخیمان قرار گرفتند، کشته دادند و کشته شدند و نه تنها کم‌ترین تزلزلی در اراده‌ی استوارشان پدیدار نشد بلکه مصمم‌تر از پیش اسلحه به دست به مقابله دشمن شتافتند، با دست‌هایی خالی و برهنه باریکاد ساختند، زخمی‌ها را از عرصه‌ی پیکار به در بردند، بر زخم‌ها مرهم نهادند.



رفیق مریم فیروز
نخستین دبیر تشکیلات دمکراتیک زنان ایران

زن در همه جا حضور داشت. وجودش مشوق دیگران و موجب شگفتی همگان بود.او با شرکت آگاهانه خود در این انقلاب پرشکوه در حقیقت اراده‌ی تزلزل‌ناپذیر خود را چنین اعلام داشت که:

«زنان نیز در تعیین سرنوشت کشور خویش سهیم هستند و باید در سیاست، سیاستی که آینده خود و خانواده‌شان را رقم می‌زند، فعالانه شرکت نمایند.»

زن ایرانی اکنون حق دارد در انتخاب راهی که کشورش در پیش می‌گیرد صاحب رای باشد.

زن ایرانی در نبردی بی‌امان و با فداکاری‌های قهرمانانه این حق را به دست آورده است تا در انتخاب دولتی که مجری خواست‌های او باشد شرکت کند.

زن ایرانی حق دارد در تدوین قوانین نو که باید مدافع او و خانواده‌اش باشد شرکت کند.»

(از برنامه تشکیلات دمکراتیک زنان ایران مصوب بعد از انقلاب)

و در این رابطه خواسته‌های زنان را در بخش‌های مختلف از جمله حقوق زن در اجتماع، حقوق زن در خانواده، زن در تولید، زنان کارگر و کشاورز، قوانین خاص درباره‌ی قالی‌بافان، آموزش و پرورش، بهداشت، مبارزه با فساد، مبارزه با مواد مخدر را برجسته کرده وضمن ارائه‌ی راه حل‌های پیشنهادی آمده است:

«دولت انقلابی از آغاز کار باید هم‌زمان با دیگر وظایف خود اقدامات قاطع در جهت پایه‌ریزی چنین برنامه‌هایی را آغاز کند و بخصوص در قانون اساسی آینده‌ی کشور توجه کافی به این مسئله مبذول دارد و بر امر اجرای قوانین نظارتِ دقیق اعمال کند.»

(خواسته‌هایی که با شدت و حدت بیشتری هم‌چنان در دستور کار فعالان زن قرار دارد.)

اما خوشه‌چینان انقلاب از همان فردای انقلاب راه دیگری را در پیش گرفتند، ابتدا برخی از مواد قانون مدنی که حاصل سال‌ها مبارزه زنان بود را ملغی و اولین سرکوب زنان را با شعار «یا روسری یا توسری» آغاز کردند. تشکیلات دمکراتیک زنان در شرایط خاص آن روزها و به خاطر تثبیت انقلاب و سپس جنگ تحمیلی نتوانست عکس‌العمل مناسب در این زمینه اعمال کند و آن را به تثبیت انقلاب و تدارک آینده‌ای روشن‌تر موکول کرد. جنگ امپریالیسم خواسته نیز به کمک ارتجاع آمده و شرایط برای طرح خواسته‌های به حق زنان عملا محدودتر شد.بسیاری از اعضا و هواداران تشکیلات دمکراتیک زنان برای کمک به جبهه‌ها شتافتند و در این راه از جان خود مایه گذاشتند (گیتا علیشاهی). تشکیلات با کار شبانه‌روزی بازسازیِ سازمان‌های خود دربرخی از شهرهای بزرگ و با تجربه‌ای که پشتِ سر داشت توانست در مدتی کوتاه (کمتر از ۴ سال) به یکی از بزرگ‌ترین و فعال‌ترین تشکل‌های زنان تبدیل شود.

تشکیلات با ایجاد کلاس‌های مختلف آموزشی و کار در انجمن‌های مختلف توده‌ای به ویژه در مناطق محروم در جهت تشکل‌یابی وپیوند با توده‌های زنان تلاش می‌کرد. رهبری تشکیلات عمیقا اعتقاد داشت که بردن آگاهی به میان توده‌های زنان و توجه دادن آنان به حقوق انسانی و اجتماعی خود، راهی است که مبارزه‌ی دشوار پیش رو را هموار و ممکن می‌کند. در این رابطه با برگزاری سمینارها و کنفرانس سراسری به تربیت کادرها توجه‌ی ویژه‌ای نشان می‌داد. به علاوه نشریه «جهان زنان» نیز دوباره پس از انقلاب با تیراژ بالایی منتشر شد. به این ترتیب تشکیلات توانست پس از انقلاب هزاران زن را در صفوف خود متشکل کند که این خود هراس ارتجاع را برانگیخته و مستمسکی به دست او داد تا بتواند تشکیلات را به شدت سرکوب کند. در سال ۱۳۶۱ دفتر تشکیلات در تهران مهر و موم و نشریه آن توقیف گردید. صدها نفر از اعضای تشکیلات در سراسر ایران از جمله مریم فیروز مسئول تشکیلات زنان راهی شکنجه گاه‌ها شدند و مورد وحشیانه‌ترین شکنجه‌ها قرار گرفتند.

تشکیلات زنان سرکوب شد اما نابود نشد و سنت مبارزاتی آن- کار در میان توده‌ها به اشکال مختلف و پراکندن بذر آگاهی در جامعه- به نسل‌های بعدی انتقال یافت و جنبش زنان در ایران با این پشتوانه‌ی غنی مبارزاتی است که امروزه به یکی از نیروهای مهم و تاثیرگذار جنبش مردمی ایران تبدیل شده است. این امر خواب ارتجاع را آشفته ساخته و با سرکوب و زندان و شکنجه فعالان زن (مثل دیگر نیروهای مترقی) و یا راندن آنان به مهاجرت اجباری، می‌خواهد چند صباحی بیشتربه عمر ننگین خود ادامه دهد. اما اگر سرکوب و خفقان توانست از سرنگونی شاه یا رژیم‌های دیکتاتوری در تونس، مصر.و... جلوگیری کند در رژیم به شدت ارتجاعی ولایت فقیه هم خواهد توانست!

(۱)جهان زنان اولین بار در سال ۱۲۹۹ در مشهد با صاحب امتیازی فخرآفاق پارسا منتشر شد اما پس از انتشار سرمقاله‌ای درباره تساوی حقوق زنان و مردان، نشریه مورد حمله قرار گرفت و لغو امتیاز شد.

.

متبع : سایت ما زنان



پیروزی واپسین با ارانی است

دکتر تقی ارانی در ۱۲۸۲ در تبریز دیده به جهان گشود. و در سال ۱۲۹۹ تحصیلات متوسطه را در دارالفنون به اتمام رسانید. سال های جوانی تقی ارانی نیز سال هایی طوفانی برای ایران و جهان بود. انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر در همسایگی ایران به پیروزی رسیدو تاثیر مثبت و آگاهی بخش آن بر بخش هایی از مردم ایران خصوصاً بر روشنفکران و جوانان زیاد بود. کشور توسط نیروهای نظامی انگلیس در سال ۱۲۹۷ اشغال شد واین دخالت در نهایت منجر به تحمیل قرارداد ننگین سال ۱۲۹۸ (۱۹۱۹) شد. قراردادی که ایران را به مستعمره انگلستان مبدل ساخت. یک سال بعد کودتای سید ضیاءالدین رضاخان (۱۲۹۹) بوقوع پیوست و نفوذ بیش از پیش امپریالیسم انگلیس را در کشور تشدید نموده و از پیدایش استبداد جدیدی خبر می داد. علاوه بر این موارد سال های جوانی تقی ارانی، مصادف بود با شکل گیری قیام ها و جنبش های رهایی بخش و دموکراتیک در گوشه و کنار ایران. از آن میان می توان به قیام شیخ محمد خیابانی در آذربایجان به سال ۱۲۹۹، جنبش گیلان و تشکیل دولت انقلابی به ریاست میرزا کوچک خان جنگلی، قیام کلنل محمد تقی خان پسیان در خراسان در سال ۱۳۰۱ و بالاخره قیام لاهوتی در آذربایجان اشاره کرد. این جنبش ها از یک سو نتیجه افزایش تضادهای داخلی و دخالت امپریالیست انگلیس در امور ایران بود و از سوی دیگر زیر تاثیر غیرقابل انکار انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر در کنار مرزهای کشور به عنوان الگویی برای رهایی قرار داشت. تقی ارانی پرورش یافته در این طوفان بود و بدون تردید این گونه حوادث در تکوین شخصیت وی و گرایش او به مبارزه سیاسی در مسیر آتی زندگی نقش مهمی بازی کرده است. زیرا او در همان سال ها به همراه سایر جوانان به مناسبت های گوناگون در تظاهرات ضد استبدادی و بر ضد قرارداد ننگین ۱۹۱۹ فعالانه شرکت می کرد. برای نمونه می توان گفت که تقی ارانی برای اولین بار در سن ۱۷ سالگی در تظاهرات سیاسی که از طرف دانش آموزان مدارس تهران برگزار شده بود، شرکت جست. بعد از گرفتن دیپلم متوسطه، تقی ارانی با این امید که در رشته پزشکی درس خوانده و بتواند از راه طبابت به مردم کمک کند، وارد مدرسه طب تهران شد، این مدرسه در واقع تنها مدرسه عالی در آن زمان محسوب می شد. تقی ارانی تنها یک سال در مدرسه طب درس خواند و عواملی چند باعث شد که مسیر زندگی او تغییر کرده و برای ادامه تحصیلات عالی راهی اروپا بشود. تقی ارانی برای انجام تحصیلات دانشگاهی در سال ۱۳۰۱ (۱۹۲۲) به آلمان رفت و در دانشگاه شهر برلن به مدت شش سال به تحصیل پرداخت. رشته اصلی تحصیلی او شیمی بود که آن را با ارایه تزی با عنوان خواص احیاء کننده اسید هیپوفسفریک بر روی مواد آلی در اواخر سال ۱۹۲۸ با درجه دکترا به پایان رساند. رشته های دیگر تحصیلی تقی ارانی عبارت بودند از فیزیک، تکنولوژی و شیمی صنعتی که امتحانات این رشته ها را نیز با موفقیت به پایان برد. سالهای اقامت تقی ارانی در آلمان، سال های رشد، شکوفایی و آبدیدگی یک اندیشمند و انقلابی واقعی است. تقی ارانی در این زمان طی دوره اقامت هفت ساله خود در برلن پایتخت جمهوری وایمار، و زیر تاثیر جنبش کارگری آلمان که در آن سال ها رو به رشد بود قرار گرفت و به جهان بینی مارکسیسم گرایش پیدا کرد. جنبش کمونیستی در آلمان طی سال های دهه بیست یکی از قدرتمندترین جنبش های کارگری در جهان به شمار می رفت. شخصیت هایی چون کارل لیبکنشت و روزا لوگزامبورگ در بوجود آمدن

این جنبش نقش بسزایی بازی کرده و در این راه جان باخته بودند. هیچ عرصه ای از شعر و ادبیات گرفته تا موسیقی ، نقاشی، نمایشنامه نویسی و تئاتر و حتی ورزش و غیره در جامعه آلمان وجود نداشت که اثر انگشت کمونیست ها را برخود نداشته باشد. طبیعتاً این جنبش بزرگ که سرود برابری و برادری ملت ها را می خواند، برای جوانی که از جامعه ای نیمه فئودالی و نیمه مستعمره چون ایران برخاسته و شاهد پیکارهایی خونین و نافرجام مردم کشورش بود، جذابیت و کشش فوق العاده ای داشت و راه های نوینی را در مسیر پیکار و عمل انقلابی به روی او می گشود. تقی ارانی از همان ابتدای ورود به برلن به مطالعات علمی، سیاسی و اجتماعی وسیعی دست زد. او به فراگیری آثار کلاسیک های مارکسیسم پرداخت و با بنیان های نظری فلسفه علمی آشنایی یافت. در نتیجه این مطالعات و درک ضرورت مبارزه انقلابی برای غلبه بر عقب ماندگی جامعه نه تنها به فعالیت سیاسی و انقلابی روی آورد، بلکه خود دست به قلم برد و به عنوان یک مارکسیست ژرف اندیش آثار گوناگونی در زمینه های روانشناسی، ماتریالیسم دیالکتیک، علوم تربیتی و تجربی به رشته تحریر درآورد. دکتر تقی ارانی در عرصه ترویج فلسفه مارکسیستی استعداد شگرفی از خود نشان داد. و آثاری که منتشر کرد سهم معینی در پرورش کادرهای جنبش کمونیستی میهن ما دارد. تنها کافی است که به کتاب هایی مانند پسیکولوژی، عرفان و اصول مادی، ماتریالیسم دیالکتیک اشاره شود. دکتر تقی ارانی در زمینه اشاعه فلسفه علمی مارکسیستی (ماتریالیسم دیالکتیک) نه تنها از پیشگامان آن در ایران بلکه در خاور میانه به شمار می آید. حجم مطالبی که او در زمینه های مختلف نوشته است، نشان می دهد که دکتر ارانی چقدر در عرصه مطالعات آثار کلاسیک های مارکسیسم و همچنین علوم اجتماعی زمان خود پر خوانده و با استعدا بوده است. از دیگر موضوعات مربوط به زندگی تقی ارانی در برلن مبارزه و فعالیت انقلابی او در میان مهاجرین و دانشجویان ایرانی مقیم این شهر است. او علاوه بر ارتباط و همکاری با محفل کمونیست های ایرانی در برلن، در سازمان دهی مبارزه با استبداد رضاخان پیش از آن که به سلطنت برسد، در میان مهاجرین و آزادی خواهان فعال بود
دامنه و حیطه کار نویسندگی تقی ارانی نیز گسترده بود و از نوشتن مقالات علمی (به ویژه شیمی) تا مباحث ادبی و زبانشناسی را در بر می گرفت. وی فعالیت مطبوعاتی خود را با مجله آزادی شرق در برلن آغاز کرد. و اولین مقاله و قصیده بلندی را که سروده بود در همان ماههای اول ورود به این شهر، در آن مجله به چاپ رساند. علاوه بر زبان های ترکی و فارسی به زبان های عربی، فرانسه، آلمانی و انگلیسی نیز آشنایی کامل داشت. شناخت و آشنایی او با این زبان ها یکی از عواملی بود

که او با برخی از شرق شناسان آلمانی مانند اویگن میتوخ (**Eugen Mittwoch**) که برای دوره ای استاد کرسی شرق شناسی دانشگاه برلن بود و هم چنین فریدریش روزن (**Fridrich Rosen**) دیپلمات و شرق شناس معروف آلمان که در سالهای اول جمهوری وایمار برای مدتی وزیر امور خارجه آلمان بود، آشنا شده و با آن ها در عرصه های مختلف به همکاری پرداخت. بنا به توصیه این شرق شناسان دانشگاه برلن در سال ۱۹۲۵ از تقی ارانی برای استادی دانشگاه دعوت به عمل آورد. تقی ارانی از این تاریخ به بعد به تدریس رشته های زبان های شرقی، علم منطق و سبک شناسی در این دانشگاه مشغول شد. وی تا زمان مراجعت خود به ایران به کار تدریس در دانشگاه برلن مشغول بود. در پرونده دانشجویی دکتر تقی ارانی در این باره اشاره هایی در این ارتباط وجود دارد. بنابر این می بینیم که تقی ارانی موازی با تحصیلات دانشگاهی خود در رشته شیمی به عنوان استاد در همان دانشگاه به تدریس اشتغال داشت. درباره موضوع آشنایی دکتر تقی ارانی با زبان های خارجی باید عنوان کرد که او در زمینه ترجمه برخی از آثار به زبان فارسی نیز تلاش هایی کرده است. برای نمونه اولین ترجمه مانیفست حزب کمونیست نوشته کارل مارکس و فریدریش انگلس را دکتر ارانی به فارسی ترجمه کرده است. این امر یکی از موارد اتهام و جرم او در دادگاه جنائی تهران مبنی بر فعالیت اشتراکی(کمونیستی) بود. دکتر ارانی تا زمان دستگیری به اتهام فعالیت اشتراکی و متعاقب آن شهادتش، به مدت ۱۵ سال(از ۱۳۰۱ تا ۱۳۱۶) سابقه فعالیت مطبوعاتی و نویسندگی داشت. او در این مدت کوتاه آثار برجسته و فراوانی انتشار داد که در زمان خود مورد توجه قرار گرفت. نوشته های دکتر ارانی از قابل توجه ترین آثار دوره استبداد بیست ساله است. او همچنین از پرکارترین نویسندگان عصر خود به شمار می رفت. نوشته های دکتر ارانی را در یک نگاه کلی می توان چنین تقسیم بندی کرد

نگارش های فلسفی و اجتماعی
نگارش های علمی و فنی (در رشته های مختلف علوم)
نگارش های سیاسی و اجتماعی
نگارش های اقتصادی
نگارش های ترجمه ای



و همچنین نوشته هایی در زمینه های زبان شناسی، حقوق، شعر و ادبیات و هنر و ...

مهم ترین و برجسته ترین فعالیت دکتر ارانی بنیاد نهادن و انتشار مجله دنیا است. او در این مجله برای نخستین بار به گونه ای علمی، منظم و گسترده به طرح مسایل فلسفی و اجتماعی پرداخت و به تبلیغ و ترویج مارکسیسم در ایران دست زد. مجله دنیا در زمان خود منحصر به فرد بود و در طی دو سالی که منتشر می شد، تاثیر به سزایی در میان روشنفکران و دانشجویان برجای گذاشت. البته دایره تاثیرگذاری این مجله تنها به زمان انتشار آن محدود نمی شود، چرا که مطالب منتشر شده در دنیا پس از فرار رضاشاه و پدید آمدن دوره کوتاهی از آزادی های نسبی و رشد جنبش انقلابی، در پرورش ایدئولوژیک نسلی از انقلابیون و جوانان میهن نقش بارزی ایفاء کرد. محتویات مجله دنیا در کنار سایر آثار و کتبی که دکتر ارانی جداگانه انتشار داده بود، دست کم برای دو دهه از آثار مرجع کمونیست های ایرانی در زمینه آشنایی با مارکسیسم و فلسفه ماتریالیسم دیالکتیک به شمار می رفت. دکتر ارانی هم زمان با کار بزرگ انتشار مجله دنیا به سازمان دهی و کار انقلابی در میان روشنفکران، جوانان و دانشجویان پرداخت. این تلاش ها در واقع برای احیاء حزب کمونیست ایران بود که مدتی پیش از این تاریخ بر اثر پیگردهای شدید پلیس و ضرباتی که رژیم استبدادی رضاخان به سازمان های آن وارد آورده بود، برای مدتی فعالیت آن متوقف شده بود. دکتر ارانی با فعالیت خود در بین جوانان و دانشجویان درصدد برآمد که با یاری همفکران خود، و با جذب مستعدترین دانشجویان برای مبارزه سیاسی و تربیت کادرهای آزموده سازمان متشکلی به وجود آورد. از اولین ثمره های این نوع فعالیت ها، می توان به سازمان دهی چند اعتصاب در محیط های آموزشی و دانشگاه تهران نام برد، که برخی از این ها با کامیابی نیز همراه بود

متاسفانه دوره فعالیت انقلابی دکتر ارانی در ایران بسیار کوتاه بود. اداره آگاهی شهربانی رژیم دیکتاتوری در نیمه دوم اردیبهشت ماه۱۳۱۶ با دستگیری دکتر ارانی و یاران و شاگرد وی مانع از فعالیت های روشنفکرانه او شدجریان دستگیری و محاکمه دکتر ارانی و یاران او که در تاریخ میهن ما تحت عنوان گروه پنجاه و سه نفر معروف گشته است، خود نشان دهنده عجز و ناتوانی رژیم مستبد رضاخان در مقابله با اندیشه های مترقی و انسان دوستانه کمونیست های ایرانی است. دستگاه پلیس رژیم هر چند توانست با ضربه زدن به پیکر جنبش انقلابی ایران و دستگیری اعضاء ۵۳ نفر و رهبر آن دکتر تقی ارانی و محکوم نمودن آن ها در بی دادگاه های خود، برای مدتی سکوت گورستانی به جامعه تحمیل کند، ولی با وجود این دکتر ارانی و یاران و شاگردان او درون سیاهچال ها نیز دست از مبارزه نکشیدند و خود را برای نبردهای آتی و سرنوشت ساز آماده می کردند. بدون شک در این میان نقش شخصیت برجسته دکتر ارانی و مقاومت قهرمانانه او در زندان نیز در تربیت و آموزش زندانیان سیاسی سهم مهمی داشته است. بدین شکل تعدادی از مبارزین انقلابی در درون زندان های رژیم دیکتاتوری آبدیده شده و بعدها نقش بارزی در جنبش آزادی خواهانه میهن و همچنین در بنیادگذاری حزب توده ایران ایفاء کردند. مبارزه ایثارگرانه دکتر ارانی در زندان و نقش ویژه او در میان زندانیان ساسی از چشم دشمن پنهان نماند. همچنین دفاع جانانه او در جریان محاکمه و دادرسی گروه پنجاه و سه نفر که در واقع سند محکومیت رژیم استبدادی و قوه قضائیه آن محسوب می شد، رضاشاه و مسئولین زندان را در تصمیم خود مبنی بر گرفتن انتقام از دکتر ارانی مصرتر کرد. رژیم استبدادی در شخصیت دکتر ارانی یک رهبر برجسته و یک آموزگار بزرگ و شجاع را می دید که می توانست به موقع خود بیرون از زندان و در میان مردم دشواری های زیادی برای ادامه حیات استبداد سیاه ایجاد کند. به همین خاطر به جنایت هولناکی دست زد و با به قتل رساندن دکتر ارانی، جنبش انقلابی میهن ما را از یک مروج بزرگ محروم کرد. به دستور رضاشاه و رییس شهربانی وقت سرپاس مختاری، دکتر تقی ارانی را در روز ۱۴ بهمن ماه ۱۳۱۸ در بیمارستان زندان مرکزی شهربانی تهران به شهادت رساندند. ولی راه ارانی و افکار او را نتوانستند خاموش کنند. اکنون بیش از هفتاد سال از شهادت او می گذرد، اما چهره محبوب دکتر ارانی در قلب های مردم ایران همچنان زنده است و افکار و اندیشه های علمی و انقلابی او راهگشای نسل های نوینی از جوانان و انقلابیون میهن ما شد



جنبش ۲ بهمن کردستان

بخشی از مقاله «یک نقطه تحول بزرگ در تاریخ خلق کرد»

نوشته: رفیق شهید دکتر علی گلاویژ

روز ۲ بهمن سال ۱۳۲۴ در شهر مهاباد در یک میتینگ ۲۰ هزار نفری که به ابتکار و تحت رهبری حزب دمکرات کردستان برگزار شد و در واقع نقش مجلس موسسان را بازی می کرد، طی قطعنامه ای تشکیل حکومت خودمختار کردستان در چهارچوب ایران اعلام گردید و «قاضی محمد» صدر حزب دمکرات کردستان به ریاست این حکومت برگزیده شد. نهضت ۲ بهمن نقطه یک تحول بنیادی در تاریخ خلق کرد بود، زیراکه تحولات کیفی ذیل را در تاریخ کردستان بوجود آورد:

۱. برخلاف کلیه نهضت های سابق کردستان ایران نهضت ۲ بهمن تحت رهبری و سازماندهی یک حزب انقلاب دمکراتیک، یعنی حزب دمکرات کردستان بوجود آمد و پیروز شد.

۲. این نهضت سلطه انحصاری سنتی طبقه فئودال - عشایر بر جنبش آزادی ملی خلق کرد را در هم شکست و نمایندگان خلق را در صف مقدم مبارزه وارد کرد.

۳. این نهضت دستگاه حکوت ارتجاعی ایران و سلطه امپریالیسم را از بخش مهمی از کردستان ایران برچید و به جای آن دستگاه حکومت ملی و دمکراتیک متکی برخلق بوجود آورد.

۴. حکومت خودمختار کردستان در داخل ایران بر حزب توده ایران، نهضت آذربایجان و دیگر نیروهای ملی و دمکراتیک ایران تکیه داشت و در خارج از ایران جهان سوسیالیسم و در راس آن اتحاد شوروی، نهضت کمونیستی و کارگری جهانی و جنبش ضدامپریالیستی خلق ها را به مثابه متحد تا یید می کردند.

۵. نهضت ۲ بهمن مسئله ملی خلق کرد ایران را مانند جزئی از نهضت انقلابی و دموکراسی سرتاسر ایران و تابعی از این نهضت مطرح و در چهارچوب منافع عمده این نهضت حل می کرد.

۶. یکی از جهات ارزنده نهضت ۲ بهمن سلطه عنصر رشدیابنده ناسیونالیسم بود.

۷. یکی دیگر از جهات بسیار مهم و ویژه نهضت ۲ بهمن که در تاریخ کردستان تا آن روز بی سابقه بود عبارت از این بود که این نهضت و حکومت ملی کردستان با برنامه اصلاحات دمکراتیک مجهز و با اجرای این برنامه در حدود امکاناتی که شرایط مشخص آن روز به دست می داد نتایج مادی و معنوی نهضت را به توده های خلق کرد رساندند. بدین ترتیب نهضت ۲ بهمن اصول بنیادی و عام رشد انقلابی و شاهراه اصلی جنبش خلق کرد را معین نمود.

خلق کرد به آسانی به این راه نرسید، بلکه یک چنین تحول بنیادی را طی مبارزه آگاهانه، اصولی و آشتی ناپذیر در تاریخ خود پدید آورد. نیازی به یادآوری گذشته دور نیست. توده های زحمتکش کرد طی قرن ها اسیر دست پادشاهان خونخوار و نیمه پادشاهان محلی بودند. سرداران فئودال - عشیرتی طی قرون متمادی به طور انحصاری بر زندگی سیاسی کردستان تسلط داشته اند، به علت منافع محدود طبقاتی هرگز تا آخر به منافع توده های کرد صادق نبودند.

با پیدایش امپریالیسم در جهان و رشد مناسبات سرمایه داری در ایران، روند تاریخی کردستان نیز دستخوش تبدلاتی گردید. کردستان ایران در معرض جاذبه تمرکز سیاسی - نظامی و اقتصادی دولت فئودال - بورژوایی ایران قرار گرفت.

به موازات الغای حکومت های محلی کرد تسلط «ده فئودالی» بر«شهر بورژوایی» تا حد زیادی ضعیف شد و بورژوایی کرد امکان رشد معینی یافت. در حالیکه اندیشه جدایی گرایی فئودالی هنوز بر زندگی سیاسی کردستان مستولی بود، ملت گرایی بورژوازی کرد نیز به تدریج نضج می یافت. ولی همان طور که طرح فئودالی مسئله کرد با خود فئودالیسم راه افول می پیمود، ملت گرایی بورژوایی کرد نیز به علت عقب ماندگی شدید رشد سرمایه داری در کردستان هرگز به ایدولوژی حاکم در نهضت کرد مبدل نگردید.

در این دوران گذار ما شاهد تضاد شدید میان فئودالیسم عشیره ای کرد و سرمایه داری تازه به دوران رسیده کردستان هستیم، که یکی از برجسته ترین نمونه های آن تصادم جریان سمیتکو با بورژوازی محلی است.

در این مرحله مجموع کشور ایران نیز رشد تاریخ خود را می پیمود. دوران پس از انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر، آغاز گذار جهان از سرمایه داری به سوی سوسیالیسم بود. علی رغم فشار دیکتاتوری رضاشاهی در متن رشد سرمایه داری در ایران طبقه کارگر جبرا قد می افراشت و حزب کمونیست ایران تئوری و عمل انقلابی را در جامعه کشور رسوخ می داد. این نسیم حیاتبخش گاهی در کردستان نیز در گشت و گذار بود ولو به تعداد انگشت شمار افراد پیشرو را مجذوب خود می ساخت.

دیکتاتوری رضاشاهی که پس از سرکوب نهضت انقلابی ایران با قیافه «ملی» و به دستیاری امپریالیسم انگلیس بر سر کار آمده بود با تشدید ستم اجتماعی و اجرای ستم ملی (که برای بار اول در تاریخ ایران به جزئی از سیاست دولتی مبدل شد) در کردستان نیز کوهی از تضادها انبار کرد که پس از شکسته شدن سد دیکتاتوری در شهریور ۱۳۲۰ در جامعه کردستان سیل مهیبی به راه انداخت.

در نخستین روزهای پس از شهریور در قسمت اعظم کردستان ایران هزارها نفر با سلاح هایی که فراریان ارتش به جا گذاشته بودند مسلح شده، با قلبی آکنده از کین به حرکت درآمده، پادگان ها، ادرات و دیگر مراکز حکومتی را اشغال کردند. بار دیگر برای مدت کوتاهی فئودال های عشیره ای باز بر راس حرکت خلق کرد قرار گرفتند. برجسته ترین حوادث این دوره جریانی بود که تحت رهبری محمد رشید خان (حمه رشید) از آبان ماه ۱۳۲۰ در مناطق سقز و بانه رخ داد. در این جریان نیروهای سرهنگ ابراهیم ارفع، سرتیب محمود امین و دیگران یکی پس از دیگری منهدم گردیدند. از طرفین هزارها سرباز و کرد به قتل رسیدند، مناطق سقز و بانه طی قریب شش ماه بارها غارت گردید و شهر بانه آتش زده شد. تازه پس از این همه فجایع محمد رشید خان با پذیرفتن مقام بخشداری بانه و گرفتن حقوق و غیره با حکومت مرکزی کنار آمد.

ولی در زندگی مردم زحمتکش این مناطق که کلیه صدمات حوادث فوق را متحمل شده بودند، نه از لحاظ اجتماعی و نه از جهت ملی کم ترین تسهیلی پدیدار نگردید.
این جریان و تصادمات مسلحانه دیگری که پس از شهریور در مناطق مختلف کردستان رخ داد، گرچه بازتاب یک واقعیت – وجود ستم اجتماعی و ملی بود، ولی به مثابه آخرین آزمایش به طور قطع ثابت کرد که قشر فئودال – عشیره ای کردستان دیگر نمی تواند رهبر جنبش آزادیبخش خلق کرد باشد. گروها و افراد پیشرو کردستان بی تردید می دانستند که باید از راه دیگری رفت و آن راه را نیز به درستی تشخیص دادند. آنها خلق را از حرکات کورکورانه و ماجراجوئی بی سرانجام به سوی تشکل و آگاهی دعوت کردند.
در بهار ۱۳۲۲ در آغوش کوهستان ها در منطقه ای به نام «قلای صارم» جلسه موسسان نخستین حزب سیاسی کردستان تشکیل گردید. پس از مدتی مجله «نیشتمان» (میهن) به عنوان ارگان این حزب انتشار یافت. این حزب تحت شعار ضد فاشیستی،ضد فئودالی و مبارزه علیه خرافات طی مدت کوتاهی در میان توده های میهن پرست و مترقی و انقلابی کردستان نفوذ و اعتبار بی سابقه ای کسب کرد.
هنگامی که ضرورت ایجاد سازمان وسیع تر و توده ای تر به میان آمد و ۷۲ تن از افراد انقلابی و میهن پرست کردستان در ۲۵ مرداد ۱۳۲۴ تاسیس حزب دمکرات کردستان را اعلام کردند، صدها نفر از اعضای نخستین حزب که در صفوف آن دانش و تجربه سیاسی و حزبی اندوخته بودند به حزب دمکرات کردستان پیوستند. همین حزب بود که با حرکت در مسیر درست انقلابی بزرگترین پیروزی را در تاریخ خلق کرد به دست آورد و برای اولین بار حکومت ملی و دمکراتیک خودمختار کردستان را در داخل ایران تاسیس کرد.
حکومت خودمختار کردستان طی موجودیت ۱۱ ماهه خود اراضی برخی از فئودال های خائن و فراری را مصادره نمود، به منظور رهایی دهقانان از یوغ مناسبات ارباب – رعیتی، به مثابه نخستین قدم در نسبت تقسیم محصول به سود دهقانان تجدید نظر به عمل آورد، نقشه نخستین موسسات صنعتی را در کردستان تدوین و مقدمات اجرای آن را فراهم نمود، نخستین کانون های آموزش و بهداشت مجانی برای توده مردم بوجود آورد، زبان کردی را زبان رسمی منطقه کردستان اعلام نمود، مطبوعات و نشریات کردی و مطبعه ایجاد نمود، برای بار اول سنگ بنای تاتر ملی را گذاشت، اولین ایستگاه رادیویی کردستان را به کار انداخت، سازمان جوانان، سازمان زنان، انجمن نویسندگان و سازمان های اجتماعی دیگر بوجود آورده به خدمت خلق گماشت، برای زنان در جامعه و خانواده حقوق مساوی با مردان تامین کرد.
نهضت کردستان و آذربایجان راه را برای تعمیم دمکراسی در سرتاسر ایران باز می کرد. لیکن امپریالیسم که چنین واقعه ای را مساوی با از دست دادن سرتاسر خاورمیانه می شمرد بار دیگر دست اندر کار شد. نیروهای انگلیس در عراق، منطقه خلیج و اقیانوس هند به حرکت در آمدند.
امپریالیسم آمریکا به تسلیح ارتش شاه پرداخت و نخستین گروه مستشاران خود را بر آن گماشته اولین دسته «دژهای پرنده» را با خلبانان خود به ایران اعزام نمود.
ارتجاع و امپریالیسم حیله گرترین و غدارترین نمایندگان و دست نشاندگانشان را در صحنه سیاست دولت ایران وارد کردند.
به عنوان «نظارت بر انتخابات دوره ۱۵» لشکرکشی به سوی کردستان و آذربایجان آغاز شد. ارتجاع خونین دوباره برگرده مردم نشست.

متبع : مجله دنیا. شماره ۹ – آذرماه ۱۳۵۴

□ رفیق علی گلاویژ، از فرزندان صدیق خلق کرد و عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران در سال ۱۳۶۳ در زیر شکنجه دژخیمان جمهوری اسلامی به شهادت رسید.

مساله‌ای به نام زبان مادری

به مناسبت ۲۱ فوریه (دوم اسفند) روز جهانی زبان مادری

نیمی از حدود ۶۷۰۰ زبانی که توسط مردم ساکن قاره های مختلف جهان استفاده می شود در حال نابودی است. نامگذاری روز ۲۱ فوریه (دوم اسفند) به عنوان روز جهانی زبان مادری از سوی کنفرانس عمومی یونسکو در سال ۱۹۹۹ از جمله واکنش به خطری است که گنجینه غنی و متنوع زبانی بشریت و یا بخشی از میراث فرهنگی تمدن انسانی با آن دست و پنجه نرم می کند. کشور ما ایران به خاطر وجود شمار فراوانی زبان و گویش های بومی در بخش های جغرافیایی مختلف آن از جمله مناطق بسیار آسیب پذیر جهان از نظر زبانی به شمار می رود.

زبان مادری

واژه زبان مادری در حوزه علوم انسانی به اولین زبانی گفته می شود که کودک پس از تولد و در رابطه با محیط پیرامون خود می آموزد. کسانی هم که در خانواده های دوزبانه به دنیا می‌آیند و با هر دو زبان همزمان آشنا می شوند دارای دو زبان مادری هستند.

اهمیت این تعریف در جایگاهی است که فرد و هویت و وابستگی فرهنگی او در بحث زبان مادری دارند. همزمان زبان ها بخشی از سرمایه فرهنگی و هویتی هر جامعه به شمار می روند. با آن که زبان‌شناسان بر سر تفکیک زبان ها و آنچه که لهجه و گویش بومی نامیده می شود همداستان نیستند، ولی واژه زبان مادری بیشتر مفهوم وسیع کلمه زبان را در بر می گیرد.

زبان ها و گویش هایی که امروز می شناسیم در طول قرن ها همراه تمدن ها و همبودهای انسانی زندگی و سفر کرده‌اند، تحولات ژرفی را از سر گذرانده‌اند و تا حدودی آئینه انسانشناسانه پیچیدگی‌های تاریخ بشریت هستند.

از قرن نوزدهم به این سو روند صنعتی شدن و توسعه جامعه با بی توجهی به زبان‌های بومی همراه بوده است. در آن زمان تصور غالب این بود که تنوع زبانی مانع پیشرفت جامعه و به ویژه اقلیت‌ها می شود. بسیاری از کشورها راه «آسان»تر تحمیل یک زبان رسمی (بیشتر زبانی که اکثریت و یا نخبگان استفاده می کردند) به همگان و بی اعتنایی به زبان های بومی و اقلیت ها را برگزیدند و حتا برخی با کنار گذاشتن زبانهای بومی، زبانی خارجی را برای شتاب بخشیدن به روند توسعه اقتصادی برگزیدند.

به وجود آمدن زبان رسمی، زبان اصلی ارتباطات و زبان آموزشی همزمان به معنای منزوی شدن سایر زبان ها و گویش های محلی هم بود. جایگاه جدید زبان نوشتاری و پیشرفت علوم و آموزش هم به تنوع زبانی جامعه انسانی لطمات فراوانی زد، چرا که بخش بزرگی از زبانهای رایج دنیا فقط شفاهی بودند و یا سنت نوشتاری کمی داشتند.

بغرنجی پدیده ای به نام زبان مادری در دنیای امروز همچنین به شکاف ها و گسست هایی باز می گردد که میان مرزهای جغرافیایی و سیاسی از یک سو و مرزهای فرهنگی و زبانی از سوی دیگر وجود دارد. هیچ کشوری در دنیا نیست که در آن فقط به یک زبان صحبت شود و کمتر زبانی هم وجود دارد که در چهارجوب مرزهای جغرافیایی یک کشور محدود بماند.

این واقعیت مهم سیاست‌های زبانی یک کشور را پیچیده می‌کند و گاه به آن بعد سیاسی هم می‌دهد. مهاجرت گسترده در سطح بین‌المللی و شکل‌گیری اقلیت‌های نوظهور در بسیاری از کشورهای دنیا هم بر پیچیدگی پدیده زبان مادری افزوده است، به ویژه آن که اقلیت‌های جدید مهاجر دارای سرزمین مشخص نیستند و پراکندگی جغرافیایی آنها خطر انزوا و فراموشی تدریجی زبانشان را هم افزایش داده است.

بی توجهی به بعد فردی و جمعی و اجتماعی زبان‌ها به ویژه زبان‌های اقلیت ها و زبان ها و گویش‌های شفاهی در سراسر جهان سبب نابودی بخش مهمی از این سرمایه عظیم فرهنگی شده است. با به حاشیه رانده شدن این زبان ها و گویش ها بخشی از تاریخ، هستی معنوی و نمادین، ادبیات، موسیقی، سنت ها و فرهنگ مردم هم به فراموشی سپرده می‌شود.

در نیم قرن اخیر روند جهانی شدن و تسلط روزافزون زبان‌های اصلی بین المللی و بسیار قدرتمند دنیا زبان های کوچکتر را با مشکلات باز هم بیشتری روبرو کرده است. جایگاه زبان در جامعه را نمی‌توان از رابطه قدرت جدا کرد.

برای پاسخ گفتن به نیازهای زمانه و زنده مانده در فضای فرهنگی و علمی زبان ها به روز شدن، مراقبت، نوسازی و خلاقیت منظم نیاز دارند و باید به گونه‌ای مستمر خود را با واقعیت‌های دنیای پرتحول کنونی همراه سازند.

امروز بیش از ۷۰ درصد مطالب علمی دنیا به زبان انگلیسی منتشر می شود و پنج زبان اصلی دنیا بیش از ۹۰ درصد تولید مطالب علمی را در انحصار خود دارند. زبان های اصلی بین المللی مانند انگلیسی، فرانسه، اسپانیولی به خاطر موقعیت جهانی خود از غنا و ساختار پیچیده ای برخوردار شده اند و زبان های کوچکتر توانایی رقابت با آنها در دنیای علمی، ارتباطات و فرهنگی را ندارند.

آموزش به زبان مادری

یکی از مهم ترین بحث های پیرامون زبان مادری رابطه آن با زبانی است که در نظام آموزشی هر کشور مورد استفاده قرار می گیرد.

نظام آموزشی به خاطر گسترگی پوشش آن و نقشی که در روند فرهنگ پذیری و یادگیری زبان دارد به مهم ترین وسیله حفظ و نوسازی زبان ها تبدیل شده است. از قرن نوزدهم به این سو دو گرایش مهم در رابطه با زبان رسمی تحصیلی در نظام های آموزشی دنیا شکل گرفته است.

گرایش اول انتخاب و تحمیل یک زبان (زبان اکثریت در کشورهای چند زبانه و یا زبان استعماری در کشورهای مستعمره) به همه ساکنان کشور است. یکی از دلایل مهم این انتخاب نقشی است که سیاست های آموزشی برای زبان واحد آموزشی در شکل دادن به هویت جمعی و ملی یگانه و جلوگیری از چندپارگی و پراکندگی احتمالی در نظر می‌گیرند.

برای طرفداران این نظریه به ویژه در کشورهایی که دارای تنوع زبانی و فرهنگی هستند چند زبانه شدن آموزش می تواند به تضعیف وحدت ملی و تقویت جنبش های قومی و ملی ویا گرایش های جدایی طلبانه منجر شود. از نظر تاریخی فرانسه یکی طرفداران جدی این گزینه بوده است.

در اوایل قرن بیستم حدود شش میلیون نفر در فرانسه زبان مادری متفاوت از زبان اکثریت داشتند و اعمال این سیاست مبتنی بر آموزش یکسان به زبان فرانسه به عنوان یگانه زبان رسمی سبب تضعیف زبان های محلی و همگانی شدن زبان فرانسه شد. فرانسه تنها کشور اتحادیه اروپا است که میثاق اروپایی حق آموزش به زبان مادری را به دلیل تضاد آن با قانون اساسی خود نپذیرفته است.

گرایش دوم کشورهایی را در بر می‌گیرد که با به رسمیت شناختن تنوع زبانی اقلیت ها به آنها امکان می دهند زبان خود را در مدرسه (به عنوان زبان اصلی و یا زبان دوم) فرا گیرند. سیاست تنوع زبانی در حوزه آموزش گاه به صورت همزیستی برابر چند زبان و گاه به صورت وجود یک زبان اصلی در کنار امکان فراگیری زبان مادری برای اقلیت ها اجرا می شود. سوئیس، کانادا و بلژیک از نظر تاریخی کشورهایی هستند که تجربه آموزش همزمان و برابر چند زبان را بکار گرفته اند.

تجربه بسیار جالب دیگر در این زمینه هند است که ۲۲ زبان آموزشی دارد. یکی از تازه‌ترین تجربه‌های چند زبانی مربوط به کشور اسپانیا می‌شود که از اوایل سال‌های دهه ۸۰ میلادی به این سیاست روی آورده است.

پژوهش‌های جامعه شناسی نشان می دهد که سیاست چند زبانی در آموزش اثرات مثبتی روی حفظ و گسترش فرهنگ های بومی و یا میراث فرهنگی یک کشور بر جا می‌گذارد و به جذاب تر شدن آموزش رسمی برای اقلیت ها کمک می کند. هم زمان چند زبانه شدن نظام آموزشی گاه می تواند به گونه‌ای غیر منتظره به تشدید نابرابری میان گروه های زبانی در یک کشور هم بیانجامد.

این مشکل به ویژه در کشورهایی به چشم می‌خورد که نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی چشمگیری میان اکثریت و اقلیت‌ها و یا در میان اقلیت‌های بزرگ وجود دارد. در کشوری که زبان اکثریت دارای جایگاه علمی و فرهنگی بالایی است اقلیت ها به خاطر یاد گیری زبان بومی و عدم تسلط به زبان اصلی در عمل از دستیابی به سرمایه فرهنگی و نمادینی که موجب پیشرفت فردی در سطح ملی می شود باز می مانند. به همین خاطر است که برخی از کشورها همزمان با کاربست سیاست آموزش زبان مادری برای اقلیت ها، برای یادگیری زبان رسمی و زبان بین المللی در برنامه تحصیلی اهمیت خاصی قائل می شوند. هدف این سیاست ها آن است که آموزش زبان مادری در میان اقلیت ها به ابزاری برای حفظ سلطه اجتماعی و سیاسی اکثریت زبانی منجر نگردد.

زبان مادری در آموزش ایران

در ایران بر اساس سرشماری سال ۱۳۸۵ حدود ۲۷ درصد از جمعیت کشور (۱۹ میلیون نفر) در مناطقی زندگی می کنند که به اقلیت‌هایی بزرگ که به زبانی غیر از فارسی حرف می زنند تعلق دارد. در کنار این اقلیت ها باید به وجود گویش های بسیار متنوع در استان های مختلف اشاره کرد که به درجات گوناگون با زبان فارسی متفاوتند و یا از شاخه های بسیار نزدیک آن به شمار می روند.

گاه در منطقه بسیار کوچک و در شعاع چند ده کیلومتری می توان چند گویش محلی را یافت که با یکدیگر بسیار متفاوتند و هر یک تاریخ و ساختار خاص خود را دارند. همزمان جابجایی جمعیتی گسترده در ایران سبب حضور چشمگیر اقلیت ها (به ویژه آذری ها و کردها) در مناطق فارسی زبان شده است. با وجود گستردگی کمی اقلیت ها، گویش های بومی و یا زبان های اقلیت های بزرگ مانند آذری ها، کردها، عرب ها و بلوچ ها هیچ یک جایی در نظام آموزشی ایران ندارند.

بررسی های آماری نشان می دهد که میزان دسترسی به آموزش در مناطق اقلیت نشین ایران به طور محسوسی کمتر از مناطقی است که به زبان فارسی صحبت می کنند. برای مثال در حالیکه در سرشماری ۱۳۸۵ نرخ باسوادی در بسیاری از استان‌های مرکزی ایران (فارسی زبان) مانند تهران، اصفهان، سمنان و یزد به حدود ۹۰ درصد می رسد، در استان سیستان و بلوچستان این شاخص از ۶۸ درصد و در کردستان از ۷۵ درصد فراتر نمی رود.

این تفاوت‌ها در زمینه میزان ماندگاری در نظام آموزشی و یا راهیابی به آموزش عالی بسیار گسترده تر است. مناطق روستایی و شهرهای دورافتاده استان‌های حاشیه‌ای ایران که به زبان فارسی صحبت نمی‌کنند، محروم ترین مناطق آموزشی ایران هم به شمار می‌روند. برای نمونه احتمال دسترسی به آموزش عالی برای یک دختر روستایی در سیستان و بلوچستان بطور متوسط هشت برابر کمتر از یک دختر تهرانی است.

هر چند این نابرابری ها فقط به دلیل دشواری های زبانی و وجود زبان مادری متفاوت نیست و فقر و توسعه نیافتگی نیز از عوامل اثر گذار به شمار می رود، اما همان گونه که در پژوهش های جامعه شناسی هم به خوبی می توان دید، تحمیل زبان اکثریت به عنوان عامل نوعی

سلطه فرهنگی در بعد نمادین و عینی اثرات منفی فراوانی در توسعه اجتماعی و آموزشی مناطق اقلیت ها بر جا می گذارد.

سیاست‌های زبانی در آموزش ایران از ابتدای شکل گیری نظام آموزشی جدید هیچ گاه توجه به زبان‌ها و گویش های بومی را در دستور کار خود قرار نداده است. در حالی که تناقضی میان یادگیری همگانی زبان فارسی به عنوان زبان ملی و رسمی همه ایرانیان و یادگیری زبانها و گویش های محلی وجود ندارد.

هم اکنون در مدارس ایران تلاش فراونی برای آموزش زبان عربی (زبان دینی و زبان قرآن) به عنوان زبان سوم به کار می‌رود، در حالی که حدود یک سوم دانش آموزان ایران امکان یادگیری زبان مادری خود حتی در سطح ابتدایی و پایه را هم ندارند و گاه در مدرسه باید به زبانی که نمی‌شناسند، خواندن و نوشتن را بیاموزند.

این سیاست مصداق واقعی اعمال خشونت نمادین علیه کودکانی است که نوعی تحقیر فرهنگی را زندگی می‌کنند و فرصت نمی‌یابند با اصلی‌ترین میراث فرهنگی گروه اجتماعی که به آن تعلق دارند، به گونه‌ای عمیق‌تر در چهارچوب آموزش رسمی آشنا شوند.

بسیاری از زبان‌ها و گویش‌های محلی ایران با راه یافتن به نظام آموزشی و مدارس و دانشگاه‌ها می‌توانستند حیاتی دوباره پیدا کنند و زمینه‌ای برای بازسازی و مراقبت از این میراث فرهنگی چند هزار ساله فراهم شود. این زبان‌ها و گویش‌ها فقط ابزار ساده ارتباط میان انسان‌ها نیستند، در دل هر یک از این زبان‌ها و گویش‌ها تاریخ، سنت‌ها و فرهنگ و زندگی یک منطقه و یک همبود انسانی نهفته است.

ابتکار یونسکو در سال ۱۹۹۹ برای نام‌گذاری روز ۲۱ فوریه به عنوان روز زبان مادری نوعی فراخوان به مقاومت در برابر روند رو به رشد به حاشیه رانده شدن و یا نابودی زبان اقلیت ها، زبان ها و گویش های کوچک و منطقه ای و زبان مهاجرین در سراسر جهان است.

نوشته : سعید پیوندی (جامعه شناس)

مصر در آستانه دگرگونی های بزرگ!

حزب توده ایران، پیروزی تاریخی مردم مصر را در وادار کردن حسنی مبارک به کناره گیری از قدرت، به توده های کار و زحمت، به جوانان و زنان مبارز، به روشنفکران و هنرمندان مردمی مصر، و به همه نیروهای مترقی و دموکرات مصر تهنیت می گوید. پیروزی مردم مصر در برکنار کردن رئیس جمهوری دیکتاتور مصر که با حمایت امپریالیسم و ارتجاع منطقه، به مدت سی سال مصر را به زندان ترقی خواهان و نیروهای دموکرات و مردمی، و نیز به پایگاهی از برای توطئه و تجاوز بر ضد ملت های منطقه - و به ویژه مردم ستمدیده فلسطین - تبدیل کرده بود، فصل جدیدی را در حیات سیاسی - اجتماعی منطقه خاورمیانه و همچنین مسیر مبارزه برای صلح، دموکراسی و عدالت اجتماعی گشوده است. تحولات روزهای اخیر در مصر نوید بهاری خجسته و روزهایی روشن درمبارزه ملت های منطقه را به همراه دارد.

قیام پرشکوه مردم مصر، پس از ۱۸ روز حماسه آفرین، صفحه دیگری از تاریخ مدرن مصر را رقم زد: دیکتاتور مصر بر رغم تمامی تلاش هایش برای عقیم گذاردن خواسته های توده های رنج و زحمت، چاره یی جز کناره گیری از قدرت نیافت. دیکتاتور مصر، پنجشنبه شب در سخنانی از رادیو تلویزیون کشور متفرعنانه اعلام کرد قصد دارد تا شهریور ماه آینده بر صندلی رهبری باقی بماند و گذار قدرت به جانشین خود را نظارت کند. این نکته تکبر آمیز از سخنرانی اش، سخنرانی یی که در آغاز برانگیختنِ احساسات شفقت آمیز مردم نسبت به او را هدف قرار داده بود، خشم سوزان توده های میلیونی مردم اعتراض کننده را برانگیخت، و در حالی که تظاهرات شان با شور و حرارت بیشتری اوج تازه می یافت، قصد خود را به حرکت به سوی ساختمان مرکزی رادیو تلویزیون و سپس کاخ ریاست جمهوری به منظور پائین کشاندن دیکتاتور سخت جان از اریکه قدرت اعلام داشتند. کمتر از ۲۴ ساعت پس از اعلام عزم توده های جان بر لب رسیده به فرو کشاندن دیکتاتور و نظامش(" الشعب یرید اسقاط النظام")، مستبد مصر همراه با خانواده خود قاهره را ترک کرد. عمر سلیمان، معاون رئیس جمهوری مصر، در بیانیه یی کوتاه در روز جمعه ۲۲ بهمن، خبر کناره گیری حسنی مبارک، دیکتاتور مصر و عامل سرسپرده امپریالیسم آمریکا را از رادیو تلویزیون مصر اعلام کرد، و در ادامه افزود که، رئیس جمهوری قدرت را به "شورای عالی نیروهای مسلح مصر" سپرده است. دیکتاتور و حلقه نوکران و اربابان وی، با توجه به عزم راسخ توده ها به سرنگونی دیکتاتور و احتمال بسیار قوی از کف دادن کامل مهار دگرگونی های جاری و نیز در حال امکان در کشور، صلاح را در کناره گیری رهبر (نه با اعلام خود، بلکه با اعلام معاون وی) و انتقال قدرت به ارتش دیدند.

مردم مصر، جوانان و تحصیل کردگان، زنان و کارمندان، کارگران و دهقانان، فعالان اتحادیه های کارگری و نیروهای سیاسی مترقی و دموکرات مصر، در نمایشی تحسین برانگیز از روز ۵ بهمن ماه، در قاهره و اسکندریه تا سوئز و شهرهای دیگر مصر، عزم استوار خود را برای خاتمه دادن به حکومت حسنی مبارک اعلام کرده بودند. مردم ایجاد تغییر های پایه ای در سیستم سیاست گذاری های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی کشور را خواستار بودند. آنان بر پایه تجربه مشخص خود در طول سه دهه حاکمیت نظامیان، رژیمی را که به دلیل فساد گسترده و حاکمیت پلیسی، همه نیرو های اپوزیسیون را غیرقانونی کرده و با دستکاری های رسوا پیروزی یکپارچه و تقلبی در همه انتخابات های دهه های گذشته را بلا استثنا برای حزب حاکم تضمین کرده است، غیر قابل اعتماد و اصلاح می دانند. هدف مردم زحمتکش مصر از این خیزش پر شکوه، گذاردن نقطه پایان بر فساد بی سابقه و چپاول ثروت های ملی کشور است که بر زمینه حاکمیت مستبدانه نظامیان امکان پذیر بوده است، و در نتیجه، از سوئی به انباشت ثروت های افسانه ای نخبگان سیاسی حاکم بر کشور، حسنی مبارک، و خانواده اش، و از دیگر سو به ویرانی کشور و فقر فراگیر اکثریت مردم منجر شده است. هدف سیاسی اعلام شده از سوی این خیزش عظیم، رهانیدن کشور از وضعیت سرسپردگی سیاسی، عقب ماندگی، و حکومت رعب و وحشت بوده است، یعنی خلاص شدن از بختکی که نزدیک به چهار دهه بر زندگی مردم و امور کشور مستولی بوده است.



حزب کمونیست مصر در بیانیه خود، ۲۲ بهمن ماه، پیروزی بزرگ و تاریخی مردم مصر را در پایان دادن به دیکتاتوری، استبداد و فساد که اولین مرحله آن به پائین کشیدن دیکتاتور و همراهان آن از اریکه قدرت بود، تهنیت گفت. حزب کمونیست مصر در این بیانیه تاریخی، ضمن قدردانی از همبستگی خلق ها و نیرو های سیاسی در جهان عرب و دیگر کشورهای جهان از خیزش مردم توده های مصری، تعهد خود را به ادامه انقلاب تا عملی شدن همه خواسته های مردم و دستیابی به حقوق دموکراتیک، اجتماعی و ملی آنان اعلام کرد.

نخستین و کلیدی ترین خواسته این انقلاب مردمی و انسانی که از همان روز اول به وضوح اعلام شده بود، حذف رژیم است. به باور مردم و زحمتکشان مصر، این رژیم در عملکرد تک تک همه چهره هایی که دهه ها در رأس نهاد های قدرت بوده اند، و پایگاه قدرت را تشکیل می داده اند، و بر مبنای این قدرت، همه نهادهای قانونی و نیز همه قوانین و مقررات کشور را در خدمت منافع گروه کوچکی از نخبگان و بر خلاف منافع کل ملت، قرار داده اند، تجلی یافته است. مردم مصر نمی توانند به نظام حکومتی یی به رهبری عمر سلیمان - رئیس دستگاه مخوف امنیتی

کشور- و دولتی متشکل از سرسپردگان و گماردگان حسنی مبارک، و همچنین ارتشی با دریافتِ سالانه ۱/۵ میلیارد دلار از آمریکا که در حمایت آن از منافع ایالاتَ متحده شک نمی توان کرد (سخنگوی شورای عالی نیروهای مسلح در بیانیه یی، شنبه ۲۳ بهمن ماه، اعلام کرد که مصر به همه معاهدات بین المللی و منطقه ای این کشور پایبند خواهد بود)، برای سازمان دهیِ کشور با آینده یی مستقل، دموکراتیک و عدالت جویانه اطمینان داشته بَاشند.

قیام مردم مصر و پیروزی آنان در به پائین کشیدن حسنی مبارک در بردارنده درس های مهمی برای تمامی کوشندگان راه رهایی خلق ها، و از جمله مبارزان در میهن ما ایران، است که در مورد یکایک آن ها باید با باریک بینی برخورد شود. از جمله این درس ها نقش نیرو های مردمی در مخالفت صریح با بند و بست و مصالحه کمیته موسوم به ''ریش سفیدان'' و ''عقلا'' با رژیم است، که در نیمه بهمن ماه قبول کرده بود که وعده و وعیدهای حسنی مبارک را مبنای بازگرداندن مردم به خانه های های قرار دهد، و اجرای اصلاحات را از عمر سلیمان بخواهد! در روز ۱۷ بهمن ماه، بیانیه ۹ نیروی مردمی حاضر در جنبش مردمی، از جمله حزب کمونیست مصر، این توطئه را با اعلام اینکه: مردم تا برکناری حسنی مبارک از قدرت و دستیابی به خواسته های خود، دست از مبارزه نخواهند کشید، با شکست روبه رو کرد. روز بعد، یعنی سه شنبه ۱۸ بهمن ماه، بزرگ ترین تظاهرات اعتراضی در میدان آلتحریر و همه شهر های مصر برگزار شد. این تظاهرات عظیم در سرعت بخشیدن به روند تحولات، و سرانجام، رخدادهای ۲۱ و ۲۲ بهمن ماه نقشی عمده داشت. حزب کمونیست مصر، در اشاره به این مسئله، در بیانیه ۲۲ بهمن ماه خود، اظهار می دارد: مردم مصر در طول این سه هفته با شکوه تجربه انقلاب مصر، همچنین با توطئه ها ی بزرگی از برای روزهای پس از سقوط دیکتاتور روبه رو بودند و توانستند با پایمردی، استقامت، به ویژه شجاعت و از خود گذشتگی جوانان، و نیز درایت انقلابی، بر آن ها غلبه کنند.

حقیقت اینکه، نیروهای راست و وابستگان به منافع امپریالیسم سعی خواهند کرد تا آنجا که ممکن است انقلاب مردم مصر را در همان مرحله اول آن متوقف کنند. سران کشورهای سرمایه داری جهان، از ایالات متحده گرفته تا انگلستان، فرانسه و آلمان، همگی خواستار یک ''انتقال قدرت با نظم و ترتیب'' و ممانعت از ایجاد خلاء قدرت و ''هرج و مرج سیاسی'' اند. این واژه ها همواره به مانند اسم رمزی به منظور مهار قدرت از سوی نیروهای حامی منافع امپریالیسم و خدشه دار نشدن ساختار واقعی قدرت است. واگذاری قدرت از سوی مبارک به ''شورای عالی نیروهای مسلح'' مصر که در وابستگی اعضای اصلی آن به ایالات متحده شکی نیست، در این راستا می تواند باشد. ارتش مصر تا آخرین لحظه به مبارک وفادار بود، و اینکه در درگیری های روزهای قیام مانند پلیس و نیروهای امنیتی عمل نکرد، به دلیل نقش نوبتی یی بود که با صلاحدید ایالات متحده و در هماهنگی با آن، به عهده گرفته بود. اینکه در اولین بیانیه های پس از سقوط مبارک، مقامات دولت کنونی تمامی قراردادها و از جمله موافقتنامه ننگین با دولت اسرائیل را به رسمیت شناخته و مورد احترام شمرده اند، افشاء کننده این واقعیت است.

مردم مصر خواستار سقوط کلیت این نظام است. در این ۱۸ روز طوفانی، مردم مصر در جریان تظاهرات باشکوه خود در میدان التحریر و در خیابان های مصر، اوج انسانیت، رفتار مدنی، و غرور ملی خود را به نمایش گذارده است. آنان به چیزی کمتر از باز پس گیری کامل اهرم های کنترل دولت از آنانی که کشور را به فقر و فساد و وابستگی به بیگانه کشانده اند، رضایت نمی دهند. آنان خواسته های خود را در قالب شعارهایی برای استقرار یک رژیم سیاسی دموکراتیک و نو از طریق برگزاری انتخابات آزاد و عادلانه و زیر نظارت قضایی به صراحت اعلام کرده اند. مردم می گویند برای اینکه چنین مهمی قابل اجرا باشد، قانون اساسی کشور که در طول دهه ها حاکمیت رژیم دیکتاتوری وابسته مورد دستکاری های جنایتکارانه قرار گرفته است، باید تغییر یابد.

گرچه این امر نگران کننده است که، حسنی مبارک سعی کرد تا با سپردن قدرت به دست سران ارتش که تا آخرین لحظه ها به رژیم وفادار بودند و در راستای ''نقشه راه'' مورد نظر ایالات متحده در رابطه با ''گذار صلح آمیز به دموکراسی'' عمل می کردند، مانع سقوط یکپارچه رژیم بشود، این نیز حقیقتی است که کناره گیری رئیس جمهوری قدرقدرت رژیم در زیر فشار جنبش اعتراضی مردم مطمئناً پیامدهای مشخصی برای کشور دربرخواهد داشت. نیروهای مردمی در این مقطع تاریخی با آگاهی به مسئولیت خود به سرعت در راستای سازمان دهی و تشکل توده ها و زحمتکشان عمل کرده و می کنند. اوج گیری جنبش کارگری و پیوستن کارگران صدها کارخانه و مرکز تولیدی، کمپانی کانال سوئز، کارخانه فولاد سوئز، و ادارات دولتی که نقشی عمده در به زانو درآوردن رژیم و تصمیم سیاستگذاران اصلی آن به قبول خواسته کلیدی تظاهر کنندگان داشت را باید در این راستا ارزیابی کرد. در این روزهای سرنوشت ساز، اتحادیه های کارگری مستقل شروع به اعلام موجودیت کردند، و با جدیت به سازمان دهیِ کارگران پرداخته اند. مردم مصر در سه هفته گذشته گام های بلند و مصممانه یی در راستای آماده شدن برای به دست گرفتن مهار سرنوشت کشور برداشته اند. حضور سازماندهی شده و آگاه توده ها در تحولات هفته های آینده نقشی کلیدی در تعیین سرنوشت انقلاب مردم مصر خواهد داشت.



توده های مردم مصر در این خیزش، امر بزرگی را در راستای عملی کردن آرمان های مردمی و میهنی خود به راه صلح، آزادی، استقلال ملی، دموکراسی و عدالت اجتماعی به انجام رسانده اند . قیام باشکوه هفته های اخیر مردم مصر نمونه موفقی از مبارزه یی مردمی است که بر رغم عدم توازن نیرو، و همچنین بهره گیری سبعانه رژیم از ماشین نظامی، ترور حکومتی، و سیستم عظیم تبلیغاتی، بر پایه اعتقاد و پایمردی و با دادن صدها قربانی توانست پیروزی قانونمند توده ها را به اثبات رساند.

حزب توده ایران، همراه با همه نیرو های مترقی جهان، به مردم و نیروهای انقلابی مصر به مناسبت پیروزی عظیم شان تهنیت می گوید، و مبارزه و پایمردی آنان، مبارزان از جان گذشته میدان التحریر(آزادی) قاهره، را می ستاید و همبستگی خود را با آن ها اعلام می دارد. حزب توده ایران، از مبارزه قهرمانانه مردم و زحمتکشان مصر در راستای اصلاحات بنیادین در سیستم سیاسی، اقتصادی، و اجتماعی این کشور، و پایان دادن به رژیم دیکتاتوری فاسد و وابسته به امپریالیسم آمریکا، و همچنین از استقرار دموکراسی واقعی، حقوق بشر، و عدالت اجتماعی، قاطعانه



بیانیهٔ حزب کمونیست مصر:

انقلاب، تا عملی شدن خواست‌های توده‌ها ادامه دارد!

هنگام رودررو شدن با حقیقت و لحظهٔ تعیین کننده فرا رسیده است، زمانی که مردم مصر حرف آخر خود را می زنند : مبارک باید برود و رژیم او باید عوض شود!
از شواهد بر می‌آید که در پی استمرار انقلاب مردم، و اوج‌گیری قیام مردمی در سراسر مصر، زمان پایان حیات ارتجاع و کوتاه شدن دست اربابان آمریکایی آن فرا رسیده است.
میلیون‌ها مردمی که امروز به خیابان‌ها آمدند، و خواستار برکناری مبارک از حکومت شدند، بی‌تردید همهٔ توطئه‌های دیکتاتور و دار و دستهٔ او را برای سرکوب انقلاب و به بیراهه کشاندن آن خنثی خواهند کرد.
توافق بر سر تشکیل کمیته یی مورد حمایت و اعتماد مردم و تظاهرکنندگان، به منظور عملی کردن خواست‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی انقلاب ضرورت مبرمی دارد. سرفصل های خواست‌ها و وظایف اساسی یی که مورد تأیید و توافق نماینده های نیروهای مردمی و میهن‌دوست در مجلس است، از این قرارند:
۱. برکناری مبارک، و تشکیل شورای ریاست جمهوری، برای یک دورهٔ گذار به مدت محدود و معین؛
۲. تشکیل یک دولت ائتلافی، که ادارهٔ کشور را در دورهٔ گذار بر عهده گیرد؛
۳.تشکیل یک مجلس مؤسسان، با نماینده هایی انتخابی، به منظور تهیهٔ قانون اساسی جدید برای کشور، بر پایهٔ اصول حاکمیت ملت و تضمین انتقال قدرت حکومتی در چارچوب حاکمیت مدنی دموکراتیکِ عادلانه؛
۴.پیگرد و محاکمهٔ همهٔ کسانی که مسئول کشته و مجروح شدن صدها تن، از جمله شهدای انقلاب و قربانیان ظلم و ستم نیروهای امنیتی رژیم بوده‌اند، و نیز پیگرد افرادی که مسئول چپاول ثروت‌های مردم مصر بوده‌اند؛
زنده باد انقلاب ملت مصر!

قاهره
۱۲ بهمن ماه ۱۳۸۹ (اول فوریهٔ ۲۰۱۱)



مصاحبه با رفیق دکتر مظهر حیدر

عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست پاکستان، و مسئول شعبه بین‌المللی

رفیق مظهر حیدر در سال ۱۹۴۳ در هندوستان به دنیا آمد و پس از تقسیم هندوستان و جدا شدن کشور پاکستان از آن بر پایه اصول مذهبی مسلمانان ساکن هندوستان، در ماه اوت ۱۹۴۷ به همراه خانواده‌اش به پاکستان مهاجرت کرد. خانواده او در کراچی سکنا گزید و او نیز در همان شهر تحصیلات مقدماتی و عالی‌اش را به پایان برد. در سال ۱۹۶۳ وارد فعالیت در سازمان دانشجویی حزب کمونیست پاکستان شد. در آن زمان از ممنوع اعلام شدن فعالیت حزب کمونیست پاکستان و تمامی سازمان‌های آن از سوی دولت پاکستان ۹ سال می گذشت. هنگامی که در دانشگاه پزشکی ''داو'' درکراچی دانشجوی پزشکی و جراحی بود، دبیر واحد ''فدراسیون سراسری دانشجویان'' در آن دانشگاه شد. او در سال ۱۹۶۶ به عضویت حزب کمونیست درآمد و در سال ۱۹۶۹ از دانشگاه فارغ‌التحصیل شد. رفیق مظهر حیدر در سال ۱۹۷۷ (۱۳۵۶) مدت کوتاهی در ایران، در شهر دماوند، در مقام پزشک کار کرد، و سپس به پاکستان بازگشت و در وزارت بهداشت و درمان به خدمت مشغول شد.

رفیق حیدر در سال ۲۰۰۲به عضویت کمیته مرکزی و دبیرخانه مرکزی حزب کمونیست پاکستان انتخاب شد و از ژوئن ۲۰۱۰ (خرداد ماه ۱۳۸۹) مسئولیت شعبه بین‌المللی حزب کمونیست پاکستان را بر عهده گرفت. علاوه بر این، او عضو فعال هیأت تحریریه ''انجمن نویسندگان مترقی'' هم هست.

در ارتباط با اوضاع بحرانی پاکستان، ''نامه مردم'' اخیراً مصاحبه یی با رفیق مظهر حیدر انجام داد که آن را در زیر می‌خوانید.

س- قتل ''سلمان تأثیر'' و تظاهرات پر سر و صدای نیروهای اسلام گرای پاکستان در حمایت از قاتل او و قانون جزای کفّار، از نفوذ هولناک و نگران کننده نیروهای ارتجاعی در کشور پاکستان حکایت دارد. چه عواملی موجب شده است که نیروهای اسلامی چنین نفوذی در حیات سیاسی پاکستان داشته باشند؟

ج- محمدعلی جناح، بنیادگذار پاکستان، خود معتقد به سکولاریسم بود. با وجود این، او از عامل مذهب برای گرد آوردن مسلمانان شبه جزیره هندوستان در ''مُسلم لیگ'' استفاده کرد. سخنرانی‌های او در برابر مردم در جریان کارزار تقسیم هندوستان و ایجاد کشور پاکستان برپایه مذهب، زمینه مناسب را برای اسلام گرایان به وجود آورد تا پس از مرگ اوخواستار اجرای قوانین اسلامی در پاکستان شوند. متأسفانه رهبران سیاسی پاکستان همیشه، و به دلیل منافع شخصی، ترجیح داده‌اند که در برابر پیش‌رَوی اسلام گراها عقب‌نشینی کنند.

در دوران جنگ سرد نیز امپریالیسم دولت‌های متوالی پاکستان را تشویق می‌کرد که از احساسات مذهبی مردم به ضد جنبش جهانی کمونیستی استفاده کنند. پس از انقلاب ثور[جنبش افسران و سربازان هوادار حزب دمکراتیک خلق افغانستان و برآمدن نور محمد تره کی در ۱۳۵۷] در افغانستان، سازمان جاسوسی آمریکا (سیا) و سازمان‌های اطلاعاتی پاکستان از عنصرهای مذهبی برای سازمان‌دهی یک ''جهاد'' به ضد انقلاب افغانستان استفاده کردند. عامل هایی مانند عقب‌نشینی مستمرّ رهبری سیاسی کشور، توجه نظامیان و نهادهای نظامی به منافع و اولویت‌های خاص خود، و نقشه‌های امپریالیستی در منطقه، همه و همه منجر به ایجاد زمینه رشد و قدرت‌گیری بی‌سابقه نیروهای اسلام گرا در این کشور شده است.

س- غالباً از پاکستان به عنوان کشوری نام برده می‌شود که در بحران سیاسی، اجتماعی و اقتصادی دست و پا می‌زند. سیل‌های ویرانگر چند ماه پیش در کشور، فقر، تروریسم، هرج و مرج در مناطق قبیله‌ای، و بی‌ثباتی سیاسی، همه نشانگر ناتوانی دولت در حل و فصل مسائل و راه گشایی به منظور برطرف کردن آن ها است. ویژگی‌های حزب حاکم ''مردم پاکستان'' را چگونه می‌بینید؟ به نظر شما چه عامل های کلیدی سبب شده است تا پاکستان، که کشوری امروزی است، به چنین وضعیت ناگوار و تیره روزانه ای بیفتد؟

ج- عوامل متعددی در شکل‌گیری وضعیت کنونی در پاکستان مؤثر بوده‌اند. سیاست‌های مبتنی بر ایجاد و حفظ کشمکش در مرزهای شرقی با هندوستان، و وجود یک وضعیت ناپایدار درازمدت در غرب پاکستان، کشور ما را از همان آغاز به متحد ایالات متحد آمریکا تبدیل کرد. در دوران جنگ سرد، پاکستان یکی از کشورهای جبهه مقدم این جنگ با کشورهای سوسیالیستی بود. همچنین، پاکستان در جنگ امپریالیستی بر ضد انقلاب افغانستان فعالانه شرکت کرد، همان طور که در حال حاضر هم در به اصطلاح ''جنگ بر ضد ترور'' شرکت دارد. کشور کم‌توسعه یافته ما بار هزینه‌های دم و دستگاه‌های نظامی و غیرنظامی پیشرفته‌ای را به دوش دارد، به طوری که ۸۰ درصد بودجه کشور صرف امور دفاعی و پرداخت بدهی‌ها می‌شود. بحران اقتصادی به‌تدریج کشور ما را در ورطه مسائل اجتماعی متعددی فرو برده است که منجر به افزایش جرم های گوناگون، به‌ویژه فساد و رشوه‌خواری شده است. وقوع فاجعه های طبیعی سال‌های ۲۰۰۵ و ۲۰۱۰ هم به وخامت اوضاع دامن

زد.
حزب مردم پاکستان در اواخر دهه ۶۰ میلادی از سوی ذوالفقار علی بوتو پایه‌گذاری شد. آقای بوتو یک فرد لیبرال بود که دانش گسترده یی در زمینه‌های گوناگون علوم و سیاست معاصر داشت. همو بود که همراه با دموکراسی و اسلام، شعار سوسیالیسم را نیز در برنامه حزب گنجاند و از شعار ''نان، پوشاک، مسکن'' برای جلب حمایت اکثریت مردم به بهترین نحو استفاده کرد. اکثر نیروهای مائوئیست به کمپین او پیوستند و توده‌های مردم نیز به مرور زمان او و حزب او را خیرخواه خود دانستند. او پس از به قدرت رسیدن، بانک‌ها، شرکت‌های بیمه، صنایع بزرگ و مؤسسات آموزشی را ملی کرد. اما این اقدام های او، ملی کردن به معنای واقعی نبود، بلکه اداری (بوروکراتیزه) کردن این مؤسسات بود. تولید کاهش یافت، سرمایه‌ها از کشور فرار کردند، و سطح کیفیت افت کرد. به دلیل برخوردهای اشرافی او، سوسیالیست‌ها شروع به بیرون رفتن از حزب او کردند و محبوبیت حزب به‌سرعت رو به کاهش گذاشت. اما حتی امروزه هم که شعار ''مساوات محمدی'' جایگزین شعار سوسیالیسم شده است، بیش از ۳۰ درصد رأی دهندگان در انتخابات به حزب مردم رأی می‌دهند. رهبری کنونی آن حزب هم سهم زیادی در کاهش محبوبیت حزب داشته است. اعضای حزب بیشتر از بین مردمان معمولی متعلق به طبقات پایین و میانی، صاحبان مشاغل، سرمایه‌داران کوچک و اربابان و خان‌های فئودال هستند که سیاست‌های حزب را تنظیم و نظارت می‌کنند.

س- شناخت شما از هویت و برنامه‌های نیروهایی مانند ''مُسلم لیگ''، ''جماعت اسلامی''، و ''جنبش متحده قومی'' چیست؟ تفاوت اساسی آن ها در چیست؟

ج- سه سازمانی که از آنها نام بردید، ماهیت طبقاتی، برنامه و خط مشی‌های به‌کلی متفاوتی با یکدیگر دارند. پایگاه طبقاتی ''مُسلم لیگ'' که اکنون به شاخه‌های متعددی تقسیم شده است، پایگاه فئودالی است. دلیل حمایت آن از یک میهن جداگانه، تأمین و تضمین منافع طبقه فئودال مسلمان هندوستان بوده است. در پی صنعتی شدن کشور، به تدریج صاحبان صنایع کوچک نیز به صفوف این سازمان پیوستند. رهبری کنونی ''مُسلم لیگ'' به طور عمده برخاسته از میان این گروه است. اما اکثریت اعضای آن از میان اربابان فئودال، رؤسای قبیله ها، و پیروان و حامیان آن ها در طبقات پایین و میانه اند. این سازمان از لحاظ موضع های سیاسی، راست میانه محسوب می‌شود، که در پی ائتلاف با دسته‌بندی‌های نظامی، عنصرهای مذهبی، و کشورهای امپریالیستی است تا از این طریق بتواند موقعیت سیاسی‌اش را تحکیم کند.

''جماعت اسلامی'' اما، یک حزب مذهبی معتقد به پان- اسلامیسم است. این سازمان شباهت‌هایی با عنصرها یی دارد که اکنون در کشور شما قدرت حکومتی را در دست دارند. ساختار تشکیلاتی آن مشابهت‌هایی با حزب‌های کمونیست دارد که شمار اعضای‌شان محدود است، ولی پایگاه توده‌ای گسترده‌ای دارند. اعضای آن بیشتر از بین طبقه متوسط، صاحبان مشاغل، و مذهبی ها در بخش‌های گوناگون جامعه هستند. در گذشته همیشه متحد نزدیک سردمداران نظامی پاکستان و کشورهای امپریالیستی بوده است. اما پس از ۱۱ سپتامبر، مثل بقیه اسلام گراهای متعلق به نحله‌های فکری پان- اسلامیسم، تا حدی رنگ عوض کرده است.

''جنبش متحده قومی'' در آغاز ''جنبش مهاجر قومی'' نام داشت و به خواست و اراده نظامیان و برای مقابله با محبوبیت حزب ''مردم پاکستان'' در ایالت سند تشکیل شد. این گروه کار خود را به صورت یک سازمان فاشیستی آغاز کرد که اعضای آن را به طور عمده افرادی تشکیل می‌دادند که از خاک هندوستان مهاجرت کرده و در سند سفلی ساکن شده بودند. این سازمان ائتلاف خود را با نظامیان حفظ کرده، اما اخیراً از ایالات متحد آمریکا فاصله گرفته است. مدتی است که سعی دارد پایگاه اجتماعی‌اش را به سراسر پاکستان گسترش دهد، و حتی نام خودش را هم به ''جنبش متحده قومی'' تغییر داده است که به معنای جنبش متحد ملی است؛ و به این ترتیب، توانسته است در میان طبقه متوسط استان‌های دیگر به غیر از سند نیز هوادارانی پیدا کند. روی کاغذ، برنامه این سازمان یک برنامه ضد فئودالی است، اما چندان صادق و متعهد به این کارپایه به نظر نمی‌آید. در این سازمان هنوز هم گرایش‌های فاشیستی دیده می‌شود، اگرچه نسبت به گذشته تخفیف یافته است.

س- سازمان امنیت و اطلاعات پاکستان - آی.اس.آی (**ISI**) - چقدر در بحران سیاسی کنونی پاکستان نقش و تأثیر دارد؟ آیا صحت دارد که این سازمان تقریباً به طور دربست زیر نفوذ ''جماعت اسلامی'' و عنصرهای القاعده است؟

ج- ارتش و نظامیان پاکستان همواره نقش مهمی در تاریخ سیاسی پاکستان بازی کرده‌اند. آقای بوتو رسماً یک شاخه سیاسی در سازمان اطلاعات و امنیت پاکستان ایجاد کرد تا حریف خود را زیر نظر داشته باشد. از آن زمان تا کنون نفوذ و قدرت این سازمان به تدریج افزایش یافته است، به طوری که امروزه عرصه‌های معینی از سیاست پاکستان، قلمروی اختصاصی نظامیان محسوب می‌شوند، از جمله سیاست‌های خارجی و هسته‌ای. پس از انتخابات سال ۲۰۰۷ و بر سر کار آمدن دولت حزب ''مردم پاکستان''، قدرت‌نمایی و زورآزمایی یی میان نظامیان و حزب مردم آغاز شد که همچنان ادامه دارد. حزب مردم کوشید تا با کمک آمریکا، سازمان‌های مخفی و سرّی را زیر نظارت غیرنظامیان درآورد. نظامیان نیز از سوی دیگر با استفاده از نفوذشان در رسانه‌ها و قوه قضاییه کوشیدند دولت را فلج کنند. دولت غیرنظامی به هر ترتیب تا کنون بر سر کار باقی مانده است، اما نظامیان نیز موفق شده‌اند در همه عرصه‌های مورد توجه‌شان دست بالا را داشته باشند و نظارت خود را اعمال کنند. برای نمونه، اکنون نظامیان در مسائل مربوط به ''جنگ بر ضد ترور''، رابطه با هندوستان، افغانستان، و سیاست‌های دفاعی، حرف اول و آخر را می‌زنند. درست نیست فرض کنیم که سازمان امنیت به طور دربست زیر نفوذ و مهار ''جماعت اسلامی'' یا القاعده است، اما این درست است که این نهاد امنیتی و جاسوسی، با قدرت تمام از دستور کارهای راهبُردی سیاسی و ایدئولوژیک آن ها پشتیبانی می‌کند. ارتش نیز به عنوان یک نهاد، منافع کلان اقتصادی خود را حفظ می‌کند و سیاست‌هایی را به منظور تضمین منافع سازمانی و گروهی خود- و نه خط و خطوط ایدئولوژیک- تدوین می‌کند. البته که ارتش هم یکدست نیست و عنصرهای هوادار اسلام گراها و القاعده در بین همه کادرهای آن وجود دارند، و همیشه این امکان هست که این عنصرها بخواهند مهار امور را در دست خود بگیرند.

س- پاکستان همیشه متحد منطقه‌ای امپریالیسم آمریکا محسوب شده است. دولت‌های متوالی آن در مداخله آمریکا و متحدان

ارتجاعی‌اش در افغانستان و سرنگون کردن دولت مترقی آن در اوایل دهه ۹۰ نقشی کلیدی داشته‌اند. تأثیر بحران سیاسی کنونی پاکستان را بر کشورهای منطقه، بر منطقه آسیای جنوب غربی، و به طور کلی، در پیرامون پاکستان چگونه می‌بینید؟

ج- وجه سیاسی بحران کنونی، تمایل نظامیان و ارگان‌های نظامی کشور به ادامه کشمکش‌ها و ناآرامی‌ها در افغانستان است تا بتوانند از آن ها نهایت سود را ببرند، همان گونه که از آغاز جنگ نهانیِ امپریالیستی پس از انقلاب ثور در افغانستان سود برده‌اند. بخشیَ از نظامیان هستند که می‌خواهند نیروهای اسلام گرا را بر ملت هر دو کشور افغانستان و پاکستان تحمیل کنند. دار و دسته نظامیان، کار دولت غیرنظامی را به شدت مختل کرده‌اند، و اسلام گرایان را از راه‌های گوناگون تشویق و تقویت می‌کنند. در صورت ادامه مقاومت غیرنظامیان در برابر جاه‌طلبی‌های نظامیان، احتمال این خطر واقعی وجود دارد که نظامیان برای به دست گرفتن قدرت اقدام کنند. اما آمریکا این روند تحولات را در راستای منافع گسترده آتی‌اش نمی‌بیند، و هدفش این است که پس از برقراری نظم در افغانستان، آن‌طور که مناسب برای تحقق برنامه‌ها و طرح‌های آینده‌اش باشد، خود را از این ورطه بیرون بکشد. اگر ضرورتی به تصاحب قدرت توسط نظامیان پیدا نشود، آنگاه تلاش خواهند کرد از طریق برگزاری انتخابات مهندسی شده در سال جاری یا سال آینده، نیروهای راستگرا را بر ملت پاکستان تحمیل کنند. این امر، همراه با ایجاد وضعیتی به سود منافع ارتش پاکستان در افغانستان ، بی‌تردید واکنش هندوستان، ایران و کشورهای آسیای میانه را به دنبال خواهد داشت. چین و عربستان نیز ممکن است در حمایت از طرح جدید در این میانه درگیر شوند. به این ترتیب، آرامش در همه منطقه به هم خواهد خورد.

س- به نظر شما روابط میان ایالات متحد آمریکا و پاکستان همان قدر اهمیت راهبُردی (استراتژیک) دارد که در سال‌های دهه ۸۰ و ۹۰ داشت؟ هدف های اصلی استراتژی آمریکا در پاکستان کدامند؟

ج- بی‌تردید در مقایسه با سال‌های دهه ۸۰ و ۹۰، تغییر زیادی در روابط استراتژیک میان آمریکا و پاکستان صورت گرفته است. انقلاب ثور در افغانستان موجب همداستانی نیروهایی شد که اشتراک منافع داشتند، اما با بیرون رفتن نیروهای شوروی، رابطه دو کشور دچار تغییراتی شد. پس از ۱۱ سپتامبر، پاکستان دوباره و به اجبار، متحد آمریکا شد، اگرچه منافع دو کشور همگرایی زیادی ندارند. نظامیان و ارتش پاکستان وضعیت را به سود خود چرخاندند، و یک جریان ''جهاد''ی به راه انداختند. تا همین امروز، رهبری ارتش پاکستان همه تلاش‌های آمریکا برای موفقیت نظامی در افغانستان را با شکست مواجه کرده است. هم پایگاه‌های نیروهای شبه‌نظامی ''جهادی'' در وزیرستان شمالی دور از دسترس ارتش پاکستان مانده است، و هم به آمریکا اجازه ورود به این منطقه داده نشده است. سیاست دوگانه نظامیان پاکستان اکنون رازِ فاش شده‌ای است.

تلاش آمریکا بر این است که یک رژیم متمایل به خود در افغانستان برقرار کند، تا بتواند از آن منطقه برای دیده‌بانی کردن ایران و چین، و نظارت بر منابع انرژی کشورهای آسیای میانه، استفاده کند. از ''جُندالله''، که یک سازمان تروریستی است و پایگاه‌هایش در بلوچستان پاکستان قرار دارند، حمایت می‌شود تا در ایران ناآرامی و بی‌ثباتی ایجاد کند. آمریکا همچنین خواهان نقش مشخص و معینی برای هندوستان در اوضاع آینده افغانستان است.

س- به نظر شما آیا اختلاف نظر اساسی یی میان آمریکا و اتحادیه اروپا از یک سو و دولت کنونی پاکستان از سوی دیگر، در ارتباط با اوضاع افغانستان و مهار نواحی مرزی افغانستان- پاکستان وجود دارد؟ آیا استفاده از هواپیماهای متجاوز بدون سرنشین از سوی آمریکا به منظور ایجاد بی‌ثباتی و ناآرامی در پاکستان شمال غربی، و نیز واکنش مردم به تعداد کشته و زخمی شدگان حمله‌های این هواپیماها، عامل مهمی در این میان می تواند باشد؟

ج- بله به دلیل رقابت های موجود در جهان منافع سیاسی و اقتصادی متفاوت کشورهای مختلف، اختلاف‌نظرهای اساسی میان دولت کنونی پاکستان با آمریکا و اتحادیه اروپا وجود دارد. اصرار ارتش پاکستان بر نفوذ راهبُردی (استراتژیک) در افغانستان، با توجه به تهدید مداوم از سوی هندوستان، به آن اجازه نمی‌دهد که برای آمریکا مزاحمتی ایجاد کند. کشورهای حریص اتحادیه اروپا هم بیشتر در پی دسترسی به منابع طبیعی آسیای میانه، خطوط ارتباطی و حمل و نقل خود، و برنامه‌های آینده‌شان برای ایران و چین اند. حکومت پاکستان از بیم واکنش خشماگین و گسترده توده مردم، نمی‌تواند به نیروهای زمینی ناتو اجازه ورود به خاک پاکستان را بدهد. قاطبه مردم بر این باورند که به آمریکا اجازه داده شده است که با هواپیماهای بدون سرنشین هدف‌هایی را در وزیرستان شمالی مورد حمله قرار دهد. امروزه، اعتراض و خشم مردم نسبت به این حمله‌ها روز به روز بیشتر می‌شود، چرا که تلفات انسانی ناشی از آن، بسیار فراتر از هدف های اعلام شده آن بوده است.

س- اوضاع در بلوچستان پاکستان، که منطقه هم مرز و همجوار با بلوچستان ایران است، به‌ویژه برای ما مهم و نگران کننده است. وجود منابع معدنی غنی در این منطقه، و خواست عادلانه مردم برای بهره بردن از بخشی از درآمد ناشی از این ثروت طبیعی، پاسخی نگرفته است جز کشتارهای گسترده و سرکوب مردم. آیا در پاکستان نگرانی از گسترش شعار جدایی بلوچستان احساس می‌شود؟ آینده رخدادهای سیاسی در بلوچستان پاکستان را چگونه ارزیابی می کنید؟

ج- بلوچستان وسیع‌ترین استان پاکستان است، ولی جمعیت آن فقط ۵/۴ میلیون نفر است. به دلیل وجود منابع طبیعی، بلوچستان غنی‌ترین استان کشور محسوب می‌شود. با احتساب جمعیت و ثروت نسبی موجود در این استان، درآمد سرانه هر نفر در این استان می‌بایست رقمی مشابه با آنچه در عربستان سعودی و کشورهای خلیج فارس است، برابر باشد! اما مردم بلوچ حتی از آب و مواد خوراکی کافی نیز بهره‌مند نیستند. پس از کشف ذخایر بزرگ مس و طلا در بلوچستان، در سال ۲۰۰۳، توجه محافل امپریالیستی به این منطقه جلب شد. ایجاد و توسعه بندر آزاد گوادَر [بندری در حال توسعه در جنوب بلوچستان و کناره دریای عمان که برای چند دهه آینده به عنوان بندر آزاد اعلام شده است. - نامه مردم.] نیز به رقابت‌ها دامن زد. برخورد منافع پاکستان، هندوستان، چین، اتحادیه اروپا و ایالات متحد آمریکا، کشور ما را به صحنه یک جنگ نهانی تبدیل کرده است. از سوی دیگر، ناسیونالیست‌های بلوچ از پشتیبانی محافل قدرت در آمریکا و اروپا برخوردارند. یک بلوچستان مستقل و برخوردار از چنان حمایت‌هایی، مرکز تهدید

دیگری برای کشور ایران نیز خواهد بود. مردم پاکستان به شدت نگران اوضاع در بلوچستان اند.
س- ارزیابی شما از نقش و نفوذ جنبش طبقه کارگر، جنبش چپ، و جنبش سندیکایی در پاکستان چیست؟
ج- از لحاظ تشکیلاتی و سازمانی، جنبش طبقه کارگر، چپ، و سندیکایی بسیار ضعیف است و هیچ‌گونه نمایندگی در هیچ یک از دو مجلس پاکستان ندارد. سرکوب دولتی از یک سو، و دست بالا داشتن عنصرهای ارتجاعی با پشتیبانی ارگان‌های نظامی از سوی دیگر، مهم‌ترین عامل های تأثیرگذار بر این وضع‌اند. دو تن از اعضای کمیته مرکزی حزب کمونیست پاکستان، شش تن از اعضای کمیته‌های ایالتی، و شماری از اعضای کمیته‌های محلی حزب یا از سوی دولت یا به دست نیروهای ارتجاعی کشته شده‌اند. رفیق دکتر شفیق احمد، دبیر کمیته ایالتی و عضو کمیته مرکزی حزب، پس از سوءِ قصدهای متعدد به جانش و سوزاندن خانه‌اش در ایالت مرزیِ شمال غربی (پختون‌خوا) مجبور به ترک کشور شده است. خانواده او را در فشار گذاشتند تا او را به دادگاه اسلامی شریعة معرفی کنند، که در نتیجه، خانواده او نیز مجبور به ترک کشور و درخواست پناهندگی از کشور دیگری شدند. باقی مانده اعضای خانواده او همچنان در معرض تهدیدهای جدّی و اذیت و آزار قرار دارند. سندیکاها نیز تا حد زیادی به دلیل سیاست‌های دولت که متأثر از نفوذ بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول است، تضعیف شده‌اند. مدت‌هاست که فعالیت سندیکایی در بسیاری از سازمان‌ها و واحدهای کار ممنوع شده است. با وجود این، هنوز سندیکاهایی هستند که فعالند، اگرچه فعالیت‌شان به طور عمده پیرامون خواست‌های صنفی و اقتصادی است و کمتر محتوای سیاسی و ایدئولوژیک دارد. نیروهای چپ، به رغم ضعف تشکیلاتی‌شان، نفوذ بسیار زیادی بین توده‌های مردم پاکستان دارند چنانکه اگر فرصت و امکان انتخاب نماینده‌های واقعی‌شان به آنان داده شود، هرگز اسلام گرایان را ترجیح نخواهند داد.
س- لطفاً درباره نیروهای ترقی‌خواه عمده فعال در پاکستان توضیح مختصری دهید. محورهای کلیدی مبارزه چپ به طور کلی، و حزب کمونیست پاکستان به‌ویژه، کدامند؟
ج- طیف نیروهای چپ در پاکستان به طور عمده متشکل از سه گرایش است: سوسیال دموکرات‌ها، تروتسکیست‌ها، و لنینیست‌ها. حزب کمونیست پاکستان عمده‌ترین تشکیلاتی است که فعالیت‌هایش بر پایه نظری مارکسیسم - لنینیسم قرار دارد. مائوئیست‌های سنتّی هم اگرچه دیگر به آن صورت قدیم وجود ندارند، اما چندین گروه با گرایش‌های مشابه هستند که با نام‌های متفاوتی فعالیت می‌کنند.

چپ، به طور کلی، و حزب کمونیست پاکستان به ویژه ، در راه جلوگیری از خطر تصاحب قدرت از سوی اسلام گرایان مقاومت زیادی کرده و می‌کنند. بازسازی منطقه های سیل‌زده و یاری رساندن به مردم آسیب‌دیده از دیگر اولویت‌های نیروهای چپ در پاکستان است.

س- آیا پیامی برای نیروهای ترقی‌خواه ایران و به‌ویژه اعضا و هواداران حزب توده ایران دارید؟
ج- امروزه مردم پاکستان با همان تهدیدی روبه‌رو اند که مردم ایران در آستانه انقلاب ایران در سال ۱۹۷۹ [انقلاب بهمن ۱۳۵۷] با آن روبه‌رو بودند. ما از دشواری‌های مردم ایران در یک جامعه بسته که حتی نفس کشیدن در آن دشوار است، به‌خوبی آگاهیم. مسئولیت پیکار در راه رهایی از چنگال سنت‌گرایان مذهبی و رو در رویی جدّی و مقابله بی‌باکانه با تهدیدهای امپریالیستی به عهده خود مردم ایران و به‌ویژه نیروهایی مثل حزب توده ایران است. حزب کمونیست پاکستان برای همبستگی متقابل با مردم ایران، و به‌ویژه حزب توده ایران، احترام و ارزش زیادیِ قائل است. ما دشواری‌های مبارزه شما و فداکاری‌های شما را کاملاً درک می‌کنیم. ما مبارزه دشوار شما را جزئی از مبارزه خود می‌دانیم. هرگاه هر گونه کمکی لازم باشد، دست یاری حزب کمونیست پاکستان همیشه به سوی شما دراز است. ما برای حزب توده ایران صمیمانه آرزوی موفقیت در پیکار دراز مدتش داریم، و امیدواریم که فداکاری‌های حزب شما و قربانی‌هایی که داده است، پس از دهه‌ها سرکوب بی‌رحمانه و بی‌سابقه از سوی رژیم بنیادگرای اسلامی ایران، ثمره مطلوب را برای توده‌های زحمتکش ایران به بار آورد.
بسیار سپاسگزارم که این فرصت گرانبها را در اختیارم گذاشتید تا بتوانم برخی از مسائل و موضوع‌های پراهمیت جاری را از طریق ارگان مرکزی حزب شما با دوستان و رفقا و زحمتکشان ایرانی در میان بگذارم. با امید به ادامه تبادل نظرهای بیشتر در آینده!

به نقل از نامه مردم، شماره ۸۶۱، ۱۲ بهمن ۱۳۸۹

من انسانم!

شعری از: مسعود دلیجانی

ـ من انسانم!
چنان عاشق
که انسانِ نوینی همترازِ عصر می جویم.

چو خورشید از فراز قله می روید
و شب خود را ز رویِ خویش می شوید
و گندمزارِ قوتِ مردمان
در دشت می روید.

بروی تپه هایِ شور می خندم
بهاران را به کوه و دشت می خوانم
برویِ سبزِ گسترده غزلخوانم
«من انسانم!»

در آن آنی که باران تند می بارد
برویِ کوه و دشت و برکه و صحرا
«چه سیل آسا!»

و ضرباهنگ آن بر برکه ها
آهَنگِ شوقی از حبابانی که آزادند و
می رقصند و می چرخند،
می سازد.

برویِ صخره ها من مرغ حق خوانم
«من انسانم!»

بیا همپایِ من پایی به ره ....
آنکس که در یاسِ کلامِ خویش می گریی
و اینک سبزه زاران را در آغوشت نمی گیری
بخوان با من:
ـ من انسانم!
چنان شیدا
که انسانِ نوینی همترازِ عصر می جویم.
بگو با من:
ـ چو آن شیخم
که با شمعی به گرد شهر می گردد.

و می گردم
و می رزمم
که تا جویم
من آن گمگشته رویا را.

به یاد فروغ فرخزاد

۲۴ بهمن ماه امسال مصادف با ۴۴مین سال درگذشت شاعر نامدار ایران، فروغ فرخزاد بود.
تا کنون درباره فروغ فرخزاد و آثارش ده ها کتاب و صدها مقاله نوشته شده و زوایای گوناگون زندگی، افکار و شعرهای او مورد نقد و بررسی قرار گرفته است. با این وصف بدون شک ابعاد گوناگون زندگی اجتماعی، افکار، فعالیت های هنری و اشعار فروغ فرخزاد همچنان، برای نسل فعلی و نسل های آینده نیز مورد توجه و در خور پژوهش و نقد و بررسی خواهد بود.
چیزی که بویژه فروغ فرخزاد را از دیگر شاعران هم عصرش متمایز میکند، نگاه شجاعانه و «زنانه» وی به زندگی است. که این ویژگی در کنار ارزش های ادبی اشعارش او را در رده شاعران و هنرمندان برجسته ایران و جهان طی نیم قرن گذشته قرار داده است.

(بخشی از شعر تنها صداست که می ماند)

چه می تواند باشد مرداب
چه می تواند باشد جز جای تخم ریزی حشرات فساد
افکار سردخانه را جنازه های باد کرده رقم می زنند.
نامرد، در سیاهی
فقدان مردیش را پنهان کرده است
و سوسک ... آه
وقتی که سوسک سخن می گوید.
چرا توقف کنم؟
همکاری حروف سربی بیهوده است.
همکاری حروف سربی
اندیشه ی حقیر را نجات نخواهد داد
من از سلاله ی درختانم
تنفس این هوای مانده ملولم می کند
پرنده ای که مرده بود به من پند داد که پرواز را بخاطر بسپارم



نهایت تمامی نیروها پیوستن است، پیوستن
به اصل روشن خورشید
و ریختن به شعور نور
طبیعی است
که آسیاب های بادی می پوسند
چرا توقت کنم؟
من خوشه های نارس گندم را
به زیر پستانم هایم می گیرم
و شیر می دهم

صدا، صدا، تنها صدا
صدای خواهش شفاف آب به جاری شدن
صدای ریزش نور ستاره بر جدار مادگی خاک
صدای انعقاد نطفه ی معنی
و بسط ذهن مشترک عشق
صدا، صدا، صدا، تنها صداست که می ماند .

فروغ فرخزاد (از مجموعه ایمان بیاوریم به آغاز فصل سرد)

کازیوەی کوردی

سەروتار

پتر لە ساڵێکە دامودەزگاکانی رژیم بە هات و هاوارەوە پڕوپاگەندەی ئەوەیان دەکرد کە گوایە بزووتنەوەی جەماوەری ئێران ناسراو بە بزووتنەوەی سەوز، کۆتایی پێهاتووە و لەبار چووە. بەڵام هاتنە سەر شەقامی سەدان هەزار خۆپیشاندەر لە تاران و شارە گەورەکانی ئێران، لە رۆژی ٢٥ی رێبەنداندا جارێکی تر سەلماندی ئەم بزووتنەوەیە بەسەر ئەوەشدا کە هەر لە یەکەم رۆژی سەرهەڵدانیەوە بە دڕندانەترین شێوە بەرەوڕوی هێرشی هەمەلایەنەی سەرجەم دامودەزگا سەرکوتگەرەکانی رژیمی ویلایەتی فەقیە بووەتەوە و تا ئێستا بە دەیان شەهید و سەدان بریندار و هەزاران بەندکراوی لێکەوتووەتەوە، هەر بەردەوامە و رۆژ لە دوای رۆژ لە حاڵی گەشە کردن و گشت گیری دایە.

ئەگەر لە سەرەتادا بە گشتی لایەنگرانی موسەوی و کەڕوبی رژانە سەر شەقامەکان و دروشمی «دەنگی من کوا»یان بەرز کردەوە، لە ئەمڕۆدا ئەم بزووتنەوەیە جیا لە لایەنگرانی موسەوی و کەڕوبی، سەرجەم هێز و لایەن و چین و توێژە پێشکەوتنخوازەکانی ئێرانی گرتووەتە خۆی و وێڕای جیاوازی لە بیروبۆچوون و بەرنامە درێژخایەنەکانیاندا هەموویان بە تێگەیشتن لە سەرەکی ترین و گرینگ ترین پێداویستییەکانی شۆڕش لەم قۆناغەدا، بەکردەوە لە ریزێکدا و لە ژێر دروشمی «مەرگ بۆ دیکتاتۆر» خۆیان رێکخستەوە و دەستیان داوەتە خەباتێکی هاوبەش.

بێگومان تێپەڕ کردنی قۆناغی «دەنگی من کوا» و هەڵکشا بەرەو قۆناغی ئێستا کە لە دروشمی «مەرگ بۆ دیکتاتۆر» و «مەرگ بۆ ویلایەتی فقیە«دا خۆی دەنوێنێ، باشترین بەڵگەیە بۆ قووڵتر بوونەوەی داخوازییەکان و هەڵکشانی بزووتنەوەی جەماوەری گەلانی ئێران لە قۆناغێکەوە بۆ قۆناغێکی بەرزتر. لە ئێستادا تەنانەت لایەنگرانی موسەوی و کەڕوبیش دژایەتی ئەم دروشمانە ناکەن و بەکردەوە پێداگری لێدەکەن.

کە واتە بە پێچەوانەی پڕوپاگەندەی هەندێک لایەنی نەیاری ئەم بزووتنەوەیە، بزووتنەوەی سەوز لە ئێستادا هەمان بزووتنەوەی سەوزی یەکساڵی پێشتر نییە و هەم داخوازییەکانی و هەم دروشمەکانی رادیکاڵتر بوون و لە ئەمڕۆدا تەنانەت رێبەرانی رەمزی، بەڵام کاریگەری ئەم بزووتنەوە، واتە «موسەوی و کەڕوبی»ش بەکردەوە بە شێوەیەکی بەرچاو لە داخوازییە راستەقینەکانی گەلانی ئێران نزیکتر بوونەتەوە و تێگەیشتنیان لە واقعیاتی ژیان و خواستەکانی گەڵانی ئێران پەرەی سەندووە و پێشکەوتنی بەخۆوە بینیەوە.

هەروەها ئەم دوو رێبەرە رەمزییەی بزوتنەوەی سەوز، لە ئەمڕۆدا واقعیەتی فرە دەنگی و فرەچەشنی بزووتنەوەکەیان قەبووڵ کردووە و هەر ئەمەش بۆتە هۆی لێک نزیک بوونەوە و لێک تێگەیشتنێکی باش و دڵخۆشکەر لە ناو ئەوان و سەرجەم هێز و لایەنەکانی بەشدار لە بزووتنەوەکەدا.

هەر ئەمەش وای کردووە کە چیتر کەس باس لە «خودی» و «غەیری خودی» نەکات و بەم شێوە بزووتنەوەکە سنووردار نەکرێت و هیچ لایەن و کەسێک خۆی بە تاکە ملکداری بزووتنەوەکە نەزانێت و چاوپۆشی لە «بوونی» ئەوانی تر نەکات.

ئێمە ئەم لێک تێگەیشتنە بە هەنگاوێکی هەرە گەورە دەزانین کە بێگومان سەرجەم هێز و لایەنەکان بە ئۆپۆزیسیۆن و چاکسازیخوازە راستەقینهکانەوە، لە هەڵگرتنی دا رۆڵیان هەبوە و لە پاراستنی دا دەوریان هەیە.

بێگومان پشتگیری چەندین حزب و لایەنی کوردستانی لە بانگەوازی موسەوی و کەڕوبی بۆ خۆپیشاندانێکی سەراسەری لە ٢٥ی رێبەنداندا هێمایەکی هەرە جوان و دیاری ئەم لێک تێگەیشتنەی خستە بەرچاو و بەکردەوە ئەوەی سەلماند کە لە قۆناغی ئێستادا لە جیاتی دورەپارێزی و هەوڵدان بۆ چاوپۆشی یان نکۆڵی لە بوونی ئەوانی تر، باشتر وایە بەرەو خەباتێکی هاوبەشی سەراسەری دژ بە دوژمنی هاوبەشمان هەنگاو بنێین.

بێ شک لێکتێگەیشتن و لێک نزیک بوونەوەی ئەمڕۆی گەلان و هێز و لایەنەکانی ئێران، دەبێتە هەوێنی لێک نزیک بوونەوە و لێک تێگەیشتنێکی قووڵتر و بەرفراوانتر لە داهاتووی دوای رووخانی رژیمی کۆماری ئیسلامی و دامەزراندنی رژیمێکی فرە چەشن و دیمۆکراتیک کە دان بە ماف و داخوازییەکانی سەرجەم گەلان و چین و توێژەکانی ئێراندا بنێت و بە یاسا پارێزگارییان لێبکات.

کازیوە
بە دۆستان و هاورێکانتان بناسێنن !

شەپۆلی نارەزایەتییە جەماوەرییەکان لە هەرێمی کوردستان

لە برواری ٢٠١١/٢/١٧ (٢٨ی مانگی رێبەندان) لە بەر دەرکی سەرای شاری سلێمانی کۆبوونەوەیەکی جەماوەری بە مەبەستی پشتیوانی لە گەلانی میسر و تونێس بۆ ئەو سەرکەوتنە مەزنەیان و هەروەها دەربڕینی نارەزایەتی لە هەمبەر بێکاری، گرانی و گەندەڵی لە هەرێمی کوردستانی عێراق بەرێوەچوو. بەڵام لە کاتێکدا کە کۆبوونەوەکە بە رەسمی کۆتایی پێهاتبوو، کۆمەڵێک لە گەنجانی بەشداربوو لە کۆبوونەوەکەدا، بەرەو بارەگای لقی ٤ی پارتی دیمۆکراتی کوردستان لە سلێمانی کەوتنە رێگا و بە هۆی هەڵسووکەوتی ناهۆشیارانەی پاسەوانەکانی ئەو بارەگایە، خۆپیشاندەران بارەگاکەیان بەردباران کرد و زەرەر و زیانێکی زۆریان پێگەیاند.

بەداخەوە پاسەوانەکانیش کە سەر بە پارتی بوون، بە شێوەیەکی یەکجار نەگونجاو بێ بەزەیینانە، بە گوللە وڵامی گەنجانی خۆپیشاندەریان دایەوە



کە لە ئەنجامدا ٥٣ کەس بریندار و گەنجێکی تازەلاوی ١٥ ساڵ تەمەن لە خۆپیشاندەران کوژرا و بەم شێوە کارەساتبارە، کۆتایی بە خۆپیشاندانەکە هات.

بەڵام دوابەدوای بڵاو بوونەوەی هەواڵی ئەم کارەساتە، لە رۆژی دواتردا بە دەیان هەزار کەس لە سلێمانی و سەرجەم شار و شارۆچکەکانی پارێزگای سلێمانی رژانە سەر شەقام و وێڕای دەربڕینی هاوخەمی خۆیان بۆ کوژراو بریندارەکان، هەمان داخوازییەکانی خۆپیشاندەرانی ١١/١٧ کە بە گشتی خۆی لە بنبڕ کردنی گەندەڵی و نەهێشتنی بێکاری و دابەشکردنی داهاتەکانی هەرێم بە شێوەیەکی دادپەروەرانەدا دەبینێتەوە، دووپات کردەوە.

هەروەها خوازیاری دەستبەجێ گرتن و سزادانی ئەو چەکدارانە بوون کە تەقەیان لە خۆپیشاندەرانی رۆژی ١١/١٧ کردبوو.



ئەمە لە حاڵێکدابوو کە دەسەڵاتدارانی کوردستان لەباتی گوێگرتن لە داخوزییەکانی جەماوەر، بە شێوەیەکی بەکجار نادیمۆکراتیانە خۆپیشاندەرانیان بە «گێرەشێوێن و تێکدەر» ناولێبرد و هەر ئەمەش ئەوەندەی تر خۆپیشاندەرانی تووڕە کردووە و بۆتە هۆی بەرفراوانتر بوونی خۆپیشاندانەکان و بەرز بوونەوە و قووڵتر بوونەوەی داخوازییەکان.

بە واتایەکی تر ناهۆشیاری و لوتبەرزی دەسەڵاتداران بارودۆخەکەی بەرەو قۆناغێکی یەکجار مەترسیدار بردووە کە ئەمەش نیگەرانی دووبارە سەرهەڵدانەوەی شەڕی ناوخۆ و براکوژی لێدەکرێت. ئێمە هیوادارین دەسەڵاتدارانی هەرێم بە زووترین کات بە دەم داخوازییە رەواکانی خەڵکەوە بچێت. کە بێگومان ئەمە تەنها رێگا چارەیە بۆ هێور کردنەوەی دۆخەکە و پاراستنی ئەو گیان و ئەزمونەی کە بە خوێنی دەیان هەزار شەهید و ئەنفاڵکراو لە کوردستانی عێراق هاتووەتە ئاراوە.

دەستەی نووسەرانی کازیوە



راگەیاندنی حیزبی شیوعی کوردستان

سەبارەت بە خۆپیشاندانەکان و دۆخی هەرێمی کوردستان

جەماوەری کوردستان ..

حیزبی شیوعی کوردستان بە پەرۆشەوە لە روداوەکانی ئەم چەند رۆژەی دوایی شاری سلێمانی دەروانێت کە لە ١٧ \ ٢ \ ٢٠١١ رۆژی پێنجشەمە ودواتری دا رویان داو بووە هۆی گیان لە دەست دان و بریندار بوونی ژمارەیەک هاوڵاتی و تائەمرۆش بارێکی نا ئارامی خوڵقاندووە لە وشارەدا .کە جێگای نیگەرانی و خەمی هەموو لایەن و کەسێکی نیشتیمان پەروەرو دڵسۆزی ئەم گەلەیە .کە لە پاش ئەو هەموو هەوڵ و تێکۆشانەی خەڵکی کوردستان لە پێناو رزگاری وزامن کردنی دیموکراسی و ژیانێکی ئارام هەرگیز نەدەبوو رەوتی ناوخۆی کوردستان بەو ئاقارەدا بروات .لە کاتێکدا ئێمە پێمان وایە لە پاش کەڵەکە بوونی ئەو هەموو کەم وکورییە سیاسی و حیزبی و ئیدارییانەی کوردستان مافی هەموو کەس و هاوڵاتی و حیزب و لایەنێک و رێکخراوێکی سیاسییە کە بە ئازادانە راو تێروانینی خۆیان دەربرن و بەشداری کارا بکەن لە دروست کردنی رای گشتی و بریاری سیاسی و ژیانی ناوخۆی ئەم هەرێمەدا بە شێوەیەکی هێمنانەو شارستانیانە و دوور لە هەرچی توندو تیژی و هیرش و تاوانبارکردنێکی پێشوەختانە و بە مەبەست بە تایبەتی هیرش کردن سەر بارەگاو بنکەی حیزب و لایەنەکان .لە هەمان کاتدا بە توندی دژی هەر بەرپەرچ دانەوەیەکی چەکدارانەین لە بری گفتو گۆو گوێ گرتن لە داخوازییەکان، کە ببێتە مایەی زیان گەیاندن و گیان لە دەستدانی هاوڵاتیان و لەکەدارکردنی ئەزمون و دەسکەوتەکانی ئەم گەلە کە بەخوێن و تێکۆشانی خەڵک و هەموو لایەنە سیاسیەکان و پێشمەرگەی کوردستان هاتۆتە ئاراوە .

جەماوەی کوردستان ...خەڵکی دڵسۆزو نیشتیمان پەروەر

لە کاتێکدا کە ئێمەی خەڵکی کوردستان بە تەواوی حیزب و لایەنە نیشتیمان پەروەرەکانەوە لە هەوڵی چەسپاندنی ئەو دەسکەوتانەین لە بەدەستوری کردن و بە یاسایی کردنی داو چەسپاندنی بنەماکانی ژیانی دیموکراس کە تاکو ئێستا لەلایەن دوژمنان و لایەنە شۆڤێنی و نادیموکراسییەکانەوە



نەتوانراوە بە بروابونەوە قبوڵ بکرێت .جێگای داخە دۆخی ناوخۆی کوردستان بەو ئاقارەدا بروات و جارێکی تر زمانی تونو تیژی و هێزو تفەنگ جێگەی گفتو گۆو زمانی دایەلۆگ و لێکتێگەیشتن بگرێتەوە .کە بێگومان ئەم دۆخە نەخوازراوە جگە لە دوژمانی گەلی کوردستان و ئەزمونەکەی کەسی تر سوودمەند نابێت لێی .

هەر بۆیە لە پاش هەوڵ و گفتو گۆی بەردەوامی حیزبمان لەگەڵ لایەنە بەرپرسەکانی کوردستان، داواکارین لە تەواوی خەڵکی کوردستان هێمنی و ئاسایشی ئەم هەرێمە بپارێزن و دوور لە هەڵسوکەوتی ناشارستانیانە ودوور لە عورفی دیموکراسیانە و لە رێگەی توندو تیژییەوە

مامەڵە لە گەڵ دۆخەکەدا نەکەن و ئەم ئەزمونە ئەگەر کەموو کوریشی هەبێت بە ئەزموونی خۆیان و هەموو خەڵکی کوردستان بزانن و ئەو دەسکەوتانە بە دەسکەوتی گشتی تەماشا بکەن و لە بری زمانی زبرو تاوانبار کردن زمانی گوڵ وزمانی دایەلۆگ بەکاربهێنن، کە بێگومان ئەوە ناوەرۆکی راستەقینەی دیموکراسییە و هەر گیز دۆخی کوردستان بە دۆخی دەوڵەتانی خاوەن قەوارەو متمانە پێدراوی نێو دەوڵەتی بەراورد نەکەن .

لە هەمان کاتدا داوا لە سەرۆکایەتی هەرێم و پەرلەمانی کوردستان و حکومەتی هەرێم و تەواوی حیزب و لایەنە سیاسییەکان بە تایبەتی حیزبە کانی خاوەن دەسەڵات دەکەین بە خێرایی و بە دڵسۆزییەوە لە هەستیاری دۆخەکە بروانن و رێگە نەدەن زمانی تفەنگ و هەرەشە جێگەی هەنگاوو هەڵوێستی نیشتیمان پەروەرانەیان بگرێتەوە و بە زوترین کات ئەو دۆخە ئابڵۆقە بدەن کە دەبێتە هەرەشەو مەترسی بۆسەر رەتی دیموکراسی و ئەزمونی بەخوین بەدەسهاتوی گەلەکەمان و بە سنگی فراوانەوە بە تەنگ داخوازی و خواستەکانی ئەو خەڵکەوە بچن کە هەست بە مەزلومیەت و فەرامۆش کردن دەکەن کە لە ئەنجامی کەڵەکە بوونی کۆمەڵێک دیاردەی سلبی و بەرژەوەندی خەڵکانێکی مشەخۆرەوە سەرییان هەڵداوە .

جەماوەری کوردستان ...خەڵکی دڵسۆزو نیشتمان پەروەر
هیزو لایەنە سیاسیەکانی کوردستان ...

کوردستان خاک و نیشتیمانی هەموو لایەکمانە ..ئەو خەڵکە هاولاتی ئەم نیشتیمانەن و ئەم ئەزموونەش ئەزموونی هەموو لایەکمانە و موڵکی هیچ حیزب و لایەنێک نییە بەتەنیا، پێویستە بە دڵسۆزی وبە روحی نیشتیمان پەروەریی و دیموکراسییەوە بەرەو پێشی بەرین و هەوڵی چارەسەری کەمو کورییەکانی بدەین و رێگە نەدەین خەڵکان و لایەنی نیەت خراپ بەرامبەر بە ئەزموونەکەمان هەلی ئەوە بقۆزنەوە کە دەسکەوتەکانی شۆرش و بزوتنەوە رزگاری خوازییە نیشتیمانیەکەی بەرەو کارەسات ببات .

باپێکەوە بە دەنگی ئازادی رادەربرین و ژیانی دیموکراسیەوە بچین

بازمانی گوڵ و گفتو گۆی شارستانیانە بکەینە چەکی ململانێ و پێکەوە هەنگاو روەو چاکسازی و پێشکەوتن بنێن

لێرەشەوە ئەو پەری خەم و دڵتەنگی خۆمان ئاراستەی کەسوکاری ئەو گەنجە شەهیدە دەکەین و هیوا خوازین بەزوترین کات هەموو بریدارەکان چاک ببنەوە

بەرزو پر لە شکۆ بێت ئالای کوردستانێکی دیموکراسی و قەوارە چەسپاو

حیزبی شیوعی کوردستان
٢٠١١\٢\٢٠

کازیوە
بە دۆستان و هاورێکانتان بناسێنن !

ڕۆژی جیهانیی زمانی دایک

ڕۆژی ٢١ی فێبریوەری ڕۆژی جیهانیی زمانی دایکە. ئەم ڕۆژە، بە پێشنیازی وڵاتی بەنگلادێش، لەساڵی١٩٩٩ ، لە لایەن ڕێکخراوی یونێسکۆوە، ڕێکخراوی زانستی و فەرهەنگیی ڕێکخراوی نەتەوە یەکگرتووەکان(UN)، بە نێوی ڕۆژی جیهانیی زمانی دایک ناسراوە. لەو کاتەوە، لە بەشێکی زۆری وڵاتانی جیهاندا، ئەم ڕۆژە جێژن دەگیرێت.

بەپێی لێکۆڵینەوەکانی ڕێکخراوی SLI (Summer Institute of Linguistics) ، کە زیاتر لە ٧٠ ساڵە لێکۆڵینەوە لەسەر زمان و دیالێکت دەکات، نێزیک بە ٧٠٠٠ زمان لە جیهاندا هەیە. نزیکەی ٩٥٪ی ئەم زمانانە تەنیا لەلایەن ٦٪ لە خەڵکی ئەم جیهانەوە ئاخاوتنی پێ دەکرێ و کەڵکی لێ وەردەگیرێت.

ناوەندێکی‌تر بە نێوی: Atlas of the worlds languages in danger of disappearing)) مەترسیی ئەوەی هەیە کە نزیک بە نیوەی ئەم زمانانە لە ساڵەکانی داهاتوودا لەناو دەچن و دەفەوتێن بە چەشنێک، کە بە هەر دوو حەوتوو زمانێک لە ناو دەچێت. ئەم زمانانە، ئەوانە دەگرێتەوە کە زمانی ڕەسمی نیین، منداڵان لە فێرگەکاندا بۆ خوێندن بە کەڵکی ناهێنن و خەڵکانی کەم بۆ ئاخاوتن کەڵکی لێ وەردەگرن. هەر لەم ڕوانگەیەوەیە کە ڕێکخراوی یونێسکۆ، بە هەستکردن بە لەناوچوونی ئەم زمانانە، کە زمانی نەتەوە کەمایەتییەکانە، لە سەر ڕۆژی جیهانیی زمانی دایک، بۆ پاراستنیان و زیندووکردنەوەی ئەم زمانانە پێ دادەگرێت.

ڕۆژی ٢١ی فێبریوەری لە بەشێک لە وڵاتانی جیهان بەگەرمی ڕێزی لێ دەگیرێت. لە ئێرانیش، لەم ساڵانەی دواییدا لە شارەکانی وەک تەورێز، تاران، ئەهواز و ورمێ ئەم ڕۆژە جێژن گیراوە و هەتا دێت ئەم ڕەوتە زیاتر پەرە دەگرێت.

ئەگەر سەرنجی چەند وڵاتێک بدەین کە وڵاتی فرەنەتەوەیین، دەبینین کە لە زۆربەی ئەم وڵاتانە، چەندین زمان وەک زمانی ڕەسمی پەسند کراون. لە وڵاتی هیند، کە نزیک بە ٤٠٠ زمانی تێدایە، ١٩ زمان زمانی ڕەسمییە، لە ئەفریقای باشوور ١١ زمانی ڕەسمی، لە عێراق ٢ زمانی ڕەسمی (کوردی و عەرەبی) ، لە ئەفغانستان ٣ زمانی لە فنلاند ٢ زمانی ڕەسمی (فنلاندی و سوێدی) و ئەوە لە کاتێکدایە کە سوێدیزمانانی وڵاتی فنلاند، تەنیا ٦٪ی دانیشتووانی ئە وڵاتە پێک دەهێنن.

ئەو کەسانەی کە مەجالی خوێندن و نووسین بە زمانی کوردییان نەبووە، لە کاتێکدا کە نووسراوەی کوردییان لە بەردەستە و توانای خوێندنەوەیان نییە، و یان ئەوەی کە ناتوانن بەیانی سیاسی و هەستی دەروونییانی پێ دەرببڕن، لە ناخی دەرونەوە عاجزن و کاریگەریی ڕەوانیی ناخۆشی لەسەر داناون و دادەنێت. کاتێک کە ڕوخسەت بە زمانی دایک نەدرێت. لە قسەکردن و نووسین بە زمانی غەیرە زگماک، هەمیشە بۆ وشەیەک، کە مەبەستی ڕاستەقینەی تۆ بگەیەنێت، دادەمێنیت و لە ڕاستیدا زمانت ئۆتۆماتیک نابێت.



زمان، سەرەڕای ئەوەی کە ئامرازێکە بۆ پێوەندیگرتن، هاوکاتیش، ئامرازێکە بۆ بیرکردنەوە، بۆ فۆرمپێدان بە سیستەمی فیکری منداڵ و فێربوون، ئامرازێکە بۆ بەیانی پێناسەکردنی مرۆڤ ، بەو گروپە کۆمەڵایەتییەی کە خۆی پێوە دەناسێنی(identity، وەک کورد، تورک، عەرب،

فارس و هتد)، ئامرازێکە بۆ بەیانی فەرهەنگ و ڕێوڕەسمە کۆمەڵایەتییەکان. زۆربەی زمانناسانی جیهان، بە لانی کەمەوە، لە سەر ئەم چوار خاڵە گرنگە هاوبیر و هاوڕان.
کاریگەریی زمانی دایک لەسەر فێربوون و گەشەی فیکری و فۆرمپێدان بە کەسایەتیی منداڵانی خوێندکار، بە تایبەتی لەم ٣٠ ساڵەی دواییدا، جێگای سەرنجی زۆربەی زمانناسان بووە. هەموو توێژینەوەیەک کە لەم بارەوە کراوە، بە تێکرایی جەخت دەخەنە سەر ڕۆڵ و دەوری زمانی دایک بۆ فێربوون و گەشەی بیر و مێشک. بۆ وێنە ٢ کەس بە ناوی (Wayne Thomas ، Virgina Collier) لە ئەمریکا، لێکۆڵینەوەیان لەسەر ئەوە کرد کە ئەگەر ڕوخسەت بە منداڵ بدەن کە بە زمانی دایک فێری خوێندن و نووسین بێت ئاکامەکەی چۆن دەبێت. ئەم لێکۆڵینەوەیە، کە یەکێک لە بەرینترین و وردترین لێکۆڵینەوە بووە کە لەم بووارەدا کراوە، نزیک بە ٥٠٠٠٠ خوێندکاری تێدا بەشدار بووە و زیاتر لە ٢٠ ساڵی خایاندووە. ئاکامەکەی ئەوە بووە کە:
ا : ئەو منداڵە خوێندکارانەی کە بە زمانی دایک و زمانی ئینگلیسی خوێندوویانە، سەرکەوتووتر بوون لەو خوێندکارانەی کە تەنیا بە زمانی ئینگلیسی خوێندوویانە.
ب : ئەو خوێندکارانەی کە زمانی دایکیان ئینگلیسی نەبووە و بە ئینگلیسی خوێندوویانە، لە ساڵەکانی هەوەڵی خوێندندا سەرکەوتوو بوون. بەڵام لە ئاستی خوێندنی باڵادا، کە پێویستیی بە ئاستێکی ئاکادیمیی زمان هەیە، تێدا دەمێنن و دوا دەکەون.
بە ڕاشکاوی، دەتوانم بڵێم کە هیچ لێکۆڵینەوەیەکی زانستی نییە کە جەخت نەخاتە سەر دەور و نەخشی زمانی دایک. هەر بەم بۆنەیەشەوە بێت، پێویستە کە دایک و باوکان پێ دابگرن لەسەر خوێندنی منداڵانیان بە زمانی دایکی خۆیان.

لە لایەکی ترەوە، سەرەتاییترین مافی مرۆڤ ئەوەیە کە منداڵ بە زمانی دایکی خۆی بخوێنێت. نکوولیکردن لەم مافە، پێشێلکردنی مافە سەرەتاییەکانی مرۆڤە. هەر لەم ڕووەوە، لە ساڵی ١٩٨٩دا لە لایەن نەتەوە یەکگرتووەکانەوە بڕیارێک دەرچوو، کە لە لایەن هەموو ئەندامانی ئەم ڕێکخراوەوە پەسەند کرا. یەکێک لە بەشەکانی ئەم بڕیارنامەیە، کە بریتییە لە ٥٤ ماددە، لە بەندی ٣٠ لایەنگری لە کەمایەتییەکان دەڵێ:
« ئەو منداڵانەی کە سەر بە کەمایەتییەکانی ئایینی، قەومی و یا زمانیین مافی ئەوەیان هەیە کە، بە کۆ یان تاک، لە زمان، فەرهەنگ و ئایینی خۆیان کەڵک وەرگرن و بە کاری بێنن «.

هەر کەسێک، کە خۆی بە دێمۆکرات، ئازادیخواز و پێشکەوتنخواز دەزانێت، ئەرکی سەرشانیەتی

له‌ كوردستانو عێراق ڕۆژی شه‌هیدی شیوعی به‌رز ڕاگیرا

ڕۆژی ١٤ی شوبات كه‌ ڕۆژی شه‌هیدی شیوعییه‌ له‌ سه‌رجه‌م پارێزگاو شاره‌كاتی عراق و كوردستان به‌رز ڕاگیرا
كۆمیته‌ی پارێزگای هه‌ولێری حزبی شیوعی كوردستان بۆ به‌رز ڕاگرتنی ئه‌م ڕۆژه‌ به‌ به‌شداری ژماره‌یه‌كی زۆری بنه‌ماڵه‌ی شه‌هیدانی حزب
ڕێپێوانێكی هێمنانه‌یان بۆ به‌رده‌م ته‌لاری ئه‌نجومه‌نی وه‌زیرانو په‌رله‌مانی كوردستان ڕێكخستو به‌ دروشمی نا بۆ جیاوازیكردن له‌ نێوان شه‌هیدانو چه‌ندین دروشمی دیكه‌ ئه‌م ڕۆژه‌یان به‌رز ڕاگرت, له‌م ڕێپێوانه‌دا یاداشتنامه‌یه‌كیان دا به‌



سه‌رۆكایه‌تی حكومه‌تو په‌رله‌مانو تیایدا هاتبوو: كه‌ ده‌ستكه‌وته‌ وه‌دیهاتووه‌كانی ئه‌مڕۆی ئه‌زموونی سیاسیو دیموكراسی هه‌رێمی كوردستان به‌ری ڕه‌نجی شه‌هیدانی بزاڤی سیاسیو ڕزگاریخوازی گه‌لی كوردستانه‌ به‌ شه‌هیدانی حزبی شیوعیشه‌وه‌, به‌ڵام وه‌ك پێویست ئاوڕ له‌ ژیانو گوزه‌رانی بنه‌ماڵه‌ی شه‌هیدانی شیوعی نه‌دراوه‌ته‌وه‌و جیاكاری له‌ پێدانی پله‌و مووچه‌و ئیمتیازات ده‌كرێت, له‌ یاداشتنامه‌كه‌دا پێنج داواكاری خرانه‌ڕوو بۆ ئه‌وه‌ی چاره‌سه‌ری كێشه‌ی جیاكاری بكرێت له‌وانه‌ نه‌هێشتنی پله‌ به‌ندی له‌ نێوان شه‌هیدانی حزبی شیوعیو لایه‌نه‌كانی دیكه‌و, هاوكات نه‌هێشتنی جیاكاری له‌ پێدانی ئیمتیازات وه‌كو زه‌ویو خانووبه‌ره‌و مووچه‌, ڕێزگرتن له‌ شكۆمه‌ندی ڕۆحی شه‌هیدانو ڕێگریكردن له‌ گواستنه‌وه‌ی سه‌نگه‌ری شه‌هیدان له‌ نێوان لایه‌نه‌ سیاسییه‌كاندا, هه‌روه‌ها داوا كرا شه‌هیدانی حزبی شیوعی له‌ سنووری هه‌ولێردا بخرێنه‌ به‌رنامه‌ی پێدانی خانوو شوققه‌ی نیشته‌جێبوونو وه‌ك شه‌هیدانی خۆتان مامه‌ڵه‌یان له‌گه‌ڵدا بكرێتو, شه‌هیدانی ته‌واوی لایه‌نه‌ سیاسییه‌كان له‌ سه‌رجه‌م قۆناغه‌كانی تێكۆشاندا به‌ شه‌هیدی پله‌ یه‌ك ئه‌ژمار بكرێنو مافو ئیمتیازاتیان پێ بدرێتو قه‌ره‌بووی رابردوویان بكرێته‌وه‌.
هاوكات له‌ هه‌رسێ پارێزگاكه‌ی هه‌رێمی كوردستانو گه‌رمیانو به‌غداو به‌شێك له‌ وڵاتانی ئه‌وروپا شیوعییه‌كان ئه‌م یاده‌یان به‌رزو پیرۆز ڕاگرت.

وتووێژی «نەوال سەعداوی» سەبارەت بە خۆپیشاندانەکانی میسر

دەبێ ژنانی میسر و تونێس وشیار بن

و: فەریبا محەممەدی

من زۆر خۆشحاڵم، من ئێستا تەمەنم ٨٠ ساڵە و لەوەی کە زیندووم تا ئەم رۆژانە ببینم زۆر خۆشحاڵم. من خەونی ئەو شۆڕشەم بینیوە، من هەموو رۆژێک لە خۆپیشاندانەکان لە قاهیرە بەشداری دەکەم.

ئەمە وتەکانی لایەنگری مافی ژنان و نووسەری بەناوبانگی میسری «نەوال سەعداوی»یە کە لە وتووێژێکی تەلەفونی لەگەڵ شوعلەی ئێرانی وتوویەتی. نەوال سەعداوی فێمینیستی بەناوبانگ لە خۆپیشاندانەکانی قاهیرە لە رۆژانی رابردوو بەشداریکردووە و دەڵێت: ئەمە شۆڕشی لاوانی میسرە دژی هەژاریی و نەبوونی ئازادی. ئەم رژیمە کتێبەکانی منی قەدەغە کرد، بەڵام لاوان کتێبە قەدەغەکراوەکانیان خوێندنەوە و لە هەر دەرفەتێک کاڵکیان وەرگرت تا نارەزایەتی خۆیان نیشان بدەن و خۆیان رێکبخەن بۆ شورشێکی گەورە. ئێستاش کاتی شۆڕشە.

ئەم شۆڕشە دەنگی خەڵکە کە دژی بێکاریی، هەژاریی و نەبوونی ئازادی خەبات دەکەن. داواکاری خەڵکی میسر سیاسی، کۆمەڵایەتی و چینایەتییە و پەیوەندی بە ئیسلامەوە نییە. لە وڵام بە پرسیارەکە ئایا دەبێ لە بنەماگەریی ئیسلامی لە میسر بترسین؟ لە وڵاتانی رۆژئاوایی زۆر کەس نیگەرانی ئەوەن کە هێزە دواکەوتووەکان دەسەڵات بە دەستەوە بگرن. ئایا ئەمە جێگەی مەترسی نییە؟

سەعداوی دەڵێت:

ئێمە لە بنەماگەریی ئیسلامی ناترسین، دەبێ ئەوە بزانن کە ملیۆن ژن و پیاو لە سەر شەقامەکانن. ئەم نارەزایەتیانە پەیوەند بە چەپ و راست، ئیسلامی یان هەر بزووتنەوەی سیاسییەوە نییە. خەڵک لە بێکاری و سەرکوتی بەردوام لە لایەن رژیمی موبارەکەوە وەتەنگ هاتوون. هیچ حیزبێکی سیاسی ئەم شۆڕشەی دەست پێ نەرکدووە، ئەمە بزووتنەوەیەکی خۆڕسکە و خەڵکییە. حیزبە سیاسییەکان لە هەوڵدان تا ببن بە بەشێک لەم بزاڤە و یان نابەجێ بە کاری بهێنن. واتە کاتێک



که خەڵک بڕیاری ناڕەزایەتی دەربڕین لەگەڵ داواکاری گۆڕانکاری دەدەن و دێنە سەر شەقام، ئەو کاتە بوو کە چەپ و راستیش بەوان پەیوەست بوون. خەڵکی میسر بەم ئاکامە گەیشتووە کە یەکگرتووانە و دەست لە ناو دەستی یەک و یەکدەنگ هاواری ئازادی، دادپەروەری کۆمەڵایەتی، رێزگرتن لە مرۆڤ، سەربەخۆیی و یەکسانی دەکەن. ئەوەی ئێستا لە ئارا دایە بزاڤێکی خۆڕسە و هی گەنجان و لاوانە نەک لایەنێکی سیاسی.

ئەمە زۆر روون و ئاشکرایە کە ئەمریکا و ئیسرائیل لە بەر ئەوەی پشتیوانی رژیمی موبارەک بوون، ئەمڕۆ دەیانەوێت خەڵک بترسێنن کە ئەگەر خوازیاری گۆڕانکارین ئەوە دەکەونە ژێر رکێفی بنەماخوازە ئیسلامییەکان. من هەموو رۆژێک لە سەر جادەکانی قاهیرە بووم، راستە کە میسرییەکان موسلمان و مەسیحین، بەڵام من ئێخوان المسلمینم لە سەر جادە نەبینیوە. کەسانێک لە لایەنگرانی ئەوان هەن کە بە شێوەی تاک لە خۆپیشاندانەکان بەشداریان کردووە. لە راستیدا ئێخوان المسلمین لە سەرەتاوە نەیاندەویست کە بەشێک بن لەم بزاڤە و تەنانەت حیزبە سیاسییەکانی دیکەش هەروا بیریان دەکردەوە. خەڵکێک کە چوونەتە سەر جادەکان زۆر وشیارن و پارێزگاری لە شوڕشی خۆیان دەکەن.

سەبارەت بە توندوتیژی و دزی و تاڵانکردنی شوێنە گشتییەکان دەڵێت: پۆلیس ئەرکی خۆی بەڕێوە نابات. زیندانەکانیان ئازاد کردووە تا خەڵک تاڵان بکەن و میسرییەکان بەم قەناعەتە بگەیەنن کە بۆ ئاسایش و ئەمنیەت دەبێ موبارەک بمێنێتەوە.

سەبارەت بە رۆڵی ژنان لە خۆپیشاندانەکان «نەوال سەعداوی» دەڵێت: ژنان چالاکانە بەشداری لەم شۆڕشەدا دەکەن. ئەم رژیمە پاش دوایین شۆڕشی لە میسر زۆریەک لە مافی ژنانی پێشێل کرد، ئەمڕۆ ئێمە وشیارین و رێگە نادەین کە ئەم رووداوە دووپات بێتەوە. ئەمە شتێکە کە دەمانەوێت بە ژنانی تونسیش بڵێین. دەبێ وشیار بن لە ئاست ئەو مەترسیانەدا هەڕەشە لە مافی ئەوان دەکەن.

هەروەها سەعداوی داوای کردووە کە خەڵکی وڵاتانی دیکە پشتیوای لە خواستی خەڵکی میسر بکەن و بچنە بەردەم باڵوێزخانەکانی میسر و پشتیوانی خۆیان لە داواکارییەکانی خەڵکی نارازیی دەربڕن.

کازیوە
به دۆستان و هاورێکانتان بناسێنن !

ماهنامه

کازیوه

(سپیده دم)

شماره ششم

اسفند ماه ۱۳۸۹

نشریه جمعی از هواداران حزب توده ایران در کردستان



آزادی ، دموکراسی و عدالت اجتماعی

مطالب این شماره : **صفحه**

=====================

بەشی کوردی :

لاپەڕە

مسئولیت مطالب درج شده در کازیوه بر عهده ی گردانندگان آن است و
مواضع رسمی حزب توده ایران در سایت حزب به نشانی :
/ http://www.tudehpartyiran.org
انتشار می یابد.

تماس با کازیوه : tudeh_kurdistan@yahoo.co.uk

پایگاه اینترنتی کازیوه :

http://a1320 .wordpress.com/

شادباش نوروزی کمیته مرکزی حزب توده ایران

رزم تان بر ضد استبداد و ارتجاع پیروز و نوروزتان مبارک باد!

هم میهنان گرامی!
کمیته مرکزی حزب توده ایران، فرا رسیدن نوروز و سال ۱۳۹۰ را به همه شما تبریک می گوید و امیدوار است که سال نو سال ادامه و گسترش پیکار مردمی بر ضد استبداد و زمینه ساز رهایی میهن از چنگال رژیم ستم کار ولایت فقیه باشد.
نوروز، جشن باستانی ایرانیان، و نماد تاریخی فرا رسیدن دورانی نو و پیروزی نیکی بر پلیدی و کهنگی است. حفظ این سنت خجسته در دوران حاکمیت رژیم واپس گرا و ضد مردمی ولایت فقیه، خود از عرصه های مبارزه مردم بر ضد وارثان ضحاک و ستم کاران حاکم بر کشور ما بوده و خواهد بود.
امسال سال نو در شرایطی فرا می رسد که کشورهای منطقه خاورمیانه دستخوش تحولاتی تاریخی بوده اند و زمین لرزه خیزش های انقلابی مردم جان به لب رسیده و محروم طومار شماری از رژیم های دیکتاتوری در منطقه را درهم نوردیده است. پیام این خیزش های انقلابی که ریشه های عمیق آن را می توان در مبارزه کارگران، زحمتکشان و محرومان جامعه در کنار روشنفکران مبارز، زنان و جوانان آزادی خواه یافت، روشن است: مردم خواهان عدالت اجتماعی و تحقق حقوق و آزادی های دموکراتیک شان هستند.
رژیم دیکتاتوری حاکم بر ایران، ضمن دادن شعارهای عوام فریبانه در زمینه دفاع از مبارزات مردم منطقه، هراسناک از تکرار حوادث منطقه در ایران و با درک توان و امکانات بالقوه جنبش مردمی میهن ما با به خیابان آوردن چاقو کشان و مزدوران مسلح سپاه و بسیج مترصد است تا فرا رسیدن سقوط ناگزیر استبداد در کشورما را هر چند می تواند به تأخیر بیاندازد.
با وجود همه تلاش های کارگزاران استبداد، با وجود همه ترفند ها، دستگیری ها، آزار و شکنجه مبارزان دگراندیش و به رغم همه تهاجمات تبلیغاتی رژیم و متهم کردن جنبش مردمی به وابستگی به نقشه های ''استکبار جهانی''، سال ۱۳۸۹، سال ادامه مبارزه مردمی و پایداری نیروها و رهبران جنبش بر ضد یورش های رژیم ولایت فقیه بود.
گسترش و تعمیق شکاف در صفوف نیروهای حامی رژیم و حرکت خامنه ای و انصارش به سمت انحصار بیش از پیش قدرت سیاسی- اقتصادی در دست گروه اندکی از خانواده و نزدیکان ولی فقیه و ارتجاع و همچنین فرماندهان سپاه، بسیج و نیروهای انتظامی به حاکمیت کنونی شکلی بیش از پیش نظامی داده است. سیاست های اقتصادی-اجتماعی اعمال شده و سمت گیری دولت کنونی که عمدتاً بیانگر منافع بورژوازی بوروکراتیک نوین رشد یافته در دستگاه های دولتی و بخش هایی از کلان سرمایه داری تجاری کشور است وضعیت بسیار دشواری را برای میلیون ها خانواده ایرانی پدید آورده است. بیکاری مزمن و رشد یابنده که بر اساس آمار رسمی به ۱۳ درصد رسیده است و بیش از ۳ میلیون ایرانی را به صفوف بیکاران رانده است، در کنار فقر و محرومیت روز افزون ده ها میلیون شهروند و همچنین نابودی بنیه تولیدی کشور در مجموع شرایط بسیار دشواری را برای مردم ما پدید آورده است. سال ۱۳۸۹، سال ادامه سیاست های نولیبرالی اقتصادی دولت کودتا و حرکت بیش از پیش به سمت خصوصی سازی و همچنین تعدیل نیروی انسانی در باقی مانده بخش های تولیدی کشور بود. آزاد سازی یکباره قیمت ها در مقیاس باور نکردنی، که نتیجه مستقیم به اجرا گذاشتن طرح ''هدفمند کردن یارانه ها'' از سوی دولت کودتا در واپسین روزهای آذرماه بود، مردم زحمتکش و کارگران یدی و فکری درگیر در فلاکتی که سرمایه داری آزمند و نوکیسه سپاه پاسداران و غارتگران فاسد بنیاد های انگلی لانه کرده در بیت ولایت فقیه بر سرشان آورده است، با دشواری هایَ روز افزونی برای تأمین یک زندگی حداقل رو به رو کرده است. شرایط بسیار دشوار اقتصادی و رشد بی سابقه فقر و محرومیت همچنین زمنیه ساز رشد بی سابقه ناهنجاری های اجتماعی، از جمله اعتیاد، فحشاء و بزهکاری بوده است.
سال ۱۳۸۹ همچنین سال تشدید فشار و خفقان دستگاه های سرکوب رژیم برای خاموش کردن و درهم کوبیدن جنبش اعتراضی بر ضد کودتای انتخاباتی ۱۳۸۸ و برگماری دولت منفور احمدی نژاد بوده است. دستگیری صدها تن از فعالان اجتماعی، از کادرها و فعالان کارگری تا مبارزان جنبش زنان و همچنین صدها تن از جوانان و دانشجویان که در جنبش های اعتراضی سال گذشته شرکت کرده بودند ایران را به زندانی بزرگ برای همه دگراندیشان و مبارزان راه آزادی و عدالت اجتماعیِ تبدیل کرده است. تش



دید خفقان و سرکوب و گستره آن آنچنان بوده است که حتی بخش عمده مراجع تقلید در قم، مشهد و اصفهان و شیراز نیز عملاً در حبس خانگی به سر می برند و با تهدیدات روز افزون چماق داران و قمه کشان ولی فقیه رو به رو هستند. درگذشت آیت الله منتظری، در سال گذشته و بزرگداشت خاطره او توسط میلیون ها ایرانی و تقدیر آنها از یاد و پایداری او در مقابل رژیم استبدادی حاکم پیام روشن توده ها به سران رژیمی بود که ادامه حیاتش تنها با تکیه بیش از پیش بر سرنیزه و سرکوب امکان پذیر است.
انحصار قدرت سیاسی و شیوه جدید حکومت مداری سران ارتجاع که می توان آن را به نوعی حکومت خلیفه گری شبه نظامی تشبیه کرد آنچنان است که حتی بخش های عمده ای از سران و رهبران نیروهای اسلامی شرکت کننده در انقلاب، کسانی همچون هاشمی رفسنجانی که زمانی به او لقب ''ستون نظام'' و ''سردار سازندگی'' را می دادند از نهادهای حاکمیت پاکسازی شده اند و با فشار روز افزون دستگاه های امنیتی

برای تمکین کردن کامل به خواست های ولی فقیه رو به روی‌ند. یورش دستگاه های امنیتی رژیم و گروگان گیری رهبران جنبش اعتراضی، آقایان موسوی و کروبی، در هفته های آخر سال ۱۳۸۹، که با اعتراض گسترده نیروهای آزادی خواه در ایران و جهان رو به رو شد نشانگر برنامه های رژیم برای خنثی کردن هرگونه حرکت مردمی بر ضد رژیم استبدادی حاکم است. ولی همان طور که حوادث دو سال گذشته نشان داده است جنبش ضد استبدادی همچنان نیرومند به حیات خود ادامه می دهد و منتظر فرصت و روزنه های مناسب برای شکوفایی دوباره است.
نیروهای مردمی و آزادی خواه کشور تجربیات گرانبهایی را در طول مبارزه سال های اخیر آموخته اند که می تواند راه گشای مبارزات آتی مردم ما باشد. هماهنگی و اتحاد بیش از پیش نیروهای اجتماعی و پیوند زدن مبارزات پراکنده کارگری به اعتراضات جنبش زنان و جوانان و دانشجویان کشور، حرکت به سمت ایجاد ستاد مبارزاتی واحد و برنامه مشترک بر ضد رژیم و تدارک با حوصله و دقیق حرکت های گوناگون اعتراضی مدنی -اجتماعی از تظاهرات تا اعتصاب از جمله ابزاری است که در صورت به کار گیری درست و دقیق می تواند نتایج مورد نظر جنبش را به همراه داشته باشد.
خیزش های انقلابی کشورهای دیکتاتور زده منطقه خاورمیانه در ماه های گذشته نشان داد که می توان با اتحاد عمل و پایداری و پیگیری در مقابل سرکوبگران تا بن دندان مسلح ایستاد و جنبش را به پیش برد.
حزب توده ایران به عنوان بخشی از جنبش عظیم ضد استبدای میهن ما همه توان و امکانات خود را در تحقق آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی به کار خواهد گرفت و اطمینان دارد که آینده یی روشن و فردایی نو و رها از استبداد در انتظار میهن ماست. این فردا را باید از هم اکنون و دست در دست هم بنا کرد.
کمیته مرکزی حزب توده ایران
۲۲ اسفندماه ۱۳۸۹

به نقل از نامه مردم شماره ۸۶۴، ۲۳ اسفندماه ۱۳۸۹

****

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران

به مناسبت روز جهانی زن

درود آتشین به پیکار دلیرانه زنان میهن ما بر ضد رژیم استبدادی ولایت فقیه و در راه برابری و عدالت اجتماعی



زنان آگاه و مبارز!
کمیته مرکزی حزب توده ایران فرارسیدن صدمین سالگرد هشتم مارس، روز جهانی زن، روز گرامی داشت مبارزات زنان جهان در راه رهایی از بندهای ستم طبقاتی و جنسی، را به شما تبریک می گوید. صد سال تاریخ مبارزه غرور انگیز و دشوار زنان جهان، در راه رهایی از بند های ستم طبقاتی نظام سرمایه داری و برای دست یابی به برابری اجتماعی، اقتصادی و سیاسی، صفحات درخشانی از تاریخ مبارزات بشری را برای زندگی انسانی، بهتر و عادلانه رقم زده است. حزب توده ایران به عنوان بخشی از جنبش جهانی کارگری و کمونیستی مفتخر است که تاریخ هشتم مارس و آغاز مبارزات نوین جنبش زنان با اوج گیری جنبش چپ جهانی و رشد اندیشه های سوسیالیستی پیوندی جدایی ناپذیر دارد و زمینه پیدایی این سنت فرخنده به تصمیم گیری کنفرانس بین المللی سوسیالیست ها، در سال ۱۹۱۰ و پیشنهاد کلارا تستکین برای نام گذاری این روز به عنوان روز همبستگی با مبارزه زنان جهان، باز می گردد.
زنان جهان در حالی صدمین سالگرد روز هشتم مارس را جشن می گیرند که مبارزه صد ساله زنان پیشرو و مترقی در راه تحقق حقوق زنان از کشورهای پیشرفته سرمایه داری تا آسیا، آمریکای لاتین و آفریقا، دست آوردهای تحسین برانگیزی را به همراه داشته است. ارتقاء سطح آگاهی عمومی در رابطه با نقش زنان در جامعه، در هم شکسته شدن قوانین زن ستیزانه جوامع ''مرد سالار'' و به دست آوردن حقوق اجتماعی، اقتصادی و سیاسی در بسیاری از کشورهای جهان توانسته است شرایط مبارزه برای برچیدن نا برابری جنسیتی را دگرگون کند. سده اخیر همچنین شاهد نقش قاطع و تعیین کننده زنان در پیشبرد مبارزه جهانی برای جلوگیری از جنگ، تلاش در راه ارتقاء حقوق زحمتکشان، دستیابی به صلح و حفظ محیط زیست بوده است. نقش زنان در سازمان دهی و پیشبرد پیکار در راه دست یابی به آزادی و عدالت اجتماعی در سال های اخیر در بسیاری از کشورهای آمریکای لاتین و دیگر نقاط جهان و در ماه های اخیر در شمار زیادی از کشورهای خاورمیانه و آفریقا که انقلاب های مردمی حیات دیکتاتوری های پوسیده را در هم می کوبد، و از جمله نبرد دلیرانه زنان میهن ما بر ضد رژیم ضد مردمی و واپسگرای ولایت فقیه گواه نیرومندی از نقش مهم و انکار ناپذیر زنان در جنبش های رهایی بخش ملی در سراسر جهان است

زنان مبارز ایران!
جنبش زنان در کشور ما پیشینه ای طولانی و پر افتخار دارد. نخستین جشن روز جهانی زن در ایران، در ۱۷ اسفندماه (۸ مارس) ۱۳۰۱، یعنی ۸۸ سال پیش به ابتکار زنان پیشرو میهن ما در رشت برگزار شد. مبارزه زنان برای بردن آگاهی در درون جامعه به شدت عقب مانده ایران آن دوران، و مبارزه برای حقوق اولیه همچون حق رای از صفحات درخشان تاریخ مبارزات مردم ما برای پیشرفت اجتماعی است. حزب توده ایران نخستین حزب سیاسی کشور بود که مسئله تحقق حقوق زنان را در برنامه کار و مبارزه خود قرار داد. فعالیت زنان توده ای و دیگر زنان پیشرو میهن، از جمله پایه گذاری تشکیلات دموکراتیک زنان ایران، در دهه ۱۳۲۰، تأثیر کیفی عمیقی بر سازمان دهی مبارزات صنفی و سیاسی زنان بر جای گذاشت. صفحات تاریخ معاصر میهن مان به حق مشحون از مبارزات تحسین برانگیز زنان کشور در مقاطع تعیین کننده ای همچون انقلاب مشروطه، جنبش ملی شدن صنایع نفت کشور، مبارزات انقلابی بر ضد رژیم دیکتاتوری شاه، انقلاب بهمن ۱۳۵۷، مبارزه برای صلح و برای خاتمه جنگ هشت ساله ایران- عراق، و مبارزه بر ضد سیاست های ارتجاعی رژیم ''ولایت فقیه'' است.

زنان مبارزه و آگاه!
ادامه مبارزه در کشوری که سران تاریک اندیش آن حقوقی برای زنان قائل نیستند و در طی سال های اخیر فعالان جنبش زنان را هدف پیگرد زندان و شکنجه قرار داده اند وظیفه دشواری است که شما با جسارت و هوشیاری به پیش برده اید.
جنبش زنان میهن ما در دهه های اخیر دست آورد های ارزنده ای به همراه داشته است. ایجاد شمار زیادی از تشکل های صنفی و اجتماعی، تلاش تحسین برانگیز در زمینه بالا بردن آگاهی اجتماعی، خصوصاً در میان زنان زحمتکش، در کنار کار گسترده فرهنگی و اجتماعی بی شک نقش موثری در زمینه سازمان دهی جنبش مستقل زنان میهن ما داشته و خواهد داشت و باید تلاش ها را در این زمینه دو چندان کرد.
نقش موثر زنان میهن ما، در سال های اخیر از جمله ایجاد کارزارهای مبارزه برای صلح و تأسیس سازمان ''مادران صلح''، شرکت فعال زنان آگاه و مبارز در دیگر فعالیت ها و کارزارهای ضد جنگ و همچنین سازمان دهی کارزار ''یک میلیون امضاء'' بر ضد تبعیض جنسی، در کنار ایفای نقش برجسته ای در مبارزه بر ضد نقض آشکار حقوق بشر و دفاع از قربانیان رژیم، و تلاش در راه برقراری پل های ارتباطی بین گردان های مبارزاتی جنبش مردمی و از جمله کارگران و دانشجویان، تنها نمونه هایی از حیطه عملکرد و گستره جنبش زنان میهن ماست.
امسال برگزاری هشت مارس، در شرایط تشدید جو ارعاب و سرکوب و خشونت بی سابقه دستگاه های امنیتی رژیم ولایت فقیه بر ضد نیروهای دگراندیش و پیشرو، و همچنین یورش های ''قانونی'' کارگزاران ارتجاع

بر ضد حقوق زنان برگزار می شود.
در حالی که مجلسیان مرتجع و مزدوران ولی فقیه لایحه موسوم به ''حمایت از خانواده'' را که یورش آشکاری به حقوق زنان میهن ماست از کمیسیون های مجلس عبور می دهند و زمینه ''قانونی'' شدن آن را فراهم می آورند،
نیروهای سرکوبگر بر فشار خود نسبت به فعالان زنان افزوده اند و شمار زیادی از زنان مبارز و مترقی میهن ما در سیاه چال ها و شکنجه گاه های رژیم اسیرند.
مبارزه زنان میهن ما پس از کودتای انتخاباتی ولی فقیه و سپاه پاسداران، در خرداد ماه ۱۳۸۸، و در پی آن سرکوب خونین و خشن اعتراضات مردمی برگ پر افتخاری در پیکار سیاسی، طبقاتی و صنفی زنان میهن ما محسوب می شود.
حوادث روز های اخیر از جمله شرکت دلیرانه زنان مبارز در اعتراضات روز ۲۵ بهمن ماه و سپس در روز اول اسفند ماه ۱۳۸۹، نشان داد که جنبش زنان میهن ما به حیات پویا خود ادامه می دهد و خواهد توانست نقش موثری در حوادث آینده میهن ما به جای گذارد.

زنان مبارز و آگاه ایران!
حوادث هفته های اخیر کشور های خاورمیانه، جنبش های عظیم مردمی و سقوط حکومت های دیکتاتوری، در مصر و تونس، و لرزش پایه های حکومت های ضد مردمی در یمن، الجزایر، بحرین و لیبی، که زنان نقش برجسته یی در این پیروزی ها ایفا کرده اند، نشانگر آنست که دوران حکومت های ضد مردمی در منطقه ما به سرعت رو به پایان است و میهن ما نیز از این قاعده مستثنی نیست. تجربیات مبارزه دهه اخیر میهن ما نشان می دهد که جنبش مستقل زنان در همبستگی و هم پیوندی با دیگر نیروهای رزمنده اجتماعی همچون کارگران و زحمتکشان و دانشجویان و جوانان در کنار هم و در صورت سازمان یافتگی می تواند راه گشای تحولات جدی به سمت تحقق آزادی، دموکراسی و عدالت اجتماعی باشد. باید در سازمان دهی این امر مهم همه امکانات را به کار گرفت.
کمیته مرکزی حزب توده ایران، روز جهانی زن را به میلیون ها زن آزاده و مبارز میهن ما صمیمانه تبریک گفته و بار دیگر پایبندی خود را به مبارزات و آرمان های والای جنبش جهانی زنان برای رهایی از ستم جنسی و طبقاتی و برای دست یابی به برابری اعلام می کند. آینده و پیروزی به مبارزات مردم میهن ما در راه آزادی، رهایی از ستم طبقاتی و جنسی و حرکت به سمت تحقق عدالت اجتماعی تعلق دارد.

فرخنده باد صدمین سالگرد هشتم مارس، روز همبستگی رزمجویانه با پیکار زنان سراسر جهان!
درود آتشین به زندانیان سیاسی زن و همه زندانیان سیاسی!

کمیته مرکزی حزب توده ایران
۹ اسفندماه ۱۳۸۹

به نقل از نامه مردم شماره ۸۶۳، ۹ اسفندماه ۱۳۸۹

****

به مناسبت صدمین سالگرد روز جهانی زن نگاهی به بیش از دو قرن مبارزه زنان در جهان و ایران

روز جهانی زن امسال مصادف است با صدمین سالگرد آن در سراسر جهان. اولین سالگرد جهانی روز زن صد سال پیش، در سال ۱۹۱۱ ، برگزار شد و تا به امروز بدون وقفه ادامه داشته و هر سال نسبت به سال های گذشته با حساسیت و شکوه بیشتری برگزار می شود.

اقدام به برگزاری روز جهانی زن در عکس العمل به شرایط غیر عادلانه ای بود که به خصوص با پیدایش نظام سرمایه داری از مدت ها پیش به زنان تحمیل شده بود. یک دهه از آغاز قرن بیست و یکم گذشته است و ما اکنون شاهد دستاوردها و همچنین چالش هایی بزرگ برای زنان در عرصه جهانی بوده ایم. اینکه پیش زمینه های این دستاوردها و مبارزات چه بوده اند، موضوع مورد بحث ما ست.

انقلاب صنعتی قرن ۱۸ در انگلستان، تغییرات عظیمی را در شیوه تولید و مناسبات کار به وجود آورد. انقلاب صنعتی در سه زمینه بافندگی، زغال سنگ و ذوب آهن بیشتر نمود یافت و دو نتیجه مهم آن، گسترش استعمار اروپایی در کشورهای آسیایی و آفریقایی، و بهره کشی از کارگران در داخل بود. انقلاب صنعتی باعث تاسیس کارخانجات مختلف گردید و همین امر موجب پیدایش شهرهای جدید و به تبع آن روند مهاجرت به این شهرها برای پیدا کردن کار را پدید آورد. شهرهایی همچون منچستر و لیدز که قبل از انقلاب صنعتی در حد یک روستا بودند، در یک دوره زمانی به دو مرکز مهم تبدیل شدند. اکثریت جمعیت این شهرها را نیروی کاری تشکیل می داد که در کارخانجات جدید مشغول به کار شده بودند. به دنبال انقلاب صنعتی در انگلستان، روندی مشابه، اما با فاصله های زمانی متفاوت در دیگر کشورهای اروپایی و آمریکا، و دست آخر، در ژاپن آغاز گردید که مناسبات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی جدیدی را به همراه داشت. تضاد کار و سرمایه به تدریج در اشکال مختلف پدیدار می گردید. زوال فئودالیسم و زایش سرمایه داری، نیروی کار پراکنده در زمین های کشاورزی و صنایع دستی را در شهرهای جدید گردهم آورد. این نیروی کار علاوه بر مردان، شامل کودکان و زنان نیز می گردید. جمعیت انگلستان از سال ۱۷۰۰ تا ۱۷۴۰، شش میلیون نفر، در سال ۱۸۰۰، بیش از ۸ میلیون نفر، در سال ۱۸۵۰ نزدیک به ۱۷ میلیون و در سال ۱۹۰۰ به بیش از سی میلیون نفر رسید. نگاهی به آمار فوق به خوبی نشان می دهد که سرمایه داری برای تولید، به نیروی کار بیشتری احتیاج داشت و ورود کودکان و زنان به عرصه تولید نه بر زمینه مشارکت دادن آنان در امور اجتماعی، بلکه به دلیل استفاده از نیروی کار آنان در جهت کسب سود بیشتر بود. برای درک بهتر این وضعیت باید متذکر شد که مثلا در اواسط قرن نوزدهم در حالی که نسبت تصدی زنان در مشاغل اداری ۳ نفر زن در مقابل ۶۴ مرد بود، در همان زمان اَین نسبت در کارخانه های نساجی، ۶۳۵ زن در مقابل ۶۶۱ مرد بود. در یک زمان حتی نسبت زنان کارگر در کارخانه های نساجی بیشتر از مردان بود. نکته قابل تامل در این مورد، به سن کارگران زن مربوط می شد. ۱۶ درصد زنان کارگر را افراد زیر سن سیزده سال، ۵۱ درصد را زنان ۱۳ تا بیست سال، و ۳۳ درصد را زنان کارگر بالای ۲۱ سال تشکیل می دادند. حقوق و مزایای زنان کارگر نسبت به مردان بسیار پایین تر بود. اگر توجه داشته باشیم که میزان دستمزد کارگران مرد هم حتی متناسب با کار طاقت فرسای آنان نبود ، آنگاه به ستم خشنی که بر زنان می رفته است به خوبی می توان پی برد. شیوه مرسوم در تعیین دستمزد زنان کارگر بر حسب سن آنان وضع می گردید و هر چقدر کارگر سن کمتری داشت، میزان دستمزد کمتری دریافت می کرد. میزان دستمزد زنان سی ساله که بیشترین دستمزد را در بین زنان کارگر دریافت می کردند، یک سوم کمتر از مردان بود. اینکه در آمارهای موجود تعداد زنان کارگر زیر بیست سال به مراتب بیشتر است، دلیل آن را باید در رابطه با میزان دستمزدها پیدا کرد. در واقع امر با به کار گرفتن کودکان و زنان زیر بیست سال، سود بیشتر از حاصل کار کارگران نصیب سرمایه داران می گردید. توجه دوباره به این موضوع چهره کریه سرمایه داری را به خوبی عیان می سازد.



افزایش کارگران زن در قرن نوزدهم و عدم تحمل شرایط کار طاقت فرسا و غیر انسانی همراه با دستمزدهای ناچیز، ناآرامی های بسیاری را موجب شد که زنان در آن نقش برجسته ای ایفا می کردند. در تظاهرات و ناآرامی های متعددی که در قرن نوزدهم به ثبت رسیده است، حضور زنان همگام با کارگران مرد و در مقطع های متفاوت حضور مستقل خود زنان در تظاهرات به هیچ وجه تصادفی و از سر اتفاق نبوده است. شرایط عینی حاکم بر ضد زنان که در عرصه کاری و خانوادگی زیر فشار قرار گرفته بودند، زمینه های پیدایش حرکت ها و جنبش هایی را موجب گردید که به تدریج خواسته های زنان نیز در آن ها گنجانده شد. به عنوان مثال، شرایط زنان کارگر در آمریکا قابل توجه است. زنان کارگر در اوایل قرن نوزدهم باید روزانه تا ۱۷ ساعت کار می کردند. حقوق آنان بیش از ۲ دلار در هفته نبود. هر گونه اعتراض به شرایط کاری باعث اخراج آنان می گردید. محیط های کاری، تاریک و نمور، سرد و غیر بهداشتی، همراه با گرد و غبار بود که بیماری های بسیار سخت را موجب می شد. وجود چنین زمینه هایی، فکر ایجاد اتحادیه های کارگری را برای زنان هر چه بیشتر تقویت کرد. ظهور اولین اتحادیه های کارگری زنان در آمریکا به دهه ۱۸۲۰ بر می گردد. در تاثیر وجودی این مهم همین بس که این اتحادیه ها توانست دستمزد کارگران عضو را دو برابر بیشتر از کارگران غیر عضو بکند. اعتصاب های گوناگون با نتایج متفاوت در قرن نوزدهم در جهت ایجاد شرایط بهتر کاری برای زنان به وقوع پیوست. دو اتفاق مهم در قرن نوزدهم در آمریکا که هر دو در ارتباط با محیط های کاری و کارگری بود و نشان دهنده سبعیت نظام سرمایه داری نسبت به نیروی کار بود، نقطه عطف های تاریخی یی را موجب شد که هنوز در حکم دو سنت تاریخی زحمتکشان هر ساله سالروزشان برگزار می شود. سرکوب کارگران شیکاگو در سال ۱۸۸۶، که بعدها به نام روز جهانی کارگر نام گذاری شد، و اعتراضات کارگری ۸ مارس ۱۸۵۷ در نیویورک که در آن کارگران خواستار ۱۰ ساعت کار و حقوق متساوی برای زنان بودند، که با نام روز جهانی زن، هر ساله برگزار می شود. جنبش های زنان در اروپا هم نقطه عطف تحولاتی

گردید که تاثیرات خویش را به نحوی در حرکت های بعدی زنان به روشنی نمایان ساخت. در سال ۱۸۴۸، خیزش توده ها بر ضد پادشاهی پروس، حکومت وقت را مجبور ساخت تا برای مهار توده ها، خواسته های آنان را بپذیرد. هر چند پذیرش این خواسته ها پس از فروکش کردن ناآرامی ها تحقق نیافت، اما نکته قابل توجه در این خواسته ها، گنجاندن احقاق حقوق زنان بود. دولت پروس به دلیل همین فشارها مجبور گردید که حق رای برای زنان را قبول کند، حقی که بعد از فروکش کردن ناآرامی ها دیگر مورد توجه حکومت وقت قرار نگرفت. قبول این خواسته در آن مقطع، به دلیل حضور گسترده زنان در این تظاهرات بود. همین حضور گسترده باعث گردید که دو سال اول روز جهانی زن در سال های ۱۹۱۱ و ۱۹۱۲، به جای ۸ مارس روز نوزدهم مارس برگزار گردد. در انگلستان در سال ۱۸۸۸ تعداد اعضای اتحادیه های کارگری ۷۵۰ هزار نفر ثبت شده است، اما این رقم در سال ۱۹۱۸ به شش میلیون و پانصد هزار نفر رسید. افزایش حضور زنان در کارخانه ها و شرکت در مبارزات کارگری یکی از دلایل افزایش اعضای اتحادیه های کارگری در انگلستان قلمداد می شود.



بررغم پیروزی های مقطعی در اینجا و آنجا، به طور کلی تغییرات کیفی یی را به نفع وضعیت کارگران زن موجب نشد، و نظام سرمایه داری بنا بر ماهیت وجودی اش، هرگونه اعتراض و مقاومت را با حیله های مختلف و ترفندهای گوناگون سرکوب می کرد. سرمایه داری به واسطه قدرت مالی و در اختیار داشتن دولت و ارگان های سرکوب، بارها و بارها جنایت های بی شماری برضد معترضان به مرحله اجرا درآورد و این لکه های سیاه ننگ در اقدام به ضد زحمتکشان هنوز هم بعد از سال های طولانی از ذهن زحمتکشان پاک نشده اند. اعتصاب زنان کارگر در نیویورک در ۱۹۰۹، که در آن بیست تا سی هزار نفر شرکت کردند و به مدت ۱۳ هفته در هوای سرد زمستانی ادامه داشت، با سرکوب شدید پلیس همراه بود. در جریان محاکمه اعتصاب کنندگان در دادگاه، قاضی منصوب از سوی سرمایه داران خطاب به کارگران اعلام کرد که، اعتصاب آنان در مقابل خدا است و نان آنان بایستی از عرق جبین به دست آید. یک سال پس از اعتصاب مذکور، آتش سوزی مهیبی در همان محل اتفاق افتاد. ۱۴۶ کارگر که بیشتر آنها را زنان مهاجر و زحمتکش یهودی و لهستانی ۱۶ تا بیست ساله تشکیل می دادند ، جان باختند. علت اصلی چنین تلفات گسترده ای به این دلیل بود که اقدامات ایمنی لازم به منظور فرار از ساختمان در موارد اضطراری ایجاد نشده بود. دادگاه در جریان محاکمه صاحبان کارخانه یکی از آنان را به ۲۰ دلار جریمه محکوم کرد و بابت هر کشته ۷۵ دلار به بازماندگان قربانیان داده شد. مروری بر حادثه های محیط کارگری و وضعیتی که در آن جان انسان ها به پشیزی نمی ارزد، حتی در دوران معاصر، که در آن این گونه حوادث به وفور اتفاق می افتد، ماهیت سرمایه داری را که بر کسب هر چه بیشتر سود مبتنی است ثابت کرده است. به جرات می توان گفت که وضعیت زنان در آمریکا یکی از غیر انسانی ترین و وحشتناک ترین وضعیت های موجود در نظام سرمایه داری بود. وجود چنین شرایطی برای زنان بار دیگر ضرورت برپایی مراسمی بین المللی به منظور بزرگداشت زنان را بیش از پیش برجسته می ساخت.

جنبش زنان و سوسیالیسم

همزمان با مبارزات زنان در عرصه های گوناگون، در نیمه دوم قرن نوزدهم، ما شاهد رشد افکار ضد سرمایه داری و برابری طلبانه در بین هواداران زحمتکشان هستیم. نظریات مارکس و انگلس و انتشار مانیفست کمونیست، فعالان طرفدار سوسیالیسم را در صف مقدم مدافعان زحمتکشان قرار داد. کلاراتسکین در سال ۱۸۵۷ متولد شد. در جریان تحصیلاتش در لایپزیک به سوسیالیسم تمایل پیدا کرد. در سال ۱۸۸۱ به حزب سوسیال دموکرات پیوست و در سال ۱۸۹۱ به سردبیری نشریه حزب به نام برابری منصوب گردید که به مسایل زنان اختصاص داشت. از کارآیی او در این عرصه همین بس که تیراژ نشریه برابری از یازده هزار در ۱۹۰۳ به ۶۷ هزار در سال ۱۹۰۶ افزایش پیدا کرد. کلاراتسکین در طول تمامی این دوران، مبارزه بی وقفه خویش را برای احقاق حقوق زنان ادامه می داد. در سال ۱۹۱۰، دومین کنفرانس زنان سوسیالیست در کپنهاگ به پیشنهاد کلاراتسکین، تعیین روزی بین المللی به منظور بزرگداشت زنان را در دستور کار قرار داد و به تصویب اعضا رسید. ۱۹ مارس ۱۹۱۱ تظاهرات عظیمی در آلمان، اتریش، سویس و دانمارک با حضور گسترده زنان برگزار شد و لرزه بر اندام حکومتیان انداخت. فقط در اتریش تعداد تظاهر کنندگان به ۳۰ هزار نفر می رسید.

تظاهرات مزبور با حمله نیروهای پلیس و ضرب و شتم زنان همراه بود. چند سال پس از اولین سالگرد روز جهانی زن، آتش جنگ جهانی اول بین قدرت های امپریالیستی شعله ور گردید. جنگ های خانمان برانداز، تاثیری مستقیم بر زندگی زنان بر جا می گذارد و وضعیت آنان را هر چه بیشتر به وخامت سوق می داد. در این دوران ما شاهد حضور گسترده زنان در تظاهرات مختلف ضد جنگ هستیم که تاثیراتی عظیم در روندهای سیاسی بر جای گذاشت. کلاراتسکین در جریان جنگ جهانی اول به دلیل حمایت حزبش از جنگ به همراه روزا لوکزامبورگ و کارل لیبکنشت از حزب سوسیال دمکرات جدا گردید و جنبش ضد جنگ را سازمان دهی کرد. در ۱۹۱۵ کنفرانس بین المللی زنان بر ضد جنگ را در برلین سازمان دهی کرد و در ۱۹۱۹ به حزب کمونیست آلمان پیوست. در ۱۹۳۲ نماینده مجلس در رایشتاگ شد و با روی کار آمدن هیتلر و ممنوعیت حزب کمونیست و سرکوب آن به مسکو رفت و در ۱۹۳۳ همانجا درگذشت.

تظاهرات زنان کارگر در پتروگراد بر ضد گرسنگی و جنگ و تزاریسم، بانگ آغازین انقلاب کبیر اکتبر بود. زنان در اعتراض به کشته شدن دو میلیون سرباز و بر ضد فقر و گرسنگی تظاهرات عظیمی برپاکردند. ۸ مارس ۱۹۱۷ به یک روز فراموش نشدنی در تاریخ انقلاب روسیه تبدیل شد. کوتاه مدتی پس از این تظاهرات تزار از قدرت برکنار و انقلاب کبیر اکتبر به پیروزی رسید.

زنان در دهه ۱۹۳۰ مبارزات خویش را با فاشسیم رو به رشد و بر ضد

آن گره زدند، و در اسپانیا، ایتالیا و آلمان مبارزات شورانگیزی را به ثبت رساند. جنگ آمریکا بر ضد ویتنام علاوه بر برانگیختن خشم افکار عمومی در تمامی جهان، در داخل خود آمریکا نیز چالش های جدی یی را برای دولت مندان آمریکایی به همراه داشت. در تظاهرات هشتم مارس ۱۹۶۸ در دانشگاه برکلی زنان بار دیگر خشم خویش را بر ضد هر گونه جنگی اعلام کردند.
یکی از عرصه هایی که زنان در آن مبارزه یی پیگیر را دنبال کردند حق رای دادن بود. بجز کشورهای سابق سوسیالیستی و کشورهایی که هم اکنون با سیستم سوسیالیستی اداره می شوند بقیه حکومت ها بدون فشار و مبارزه زنان و هواداران آنان حاضر نشدند داوطلبانه این حق را به زنان اعطا کنند. حکومت های مذکور به این دلیل با این امر مخالفت کرده و می کنند که اصولا با روندی که بر مبنای آن زنان بتوانند نقشی تعیین کننده در سرنوشت خویش ایفا کنند شدیدا ضدیت دارند. اولین کشوری که به زنان حق رای داد نیوزلند در ۱۸۹۳ بود. در انگلستان سال ۱۹۲۸ حق رای کامل به زنان اعطا شد. زنان ایتالیا در ۱۹۴۶ و پس از شکست فاشیسم این حق را به دست آوردند. در استرالیا حق رای زنان در ۱۹۰۲ به اجرا درآمد، اما بومیان اصلی این کشور را تا ۱۹۶۷ از این حق محروم کرد. در کانادا در ۱۹۵۰ این حق به زنان داده شد. نروژ در ۱۹۱۳ و سوئد و آلمان در ۱۹۱۸ ، و ژاپن در ۱۹۴۵ به این مهم وادار شدند. حق رای برای زنان در آمریکا در ۱۹۲۰ برای تمامی ایالات کامل شد، اما به زنان سرخپوست و بومیان اصلی این حق داده نشد. نگاهی به آمارهای فوق نشان می دهد که بسیاری از کشورهای سرمایه داری که هم اکنون داعیه حمایت از حقوق زنان را دارند سال ها و یا حتی چند دهه بعد از انقلاب کبیر اکتبر دارا بودن حق رای زنان را مجبور شدند بپذیرند. اکثر کشورهای افریقایی در دهه های ۵۰ و ۶۰ میلادی این مهم را به اجرا درآوردند. این دوران همزمان با رشد و گسترش جنبش های ضد استعماری است که به استقلال بسیاری از کشورها منجر گردید. نکته قابل تامل به کشورهای عربی حوزه خلیج فارس و خاورمیانه مربوط می گردد که احکام و سنت های اسلامی در آن به طرق گوناگون جریان داشته و دارد و مشخصه اصلی آن زن ستیزی کامل است. اعطای حق رای به زنان در این کشورها یا به چندین سال گذشته مربوط می شود و یا اینکه مدت زیادی از آن نمی گذرد. زنان اردن در ۱۹۷۴ این حق را به دست آوردند. قطر در ۱۹۹۷ ، بحرین در ۲۰۰۱ ، عمان در ۲۰۰۳ ، کویت در ۲۰۰۵ ، و امارات متحده عربی در ۲۰۰۶ ، یعنی ۵ سال پیش مجبور گردیدند این حق را به زنان بدهند. هر چند اصولا در عربستان سیستم انتخاباتی یی وجود ندارد و فقط در سال ۲۰۰۵ مجلسی فرمایشی که تنها ۵۰ درصد آن به اصطلاح انتخابی بودند تشکیل شد، با همه اینها، تنها کشوری است در دنیا که هنوز این حق را از زنان دریغ داشته است. زنان در این کشور از حق مسافرت به طور تنها محرومند و حق رانندگی کردن را هم ندارند. عربستان سعودی تنها کشور در دنیا ست که سینما نیز در آن وجود ندارد و سینما در آن ممنوع است.

مبارزات زنان ایران

یکی از شورانگیز ترین صحنه های مبارزه زنان در بین جنبش های اجتماعی جهان مربوط به میهنمان ایران است. سابقه این جنبش ها عمدتا به انقلاب مشروطه بر می گردد. اگر بخواهیم به نکته برجسته ای در رابطه با مبارزه زنان قبل از انقلاب مشروطه توجه کنیم باید به طاهره قره العین اشاره کنیم. وی که در یک خانواده روحانی به دنیا آمده بود توانست تحصیلات عالی را نزد پدر و مادر خود که هر دو مجتهد بودند به انجام رساند. این اعتقاد وجود دارد که وی نه تنها شعر و نثر را استادانه می نگاشت، بلکه در نظریه پردازی سیاسی نیز پیشتاز بوده است. گرایش او به جنبش بابیه و سخنرانی در میان طرفداران باب در ''بدشت'' همزمان با محاکمه باب و بدون روبنده، از او یک چهره انقلابی که به تساوی حقوق زن و مرد معتقد بود ساخته است. چنین حضور جسورانه ای منجر به دستگیری و سپس قتل فجیع او گردید. توجه به زمینه های عینی یی که طاهره قره العین در آن رشد کرد نشان می دهد که توجه به سواد و سوادآموزی برای زنان تا چه حد در مشارکت آنان در امور اجتماعی می تواند موثر باشد. این همان نقطه کلیدی یی است که روحانیون هم در گذشته و هم در حال حاضر با حساسیت با آن برخورد می کنند و تمامی توان خویش را به کار برده و می برند تا زنان از پیشرفت تحصیلی که تاثیری مهم بر افکار و رشد اندیشه های آنان دارد، جلوگیری کنند. چندین دهه پس از قتل طاهره قره العین میراث وی که همان اندیشه های ترقی خواهانه بود به شکلی دیگر در انقلاب مشروطیت تجلی یافت. حضور گسترده زنان در انقلاب مشروطیت و تاثیرات مهمی که این حضور در سال های بعد داشت نقشی بسیار ارزنده در مبارزات زنان به همراه داشت. در جریان انقلاب مشروطیت انجمن هایی تشکیل گردید که در آن چهره های برجسته ای از زنان در آن به نقش آفرینی پرداختند. فعالیت این زنان و انجمن ها تا سال ۱۳۱۲ ادامه داشت و در این سال تقریبا هیچ انجمن مستقلی در ایران که بتواند برای زنان فعالیت کند وجود نداشت. به دستور رضا خان تمامی این انجمن ها منحل و اجازه فعالیت از آنها سلب گردید. اگر بگوییم رضا خان و محمدرضا پهلوی در طول بیش از پنج دهه حکومت ننگین شان زمینه ساز وضعیتی گردیدند که هم اکنون زنان میهن با روی کار آمدن رژیم ولایت فقیه با آن مواجه اند، سخنی به اغراق نگفته ایم. دیکتاتوری رضا خان در طول دوران حکومتش اقدام به انجام برنامه هایی کرد که نه تنها به پیشرفت زنان کمکی نکرد، بلکه موجب پس رفت هایی هم در این زمینه گردید. حتی در زمان حاضر هم بسیاری هستند که کشف حجاب رضا خان را در حکم اقدامی مترقی مورد ستایش قرار می دهند. اجبار کردن زنان به برداشتن چادر، عملا تعداد بسیار زیادی از زنان را خانه نشین کرد و از مشارکت در امور اجتماعی حتی در همان سطح محدود هم باز داشت. تغییرات عمیق اجتماعی به شیوه دستور از بالا و بدون توجه به واقعیت های فرهنگی و اجتماعی و باورهای مذهبی یی که بر اثر نفوذ روحانیون مرتجع بر جامعه ایران در صد سال پیش سیطره داشت، نمی توانست تاثیری مثبت بر جا بگذارد. رژیمی که تمامی نشریات و انجمن های مستقل زنان را منحل کرده بود و امکان رشد آگاهی و مشارکت زنان را به صفر رسانده بود نمی توانست ادعای طرفداری از زنان را داشته باشد. رژیم دیکتاتوری رضا خان برای خالی نبودن عریضه، تشکیلاتی را با نام کانون زنان به راه انداخت که تنها در چارچوب سیاست های دربار فعالیت می کرد. فعالیت این کانون پیرامون مسایلی همچون خانه داری، بچه داری و امور آشپزی برای زنان بود. تعداد اعضای آن قبل از سقوط رضا خان به ۶۰ نفر رسیده بود که قاعدتا می باید وابستگان به دربار باشند. محمدرضا پهلوی در کتاب ''ماموریت برای وطنم'' درباره پدرش می گوید که رضا خان معتقد بود که وظیفه اصلی زن خانه داری و بچه داری است، اما اگر بتواند درس بخواند و کار هم بکند بهتر است. اگر به این اعتراف، این واقعیت را هم اضافه کنیم که رضا خان همزمان سه زن داشت، می توان به ادعاهای کسانی که براین طبل میان تهی می کوبند پی برد. شادروان رفیق احسان طبری در کتاب ''جامعه ایران در دوران رضا شاه'' به روشنی می گوید: ''سردمداران کشور از آغاز قرن نوزدهم تا امروز به اصطلاح کرنا را از سر گشادش می زنند و تمدن را با گره کروات و رقص تانگو و کارد و چنگال و دست دادن و شاپو برداشتن و امثال آن یکسان می گیرند. وادار کردن دهقان ایرانی که حتما کلاه نمدی

خود را به کپی بی قواره تبدیل کند و یا کشیدن چادر نماز از سر پیرزنان در میدان های عمومی و ده ها اقدام خشن از این نوع، در دوران رضا شاه، در حالی که یک مبارزه جدی با بیسوادی، تریاک، امراض عمومی به عمل نمی آمد و یا حتی در تهران آب لوله کشی نشد، نمودار روشن این گمراهی است.'' جامعه ایرانی به خصوص زنان ایرانی باید بسیار خوش شانس بوده باشند که فاشیسم شکست خورد، در غیر این صورت تفکری که علاقه وافری به فاشیسم هیتلری پیدا کرده و همین امر هم باعث خلع او از قدرت از سوی اربابانش گردید، می توانست صدمات زیان باری را متوجه جامعه ایران، به خصوص زنان سازد. تفکر فاشیستی هیچ گونه پیوندی با اندیشه های مترقی نسبت به زنان ندارد. سقوط رضاخان گرچه توانست فضای تنفسی یی را برای زنان تا مقطع کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ تا حدودی به وجود آورد، اما وضعیت پس از این کودتای ننگین برای زنان باز به نقطه سابق برگشت. همزمان با سرکوب نیروهای سیاسی و مترقی و انحلال تشکل های مستقل و مردمی، تشکیلات موجود برای زنان نیز به همان سرنوشت دچار شد. تنها تشکل در طول این دوران، سازمان زنان ایران بود که ریاست آن را اشرف پهلوی خواهر محمد رضا به عهده داشت. اشرف پهلوی یکی از فاسد ترین اعضای خانواده سلطنتی بود که بعد از کودتای ۲۸ مرداد شخصا در قتل کریم پور شیرازی دخالت مستقیم داشت. محمد رضا در گذشته، و وابستگانش هم اکنون، که عمدتا در خارج از کشور بسر می برند، سعی دارند با توجه به اوضاع بد زنان در رژیم ولایت فقیه این توهم را دامن بزنند که در دوران پهلوی اقدامات بایسته ای به نفع زنان صورت گرفته است، که به عنوان نمونه می توان به تصویب قانون خانواده در آن دوران اشاره داشت. آنها ادعا می کنند که در دوران محمد رضا شاه زنان توانستند وارد دانشگاه شوند و از امکانات تحصیلی بهره مند شوند. طبق آمارهای موجود در ۱۳۴۴ آمار مردان باسواد ۱/ ۳۰ درصد و زنان باسواد ۹/ ۱۷ درصد بوده است. این آمار در ۱۳۵۴ برای مردان ۹/ ۵۸ و برای زنان ۵/ ۳۵ درصد اعلام شده است. در سال ۱۳۵۴ میزان با سوادان زن در مناطق شهری ۶/ ۵۵ و در مناطق روستایی ۳/ ۲۶ ثبت شده است. به عبارت دیگر، پس از ۵ دهه حکومت نه تنها بیسوادی ریشه کن نگردید، بلکه میزان این بیسوادی در بین زنان ارقام وحشتناکی را نشان می دهد. نزدیک به ۶۵ درصد زنان فاقد تحصیلات و سواد بوده اند. خاندان پهلوی با یک سری اقدامات نمایشی، همان طور که رفیق طبری به خوبی به آن اشاره داشته، سعی داشت واقعیت های موجود در رژیم فاسدش را کتمان کند. در مورد زنان شاغل هم همین وضعیت وجود دارد. تعداد زنان شاغل در سال ۱۳۳۴ کمی بیش از ۹ درصد ثبت شده است. در سال ۱۳۴۹ این آمار ۵/ ۱۲ درصد است. یعنی پس از ۱۵ سال کمتر از ۳ درصد افزایش برای اشتغال زنان را ما شاهد هستیم. رژیم شاه با گماردن چهره های وفادار به خویش قصد داشت تصور ایرانی مدرن را در نزد جهانیان به نمایش بگذارد بدون اینکه زمینه های واقعی مشارکت زنان را اصولا فراهم آورد. این ترفند در قانون حمایت از خانواده نیز مشهود است. بررغم اینکه قانون مزبور دارای موادی بود که برای زنان حقوق بیشتری را در نظر گرفته بود، اما با توجه به واقعیت های اجتماعی عملا ناکارا بودند. بر طبق آمار موجود در سال ۱۳۵۴ نزدیک به ۵۰ درصد زنان قبل از سن ۱۷ سالگی ازدواج می کردند و ۵۰ درصد مابقی حداکثر تا سن ۲۰ سالگی ازدواج کرده بودند. مسلما این موارد سنی در مناطق روستایی بسیار پایین تر می بود. همین آمار پایین اشتغال زنان وابستگی اقتصادی به شوهر را باعث می شد. و آمار پایین سن ازدواج مانعی برای زنان جهت مشارکت در امور اجتماعی پدید می آورد. به این ترتیب زنی که از نظر اقتصادی به شوهر وابسته است حتی اگر حق طلاق به او داده شود عملا قادر نیست از آن استفاده کند . با وجود اینکه در قانون مزبور حق ازدواج دوباره مردان ممنوع شده بود، اما ما عملا شاهد موارد زیادی بودیم که مردان با چند زن زندگی می کردند. وقتی قدرت اقتصادی از زن سلب می شود قانون هر چقدر هم مترقی باشد عملا بی مصرف می شود. خاندان پهلوی در طول دوران حکومت ننگین شان میراثی را بر جای گذاشتند که حاکمان کنونی توانستند با استفاده از عقب ماندگی آن ضربات جبران ناپذیری را به جامعه زنان ایران وارد سازند. اما همین امر باعث گردید که جهان در طول دو سه دهه گذشته شاهد زایش یکی از نیرومندترین جنبش های اجتماعی تاریخ معاصر باشد. اگر بگوییم جنبش زنان ایران در دوران کنونی یکی از آگاه ترین، مبارزترین و تعیین کننده ترین جنبش های اجتماعی در ایران و حتی در منطقه خاورمیانه است سخنی به گزاف نگفته ایم. مبارزه شورانگیزی که فعالان مرتبط با این جنبش در طول سال های گذشته به ثبت رسانده اند بدون شک می تواند راهنمای دیگر مبارزان قرار گیرد. با توجه به وضعیت منطقه خاورمیانه که در آن مرتجعان اسلامی هر روز به قدرت نمایی می پردازند، چالش هایی بزرگ پیشاروی زنان این منطقه قرار دارد. دستاوردها، مبارزات و تجربیات زنان ایَرانی در مواجهه با رژیم ولایت فقیه و برای رهایی از قوانین ضد انسانی و زن ستیزانه، می تواند راهنمای عمل و چراغ راهی برای جنبش های آتی در دیگر کشورهای منطقه باشد. در صدمین سالگرد روز جهانی زن ما هنوز چالش هایی بزرگ را در برابر زنان شاهدیم. نظام سرمایه داری که با جان سختی در نهایت مجبور گردید به خواسته های زنان تن دردهد، مذبوحانه در صدد است حاصل تمامی این مبارزات را به نفع خویش مصادره کند و این طور وانمود کند که نظام سرمایه داری ماهیتا با آزادی و تساوی زن موافقت دارد. تجربه تاریخی گویا خلاف این را ثابت می کند. در کشورهای اسلامی زنان با هیولایی مواجه اند که نمونه بارز آن طالبان و رژیم حاکم در ایران اند. زنان محروم در پاکستان و هند و بنگلادش برای تامین معاش خویش باید در شرایطی به کار بپردازند که مشابه شرایط کاری در قرون ۱۸ و ۱۹ در اروپا و آمریکا است. زنان افریقایی علاوه بر محرومیت های اجتماعی باید هزینه صدمات زیانبار جنگ های داخلی و حکومت های فاسد در این قاره را به طرق گوناگون بپردازند. در حالی که ایدز در تمامی دنیا معضل هایی را به وجود آورده است اما در قاره افریقا این معضل ها به مقیاس فاجعه یی عظیم در برابر زنان گسترده شده و هر روز جان بسیاری را می گیرد. خشونت خانوادگی و ضرب و شتم زنان حتی در جامعه های پیشرفته هنوز همچون معضلی همچنان باقی است. همین موارد به خوبی نشان می دهد که مبارزه برای حقوق زنان پایان نیافته و جنبش جهانی چالش هایی بسیار در پیش رو دارد. با وجود تمامی این مصایب، با توجه به فن آوری های جدید که امکان ارتباط فعالان مدنی را بیش از پیش آسان می سازد باید امیدوار بود که در سایه همکاری های بین المللی بتوان نیروی عظیم اجتماعی یی را به منظور تحقق این خواسته ها و عدالت اجتماعی در تمامی کشورها به نفع زنان بر پا داشت. صدمین سالگرد روز جهانی زن بر زنان میهنمان و تمامی زنان در سراسر جهان مبارک باد.

****

شمه ای از تاریخ جنبش زنان کرد در ایران

هرچند که نخستین تشکل زنان کرد در سال ۱۳۲۴ توسط «مینا»خانم، همسر رهبر جنبش ملی کردستان قاضی محمد در مهاباد ایجاد گردید. اما این تشکیلات که با عنوان «اتحادیه دمکراتیک زنان کردستان» اعلام موجودیت کرده بود را نمی توان و نباید نتیجه مبارزات زنان کرد و نشانه ای از آغاز جنبش مستقل زنان کرد به شمار آورد، چون این تشکل در واقع از جانب حزب دمکرات کردستان ایران، که در آن زمان تازه تشکیل حکومت ملی کردستان را در مهاباد اعلام کرده بود، به منظور بسیج زنان برای حمایت از حکومت نوپای کردستان ایجاد گردیده بود.

با این وصف، حکومت ملی کردستان بنابر ماهیت مردمی و مترقی خود در مدت کوتاه حکمرانی خود (۱۱ ماه) برخی حقوق اولیه سیاسی و اجتماعی از جمله «حق رای» و حق تحصیل را برای زنان کردستان به رسمیت شناخت و تلاش هایی نیز برای افزایش نقش اجتماعی آنان و مشارکت در عرصه فعالیت های سیاسی زنان به عمل آورد که البته به دلایلی چند عملاً برای زنان کرد موفقیتی درپی نداشت.

با سقوط زودهنگام حکومت ملی کردستان و غیرقانونی اعلام شدن فعالیت حزب دمکرات کردستان و «اتحادیه دمکراتیک زنان کردستان» زنان کردستان بار دیگر در بی حقوقی مضاعف با بقیه زنان ایران «برابر» شدند و همان اندک حقوقی را هم که حکومت ملی کردستان به آنان اعطا کرده بود، بار دیگر از دست دادند.

از آن پس تا واپسین ماه های حکومت ستمشاهی علیرغم اینکه تحت تاثیر تحولات سراسری ایران، جامعه به شدت عقب مانده و سنتی کردستان نیز، تغییرات اجتناب ناپذیری به خود دید، جایگاه زنان کرد در جامعه ، به بخصوص در مناطق روستایی همچنان با همان مشکلات و تبعیضاتی روبرو بودند که خواهران و هم جنسانشان در قرون گذشته با آن دست و پنجه نرم می کردند.

با این وصف جایگاه و موقعیت اجتماعی زنان در مناطق شهری، به ویژه در شهرهای بزرگی همچون سنندج اندک پیشرفتی به خود دیده بود و در این شهر و برخی شهرهای دیگر، به تدریج شمار زنانی که امکان تحصیل در مدارج عالی و اشتغال در ادارات دولتی را یافته بودند، روبه افزایش نهاد.

اما این زنان نیز، که به طور عمده از میان قشر مرفه، علی الخصوص قشر مالکین (فئودال)های روستایی برخواسته بودند.

علاقه ای به مشارکت در فعالیت های اجتماعی از خود نشان نمی داد و نسبت به جنبش های زنان بیگانه بودند.

با آغاز دیرهنگام اعتراضات وسیع مردمی در مناطق کردستان، برعلیه رژیم ستمشاهی، زنان شهری نیز ابتدا به طور محدود و سپس به شیوه ای چشمگیر، پابه پای مردان به خیابانها ریختند و در اعتراضات مردمی خودنمایی کردند.

با سقوط رژیم پهلوی و در مدت حاکمیت عملی احزاب سیاسی – مسلح کرد بر کردستان نیز که ۲- ۳ سال به طول انجامید، علیرغم فضای نسبتا بازی که وجود داشت، به دلایلی چند زنان کرد همچنان از ایجاد تشکیلات ویژه خود محروم ماندند.

البته تا این زمان، زنان کرد روشنفکری بودند که در صفوف تشکیلات دمکراتیک زنان ایران، فعالیت کرد. و تجربیات گرانبهایی آموخته بودند. بویژه زنان کرد ساکن مرکز و شهرهای بزرگ ایران.

نخستین نهادهای مستقل زنان در سالهای نیمه دوم دوره اول ریاست جمهوری خاتمی در سنندج و برخی دیگر از شهرهای کردستان از جمله مریوان و بانه در قالب (NGo) ها که اغلب در ارتباط مستقیم با تشکلات مشابه به ویژه در تهران بودند و از لحاظ شیوه فعالیت نیز نجربیات و سنت های مردمی تشکلات مذکور را مد مدنظر داشتند شکل گرفتند. به همین دلیل دستکم در سالهای اولیه شروع به فعالیت خود توانستند در میان عامه زنان جایگاه و نفوذ خوبی بهم رسانند.

برگزاری کلاس ها و دوره های تخصصی در زمینه شناخت حقوق زنان، حقوق بشر، حقوق کودکان و همچنین دایر کردن دوره هایی برای آموزش و یا ارتقای تواناییها و مهارت های حرفه ای در زمینه های کامپوتر، خیاطی، روزنامه نگاری و غیره را می توان از نکات درخشان و موثر فعالیت های تشکلات نوپای زنان کردستان طی این سالها به شمار آورد.

در اردیبهشت ماه ۱۳۸۴ به همت خانمها ثریا عزیزپناه و رویا طلوعی اولین نشریه ویژه زنان کرد با عنوان «راسان» در سنندج شروع به انتشار نمود.

نشریه راسان که به دو زبان کردی و فارسی انتشار می یافت،به زودی تبدیل به محوری برای ارتباط و همفکری هرچه بیشتر تشکلات پراکنده زنان در سطح کردستان گردید. این نشریه در مدت کوتاه فعالیت خود، به گسترش ارتباطات نهادهای زنان کرد با تشکلات زنان در تهران و برخی شهرهای بزرگ ایران به ویژه با «کمپین یک ملیون امضا» یاری رساند. علاوه بر اینها نمی توان انکار نمود که نشریه راسان و گردانندگان آن تا حدودی توانستند فعالین زن غیرکرد را با مشکلات و خواسته های زنان کردستان، به ویژه آن دسته از خواسته ها و مشکلاتی که از ستم مذهبی و ملی ناشی می گردیدند و تا حدودی از دید زنان فعال بقیه ی مناطق ایران، پنهان مانده بود، آشنا نمایند.

در خردادماه ۱۳۸۴ در جریان تحصن زنان ایران مقابل دانشگاه تهران ، برای اولیل بار تعدادی از زنان کرد، بویژه دانشجویان دختر کرد، با تراکت نوشته هایی به زبان کردی در کنار بقیه زنان حضور یافتند، این گردهم آیی جلوه ای از اتحاد و یگانگی زنان ایران از هر قوم ، ملیت و مذهب را به نمایش گذاشت و نقش بسیار خوبی در گسترش و تقویت ارتباطات این زنان با یکدیگر ایفا نمود.



در سال ۱۳۸۴ و در جریان تشکیل همایش بین المللی زنان جهان با هدف مبارزه با فقر و خشونت علیه زنان ، زنان فعال کرد، تابلو «چهل تکه»ای را به عنوان سمبل و نماد اعلام همبستگی خود به این همایش فرستادند.

اینها و ده ها فعالیت دیگر، تنها گوشه هایی از مبارزات زنان کردستان را بنمایش می گذارد که پرداختن به تک تک آنها در حوصله این نوشتار مختصر نمی گنجد، اما بدون تردید هر گوشه از آن حاوی درس ها و تجربیات مهمی است که می تواند مورد استفاده زنان کوشنده حال و آینده کردستان و ایران قرار گیرد.

دولت کودتا و جنبش نوپا ی زنان کردستان

با روی کار آمدن دولت کودتاچی باند احمدی نژاد،همچنان که در سراسر ایران شاهد آن بودیم، انجمن ها، نهادها و نشریات مستقل کردستان نیز با تضیقات و محدودیت های روز افزونی مواجه گردیدند، ده ها تن از فعالی مدنی کرد، از حمله فعالین زن به بهانه های واهی بازداشت و روانه زندانها گردیدند، تعداد زیادی نیز به ناچار راه تبعید را در پیش گرفتند و به کردستان عراق یا بقیه کشورها گریختند. نشریه راسان از انتشار بازماند و سردبیر آن مدتی را در بازداشت به سر برد و ....
نهادهای نوپای زنان کردستان در مقابل این یورش همه جانبه در معرض تلاشی کامل قرار گرفت و تا کنون بسیاری از کادرها و فعالین جدی و مجرب خود را از دست داده است. با این وصف مبارزه و کوشش زنان کرد هنوز نیز همچنان موجودیت خود را حفظ نموده و در حال بازسازی خود در شرایط جدید است.
بدون شک مبارزه ای که آغاز شده، ادامه خواهد یافت و رژیم نامشروع ولایت فقیه هرگز موفق به در هم شکستن کامل جنبش زنان کرد نخواهد شد و این جنبش بار دیگر با استفاده از تجربیات و سنت های مبارزاتی زنان ایران بر مشکلات و تضعیقات موجود غلبه خواهد کرد و رو به گسترش و تعالی خواهد نهاد.

پیروزی در گرو مبارزه مشترک جبهه وسیع قشرها و طبقات اجتماعی است

در حالی که میر حسین موسوی و مهدی کروبی از سوی دولت کودتا در حصر خانگی قرار داشتند، انتشار منشور آنان با اصلاحاتی که در آن صورت گرفته است عمل هوشمندانه و موثری بود. این منشور ترقی خواهانه دارای مفاد مهمی است که می تواند برخی از اهداف مرحله کنونی مبارزه ضد دیکتاتوری را عملی سازد.

بیست و پنج بهمن و یکم اسفند نشان داد که بخش قابل توجه ای ازقشرها و طبقات اجتماعی شامل نیروهای پیشاهنگ آن از جمله جوانان، دانشجویان، و تحصیل کردگان به چنان درجه یی از آگاهی در مورد لزوم گذار از دیکتاتوری ولایی، به عدالت طلبی و میهن دوستی رسیده اند که حاضر به جانبازی شده اند. اما تا زمانی که این مبارزه شجاعانه به همه قشرها و طبقات اجتماعی گسترش پیدا نکرده است توازن قوا به نفع جنبش مردمی تغییر نخواهد کرد. در این ارتباط تبلیغات رژیم ولایی تلاش خواهد کرد که اعتراض ها را حرکت های پراکنده و متعلق به بخش خاصی از جامعه وانمود سازد و آن را به نزاع جناح های حکومتی که بخشی از آن ناراضی و قبلا در قدرت بوده است، تقلیل دهد. به این ترتیب نارضایتی عظیم توده های مردم و بحران همه جانبه ای را که رژیم در گیر آن است، بی اهمیت نشان دهد. در حالی که همه قشرها و طبقات اجتماعی در داخل کشور در بحران به سر می برند، و حتی بورژوازی اداری (بوروکراتیک) قدرتمند درگیر رقابت با دیگر سرمایه های کلان، در بحَران تثبیت تمام عیار موقعیت سیاسی خود به سر می برد. ولی واقعیت موجود این است که، مشکلات عمیق و بحران هایی که قشرها و طبقات اجتماعی با آن رو به رو یند مستقیما ناشی از سیاست های رژیم ولایت فقیه است، و تنها راه به جلو مبارزه و شکست دیکتاتوری ولایی است. میر حسین موسوی وَ مهدی کروبی، در مقام رهبران جنبش، تاکنون استقامت و ظرفیت های بالایی از خود نشان داده اند. بدیهی است که در مرحله کنونی با حصر خانگی و ناپدید شدن آنان، جنبش مردمی در وضعیت حساسی قرار گرفته است. در این شرایط حساس همه مبارزان و شخصیت های سیاسی و اجتماعی میهن دوست به همراه سازمان ها و حزب های شرکت کننده در جنبش مردمی، باید متوجه اهمیت تاکتیک های لازم و شعارهای دقیق به منظور بسیج قشرها و طبقات و تقویت روحیه مبارزه جویی باشند. باید توازن قوا را به نفع جنبش مردمی تغییر داد، و تاکتیک ها زمانی موثر خواهند بود که بتوانند لایه های فرودست و پائینی جامعه را نیز به حرکت در آورند. با توجه به عمق و سطح وسیع نارضایتی در جامعه باید پذیرفت که وسعت شرکت لایه های مختلف جامعه در تناسب با حجم عظیم نارضایتی ها و مشکلات عدیده مردم کشورمان نیست. از سوی دیگر مبارزات گسترده کارگران در سراسر کشور و در گیری های مستقیم آنان با نیروهای سر کوبگر دائما شدیدتر می شود. برای مثال، کارگران ایران ناسیونال، لاستیک سازی البرز، نیشکر هفت تپه، شرکت واحد اتوبوسرانی و همین طور کارگران و کارمندان بسیاری دیگر از مراکز اشتغال، با وجود غیر قانونی و خطرناک بودن فعالیت های مستقل سندیکایی، دائما در مبارزات صنفی شدید درگیرند. واقعیت این است که، هنوز این قبیل مبارزات با اعتراض ها و تظاهرات خیابانی بر ضد دیکتاتوری ولایی که لایه های مختلف زحمتکشان در آن نیز شرکت داشته باشند به صورت سازمان یافته و ارگانیک به هم پیوند نخورده اند. ادامه این مبارزات مردمی در دو مسیر و به شکل جداگانه، شدیدا نیروی بالقوه جنبش مردمی را تنزل می دهد. خیزش های موفق مردمی در تونس و مصر نشان دهنده اهمیت بسیج قشرها و طبقات مختلف توده ها است. قابل توجه است که اعتصاب های وسیع کارگران صنعتی و کارمندان دولتی یکی از عوامل کلیدی ذهنی و عینی تعیین کننده در سقوط مبارک و بن علی بود. در کشورمان بخش هایی از قشر های سازمان نیافته زحمتکشان شهری و روستا - با وجود زندگی مشقت بار زیر خط فقر- هنوز به صورت ناظران منفعل با تظاهرات و جنبش مردمی برخورد می کنند. بخشی از این قشر نیز به دلیل ناآگاهی و فقر شدید زیر تأثیر عوامفریبی و طرح های صدقه وار دولت کودتایی احمد نژاد قرار دارند. راه کشور ما به جلو از طریق گذار به مرحله دموکراتیک ملی است. از اینَ فرایند گریزی نیست، و اولین گام برای تحقق آن ایجاد یک جبهه وسیع است. توازن قوا زمانی به نفع جنبش مردمی ایران تغییر می کند که شرایط عینی و ذهنی بتواند قشرها و طبقات اجتماعی ذی نفع را به سوی مخرج مشترک های منافع آنان سوق دهد.
اعلامیه ها و نظرات اخیر رهبران جنبش و از جمله زهرا رهنورد به جوانب مشخص این مخرج مشترک ها اشاره کرده اند. کنشگران درون جنبش مردمی لازم است که با برجسته کردن نکات مشترک در راستای تلفیق خواسته های مبرم قشرهای زحمتکشان و خواسته های دموکراتیک و آزادی خواهانه، مبارزه را به سطح بالاتری ارتقاء دهند. خواسته های مادی و معنوی طبقات و قشرهای اجتماعی مانند زنان، جوانان، کارگران و لایه های زحمتکشان شهری، خرده بورژوازی و سرمایه داران تولیدی ملی و روستائیان را می توان و باید با هدف ها و شعارهای مشترک بیان کرد. قدم مهم در اینجا تبیین و به بحث گذاشتن این خواسته ها در سطح جنبش و ارائه برنامه برای سازمان دهی و تعهد به عملی کردن آنها است. بدیهی است که به همراه نقاط اشتراک، تضادهای بین طبقاتی نیز به نوبه خود جنبش مردمی را با مشکلات عینی رو به رو خواهد کرد. وظیفه تاریخی رهبری جنبش و نیروهای مترقی و میهن دوست است که

با استفاده از تجربه و همین طور درک دلایل شکست های گذشته، بر مشکل ایجاد اتحادها غلبه کنند و آن بخش هایی از جامعه را که هنوز وارد عرصه مبارزه نشده اند را در راستای مبارزه بر ضد دیکتاتوری ولایی بسیج کنند. مسئله بسیار کلیدی وضعیت موجود، مورد تهدید قرار دادن و ایجاد خطر جدی برای رهبران جنبش سبز در کنار بحران آفرینی به منظور تشدید گسترده تر سرکوب و ایجاد تشنج است. رژیم ولایی در پی ادامه تظاهرات اخیر به موازات پیامدهای خیزش های دموکراتیک منطقه، ضربات متزلزل کننده ای را متحمل شده است. یکی از گزینه های رژیم بالابردن درجه خشونت است تا جنبش مردمی را در یک رو یا رویی نهایی، زودرس و بدون رهبری به تفرقه و چند دستگی بکشانند. بدین وسیله رژیم با بحران زایی مصنوعی، به بهانه دفاع در مقابل تهدید خارجی، می خواهد با اعمال اشکال مختلف سرکوب وحشیانه و زدن اتهامات واهی به رهبران جنبش، جنبش را با شکست نهایی رو به رو سازد. بنابراین باید با در پیش گرفتن روش های گوناگون در مقابل این ترفندهای خطرناک رژیم، از رهبری و بدنه جنبش قاطعانه دفاع کرد.
حرکت و نظرات اخیر میر حسین موسوی و مهدی کروبی در مورد تظاهرات بیست و پنج بهمن دست آوردهای مثبتی برای جنبش مردمی به همراه داشت و ضربه های مشخصی را به رژیم ولایت فقیه وارد کرد. تظاهرات اخیر و اعلامیه های جسورانه موسوی و کروبی عملا تبلیغات کرکننده رژیم در مورد فروکش کامل تظاهرات و تقلیل جنبش به "فتنه گری استکبار" را با شکست رو به رو کرده است.
در حالی که میر حسین موسوی و مهدی کروبی از سوی دولت کودتا در حصر خانگی قرار داشتند، انتشار منشور آنان با اصلاحاتی که در آن صورت گرفته است عمل هوشمندانه و موثری بود. این منشور ترقی خواهانه دارای مفاد مهمی است که می تواند برخی از اهداف مرحله کنونی مبارزه ضد دیکتاتوری را عملی سازد. این منشور دارای آن چنان ظرفیت هایی است که می توان بر پایه آن ها، در راستای سازمان دهی جبهه وسیع نیروها ی اجتماعی گام هایی عملی برداشت. بحث در جهت تکامل و ترویج این منشور در سطح جنبش و مخصوصا بردن آن به میان قشرها و طبقات مختلف مردم یکی از فعالیت های بسیار مهم فراروی همه مبارزان جنبش مردمی است.

به نقل از نامه مردم شماره ۸۶۳، ۹ اسفندماه ۱۳۸۹



آزادی برای زندانیان سیاسی

موج جدید بازداشت های پیش و پس از ۲۵ بهمن ماه باردیگر ضرورت مبارزه متحد و سازمان یافته برای آزادی زندانیان سیاسی را برجسته ساخته است.

گزارشات متعددی از اوضاع ناگوار زندان ها و فشارهای غیر انسانی به زندانیان سیاسی حکایت می کند. خبرگزاری هرانا، ۲۵ بهمن ماه، در گزارشی نوشته بود: علیرضا فرزانه، از معترضان کودتای انتخاباتی، و مسعود آقایی، از فعالان ملی- مذهبی، از زندان اوین به قزل حصار انتقال داده شدند و اکنون در شرایط بسیار نامناسب و نگران کننده ای دراین زندان بسر می برند.

برخی رسانه های اینترنتی از جمله هرانا و جرس، در گزارشی دیگر، از اعمال محدودیت های تازه برای زندانیان سیاسی در زندان ارومیه خبر دادند. هرانا، ۵ بهمن ماه، آورده بود: ''دبیرخانه مجموعه فعالان حقوق بشر درایران روز گذشته با انتشار بیانیه ای ضمن محکوم کردن اعدام حسین خضری زندانی سیاسی کرد به دستگاه امنیتی هشدار داد که با فشار و خشونت در قبال زندانیان سیاسی بی دفاع، نمی تواند مانع انتشار گزارشات نقض حقوق بشر و گریز از مسئولیت اعمال خود شود.''

وضع مشابهی در زندان های تبریز، سنندج، مشهد و شیراز حاکم است. در خصوص اعمال فشار بازجویان و شکنجه گران به مبارزان در بند دراوایل بهمن ماه، جمعی از خانواده های زندانیان سیاسی با صدور بیانیه یی اعلام داشتند: ''وزارت اطلاعات که خود دستگیر کننده و شاکی زندانیان ما بوده و با اعمال نظر بر قاضیان، محکومیت های طولانی مدت را برای زندانیان ما صادر کرده، اکنون می خواهد با دخالت در کار سازمان زندان ها و قوه قضاییه بیش از پیش بر عزیزان ما فشار وارد کند و با بحران سازی در داخل بندها، فشارهای مضاعف ایجاد کرده و در امور قضایی بیشتر مداخله کند ... زندانیان بیمار و کهنسال که باید در کنار خانواده خود و درخارج از زندان درمان شوند، متاسفانه درزندان نگه داری یا به خانه های امن منتقل و در مواردی به طور غیر قانونی در قرنطینه نگهداری می شوند. ...''

قطع تلفن، بازجویی و فشار جسمی و روحی پس از صدور حکم، قطع ملاقات ها، عدم دسترسی به دارو و پزشک و مواردی از این دست طی ماه های اخیر در زندان ها و بر ضد زندانیان سیاسی رواج یافته است. وضعیت وخیم سلامتی منصور اسالو وحمله قبلی او، شرایط ناگوار جسمی دکتر ابراهیم یزدی، دبیرکل نهضت آزادی، و بیماران دیگر، از جمله نازنین خسروانی، روزنامه نگار دربند، و کیوان صمیمی، روزنامه نگار و فعال ملی، و شرایط نگران کننده جسمی پیمان عارف، از فعالان ملی، از نمونه های افشا شده محسوب می شوند. درخصوص ابراهیم یزدی، دبیرکل نهضت آزادی ایران، خانواده او اعلام داشته اند که، وضعیت جسمی او به شدت نگران کننده بوده، و حال او در زندان رو به وخامت گذاشته است. وی درخانه های امن وزارت اطلاعات نگه داری می شود. این روش ضد انسانی در طول دهه شصت و ابتدای دهه هفتاد خورشیدی در مورد زندانیان سیاسی سرشناس از جمله رهبران و مسئولان حزب ما و دیگر نیروهای ملی و مترقی به کار گرفته می شد. احساس طبری، محمود اعتماد زاده (به آذین) و نورالدین کیانوری از جمله قربانیان این روش ضد انسانی بودند.

ابراهیم یزدی درحالی به بند کشیده شده و در خانه های امن نگه داری می شود که به بیماری های متعدد ناشی از کهولت سن مبتلا است. علاوه بر این، پایگاه اطلاع رسانی نوروز، ۲۶ بهمن ماه، از انتقال مصطفی تاج زاده به مکانی نامعلوم خبر داد. فعالان حقوق بشر و دموکراسی نیز ۳۰ بهمن ماه با انتشار گزارشی نسبت به وضعیت نگران کننده برخی از زندانیان سیاسی مانند منصور اسالو، مصطفی اسکندری، ماشاالله حائری، ارژنگ داودی و شیر محمد رضایی هشدار دادند. در کنار اینان باید به دستگیری وسیع فعالان سیاسی و مردم معترض در روزهای ۲۵ بهمن و اول اسفند ماه اشاره کرد. مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی، صرف نظر از عقیده و تعلق سازمانی و سیاسی آنان، وظیفه عاجل همه حزب ها و نیروهای مترقی و آزادی خواه کشور است.



اصلاح قانون کار و مخالفت با افزایش عادلانه دستمزدها

دولت کودتا با افزایش دستمزد کارگران مخالف است

در آستانه اعلام تصمیم نهایی ''شورای عالی کار'' درخصوص تعیین حداقل دستمزدها، و پس از آنکه وزیر کار و امور اجتماعی به دفعات خواستار توقف افزایش دستمزدها شده بود، وزیر اقتصاد دولت ضد ملی احمدی نژاد با صراحت خاطر نشان ساخت که، پیشنهاد دولت جایگزینی پوشش های تامین اجتماعی به جای افزایش دستمزد کارگران است. روزنامه دنیای اقتصاد، یکشنبه ۱ اسفند ماه، در این باره گزارش داد: ''سخنگوی اقتصادی دولت خواستار عدم افزایش دستمزدها شد... شمس الدین حسینی دیروز در حاشیه سومین کنفرانس توسعه نظام تامین مالی در ایران در جمع خبرنگاران با اشاره به یکی از مشکلات مزمن اقتصاد ایران گفت، برای اینکه کارگران یا کارمندان را تحت پوشش و حمایت قرار دهیم به بهانه تورم، نرخ مزدها و حقوق را افزایش می دهیم، اما دیری نمی پاید که این موج تبدیل به موج افزایش قیمت ها می شود... بنابر این باید چرخه ها و رویه ها پایدار شوند... آنچه ما مطرح می کنیم این است که با اجرای قانون هدفمندی یارانه ها و توزیع نقدی یارانه ها، هزینه های خانوار جبران شده است. اگر به جای اینکه به سراغ افزایش دستمزدها برویم به سراغ توسعه نظام تامین اجتماعی برویم که در قانون هدفمندی یارانه ها پیش بینی شده است و حمایت هدفمند را جایگزین دستکاری نرخ ها کنیم قطعا موفقیت آمیزتر خواهد بود و انجام این کار مانند اصلاح نظام یارانه درکشور مستلزم گفت وگو، تفاهم، برقراری اشتراک نظر ودرک ضرورت ها واثر بخشی راهکارها است.''وی سپس ضمن تاکید بر نقش وزارت کار دراین زمینه، اضافه کرد: ''وزارت کار تلاش دارد که با انجمن های کارفرمایی یا نمایندگان آنها و همچنین نمایندگان کارگری به یک اتفاق نظر برسد، تنها هم به شیوه موثر و مفید و سازنده از نیروهای کار کشور، کارگران و کارمندان حمایت شود و هم اینکه ریشه های تورم که از جمله آنها مارپیچ هزینه وتورم است را بخشکانیم.''

برخلاف ادعاهای وزیر اقتصاد، آزاد سازی اقتصادی و حذف یارانه ها منجر به بهبود سطح زندگی زحمتکشان و تقویت قدرت خرید آنان نشده و نخواهد شد. توزیع نقدی یارانه ها نیز به هیچ عنوان نمی تواند جایگزین خواسته منطقی و به حق کارگران برای افزایش دستمزدها مطابق با نرخ واقعی تورم گردد. آنچه شمس الدین حسینی وزیر اقتصاد دولت احمدی نژاد مطرح می سازد، در واقع همان عمل به ماده ۱۳ طرح اولیه تحول اقتصادی و هدفمند سازی یارانه ها است. این ماده با مخالفت گسترده کارگران روبه رو شد و ارتجاع نیز درهراس از پیامدهای اجتماعی جراحی بزرگ اقتصادی آن را از متن طرح حذف کرد، اما محتوی و روح آن در کل طرح باقی ماند. فراموش نکرده ایم که قبلا محمد رضا فرزین، دبیر ستاد هدفمند کردن یارانه ها، در مصاحبه با خبرگزاری فارس با صراحت تاکید کرده بود: ''افزایش حقوق و دستمزد در دولت، هزینه های دولت را افزایش خواهد داد و در سطح حقوق های کارگری، هزینه های کارفرما و تولید را افزایش می دهد. ...''ماده ۱۳ قانون هدفمند سازی یارانه ها با صراحت اعلام می کرد که ، درراستای آزاد سازی اقتصادی افزایش حقوق و دستمزد کارگران متوقف و تمامی قوانین مغایر با این قانون (قانون هدفمند سازی) از زمان ابلاغ لغو می شود. حال همین ماده که به ظاهر حذف شده، مبنای عمل قرار گرفته و دولت کودتا عدم افزایش دستمزدها را خواستار شده است. برنامه دولت کارگر ستیز احمدی نژاد کاملا منطبق با دستور صندوق بین المللی پول و بانک جهانی است که درآن عدم افزایش دستمزدها و تغییر و اصلاح قانون کار از پی ستون های آزاد سازی اقتصادی به شمار می آیند. جایگزینی توزیع نقدی یارانه ها در لفافه توسعه تامین اجتماعی به جای افزایش حداقل دستمزدها بر پایه ماده ۴۱ قانون کار فعلی، هدف اصلی دولت احمدی نژاد در چارچوب اجرای آزاد سازی اقتصادی است. بی جهت نیست که همزمان با سخنان وزیران کار و اقتصاد پیرامون عدم افزایش دستمزدها، معاون وزیر اقتصاد و رییس سازمان سرمایه گذاری جمهوری اسلامی، طی گفت و گو با خبرگزاری مهر، ۲۹ بهمن ماه، یادآوری می کند: ''باید تمام شرایط لازم را برای سرمایه گذاران فراهم کنیم. قانون کار باید در جهت بهبود فضای کسب و کار بازنگری شود. مشکل اصلی وزارت کار دراین خصوص به بازنگری قانون کار باز می گردد، بنابر این لازم است که هر چه سریعتر قانون کار مورد بازنگری قرار گیرد. به عنوان مثال ممکن است که بنگاهی در آستانه ورشکستگی، اعلام ورشکستگی کند اما قانون اجازه اخراج کارگران را به مدیران این بنگاه نمی دهد. این در حالی است که درتمام دنیا بنگاهی که در آستانه ورشکستگی قرار دارد، می تواند نیروهای خود را اخراج کند. سرمایه هم دراختیار کار آفرینان و سرمایه گذاران است، ما باید تمام شرایط لازم را فراهم کنیم.''



چنین استدلالی به خوبی ماهیت دولتی را آشکار می سازد که با عوام فریبی خود را ''مدافع محرومان'' و ''عدالت محور'' معرفی کرده و می کند. دولت احمدی نژاد در چارچوب حمایت از منافع کلان سرمایه داران و لایه های انگلی طبقه سرمایه دار ایران ادعا می کند که، تورم ناشی از حذف یارانه ها با توزیع نقدی یارانه ها جبران می گردد، و بنابراین افزایش نرخ تورم نباید مبنای تعیین حداقل دستمزدها قرار گیرد! مسبب افزایش تورم، جهش قیمت ها، ورشکستگی واحدهای تولیدی- خدماتی و اوضاع ناگوار حاکم بر اقتصاد کشور، نه کارگران و افزایش حداقل دستمزد آنان، بلکه چپاول گرانی اند که هر یک بخشی از اهرم های سیاسی و اقتصادی را در چنگ خود داشته و به غارت وسرکوب مردم مشغولند. سیاست های بحران آفرین و تورم زای دولت احمدی نژاد طی چند سال اخیر بیشترین آسیب ها را به منافع زحمتکشان وارد ساخته و سبب سقوط سطح زندگی آنان گردیده است. افزایش عادلانه دستمزدها مطابق با نرخ واقعی تورم، برخورداری از پوشش فراگیر تامین اجتماعی و تامین امنیت شغلی از خواسته های طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان است و با وعده های دروغین دیگر نمی توان حقوق بدیهی و منافع کارگران را نادیده گرفته و پایمال ساخت. تحولات پرشتاب میهن ما ضرورت حضور سازمان یافته زحمتکشان در صحنه سیاسی کشور به منظور تامین حقوق صنفی وسیاسی خود را برجسته ساخته است. این ضرورت تاریخی را باید با مبارزه یی خستگی ناپذیر از قوه به فعل در آورد!

به نقل از نامه مردم شماره ۸۶۳، ۹ اسفندماه ۱۳۸۹

پایان موفقیت آمیز اعتصاب کارگران پتروشیمی تبریز

اعتصاب ۱۸۰۰ کارگر پیمانی مجتمع پتروشیمی تبریز با قبول درخواست آنها از سوی استانداری آذربایجان شرقی و وزارت کار و امور اجتماعی روز سه شنبه پایان یافت.
این کارگران از روز هفتم اسفند ماه در اعتراض شرایط کاری خود دست به اعتصاب زده بودند.
درخواست ۱۸۰۰ کارگر پیمانی مجتمع پتروشیمی تبریز، حذف پیمانکار و قرارداد مستقیم کاری با این واحد تولیدی و نیز برخورداری از حقوق و مزایایی بود که برای کارگران رسمی در نظر گرفته شده است.
یکی از کارکنان مجتمع پتروشیمی تبریز به رادیو فردا گفت: کارگرانی که در این مجتمع شاغلند، بین ۱۵ تا ۱۷ سال سابقه کار دارند که پا به پای نیروهای رسمی کار کرده اند و از آنان مانند همین نیروها کار کشیده شده است.
درخواست های ۱۸۰۰ کارگر پیمانی مجتمع پتروشیمی تبریز در حالی مطرح شده است که آنان در شرایط دشواری کار می کنند.
یکی از کارکنان این مجتمع، تعلق نگرفتن کارانه به این ۱۸۰۰ کارگر را از جمله تبعیضی می داند که به گفته او، بر آنان اعمال می شود و می افزاید: اگر اضافه کاری هم به این کارگران تعلق بگیرد، اختیاری است و شامل همه نمی شود وبرخی اوقات حتی اضافه کاری کالشان پرداخت نمی شود.
وی همچنین با انتقاد از اینکه کارگران پیمانی مجتمع پتروشیمی تبریز حقوق و مزایای مساوی با نیروهای رسمی را دریافت نمی کنند، اضافه می کند: یک کارگر پیمانی دستمزدی در حدود ۴۰۰ هزار تومان در ماه دریافت می کند که این مبلغ در صورت پرداخت اضافه کاری به او به حدود ۵۰۰ هزار تومان در ماه می رسد و این در حالیست که شرایط کار این کارگران بسیار سخت است و به طور مداوم با مواد شیمیایی کار می کنند.
کارگران پیمانی این واحد تولیدی در جریان اعتراض صنفی ۱۱ روزه خود می گفتند که حذف نشدن پیمانکار برخلاف مصوبه هیئت دولت در زمینه تبدیل وضعیت استخدام کارگران متخصص و فنی پیمانی به وضعیت قراردادی بوده است.
به گفته یکی از کارکنان مجتمع پتروشیمی تبریز، خواست های اعتصابیون پس از موافقت استانداری آذربایجان شرقی و وزارت کار و امور اجتماعی پایان یافت.
او می گوید: مقام های استانداری آذربایجان شرقی و وزارت کار و امور اجتماعی از کارگران سه ماه مهلت خواسته اند تا نسبت به تحقق خواسته های آنان اقدام کنند.
مجتمع پتروشیمی تبریز که جزو یکصد شرکت برتر ایران در سال مالی۱۳۸۸ قرار دارد، بر اساس شاخص های مالی همان سال، از سوی سازمان مدیریت صنعتی ایران به عنوان سومین شرکت بزرگ و برتر اقتصادی منطقه شمال غرب ایران شناخته شد.
این مجتمع در سال گذشته، علاوه بر ارائه ۲۶۵ هزار تن انواع محصولات پتروشیمی به صنایع پایین دست داخلی، محصولاتی به ارزش ۶۴ میلیون دلار نیز به ۲۳ کشور جهان صادر کرده است

نقل از اخبار روز:
چهارشنبه ۱۸ اسفند ۱۳۸۹ – ۹ مارس ۲۰۱۱

****

ماهنامه کازیوه را به دوستان و آشنایان خود معرفی کنید!

بدرود رفیق بلوریان



رفیق غنی بلوریان، مبارز خستگی ناپذیر جنبش خلق های ایران، چهره برجسته مبارزات رهایی بخش خلق کرد بر ضد ستم ملی، در پی سکته مغزی در آلمان درگذشت.

رفیق غنی بلوریان، از چهره های سرشناس جنبش خلق کرد است که بیش از دو دهه عمر خود را در زندان های رژیم شاه گذراند و از نماد های برجسته مقاومت و پایداری زندانیان سیاسی در زمان حکومت پلیسی رژیم شاه بود. رفیق بلوریان دوران طولانی زندان رژیم شاه را در کنار جمعی از رفقای توده ای گذراند و پیوندی نزدیک، پویا و استوار با آنها برقرار کرد.



رفیق غنی بلوریان با پیروزی انقلاب، در بهمن ۱۳۵۷، از زندان آزاد شد و هنگام ورود به کردستان با استقبال باشکوه مردم مهاباد روبه رو گردید. رفیق بلوریان همچون بسیاری از چهره های برجسته جنبش خلق کرد چه در زندان و چه بعدها پس از رهایی از زندان خود را بخش جدا ناپذیری از مبارزات طبقه کارگران ایران و حزب آن، حزب توده ایران می دانست. پس از پیروزی انقلاب رفیق بلوریان به کردستان رفت و نقش برجسته ای در رهبری جنبش ملی خلق کرد به عهده گرفت. رفیق بلوریان در جریان یورش نظامی نخستین دولت برآمده از انقلاب بر ضد خلق کرد تلاش های زیادی را در راه جلوگیری از خون ریزی و پایان دادن به برخوردهای نظامی به کار برد که متأسفانه به نتیجه نرسید. اختلاف نظر با دکتر قاسملو در آن دوران، در سال ۱۳۵۹، سرانجام به انشعاب در حزب دموکرات کردستان انجامید. رفیق بلوریان کمیته مرکزی حزب دموکرات کردستان (طرفداران کنگره چهارم) را در اعتراض به آنچه او جدایی دکتر قاسلمو از خط حزب می دانست تأسیس کرد.

با تشدید فشارهای ارتجاع و سرانجام سرکوب خونین نیروهای سیاسی شرکت کننده در انقلاب، توسط رژیم خمینی، و یورش دستگاه های امنیتی رژیم به حزب توده ایران، در سال ۱۳۶۱، رفیق غنی بلوریان از ایران خارج شد و به چکسلواکی رفت و در کنار دیگر رفقای حزبی خود به فعالیت در راه بازسازی حزب و رهبری آن کمر همت بست. رفیق غنی بلوریان در کنفرانس ملی حزب توده ایران(۱۳۶۴) به عضویت در کمیته مرکزی و سپس هیات سیاسی حزب توده ایران انتخاب شد.

اگرچه رفیق بلوریان در پی فروپاشی کشورهای سوسیالیستی و اتحاد شوروی و مهاجرت ناخواسته از اروپای شرقی به آلمان از رهبری حزب توده ایران کناره گیری کرد ولی تا پایان عمر به آرمان های رهایی طبقه کارگر ایران و خلق کرد پایبند ماند.

حزب توده ایران درگذشت رفیق غنی بلوریان، را به خانواده و دوستان او، به مبارزان خلق کرد و همه رفقای حزبی تسلیت می گوید.

یادش گرامی و راهش پر رهرو باد!

به نقل از نامه مردم شماره ۸۶۴، ۲۳ اسفندماه ۱۳۸۹

****

به یاد رفیق محمد زهری؛
شاعر و پژوهشگر انسان‌گرا



گسترده ی وی بود.
تا یک ستاره سوزد
بر تاق لاجوردین
تاریکَ نیست این شب
(و تتمه...، ص ۴۲)

می‌جوشد از نهادم آتش‌فشان آواز...

از جزیره‌ی توفانی حس و عاطفه تا ''گلایه'' و ''شب‌نامه'' و ''پیر ما گفت'' و چندین و چند آورند و گزاره‌ی دیگر، هفت‌خوانی از این‌گونه پُر خم و پیچ و خاراگین را کوبیدن و هموار کردن و آمدن، به راستی که تکاپویی توفانی و تلاشی سترگ می‌طلبد.
گذارِ شیداوش شاعر شورها و شگفتی‌ها از گریوه‌های حس و اندیشه اما جسم و جان کاهیده بود و استخوان لای زخم شکسته بود: شاعر رنگ‌ها و بی‌رنگی‌ها از آوردگاه ترسناک دیالک‌تیک و ضد دیالک‌تیک و هنر و ضدهنر بود که پرند و پرنیان پُر راز و رمز شعرش را بر دوش کشیده بود و کشان کشان آورده بود تا به آستانه‌ی امروز.
گوته توانسته بود از انجیل متا هم فراتر بگذرد و داستانِ فرازپویی تاریخ هستی را در گوش فائوست خود رمزگشایی کند: ''در آغاز، عمل بود...'' و نه کلمه؛ که کلمه همان اندیشه است و افسون روبنا و این هردو در وارونگی دیالک‌تیکی خود کردار و کار را به هیچ می‌گیرند و سر از سپهر اثیری ایده‌آلیسم و ناباوری‌های متافیزیکی آن برمی‌آورند.
شاید گوته فریاد دردناک تبعیدی دره‌ی یمگان را شنیده بود و شاید هم نه! هرچه هست، شاعر رنج‌ها و شکنجه‌ها ـ ناصرخسرو قبادیانی ـ نیز هم‌چون کارل مارکس در نگرش دیالک‌تیکی خود به تاریخ فرازپای آدمی آورده بود که ''علم و عمل، مذهبِ من است.'': به عمل کار برآید به سخندانی نیست ...
زهری شاعر اما حریر زربفتِ شعرش را نه از کارگاه وهم‌گین گمان‌مندی‌های ابزورد و آبسترہ که از تاروپود ذوق و اندیشه برکشیده بود و در انتزاع‌های فلسفی‌اش راه را بر تعمیم‌های اجتماعی و جهان شمول آن کوبیده بود و آمده بود. و آستانه‌ی فرافکنی او از هستی آفرینی کار و بینشمندی‌های آن بود.
مگر نه اینکه کارل مارکس نیز در فرانگری زیباشناختی‌اش به هنر، کار را ''سرچشمه‌ی احساس زیبایی'' قلمداد کرده بود؟
در برجسته‌ترین فرازهای شعری زهری اما، این دیالک‌تیک انسان پویشگر سخت‌کوش اندیشه‌ورز است که در کُنه و در سرشت تاریخ و گاه در فراسوهای آن، رخت برمی‌کشد و می‌آید که نوستالژی پیشا تاریخ خود را نه در ''فردا و دیروزی که انبان‌اش پر از هیچ است''(دفتر شعر گلایه، ص ۵۷) که در پس فردا و پسا تاریخِ جهان به تیمار بنشیند:
های انسان!
شکوهِ روشن فرزانگی با تو
... رود را با رود پیوستی
کوه را با جادوی قدرت
چو مومی نرم کردی
... کاش دل را نرم می‌کردی
تا نجوشد این همه سرچشمه‌ی بیداد
(دفتر گلایه، ص ۱۱۶)

زیست نامه‌ی شاعر
دکتر محمد زهری (مرداد ۱۳۰۵ تا اسفند ۱۳۷۳)، زاده‌ی روستای عباس‌آباد شهسوار (تنکابن)، سرگذشتی شگفت داشت:
در چهارسالگی به تهران و ملایر و شیراز رفت و در هرکرانه‌ای چیزی آموخت و آمد و آمد تا که سرانجام از شهریور ۱۳۲۰ برای همیشه در تهران ماند.
پدرش از ستیهندگان و آزادی پژوهان بزرگ مشروطه‌خواه بود که در فرایند تسخیر تهران دلیری‌ها نمود و به پاس این همه، پسانام (لقب) ضیغم‌الممالک گرفت.
آموزش‌های مدرسی‌اش را تا پایان دوره‌ی دبیرستان در ملایر و شیراز گذراند و سپس دانش‌آموخته‌ی زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تهران (۱۳۳۲) شد. راهی که تا دکترای شیوانگاری فارسی (۱۳۴۴) در کلاس درس بزرگانی هم‌چون ابراهیم پورداوود، بدیع‌الزمان فروزانفر، لطف‌علی صورتگر، جلال همایی، ذبیح‌اله صفا و دکتر محمد معین پی‌گرفته شد.
چند سالی را دبیر شیوانگاشتی فارسی بود و سپس به سازمان برنامه و کتابخانه‌ی ملی (۱۳۴۱) و جز آن پیوست. دامنه‌ی کار و بارش در میانه‌ی سال‌های ۱۳۳۵ تا ۱۳۶۵ (سال بازنشستگی) بس گسترده بود:
آموزش ادبیات فارسی، رایزنی فرهنگی و مطبوعاتی وزارت فرهنگ (در زمان دکتر محمد درخشش)، همکاری با رسانه‌ی ایران‌آباد در سازمان برنامه، کتابداری و سپس معاونت کتابخانه‌ی ملی ایران (شهریور ۴۱ تا دی ۵۴)، پژوهشگر فرهنگستان ادب و هنر، عضو گروه علمی دانشگاه، تدریس در مدرسه عالی ایران‌زمین، دانشکده‌ی دماوند و موسسه علوم اجتماعی در دوره‌های کارشناسی و پسا کارشناسی.
در قلمرو کتاب‌شناختی چندان نام‌آور بود که در زمان ریاست دکتر ایرج افشار بر کتابخانه‌ی ملی ایران نوآوری وی در زمینه‌ی گردآوری و نگارش نخستین دوره‌ی کتاب‌شناختی ملی ایران (۱۳۴۲) بر کرسی نشست و وی توانست در میانه‌ی سال‌های ۱۳۵۱-۱۳۴۲ نُه جلد از این دوره را درآورد. کاری آسان‌نمون و دشواریاب، چه را که وی در فراورش این‌همه ناگزیر از پژوهش‌های میدانی گسترده بود: از برگزاری نمایشگاه‌های کتاب تا گفت وگو با ناشران و کتاب‌فروشان و جز آن.
بدین‌گونه، کارنامه‌ی کتاب‌شناختی وی گسترده است و نمونه‌وار:
فهرست سال به سال انتشارات ایران در سال‌های ۱۳۴۶-۱۳۴۲، کتاب‌شناختی ملی ایران (دوجلد، ۱۳۴۹)، سه جلد ۱۳۵۰ و چهار جلد ۱۳۵۱، فهرست موضوعی مقالات ده ساله‌ی مجله‌ی سخن ۱۳۵۱.
زهری کار نویسندگی را با نوشتن طنز و فکاهی برای هفته نامه‌ی توفیق (۱۳۲۴) آغازید و رفته رفته به داستان‌پردازی و جُستارنویسی روی آورد و سرانجام به شعر پرداخت. هم در این دوره، چندگاهی را دبیر بخش شعر هفته نامه‌ی فردوسی به سردبیری نصرت رحمانی و سپس دبیر همین صفحه در رسانه‌ی سپید و سیاه دکتر علی بهزادی شد.
از دیرینه‌ترین و سربنام‌ترین سروده‌هایش یکی هم شعر ''به فردا''

(۱۳۳۱) بود که در آن از جوان‌ترها می‌خواست نام و یادِ انسان‌های سترگ و تراز نو را گرامی بدارند.
در سال ۱۳۴۴ هنگامی که نخستین دفتر شعر زهری ـ جزیره ـ از چاپ درآمد، وی دیگر شاعری شناخته شده بود کَه در اندازه‌های باور خود کوشیده بود سبک و شیوه‌ی شعر نیمایی را با زبانی استوار و مردم‌پسند به اوج برساند:
جزیره (۱۳۳۴)، گلایه (۱۳۴۵)، شبنامه (۱۳۴۷)، و تتمه ... (۱۳۴۸)، برگزیده‌ی شعرها (۱۳۴۸)، مشت در جیب (۱۳۵۱) و پیر ما گفت (۱۳۵۶)، کارنامه‌ی شکوفای شاعرانه‌های دکتر محمد زهری‌اند که بارها از گردونه‌ی چاپ درآمده‌اند.
وی در سال ۱۳۶۲، سال دستگیری و شکنجه و کشتار توده‌ای‌ها و دیگر گروه‌های دگراندیش ایران چندسالی را به فرانسه رفت اما دلزده از راسیسم و اگوئیسم اروپایی به میهن خود بازآمد.
زهری سرانجام در روز شنبه ۱۵ اسفند ۱۳۷۳ بر اثر سکته‌ی قلبی در بیمارستان آسیای تهران درگذشت و در گورستان بهشت سکینه‌ی کرج به خاک سپرده شد. بدین‌گونه، انسانی فرهیخته و دانشی مردی که قلبش جز برای توده‌ها نمی‌تپید، برای همیشه آرام گرفت. نام و یادش گرامی باد.

....

در سفر فرانسه بود که جُستار افشاگرانه و بسیار به‌هنگام وی درباره ی رفیق طبری در نشریه ی تئوریک حزب توده ی ایران ـ دنیا (شمارهٔ دو، تابستان ۷۲، دورهٔ ششم) ـ بیذکر نام نویسنده چاپ شد.
در این جستار، همسنجی بسیار ماهَرانه ی متنِ محاکمه ی گالیله با ''اعتراف''واره ی (!) زنده یاد رفیق احسان طبریَ از دَم قلم گذشته بود. راست این است که طبری دو سال پیش از اسارت خود، در جستار ''از تنگنای جبر به فراخنای اختیار''(بهار ۱۳۶۰) با پیش آگاهی از سرنوشت گالیله وار خود متن توبه نامهٔ ناگزیر گالیله را آورده بود تا سالها پس از آن خود نیز با گرفتار آمدن در رویکردی همگون، تنها با جابجایی نام ها (طبری به جای گالیله) هر گونه اعترافی را از پیش انکار کرده باشد.
جستار زهری در چشم انداز کار رسانه ای اما بس پخته و حرفه ای می نمود. و تنها پس از درگذشت دردناک رفیق زهری بود که حزب در همان نشریه اعلام داشت نویسنده ی این مَطلب روشنگرانه، دکتر محمد زهری بوده است. مطلبی که بیانگر احترام ژرفِ زهری به احسان طبری و دانشِ گسترده ی وی بود.

تا یک ستاره سوزد
بر تاق لاجوردین
تاریکَ نیست این شب
(و تتمه...، ص ۴۲)

شعر زهری برخلاف کرشمه های هنرستیزانه ی شماری از شاعران نوجو که شعر نو پارسی را در مسلخ ''هنر برای هنر''به خون میکشند، بهره ور از سویه های اساسی هنری است. زهری از پیروان پیگیر شعر نیما است: سالکی است که باده ی سکرآور سخن خود را در پیمانه های بلورین شعر شناسنامه دار نیمایی میریزد. از این دیدرس، وزن عروضی، موسیقی کلام، ریتم و ضرب‌آهنگ و قافیه های درونی و بیرونی را به پاس ساختار و سرشت استوار شعریاش برمی تابد.
وی در هر سه گستره ی پهنه ور هنری: ژانر فولکلوریک و خلقی، شعر کلاسیک، و سبک نونیمایی دستی فراخ داشت و سویه های سه گانه ی هنری (اندیشه، درون‌مایه و ویژگیهای نوآورانه) را به خوبی می شناخت.
در دانشِ بدیع بافت هنری، نمادها و نشانه ها،ماننده سازی و چهره پردازیَ را درهم میسرشت و در ساختار و ساختمانِ فنیِ شعر خود، جزئیات پلانِ هنری را از قلم موی رنگین احساس خود فراز میآورد. همچنان که بَه سویه های چهارگانه ی شعرَی (اندیشه، احساس، خیال و آهنگ ـ ریتم و موسیقی کلام ـ) پایبند بود.
نگاه او به جهان، نگاهی بود انترناسیونالیستی و نگرش تاریخی اش به جهان هستی درک ژرفناک او را از دیالکتیک تاریخی برمیتافت.
همچنان که در گردش فلسفی اش، ماتریالیسم دیالکتیک هم‌چون راهنما و اسلوبی روشمندانه فراراه باور او پرتو میافکند.
او نیز همچون اِشر نقاش، به بازَیابی روندها و رویکردهایی میپرداخت که دیگران هزارَها بار میدیدند و نمیدیدند: واقعی دیدنِ راستارها و سپس پی‌آورند آنها به گونهای که باید باشند. چنانکه واَین گرتسکی بزرگترین هاکی‌باز تاریخ در پاسخ به راز کامیابیاش گفت: ''من به جایی که حلقهی هاکی پرتاب میشود سُر نمی خَوردم، به جایی میروم که حلقه باید باشد.''
زهری نیز به جای تن دادن به جهان آلوده به سرمایه، به جهانی که هست و میتواند نباشد، به آفرینش عالمی میاندیشید که باید باشد. و بدینگونه به بازکاوی هنرمندانه ی واقعیت های هنری روی می نمود تا زمینه را بر دگرگونیَ هَای بنیادین اجتماعی کوبیده و همواریده باشد.
کارل مارکس در گستَره ی سایه ـ روشن فلسفه به درستی گفته بود که فلاسفه تاکنون در اندیشه ی تفسیر جهان بودهاند، حال آنکه سخن بر سر تغییر آن است. و تعمیم هنرمندانه ی این فرایافت بنیادین و دگرگونگر بر گستره ی علوم انسانی نیز کاربست آنچنان هنری است که کارش نه تنها تفسیر هستی و تاریخ که تغییر آن باشد.
زنده یاد رحمان هاتفی در نقدی نقادانه بر طرحهای هجایی و افشاگر اردشیر محصص نوشته بود: ''او بر این سوداست که وظیفه ی هنر تنها تعریف و تفسیر زندگی نیست، بل تغییر آن است...''(در بهار یک بلوغ حاصلخیز، روزنامه ی کیهان، ۳۰ اردیبهشت ۱۳۵۰). و این دکترینی است که بر جهانبینی و شعر زهری نیز راست میآید. از این دیدرس، حق با گورکی است که از هنرمندان پرسیده بود: ''آیا می توانید تپش زندگی را شتاب بخشید؟''
هنر راستین، هنری که به پایه ریزی دژهای تسخیرناپذیر پس‌فردای تاریخ می اندیشد، هنر شتاب بخشیدن به زندگی و فرارویاندن آن به فرازه ها و چکادهای والاتر و سرانجام کاربست سوسیالیسمی است پویا و انسانی.
دکتر محمد زهری به سهم خود چنین هنرمندی بود و می کوشید با کاربستِ آرمانهای انسانی حزب خود ـ حزب توده ی ایران ـ روند پویشگرَ تاریخ را شتاب بخشد. کَاراکتر و شخصیت والا و متین و فروتن وی از یکسو و دانش و بینش فرهنگی ـ ادبی او چنان بود که خود به حزبی که او شیفته اش بود اعتبار می بخشید. چه بسیار کسان که به پاس شخصیت نژاده ی او به حزب توده ی ایران پیوستند یا برای حزب وی نیز همچون َکاراکتر شایسته‌وار او ارج نهادند.

به نقل از نامه مردم شماره ۸۶۳، ۹ اسفندماه ۱۳۸۹

****

همبستگی نیروهای مترقی جهان با مبارزات مردم ایران

به دعوت حزب مترقی زحمتکشان قبرس، آکل، در روز های ۶ و ۷ اسفند ماه جاری احزاب کمونیست و چپ اروپا، خاورمیانه و شمال آفریقا در کنفرانس مهمی در نیکوزیا، پایتخت قبرس شرکت کرده و در رابطه با تحولات مهم اخیر در کشورهای منطقه بحث و تبادل نظر کردند. یکی از مسائل محوری این کنفرانس بحث در رابطه با مسئله فلسطین و تشکیل کشور مستقل فلسطین بر طبق مصوبه های سازمان ملل متحد بود. کنفرانس همچنین در جلسه ویژه ای به بررسی گزارش و سخنان رفقای مصر و تونس در رابطه با تحولات اخیر این دو کشور پرداخت. به دعوت رهبری آکل نماینده حزب توده ایران نیز در این نشست مهم شرکت فعالانه داشت و نقطه نظر های حزب را در رابطه با دستور کار کنفرانس مطرح کرد. با توجه به رخدادهای اخیر کشور و به ویژه موج جدید تهدید و سرکوب رژیم بر ضد فعالان سیاسی کشور، احزاب شرکت کننده در کنفرانس در پاسخ به ابتکار مشترک حزب توده ایران و آکل، میزبان کنفرانس، بیانیه همبستگی ای را به تصویب رسانیدند که متن آن در ذیل چاپ شده است. مشروح گزارش این کنفرانس و مصوبات آن در شماره آتی نامه مردم منتشر خواهد شد.

متن بیانیه همبستگی

ما نمایندگان حزب‌های امضا کننده زیر که همواره از پیکار زحمتکشان و نیروهای ترقی‌خواه ایران پشتیبانی کرده‌ایم، مبارزه مردمی جاری در ایران در راه صلح، دموکراسی، حقوق بشر و عدالت اجتماعی را به دقت دنبال می‌کنیم. رژیم دین‌سالار ایران برای مقابله با شرکت کنندگان در تظاهرات مسالمت‌آمیز که خواهان اصلاحات قانونی و احترام به حقوق پایه‌ای و اصیل زحمتکشان از جمله حقوق سندیکایی هستند، متوسل به نیروهای امنیتی و نظامی شده است. صدها تن از فعالان مخالفان، از جمله برخی از رهبران شناخته شده جنبش اعتراضی، بازداشت شده‌اند. در میان بازداشت شدگان و آنان که مورد رفتارهای غیرانسانی قرار دارند، فعالان سندیکایی، وکلای برجسته و مورد احترام، روزنامه‌نگاران و فعالان زنان و دانشجویان دیده می‌شوند. ما خواستار آزادی فوری زندانیان سیاسی ایران هستیم. ما بر موضع همیشگی خود در همبستگی با نیروهای ترقی‌خواه ایران در مبارزه پیچیده‌شان در راه صلح، دموکراسی و عدالت اجتماعی پافشاری و تأکید می‌کنیم. ما معتقدیم که میان مبارزه در راه حقوق و آزادی‌های دموکراتیک زحمتکشان از یک سو، و توان پیکار مردمی برای ایجاد یک جنبش صلح‌آمیز مؤثر به منظور مقاومت در برابر تهدید دخالت خارجی در ایران، رابطه‌ای سرشتی و ذاتی وجود دارد. ما مخالفت کامل خود را با هر گونه دخالت خارجی در ایران توسط نیروهای امپریالیستی و ارتجاعی اعلام می‌کنیم و خواهان آنیم که به مردم ایران فرصت داده شود تا بتوانند با حفظ استقلال و خودمختاری ایران و بدون هر گونه دخالت خارجی، راه حل‌هایی برای مسائل داخلی کشورشان پیدا کنند. ما باز هم به صراحت تأکید می‌کنیم که سمت و سوی آینده تحولات سیاسی ایران فقط باید توسط خود مردم ایران تعیین شود.

احزاب امضاء کننده این بیانیه

حزب توده ایران، آکل (قبرس)، حزب کمونیست یونان، حزب کمونیست ترکیه، حزب کمونیست کارگری مجارستان، حزب کمونیست فرانسه، حزب کمونیست های ایتالیا، حزب کمونیست فدراسیون روسیه، حزب کمونیست بریتانیا، حزب کمونیست مصر، حزب کمونیست سودان، حزب کمونیست لبنان، حزب کمونیست اسرائیل، حزب کمونیست اردن، حزب کمونیست عراق، حزب مردم فلسطین، جنبش التجدید تونس، حزب ترقی و سوسیالیسم مراکش، حزب کمونیست در دانمارک، اتحاد سرخ –سبز دانمارک، حزب کمونیست مالت، حزب چپ آلمان (د لینکه)، ائتلاف چپ –سیناسپیسموس (یونان)، چپ دموکرات (یونان)، حزب سوسیالیست چپ نروژ، فدراسیون جهانی جوانان دموکرات،

****

برگزاری پرشور جشن هشتم مارس، با شرکت نمایندگان زنان ترقی خواه جهان

برگزاری پرشور جشن هشتم مارس، با شرکت نمایندگان زنان ترقی خواه جهان، از جمله سفیر کوبا و نماینده تشکیلات دموکراتیک زنان ایران روز ۱۲ مارس، به دعوت کمیته ی هماهنگ کننده احزاب کمونیست در انگلیس، جلسه ی با شکوهی به مناسبت صدمین سالگرد روز جهانی زن، در کتابخانه تاریخی مارکس در لندن، برگزار شد.



در این جلسه که توسط رفیق لیز پین، عضو هیئت سیاسی حزب کمونیست بریتانیا اداره می شد، خانم استر آرما تروس کارمروس، سفیر جدید کوبا در انگلیس، نمایندگان لیگ زنان عراقی، تشکیلات دمکراتیک زنان ایران، حزب کمونیست سودان، حزب کمونیست بنگلادش و انجمن زنان کمونیست هند در سخنرانی های خود از شرایط زنان در کشورهای خود سخن گفتند. خانم کارمروس ضمن اشاره به دست آوردهای انقلاب کوبا برای زنان گفت که انقلاب کوبا با همه دشواری ها و با وجود محاصره اقتصادی امپریالیسم آمریکا، به راه خود ادامه می دهد و بر خلاف تبلیغات مخالفان، برنامه اصلاحات کنونی کوبا را به سمت تحکیم سوسیالیسم و نه سرمایه داری به جلو می برد. رفیق کارمروس اشاره کرد که در مقایسه با دوران پیش از انقلاب امروز زنان ۴۶٪ تمام کارمندان و کارگران دولتی را (۱۳٪ پیش از انقلاب) تشکیل می دهند و امروز ۶۷٪ فارغ التحصیلان دانشگاه ها را زنان و دختران تشکیل می دهند و ۷۰٪ کارمندان رشته های پزشکی زنانند.

نماینده تشکیلات دموکراتیک زنان ایران ضمن اشاره به تاریخ صد ساله مبارزات قهرمانانه زنان ایران برای تحقق حقوق شان در جامعه یی عقب مانده اشاره کرد که امسال مصادف است با ۶۸-مین سالگرد بنیادگذاری تشکیلات دموکراتیک زنان ایران و زنان پیشروی کشور ما با وجود همه دشواری ها و شرایط سختی که رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی تحمیل کرده است به مبارزات خود، از جمله برای الغای تمامی قوانین زن ستیزانه مصوب دستگاه قانون گذاری جمهوری اسلامی، ادامه می دهند. نماینده تشکیلات دموکراتیک زنان ایران ضمن اشاره به مبارزات دلیرانه زنان ایران، از جمله مبارزه "مادران زندانیان سیاسی"، "مادران صلح" و همچنین نقش تعیین کننده زنان در انتخابات ریاست جمهوری سال های ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۴ که به پیروزی محمد خاتمی انجامید گفت که از جمله کارزارهای مبارزاتی جالب زنان در سال های اخیر کارزار "یک میلیون امضاء" برای تغییر قوانین تبعیض آمیز بر ضد زنان است.

نماینده تشکیلات دموکراتیک زنان ایران در انتها ضمن اشاره به ادامه مبارزات مردم میهن ما و خصوصاً زنان بر ضد رژیم استبدادی حاکم و ضمن تشکر از حمایت بین المللی نیروهای مترقی، از همه نیروهای آزادی خواه خواست تا تلاش های خود را برای رهایی زندانیان سیاسی ایران تشدید نمایند.

نمایندگان زنان مترقی عراق، سودان، هند و بنگلادش نیز به نوبه خود از مبارزات دشوار زنان در کشور هایشان بر ضد سیاست های ارتجاعی و واپس ماندگی اجتماعی سخن گفتند.

****

ماهنامه کازیوه را به دوستان و آشنایان خود معرفی کنید!

حزب توده ایران با دخالت نظامی امپریالیسم در لیبی قاطعانه مخالف است

در همبستگی با: مبارزه مردم لیبی در راه دموکراسی، عدالت اجتماعی و حق تعیین سرنوشت

خیزش‌های مردمی آزادی‌خواهانه و عدالت‌طلبانه در خاورمیانه و آفریقای شمالی همچنان ادامه دارد. به همان اندازه که ملت‌های سختی کشیده، و از جمله ملت ایران، مصرانه و مشتاقانه صدای اعتراض خود را بلند می‌کنند و در پی تأمین منافع ملی خود و احقاق حقوق از دست رفته و سرکوب شده خود ند، به همان اندازه هم نیروهای ارتجاعی و امپریالیست های غارتگر نیز به‌دقت مراقب رخدادهایی اند که در این کشورها جریان دارد، و با نگرانی آن ها را دنبال می‌کنند تا مبادا در این میان منافعی را که سال‌ها از آن ها برخوردار بوده‌اند، از دست بدهند.
یکی از این کشورهایی که این روزها مرکز توجه همگان قرار گرفته است، لیبی است. در همان روزهایی که جنبش های مردمی در همسایگی دیوار به دیوار لیبی – یعنی مصر در شرق، و تونس در غرب – به پیروزی‌هایی در ساقط کردن حکام خودکامه دست می‌یافتند، تظاهرات اعتراضی برای ایجاد تغییرهای دموکراتیک در لیبی نیز شکل گرفت. اما در روزهای اخیر خبرهای نگران‌کننده‌ای از روند رخدادها در لیبی منتشر شده است که از کشت و کشتار گسترده غیرنظامیان در نتیجه گشودن آتش از زمین و هوا به روی مردم از سوی دولت در شهرهای گوناگون این کشور حکایت می کند. حزب توده ایران، همراه با دیگر نیروهای ترقی‌خواه دنیا، کشتار شهروندان غیرنظامی از سوی نیروهای دولتی لیبی را به شدت محکوم می‌کند و خواهان پایان دادن به آن است. این حق طبیعی مردم لیبی است که بتوانند در رابطه با مسیر تحولات آینده کشور خود آزادانه تصمیم بگیرند.
تحولات جاری در لیبی از پیچیدگی خاصی برخوردار است و نمی‌توان آن را با آنچه در تونس و مصر رخ داد به سادگی مقایسه کرد و مشابه دانست . بر اساس گزارش‌های رسیده، نیروهای معترض در این کشور، و به‌ویژه در شرق این کشور و در اطراف شهر بنغازی، به لحاظ گرایش های سیاسی و خواست‌ها یک‌دست نیستند و هدف‌های یکسانی را دنبال نمی‌کنند. علاوه بر مردم جان به لب رسیده و به ویژه جوانان خشمگین معترض در شهرهای مختلف لیبی، که خواهان آزادی‌های دموکراتیک و عدالت اجتماعی اند ، نیروهای ارتجاعی وابسته به قدرت‌های خارجی و فئودال‌های منطقه، وابستگان به رژیم پادشاهی گذشته (ملک ادریس) و برخی عنصرهای قبیله‌ای مخالف با قذافی نیز در بین اعتراض کنندگان دیده می‌شوند که هدف ها و منافعی متفاوت با توده های مردم قیام کننده دارند. رژیم سرهنگ معمر قذافی، که در پی کودتای نظامی سال ۱۹۶۹ به ضد رژیم سلطنتی ملک ادریس، بر سر کار آمد، در سال‌های نخست حکومت خود به اصلاحاتی اجتماعی و اقتصادی در زمینه‌های آموزش و پرورش، بهداشت و درمان، ایجاد زمینه جهت شکل گیری رفاه اجتماعی، و ملی کردن صنعت نفت، دست زد. دولت لیبی در این سال ها، بر پایه مدلی غیر متعارف ، که دربردارنده مجموعه یی از رهنمود های سئوال برانگیز در رابطه با: شکل ساختار دولتی، تعریف بافت اجتماعی – طبقاتی جامعه، محدوده فعالیت نیروهای سیاسی، و ندادن اجازه فعالیت به هیچ حزب سیاسی در کشور، سیاست داخلی و خارجی خود را به پیش برد. یکی از مشخصه های ویژه سیاست دولت لیبی، عملکرد تند و تناقض آمیز آن در عرصه بین المللی بوده است. این به ویژه در رابطه با جنبش های ملی و مردمی منطقه خاورمیانه و آفریقا از دهه ۱۹۸۰ میلادی نمودِ مشخص و گاهی دخالت جویانه و منفی داشته است. از دهه ۱۹۹۰ میلادی و به دنبال اعمال تحریم های گسترده کشورهای امپریالیستی در باره لیبی – در رابطه با متهم گردیدن دولت لیبی به بمب گذاری در هواپیمای ''پان آمریکن'' که منجر به سقوط آن بر فراز شهر ''لاکربی'' و کشته شدن همه مسافران و خدمه هواپیما گردید – دولت لیبی قبول کرد که سیاست خارجی خود را به صورتی آشکار تغییر دهد. رژیم قذافی در پی تحریم‌ها و فشارهای سیاسی و اقتصادی کشورهای سرمایه داری غربی، داوطلبانه پذیرفت که ''سلاح‌های کشتار جمعی'' اش را نابود کند، و ضمن بستن پیمان با ایالات متحد آمریکا و بریتانیا و دیگر قدرت‌های امپریالیستی ''غربی''، سیاستی بغایت ضد دموکراتیک در کشور پیش گرفت که این سیاست در درجه نخست در خدمت منافع سرمایه بین‌المللی و شرکت‌های عظیم چند ملیتی بوده اند. شواهدی در دست است که، به دنبال برقراری موافقتنامه یی میان قذافی و تونی بلیر، نخست وزیر وقت انگلستان در سال ۲۰۰۴، و در رابطه با برنامه ''جنگ بر ضد تروریسم'' که از سوی جورج بوش، رئیس جمهوری جنگ طلب آمریکا، اعلام شده بود، لیبی با ''سیا'' و ''نیروهای امنیتی'' کشورهای غربی همکاری های مشخصی داشته است. در ارتباط با اوضاع داخلی لیبی و خیزش‌های اخیر، '' فدراسیون جهانی سندیکاها'' بیانیه یی منتشر کرده است که در آن آمده است: ''پیکار به ضد رژیم دیکتاتوری قذافی، مبارزه یی است با سیاست‌های این رژیم، برضد بهره کشی بی‌رحمانه، برضد نبودِ آزادی‌های دموکراتیک، و به ضد مداخله نظامی و توطئه‌های بورژوازی.''
حزب توده ایران، با نیروهای مردمی یی که در راه حقوق و آزادی‌های دموکراتیک و عدالت اجتماعی در لیبی مبارزه می‌کنند، همبستگی خود را اعلام می دارد. اما آنچه در این میان نگرانی جهانیان را برانگیخته و هشیاری نیروهای ترقی‌خواه و صلح‌جوی جهان را می‌طلبد، زمینه‌سازی‌هایی است که در جهت تدارک دخالت احتمالی نظامی در لیبی صورت می‌گیرد. بر اساس خبرهای منتشر شده در رسانه‌ها، در آستانه خیزش‌های مردمی در لیبی، رزمناوهای سراپا مسلح آمریکا و پیمان تجاوزگر ناتو به آب های بین‌المللی پیرامون لیبی، در دریای مدیترانه و کانال سوئز، گسیل شده‌اند، و شمار زیادی از نیروهای ویژه و ''مشاوران'' نظامی آمریکایی و انگلیسی و کانادایی و جز این ها، وارد خاک لیبی شده‌اند. طبق برخی از گزارش‌ها، این کارشناسان دیدارهایی با بخش‌هایی از شورشیان مستقر در شرق لیبی داشته‌اند و به آنان اسلحه و آموزش نظامی داده‌اند. شناسایی و دستگیری هشت تن از مأموران امنیتی و کماندوهای نیروهای هوایی ویژه انگلستان در بنغازی از سوی نیروهای مردمی، این گونه عملیات کشورهای ''غربی'' را برملا کرده است. به گزارش ''ساندِی تایمز'' چاپ لندن، این عده – که با اطلاع نخست‌وزیر و وزیر خارجه انگلستان، با هلی‌کوپتر و به طور غیرقانونی وارد لیبی شده بودند – ادعا کردند که با همراهی تعدادی دیپلمات ''برای تماس با مخالفان، بررسی نیازهای شان، و کمک‌رسانی به آنان'' به منطقه رفته بودند. در این زمینه، موضع‌گیری‌های برخی از مقامات بلندپایه کشورهای غربی نیز بسیار نگران کننده است. هیلاری کلینتون، وزیر امور خارجه آمریکا، در اینجا و آنجا در ارتباط با اوضاع لیبی گفته است: ''هیچ گزینه یی کنار گذاشته نمی شود''، و اینکه ''دولت اوباما آماده دادن هرگونه کمک به لیبیایی‌هایی است که خواهان سرنگون کردن معمر قذافی اند .... ما در تماس با بسیاری از لیبیایی‌ها [در شرق] بوده‌ایم ... و حاضر و آماده برای دادن هرگونه کمکی به هر کسی هستیم که از آمریکا کمک بخواهد.'' بسیاری از کشورهای ''غربی''، از جمله کانادا، فرانسه، بریتانیا و آلمان، بهانه حضور تجهیزات و نیروهای نظامی خود در پیرامونِ و درون لیبی را ''کمک‌های بشردوستانه'' یا ''جلوگیری از نسل کُشی'' ، و

از جمله انتقال پناهندگان به بیرون از لیبی، اعلام داشته اند. رسانه‌های این کشورها نیز بدون تأکید بر ماهیت نظامی کشتی‌های گسیل شده ، سعی می‌کنند تا به این عملیات نظامی جلوه‌ای انسان دوستانه بدهند. اما آنچه جای سؤال دارد این است که، برای ‘‘کمک‌های بشردوستانه’’ چه ضرورتی به گسیل رزمناو و هواپیماهای جنگنده است؟ و چه نیازی به نیروهای نظامی ویژه است؟ موضوع دیگری که در رسانه‌های همگانی ‘‘غرب’’ بسیار درباره آن صحبت می‌شود، اعمال مقررات ‘‘منطقه پرواز ممنوع’’ بر فراز لیبی است، و بهانه آن، جلوگیری از پرواز جنگنده‌های لیبیایی و آتش گشودن بر روی مردم اعلام می گردد. به گفته کارشناسان نظامی، و حتی به بیان رابرت گیتس، وزیر دفاع آمریکا، در یک مصاحبه تلویزیونی، این اقدام [اعمال مقررات منطقه پرواز ممنوع] نخست مستلزم بمباران تأسیسات دفاع [ضد هوایی] لیبی است؛ که جز دخالت و تجاوز آشکار نظامی به خاک لیبی معنای دیگری ندارد. با توجه به منابع غنی نفت و گاز لیبی، که حدود ۵/۳ درصد ذخایر نفتی دنیا را شامل می‌شود (تقریباً دو برابر ذخایر نفتی آمریکا)، و اینکه بخش اعظم آن در شرق لیبی قرار دارد، به نظر می‌آید که اقدامات کشورهای غربی متوجه دستیابی به این منابع انرژی در شمال آفریقاست، حتی اگر به بهای تجزیه بخش‌هایی از خاک لیبی از این کشور تمام بشود. به عقیده برخی از صاحب‌نظران، عملیات جاری نیروهای ناتو و آمریکا، بسیار شبیه به عملیاتی است که در اوایل دهه ۹۰ در یوگسلاوی صورت گرفت و منجر به تجزیه آن کشور به چندین کشور جداگانه شد. اگرچه رسانه‌های همگانی ‘‘غرب’’ تلاش جانبدارانه‌ای کرده‌اند تا نشان بدهند که مخالفان رژیم قذافی خواهان کمک‌های نظامی ، آموزشی و اطلاعاتی خارجی‌اند، و نمی‌توانند به‌تنهایی رژیم را سرنگون کنند، اما بسیاری از نمایندگان جنبش مردمی لیبی با صراحت اعلام کرده‌اند که قاطعانه مخالف دخالت نظامی در امور داخلی لیبی اند ، چرا که معتقدند تحولات کنونی، مسئله داخلی لیبی است و باید به دست خود مردم کشور حل و فصل شوند. این نمایندگان جنبش مردمی ، تجربه افغانستان و عراق و یوگسلاوی را نیز پیش رو دارند، که دخالت نظامی به بهانه‌های واهی جلوگیری از دیکتاتوری و برقراری دموکراسی، نتیجه یی جز ویرانی و نابودی اقتصادی - اجتماعی برای این کشور ها و ملت ها ی شان به بار نیاورده است. علاوه بر تدارک و احتمال دخالت نظامی در لیبی، مسئله تحریم اقتصادی اعمال شده از سوی شورای امنیت سازمان ملل متحد نیز موجب نگرانی مردم و نیروهای ترقی‌خواه لیبی و جهان شده است. ’’ شورای جهانی صلح ’’در بیانیه یی که در ارتباط با رخدادهای اخیر لیبی منتشر کرده ‘‘ مخالفت قاطع خود را با هرگونه دخالت نظامی خارجی از سوی آمریکا، ناتو یا اتحادیه اروپا، و زیر هر پوشش و بهانه یی’’ اعلام کرده است، و متذکر شده است که ‘‘ ما بر حق خودمختاری مردم لیبی برای تعیین مسیر آینده سیاسی در کشورشان تأکید می‌کنیم. ... امپریالیست‌ها، که در خدمت منافع شرکت‌های چندملیتی و سرمایه جهانی اند، در پی فرصتند تا کنترل بیشتری بر منابع نفت و گاز لیبی به دست آورند و دایره نفوذ خود را گسترش دهند. ... صرف‌نظر از اینکه نسبت به رژیم لیبی و اولویت‌ها و تعهدهای آن در سیاست خارجی، به‌ویژه در سال‌های اخیر، چه نظری داشته باشیم، این فقط حق و وظیفه خود مردم لیبی است که بدون هرگونه دخالت نظامی و سیاسی از سوی خارجی، هر تغییری را که لازم بدانند خود در کشور خود اعمال کنند.’’ در پایان این بیانیه آمده است: ‘‘ما مخالفت خود با تحریم‌های اعمال شده از سوی شورای امنیت سازمان ملل متحد را اعلام می‌کنیم. این تحریم‌ها به طور عمده به مردم لیبی صدمه می‌زنند.’’

سابقه تاریخی دخالت‌های مشابه در امور داخلی کشورها، نشانگر مقصد ها و هدف های غیرانسانی و غارتگرانه قدرت‌های امپریالیستی است و بس، و تنها چیزی که در این دخالت‌های به‌اصطلاح ‘‘انسان‌دوستانه’’ مورد نظر نیست، و بی‌رحمانه قربانی می‌شود، همانا منافع ملی کشورها و شرایط انسانی زندگی ملت‌هاست. حزب توده ایران، همزمان با اعلام همبستگی خود با مبارزات مردم لیبی در راه دموکراسی، حقوق بشر و عدالت اجتماعی، همگام و همزبان با دیگر نیروهای ترقی‌خواه و صلح‌طلب دنیا، مخالفت صریح و قاطع خود را با هرگونه دخالت خارجی، نظامی و جز این ها، در امور داخلی لیبی، اعلام می دارد.

به نقل از نامه مردم شماره ۸۶۴، ۲۳ اسفندماه ۱۳۸۹

****

گردهمایی بین المللی در همبستگی با مبارزه مردم فلسطین

با حضور حزب های کمونیست و چپ خاورمیانه، جنوب مدیترانه، و شمال آفریقا در نیکوزیا – قبرس

به ابتکار و پشتیبانی آکل، حزب کمونیست های قبرس، در روز های ۶ الی ۷ اسفندماه (۲۵ و۲۶ فوریه) گردهمایی احزاب کمونیست وچپ منطقه خاورمیانه، جنوب مدیترانه، و شمال آفریقا، در نیکوزیا پایتخت کشور قبرس، بر گزار شد . هدف اصلی از این گردهمایی، پشتیبانی از مبارزه مردم فلسطین، و در کنار آن، بحث و تبادل نظر در رابطه با تحولات هفته های اخیر در کشورهای منطقه و به خصوص مصر و تونس بود. آکل قدرتمندترین حزب قبرس است که در انتخابات پارلمانی در دوره قبل و در انتخابات ریاست جمهوری توا نست حزب های راست را شکست دهد، و بنابراین، رفیق دیمتری کریستوفیاس – دبیر کل حزب – که شخصیتی محبوب در بین مردم این کشور است، با رای قابل توجه مردم، به ریاست جمهوری کشور انتخاب شد. قابل توجه است که این اولین بار نبود که گردهمایی احزاب کمونیست وچپ منطقه خاورمیانه و حوضه مدیترانه ، به منظور پشتیبانی از مبارزه مردم فلسطین، به میز بانی آکل در این کشور بر گزار می شد.

این کنفرانس در روز ۶ اسفند ماه، با سخنرانی یاناکیس کولوکاسیدیس، عضو هیئت اجرائیه و دفتر سیاسی حزب آکل – در غیاب رفیق آندروس گیپریانو که به دلیل بیماری در بیمارستان بستری بود – در مقام صدر کنفرانس قرار داشت ، آغاز گردید. رفیق کولوکاسیدیس در سخنرانی بسیار جامع خود ریشه های مشکلات سیاسی خاورمیانه و از جمله مسئله فلسطین را مورد تجزیه و تحلیل قرار داد. رفیق یورگو لوکایدیس، دبیر روابط بین المللی آکل، سخنران بعدی اجلاس بود. رفیق لوکایدیس در سخنرانی خود پشتیبانی عمیق آکل قبرس را از مبارزات قهرمانانه مردم فلسطین اعلام کرد، و ادامه سیاست های تجاوز کارانه دولت اسرائیل در چارچوب تصرف هر چه بیشتر سر زمین های مردم فلسطین وایجاد شهرک های یهودی نشین در مناطق اشغالی را به شدت تقبیح کرد و خواهان تو قف این سیاست ها گردید. او همچنین از تشکیل یک دولت مستقل فلسطینی براساس مصوبات سازمان ملل حمایت کرد. در ادامه این سخنرانی مبارزات مردم شمال آفریقا و خاور میانه مورد توجه این عضو برجسته آکل قرار گرفت. در تحلیل ارائه شده از سوی رفیق لوکایدیس، سیاست های اقتصادی نولیبرالی وامپریالیستی وفاصله طبقاتی عمیق، رشد فقر وپائین بودن سطح زندگی بخش عظیمی از جمعیت کشور های مورد نظر را زمینه عینی این جنبش های اجتماعی دانست. نماینده رهبری آکل در ادامه سخنرانی خود سیاست های اتحادیه اروپا را در رابطه با کشورهای شمال آفریقا و حوضه دریای مدیترانه مورد بررسی و انتقاد قرار داد و خواهان برقراری روابط برابر حقوق بین همه کشور ها در این منطقه شد.

در این گردهمایی، پنج حزب وسازمان سیاسی از فلسطین شرکت داشتنند. رفیق حنا امیره ، عضو هیئت سیاسی حزب مردم فلسطین و از اعضای هیئت اجرائیه سازمان آزادی بخش فلسطین، و سفیر فلسطین در قبرس، در کنار هیئت رئیسه کنفرانس جای داده شده بودند. سخنران های بعدی نماینده های حزب ها وسازمان های مردم فلسطین بودند. تمامی سخنران ها اعتراض خود را به ادامه اشغال سرزمین های فلسطینی و ایجاد شهرک های یهودی نشین اعلام کردند. نماینده حزب مردم فلسطین و سایر نماینده های دیگر حزب ها و نیروهای سیاسی فلسطینی، با فراهم کردن نقشه واسلاید وفیلم، ونمایش آن ها به شرکت کنندگان گردهمایی، توضیح دادند که چگونه سیاست های اشغال گرانه اسرائیل، از جمله سیاست اشغال اراضی ساحل باختری رود اردن و بیت المقدس شرقی وسایر نقاط بدون توقف ادامه دارد. رفقای سخنران فلسطینی با اشاره به نقشه ها و ارائه اطلاعات موثق، ضمن تحلیل سیاست ادامه ساخت شهرک های یهودی نشین در قلب سرزمین های فلسطینی که عملاً با هدف تکه تکه کردن این سر زمین ها و پراکندن ساکنان عرب آن ها به صورت جزیره های جدا از هم ، تصریح کردند که ادامه این سیاست ایجاد یک دولت فلسطینی را در عمل با دشواری ها ی زیادی مواجه می سازد. نمایندگان همه حزب های شرکت کننده در این گردهمایی ، از جمله حزب توده ایران، به بررسی در باره زوایای مختلف سیاست تجاوز کارانه دولت اسرائیل پرداخته و آن را محکوم کردند. آنان از تشکیل یک دولت مستقل فلسطینی با پایتختی بیت المقدس شرقی وبر مبنای مصوبات سازمان ملل و در محدوده مرزهای قبل از جنگ ژوئن ۱۹۶۷ حمایت خود را اعلام کردند.

جلسه گردهمایی حزب های کمونیست و چپ تا حدود زیادی زیر تاثیر جنبش های آزادی خواهانه یی بود که در شمال آفریقا وخاور میانه در جریان است. نمایندگان حزب های کمونیست تونس، مصر، اردن، سودان وحزب توده ایران، هر یک، تحلیل خود از روند مبارزه توده مردم کشورهای خود در راه دمکراسی و پیشرفت اجتماعی به حاضران جلسه ارائه دادند که به شدت بر گردهمایی گذاشت. جلسه فوق العاده ای نیز برای سخن رانی و ارائه اطلاعات از سوی نماینده های حزب کمونیست مصر و تونس در نظر گرفته شده بود. رفیق عبدالعزیز مساعودی، نماینده جنبش ''آلتجدید'' تونس، در سخنرانی بسیار جامع خود سیاست اقتصادی نو لیبرالی را که برای مردم تونس فاجعه بار بوده است مورد حمله قرار داد، و چگونگی روند ایجاد فاصله طبقاتی و بیکاری گسترده را بین جوانان و مردم در نتیجه ادامه این سیاست، تشریح کرد. رفیق مساعودی ابراز عقیده کرد که پشتیبانی ظاهری کشور های کاپیتالیستی از جنبش مردمی بر ضد دیکتاتوری را پشتیبانی یی صادقانه نمی داند. او مطرح کرد که این پشتیبانی به منظور نفوذ در این حرکت ها و به دست گرفتن مهار آن ها صورت می گیرد. رفیق تونسی همچنین نقش طبقه کارگر تونس و اتحادیه های کارگری را در پیشبرد این مبارزات و سقوط دیکتاتوری بسیار موثر و کارآ ارزیابی کرد و اعلام کرد که، بعید نیست که ''التجدید'' در یک دولت ائتلافی ملی شرکت کند، و همچنین به منظور پی گیری و تعمیق حرکت های توده ای همچنان به صورت یک حزب اپوزیسیون دولت عمل کند. رفیق صلاح عدلی، عضو رهبری حزب کمونیست مصر، نیز در این جلسه ویژه سخنرانی کرد. او مرحله انقلاب در مصر را مرحله ملی ودمکراتیک ارزیابی کرد، و در ادامه سخنرانی خود، سیاست های اقتصادی نولیبرالی رژیم مبارک را به شدت مورد انتقاد قرار داد. او اعلام کرد که، فاصله طبقاتی در مصر بسیار فاجعه بار است و بخش عظیمی از جمعیت کشور با در آمد یک دلار در روز زندگی می کنند، و این در حالی است که بخشی از جمعیت طبقات بالا ماهانه ده ها هزار دلار در آمد کسب می کنند. .رفیق عدلی اضافه کرد که، انقلاب مصر گام های بعدی خود را نیز به جلو بر خواهد داشت ودر آینده نیز خبر های جدیدی از مصر شنیده خواهد شد. سخنرانی نماینده حزب توده ایران در کنفرانس مورد توجه حاضران قرار گرفت. نماینده حزب توده ایران در سخنرانی خود پشتیبانی عمیق حزب را از مبارزات مردم و نیروهای مترقی فلسطین اعلام کرد و سیاست های تجاوز کارانه دولت اسرائیل را به شدت محکوم کرد. او اعلام کرد که، حزب توده ایران از تشکیل یک دولت مستقل فلسطینی با پایتختی بیت المقدس

شرقی و طبق مصوبات مشخص سازمان ملل پشتیبانی می کند. نماینده حزب توده ایران در این گردهمایی، مبارزات دمکراتیک مردم ایران و شرایط بغرنج مبارزه یی را که در کشور جریان دارد برای نماینده های حاضر توضیح داد، و همچنین سیاست های نو لیبرالی اقتصادی رژیم ولایت فقیه وپیروی آن از بر نامه های اقتصادی بانک جهانی وصندوق بین المللی پول و همچنین خصوصی سازی های افراطی که بخش وسیعی از اموال دولتی را در دست بورژوازی بوروکراتیک قرار داده است، را تشریح کرد. نماینده حزب توده ایران در سخنرانی خود ضمن دفاع از مبارزات مردم ایران در رابطه با هر گونه دخالت خارجی با هر دستاویزی هشدار داد .

در روز اول کنفرانس وبعد از افتتاح آن، به ابتکار آکل نمایندگان حاضر در گردهمایی در کاخ ریاست جمهوری با رئیس جمهوری کشور قبرس، رفیق دمیتری کریستو فیاس، ملاقات کردند. در این دیدار رفتار فروتنانه و سخنرانی یی سرشار از احساس های انسانی رفیق کریستو فیاس مورد توجه حاضران قرار گرفت . او از مبارزات مردم فلسطین پشتیبانی کرد واین پشتیبانی را جزو سیاست های سنتی مردم و دولت قبرس دانست. در بخش دیگری از سخنرانی خود، رئیس جمهوری قبرس درباره اشغال ۳۸ در صد از خاک کشور که در سال ۱۹۷۴از سوی دولت ترکیه صورت گرفته است و همچنان ادامه دارد صحبت کرد. او گفت که مردم یونانی قبرس با هموطنان ترک خود هیچ مشکلی ندارند و حاضرند که در یک فدراسیون ترک و یونانی و برابر حقوق زندگی کنند. ولی دولت ترکیه پس از اشغال، ۲۵۰ هزار نفر را از کشور ترکیه به جزیره آورده و اسکان داده است تا ترکیب جمعیتی را به طور مصنو عی تغییر دهد، واین قابل قبول نیست.

در این گردهمایی، به ابتکار حزب توده ایران و حمایت همه جانبه آکل، قطعنامه یی نیز به منظور اعلام همبستگی با مبارزات دمکراتیک و ضد استبدادی مردم ایران ارائه شد، که تمامی حزب های شرکت کننده آن را امضاء کردند. متن این قطعنامه در شماره قبل نامه مردم (شماره ۸۶۳) منتشر گردید. نماینده حزب مان در حاشیه کنفرانس همچنین ملاقات هایی با نمایندگان حزب های کمونیست مصر، تونس، سودان، قبرس، عراق، یونان، بریتانیا و فدراسیون روسیه ، و همچنین حزب کمونیست اسرائیل داشت، که در جریان آن در مورد او ضاع سیاسی این کشورها بحث و گفت و گو هایی صورت گرفت. احزاب برادر در کنفرانس نسبت به همبستگی و رابطه عمیق خود با حزب توده ایران تاکید ورزیدند. در جریان کنفرانس ملاقاتی میان رفیق آندره کلیچ کوف، نماینده حزب کمونیست فدرا تیو روسیه، و نماینده حزب مان برگزار شد که طی آن روابط تاریخی و عمیق بین دو حزب برادر و همچنین فعالیت های سیاسی دو حزب و آینده تحولات در ایران مورد توجه قرار گرفت. رفیق کلیچ کوف که از قطعنامه همبستگی با مردم ایران حمایت کرده بود، در رابطه با علاقه حزب خود به توسعه روابط دوجانبه ، از ضرورت تبادل نظر میان دو حزب برادر سخن گفت. حزب کمونیست فدراتیو روسیه قصد دارد مجله یی الکترونیکی در سطح بین المللی راه اندازی کند. کنفرانس حزب های کمونیست و چپ در نیکوزیا دو قطعنامه در رابطه با حمایت از تشکیل دولت مستقل فلسطینی و همچنین در رابطه با تحولات اخیر منطقه خاورمیانه تصویب کرد که مورد حمایت حزب توده ایران قرار گرفت.

در بند اول قطعنامه در رابطه با تحولات خاورمیانه آمده است: ‘‘اجلاس بین المللی نیکوزیا .... پس از بحث در رابطه با تحولات چندین کشور جهان عرب و منطقه خاورمیانه در هفته های اخیر ‘‘همبستگی خود را با مبارزات و قیام های مردمی در کشورهای مهتلف جهان عرب و خاورمیانه، برای آزادی های سیاسی و حقوق دموکراتیک، برای حق اشتغال، برای استاندارهای بهتر زندگی، برای حقوق اجتماعی و کاری اعلام می دارد و به شهدای قیام های مردمی اخیر در این کشورها ادای احترام می کند.’’ اجلاس سرکوب جنبش های مردمی در کشورهایی مانند لیبی ، یمن ، بحرین ، الجزایر ، سودان ، عراق و ایران محکوم می کند.

****

ما سرکوبگری رژیم سودان را محکوم می کنیم!

حزب توده ایران، روز ۱۴ بهمن ماه، درباره تشدید اقدامات سرکوبگرانه دولت ارتجاعی سودان نسبت به جنبش دانشجویی این کشور و همچنین اقدام این دولت برای متوقف کردن فعالیت های افشاء گرانه حزب کمونیست سودان به مقام های رسمی این کشور اعتراض کرد. حزب توده ایران ضمن محکوم کردن اقدام های سرکوبگرانه رژیم سودان از سران این کشور خواست تا فوراً اقدام های ایذائی خود بر ضد حزب کمونیست سودان را متوقف کنند و مانع انتشار روزنامه المیدان، ارگان مرکزی حزب کمونیست سودان نشوند.

بر اساس اطلاعیه های منتشر شده از سوی حزب کمونیست سودان نیروهای پلیس و امنیتی این کشور در روزهای ۱۰ الی ۱۳ بهمن ماه به تظاهرات رشد یابنده اعتراضی جوانان و دانشجویان سودانی در رابطه با شرایط نا بسامان کشور، گرانی، فقر و نبود دموکراسی، حمله و تعدادی از دانشجویان را دستگیر کردند. در جریان حمله نیروهای وابسته به رژیم تعدادی از دانشجویان به شدت مضروب، زخمی و یکی از آنانی بنام محمد عبدالرحمن، که در دانشگاه الاهلیه خارطوم تحصیل می کند، به شهادت رسید. از جمله دستگیر شدگان این درگیری ها رفیق عمر محجوب عضو هیئت اجرائیه اتحادیه دانشجویان سودان است. دامنه این تظاهرات اعتراضی حداقل به سه دانشگاه در پایتخت سودان، از جمله دانشگاه الاهلیه، دانشگاه امدورمان و دانشگاه خارطوم کشیده شد. اعتراض دانشجویان در رابطه با گرانی هزینه های زندگی، محدودیت های دموکراتیک، عدم ارائه خدمات درمانی و تحصیلی، و از همه مهمتر ادامه دیکتاتوری مذهبی وحشیانه ای است که کشور را به بحران عمیقی فرو کشانده است.

با انتشار خبر اعتراض های دانشجویی و برخورد خشونت بار پلیس با آن در روزنامه المیدان، ارگان حزب کمونیست سودان، نیرو های امنیتی در روز ۱۳ بهمن با حمله به دفتر روزنامه و دستگیری رفیق کمال کرار، سردبیر و چندین عضو تحریریه و کارمندان روزنامه از انتشار المیدان جلوگیری کردند. در میان دستگیر شدگان اسامی ۵ رفیق زن عضو حزب کمونیست سودان نیز به چشم می خورد.

در نامه اعتراضی حزب توده ایران، اقدام رژیم در سعی به تعطیل آزادی بیان در کشور، و نقض حقوق شهروندان به اعتراض قانونی و صلح آمیزبه شرایط نابسمان کشور به فعالیت های سیاسی شدیداً محکوم شده است. حزب توده ایران خواهان آزادی تمامی زندانیان سیاسی و از جمله اعضای تحریریه و کارکنان المیدان و خاتمه یافتن تمامی اقدام های سرکوبگرانه بر ضد روزنامه المیدان است.





در راهِ ساختمان یک تونس دموکراتیک

مصاحبه ''نامه مردم'' با رفیق عبدلعزیز مساعودی، عضو رهبری جنبش ''التجدید'' تونس،

از روز ۲۴ دی ماه (۱۴ژانویه) که رئیس جمهوری دیکتاتور تونس در زیر فشار تظاهرات اعتراضی زحمتکشان و اعتصاب یکپارچه اتحادیه های کارگری استعفا داد و مخفیانه از کشور فرار کرد، تونس در جریان تغییرات پردامنه ای قرار داشته است. ارثیه شوم دهه ها حکومت پلیسی و سرکوب نیروهای مردمی شرایطی را عملاً به وجود آورده است که سازمان دهی ساختمان یک جامعه دموکراتیک، نو و پیشرو با بسیاری مشکلات ویَژه روبه رو است. در شرایط کنونی تونس مسابقه یی حاد و حیاتی بین نیروهای ترقی خواه و مخالفان ارتجاعی آن ها به هدف تاثیر گذاری بر جهت تحولات کشور در جریان است. در جریان گفتگو ها و تبادل نظر میان نمایندگان حزب توده ایران و رفیق عبدلعزیز مساعودی، عضو رهبری جنبش ''التجدید'' تونس، اوایل اسفند ماه، مصاحبه یی با ایشان برای انتشار در ''نامه مردم'' انجام گردید، که متن آن در ادامه منتشر می شود.

عبدالعزیز مساعودی در ۱۹۵۲ در شهر فاکس تونس متولد شد. او در ۱۹۷۲ به عضویت حزب کمونیست در آمد. رفیق مساعودی از ۱۹۷۵ تا ۱۹۷۷ مسئولیت سازمان دانشجویان کمونیست تونس را بر عهده داشت. او تحصیلات خود در رشته دندانپزشکی را در ۱۹۸۳در انستیتوی پزشکی و دندانپزشکی مسکو به پایان رسانید. رفیق مساعودی عضو شورای نظام دندانپزشکی و از ۲۰۰۷ در سندیکای پزشکان ودندانپزشکان، که یکی از سندیکاهای عضو سندیکای عمومی اتحادیه های کارگری تونس(UGTT) است، عضو بوده است.

رفیق مساعودی از ۲۰۰۱،عضو هیئت سیاسی جنبش ''التجدید'' بوده است و از ۲۰۰۷، مسئولیت روابط بین المللی را بر عهده دارد.

جنبش ''التجدید'' که در ۱۹۹۳ در جریان اجلاس کنگره حزب کمونیست تونس(PCT) تاسیس شد، برای ساختمان سوسیالیسم در تونس مبارزه می کند.

۱. با سقوط بن علی، تونس وارد مرحله تازه یی از تاریخ معاصر خود می شود .آن عامل های اساسی یی که سر منشاء تحول پر معنای اوضاع تونس طی ماه های دسامبر و ژانویه شد کدامندَ؟

–عبدالعزیز مساعودی: سرمنشاءِ رویداد ها که آغازگرانقلاب ۲۴ دی ماه (۱۴ ژانویه۲۰۱۱) شد رفتارنا عَادلانه و تحقیر آمیزی بود که مامورین شهرداری محلی نسبت به یک سبزی فروش دوره گرد اعمال شد وکالاهایش یعنی تنها وسیله امرارمعا ش او ضبط گردید . ''محمد بوعزیز'' این مرد جوان که در مراجعه به ماموران محلی برای باز پس گرفتن اجناس خود واز سرگیری کار خویش ،از رفتارتحقیر آمیزآنان به ستوه آمده بود جلوی ساختمان فرمانداری خود را به آتش کشید . بلافاصله، این حادثه سبب چندین حرکت اعتراضی شد که تعداد بسیاری ازجوانان بیکار شهر''سیدی بوز ید''، محل این حادثه غم انگیز، را به حرکت درآورد و بسیج کرد . این شهری است واقع در بخش غربی– مرکزی تونس که مشکلات توسعه نا یا فتگی شدیدی را متحمل شده است (همراه با زیر ساختاراقتصادی ابتدائی و فقدان محض موسسات صنعتی یی که قادر به ایجاد پست های استخدامی باشند ، با کشاورزی یی مبتنی بربهره برداری های کوچک ویا متوسط فامیلی) ونرخ بسیاربالای بیکاری (نزدیک به ۵۰ در صد جوانان دارای تحصیلات عالی در کشور).

اعتراضات به سرعت درد یگربخش های این فرمانداری وسپس درفرما نداری های مجاوردرغرب و جنوب که نسبت به مناطق ساحلی مشرق،جائی که فعالیت های اساسی اقتصادی کشوردرآن جا متمرکز است مناطق عقب مانده تر محسوب می شوند، گسترش می یابد . اعتراض ها شتاب و وسعت می یابد، شعار ها که درابتدا جنبه مطالباتی داشت در مقابل خشونت و سرکوب پلیس که قصد مهار جنبش را داشت وموفق نشد ، راد یکال تر شد. اولین قربانیان به خاک افتادند، ولی بسیج عمومی نه تنها کاهش نیافت بلکه گسترده ترنیز شد و تقریباً سر تا سر کشور را فراگرفت. شعارهای آهنگین تظاهر کنندگان که فساد افراد خانواده فرمانروا را که به طورغیرقانونی بربخش عظیمی ازاقتصاد کشوردست انداخته و ثروت وحتی میراث فرهنگی کشور را به غارت برده بود را افشا می کردند . سرکوب و خشونت به حدی وحشیانه می شود که درناحیه''کاسرین'' درروزهای آخرهفته ۸ و ۹ ژانویه تعداد کشته شدگان به سی نفر می رسد . سرانجام راه پیمائی ها وتظاهرات به پایتخت کشیده می شود و از دهم ژانویه مرکز سندیکائی که از همان ابتدا از مطا لبا ت مربوط به اشتغا ل و توسعه متوازن مناطق محروم غرب کشور و در عین حال با احتراز از دادن شعار های سیاسی، پشتیبانی می کرد، سرانجام بر اثرفشار از پائین به مبارزات جهت تغییرات سیاسی رادیکال کشیده می شود.نخبگان کشور (فرهنگیان، هنرمندان، وکلا ،قضات و جز اینان) نیز به اعتراضات خیابانی پیوستند و خشونت را تحمل کرده و نادیده گرفتند. مرکزسندیکائی تصمیم به اعتصاب نوبتی در تمام مناطق می گیرد، جوانان با جمعیت های صد ها هزار نفری در سراسرجمهوری رژه می روند و رفتن دیکتاتور وسرنگونی رزیم استبدادیش را خواستارمی شوند . شب ۱۴ ژانویه دیکتاتور که ترس برش داشته بود فرار می کند ، در حالی که کشور را در وضعیت نا مطلوبی رها می سازد: کشوری که همچون طعمه یی است از برای چپاول گران وایجاد هراس از سوی گارد ریاست جمهوری و با ند های مسلح به منظور ایجاد فضای نا امن و هرج ومرج برای مساعد کردن زمینه باز گشت دیکتاتور و قبضه کردن قدرت از سوی ارتش و حتی احتمال دخالتی خارجی از جانب همسایه شرقی که رهبرش ازستا یش دیکتاتور، با بیان اینکه او بهترین رئیس جمهوری یی است که تونس می تواند داشته باشد، حتی در روزفرارش هم تردید نکرد.

۲. نقش نیروهای چپ و رادیکال دراین تحولات چیست؟

-عبدالعزیز مساعودی: جنبش ما(التجدید)همیشه همراه با مجموعه نیروهای دموکراتیک برای شکست سیاست استبدادی و فاسد دیکتاتورمبارزه کرده است. ما کوششش کرده ایم که بااستفاده ه از تمام امکانات موجود اما بسیارمحدود ه ی که باقی مانده ودیکتاتورمجبور به واگذاری آن بوده ، پوچی یک رژیم منحط را به توده ها نشان دهیم ،یعنی رژیم بن علی را که درسال ۱۹۸۷ درپی یک ''کودتای منطبق برقانون اساسی'' وبرپایه یک'' مانیفست'' بسیار لیبرال '' ۷ نوامبر ۱۹۸۷ '' و با دادن وعده اصلاحات سیاسی دموکراتیک به مردم که سریعاً ازآن رو گردانید ، قدرت رابه دست گرفت وخصلت سرکوب گرانه و مستبدانه رژیم قبلی را تقویت کرد و فساد را به حد بی سابقه ای گسترش داد. ما همچنین کوشش های فراوانی برای اتحاد نیروهای دموکراتیک وپیشرو وبه شکست کشاندن هر نوع جایگزین های ارتجاعی و واپسگرا که از سوی حرکت '' انهدا'' و دیگرگرایش های اسلام سیاسی در تونس یدک کشیده می شوند مبذول داشته ایم . ما به اتفاق شخصیت های مستقل جامعه مدنی موفق شدیم اتحاد ''ابتکار دموکراتک'' را بنیان گذاریم که برای نخستین بار درکشو ما موفق شد در انتخابات ریاست جمهوری سال۲۰۰۴ محمدعلی حلوانی، رئیس سابق شورای ملی جنبش التجدید، را به عنوان کاندیدای واحد چپ ، معرفی کند. فعالیت های مشترک نیرو های چپ دموکراتیک ،پیشرو و تجدد طلب با الحاق سازمان های سیاسی دیگر توسعه یافته است تا آن جا که یک اتحاد سیاسی بسیار وسیع، درآخرین انتخابات ریاست جمهوری در نوامبر ۲۰۰۹ ، ازکاندیدای جنبش ما ، یعنی رفیق احمد ابراهیم، دبیر اول '' التجدید''، حمایت کردند. همچنین ما در راه اتحاد نیرو های دموکراتیک در نوامبر۲۰۱۰ - فقط چند ماه پیش از سقوط دیکتاتور - با ایجاد یک اتحا د سیاسی نو موسوم به ''اتحادشهروندی و برابری''، گام تازه دیگری برداشتیم . این اتحاد علاوه بر جنبش ''التجدید '' ، یک حزب رسمی(قانونی) دیگرموسوم به ''اجلاس دمکراتیک کار و آزادی '' ، یک حزب غیر رسمی(غیر قانونی) به نام ''حزب دموکراتیک و وطن دوست کار ''،یک گروه سیاسی اصلاح طلب، و مبارزان مستقل جامعه مدنی ، شامل می گردد.

این اتحاد برنامه عمل وسیعی برمحورخوا سته هائی که باید فعالیت سیاسی خود را برای برنامه آینده تنظیم کند ، تدوین کرد. این برنامه اجرایش را درهفته ها وروزهائی که حوادث انقلابی دسا مبر ۲۰۱۰ و ژانویه۲۰۱۱ را در پی داشت ، آغاز کرد

۳. مواضع حزب شما، جنبش التجدید، در باره تحولات تازه چیست؟ پس از سقوط بن علی یک دولت موقت برای اداره امور کشور تشکیل شد. دبیر کل حزب شما و رهبران پاره یی از نیرو های مخالف دعوت شد ند تا دراین دولت شرکت کنند . اعتراضات مشخصی در باره ترکیب و هدف های دولت موقت ابراز شد . تحلیل شما در این رابطه چیست، و موضع تان در باره شرکت در این دولت چگونه بود ؟

-عبدالعزیز مساعودی: پس از سرنگونی رژیم جابر و فا سد و فرار شرم آوردیکتاتور که چند ساعت قبل از عزیمتش انحلال دولت را اعلام کرده بود ، کشور در یک وضعیت خطرناک ناشی از عدم وجود یک قدرت اجرائی و آشفتگی ارگان های امنیتی غوطه ورشد که زمینه را برای گسترش موجی ازبی نظمی ، غارت و وحشت، در نخستین روز های انقلاب مساعد ساخت . انتصاب فواد مباضع، رئیس مجلس در مقام رئیس جمهوری موقت، امکان یافتن یک راه حل منطبق بر قانون اساسی و تضمین ادامه کار دولت و پیمودن راه رفورم عمیق سیاسی و قانون اساسی در یک دوره قابل قبول انتقالی و استقرار یک قد رت دموکراتیک که مشروعیت خود را از ابراز آزادانه اراده خلق از طریق انتخابات شرافتمندانه و معتبر منطبق با استاندارد های بین المللی را فراهم آورد .

جنبش ما درجلسات مشورتی برای تشکیل دولت موقت شرکت نکرد؛ همراه با دیگرنیروهای دموکراتیک و شخصیت های مستقل و معتبر قبول کرد که در دولت شرکت کند به شرط عدم شرکت کلیه نماد ها وعنصرهای فاسد رژیم گذشته، وتشکیل دو کمیسیون مستقل تحقیق، یکی برای رسیدگی به تجاوزاتی که از سوی نیرو های انتظامی انجام شدند و بر روی تظاهرات مسالمت جویانه با گلوله های حقیقی آتش گشودند و نیز در باره فساد و بدرفتاری های دولت، و دیگری یک کمیسون عالی برای رفورم سیاسی که ماموریتش تنظیم قوانین دموکراتیک جهت مسجل کردن اهداف و اصول انقلاب باید باشد. بدیهی است که در مقابل این دولت انتقالی اپوزیسیونی هم وجود داشت. این ها دو نوع بودند. یکی آنانی بودند که با شعارهای انقلابی خود نمائی می کردند وخواستار پاکسازی دولت و تمام وزیرانی بودند که با رژیم سرنگون شده کار کرده اند (به نظر آن ها فقط سه نفر تکنوکرات با دست های پاک به حساب می آمدند) تا استعفای بی چون وچرای دولت موقت و نیزتشکیل شورای عالی محافظت از انقلاب با دارا بودن حقوقی که آن را مافوق دولت قرارمی دادند. این آخرین پیشنهاد از سوی گروه های بی بنیاد و بی هویتی از سندیکالیست های آنارشیست، بعثی ها، مائوئیست های قدیمی مطرح می شد که از حمایت جنبش تمامیت گرای''انُهدا''بر خوردداربودند . نوع دوم مخالفان ، بیشتر آب زیر کاه و موذی، عبارت بودند از نیروهای وابسته به رژیم سرنگون شده که یا امتیازات شان براثر انقلاب حذف شده بود ویا خطر حذفشان در آینده وجود داشت .

دولت موقت تصمیماتی گرفت و تدابیری اتخاذ کرد که دارای اهمیت تاریخی بودند: عفو عمومی برای تمام زندانیان سیاسی، شناسائی تمام احزابی که آن را خواستار می شدند، ضبط اموال منقول و غیر منقول، دارائی های بانکی دیکتاتورسرنگون شده و بستگا نش، توقیف دارائی های با نکی حزب در قدرت سابق و خلع و تعویض تمام فرمانداراتی که در خدمت رژیم سابق بودند، انتصاب مدیران جدید به جای مدیران فاسد گذشته در شرکت های عمومی(دولتی)، پاک سازی وسیع نهاد های امنیتی، پرداخت غرامت به خانواده های شهیدان و زخمی شدگان انقلاب، افزایش کمک هزینه به خانواده های کم درآمد، دادن کمک هزینه به فارغ التحیصلان بیکار آموزش عالی، تنظیم و اجرای پروژه های بزرگ برای استان های محروم غرب ، جائی که شعله های انقلاب از آن جا زبانه کشید، و جز این ها. دو تد بیر واپسین دیگر و دارای اهمیت استثنائی که به تازگی (قبل از ۲۶ فوریه) اتخاذ شده بودند عبارت بودند از: منع فعالیت حزب سابق در قدرت و در انتظار یک تصمیم قضائی که، می توانست اعلام ممنوعیت آن باشد، و دومی مربوط بود به در خواست رسمی استرداد دیکتاتور سرنگون شده.

جنبش التجدید با وجود اینکه در دولت موقت شرکت داشت، آزادی عقیده و عمل خود را به طور کامل حفظ کرده و با این حکومت موافقتی هوشیارانه و دقیق را قبول کرده بود. هرگاه موضع گیری های دولت به نظر نا درست و یا مغایر با منافع انقلاب می رسید از انتقاد نسبت به آنها تردید نکرد . همچنان که در مورد ارائه لیست فرمانداران از جانب دولت موقت، که اکثریت آن ها به رژیم سابق وابستگی داشتند، این کار را کرد .

موفقیت دولت در تحقق اهداف دموکراتیک دوره گذار تعیین کننده بود. دولت موقت زمان زیادی نداشت. باید موفق می شد . نباید اشتباه می کرد .چالش ها عظیم اند . کوشش برای بی ثبات کردن اوضاع فراوانند و فقط از جانب دشمنان انقلاب اعمال نمی شوند. باخصلت مطالباتی ، و تحصن هائی که از جانب پاره ئی ازکارگران درمحل های کارمشاهده می شد ، گاهی خود جوش ولی غالباً غیرموجه، و به تحریک کادرهای

سندیکا ها ، متوقف کردن تولید یا قطع خدمات که ایجاد مزاحمت می کرد، جز پیچیده تر کردن وضع دشوار اقتصادی که از رژیم گذشته به ارث مانده و بر اثر تلاطم ها و تحرکات سیاسی و اجتماعی ازهمان ابتدای درگیری ها و حوادث ماه دسامبر ۲۰۱۰ ، آسیب پذیرشده بود ، کار دیگری نمی کرد. تامین مطالبات به حق، وحتی پاره یی از آن ها بسیار مبرم کارگران ،تخفیف بیکاری، بهبود شرایط زندگی تمام تونسی ها به ویژه در نواحی کم درآمد تر، خلاصه پاسخ به کلیه انتظارات و آرزو های جوشیده از انقلاب ۱۴ ژانویه مستلزم نگرش نوینی نسبت به کار بود، ونیز از خود گذشتگی موقت اندکی از کارگران پاره یی از مناطق را نسبت به مناطق دیگر که نیازشان بیشتر است ایجاب می کرد، واین همان همبستگی ملی بود، همان چیزی بود که ما سعی می کردیم به شهروندان توضیح دهیم . خوشبختانه – و قویاً– ابتکارهای بسیار تشویق کننده ای در چندین موسسه و شرکت ها مشاهده شد که اعلام کرده بودند یک روز ازحقوقشان را به انقلاب اختصاص می دهند، و حتی در دیگر موسسات کارگران تصمیم گرفتند که به منظور جبران کمبود هائی که دوران های اخیر به علت پائین آمدن ریتم کار حاصل شده بود ،به طور رایگان اضافه کاری کنند . خواست ها ی دارطلبانه ای در راستای اینکه کارگران به میل خودشان برای مدتی محدود از درخواست های مربوط به دستمزد ها خودداری کنند افزایش می یافت. شهروندان بیش از پیش آگاه می شدند که بهبود وضع آنان نسبت به گذشته نا گزیر از طریق رونق اقتصادی و به شتاب ریتم رونق آن وا بسته است .

وزرای دولت موقت هرروزبا انبوهی ازشهروندان مواجه بودند که هیجان زده از شرایط انقلابی، بی صبرانه خواهان آن بودند که آرزوهایشان هر چه زودتر بر آورده شوند .آنان وقت لازم برای پاکسازیِ سریع وزارت خانه هایشان ازعنصرهای ناباب رژیم سابق را که اکثراً به پست های کلیدی گمارده شده بودند پیدا نکرده بودند، و این چیزی بود که سبب کاهش مشکلات نمی شد . بخش اداره اطلاعات توسط عنصرها یی با گذشته مشکوک اشغال شده، کاملاً در هم ریخته بود و اینان از آزادی کامل بیان برای بی اعتبارکردن دولت که خیلی کم دررسانه ها حضورداشت استفاده می کردند. باید سریعاً برای رهایی از این اوضاع عجیب در هم ریخته و زیان آور برای حکومت چاره ای جسته می شد تا دولت بتواند ابتکار را در دست بگیرد و به نحو شایسته ای هدف های دوره گذار را محقق سازد . رفتار نیرو های انقلابی واقعی، در روزها و هفته هائی که در پیش رو داشتیم برای آینده تعیین کننده بود . آنچه که مربوط به جنبش التجدید می شد ازهیچ کوششی درسطح انتظار و آرمان های مردم کشورمان و ادای احترام به شهدا فروگذار نمی کرد.

۴. تحولات اخیر اوضاع منجربه استعفای دولت موقتِ گذار شد . به نظر شما دلائل واقعی این تحولات چیست ؟

–عبدالعزیز مساعودی: درست است. ائتلاف نیروهای مخالف دولت موقتِ گذار با پشتیبانی مدیریت سندیکای مرکزی که در کشور بانفوذ استَ ، توانست دولت را به شدت متزلزل سازد . به ویژه برخورد های شدید با نیروهای انتظامی وعملیات تخریبی بسیار زیان بار روز های ۷ و ۸ اسفند ماه (۲۶ و ۲۷ فوریه) در مرکز پایتخت از سوی عنصرهای مشکو کی که توانستند در میان تظاهر کندگان نفوذ کنند، به این امر کمک کرد . استعفای نخست وزیر، استعفای دو وزیر د یگررا که با او در خدمت رژیم گذشته بودند، به همراه داشت. و درمورد دو وزیری که نمایندگان جنبش ''التجدید'' و حزب ''دموکراتیک پیشرو'' بودند، استعفای آنان از یک سو به این دلیل بود که نخست وزیرجدید عضویت شان را درکابینه اش مشروط به عدم شرکت آنان در انتخابات آینده کرد ودلیل دیگر به نا کارآئی دولت قبلی مربوط می شد، که به خاطر عدم هماهنگی و عدم تمرکز بین اعضای دولت، اشتباهات خطرناکی را مرتکب شده بود که آثاری منفی براعتبارش داشت وبه اعتماد مردم نسبت به ظرفیتش دربریدن کامل از رژیم دیکتاتوری گذشه، آسیب رساند. جنبش ما همچنین به این نتیجه رسید که ازاین پس همکاریش درخارج ازدولت بیشتر موثرخواهد بود ، و می تواند با نیروی بیشتری به تقویت تشکیلات خود وفعالیت ها یش در تماس با توده ها بپردازد و بهتر بتواند برنامه سیاسی، اقتصادی و اجتماعی خود برای دوران آینده (به مردم) بشناساند و خود را برای انتخابات آینده آماده سازد. دولت جدید ۲ مرداد ماه ۱۳۹۰ (۲۴ ژوئیه) را برای انتخابات شورای قانون اساسی (مجلس مؤسسان) که وظیفه اصلیش تهیه و تصویب یک قانون اساسی جدید است که پا سخگوی انتظارات خلق باشد، تعیین کرده است . جنبش ما مصمم است که با همکاری تمام نیرو های دموکراتیک و پیشرو به این امر یاری رساند تا تلاش ها برای بریدن کامل از نظام استبدادی گذشته با تخریب کامل سیستم استبدادی و به ویژه سازمان امنیت دولتی و پلیس سیاسی، یعنی نماد های شکنجه و سرکوب در رژیم سرنگون شده، و با بنیان گذاری نهادهای واقعاً دموکراتیک ونزدیک به مردم، به سرانجام رسد .محورِ دیگری که برای فعالیت دولت جهت موفقیت در دوره گذار دارای اهمیت و به همان اندازه دارای فوریت فوق العاده است، حل معضل های اجتماعی –ا قتصادی حادی ست که به ساکنان مناطق محروم غرب و جنوب کشور تحمیل شده است. برای چنین امری اجرای یک برنامه بلند پروازانه و هدفمند اقتصادی، و نیز ارتقاء اجتماعی منطقه یی که مهد انقلاب ۱۴ ژانویه بوده است، مورد نیاز اَست. مرحله بعدی عبارت خواهد بود از نبردی شدید میان نیروهای انقلابی و ترقی خواه و نیرو های ضد انقلاب و مرتجع. ما به بلوغ سیاسی خلق و قاطعیت شان در مبارزه تا به آخر برای به پیروزی رساندن انقلاب دموکراتیک شان و آماده کردن زمینه برای دگرگونی عمیق اجتماعی– اقتصادی ترقی خواهانه اطمینان داریم.

آیا پیامی برای خوانندگان ''نامه مردم'' دارید؟

–عبدالعزیز مساعودی: من از این موقعیت استفاده می کنم وگرم ترین سلام های خود را به خوانندگان ''نامه مردم''، به رهبری و به اعضای حزب افتخارآمیزبرادر، حزب توده ایران، که با شهامت و به بهای هزینه های سنگین وازخود گذ شتگی سالیان دراز با رژیم های دیکتاتورو تئوکرات مبارزه می کند، تقدیم می دارم . ما ایمان داریم که ملت بزرگ شما در آینده یی نزدیک موفق خواهد شد آزادی اش را به دست آورد و با کمک حزب شما راه ساختن جامعه یی مرفه بر پایه ارزش های دموکراتیک و عدالت اجتماعی به پیش ببرد.

به نقل از نامه مردم شماره ۸۶۴، ۲۳ اسفندماه ۱۳۸۹

****

بیانیه فدراسیون جهانی جوانان دموکرات
در باره اوضاع لیبی



فدراسیون جهانی جوانان دموکرات تحولات اخیر در لیبی ودرباره لیبی را با نگرانی وهراس عمیق پیگیری کرده است .برای فدراسیون جهانی جوانان دموکرات سهمناک است که پاسخ مطالبات مردم لیبی وتظاهرات خیابانی سرکوب ودر موارد زیادی ، کشتار معترضین بوده باشد.
این امر از جانب ما سراوارمحکومیت تام است چون غیر قابل پذیرش بوده ونشانگر نقض حقوق بنیادی آزادی بیان وآزادی تجمعات ، ضرورت ذاتی تمام خلق های جهان است .
هم زمام برای فدراسیون جهانی جوانان دموکرات، هشدار دهنده است که ، تحت این شرایط ، نیروهای امپریالیستی (امریکا وبریتانیا) گرد آمده در ناتو، از طریق رسانه های تحت سلطه ، کارزاری برای توجیه دخالت خارجی در آن کشوررا ، به بهانه « دفاع کردن از حقوق اعتراض کنندگان « به راه انداخته اند.
در این لحظه ، مهم است تاکید کنیم که نه ناتو ونه هیچ یک از اعضای آن زمانی که در یمن یا بحرین (متحدان قدرت های امپریالیستی) اعتراض کنندگان آن کشورها را به صورت وحشیانه ای سرکوب می کردند ، هرگز نگران نبودند.علاوه بر این ، این یک ریاکاری کامل است که کسانی از همان کشورها (به ویژه در بریتانیا) با روابط سطح عالی با دولت لیبی ، اکنون وانمود می کنند که دشمنان تاریخی قذافی حاکم کشور بوده اند.

نقل

از: نویدنو ۱۳۸۹/۱۲/۱۴

****

افزایش فشارها بر حزب کمونیست عراق



این یک اقدام شرم آور از طرف دولت علیه حزب ما است که ده ها سال علیه رژیم دیکتاتوری پیشین عراق مبارزه کرده و یکی از اصیل ترین و قدیمی ترین احزاب سیاسی عراق به شمار میرود. بنابراین دولت عراق لازم است ضمن بازگرداندن دفاتر، از حزب ما و مردم عراق رسماً عذرخواهی کند.

در ادامه فشارها و ایجاد موانع گوناگون بر سر راه فعالیت های سیاسی و مردمی حزب کمونیست عراق، بویژه طی دو سال اخیر، در تازه ترین اقدام دفاتر این حزب در بغداد از طرف نیروهای امنیتی دولت نوری مالکی مورد حمله قرار گرفته و حداقل ۲ دفتر حزب به اشتغال این نیروها در آمدند.

رفیق جاسم حلفی از اعضای رهبری حزب کمونیست عراق در این باره اعلام نمود : به دنبال گسترش اعتراضات مردمی در سراسر عراق و حمایت حزب ما از مطالبات مردم، نوری مالکی نخست وزیر عراق با رهبری حزب تماس گرفته و به طور مستقیم از ما درخواست نمود تا از حمایت مردم معترض و مطالبات آنان خودداری نماییم.

ما این درخواست مالکی را به تندی رد کردیم که این مسئله موجب حملات روزهای اخیر و اشتغال دفاتر حزب ما در بغداد گردید.

رفیق حلفی در ادامه سخنان خود اعلام نمود: علیرغم این حملات، حزب ما همچنان از خواسته های برحق مردم در سراسر عراق حمایت خواهد کرد.

در همین رابطه رفیق حمید مجید موسی دبیر اول حزب کمونیست عراق طی یک نشست مطبوعاتی اظهار داشت: اشغال دفاتر حزب از طرف نیروهای امنیتی دولت نوری مالکی اقدامی غیرقانونی و پایمال کردن قانون اساسی کشور است.

وی همچنین اعلام نمود: این یک اقدام شرم آور از طرف دولت علیه حزب ما است که ده ها سال علیه رژیم دیکتاتوری پیشین عراق مبارزه کرده و یکی از اصیل ترین و قدیمی ترین احزاب سیاسی عراق به شمار میرود. بنابراین دولت عراق لازم است ضمن بازگرداندن دفاتر، از حزب ما و مردم عراق رسماً عذرخواهی کند.

حمید مجید موسی در خاتمه سخنانش تاکید نمود که حاکمان فعلی عراق نمی توانند با این اقدامات شرم آور، حزب کمونیست را تحت فشار قرار دهند تا از اصول اولیه خود عدول نماید و از حمایت مردم معترض عراق که خواهان کسب حقوق اولیه خود برای تامین یک زندگی بهتر هستند دست بردارد.

در همین رابطه رفیق «مفید جزائری»،عضو دفتر سیاسی حزب کمونیست عراق طی گفتگو با شبکه تلویزیونی «الشرقیه» اعلام نمود: نیروهای امنیتی عراق طی روزهای اخیر علاوه بر حزب کمونیست،برخی دفاتر حزب «امت» (اُمه) را نیز مورد حمله قرار داده اند.

لازم به گفتن است که تاکنون علاوه بر چندین گروه سیاسی و مدنی، فراکسیون پارلمانی «العراقیه سفید» نیز که دارای ۷ نماینده در مجلس عراق است، حمله نیروهای امنیتی به دفاتر حزب کمونیست و افزایش فشار بر این حزب را محکوم و مردود شمرده است.

****

بەڕێز عەبدولرەهمان حاجی ئەحمەدی
سکرێتری گشتی پارتی ژیانی ئازادی کوردستان

وێڕای ڕێز و سڵاو: ئێمە واژۆکەرانی ئەم نامەیە دەمانهەوێ هەقێقەتی داستانێک بخەینە روو کە قارەمانی یەکەمی ئەم داستانە بەرێزتان و حیزبی پژاکە- وەک ئاگەدارن لەم ساڵانەی دواییدا، ژمارەی ئەو کەسانەی لە کوردستاندا حوکمی لە سێدارەدانیان بۆ دەرچووە بە شێوەیەکی نائاسایی رووی لە زیاد بوون ناوە و هەندێکیش لەو حوکمانە بە داخەوە جێ بە جێ کراون. بێجگە لەمە، لە شەڕی راستەوخۆی پژاک بەرامبەر کۆماری ئیسلامی، کەسانێکی زۆر لە هەر دوولا گیانیان لە دەست داوە. هەروەها دەبێت ئاماژە بەو هاووڵاتیە مەدەنیانە بکرێ کە لەم دیو و ئەو دیوی سنوور بە هۆی تێکەڵبوونی ناوچەی نیشتەجێ بوونیان بە شەڕەوە گیانیان بێ‌تاوان بەخت کردوە. دیسان دەبێت ئاماری ئەو کەسانەی پێ زیاد بکەین کە بە حوکمی زیندان لە ژیانی ئازاد و کۆمەڵگا دوور خراونەتەوە.

بەڕێز حاجی ئەحمەدی

ئەمە فەقەت بەشێکی بچووکی ئەو گەمەیە کە بەرێزتان رۆڵی سەرەکی تێدا دەبینن. لای بەرێزتان شاراوە نیە کە زۆربەی تێچوویەکانی شەڕی چەکداری نەک فەقەت لایەنێکی تایبەت، بەڵکوو رووبەڕووی هەموو کۆمەڵگای کوردستانی بە گشتی دەبێتەوە. رەش و سپی بوونەوەی فەزای سیاسەت، ئەو کەرتە کە دەبێ جێگای رادەربڕینی ئازاد و راشکاوانە بێت، بەهێز بوونەوەی باڵی رادیکاڵ، پاوانخواز و ئێقتدارگەرای دەسەڵاتی ئیرانی لە کوردستان، چەن قات بوونەوەی تێچووی کاری سیاسی لە کوردستان، ئاسایشی بوونەوەی فەزای فەرهەنگی و کۆمەڵایەتی و گوشاری زیاتر بۆ سەر چالاکانی بواری مەدەنی و سیاسی، دیسان بەشێکی ترن لە ئەنجامەکانی ستراتیژی شەڕی چەکداری.

بەڕێز سکرێتر

حاشا هەڵنەگرە ئاسایش لە هەر وڵاتێکدا قۆناغی یەکەمە بۆ رێکخستن و گەشەی ئابووری و وەبەرهێنان؛ ئەو دەرفەتە کە بە بۆنەی گرێدراویی ئەم وڵاتە بە شەڕی چەکداری یەوە لێی زەوت کراوە و هەر لێرەوە راستەوخۆ لە سەر چۆنایەتی ژیانی ئابووری خەڵک کاریگەری نێگەتیڤی داناوە.

لە باری نێودەوڵەتیەوە بۆ جاری یەکەم لە سایەی ستراتیژی نیزامی نابەجێ و ناوەختدا دەستەواژەی تیرۆر و تیرۆریسم دەخریتە پاڵ کورد و کوردستان، ئەو چەمکە ناحەزە کە بە تەنیا خۆی دەتوانێ هەموو واقیع و راستی‌یەکانی ئەم وڵاتە بشێوێنێت وکێشەی کورد بخاتە ژێرسێبەری خۆی لە نێو یاری‌یە دیپلۆماسی‌یەکانی کۆمەڵگای جیهانیدا. لە راستیدا جیهانی ئەمرۆ نەک هیچ بایەخێک بۆ هێزە چریکی‌یەکان دانانێت، بەڵکوو دژایەتی‌یەکی تەواوی لەگەڵدا هەیە، هیچ فەرقیش ناکات چی دەڵێی و دژ بە کێ راوەستاوی. لێرەوە ئەوە خانەی تیرۆریزمە کە تۆ خۆتی پێ پێناسە دەکەی.

لە دواییشدا، بە داخەوە لە ئەنجامی ئەو مانایە کە ئێوە بۆ کورد بوونتان هەڵبژاردووە، نەک هەر بۆتە هۆی سەپاندنی تێچووی ناعەقلانی بەسەر کۆمەڵگادا، بەڵکوو لەوە گرینگتر بۆتە هۆی گۆشەگیربوونی زۆربەی بەشەکانی کۆمەڵگا و بە تایبەت توێژی نوخبەو ناوازە. لێرەوە کوردایەتی مانای گیان لە سەر دەست نان و پێشوازی کردن لە مەرگ و زیندان و ئەشکەنجە لە خۆ دەگرێ و تاک بۆ گونجان و هاوئاهەنگ بوون لە گەڵ کوردایەتی تەرجەمە کراوی ئێوە دا، دەبێت واز لە هەموو پێوەندی یەکانی لە گەڵ ژیانی رۆژانە و دەرەوە بێنێت و بە گیان و ماڵ خۆی بۆ ئەم رێگایە تەرخان بکات. هەر لێرەدایە کوردایەتی وەکوو ئەمرێکی فەرهەنگی کە دەبێت بەردەوام لە هەموو قۆناغەکانی ژیانی مرۆڤی کورددا و لە هەموو بوارەکاندا خۆی دووپات بکاتەوە، دادەبەزێ

بۆ کردەوەکانی هێزێکی بچووکی چەکداری کە ڕۆژ لە دوای ڕۆژ خۆی لە واقیع و بەرژەوەندی‌یەکانی ژیانی کوردی دوور دەخاتەوە و پێوەندی لە گەڵ خواستە سەرەکی‌یەکانی خەڵکدا تەسکتر دەکاتەوە.
بەڕێز حاجی ئەحمەدی
ئەمانە بەشێک بوون لە تەواوی ئەو تێچوویانە کە ئەنجامە کردەوەییەکانی ئەندێشەو ئایدۆلۆژی ئێوە بە سەر کۆمەڵگای کوردستاندا سەپاندوویەتی. بە گشتی بە داخەوە کۆمەڵگای کوردستان کەوتۆتە نێو گەمەیەکەوە کە یاسا و ڕێسا و ئامرازەکانی بێ هیچ چەشنە شەرعیەت وەرگرتنێک، پێشوەخت دارێژڕاون. لێرەدا ئەو پرسیارە دێتە ئاراوە، کە ئایا لایەنێکی تایبەت تا چەندە مافی ئەوەی هەیە یەک لایەنە و نادیموکراتیک شێوە ستراتیژیەک هەڵبژێرێ کە تێچوویەکانی ڕووبەڕووی هەموو کۆمەڵگا بە گشتی بکاتەوە. بە شێوەیەکی ڕوونتر، ئایا شەڕی چەکداری ئێستا و لەم کاتەدا، چەندە هەڵگری شەرعیەتێکی نیشتمانیە. ئایا کردنی کوردستان بە مەیدانی شەڕێکی هەتاهەتایی لە ئاراستەی بەرژەوەندیە باڵاکانی گەلی کورد دایە؟ ئایا هێشتنەوەی لەم دۆخەدا بەشێک نیە لە پرۆژەی دواکەوتنی مێژوویی کوردستان لە باری ئابووری و سیاسی‌یەوە؟ ئایا بڕیاردەرانی ئەم ستراتیژی‌یە چۆن و لە سۆنگەی کامە بیر و باوەڕەوە دەتوانن پاساوی بۆ بهێنەوە و لە گەڵ بەرژەوەندی کورد دا بیگونجێنن؟ چۆن دەتوانرێ گیانی مرۆڤ هێندە هەرزان لە ڕێگەی ئایدیالە زەینیەکانی لایەنێکی سیاسی دا بەخت بکرێت؟
بەڕێز سکرێتر
کورد بوون ئەو فەرهەنگەیە کە لە توانایدا هەیە بەردەوام خۆی لە هەموو بوارەکانی سیاسەت، ژیانی کۆمەڵایەتی، دیپلۆماسی و هتد بە زمانێکی مەدەنی و دیموکراتیک تەرجەمە بکات و ڕێگا چارە بۆ کەندوکۆسپەکانی بەردەمی ببینێتەوە. کە وابوو ئەم فەرهەنگە بۆ گوزارشتی خۆی چ پێویستی بە شەڕی چەکداری و تیرۆر و تەقینەوە نیە. ئەم کردەوەگەلە فەقەت دەتوانن زمانحاڵی ئایدۆلۆژی‌یەکی دواکەوتوو، نادیمۆکراتیک و کۆنەپەرەست وەکوو سەلەفیەت بن کە سەرچاوەکانی لە دەرەوەی بازنەی فەرهەنگی سیاسی و مەدەنی کورد دایە.
بەریز حاجی ئەحمەدی
گیان و ماڵی مرۆڤ پیرۆزە و کەس مافی ئەوەی نیە لێیان زەوت بکات. ئێوە بڕوانن بۆ ئەو هەڵمەتە ناڕەزایی دەربڕینە لە مەڕ کێشەی ئێعدام لە ئێران کە سەرانسەری جیهانی گرتۆتەوە. پرۆتیستۆکان نەک تەنیا لایەنگرانی مافی مرۆڤ، بەڵکوو سیاسی و ڕۆشنبیر و مەدەنیشی ناچار بە هەڵوێست وەرگرتن کردوە. تەنانەت خەڵکی کوردستانیش بەو هەموو گوشار و مەترسیەوە بێدەنگ نەبووە و بە هەر شێوەیەک بۆی لوا بێت دەنگی ناڕەزایەتی خۆی هەڵبڕیوە، کە چی حیزبی پژاک لە زۆر جاراندا ئیزنی ئەوەی بە خۆی داوە گیانی کەسانێک بە بێ ئەوەی لە دادگایەکی شیاو و بە پێ بنەمایەکی یاسایی بە پێ بەڵگەی باوەڕپێکراو موحاکمە کرا بن، بە تۆمەتگەلی جۆربەجۆر بستێنێ. ئەو کردەوە کە بە پێ هەموو پەیمان‌نامە و گرێبەستە نێو دەوڵەتیەکان وبە پێ هەموو پرەنسیپ و پێودانگە مرۆڤی‌یەکان بە تیرۆر پێناسە دەکرێت.
بەڕێز سکرێتر
لە کۆتاییدا، داواکاری ئێمە لە بەڕێزتان ئەوەیە سەر لە نوێ بارودۆخی ئێستای کوردستان بە وردبینیەوە لێک بدەنەوە. کوردستانی ئەمڕۆ ئاڵ و گۆڕێکی یەکجار زۆری بە نیسبەت دەیەکانی پێشوو بە خۆیەوە بینیوە. ئەمڕۆ ئەو ڕۆژەیە کە خەڵکانی سەرشەقام خواستەکانی خۆیان بە شێوەیەکی هێمنانە، مەدەنی و ئاشتیخوازانە و بە دوور لە توندوتیژی گەڵاڵە دەکەن، نموونەکەشی مانگرتنەکانی بازار و کۆبوونەوەکانی بەر زیندان و هتد. ئەمڕۆ ئەو ڕۆژەیە چالاکانی مەدەنی و سیاسی کورد، کەڵک لە هەموو بوار و دەرفەتەکان وەردەگرن بۆ زیندوو کردنەوە و بە دواداچوونی مافەکانی ئەم گەلە. ئەو ڕۆژەیە کە لە نێو کورد دا بەربژێری خەڵاتی نۆبێل هەڵدەبژێردرێت، بەڵام نەک بۆ ئازایەتی لە شەڕی چەکداریدا، بەڵکوو بە بۆنەی بە دواداچوونێکی مەدەنیانەی مافەکانی گەل.
ئەمە وێنەی ئەو وڵاتەیە کە کردەوە سیاسی و مەدەنیەکانی ستایش و ڕێزی ئێران و تەنانەت جیهانی بۆ لای خۆی ڕاکێشاوە.
هەر بەم بۆنەوە ئێمە وا دەزانین ئەرکی سەرشانی هەموو لایەنە سیاسی و ڕۆشنبیری‌یەکانە بەستێن بۆ ئەم فەرهەنگە خۆش بکەن، نەک ئەوەی ببن بە ڕێگرێک لە بەردەم گەشەسەندنیدا. مەدەنیەت و کۆمەڵگای مەدەنی لە ئاسایش و ئارامشدا نەک تەنیا بەهێزتر دەبێت، بەڵکوو لە ڕووبەڕووبوونەوەی کێشەکانیدا بە ئەزموونتر و لە هەڵگرتنی کۆسپەکانی بەردەمیدا زۆر کارامەتر ڕەفتار دەکات.
ئێمە پێمان وایە چارەسەری کێشەی کورد بە ڕوانینێکی عەقڵانی و بە لەبەر چاوگرتنی هەموو ئەو

تێچوو و دەسکەوتانە مەیسەر دەبێت کە رووبەڕووی کۆمەڵگای کوردستانی بە گشتی دەبێتەوە، نەک بە تێڕوانینێکی ئایدۆلۆژیک کە ئارمانەکانی خۆی پێشوەخت بە سەر کێشەکەدا سەپاندووە و دواتر بە بەرز و پیرۆزکردنەوەی تێچوویەکان رێ لە هەموو پرسیار و گومانێک بگرێ.

موختار زارەعی ئەندامی کۆمیتە ناوەندی بەرەی یەکگرتووی کورد

ئازاد نمەکی ئەندامی کۆمیتە ناوەندی بەرەی یەکگرتووی کورد

کازیوە

بە دۆستان و هاورێکانتان بناسێنن !

فیدراسیۆنی پەنابەران ئیدانەی ناردنەوەی پەنابەرانی ئێرانی دەکات

لە ڕاگەیاندنێکدا فیدراسیۆنی سەراسەری پەنابەرانی عێراقی ئاماژە بەوە دەکات دیپۆرت کردنەوەی پەنابەرانی ئێرانی کارێکی مەترسیدارە بۆسەر ژیانی ئەو پەنابەرانە، بۆیە پێویستە خۆپیشاندەران یەکێک لەداواکاینیان ڕێگری کردنبێت لەدیپۆرت کردنەوە.

ئەمەی خوارەوە دەقی ڕاگەیاندنەکەیە:

رادەستکردنەوەی پەنابەرانی ئێرانی بە جمهوری ئیسلامی بەڵگەی خۆشخزمەتی حکومەتی هەرێمە بەو رژێمە دڕندەیە!

بەپێی ئەو هەواڵانەی لە «کەمپینی نا بۆ دیپۆرت» لە کوردستانەوە بە دەستی فیدراسیۆنی سەراسەری پەنابەرانی عێراقی گەیشتووە، لە ماوەی رابردوودا چەندین پەنابەری ئێرانی لەکوردستانی عێراق لەسەرئەوەی دژ بە رژێمی ئێران لەبەردەم باڵویزخانەی ئەو وڵاتە لە هەولێر نارەزایەتیان دەربریوەو بەوهۆیەشەوە کە لە خۆپیشاندانەکانی خەڵکی کوردستانی عێراق بەشداربوون، لەلایەن دەسەڵاتدارانی حکومەتی هەرێمی کوردستانەوە دەستگیرکراون و رادەستی جمهوری ئیسلامی ئێران کراونەتەوە. ژمارەیەکی دیکەش لە زیندانەکاندا راگیراون‌و وابریارە دیپۆرتی ئێران بکرێنەوە.

ئەم هەڵسوکەوتەی دەسەڵاتدارانی کوردستان بێشک بازرگانی سیاسییە بەژیانی ئینسانەکانەوەو تاوانێکی گەورەیەو هیچ پاساوێک پاکانەی ناکات. پێویستە راگرتنی ئەم سیاسەتە وهاوکاریکردنی حکومەتی هەرێمی کوردستان بۆ ناردنەوەی هاوڵاتیانی ئێرانی پەنابەر لەکوردستانی عێراق بخریتە لیستی داواکاریەکانی هەر ئیستای خۆپیشاندەران لە کوردستان. ئەم تاوانەی دەسەڵاتداران لە کاتێکدایە کە باش دەزانن جمهوری ئیسلامی ئیران هەموو ئەو کەسانەی نارازین بە دەسەلاتەکەیان نەک هەر ئەشکەنجەو زیندانی دەکات، بەڵکو رووبەرووی حکومی ئیعدام دەبنەوە. بۆیە ئێمە بەرپرسیاریتی راستەوخۆی ژیان‌و سەلامەتی پەنابەرانی ئێرانی لەکوردستان دەخەینە ئەستۆی حکومەتی هەرێمی کوردستان.

بەداخەوە وادیارە دەسەلاتداران بەهۆی نقوم بوون لەسەروەت و سامان و قازانجی زەبەلاح و مانەوە لەسەر کورسی دەسەلات، ئەوەیان لەبیرچۆتەوە کاتێک ئەوان لەشاخیش جیگایان نەدەبووە، لەلایەن خەڵکی ئازادیخوازی ئێرانەوە داڵدە دەدران و هاوکاری و پشتیوانی دەکران. بەڵام هەر ئەمانە کە ئەمرۆ کەوتوونەتە بەردەم شەپۆلی نارەزایەتی جەماوەری خەڵکی کوردستان لەدوا ساتەکانی تەمەنی دەسەڵاتیان هەرچی بەهاو پێوەرو پرەنسیپی سیاسی و رابردووی خۆشیان هەیە لە بیری دەبەنەوە.

حکومەتی هەرێمی کوردستان کە بە بەردەوامی هاوکاری ولاتانی ئەوروپای کردوە بۆدیپۆرتکردنەوەی هاولاتیانی کوردو ژیانی دەیان پەنابەری کوردی لەگەڵ مەرگ‌و تراژیدیای نائینسانی بەروو روو کردۆتەوە، ئەوەشی لێچاوەروان دەکری ت لە پاڵ تەقەکردن لە خۆپیشاندەران‌و گرتن‌و هەڵکوتانە سەر ماڵان، هاولاتیانی هەڵهاتووی دەستی رژیمی سەرکوتگەری جمهوری ئیسلامی ئیرانیش بە خاتری پەیوەندی دیپلوماسی و بازرگانی و پاراستنی دەسەلاتەکەیان تەسلیمی ئەو دەوڵەتە سەرکوتگەرو ئیسنانکوژە بکاتەوە.

ئێمە لە فیدراسیۆنی سەراسەری پەنابەرانی عێراقی سەرباری بە توندی ئیدانەکردنی دیپۆرتی پەنابەران لەلایەن دەسەڵاتدارانی کوردستانەوە بەجمهوری ئیسلامی ئێران، داوای دەستبەجێ راگرتنی ئەم سیاسەتە دژی ئینسانیە دەکەین لەلایەن حکومەتی هەریمەوە و بەرپرسیاریان دەکەین لە سەلامەتی گیانی هاولاتیانی ئێرانی لە کوردستان. هاوکات فیدراسیۆن بەو پەری تواناوە دەنگی نارەزایەتی خۆی دەخاتە پاڵ دەنگی خۆپیشاندەرانی کوردستان لە پێناو دامەزراندنی سیستەمێکی پشتبەستوو بە ئیرادەی راستەخۆی جەماوەر، بۆ ئازادی‌و یەکسانی و ئایندەیەکی شادو خۆشگوزەران بۆ خەڵکی کوردستان. کوردستانێک کە جێگای نەیارانی رژیمە سەرکوتگەرەکان، داڵدەی لێقەوماوان‌و ئازادی نیشتەجێبوون و مافی هاوڵاتی یەکسانی تیا بەرپا بێت.

نا بۆ دیپۆرت، بەڵی بۆ مافی هاوڵاتی یەکسان

سکرتێری فیدراسیۆنی سەراسەری پەنابەرانی عێراقی

ڕاگەیاندنی کۆبوونەوەی تایبەتی کۆمیتەی ناوەندی حزبی شیوعی کوردستان

بەرەو یەکخستنی هەموو تواناکان بۆ بەدیهێنانی داخوازییەکانی جەماوەرو هەنگاونان بۆچاکسازی

کۆمیتەی ناوەندی حزبی شیوعی کوردستان ڕۆژی ٢/ ٣/ ٢٠١١ کۆبوونەوەیەکی تایبەتی بەرەوشی ئێستای کوردستانو عێراقو ناوچەکەو ڕۆژهەلاتی ناوەڕاست سازدا.



کۆبوونەوەکە بە وەستانی ساتێک بۆ گیانی پاکی سەرجەم شەهیدانی ئازادیو یەکسانیو شەهیدانی خۆپیشاندانەکانی ئەم دواییەی کوردستان دەستی بەکارەکانی کرد، پاشان ڕەوشی سیاسی ناوچەکەوعێراقو کوردستانی خستەبەرباس و لێکۆلینەوەو تێیدا، ئاماژەی بەهاتنە سەرشەقامی جەماوەری ولاتانی عەرەبی بەگشتی کرد، کە لەناوەڕۆکدا ئەم وەرچەرخانە نوێو گەورەیە لەسەرکارلابردنی چەند ڕژێمێکی دیکتاتۆری لێکەوتەوە، فشاری جددیشی بۆسەر ڕژێمەکانی چەند ولاتێکی دیکە دروستکردووە کە بکەونە خۆو بەزوویی چاکسازی سیاسیو کۆمەلایەتیو ئابوریو بەرفراوانکردنی ئازادی سیاسی دەست پێ بکەن، لەڕاستیدا ئەم خۆپیشاندان و ڕاپەڕینانە مۆرکێکی کۆمەلایەتی لەخۆ دەگرێت کە گەلان لەپێناو دادپەروەری کۆمەلایەتیو بژێوی ژیانیان بەرپایان کرد. ئەم چالاکیو نارەزاییانە دواجار وەک نارەزاییەک لە بەرامبەر شێوازی بەرێوە بردنی دەولەتو سیستەمی سیاسیو پیادەنەکردنی بنەماکانی دیموکراسیو بەرتەسکیی ئازادییە گشتییەکانو خراپی ئاستی خزمەتگوزارییەکان عێراقیشی گرتەوە.

لە هەمان کاتدا کۆمیتەی ناوەندی حزبی شیوعی کوردستان بە وردی خوێندنەوەی بۆ دۆخی ناوخۆی کوردستان کردو هەلوەستەی لەسەر چەند خالێکی گرنگ کرد، کە پێی وایە ئەم نارەزایەتیو خۆپیشاندانانەی جەماوەر مافێکی سروشتی هەموو هاوولاتیانەو لەگەل بنەماکانی دیموکراسیو مافی مرۆڤ ودەستورو ڕێساو ئەو دەقە نێو دەولەتیانە یەکدەگرێتەوە کە تایبەتن بە ئازادیو مافی مرۆڤ و، داواکاریو خواستی ڕەوان‌و, حزبی شیوعی کوردستان بەجددی پالپشتی لە تەواوی ئەو داواکارییە ڕەوایانە دەکات, کە بە شێوەیەکی مەدەنیو دوور لە هەلچوونو توندووتیژیو تێکەلکردنی ململانێ وناکۆکییە سیاسییە ناوخۆییەکان بەرێوە بچن، چونکە پێی وایە ئەم داواکارییانە داواکاری کەلەکەبووی زیاتر لە ١٥ سالی رابردووە، کە لەچەندین بۆنەدا حزبی شیوعی بەردەوام قسەی لە بارەوە کردوە وپرۆژەی چاکسازی سیاسی وئابوریو کۆمەلایەتی بۆخستۆتە ڕوو، بەلام بەداخەوە جگە لەوەی کە هەندێک هەنگاوی بچووک نەبێت لەم بوارانەدا نراون، یان چەند دەستپێشخەرییەک نەبێت، نەتوانراوە چاکسازییەکان بخرێنە سەر ڕێگا ڕاستەکەی خۆیو ڕەوشی هەرێمی کوردستان بەردەوام هەموو جۆرەکانی خراپ بەکارهێنانی دەسەلاتی تیادا بەکارهاتووەو, دەرئەنجامیش ئەوەی لێکەوتۆتەوە کە ئێستا هەموولایەک لەژێر سەردێر ی نەبوونی عەدالەتی کۆمەلایەتیو یەکسانیو گەندەلی بەهەموو شێوەکانییەوە وەسفی دەکەنو داوای چاکسازی بۆ دەکەن.

کۆمیتەی ناوەندی حزبی شیوعی کوردستان، لەگەل دیاریکردنی هەموو لایەنە سەلبییەکان بوو لەهەرێمی کوردستانداو، جەختی لەوە کردەوە کە پێویستە حکومەتو لایەنە پەیوەندیدارەکان بەزوویيو بە شێوەیەکی کردەیی بەرەو پیری داخوازییەکانەوە بچنو بەجددی داوالە لایەنە پەیوەندیدارەکان دەکات کە پێویستە لە هەموو ئەو بوارانەی کە هۆکارن بۆ سەرهەلدانی گەندەلی چارەسەری کەموکورییەکان بکرێتو, بەتایبەتیش هەولدانی جددی لەلایەن دەسەلاتەوە بۆ ڕێگەگرتن لە هەژموونی حزبە دەسەلاتدارەکان بەسەر تەواوی جومگەکانی ژیان لەکوردستان دا، لەپێناو بنیادنانەوەو ڕێکخستنەوەی مالی ناوخۆی کوردستانیو دروستکردنەوەی

کەسایەتی تاکی کوردستانیو کەرامەتی هاوولاتیان بەگشتی، هەروەها ئەگەر بەجددی هەنگاو بۆ چاکسازی ببردرێت ئەوا بەهەوڵی هەموولایەک دەتوانین کەموکوڕییەکان دەست نیشان بکەینو دۆخی ناوخۆیی کوردستان رووەو چاککردنو راستکردنەوە بەرین، کە بێگومان ئەمەش هەنگاوێکی گرنگ دەبێت لە رووبەرووبونەوەی هەموو هەڕەشەیەک بۆ سەرکوردستانو هێنانەدی ئامانجە رەواو گشتییەکانی بزوتنەوە نیشتیمانییەکەی.

لەم پێناوەدا، حزبی شیوعی کوردستان پێشنیار دەکات کە پێویستە رێکخستنەوەو چاکسازی هەموو بوارەکان بگرێتەوە، لەپێشەوەشیاندا، هەموارکردنەوەی ئەو یاسایانەی کە خزمەت بە بەرژەوەندییەکانی کۆمەڵگەی کوردستانی ناکەنو لە زوترین کاتدا هەڵبژاردنەکانی ئەنجومەنی پارێزگاکان سازبدرێتو دەسەڵاتی ئەوتۆشیان هەبێت کە بتوانن خزمەتی ناوچەکانیان بکەن.

هەروەها پێویستە پەلەبکرێت لەبڕیاردانی چەندین یاسای وەک پاراستنی بەکاربەرو یاسای کێبرکێ وریگرتن لە قۆرخکردنو هەموارکردنەوەی یاسای وەبەرهێنانو یاسای خۆپیشاندان.

لەگەڵ ئەو بەرچاوخستنانە، کۆمیتەی ناوەندی حزبی شیوعی کوردستان، لەگەڵ داخوازییەکانی جەماوەردایە بۆ هێنانەدی خواستەکانیان بەشێوەیەکی مەدەنیانەی ئاشتیانەو هەروەها دژی هەرجۆرە پەرچە کردارێکی توندوتیژییە چ لەلایەن دەزگا ئەمنیەکانی دەسەڵاتەوە بێت یان لەلایەن چەند کەسێک لەخۆپیشاندەران.



لە هەمان کاتدا پێویستە پەلەکردن بکرێ لەتەواوکردنی یەکخستنەوەی هەموو ئیدارەکان کە هێشتان یەکنەخراون یان تارمایی دوو ئیدارەییان بە سەرەوە ماوە لە نێو حکومەتی هەرێمدا بە شێوەیەکی کردەیی، چونکە ئەمە قەڵەمڕەوی حکومەت لەسەر تاسەری کوردستان دەگرێتەوە وەک هەنگاوێک بۆدەرباز کردنی دەسەڵات لەژێر رکێفی حزب وجیاکردنەوەی حزب لە حکومەت، لەگەڵ ئەمەشدا رێکخستەوەی نێومالی کوردستانی فاکتەری سەرەکییە لە روبەروو بوونەوەی هەر مەترسیکی دەرەکی بە تایبەتی لە بە رامبەر پیلانەکانی نەیارانی دۆزی رەوای گەلە کەمان بە تایبەتی لە ناوچە دابرێنراوەکان بە گشتی و کەرکوک بە تایبەتی. ئەمەش وادەخوازێت وەک ئەرکێکی نەتەویی و نیشتیمانی دیالۆگێک هەبێت لە نێوان هەموو لایەنە سیاسیەکانی کوردستاندا. بە مەبەستی چارەسەرکردنی کێشە ناوخۆییەکان و رووبەروو بوونەوەی هەرەشەو مەترسیە دەرەکییەکان. بێگومان بەدیهێنانی ئەم ئەرکەش پێویستی بە گیانی بەر پرسیارێتی هەموو لایەک هەیە.

هەر لەم روانگەیەشەوە لە گەڵ پشتگیری کردن پرۆژە حەڤدە خاڵیەکەی پەرلەمانی کوردستان بۆ چارەسەری ئەم دۆخە حزبی شیوعی کوردستان پرۆژەیەکی چاکسازی گشتگیر بەهەموو بوارەکان بۆسەرۆکایەتی هەرێم و پەرلەمانو حکومەتو لایەنە پەیوەندیدارەکان ورای گشتی رادەگەیەنێت لەپێناو یەکسختنی تواناکان لەپێناو ئازادی نیشتمانو خۆشگوزەرانی گەلی کوردستان.

کۆمیتەی ناوەندی
حزبی شیوعی کوردستان
٢ی ئاداری ٢٠١١

دوای ئەم هەموو گلانە بۆ نابینە سوار؟!

زیرەک کەمال

یەکێک لە هەڵە هەرە ستراتیژییەکان لە قۆناغی دوای ڕاپەڕینی ١٩٩١ کە سیاسەتو بەتایبەتیش بزووتنەوەی حزبایەتی لە هەرێمی کوردستان کردی داگیرکردنی کۆمەڵگای مەدەنی بوو, بە پاشکۆکردنو لکاندنی ئەو ڕێکخراوانە بوو بە حزب خۆی, لە کاتێکدا دەبوایە حزبەکانی کوردستان باش لەو هەقیقەتە تێ بگەن کەوا بە حزبیکردنی ڕێکخراوی چینو توێژەکانی کۆمەڵگاو کردنیان بەماڵێکی تری حزب, جگە لەوەی دووبارەکردنەوەی کلتوری بەعسیزمو هەموو سیستەمە دیکتاتۆرو شمولییەکانی جیهانو ناوچەکە بوو لە هەمان کاتدا بەم سیاسەتەیان حزبەکانی خۆمان زەبرێکی گەورەیان لە پرۆسەی بە دیموکراسیکردنو بە مەدەنیکردنی کۆمەڵگا داو درزو کەلەبەرێکی گەورەشیان خستە نێوان خۆیانو جەماوەرەوە, هەڵبەت لە ئێستاشدا ئەو هەڵوێستە نادیموکراسییانەی حزبەکان بە دیارکەوتووەو لە داهاتووشدا کاریگەریی ئەو ئاسەوارانە ترسناکتر دەبێت, ڕێکخراوەکانی کۆمەڵگای مەدەنی جگە لەوەی ئەڵقە گەیاندنی حکومەتو کۆمەڵگانو خواستو داواکاریو کێشەو گرفتی چینو توێژەکان دەگەیەنێتە بەردەم حکومەت, لە هەمان کاتدا خودی ئەو ڕێکخراوانە ڕۆڵێکی گەورە دەبینن لە ڕاهێنانی کۆمەڵانی خەڵک لەسەر خستنەڕووی داواکارییەکانیانو چالاکییەکانیان بە شێوەیەکی مەدەنی, بە حزبیکردنو بە سیاسیکردنی ڕێکخراوەکانی کۆمەڵگای مەدەنی لە ڕۆژگاری ئەمڕۆدا وایکردووە کە ئەو ڕێکخراوانە نەتوانن بە قەد کۆڕێکی شیعریو بە قەد دیوەخانێک خەڵک کۆبکەنەوە, ڕووداوەکانی ئەم دواییەی شاری سلێمانی جگە لەوەی لاوازی کلتوری دیموکراسی لە وڵاتەکەمان نیشاندا لە هەمان کاتدا لاوازی پێگەی جەماوەری ڕێکخراوەکانی کۆمەڵگای مەدەنیشی زیاتر سەلماند.

من ئەو شەوە بەدیار دیمەنی خوێناویو توندوتیژی ئەو ڕووداوانەی ئەو شارە زۆر گریام, گریانێک زۆری نەمابوو سۆزی عاتیفیو دەروونییەکانم حاشام پێ لە رابردوو بکات.

بۆ دەبێت بەم شێوەیە مامەڵە لەگەڵا یەکتری بکەین؟ بۆ دەبێت ئەو ڕاستییەمان لەبیربچێت کە دیموکراتییەت زەمانەتی پاراستمانە لە مانەوەی پاڵپشتی نێو دەوڵەتی بۆ ئەزموونەکەمان؟ بۆ دەبێت ئەو نەزانینی کە عەقڵانییەتو پاراستنی مافی مرۆڤ پێوەری ڕاستگۆییمانە لە بەردەم ڕای گشتی جیهاندا؟ بۆ دەبێت نەزانین شەڕانگێزیو توندوتیژی کلتوری دژە دیموکراسیو بەربوونە گیانی یەکتری ئەگەری تێکچوونی ئەزموونەکەمانو سەر لە نوێ دەمان کاتەوە بە مازوو چنی پاشوێل دڕاو؟

لە ڕووداوەکانی ئەم دواییەی سلێمانی هەر دڵۆپە خوێنێک کە ڕژا لە جەستەی من ڕۆیشت, هەر دارو بەردێک دەوەشێنرا بەر من کەوت, دەیانساڵا بەر لە ئێستا گۆران لەو شارەدا بە شیعر وەسفی جوانی کوردستانی کردوە, وەسفێک جوانتر لە کوردستان خۆی, قانیع لە نێو شیعردا داوای بۆ عەدالەتی کۆمەڵایەتی دەکرد, مەحویو نالی لە نێو وشەدا باسی گەورەیی عەشقو جوانیو مرۆڤیان دەکرد, دڵنیام ئێستا ڕۆحی هەموویان لەسەر شۆستە ترسناکەکانی شار بۆ سلێمانی دەگرین, ماناکانی ڕووداوەکانی سلێمانی تێ بگەن, با زیاتریش لەوە نەگلێینو نەشبین بەسوار...!

****

کازیوە

بە دۆستان و هاورێکانتان بناسێنن !

پەیامی سەرەخۆشی مەکتەبی سیاسی « حشک «



هەواڵ ی کۆچی دووایی تێکۆشەر وکەسایەتی سیاسی ناوداری گەلەکەمان مام غەنی بلوریانی نەمرمان پێکەیشت وداخ وئازاریکی بۆخۆمان وهاورییان وخەبات گێڕان هینایە کایەوە و، یادەوەریەکانی پتر لەنیو سەدەی خۆراگری وبەوەفایی ئەو مرۆڤە خاوەن هەڵویست ونیشتمان وگەل پەروەرەمان وەیاد کەوتەوە کە بۆ خۆی ولەرێزەکانی حزبی دیموکراتی کوردستانی ئیران وهاورێکانی و بەتایبەت بە هاوسەبر وخۆراگری خاتو مەرزیەخانی هاوسەری وبنەماڵەکەی تۆماری کردون ، چ لە سەختیەکانی پتر لە ۲۰ ساڵی زیندانی پاشایەتی پەهلەوییەکانی رووخاودا و ,پیشتریش رۆڵی لە کۆماری دیموکراتیکی کوردستان و لەگەل قازی پیشەواو هاوریکانی لە شاری مهابادی سەربەرز ودیهات و شاخەکانی کوردستان ، یان لە گفتوگۆکردنەکانی رەسمی شاندی کوردستان لە گەل سەرانی کۆماری ئیسلامی ئیراندا ، یان لە ئاوارەیی ئەو سالانەی لە ئەڵماندا ، هەردەم لەگەل بەرپرسانی حزبەکان وئیدارەی باشووری کوردستان ولەگەل حزبەکانی رۆژهەلاتی کوردستان وسەرانسەری ئیراندا لە خەمخوریدا ماندونەناسانە بەردەوام بوە. مام غەنی نەمر هاوری ودۆستیکی بەوەفای حزبی شیوعی عیراق و کوردستان وهاوریان عزیز محمد و کەریم ئەحمەد ودەیانی ترمان بوە و وەک کەسایەتیەکی دیموکرات وچەپ دیاربوە .

سەرەخۆشی گەرم لە خۆمان وهاورییان وبەریز هاوسەری و بنەماڵەکە وگشت بزوتنەوەی رزگاریخوازی رۆژهەلاتی نیشتمان دەکەین.

ئومیدەوارین شوینەواری مرۆڤە خۆراگرو خاوەن هەڵویستەکان بەقازانجی رزگاری نیشتمان زیندو بمینیتەوە .

یادی چاکەوریزمان بۆ مان غەنی بلوریانی نەمر.

مەکتەبی سیاسی

حزبی شیوعی کوردستان

پەیامی دەفتەری سیاسیی حدک

بە بۆنەی کۆچی دوایی نیشتمانپەروەر مامە غەنی بلووریان

بەداخەوە ئاگادار بووین رۆژی چوار شەممە،۱۸ی رەشەمە، مامە غەنی بلووریان تێکۆشەری دێرینی بزووتنەوەی سیاسیی رۆژهەڵاتی کوردستان لە تەمەنی ۸۷ ساڵی دا لە وڵاتی ئاڵمان کۆچی دوایی کرد.

غەنی بلووریان لە سەرەتای دامەزرانی حیزبی دێموکراتی کوردستانەوە تێکۆشانی سیاسیی خۆی لە پێناو وەدەست هێنانی مافە نەتەوایەتییەکانی نەتەوەکەی دا لە ریزەکانی ئەم حیزبەدا دەست پێ کرد.

غەنی بلووریان لە ریزی ئەو لاوانەدا بوو کە کۆماری کوردستان بە مەبەستی درێژەدان بە خوێندن و پەروەردەبوونی زیاتر رەوانەی سۆڤیەتی کردن.

دوای رووخانی کۆماری کوردستان غەنی بلووریان گەڕایەوە کوردستان و لەگەڵ تێکۆشەرانی حیزبی دێموکراتی کوردستان دا دەستی بە بوژاندنەوەی رێکخستنەکانی حیزبەکەی کرد. هەر لەو قۆناخەدا بوو کە بۆ یەکەم جار لەلایەن دەزگای سیخوریی رێژیمی شاوە لەگەڵ کۆمەڵێک لە تێکۆشەرانی ئەو سەردەمەی حیزبی دێموکرات گیراو راپێچی بەندیخانە کراو دوای ساڵێک ئازاد کرا.

غەنی بلووریان بە هۆی سووربوون لەسەر رێبازەکەی و بەردەوامی لە تێکۆشاندا جارێکی دیکە دوای رووداوە سیاسییەکانی ۱۳۳۲ی ئێران راپێچی بەندیخانە کراو ئەمجارەیان بۆ ماوەی زیاتر لە ۳ ساڵ لە بەندیخانەدا راگیرا.

هێشتا ساڵێک بەسەر ئازادبوونی دا تێنەپەڕیبوو کە بۆ جارێکی دیکە قۆڵبەست و رەوانەی زیندان کرایەوەو ئەمجارەیان سەرەتا بە ئیعدام مەحکووم کراو و دواتر حوکمەکەی کرایە بەندکرانی هەتاهەتایی. غەنی بلووریان لەم قۆناخەدا کە لە ساڵی ۱۳۳۸ەوە دەست پێ دەکا تا شۆڕشی ۱۳۵۷ لە زیندان¬دا مایەوە. بەمجۆرە غەنی بلووریان بوو بە یەکێک لە قارەمانەکانی نێو بەندیخانە و سەرجەم نزیکەی ۲۵ ساڵ لە زیندانی رێژیمی پاشایەتی¬دا مایەوە.

دوای سەرکەوتنی شۆڕشی ۱۳۵۷ مامە غەنی بۆ ماوەیەک لە ریزەکانی حیزبی دێمەکراتی کوردستان¬دا درێژەی بە تێکۆشان داو دواتر وەک تێکۆشەرێکی سیاسی رووی لە تاراوگە کردو نزیکەی سێ دەیەی کۆتایی تەمەنی لە وڵاتی ئاڵمان تێپەڕ کرد.

دەفتەری سیاسیی حیزبی دێموکراتی کوردستان بە بۆنەی کۆچی دوایی تێکۆشەر مامە غەنی بلووریان پڕ بە دڵ سەرەخۆشی لە بنەماڵە و دۆست و ئازیزانی و سەرجەم خەڵکی کوردستان دەکا.

دەفتەری سیاسیی حیزبی دێموکراتی کوردستان

۱۹ی رەشەمەی ۱۳۸۹

۱۰ی مارسی ۲۰۱۱

❊❊❊❊❊❊❊❊❊❊❊❊❊❊❊❊❊❊❊❊

بروسکەی سەرەخۆشی سەرۆکی هەرێمی کوردستان
بە بۆنەی کۆچی دوایی تێکۆشەرو چالاکڤانی سیاسی کورد غەنی بلووریان



به ناوی خوای مەزن و دلۆڤان

بە داخ و پەژارەیەکی زۆرەوە هەواڵی ماڵئاوایی یەکجارەکی تێکۆشەرو چالاکڤانی سیاسی دێرینی کورد، غەنی بلووریان _ مان پێگەیشت ، کە هەموو ژیانی خۆی بۆ سەربەرزی گەلی کوردستان تەرخانکردبوو ، سونبلێکی دیاریش بوو لە بزوتنەوەی رزگاریخوازی گەلی کوردستاندا و بە هۆی چالاکییە سیاسییەکانی بە گشتی ٢٥ ساڵ زیندانی بووە و ماوەیەکی زۆریش لە ئاوارەییدا ژیاوە.

بە لە دەستدانی کاک بلووریان ، گەلەکەمان کەسایەتییەکی کاریگەری لە دەست چوو ، ئێمە مانانیش دۆستێکی دێرین و بەوەفاو دڵسۆزمان لە دەست چوو.

هەر بەو بۆنەیەوە هاوخەمیی خۆمان بە هەموو خەڵکی کوردستان و خانەوادەو کەسوکارو هەڤاڵانی خوالێخۆشبوو رادەگەیەنین و هاوبەشی خەمیانین.

ئێمە دڵنیاین کە ناوی ئەو تێکۆشەرە بە درەوشاوەیی لە ئاسمانی کوردستاندا و لە نێو لاپەڕەکانی مێژووی پڕسەروەری میللەتەکەماندا دەمینێتەوە.

هەزار رەحمەت لە گیانی پاکی ئەو نیشتمانپەروەرە و لە خوای گەورە داواکارین گیانە پاکەکەی بە بەهەشتی بەرینی شاد بکات کە ماڵئاواییەکەی کەسەرێکی گەورەی خستە دڵی هەموو کوردێکەوە .

انالله وانا الیه راجعون

مسعود بارزانی
سەرۆکی هەرێمی کوردستان
٢٠١١/٣/١٠

ماهنامه

کازیوه

(سپیده دم)

شماره هفتم

فروردین ماه ۱۳۹۰

نشریه جمعی از هواداران حزب توده ایران در کردستان



آزادی ، دموکراسی و عدالت اجتماعی

مطالب این شماره : **صفحه**

=====================

بەشی کوردی :

لاپەڕە

مسئولیت مطالب درج شده در کازیوه بر عهده ی گردانندگان آن است و
مواضع رسمی حزب توده ایران در سایت حزب به نشانی :
/ http://www.tudehpartyiran.org
انتشار می یابد.

تماس با کازیوه : tudeh_kurdistan@yahoo.co.uk

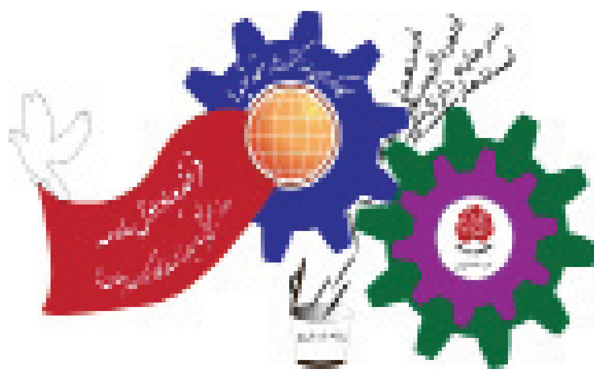
پایگاه اینترنتی کازیوه :

http://a1320.wordpress.com/

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران به مناسبت روز جهانی کارگر!

پیکار برای عدالت اجتماعی و تحقق حقوق پایمال شده زحمتکشان بخش جدایی ناپذیری از مبارزه بر ضد رژیم استبدادی حاکم!

کارگران و زحمتکشان شریف!
روز ۱۱ اردیبهشت ماه، اول ماه مه، روز جهانی کارگر، روز بزرگداشت بیش از یک قرن پیکار تاریخی و حماسی طبقه کارگر بر ضد ستمکاری سرمایه داری، برای برابری و عدالت اجتماعی، صلح و آزادی و رهایی انسان از استثمار و روز گرامی داشت خاطره همه انسان های نستوهی که جان خود را بر سر آرمان های والای طبقه کارگر گذاشتند را، به شما مبارزان راستین راه رهایی بشریت شادباش می گوییم. ۱۲۵ سال پیش، روز اول ماه مه ۱۸۸۶، کارگران نساجی شیکاگو، با نبرد خونین، در راه تحقق خواست های برحق خود، طلایه دار مبارزه پیگیر طبقه کارگر با سرمایه داری جهانی شدند که با همه فراز و نشیب ها ولی با دست آوردهای سترگی تا به امروز ادامه داشته است.
امسال کارگران جهان در شرایطی به استقبال روز جهانی کارگر می روند که افزون بر ادامه بحران جهانی سرمایه داری تحولات تاریخی یی که طبقه کارگر در آن نقش مهمی را ایفاء کرده است منطقه خاورمیانه را از مصر تا تونس و یمن فرا گرفته و حیات پوسیده رژیم های دیکتاتوری را درهم نوردیده است. چهار سال پس از آغاز روند بحران سیستم مالی، پولی و اقتصادی در جهان سرمایه داری، و ادعاهای نظریه پردازان سرمایه داری درباره موقتی بودن این بحران، امروز مشخص است که بحران اخیر نه یک بحران مقطعی به دلیل عدم کارآیی مکانیزم های سرمایه داری یا قصور در به کارگیری آن ها، بلکه دقیقاً نمایش شکست اصلی ترین تجلیات سیستم سرمایه داری، و به ویژه مفاهیمی نظیر "بازار آزاد"، قابلیت سرمایه داری به خود تنظیمی و اعمال سیاست های نولیبرالی است. ادامه بحران در "اتحادیه اروپا" که ما در سال اخیر شاهد فروپاشی اقتصاد کشور های یونان، ایرلند و همچنین وضع وخیم اقتصادی پرتغال و اسپانیا و بریتانیا با صدها میلیارد دلار بدهی، و همچنین ادامه بحران اقتصادی در آمریکا و ژاپن بوده ایم، نشانگر ادامه وخامت اوضاع برای سرمایه دارای جهانی است. اعمال سیاست های ضد مردمی از بین بردن خدمات اجتماعی، از قبیل بهداشت و آموزش عمومی، حقوق تأمین اجتماعی و موج فزاینده بیکاری در کشورهای پیشرفته سرمایه داری و تشدید فقر و محرومیت در کشورهای در حال رشد که زیر سیاست های دیکته شده از سوی صندوق بین المللی پول و بانک جهانی دست و پا می زنند بیش از پیش نشانگر وضعیت دشواری است که طبقه کارگر در کشورهای مختلف جهان با آن رو به روست.
بر اساس آخرین برآوردهای سازمان بین‌المللی کار شمار بیکاران جهان، در سال ۲۰۱۱ از مرز ۲۰۵ میلیون نفر فرا تر رفت و فدراسیون جهانی سندیکاهای کارگری در بیانیه خود به مناسبت اول ماه مه امسال از بیش از ۱۰ میلیون انسان بیکار در آمریکا و بیش از ۲۰ درصد بیکاری جوانان در کشورهای اروپایی خبر می دهد.
مردم صلح دوست جهان نگران این هستند که در شرایط تشدید بحران اقتصادی، همانند مقاطع مشخص در یک قرن گذشته کشورهای سرمایه داری با به راه انداختن جنگ و برخورد نظامی و از طریق فعال کردن انحصارهای تولید اسلحه سعی به غلبه بر بحران های کنونی بنمایند. سیاست های مداخله گرانه امپریالیسم در منطقه خاورمیانه از یورش نظامی به لیبی تا مداخله مستقیم بر ضد مبارزه مردم بحرین و در حمایت از رژیم وابسته و ضد مردمی این کشور بار دیگر ضمن تأیید بی اعتباری



مدعیات کشورهای امپریالیستی در زمینه دفاع از دموکراسی و حقوق بشر تأکیدی است بر ضرورت توجه نیروهای ترقی خواه جهان به امر مبارزه برای صلح و سازماندهی موثر در این مسیر.

کارگران و زحمتکشان میهن!
بر خلاف همه مدعیات دروغین سران رژیم و دولت ضد مردمی احمدی نژاد، امسال روز جهانی کارگر، در میهن ما، در شرایط بحران همه جانبه سیاسی، اجتماعی و اقتصادی و تشدید روند سرکوب و تعرض رژیم به کادرها و فعالان کارگری کشور برگزار می شود. علی خامنه ای، با درک بحران اقتصادی تعمیق یابنده رژیم، سال ۱۳۹۰ را سال "جهاد اقتصادی" اعلام کرد ولی همانگونه که پیش بینی می شد مجموعه سیاست های مخرب و ضد ملی دولت نظامیان نه تنها ایران را در رکود اقتصادی بی سابقه یی فرو برده است بلکه تورم افسار گسیخته، بیکاری میلیونی، ورشکستگی واحد های تولیدی و تشدید فقر و محرومیت در مجموع شرایط بسیار دشواری را برای میلیون ها خانواده ایرانی پدید آورده است.
بنا به آمار منابع دولتی و روزنامه های مجاز کشور، میزان بیکاری اکنون به بالاترین حد خود، در دو دوره ریاست جمهوری احمدی نژاد رسیده است. بنا بر بررسی های اخیر مرکز آمار ایران، نرخ بیکاری در بهار ۱۳۸۹ به ۶/ ۱۴ درصد، و تعداد بیکاران نیز به بیش از ۵/ ۳ میلیون نفر افزایش یافت. این درحالی است که نرخ رسمی بیکاری در سال های گذشته حداکثر ۹/ ۱۱ درصد و تعداد بیکاران نیز کمی بیشتر از ۵/ ۲ میلیون نفر بود. در بررسی یی که سال گذشته توسط روزنامه مهر صورت گرفت، نشان داده شده است که در ۵ سال بین ۱۳۸۴ تا ۸۸، کشور در سال ۸۸ با بالاترین نرخ بیکاری مواجه بوده است. بر اساس این آمار، ۷/ ۲۴ درصد جوانان ۱۵ تا ۲۴ ساله کشور بیکار بودند. در سال ۸۹ بیکاری برای این گروه سنی، طبق گزارش مرکز آمار، برابر با ۶/ ۲۹ درصد است.
زمینه های بیکاری کنونی را باید در سیاست های کلان اقتصادی کشور، از جمله روند خصوصی سازی واحد های تولیدی، عدم حمایت از تولید داخلی و ایجاد اقتصادی متکی بر دلالی و رانت خواری و همچنین کنترل بخش اساسی یی از شریان های اقتصادی کشور توسط سران سپاه و نظامیان دانست. روزنامه دنیای اقتصاد، ۲۳ خرداد ماه امسال، گزارش داد: "۲۰ هزار واحد نیمه تمام معطل ۵۲ هزار میلیارد تومان سرمایه است. معاون وزیر صنایع از وجود ۲۰ هزار واحد صنعتی نیمه تمام درکشور خبر داد و گفت، حل مشکل نقدینگی مورد نیاز این واحدها را در دستور کار داریم. ..."
اتاق بازرگانی نیز درگزارش کمیسیون صنعت خود خاطر نشان می سازد که، ۵۰ درصد واحد های تولیدی دراکثر مناطق در حالت رکود قرارداشته و هزاران تن بیکار شده اند. پایگاه اطلاع رسانی کلمه، ۲۹خرداد ماه ،

درگزارشی با عنوان: ''نگاهی به گزارش اقتصادی اتاق بازرگانی، روزهای بحرانی برای تولید ایرانی'' با ذکر آمار به بررسی وضعیت ناگوار تولید پرداخته و از جمله یادآور شده است : ''... درزمان حاضر تولید درکشور بدترین روزهای خود را سپری می کند ... براساس گزارش کمیسیون صنعت اتاق ایران، ۵۰ درصد واحدهای تولیدی در اکثر مناطق صنعتی کشور درحال تعطیلی یا در شرف تعطیل شدن هستند ... اکثر واحدهای تولیدی و صنعتی بزرگ کشور با کمتر از ۳۰ درصد ظرفیت اسمی خود مشغول به کار هستند ... برخی واحدهای تولید به دلیل شرایط اقتصادی مجبور به تعدیل نیروی انسانی هستند. ''

کارگران آگاه و مبارز!

بیش از دو سال از کودتای انتخاباتی ولی فقیه و سران سپاه می گذرد. سرکوب خشن و خونین اعتراضات گسترده مردم بر ضد ادامه حاکمیت استبداد و پایمال شدن حقوق و آزادی های دموکراتیک از جمله حقوق صنفی از مسایل مهمی بوده است که تآثیر آن را در حیات و فعالیت روزه مره جنبش کارگری می توان ملاحظه کرد. سرکوب شدید فعالیت های سیاسی و اجتماعی تنها به دانشجویان و زنان مبارز کشور محدود نبوده است و بلکه فعالان کارگری کشور را نیز هدف قرار داده است. مبارزه پیگیر شما برای احقاق حقوق طبیعی تان و از جمله برخورداری از حق تشکیل سازمان های صنفی و طبقاتی مستقل در سال های اخیر با فراز و نشیب همچنان ادامه یافته است و حاوی درس های گرانبهایی برای نبرد های آینده است. طبقه کارگر ایران دو سال گذشته را با تجربه اندوزی از اعتصاب و حرکت های اعتراضی نظیر ''پتروشیمی تبریز''، ''ایران خودرو''، ''پالایشگاه آبادان''، ''واگن پارس''، ''نیشکر هفت تپه'' و ''تراکتور سازی تبریز'' را پشت سر گذاشت، و سال جدید را با اعتصاب کارگران در ''منطقه گازی پارس جنوبی (عسلویه)''، ''کاغذ سازی پارس''، ''مجتمع پتروشیمی بندر شاپور'' و ''مجتمع پتروشیمی ماهشهر'' آغاز کرده است. تجربه غنی نزدیک به یک قرن مبارزه کارگری در ایران و جهان نشان داده است که چاره کارگران، زحمتکشان و رنجبران در مقابل ترفندهای سرمایه داری، وحدت و تشکیلات است. طبقه کارگر متحد و سازمان یافته، نیروی عظیم رهایی بخشی است که می تواند و باید در رهایی میهن از بندهای استبداد کنونی نقش اساسی را ایفاء کند. امروز در کنار مبارزه برای افزایش حقوق، بهبود شرایط کاری و تامین شغلی و اجتماعی، مبارزه برای ایجاد تشکل های مستقل صنفی از اهمیت ویژه ای برخوردار است. سازماندهی مبارزه برای ایجاد سندیکا و اتحادیه های مستقل کارگری از جمله وظایف مهمی است که امروزه در مقابل جنبش کارگری میهن ما قرار دارد. در این مبارزه بغرنج و دشوار می بایست از همه امکانات موجود بهره گرفت.

تجربه دو ساله مبارزات اخیر بر ضد حکومت استبدادی ولایت فقیه نشانگر این واقعیت گران است که بدون وحدت و کار مشترک قشرهای مختلف اجتماعی و اتحاد همه نیروهای سیاسی آزادی خواه نمی توان بر رژیم دیکتاتوری حاکم، با وجود همه بحران های سیاسی-اقتصادی آن غلبه کرد. تجربیات اخیر پیروزی جنبش های مردمی در مصر، تونس و یمن، از جمله نشانگر نقش فعال و برجسته جنبش کارگری در کنار دیگر قشرهای اجتماعی در مبارزه بر ضد رژیم های دیکتاتوری بوده است. رژیم با درک این خطر برزگ، یعنی وحدت عمل همه نیروهای ضد استبداد همه تلاش های خود را برای جلوگیری از این امر به کار بسته است. جنبش کارگری کشور، به خاطر سال ها سرکوب خشن، به دلیل عدم سطح مطلوب سازمان یافتگی و پراکندگی نیرو و محدودیت شدید فعالیت سندیکاها و اتحادیه های مستقل کارگری، بدون شرکت در مبارزه عمومی و سراسری خلق بر ضد استبداد حاکم نمی تواند به حقوق پایمال شده خود دست یابد.

حزب توده ایران، در تمامی طول تاریخ هفتاد ساله مبارزه خود، همواره نبرد در راه تحقق آرمان های طبقه کارگر را از مهمترین وظایف خود دانسته، و امروز نیز متعهد به این تاریخ پرافتخار که از درون آن چهره های درخشان جنبش کارگری کشور مانند علی امید، شناسایی ها، حسین پور تبریزی ها زاده شده اند، به این پیکار مقدس در کنار کارگران و زحمتکشان میهن ادامه می دهد.

کارگران و زحمتکشان ایران!

در آستانه فرا رسیدن روز کارگر، جشن بین المللی کارگری در روز اول ماه مه، بیائید هم صدا با جنبش سندیکائی جهانی خواهان آزادی های سندیکایی و حق تشکل در اتحادیه های کارگری مستقل برای همه، خاتمه فوری کشتار و پیگرد فعالان سندیکایی، آزادی فوری زندانیان سیاسی بشویم. بیائید دست در دست هم جبهه وسیع ضد دیکتاتوری را در مقابل صف واحد ارتجاع، استبداد و واپس گرایی بنا کنیم و راه را برای تحقق عدالت اجتماعی، آزادی و استقلال بگشائیم. تاریخ نزدیک به یک قرن مبارزه قهرمانانه طبقه کارگر میهن نویدبخش پیروزی خلق بر ضد ارتجاع و استبداد است.

فرخنده باد روز اول ماه مه، روز جهانی کارگر!

درود بر خاطره تابناک شهدای جنبش کارگری ایران!

پیروزباد مبارزه خلق در راه طرد رژیم ولایت فقیه برای آزادی، صلح، استقلال و عدالت اجتماعی!

کمیته مرکزی حزب توده ایران

اردیبهشت ماه ۱۳۹۰

به مناسبت "روز جهانی کارگر"

وظایف و چالش های جنبش کارگری در مرحله کنونی

تحقق خواسته ها و مطالبه های کارگران و زحمتکشان در گرو تقویت هر چه بیشتر رابطه با مبارزات همگانی مردم با استبداد ولایی بوده و است.
با آغاز سال کنونی، و با گسترش اعتصاب ها به مراکز صنعتی بزرگ، و همچنین با رشد آگاهی طبقاتی زحمتکشان، امید تحولاتی جدی در صحنه سیاسی کشور می رود.

طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان میهن ما درگیر مبارزه یی دشوار، پرفراز و نشیب، و بسیار خطیر به منظور تامین منافع صنفی- سیاسی خودند. این مبارزه حاد و حیاتی، در پیوند با صحنه سیاسی کشور و پیکار همگانی با استبداد ولایی قرار دارد، و از این رو می توان مبارزه کنونی زحمتکشان را به لحاظ اهمیت سیاسی و نیز از نقطه نظر تاریخی مهم و سرنوشت ساز به شمار آورد. تاکید بر این نکته اساسی نیز ضرور است که، مبارزه جنبش کارگری ایران جدای از پیکار طبقه کارگر جهان نبوده و نیست. تفاوت در وضعیت جامعه، سطح مطالبات صنفی و سیاسی، و مرحله یی که زحمتکشان کشور ما درآن به مبارزه مشغولند، هیچ گونه مغایرتی با همبستگی و پیوند سرشتی جنبش کارگری ایران با جنبش جهانی کارگران و زحمتکشان ندارد. طبقه کارگر ایران با همه فراز و فرود هایی که در تاریخ حیات خود با آن مواجه بوده است، یکی از گردان های صاحب تجربه، با سابقه، و رزمنده جنبش کارگری جهان قلمداد می گردد.
جنبش کارگری ایران با چنین سیما و سرشتی، اکنون با وظایف، اولویت ها، و نیز چالش های معینی رو به روست.
مروری بر این مسئله ها به مناسبت "روز جهانی کارگر"، با هدف ارتقاءِ سطح و کیفیت مبارزه زحمتکشان، ضروری است.
در راه احیای حقوق سندیکایی،
نارضایتی ژرف ناشی از اجرای برنامه های ضد مردمی اقتصادی- اجتماعی، سبب گسترش اعتراض های کارگری در سراسر کشور گردیده است.
امسال با توجه به برنامه آزاد سازی اقتصادی و حذف یارانه ها بر پایه دستورات صندوق بین المللی پول و بانک جهانی، و اثرهای فاجعه بار آن بر زندگی و امنیت شغلی کارگران و زحمتکشان، گسترش اعتراض ها به ویژه در برخی از رشته ها و مراکز صنعتی مادر و راهبردی را شاهدیم. طبقه کارگر ایران سال گذشته را با تجربه اندوزی از اعتصاب و حرکت های اعتراضی نظیر "پتروشیمی تبریز"، "ایران خودرو"، "پالایشگاه آبادان"، "واگن پارس" و "تراکتور سازی تبریز" پشت سر گذاشت، و سال جدید را با اعتصاب کارگران در "منطقه گازی پارس جنوبی (عسلویه)"، "کاغذ سازی پارس"، "مجتمع پتروشیمی بندر شاپور" و "مجتمع پتروشیمی ماهشهر" آغاز کرده است. گسترش اعتصاب به مراکز صنعتی بزرگ حائز اهمیت تلقی می شود، اما هنوز این حرک های اعتراضی حتی در واحدها و کارخانه های بزرگ تولیدی- صنعتی از سطح مطلوب سازمان دهی و همبستگی برخوردار نیست. علت اصلی این ضعف را باید در جو شدید پلیسی، و نبودِ سندیکاهای مستقل کارگری جستجو کرد.
گرچه جنبش کارگری- سندیکایی میهن ما بر بستر عینی و زمینه اجتماعی موجود رشد و گسترش می یابد و رخ دادهای سیاسی جامعه به ویژه تحولات پس از کودتای انتخاباتی و تغییرات و کنش و واکنش ها در فضای سیاسی به رشد و قوام آن یاری می رسانند، اما در عین حال به علت های بسیار، رشد و شکل گیری سازمان های مستقل صنفی زحمتکشان (سندیکاها) متناسب با درجه آمادگی کارگران و فضای



سیاسی- اجتماعی کشور نیست. به این ترتیب مبارزه برای احیای حقوق سندیکایی و تشکیل سازمان های صنفی بر پایه صحیح طبقاتی، کماکان از زمره مهم ترین اولویت های پیکار جنبش کارگری ایران و همه فعالان سندیکایی است. برای آنکه بتوان اعتراض های پراکنده، ناهماهنگ و هنوز عمدتا تدافعی را سازمان داده و صفوف جنبش سندیکایی زحمتکشان را تحکیم و تقویت کرد، نیاز به مبارزه یی خستگی ناپذیر و هوشیارانه و به دور از هر گونه شتاب زدگی است. در این زمینه اولویت اصلی، تامین وحدتِ صف ها در جنبش سندیکایی است. جنبش سندیکایی زحمتکشان، بنابه ماهیَت خود، وسیع ترین تشکل صنفی همه زحمتکشان فارغ از هر عقیده، دیدگاه، نژاد، مذهب و زبان است. در مبارزه برای وحدت صف های جنبش سندیکایی و احیای حقوق سندیکایی، اختلاف ایدئولوژیک بین گروه های زحمتکشان، که امری طبیعی قلمداد می شود، هرگز مانعی غلبه ناپذیر نبوده و نیست. برای دست یابی به وحدت صف ها، جنبش سندیکایی باید بدور از هر گونه راست روی و چپ روی، بر کارِ پیگیر، صبورانه و هدفمند تاکید ورزد. در این زمینه به ویژه تکیه بر آگاهی و رَشد آگاهی طبقاتی کارگران با اهمیت تلقی می شود. برای دست یابی به حقوق صنفی و درعین حال پیوند و تلفیق صحیح خواست های صنفی با خواست های سیاسی، ضرورت انکار ناپذیر احیای حقوق سندیکایی است. مبارزه با برنامه ضد کارگری و ضد مردمی آزاد سازی اقتصادی که زیر نام هدفمند سازی یارانه ها و سیاست های عوام فریبانه پرداخت نقدی یارانه ها انجام می گیرد، مطالبات پر اهمیتی چون لغو قراردادهای موقت، افزایش میزان دستمزد ها مطابق با نرخ واقعی تورم، مخالفت با خصوصی سازی و اجرای ابلاغیه اصل ٤٤، مشارکت در تدوین و تهیه کلیه طرح ها و برنامه هایی که با زندگی کارگران مرتبط است، حق برخورداری از سندیکا و حقوق سندیکایی و جز این ها، فقط و فقط با تامین و احیای حقوق سندیکایی امکان پذیر بوده و خواهد بود.

مضمون و خصلت مبارزات اعتراضی
مبارزه کنونی کارگران و زحمتکشان با برنامه های اقتصادی- اجتماعی رژیم ولایت فقیه تنها جنبه صنفی ندارد. این واقعیت که بخشی از جنبش اعتراضی کنونی پیرامون مسئله های صنفی دور می زند نباید منجر به آن گردد که مضمون و محتوای واقعی اعتراض ها و مبارزه کارگران و زحمتکشان نادیده گرفته شود. مبارزه با برنامه آزاد سازی اقتصادی، خصوصیِ سازی و نظایر آن، دارای بارِ و مضمون سیاسی روشنی اند. دراین زمینه بیانیه "کارگران فلز کار مکانیک" به مناسبت اول ماه مه، به خوبی گواهی بر این واقعیت است. در بخشی از این بیانیه، با اشاره به سیاست های فاجعه بار دولت کودتا،

آمده است: "... با خصوصی سازی کارخانجات متعلق به زحمتکشان، سرمایه داری انگلی تجاری با خرید ارزان این موسسات تولیدی ... با دریافت وام های چند صد میلیارد تومانی و دلاری از سیستم بانکی، کارخانه ها را به حال خود رها کرده و با نپرداختن حقوق کارگران، باری دیگر را به دوش زحمتکشان می نهند ... سیستم بانکی به این سرمایه داران خائن با سهل ترین شرایط وام می دهند تا این بی وطنان ارزهای با ارزش نفتی را در آن سوی مرزها سرمایه گذاری کرده، اقتصاد ملی را هر چه بیشتر به سمت نابودی بکشانند و یا واردات را با بلای جان صنعت و کارگران ایرانی با همین وام های گرفته شده از سیستم بانکی بنمایند. تا با ویران سازی صنایع کشور، کارگران را بیکار کرده و اقتصاد ملی را هر چه بیشتر به خارج وابسته کنند." کارگران فلز کار مکانیک به درستی خاطر نشان می سازند: "هر چه عرصه بر زحمتکشان تنگ تر می گردد، فضا برای غارت ثروت زحمتکشان و استثمار هرچه بیشتر آنان برای سرمایه داری انگلی تجاری بازتر می گردد."

طبقه کارگر بیش از سایر طبقات و قشرهای جامعه از اجرای برنامه های اقتصادی- اجتماعی رژیم ولایت فقیه زیان دیده و می بیند. در حقیقت منافع کوتاه مدت و بلند مدت کارگران و زحمتکشان با برنامه هایی چون آزاد سازی اقتصادی، حذف یارانه ها، واردات سیل آسا از خارج، رواج اقتصاد دلالی و غیر مولد در تضاد و مغایرت کامل قرار دارد. اجرای برنامه خصوصی سازی از سوی دولت ضد ملی احمدی نژاد و حمایت بی دریغ این دولت از حضور نهادهای امنیتی- نظامی در حیات سیاسی و اقتصادی کشور، دقیقا در نقطه مقابل منافع طبقه کارگر ایران قرار دارد. کارگران و زحمتکشان به طور عینی و مستقیم از فروپاشی صنعت و تولید و رواج فعالیت های غیر مولد زیان می بینند و از این رو منافع و خواسته های سیاسی آنان در تقابل با رژیم ولایت فقیه، دولت کودتا و لایه های انگلی سرمایه داری حاکم کشور قرار می گیرد.

این موضوع یکی از مهم ترین زمینه های عینی برای تعامل طبقه کارگر با دیگر لایه ها و طبقات اجتماعی را در مرحله کنونی مبارزه فراهم می آورد که باید به روشنی و با دقت به آن توجه داشت و در پیکار با استبداد ولایی مورد تاکید قرار داد. جنبش کارگری هوشیار ایران به دلیل استیلای جو سرکوب، از مبارزه در راه خواسته های صنفی به منظور ارتقاء سطح مبارزاتی خود و تلفیق خواسته های صنفی با مطالبه های سیاسی، بهره می گیرد. این تجربه یی سودمند برگرفته از تاریخ و سنت های جنبش سندیکایی زرمجویانه میهن ماست. به علاوه، جنبش کارگری در لحظه کنونی خواسته های مشترک با دیگر طبقات و لایه های جامعه و نمایندگان سیاسی آنان دارد: خواست آزادی اندیشه، اجتماع ها، حزب ها، آزادی فوری و بدون قید و شرط کلیه زندانیان سیاسی، لغو مجازات اعدام، لغو کلیه قوانین زن ستیز و مبتنی بر تبعیض جنسیتی، خواست برگزاری انتخابات آزاد، عادلانه و بدون نظارت استصوابی، از زمره خواسته های مشترک همه طبقات و نمایندگان سیاسی ناراضی از استبداد ولایی است. ما بارها اعلام کرده ایم که یکی از جنبه های مهم و حیاتی تشکل صنفی- سندیکایی طبقه کارگر، علاوه بر تامین خواسته های صنفی- رفاهی، نیاز مبرم طبقه کارگر به تامین خواسته های دمکراتیک عام، یعنی تامین آزادی فعالیت انجمن ها، سندیکاها، حزب ها و دیگر آزادی های دموکراتیک فردی و اجتماعی مانند آزادی بیان، اندیشه، قلم، مطبوعات و اجتماع ها است. همچنین همواره تاکید داشته ایم که این حقوق فقط و فقط با نیروی متشکل و قدرت سازمان یافته توده ها، و در راس آنها کارگران، تحقق پذیر خواهد بود.

چالش های فراروی جنبش کارگری

علاوه بر وظایف، مسئولیت ها و اولویت های مبارزاتی یی که جنبش های کارگری با آن ها روبه رو است، توجه به چالش ها و دشواری های موجود آن نیز، هر چند گذرا، ضروری است. از جمله مسایل کنونی جنبش کارگری کشور ضعف کمی هسته اصلی طبقه کارگر، یعنی کمیت کارگران صنعتی است. فروپاشی صنعت، و رواج اقتصاد غیر مولد تاثیر بسیار منفی یی بر کمیت و کیفیت طبقه کارگر ایران داشته است. افزایش حجم کارگران شاغل در کارگاه ها و واحدهای کوچک تولیدی- خدماتی و خروج آنان از شمول قانون کار، به علاوه گسترش قراردادهای موقت و سپید امضاء، به میزان معینی توان و تحرک جنبش کارگری را تحت تاثیر مخرب خود قرارداده اند و این امر در پیوند با سرکوب شدید و خشن و استیلای جو پلیسی بر واحدهای صنعتی و نبودِ سندیکاهای مستقل مانع های عینی و ذهنی متعددی را در برابر ارتقاءِ سطح مبارزاتی کارگران پدید آورده اند. نباید فراموش کرد که اجرای برنامه هایی مانند تعدیل اقتصادی، اصلاح ساختار اقتصادی و به طور کلی راه کار رژیم ولایت فقیه در حل معضل انباشت سرمایه در طول دو دهه اخیر ضربه های جدی یی به موقعیت طبقه کارگر ایران وارد آورده اند. بخشی از معضل های کنونی جنبش کارگری و چگونگی سطح مبارزاتی آن، از این ضربه های سنگین ارتجاعی و فاجعه آمیز ناشی شده اند. بنابه گزارش های رسمی، از ابتدای سال ۱۳۷۰ تا سال ۱۳۷۷، بر پایه اجرای برنامه هایی چون تعدیل اقتصادی، ۴۰۰ هزار کارگر کارخانه های سراسر کشور از کار اخراج و یا بازخرید شده اند و این نیروی فعال به صف بیکاران رانده شده اند.

یک نمونه دیگر اینکه، از سال ۱۳۸۶ تا ۱۳۸۹، یعنی طی چهار سال، حدود ۵۲ هزار کارگر، شامل کارگران ماهر و با تجربه در منطقه گازی پارس جنوبی (عسلویه) بیکار شده اند. این بیکاری در منطقه ای که قطب مهم صنعتی کشور به شمار می آید، پیامدهای معین و جدی یی برکیفیت و سطح مبارزاتی طبقه کارگر داشته است.

این واقعیت ها و نمونه ها، در کنار کشتار دهه ٦۰ خورشیدی، که طی آن بسیاری از رهبران، کادرهای جنبش کارگری، و سندیکالیست های با تجربه اعدام شدند، دامنه و ژرفای چالش ها و دشواری هایی را که امروز در جنبش کارگری به چشم می خورد نشان می دهد. به این مسئله ها باید تغییرات پرشتاب در آرایش طبقاتی جامعه از جمله مهاجرت گسترده از روستا به شهر را افزود، زیرا بخشی از این مهاجران به صف طبقه کارگر پیوسته اند و درگیر معضل های آن شده و می شوند در حالی که از تجربه و آگاهی نسل پیشین طبقه خود به طور مستقیم دور و محروم مانده اند. اینان غالبا در کارگاه های کوچک به کار مشغولند. علاوه بر این، این بخش ها بیش از سایر لایه های زحمتکشان در معرض تبلیغات عوام فریبانه و مسموم ارتجاع قرار دارند. به رغم همه این مسئله ها، رشد و تکامل جنبش کارگری در چارچوب رویدادهای سیاسی کشور دلگرم کننده و امید بخش است.

دور نمای مبارزه جنبش کارگری

جنبش کارگری ایران با وجود همه معضل هایی که آن را به چالش می طلبد، و با وجود همه ضعف ها و کاستی های موجود، حرکتی رو به جلو و تکاملی را طی می کند.

طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان حضور خود را در صحنه مبارزات سیاسی افزایش می دهند. گام های استوار زحمتکشان به پیش بی شک اثرهای مثبت بسیاری از خود در مجموعه رویدادهای کشور برجای خواهد گذاشت.

در این میان جنبش کارگری می باید اقدام های معین و دقیقی را در جهت پیوند گسست ناپذیر با جنبش سراسری ضد استبدادی انجام دهد. تحقق خواسته ها و مطالبه های کارگران و زحمتکشان در گرو تقویت هر چه بیشتر رابطه با مبارزات همگانی مردم با استبداد ولایی بوده و است. با آغاز سال کنونی، و با گسترش اعتصاب ها به مراکز صنعتی بزرگ، و همچنین با رشد آگاهی طبقاتی زحمتکشان، امید تحولاتی جدی در صحنه سیاسی کشور می رود.

به نقل از نامه مردم شماره ۸٦۷، ۵ اردیبشهت ماه ۱۳۹۰

ضرورت سازمان دهی اعتراض های پراکنده کارگری

تاملی بر زمینه های عینی و ذهنی مبارزه در راه ارتقاءِ سطح رزمندگی جنبش کارگری

تصمیم شورای عالی کار مبنی بر افزایش ۹ درصدی میزان حداقل دستمزد کارگران و زحمتکشان در سال کنونی، بازتاب گسترده ای در میان فعالان سندیکایی و توده های کارگر در کارخانه ها و کارگاه های سراسر کشور داشت و همراه خود نارضایتی ژرفی را نیز برانگیخت. این موضوع در پیوند با اخراج های وسیع در ابتدای هر سال، به فضای اعتراض در محیط های کارگری دامن زده است.

امسال با توجه به اجرای برنامه آزادسازی اقتصادی و تاثیرات آن بر زندگی و امنیت شغلی طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان، باید انتظار داشت که تنش ها در اغلب مراکز صنعتی- تولیدی کشور افزایش یابد. اعتراض های کارگران جان به لب رسیده که به طور عمده تدافعی، پراکنده و ناهماهنگ صورت می گیرد، در فضای سیاسی معین و در عین حال متفاوت با سال های گذشته است. به عنوان یک نمونه با اهمیت، می توان به واکنش اعتراضی کارگران به مصوبه شورای عالی کار در خصوص افزایش فرمالیته ۹ درصدی حداقل دستمزدها اشاره کرد. خبرگزاری مهر، ۲۴ اسفند ماه ۸۹، با انعکاس دیدگاه های معین در این باره گزارش داد: ‘‘نمایندگان کارگران عضو شورای عالی کار باید در مورد عملکرد خود و عدم اجرای درخواست کارگران در نشست های تعیین مزد ۹۰ پاسخگو باشند!’’ به هر روی اقدام دولت کودتا در ممانعت از افزایش عادلانه دستمزدها که بخشی جدایی ناپذیر راهبرد آزاد سازی اقتصادی است در لحظه کنونی بیشترین نارضایتی های کارگری را سبب شده است.

کارگران و زحمتکشان و طیف وسیع فعالان جنبش سندیکایی به چشم خود دیده و با پوست و گوشت خود پیامد آزاد سازی اقتصادی و سیاست های رژیم ولایت فقیه و دولت کودتا را حس کردند.

به این ترتیب سیاست گستاخانه دولت ضد ملی احمدی نژاد که نمونه افزایش ۹ درصدی حداقل دستمزدها فقط یکی از مظاهر آن به شمار می آید، محیط های کارگری و مراکز صنعتی، تولیدی و خدماتی را با تنش های جدی رو به رو ساخته و بی گمان اگر ضعف عمومی جنبش کارگری ایران، مانند نبودِ سندیکاهای مستقل و سطح سازمان دهی نامناسب وجود نمی داشت، هم صحنه سیاسی میهن ما در اوضاع حساس کنونی شاهد تحولات اساسی به زیان دیکتاتوری و خودکامگی بود و هم دولت کودتا قادر نبود چنین بی مهابا حقوق زحمتکشان را پایمال کند. به رغم این ضعف اساسی و مجموعه عوامل عینی و ذهنی بازدارنده و منفی، امکانات متعدد کنونی برای تقویت و قوام جنبش اعتراضی زحمتکشان و پیوند آن با جنبش ضد استبدادی را نباید دست کم گرفته و یا نادیده انگاشت. در هفته های اخیر گزارشات گوناگونی از اعتراض ها و اعتصاب های پراکنده کارگران و زحمتکشان در رسانه های همگانی و



مطبوعات انتشار یافته است. حرکت هوشیارانه کارگران شرکت پارسلیوان لرستان و پلاکاردهای اعتراضی آنان هنگام سفر استانی رییس دولت کودتا نشانگر آن محمل ها و زمینه هایی است که باید به دقت مورد توجه و استفاده قرار گیرند. به علاوه، باید به اعتراض های سازمان یافته کارگران کیان تایر اشاره کرد. این کارگران با اعتصاب، تحصن و در یک مورد تجمع و مسدود ساختن موقتی جاده محور اسلام شهر- بزرگ راه آزادگان تا میدان جهاد، رژیم ولایت فقیه و دولت نامشروع کودتا را به چالش طلبیدند. شعارهای این تجمع کارگری از آن رو با اهمیت تلقی می شود که نشانگر ژرفای نارضایتی زحمتکشان و در عین حال قدرت تاثیرگذاری جنبش کارگری است. کارگران کیان تایر شعار می دادند: ‘‘ای مردم با غیرت حمایت حمایت’’، ‘‘مرگ بر ستمگر’’، ‘‘هرگز ندیده ملتی این همه بی عدالتی’’ و ‘‘مرگ بر دروغگو’’. این گونه شعارها و واکنش پرمعنای زحمتکشان می بایست از سوی جنبش های اجتماعی و نیروهای مخالف کودتای انتخاباتی مورد توجه دقیق قرار گیرد و بازتاب شایسته خود را در تعیین شعارهای جنبش سراسری ضد استبدادی یافته و زمینه های فراروییِ جنبش به سطح عالی تر را فراهم آورد. پیش از کارگران کیان تایر این کارگران دلیر پتروشیمی تبریز بودند که با برپایی یک اعتصاب موفق رو در روی استبداد ولایی ایستادند. از روز

۹ اسفند ماه بیش از ۱۸۰۰ تن از کارگران قراردادی مجتمع پتروشیمی تبریز با سه خواسته مشخص اعلام اعتصاب کردند: ۱. انعقاد قرارداد دسته جمعی و حذف شرکت های دلال و پیمانکار خصوصی، ۲. افزایش دستمزد متناسب با نرخ تورم و افزایش قیمت کالاها و خدمات عمومی، ۳. رفع تبعیض میان کارکنان رسمی کارخانه و برخورداری همه کارگران از امکانات رفاهی و بیمه اجتماعی. این اعتصاب موفق و یکپارچه انعکاس امیدوار کننده ای در دیگر مراکز کارگری از قبیل پالایشگاه نفت و ماشین سازی تبریز داشت و می توان به جرات مدعی شد یکی از موفق ترین حرکات کارگری در کارخانجات مادر و راهبردی به لحاظ سطح همبستگی، سازمان دهی و تعیین و اعلام خواسته های مشخص در چند سال اخیر محسوب می شود.



اعتصاب هایی چون پتروشیمی تبریز و سلسله اعتراض های ایران خودرو را نباید صرفا از زاویه صنفی مورد بررسی و ارزیابی قرار داد. این واقعیت که بخش مهمی از حرکات اعتراضی جنبش کارگری به صورت تدافعی و پراکنده پیرامون مسایل صنفی نظیر افزایش دستمزدها، مخالفت با قراردادهای موقت و جز این ها دور می زند، نباید منجر به آن گردد که مضمون این مبارزه صرفا صنفی انگاشته شود. این مبارزات ماهیت و خصلت سیاسی روشنی را دارا هستند. در نمونه هایی چون پتروشیمی تبریز طبقه کارگر ایران باهمه دشواری های موجود از مبارزه در راه خواسته های صنفی به منظور ارتقای سطح سازماندهی و مبارزه جویی خود بهره می گیرد. در یک محیط استبداد زده و خفقان پلیسی این حربه ای موثر و کارآمد است که ریشه در سنت سندیکایی زحمتکشان ایران دارد. این واقعیت را باید به دقت مورد توجه قرارداد.
پالایشگاه آبادان واقع در استان خوزستان نیز شاهد اعتراض ها و اعتصاب های پراکنده بود. با انتشار خبر اخراج نزدیک به ۳۰۰ کارگر از پالایشگاه آبادان (اغلب کارگران قرارداد موقت) موجی از نارضایتی کارگران و تکنسین های این پالایشگاه قدیمی و معتبر را فراگرفته است. علاو بر آبادان، در شهر اهواز نیز کارگران لوله سازی و نورد با ابراز نارضایتی از پایمال شدن امنیت شغلی خود و سطح پایین دستمزدها در ماه های اخیر چندین اعتصاب و تحصن را سازمان داده اند. با وجود اینکه به دستور مستقیم شورای عالی امینت ملی خبر و گزارشات مربوط به اعتصاب های کارگری در رسانه های همگانی به ویژه خبرگزاری کار ایران - ایلنا- به مراتب کمتر از قبل بازتاب می یابد، خبرها حاکی از افزایش قابل تامل نارضایتی و اعتراض در محیط های کارگری است. نکته پراهمیت دیگر اینکه اعتراضات در شماری از کارخانه ها و واحدهای بزرگ و تاثیرگذار رو به افزایش است که نمونه هایی نظیر پتروشیمی تبریز، پالایشگاه آبادان و کارخانه واگن پارس در اراک، ایران خودرو، نورد اهواز و پولاد مبارکه اصفهان از آن جمله اند. جنبش کارگری ایران باهمه ضعف ها، دشواری ها و کمبودهای موجود همچنان نیروی موثر و غیر قابل انکار در مبارزه با استبداد ولایی و دولت کودتاست. ترفندهای عوام فریبانه دولت کودتا، فشار سنگین پلیسی، سرکوب خشن و جز این ها، نتوانسته و نخواهد توانست در عزم کارگران کشور برای تامین منافع صنفی و سیاسی خود خللی وارد آورد. مرحله حساس کنونی در پیکار با استبداد و ارتجاع ضرورت حضور ژرف تر، سازمان یافته و گسترده تر طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان را برجسته ساخته است. این ضرورت با فعالیت پیگیر و خستگی ناپذیر می تواند صورت تحقق یافته و موجب تقویت صفوف جنبش مردمی در مصاف با استبداد ولایی شود.

به نقل از نامه مردم، شماره ۸۶۶، ۲۲ فروردین ماه ۱۳۹۰

طوفان اعتراضات کارگران ایرانی در آستانه روز جهانی کارگر



فرشید آذرنیوش دانشجونیوز

در آستانه یک مه-روز جهانی کارگر- برخی از شهرهای صنعتی ایران میزبان تجمعات اعتراضی و اعتصابات گسترده کارگران بوده است.

بر اساس گزارش های قبلی وبسایت دانشجونیوز و همچنین اخبار منتشر شده از شهرهای مهم ایران، بسیاری از کارگران کارخانه ها از جمله، کیان تایر، مجتمع پتروشیمی بندر امام، کارخانه کاغذسازی پارس خوزستان، ایران خودرو تهران، پتروشیمی تبریز، ذوب آهن اصفهان، اروند، بوعلی سینا، تندگویان خوزستان، امیرکبیر، شیمیایی رازی، منطقه ویژه اقتصادی ماهشهر، شرکت مخابراتی راه دور شیراز، شرکت ذوب و فلزات ابهر، شرکت ناز نخ و هفت تپه نیشکر قزوین، نساجی مازندران در ماهها و هفته های گذشته نسبت به سیاست های اقتصادی اعمال شده دولت در این کارخانه ها معترض شده و به اعتصاب های چند روزه پرداخته اند.

موضوع لغو واسطه‌های پیمان‌کاری و ایجاد قراردادهای مستقیم با کارفرمای اصلی در ماه‌های اخیر از جمله خواسته‌های کارگران در ایران بوده است.

اما دلایل عمده اعتصاب‌ها نارضایتی کارگران از ناچیز بودن دستمزدها، فقدان امنیت شغلی و عدم اعتماد به دولت است. برخی از تحلیل‌ها روند نزولی سطح زندگی و دستمزد کارگران و عدم اعتماد آنها به آینده را نتیجه عدم شفافیت دولت در اقتصاد دانسته اند.

غلامرضا خادمی زاده، رئیس کانون عالی انجمن‌های صنفی کارگری، سال گذشته گفته بود که ۴۳ درصد کارگران در ایران، زیر خط فقر زندگی می کنند.

شماری از تشکل های کارگری با توجه به گرانی روز افزون و نیز پیامدهای ناشی از حذف یارانه ها خواستار افزایش حداقل دستمزد کارگران به گونه ای شده اند که هزینه های یک زندگی شرافتمندانه را برای آنان تامین کند.

با توجه به اینکه در هفته های اخیر، شورای عالی کار بر اساس نرخ تورم اعلام شده توسط بانک مرکزی، سطح حداقل دستمزد ماهانه کارگران برای سال ۹۰ را ۲۷ هزار تومان افزایش داده بود، در واکنش به این موضوع سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه با انتشار بیانیه‌ای از افزایش ۳۰ هزار تومانی حداقل دستمزد ماهانه کارگران انتقاد کرده و آن ر غیرمنطقی دانسته است.

این تشکل کارگری در بیانیه خود آورده بود که تصمیم شورای عالی کار، توجیه کننده تورم و فقر موجود نیست و حداقل دستمزد کارگران باید به گونه‌ای باشد که زندگی یک خانواده چهار نفره را تامین کند.

در این بیانیه با اشاره به اینکه افزایش ۳۰ هزار تومانی حداقل دستمزد کارگران بر اساس نظرات کارفرمایان و دولت تعیین شده، آمده است: با عدم حضور تشکل‌های مستقل کارگری و نمایندگان واقعی کارگران در شورای عالی کار، تنها کارگران متضرر خواهند شد.

فتح الله بیات، رئیس اتحادیه کارگران قراردادی و پیمانی، نیز گفته بود که ۸۵ درصد از خانوارهای شهری ایران زیر خط فقر مطلق زندگی می کنند.

در همین حال، بحث تعیین حداقل دستمزد ماهانه کارگران در حالی مطرح شده است که به گفته فتح الله بیات، رئیس اتحادیه کارگران قراردادی و پیمانی، بیش از ۸۰ درصد از هفت میلیون و ۵۰۰ هزار کارگر ایرانی، قراردادی هستند.

به عبارت دیگر، این گروه بزرگ از کارگران حتی از حداقل دستمزد ماهانه ۳۰۳ هزار تومانی برخوردار نیستند.

بر اساس گزارش های منابع خبری از ایران، شهرهای تبریز، تهران، قائمشهر، اراک، آبادان، کرمانشاه، رشت، اهواز، اصفهان، ابهر، مازندران، شیراز و قزوین از جمله شهرهایی بوده اند که میزبان بیشترین تجمعات کارگران در هفته های اخیر بوده اند.اما همچنان رسانه‌های دولتی از پوشش دادن اخبار اعتراضات و اعتصابات کارگری امتناع می ورزد.

مجتمع پتروشیمی بندر امام و کاغذ سازی پارس خوزستان

بر اساس گزارش منابع حقوق بشری در ایران،اعتصابات گسترده کارگران مجتمع پتروشیمی «بندر امام» و کارخانه کاغذسازی «پارس» روز شنبه ۲۰ فروردین با حضور بیش از دو هزار نفر از کارگران برگزار شده بود.

کارگران کارخانه پارس خوزستان در اعتراض به اخراج ۶۰ نفر از کارگران دارای قرارداد موقت این کارخانه دست از کار کشیده بودند و همچنین تجمعات اعتراضی کارگران مجتمع پتروشیمی «بندر امام» در مقابل ساختمان مرکزی مجتمع پتروشیمی نسبت به اجرا نشدن مصوبه دولت مبنی بر انعقاد قرارداد مستقیم با کارگران برگزار شده بود.

بنا به گزارش اتحادیه آزاد کارگران ایران، ۲۹ فروردین ماه کارگران مجتمع پتروشیمی بندر امام در دهمین روز اعتصاب خود در مقابل دفتر مرکزی شرکت دست به تجمع گسترده زده بودند.

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه نیز با انتشار اطلاعیه ای از اعتصاب کارگران ماهشهر حمایت کرده و خواستار تحقق فوری این کارگران شده است.

گفتنی است در بهمن ماه سال گذشته نیز در اثر سانحه آتش‌سوزی در پتروشیمی بندر امام یک نفر کشته و ۱۱ نفر مصدوم شدند.

این حادثه در حالی رخ داد که واحد در دوره انجام تعمیرات اساسی قرار داشت.

بر اساس اعلام خبرگزاری های داخلی، ابعاد آتش‌سوزی گستره نبود اما به دلیل تجمع نیروی انسانی در هنگام بروز حادثه منجر به کشته شدن یک نفر و مصدومیت ۱۱ نفر دیگر شد.

کارخانه کیان تایر

کارگران کارخانه کیان تایر نیز در روزهای دهم اسفند و همچنین ۲۲ اسفند دست به تحصن زده و گروهی از آنان نیز همراه خانواده هایشان، مقابل کارخانه در حاشیه آزادراه آیت الله سعیدی تهران متحصن شده بودند.

اعتراضات کارگران کارخانه کیان تایر از مدتی پیش آغاز شده همچنان ادامه داشته است.

در روزهای ۱۰ اسفند و همچنین ۲۲ اسفند صدها تن از کارگران کارخانه کیان تایر (لاستیک البرز تهران)دست به تحصن زده بودند و گروهی از آنان نیز همراه خانواده هایشان نیز بوده اند.

کارگران کیان تایر که ماههاست حقوق خود را دریافت نکرده اند روز دهم اسفند با در دست داشتن پلاکاردهایی در حاشیه آزادراه آیت الله سعیدی نشسته بودند و نیروهای یگان ویژه نیز در نزدیکی این تحصن حضور داشتند.
این کارگران روز ۱۰ اسفند ماه ۸۹ همزمان با تجمع های حامیان جنبش سبز در اعتراض به بازداشت یا حصر میرحسین موسوی و مهدی کروبی، به علت جمعیت زیاد متحصنان نیروهای پلیس و یگان ویژه از حمله به متحصنان و درگیری با آنها خودداری کردند و تنها با محاصره کامل متحصنان از پیوستن مردم به آنها جلوگیری می کردند.
بر پایه گزارش وبسایت هرانا، شعارهایی چون "مرگ بر ستمگر"، "یا حجت ابن الحسن، ریشه ظلم رو بکن" و "مرگ بر دروغگو" از جمله شعارهای کارگران معترض کیان تایر بوده آنها با حضور در حاشیه بزرگراه آیت الله سعیدی در منطقه چهاردانگه (جنوب غرب تهران) از رانندگان خودروهای عبوری درخواست می کردند که با به صدا در آوردن بوق اتومبیل های خود با آنها همراهی کنند، که به گفته شاهدان، بسیاری از رانندگان به این درخواست عمل می کردند.
کارگران کیان تایر در ادامه سلسله اعتراضات خود به عدم تحقق وعده های کارفرما از صبح ۲۲ اسفند ماه و در زیر باران شدید در مقابل نهاد رسیدگی به شکایتهای مردمی ریاست جمهوری دست به تجمع اعتراضی زدند در این تجمع که بیش از ۹۰۰ نفر از کارگران کیان تایر در آن شرکت داشتند کارگران با سر دادن شعارهایی خواهان رسیدگی به خواستهای خود شدند.
بنا بر این گزارش از همان ساعت اولیه تجمع کارگران در مقابل نهاد ریاست جمهوری تعدادی از مسئولین این نهاد و نماینده های وزارت صنایع در میان کارگران حاضر شدند و با دادن وعده و عید از آنان خواستند به تجمع خود پایان دهند اما کارگران همه این وعده وعیدها را با شعار «وعده وعید نمیخواهیم ما حقمون میخواهیم» پاسخ می دادند و خواهان رسیدگی فوری به خواستهای خود شده اند. به دنبال این شعارها از سوی کارگران مسئولین نهاد دریاست جمهوری از نماینده های کارگران دعوت به مذاکره کردند و نماینده ها به داخل این نهاد رفتند اما کارگران بطور مرتب اقدام به دادن شعار میکردند
مجتمع پتروشیمی تبریز
کارگران مجتمع پتروشیمی تبریز نیز در روزهای انتهایی سال گذشته میزبان تجمعات و اعتراضات نزدیک به ۲۰۰۰ نفر از کارگران بوده است.
آنگونه که خبرگزاری دولتی ایرنا گزارش داده بود، از روز پنجشنبه دوازدهم اسفند، حدود ۱۸۰۰ کارگر پیمانکار مجتمع پتروشیمی تبریز به قراردادی نشدن خود از سوی مدیران این مجتمع دست به اعتراض زده بودند
کارگران مجتمع پتروشیمی تبریز همچنین خواستار افزایش دستمزد متناسب با رشد تورم و افزایش قیمت کالاها و خدمات و برخورداری از امکانات رفاهی و بیمه بوده اند.
منطقه ویژه اقتصادی ماهشهر
در ادامه اعتراضات کارگری در استان خوزستان، روز پنجشنبه ۱۸ فروردین ماه،صدها تن از کارکنان حراست طرح‌های ساختمانی منطقه ویژه اقتصادی ماهشهر، در محل فرمانداری این شهرستان با در دست داشتن پلاکاردهایی از جمله «ما را اخراج نکنید»، دست به تجمع و تحصن زده بودند.
این تجمع آرام و مسالمت آمیز کارگران با دخالت مامورین دولتی به خشونت کشیده شد تا جایی که استاندار خوزستان، رییس منطقه ویژه اقتصادی، فرماندار، رییس اداره اطلاعات، امام جمعه و فرمانده نیروی انتظامی ماهشهر به محل مراجعه نموده و برای پیگیری مشکلات کارگران به متحصنین قول مساعد داده اند.
دو شرکت ساختمانی در آبادان
روز دوشنبه، ١٤ فروردین نیز ده‌ها کارگر اخراجی دو شرکت ساختمانی در آبادان جهت بازگشت به کار در مقابل درب پالایشگاه این شهر تجمع کرده بودند که یورش عوامل حراست و نیروی انتظامی به تجمع کنندگان را در پی داشت
این تجمع در پی آن صورت گرفته که مسئولان پالایشگاه آبادان اخیرا در راستای تعدیل نیرو اقدام به تصفیه حساب با برخی کارگران کرده بود.
گفتنی است کارگران فضای سبز، کارگران قسمت تعمیرات و خدمات و هم چنین برخی از رانندگان که با شرکت‌های پیمانی در پالایشگاه آبادان کار می‌کنند، بین سه تا شش ماه حقوق خود را دریافت نکرده‌اند و علیرغم وعده‌های وزارت نفت و مقامات مسئول، هنوز حقوق این کارگران پرداخت نشده است.

شرکت مخابرات راه دور شیراز
بیش از ۱۰۰ نفر از کارگران شرکت مخابراتی راه دور ایران در شیراز روز دوشنبه ۲۹ فروردین ماه در اعتراض به عدم اجرای مصوبات دولت برای مکم ۱۵ میلیارد تومانی به این واحد صنعتی و پرداخت نشدن ۲۰ ماه حقوق خود راهپیمایی کردند.
آنگونه که خبرگزاری دولتی ایسنا گزارش داده بود، این کارگران در حد فاصل ساختمان استانداری فارس تا سازمان صنایع و معادن این استان راهپیمایی کردند.
راهپیمایان با شعار «زندگی، معیشت حق مسلم ماست» ، «مصوبات دولت اجرا باید گردد» و «۲۰ ماه حقوق کارگر پرداخت باید گردد» خواستار تسریع در اجرای مصوبات دولت و پرداخت مطالبات معوقات کارگران شدند.
به گزارش ایسنا، شرکت مخابراتی راه دور ایران از ۲۰ ماه قبل تاکنون و پس از واگذاری به بخش خصوصی به دلیل مشکلات مالی دچار بحران شده است.
نساجی مازندران
جمع کثیری از کارگران نساجی مازندران طی دو روز متوالی درمقابل نساجی طبرستان تجمع کرده بودند.
در این تجمع اعتراض‌آمیز که با حضور عده کثیری از کارگران انجام گرفته بود بازنشستگان کارخانه گونی‌بافی نیز حضور داشتند.
تعدادی از این بازنشستگان اظهار داشتند: علیرغم وعده‌های مدیران سابق گونی‌بافی این عده با پرداخت حق بیمه خود که باید از طریق کارفرما اقدام می‌شد از جیب خود وزن و بچه‌های‌مان پرداخت نمودیم به امید اینکه کارفرما به تعهد خود عمل نماید ولی تاکنون نسبت به سنوات گذشته ما هیچ‌گونه اقدامی انجام نگرفته است.
این کارگران می‌افزایند در شرایط کنونی نیز کارفرمای جدید زیر بار نمی‌رود و اعتقاد براین دارد که سنوات این عده مربوط به کسانیست که کارخانه را واگذار نموده‌اند.
این بازنشستگان می گویند یکی از شرایط واگذاری این کارخانه به سرمایه‌گذار جدید پرداخت دیون کارگران این کارخانه می‌باشد که باید کارفرمای جدید نسبت به پرداخت این دیون اقدام نماید.
کشته و زخمی شدن بیش از ۲۰ تن از کارگران در اثر آتش سوزی و وقوع اعتراضات گسترده کارگران
در پی حادثه آتش سوزی پنجم بهمن‌ماه سال گذشته در کارخانه ایران‌خودرو، هشت نفر از کارگران کشته و ۱۳ تن نیز زخمی شده بودند که این امر موجب اعتراضات وسیع کارگران این کارخانه شده بود.
جمعی از کارگران ایران خودرو بیانیه‌ای منتشر کردند و در آن مسئولان این واقعه را مدیریت و روابط عمومی منابع انسانی و حراست کارخانه ایران‌خودرو دانستند.
سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوس‌رانی تهران و حومه خواهان تشکیل گروهی برای تحقیق از این واقعه شد و «عدم ایمنی کار و حذف بازرسی کار» را از جمله دلایل این حادثه دانست.
سندیکای کارگران فلزکار و مکانیک، اتحادیه جامعه پیشکسوتان کارگری و اتحادیه آزاد کارگران ایران جان‌باختن عده‌ای از کارگران شیفت شب ایران‌خودرو را پس از اضافه‌کاری اجباری، تسلیت گفته و با آنان ابراز همدردی کرده بود.

شرکت ذوب و فلزات ابهر
کارگران شرکت ذوب و فلزات ابهر نیز که ۱۶ ماه است حقوقی دریافت نکرده اند، در چند روز گذشته در اعتراض به این امر در مقابل فرمانداری ابهر دست به تجمع زده اند.
بر اساس آنچه روزنامه اعتدال منتشر ساخته بود، ۲۰۰ نفر از کارگران این شرکت در تجمعی، در مقابل فرمانداری ابهر بر پرداخت ۱۶ ماه حقوق و ۲ عیدی عقب افتاده خود اصرار کردند.
یکی از کارگران معترض در این باره گفت: از حدود ۷ ماه پیش با مراجعه فرمانداری، استانداری زنجان، دادگاه و دفتر نماینده مردم ابهر و خرمدره خواسته خود را مطرح کرده ایم اما تا امروز جواب قانع کننده ای دریافت نکرده ایم.
در پی این تجمع، نمایندگان کارگران به همراه نمایندگان دادگستری و معاون فرماندار ابهر تشکیل جلسه دادند و مقرر شد این موضوع از طریق دادگستری استان پیگیری شود.
شرکت «ناز نخ قزوین»
صدها تن از کارکنان شرکت «ناز نخ قزوین» نیز با تجمع در مقابل مجلس طی دو روز متوالی نسبت به عدم دریافت حقوق خود اعتراض کردند
به گزارش خبرگزاری فارس، نزدیک به نیروهای امنیتی حکومت ایران، تعدادی از کارکنان شرکت ریسندگی و بافندگی «ناز نخ» قزوین صبح (دوشنبه ۲۹ فروردین) با تجمع در مقابل مجلس از قوه مقننه و مجریه خواستند که حقوق‌شان را از شرکت «ناز نخ « قزوین مطالبه کنند.
یکی از تجمع کنندگان در این باره گفت که ما چهارده ماه است هیچ حقوقی از شرکت «ناز نخ قزوین» دریافت نکرده‌ایم و تمام شکایت‌های ما به اداره بیمه بی نتیجه مانده است.
بر اساس گزارشی که مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران منتشر ساخته بود، در سال ۱۳۸۹، ۳۳۳۹۲۱۸ نقض موردی حقوق کارگران در ایران، توسط واحد آمار، نشر و آثار مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران به ثبت رسید و بر اساس این آمار به ترتیب استان های تهران، خوزستان، کردستان و قزوین بیشترین آمار نقض حقوق کارگران را به خود اختصاص داده اند.
در ذیل برخی از احکام قضایی صادر شده برای کارگران ایرانی آمده است:
آزاد منیرنیا، فعال کارگری در کامیاران به زندان محکوم شد: دادگاه تجدید نظر استان کردستان حکم زندان یک فعال کارگری در کامیاران به نام «آزاد منیرنیا» را تایید نمود.
شش ماه زندان برای رضا رخشان به دلیل فعالیت سندیکایی: شعبه ۱۳ دادگاه تجدید نظر اهواز رضا رخشان، رئیس هیأت مدیره سندیکای نیشکر هفت تپه، را به اتهام نشر اکاذیب به ٦ ماه زندان محکوم کرد.
محکومیت همایون جابری از اعضای سندیکای شرکت واحد به سه سال حبس تعلیقی: در آستانه ی ۱ مه روز جهانی کارگر همایون جابری، یکی از اعضای سندیکای شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه، از سوی شعبه ۱۴ دادگاه انقلاب به ریاست قاضی تقوی به ۱ سال حبس تعزیری به مدت ۳ سال تعلیق محکوم شد.
دو سال زندان برای خسرو بوکانی، از فعالین کارگری: خسرو بوکانی، فعال کارگری و عضو هیات اجرایی کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری به دوسال زندان محکوم شد.
دادگاه تجدید نظر حکم کاوه گل محمدی را تایید کرد: حکم چهار ماه حبس تعزیری کاوه گل محمدی، از فعالین کارگری در کامیاران، از سوی دادگاه تجدید نظر استان کردستان تایید شده است.
منصور اسانلو به دادگاه انقلاب کرج رفت: منصور اسانلو، رئیس زندانی سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوس رانی تهران و حومه، به شعبه شش دادگاه کرج احضار شده است.
۴۰ ضربه شلاق و ۷ سال حبس برای پژمان رحیمی، فعال کارگری: پژمان رحیمی، فعال کارگری خوزستانی از سوی دادگاه عمومی اهواز به یک سال حبس و ۴۰ ضربه شلاق محکوم شد.
محکومیت منصور اسانلو به یک سال حبس دیگر: منصور اسانلو که در غیاب وکیل با اتهامی تازه محاکمه شده بود مجددا به یک سال حبس محکوم شد که اجرای آن از پایان محکومیت فعلیش آغاز می شود.
منصور اسانلو با اتهام جدیدی محاکمه شد: منصور اسانلو رئیس هیئت مدیره سندیکای شرکت اتوبوسرانی تهران و حومه در شعبه ۱ دادگاه انقلاب کرج مورد محاکمه قرار گرفت.
محاکمه ی مجدد صدیق کریمی و فواد کیخسروی دو تن از فعالین کارگری: روز چهارشنبه ۳۱ شهریورماه، صدیق
کریمی عضو هیئت مدیره و فواد کیخسروی از اعضای فعال اتحادیه آزاد کارگران ایران برای بار دوم از سوی شعبه اول دادگاه انقلاب سنندج مورد محاکمه قرار گرفت.
بهنام ابراهیم زاده، فعال کارگری به ۲۰ سال زندان محکوم شد: اتحادیه آزاد کارگران ایران اعلام کرد که بهنام ابراهیم زاده، فعال کارگری و مدافع حقوق کودکان، از سوی شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب به اتهام های امنیتی به بیست سال زندان محکوم شده است.
محکومیت بهزاد عربگل، کارگر ساختمانی، به ٦ سال حبس تعزیری: بهزاد عربگل از بازداشت شدگان مربوط به عاشورای سال گذشته، از سوی قاضی صلواتی در شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب به ٦ سال حبس تعزیری در مرحله بدوی محکوم شد.
صدور حکم زندان برای یک فعال کارگری در کامیاران: یک فعال کارگری اهل کامیاران به نام افشین ندیمی توسط دادگاه انفلاب اسلامی سنندج به زندان محکوم شد.
اخبار مرتبط در وبسایت دانشجونیوز:
راهپیمایی کارگران شرکت مخابراتی راه دور ایران با شعار: زندگی، معیشت حق مسلم ماست
ادامه اعتصاب در بندر امام و ماهشهر و تجمع کارگران دو کارخانه قزوین
تجمع اعتراضی کارگران کشت و صنعت کارون، شوشتر و هفت‌تپه در مقابل مجلس
تداوم اعتراضات ۱۵۰۰ نفری کارگران پتروشیمی بندر امام
پنجمین روز اعتصاب هزاران تن از کارگران پتروشیمی ماهشهر
عضویت افتخاری منصور اسانلو در بزرگترین اتحادیه کارگری بریتانیا
تجمع اعتراضی کارگران در ماهشهر و آبادان با دخالت نیروی انتظامی به خشونت کشیده شد
تجمع کارگران شرکت نازنخ در مقابل نهاد ریاست‌جمهوری

تاملی بر زمینه های عینی و ذهنی مبارزه در راه ارتقاءِ سطح رزمندگی جنبش کارگری

مرحله حساس کنونی در پیکار با استبداد و ارتجاع ضرورت حضور ژرف تر، سازمان یافته و گسترده تر طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان را برجسته ساخته است.

تصمیم شورای عالی کار مبنی بر افزایش ۹ درصدی میزان حداقل دستمزد کارگران و زحمتکشان در سال کنونی، بازتاب گسترده ای در میان فعالان سندیکایی و توده های کارگر در کارخانه ها و کارگاه های سراسر کشور داشت و همراه خود نارضایتی ژرفی را نیز برانگیخت. این موضوع در پیوند با اخراج های وسیع در ابتدای هر سال، به فضای اعتراض در محیط های کارگری دامن زده است.
امسال با توجه به اجرای برنامه آزادسازی اقتصادی و تاثیرات آن بر زندگی و امنیت شغلی طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان، تنش بسیار جدی یی در اغلب مراکز صنعتی– تولیدی مشاهده می گردد. اعتراض های کارگران جان به لب رسیده که به طور عمده تدافعی، پراکنده و ناهماهنگ صورت می گیرد، در فضای سیاسی معین و در عین حال متفاوت با سال های گذشته است. به عنوان یک نمونه با اهمیت، می توان به واکنش اعتراضی طیف گسترده جنبش سندیکایی به مصوبه شورای عالی کار در خصوص افزایش فرمالیته ۹ درصدی حداقل دستمزدها اشاره کرد. خبرگزاری مهر، ۲۴ اسفند ماه ۸۹، با انعکاس دیدگاه های معین در این باره گزارش داد: ”نمایندگان کارگران عضو شورای عالی کار باید در مورد عملکرد خود وعدم اجرای درخواست کارگران در نشست های تعیین مزد ۹۰ پاسخگو باشند! “به هر روی اقدام دولت کودتا در ممانعت از افزایش عادلانه دستمزدها که بخشی جدا یی ناپذیر راهبرد آزاد سازی اقتصادی است در لحظه کنونی بیشترین نارضایتی های کارگری را سبب شده است.
کارگران و زحمتکشان و طیف وسیع فعالان جنبش سندیکایی به چشم خود دیده و با پوست و گوشت خود پیامد آزاد سازی اقتصادی و سیاست های رژیم ولایت فقیه و دولت کودتا را حس کردند.
به این ترتیب سیاست گستاخانه دولت ضد ملی احمدی نژاد که نمونه افزایش ۹ درصدی حداقل دستمزدها فقط یکی از مظاهر آن به شمار می آید، محیط های کارگری و مراکز صنعتی، تولیدی وخدماتی را با تنش های جدی روبه رو ساخته و بی گمان اگر ضعف عمومی جنبش کارگری ایران، مانند نبودِ سندیکاهای مستقل و سطح سازمان دهی نامناسب وجود نمی داشت، هم صحنه سیاسی میهن ما در اوضاع حساس کنونی شاهد تحولات اساسی به زیان دیکتاتوری و خودکامگی بود و هم دولت کودتا قادر نبود چنین بی مهابا حقوق زحمتکشان را پایمال کند! به رغم این ضعف اساسی و مجموعه عوامل عینی و ذهنی بازدارنده و منفی، امکانات متعدد کنونی برای تقویت و قوام جنبش اعتراضی زحمتکشان و پیوند آن با جنبش ضد استبدادی را نباید دست کم گرفته و یا نادیده انگاشت.
در هفته های اخیر گزارشات گوناگونی از اعتراض ها و اعتصاب های پراکنده کارگران و زحمتکشان در رسانه های همگانی و مطبوعات انتشار یافته است. حرکت هوشیارانه کارگران شرکت پارسلیوان لرستان و پلاکاردهای اعتراضی آنان هنگام سفراستانی رییس دولت کودتا نشانگر آن محمل ها و زمینه هایی است که باید به دقت مورد توجه و استفاده قرار گیرند. به علاوه، باید به اعتراض های سازمان یافته کارگران کیان تایر اشاره کرد. این کارگران با اعتصاب، تحصن و در یک مورد تجمع و مسدود ساختن موقتی جاده محور اسلام شهر– بزرگ راه آزادگان تا میدان جهاد، رژیم ولایت فقیه و دولت نامشروع کودتا را به چالش طلبیند. شعارهای این تجمع کارگری از آن رو با اهمیت تلقی می شود که نشانگر ژرفای نارضایتی زحمتکشان و در عین حال قدرت تاثیرگذاری جنبش کارگری است. کارگران کیان تایر شعار می دادند: ”ای مردم با غیرت حمایت حمایت“، ”مرگ بر ستمگر“، ”هرگز ندیده ملتی این همه بی عدالتی “و ”مرگ بر دروغگو“. این گونه شعارها و واکنش پرمعنای زحمتکشان می بایست از سوی شبکه های اجتماعی، جنبش های اجتماعی و نیروهای مخالف کودتای انتخاباتی مورد توجه دقیق قرار گیرد و بازتاب شایسته خود را در تعیین شعارهای جنبش سراسری ضد استبدادی یافته و زمینه های فراروییِ جنبش به سطح عالی تر را فراهم آورد!



پیش از کارگران کیان تایر این کارگران دلیر پتروشیمی تبریز بودند که با برپایی یک اعتصاب موفق رودر روی استبداد ولایی ایستادند. از روز ۹ اسفند ماه بیش از ۱۸۰۰ تن از کارگران قراردادی مجتمع پتروتشیمی تبریز با سه خواسته مشخص اعلام اعتصاب کردند: ۱. انعقاد قرارداد دسته جمعی و حذف شرکت های دلال و پیمانکار خصوصی، ۲. افزایش

دستمزد متناسب با نرخ تورم و افزایش قیمت کالاها و خدمات عمومی، ۳. رفع تبعیض میان کارکنان رسمی کارخانه و برخورداری همه کارگران از امکانات رفاهی و بیمه اجتماعی. این اعتصاب موفق و یکپارچه انعکاس امیدوار کننده ای در دیگر مراکز کارگری از قبیل پالایشگاه نفت و ماشین سازی تبریز داشت و می توان به جرات مدعی شد یکی از موفق ترین حرکات کارگری در کارخانجات مادر و راهبردی به لحاظ سطح همبستگی، سازمان دهی تعیین و اعلام خواسته های مشخص در چند سال اخیر محسوب می شود.

اعتصاب هایی چون پتروشیمی تبریز و سلسله اعتراض های ایران خودرو را نباید صرفا از زاویه صنفی مورد بررسی و ارزیابی قرار داد. این واقعیت که بخش مهمی از حرکات اعتراضی جنبش کارگری به صورت تدافعی و پراکنده پیرامون مسایل صنفی نظیر افزایش دستمزدها، مخالفت با قراردادهای موقت و جز این ها دور می زن،د نباید منجر به آن گردد که مضمون این مبارزه صرفا صنفی انگاشته شود. این مبارزات ماهیت و خصلت سیاسی روشنی را دارا هستند. در نمونه هایی چون پتروشیمی تبریز طبقه کارگر ایران باهمه دشواری های موجود از مبارزه در راه خواسته های صنفی به منظور ارتقای سطح سازماندهی و مبارزه جویی خود بهره می گیرد. در یک محیط استبداد زده و خفقان پلیسی این حربه ای موثر و کارآمد است که ریشه در سنت سندیکایی زحمتکشان ایران دارد. این واقعیت را باید به دقت مورد توجه قرارداد.

پالایشگاه آبادان واقع در استان خوزستان نیز شاهد اعتراض ها و اعتصاب های پراکنده بود. با انتشار خبر اخراج نزدیک به ۳۰۰ کارگر از پالایشگاه آبادان (اغلب کارگران قرارداد موقت) موجی از نارضایتی کارگران و تکنسین های این پالایشگاه قدیمی و معتبر را فراگرفته است. علاو بر آبادان، در شهر اهواز نیز کارگران لوله سازی و نورد با ابراز نارضایتی از پایمال شدن امنیت شغلی خود و سطح پایین دستمزدها در ماه های اخیر چندین اعتصاب و تحصن را سازمان داده اند. با همه اینکه به دستور مستقیم شورای عالی امینت ملی خبر و گزارشات مربوط به اعتصاب های کارگری در رسانه های همگانی به ویژه خبرگزاری کار ایران – ایلنا- به مراتب کمتر از قبل بازتاب می یابد، خبرها حاکی از افزایش قابل تامل نارضایتی و اعتراض در محیط های کارگری است. نکته پراهمیت دیگر اینکه اعتراضات در شماری از کارخانه ها و واحدهای بزرگ و تاثیرگذار رو به افزایش است که نمونه هایی نظیر پتروشیمی تبریز، پالایشگاه آبادان و کارخانه واگن پارس در اراک، ایران خودرو، نورد اهواز و پولاد مبارکه اصفهان از آن جمله اند.

جنبش کارگری ایران باهمه ضعف ها، دشواری ها و کمبودهای موجود همچنان نیروی موثر و غیر قابل انکار در مبارزه با استبداد ولایی و دولت کودتاست. ترفندهای عوام فریبانه دولت کودتا، فشار سنگین پلیسی، سرکوب خشن و جز این ها، نتوانسته و نخواهد توانست در عزم کارگران کشور برای تامین منافع صنفی و سیاسی خود خللی وارد آورد. مرحله حساس کنونی در پیکار با استبداد و ارتجاع ضرورت حضور ژرف تر، سازمان یافته و گسترده تر طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان را برجسته ساخته است. این ضرورت با فعالیت پیگیر و خستگی ناپذیر می تواند صورت تحقق یافته و موجب تقویت صفوف


Shana/Photo: Abdolreza Mohseni

جنبش مردمی در مصاف با استبداد ولایی شود!

به نقل از نامه مردم، شماره ۸۶۵، ۸ فروردین ماه ۱۳۹۰

آزادی طبقه کارگر بدون آزادی زنان معنا ندارد

گفتگو با هاله صفرزاده

تهیه و تنظیم: آیدا ابروفراخ و کاوه مظفری

اشتغال و استقلال اقتصادي در زندگي زنان و بخصوص در کسب برابري جنسيتي در جامعه جايگاه ويژه اي دارد اما علي رغم اين اهميت، به نظر مي آيد به اندازه ي لازم به آن پرداخته نشده و يا فقط از ديدگاه هاي خاص پرداخته شده است به همين منظور مصاحبه اي داشتيم با هاله صفرزاده، روزنامه نگاري که در زمينه مسايل کارگري کار مي کند

استقلال اقتصادی چه جایگاهی در زندگی زنان دارد و بر زندگی آنها چه تا ثیری می گذارد؟ آیا استقلال اقتصادی فقط برابر است با اشتغال؟

هاله صفرزاده: به نظر من استقلال اقتصادی یکی از مهمترین مبانی حقوق زنان است و نقشی تعیین کننده در تمام ابعاد زندگی شان دارد. یعنی اگر زنی بخواهد از حقوق واقعي خود به عنوان یك انسان برخوردار باشد در اولین قدم باید از استقلال مالی برخوردار گردد و بتواند زندگی خود را تامین کند. اما بخاطر فرهنگ مردسالارنه و قوانین موجود در جامعه، زنان بسياري از این حیطه تقریبا کنار گذاشته شده اند و حتا بسياري از زنان حتی باور ندارند که استقلال اقتصادي چقدر ضروری است و تامين هزينه هاي زندگي را مسووليت مردان مي بينند. خانمی مطرح می کرد که همسرم، من را تحقیر می کند و به من می گوید تو هیچ چیز نمی دانی. من آرزوي سفر دارم و خسته ام ولي او مي گويد پول ندارم، اما به بهانه کار با منشی خود به مسافرت می رود و... اگر از این خانم بپرسیم اکنون می خواهی چه کار کنی؟ در جواب می گوید: «می خواهم امکانات بیشتری داشته باشم و باید راهي پيدا کنم که پول بیشتری از او بگیرم تا به خواسته هایم برسم». اصلا گوشه ای از ذهنش هم تامین زندگی خودش نیست و به این نمی اندیشد که اگر من زندگی خودم را تامین کنم، می توانم خود را در عرصه های اجتماعی و فعالیت های زندگی به همسرم اثبات کنم. او می خواهد پول را از همسرش بگیرد و در کلاس های مختلف شرکت کند تا اطلاعات خود را بالا ببرد و از این طریق خود را به همسرش اثبات کند. مي بينيد در ذهن برخي از زنان ما، حق داشتن شغل اصلاً جایی ندارد. در قوانین موجود هم نواقصی در این زمینه وجود دارد. یکي از این نواقص این است که مسئولیت اقتصادی و ریاست خانواده با مرد است و به تبع آن و در مقابل این مسئولیت که بر دوش آنان گذاشته شده، شمار زيادي امتيازات به مردها داده می شود که زنان از آن بي بهره‌اند. بنابراین اگر قرار به ایجاد برابری است، این بخش از قانون نیز باید اصلاح شود. فراهم آوردن امکانات شغلي برابر براي زنان و مردان يکي ازپايه هاي اصلي براي از بين بردن نابرابري هاي جنسيتي است. این نکته اي است که باید در قانون تصریح شود و هَم همه بر این قرار بگیرد که اجرا شود.

البته همیشه بخش عمده ای از زنان زحمتکش ما به شکل‌هاي رسمي و غیررسمی در گرداندن چرخ اقتصادي خانواده سهیم بوده و هستند. منظورم کارِ خانه‌داري زنان نيست که سهم بزرگي در بازتوليد نيروي کارِ دارد و کار بي اجرو مواجب است؛ منظورم زنان روستایی هستند که همیشه بار اصلی اقتصاد خانواده را بر دوش می کشند و مشارکت فعالي در دامپروری، کشاورزی، قاليبافي و تمام کارهایی دارند که براي خانواده درآمدزاست. اما هیچ چیزی بعنوان درآمد مستقل این زنان به ثبت نمی رسد و هیچ کس اینها را به عنوان شاغليني که باید دستمزد دریافت کند به رسمیت نمی شناسد و جزء کارکنان فامیلی بدون مزد به حساب می آیند. آنان استثمار مي شوند اما به دست پدر، برادر و یا همسرانشان. با فرهنگ مردسالارانه اي که در جامعه وجود دارد، مرد روستايي تمام درآمد خانواده را به نام خود ثبت مي کند و زنان معمولاً نقشي در تصميم گيري براي چگونگي هزينه کردن آن ندارند. داشتن قدرت تصميم گيري درمورد هزينه کردن درآمدها نيز بخشي از استقلال اقتصادي است.

در چند سال اخیر، رشد قابل توجهی در حوزه اشتغال زنان صورت گرفته و زنان نسبت به گذشته بیشتر خواهان فعالیت اقتصادی در خارج از خانه هستند. شاید افزایش سطح تحصیلات یکی از علل وقوع این پدیده باشد. با این وجود، هنوز نسبت اشتغال زنان بسیار کمتر از مردان است. به نظر شما موانع اصلی در رابطه با اشتغال زنان در ایران چیست؟

هاله صفرزاده: در زمينه مشارکت زنان در فعاليت هاي اقتصادي جامعه و اشتغال زنان، تضادي در جامعه ما وجود دارد. از سويي به لحاظ ايدئولوژي حاکم در جامعه، اين اعتقاد وجود دارد که جايگاه زنان در خانه است و مهمترين کار و مسووليت آنان خانه‌داري، رسيدگي به فرزندان و شوهر است. اين ديدگاه مي خواهد زنان از عرصه هاي اجتماعي، محيط هاي کار کنار گذاشته شوند و در اين راه تلاش هاي بسياري هم صورت مي‌گيرد و موانع زيادي براي زنان در زمينه اشتغال ايجاد مي کنند.

اما واقعيت ديگري هم در جامعه جاري است. سيستم اقتصادي کشور ما بخشي از سيستم سرمايه داري است. سيستم سرمايه داري خواهان استفاده روزافزون از نيروي کار ارزان است. و هر چه بيشتر تلاش مي کنند که نيروي کار زنان نيز به نيروي کار مردان در جامعه افزوده شود. چراکه هرچه

تعداد بیشتري متقاضي فروش نیروي کارشان باشند، میزان دستمزدها بیشتر کاهش مي یابد و سرمایه دار مي تواند به راحتي سود خود را از این طریق افزایش دهد. و چه گروهي بهتر از زنان. هم خوب کار مي کنند، هم کم توقعند، هم اهل رشوه و زدوبندهایي نیستند که در محیط هاي مردانه کار شایع است و... خلاصه نیروي کار کم دردسرتري نسبت به مردان هستند. زماني در آغاز دوره سرمایه داري، اواخر قرن ۱۸ تا اواخر قرن ۱۹ در انگلستان بیش از ۷۰ درصد کارگران بخش صنعتي، زنان و کودکان بودند.

این گونه است که زنان وارد بازار کار مي شوند و نیروي کار را زیاد مي کنند. اما کار پیدا نمي کنند. بنابراین به جاي زنان خانه دار، مي شوند ارتش ذخیره کار که مانند زنان خانه دار از حقوقشان محروم هستند. در کشورهاي کمتر توسعه یافته، پایین بودن بهره وري نیروي کار نیز مزید بر علت مي شود. این ارتش ذخیره کار که به دنبال کار است وقتي بیکاري به او فشار آورد، حاضر است با دستمزدهاي بسیار پایین تري مشغول به کار شود. این را مي توانیم به عینه در جامعه ببینیم. زنان و دختران بسیاري با حقوق هاي بسیار کمتري نسبت به مردان کار مي کنند. به عنوان مثال، در دفترخانه اي در غرب تهران، حقوق ماهیانه دختران جوان با روزانه کار ۸ الي ۱۰ ساعته حدود ۱۵۰ هزار تومان است. یا در تولیدي هاي لباس دستمزد زنان حدود ۲۰۰ هزار تومان است (مي توانید به گزارش‌هایي که کانون مدافعان حقوق کارگر در مورد دستمزد زنان منتشر کرده مراجعه کنید). با توجه به تورم پیش بیني شده بعد از طرح حذف یارانه ها مصیبت بیشتر هم مي شود.

به نظر من، افزایش سطح تحصیلات یکي از علل رشد قابل توجه در حوزه اشتغال زنان نیست. عامل اصلي نیاز سیستم سرمایه داري است که سبب مي شود امکاناتي براي زنان فراهم شود تا هر چه بیشتر به بازار کار روانه گردند. پس در واقع فراهم کردن امکانات تحصیلي در این دوره، در واقع وسیله اي است براي پرورش این ارتش ذخیره کار، براي پرورش نیروي کار ماهر و مناسب.

همانطور که در خبرها می بینیم، دولت تمایلی نسبت به اشتغال زنان ندارد. با اینکه آمار بیکاری زنان بیش از مردان است، اما هیچ اقدامی در این خصوص انجام نمی شود. شما دلیل این امر را در چه چیز می بینید؟

هاله صفرزاده: این هم بخشي از تضادي است که در ابتداي صحبت گفتم. همانطور که مي دانیم آمار دقیقی از بیکاری زنان وجود ندارد، زیرا زنان خانه دار را تحت عنوان بیکار محسوب نمی کنند و در نرخ بیکاری حساب نمی شوند. بنابراین هم نرخ و هم تعداد زنان بیکار بیشتر از آمارهاي اعلام شده است. نیروی کار جوانی که می خواهند وارد بازار کار شوند به دلیل نبود فرصت شغلی به اندازه کافی با کمبود کار مواجه می شوند (آمار بیکاري حدود ۳۰ درصد است) خوب طبیعی است که اولین گروهی که باید در این صف حذف شود زنان هستند و قوانین هم در این حذف کمکشان می کند: «گرداندن چرخ اقتصادی خانواده» (در ظاهر) و «ریاست خانواده» با مردان است، بنابراین «اولویت کاری هم باید با آنها باشد» و این گونه مساله بیکاری زنان توجیه مي شود و این یکي از مهمترین راه حل هایي است که براي حل مشکل بیکاري مردان یافته اند!؟

نظرتان دربارهٔ طرح دورکاری زنان کارمند چیست؟

هاله صفرزاده: طرح دور کاري چیز جدیدي نیست. در واقع در دهه ۷۰ میلادي و به دنبال بحران انرژي مطرح شد. بخصوص با کتاب موج سوم تافلر. این طرح باید از جنبه هاي مختلف مورد بررسي قرار گیرد. پس این مساله خاص کشور ما نیست. و در کشورهاي توسعه یافته و یا توسعه نیافته مثل ویتنام، تایلند، بنگلادش و... نیز که کارگاه هاي بزرگ تولید لباس مارك هاي معروف و... در آنجاها فعالند نیز همین مساله به چشم مي خورد. در این طرح، کار در منزل انجام مي شود و در مقابل کار انجام شده مزد پرداخت مي شود. یعني سیستم کارمزدي. دیگر از حقوق و مزایا و اضافه کار و بیمه و... به شکلي که اکنون هست خبري نیست. یکي دیگر از خصوصیات این طرح این است که تو اگر دستمزد بیشتري مي خواهي باید کار بیشتري انجام دهي. در حقیقت خودت فشار کار را بالا مي بري. و از این طریق سود سرمایه دار افزایش مي یابد. هم هزینه مکان و نگهداري کارگاه و برق و آب و... را نمي پردازد و هم بابت افزایش شدت کار مورد سرزنش و بازخواست قرار نمي گیرد و هم نیروي کار در کنار هم نیستند که بتوانند دسته جمعي اعتراض کنند و...

دورکاري از سال هاي بسیار پیش در کارگاه هاي تولیدي مثل لباس، ساخت کیت هاي الکترونیکي و... در ایران وجود داشته و دارد. بخشي از بازار غیر رسمي کار را بخصوص در رابطه زنان شامل مي شود. کارهایي مانند پاك کردن حبوبات، درست کردن عروسك و دوخت لباس از باقیمانده پارچه ها و چرم هاي کارگاه هاي بزرگ و...؛ دستمزد در این بخش بسیار پایین تر از بخش رسمي کار است. خاطرم هست با خانمي مصاحبه مي کردم که همسرش دنبال خوشگذراني خود بود و او مجبور شده بود براي تامین هزینه زندگي دو فرزندش کار کند. چون آنها کوچك بودند و هیچ تخصصي هم نداشت بریده هاي پارچه را از یك تولیدي مي گرفت و با دوختن آنها کنار هم از آنها دامن مي دوخت. مي گفت: «مدتي که گذشت حس کردم تمام زندگي من شده دوختن این درزها. از تمام وقتم براي این کار استفاده مي کردم. دیگر حتا فرصت رسیدگي به فرزندانم را هم نداشتم که به خاطر آنها این کار را شروع کرده بودم. مرتب سر آنها داد مي زدم که مرا راحت بگذارند تا تعداد درزهاي دوخته شده را بیشتر کنم. هیچ کارفرمایي

نمي توانست مرا مجبور کند این گونه شدید و بي توجه به سلامت خودم و فرزندانم کار کنم». در موارد زیادي هم زناني که مشغول به این کار هستند کودکانشان را هم وادار به کار مي کنند.
حال این طرح قرار است در ادارات دولتي اجرا شود. برخي از زنانی که تاکنون مشمول این طرح شدند اعلام می کنند که این طرح برای کنار گذاشتن ما از مشاغل است، با اینکه در این مرحله دستمزد آنها پرداخت می شود. البته برخی از زنان از این طرح استقبال می کنند. زنی که می خواهد شغلي داشته باشد باید بجنگد تا شاغل بودن خود را به اطرافیانش تحميل بکند، حتی در قشرهای تحصیل کرده، ما شاهد هستیم که اگر زنی بخواهد کار کند باید به همسرش و خانواده و اطرافیان بقبولاند که این حق من است و من می خواهم از این حق ابتدایي خودم استفاده کنم، براي زنانی که استقلال اقتصادی برایشان مهم است و می خواهند کار کنند، و یا زناني که مجبورند همراه همسرانشان کار کنند تا زندگي شان بچرخد، اما باید مسئولیت نگهداري از فرزندان و خانواده را نیز بر دوش بکشند و... در نگاه اول طرح دور کاری می تواند وسوسه انگیز باشد: «من در خانه می مانم، روزی چند ساعت کار می کنم. دست خودم است که آن را کي انجام دهم. آن زمانی است که کارهای منزل را انجام داده ام و در کنار فرزندانم هم هستم، هزینه مهد کودك هم نمي دهم و... به طور کلی به کارهای خانه بهتر می توانم سامان بدهم و درآمدي هم دارم». واضح است که برای زنان دشوار است که ده الي دوازده ساعت را صرف کار و رفت و آمد به محل کار کنند و بعد از رسیدن به خانه تازه با انبوهي از کارهاي خانه مواجه باشند؛ از نظر جسمی هم دیگر تواني برایشان باقي نمي ماند؛ پس طبیعي است که در مرحله اول از این طرح استقبال می کنند و این باعث می شود که تبعات و انتهای خط و دلیل اجرای این طرح را نبینند.
البته به این نکته هم اشاره کنیم که یکي دیگر از مشکلات زنان، بخصوص زنان جوان در برخي محیط‌هاي کار، ناامني این محیط هاست. تقاضاي غیرمتعارفِ داشتن رابطه خصوصي از طرف برخي از کارفرماها و مدیران و بعضا همکاران مرد، محیط کار را براي زنان ناامن مي کند. به نظر مي آید در برخي محیط‌هاي کار این گونه خواست‌ها کم کم دارد عادي مي شود. یعني اگر زنان بخواهند کارشان را حفظ کنند و یا حقوقشان را دریافت کنند، باید به خواسته هاي جنسي آنان پاسخ دهند. این ناامني باز خود دلیلي است براي اینکه زنان از طرح هاي این چنیني استقبال کنند. این مساله اي بسیار مهم است که نیاز دارد به طور خاص و جداگانه به آن پرداخته شود و نمونه بارز خشونت علیه زنان است.
خب، این طرح چه تبعاتی در طولانی مدت دارد؟
هاله صفرزاده: طبیعتاً زنان همین که از فعالیت های اجتماعی کنار گذاشته می شوند، مهم ترین پیامد منفي حاصل شده است. به نظر من، این هم بخشي از ترفندهاي سرمایه داري است براي افزایش سودش از طریق کاهش دستمزدها.
آنچه در سالهاي اخیر در کل جهان شاهدیم این است که امکانات رفاهی که مردم طی سال ها مبارزه به دست آورده بودند و از مزایای آنها استفاده می کردند، تک تک از آنها بازپس گرفته می شود. بحران اقتصادي بزرگي در جهان حاکم است و فقط مختص کشور ما نیست. مثلاً افزایش کار نیمه وقت در اروپا و امریکا را نیز مشاهده می کنیم. در آنجا هم زنان به نوعی از طرح هاي این چنین استقبال می کنند. سرمایه‌داري مي خواهد به هر میزان و به هر طریق که مي تواند دستمزدها را کاهش دهد. در اثر چنین طرح هایي ساعت کار برای زنان کوتاه می شود، در نتیجه دستمزد دریافتي آنان نیز کاهش مي یابد. نتیجه چه مي شود؟ با این تورم افسار گسیخته، با کار یك نفر از لحاظ اقتصادي، یك خانواده قادر به تامین نیازهاي خود نمي باشد. پس هر دو نفر باید کار کنند. چون دستمزدها کاهش یافته، در واقع دو نفر کار مي‌کنند ولي دستمزد یك نفر را مي‌گیرند. در هر صورت شگردهای مختلفی برای پس گرفتن امتیازاتي که مردم سال‌ها با مبارزاتشان بدست آوردند، ایجاد کرده اند، که درجاي خودش باید به آن پرداخته شود.
اگر دولت تضمین کند که دستمزد زنان را تا هنگام بازنشستگی پرداخت کند، آیا باز هم اجرای این طرح به ضرر زنان است؟
هاله صفرزاده: بله، در کل به زیان زنان است، مگر آنکه ما خواسته برابري جنسیتي در همه زمینه ها را نادیده بگیریم، زیرا باز به آنجایی می رسیم که زنان باید در خانه بمانند. بخش مهمی از فعالیت اقتصادی، حضور در صحنه اجتماعی است و این مساله ای است که به هیچ وجه زیان های آن را نمی توان جبران نمود. در اثر این طرح زنان در خانه می مانند و تبعات خانه نشینی گریبان آنها را می گیرد. بخصوص در جامعه اي مثل ایران.
به نظر شما، به جز استقبال در کوتاه مدت، آیا زنان عکس العمل های دیگری هم در مقابل این طرح ها از خود نشان خواهند داد؟
هاله صفرزاده: بله، احتمال مخالفت زنان مجرد با این طرح وجود دارد. از دور و نزدیک شاهد این مخالفت ها مي توان بود. همین الان بخشی از دختران و زنان جوان تحصیل کرده، مخصوصاً در شهرهای کوچک، به دلیل اینکه هیچ فضای فعالیت اجتماعی ندارند، چون نمی خواهند خانه نشین باشند، حاضر می شوند با دستمزدهای خیلي پائین مشغول به کار شوند. مي گویند از خانه نشستن که بهتر است. پول توجیبي مان که تامین مي شود و از بلاهاي خانه نشیني، که ساده ترینش افسردگي است، نجات پیدا مي کنیم. طبیعي است که این قشر از زنان اصلا موافق خانه نشستن نیستند.

ولی زنان متاهل و بچه دار احتمال دارد از این طرح ها حمایت کنند. تا ماهیت این طرح برای آنها روشن شود و بتوانند عکس العمل درست نشان دهند. زمان می‌برد و به این بر می گردد که چه میزان روشنگری در جامعه صورت گیرد و اطلاعات درست به دست آنها برسد.

جالب اینجاست که کاهش ساعت کاری زنان به بهانه بچه داری یا شیردهی زنان توجیه می شود. آیا به راستی هدف سیاستگذار این است که به حقوق زنان احترام بگذارد یا اینکه این سیاست ها در واقع شگردی است برای فرار از بحران های اقتصادی؟ چگونه می توان بین این نوع شگردها و حقوق زنان مرزی را قائل شد؟

هاله صفرزاده: در حقیقت مرز ظریفی وجود دارد و به این مسئله باز می گردد که چقدر فعالان حقوق کارگران و زنان هوشیارانه با این قضیه برخورد کنند و ماهیت سیستم سرمایه داری و شگردهای آنان را بشناسند. اینکه زنان ساعت شیردهی داشته باشند یا از امتیازاتي مثل مرخصي زايمان و مهد کودك و... برخوردار باشند. در طی مبارزاتي بدست آمده که از ابتداي شروع سرمايه داري انجام شده است. اما زمانی که به بهانه رسيدگي به فرزند و همسر طرح هاي اين چنيني ارائه مي شود. در ابتدا به نظر می رسد که حق و حقوق زنان تامین می شود. در حالی که بعد از مدتی می توان دید که در نتیجه اجراي اين طرح‌ها عملا زنان از عرصه کار کنار گذاشته می شوند. بعلاوه، به دليل بحران اقتصادی جامعه و بنگاه‌های اقتصادی، کارفرماها کارگران و کارمندانی را استخدام می کنند که مجبور نباشند سه تا شش ماه به آنها مرخصی زایمان یا ساعت شیردهی بدهند و همان دستمزد را بپردازند و کار کمتری دریافت کنند. یا به صورت غير انساني تري ، براي زنان و دختراني که استخدام مي کنند. اين شرط گذاشته مي شود که اگر کار مي خواهيد نبايد ازدواج کنيد يا بچه‌دار شويد. در عمل، به تدريج در رده بيکاران قرار مي‌گيرند گرچه به ظاهر زنان از حيطه کار کنار گذاشته نمی شوند. به اين ترتيب به آن ارتش ذخيره کاري افزوده مي شود که گفتيم سرمايه دار براي تامين سود بيشتر از طريق کاهش ميزان دستمزدها به آن نياز دارد. اين تضاد در جامعه هميشه جاري است.

اما، این مسائل را نمي توان اين گونه براي زنان توضيح داد. موضوع برايشان ملموس نیست. زندگی خودش برایش ملموس‌تر است. می گوید: «حرف هاي شما باعث مي شود زندگي من به هم بخورد. اگر من اصرار کنم که بيرون از منزل کار کنم ممکن است زندگي ام از هم بپاشد و همسرم اجازه ي کار کردن را به من ندهد چون باید مراقب بچه ها باشم. من مي خواهم کار کنم و درآمد داشته باشم و هم به فرزندانم برس». در نتيجه اعتمادي به اين گونه صحبت‌ها و بحث‌ها ايجاد نمي شود. بنابراین باید برای این مسئله، اطلاع رسانی هوشیارانه صورت گیرد که کار زیادی را می طلبد. این درهمه زمینه هایي است که به زندگي زنان برمي گردد و فقط در بحث اشتغال نیست. باید از مسایل ملموستر و عینی تر زندگی زنان آغاز کنیم. خیلی مواقع فعالین از جایگاه خود به مسائل نگاه می کنند و یا چیزهایي را مطرح می کنند که برای آنها قابل درک نیست. فکر می کنم یکی از دلایلی که باعث شده بین فعالین حقوق زنان و زنان زحمتکش پیوند خوبی برقرار نشود، همین باشد.

با توجه به اینکه بر اساس قانون کار، تفاوتی بین دستمزد زن و مرد وجود ندارد، به نظر شما چه عواملی باعث می شود که سطح دستمزدهای زنان پائین تر از مردان باشد؟

هاله صفرزاده: بر اساس قانون دستمزد زن و مرد برابر است. یعنی برای کار برابر، دستمزد برابر دارند. شاید بشود گفت که این یک ماده مترقی در قانون کار ما است که البته دستاورد مبارزات کارگران است. اما، عملاً دستمزدی که زنان دریافت می کنند، کمتر از مردان است. چراکه برخي از امتيازات مثل حق عائله مندي، حق مسکن، حق اولاد و... به زنان يا پرداخت نمي شود يا در حد مردان پرداخت نمي شود. و حتا همين يارانه هاي نقدي هم سهم مردان مي شود و نه زنان و کودکان. يعني مي توان گفت اين قانون اجرا نمی شود يا با آن تبصره ها و بخش نامه هاي ديگر عملاً خنثي مي شود.

همانطوری که مي بينيم در شرايط امروز درآمد خيلی از مردان نيز از حداقل دستمزد تعيين شده پائين تر است؛ اما متاسفانه دستمزد زنان خيلی پائين تر از حد اعلام شده است. بسياري از مردان مجبورند دو يا سه شيفت کار کنند. مثل پرستاران يا کارگران خدماتي بيمارستانها، اما زنان چون بچه دارند و کار خانگی نيز وظيفه آنهاست، نمي توانند اضافه کاری کنند يا دو شيفت يا سه شيفت کار کنند. در نتيجه دريافتی مردان بيشتر از زنان می شود. نقش شرکت هاي پيمانکاري را نيز در پايين بودن دستمزدها نبايد ناديده گرفت. آنان نيز بخشي از دستمزد کارگران را مي بلعند. تامين نيرو براي واحدهاي توليدي و خدماتي از طريق اين شرکت ها در سالهاي اخير در تمام دنيا بسيار رايج شده است. اين هم يکي ديگر از شگردهاي سرمايه داران است براي افزايش ميزان سود. به بقيه موارد هم که در بالا اشاره شد.

برخی اينطور تصور می کنند که چون شرايط اقتصادی وخيم است، خيلی از کارفرماها توان پرداخت دستمزد کافی به زنان را ندارند. چنين نگرشی در ميان زنان کارگر باعث شده که آنها احساس همدردی با کارفرما داشته باشند. بعلاوه نگران از دست دادن کار و بيکاری نيز هستند. در نتيجه نسبت به دستمزد پائين خود اعتراضی نمی کنند. پاسخ شما به چنين تصوری چيست؟

هاله صفرزاده: درست است که وضعيت اقتصادی وخيم است، اما کارفرما با تحميل حقوق کمتر به کارگران نمي گذارد

که سودش کمتر شود. در نتیجه مساله براي کارفرما عدم توانايي در پرداخت دستمزد نیست، بلکه ثابت نگه داشتن نرخ سودش است. در واقع، کارفرما چنین تصویری را با حقه بازی به ذهن کارگر القاء می کند. متاسفانه پرداخت کم یا عدم پرداخت دستمزد به یک عرف تبدیل شده است، و تاسف آورتر اینکه بسیاری از زنان راضی می شوند که با دستمزدهای خیلی پائین، مثلاً حدود ۱۰۰ تا ۱۵۰ هزار تومان در ماه، کارهایی را انجام دهند که مستلزم حداقل دستمزد، یعنی ۳۰۰ هزار تومان است. هرچند که این حداقل حقوق تعیین شده هم به هیچ وجه براي تامین يك زندگي انساني كفايت نمي كند. البته برخي از كارفرماها از طرق ديگر هم اين دستمزدها را كاهش مي دهند. يكي از اين روش‌ها آزمايشي كار كردن است كه در واحدهاي خدماتي و شركت هاي خصوصي شايع است. نيروي متقاضي كار در ابتدا بايد بطور آزمايشي مشغول به كار شود كه دوره يك تا سه ماه است. به بهانه كارآموزي در اين مدت يا دستمزدي پرداخت نمي شود يا مبلغ بسيار اندكي داده مي شود. بعد از طي اين دوره هم به راحتي مي گويند از كار شما راضي نبوديم و فرد ديگري به كار گرفته مي شود. تازه اگر هم استخدام شود بعد از يك سال در واقع وي دستمزد ۹ ماه خود را گرفته است و زنان بيشتر قرباني اين روش هستند. اگر سري به دفاتر خدمات هوايي بزنيم به راحتي مي توانيم اين شيوه كار را ببينيم.

به نظر شما چطور می توان با سیاست هایی که خانه نشینی زنان را تبلیغ می کند، مقابله کرد؟ نقش فعالان حقوق زنان در این رابطه چه می تواند باشد؟ در یک کلام، چطور می توان برای تغییر این سیاست ها، اقدامی جمعی ترتیب داد؟

هاله صفرزاده: با توجه به شرایط کنونی جامعه ما، متاسفانه ارتباط خوبی مانند چند سال قبل بین زنان و فعالین اجتماعی و همچنین کارگران و فعالین کارگری وجود ندارد و روز به روز هم محدودتر می شود و می خواهند این ارتباط را قطع کنند. زیرا می دانند آگاهی است که سبب ایجاد حرکت می شود و می خواهند جلو این آگاهی را بگیرند. من معتقد نیستم که فعالین اجتماعی می توانند حرکت اجتماعی را بوجود آورند. آنها نمی توانند خواسته هایشان را به مردم تحمیل کنند، تنها مي توانند آگاهي را به ميان آنان ببرند.

مهم ترين مساله اين است كه زنان بتوانند تشكل هاي خود را بوجود آورند و دسته جمعي از منافع خود دفاع كنند. متاسفانه جاي تشكل‌هاي صنفي و اجتماعي زنان خالي است. پرستارها و معلمین، قشرهایی هستند که سابقه تشکل را داشته اند، اما در يك كار تحقيقي كه بر روي پرستاران انجام شده، دیدم که هیچ یا چندان تمایلی به تشکل در آنها وجود ندارد. خیلی از پرستاران تصوری از فعالیت متشکل و هماهنگ با یکدیگر ندارند. اولاً تجربه تشکل‌های قبلی اصلاً به آنها منتقل نشده است. در یک دوره پرستاران تشکل های خوبی داشتند. آنهايي هم كه تشكل‌هاي موجود را مي شناسند، ديد خوبي از آنها ندارند. چرا؟ چون تشكل هاي موجود دولتی هستند و عملکرد بدی داشته اند. آنها اظهار می کردند که از آنها حق عضویت گرفته می شود و کاری برای آنها انجام نمی شد و در صورت ایجاد مشکل هم، آنها طرف مدیریت بیمارستان را می گیرند. وقتی دید منفی نسبت به تشکل ها وجود دارد، چگونه می توان پرستاران را تشکل پذیر کرد؟ این تازه در رابطه با قشر آگاه و تحصیل کرده است. در قشرهای پایین تر مانند زنان خانه دار چگونه می توان آنها را متشکل کرد و یا زنانی که در کارخانه هایی کار می کنند که قراردادهای هفتگی و ماهیانه دارند. عملا این قراردادها مانع بزرگی برای تشکل یابی است و این محدود به زنان نیز نمی شود. یعنی شگردهایی که استفاده شده تا مانع تشکل یابی شود بسیار حساب شده است که کار را دشوار مي كند. اين كار فوق العاده دشواري است گرچه نشدني نيست. راه و روش و ابتكار و همت مي خواهد.

با توجه به تجربه های موفق تشکل های گذشته، آیا می توان راهی را یافت تا از آن تجربه ها استفاده کرد؟

هاله صفرزاده: بهترین دوران تشکل های کارگری زنان در جامعه ما بین سالهای پنجاه و هفت تا شصت بود. در این دوران، تشکل های زیادی بوجود آمد ولی به واسطه حوادث دهه شصت تمام تجربیات آنها از بین رفت. متاسفانه، افرادی که از آن دوران به جای مانده اند اندک هستند و این دستیابی به آن تجربیات را سخت می کند و کار زیادی را می طلبد. شاید بتوان این را زمینه فعالیت مشترک فعالین کارگری و زنان دانست. در آن دوران زنان در بعد وسیعی به فعالیت های اجتماعی کشیده شده بودند و خواسته هایشان را از طریق تشکل های محلی و صنفي و... که ایجاد کرده بودند مطرح مي كردند.

ولی شنیده ایم که برخی سازمان های مطرح چپ در اوایل انقلاب همراهی چندانی با خواسته های زنان نداشتند. مثلاً در جریان برگزاری تظاهرات هشتم مارس سال ۵۷، اکثر سازمان های چپ مطالبات زنان را انحرافی ارزیابی کردند، و معتقد بودند که مبارزه با امپریالیسم باید محور اصلی باشد و سایر خواسته ها حاشیه ای و انحرافی است. در مورد شاخه های زنان سازمان های چپ نیز این نقد وجود دارد که این شاخه ها از استقلال کافی برخوردار نبودند. نظر شما در مورد این انتقادات چیست؟



هاله صفرزاده: مي گوييد «اكثر سازمان هاي چپ»؟ براي اين حرف خود چه مستنداتي داريد؟ اين حرف شما درست نيست و با واقعيت بيانيه ها و مواضع آنها نمي خواند. البته در مواردي سرسري گرفتن موضوع متاسفانه وجود داشت. اگر مي خواهيم يك مساله تاريخي را بررسي كنيم بايد اين كار را دقيق انجام دهيم. از دو جنبه مساله را باز مي كنم.

اولاً، در ميان هر گروه از فعالان اجتماعي گرايشات فكري متفاوتي وجود دارد كه هر كدام بر مبناي آن، مسايل را به گونه اي خاص تحليل مي كنند و راهكارهاي متفاوتي هم براي فعاليت هايشان انتخاب مي كنند. نمي توان راهكارها و نظرات يك گرايش فكري را به تمام گرايشات فكري ديگر تسري داد. آيا مي توان گفت تمام فمنيست ها معتقدند كه مردان دشمن اصلي زنان هستند و...؟ مسلما نه.

ثانياً، براي بررسي يك پديده تاريخي بايد آن را در شرايط همان زمان بررسي كرد. اينكه من از اين جايگاهي كه الان در آن هستم و شرايطي را كه پشت سر گذاشته ام كه سبب شده تجربياتي داشته باشم، بيايم و آن را مورد نقد قرار دهم، غير علمي است. من ابتدا بايد شرايط كلي جامعه آن روز را بررسي كنم و بعد مثلاً موضوعي مثل تظاهرات زنان عليه حجاب اجباري را در ظرف تاريخي خودش ببينم و ارزيابي كنم.

خب حالا با در نظر گرفتن اين دو جنبه به خود موضوع بپردازيم. بسياري از گروه ها و سازمان هاي سياسي چپ با پوشش اجباري براي زنان مخالف بودند و مخالفت خود را در بيانيه ها، نوشته ها و... به روشني عنوان مي كردند. بسياري از اينها در تظاهرات عليه حجاب شركت داشتند و حتا كتك هم خوردند. اما گروه هايي هم بودند كه در مورد اين تظاهرات از عنوان: «زنان بورژوا به ميدان مي آيند» يا عنواني شبيه به آن استفاده كردند. آنان با مقايسه اين اعتراضات با تظاهرات زنان بورژوا عليه دولت آلنده در شيلي و با اين تحليل كه در شرايطي كه امپرياليسم براي كشور ما دندان تيز كرده، نبايد اين گونه عمل كرد، اين اعتراضات را محكوم مي كردند. اين سياستشان تنها به مسايل زنان محدود نمي شد، حتا مي توان گفت در ساير زمينه ها افراطي تر هم عمل مي كردند.

جالب است بدانيم كه يكي از مطرح ترين زنان عضو يك حزب با چنين گرايش فكري در مراسم ۸ مارس ۵۷ با حجاب شركت كرد. ولي اين تفكر غالب نبود.

در مورد عدم استقلال شاخه هاى زنان سازمان هاى چپ نيز نمي توان حكم كلي صادركرد. بر خلاف نظر شما اين گروه ها نسبت به مسايل زنان توجه داشتند و همراهي زيادي با خواسته هاي زنان داشتند. البته با توجه به شرايط آن روز. اما بايد دانست همراهي را شما چگونه معنا مي كنيد؟ زنان بسياري دوشادوش مردان براي تغيير جامعه شان وارد عمل مستقيم شده بودند. زنان در محلات، محل هاي كار، مدارس و دانشگاه ها مشغول بودند. خواسته هاي اجتماعي، اقتصادي، فرهنگي، سياسي، جنسيتي و... همه و همه مطرح بودند. سال‌ها خفقان قبل از اين دوره آزادي، سبب شده بود كه اين خواست ها فوران كند. اما اين دوره آنقدر كوتاه بود كه جلوي اين فوران قبل از آنكه به تعادل برسد، گرفته شد و خب...

موجي بزرگ جامعه ايران را به هم ريخته بود و براي آگاهي ازاين كه بخش هاي زنان اين سازمان ها چگونه عمل مي كردند و غيره مي توان به نشريات و آثار باقي مانده از آن دوره مراجعه كرد. البته اين به اين مفهوم نيست كه همه عملكردهاي آنان مورد تاييد باشد و يا هيچ نقدي به آن وارد نباشد. اما اين غيرمنصفانه است كه بدون تحقيق كافي و بدون در نظر گرفتن شرايط آن روز، اين گونه و به شكل كلي حكمي اين چنيني صادر كرد. مخصوصاً كه بسياري از فعالان آن دوران ديگر امروز در ميان ما نيستند. با اين مستندات و اطلاعات كمي كه الان از آن دوره داريم نمي توان به راحتي حكم صادر كرد.

گاهي به نظر مي آيد عمدي در كار است تا نسل جديد از آن دوره، تنها با چنين حكم هاي كلي غلط آشنا شوند. بهتر است به جاي اين كه راجع به تعداد دندان هاي اسب بحث كنيم دهان اسب را باز كرده و دندان هايش را بشماريم، آن هم بدون پيشداوري.

تقريبا از ابتدای دهه ۱۳۸۰، فعاليت تشكل های كارگری در ايران مجدداً احياء شده است. با اين وجود، تشكل های موجود اكثراً مردانه هستند و اگر هم محدوديت نداشته باشند اعضاء به هر حال مرد هستند. نگاه اين تشكل ها را نسبت به مسائل زنان را چگونه می بينيد؟

هاله صفرزاده: معدود تشكل‌هاي مستقل موجود مردانه هستند. زيرا اين تشكل ها در كارخانه هايی بوجود آمده كه مردان كار می كنند و كارگر زنی وجود ندارد كه در اين تشكل ها عضو شود. با اين حال، در برخی تشكل ها خانواده ها و يا همسران كارگران در امور مشاركت دارند. در كارخانه هايی كه زنان كار می كنند، تعداد كارگران زن كاهش يافته است. در كارخانه هاي توليد مواد بهداشتي كه تعداد كارگران زن بسياري دارند، اكثر قراردادها سه ماهه است و حتا كمتر، آخر

قرارداد هم چیزي به عنوان حق سنوات کارگران پرداخت می شود و تسویه حساب مي گیرند و دوباره قرارداد نوشته می شود. اگر اعتراضی صورت بگیرد دیگر قرارداد جدید تنظیم نمی شود. درکارگاه های تولیدی لباس هم حدوداً به همین شکل عمل مي شود. متاسفانه دربارهٔ کارخانه های دیگر که زنان در آنها کار می کنند اطلاعات زیادی در دسترس نیست، زیرا این کارخانه ها اجازه ارتباط با کارگران را نمی دهند. تا زمانی‌که در محیط های کار و زندگی ارتباط تنگاتنگی با زنان کارگر برقرار نشود، نه می توان آگاهی را به آنها منتقل کرد و نه در تشکل یابی آنها تاثیر گذار بود.

نگرش فعالین کارگری نسبت به مسائل زنان چگونه است؟

هاله صفرزاده: تا آنجا که من مطالعه و شناخت دارم فعالان کارگري «کور جنس» نیستند و مسائل زنان، بخصوص زنان کارگر را نادیده نمي گیرند. فعالان کارگری این دید را دارند که زنان بخشی از نیروی کار هستند و طبیعتاً هر تلاشی برای آزادی طبقه کارگر انجام شود، برای زنان نیز موثر خواهد بود و نمی توان آنها را تفکیک کرد. اما فکر می کنم بعضی از فعالین زنان خیلی مکانیکی به قضیه نگاه می کنند. یک گزارش درباره تظاهرات جی۸ در آلمان می خواندم که در آن نوشته شده بود تشکل های زنان در این تظاهرات توانستند خواسته های خود را مطرح کنند و با شعار «آزادی سقط جنین» چهل هزار زن را به آن تجمع بیاورند. برای من این گونه طرح مسایل تا حد زيادي ناملموس است. مثلاً، اگر قرار باشد یک حرکت کارگری شکل بگیرد و یک خواسته ای داشته باشد مانند حق ایجاد تشکل یا افزایش دستمزد، و از طرف دیگر این خواسته ها در محیط های کاملاً مردانه مطرح شود، ما چطور می خواهیم خواسته های زنان را در اینجا بگنجانیم؟ مثلاً اگر حق طلاق زنان را مطرح کنیم برای کارگران آنجا، در آن شرایط قابل درک و ملموس خواهد بود؟

پس باید هوشیارانه مطالباتي را در مورد زنان مطرح کرد که براي آنان نیز ملموس باشد. به عنوان مثال ایجاد شغل به اندازه کافي، تا برای همه کار وجود داشته باشد و فرصت های برابر شغلي برای زنان و مردان به وجود آید (که در غیر این صورت نمی‌توان از برابری مرد و زن صحبت کرد)، مي تواند یکي از این خواسته ها باشد. یا خواسته «حقوق و دستمزد برابر براي کار برابر»، براي مرد کارگر هم ملموس است. چرا که اگر زنش حق عائله مندي و حق اولاد را دریافت کند در واقع خانواده و فرزندانش از این مساله متنفع مي‌شوند وشرایط زندگي شان بهتر مي شود. پس از این خواسته حمایت خواهند کرد. و یا مواردي از این قبیل.

البته، همانطور که گفتم تفکر مردسالارانه در بخش هایي از جنبش کارگری وجود دارد - کما اینکه به نظر من چنین تفکری حتی در بین برخي از فعالان زن نیز وجود دارد - چراکه ریشه های بسیارعمیقي در جامعه ما دارد و کارگران هم از این امر مستثنا نیستند. اما باید تلاش کرد تا چنین تفکری را تغییر داد. همان گونه که تفکر اولویت دادن نا به جا و غیر اساسي به مسایل زنان نیز وجود دارد.



همان طور که گفتم فعالان این جنبش به مسائل زنان حساس هستند. برای آنان آزادی طبقه کارگر بدون آزادی زنان معنا ندارد. اما باید توجه داشت که این اعتقاد نباید به صورت شعاری و ویترینی مطرح شود. بلکه باید در جریان عمل مورد توجه قرار گیرد. در برخی موارد مشکلات معیشتی به قدری جدي می شود که خواسته های جنسیتی دیگر اولویت ندارد. مثلاً نمی توان برای زنی که نیاز به سرپناه دارد، در مورد حق طلاق صحبت کرد. چنین زنی حاضر می شود که به خاطر نیازهای اولیه اش، از خیلی حقوق دیگرش بگذرد. مثلاً برای چنین زنی، دو زنه بودن شوهرش آنقدر مهم نیست که داشتن سرپناه و نیازهای معیشتی اش اهمیت دارد. خب، من چطور می توانم خواسته حق طلاق را به چنین زنی بقبولانم؟ در واقع، چنین زنانی خیلی مسائل مهمتری دارند که با خواسته های فعالان زنان فاصله دارد. در واقع، تاکید من به خواسته های ملموس تر و ضروری تر است. منظورم این نیست که حق طلاق مهم نیست، بلکه بحث بر سر خواسته ضروری تر، در زمان مشخص و براي اقشار مشخص زنان است.

مبنای اولویت بندی و تعیین اهمیت خواسته های مبارزاتی از نظر شما چیست؟ به عبارت دیگر، بر چه اساسی استدلال می کنید که مثلاً نیازهای معیشتی مهمتر از نیاز به امنیت در خانه است؟ آیا به خطر افتادن جان زنان در اثر خشونت خانوادگی به اندازه مسائل معیشتی اهمیت ندارد؟

هاله صفرزاده: اتفاقاً بحث خشونت علیه زنان بحثي است که ازاولویت برخوردار است، آن هم براي تقریباً همه اقشار زنان. خب معلوم است که زن باید اول بتواند زنده و سالم بماند و بعد بقیه چیزها. جامعه الان ما، جامعه ۱۵۰ سال پیش نیست. امروزه به قدری مسائل در هم تنیده است که به راحتی نمی توان مسائل فرهنگی را از اقتصادی، اجتماعي، سیاسي تفکیک کرد. البته، زیربنا و منشا تمام این تبعیضات تامین سود و نفعي است که اقشار فرادست جامعه مي برند، بخصوص بخش مردانه آن. بر همین اساس، حرفم این نیست که فلان خواسته از خواسته دیگر مهمتر است، بلکه اعتقاد دارم که برای اقشار مختلف، در زمان های مختلف، اولویت

ها فرق می کند. یعنی خواسته برابری جنسیتی، حق همه زنان است، اما ستم چندگانه ای که بر زنان کارگر می رود، باعث می شود که نتوان به راحتی اولویت خواسته های او را مشخص کرد. ما نمی توانیم اولویت زنان را از بیرون مشخص کنیم. باید از زبان خود آنها بشنویم که خواسته شان چیست. برای یک زن فقیر خانواده روستایی که اصلاً جزء حق حقوق خود نمی داند که طلب دستمزد بکند، علیرغم کار زیادی که انجام می دهد، چطور می توان خواسته ای را مطرح کرد که مثلاً زنان کارمند شهرنشین دارند؟ ابتدا باید با زندگي او ارتباط برقرار کنیم، خواسته های ملموس او را بشناسیم و بعد از طرح آنها، به تدریج خواسته هاي دیگر را هم مطرح کرد. اگر با خواسته های ملموس زنان فرودست ارتباط برقرار نکنیم، بخش عظیمی از زنان ما کنار گذاشته می شوند. اگر فقط زبان بخش محدودی از زنان را بفهمیم، مثلاً زنان طبقات متوسط به بالا، فعالیت ما هم صرفاً محدود به آنها می شود. پس منظورم این نیست که خواسته برابری حقوق مدني، مثل حق طلاق، حضانت و... خواسته زنان کارگر نیست و نباید مطرح کرد. مسلماً بسیاري از قوانین مدني موجود به ضرر زنان است. اما باید بدانیم برای چه زنانی، چه خواسته‌هایي را چگونه طرح بکنیم. باید ابتدا از خواسته های ملموس شروع کنیم و بعد به تدریج خواسته های دیگر را پله به پله مطرح کنیم.

در انتها می خواستیم در مورد دلایلی که باعث فاصله بین جنبش ها شده بپرسیم؟ فکر می کنید برای اینکه مثلاً جنبش زنان و جنبش کارگری بتوانند به هم نزدیکتر شوند، لازم است تا چه موانعی مرتفع شود؟

هاله صفرزاده: متاسفانه خیلي مسائل باعث می شود که این فاصله ها ایجاد شود. یکي اینکه نولیبرالیسم حاکم و غیر حاکم نمي خواهد و به نفعش نیست که بین جنبش هاي مختلف نزدیکي بوجود آید. زیرا در این صورت اساس نظام سرمایه داري به خطر مي افتد. به همین دلیل به طرق مختلف سعي مي کند که از آن جلوگیري کند. از طرح مسایل غیر واقعي گرفته تا طرح خواسته هاي انحرافي، توسط نهادهاي وابسته به خودش، آن هم در هیات سازمان ها وتشکل هاي زنان، کارگران و... که به ظاهر مستقلند ولي در اصل بسیار وابسته. ممکن است این وابستگي تنها وابستگي نظري و ایدئولوژیك باشد.

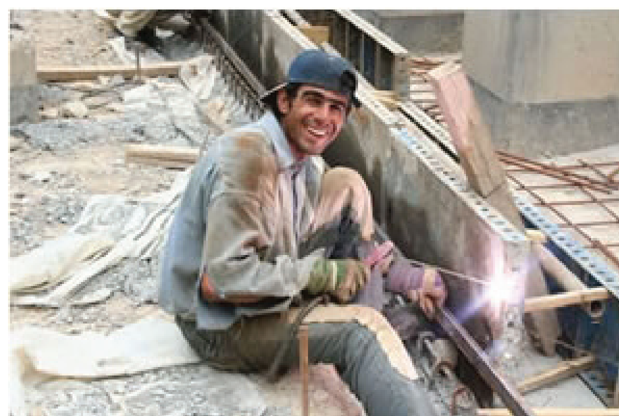
مي بینید، مساله بسیار پیچیده است و نیاز به هوشیاري و آگاهي بسیار زیاد دارد. نمونه هاي بسیاري را مي توان در سراسر دنیا دید. به یکي از نمونه هایش اشاره مي کنم. جایزه «شجاعت» به یکي از خانم هاي وکیل ایراني داده مي شود. در برنامه ای که از صدای امریکا پخش شد، هنگامي که خانم کلینتون اعلام کرد که جایزه شجاعت به خاطر فلان و بهمان دلیل به ایشان داده می شود، خانم کاندولیزا رایس هم در کنارش ایستاده بود. در انتها هم اعلام شد که این خانم جایزه‌اش را به زن جواني تقدیم کرده که در زندان است. به نظرم، چنین اتفاق هایی نشان‌دهنده آن است که خیلی از مسائل در حال مخلوط شدن اند، یعنی خط و مرزها با چنین شانتاژهای رسانه ای در حال مخدوش شدن است. در واقع، در زیر این سر و صداها و تبلیغات رسانه ای، مبارزه آن زن زنداني اصلاً گم می شود، یا حتی به نفع یک سیاست و ایدئولوژی خاص مصادره می شود. باید پرسید، آیا اصلاً این خانم زنداني موافق بوده جایزه ای که رایس و کلینتون مي دهند، به او اهدا شود؟ به نظرم، در این خصوص خیلی ضرورت داشت و دارد که فعالین زنان موضع‌گیری کنند. آیا جایزه خانم رایسی که در جریان حمله امریکا به عراق زمینه ساز فجایع بسیاري علیه زنان و دختران عراقی بوده، شایسته است که به زنان ایرانی اعطاء شود؟ باید موضع خودمان را مشخص کنیم و خط و مرزهای اولیه را حفظ کنیم. در غیر این صورت تحت «گفتمان» آنها قرار می گیریم. اتفاقاً این مدت اخیر خیلی سعی می شود که با دادن جایزه و دعوت به سخنرانی و... فعالان مدنی در ایران را جذب «گفتمان» خودشان کنند. نتیجه این شود که فعالیت ها به سمت رسانه ای شدن و تبلیغاتی شدن سوق پیدا می کند. یعنی تنها در سطح باقی می ماند، اما در عمل توخالی است و به نفع خودشان. البته، این صرفاً مشکل زنان نیست، فعالان حقوق کودک، و همچنین فعالان کارگری هم با این مشکل مواجه هستند. در نتیجه، با وجود تمام تلاش هایی که صورت می گیرد، هیچ تغییری اتفاق نمی افتد و همچنان در حال درجا زدن هستیم. به نظرم باید از رسانه ای شدن و تبلیغاتي عمل کردن فاصله بگیریم و تلاش کنیم که بیشتر کار واقعي کنیم.

خیلی ممنون خانم صفرزاده، با تشکر از وقتی که در اختیار ما قرار دادید.

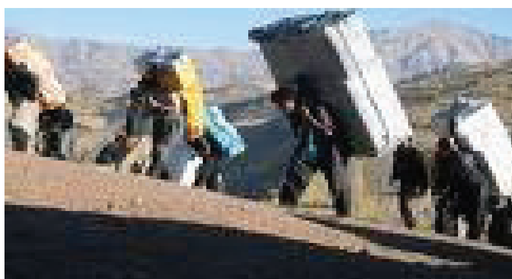
تا قانون خانواده برابر ـ ۱۴ اسفند ۱۳۸۹

کـردسـتان در یك نگـاه

استان کردستان علیرغم برخورداري از ظرفیت هاي قابل توجه انساني و برخورداري از منابع غني به ویژه در زمینه هاي کشاورزي و مواد معدني دستکم طي نیم قرن گذشته از لحاظ توسعه صنعتي در میان ۳۰ استان کشور، همواره در رده هاي آخر قرار داشته و جزو فقیرترین و توسعه نیافته ترین استانهاي کشور به شمار رفته است.
بدوت شك دلایل متعددي را مي توان براي این عدم توسعه نیافتگي برشمرد که از مهمترین آنها مي توان به عدم تمایل رژیم هاي پهلوي و جمهوري اسلامي به سرمایه گذاري در این استان،نبود سرمایه کافي در دست سرمایه داران بومي، پایین



بودن سطح مهارت و سواد نیروي انساني استان،ضعف شبکه ارتباطات جاده اي و ناامني اشاره کرد.
آشکار است که آسیب اصلي و جدي این توسعه نیافتگي در درجه اول متوجه کارگران و زحمتکشان کردستان بوده و از این رهگذر فقر و فلاکت کم مانند ي را متحمل شده و مي شوند.
در حال حاضر در کل استان کردستان، با جمعیتي بالغ بر ۱/۵۰۰/۰۰۰ نفر جمعیت تنها ۱۹۰ کارگاه تولیدي- صنعتي فعال وجود دارند که از این تعداد ۱۴۷ کارگاه داراي ۱۰ تا ۴۹ نفرکارگر، ۸کارگاه بیش از ۵۰ نفر و تنها ٦ کارگاه داراي صد نفر کارگر و بیشتر هستند ، که این مقدار کارگر کمتر از ۲ درصد نیروي کار فعال استان را شامل مي گردد.
به عبارتي دیگر اکثریت کارگران و زحمتکشان در کارگاه هاي کوچك زیر ۱۰ نفر و بخش هاي ساختمان و خدمات مشغول کارند که حتي مشمول اندك مزایاي ناشي از قانون کار و قانون تامین اجتماعي نیز نمي شوند و سرمایه داران و کارفرمایان نیروي کار آنان را بدون هیچ نظارتي به ارزان ترین بها خریداري مي کنند.
با این وصف همانگونه که اشاره گردید، زیرساخت هاي اقتصادي استان و فرصت هاي شغلي موجود، هرگز جوابگوي نیروي کار فراوان این استان نبوده و به همین دلیل دستکم از سالهاي دهه چهل شمسي به این سو، استان کردستان همواره یکي از استانهاي تامین کننده نیروي کار بخش هاي ساختمان و خدمات شهرهاي بزرگ ایران، به ویژه تهران بوده است.
این کارگران، که اغلب بي سواد و ناآگاه به حقوق قانوني خود بوده و هستند، در تهران و شهرهاي بزرگ در مقابل سرپناهي براي ماندن و اندك دستمزدي ناچار از فروش نیروي کار خود بوده و بدون هیچ توقعي انجام سخت ترین کارها را برعهده مي گیرند تا به این وسیله اندك پولي فراهم نموده و با آن هزینه سنگین زندگي خود و خانواده هایشان را تامین کنند.
این در حالي است که همواره بخش قابل توجهي از کارگران و زحمتکشان کرد، که به هر دلیل امکان مهاجرت به شهرهاي دیگر را نمي یابند، در سطح شهرهاي کردستان نیروي کار سازنده خود را در مشاغل کاذب به هدر مي دهند و با اندك درآمد ناشي از کارهایي از قبیل دست فروشي و کولبه ري در مرزها لقمه ناني به سر سفره خانواده هایشان مي آورند.
این دسته از کارگران و زحمتکشان نیز از هیچگونه حمایت قانوني برخوردار نیستند و هیچ آینده روشني را براي خود و خانواده هایشان تصور نمي کنند.
در این میان به ویژه کارگران و زحمتکشان مرزنشین، که درصد بالایي از آنان به ناچار از راه حمل بار قاچاق به «کولبه ري» روي آورده اند، حتي از تامین جاني نیز برخوردار نیستند و روزي نیست که تعدادي از آنانه آماج گلوله هاي نیروي انتظامي قرار نگیرند و کشته یا زخمي نشوند و خانواده هایشان براي همیشه یا موقتا از «نان آور» محروم نگردند.



کولبران مرزنشین را مي توان جزو بي آینده ترین زحمتکشان کردستان به شمار آورد و به اصطلاح شغل آنان را پرمخاطره ترین «شغل» قلمداد نمود.
جادارد اشاره کنیم که علیرغم همه ي اینها، هنوز نیز

میزان بیکاري در کردستان از میانگین آن در سطح ایران، بسیار بالاتر است و بخش قابل توجهي از نیروي کار این استان هرگز موفق به یافتن بازاري براي فروش نیروي کار ارزان خود نمي گردند که این مسئله به میزان فقر و فلاکت عمومي افزوده است. زیرا در چنین شرایطي بار تکفل و تامین معیشت تعداد بیشتري از افراد بر دوش یك فرد شاغل مي افتد و دستمزد اندك او بایستي بتواند «قوت لایموت» چندین نفر را تامین کند که این خود بر میزان فقر و فلاکت خانوده ها افزوده است.



این وضع تاسف بار در حالي جریان دارد که دولت کوتاچي احمدي نژاد، علیرغم شعارهاي عوام فریبانه اش مبني بر «عدالت گستري» و رفع تبعیض از مناطق مختلف ایران، بجاي سرمایه گذاري در حوزه توسعه اقتصادي کردستان و انجام اقدامات فوري به منظور اشتغال زایي، هر روز نیروهاي مسلح بیشتري را به کردستان گسیل میدارد و در راه هرچه میلیتاریزه تر کردن و امنیتي تر کردن فضاي کردستان از هیچ کوششي فروگذاري نمي کند.
اقداماتي که بنوبه خود نقش منفي و بازدارنده اي در راه سرمایه گذاري بخش خصوصي بومي استان داشته و عملا اندك سرمایه بخش خصوصي بومي کردستان را به استان هاي دیگر هدایت نموده و مي نماید.
دولت کودتا به این هم بسنده نکرده با حاکم کردن جو ارعاب و سرکوب بخش بزرگي از نیروهاي تحصیل کرده و متخصص استان را ناچار از مهاجرت به خارج از کشور و استان هاي مرکزي ایران نموده و کردستان را هرچه بیشتر از توان و تخصص این نیروها، محروم نموده است.
در چنین شرایطي طبیعي است که نمي توان انتظار هیچ گونه پیشرفت و توسعه اي را داشت و تا زماني که دولت کودتاچي احمدي نژاد و رژیم ضد بشري جمهوري اسلامي بر سر کار هستند، توسعه اقتصادي- اجتماعي کردستان و بهبود شرایط زندگي کارگران و زحمتکشان کرد ناممکن مي نماید.

سرکوب مردم عرب خوزستان محکوم است!

خبر سرکوب خونین تظاهرات مسالمت آمیز مردم عرب ایران در خوزستان، در هفته گذشته، اعتراض همگانی نیروهای مترقی جهان و همچنین سازمان های حقوق بشر و عفو بین الملل را برانگیخت. رژیم ولایت فقیه و بازوی مسلح آن (سپاه پاسداران)، در هفته ای که گذشت، با یورش به مردم بی دفاع در مناطق عرب نشین اهواز و حمیدیه، ضمن کشتار کسانی که برای بزرگداشت سالگرد قیام ۲۵ فروردین ۱۳۸۴ (۱۵ آوریل) قصد انجام تظاهرات مسالمت آمیز داشتند، بیش از دویست نفر از فعالان فرهنگی ـ مدنی این مناطق را دستگیر کردند. تعداد کشته ها طبق آمار ارائه شده از طرف خانم شیرین عبادی، برنده جایزه صلح نوبل، ۱۲ نفر و مجروحان نیز ده ها نفر بوده اند.

قیام مردم عرب خوزستان در سال ۱۳۸۴، بر ضد سیاست تغییر ساختار دموگرافی مردم منطقه، از طریق تهجیر مردم بومی (عرب ها) و جایگزینی آنان با غیر بومیان از سایر مناطق از طریق احداث شهرک های تازه تاسیس، غارت حاصلخیزترین زمین های کشاورزی و واگذاری آن ها به شرکت های تعاونی وابسته به سپاه پاسداران (تعاونی های ایثار گران) و منطقه آزاد اروند بر پاشد. خیزش خودجوش مردم عرب خوزستان در آن سال، که به سرعت کلیه شهرها و مناطق عرب نشین را در بر گرفت، با سرکوب خشن و عریان رژیم ارتجاعی ولایت فقیه رو به رو گردید. در نتیجه این سرکوب، ده ها تن به خون درغلتیدند و به شهادت رسیدند، ده ها نفر مجروح شدند، و صدها نفر از میان جوانان این خطه اسیر گردیدند، و پس از آن نوبت به اعدام های بدون محاکمه و دسته جمعی رسید. قساوت رژیم به حدی بود که تا چند روز پس از آن اجساد برخی قربانیان از رودخانه ها گرفته می شد. به دار آویختن ده ها جوان عرب در ملا عام در سال های اخیر (فقط در سال ۱۳۸۹، ۳۸ نفر در اهواز به دار آویخته شدند) که هدف آن زهر چشم گرفتن از توده ها، و ایجاد تشتت میان زحمتکشان و ستمدیدگان عرب و غیر عرب ساکن منطقه با دامن زدن به جنگ جعلی ''عرب و عجم'' است، شاید چند صباحی به عمر رژیم جنایت پیشه بیفزاید، اما قادر نخواهد بود به اتحاد مستحکم خلق های تحت ستم با همدیگر و با جنبش کارگران و زحمتکشان خلل وارد کند. ما در چند روز اخیر، اعتصاب پیروزمند کارگران پتروشیمی در بندر امام را که با وحدت و یکپارچگی رژیم را وادار به عقب نشینی در مقابل خواسته های به حق خود کرده بودند، شاهد بودیم.

رژیم ولایت فقیه در سال های اخیر هر گونه حرکت اعتراضی، حتی به صورت فرهنگی، را از جانب عرب های ایران با خشونت پاسخ گفته و با اتهام تجزیه طلبی و وابستگی به بیگانگان به شنیع ترین شیوه ها سر کوب کرده است. همان گونه که رهبران جنبش ها و سازمان های سیاسی سراسری و سایر ملیت های تحت ستم ایرانی، اعم از کرد، ترک، بلوچ و ترکمن، را با اتهام های مشابه به زندان افکنده و یا اعدام کرده است. رهبران جنبش های دانشجویی، کارگری، زنان و روزنامه نگاران از جمله مبارزانی اند که درفش نظام ارتجاعی حاکم بر میهنمان گلوی آنان را هدف قرار داده تا فریاد آزادی خواهی و دموکراسی طلبی از آن در نیاید.

نگاهی آماری به وضعیت مردم عرب خوزستان، که همانند سایر ملیت های ساکن ایران از ستمی مضاعف رنج می برند و هویت ملی، فرهنگی و زبانی آن ها قریب به یک قرن است که از طرف هر دو رژیم ارتجاعی پهلوی و ولایت فقیه در معرض نابودی قراردارد، زمینه ها و ابعاد جنبش مردم این مناطق را روشن تر آشکار می کند.

طبق آمار رسمی اعلام شده از سوی رژیم، در طی ۸ سال جنگ ایران و عراق، از بین مردم عرب ۱۲۰۰۰ نفر به شهادت رسیده اند. علاوه بر این، بیش از ۵۰۰۰۰ نفر شهروند عرب، بر اثر برپایی منطقه امنیتی یی به مساحت ۵ هزار کیلومتر مربع در امتداد شط العرب، آواره شده اند. پس از پیروزی انقلاب ۱۳۵۷ تاکنون ۲۰۰۰۰۰هکتار از اراضی زراعی مردم مصادره و به پروژه نیشکر زیر نظر دولت واگذار گردید. بیش از ۴۷۰۰۰ هکتار از زمین های کشاورزی مردم عرب در منطقه ''جُفیر''، به شرکت تعاونی ایثارگران [بخوان پاسداران و بسیجی ها] واگذار شده است. بیش از ۶۰۰۰ هکتار از اراضی زراعی در شمال شوش از مردم عرب غصب و در اختیار غیر بومی های وابسته به حکومت قرار گرفته است. در سال ۱۳۸۲ خانه های ۴۰۰۰ عرب ساکن منطقه ''سپیدار'' در اهواز ویران و نابود شد. این سیاست ها مردم عرب را در ''حلبی آباد'' ها و محله های کوخ نشینی مانند: ''رفیش آباد''، ''گاومیش آباد''، ''حصیر آباد''، ''شلنگ آباد'' در شهر اهواز، یعنی ششمین کلان شهر ایران، وادار به سکونت کرد.

بنا به گزارش میلان کوتاری، فرستاده ویژه بخش ''اسکان مناسب'' سازمان ملل، در مرداد ماه ۱۳۸۴(جولای ۲۰۰۵)، در استان خوزستان، هزاران نفر از مردم عرب در مکان هایی با فاضلاب های روباز و بدون سیستم بهداشتی زندگی می کنند. میانگین نرخ بیکاری در شهرهای آبادان و خرمشهر، با اکثریت عرب نشین، به ترتیب ۳۱ و ۵۰ درصد است. بیشتر روستاهای عرب نشین فاقد مدرسه اند. در حالی که میانگین نرخ بیسوادی در ایران ۱۰ تا ۱۸ درصد است، بیش از ۵۰ درصد مردان عرب استان بی سوادند.

این نسبت در زنان به ۸۰ درصد می رسد. میانگین نرخ بیسوادی در مناطق روستایی غیر صنعتی نظیر شادگان (فلاحیه) نزدیک به ۱۰۰ درصد است. ۳۰ درصد دانش آموزان عرب در مقطع ابتدایی، ۵۰ درصد در مقطع راهنمایی و ۷۰ درصد در مقطع دبیرستان ترک تحصیل می کنند، و این به دلیل وادار کردن آنان به آموزش''زبان رسمی فارسی'' است که زبان مادری شان نیست. از مجموع ۳ هزار دانشجوی دانشگاه چمران در سال تحصیلی ۱۳۷۹ / ۱۳۸۰، دانشجویان عرب فقط ۷ درصد از شمار کل دانشجویان این دانشگاه را تشکیل می دادند. این درحالی است که بر اساس اظهارات دکتر بلالی، رئیس اداره بهداشت دشت آزادگان، ۸۰ درصد از کودکان استان از سوءِ تغذیه رنج می برند. میانگین بیماری های پوستی، قلبی، وکلیوی در بینِ ساکنان شهر شادگان (فلاحیه) و سوسنگرد (خفاجیه) افزایش فوق العاده ای یافته است.

اندکی تامل در آمار ارائه شده به خوبی نشان می دهد که رژیم ولایت فقیه ستم فرهنگی ـ زبانی اعمال شده بر اقلیت ملی عرب در خوزستان را وسیله ای برای تضییع حقوق زحمتکشان، کشاورزان، و سایر قشرهای مردم منطقه قرار داده و قادر نیست پاسخگوی خواسته های به حق و مشروع مردم عرب میهنمان باشد. این آمار و وضعیت جدید منطقه خاور میانه، که با جنبش بی سابقه دموکراسی خواهانه مردم بساط حاکمان مستبد و مرتجع برچیده یا در آستانه برچیده شدن است، زمینه را برای خیزش دوباره جنبش توده ای در داخل کشورمان فراهم کرده است.

در این میان دخالت رژیم ولایت فقیه در امور داخلی کشورهای همسایه و عمل متقابل شیوخ مرتجع منطقه و خصوصا حاکمان سعودی، یادآور نزاع های پیشین حکام پهلوی ورژیم ولایت فقیه با رژیم بعثی عراق در چهار دهه گذشته است. منازعه هایی که قربانیان آن در درجه اول مردم عرب ایران و همزمان با آن جنبش دموکراسی خواهی در منطقه است.

حزب توده ایران، ضمن تقبیح و محکوم کردن اقدام های سرکوبگرانه و کشتار وحشیانه مردم عرب خوزستان، خواستار آزادی دستگیر شدگان حوادث اخیر است.

پرونده فاجعه انفال همچنان گشوده است!

۲۳ سال پیش از این در تاریخ ۱۹۸۸/۴/۱۴ (۲٤ فرودین ماه) ارتش جهنمي و سرتاپا مسلح رژيم جنايتكار صدام سلسله عمليات سركوبگرانه بسيار خشني را بر عليه مردم عادي كردستان عراق آغاز كرد كه بدون ترديد مي توان آن را مصداق كامل «ژنوسايد» كردن يك ملت ناميد.

اين سلسله عمليات كه با عنوان «انفال» از آن نام برده مي شود در چهار مرحله، در منطقه كردستان با بيرحمي هر چه تمام انجام گرفت كه طي آن حدود يكصد و هشتاد و دو هزار نفر از مردم عادي كردستان به اشكال مختلف قتل عام شدند كه در ميان آنان تعداد زيادي از كودكان و زنان حضور داشتند.

هرچند كه تاكنون نيز، به دلايل گوناگون ابعاد واقعي فاجعه انفال مورد تحقيق قرار نگرفته و تاكنون نيز، بسياري از نهادهاي بين المللي يا از آن بي اطلاع مانده يا درباره آن سكوت كرده اند.

اما بي گمان در همان زمان وقوع فاجعه، بسياري از دولت هاي جهان، از جمله دولت هاي غربي از آن اطلاع كامل داشتند و با سكوت خود به انجام آن ياري رساندند.

در حال حاضر نيز عليرغم اينكه از سال ۲۰۰۷ تاكنون پرونده اين جنايت هولناك در «دادگاه عالي جنايي» عراق گشوده شده است و تحقيقات دامنه داري درباره ابعاد انفال انجام گرفته و در حال انجام است، و با وجودي كه صدها و بلكه هزاران سند درباره اين جنايت و آمرين و عاملين آن به دادگاه رسيده است، هنوز نيز دولت هاي غربي و رسانه هاي وابسته به اين دولت ها، همچنان به سكوت خود در اين باره ادامه مي دهند.

اين در حالي است كه تا كنون دستكم ده ها گور دسته جمعي مربوط به اين فاجعه در نقاط مختلف عراق، بويژه در بيابانهاي جنوب عراق و منطقه «گرميان» كشف شده و خبر آن در رسانه هاي عراق بازتاب يافته است. ليكن رسانه هاي غربي و نهادهاي «حقوق بشري» اين كشورها كمترين علاقه اي به طرح اين جنايت از خود نشان نداده اند.

بدون شك اين «سكوت» را نبايد و نمي توان اتفاقي و بدون منظور قلمداد كرد. بنابراين لازم است درباره «چرا»يي آن انديشه كرد و دليل يا دلايل آن را شناخت و اعلام نمود.

به گمان ما يكي از عمده ترين دلايل اين سكوت غيرانساني را بايد در ماهيت واقعي دولت دست نشانده حاكم بر عراق جستجو كرد.

دولت هاي اشغالگر عراق، مدت اندكي پس از اشغال عراق به منظور دادن يك ظاهر قانوني به ادامه اشغال اين كشور و تحميل انواع قراردادهاي پرسود اسارت بار بر اين كشور، ناچار از» سرهم بندي كردن» يك دولت شبه قانوني در عراق شدند كه بتواند طرف قرارداد ها قرار گيرد و طمع ورزي بي حد و مرز اشغالگران را ارضا كند.

به همين خاطر طي يك خيمه شب بازي ناشيانه، در شرايطي كه همه ي شهرها و روستاهاي عراق تبديل به يك «سربازخانه» گرديده و مردم خسته از جنگ و خونريزي عراق در انفعال كامل به سر مي بردند، به اصطلاح «انتخابات آزاد» برگزار كردند و هر كه را كه خواستند به عنوان نماينده مردم وارد «مجلس» كردند و با گرفتن «راي» آنان دولت دست نشانده اي را بر سركار آوردند كه تعداد زيادي از «آمرين و عاملين» فاجعه انفال را در تركيب خود جاي داده بود و از اين طريق بار ديگر جنايتكاران را بر عراق حاكم كردند.

آشكار است كه اين دسته از نمايندگان و دولتمردان، «انفالچي» ، بواسطه جناياتي كه در گذشته انجام داده اند به راحتي و به طور كامل حاضرند در خدمت اشغالگران قرار گيرند و كاملا تحت امر آنها عمل نمايند.

اين تباني كثيف و غيرانساني از سويي به اشغالگران كمك كرده كه بدون هيچ مانعي به غارت منابع طبيعي عراق، از جمله نفت اين كشور بپردازتد و انواع و اقسام قراردادهاي پرسود اسارت بار را به امضاي اين به اصطلاح دولت مردان عراقي برسانند و از سويي ديگر اينان نيز از آنان حمايت به عمل آورده و به جاي پشت ميز محاكمه، آنان را بر كرسي صدارت و وزارت بنشانند.

اين يك تباني كثيف اما شناخته شده است كه اشغالگران در طول تاريخ در همه ي كشورهاي اشغال شده مبادرت به انجام آن كرده اند.

در همين رابطه جاي تعجب نيست كه دستكم ۲۵۸ نفر از كساني كه به اتهام شركت در انفال مردم بي دفاع كردستان تحت تعقيب دادگاه عالي جنايي عراق قرار دارند، هم اكنون در كردستان عراق حضور دارند و اغلب آنها داراي پست هاي بالاي حزبي و حكومتي و امنيتي هستند!

لازم به گفتن است كه از سال ۲۰۰۷ تاكنون همه ي تلاش ها و درخواست هاي دادگاه عالي جنايي عراق براي بازداشت اين عده ۲۵۸ نفري از عاملين و آمرين فاجعه انفال، به دليل حمايت حكومت و احزاب قدرتمند كردستان عراق از آنان،به هيچ نتيجه اي نرسيده است و اعتراضات وسيع مردم كرد و بازماندگان شهداي انفال نيز كمترين نتيجه اي در برنداشته است.

بنابراين تنها در سايه استقرار يك حكومت دمكراتيك در عراق و كردستان مي توان انتظار داشت كه همه ي ابعاد اين فاجعه غير انساني هويدا گردد و عاملين و آمرين آن به سزاي اعمال جنايتكارانه اشان برسند و ديگر اطمينان يافت كه چنين فجايعي در عراق تكرار نخواهد شد.

پیام اول ماه مه فدراسیون جهانی سندیکاهای کارگری

کارگران، زنان و مردان
ما با افتخار روز اول ماه می ۲۰۱۱ را در حالی جشن می گیریم که دوره‌ای حساس را از سر می گذرانیم. دوره‌ای که توام است باسیاست‌های تجاوزگرانهٔ امپریالیستی همراه با سیاست‌های ضد کارگری‌اش. در شرایطی که بحران جهانی سرمایه‌داری عمیقتر شده و این نظام را با بحرانهای چند جانبه اقتصادی مواجه کرده است. این بحران خود را در تمامی عرصه‌ها اعم از اقتصاد، محیط زیست، کیفیت زندگی، فرهنگی و تغییرات آب و هوایی نشان می‌دهد. بحران در ذات سرمایه داری است و بهمین دلیل این بحران خود را همیشه تکرار می‌کند. سیستم سرمایه‌داری قادر به حل مشکلات مردم جهان نیست.

در حوزه شرقی مدیترانه، خاورمیانه و شمال افریقا حوادث خطرناکی در حال توسعه است. درگیری ها و رقابت جناحهای مختلف امپریالستی که نفت لیبی و منابع عظیم گاز شمال افریقا را هدف قرارداده اند و در تلاشند که کنترل نقاط استراتژیک جریان مواد اولیه خام را در آن منطقه بدست بگیرند .

ما شاهد اقدام تجاوزگرانه امپریالیستها برضد لیبی هستیم. در کشور سوازیلند ما شاهد برخورد خشونت بار دولت با تظاهرات مسالمت آمیز مردمی هستیم که خواهان حکومت مردمی و دموکراتیکی هستند که حافظ منافع اصولی مردم باشد. در الجزایر حکومت بار دیگر چهره واقعی خود را با بکار بردن سرکوب شدید حکومتی برضد تظاهرات آرام مردم که خواهان رفع فقر از جامعه و مهار بیکاری و کنترل قیمت های افزایش یابنده بخصوص مواد اصلی غذایی بوده و نیزمعترض به نبودن آزادی ها و افزایش خفقان و سرکوب هستند، نشان داد. در مصر شاهد مبارزات مردم برای کسب آزادی و دموکراسی و عدالت اجتماعی و نیز برضد سیاستهای امریکا که تلاش می کند تا مهره جدیدی را در رهبری مصر جا بزند هستیم. در تونس، روند کارها دست به دست می گردد اما همواره توام با محدودیت کامل آزادی‌ها، محاکمه نیروهای مترقی و سرکوب هر نوع صدای مخالف، افزایش شدید فقر و بیکاری، بیعدالتی اجتماعی و گرانی مواد اصلی غذایی است.

در خاورمیانه زجر و عذاب برای مردم قهرمان فلسطین، لبنان و سوریه توسط اسراییل و با پشتیبانی کامل امریکا، اتحادیه اروپا و سایر همپیمانانشان همچنان ادامه دارد. در بحرین در پاسخ مردم و زحمتکشانی که خواستار دموکراسی، آزادی و توقف غارت سرمایه‌های کشور توسط سرمایه‌داران و شاهزادگان و شاه هستند، حکومت نظامی



اعلام شد. در آسیا نیز تصویر خوبی نداریم: امپریالیستهای آمریکایی و اروپایی به اشغال نظامی و عملیات خونین خود در عراق و افغانستان و پاکستان همچنان ادامه می دهند. علاوه براین گونه مشکلات متاسفانه مردم جهان در قبال حوادث طبیعی نیز اغلب ایمن نبوده و صدمه های غیر قابل جبرانی را متحمل می شوند. جاری شدن سیل ویرانگر در پاکستان و فاجعه سونامی در ژاپن نمونه هایی از این حوادث می باشند. در ایالات متحده امریکا نیز اوضاع پیچیده است. در امریکای شمالی رشد بیکاری روبه افزایش است.

آمار رسمی بیکاری در امریکا ۹/۵ در صد بوده یعنی ۱۰/۲ میلیون آمریکایی هم اکنون بیمه بیکاری دریافت می کنند.

در امریکای لاتین شدت تعرضات و تحریکات خصمانه امریکای شمالی احساس می شود: تهدید و حمله به کوبای انقلابی، حملات علیه ونزوئلا، بولیوی و اکوادور، اشغال هاییتی و حمایت از دیکتاتوری در هندوراس. در کلمبیا در طی ۵ سال اخیر صدها نفر از فعالان اتحادیه های کارگری ترور شده اند و کشور به پایگاه نظامی امریکا تبدیل شده است. در شیلی، حادثه فاجعه بار معدن سان خوزه اتفاق افتاد و در برزیل، جاری شدن سیل عظیم جان هزاران نفر را گرفت. حتی در اروپا، سرمایه داری دشواری های جدید را موجب گردیده و همچنین مشکلات موجود را تشدید کرده است. بیکاری در کشورهای اتحادیه اروپا سر به چندین میلیون نفر زده است. طبق آمار رسمی اروپا میزان بیکاری به ۹/۳ در صد رسیده به خصوص بیکاری در بین جوانان ۱۵ تا ۲۰ ساله به ۲۰/۷ درصد افزایش یافته است.

خصوصی سازی و عدم توجه به امینت شغلی - اجتماعی و نیز کاهش میزان دستمزد و میزان بازنشستگی جزو برنامه

بلند مدت حکومت های نولیبرال و سوسیال دمکرات اروپایی شده است. توافقات لیسبون چهره واقعی اتحادیه اروپا و نقش ارتجاعی او را عریان می نماید. طبقات زحمتکش در سطح جهانی با مبارزات و ابتکارات متحد خود به این سیاستهای تعرضی امپریالیسم و سرمایه جهانی پاسخ می دهند. اعتراضات میلیونی با شرکت جوانان، زنان و کارگران مهاجر تحرک جدید و امید تازه‌ای را در بین زحمتکشان جهان ایجاد کرده است.

WFTU همیشه در خط اول این مبارزات بوده است! هیچ نقطه‌ای از جهان نبوده که آنجا نباشد. WFTU همیشه در کنار ضعفا، در کنار مردم، همراه طبقات زحمتکش و علیه استثمار سرمایه داری بوده است. ما بر اساس رهنمود کنگره ۱۶ در جهت تقویت اتحادیه‌های طبقات زحمتکش کوشا بوده و همواره تلاش می کنیم. تصمیمات اتخاذ شده در کنگره تاریخی که در آتن یونان از ٦ تا ۱۰ آوریل ۲۰۱۱ برگزار شد افقهای نوینی را در برابر چشمان طبقات زحمتکش جهانی گشود.

طی چهار روز کار کنگره، ۱۱۵ سخنران از پنج قاره جهان در رابطه با بخشهای اصلی سخنرانی کردند. همه مشکلات روز و جاری مردم زحمتکش و کشاورزان فقیر و صاحبان مشاغل کوچک، جوانان، زنان، بازنشستگان و کشاورزان فاقد زمین مورد بحث قرار گرفت. قطعنامه‌های تصویب شده در این کنگره در تایید ویژگی موضع طبقاتی WFTU می باشد و بیانگر سمت گیری و تشدید فعالیت آن در تقویت اتحادیه های بین المللی کارگران است. امروزه WFTU قویتر، مبارزتر و متحدتر از پیش بوده و دارای توانایی های بیشتری در متحد کردن طبقه زحمتکش بر ضد سیاست‌های انحصارگران و سرمایه‌های بین المللی- سیاست هایی که باعث گسترش فقر و فربه شدن عده‌ای قلیل می باشد- گردیده است.

مبارزه ما برای داشتن دنیایی عاری از بهره کشی انسان از انسان می باشد.

زند باد روز جهانی کارگران!
کارگران جهان متحد شوید!

مبارزه یی اساسی در راه اصلاحات سیاسی در بحرین

مصاحبه ''نامه مردم'' با رفیق حسین العُریبی، مسئول امور بین المللی ''جمعیت ترقی‌خواه دموکراتیک بحرین''



ورود نیروهای مسلح عربستان سعودی به بحرین، و اعلام شرایط اضطراری در بحرین، آغاز مرحله جدیدی را در تحولات منطقه خاورمیانه و مبارزه جنبش های مردمی کشورهای عربی کلید زده است. ''نامه مردم'' در راستای تلاش برای ارائه تصویری دقیق از این تحولات، مصاحبه هایی با برخی از رهبران حزب ها و نیروهای مترقی، چپ و کمونیست، کشورهای منطقه انجام داده است، که به مرور منتشر خواهند شد. درزیر، متن مصاحبه با رفیق حسین العریبی، مسئول دایره روابط بین المللی ''جمعیت ترقی‌خواه دموکراتیک بحرین''، در رابطه با آخرین تحولات بحرین، همسایه میهن مان در خلیج فارس، می آید.

س ــ از بهمن ماه ۸۹ (اواسط ماه فوریه ۲۰۱۱) تا امروز، بحرین شاهد تظاهرات اعتراضی توده‌ای بی‌سابقه‌ای بوده است. عوامل اصلی مؤثر در شکل گرفتن و اوج گیری این مبارزه کدامند؟
ج ــ همان‌طور که می‌دانید، مردم بحرین در بهمن ماه ۱۳۷۹ (فوریه ۲۰۰۱) به منظور رأی‌گیری درباره ''منشور میهنی'' یا ''منشور اقدام ملی'' به پای صندوق‌های رأی رفتند و با ۹۸/۴ درصد آرا این منشور را تأیید کردند. این منشور در حکم ابتکار و طرحی سیاسی برای حل آن بحران سیاسی یی در بحرین بود که در پی منحل شدن ''شورای ملی'' در۱۳۵۴ (۱۹۷۵)، یعنی فقط دو سال پس از تشکیل آن، به وجود آمده بود. علت انحلال ''شورا ''هم این بود که حکومت در عمل کردن به تعهدها و قول‌هایی که برای انجام تحولی واقعاً دموکراتیک داده بود، صداقت نداشت و کوتاهی کرد. چیزی نگذشت که بحرین وارد دوران دشواری از سرکوب، پیگرد، بگیر و ببند و کشتار و اخراج از کشور شد؛ تا اینکه ''منشور میهنی'' مطرح شد که بر اساس آن، قرار بود که بحرین به صورت یک مشروطه سلطنتی اداره شود، شبیه به آنچه در کشورهای سلطنتی مشروطه دیگر دیده می‌شود. قرار بود که در تاریخ بحرین، صفحه سیاسی تازه‌ای ورق بخورد که در آن رابطه میان حاکمان و مردم بر پایه اصول دموکراتیک قانون اساسی تعریف و تنظیم شود. اما زمانی که حکومت وقت به طور خودسرانه و یک‌جانبه قانون اساسی ۱۳۸۱ (۲۰۰۲) را تحمیل کرد، و از زیر بسیاری از تعهدهایی که در ''منشور ''منظور شده بود- و از همه مهم تر تعهد به اصلاح قوه مجریه و انتخابی کردن مسئولان آن-شانه خالی کرد، این بنای سیاسی خیلی زود فرو ریخت. در قانون اساسی جدید، ''شورای ملی'' یا پارلمان، به دو مجلس تقسیم شده است. اعضای یکی از این دو مجلس انتخابی‌اند و اعضای مجلس دوم را شاه انتصاب می‌کند. همین امر یکی از دلایل خشم مردم شد. عامل دیگر، موج خیزش‌های مردمی در دنیای عرب بود که از تونس و مصر آغاز شد. مردم بحرین از فرصت دهمین سالگرد ''منشور میهنی'' به نحو احسن استفاده کردند تا تعهدهای زیر پا گذشته شده و قول‌های فراموش شده شاه را به او یادآوری کنند. این شد که مردم به خیابان‌ها آمدند و خواستار اصلاح رژیم شدند.

س ــ ممکن است در مورد زمینه اجتماعی و طبقاتی نیروهای شرکت کننده در این اعتراض‌ها توضیح دهید؟
ج ــ این جنبش در آغاز از سوی جوانان به راه افتاد که با استفاده از امکانات موجود در شبکه‌های اجتماعی مثل فیس‌بوک با یکدیگر ارتباط داشتند، اما بعد همه قشرها و نیروهای اجتماعی با زمینه‌های گوناگون اقتصادی و اجتماعی به آن پیوستند. تظاهرات از سوی همه نیروهای مخالف: چپ، ملی‌گرا و اسلامی حمایت شد. اما به علت ترکیب خاص جمعیتی و گونه‌گونی فرهنگی و سنتی جامعه بحرین، بخش غالب حرکت‌های اعتراضی چهره و ویژگی شیعی دارد، که حکومت سخت در صدد تبلیغ این نکته و منحصر کردن جنبش مردمی و تصویر کردن آن در قالب جنبشی گروهی و فرقه‌ای است.

س ــ نقش مشخص جوانان، زنان و سندیکاها در این جنبش چیست؟ آیا این گروه‌های اجتماعی در بحرین سازمان یافته هستند؟ موقعیت جنبش اسلامی در این مبارزه چیست؟
ج ــ همان‌طور که پیش تر اشاره کردم، جوانان عمده‌ترین مؤلفه این جنبش اعتراضی بودند، که البته دارای تشکیلات و سازمان خاصی نبودند. در جریان عمل، آنها تظاهرات خیابانی را هدایت کردند، و کمیته‌های گوناگونی را برای سازمان دادن تظاهرات در میدان لُؤلُؤ (میدان مروارید) تشکیل دادند، از جمله کمیته زنان، کمیته رسانه‌های گروهی، کمیته تدارکات، و جز این ها. در کنار این بخش از جنبش، نقش سازمان‌های سیاسی در ارائه و اجرای ابتکارها و اقدام‌های سیاسی به منظور یافتن راه‌حل‌هایی برای بحران، و نیز نقش سندیکاها اهمیت

شایان توجهی داشت و دارد، از جمله در وارد آوردن فشار به حکومت به منظور عملی کردن خواست‌های معترضان. نمونه آن، اعتصاب‌های همگانی کارگران با هدف ایراد فشار به رژیم و رسیدن به خواست‌های مردمی بود که در میدان لؤلؤ تحصن کرده بودند. سازمان‌های غیرمذهبی (سکولار) جوانان نیز نقش بسزایی در اعتراض‌های میدان لؤلؤ بازی کردند، از جمله و به‌ویژه از راه برگزاری سمینارهای گوناگون، سرودخوانی و ترانه‌خوانی، راه‌پیمایی، مرور تاریخ جنبش ملی بحرین برای مردم، و توضیح هدف‌های تحصن در میدان مرکزی شهر منامه.

س ـ ''المنبر'' (جمعیت ترقی‌خواه دموکراتیک بحرین) در پی تحولات سیاسی سال ۱۳۷۷ (۱۹۹۹)، یعنی زمانی که ''مَلک حَمَد'' کنونی جانشین پدرش شد، پایه‌گذاری شد. کارنامه ملک حمد را از سال ۱۳۷۸ (۲۰۰۰) به این سو چگونه ارزیابی می‌کنید؟

ج ـ رژیم حاکم در سال ۱۳۷۹ (۲۰۰۱) دست به اصلاحات قابل‌توجهی زد، اما پیشبرد آن اصلاحات دموکراتیک را ادامه نداد. در چند سال بعد، حکومت، با هدایت شخص ملک حمد، به‌تدریج شانه از زیر انجام اصلاحات خالی کرد و حتی برخی از دستاوردهای اصلاحات را نیز بازپس گرفت. ترفندها و بازی‌های سیاسی شروع شد، و حکومت دیگر هرگز به خواست‌ها و پیشنهادهای مخالفان و منتقدان برای ادامه اصلاح سیستم سیاسی کشور توجهی نکرد. و نتیجه همین است که اکنون شاهد آنیم. اِشکال این رژیم این است که در برخورد با دشواری‌هایی که مردم با آن ها روبه رویند، به عوض برآوردن نیازهای مردم و تأمین حقوق طبیعی و اجتماعی آن ها، به شیوه اعانه و خیریه متوسل می‌شود. رژیم و شخص ملک حمد بیشتر به فکر این بود که به جامعه بین‌المللی نشان دهد که در حال اجرای اصلاحات است، تا اینکه واقعاً اصلاحاتی به سود مردم خودش انجام دهد. به همین دلیل می‌توان گفت که آنچه حکومت بحرین برای مدت کوتاهی به آن دست زد، صرفاً به منظور ظاهرسازی بوده است و در باطن امر توجهی به محتوای اصلاحات سیاسی ضرور برای کشور نداشته است.

س ـ در مورد ''دولت'' بحرین چه می‌توانید بگویید؟ آیا میان ''دولت'' و ''نخست‌وزیر'' و دستگاه سلطنتی ملک حمد تمایزی وجود دارد؟

ج ـ وقتی ما از یک پادشاهی مشروطه صحبت می‌کنیم، منظور این است که شخص شاه باید نسبت به قوه مجریه بی‌طرف باشد و در کار آن دخالت نکند. مسئله در بحرین این است که نخست‌وزیر، عموی شاه کنونی، از حمایت مطلق دربار برخوردار است و طبق قانون اساسی جواب گوی هیچ‌کس بجز شاه نیست. به این ترتیب، نخست‌وزیر در برابر نمایندگان مجلس پاسخ گو نیست. به عبارت دیگر، اِشکال سیستم حکومتی ما، موقعیت نخست‌وزیر است، و البته نه شخص او. بنابراین، هرگونه اصلاحات سیاسی در بحرین، اگر یک راه‌حل واقعی برای این معضل خاص ارائه ندهد، بی‌معنا و بی‌نتیجه خواهد بود.

س – چرا ملک حمد روز چهارشنبه تصمیم گرفت وضعیت اضطراری در بحرین اعلام کند و کشور را در چنین بحران بی‌سابقه‌ای فرو ببرد؟

ج ـ مقام‌های حکومتی بحرین با حماقتی آشکار با این بحران برخورد کردند. به‌عوض تلاش برای آرام کردن اعتراض‌ها، حکومت از همان روز اول به سوی مردم تیراندازی کرد، که در عرض سه روز منجر به کشته شدن ۷ تن از معترضان شرکت کننده در تظاهرات مسالمت‌آمیز شد. آن برخورد جنایت آمیز هنوز هم ادامه دارد و تا کنون (۳ فروردین) رقم کشته‌شدگان به ۲۱ تن رسیده است. به علاوه، صدها تن مجروح و مفقود الاثر شده‌اند. در این میان ولیعهد اعلام کرد حاضر به مذاکره مستقیم است، اما او هم حاضر نشد هیچ‌گونه تضمین قابل‌اطمینانی برای موفقیت گفتگوها بدهد. در نتیجه، رژیم تصمیم گرفت طبق معمول به زور متوسل شود: شماری از عنصرهای مسلح به سلاح سرد خود را با لباس شخصی به دانشگاه و مناطق مختلف شهری در بحرین فرستاد تا با دامن زدن به تفرقه و ایجاد آشوب، زمینه را برای اعلام وضعیت اضطراری آماده کنند و ارتش را به کشتار غیرنظامیان بکشانند.

س ـ نقش دولت آمریکا در رخدادهای جاری بحرین چیست؟ در جایی که آمریکا دارای پایگاه‌های نظامی در بحرین است و کشور شما مقرّ ناوگان پنجم آمریکاست، آیا آن کشور می‌تواند استقرار یک حکومت دموکراتیک را در بحرین بپذیرد؟

ج ـ دولت آمریکا در موضع گیری های تا کنونی اش ، از اعلام موضع در این مورد طفره رفته است و هنوز به وضوح حکومت بحرین را محکوم نکرده است. این طور که روشن است، آمریکا حاضر نیست یکی از نزدیک ترین متحدان خودش در منطقه را محکوم کند. دولت آمریکا تنها به این اکتفا می‌کند که مخالفت خود را با خشونت اعلام کند و به طور جدّی از طرفین بخواهد رفتار خود را کنترل کنند و از اعمال خشونت متقابل بپرهیزند. ما هنوز این را متوجه نشده‌ایم که منظور آمریکا از خشونت متقابل چیست؟ در کشمکش‌های جاری، به‌روشنی دیده می‌شود که فقط یک طرف است که نسبت به مردم خودش اعمال خشونت می‌کند.

س ـ نظرتان راجع به تهاجم نیروهای عربستان سعودی به بحرین چیست؟ چه کسی این تصمیم را گرفت؟ آیا پادشاه بحرین نیروهای عربستان را به دخالت فراخواند؟ آیا آمریکا از آن ها خواست وارد بحرین بشوند؟ بقیه کشورهای حوزه خلیج

فارس چه موضعی دارند؟
ج ـ نیروهای عربستان سعودی با این هدف وارد بحرین شدند که پیامی به ملت‌های عرب منطقه خلیج فارس به طور خاص، و ملت‌های دیگر دنیا به طور کلی، بدهند: در هم ریختن اوضاع در هر یک از کشورهای خلیج فارس این طور نیست که فقط بر همان رژیم اثر بگذارد، بلکه روی همه رژیم‌های خلیج فارس تأثیر خواهد گذاشت. بر همین اساس بود که عربستان سعودی به محض وقوع ناآرامی‌های سیاسی در آن کشور، به‌سرعت متوسل به زور شد تا گسترش اعتراض‌ها به کشورهای دیگر منطقه را متوقف کند. همین‌جا از فرصت استفاده می‌کنم و به همه ملت‌های کشورهای خلیج فارس که در بحران کنونی از ما حمایت کردند و با دخالت نیروهای مسلح کشورهایشان در این پیکار نابرابر مخالفت کردند، درود می‌فرستم. و اما در مورد دولت آمریکا باید بگویم که واکنش آن نسبت به آنچه در بحرین در جریان است، قطعاً توطئه‌گرانه بوده است.

س ـ در شرایط کنونی خواست و کانون اصلی مبارزه سازمان المنبر چیست؟
ج ـ المنبر این وظیفه را برای خود تعیین کرده است که برای دستیابی به یک اتفاق آرای ملی پیرامون خواست‌های برحق مردم بحرین تلاش کند. به همین دلیل، ما سخت تلاش می‌کنیم تا برنامه‌های برخی از جناح‌های رژیم حاکم برای ایجاد تفرقه گروهی (مثلاً میان شیعه و سنی) و به راه انداختن جنگ داخلی بین مردم را خنثی کنیم. المنبر از روشنفکران محافل حاکم می‌خواهد که از دست زدن به هرگونه اقدام و ماجراجویی نظامی خودداری کنند، چرا که منجر به کشته شدن و آسیب دیدن غیرنظامیان می‌شود. ما از آن ها می‌خواهیم که سر عقل بیایند و با توسل به راهکردهای سیاسی قانونی به این بحران پایان دهند.

س ـ آیا پیامی برای خوانندگان ‘‘نامه مردم‘‘ و هواداران حزب توده ایران دارید؟
ج ـ پیام من به خوانندگان نشریه وزین شما این است که مردم ما از حقوق عادلانه خود است که دفاع می‌کنند. به شایعه‌های مربوط به نفوذ و دست داشتن ایران در این جنبش باور نکنید. جنبش مردم بحرین یک جنبش غیرمذهبی و سکولار است و سازمان‌های سکولاری در آن حاضرند که اعضای آن ها از میان بخش‌های مختلف جامعه بحرین برخاسته‌اند. ما از رفقایمان در حزب توده ایران به خاطر ابراز همبستگی‌شان با ما تشکر می‌کنیم. همبستگی و حمایت شما نشان از رفاقت و آن اصول همبستگی بین‌المللی دارد که حزب سابقه‌دار شما بر اساس آن شکل گرفته و رشد کرده است.در پایان، دست شما را به گرمی می‌فشارم. ما هر دو در مسیر یکسانی به سوی عدالت، برابری و دموکراسی واقعی گام برمی‌داریم و مبارزه می‌کنیم.

درود بر شما رفقا و زنده باد مردم آزاد و آزاده جهان.

به نقل از نامه مردم، شماره ۸۶۵، ۸ فروردین ماه ۱۳۹۰

مصاحبه رفیق صلاح عدلی، سخنگوی حزب کمونیست مصر با "حقوق دات کام"



س ـ اولین فعالیت های حزب در چه زمانی آغاز گردید؟
ج ـ نخستین فعالیت حزب در سال ۱۹۲۰ با نام "حزب سوسیالیست مصر" آغاز گردید. نام این حزب در سال ۱۹۲۲ به "حزب کمونیست مصر" تغییر یافت. در آن هنگام اتحادیه کارگران مصر ۲۰/۰۰۰ نفر عضو داشت. در همین زمان تظاهرات عظیمی با خواست بهبود شرایط زندگی کارگران و مقاومت در مقابل اشغالگران، در شهرهای اسکندریه و قاهره صورت گرفت. سعد زغلول [نخست وزیر وقت و موسس حزب "الوَفْد"]، در یک اقدام بی سابقه دستور ممنوعیت فعالیت حزب، توقیف نشریات، و بازداشت رهبران حزب را صادر کرد. از آن زمان تاکنون فعالیت احزاب های کمونیست در مصر ممنوع شد. اما برغم ممنوعیت در طول سال ها حزب پا به پای توده ها فعالیت کرده است. در دهه ۱۹۷۰، این فعالیت ها در چارچوب جنبش دانشجویی و حزب کمونیست کارگری ادامه پیدا کرد. حزب کمونیست کارگری از جمله حزب های مهم موجود در عرصه جنبش دانشجویی و پایگاه های کارگری – و در آن شرایط – مهم ترین نیروی اپوزیسیون بود. باوجود ممنوعیت فعالیت حزب های مخالف، و در شرایطی که تنها حزب موجود "حزب اتحاد" بود، کمونیست ها هسته های سازمانی خود را در سال ۱۹۷۲ به وجود آوردند، و در سال ۱۹۷۵ شروع فعالیت مجدد حزب را اعلام کردند. در آن هنگام حزب ما اولین حزبی بود که با وجود ممنوع بودنش، فعالیت خود را آغاز کرد. به دنبال آن و در سال ۱۹۷۶، انور سادات اجازه فعالیت حزب هایی مانند "حزب النجمه" [حزب ستاره]، "حزب الاحرار" [حزب آزادگان] و "حزب مصر" [حزب حاکم] را صادر کرد.
س ـ در آن دوره های مختلف زمانی چه کسانی ریاست حزب را برعهده داشتند؟
ج ـ حزب از به هم پیوستگی سه گروه تشکیل شد: اولی، گروه اصلاح طلبی به نام "فابی ها" بود، که نام گروه خود را از نام "فابیوس"، رهبر رومانیایی اش، گرفته بود. مسئولیت این گروه با سلامه موسی، محمد عدنان، و بعضی از رهبران سندیکاهای کارگری بود، که بعدها به حزب کمونیست مصر تبدیل شد. از رهبران اولیه حزب، وکیل مشهور مصری، آنتوان مارون، بود که پس از دستگیری رهبران حزب، و در نتیجه اعتصاب غذا، به شهادت رسید. او اولین شهید جنبش کمونیستی مصر بود. در دهه چهل قرن بیستم، جنبش کمونیستی تعدادی از شخصیت های برگزیده ملی را در بر داشت که سهم مهمی در بالا بردن سطح تفکر اجتماعی و ادبی مصر را به عهده داشتند. اگر به گذشته بازگردیم، در عرصه سینما با نام صلاح یوسف و در تئاتر با نام نعمان عاشور بر خورد می کنیم. در آن هنگام پیشگامان "وفدیه" رهبری جنبش کارگری را برعهده داشتند. در دهه هفتاد قرن بیستم رهبران جوانی مانند نبیل هلالی و محمود العالم را داشتیم. در ۱۹۹۵ حزب ما در کنار حزب هایی مانند "الوفد"، "التجمع الناصری" و "اخوان المسلمین" نقش مهمی در جنبش ملی برای تغییر ایفا کرد.

س ـ چرا حزب کمونیست اجازه فعالیت قانونی نداشت؟
ج ـ در سال های چهل از قرن بیستم و هنگامی که حزب فعالیت خود را از عرصه دفاع از حقوق کارگران به مقاومت در برابر اشغالگران خارجی تغییر داد، مبارزه مسلحانه نیز به عنوان بخشی از مقاومت در دستور کار قرار گرفت. در مبارزه بر ضد اشغالگران و هم پیمانان آن ها، یعنی فئودال ها و کارفرمایان، در مدت سه سال هزاران کمونیست دستگیر شدند. در این مدت مقاومت شدیدی از جانب اسماعیل صدقی [از همکاران زغلول که به نخست وزیری رسید] در مقابل اشغالگران در جریان بود. در کودتایی که به انقلاب سال ۱۹۵۲ منجر شد، بخشی از کمونیست ها ضمن شرکت فعال در آن، نقش مهمی در تشکل "سازمان افسران آزاد" برعهده داشتند. جنبش مذکور به نام "جنبش رهایی بخش ملی" معروف بود، و خالد محی الدین و یوسف صدیق از رهبران آن بودند. بیانیه های "سازمان افسران آزاد" از سوی این جنبش به چاپ می رسید. پس از آن میان کمونیست ها در خصوص حمایت از انقلاب اختلاف افتاد، و بخشی از آنان به پشتیبانی از آمریکا موضع گیری کردند. این موضع گیری خطای بزرگی بود، خصوصا هنگامی که جمال عبدالناصر تصمیم به انحلال و غیر قانونی کردن احزاب و تعطیل و مصادره کردن نشریات و روزنامه های آن ها گرفت، جنبش کمونیستی با صلابت در برابر این اقدام استبدادی ایستادگی کرد و خواهان بازگشت ارتش به پادگان ها و از سرگیری فعالیت های دموکراتیک در درون کشور از طریق تدوین قانون اساسی جدید شد. از همین جا اختلاف کمونیست ها با عبدالناصر آغاز گردید. در مقطع تاسیس حزب کمونیست مصر در سال ۱۹۵۸، اختلافات ناصر با کمونیست ها فزونی گرفت. کمونیست ها از انحلال حزبشان و ورود به حزب فراگیر مورد نظر ناصر خودداری کردند و در برابر آن پیشنهاد تشکیل جبهه انقلابی با استقلال تشکیلاتی را برای همکاری با انقلاب مطرح کردند. نکته دوم مورد اختلاف ناصر و کمونیست ها، وحدت سوریه و مصر بود.

کمونیست ها با وجود موافقت با وحدت، بر چگونگی و روش انجام آن با ناصر اختلاف داشت و خواهان برگزاری رفراندوم و در پیش گرفتن روش های دموکراتیک و عدم تحمیل الگوی مصری بر وحدت دو کشور بودند. ناصر در سال ۱۹۵۸ اقدام به سرکوب و بازداشت کمونیست ها و شکنجه و آزار آنان کرد، به گونه ای که بسیاری از آنان مانند عطیه و لویس حداد زیر شکنجه به شهادت رسیدند. این وضعیت تا سال ۱۹٦٤ ادامه داشت. در این هنگام و پس از آنکه کمونیست ها به این نتیجه رسیدند که ناصر در راه سوسیالسم گام نهاده و خواهان تعاون و همکاری با آنان است، تصمیم به انحلال حزب گرفتند. آنان به امید گام نهادن کشورشان در راه سوسیالیسم، تن به انحلال حزب دادند اما مجدداً در دهه هفتاد سازمان حزبی خود را تشکیل دادند، و در قیام ۱۹۷۷ در مبارزه با گرانی و بالارفتن هزینه زندگی سهم به سزایی داشتند. کمونیست ها در شهر حلوان و دانشگاه ها دست به اقدام زدند به گونه ای که، انور سادات – باعلم به اینکه این قیام یک جنبش توده ای است – آن را قیام دزدان نام نهاد وکمونیست ها را دستگیر و به پای میز محاکمه کشاند. سادات ضربه های نابوده کننده ای بر حزب کمونیست مصر وارد کرد. این ضربه ها هفت بار بر حزب وارد شد و آخرینِ آن در ژانویه ۱۹۸۱ بود.

س ـ این ضربه های نابود کننده چگونه بود؟

ج ـ این ضربه ها به صورت محاکمه کمونیست ها به اتهام اقدام به سرنگونی نظام، و علیه امنیت ملی، و هم چنین محاکمه مدنی تعدادی دیگر از کمونیست ها که در مواردی به برائت آنان به دلیل دست نداشتن در هیچ گونه اقدام خشونت آمیز انجامید، تا آنکه حکم مشهور قاضی سعید العشماوی مبنی بر برائت کمونیست ها از استفاده از خشونت و توهین به ادیان صادر گردید.

س ـ از چه زمانی تصمیم به از سر گیری فعالیت حزب کمونیست گرفتید؟

ج ـ در جلسه یی که در تاریخ ۲۳ اسفند ماه ۸۹ (۱٤ مارس ۲۰۱۱) تشکیل دادیم در خصوص از سر گیری فعالیت علنی حزب و چگونگی تشکیل کمیته های مختلف اتفاق نظر حاصل گردید. سعی داریم با هماهنگی با کمیته احزاب نسبت به فراهم کردن مستندات حزب در شرایط جدید، آن هم پس از سال ها سرکوب و حذف کمونیست ها ، امکان فعالیت علنی آن را فراهم کنیم. حزب ما در گذشته فعالیت غیر علنی و مخفی خود را داشته و در این مدت سه کنگره برگزار کرده که می توان از کنگره های ۱۹۸۲ – ۱۹۹٤ نام ببریم. آخرین کنگره بر احترام به ادیان، برابری و عدالت تاکید داشت. کلیه کنگره ها در مصر تشکیل گردید. در گذشته فقط در خصوص نتایج کنگره ها اطلاع رسانی می کردیم، و از چگونگی تشکیل آن ها، به دلایل امنیتی، سخنی به میان نمی آمد. اما در حال حاضر و پس از شرایط مساعدی که انقلاب فراهم کرد، مجددا سازمان دهی می کنیم، و با اساسنامه یی متناسب، که روابط بین ارگان های مختلف حزب را هماهنگ کند، در راه رسیدن به خواسته های مردم مصر تلاش خواهیم کرد. ما نیک می دانیم که مرحله بعدی به منظور تحقق هدف های انقلاب سخت و طولانی خواهد بود. هدف انقلاب فراهم کردن شرایط برای انتخابات آزاد، و بالا بردن سطح زندگی مردم است. من با آنان که انقلاب را انقلاب جوانان می نامند اختلاف نظر دارم. جوانان انقلاب را شروع کردند و دیوارهای ترس را از بین بردند، اما همه مردم و گروه های سیاسی در انقلاب شرکت کردند، گروه هایی که در گذشته هم مبارزه می کردند. انقلاب ابتدا به ساکن به وجود نیامد، و ما تاکنون یک مرحله از انقلاب را پشت سر گذاشته ایم. ما سعی داریم با تماس با رفقای کمونیست در ۱۵ روز آینده نسبت به انتقال از شرایط مخفی و غیر علنی به شرایط فعالیت علنی اقدام کنیم.

س ـ آیا رهبر حزب کمونیست را تعیین کرده اید؟

ج ـ کسی به عنوان رهبر حزب در حال حاضر نداریم، اما از سال ۱۹۳۵ (سال تاسیس حزب) دبیرخانه یی متشکل از سه نفر وجود دارد، زیرا حزب ما از سه گروه اساسی تشکیل شده است. با توجه به گروه بندی ها و اختلافات سال های چهل و پنجاه و هفتاد، و اصرار بر عدم تکرار این گونه گروه بندی ها، که متاسفانه زیان های جبران ناپذیری به جنبش کمونیستی وارد آورد، این دبیرخانه پا بر جا ماند. حزب ما در گذشته سخنگویانی مانند: حمدی حسن، که مسئول بخش کارگری و سندیکایی حزب بود، سید حنفاوی که عضو دبیرخانه مهندسان ضد حراست و مسئول بخش سندیکایی صنفی، و دکتر صلاح السروی، که عضو جنبش ۹ مارس بوده و استاد دانشگاه حلوان است، داشته است. به همراه ایشان، استاد یسری ذکی، از فعالان حزب ما، از سخنگویان حزب به شمار می آمد. در شرایط جدید، حزب ما دارای دبیر کل و رهبری خواهد بود.

س ـ در خصوص آنچه که به الحاد کمونیست ها معروف شده، نظرتان چیست؟

ج ـ این سخن از دهه ۲۰ قرن گذشته شنیده شده است. کمونیسم هیچ گونه ضدیتی با دین نداشته است. در میان آنچه که حزب ما منتشر کرده حتی یک مورد دشمنی و یا ضدیت با دین را نمی توان پیدا کرد، برعکس، حزب کمونیست پیوسته احترام به ادیان و آزادی اندیشه و باورها را رعایت کرده، و سوءِ استفاده از دین و باورها ی مردم را به نفع جریانی خاص که با توده های مردم دشمنی می ورزند، رد می کند. از دین همیشه به مانند سلاحی بر ضد انقلابی ها استفاده می شده است. این سلاح نخست در قرون وسطا و سپس از سوی سرمایه داران و فئودال ها به ضد کمونیست ها به کار گرفته شد. دلیل این کار هم مبارزه کمونیست ها در راه تغییر اوضاع نابسامان اجتماعی است. انور سادات در زمان ریاست خویش بر مصر بازی خطرناکی را برای رو در رویی با کمونیسم رو به رشد در دهه هفتاد در پیش گرفت. وی با راهنمایی امریکایی ها و سعودی ها و استاندار اسیوط، عثمان احمد عثمان، قبل از قیام ۱۹۷۷، برای بقای نظام حکومت خود دست به دامان

جریان های اسلامی شد. وی ضمن سرکوب کمونیست ها در دانشگاه و جاهای دیگر، امکانات بی شماری در اختیار اخوان المسلمین قرارداد تا بتواند قیام را سرکوب کند. همین جریانات (اخوان المسلمین) پس از آنکه موقعیت خود را تثبیت کردند، به ضد او (سادات) شورش کردند. هدف ما بر قراری عدالت است و نه بازبینی افکار دیگران و تفتیش عقاید. ملک فاروق، پادشاه پیشین مصر، نیز از اخوان المسلمین مدد می جست و هرگز با کمونیست ها از در همکاری در نیامد.

س ـ چرا حزب کمونیست در دوران حسنی مبارک فعالیت خود را از سر نگرفت؟

ج ـ انقلاب به این دلیل صورت گرفت که در کشور آزادی و دموکراسی بر قرار نبود، حتی احزابی که ظاهرا فعال بودند فقط به صورت ظاهری در صحنه بودند . هنگامی که حزب کمونیست برای اعلام حضور اقدام می کرد، با برخورد ضد کمونیستی حزب ملی حاکم رو به رو می شد. در کل، فعالیت کمونیست ها ممنوع بود، و فعالیت باقی احزاب هم صوری و روی کاغذ بود. آن ها هیچ گونه فعالیت عملی نداشتند. حزب هایی مانند "الوسط" و "الکرامه" بارها برای اجازه فعالیت اقدام کردند، اما درخواست شان پذیرفته نشد. به همین دلیل مجبور بودیم تا تغییر اوضاع به فعالیت مخفی و غیر علنی خود ادامه دهیم .

س ـ نظر شما در مورد دیدگاهی که مدعی است کمونیست ها قصد دارند انقلاب را سکوی پرش قراردهند چیست؟

ج ـ کمونیست ها هرگز از حوادث انقلاب دور نبوده و پیوسته در دل مبارزات توده ها بر ضد تروریسم حضور داشته اند. مبارزه ما همواره به صورت توده ای و دموکراتیک و به منظور بهبود شرایط اجتماعی بوده است و حالت خشونت آمیز و تروریستی به خود نگرفته و به مانند هسته های وابسته به جریان "القاعده" با استفاده از خشونت قصد تحمیل نظر اقلیتی را بر دیگران ندارد.

س ـ آیا در زمان حسنی مبارک با ضربه هایی مواجه شدید؟

ج ـ در دوران مبارک، در مقایسه با زمان انور سادات، با ضربه های ساده ای مواجه شدیم، زیرا در این دوران ما عموما با خالی بودن صحنه از فعالیت احزاب رو به رو بودیم، اما در زمان سادات با سرکوب رو در رو شدیم. این وضع با پیروزی مرحله اول انقلاب در حال حاضر تغییر کرده است.

س ـ آیا شما تابع اجرای بدون تغییر قوانین و نظریات مارکس هستید؟

ج ـ قوانین مارکس هر گز مقدس نبوده اند. آنچه مارکس کشف کرد روابط واقعی موجود در جهان پیرامون ماست. راز ماندگاری این قوانین در آن است که برای بهبود شرایط زندگی در جهان مورد استفاده قرار گیرند. ما هنوز همه آرمان های مارکس را مورد استفاده قرار نداده ایم . مارکس گفت: "تاریخ عبارت است از مبارزه بین طبقات و بر اساس منافع اقتصادی و اجتماعی" ... رهایی انسان از راه انقلاب میسر است. انقلاب فرانسه راه تازه ای بروی جهان گشود، و امروز ما موج جدیدی از انقلاب جهانی را در منطقه شاهدیم. احزاب سوسیالیستی با هم دیدار و تبادل نظر می کنند، همان گونه که دیدارها وگفت و گوهای احزاب دینی و غیر دینی صورت می گیرد. وجه مشترک تمامی گفت و گوها آرمان ها و هدف های مشترک بین آن هاست. هر کشوری خصوصیات خود را داراست. ماهم خصوصیات و شرایط خاص خودمان را داریم. بدیهی است که ما با بقیه احزاب کمونیستی دنیا در ارتباط هستیم و این ارتباط همیشه وجود داشته است.

به نقل از نامه مردم، شماره ۸٦٦، ۲۲ فروردین ماه ۱۳۹۰

امپریالیسم، و احیای سیاست تحت الحمایگی

نخستین دهه سده بیست و یکم در حالی به پایان رسید که جهان شاهد ژرفش بحران ذاتی نظام سرمایه داری و گسترش توسعه طلبی و جنگ افروزی امپریالیسم است.
رویدادهای شمال آفریقا، جنگ و تجاوز نظامی بر ضد لیبی، از برنامه معین امپریالیسم جهانی برای حفظ برتری و مقابله با تغییرها در عرصه توازن قوا در سطح جهانی حکایت می کند. هنگامی که طی بهمن ماه سال گذشته، در "کنفرانس امنیتی مونیخ"، خیزش های مردمی در خاور میانه و شمال آفریقا در کانون بحث ها قرار گرفت، و هیلاری کلینتون، وزیر خارجه آمریکا، اوضاع منطقه را "یک توفان تمام عیار" توصیف کرد، برای هیچ یک از نیروهای ترقی خواه و صلح طلب منطقه و جهان جای تردیدی در کوشش هدفمند امپریالیسم برای حفظ نفوذ و سیطره خود باقی نگذاشت. کمتر جریان مردمی و آزادی خواهی یی تصور می کرد که تمایل به بازگشت به سیاست های استعماری قرن نوزدهم و احیای سیاست تحت الحمایگی در دستور کار محفل های جنگ افروز و توسعه طلب آمریکا و اتحادیه اروپا قرار گرفته باشد. پیش از انقلاب اکتبر، و تا مقطع پایان جنگ جهانی دوم و پیروزی بر فاشسسم، امپریالیست ها تعداد زیادی از کشورهای رشد نیافته را در انقیاد خود گرفتند و به روش های گوناگون، از جمله جنگ، تجاوز و خون ریزی و جنایات هولناک، بخش های بزرگی از جهان را تصرف کردند، و سیستم و حاکمیتی استعماری پدید آوردند. در ۱۹۱۹ میلادی، ۶/ ۶۵ درصد مسکون زمین همراه با مجموع ۷/ ۶۷ درصد از ساکنان سیاره ما، در وضعیت مستعمره و نیمه مستعمره قرار داشتند. در ۱۹۶۴، یعنی پس از جنگ جهانی دوم، این رقم ها به ترتیب به ۶/ ۳ و ۴/ ۱ درصد کاهش پیدا کردند، و در پرتو جنبش های آزادی بخش ملی، و حمایت اردوگاه سوسیالیسم، سیستم مستعمراتی فرو ریخت، و بیش از ۷۰ کشور از بند رها شدند و آزادی، استقلال و حق حاکمیت ملی و حق تعیین سرنوشت خویش را به دست آوردند. کشورهای آزاد شده از بند استعمار، در کنار کشورهای سوسیالیستی، عامل مهمی در حفظ صلح جهانی و امکان پیشرفت موفقیت آمیز اجتماعی به شمار می آمدند. با فروپاشی اتحاد شوروی و تغییر توازن قوا در عرصه بین المللی به سود امپریالیسم و برقراری نظم نوین جهانی، بار دیگر ابرهای سیاه بر فراز آسمان کشورهای رشد نیافته سایه افکنده و دامنه مداخله های امپریالیستی افزایش نگران کننده ای یافته اند. حوادث ۱۱ سپتامبر، و در پی آن فضای سیاست بین المللی به شدت آکنده از بوی باروت جنگ و مرگ گردید. اشغال نظامی عراق و افغانستان، سیمای امپریالیسم را باردیگر از پس تبلیغات دروغین و جنگ روانی- تبلیغاتی گسترده نمایان و برجسته کرد و در معرض داوری اندیشه های همگانی گذاشت. لنین، در کتاب پر ارزش خود: امپریالیسم، واپسین مرحله سرمایه داری، در خصوص ماهیت امپریالیسم با تاکید نوشته است: "هر اندازه سطح رشد سرمایه داری بالاتر باشد، هر اندازه کمبود مواد خام بیشتر احساس شود و هراندازه رقابت و تلاش برای دست یابی به منابع مواد خام سراسر جهان حادتر باشد، آتش مبارزه برای تصرف مستعمرات تیزتر است" [امپریالیسم، بالاترین مرحله سرمایه داری، ترجمه زنده یاد رفیق محمد پورهرمزان، انتشارات حزب توده ایران، ۱۳۵۷ ، صفحه ۹۶]. امروز صحت این ارزیابی برکسی پوشیده نیست، اما نکته فوق العاده مهم در جنگ افروزی و توطئه های رنگارنگ امپریالیسم جهانی، احیای سیاست تحت الحمایگی است. سیاست شوم تحت الحمایگی یکی از شکل های استعمار است. طبق این سیاست استیلا جویانه، کشورهای امپریالیستی همراه با زور، ماشین جنگی، قدرت و نفوذ اقتصادی خود، بر کشورهای رشد نیافته وضعیت سیطره آمیز خود را تحمیل می کنند. در نظام تحت الحمایگی (پروتکتوریت = ایجاد کشور تحت الحمایه)، دول نیرومند سرمایه داری عمال دست نشانده را برکشوری حاکم می کنند، و با یک رشته قرار دادهای نابرابر، تحمیلی، و ذلت بار، زنجیر اسارت برگردن خلق ها می افکنند. نمونه های تاریخی کشورهای تحت الحمایه را می توان در منطقه خلیج فارس سراغ گرفت که امپریالیسم انگلستان عمال دست نشانده خود را با نام شیخ، سلطان، امیر، و از این دست لقب ها، بر سریر حکومت نشانده بود. به علاوه، تحت الحمایگی اغلب با جنگ، تجاوز و اشغال نظامی، و برپا داشتن پایگاه های نظامی دریایی و هوایی همراه بوده است.
اکنون در پی تجاوز نظامی به لیبی، به جسد این سیاست شوم و فاجعه آفرین بار دیگر از سوی امپریالیسم جهانی جان تازه ای دمیده می شود.
نکته بسیار مهمی که اشاره به آن ضرور است، واکاوی نظریه یی است که - با ارایه تعریفی نادرست و انحرافی از نقش مداخله جویانه امپریالیسم - حوادث ماه های اخیر، به ویژه تحولات در شمال آفریقا، حوزه خلیج فارس و خاور میانه، را "تحول مفهوم حاکمیت دولت" معرفی می کند. باید یادآوری کرد که، اگر هم "تحولی" در "مفاهیم" پراهمیتی چون حاکمیت ملی، حق خلق ها برای تعیین سرنوشت خود، و حاکمیت دولت ها، صورت پذیرفته است، این تحول مترقی، مثبت و سازنده نبوده و نیست! هیچ گونه تغییر و تحولی در چارچوب کنونی برتری طلبی امپریالیسم نمی تواند ناقص اصل حقوق خلق ها، استقلال ملی و تعیین حق حاکمیت مردم را نقض کند.
استقلال سیاسی عبارت است از: فراهم شدن وضعیت ضرور برای آنکه مردم یک کشور بتوانند آزادانه و بدون دخالت دیگران و اعمال نفوذ قدرت های خارجی، و براساس مصالح و منافع دور و نزدیک کشور خود، سیاست، و امور خود را تنظیم و آن را عملی کنند. نمی توان زیر پوشش نظریه هایی بی بنیاد و ضد علمی، در اهمیت اصل استقلال و حق مردم در تعیین سرنوشت خود، تردید روا داشت. سازوکار مداخله جویانه امپریالیسم و خطرهایی که از این ناحیه پدید می آید، حق حاکمیت ملی کشورها را تهدید می کند.
زمانی که از احیای سیاست تحت الحمایگی و مقاصد توسعه طلبانه امپریالیسم سخن می گوییم، می باید توجه کرد که، کشورهای قدرتمند سرمایه داری به واسطه یک سلسله اشکال متنوع وابستگی و انقیاد کشورهای رشد یابنده را پدید می آورند. به قول لنین: "آن روبنای غیر اقتصادی که بر بنیاد سرمایه مالی بالا می آید، سیاست سرمایه مالی و ایدئولوژی آن تمایل به تصرفات مستعمراتی را تشدید می کند" [همان، صفحه ۹۸].
احیای سیاست تحت الحمایگی آشکارا خود را در تجاوز نظامی به لیبی، مداخله عربستان سعودی - با اشاره مستقیم آمریکا - در امور داخلی جزیره بحرین، نشان می دهد. این سیاست در نقطه مقابل خواست بحق خلق های منطقه برای تامین دمکراسی، حق حاکمیت ملی و عدالت اجتماعی قرار داشته و دارد.

به نقل از نامه مردم، شماره ۸۶۶، ۲۲ فروردین ماه ۱۳۹۰

اجلاسی در راستای ایجاد توازن بین المللی!

برگزاری اجلاس رهبران کشورهای برزیل، روسیه، هند، چین و آفریقای جنوبی ("بره چا") ، در روز ۲۵ فروردین، به دلیل تحولاتی که در ماه های اخیر در جریان بوده است، و به ویژه تحولات منطقه خاورمیانه و مداخله نظامی کشورهای امپریالیستی در لیبی، اهمیت ویژه ای داشت. موضع گیری های هم آهنگ کشورهای عضو "بره چا" در سال های اخیر و در گفتگو های شان در نشست های بین المللی برای تصمیم گیری در مورد بحران سیستم مالی – اقتصادی جهان و از جمله اجلاس های "گروه ۲۰ کشور جهان"، تاثیرگذار بوده اند. تحلیل گران مسایل بین المللی که روند شکل گیری و انسجام "بره چا" را تعقیب می کنند، از قدرت تاثیرگذاری بالقوه آن به مثابه یک موازنه قدرت در به چالش کشیدن عملکرد امپریالیسم آمریکا و متحدان آن سخن می گویند. خانم دیلما روسف، رئیس جمهوری برزیل، دیمیتری مدودف ، رئیس جمهوری روسیه، مانموهان سینگ، نخست وزیر هند، و جاکوب زوما، رئیس جمهوری آفریقای جنوبی، در اجلاس خود که با عنوان "آینده نگری، به اشتراک گذاری رفاه" برگزار شد، به مهم ترین مسئله های جاری اقتصادی و سیاسی پرداختند. در سومین نشست سران کشورهای عضو "بره چا" که به میزبانی دولت چین، در شهر "سن یا" چین برگزار شد، در مورد مسایلی مانند شرایط بین المللی، مسایل اقتصادی و مالی جهان، مسئله توسعه و همکاری بین کشورهای عضو، و مسئله صلح و ثبات جهانی به گفت و گو نشستند. در بیانیه پایانی این اجلاس، کشورهای عضو "بره چا" ضمن تاکید بر ضرورت و اعلام حمایت از اصلاح ساختار های مالی جهان (صندوق بین المللی پول، بانک جهانی و سازمان تجارت جهانی)، که در اجلاس سران کشورهای گروه ۲۰ بر آن ها تاکید شده است، با در نظر گرفتن شرایط جدید جهانی و حضور قطب های مختلف اقتصادی و سیاسی، حضور بیشتر قدرت های اقتصادی "نوظهور" و ایفای نقش برجسته تر آن ها در عرصه اقتصادی و روابط بین الملل، و دارا بودن نمایندگان بیشتر در اجلاس های تصمیم گیرنده در رابطه با مسایل اقتصادی جهان از جانب کشورهای رو به رشد، را خواستار شدند.

حقیقت اینست که ایالات متحده و اتحادیه اروپا مجبور به قبول این واقعیت شده اند که کشورهای عضو "بره چا" در سال ۲۰۱۰ سهمی بیش از ۶۰ درصد در رشد اقتصادی جهان داشتند و سهم چین در این میان بیش از ۳۰ درصد بود. بر اساس گزارش "آکادمی علوم اجتماعی چین" : "در ده سال اول قرن بیست و یکم، درصد رشد متوسط کل کشورهای عضو "بره چا" بیش از ۸ درصد بوده است که از رشد متوسط کشورهای پیشرفته جهان (که برابر با ۹/ ۲ درصد بود) بسیار بالاتر است... به دلیل رشد سریع اقتصادی، حجم سهم کشورهای "بره چا" در رشد اقتصادی جهان از ۷۱/ ۱۷ درصد در سال ۲۰۰۱ به ٤/ ۲٤ درصد در سال ۲۰۰۹ رسید.... و بنا به گزارش "صندوق بین المللی پول" سهم چین در رشد اقتصاد جهانی، از ۸/ ۱ درصد در سال ۱۹۷۸ (مقام دهم) به ۶ درصد در سال ۲۰۰۷ و ۹ درصد در سال ۲۰۱۰(مقام دوم) افزایش یافته است" (ریا نووستی، ۲٤ فروردین ۱۳۹۰).

کشورهای "بره چا" در اجلاس اخیر به هماهنگی تلاش های توسعه ای خود در جهت "تقویت متوازن و متعادل سیاسی و توسعه اقتصادی در جهان، کمک به مبارزه با چالش های مشترک پیش روی بشریت و افزودن محرکه های جدید برای توسعه صلح آمیز جهانی" ادامه دادند. این کشورها در حال حاضر ۱۸ درصد تولید ناخالص داخلی جهان را در دست دارند و بیش از ۶۰ درصد رشد اقتصادی جهان در سال ۲۰۱۰ محصول عملکرد اقتصادی آن ها بود. پیش بینی می شود که کل تولید ناخالص داخلی بلوک "بره چا" تا سال ۲۰۲۰ از ایالات متحده آمریکا، بزرگ ترین اقتصاد جهان، پیشی بگیرد.

همچنین در مورد نقش کشورهای "بره چا" در عرصه اقتصاد جهانی و روابط آن ها با کشورهای رو به رشد (کشورهای کم درآمد)، در گزارشی که از سوی صندوق بین المللی پول و پس از نشست این سازمان با بانک جهانی در واشنگتن، که در روز جمعه ۲۶ فروردین منتشر شد، آمده است: "در حالی که کشورهای بزرگ صنعتی همچنان شرکای اصلی کشورهای رو به رشد هستند، با این حال با افزایش سریع روابط بین "بره چا" و کشورهای کم درآمد، "بره چا" عامل رشد اقتصادی جدیدی برای کشورهای کم در آمد شده است. مبادلات بازرگانی بین کشورهای کم درآمد، و به طور عمده در آفریقا، و "بره چا" در حال حاضر برابر با نیمی از ارزش مبادلات این کشورها با مجموع آمریکا و اتحادیه اروپا است" (شین هُوا، ۲۷ فروردین).

رییس جمهوری چین، هو جین تا ئو، نیز در افتتاحیه اجلاس گفت که، باید سیستم اقتصادی و مالی جهان را بر اساس اصول عادلانه و برابری ایجاد کرد و اینکه سیستم تجاری بین المللی با حقوق برابر ایجاد شود. او همچنین اشاره کرد: "بزرگ ترین ناهم آهنگی در اقتصاد جهان، عدم توازن رشد بین شرق و غرب است" و اینکه "بیشتر مشکلات اساسی در اقتصاد جهان عدم رشد کافی در کشورهای رو به رشد است" (شین هُوا، ۲۵ فروردین).

در بیانیه مشترک پایان اجلاس، سران کشورهای "بره چا" "نگرانی عمیق" خود را در رابطه با حملات نظامی ایالات متحده، فرانسه و انگلستان به لیبی ابراز داشتند، و تأیید کردند که "استقلال، حاکمیت ملی، وحدت و تمامیت ارضی هر کشوری باید محترم شمرده شود ... ما در این اصل با هم هم عقیده ایم که از استفاده از زور باید اجتناب شود."

اجلاس، حمایت خود را از ابتکار صلح اتحادیه آفریقا ابراز داشت و سازمان ملل متحد و سازمان های منطقه ای را فراخواند که "نقش خود را به صورت مناسب" ایفا کنند. پنج کشور قول دادند که به "همکاری مستمر" خود در شورای امنیت سازمان ملل متحد در رابطه با لیبی ادامه بدهند و از همه طرف های درگیر خواستند که "اختلافات خود را از طریق مسالمت آمیز و گفت و شنود حل و فصل کنند." سران "بره چا" همچنین نیاز به اصلاحات جامع در ساختار و عملکرد شورای امنیت به منظور تقویت ظرفیت آن برای نجات نسل های بعدی از بلای جنگ، را مورد تاکید قرار دادند.

به رغم رشد اقتصادی متفاوت در کشورهای "بره چا" و سیستم های اقتصادی موجود در این کشورها، همکاری اقتصادی با توان رشد بالا و رو به گسترش بین این کشورها به وجود آمده است که سران آن ها با توجه به این قابلیت ها خواستار تغییرات اساسی در مناسبات اقتصادی در سطح جهان و نهاد های مالی و اقتصادی بین المللی شده اند.

اجلاس اخیر "بره چا" علاوه بر ترغیب همکاری های اقتصادی، همچنین ضرورت همکاری در عرصه های دیگری را مورد توجه قرار داد که بر روابط بین المللی تاثیر گذار خواهد بود. این کشورها با در نظر گرفتن اینکه در حال حاضر در بردارنده ٤۰ درصد جمعیت جهان اند و سهم چشمگیر و تعیین کننده ای در اقتصاد جهان دارند، خواستار افزایش تاثیر نظر خود در نهادهای اقتصادی، مالی و سیاسی جهان شدند.

روند نضج گیری و انسجام "بره چا" و همکاری بین کشورهای قدرتمند پنج گانه ای که خارج از نظارت امپریالیسم ایالات متحده عمل می کنند، نمایشگر رشد و سرعت گیری روند چند قطبی شدن جهان است. این کشورها با توجه به اینکه محرک جدید و موثر رشد اقتصا دی جهان اند، این را حق خود می دانند که اصلاحات مشخصی را در مکانیسم های پولی، مالی و اقتصادی جهانی طالب شوند و ایجاد کنند.

یکی از زمینه های اصلی بحث و تصمیم گیری مشخص سران کشورهای عضو "بره چا" ضروری بودن ایجاد تغییرات در سیستم پولی جهان و سیستم ذخیره ارزی بین المللی بود. کشورهای "بره چا" در سال های اخیر استدلال کرده اند که بحران کنونی اقتصادی جهان نشان داده است که سیستم پولی متکی بر دلار آمریکا دیگر نمی تواند هم آهنگ با رشد اقتصادی جهان باشد و در خدمت تنظیم عملکرد آن قرار گیرد. آن ها در همین راستا و برای ایجاد ثبات و اطمینان در بازار های اقصادی جهان معتقد به ضرورت ایجاد یک سیستم ذخیره ارز بین المللی اند.

پیرۆز بێت ١١ی گوڵان رۆژی هاوپشتی جیهانی کرێکاران

ئەوەڵی مانگی «مە»ی واتە ١١ی گوڵان (ئۆردیبهێشت) رۆژی جیهانی کرێکاران و زەحمەتکێشانە. لەم رۆژەدا بەپێی نەریتێکی شۆڕشگێڕانە سەرجەم کرێکاران و زەحمەتکێشانی جیهان هاوکات و هاودەنگ، بە شێوەگەلێکی تایبەت بە خۆیان، خواست و ئارەزووەکانیان دەردەبڕن و بۆ دابین کردنی ژیانێکی باشتر و ئینسانی تر تێدەکۆشن.

١١ی گوڵان بە پێچەوانەی ئەوەیکە هەندێک لە لایەن و بە تایبەت دەوڵەتە دژە کرێکارییەکان رایدەگەیەنن، رۆژی «جێژن و سەما کردن و خۆشی» کرێکاران نییە، بەڵکوو رۆژی دەربڕینی بێزاری و تووڕەیی کرێکاران و زەحمەتکێشان بەرانبەر بە ستەم و نادادپەروەری سیستمی سەرمایەداری و هەروەها رۆژی هاوار کردنە بۆ گەیشتن بە ژیانێکی باشتر و ئینسانی تر. رۆژێکە بۆ راگەیاندنی خواست و هیواکانی چینی کرێکار و تێگەیاندنی چین و وتوێژە کۆمەڵایەتییەکانی تر لە ئازار و کێشە و گرفتەکان و داخوازییەکانی کرێکاران و توێژە چەوساوەکان.

رژیمە سەرمایەدارییەکان و لەوانە رژیمی سەرمایەداری کۆنەپەرەستی کۆماری ئیسلامی هەر لە سەرەتای دروستبوونی خۆیەوە، هەوڵی تەواوی داوە رۆژی ١١ی گوڵان بکات بە رۆژی «جێژن» و بە یارمەتی رێکخراوە دژە کرێکارییەکانی وەک «شورای ئیسلامی «کارخانەکان» و خانەی کارگەر. ناوەرۆکی ئەم رۆژە چەواشە بکات و بیکات بە رۆژێک بۆ بەرپا کردنی «جێژن» و هەڵپەرکێ و جلی جوان لە بەر کردن و «خەڵات» بەخشینەوە و هیچی تر!

ئاشکرایە کە کرێکاران و زەحمەتکێشان و هەروەها رۆشنبیرانی هاوخەم و لایەنگری ئەوان، پێویستە بە هەر شێوەیەک بۆیان دەکرێت بەرەوڕووی ئەم پیلانە قیزەونەی رژیم و سەرمایەدارانی ئێران ببنەوە و نەهێڵن ناوەرۆکی ١١ی گوڵان چەواشە بکرێت.

ئەمساڵ لە حاڵێکدا رۆژی ١١ی گوڵان بەڕێدەکەین کە کرێکاران و زەحمەتکێشانی ئێران بە هۆی سیاسەتە دژە کرێکارییەکانی کۆماری ئیسلامی، بە تایبەت دەوڵەتی سەرەرۆی ئەحمەدی نژاد بەرەوڕووی دەیان کێشە و گرفت بوونەتەوە و بە دۆخێکی هەرە سەخت و دژواردا تێپەڕ دەبن. بە جۆرێک کە لە ئێستادا دابین کردنی ژیانێکی «مەمرەو مەژی»ش بۆ کرێکاران و زەحمەتکێشان و سەرجەم توێژە کەم دەسکەوتەکان رۆژ لە دوای رۆژ سەخت تر و دژوارتر دەبێت.

دەوڵەتی دژە کرێکاری و دژە خەڵکی ئەحمەدی نژاد، بە هۆی بێ لیاقەتی زاتی و هەروەها پەیڕەو کردن و جێبەجێ کردنی سیاسەتەکانی «بانکی جیهانی» و «سەندووقی نێودەوڵەتی پووڵ» وە ئابووری ئێرانی تووشی وەها قەیرانێکی بەربڵاو کردووە کە نە تەنها کرێکاران و زەحمەتکێشان، بەڵکوو سەرجەم توێژەکانی مامناوەندی کۆمەڵگاشی بەرەوڕووی هەژاری کردووەتەوە.

هەروەها بە هۆی ئەم سیاسەتانەوە رۆژ نییە کە هەواڵی مایەپووچ بوون و وەرشکستەگی دەیان کارگە و کارخانەمان پێنەگات.

دیارە زەرەرمەندی یەکەم و سەرەکی ئەم وەزعیەتە نالەبار و تاقەت پرووکێنە، کرێکاران، کارمەندان و توێژە کەم دەسکەوتەکانن، یەعنی ئەوانەی کە لە «بازاڕی سەرمایەدا»، جگە لە «وزەی کار»ی خۆیان، هیچ شتێکیان بۆ «فرۆشتن» و مامەڵە کردن بە دەستەوە نییە.



لە وەها دۆخێکدا هەروەها کە هەموومان دەی بینین، بە هۆی پەرەسەندنی «بێکاری»یەوە، وزەی کاریش کەم نرختر دەبێت و رۆژ لە دوای رۆژ رێژەی هەژاران روو لە زیاد بوون دەکات.

دۆخەکە وای لێهاتووە کە تەنانەت ئەو کرێکار و زەحمەتکێشانەش کە تا ئێستا کارەکانیان لە دەست نەداوە و نەخراونەتە ریزی بێکارانەوە، چەندین مانگ حەقدەستەکانیان دوادەکەوێت و لە ترسی بێکار بوون، مەجبوورن ئەم وەزعیەتە تەحەمول بکەن و لە هەمبەر ئەو هەموو ستەم و هەژارییەدا بێدەنگ بن.
ئەمانە لە حاڵێکدایە کە تاقمی دەسەڵاتدار و هەندێک لە گەورە سەرمایەدارەکانی نزیک لە دەسەڵاتداران، بەردەوام دەوڵەمەندتر دەبن.
فەرماندەکانی باڵای سپای پاسداران لە ژێر سێبەری دەوڵەتی ئەحمەدی نژاد دا بوون بە یەکەم پەیمانکارانی پرۆژە پرسودەکانی وڵات و بە بێ هیچ حیساب و کتابێک لە کەمترین زەماندا «سەروەت و سامانی ئەفسانەیی» بە دەست دەهێنن.
هەر ئەمەش وای کرووە کە ئەم فەرماندانە، بە سوئیستفادە لە پلە و پایەی خۆیان، هێزەکانی سپا و بەسیج بکەنە پاڵپشتی دەوڵەتی ئەحمەدی نژاد و بەوپەڕی بێرەحمییەوە کرێکاران، بزووتنەوەی ژنان و خوێندکارانی پێ سەرکوت بکەن و بە توندی وڵامی هەر چەشنە نارەزایەتییەکی جەماوەری بدەنەوە.
بەڵام دیارە کە ئەم سەرکوت و هەرەشە و مۆرە کردنانەی دەوڵەتی کودەتاچی ئەحمەدی نژاد و فەرماندەکانی سپای پاسداران، نەیتوانیوە و ناتوانێت رژیم لەو قەیرانە گەورە و هەمەلایەنەی کە تێی کەوتووە دەرباز بکات و رۆژ لە دوای رۆژ ئاست و رێژەی نارەزایەتییە کرێکاری و جەماوەرییەکان قووڵتر و بەرفراوانتر دەکات.
لە ئێستادا، بە تایبەت دوابەدوای بەکردەوە دەرهێنانی بەرنامەی «هەدەفمەند کردنی یارانەکان» کە ئەوەندەی تر بۆتە هۆی هەژاری بێ وێنەی سەرجەم چین و توێژە «کرێدەستەکان» و گرانی و بێکاری بە شێوەیەکی بەرچاو لە زیاد بووندایە، دەوڵەتی کودەتا دەبێ چاوەڕوانی پەرەسەندنی هەرچی زۆرتری نارەزاییە کرێکارییەکان و هەڵچوونی جەماوەری بێت.
تەنها لە دوو مانگی رابردوودا چەندین مانگرتنی کرێکاری لە کارخانە و کارگە گەورەکان روویانداوە کە لە چەند حاڵەتدا بە تایبەت مانگرتنی کرێکارانی «پێرۆشیمی» بە سەرکەوتنی کرێکاران کۆتایی پێهات.
سەرکەوتنی کرێکارانی پێترۆشیمی، لە سەروبەندی رۆژی ١١ی گوڵان، رۆژی هاوپشتی کرێکارانی جیهان، بە شێوەیەکی سرووشتی، ورەی کرێکارانی شوێنەکانی تر بەرز دەکاتەوە و دەبێتە هۆی پێداگری زۆرتری ئەوان لە سەر خواست و داواکارییەکانیان.
بێگومان مانگرتنی سەرکەوتووانەی کرێکارانی پێترۆشیمی، وەک لاپەڕەیەکی درەوشاوە لە مێژووی خەباتی چینایەتی کرێکارانی ئێراندا تۆمار دەکرێت و دەبێتە هەوێنی بەرەوپێش چوونی هەرچی زۆرتری ئەم خەباتە رەوایە!
بەڵام نابێ ئەم راستییە لە بیر کەین کە تا ئەو کاتەی کرێکاران و زەحمەتکێشان لە رێکخراوەکانی تایبەت بە خۆیان «سەندیکا»کاندا گرد نەبوونەتەوە و دەستیان نەداوەتە خەباتێکی یەکگرتووانەی بێوچان، هیچ سەرکەوتنێک و دەستکەوتێکیان زەمانەت کراو و بێ



گەڕانەوە (لێسەندنەوە) نییە.
بە واتایەکی تر، تەنها و تەنها یەکگرتوویی و هاپشتی رێکخراوەیی چینی کرێکار دەتوانێت دەستکەوتەکانی ئەم چینە بپارێزێت و پەرەی پێ بدات. ئەگەر نا راستە کە لێرە و لەوێ لە دۆخێکی تایبەتدا، ئەم چینە دەتوانێت و توانیویەتی هەندێک دەسکەوتی گەورە بەدەست بێنێت ، بەڵام پاراستن و پەرپێدانی ئەو دەستکەوتانە تەنها بە خەباتی یەکگرتووانە مومکینە و لە نەبوونی وەها خەباتێکدا سەرمایەداران و رژیمەکەیان، لە زووترین کاتدا هەوڵ دەدەن دەسکەوتی کرێکارەکان زەوت بکەنەوە و دۆخەکە بەرەو رابردو ببەن.
هەروەها پێویستە کرێکاران ئێش و ئازارەکانی خۆیان بگەیەننە گوێی چالاکانی مافی مرۆڤ، ژنان و پیاوانی ئازادیخوازی کۆمەڵگا و سەرجەم ئەو کەس و لایەنانەی کە رێز لە بەها مرۆڤییەکان دەگرن، تا لەم رێگەوە سۆز و هاوخەمی و هاوپشتی ئەوان راکێشن و بۆ گەیشتن بە مافەکانیان لە وزە و توانایی کۆمەڵایەتی ئەوان بەهرەمەند بن.
بێگومان لە ئێستادا بە دەیان رێکخراوی مەدەنی، هەزاران کەسایەتی رۆشنبیری مرۆڤدۆست لە کۆمەڵگای ئێمەدا بوونیان هەیە کە بەلەخۆبردوویەوە حازرن داکۆکی لە مافی ئینسانی کرێکاران و زەحمەتکێشان بکەن و بۆ گەیشتن بە مافە رەواکانیان

یارمەتیان بدەن.
جیاکردنەوەی خەباتی کرێکاری لە بزووتنەوە کۆمەڵایەتییەکانی تر لە دۆخی ئێستای ئێراندا و بە رچاو گرتنی هاوسەنگی چینایەتی لە وڵاتەکەماندا، بە هەر بیانوو و پاساوێک بێت، ناتوانی لە پەرژوەندی کرێکاران و زەحمەتکێشان و خەباتە رەواکەیاندا بێت باشترین و راستگۆترین و پێداگرترین خەباتکارانی ئەم سەردەمەن و هیچ دەستکەوت و پێشکەوتنێکی کۆمەڵایەتی و سیاسی بە بێ حیمایەت و هاوکاری و هاوپشتی کرێکاران و زەحمەتکێشان بە دەست نایەت و لە وڵاتدا سەقامگیر نابێت.
ئەمە ئەزمونێکی حاشاهەڵنەگری مێژووی خەباتی



و جگە لە بێبەش کردنی کرێکاران و زەحمەتکێشان لە هێز و توانایی بزووتنەوەکانی تر و لەم رێگاوە لاواز کردنی ئەم خەباتە، هیچ دەسکەوتێکی تری نابێت.
کە واتە پێویستە چالاکانی کرێکاری و رێکخراوەکانیان گشت هەوڵ و توانایی خۆیان بۆ پێکهێنان و پتەو کردنی پێوندییەکانی خەباتی کرێکاری و بزووتنەوە کۆمەڵایەتییەکان بە تایبەت بزووتنەوەی ژنان و خوێندکاران و موعەلیمان بخەنە گەڕ و بەم شێوە وزە و هێزێکی زۆرتر بە خەباتی کرێکاری ببەخشن.
بێگومان پشت گوێ خستن و کەمتەرخەمی لەم بوارەدا دەبێتە هۆی خەسار و لاواز بوونی خەباتی چینی کرێکار و سەرجەم بزووتنەوەکانی تر.
پێویستە چالاکانی بزووتنەوەی ژنان و خوێندکاران و سەرجەم چالاکانی دژە دیکتاتۆریش بە باشی ئاگاداری گرینگی ئەم هاوپشتی و یەکگرتووییە بن و ئەوەیان لە بیر نەچێ کە کرێکاران و زەحمەتکێشان گەلانی جیهان بۆ بەدیهێنانی ئازادی، دیمۆکراسی و دادپەروەری کۆمەڵایەتییە کە کەس ناتوانێ نکۆڵی لێبکات.
بەرز و پیرۆز بێت ١١ی گوڵان
رۆژی هاوپشتی جیهانی کرێکاران و زەحمەتکێشان!

کازیوە بە دۆستان و هاوڕێکانتان بناسێنن!

کاریگەری ئەنفال لەسەر نەوەکانی پاشماوە

هۆشیاری عەبدولعەزیز

بۆ قسەکردن لەسەر ئەنفال وکاریگەری ئەو پرۆسەیە لەسەر نەوەکانی ئێستاو پاشماوەکانی قوربانی, دەکرێ بەر لەهەر شتێ هەڵوێستە لەسەر ئەوە بکەین کەئاخۆ تا ئێستا چی کراوە بۆ خوێندنەوە وراڤکردن وهەڵسەنگاندنێکی بابەتیانە بۆ پرۆسەی ئەنفال ، چونکە تا لەو لایەنە نەگەین ئەوە ناتوانین بابەتیانە کاریگەریەکانی ئەو پرۆسە مەترسیدارە لەسەر نەوەکانی داهاتوو بخوێنینەوە جونکە ئەم پرسە چەندە پێویستی بەخوێندنەوەیەکی ئایدیۆلۆژی سیاسی هەیە ئەوەندەش پێویستی بە شیکارکردن وخوێندنەوەی لایەنە شاردراوەکانی هەیە و لە ئێستادا بوەتە گەورەترین گرفت و ئیشکالیەتی لێکدانەوەو تێروانینمان وناتوانین هەڵوێستەی لە سەر نەکەین و نەبێتە جێی باسمان ، لی کەدیارە تا ئێستا کەمتر قسەی لەسەر کراوە ونەبۆتە جێ بایەخی لێکۆلیاری ئێمە ، لەلایەکی تر دەکرێ وردبینەوە لەرەهەندەکانی کارکردنی بەعس وئەو کلتوورەی کە ئەو وەک سیستەمێکی سیاسی پشتی پێ بەستووە، بەعس بەپلەی یەکەم لەپراکتیزەکردنی پرۆسەی ئەنفالدا کاری لەسەر چەند لایەنێک کردووە لەوانە هەڵوەشاندنەوەی پێکهاتەی گشتی کۆمەڵگای کوردی، شێواندنی سروشت وبنەمای کۆمەڵایەتی، تەفروتووناکردنی وەزیفەی تاکی ئێمە لەکۆی ژیانی رۆژانەی ئێمە، ئەمانەو زۆری تریش مەسەلە گەلێکن کە لەوەتی پرۆسەی ئەنفالەوە تا ئێستا بە بۆشی ماونەتەوە وبە وردی بەسەریاندا نەچووینە مەبەستم ئەوەیە ئێمە وەک کورد نەماتوانیەوە هەوڵبدەین بۆ پێکەوە نان ودامەزراندنی سەنتەرێک کە لەرێگەی خوێندنەوەی لایەنە جیاجیاکانەوە، ئەنفال بەشێوەیەکی زانستیانە بخوێنینەوە جۆن کاتی خۆی و دوای هۆڵۆکۆست جولەکە چەندین بنکەی شیکاری دامەزراند کەئەمەش نەبوو حەتمەن پرۆسەی ئەنفال کاریگەری تەواوی لەسەر نەوەکانی پاشماوەی قوربانی وئێستا داناوە وبووتە هۆکارێک کە هەتاهەتایە لە زهنی ئێمەدا وەک پرۆسەیەکی مەتریدار بمێنێتەوە، ئەنفال نەک تەنها کاریگەری لەسەر نەوەکانی پاشماوەی ئەو خێزانانە هەیە بەڵکو لەسەر کۆی پێکهاتەی ئێمە داناوە وبوەتە مەسەلەیەک کە دەکرێ بەردەوام هەڵوێستەی لەسەر بکرێ ، بەداخەوە ئەم کاریگەریە کوشندەیە نەگەشتۆتە ئەو ئاستەی کە تاکەکانی ناو سیستمی سیاسی ئێمە بیری لێ بکەنەوە، یا بەمانەیەکی تر ئەنفال لە لای سەرکردە وبەرپرسانی دەسەڵاتدار جێ بایەخ نییە وخەمی ناخورێ بۆ ئەمەش نموونە زۆرە وەک (نەبوونی ناوەندێکی لێتوێژینەوەو شرۆڤەکردنی پەلاماری ئەنفال .. نەبوونی شوێنێکی دیار وەک یادگاری ئەنفال تا بتوانین لێیەوە قوربانیەکان و پرسی پەلامارەکە و قەبارەی کارەساتەکەی تێدا بە بینەر بگەیەنین و کەسی گەشتیاربە خۆمان و گەورەی پەلامارەکە لەو رێگەیەوە ئاشانا بکەین و بێدەنگ نەبین لەوەی چیمان بە سەرهێنراوە و ... هتد ئەمانەو زۆری تریش بابەتگەلی گرنگن و بەبڕوام پێویست ناکات لێرەدا بە وردی قسەی لەسەر بکەم. چونکە ئەنفال وەک پرۆسەیەک سەدان هەزار کوردی تێدا قەتڵ و عامکراوە، سەدان گوند و شارۆچکە و سەرچاوەی ئابوری و نیشتەجێبون و گوزارانی تێدا خاپورکراوە، بەهەمان ئەندازەیش دنیایەک کێشەی کۆمەڵایەتی و ئابوری و فەرهەنگی و سیاسی قوڵی لە دوای خۆی بەجێ هێشتووە بە چەشنێک وەک پێشتر ووتم لە یادەوەری هەر تاکێکی کوردا ئەنفال بریتیە لە خەمێک کە ناکرێت هەڵوێستەیەکی ئەخلاقی و سیاسی لەبەرامبەردا نەکەین. لەم چوار چێوەیەدایە دیراسەکردنی ئەنفال بەدەر نییە لەو دیراسە جدیانەی قسە لەسەر سیاسەتی پاشەرۆژ دەکات، واتە هەموو قسەکردنێک لەسەر ئایندەی نەتەوە بەجۆرێک لە جۆرەکان قسەکردنە لەسەر ئەنفال، چونکە گەر ئەم تێروانینە بابەتیانە نەبینین و ڕابردوو وەک خودی خۆی لێکنەدەینەوە ئەوە ، ئەوەی دەبێتە بەڵگە نەویستی ئەم تێزە ئەو تێکلاوبوونە ئابوری و سیاسی و فەرهەنگی و کلتورییە کە ئێمە و عەرەب و نەتەوەکانی تر لەسەر ئەم سەرزەمینە کە ناوی عێراقە پێکەوە کۆدەکاتەوە.ئاینده لە دوای ئەنفال دەشێت دووبارەکردنەوەی ئەو مەترسی و نەهامەتیانە نەبێت کە لە رابردوودا روویانداوە، بەڵام دەشێت بۆ نەوەی پاشماوەی قوربانی هەمان رەشبینی بەرجەستە کات و گرێیەک بێت کە بەو ئاڵوگۆڕانەی هاتوونەتە ئاراوە نەکرێتەوە .

نەکرانەوەی ئەوەش بۆخۆی مەترسی بیرچونەوەو سڕینەوەی داهاتووی لێدەکرێت و نەوە لە دوای نەوە وەک پرۆسەیەک لە یەکترەوە دەگوێزرێتەوەو دەبێتە هۆکارگەلێکی مەترسیدار لە سەر تێروانینمان لەوەی کە دەمانەوێ چی بکەین و چۆن لەو قۆناغە بگەین کە تێیدا گوزەر دەکەین . واتا بەگشتی کردەو پەلاماری ئەنفال لەم قۆناغەدا گاریگەری سلبی لەسەر نەوەی پاشماوەی قوربانی جێدەهێلێ و ئەمەش بەشێوەیەکی ناڕاستەوخۆ دەبێتە هۆکارو فاکتەری شێواندن وتێکدانی کۆی لێکدانەوەوتێفکرینی ئێمەو ئەوانەی کەلەم پێکهاتەیەدا وەک هەرتاکێکی کۆمەڵگا

تێبینی : ناوەرۆکی ئەم بابەتە لە چەندین دیدارو گفتوگۆدا وروژێنراوە . بەڵام بەداخەوە وادیسان دوای ٢٣ سال دێینەوەو قسە لە سەر هەمان پرس و بابەت دەکەین کە پێش چەندین ساڵ پێشتر خراوەتە ڕوو کەچی مەسەلەکە هەر وەک خۆی ماوەو نەخراوەتە بواری جێبەجێکردنەوە . بەداخەوە

قەیرانی سیاسی لە هەرێمی کوردستانی عێراق

دوای ٢ مانگ بەسەر تێپەڕبوونی خۆپیشاندانە ناڕەزایەتییەکان لە هەرێمی کوردستانی عێراق، بە تایبەت لە پارێزگای سلێمانی کە تا ئێستا ١٠ شەهید و نزیک بە ٦٠٠ کەس برینداری لێکەوتووەتەوە و بۆتە هۆی دروستبوونی بۆشاییەکی بێ وێنە لە ناو کۆمەڵگا و حکومەتدا، سەرئەنجام بە زەبری هێزی چەکدار و داگیر کردنی سەرجەم شار و شارۆچکەکانی پارێزگای سلێمانی لە لایەن دەیان هەزار هێزی چەکداری سەر بە یەکیەتی نیشتمانی کوردستان، بە شێوەیەکی کاتی کۆتایی پێهات و بە رواڵەت کۆنترۆڵی ئەم پارێزگایە کەوتووەتە دەست حکومەت و یەکیەتی.

ئەمە لە حاڵێکدایە کە وێڕای «دەهۆڵ کوتانی» دەسەڵات و بانگەشەی ئەوە کە گوایە ئاسایش و ئارامی گەڕێندراوەتەوە بۆ کوردستان و کۆتایی بە «پیلانی» ئۆپۆزیسیۆن هاتووە، تەنانەت یەک خواست و داواکاری خۆپیشاندەران و خەڵکانی ناڕازیش لە لایەن دەسەڵاتەوە جێبەجێ نەکراوە و کێشەکە هەروا بەردەوامە.

راستە خەڵک بە هێزی چەکدار بڵاوەیان پێکراوە و ئیجازەی هیچ کۆڕ و کۆبوونەوە و خۆپیشاندانێک بە ناڕازییان نادرێت و بە رواڵەت مەیدانەکان و خیابانەکانی هەرێم، ئارام و بێدەنگن، بەڵام خواستەکان و داواکارییەکانی خەڵک هەر پابەرجان و جێبەجێ نەکراون.

لە لایەکی ترەوە دەسەڵاتدارانی هەرێم بە هێرش کردنە سەر حزب و لایەنە ئۆپۆزسیۆنەکان و تۆمەتبار کردنیان بە دارشتنی «پیلان» بەکردەوە هەرێمەکە بەرەو جۆرێک لە «قەیرانی سیاسی» دەبەن و ئەمەش بە هیچ خوێندنەوەیەک ناتوانێت لە بەرژەوەندی گەلی کورد و ئەو ئەزموونە سیاسی – ئیدارییە بێت کە بۆ ماوەی ٢٠ ساڵە لە کوردستانی عێراق لە ئارا دایە.

هەڵبەت نکۆڵی لەوە ناکرێت کە لە ماوەی خۆپیشاندانە جەماوەرییەکاندا، هەندێک لایەنی هەلپەرەست هەوڵی تەواویان داوە کە دۆخەکە لە بەرژەوەندی خۆیاندا بقۆزنەوە و بۆ گەیشتن بە ئامانجەکانی خۆیان بە کاری بهێنن، بەڵام ئەمە هیچ لە رەوابوونی خواست و داواکارییەکانی رەوای خۆپیشاندەران کەم ناکاتەوە و ناتوانێت ببێتە پاساوێک بۆ سەرکوتکردن و راوەدوونان و کوشتن و بریندار کردنیان.

هەر وەها نکۆڵی لەوە ناکرێت کە خۆپیشاندەرەکانی هەرێمی کوردستان، بە بەراورد کردن لەگەڵ خۆپیشاندانە جەماوەرییەکانی وڵاتانی تر، لەوانە وڵاتانی ناوچەکە، لە رووی خۆپارستنیان لە هەر چەشنە توند و تیژی و ئاژاوەگێڕیەک، بە راستی نموونەیەکی زۆر باش و جوانیان نواند و بە هێمنانەترین و مەدەنیانەترین شێوەکان، خواست و داواکارییەکانی خۆیان پێشکەش بە دەسەڵاتدارانی هەرێم کرد، بەڵام لە بەرانبەردا زۆر بە داخەوە هێزە چەکدارەکانی دەسەڵات بە تایبەت لە رۆژانی دواییدا، بە شێوەیەکی زۆر دڕەندانە و خراپ بەرەورووی خۆپیشاندەران بوونەتەوە و هەر ئەمەش بووە هۆی روودانی توندوتیژی و تێکهەڵچوون لە چەند شار و شارۆچکەی کوردستان و کوژران و بریندار بوونی سەدان کەس لە خۆپیشاندەران.

لە دوایین هەوڵی دەسەڵات بۆ سەرکوتکردن و لەبار بردنی خۆپیشاندانەکان، یەکیەتی نیشتمانی کوردستان ، بە بێ ئاگادار کردنەوە و بە شێوەیەکی نائاسایی دەیان هەزار هێزی چەکداری خۆی هێنایە ناو شارەکان و بەو پەڕی توندوتیژییەوە بەرەو رووی خۆپیشاندەران بووەوە و دەستی بەسەر شارەکاندا گرت. ئەمە لە حاڵێکدا بوو کە دەسەڵاتدارانی هەرێم بە بەردەوامی داوایان لە خۆپیشاندەران دەکرد «یاسا» پێشێل نەکەن و پابەندی یاسا بن!

بەڵام لە دوایین رۆژەکاندا، لە باتی هێزەکانی سەر بە وەزارەتی بەرگری و ناوخۆی حکومەت، هێزە چەکدارەکانی حزبی «یەکیەتی» بە پێشێل کردنی بەرچاوی یاسا، پەلاماری خۆپیشاندەرانیان دا و دەستیان بەسەر شارەکاندا گرت و باری نائاساییان راگەیاند!



بێگومان ئەم پێشێل کارییە کەم وێنەیەی یەکیەتی نیشتمانی لە درێژخایەندا کاریگەری زۆر خراپ لە سەر کۆمەڵگای هەرێمی کوردستان دادەنێت و ئەوەندەی تر دەبێتە هۆی قەیران و بێ بەها کردنی «یاسا» و بێ متمانەیی هاوڵاتیان بە دام و دەزگا یاساییەکانی هەرێمی کوردستان.

بۆیە بۆ ئاسایی کردنەوەی دۆخەکە و پێشگرتن لە پەرەسەندنی ئەو قەیرانەی کە لە ئێستادا بەرەوڕووی هەرێم بۆتەوە، هەر وەک نوێنەرانی خۆپیشاندەران بانگەوازی بۆ دەکەن، پێویستە لە زووترین کاتدا یەکیەتی نیشتمانی کوردستان هێزە چەکدارەکانی خۆی لە شار و شارۆچکەکان بهێنێتە دەرەوە و ئیدارەی ئەمنی ئەو شارانە رادەستی هێزەکانی سەر بە وەزارەتی ناوخۆ و وەزارەتی بەرگری هەرێم بکاتەوە.

هەروەها بۆ کۆتایی هێنان بەو قەیرانە، پێویستە حکومەتی هەرێمی کوردستان گوێ لە داواکارییە رەواکانی خۆپیشاندەران بگرێت و بەکردەوە هەوڵی جێبەجێ کردنیان بدات.

بێگومان ئەگەر حکومەت گوێ لە داواکارییەکانی خەڵک نەگرێت و هەوڵی جیدی بۆ جێبەجێ کردنیان نەدات، بۆشایی نێوان حکومەت و گەل قووڵتر دەبێتەوە و کار دەگاتە قۆناغێکی وەها مەترسیدار کە بە هێزی چەکدار کۆنترۆڵ ناکرێت و کارەساتی گەورەی لێدەکەوێتەوە کە ئەمەش ناتوانێت لە بەرژەوەندی گەلی کورد و هێز و لایەنە دڵسۆزەکانیدا بێت.

کازیوە بە دۆستان و هاوڕێکانتان بناسێنن!

ئێمە کەس لە خۆمان بە ئۆپۆزیسیۆنتر نازانین



گفتوگۆی رۆژنامەی «رۆژنامە« لەگەڵ هاورێ «شەپۆل فەتحی»
ئەندامی کومیتەی رێکخستنی ناوەندی حیزبی شیوعی کوردستان .

رۆژنامە: بۆچی حیزبی شیوعی سەرەڕای ئەو هەموو ناعەداڵەتیی و گەندەڵییەی لە کورستاندا هەیە، لە حکومەتدا ماوەتەوە و هەڵوێستی وەرنەگرتووە؟

و: بەشداریکردن لە حکومەتدا، کاریگەریی لەسەر سیاسەت، بەرنامە و هەڵوێستی حیزبمانەوە نییە، ئێمە سیاسەتی رەسمکراو، بەرنامە و میکانیزمی کار کردنی خۆمان هەیە، لە کۆنگرە بڕیاری لەسەر دراوە و لە بەڵگەنامەکانی حیزبماندا هەیە.

وەزیرەکەمان بە ئاراستەی سیاسەتی حیزب و بەرنامەکەی کار دەکات، کە دژی گەندەڵیی و ناعەدالەتییە، هەروا لە ناو ئەنجومەنی وەزیراندا پڕۆژە و هەڵوێستی خۆمان هەیە، ئەگەر بتانەوێت بەدواداچوونی بۆ بکەن لە راست و دروستی قسەکانمان، لە هەموو کابینەکان بە وەزیرێک بەشداریمان کردووە، دەکرێت بەدواداچوون بکەن، تا چەند سەرکەوتوو بوون، یان سەرکەوتوو نەبوون، سەرەڕای ئەوە، هەڵوێستوەگرتن لای ئێمە جیاوازیی زۆری هەیە لە گەڵ لایەنەکانی تردا، دەکرێت لە ناو حکومەت بێت، رەچاوی بەرژەوەندیی نیشتمان و گەلەکەت بکەیت، یان لە دەرەوەی حکومەت بیت، هەڵوێستی نەرێتی و دژ بە بەرژەوەندییەکانی گەلەکەت هەبێت، بۆیە مەرج نییە شەڕی گەندڵیی تەنیا لە دەرەوەی حکومەت بکرێت، دەکرێت لە ناو حکومەتیشدا بیت و شەڕی گەندەڵیش بکەیت.

رۆژنامە: بۆچی دوای زیاتر لە نیو سەدە خەبات، ئێستا وەکوو پاشکۆی «یەکیەتی و پارتی» دەردەکەون؟

و: پرسیارەکەت زۆر سادە و زاڵمانەیە، تەنانەت کەمترین راستی تێدا نییە، گرفتی رۆژنامەنووسان و نووسەرانی ئێمە لێرەوە دەستپێدەکات، سەرەڕای ئەو هەموو فشار و هەڵمەتی راگەیاندنەی دژی حیزبمان و مێژووەکەی دەکرێت، هێشتا متمانەمان بە خۆمان هەیە و سەر لە رەوشەکان دەردەکەین، ئێمە نایشارینەوە لەگەڵ «یەکیەتی و پارتی» و حیزبە کوردستانییەکاندا، جیاوازیی ریشەییمان هەیە، ئێمە حیزبێکی مارکسین، ئەوان نەتەوەپەرەست و ئیسلامین، بەڵام لە هەمان کاتدا خاڵی هاوبەش کۆمان دەکاتەوە، بە تایبەت لە بواری نیشتمانی و نەتەوەییدا، لەم قۆناغە هەستیارەدا.

تاوان خستنە پاڵ حیزبی شیوعی، وەک پاشکۆی «یەکیەتی و پارتی» خودی ئەوە تاوانێکی گەورەیە، ئەگەر پشوومان درێژ بێت، لە داهاتوودا (ژیان) تەزکییەی هەموو لایەکمان دەکات.

رۆژنامە: ماوەیەک لەمەوبەر وەرقەیەکی چاکسازیتان بڵاو کردەوە، هەندێک وای دەبینن، ئەو وەرەقەیەتان لە ناچاریدا دەرکردووە، چونکە ئەو کاتە دەسەڵات تا ئاستێک لە بەردەم داواکارییەکانی خەڵک و ئۆپۆزیسیۆندا شل بووو؟

و: ئەو پڕۆژە چاکسازییە کورتکراوەی بەرنامەی داڕێژاوی بڕیاردراوی کۆنگرەیە، نوێ نییە، ئێمە یەکەم حیزب بووین پڕۆژەی چاکسازیمان خستووەتە ڕوو، سەرەڕای ئەوەیش پێش هەموو حیزبە کوردستانییەکان لە ساڵی ١٩٩١ەوە بەردەوام پڕۆژەمان خستووەتە روو، ئەو کاتەی سەروەت و سامانی کوردستان ئاودیوی ئێران دەکرا، دژی گفتوگۆ کردن بووین لەگەڵ سەدامی گوڕ بەگوڕ،لەگەڵ دووبارە کردنەوەی هەڵبژاردنەوەی پارلمانی کوردستان بووین، لە ساڵی ١١٩٢، دژی دابەش کردنی دەسەڵاتی (پەنجا بە پەنجا) بووین، دژی شەڕی براکوژیی بووین، دژی هێنانی هێزە داگیرکەرەکانی کوردستان بووین، دژی حیزبایەتی تەسک و پاوانخوازیی و گەندەڵیی و مشەخۆڕیی بووین، دژی دەستدرێژیکردنە سەر جوتیاران و بزووتنەوەی جوتیاران بووین، نامانەوێت موزایەدە بەسەر کەسدا بکەین، گوناهی ئێمە چییە خەڵکێک هەڵوێستی پێشوەختی هەیە لەسەرمان و لە ئاست ئەو راستیانە چاوی خۆی دەنوقێنێت.

ئێمە کەس لە خۆمان بە ئۆپۆزیسیۆنتر نازانین، بەڵام

دەزانین چۆن ئۆپۆزسسیۆنێکین و بەرنامەمان چییە و چیمان دەوێت و بەرەو چ ئاراستەیەک دەڕۆین. ئێمە سواری ئەو شەپۆلانە نابین، نەزانین دواجار لە کوێ دەمانگیرسێنێتەوە، هیچ فشار و پاڵەپەستۆیەکیش ناتوانێت هاودەنگیمان تێکبدات.

رۆژنامە: ئەگەر ئەم خۆپیشاندانانە بەردەوام بن و دەسەڵاتیش وەڵامی داخوازییەکانی جەماوەر نەداتەوە، ئەگەری ئەوە هەیە ئێوەش بچنە پاڵ خۆپیشاندەران؟

و: ئێمە لە زۆر بۆنە خۆپیشاندان و نارەزایەتیمان دەربڕیوە، لە پەرلەمان، لە حکومەت و لە دانیشتنە فەرمییەکان بیر و بۆچوونەکانی خۆمان خستووەتە روو لە دەرەوەی خۆپیشاندانەکان و لە دەرەوەی داوا رەواکانی خەڵک نین، کە بە هەموو شێوەیەک پشتیوانیان دەکەین، لەوانەیە سروشتی ئێمە جیاواز بێت لە دەربڕینی نارەزایەتی و میکانیزمی کار کردنیشمان بە پێی ئەو تاقیکردنەوە دەوڵەمەندەی هەمانە، ئێمە سوورین لەسەر ئەوەی دەبێت دەسەڵات وەڵامی داخوازییەکانی خەڵک بداتەوە، ئەگەر نا ئەوا نارەزاییەکان فراوانتر پەرە دەستێنێت، بۆیە دەبێت «پارتی و یەکیەتی» بەرنامە و پلانی ورد و حسابکراویان هەبێت بۆ چاکسازیی، بنبڕ کردنی گەندەڵیی، جیاکردنەوەی حیزب و حکومەت، پەلە بکەن و دەستبەکار بن.

رۆژنامە: بە رای بەرێزتان بارودۆخی کوردستان بەرەو کوێ هەنگاو دەنێت، بەرەو بە لیبی بوون، یان بەرەو بە مسیر بوون، یاخود بەرەو هیچیان؟

و: مەنتیقی نییە وەزعی هەرێمی کوردستان و میسر و لیبی بشۆبهێنرێت و بیرکردنەوەی لەمجۆرە هەبێت زۆر سادەیە، ئەوان دەوڵەتن و ئاڵا و قەوارەی سیاسی خۆیان هەیە، ئێمە لەسەر نەخشە شوێنمان چییە و لە کوێی هاوکێشە سیاسییەکانداین؟

هەڵچوون، ئیرادە و بیرکردنەوە ناواقعییەکان نامانگەینێتە هیچ شوێنێک و بەرژەوەندییەکانمان دەخاتە مەترسییەوە، پێویستمان بە بەخۆداچوونەوەی سیاسەت و بیرکردنەوە و میکانیزمی کار کردنمان هەیە. پێویستە کاڵا بە باڵای خۆمان ببڕین و ژیرانە مامەڵە بکەین، هەمووومان بەرپرسیارییەتیمان لە ئەستۆیە، بۆیە پێویستمان بە بەرنامەی هاوبەش و کاری هاوبەش هەیە بۆ رووبەرووبوونەوەی هەر ئەگەرێک، زەحمەتە بەو پاشاگەردانییەی هەیە، گۆڕانکارییەکان لە بەرژەوەندیی ئێمەدا بێت، بۆیە پێویستمان بە بەخۆداچوونەوە هەیە، ئەمەش بە دوور کەوتنەوە لە پاوانخوازی دەسەڵات، حیزبایەتی تەسک، گەندەڵیی و مشەخۆریی دەبێت، بۆ ئەوەی بتوانین گشت وزە و تواناکانمان بە ئاقاری بەرژەوەندییە نیشتمانیی و نەتەوەییەکان ببەین، ئەو کاتە زەمینەی باشترمان بۆ دەرەخسێت و ئاڵوگۆڕ و رووداوەکان لە بەرژەوەندیی هەرێمی کوردستان دەبێت.

بەرز و بەرێزبێت یادی ٧٧ ساڵەی دامەزرانی حزبی شیوعی عێراق!

ماهنامه

کازیوه

(سپیده دم)

شماره هشتم

اردیبهشت ماه ۱۳۹۰

نشریه جمعی از هواداران حزب توده ایران در کردستان



آزادی ، دموکراسی و عدالت اجتماعی

مطالب این شماره : **صفحه**

=====================

بەشی کوردی : **لاپەڕە**

مسئولیت مطالب درج شده در کازیوه بر عهده ی گردانندگان آن است و
مواضع رسمی حزب توده ایران در سایت حزب به نشانی :
/ http://www.tudehpartyiran.org
انتشار می یابد.

تماس با کازیوه : tudeh_kurdistan@yahoo.co.uk

پایگاه اینترنتی کازیوه :

http://a1320.wordpress.com/

پژاک فعالان مدنی کردستان را تهدید به « اقدام انقلابی» کرد !

حزب حیات آزاد کردستان « پژاک» در ادامه اقدامات ناشایست و « مشکوک» خود ، سخنگوی سازمان دفاع از حقوق بشر کردستان و برخی دیگر از فعالان مدنی در سنندج را « خائن» نامید و تهدید به «اقدام انقلابی» کرد!

اجلال قوامی، سخنگوی سازمان دفاع از حقوق بشر کردستان، در مصاحبه با روز می گوید پژاک، حزب حیات آزاد کردستان، طی روزهای گذشته با انتشار یک جزوه و پس از آن نیز از طریق یک مقام ارشد خود در تلویزیون نوروز، او و برخی از دیگر از فعالان مدنی در سنندج را تهدید به «اقدام انقلابی» کرده است.

سازمان دفاع از حقوق بشر کردستان هم در بیانیه ای در همین راستا اعلام کرده است: «در روزهای اخیر بولتن خبری یکی از جریانهای نو ظهور و همچنین شبکه تلویزیونی وابسته به آن به دور از هرگونه اخلاق حرفه یی و با زیر پا گذاشتن انصاف و وجدان بشری عدالت و اخلاق را در پای منافع جناحی خود قربانی کرده و سیل اتهامات و تهدیدهای خود را روانه این سازمان و برخی اعضای آن نمودند.»

اجلال قوامی طی گفتگوی کوتاهی با « روز» ضمن تایید تهدیدات پژاک ، به درستی به اقدامات ضد مدنی و مشکوک این حزب در « همراهی و همسویی» با دستگاههای امنیتی و قضایی رژیم اشاره میکند.

....

روز: آقای قوامی شما اعلام کرده اید به همراه برخی دیگر از فعالان مدنی سنندج از سوی پژاک تهدید شده اید؟ ممکن است بیشتر توضیح دهید؟

قوامی : بله؛ هفته نامه آلترناتیو که از سوی پژاک منتشر می شود، در هفتمین شماره خود ویژه نامه ای با عنوان «جنگ» منتشر و در این ویژه نامه ۳۲ صفحه ای، خبر از تاسیس یک کمیته ضد پژاک داده است. در این ویژه نامه احزاب کرد، از حزب دمکرات کردستان ایران، حزب کومله کردستان شاخه عبدالله مهتدی تا سازمان دفاع از حقوق بشر کردستان به عنوان اعضای این کمیته معرفی شده اند.در همین ویژه نامه، انواع اتهامات به جریان های مورد اشاره خصوصا سازمان دفاع از حقوق بشر کردستان نسبت داده شده و عنوان گردیده که این حملات توطئه مشترک احزاب کردی و سازمان حقوق بشر کردستان با هماهنگی، نظارت و کنترل نهادهای امنیتی جمهوری اسلامی ایران و ترکیه است. در نتیجه گیری و بخش پایانی این ویژه نامه هم عنوان شده که کار این جریانات سیاسی و حقوق بشری خیانت به ملت کرد است و ما پاسخ آنها را با «اقدام انقلابی» خواهیم داد. خب؛کسانی که با مسائل کردستان آشنا هستند می دانند که در قاموس جریاناتی از این دست، منظور از اقدام انقلابی چیست. به ویژه اینکه در همین جزوه از فعالان مدنی و حقوق بشری از جمله من، آقایان مختار زارعی و آزاد نمکی به عنوان «جاش» به معنی خود فروخته و خائن اسم برده اند و تاکید شده است که با ما برخورد خواهند کرد.

روز : این تهدید به همین جا ختم شده ؟

قوامی : نه؛ بعد از انتشار این ویژه نامه، بلافاصله در شبکه نوروز تی وی، وابسته به پژاک یکی از رهبران این جریان به نام ریبوار آبدانان، در برنامه ای یک ساعت و نیمه عینا مطالب این جزوه را گفت و در انتها هم با نام بردن از بنده و برخی دیگر از فعالان مدنی و حقوق بشری عنوان کرد که فعالیتهای این افراد خیانت محسوب می شود و از این طریق به آنها هشدار می دهیم. در واقع صورت دیگر این تهدید در همین برنامه و براساس گفته های آقای آبدانان این بود که با ما به صورت «اقدام انقلابی» برخورد خواهد شد. این موضوع در حقیقت امنیت روانی و جانی ما را که در داخل کشور هستیم با خطر روبرو کرده است. در واقع ما در حال حاضر بین دو لبه قیچی گیر کرده ایم، از یک طرف جریانات خشونت طلب در خارج از کشور نظیر پژاک، از طرف دیگر هم جریان های تمامیت خواه داخلی. پژاک فعالان مدنی را متهم به همسویی با نظام می کند، درحالی که بسیاری از دوستان که در این جزوه و در اظهارات تلویزیونی آن مقام پژاک به نام آنها اشاره شده، کسانی هستند که هم سابقه زندان دارند و در حال حاضر نیز در دستگاه قضایی پرونده دارند. مضافا اینکه تمام این دوستان به شدت تحت فشارند و به نوعی خانه نشین شده اند. ما از همسویی جریانات تمامیت خواه داخلی با حزبی که خارج از مرزهای ایران سکنی گزیده در برخورد با فعالان تعجب می کنیم؛آن هم حزبی که هر از چند گاهی از طریق انجام عملیات نظامی در داخل ایران باعث تشدید فضای امنیتی می شود. از این طرف نیز حداقل فضایی را که برای فعالیت مدنی وجود دارد به باد انتقاد می گیرد و فعالان این عرصه را به همسویی با نظام متهم می کند.

قطعنامه مشترک به مناسبت روز جهانی کارگر - اول ماه مه۲۰۱۱ - ۱۱ اردیبهشت

اول ماه مه روز جهانی کارگر، روز اتحاد و اعتراض جهانی کارگران به ستم و نابرابری نظام سرمایه داری است. این روز یاد آور مبارزات کارگران جهان برای دستیابی به حقوق انسانی شان است. کارگران ایران همراه با کارگران جهان این روز را گرامی میدارند و هر ساله در اعتراض به شرایط غیر انسانی خود در این روز گرد هم آمده و به هر طریق برای بدست آوردن حقوق حقه خود فریاد بر می آورند.

شور و شعف و رزمندگی کارگران در روز اول ماه مه و اعتراض آزادانه میلیونی آنان به شرایط زندگی شان در اکثر نقاط دنیا در حالی جهان را به لرزه میاورد که کارگران ایران علاوه بر محرومیت از حقوق اجتماعی خود از قبیل بر پائی تشکل و اعتراضات خیابانی، هر روزه و هر لحظه در معرض شدیدترین تهاجمات به زندگی و معیشت خود قرار دارند. هر گونه اعتراض و حق خواهی کارگران با بازداشت و زندان پاسخ میگیرد. با طرح موسوم به هدفمند کردن یارانه ها که سرمایه داری حاکم با پشتیبانی نهادهای بین المللی سرمایه داری اجرای آن را آغاز کرده است در حال تباه کردن بیش از پیش زندگی و معیشت میلیونها خانواده کارگری هستند و کسی حق اظهار نظر آزادانه در این باره را ندارد. با افزایش سرسام آور قیمتهای انرژی و تعطیلی کارخانه ها هر روزه صد ها و هزاران کارگر به صف میلیونی بیکاران رانده میشوند و در همین حال بیمه بیکاری را بیش از پیش به ضرر کارگران تغییر میدهند. اقدام به اخذ فرانشیز در بیمارستانها و مراکز درمانی تامین اجتماعی از کارگران میکنند و معیارهای دیگری برای حقوق بازنشستگی می تراشند. بیمه کارگران ساختمانی را در هزارتوی راهروهای اداری ابتر میکنند و در حالی که اقدام به افزایش سرسام آور قیمتهای کالاهای اساسی کرده اند حداقل دستمزد کارگران را بطور توهین آمیزی ۹ درصد افزایش میدهند.

از نظر ما همه اینها برای میلیونها خانواده کارگری مستاصل از تامین حداقل معیشت در شرایط کنونی، معنائی جز درماندگی بیشتر برای گذران زندگی و تحمیل فقر و فلاکتی روز افزون بر آنها ندارد. اما ما کارگران نظاره گر مرگ تدریجی خود و همسر و فرزندانمان نخواهیم شد. ما تعرض هر روزه به زندگی و معیشت خود را بر نخواهیم تافت و متحد و یکپارچه در مقابل فقر و فلاکت و بی حقوقی اجتماعی تحمیل شده بر خود ایستادگی خواهیم کرد. در این راستا ما کارگران ایران با ابراز انزجار از وضعیت موجود، همگان را در تمامی نقاط کشور به طرح متحدانه و سراسری خواستها و مطالبات شان فرا میخوانیم و در شرایط حاضر خواهان تحقق بی درنگ مطالبات زیر هستیم:

۱- آزادی بی قید و شرط برپایي تشکل هاي مستقل کارگری، اعتصاب، اعتراض، راهپیمائی، آزادی احزاب، تجمع و آزادي بیان و مطبوعات حق مسلم ما است و این خواسته ها باید ضمن برچیده شدن کلیه نهادهای دست ساز دولتی از محیطهای کار و زندگی، به عنوان حقوق خدشه ناپذیر اجتماعي کارگران و عموم مردم ایران به رسمیت شناخته شوند.

۲- ما جامعه ای را که اقلیتی صاحب ثروت وسرمایه های کلان باشند واکثریتی هم نان شب نداشته باشند بر نخواهیم تافت. از نظر ما افزایش ۹ درصدی دستمزدها بویژه با توجه به اجرای طرح قطع یارانه ها و افزایش سرسام آور هزینه های زندگی اهانت به منزلت انسانی و حق حیات کارگران است. ما تعیین چنین سطح دستمزدی را تحمیل بیش از پیش فقر و فلاکت مطلق بر میلیونها خانواده کارگری میدانیم و با رد شیوه کنونی تعیین دستمزدها مصرانه خواهان توقف اجرای طرح قطع یارانه ها و تعیین دستمزدها توسط نماینده های واقعی کارگران بر اساس بالاترین استانداردهای زندگی بشر امروز هستیم.

۳- ما خواهان محو قراردادهاي موقت و سفید امضاء، بر چیده شدن شرکتهای پیمانکاری و انعقاد قرارداد مستقیم و دسته جمعی، تامین امنیت شغلی کارگران و رعایت بالاترین استاندارد های بهداشت و ایمنی در محیطهای کار و زندگی هستیم

٤- دستمزدهاي معوقه کارگران باید فورا و بي هیچ عذر و بهانه اي پرداخت شود و عدم پرداخت آن بایستي به مثابه يك جرم قابل تعقیب قضائي تلقي گردد و خسارت ناشي از آن به کارگران پرداخت شود

۵- اخراج و بیکار سازي کارگران به هر بهانه اي باید متوقف گردد و تمامي کساني که بیکار شده و یا به سن اشتغال رسیده اند باید تا زمان اشتغال به کار از بیمه بیکاري متناسب با يك زندگي انساني برخوردار شوند

٦- به رغم اینکه سازمان تامین اجتماعی با دسترنج و پول کارگران به یکی از نهادهای دارای ثروت نجومی در ایران تبدیل شده است اما این سازمان با قرار گرفتن در چرخه سود و سودآوری سرمایه تنها به فکر کاهش خدمات درمانی و دریافت فرانشیز از کارگران بیمار است. ما بیمه های تامین اجتماعی را حق مسلم تمامی آحاد جامعه میدانیم و خواهان اداره این نهاد بدست نماینده های منتخب کارگران در سراسر کشور هستیم.

۷- ما ضمن محکوم کردن هر گونه تعرض به اعتراضات کارگری و مردمی، خواهان لغو مجازات اعدام و آزادی فوری

و بی قید و شرط کلیه کارگران زندانی و دیگر جنبش های اجتماعی از زندان و توقف فوری پیگرد های قضایی علیه آنان و بر چیده شدن فضای امنیتی موجود هستیم

۸- ما خواهان لغو کلیه قوانین تبعیض آمیز نسبت به زنان و تضمین برابری کامل و بی قید و شرط حقوق زنان و مردان در تمامی عرصه های زندگی اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و خانوادگی هستیم

۹- ما خواهان برخورداري تمامي بازنشستگان از يك زندگي مرفه و بدون دغدغه اقتصادي و رفع هرگونه تبعيض در پرداخت مستمري بازنشستگان و بهره مندی آنان از تامین اجتماعی و خدمات درمانی هستیم

۱۰- کار کودکان باید ملغی گردد. برخورداری کودکان و والدین آنها از تامین اجتماعی گسترده و کامل، امکانات آموزشي رفاهي و بهداشتي يكسان و رايگان جدا از موقعيت اقتصادي و اجتماعي خانوادگی شان، نوع جنسيت و وابستگي هاي ملي و نژادي و مذهبي می بایدبرسمیت شناخته شود.

۱۱- ما دگرگونی خواهی را حق مسلم تمامی انسانها در سرتاسر جهان میدانیم و با حمایت قاطعانه از مبارزات و اعتراضات مردمی در تمامی کشورهای خاورمیانه، هر گونه سرکوب اعتراضات مردمی و بند و بست دولتها برای سمت و سو دادن به تغییرات از بالای سر مردم و دست اندازی و دخالت از سوی آنها در سرنوشت مردم کشورهای خاورمیانه را قویا محکوم میکنیم

۱۲- ما بخشی از کارگران جهان هستیم و اخراج و تحمیل هرگونه تبعیض بر کارگران مهاجر افغانی و سایر ملیتها را به هر بهانه ای محکوم میکنیم

۱۳- ما ضمن قدرداني از تمامي حمايت هاي بين المللي کارگری و مردمی از مبارزات کارگران در ایران و حمایت قاطعانه از اعتراضات و خواسته هاي كارگران در سراسر جهان خود را متحد آنان مي دانيم و بيش از هر زمان ديگري بر همبستگي بين المللي كارگران براي رهايي از مشقات نظام سرمايه داري تاكيد مي كنيم

۱٤- اول ماه مه بايد تعطيل رسمي اعلام گردد و در تقويم رسمي كشور گنجانده شود و هر گونه ممنوعيت و محدوديت برگزاري مراسم اين روز ملغي گردد

زنده باد اول ماه مه

زنده باد همبستگي بين المللي كارگران

۱ مه ۲۰۱۱ - ۱۱ اردیبهشت۱۳۹۰

سنديكاي كارگران شركت واحد اتوبوسراني تهران و حومه

اتحاديه آزاد كارگران ايران

هيئت بازگشايي سنديكاي كارگران نقاش و تزئينات ساختمان

هیئت بازگشائی سندیکای فلز کار مکانیک

کانون مدافعان حقوق کارگر

كميته پيگيري ايجاد تشكل هاي كارگري

كميته هماهنگي براي كمك به ايجاد تشكل هاي كارگري

****

بیانیه سندیکاها و تشکل های کارگری به مناسبت روز جهانی کارگر

حزب توده ایران-حزب طبقه کارگر ایران- با حمایت از خواسته ها و مطالبات بر حق کارگران و زحمتکشان، با همه توان خود در راه تامین حقوق و منافع طبقه کارگر و پشتیبانی از سندیکاهای مستقل و جنبش سندیکایی زحمتکشان مبارزه کرده و می کند.

به مناسبت اول ماه مه روز جهانی کارگر هفت سندیکا و تشکل کارگری با انتشار بیانیه ای همه کارگران و زحمتکشان کشور را به مبارزه ای متحد و هماهنگ بر پایه خواسته هایی مشخص، فراخواندند. دراین بیانیه سندیکاهای کارگری با اشاره به وضعیت وخیم زندگی زحمتکشان با صراحت خواستار توقف برنامه ضد مردمی آزاد سازی اقتصادی و حذف یارانه ها شدند. در بیانیه خاطر نشان می گردد: «کارگران ایران علاوه بر محرومیت از حقوق اجتماعی خود از قبیل برپایی تشکل و اعتراضات خیابانی، هر روزه و هر لحظه در معرض شدیدترین تهاجمات به زندگی و معیشت خود قرار دارند ... با طرح موسوم به هدفمند کردن یارانه ها که سرمایه داری حاکم با پشتیبانی نهادهای بین المللی سرمایه داری اجرای آن را آغاز کرده است در حال تباه کردن بیش از پیش زندگی و معیشت میلیون ها خانواده کارگری هستند و کسی حق اظهار نظر آزادانه دراین باره را ندارند ...»
هفت سندیکای کارگری از جمله سندیکای کارگران شرکت واحد، هیات بازگشایی سندیکای فلز کار مکانیک، هیات بازگشایی سندیکای کارگران نقاش و تزیینات ساختمان، کانون مدافعان حقوق کارگر و چند تشکل دیگر با برشمردن ۱۴ مورد و خواسته مشخص خطاب به کارگران اعلام داشتند: «همگان را در تمامی نقاط کشور به طرح متحدانه و سراسری خواسته ها و مطالبات شان فرا می خوانیم.»
در میان موارد اعلام شده توسط هفت سندیکا و تشکل کارگری می توان به موضوعات مهمی اشاره کرد که عبارتند از: «آزادی بی قید و شرط برپایی تشکل های مستقل کارگری، اعتصاب، اعتراض، راه پیمایی، آزادی احزاب» و همچنین، «توقف اجرای طرح قطع یارانه ها و تعیین دستمزدها توسط نماینده های واقعی کارگران ...»، «دستمزدهای معوقه کارگران باید فورا و بی هیچ عذر و بهانه ای پرداخت شود»، «لغو مجازات اعدام»، «لغو کلیه قوانین تبعیض آمیز نسبت به زنان»، «کار کودکان باید ملغی گردد»، «آزادی فوری و بی قید شرط کلیه کارگران زندانی و دیگر جنبش های اجتماعی از زندان»، «اخراج و بیکار سازی کارگران به هر بهانه ای باید متوقف گردد»، «بیمه تامین اجتماعی را حق مسلم تمامی آحاد جامعه میدانیم و خواهان اداره این نهاد بدست نماینده های منتخب کارگران در سراسر کشور هستیم».
علاو بر این سندیکاهای کارگری به درستی بر همبستگی طبقاتی خود با دیگر زحمتکشان جهان تاکید کرده و یاد آور می شوند: «ما ضمن قدر دانی از تمامی حمایت های بین المللی کارگری و مردمی از مبارزات کارگران در ایران و حمایت قاطعانه از اعتراضات و خواسته های کارگران در سراسر جهان خود را متحد آنان می دانیم و بیش از هر زمان دیگری برهمبستگی بین المللی کارگران برای رهایی از مشقات نظام سرمایه داری تاکید می کنیم.» در پایان بیانیه این خواست دیرین طبقه کارگر ایران باردیگر مطرح شده است: «اول ماه مه باید تعطیل رسمی اعلام گردد و در تقویم رسمی کشور گنجانده شود و هرگونه ممنوعیت و محدودیت برگزاری مراسم این روز ملغی گردد.»
انتشار بیانیه هفت سندیکا و تشکل کارگری به مناسبت اول ماه مه و طرح خواسته های مشخص گواه دیگری بر روند رو به رشد جنبش کارگری-سندیکایی کشور ما علی رغم اعمال فشار و محدودیت های رژیم ولایت فقیه و دولت ضد ملی احمدی نژاد است. با حمایت از خواسته های سندیکاهای کارگری با گام هایی خستگی ناپذیر در راه وحدت صفوف جنبش سندیکایی زحمتکشان حرکت کنیم. حزب توده ایران-حزب طبقه کارگر ایران- با حمایت از خواسته ها و مطالبات بر حق کارگران و زحمتکشان، با همه توان خود در راه تامین حقوق و منافع طبقه کارگر و پشتیبانی از سندیکاهای مستقل و جنبش سندیکایی زحمتکشان مبارزه کرده و می کند.

سایت حزب توده ایران
۸ اردیبهشت ۱۳۹۰ - ۲۸ آوریل ۲۰۱۱

برگزاري مراسم روز جهانی کارگر در سنندج

علیرغم اینکه نیروهای امنیتی از یک روز قبل عده‌ای از فعالان کارگری کردستان را جهت پیشگیری از هر گونه حرکت مستقلی به ستاد خبری اداره اطلاعات سنندج احضار و مورد بازجویی قرار داند اما مراسم غیر دولتی روز جهانی کارگر در نقاط مختلف سنندج برگزار شد.

بیش از ۲۰۰ نفر از اعضای کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری، اتحادیه آزاد کارگران، کارگران نانوایی های شهر و فعالان کارگری مستقل، در خیابان فردوسی سنندج ابتدای خیابان ناصر خسرو ساعت ۶ بعد از ظهر با برافراشتن پلاکارد در میان صدها نفر از مردم شهر اقدام به خواندن قطعنامه اول ماه می کردند که با تشویق و تایید مردم مورد استقبال قرار گرفت.
شعارهای «کارگران علیه سرمایه متشکل شویم»، «کارگر زندانی آزاد باید گردد»،»کارگر دانشجو اتحاد اتحاد» و شعارهایی از این قبیل به صورت تراکت نوشته شده بود که بر دستان زنان و مردان کارگر و آزادیخواه خود نمایی می کرد. شور و شعف در چهره صدها نفری که به دور این کارگران و فعالان حلقه زده بودند به وضوح دیده می شد.
در حالی این مراسم برگزار شد که جو امنیتی بسیار شدیدی بر شهر حاکم بود حتی تعدادی لباس شخصی تلاش کردند پلاکاردها را از دست کارگران و فعالان بگیرند که با مقاومت آنان مواجه شدند. نیروهای پلیس و لباس شخصی با دیدن این همه شجاعت که تبلور درد و رنج کارگران است، تسلیم بودند و مات و مبهوت به مافوقشان گزارش می دادند.
در ادامه، کارگران با در دست داشتن پلاکارد و تراکت در حالی که شعار می دادند به سمت سه راه نمکی حرکت کردند که در آنجا با مقاومت پلیس سازمانیافته مواجه و متفرق شدند.
فریاد حق خواهی و آزادیخواهی با پایان یافتن مراسم و متفرق شدن اجباری آنان پایان نیافت، بلکه مردم با تایید این حرکت از برگزاری مراسم اول ماه مه ابراز رضایت می کردند وبا خشنودی مکان را ترک کردند.
لازم به ذکر است در این مراسم کسی دستگیر نشده است.

مراسم روزجهانی کارگر در سنندج



کارگران جوشکار شهرک صنعتی سنندج اول مه را گرامی داشتند.

عده کثیری از کارگران از ابتدا با وجود تهدید نیروهای امنیتی، محل کار را تعطیل کردند همزمان بخش عمده‌ای از کارگران مکانیک نیز به منظور برگزاری مراسم روز کارگر محل کارهایشان را تعطیل کردند

کارگران کارخانه شیر سنندج صبح روز یکشنبه ۱۱ اردیبهشت مراسم اول مه را گرامی داشتند.

این مراسم به ابتکار گروه کوهنوردی کارخانه شیر برگزار شد. دراین مراسم کارگران در مورد دستمزدها و مشکلاتشان صحبت کردند و عده‌ای از زنان و مردان کارگر باهم سرود و شعر خواندند و در پایان قطع نامه اول مه را قرائت کردند.

****

مراسم روز جهانی کارگر در استانهای خوزستان، و فارس

کارگران و فعالین کارگری در استانهای خوزستان، و فارس با برگزاری تجمعات و مراسم های گوناگون روز جهانی کارگر را گرامی داشتند. بنابر گزارشهای رسیده این تجمعات در استان خوزستان به شکل گسترده تری برگزار گردیده و همراه با درگیری و در مواردی بازداشت بوده است.

* برگزاری مراسم روز جهانی کارگر در استان خوزستان

کارگران شهرهای مختلف استان خوزستان در روز جهانی کارگر، به شکل گسترده ای به همراه خانواده های شان دست به تجمعات اعتراضی زدند.

در شهر اهواز حدود بیش از ۳۰ هزار کارگر که قصد به هم پیوستن درمنطقه مرکز شهر را داشتند، با بستن خیابان های فرعی از سوی ماموران و پرتاب گاز اشک آور و پاشیدن اسپره های حاوی پودر فلفل به صورت کارگران با آنان به مقابله برخاستند. گزارش ها حاکی از دستگیری عده زیادی از کارگران دارد. در شهر اندیمشک ماموران در حالی که سعی در پراکنده کردن کارگران داشتند، با استفاده از باتون و پاشیدن آب فشار قوی به کارگران باعث پراکنده شدن آنها گردیدند. گزارشهای دیگری از شوشتر حاکی است درگیری شدید میان کارگران و عده زیادی از جوانان بیکار منطقه و مامورین یگان ویژه سپاه رخ داده است. ساعت ۵ بعد از ظهر روز ۱۱ اردیبهشت، مامورین لباس شخصی با مراجعه به منزل رئیس اتحادیه مستقل کارگری دزفول، آقای فرشید محمد زاده اقدام به دستگیری وی و سه تن از اعضای هیئت رئیسه این اتحادیه به نام های رضا گرجی، جعفر تقی نژاد، حمید رضا سلوکی نمودند.

کارگران در میادین شهرهای اندیمشک، دزفول، شوشتر، مسجد سلیمان، ماهشهر و بندر امام دست به تجمع گسترده زدند و با سر دادن شعارهایی خواستار دریافت مطالبات و حقوق قانونی خود شدند.

کارگر کارگر/ اتحاد اتحاد – ۱۱ اردیبهشت روز جهانی ماست/ تشکل اعتصاب حق مسلم ماست – کارگران جهان/ اتحاد اتحاد – کارگران جهان، این آخرین پیام است/امپریالیسم جهانی، دیگر کارش تمام است – کارتهای اعتباری، دانه توی دام است / قرار داد موقت، دیگر کارش تمام است .

در شهر های رامهرمز و ایذه نیز، تجمعات کارگری برگزار شده است. در ماهشهر و بندر امام ماموررین، با پرتاب گاز اشک آور به صف کارگران معترض مجتمع های پتروشیمی حمله ور شدند و آنان را مورد ضرب و شتم قرار دادند.



برگزاری مراسم روز جهانی کارگر در استان فارس

کارگران چهار مجتع صنعتی در استان فارس مطابق برنامه از پیش اعلام شده خود در روز جهانی کارگر در تجمعی اعتراضی این روز را گرامی داشتند. بنابر گزارش های رسیده بیش از ۱۰۰۰ نفر ازکارگران شرکت مجتمع گوشت فارس , مخابرات راه دور , لاستیک سازی دنا , و کارخانه آزمایش مرودشت مقابل استانداری شیراز تجمع اعتراضی داشتند . در این تجمع ۱۱۰ نفر از کارگران مجمتع گوشت فارس , ۷۰۰ نفر از کارگران مخابرات راه دور و ۲۰۰ نفر از کارگران کارخانه لاستیک سازی دنا و همچنین جمعی از کارگران کارخانه آزمایش مرودشت از ساعت ۹ صبح جلوی استانداری فارس حضور یافته و مطالبات خود را خواستار شدند.

روز جهانی کارگر، و خانه‌نشین کردن زنان

لیلا علی‌کرمی

قصدم این بود که به مناسبت «روز جهانی کارگر» کندوکاوی در زمینه‌ی مسایل حقوقی زنان شاغل و دشواری کار زنان در ایران انجام بدهم اما در همان آغاز کار، مسئله‌ای بغرنج به نام «دورکاری» نظرم را جلب کرد زیرا متوجه شدم که در شرایط بحران فزاینده‌ی بیکاری در کشور، زنان شاغلی که همه کمبودها و نارسایی‌های حقوقی کار و تأمین‌اجتماعی و انواع و اقسام دشواری‌های عرصه کار و کارمندی را به جان خریده‌اند تا مشارکتی برابر با مردان داشته باشند این بار با دورخیز دولت و برای بیرون رانده شدن از عرصه کار و اجتماع، مواجه شده‌اند. می‌دانیم که چندی پیش متن کامل آئین‌نامه «دورکاری « یا «کار درخانه» کارمندان دولت به منظور انجام وظایف محول شده بدون حضور فیزیکی کارمند واجد شرایط در محل کار سازمان خود، ابلاغ شد. به موجب این آئین‌نامه حضور فیزیکی کارمند واجد شرایط در محل کار خود برای انجام وظایف محوله برای دوره زمانی مشخص، لازم نمی‌باشد . به گفته عضو فراکسیون زنان مجلس خانم فاطمه آلیا «دورکاری موجب آرامش فکری زنان می‌شود، زنان با حضور در محیط خانه بهتر می‌توانند به خانه‌داری و رسیدگی به فرزندان بپردازند و این موضوع موجب افزایش بهره‌وری و حتی صرفه‌جویی در مصرف انرژی می‌شود.» آیا به راستی آئین‌نامه «دور کاری» گام مثبتی است در بهبود شرایط کاری کارمندان، خاصه کارمندان زن؟

مسئله‌ی کاهش ساعت کار زنان چند سالی است که به عناوین مختلف در دوره‌های متعدد در مجلس مورد بررسی قرار گرفته و مصوباتی هم در این خصوص وضع گردیده است . به عنوان مثال می‌توان به قانون خدمات نیمه‌وقت بانوان مصوب سال ۱۳۶۲ ، و قانون نحوه‌ی اجرای آن مصوب سال ۶۴ و بالاخره اصلاحات صورت گرفته در سال ۷۶ اشاره کرد که به موجب آن در صورت درخواست بانوان کارمند رسمی و ثابت و موافقت بالاترین مقام دستگاه ، خدمات آنها به صورت نیمه‌وقت یا سه‌چهارم ساعت کاهش می‌یابد . لایحه‌ی کاهش ساعت کاری بانوان در سال ۱۳۸۵ به دولت داده شد اما به تازگی اعلام شد که این مصوبه به دلیل هزینه‌بر بودن، مورد استقبال قرار نگرفته و درعوض آئین‌نامه «دور کاری» با اولویت زنان، جایگزین مصوبه کاهش ساعت کاری زنان می‌شود .

بر اساس این مصوبه هر دستگاه و ارگانی موظف است ۳۰ تا ۴۰ درصد از نیروهای خود را به دورکاری و کار کردن در بیرون از محیط کار دعوت کند. لازم به ذکر است که بنا با اظهارات عضو فراکسیون زنان مجلس ، «این آئین‌نامه با اولویت قرار دادن زنان داری نوزاد و بیمار به دستگاه‌ها ابلاغ شده و از این پس زنان می‌توانند از مزایای این قانون استفاده کرده و در منزل به کار خود بپردازند» . به عقیده طرفداران این طرح یکی از مزایای دورکاری زنان کارمند، رسیدگی بهتر به امور خانواده و فرزندان است. خانم نیره اخوان بیطرف عضو کمیسیون حقوقی قضایی مجلس نیز با دید مثبت به این طرح نگریسته و اعتقاد دارند که با اجرای این طرح، زنان فرصت بیشتری برای رسیدگی به امور همسرداری و فرزندداری خواهند داشت.

اما جای سؤال آن است که این طرح شامل چه قشری می‌شود و چه مشاغلی را در بر می‌گیرد ؟ تعداد کثیری از زنان شاغل،



به شغل آموزگاری، و یا پرستاری از بیماران مشغول هستند و عده‌ای دیگر در کارخانه‌ها در امر تولید ملی نقش بسزایی دارند که آمار رسمی گواهی است بر صحت این ادعا. حال چگونه می‌شود یک پرستار، آموزگار و یا کارگری در کارخانه تولیدی، در منزل به امور همسر و بچه‌هایش بپردازد و در آن واحد کارهای اداری‌اش را نیز انجام دهد. یا این‌که چگونه نماینده زن مجلس می‌تواند بدون حضور در مجلس و ارتباط با مردم حوزه‌ی انتخابی‌اش، امور ملت را از خانه‌ی خود به نحو احسنت، اداره کند؟

درست است که این آئین‌نامه، مردان کارمند را نیز در بر می‌گیرد اما در اولویت قرار دادن زنان خود گواه همان نگاه مردسالارانه است که زن را فقط در چهارچوب خانه می‌طلبد و مرد را بیرون از خانه. بنابراین لازم است کمی دقیق تر به این مصوبه نگریست و این سوال را مطرح کرد که آیا اجرای این طرح، زنان را عملا به حاشیه نمی‌راند و عدم حضور آنان در اجتماع عرصه را برای حضور پر رنگ تر و همه جانبه مردان آماده نمی‌سازد؟

در دیباچه قانون اساسی آمده است که زنان به دلیل ستم بیشتری

که تا کنون از نظام طاغوتی متحمل شده‌اند، استیفای حقوق آنان بیشتر خواهد بود . بعلاوه زن از حالت «شی بودن» و «ابزار کار بودن» خارج شده و ضمن بازیافتن وظیفه خطیر مادری، در پرورش انسان‌های مکتبی پیشآهنگ و خود همرزم مردان در میدان‌های فعالیت حیات می‌باشد و در نتیجه پذیرای مسولیتی خطیرتر و در دیدگاه اسلامی برخوردار از ارزش و کرامتی والاتر خواهد بود. مضافاً به این‌که به موجب اصل ۲۱ قانون اساسی دولت موظف است برای ایجاد زمینه‌های مساعد برای رشد شخصیت زن و احیای حقوق مادی و معنوی او بکوشد. اما سوال اساسی این است که تا کنون دولت واقعاً چه قوانینی در جهت حمایت از حضور فعال زنان در جامعه وضع کرده و چه تدابیری در بازیافت حقوق از دست رفته آنان اتخاذ کرده است؟

سال‌های متمادی است که زنان برای به دست آوردن جایگاه خود در اجتماع کوشیده‌اند و در این راه هزینه‌های زیادی پرداخته‌اند. فراموش نکنیم که سنت‌گرایان نقش زن را فقط محدود به چهارچوب خانه می‌کنند و وظیفه‌ای جز نگاه‌داری از فرزند و همسر برای او نمی‌شناسند . البته ایفای وظایف مادری برای زنان همواره اهمیت فراوان داشته و از این رو زنان نیز همواره مصر بوده‌اند که کارها و فعالیت‌های اجتماعی‌شان مانعی در این راه نباشد. شاید مردان حضور زنان شاغلی که بیشتر از آنان تلاش کرده، در کوران زندگی ورزیده شده و سرمشق‌های اصلی در عرصه‌ی کار را آموخته‌اند، و در نتیجه، گوی سبقت از همترازان مرد، ربوده‌اند را بر نمی‌تابند و از این رو تلاش می‌کنند تا با عملی کردن چنین طرح‌هایی، بار دیگر زنان را به پستوی خانه‌هایشان بر گردانند.



ا ما با ید ا ین حقیقت را پذیرفت که شرایط جامعه تغییر پیدا کرده است. بیش از ۶۰ درصد دانشجو یان دانشگاه‌ها دختر هستند و حتی در برخی مراتب علمی از برادران خود پیشی جسته‌اند. نه زنان و دختران ایرانی و نه مردان و پسران آنهایی هستند که در ۶۰ یا ۱۰۰ سال پیش زندگی می‌کرده‌اند بنا بر این پرسش این جاست که آیا می‌توان عقربه‌های گذر زمان را به عقب برگرداند؟

پُر واضح است که اجرای این طرح به بیکار شدن زنان می‌انجامد و مردان به راحتی جایگزین آنان می‌شوند. لذا دوباره بار تأمین



معیشت به تمامی بر دوش مرد قرار می‌گیرد و از این رهگذر ریاست خود را بر خانواده مستحکم می‌نماید. دولت‌مردان اگر امکان دست‌یابی به حقوق برابر را به زنان نمی‌دهند، لااقل همین مشارکت نیمبند و بی‌پشتوانه‌ی اجتماعی ـــ که محصول تلاش خود زنان است ـــ را از آن‌ها نگیرند .

منبع : مدرسه فمینیستی

****

به امید جهانی شایسته و عاری از کار کودک

طبق مقاوله نامه ۱۸۲ سازمان جهانی کار، که ایران نیز در سال ۱۳۸۰ به آن پیوست، کشورهای جهان با پیوستن به این مقاوله نامه '' ملزم به اتخاذ تدابیر فوری وموثر برای محو بدترین اشکال کارکودک'' هستند.
در عین حال در این مقاوله نامه تاکید شده است که در تهیه گزارش باید با اتحادیه ها و نهادهای کارگری کشور خود هماهنگ باشند. اما حکومت ایران هرساله گزارش ها و آمارهای نادرست و دستکاری شده به مجامع بین المللی می دهد /

بحث کودکان کار که در کمتر از د وده گذشته به همت و تلاش تشکل های غیردولتی حامی کودکان در جامعه ما گسترده تر و در مطبوعات مجاز پیگیری شده است، یکی از معضلات دردناک کشورماست که با وخیم شدن وضع اقتصادی مردم و هم اکنون نیز با اجرای " هدفمند سازی یارانه ها" روز به روز به وسعت آن اضافه می شود. اما همان طور که این تشکل ها مطرح می کنند رژیم هیچگاه آمار واقعی از کار کودکان را اعلام نکرده است. یا در صدد حذف صورت مسئله بوده یا آمارهای غیرواقعی ارائه کرده است که همین آمارهای غیرواقعی هم به اندازه کافی گویای وضعیت وخیم کارکودکان در ایران است.
طبق مقاوله نامه ۱۸۲ سازمان جهانی کار، که ایران نیز در سال ۱۳۸۰ به آن پیوست، کشورهای جهان با پیوستن به این مقاوله نامه " ملزم به اتخاذ تدابیر فوری وموثر برای محو بدترین اشکال کارکودک" هستند. در عین حال در این مقاوله نامه تاکید شده است که در تهیه گزارش باید " با اتحادیه ها و نهادهای کارگری کشور خود هماهنگ باشند". اما حکومت ایران هرساله گزارش ها و آمارهای نادرست و دستکاری شده به مجامع بین المللی می دهد که آشکارا کمک به سودجویانی است که به استثماربی رحمانه کودکان مشغولند. چرا که در کشور ما تشکل های مستقل کارگری – اگر وجود داشته باشند – هیچگونه نقشی در خصوص چگونگی اجرای این مقاوله نامه ندارند.
طبق یکی از آمارهای رسمی ۱ میلیون و ۷۰۰ هزار کودک کار در رده سنی ۱۸-۱۰سال در کشور وجود دارند که حدود ۷۰۰ نفر آنان زیر ۱۵ سال داشته و به کارهای سخت یا مشاغل پیش پا افتاده مشغولند و وزارت کار نیز طبق قانون خود تعهدی در برابر آنان ندارد. اما برخی از کارشناسان (از جمله شبکه یاری کودکان ایران) این رقم را تا ٤ میلیون نفر ذکر می کند چرا که افزایش بی رویه فقر ، خانواده ها را نیازمند به کار کودکان می کند و طبق پژوهشی که از سوی شهرداری تهران انجام شده است، بیش ار ۹۵ کودکان کار و خیابان دارای خانواده بوده و برای تامین مخارج خانواده هایشان به کار روی آورده اند.
به علاوه ماده ۷۹ قانون کار ایران می گوید " به کار گماردن افراد زیر ۱۵ سال تمام ممنوع است " (یعنی طبق قانون کار، کودکان کار زیر ۱۵ سال نباید داشته باشیم اما میلیون ها کودک در شهرها و روستاها به خاطر فقر به کار طاقت فرسا مشغولند) اما هیچ نظارتی هم بر مشاغل همین کودکان ۱۸-۱۵ سال وجود ندارد . اکثر این کارگران نوجوان در کارگاههای کمتر از ۱۰ نفر مشغول به کارند که قانون کار شامل آن ها نشده و از بیمه و تامین اجتماعی بی بهره اند. ساعات کار در کارگاههای غیر مجاز یا زیر زمینی با کودکان اغلب زیر ۱۵ سال، بین ١٤-١٠ ساعت است که در کارگاههائی



ازقبیل کارگاه نساجی، تولید مواد شیمیائی، قالیبافی، بسته بندی سبزیجات ... در فضای نا مناسب و بدون نور این کودکان منبع سود فراوان برای کارفرمایان خود هستند. چرا که آنان بدلیل " حرف شنو" بودن و " دردسر کمتر" و دریافت دستمزد کمتر، در حاشیه" امن و بدون نظارت" رژیم به کار اشتغال دارند.
بر اساس تحقیقی که توسط دانشگاه شهید بهشتی انجام شده حدود ۵۰ درصد کودکان کار مورد تنبیه بدني و ۱۰ در صد مورد سوء استفاده جنسی قرار می گیرند. سایت " جهان نیوز" ۱۷ فروردین امسال اعلام داشت که " پژوهشی میدانی در مورد ۵۸۵ کودک کار در گروه سنی ۱۸- ١٦نشان می دهد که ۵۰ در صد این کودکان توسط صاحبان کار مورد آزار قرار می گیرند" .
خبرگزاری "مهر" ١٦ خرداد گذشته گزارشی دارد مربوط به کار کودکان در خیابان ناصرخسرو:
" . ..با ترفند.. وارد یکی از کارگاهها می شویم. دراطاق های ۲۰ متری با دیوارهای بلند که روزنه نوری به جز در ورودی اتاق ندارد، ٦۰ کودک ۱۳-۱۰ ساله ایرانی و افغانی به سرعت مشغول کار هستند" . بنا بر همین گزارش ساعات کاری از ۸ صبح تا ۱۲ شب و حقوق کودکان ۳۰۰-۱۵۰ هزار تومان در ماه است. در

سرکشی به یکی دیگر از کارگاهها، از کودک ۸ ساله ای نام برده می شود که روزی ۵۰ کیف چرمی درست می کند...

این فقط گوشه ای دردناک از کار کودکان ایران است که به خاطر فقر ناشی از سیاست های اقتصادی رژیم برای کمک به معیشت خانواده ها دنیای کودکی و تحصیل را رها کرده و به کارطاقت فرسا مشغولند. بیشتر اوقات کار این کودکان و نوجوانان برخلاف کار کودکان خیابانی که در چهارراه ها و ترمینال ها و میادین به فروشندگی و کارهای پیش پا افتاده مشغولند و قابل دیدن هستند از انظار پنهان است.

سال گذشته در آستانه روز کارگر "انجمن حمایت از حقوق کودکان "از وزارت کار و امور اجتماعی طی بیانیه ای درخواست کرد تا از اقداماتش در جهت جلوگیری از استثمار کودکان گزارشی ارائه و شفاف سازی کند. چرا که بزعم این انجمن بر اساس برخی شاخص ها بهبود چندانی در جلوگیری و کاهش استثمار کودکان مشاهده نمی شود. همان طور که انتظار می رفت وزارت کار تا امروز هیچگونه واکنشی به این بیانیه نشان نداده است. به دلیل نکات مهم و واقعیت های دردناک مطرح شده در این بیانیه که همچنان مسئله مبرم روز است، بخشی از آن را بدون تغییر به اطلاع



خوانندگان عزیزخود می رسانیم.

این انجمن ضمن تبریک اول ماه مه به کارگران می نویسد:

"..در کشور ایران نیز متأسفانه علیرغم فقدان شفافیت در آمارهای مربوط به کار کودکان، براساس برخی شاخص ها بهبود چندانی در جلوگیری از کار کودکان و کاهش آن مشاهده نمی شود. بنا بر آمارهای موجود در حدود یک و نیم میلیون کودک کار در کشور وجود دارد و آمار کودکان خارج از چرخه تحصیل نیز نشان می دهد بیش از سه و نیم میلیون کودک لازم التعلیم خارج از چرخه تحصیل بوده و در معرض ورود به عرصه کار و مناسبات اقتصادی هستند."

مطابق با متن این بیانیه ، با توجه به پیامدهای زیان آور کار کودکان، انجمن حمایت از حقوق کودکان، این پدیده را نشانه ای از نقض آشکار حقوق کودک می داند و برای حل این مسئله خواستار توجه جدی مسئولین و جامعه به موارد زیر است:

۱– فقدان نظام آماری شفاف و قابل استناد و قابل پایش در مورد تعداد کودکان کار که هرگونه سیاست گذاری و برنامه ریزی در این زمینه را با نقص جدی مواجه می سازد. لذا لازم است مسئولین با ایجاد نظام آماری معتبر در این زمینه، تمهیدات اولیه برای برنامه ریزی در جهت مقابله با این مسئله اجتماعی را فراهم سازند.

۲–علی رغم وجود سازمان ها و نهادهای متعدد که هر یک به نوعی به مسئله کار کودک و کودکان کار مرتبط هستند (مانند وزارت کار و امور اجتماعی، سازمان بهزیستی، شهرداری و...)، در ایران هنوز متولی مشخص و پاسخگویی برای مسئله کودکان کار وجود ندارد و ناهماهنگی های بین بخشی و عدم مسئولیت پذیری جدی سازمان های موجود و فقدان برنامه ملی مشخص برای مقابله با کار کودکان این مسئله را در هاله ای از ابهام و بلاتکلیفی فرو برده و زمینه گسترش بیش از پیش این معضل را فراهم آورده است. به همین جهت، تدوین برنامه ای ملی و فراگیر و روشن ساختن مسئولیت های قانونی هریک از سازمان های موجود، برای کاهش این مسئله و مقابله با آن ضروری است.

۳–گسترش کار کودکان با شاخص های اقتصادی–اجتماعی کلان کشور هم چون فقر، بیکاری، شکاف طبقاتی، تورم و گسترش آسیب ها و مسائل اجتماعی هم چون مهاجرت، حاشیه نشینی و فروپاشی خانواده ها در اثر طلاق در ارتباط است. تداوم روند کنونی شاخص های مذکور، عاملی ساختاری در جهت گسترش پدیده کار کودکان در ایران است که در این زمینه گسترش کمیت و کیفیت برنامه های واقع بینانه و مداوم (و نه مقطعی) در زمینه رفاه و تأمین اجتماعی برای اقشار و خانواده های فقیر و آسیب پذیر می تواند از گسترش ساختاری مسئله کار کودک جلوگیری نماید.

٤–خلاء قانونی و فقدان مکانیزم های نظارتی کارآمد بر روابط و محیط های کارو نبود اقدام جدی از سوی وزارت کار و امور اجتماعی، عرصه را برای بهره کشی از کودکان در کارهای سخت و زیان آور و غیرقانونی فراهم نموده است. در این زمینه با بازنگری در قانون کار از جمله قانون خارج کردن کارگاه های زیر ده نفر از شمول قانون کار (که بطور عمده کودکان در این کارگاه ها مشغول به کارند) لازم است وزارت کار و امور اجتماعی، سیستم نظارتی پاسخگویی برای جلوگیری از بهره کشی کودکان در این گونه محیط ها و مشاغل ایجاد نماید و با ارائه گزارشی شفاف از فعالیت های خود در این زمینه، در عرصه افکار عمومی مانع از ایجاد امنیت برای سودجویان در این عرصه گردد.

۵–با توجه به رواج برخی ارزش ها، باورها و سنت های تأییدکننده

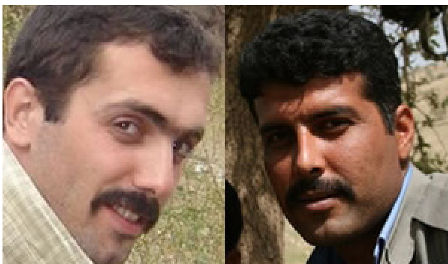
و توجیه کننده ی کار کودکان در عرصه فرهنگ و مناسبات اجتماعی، لازم است رسانه ها و نهادهای فرهنگی با ترویج حقوق کودک در جهت اصلاح این نگرش ها اقدام نمایند.
۶-سیاست های اقتصادی-اجتماعی کشور، در دگرگونی های مسئله کار کودک بسیار موثر است. در شرایط کنونی که بحث مهم هدفمند کردن یارانه ها در کشور مطرح شده است، لازم است توجه جدی به منافع عالیه کودکان در این برنامه ها لحاظ گردد. در صورت فقدان اقدامات جبرانی و ترمیمی، این برنامه با گسترش تورم و افزایش هزینه های خانواده های فقیر و در معرض آسیب، رفاه کودکان را به طور جدی تهدید می کند و زمینه را برای گسترش کار کودک فراهم می سازد. از سوی دیگر، این امر از این جهت اهمیت بیشتری یافته است که در حال حاضر زمزمه های توقف برنامه کاهش رشد جمعیت و اجرای سیاست های تشویق زاد و ولد در کشور مطرح شده است که مسلما این برنامه های تشویقی بیشتر از همه، اقشار و طبقات پائین و فقیر که عمدتا در روستاها و حاشیه ها ساکن هستند را به خود معطوف خواهد کرد، که نتیجه آن گسترش حجم خانواده های فقیر و افزایش بار تکفل در آنهاست که با توجه به شیوع فراوان بیکاری در این اقشار، در صورتی که در این زمینه ، اقدام سنجیده ای صورت نگیرد موجبات افزایش جمعیت فقیر و به تبع آن گسترش جمعیت کودکان در معرض فقر را در آینده فراهم خواهد کرد، که نتیجه محتمل آن گسترش کار کودکان است. در حالی که این خانواده ها در شرایط کنونی، به لحاظ اقتصادی به کار کودکانشان وابسته اند و از تأمین هزینه های تحصیلی، بهداشتی و درمانی و سایر هزینه های رشد طبیعی کودکانشان ناتوان هستند، تشویق آنها به داشتن فرزندان بیشتر با ابزارهای مالی موقت، این خانواده ها را به استفاده بیشتر از نیروی کار کودکانشان تشویق خواهد کرد. لذا به نظر می رسد قبل از افزودن بر بار تکفل خانواده ها، لازم است با برقراری حمایت های مالی از خانواده هایی که هم اکنون به کار کودکانشان نیازمند هستند، از گسترش کار کودکان در جامعه جلوگیری کرد."
از "ایلنا" - ۸ اردیبهشت ۸۹
گزارش فوق با آرزوی جهانی شایسته و عاری از کار کودک پایان می پذیرد.
و این امر جز با تلاش و مبارزه متحد در جهت رسیدن به آزادی و عدالت اجتماعی و اقتصادی و سیاسی به ویژه در کشورهای استبداد زده مثل کشور ما امکان پذیر نیست.

ما زنان
هفت اریبهشت ۱۳۹۰

****

برای نجات جان حبیب الله لطیفی و شیرکو معارفی همه توان خود را به کارگیریم!

هر لحظه احتمال اجرای حکم اعدام این دوزندانی سیاسی کرد وجود دارد.



بنا به گزارشات موثق از وضعیت زندانیان سیاسی در سنندج، حکم اعدام حبیب الله لطیفی، زندانی سیاسی محکوم به اعدام کرد که چند ماه قبل متوقف شده بود، توسط بالاترین مرجع قضایی تائید و مجددا به دایره اجرای احکام فرستاده شده است.
خانواده حبیب الله لطیفی که همزمان با شدت گرفتن احتمال اجرای حکم حبیب الله لطیفی برای مدتی بازداشت شده بودند، بعد از آزادی از مصاحبه با رسانه ها در خصوص پروند فرزندشان منع شده اند، با این وجود الهه لطیفی، در مصاحبه ای ضمن تائید قطعی شدن حکم برادرش در دیوان عالی کشور، جزئیاتی را که فعالان مدنی سنندج در مورد این پرونده گفته اند تائید می کند.
از طرفی دیگر شیرکوه معارفی ۳۲ ساله، اهل بانه در نهم مهرماه سال ۱۳۸۷ دستگیر شد و از سوی شعبه اول دادگاه انقلاب سقز متهم به محاربه و عضویت در یکی از احزاب کردستان به اعدام محکوم شد.
شعبه ٤ دادگاه تجدید نظر استان حکم را عیناً تایید و در مهر ۸۸ نیز دیوان عالی کشور حکم را تایید کرده است. و مجددا به دادگستری شهرستان سقز ارجاع داده شده و از انجا به شعبه اجرای احکام فرستاده شد.
بنا به گزارشات تایید شده شعبه اجرای احکام پرونده را به زندان، جهت اجرای حکم فرستاده است.
بنابر این هر لحظه احتمال اجرای حکم اعدام این دو زندانی سیاسی کرد وجود دارد.

فعالان کارگری را آزاد کنید!

خانواده زندانیان سیاسی کارگری همزمان با فرارسیدن روز جهانی کارگر خواستار آزادی این زندانیان شدند. آنها می پرسند آیا کسی در روز جهانی کارگر به فکر آزادی این زندانیان هست؟

به گزارش خبرنگار کلمه، یازدهم اردیبهشت روز جهانی کارگر است ، اما هنوز خبری از آزادی زندانیان کارگری و حتی اعطای مرخصی به آنها نیست .

ابراهیم مددی ، منصور اسانلو ،رضا شهابی، بهنام ابراهیم زاده تنها تعدادی از فعالان کارگری هستند که درشرایطی کاملا غیر انسانی، بدون استفاده از حق مرخصی و ملاقات حضوری هم اکنون در زندان نگهداری می شوند، خانواده این فعالان کارگری از همه مسوولان قضایی و امنیتی می خواهند که به این حبس های غیر عادلانه پایان دهند .
منصور اسانلو، رییس سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران است. او هم اکنون در زندان رجایی شهر کرج به سر می برد، اسانلو به دلیل ناراحتی قلبی به شدت بیمار است . تا جایی که همه پزشکان زندان رای به جراحی قلب او داده اند. اما با این وجود دادستان تهران با مرخصی پزشکی این زندانی سیاسی مخالفت می کند. پروانه اسانلو همسر وی بارها در مصاحبه هایش درخواست کرده که به وضعیت این زندانی که بیش از چهار سال است از هرگونه مرخصی محروم بوده رسیدگی کنند .
همسر وی از همه خواسته است :« هر کسی به طریقی که می تواند به آزادی زندانیان سیاسی کمک کند، دریغ نکند. همسر من بیمار است و با این شرایط زندان را فقط به خاطر مردم و آرمانهایش تحمل می کند. این عزیزان را از یاد نبریم.»
رضا شهابی، دیگر فعال کارگری زندانی ماه هاست که بلاتکلیف دربند ۲۰۹ زندان اوین به سر می برد .وی که از اعضای هیات مدیره سندیکای شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه محسوب می شود از خردادماه ۱۳۸۹ با وجود حکم قاضی و تودیع وثیقه ٦۰ میلیون تومانی توسط خانواده همچنان در زندان است .او در تاریخ ۱۹ مهر ماه، بازداشت شد .
بهنام ابراهیم زاده، دیگر فعال کارگری زندانی در بند ۳۵۰ زندان اوین به سر می برد . به تازگی حکم ۲۰ سال زندان وی توسط دیوانعالی کشور نقض و برای بررسی مجدد به شعبه ۲۸ دادگاه انقلاب به ریاست قاضی مقیسه ارسال شده است .
ابراهیم زاده روز ۲۲ خرداد سال گذشته توسط ماموران امنیتی در تهران بازداشت شد طبقه قوانین با نقض حکم صادره، بهنام باید از زندان آزاد شود اما بازجوهای وزارت اطلاعات مانع آزادی وی شده اند.

ابراهیم مددی ، نایب رئیس هیات مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران وحومه از دیگر فعالان کارگری است که از سال ۸۵ بازداشت و هم اکنون در زندان رجایی شهر نگهداری می شود، مددی هم به شدت بیمار است و برای معالجه نیاز به مرخصی دارد اما مسوولان همچنان با مرخصی او مخالفت می کنند .

اما این همه نام های زندانیان کارگر یا فعال کارگری نیست که در روز جهانی کارگر در زندان نگهداری می شوند. هم اکنون کارگران زیادی در زندان های سراسر کشور به سر می برند، بدون اینکه کسی نامی از آنها بر زبان رانده شده باشد .گروههای مختلف حقوق بشری همزمان با روز کارگر با صدور بیانیه های متعدد گفته اند که آنها را در روز جهانی کارگر آزاد کنید .

رفقای گرامی
کمیته مرکزی حزب توده ایران، برگزاری دوازدهمین کنگره سازمان فدائیان خلق ایران اکثریت را به شما تبریک می گوید و موفقیت شما را در برگزاری کنگره تان آرزومند است.
رفقای عزیز
تاریخ مبارزات دهه های اخیر حزب ما و سازمان شما در راه استقلال، آزادی، عدالت اجتماعی و سوسیالیسم در میهن مان، با هم پیوند نزدیکی دارد. این حقیقتی است که در مبارزه چند بعدی و بغرنجی که برای رهاندن مردم زحمتکش میهن مان از حکومت استبدادی رژیم ولایت فقیه و پایه ریزی آینده یی دموکراتیک و آزاد جریان دارد، پیوندهای نزدیکی میان مبارزات حزب ما و سازمان فدائیان خلق ایران اکثریت وجود دارد و خواهد داشت. این امر محصول این حقیقت است که بنیان های تاریخیِ سیاست های حزب ما و سازمان شما بر بسترِ مبارزه برحقِ زحمَتکشان در راه صلح، پیشرفت و عدالت اجتماعی قرار داشته اند. ما معتقدیم، و تاکید می ورزیم که، اتحاد عمل نیروهای مترقی، ملی و آزادی خواه میهن ما، به ویژه اتحاد عمل میان نیروهای مدافع حقوق کارگران و زحمتکشان، عامل اساسی و انکار ناپذیری در مسیر ایجاد یک جایگزین مردمی و دموکراتیک در برابر رژیم ضدمردمی ولایت فقیه است.
رفقای عزیز!
اجلاس دوازدهمین کنگره شما در شرایط بسیار بغرنج و حساسی از حیات میهن مان برگزار می شود. شما در شرایطی به تدوین تاکتیک ها و استراتژی مبارزات خود کمر همت بسته اید که استبداد گران رژیم ولایت فقیه از یک سو، و محافل قدرتمند امپریالیستی که هدف خود را گسترانیدن نظارت بی چون و چرای خود بر سراسر منطقه خاورمیانه و خلیج فارس اعلام کرده اند از سوئی دیگر، استقلال کشور و امکان تحولات صلح آمیزدر میهن مان را به مخاطره انداخته اند. بحران همه جانبه بی سابقه سیاسی، اقتصادی و اجتماعی کشور را در چنگال خود گرفته است. رژیم ولایت فقیه در بحران بی اعتباری و عدم مشروعیت سیاسی عمیقی درگیر است. وسیع ترین قشرهای جامعه از زحمتکشان گرفته تا لایه های وابسته به طبقات متوسط و تقریباً مرفه جامعه، از جوانان، دانشجویان و زنان مبارز گرفته تا کارگران، روشنفکران متعهد، در برابر رژیم ولایت فقیه جبهه گرفته اند و مخالفت صریح خود را با سیاستِ های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی آن اعلام کرده اند. از ۲۲ خرداد ماه ۱۳۸۸ که رژیم با تقلب آشکار آراءِ مردم را نادیده گرفت و احمدی نژاد، کاندیدای ارتجاعی ترین محفل های حکومتگران، را برنده انتخابات اعلام کرد، مبارزه یی شکوهمند به منظور ایجاد شرایط برای اصلاحات واقعی، و برکناری رژیم، جریان داشته است. با وجود در پیش گرفتن جنایتکارانه ترین سیاست ها، رژیم به حاکم کردن سکوت قبرستانی بر کشور موفق نبوده است، و به همین دلیل هر روزه عنصر نظامی- امنیتی در ترکیب آن پررنگ تر می شود.
نیروهای ارتجاعی حاکم بر کشور، که در خرداد ماه ۱۳۸۸ بر پایه تقلب های گسترده و دستکاری در نتایج انتخابات ریاست جمهوری توانستند حاکمیت کامل خود را بر اهرم های قدرت دولتی مستقر کنند، کشور را به لبه بحرانی ژرف و خطرناک کشانده اند. این در شرایطی است که ایالات متحده آمریکا و متحدان اروپائی آن، به طمع دستیابی و اعمال تسلط خود بر بازار وسیع ایران و منابع سرشار انرژی و انسانی آن، با بهره جویی از سیاست های نمایشی و تحریک آمیز سران رژیم، طرح های مخاطره انگیزی را به جریان انداخته اند که استقلال و تمامیت ارضی کشور مان را هدف گرفته اند.
حقیقت اینکه، به دلیل سیاست های رژیم، همداستانی بین المللی بی سابقه ای بر ضد کشورمان شکل گرفته است. شورای امنیت سازمان ملل تاکنون ٤ بار رای به ادامه و تشدید تحریم ایران داده است، و این نگرانی جدی وجود دارد که ایالات متحده، با هماهنگی با متحدان خود در منطقه، دست به اقدام های تبهکارانه ای بزند که امنیت و تمامیت ارضی کشور را مورد تهدید جدی قرار دهد. در این شرایط وظایف دشواری در پیش روی همه نیروهای مترقی و آزادی خواه و جنبش مردمی میهن ما قراردارد.
رفقای عزیز!
تحولات ماه های اخیر، در کشورهای شمال آفریقا و خاورمیانه ، قیام توده های محروم برضد دیکتاتوری، ستم طبقاتی و فساد حکومتی، و به چالش کشیده شدن رژیم های دیکتاتوری، شرایط جدیدی را در منطقه به وجود آورده است. این قیام های مردمی، با شعار های مشخص خود در خواستار شدن عدالت اجتماعی، در مخالفت با فساد، و مطالبه دموکراتیک شدن حیات جامعه، و با حضور میلیونی در میدان نبردی نابرابر، بار دیگر قانونمند بودن انقلاب های اجتماعی را به اثبات رسانده اند، و نقش مبارزه هدفمند در جهت تغییر های پایه ای را به نمایش گذارده اند. این تحولات به لحاظ گستردگی طیف نیروهای شرکت کننده، شعارها، و تاکتیک های مبارزاتی مردم، شباهت های حیرت آوری با جنبش اعتراضی مردم ایران در دو سال اخیر دارد، و می توان گفت که از آن تاثیر مشخص گرفته اند. در مصر و تونس، سران رژیم های دیکتاتوری به زیر کشیده شده اند و مبارزه برای پیش بردن تحولات عمیق و بنیادین اجتماعی و اقتصادی در حال حاضر در جریان است. نقش اتحادیه های کارگری و تشکل های کارگری در این قیام ها برجسته بوده است. در اردن، الجزیره، ، یمن و بحرین رژیم های وابسته و سرکوبگرحاکم با توسل به دادن برخی وعده وعیدها در مورد انجام اصلاحاتی ظاهری و از بالا از یک سو، و بسیج نیروهای نظامی و سرکوبگر از سوی دیگر، سعی به غلبه بر جنبش های مردمی داشته اند. موضع محافل امپریالیستی در رابطه با

تحولات بحرین و یمن و اردن و چشم بستن آن ها بر جنایات رژیم های سرکوبگر دست نشانده شان، پوچ بودن ادعای کشورهای امپریالیستی در طرفداری ازحقوق بشر و دموکراسی را به اثبات می رساند. اعلام جنگ ایالات متحده، انگلستان و فرانسه برضد معمر قذافی، رهبر دیکتاتور لیبی، نه فقط در راستای حمایت از مبارزه مردم لیبی برای اصلاحات اجتماعی و سیاسی ترقی خواهانه و دموکراتیک نیست، بلکه با هدف دستیابی به منابع عظیم نفتی این کشور و انقیاد استعمارگرانه آن است. این تحولات به وضوح این حقیقت را آشکار می سازد که کشورهای سرمایه داری چگونه زیر نام مبارزه در جهت ارزش ها و معیارهای تمدن "غربی" و "جنگ بر ضد تروریسم"، از قدرت دولتی برای پیشبرد منافع سیاسی، نظامی و ایدئولوژیکی انحصاری خود بهره می گیرند.

رفقای گرامی!

در سال های اخیر، عمده توان نیرو های سیاسی، دموکراتیک و مردمی کشور صرف پیدا کردن راهی برای غلبه بر بحران همه جانبه ای شده که میهن مان را درخود فرو برده است. سیاست های رژیم حاکم در همه عرصه های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی جامعه، منافع اکثریت مردم کشور را مورد تهدید قرار داده است. در حالی که خصوصی سازی و تاراج سرمایه های کشور، فقر و بیکاری را به واقعیتی دهشت زا برای بخش های عمده ای از زحمتکشان ایران تبدیل کرده، رژیم با اجرای قانون "هدفمند کردن یارانه ها" در آذر ماه امسال، برنامه دیرینه خود را به منظور گسترش بهره کشی و غارت ثروت های ملی، به مرحله اجرا در آورد. به موازات اجرای این طرح، رژیم سرکوبگر با تهاجم به آزادی های سیاسی، برقراری محدودیت های فرهنگی و اجتماعی، تعطیل مطبوعات مستقل، و بازداشت و زندانی کردن روزنامه نگاران و اندیشمندان جامعه ، عملاً ایران را به زندان اکثریت مطلق مردم تبدیل کرده است. ما بر این باوریم که، گردان های گونه گون جنبش اجتماعی در میهن مان، که در سالیان اخیر هم از نظر سازمان دهی و هم به لحاظ ذهنی رشد قابل ملاحظه ای داشته اند، چون همه لحظات ۳۲ سال گذشته، در برابر این هجوم ارتجاع نیز مقاومت خواهند کرد. ادامه مبارزات گسترده کارگران و زحمتکشان، پیکار دلیرانه و راه جویانه جوانان و دانشجویان، حضور فعال روشنفکران، هنرمندان و نویسندگان مردمی و ترقی خواه، و مقاومت ستایش برانگیز زنان بر ضد رژیم، آن زمینه قدرتمندی است که نیروهای سیاسی کشور در سیاست گذاری خود و در این رابطه می بایست درنظر بگیرند. امری که باید بیش از همه توجه نیروهای ترقی خواه جامعه را به خود جلب کند، در پیش گرفتن سیاست های هماهنگ و واقع گرایانه یی اند که ادامه حضور توده ها در میدان مبارزات سیاسی روز میهن مان را امکان پذیر و آسان می سازد.

رفقای عزیز!

حزب توده ایران معتقد است که، در وضعیت کنونی توازن قوا در سطح جهان و منطقه، نیروهای مترقی کشورمان که هدف خود را ایجاد تغییرهای مهم و اساسی در اوضاع میهن مان قرار داده اند، وظیفه یی مهم در دفاع از صلح، و رویارویی با سیاست های ماجراجویانه امپریالیسم در رابطه با تحولات آینده کشورمان بر عهده دارند. مبارزه ما در دفاع از دموکراسی، حقوق بشر و عدالت اجتماعی نه تنها مباینتی با مبارزه برای صلح و حمایت از راه حل های صلح آمیز و مبتنی بر گفتگو ندارد، بلکه به طرز جدایی ناپذیری به آن وابسته است. اگر "جهانی دیگر ممکن است"، ما مبارزه برای آن را در شرایط کنونی از مسیر تحولات صلح آمیز، همبستگی بین المللی با دیگر خلق ها و مبارزه بر حق آن ها در دفاع از استقلال، دموکراسی و عدالت اجتماعی میسر و ممکن می دانیم.

رفقای فدائی!

حزب توده ایران، از دیر باز خواهان و دعوت کننده به ایجاد وسیع ترین جبهه متحد نیروهای ترقی خواه و دموکراتیک میهن برای سازمان دهی مبارزه یی موثر و هدفمند به منظور ایجاد تحولات جدی راه گشا در کشور و دستیابی به دموکراسی، آزادی و عدالت اجتماعی در کشورمان بوده است. دیدگاه ما، بر پایه تجربه های تاریخی و نمونه های موفق و کارآمد بین المللی، همواره چنین بوده است که، نیروهای معتقد به سوسیالیسم و مبارز در راه منافع زحمتکشان و طبقه کارگر، در طرح، ایجاد و به پیروزی رساندن چنین جبهه یی سهم ویژه ای دارند. ما میان آماج های دموکراتیک و عدالت خواهانه این جبهه وسیع، و اهداف دموکراتیک و سوسیالیستی نیروهای چپ و کوشنده در طریق سوسیالیسم، که حزب توده ایران خود را بخشی جدا ناپذیر از آن می داند، ارتباطی ناگسستنی و دیالکتیکی قائلیم.

ما همچنان بر این باوریم که، طرد رژیم ولایت فقیه، به مثابه سد اساسی راه تحولات میهن ما، در گرو سازمان دهی جنبش مردمی و گردان های اصلی آن است. این وظیفه خطیر، بدون تلاش و عمل متحد همه نیروهای مدافع حقوق بشر و معتقد به دموکراسی و عدالت اجتماعی، در زمینه های گوناگون، امکان پذیر نیست.

رفقای گرامی!

ما برای دوازدهمین کنگره شما در تدوین برنامه عملی برای مبارزات سیاسی آتی و رویارویی با تحولات پرشتاب، پیچیده و بغرنج کنونی، بار دیگر صمیمانه آرزوی موفقیت می کنیم.

با گرم ترین درود های رفیقانه

کمیته مرکزی حزب توده ایران

۲۷ فروردین ماه ۱۳۹۰

به نقل از نامه مردم، شماره ۸۶۸ ، ۱۹ اردیبهشت ۱۳۹۰

گرد سرفراز آزادی به یاد خسرو روزبه قهرمان ملی ایران

خسرو روزبه عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران و قهرمان ملی ایران، چهره و شخصیتی شناخته شده برای نسل های دیروز، امروز و مبارزان راه سعادت مردم بوده و هست.

به سبب تلقین های گروه هایی که خفتگی و سستی جامعه را به سود خود می یابند، هنوز بسیارند کسانی که مردان و زنان سترگ را به درستی نمی شناسند و از زندگی ها و مرگ های درخشان آنان درست درس نمی گیرند ... درست شناختن بزرگ مردان از لحاظ اجتماعی کاری ضرور است. باید تاریخ آفرینان را چنان که بوده اند، به عنوان کوشندگان خستگی ناپذیری که در پرتو همت و کار و پشتکار خود (و نه به موهبت موروثی یا مساعدت روزگار) فرهنگ مادی و فرهنگ معنوی بشریت را به سود انسان ها، به پیش برده اند ... شناسانید ... بخواهیم و بکوشیم که جامعه انسانی به برکت کار قهرمانی مردم بیش از پیش انسان های بزرگ بیافریند و خود به پای مردی آن بزرگان، آفرینشی نو یابد و آفریننده سعادت همگان شود!

[زنده یاد رفیق فقید امیر حسین آریان پور]



در سپیده دم ۲۱ اردیبهشت ماه گلوله کودتاچیان وابسته به آمریکا و انگلستان قلب پر شور مبارزی را نشانه رفت که از زمره بزرگ مردان تاریخ میهن ما و چهره نازدودنی راه آزادی و خوشبختی توده های محروم جامعه است. خسرو روزبه عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران و قهرمان ملی ایران، چهره و شخصیتی شناخته شده برای نسل های دیروز، امروز و مبارزان راه سعادت مردم بوده و هست.

نام، مبارزه، و قهرمانی سترگ خسرو روزبه الهام بخش همه رزمندگان راه آزادی، عدالت و سربلندی ایران به شمار می آید و غبار زمانه و تبلیغات مغرضانه دشمنان ترقی و پیشرفت، چه در ردای سلطنت و چه در قبای ولایت نتوانسته از جایگاه این قهرمان ملی در ژرفای جامعه و نزد پویندگان راستین حقیقت بکاهد. راز این پایداری و محبوبیت و احترام در زندگی، روش مبارزه، و اندیشه و اعتقادات رفیق خسرو روزبه نهفته است. او در دفاعیات خود گفته بود: "مطالعه سطحی اوضاع کنونی جامعه ایران و مقایسه شرایط زندگی طبقات مختلف نمی تواند موجب تاثر و تالم انسان نگردد. شکاف عمیق و عظیمی که بین طبقات مرفه و محروم جامعه دیده می شود و روز به روز ژرف تر می گردد، هرانسان صاحب احساس را متاثر و ملول می سازد و به فکر وا می دارد."

روزبه با سربلندی تمام در دفاعیات تاریخی خود می گوید: "من با کمال خلوص نیت و بدون توجه به منافع شخصی و بدون پروا از مرگ جانم را در کف اخلاص نهاده ام تا به مردم خدمت کنم ... من به اقتضای آتشی که بخاطر خدمت به خلق های ایران در درون سینه ام شعله می کشد راه حزب توده ایران را برگزیده ام و باید اذعان کنم که جانم، استخوانم، گوشتم، پوستم و همه تار و پود وجودم توده ای است. من عاشق سوسیالیسم و عاشق صادق آن هستم ... حزب توده ایران این افتخار را دارد که قایم به نیروی توده های ملت است و بخاطر منافع مردم تلاش می کند و چون نیروی ملت ها بی پایان و زوال ناپذیر است، حزب توده ایران نیز زوال ناپذیر خواهد بود و ماموریت تاریخی خود را عمل خواهد کرد. ..."

خلقی که فرزندی چون خسرو روزبه را در دامان خود پرورده، هرگز در برابر هیچ ستمگر و خودکامه ای سرتسلیم فرود نخواهد آورد.

در سالروز تیرباران خسرو روزبه، به خاطره نازدودنی او درود می فرستیم. راه و رسم روزبه، پرچم نسل نو مبارزان توده ای و پیکارگران راه آزادی در مصاف با استبداد ولایی است.

گل سرخ نو می کند یاد دوست
که رنگ گل سرخ از خون اوست
بهارا، گل تازه را یاد ده
ز سرو کهن، خسرو روزبه
...

[بر گرفته از شعر بلند "خون بلبل"، سروده ه. الف. سایه]

به نقل از نامه مردم، شماره ۸۶۸ ، ۱۹ اردیبهشت ۱۳۹۰

رفیق وارطان سخن نگفت!

رفیق شهید : وارطان سالاخانیان

روز ۱۸ اردیبهشت ۱۳۳۳ بدست دژخیمان شاه زیر وحشیانه ترین شکنجه ها شهید شد .

رفیق شهید وارطان سالاخانیان در ششم بهمن ۱۳۰۹ بدنیا آمد. دوره ابتدایی را در مدرسه لیلاوان تاماریان تبریز به پایان رساند و دوران دبیرستان را هم در همین شهر تمام کرد. در سال ۱۳۲۱ با خانواده اش به تهران کوچ کردند. اما بعد از ٤ سال این خانواده بار دیگر روانه تبریز شدند. استعداد فوق العاده رفیق در رشته فنی از همین هنگام که او شانزده ساله بود چشمگیر بود. مادر رفیق شهید می گوید:

« به یاد دارم موقع حرکت هوا سرد بود و برف قسمت زیادی آمده بود. ما که به تبریز می رفتیم به خرم آباد که رسیدیم بعلت سرمای شدید و برف و بوران نتوانستیم حرکت کنیم. از همان موقع از خودگذشتگی وارطان بر همه ما معلوم شد. از وقتی که ما به آنجا رسیدیم تا زمان حرکت وارطان شب تا صبح نگهبانی میداد تا مبادا به کسی آسیبی برسد.»

رفیق وارطان در تبریز در کارخانه ای همراه پدرش مشغول کار شد و بعد از هشت ماه کار بدون اینکه حقوق دریافت کند همراه خانواده بار دیگر به تهران بازگشت. وارطان در تهران در غیاب پدر به کار رانندگی تاکسی پرداخت و خرج خانه را بعهده گرفت.

رفیق که در جستجوی راهی برای رسیدن به آرمان طبقه خود بود، در سال ۱۳۳۱ به حزب توده ایران پیوست. بعد از کودتای ننگین ۲۸ مرداد به فعالیت فعالانه مخفی ادامه و سرانجام در این شرایط و به این ترتیب دستگیر شد:

ایران آن روز زیر چکمه های خونین کودتاگران درهم کوبیده می شد. شاه خائن که به یاری امپریالیسم امریکا بار دیگر بر تخت ننگین خود تکیه زده بود، یورش وحشیانه ای را به حزب توده ایران، تنها سنگر مقاومت در برابر کودتاگران آغاز کرده بود. گرازهای شاه جلاد همه جا را به دنبال یافتن رد پایی از یک توده ای بو می کشیدند. امپریالیسم می خواست با چیدن همه گلهای سرخ خلق ایران را گورستان کند.



در این روزگار سلطه گزمه ها و جلادان، چاپخانه مخفی حزب توده ایران در داوودیه پیوسته کار میکرد و هر روز جنایات رژیم کودتا در اوراق روزنامه ها و اعلامیه های حزبی افشا می شد و دست به دست می گشت. رژیم خونخوار با همه نیرو در صدد یافتن چاپخانه بود.

اردیبهشت سال ۱۳۳۳ بود . نزدیک به یک سال از کودتا می گذشت و هنوز رژیم نتوانسته بود رد چاپخانه را بدست بیاورد. غروب ششم اردیبهشت ، گزمه های شاه دژخیم به طور اتفاقی به یک اتومبیل در دروازه دولت، که آنروزها در خارج تهران بود، ایست دادند ، راننده اتومبیل جوانی ارمنی بود. او خیلی خونسرد به سؤالات گزمه ها جواب داد. جوان دیگری که در اتومبیل بود خیلی آرام و خونسرد به سؤالات جواب داد. یکی از گزمه ها خواست به اتومبیل اجازه حرکت بدهد. دیگری مخالفت کرد و از راننده خواست صندوق عقب را برای بازرسی باز کند. راننده همین کار را کرد. صندوق که باز شد، چشمهای گزمه ها از حیرت گرد شد. صندوق عقب لبالب از روزنامه «رزم»، ارگان سازمان جوانان حزب توده ایران بود.

روزنامه ها تا نخورده بود و هنوز بوی مرکب چاپخانه میداد. ساعتی بعد دو سرنشین اتومبیل در شکنجه گاه فرمانداری نظامی بودند.

آنروزها شکنجه گاه در لشکر دو زرهی قرار داشت و جلادان زیر نظر بختیار و سرهنگ زیبایی ، به شکنجه قهرمانان توده ای مشغول بودند. به محض ورود به شکنجه گاه، دژخیمان شکنجه را آغاز کردند. دو قهرمان در یک اتاق و در کنار یکدیگر شکنجه می شدند. هنوز متدهای پیشرفته شکنجه در اختیار شاه جلاد قرار نگرفته بود. شکنجه ها هنوز قرون وسطایی بود. دژخیمان بیشتر به کوچک شوشتری که قامت ظریفی داشت، فشار میاوردند.

آنها دنبال چاپخانه می گشتند. پاسخ شکنجه ها سکوت بود.

شکنجه شش روز ادامه یافت. دو قهرمان همه چیز را انکار میکردند و میگفتند از وجود روزنامه ها خبر ندارند. روز ۱۲ اردیبهشت رفیق کوچک شوشتری، در حالیکه بدنش زیر شکنجه درهم کوبیده شده بود، بی آنکه لب باز کند شهید شد.

وارطان ، وقتی مطمئن شد که رفیقش شهید شده است، به شکنجه گران گفت:

«حالا خیالم راحت شد. من میدانم و نمی گویم. هر کار میخواهید بکنید».

آنگاه حماسه وارطان خلق شد.

این صحنه از شکنجه های وارطان را یکی از شکنجه گران او بعدها اعتراف کرده است:

« انگشت سبابه وارطان را گرفتم و به عقب فشار دادم. وارطان گفت میشکنند. من باز هم فشار دادم. لعنتی حرف نمی زد. وارطان گفت: می شکنند. با تمام نیرویم فشار دادم. صورت وارطان مثل سنگ بود. لب از لب باز نمیکرد. باز هم فشار دادم. وارطان گفت : می شکنند. خشمگین شدم. مرا مسخره می کرد. باز هم فشار دادم. صدایی برخاست. وارطان گفت: دیدی گفتم می شکند. نگاه کردم انگشت شکسته بود. وارطان به من پوزخند می زد.»

رفیق در شکنجه گاه بود که روز اول ماه مه، جشن جهانی کارگران فرا رسید. رفیق با بدنی که زیر شکنجه در هم کوبیده شده بود، روی در سلول رنگ گرفت و به شادی پرداخت. او فریاد می زد:

«امروز مردم در کوچه و خیابان جشن کارگری برپا میکنند و ما نیز در زندان باید جشن بگیریم.»

در این موقع سرهنگ زیبایی از راه رسید و رفیق وارطان را به شکنجه گاه برد و بعد از چند ساعت که وارطان را آوردند قادر به تکان خوردن نبود. ۲٤ ساعت بعد که به هوش آمد باز هم جشن خود را با تنی سراسر سوخته از سر گرفت. و باز هم ...

دژخیمان تمام نیروی حیوانی خود را آزمودند. اما وارطان لب از لب باز نمیکرد. راز خلقی که در سینه قهرمانی او به ودیعه گذاشته شده بود، با هیچ طلسمی نمی شکست . آنگاه دژخیمان به آخرین حربه خود روی آوردند. درحالی که قامت در هم شکسته وارطان بر کف شکنجه گاه افتاده بود یک مته برقی حاضر کردند. دژخیم گفت:

این شانس آخر است، اگر حرف نزنی ...

وارطان با آخرین رمق خویش بر دژخیم خیره شد. در نگاهش برق پولاد و سرود کارگران و دهقانان بود. گفت:

نه ...

دژخیم مته را حاضر کرد . دستهای پلیدی، وارطان را برجا میخکوب کردند و در حالیکه وارطان با آخرین نیرویش بانک می زد:

زنده باد ایران.

زنده باد حزب توده ایران

مته برقی سر پهلوانی اش را که در مقابل زور خم نشده بود، سوراخ کرد و لحظاتی بعد قلب یکی از دلاورترین توده ای ها، یکی از بهترین فرزندان خلق ایستاد.

وارطان حماسه شد.

وارطان سرود شد. دژخیمان شبانه جنازه دو قهرمان را به رودخانه جاجرود سپردند و چند روز بعد جنازه ها کشف شد.

وقتی پیکر گلگون رفیق قهرمان را تحویل خانواده اش دادند از آن قامت نیرومند تنها اسکلتی برجا مانده بود. مادرش می گوید:

« جسد وارطان را هنگام دفن دیدم وارطان را از روی موهایش شناختم. اسکلتی بیش نبود. من بعد از آن نتوانستم به خودم بقبولانم که پسری چون وارطان که چهارشانه بود در عرض ۲٦ روز به اسکلت تبدیل شده باشد.»

برگرفته از کتاب شهیدان تودهای
جلد اول
چاپ اول سال ۱۳٦۱ ص. ۷۳
انتشارات حزب توده ایران



شعری از احمد شاملو

وارطان! بهار خنده زد و ارغوان شکفت.
در خانه زیر پنجره گل داد یاس پیر.
دست از گمان بدار !
با مرگ نحس پنجه میفکن !
بودن به از نبود شدن، خاصه در بهار...)

وارطان سخن نگفت،
سرافراز
دندان خشم بر جگر خسته بست و رفت.

(وارطان !سخن بگو !
مرغ سکوت، جوجه مرگی فجیع را
در آشیان به بیضه نشسته است!)

وارطان سخن نگفت،
چو خورشید
از تیرگی بر آمد و در خون نشست و رفت.

وارطان سخن نگفت
وارطان ستاره بود:
یک دم درین ظلام درخشید و جست و رفت.
وارطان سخن نگفت
وارطان بنفشه بود:
گل داد و مژده داد: (زمستان شکست!)
و رفت...

****

یاس سپید

بیدخ



رفیق شهید فاطمه مدرسی

وقتی نوشته های سرکار خانم عفت ماهباز را می خواندم ، پاراگراف اعدام بهترین دوستم مرا کنجکاو کرد, میخواستم بدانم بهترین دوست او که بوده، چه عاملی باعث شده این دو به هم گره بخورند, بی گمان عفت همهٔ همبندیانش را بهترین دوستان خود میدانست، ولی او کیست که دیگران را اینگونه شیفته خود کرده, وقتی عفت بهترین دوست خود را, فردین (فاطمه مدرسی) قلمداد میکند، من کنجکاو تر شدم, میخواستم بدانم چه ویژگیهایی در این انسان تراز نوین بوده, که دیگران را شیفته خود کرده است,
من خود از نوشته های دیگران، وصف و رسم فردین را شنیده بودم, ولی وقتی عفت با احساس عمیقی از فردین نام می برد, وقتی مهر بی پایان فردین به مردم، و همبندیانش, را جزو خصلتهای بارز فردین می شمرد، بی اختیار اشک از دیدگانم فرو ریخت, یاس سپیدی در ذهنم مسجم شد, که هجوم یک باد وحشی بیرحمانه عزم در چیدن یکی از بهترین و زیباترین شاخه های گلِ, یاسِ, سپیدِ, باغِ هستی دارد.

یاس سپید

آن سالها؛
موج بود و داس مرگ بر گلزارها
هجوم باد سر کش وحشی،
از هر طرف بیداد بود، بر گلزار باغ
می درید و می ربود ؛
غنچه های گل، را زِ باغ
باغ گل را بود
یک یاس سپید
موج میزد؛
برقِ مهر از چشمانِ یاس
یاسَ بود؛ دخترِ فریادِ باغ
دختر فریاد؛
اسیرِ بادِ بی ریشه؛
سینهَ اشَ آکنده از فریاد و درد
نگاه خیرهٔ رُز، مانده بود بر رُخسار یاس
می شکست و می شکستند شاخه ها پیش چشمان باغ
ریشه ها را از خاک باغ, میکردند جدا
باغ سیلی خورده از کینه های کور باد
شاخه ها را ؛ یکی از پی دیگری
می شکستند پر زخون پیش چشمانِ یاس
تا شکستند شاخهٔ پر گلِ مهر مهرگانَ
سیل اشک جاری شد ازَ دیده های یاس, چه رود
دیده اش پر اندوه و پر غوغا و غم

سینه اش مالامال درد, از کینهٔ بی رحم باد
گویی درد بی پایان خود را داده است، بر باد او
بی صدا پر میکشید، شعله ها از سینه اش تا اوج کهکشان، بالا و دور
رد, پنجه های گرگ مانده بود بر رُخسار یاس
ساقه هایش، هر دم پر زخون، پیش چشمِ نازلیِ نونهال
***
یاس و رُز، را بود, دردههای مشترک در سر چه دور
درد یاس و رُز, درد باغ, بی باغبانِ خاموش و کور
تا که شد, نوبت رفتن وَ رفتن زِ باغَ
آخرین دیدار بود
آخرین فریادِ یاس؛
بی صدا, خاَموش, بوی عطر یاس
با ترنم، می تراوید تا ژرفای باغِ سبز
تلخ ترین دیدار؛
تلخی آخرین دیدار یاس
مانده روی قلب رُز تا کنون
می شتابیدند شتابان،
شبنمهای باران بر رخسار رُز
یاس را می برند مسلخ؛
بی صدا خاموش تا مسلخگاه عشق
یاس رامی بردند مسلخ, با پای عشق
می خرامید یاس
بی تکبر، بی ادعا در اندوه باغ
می تراوید نرم، یاس
تا مسلخ گاهِ کور باد
یاس را میکنَند پرپر؛
یاس می رود بالا ؛
تا اوج کهکشان؛ بالا و دور
یاس می شود پرپر, پیشِ چشمانِ باغ
بوی عطر یاس پر میکشَد از کوهَسار عشق
مانده بوی عطر یاس؛
ز آن روزگاران تا هنوز در باغ ما
بوی عطرِ باران خورده از یاس سپید

۱۳۹۰/۲/۹

منبع : نویدنو ۱۳۹۰/۰۲/۱۳

****

اولین سالگرد اعدام فرزاد کمانگر و چهار زندانی سیاسی در اوین

یک سال پیش، در سحرگاه ۱۹ اردیبهشت ماه سال ۱۳۸۹، پس از قطع تلفن‌ها و ملاقات‌های زندان اوین، پنج زندانی سیاسی به نامهای فرزاد کمانگر، فرهاد وکیلی، علی حیدریان، شیرین علم هولی و مهدی اسلامیان به چوبه دار سپرده شدند و خانواده‌های آنان برای همیشه چشم به راه آنان ماندند. موارد بسیار گسترده نقض حقوق انسانی در بازداشت، بازجویی‌ها، محکومیت و اجرای حکم افراد مورد اشاره، باعث جریحه دار شدن افکار عمومی و بالطبع بالاگرفتن اعتراضات وسیعی در بین جامعه ایرانی و حتی افکار عمومی بین المللی شد. فرزاد کمانگر، فرهاد وکیلی و علی حیدریان، سه متهم از یک پرونده در ایام بازداشت در بازداشتگاههای ۲۰۹ اوین، اطلاعات کرمانشاه و اطلاعات سنندج، مکرراً برای بیان اعترافات غیرواقعی، تحت شکنجه‌های طاقت فرسایی قرار گرفتند.
آن‌ها در طی دفاعیات خود در دادگاه و یا نامه‌هایی که از زندان نوشتند به کرات به این موضوع اشاره کردند، این زندانیان عقیدتی عنوان کردند که به خاطر تعلق نژادی و همینطور مذهب خود مورد شکنجه قرار گرفته‌اند.
فرزاد کمانگر، فعال حقوق بشر و عضو هیئت مدیره کانون صنفی معلمان کردستان با ۱۲ سال سابقه تدریس و عضویت در نهادهای مدنی متعدد، در رنجنامه، دفاعیات و نامه‌های متعدد خود به مراجع قضایی از این شکنجه‌های هولناک پرده برداشت، وی علاوه بر شرح کامل شکنجه‌ها و بدرفتاری‌های متعدد و آسیب‌های جسمی وارده، افشا کرد که در دادگاه برای ۳ متهم تنها ۷ دقیقه وقت در نظر گرفته شده بود. حساسیت این پرونده و اعتراضات افکار عمومی در حدی بود که نمایندگان مجلس شورای اسلامی را نیز به واکنش واداشت و آن‌ها نیز خواستار پیگیری این پرونده شدند.
به گواه وکیل فرزاد کمانگر و مدعیات متهم، هیچگونه مستندی ولو اعترافات اجباری بر علیه این فعال مدنی در رابطه با اتهام وارده وجود نداشت به طوری که سخنگوی قوه قضاییه در هر بار اظهار نظر در رابطه با این پرونده به نقض سخنان سابق خود و ایراد اظهاراتی متناقض پرداخت، به گواه وکیل فرزاد کمانگر از اتهامات مربوط به مواد منفجره و بمب گذاری تبرئه شده بود.
مسئله سیاسی بودن پرونده، بی‌سندی و نقض اساسی‌ترین اصولی قانونی و انسانی از سوی دستگاههای امنیتی و قضایی در حدی بود که دستگاه امنیتی پس از بالا گرفتن اعتراضات مردمی، از مردادماه ۱۳۸۷ با تغییر تیم کارشناسی پرونده به صورت شفاهی در حضور خانواده، وکیل و زندانیان به اقدامات غیرانسانی نیروهای خود اذعان نموده و مدعی پیگیری استیفای حقوق قربانیان این پرونده منجمله فرزاد کمانگر شده بود. همینطور پس از یکسال ادعای گم شدن پرونده این افراد از سوی قوه قضاییه با قبول بررسی درخواست وکیل افراد در خصوص رسیدگی مجدد به پرونده (اعمال ماده ۱۸) در اواخر سال ۸۹، پرونده وارد مرحله جدیدی شد.
در این پرونده، به کرات ایراد اتهام به افراد به دلیل فقدان اسناد بارها تغییر کرد و حتی سخنگوی قوه قضاییه که در اولین اظهار رسمی این اتهامات را اقدام به بمب گذاری خواند و در آخرین اظهار نظر آن را به عضویت در حزب خارجی کارگران کردستان ترکیه که اساسا بر علیه ایران هم فعالیتی ندارد تغییر داد، هر چند باز این اتهام پس از اجرای حکم طی اطلاعیه دادستانی تهران به عضویت و همکاری با حزب حیات آزاد کردستان تغییر کرد. تغییراتی که یقیناً تنها ناشی از بی‌اساس بودن پرونده به لحاظ حقوقی تعبیر می‌شود.
دیگر اعدام شده ۱۹ اردیبهشت، مهدی اسلامیان تنها زندانی غیر کرد این روز است، وی نیز در نامه‌ای که به بیرون از زندان ارسال داشته بود جرم خود را کمک مالی به برادر کوچک خود به مبلغ ۲۲۰ هزار تومان در حالی که از اتهامات یا ارتباطات برادر خود بی‌خبر بوده دانسته و به نوعی عنوان کرده بود به جرم برادری به اعدام محکوم شده است. وی نیز از شکنجه خود سخن گفته و از عدم امکان دفاع نیز روایت کرده بود.



پنجمین زندانی سیاسی اعدامی شیرین علم هولی، دختر ۲۸ ساله اهل ماکو بود که وی نیز اتهامات متعدد و متغیری را در پرونده خود شاهد بود و در طی دو نامه از شکنجه‌های خود سخن گفته بود به خصوص از ۲۵ روز اول بازداشت که در محلی نامعلوم نگهداری شده بود. وی نیز به اتهام تردد غیر مجاز در مرز و عضویت در یکی از احزاب اپوزیسیون به اعدام محکوم شد. هر چند اتهامات اولیه وی موارد دیگری را نیز در بر می‌گرفت.
در چگونگی اجرای احکام نیز که گستره‌ای از نقض حقوق انسانی را شاهد بودیم، از عصر روز ۱۸ اردیبهشت ماه تلفن‌های زندان اوین قطع و ۵ زندانی مورد اشاره پس از سال‌ها تحمل مرارت و شرایط دشوار زندانهای مختلف، در حالی که می‌توانست به لحاظ حقوقی رسیدگی به پرونده‌ها ادامه پیدا کند، بدون اطلاع از قصد اجرای حکم، بدون امکان دیدار با خانواده‌ها یا حضور وکلا یا حتی نگارش وصیت نامه به سلول‌های انفرادی بند ۲۴۰ منتقل شده

و سحرگاه روز ۱۹ اردیبهشت به صورت عجولانه‌ای در محوطه پارکینگ زندان اوین به چوبه اعدام سپرده شدند.
یقیناً شکل اجرای غیر عادی احکام مورد اشاره، برآوردها در خصوص بار سیاسی و مقاصد قربانی کردن این افراد از سویی و از سویی ممانعت از برملا شدن اقدامات غیرانسانی دستگاه امنیتی و قضایی را در صورت بررسی مجدد پرونده افزایش داد.
البته لازم است اشاره شود مسئله غیر انسانی اقدامات دستگاه قضایی–امنیتی در پرونده حتی با اعدام افراد نیز متوقف نشد و اکنون پس از یکسال از اجرای احکام اعدام، خانواده‌های شهروندان مورد اشاره همچنان چشم به راه پیکرهای عزیزان خود یا حداقل نشانی از محل دفن آنان هستند.
«مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران» ضمن بزرگداشت یاد و خاطره فرزاد کمانگر بعنوان یک فعال راستین حقوق بشر که به خوبی نشان داد فعالیت انسانی تابع هیچ شرایط و مرزی نیست، اجرای حکم اعدام در هر شرایطی را محکوم و به دور از مفاد حقوق بشری می‌خواند به خصوص پرونده‌های ۱۹ اردیبهشت که از کمترین وجاهت و استدلال قانونی و انسانی برخوردار نبوده است.
این تشکل خواست اصلی خود در این پرونده را پیگیرد بین المللی و مجازات عاملان شکنجه زندانیان مورد اشاره و مجریان اعدام ناعادلانه آنان اعلام می‌نماید. همچنین مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران اعلام می‌دارد که تحویل گرفتن پیکر اعدام شدگان بدیهی‌ترین حق خانواده و بستگان انان است و دستگاه امنیتی حال که به قتل این افراد و سپس دفن خودسرانه پیکر آنان مبادرت کرده است، موظف است تا حداقل نشان مدفن افراد را در اختیار خانواده‌های آنان قرار دهد.

دبیرخانه مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران
۱۷ اردیبهشت ۱۳۹۰ برابر با ۷ می۲۰۱۱

****

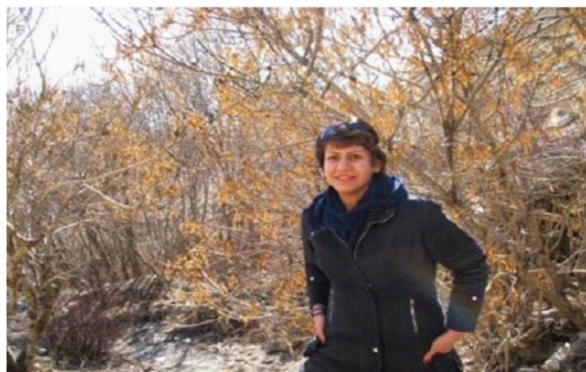
درگذشت بهاره علوی، فعال مدنی کرد

بهاره علوی فعال حقوق بشر کرد، وبلاگ نویس و فعال حوزه زنان و کمپین یک میلیون امضا عصر روز دوشنبه پنجم اردیبهشت ۱۳۹۰ بعد از بیست و پنج روز دست و پنجه نرم کردن با مرگ در پی جراحات ناشی از تصادف در شهرستان سنندج درگذشت.

بهاره علوی که متولد مردادماه ۱۳۶۹ بود، روز ۱۲ فروردین ماه در محور سنندج – سقز دچار سانحه رانندگی شده و پس از بیست پنج روز به علت شدت آسیب‌دیدگی و عفونت ناشی از جراحات تصادف درگذشت. براثر این سانحه رانندگی همه اعضای خانواده علوی دچار صدمات جانی شدند و در همان روز تصادف پدر بهاره، هادی علوی، جان خود را از دست داد.

بهاره علوی یکی از پیگیرترین وبلاگ نویسان کرد و در عین حال یکی از جوان‌ترین وبلاگ نویسان ایران بود. بهاره در سن ۱۶ سالگی عضو موثر کمپین زنان، کمپین یک میلیون امضا در کردستان شد. او از مدافعان جدی حقوق بشر بود که از سنین نوجوانی فعالیت اجتماعی را آغاز کرد. وی همچنین در حوزه مسائل زنان کردستان فعالیت پژوهشی جدی و مستمری داشت. بهاره علوی یادداشت‌ها و فریادهای انسانی خود را در وبلاگ دختر خورشید منتشر می کرد.

پیکر بهاره، به زادگاهش سقز منتقل شد و طی مراسم با شکوهی با حضور جمعی از مردم و فعالین سیاسی و مدنی به خاک سپرده شد



گفتنی است، او یکی از فعالان مدنی بود که در جریان کارزار نجات اسرای کرد به هر ریسک و خطری دست میزد. بهاره در جریان اعتراض به خبر اجرای اعدام حبیب الله لطیفی نقش بارزی ایفا کرد و از جمله افرادی بود که به صورت مستمر به پیگیری اوضاع زندانیان سیاسی در سراسر ایران می‌پرداخت.

****

در دو سال گذشته ۱۵۰ روزنامه نگار بازداشت و ۴۰ مطبوعه توقیف شده است

به گزارش جرس، رئیس انجمن صنفی روزنامه نگاران در یادداشتی بمناسبت روز جهانی مطبوعات با تقدیر از نقش روزنامه نگاران درتوسعه سیاسی و اجتماعی جامعه به وضعیت فعلی اهالی مطبوعات پرداخته و آورده است: تاریخ مطبوعات و روزنامه نگاران در ایران از بدو کار تا به امروز فراز و فرودهای فراوانی را پیموده است که بازگویی آن جز چشم پرآب و دل پرخون را طاقت نیست . فقط در دو سال گذشته بیش از ۱۵۰ روزنامه نگار به بند و زندان کشیده شده اند با آن وضعی که همه می دانیم که ۳۲ نفر آنها هنوز در زندان به سر می برند و برخی شان با محکومیت های سنگین عجیب و غریب چند سال محرومیت از فعالیت مطبوعاتی و زندان روبرو و با مجرمان زندانی خطرناک هم بند شده اند . بیش از چهل مطبوعه توسط هیات نظارت برمطبوعات توقیف و تعطیل شده و دهها روزنامه نگار بیکار شده اند و بدلیل نبود امنیت شغلی و استقلال حرفه ای بناچار یا این حرفه را ترک کرده اند و یا ترک یار و دیار کرده و آواره دنیا گشته اند تا شاید از تخصص و دانش خود در جایی دیگر بهره گیرند و گذران عمر و زندگی کنند .

وی با اشاره به تعطیلی انجمن صنفی افزوده است: ازهمه بدتر و رنج آورتر اینکه « انجمن صنفی روزنامه نگاران ایران » که می توانست و می باید در روزگار سختی و تعب یار و یاور روزنامه نگاران و خانه امید آنها باشد بدون ارائه حکمی قضایی دربش پلمب شده و هیچ مرجعی پاسخگوی این اقدام بلاوجه و غیرقانونی نیست و همه تلاشها برای پیگیری این موضوع و فک پلمپ و بازگشایی انجمن بروی نزدیک به چهار هزارعضوش ابتر مانده است ، والبته در این گیرودار چهارعضو هیات مدیره انجمن نیز از بازداشت و بند مصون نمانده اند .

سر کار خانم بدرالسادات مفیدی عضو هیات مدیره و دبیر انجمن ، که پیگیر کار فک پلمپ انجمن بود ، در دیماه سال ۸۸ بدلیل انجام مصاحبه بازداشت و پس از شش ماه زندانی آزاد شد اما در دادگاهی غیرعلنی به شش سال زندان محکوم شده و در انتظار اجرای حکم بسر می برد . شمس الواعظین عضو هیات مدیره و نایب رئیس انجمن و سخنگوی انجمن دفاع از آزادی مطبوعات بدلیل انجام مصاحبه در دیماه سال ۸۸ بازداشت و پس از دوماه زندانی آزاد شد، وی نیز در دادگاهی غیرعلنی به یکسال زندان محکوم شده و درانتظار اجرای حکم بسر می برد. محمد رضا مقیسه عضو علی البدل هیات مدیره انجمن از مهرماه سال ۸۸ بازداشت و زندانی شده است که هنوز در زندان به سر می برد . و علیرضا رجایی عضو هیات مدیره انجمن در روز یکشنبه هفته گذشته و در آستانه روز جهانی آزادی مطبوعات بازداشت و زندانی شد . دراینجا همچنین جا دارد از روزنامه نگارانی همچون احمد زیدآبادی ، مسعود باستانی ، عیسی سحر خیز ، بهمن احمدی عمویی ، کیوان صمیمی ، مهدی محمودیان ، عمادالدین باقی ، سید مسعود لواسانی ، محمد نوری زاد و هنگامه شهیدی که ماههاست در زندان به سر می برند نام بریم و مقاومت آنها را در پاسداری از آزادی و شرافت انسانی و قلم ارج نهیم . قطعا نام این روزنامه نگاران در صحیفه آزادیخواهی مردم ایران ثبت خواهد شد . و البته این کارنامه سیاه حاکمیت ، ایران را به بزرگترین دشمن مطبوعات و زندان روزنامه نگاران در گزارشات جهانی تبدیل کرده است .

رئیس انجمن صنفی روزنامه نگاران در ادامه خاطر نشان کرد: انجمن صنفی روزنامه نگاران ایران از بدو تاسیس درمهرماه سال ۷۶ همواره مورد حمله و هجوم افراد و گروه هایی بوده که هنری جز تخریب و ضدیت با نهادهای مدنی و آویزان شدن به قدرت نداشته اند و اینها از اینکه نهادی صنفی مستقل از قدرت و حاکمیت توانسته بود شکل بگیرد و اعتماد بیش از دو سوم روزنامه نگاران ایران را جلب و بطور مستقل به کار ادامه دهد حرص می خوردند و مترصد فرصت بودند که یا آنرا از طرق شبه قانونی تسخیر کنند و اگر این نشد به هرگونه می توانند آنرا منحل وتعطیل کنند و ظاهرا کودتای انتخاباتی خرداد سال ۸۸ این فرصت را به آنها داد که دفتر انجمن را پلمپ و روزنامه نگاران را از خدمات این نهاد صنفی محروم کنند تا محرومیتی دیگر برانبوه محرومیت های این قشر بیفزایند و اثبات کنند که روزنامه نگار آزاد و مستقل بودن دراین ملک چه بهای گرانی دارد ؟ در همین جا به عنوان فردی که ار ابتدای تاسیس« انجمن صنفی روزنامه نگاران ایران » تاکنون مسئولیت ریاست هیات مدیره این نهاد را به عهده داشته ام شهادت می دهم و تصریح و تاکید می نمایم که همه فعالیت های این نهاد در چارچوب قوانین جاری در جمهوری اسلامی بوده و هیچگونه جرم یا خطایی که توجیه گر پلمپ دفتر انجمن یا به بند و زندان کشیدن اعضای هیات مدیره انجمن از سوی حاکمیت باشد ، انجام نشده است و جای بسی تاسف است که در سالروز جهانی آزادی مطبوعات ما با چنین وضعیت و کارنامه ای درایران در رابطه با مطبوعات و روزنامه نگاران مواجهیم .

وی با گرامیداشت یاد روزنامه نگاران نوشته است: " روز جهانی آزادی مطبوعات " هرساله توسط « انجمن صنفی روزنامه نگاران ایران » پاس داشته و تلاش می شد با تکیه بر معیارهای حرفه ای از پنج روزنامه نگار برتر قدردانی و تجلیل شود و این سنت حسنه برای رونق بخشی به کار روزنامه نگاری در کشورمان جاافتاده بود ولی دوسال است با پلمپ دفتر انجمن و تحمیل شرایط امنیتی امکان چنین پاسداشت و اقدامی از انجمن گرفته شده است و اینهم نشانه دیگری از وضعیت سخت و دشوار روزنامه نگاری در کشورمان است و اینکه در روزی که بنام « روزجهانی آزادی مطبوعات » نامگذاری شده است سوته دلان مطبوعات حتی نمی توانند گردهم

آیند و در عزای کارشان گریه کنند! با همه این احوال تجربه اینکار و تاریخ معاصر روزنامه نگاری در ایران نشان داده است که روزنامه نگاران جان سخت تر از آنند که تصور می شود و چو در بندند سر از روزن درآرند!

علی مزروعی با پرداختن به ضرورت آزادی بیان در جوامع افزوده است: امروزه روزگاری است که گردش آزاد اطلاعات و اخبار و جان آگاهی از اجزای لاینفک زندگی جاری همه شهروندان شده است و اخبارو اطلاعات همچون آب از مجاری فن آوری های نوین ارتباطات راه خود را بسوی مخاطبان می یابد و به عمق خانه ها نفوذ می کند و دولتهایی که هنوز درپی اعمال مهندسی اخبار و اطلاعات و سانسور و توقیف مطبوعات و آزادی اند جز هزینه دادن و آب درهاون کوبیدن کاری نمی کنند . راه رشد ملت ها و کشورها در آزادی است و مطبوعات آزاد و مستقل اصلی ترین نماد آزادی در هرکشورند و همانگونه که در ابتدا آمد دموکراسی و مردمسالاری با هرعنوانی بدون وجود مطبوعات آزاد و مستقل و منتقد معنا و مفهوم ندارد . و روزنامه نگاران متعهدترین افراد ملتند چراکه از سر دغدغه و مسئولیت اجتماعی وارد این حرفه شده اند و همه خطرات را بجان می خرند تا راه رشد و پویایی را بروی مردم و کشورشان هموار نمایند . روزنامه نگاران و مطبوعات بزرگترین خدمت را به حکومت ها و حاکمان ، حتی به آنانی که تحملشان نمی کنند ، می کنند چرا که آنها با نقد وضعیت موجود و برشماری آسیب ها و ضعف ها حکومتگران را برای اصلاح امور به هوش می آورند و مبارزه با فساد و تباهی در درون نهادهای حکومتی بدون وجود مطبوعات آزاد و مستقل و روزنامه نگاران شجاع و پیگیر ممتنع است .

وی در خاتمه آورده است: روزنامه نگاران و مطبوعات آزاد و مستقل به واقع یار و یاور حاکمان هستند اگر خواستار اصلاح امور و حکومتی پاک و کارآمد باشند و نامهربانی با روزنامه نگاران و توقیف مطبوعات در حکومتی که این ادعا را دارد توجیه ناپذیر است . و چقدر خوب بود که در « روزجهانی آزادی مطبوعات » همه روزنامه نگاران در بند آزاد می شدند ، مطبوعات توقیف و تعطیل شده به عرصه فعالیت باز می گشتند ، امنیت شغلی و استقلال حرفه ای روزنامه نگاران تامین و تضمین می شد ، دفتر انجمن صنفی روزنامه نگاران ایران بروی صاحبانش باز می شد ، مسئولان مرتبط با مطبوعات از افراد این حرفه انتخاب می شدند و یا لااقل با این حرفه آشنایی می داشتند

****

رژه زحمتکشان جهان در روز جهانی کارگر با خواست عدالت اجتماعی و زندگی شایسته

یکشنبه گذشته، ۱۱ اردیبهشت ۸۹ و اول ماه مه ۲۰۱۱، راه‌پیمایی‌ها و جشن‌های بزرگداشت روز جهانی کارگر در بسیاری از شهرهای دنیا برگزار شد. در مراسم این روز، زحمتکشان جهان که در شرایط اجتماعی-اقتصادی و معیشتی دشواری به‌سر می‌برند و بسیاری از دستاوردهای مبارزات طولانی آنها در معرض دستبرد سرمایه‌داری جهانی قرار گرفته است، ضمن ابراز همبستگی جهانی خود، خواست‌های پایه‌ای خود از قبیل حق کار و شرایط کاری و زندگی بهتر، و عدالت اجتماعی را فریاد زدند. روز جهانی کارگر در حالی در دیگر کشورهای دنیا برگزار شد که در ایران به اصطلاح "هفته کارگر" خاتمه یافت (۵ تا ۱۱ اردیبهشت)، و کارگران و زحمتکشان ایران امکان آن را نیافتند که آزادانه و آشکارا این روز را جشن بگیرند و خواست‌های جمعی خود را بار دیگر و به این مناسبت مطرح کنند. همان طور که در بیانیه هفت سندیکا و تشکل کارگری که به مناسبت این روز منتشر شد آمده است، اعلام تعطیل رسمی ۱۱ اردیبهشت (اول ماه مه) هر سال به عنوان روز کارگر و گنجاندن آن در تقویم رسمی کشور، و رفع هرگونه ممنوعیت و محدودیت در راه برگزاری مراسم این روز از خواست‌های دیرینه زحمتکشان ایران است. آنچه رژیم ولایی ایران سعی کرده است جایگزین روز جهانی کارگر کند، نمایش مسخره و توهین‌آمیزی است به نام "هفته کارگر" که به نوشته سایت خانه کارگر، برنامه‌های ویژه آن شامل دیدار نمایندگان با مراجع تقلید، حضور در مرقد آیت‌الله خمینی، تجدید میثاق با مقام ولایت، بزرگداشت بسیج کارگری، اهدای جایزه به کارگران نمونه و پخش گزارش‌های ویژه از صدا و سیمای جمهوری اسلامی است که هیچ ارتباط و سنخیتی با خواست‌های اجتماعی طبقه کارگر و زحمتکشان و همبستگی بین‌المللی آنان ندارد.

در میان دیگر کشورهایی که در آنها روز اول ماه مه به طور رسمی به عنوان روز کارگر شناخته نمی‌شود باید از آمریکا و کانادا نام برد. البته زحمتکشان و نیروهای مترقی در این کشورها، از جمله حزب‌های کمونیست آنها، همه ساله این مراسم را در شهرهای مختلف برگزار می‌کنند. امسال نیز این مراسم از جمله در شهرهای میلواکی، شیکاگو، لوس‌آنجلس، آتلانتا و نیویورک (در آمریکا) و تورنتو (در کانادا) برگزار شد. گفتنی است که در اواخر سال گذشته، کارکنان دولتی ایالت ویسکانسن و چند ایالت دیگر درگیر مبارزه‌ای سخت با دولت‌های ایالتی دست راستی شدند که حق کارمندان برای مذاکره دسته‌جمعی از طریق اتحادیه کارکنان را پایمال کرده بود. در روزهای تحصن کارکنان دولت در ساختمان کنگره ایالتی ویسکانسن در شهر میلواکی، شمار زیادی از اتحادیه‌های زحمتکشان آمریکایی از این پیکار همکاران خود برای حفظ حق تشکل و حقوق اتحادیه‌ای پشتیبانی قاطعانه کردند. یکی دیگر از خواست‌های اساسی زحمتکشان آمریکایی که در بسیاری از گردهمایی‌ها مطرح شد، تأمین حقوق کارگران مهاجر در این کشور است که به خشن‌ترین و تبعیض‌آمیزترین نحوی نقض می‌شود.

در آفریقای جنوبی ده‌ها هزار تن به دعوت "کنگره اتحادیه‌های کارگری آفریقای جنوبی" در استادیوم ورزشی شهر کیپ‌تاون جمع شدند تا روز جهانی کارگر را جشن بگیرند. گزارش‌های خبرگزاری‌ها همچنین حاکی از برگزاری مراسم اول ماه، روز همبستگی جهانی کارگران در هندوستان، ایرلند، لبنان، صربستان (شهر بلگراد)، اوکرائین، سوئیس، ونزوئلا، بنگلادش و نپال بود. در بسیاری از مراسمی که در کشورهای گوناگون برگزار شد، هموطنان ایرانی نیز فعالانه شرکت جستند.



در ترکیه، راه‌پیمایان و تظاهرکنندگان که به گزارش خبرگزاری‌ها شمارشان به ۲۰۰ هزار تن می‌رسید، در بزرگترین گردهمایی اول ماه مه از سال ۱۳۵۶ تا کنون، در شهر استانبول به خیابان‌ها آمدند و خواست‌های خود برای مشاغل بهتر، شرایط کاری بهتر و دستمزدهای بهتر را اعلام کردند. در سال ۵۶، براثر تیراندازی نیروهای امنیتی و دست‌راستی، ۳۴ تن در تظاهرات روز کارگر کشته شدند، و از آن زمان تا سال گذشته، اجازه برگزاری این مراسم در آن کشور داده نمی‌شد.

در شهر سئول در کره جنوبی، حدود ۵۰ هزار تن برای بزرگداشت روز کارگر و دفاع از حقوق کارگران و امنیت شغلی به خیابان‌ها آمدند. مهار تورم فزاینده در این کشور از دیگر خواست‌های کارگران بود که منجر به افزایش قیمت مواد خوراکی و سوخت، و فقر فزاینده در کره شده است. در بیانیه‌ای که از سوی فدراسیون سندیکاهای کره منتشر شد آمده است: "سیاست‌های ضدکارگری، افزایش بیکاری و فاصله فزاینده فقر و ثروت در سه سال گذشته ریاست جمهوری "لی میونگ‌باک" زندگی ما را تباه کرده است."

در کوبای سوسیالیستی، میلیون‌ها تن در خیابان‌های هاوانا (پایتخت)

و شهرهای دیگر در راه‌پیمایی‌های اول ماه مه شرکت کردند که به فاصله کوتاهی پس از پایان کنگره ششم حزب کمونیست کوبا برگزار می‌شد. رائول کاسترو، رئیس جمهور کوبا در رژه اول ماه مه در شهر "سانتیاگو دو کوبا" شرکت کرد. در میدان اصلی شهر شعار "اتحاد، بارآوری و کارآیی" بر روی پلاکارد بزرگی نوشته شده بود. در بیانیه فدراسیون کارگران کوبا به مناسبت روز جهانی کارگر آمده است که "ما گرد هم آمده‌ایم و در خیابان‌ها و میدان‌های شهر در سراسر کشور راه‌پیمایی خواهیم کرد تا نشان دهیم که انتخاب ما سوسیالیسم است... ما باید به کار، صرفه‌جویی، نظم و انضباط به عنوان تنها راه برای غلبه بر ناکارآمدی‌ها و اشتباه‌هایمان اولویت بدهیم. و فقط با اتحاد است که می‌توانیم به این اهداف دست بیاییم، اتحادی که تفاوت در دیدگاه‌ها را انکار نمی‌کند، بلکه از آنها برای تحکیم و تقویت خود سود می‌برد."

در ژاپن، حدود ۵۰ هزار نفر از اعضای اتحادیه‌های کارگری اوزاکا در گردهمایی روز کارگر شرکت کردند. در بیانیۀ منتشر شده در این گردهمایی، ضمن ابراز همدردی با بستگان زلزله‌زدگان شمال شرقی ژاپن، از حزب حاکم و احزاب مخالف ژاپن دعوت شده است که برای احیای اقتصاد ژاپن و ایجاد شغل اقدام موثر انجام دهند.

در تایوان و فیلیپین نیز هزاران کارگر با حضور در مراسم روز جهانی کارگر خشم خود را نسبت به افزایش هزینه زندگی و افزایش



فاصله درآمدها و ثروت میان ثروتمندان و تنگدستان نشان دادند. تظاهرکنندگان فیلیپینی در شهر مانیل و دیگر شهرهای بزرگ این کشور خواستار پایان دادن به سیاست‌هایی شدند که موجب بیرون رفتن کارگران از کشور برای یافتن کار در کشورهای خارجی می‌شود. در حال حاضر تخمین زده می‌شود که ۹ میلیون فیلیپینی به علت نبودن کار و دستمزدهای بسیار پایین در کشور، در خارج از فیلیپین کار می‌کنند.

بانک توسعه آسیایی هشدار داده است که با افزایش سرسام‌آور مواد غذایی و سوخت، ده‌ها میلیون ساکنان کشورهای آسیایی به فقر و تنگدستی کشانده خواهند شد. تورم ۱۰ درصدی در کشورهای رشدیابنده آسیا منجر به افزایش شدید قیمت گندم، شکر، ذرت، روغن‌های خوراکی، فرآورده‌های شیری و گوشت شده است.

در اندونزی، تظاهرکنندگان در حالی که در محاصره هزاران نیروی انتظامی بودند، تابوتی را حمل می‌کردند که در پارچه‌ای سیاه پوشانده شده بود و بر روی آن نوشته بود "مرگ عدالت". راه‌پیمایان شعار می‌دادند "کشور ثروتمند، اما مردم تنگدست"، و خواهان ایجاد صندوق بازنشستگی و بیمه بهداشتی برای همه زحمتکشان شدند. در بیانیه‌ای که از سوی ۶۰ اتحادیه کارگری اندونزی منتشر شد، آمده است: "بدون تأمین اجتماعی، عدالت اجتماعی برای مردم اندونزی در کار نخواهد بود."

در مصر، هزاران کارگر و زحمتکش مصری در میدان التحریر گرد آمدند تا پس از سه دهه خفقان در دوران "حسنی مبارک" روز جهانی کارگر را جشن بگیرند. نمایندگان سندیکاها و اتحادیه‌های صنفی و کارگری گوناگون در این مراسم سخنرانی کردند و با مطرح کردن خواست‌های مشخصی مثل تعیین حداقل دستمزد عادلانه، برنامه‌های رفاه اجتماعی بهتر، و محاکمه رهبران فاسد اتحادیه‌های کارگری در رژیم "مبارک"، خواستار عدالت اجتماعی در مصر شدند. در بیانیه‌ای که از سوی ۴۹ سازمان، از جمله "اتحاد جوانان انقلابی"، حزب کمونیست مصر، چند گروه چپگرا، اتحادیه‌های مستقل و چندین سازمان مردم‌نهاد (ان‌جی‌او) منتشر شد، خواست حداقل دستمزد ماهانه حدود ۲۵۰ دلار آمریکایی و تعیین یک سقف حقوقی "برای تضمین تقسیم عادلانه ثروت" مطرح شد.

در عراق، صدها کمونیست و هواداران آنها در شهر بغداد دست به تظاهرات زدند و خواستار آن شدند که دولت کارخانه‌های تعطیل شده را دوباره به کار اندازد و حقوق کارگران را تأمین و تضمین کند. بر روی پلاکاردهایی که تظاهرکنندگان حمل می‌کردند این شعارها دیده می‌شد: "قانون کار جدید دموکراتیک و عادلانه را تصویب کنید"، و "بی‌عدالتی بس است، حقوق کارگران چه شد؟" گفتنی است که ۸ سال پس از سقوط رژیم صدام، در حدود یک چهارم مردم عراق زیر خط فقر زندگی می‌کنند و نرخ رسمی بیکاری ۱۵ درصد است.

در اسپانیا، که نرخ بیکاری در آن افزون بر ۲۱ درصد است، هزاران تظاهرکننده‌ای که در شهر والنسیا در شرق این کشور گرد هم آمده بودند، به دولت اسپانیا در مورد سستی در ایجاد مشاغل جدید اعتراض کردند. در پرتغال نیز که اقتصادی ورشکسته و بحران‌زده دارد نیز تظاهرات مشابهی از سوی ده‌ها هزار تن و به رهبری کمونیست ها و سندیکاهای کارگری در اعتراض به کاهش و قطع بودجه‌های خدمات اجتماعی همگانی و دفاع از حقوق کارگران صورت گرفت.

در یونان، تظاهرکنندگانی که به دعوت "جبهه مبارز سراسری کارگران" (PAME) به خیابان‌ها آمده بودند، علیه سیاست‌های

دولتی ریاضت اقتصادی تجویز شده توسط صندوق بین‌المللی پول و اتحادیه اروپا- از جمله کاهش دستمزدها، بالا بردن سن بازنشستگی، نقض حق مذاکره برای قراردادهای جمعی کار و کاهش حقوق بازنشستگی- اعتراض کردند. در یک سال گذشته، در پی تشدید اعمال سیاست‌های ریاضتی که منجر به اخراج‌های گسترده و ورشکستگی‌های بسیاری از شرکت‌ها شده است، دست‌کم ۱۶۰ هزار بیکار به خیل بیکاران اضافه شده است. بر اساس برآوردهای انجام شده، یک پنجم مردم یونان اکنون زیر خط فقر زندگی می‌کنند.

در روسیه نیز هزاران تن، از جمله کمونیست‌ها و هواداران دیگر گروه‌های چپ، سندیکالیست‌ها و هواداران محیط‌زیست با در دست داشتن پرچم‌های سرخ برای گرامیداشت روز جهانی کارگر از جمله در میدان پوشکین شهر مسکو گرد آمدند. سخنرانان در این گردهمایی تأکید کردند که فقط با پیکار مشترک زحمتکشان است که می‌توان بر محرومیت و وضعیت دشوار زندگی طبقه کارگران غلبه کرد.

در شهرهای مختلف آلمان، صدها هزار تن به خیابان‌ها آمدند تا صدای اعتراض خود را نسبت به عدم تعیین یک حداقل دستمزد معین و عادلانه در سطح کشور اعلام کنند. تظاهرکنندگان در شهرهای انگلستان نیز اعتراض خود را نسبت به کاهش خدمات اجتماعی و حمله به حق کار و بهداشت و درمان و آموزش اعلام کردند. در اتریش نیز بیشتر از صدهزار تن در خیابان‌های وین دست به راه‌پیمایی زدند و خواستار اصلاح سیاست‌های اجتماعی دولت سوسیال دموکرات این کشور شدند. در شهرهای مختلف فرانسه، صدها تظاهرات و راه‌پیمایی از سوی اتحادیه‌های کارگری و صنفی برگزار شد که شرکت کنندگان در آنها خواستار اقدام دولت برای کاهش هزینه زندگی زحمتکشان شدند و نژادپرستی و اسلام‌هراسی را محکوم کردند.

به نقل از نامه مردم، شماره ۸٦۸ ، ۱۹ اردیبهشت ۱۳۹۰

****

کمونیست ها درهمه مبارزه ها دارای نقشی محوری اند



"کریس ماتل هاکو"، دبیر بخش بین المللی حزب کمونیست آفریقای جنوبی، مبارزات و درگیری های اقتصادی و اجتماعی تحمیل شده به ملت "رنگین کمان" را، در آشفتگی بحرانی که اوضاع جهانی را دگرگون ساخته است، در پرسش و پاسخی ، تجزیه و تحلیل می کند :

س- انفجار های شدید خشم را که به طور منظم شهرستان های افریقای جنوبی را به لرزه در آورد چگونه توضیح می دهید؟

کریس متل هاکو: تازه ترین طغیان اعتراض های شدید که در پاره یی از منطقه های کشور روی داد واکنشی است به بی نظمی های عمیق اقتصا دی ناشی از ضایع کردن و تخریب خدمات اجتماعی، و نیز انحراف برخی ازنمایندگان محلی، که با استفاده از موقعیت نماینده بودن، در مسیر ثروت اندوزی شخصی قرار گرفته اند. علاوه براین، دولت های محلی هنوز هم همان شیوه های خشن و ناهنجار طراحی شده در زمان آپارتاید را مورد استفاده قرار می دهند. این دولت های محلی برای فائق آمدن بر مشکلات و از بین بردن گودال عمیقی که بخش های ثروتمندان را از بخش های تهیدستان را از هم جدا می سازد دچار مشکل اند، واقعیتی که پس از هفده سال دموکراسی همواره همچنان محکم پابرجاست. نتیجه سیاست های نولیبرالی که پس از سال۱۹۹٦ به کار گرفته شد، باخصوصی سازی ها و ادامه سلطه موسسه های خارجی، که نابودی ظرفیت های شکننده کلکتیوهای محلی در ارائه خدمات شان به بدنه جامعه را در پی داشت، آشکار شدند.

از این پس برای بهره مند شدن از چنین خدمات اولیه ای، باید بناگزیر به موسسات خصوصی یی که بهای گزافی برای آن مطالبه می کنند، روی آورد. اما چالش عمده همچنان بیکاری انبوه است: مشخصه اساسی آفریقای جنوبی که بعد از آپارتاید همچنان برجا ست. نرخ بیکاری به طور رسمی٦/۲٤ در صد است. اما این آمار براساس برآوردی بسیار فشرده قرار دارد.

س- دولت زوما آیا جواب گوی این خواست مبرم اجتماعی هست؟

کریس متل هاکو: حکومت دموکراتیک جدید در عرض چند سال از عمر خویش پس از آپاتاید، برای محروم ترین افراد، به اشکال مختلف، کارهای فوق العاده ای انجام داد. نزدیک به پانزده میلیون نفر از کمک های دولتی استفاده می کنند. آن طور که ما مشاهده می کنیم، برای ساختن دولتی در خدمت ترقی و توسعه و نه یک دولت قضا قدری، پرزیدنت زوما خاطر نشان کرد که، این کمک ها باید به فعالیت اقتصادی و پیشرفت و توسعه جامعه وابسته باشد. موضوع عبارت از این است که، استفاده کنندگان این کمک ها باید در طولانی مدت بتوانند از لحاظ مالی مستقل شوند. حکومت دموکراتیک آفریقای جنوبی با اجرای برنامه باز ساخت و توسعه در پنج سال اول دموکراسی، قبل از اینکه با برنامه موسوم به "ثبات" از سوی دستگاه اداری "مبکی" متوقف شود، پیشرفت های معناداری را به اجرا گذاشت. در عرصه مسکن، بهداشت، خدمات اولیه و پایه ای همراه با اصلاحات کشاورزی، زندگی میلیون ها انسان بهترشد، اما با اینهمه، هنوز کار های زیادی باید انجام شود. از سال ۲۰۰۷ سازمان دولتی "زوما" پنج مورد کلیدی و مقدم را به شرح زیر به تصویب رساند: ایجاد مشاغل شایسته و در خور (انسانی)، بهداشت، آموزش، مبارزه با جنایت و فساد، و توسعه و پیشرفت مناطق روستائی. "ژاکوب زوما" به ایجاد و خلق مشاغل، در نیمه سال ۲۰۱۱ از طریق آغاز دگرگونی های اقتصادی معنا دار که هیچ کس را مستثنی نکند، متعهد شد. چنین آماجی از چشم انداز سیاسی مورد دفاع دستگاه اداری پیش از او به کلی غائب بود.

س-امروز نقش حزب کمونیست آفریقای جنوبی چیست؟

کریس متل هاکو: حزب کمونیست آفریقای جنوبی با الهام از خواسته های خلق، طبقه کارگر و محروم ترین افراد جامعه، به ایفای یک نقش محوری ادامه می دهد. این حزب، با استفاده از ظرفیت بسیج گرانه و تشکیلاتی خود، و در مقام عضوی از یک اتحاد به رهبری "کنگره ملی آفریقای جنوبی" (ANC)، مسئولیت های خود را در دولت کاملاً به عهده گرفته و اجرا می کند، ولی حزب همچنین نقش خاص و مستقل خویش را خارج از چهار چوب

دولت، مورد تاکید قرار می دهد. دولت برای ما یک میدان مبارزه و جد و جهد است همچنان که محل کار، جامعه، پهنه اقتصاد و عرصه ایدئولوژیک و یا عرصه مسائل بین المللی چنین است. همراه با مرکز سندیکائی "کوزاتو"، ما از چشم انداز یک جهت گیری تازه اقتصادی در آفریقای جنوبی دفاع می کنیم.

س- درکنفرانس عالی سران افریقا - در فرانسه، در شهر نیس - رئیس جمهور "زوما" در برخورد ها و منازعه هائی که قاره اقریقا را پاره پاره می کند، بسیاری ازمیراث های استعماری را می دید. آیا برداشت شما نیز همین است؟
کریس متل هاکو: بله، این حقیقت دارد که پنجاه سال پس از آغاز جریان استعمار زدائی، استعمار و نواستعماری ادامه دارد و به شکل های مختلف، در قاره (آفریقا) خود را نشان می دهد. اقتصاد بسیاری از کشورهای جهان سوم، وابسته به مترو پل های سابق باقی مانده اند. از طریق این رابطه نا برابر، کشورهای استعمارگر (متروپل) سابق، به دیکته کردن راهبرد های خود به رهبران زبده و به بورژواژی ملی وابسته و وفادار به استعمار گران سابق، ادامه می دهند. برای مثال، نیکولا سارکوزی از اینکه وابستگی های مستعمره های سابق را دلیلی برای تشویق آن ها جهت دفاع از منافع مشترک ادعائی در جنگ اقتصادی بین امپریالیست ها بداند، تردید نمی کند. بنابراین، منافع مورد بحث، در حقیقت منافع سرمایه انحصاری فرانسه و منافع طبقات ممتاز کشورهای مورد بحث است
.

- آیا کشورهای نوخاسته (برهچا- "بریکس(BRICS " شامل: برزیل، روسیه، هند ، چین، آفریقای جنوبی) می توانند نظم جهانی عادلانه تری را به کرسی بنشانند؟
- کریس متل هاکو: "برهچا" برای کشور های جنوب، در به کارگیری ظرفیت های شان به منظور به وجود آوردن جهانی چند قطبی، فرصت یگانه ای را عرضه می دارد. در ده سال آینده، برزیل، روسیه، چین، هند و آفریقای جنوبی، جمعاً، می توانند بر مثلث اتازونی، ژاپن، اتحادیه اروپا، از لحاظ تولید ناخالص ملی پیشی بگیرند. این تغییر توازن عمده می تواند برای ایجاد روابطی نوین در جهت یک رژیم تجاری مبتنی بر همبستگی و منافع جمعی، و گسستی در سیستم کنونی مبتنی برسلطه قدرت های امپریالیستی که بر اساس منافع خودخواهانه آن ها هدایت می شود، راه را بگشاید .

- مسئولیت های نیروهای چپ در قبال بحران عمومی چیست؟
- کریس متل هاکو: بحران، به چپ امکان باز اندیشی نسبت به پیش تصور های کهن در باره واقعیت اقتصاد جهانی می دهد. به عنوان مثال، در ارتباط با توجه بیشتر به مسئله محیط زیست. این موضوع در مبارزاتی که برای توسعه اقتصادی بر اساس استراتژی صنعتی کردن جریان دارد، متضمن در نظر گرفتن و به حساب آوردن اهمیت مسائل مربوط به محیط زیست و تأثیر آن هم بر زندگی افراد عادی و هم بر آثار ویرانگر چنین بحرانی، که نشانگر طبیعت ناپایدار سیستم سرمایه داری و سرانجام آشکارش و لزوم سر نگون کردن آن، است.

به نقل از نامه مردم، شماره ۸۶۸ ، ۱۹ اردیبهشت ۱۳۹۰

****

مصاحبه اختصاصی "نامه مردم" با رفیق صلاح عدلی، سخنگوی حزب کمونیست مصر

تحولات کشور مصر در هفته های اخیر وارد مرحله های حساسی شده است که بر ادامه، جهت گیری و آینده جنبش مردم مصر اثری تعیین کننده خواهند داشت. انجام همه پرسی در مورد قانون اساسی کشور، کوشش جنبش مردمی برای ادامه قیام و تعمیق آن، کارزار برای پاک سازی حیات سیاسی مصر از بقایای رژیم دیکتاتوری، اصرار محافل سرمایه داری مصر و نظامیان حاکم در مهار زدن و ترمز کردن روند دموکراتیک کردن تحولات، و شکل گیری و گسترش سازمان دهی نیروهای سیاسی شرایط بسیار متحولی را در مصر ایجاد کرده اند. در رابطه با این تحولات، نماینده ویژه "نامه مردم"، در اواسط فروردین ماه ، در قاهره، پایتخت مصر، با رفیق "صلاح عدلی" ملاقات و گفتگو کرد. پرسش و پاسخ زیر در حاشیه ملاقات فوق و برای انتشار در "نامه مردم" انجام گرفت.

****

س – جنبش مردمی و خیزش اخیر در مصر در برگیرنده طبقات، قشرها و نیروهای اجتماعی گوناگون با آمیزه‌ای از خواست‌های متفاوت از لحاظ عدالت اجتماعی و دموکراسی بود و است. چه عاملی این طیف را در زیر پرچم واحد "دیکتاتور باید برود" متحد کرد؟

ج – انقلاب ۲۵ ژانویه ۲۰۱۱ (۵ بهمن ۸۹) برآمد یک بحران ژرف اقتصادی و اجتماعی همه‌جانبه بود. حاصل مجموعه‌ای از هزاران اقدام اعتراضی و پیکار سیاسی و اجتماعی بود که سال‌ها جریان داشت. نیروهای معترض زیر شعارها و پرچم‌ها و سازمان‌های گوناگونی متحد شده بودند. یکی از عمده‌ترین کانون‌های اعتراض، "کمیته سراسری (ملی) برای تغییر" بود که حزب‌های سیاسی متعددی از جمله حزب ما، و شماری از جنبش‌های کارگری و جوانان را در خود جای داده بود. "کمیته سراسری" در کارزاری که پیرامون برنامه‌ای برای تغییر ارائه داده بود، توانست بیشتر از یک میلیون امضا جمع آوری کند. این برنامه شامل خواست‌هایی بنیادی برای هموار کردن راه گذار دموکراتیک به برقراری دموکراسی در کشور بود. اما رژیم نه فقط به این خواست‌ها پاسخی نداد، بلکه دست به برگزاری انتخابات پرتقلبی زد و برای انتقال قدرت به "جمال مبارک" دست به کار شد. علاوه بر این، دستگاه سرکوبش را برای در هم کوبیدن هرگونه حرکت اعتراضی مسالمت‌آمیز به کار گرفت. ادامه سیاست ورشکسته مشت آهنین از سوی رژیم، راه دیگری برای جنبش توده‌ای باقی نگذاشت جز آنکه به خیابان‌ها بیایند و به‌جای خواست ایجاد دگرگونی‌های اجتماعی ـ سیاسی ـ اقتصادی در درون رژیم، خواستار سرنگونی رژیم بشوند؛ گام اول در این راه، برکنار کردن خود "مبارک" بود. شایان ذکر است که موفقیت خیزش مردمی در تونس نیز الهام‌بخش مردم ما بود.

س – در پی برکناری "مبارک"، جنبش مردمی و جامعه مصر گام بلندی به پیش، به سوی مرحله‌ای نوین برداشته است. ممکن است در مورد ماهیت مرحله کنونی و چالش‌ها و دشواری‌های آن توضیح بدهید؟ در حال حاضر اداره کشور در دست چه کسانی است، و موضع جنبش مردمی و حزب کمونیست مصر نسبت به حاکمیت کنونی چیست؟



ج – مرحله نخست انقلاب با برکناری "مبارک" و به دست گرفتن قدرت توسط "شورای عالی نظامی" تکمیل شد. این شورا متشکل از فرماندهان نیروهای مسلح است که از دستور "مبارک" برای مقابله با توده‌ها سرپیچی کردند. اینک مرحله دوم آغاز شده است، که مرحله‌ای بسیار دشوار و حسّاس است. هدف این مرحله از انقلاب، انتقال قدرت به یک حکومت انتخابی غیرنظامی است، و شامل اقدام‌هایی از این دست است: ادامه مبارزه تا برچیدن کامل رژیم پیشین، انحلال حزب حاکم پیشین، محاکمه عادلانه عوامل فساد و جنایت و مسئولان رژیم "مبارک" از جمله خود "حسنی مبارک" و خانواده‌اش. همزمان با این اقدام‌ها، باید گام‌هایی فوری در راهِ برداشتن بار سنگین سیاست‌های اقتصادی پیشین از روی شانه‌های توده‌های زحمتکش برداشته شود. در این ارتباط، آرمان و خواست عدالت اجتماعی دارای اهمیت درجه اول است. پیگیری یک سیاست خارجی متوازن‌تر، به طوری که مصر بتواند سهم خود را در مبارزه جهانی در راه صلح و دموکراسی، و احترام به حقوق بنیادی بشر در خاورمیانه و به طور کلی در جهان ادا کند، گام دیگری است که باید برداشته شود. متأسفانه شاهد آنیم که "شورای عالی نظامی" در امر رسیدگی به خواست‌های بنیادی انقلاب تعلل و کندی به خرج می‌دهد؛ برای ائتلاف با اخوان‌المسلمین و بقایای رژیم گذشته آمادگی نشان می‌دهد، و حتیٰ در این راه تلاش می‌کند، که بازتاب آن را در متمم‌های تازه قانون اساسی می‌بینیم. همچنین، "شورای عالی نظامی" از ایجاد و استقرار یک شورای ریاست جمهوری غیرنظامی برای جایگزین کردن این

شورای نظامی با آن در دوره گذار، تا کنون سر باز زده است. علاوه بر این، می‌بینیم که شورای نظامی حاکم تمایلی به تصویب و اجرای قوانین دموکراتیک، از جمله برای تأمین و تضمین حق تشکل، ندارد و مصرّانه مدّعی است که انقلاب ۲۵ ژانویه، قیام جوانان بود نه انقلاب مردم. در این اوضاع و احوال، فعالیت نیروهای ارتجاعی و توطئه‌چینی‌های آن ها با کمک رژیم‌های منطقه و حمایت امپریالیسم آمریکا برای منحرف و متوقف کردن انقلاب نیز ادامه دارد. در عین حال باید به مسئله نبود یک رهبری متحد برای پیشبرد انقلاب اشاره کنم. این طور که ما می‌بینیم، "شورای عالی نظامی" آماده همکاری با اسلام گرایان سیاسی، و به‌ویژه اخوان‌المسلمین، و نیز گرایش‌های لیبرالی است تا پایگاه اجتماعی لازم را برای ایجاد رژیم جدید فراهم آورد. این تلاش، بخشی از برنامه‌ای است که نیروهای ارتجاعی برای آینده کشور، برگزاری انتخابات مجلس و ریاست جمهوری آخر امسال (۲۰۱۱)، و دوران پس از این انتخابات تدارک دیده‌اند.
این چالش‌ها، وظایف فوری و مبرمی را در برابر حزب ما، همه نیروهای ترقی‌خواه، و طبقه کارگر برای محافظت و پیشبرد اهداف اصلی انقلاب قرار می‌دهد.
س – جنبش کارگری و اعتصاب‌های کارگری بی‌تردید نقش عمده‌ای در خلع دیکتاتور داشتند. این اعتصاب‌ها چگونه سازمان داده می‌شدند؟ اگر ممکن است در مورد پیوند مبارزات کارگری با مبارزات توده‌ای مردم نیز توضیح دهید.
ج – جنبش مردمی کنونی بر پایه یک رشته فعالیت‌های مردمی شکل گرفت که به طور عمده ده سال پیش، یعنی از زمان ایجاد "کمیته مردمی در دفاع از خیزش مردم فلسطین" در سال ۲۰۰۱ آغاز شد. سه سال بعد، در سال ۲۰۰۴، جنبش "الکفایة" و دیگر کارزارهای مردمی دست به نخستین تلاش‌ها در راه سازمان‌دهی اقدام‌های اعتراضی و خواست دگرگونی‌های دموکراتیک در کشور زدند. در سال ۲۰۰۶، طبقه کارگر وارد صحنه پیکار شد و اعتصاب کارگران منطقه صنعتی المحله به راه افتاد، که رژیم را وادار به پذیرش برخی از خواست‌های هزاران کارگران اعتصابی کرد. به دنبال این اعتصاب، چندین اعتصاب دیگر نیز به راه افتاد و اقدام‌های توده‌ای متعددی صورت گرفت، که از آن جمله می‌توان به اشغال کارخانه‌ها اشاره کرد. در روز اول ماه مه ۲۰۱۰ (۱۱ اردیبهشت ۸۹) طیف گسترده‌ای از نیروهای چپ، از جمله حزب ما، چندین تظاهرات اعتراضی توده‌ای در شهرهای اصلی مصر سازمان دادند و خواستار افزایش حداقل دستمزدها شدند. به رغم سرکوب و مقابله وحشیانه نیروهای دولتی، برخی از سندیکاهای دموکراتیک و فعالان آن ها نقش عمده‌ای در بسیج طبقه کارگر به منظور شرکت در فعالیت‌های توده‌ای و گرفتن حقوق اجتماعی‌شان بازی کردند. اوج این فعالیت‌ها زمانی بود که طبقه کارگر ابزارهایش را زمین گذاشت و دست از کار کشید، و ده‌ها هزار کارگر در حلوان، المحله و سوئز به جمع مردمی پیوستند که در میدان التحریر تجمع کرده بودند. در نتیجه این اقدام، توازن نیروها به سود انقلاب به هم خورد، و رژیم مجبور به عقب‌نشینی و پذیرش برخی از خواست‌های انقلاب شد.
س – در میدان تحریر، مسلمانان و مسیحیان در نمایشی از وحدتِ جمعی در کنار یکدیگر به عبادت پرداختند و نقشه‌های دسیسه‌آمیز "تفرقه بینداز و حکومت کن "رژیم مبارک" با سوءِاستفاده از باورها و تعصب‌های مذهبی و سنّتی را خنثی کردند. ولی در همه‌پرسی اخیر دیدیم که اخوان‌المسلمین موضعی واپس گرایانه گرفت. نقش و نفوذ نیروهای مذهبی را در آینده تحولات سیاسی و اجتماعی مصر چگونه می‌بینید؟
ج – نخستین کشمکش ها یا بحران میان مسلمانان و مسیحیان در سال ۱۹۷۲ (۱۳۵۱) شکل گرفت و بروز کرد، که نتیجه تلاش های دسیسه آمیز "سادات" برای استفاده از اخوان المسلمین برضد نیروهای چپ بود. این نقشه توطئه آمیز "سادات"مورد حمایت مستقیم آمریکا و رژیم های واپ سگرای عرب بود. امروزه هم نیروهای ضدانقلاب، با اتکا به تجربه ای که در زمان رژیم های "سادات"و "مبارک" به دست آورده اند، تلاش دارند همان شیوه قدیمی را به کار گیرند. خوشبختانه جنبش مردمی نسبت به این دسیسه ها هشیار و آگاه است و تا کنون توانسته است خوبی آن را خنثی کند. برای نمونه، کافی است به این واقعیت اشاره کنیم که شماری□به از کسانی که جان خود را در راه پیروزی انقلاب از دست دادند، مسیحی بودند. اخوان المسلمین امروزه همچنان اصلی ترین دشمن وحدت ملی و دگرگونی های اساسی و ریشه ای در کشور است. به رغم گفته ها و ادعاهای این گروه، باید گفت که آنها کماکان یک بازوی غیرنظامی در خدمت پیشبرد سرمایه داری در کشور، و متحد بالقوه امپریالیسم آمریکا به شمار می روند. مواضع اتخاذ شده تا کنونی آنها، به روشنی بیانگر مقاصدشان است.
س – زنان نقش بسیار برجسته‌ای در پیروزی قیام مردم مصر بازی کردند. اینک، پس از انقلاب، جنبش زنان در چه وضعیتی قرار دارد و چه برخوردی با محافظه‌کاری سنّتی اجتماعی و مذهبی دارد؟
ج – همان‌طور که گفتید، زنان در انقلاب مصر نقش عمده‌ای داشتند. در جریان اشغال میدان التحریر، شمار انبوهی از زنان در این اقدام جمعی شرکت داشتند. در رخدادهای زمان انقلاب، ۲۸ زن جان خود را از دست دادند و صدها زن زخمی شدند. در عین حال، زنان نقش چشمگیر و پراهمیتی در کمک‌های درمانی به زخمی‌شدگان و کار داوطلبانه در بیمارستان‌ها به عهده داشتند. با وجود این نقش مهم زنان در انقلاب، "شورای عالی نظامی" این واقعیت را نادیده گرفت و حتیٰ یک زن را هم در کمیته اصلاح قانون اساسی شرکت نداد، اگرچه در حال حاضر یک زن وزیر در هیأت دولت داریم (فائزه ابوالنجا، وزیر همکاری بین‌المللی). به رغم نقش واپس گرایانه "شورای عالی نظامی"و متحدان آن در میان اخوان‌المسلمین، زنان دموکرات، ترقی‌خواه و کمونیست از طریق سازمان‌های

گوناگونی که دارند به مبارزه و پیکار خود در راه کسب حقوق‌شان ادامه می‌دهند و از حمایت گسترده مردمی برخوردارند.
س – خیزش مردمی اخیر چه تأثیری بر روابط مصر با اسرائیل و آمریکا داشته است؟ آینده این روابط را چگونه می‌بینید؟ موضع حزب کمونیست درباره اسرائیل و موافقت‌نامه صلح با آن کشور چیست؟
ج – موضع توده مردم مصر در مورد حمایت از مبارزه مردم فلسطین در راه حقوق حقه خویش همیشه روشن بوده است و همان‌طور هم خواهد ماند. حزب ما و دیگر نیروهای سیاسی ترقی‌خواه، قاطعانه با توافق‌نامه "کمپ دیوید" و دیگر موافقت‌نامه‌های یک‌جانبه‌ای که منجر به تسلط ایالات متحد آمریکا بر خاورمیانه و قرار گرفتن برخی از کشورهای عرب در معرض تجاوز آمریکا و اسرائیل شدند، مخالف بوده و است. همبستگی و فعالیت‌های عملی ما با لبنان در برابر تجاوزگری اسرائیل، و نیز بر ضد محاصره غزه، در کارنامه فعالیت‌های ما ثبت است. اخیراً، و به ابتکار حزب ما، یک تظاهرات توده‌ای برضد تجاوزگری اسرائیل سازمان‌دهی شد، که اخراج سفیر اسرائیل از مصر و متوقف کردن فروش گاز به اسرائیل جزو خواست‌های آن بود. همان طور که پیش تر گفتم، توده‌های مردم توجه‌شان را به طور عمده پیرامون محور سرنگون کردن رژیمی متمرکز کردند که متحد استراتژیک اسرائیل و امپریالیسم آمریکا بود. ما فکر می‌کنیم که این جنبه از پیکار مردم مصر ادامه خواهد یافت و گسترده‌تر خواهد شد. ما به عنوان یک حزب کمونیست همواره پرچمدار همبستگی بین‌المللی خواهیم بود.
س – خواست‌های کوتاه‌مدت و درازمدت جنبش جاری مصر کدامند، به‌ویژه با توجه به نتایج همه‌پرسی اخیر در روز ۱۹ مارس (۲۸ اسفند ۸۹) و انتخابات ریاست جمهوری که در پیش است؟
ج – حزب ما همراه با دیگر نیروهای انقلابی یک رشته خواست‌های بنیادی را با هدف به پیش راندن هر چه بیشتر انقلاب مطرح کرده است، که شامل موارد زیر است:
۱. تشکیل یک شورای غیرنظامی ریاست جمهوری متشکل از پنج عضو، که یک نماینده از "شورای عالی نظامی" نیز می‌تواند در آن شرکت داشته باشد. در دوران گذار، و به منظور پرهیز از رو در رویی میان ارتش و مردم و تضمین اجرای هرچه فوری‌تر خواست‌های مردم، این شورا به عنوان "رئیس دولت" عمل خواهد کرد.
۲. انحلال "الحزب الوطنی" [حزب حاکم پیشین، که به حکم دادگاه در روز شنبه ۲۷ فروردین منحل اعلام شد]، توقیف اموال این حزب، محاکمه مسببان و مسئولان بحران‌های سیاسی و مالی کشور و کشتار تظاهرکنندگان بی‌گناه، و نیز انحلال شوراها و نهادهای وابسته به رژیم گذشته در سراسر کشور.
۳. متوقف و ممنوع کردن محاکمه غیرنظامیان در دادگاه‌های نظامی. پایان دادن به وضعیت اضطراری در کشور.
۴. لغو قانون جدیدی که برای تشکیل آزادانه حزب‌های سیاسی محدودیت ایجاد کرده است، و سازمان‌دهی انتخابات بعدی بر پایه فهرست تناسبی حزب‌های سیاسی شرکت کننده در انتخابات. شیوه انتخاباتی که در گذشته استفاده می‌شد، در نهایت باز هم رژیمی مانند همان رژیم قدیم را به بار خواهد آورد.
۵. تلاش در راه اتحاد نیروهای دموکراتیک و ترقی‌خواه مدنی و توافق بر سر یک نامزد واحد برای ریاست جمهوری. این اتحاد می‌تواند زیر شعار "نه به نظامیان، نه به نامزدهای دین‌سالار" شکل بگیرد. همچنین، باید بر سر تشکیل یک کمیته انتخابی توافق شود که قانون اساسی تازه‌ای را تدوین کند، تا راه برای برقراری بی‌خدشه یک حاکمیت مدنی پارلمانی هموار شود.
۶. اتخاذ یک سیاست اقتصادی نوین با هدف توسعه واقعی، که اکثریت مردم، و به‌ویژه زحمتکشان از آن بهره‌مند شوند. این سیاست باید مبتنی بر تحکیم نقش دولت و بخش دولتی باشد به طوری که حقوق اجتماعی و اقتصادی مردم تأمین و تضمین شود. همچنین باید حداقل و حداکثر دستمزدها و حقوق‌ها معین شود؛ اقدام‌های فوری به منظور برداشتن بار بحران اقتصادی اخیر از دوش طبقه کارگر صورت گیرد، از جمله از راه افزایش مالیات ثروتمندان، کاهش بهای کالاهای خوراکی اساسی، و افزایش نقش و سهم دولت در بخش آموزش و مراقبت‌های بهداشتی و درمانی؛ شرکت‌های دولتی، بانک‌ها و کارخانه‌هایی که به بخش خصوصی واگذار یا فروخته شده بودند باید دوباره ملی شوند؛ و باید با فساد مبارزه شود و عاملان خلاف و فساد محاکمه شوند.
۷. بازداشت و محاکمه همه آنانی که مسئول کشته شدن صدها تن در تظاهرات مسالمت‌آمیز بوده‌اند، و در خرابکاری‌های اقتصادی، فساد و دیگر خلافکاری‌ها و بزهکاری‌ها دست و مسئولیت داشته‌اند. این اقدام باید زیر نظارت قوه قضاییه انجام بگیرد و بدون استثنا شامل همه خلافکاران شود، از جمله و پیش از همه، "مبارک" و خانواده او و دار و دسته نزدیکان او.
۸. تدوین و تصویب قانون کار جدید، مطابق با معاهده‌های بنیادی "سازمان جهانی کار" و منشور سازمان ملل متحد و قطعنامه‌ها و پیمان‌های آن، که آزادی تشکل و دیگر حقوق بشر و سندیکایی را به رسمیت می‌شناسند. در عین حال، ما خواهان ادامه مبارزه در راهِ لغو و ابطال قوانین واپس گرایانه‌ای هستیم که اخیراً از سوی "شورای عالی نظامی" تصویب و اعلام شدند و هرگونه اعتصاب، تظاهرات و تحصّن را منع می‌کنند.
۹. استقلال دانشگاه‌ها؛ تدوین و اجرای نظامنامه‌ای که به شرکت فعال دانشجویان در زندگی دانشگاهی کمک کند.
۱۰. تنظیم و اجرای یک سیاست خارجی ملی و میهنی که امنیت ملی مصر را محافظت کند و شرکت

فعال آن را به عنوان یک کشور مستقل آفریقایی و عرب در امور منطقه و جهان، و در مقابله با توطئه‌های امپریالیستی و صهیونیستی فراهم کند.
س – با توجه به اینکه متمم‌های اخیر قانون اساسی برای اعتصاب‌های کارگری محدودیت ایجاد کرده‌اند، به نظر شما وضعیت جنبش کارگری و حزب کمونیست مصر بهتر از گذشته شده است یا بدتر؟ باخبر شدیم که حزب کمونیست مصر فعالیت‌های علنی خود را روز ۱۴ مارس (۲۳ اسفند) آغاز کرد. چالش‌های عمده حزب کمونیست مصر کدامند و برنامه شما برای دگرگونی‌های بیشتر در مصر چیست؟
ج – حزب ما اصلاً انتظار تصویب چنین قوانینی را نداشت، به‌ویژه قانونی که اعتصاب، تظاهرات، و تحصن در محیط‌های کار را ممنوع می‌کند. استدلال قانونگذار این بوده است که این گونه اقدام‌ها، اقدام‌های کم‌اهمیت و عبثی هستند که برای دفاع از منافع یک اقلیت در برابر منافع کل جامعه از آن ها بهره گرفته می‌شود. جالب اینجاست که رژیم گذشته هم همین استدلال را به کار می‌برد. اقدام‌هایی که در این قانون از آن ها نام برده شده است، به عنوان آخرین حربه به منظور دفاع از خود و از حقوق حقه خود، و برضد بهره‌کشی سرمایه‌داری و وخیم‌تر شدن شرایط کار به کار گرفته می‌شدند و می‌شوند. این حقوق بخشی از حقوق سندیکایی و حقوق اساسی بشرند که هم سازمان ملل متحد و هم "سازمان جهانی کار" آن ها را به رسمیت شناخته‌اند. در واقع، دستیابی به این حقوق، که قانون جدید آن ها را از مردم گرفته است، حربه پرقدرتی بود در دست مردم برای مقابله با "مبارک" و رژیم او. به رغم مقاومت سرسختانه مردم و سندیکاهای مستقل، این قانون هنوز به اعتبار خود باقی است و لغو نشده است، اگرچه مبارزه با آن ادامه دارد. از سوی دیگر، تصویب قانون تشکیل حزب‌های سیاسی نیز ما را شگفت‌زده کرد. قانون تازه همه محدودیت‌های قانون قدیم را در بر دارد. تنها عنصر مثبت در آن این است که کمیته ناظر بر اجرای آن متشکل از یک هیأت وابسته به قوه قضاییه است. طبق قانون جدید، تأسیس حزب بر پایه طبقاتی قدغن است، و اعضای مؤسس حزب باید دست‌کم ۵۰۰۰ تن از ۳۰ استان کشور باشند، و نام‌های آنان در دو روزنامه سراسری کشور منتشر شود. این بدان معناست که هر حزب جدیدی، پیش از آنکه به ثبت برسد، باید چیزی در حدود یک میلیون پوند مصری (حدود ۱۶۷ هزار دلار آمریکا) هزینه کند. این پیش‌شرط فقط به سود حزب‌های پولدار، مذهبی یا وابسته به سرمایه‌داران است که وضعیت مالی خوبی دارند یا دسترسی به سرمایه‌های خارجی دارند. به این دلیل، و دلایل دیگر، حزب ما تصمیم گرفته است که مبارزه با این قانون را به میان مردم ببرد و قاطعانه برای لغو آن مبارزه کند. دستاوردهای انقلاب پیروزمند مصر و حقانیت آن ها، اساس مبارزه ما در این راه است.
حزب ما در تدارک برگزاری قانونی کنگره چهارم خود است که امیدواریم برنامه و اساسنامه تازه حزب در آن به تصویب برسد و رهبری جدید حزب انتخاب شود.
س – آیا تحولات ایران در سال‌های اخیر را دنبال کرده‌اید؟ آیا شباهت‌ها یا تفاوت‌هایی میان سیاست ها و عملکرد رژیم‌های ایران و مصرِ دوران "حسنی مبارک" می‌بینید؟
ج – به نظر ما رژیم مصر زیر حاکمیت "مبارک" با رژیم کنونی ایران متفاوت بود. به رغم این واقعیت که "مبارک" از نهادهای مذهبی رسمی برای توجیه سیاست‌های واپس گرایانه و سرکوب گرانه‌اش استفاده می‌کرد، اما برخلاف رژیم کنونی ایران، "مبارک" به نام مذهب یا خدا حکومت نمی‌کرد. همچنین، به رغم این واقعیت که "مبارک" از نهادها و دستگاه‌های سرکوبگر دولتی برای ادامه قدرتش استفاده می‌کرد، اما دستگاه دولتی او با نیروهای بسیج و سپاه ایران متفاوت بود. "مبارک" در سال‌های آخر حکومتش و زیر فشارهای داخلی و جهانی، مجبور شد دایره دموکراسی را در کشور گسترده کند که همین، راه را برای پیروزی انقلاب باز کرد. با وجود این، باید بر این شباهت دو رژیم تأکید کرد که هر دو رژیم‌های سرکوبگر و ضدمردمی‌اند، سیاست‌هایی را دنبال می‌کنند که در خدمت سرمایه‌داری‌اند، و حقوق اساسی بشر و سندیکایی مردم و زحمتکشان را نقض می‌کنند و زیر پا می‌گذارند.
در هفته‌ها و ماه‌هایی که در پیش داریم، ما فعالیت‌های بیش از پیش گروه‌های سیاسی اسلامی در مصر، و احتمال فزاینده اتحاد و ائتلاف میان "شورای عالی نظامی" و امپریالیسم آمریکا و ارتجاع عرب برای منحرف کردن و به شکست کشاندن انقلاب مصر و مستقر کردن یک حکومت مذهبی را به دقت دنبال خواهیم کرد.

به نقل از نامه مردم، شماره ۸۶۸ ، ۱۹ اردیبهشت ۱۳۹۰

بیانیه هیئت سیاسی حزب کمونیست اسرائیل
از توافق فتح – حماس تابه رسمیت شناختن دولت فلسطین در سازمان ملل



حزب کمونیست اسرائیل از توافق اولیه توسط نمایندگان فتح وجنبش حماس ، در خصوص استقرار دولت متحد موقت ، وتدارک برای انتخابات ریاست جمهوری ، مجلس، وشورای ملی فلسطینی ها در طی ۸ماه استقبال می کند.

مصالحه بین فتح وحماس در رابطه با همکاری سیاسی کمک مهمی در جهت تلاش های انجام گرفته از سوی سازمان آزادی بخش فلسطین ومقامات فلسطینی برای کسب حمایت اکثریت اعضای مجمع سازمان ملل در سپتامبر آینده به طرفداری از تاسیس دولت مستقل فلسطینی ، به پایتختی اورشلیم شرقی ، در کنار اسرائیل است.
حزب کمونیست اسرائیل اعلام می دارد که رای آینده مجمع عمومی سازمان ملل در رابطه با (تاسیس)دولتی فلسطینی درداخل مرزهای ٤ژوئن ١٩٦٧ به منافع بنیادی خلق های اسرائیل وفلسطین در دست یابی به صلح عادلانه وپایدار، مبتنی بر پایان دادن به اشغال ، تخلیه شهرک ها ، و (یافتن) چاره ای برای مشکل آوارگان بر اساس قطعنامه های سازمان ملل ، خدمت می کند.
حزب کمونیست اسرائیل عکس العمل هیجان زده ناتانیاهو نخست وزیر اسرائیل را ، مبنی بر آن که فتح باید بین صلح با اسرائیل وصلح با حماس یکی را انتخاب نماید محکوم می کند. یادآوری آن مهم است که ناتانیاهو وکابینه او کسانی هستند که بارها استدلال کرده اند که امضا توافق با فلسطینی ها می تواند غیرممکن باشد ، چون رئیس ابو مازن دولت غزه را نمایندگی نمی کند. اکنون ، به محض این که توافق فتح – حماس درحال تکوین است ، بار دیگر آشکار می شود که تنها چیزی که این دولت خطرناک کارشکن بدان علاقمند است ادامه اشغال وشهرک سازی است ، در حالی که مخاطره احتمال جنگ های جدید نیز وجود دارد .
حزب کمونیست اسرائیل شرکای خود درهداش (جبهه دموکراتیک برای صلح وبرابری) وتمام حامیان صلح در اسرائیل، یهودی ها وعرب ها را به یکسان برای تشدید مبارزه برای پایان دادن به اشغال وتشکیل نیروی متحدی در یک تلاش جهت جمع آوری حد اکثر حمایت گسترده افکار عمومی برای اعلامیه آینده مجمع سازمان ملل به طرفداری از تاسیس فلسطین مستقل در کنار اسرائیل فرا می خواند. فرصت دست یابی به صلحی دائمی ، بر پایه اصل دو کشور مستقل ، در مرزهای چهارم ژوئن ١٩٦٧، امروز بیش از هر زمانی در گذشته قابل لمس تر است .
بیایید اجازه ندهیم این فرصت تاریخی از دست ما بگریزد! بیایید دو ملت خودرا از جنگ وخون ریزی بیشتر نجات دهیم !
یک دولت مستقل فلسطینی هم در راستای منافع توده های خلق اسرائیلی است !

نویدنو ١٣٩٠/٠٢/١٣

قتل بن لادن هلهله و هورا ندارد!



• سخنگوی شورای صلح در رابطه با خبر قتل اسامه بن لادن گفت:

• ما با هلهله و هورای پیروزی از سوی اوباما، مرکل و راسموسن نمی توانیم موافق باشیم.

• آنها قتل بن لادن را «موفقیتی برای همه انسان ها» (مورفی، سفیر آمریکا)، «موفقیتی برای امنیت قوای ناتو و متحدین» (راسموسن، دبیر کل ناتو)، «موفقیتی برای نیروهای صلح» (آنگلا مرکل، صدر اعظمه آلمان) اعلام کرده اند.

• اگر مرگ انسانی ـ هر چقدر هم جنایتش بزرگ باشد ـ از سوی سیاستمداران غرب با خوشحالی استقبال و جشن گرفته می شود، این بدان معنی است که آنها خود را به درجه تروریست ها تنزل داده اند و بسان تروریست ها برای شان زندگی انسانی بی ارج و ارزش است.

• شورای صلح به چهار دلیل مخالفت خود را با هلهله و هورا اعلام می کند:

۱

• به بهانه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ که مسئولش بن لادن قلمداد شده، حدود ده سال است که در افغانستان جنگ لاینقطعی در جریان است.
• در این جنگ، چندین ده برابر قربانیان مرکز تجارت جهانی به قتل رسیده اند.
• جنگ افغانستان که از سوی جورج بوش به عنوان انتقامگیری آغاز شده، دهها بار بربرمنشانه تر از حادثه ۱۱ سپتامبر است.

۲

• بر خلاف ادعای انگلا مرکل، نمی توان از امنیت بیشتر سخن گفت، نه در افغانستان و نه در پاکستان.
• سازمان های ترور در کشورهای دیگر نیز در طول این «جنگ دهساله بر ضد ترور» فعال اند و مناطق بیشماری را بی ثبات ساخته اند.
• پایان این فاجعه را نمی توان با قتل یکی از سران ترور انتظار داشت.

۳

• مرگ سردسته سازمان ترور هرگز نمی تواند راه حل معقولی باشد.
• اگر کسی واقعا در پی شناسائی شبکه ترور و فعالیت تروریست ها باشد، باید بن لادن را بیشتر زنده بخواهد و نه مرده.

٤

• در سال ۲۰۱۱ آماج اصلی ادامه جنگ در افغانستان، دستگیری اسامه بن لادن اعلام شده است.
• در قطعنامه ۱۲۷۳، ۲۸ سپتامبر ۲۰۰۱ سازمان ملل متحد نیز چنین آمده است.
• اکنون پس از قتل بن لادن، دیگر دلیلی برای ادامه جنگ در افغانستان وجود ندارد.
• وقت آن است که این جنگ فوری پایان یابد.
• اما متأسفانه در هیچ یک از موضعگیری ها از پایان جنگ حرفی بر زبان نمی اید.
• شورای صلح بکرات اعلام کرده است که با جنگ نمی توان بر ضد تروریسم مبارزه کرد.
• تروریسم فرم خاصی از جنایتکاری است که بر ضد آن باید با استفاده از وسایل حقوقی ـ دولتی مبارزه کرد.

بر گردان میم حجری

دادگاه عالی عراق انفال بارزانی‌ها را نسل‌کشی اعلام کرد



رژیم بعث سابق، از ۳۰ ژوئیه تا اول سپتامبر ۱۹۸۳ طی عملیاتی موسوم به انفال، بیش از ۸ هزار نفر از مردم ساکن منطقه‌ی بارزان و عشیره‌ی بارزانی را قتل عام و در گورهای دستجمعی مدفون کرد

انفال بارزانی‌ها در نشست امروز (سه‌شنبه- ۳ مه) دادگاه عالی جنایات عراق فدرال به عنوان نسل‌کشی و جنایت علیه بشریت به رسمیت شناخته شد.

«ایاد کاکه‌ای»، عضو گروه وکلای پرونده‌ی انفال بارزانی‌ها در گفتگو با خبرگزاری پیامنیر گفت: دادگاه عالی جنایات امروز سه‌شنبه به ریاست قاضی «آسو محمد» برگزار شد و حکم نهایی را در مورد پرونده‌ی انفال بارزانی‌ها صادر کرد.

وی افزود: دادگاه به استناد ماده‌ی ۱۱ و ۱۲ قانون، انفال بارزانی‌ها را به عنوان نسل‌کشی و جنایت علیه بشریت اعلام کرد و متهمان نیز محکوم شدند.

افراد زیر در دادگاه مجرم شناخته شدند:

۱. سعدون شاکر محمود، که در سال ۱۹۸۳ در زمان مفقودالاثر شدن بارزانی‌ها سمت وزارت کشور در رژیم مخلوع بعث را عهده‌دار بود. وی بنا بر ماده‌ی ۱۱ قانون (نسل‌کشی) به اعدام و بنا بر ماده‌ی ۱۲ (جنایت علیه بشریت) مجموعا به ۳۲ سال زندان محکوم شد.
۲. حکمت مزبان ابراهیم، معاون نخست وزیر و وزیر دارایی رژیم بعث در سال ۱۹۸۳، بنا بر ماده‌ی ۱۲ به زندان ابد محکوم شد.
۳. حامد یوسف حمادی، منشی وقت «صدام حسین»، دیکتاتور مخلوع عراق بنا بر ماده‌ی ۱۲ به ده سال زندان محکوم شد.
٤. طارق عزیز، عضو وقت شورای رهبری انقلاب و منطقه‌ای بنا بر ماده‌ی ۱۱ به حبس ابد و بنا بر ماده‌ی ۱۲ در مجموع به ۳۲ سال حبس محکوم شد.
٥. صوفیان ماهر حسن، افسر وقت گارد ریاست جمهوری که در سال ۱۹۸۳ در دستگیری بارزانی‌ها مشارکت فعال داشته است بنا بر ماده‌ی ۱۱ به حبس ابد و بنا بر ماده‌ی ۱۲ به ۷ سال زندان محکوم شد.

ایاد کاکه‌ای همچنین افزود: «وطبان ابراهیم حسن»، برادر ناتنی صدام حسین نیز از دیگر متهمان این پرونده بود که به دلیل آنکه مدارکی جهت اثبات دخالت وی در نسل‌کشی بارزانی‌ها در اختیار نبود، به دستور دادگاه آزاد شد.

****

سەروتار

ماوەی چەند ساڵێکە لە کوردستان، لە ژێر چەتری نگریسی هێزە ئەمنیەتییەکانی رژیمدا تاقمێکی کۆنەپەرەست و مەترسیدار بە ناوی «ئەنسار ئیسلام» خەریکی فەعالیەتی سیاسی و مەزهەبییە و رۆژ لە دوای رۆژ پەرەی بە چالاکییەکانی خۆی داوە.
بە گوێرەی ئەو زانیارییانەی کە لە بەردەست دایە، ئەم تاقمە تێرۆریستیە کە لە هەر رووەوە هاوشێوەی تالیبانی ئەفغانستان و جوندۆڵلای بەلوچستانە، بە پشت بەستن بە یارمەتی هێزە ئەمنییەتییەکانی رژیم و حیمایەتی هەندێک لە رژیمە کۆنەپەرەستەکانی ناوچەکە، توانیویەتی کونترۆڵی دەیان مزگەوتی شار و گوندەکانی کوردستان بگرێتە دەست و بیانکات بە بڵەندگۆی تەبلیغاتی خۆی.
هەروەها تا ئێستا دەیان شانە (هەستە)ی چەکداری نهێنی لە شوێنە جیاجیاکانی کوردستان پێکهێناوە و بۆ ئەنجامدانی هەر چەشنە کردەوەیەکی تیرۆریستی ئامادەی کردوون.
هەڵبەت ئەمە راستە کە کۆماری ئیسلامی بە پێڕەو کردن و بەڕێوەبردنی هەڵاواردانی مەزهەبی دژ بە ئەهلی سوننەتی ئێران و باقی کەمایەتییە ئایینی و مەزهەبییەکان زەمینەی گەشە کردنی تاقمی ئەنسار ئیسلامی خۆش کردووە و بە ئاشکرا و بە نهێنی یارمەتی دەدات. بەڵام بێگومان بێدەنگی و بێخەبەری حزب و لایەنە سیاسییە پێشکەوتنخوازەکانی ئێران بە گشتی و کوردستان بە تایبەتی لە چالاکییەکانی ئەم تاقمە ئەوەندەی تر بۆتە هۆی تەشەنە کردنی فیکریەتی «سەلەفی گەری» لە کوردستان و پەرەسەندنی چالاکییەکانی ئەنسار ئیسلام، وەک هەڵگر و بڵاو کەرەوەی ئەم فیکرە ئیرتیجاعییە.
واقعیەت ئەوەیە کە لە ئێستادا چالاکییەکانی ئەنسار ئیسلام چووەتە قۆناغێکی مەترسیدار و پێویستە سەرجەم حزب و لایەنە پێشکەوتنخوازەکان، واز لە بێ دەنگی و خۆگێل کردن بهێنن و سەرجەم هێز و توانایی خۆیان بۆ ئاگا کردنەوەی خەڵک لە ئامانجە مەترسیدار و نامرۆڤانەکانی ئەنسار ئیسلام بخەنەگەڕ و بەر بە پێشڕەوی و گەشە کردنی ئەم تاقمە بگرن.
هەروەها ، بە تایبەت حزب و لایەنە کوردستانییەکان پێویستە ئەزموونەکەی کوردستانی عێراق لە بەرچاو بگرن و ئیجازە نەدەن شتێکی لە چەشنی «ئیمارەتی ئیسلامی کوردستان» (تەوێڵە)، لە کوردستانی ئێران دووپات ببێتەوە و رەوتی تیرۆر و تۆقاندن و نائەمن کردنی کەش و هەوای سیاسی، کۆمەڵایەتی و مەزهەبی بە سەر کوردستاندا داسەپێنرێت.
با هەموومان گشت هەوڵەکانمان بخەینە گەڕ و ئیجازە نەدەین ئەم تاقمە تاریک ئەندیشە پێ بنێتە قۆناغی «عەمەلیاتی»یەوە و چەک هەڵگرێت و هاوشێوەی تاقمی تیرۆریستی «جوندوڵڵا» لە بەلوچستان، دەست بداتە تیرۆر و کوشتن و عەمەلیاتی خۆکوژی.
بێگومان درێژەدان بە سیاسەتی بێ دەنگی و خۆگێل کردن، بە هەر بیانوو و پاساوێک بێت، لە داهاتوودا کارەساتی گەورە و فاجیعەباری لێدەکەوێتەوە.

دەستەی نووسەرانی کازیوە

کازیوە بە دۆستان و هاوڕێکانتان بناسێنن!

پژاك هەڕەشە لە وتەبێژی ڕێكخراوی مافی مرۆڤی كوردستان دەكا

بە پێی زانیاریەکان پارتێکی کوردی لە کاناڵی ڕێکخستنەکانی خۆیەوە لە شاری سنە، بە ئێجلال قەوامی، وتەبێژی ڕێکخراوی داکۆکی لە مافی مرۆڤی کوردستانی ڕاگەیاندوە کە ئەگەر بێدەنگ نەبێ ئەوا تیرۆری دەکەن. بەرامبەر بەوەش بەرپرسێکی ڕێکخراوەکە ئەو هەواڵە ڕەد دەکەنەوە و بە بێ بنەمای دەزانێ. وتەبێژی ڕێکخراوەکەش ڕادەگەیەنێ کە ئێمە ڕوخساری ڕاستەقینەی ئەوان پێشانی خەڵک دەدەین

سەرچاوەیەکی ئاگادار لە شاری سنەوە لەم بارەوە بە ڕۆژهەڵات تایمزی ڕاگەیاند کە «لە ڕۆژانی ڕابردوودا پارتی ژیانی ئازادی کوردستان لە ڕێگای ڕێکخستەکانی خۆیەوە لە شاری سنە بە «ئێجلال قەوامی» وتووە کە ئەگەر بێدەنگ نەبێ و بەرانبەر بە هەندێ بابەت قسە بکا، ئەوا ئەوان دستبەرداری نابن و بۆ هەمیشە بێدەنگی دەکەن».

سەرچاوەکە ئەوەشی ئاشکرا کرد کە ئەم هەڕەشەیە لەوەو دێ کە گوایە ئێجلال قەوامی بەرانبەر بە جموجووڵی چەکدارانەی ئەو پارتە هەڵوێستی هەبووەو کردەوە چەکدارانەکانی ئەو پارتەی خستۆتە خانەی توندوتیژییەوەو وتوویەتی ئەم جۆرە چالاکییانە نەتەنیا بە قازانج نییە، بەڵکوو زەرەری هەیە.

هەمان سەرچاوە ئەوەشی دووپات کردەوە کە ڕێکخراوی داکۆکی لە مافی مرۆڤی کوردستان نەتەنیا لە لایەن کۆماری ئیسلامییەوە لە ژێر گوشاردایە، بەڵکوو هەندێ حیزبی کوردیش هەڕەشەن بۆ سەر ئەم ڕێکخراوەو و ئەندامەکانی.

جێی وەبیر هێنانەوەیە، لە ژمارەی ٩ی گۆڤاری «ئاڵتێرناتیو»دا کە پژاک دەری دەکا هێرش کراوەتە سەر ڕێکخراوی داکۆکی لە مافی مرۆڤی کوردستان و ئێجلال قەوامی وتەبێژی ڕێکخراوەکە. لە نووسراوەکەی ناوەندی چاپەمەنیی پارتی ژیانی ئازادی کوردستان دا کردەوەکانی ئەم ڕێکخراوە لە خانەی «دژە پژاک»دا پێناسە کراوە.

سەرچاوە : ڕۆژهەڵات تایمز ١٩ May ٢٠١١

رۆژی کرێکاران رۆژی خەباتو ئازادکردنی بەشەریەتە

لەسەدەی هەژدەمدا کەشۆڕشی پیشەسازیی لەجیهانداو بەتایبەتی وڵاتانی ئەوروپا دەستی بەگەشەکردن کرد, ململانێی کرێکارو خاوەنکار دەستی پێکرد لەپێناو (کارێکی رەوا بەرامبەر رۆژانەیەکی رەوا)، بۆیە بزووتنەوەی کرێکاران لەژێر چەتری سەندیکادا بەشێوەیەکی نهێنی دەستیان کرد بەرێکخستنو یەکخستنی ریزەکانیان ، چونکە کاری وا قەدەغە بوو, بەڵام رۆژ بەرۆژ خاوەن کارگەکان لەپێناو دەستکەوتی قازانجێکی زۆرو بە رۆژانەیەکی کەم کرێکارەکانیان دەچەوساندەوەو مافەکانیان پێشێلدەکرا, کرێکاران رۆژانە رووبەڕووی کاری قورسو ستەمی زۆر دەبوونەوەو ئاستی زۆرداری گەیشتە ترۆپکو قبوڵکردنی نەهامەتییەکان لەتواناو وزەدا نەماو گەیشتە ئاستێکی وا کە کرێکارانی یەکێک لەکارگەکانی ولایەتی (شیکاغۆی) ئەمریکا مانیان گرت, هەموو بەیەک دەنگ دروشمی هەشت کاتژمێر بۆ کارو هەشت کاتژمێر بۆ خەوتنو هەشت کاتژمێر بۆ خۆ رۆشنبیرکردنو کاری تایبەتی خۆیان بەرزکردەوە, مانگرتنەکە ماوەی چەند رۆژێکی خایاندو رۆژ لەدوای رۆژ کرێکارانی شاری شیکاغۆ دەچوونە پاڵ مانگرتنەکە, ئەم کارەش وای لەخاوەن کارگەو سەرمایەداران کرد بکەونە خۆیانو داڕشتنی پلان بۆ کرێکارانی مانگرتوو, ئەوەبوو پلانێکی نەگریسیان داڕشتو لە٤ /٥/ ١٨٨٦ بۆ کرێکارە مانگرتووەکانی ولایەتی شیکاگۆ زیاتر لە (٢٠٠)کرێکار کوژران بەبیانوی گوایە کرێکاران تەقەیان لەپۆلیس کردووە, هەروا ژمارەیەکی زۆر لەسەرکردەکانی کرێکاران دەستگیرکرانو لەوانەش (٨) کەسیان لە ١١/ ١١/ ١٨٨٧ لەسێدارە دران, کەیەکێک لەوانەی بەناوی (ئۆجست سبایس) بو پێش



مردنی وتویەتی (ئەو رۆژە دێت کەبێدەنگیمان لەناو گۆڕدا لەدەنگەکانمان بڵندتر دەبێت) هەموو ساڵێک لەسەرەتای مانگی ئایارەوە دەست بەمانگرتن بۆئەو یادە ئەکرا, بۆیە رۆژی١ /٥/ ١٨٨٩ کرا بەرۆژی کرێکارانی جیهان, ١ ئایار رۆژی خۆڕاگریو بەرخودان بوو بەهێمای تێکۆشانی کرێکاران لەجیهاندا, ئەم خۆڕاگرییەش بووە هۆی سەرکەوتنی ئیرادەو ئامانجەکانی کرێکاران، ئەم سەرکەوتنەش دەگەڕێتەوە بۆ یەکدەنگی و یەکڕیزی کرێکاران کەلەپێناو مافە رەواکانیان بێ جیاوازیکردن لەنێوان رەنگو رەگەزو



نەتەوەو مەزهەبو ئایینو بیروڕای جیاواز, داستانی کرێکارانی شیکاگۆ بوو بە بنچینەی د یمو کر ا سییە ت و مە د ە نییە ت و پێشکەوتنی جیهانو لەسایەیدا مافو خۆ شگو ز ە ر ا نی کرێکاران بەدیهاتو چەسپا.

کرێکارانی عێراقیش بەهەرێمی کوردستانەوە بەشێکن لەچینی شۆڕشگێڕی بزووتنەوەی کرێکارانی جیهان, لەساڵی ١٩٠٠ کرێکارانی عێراق دەستیان بەخەباتی خۆیان کرد لەپێناوی (نانو ژیان) چەند شێوازێکی نهێنیو ئاشکرایان گرتەبەرو خەباتیان کرد, لەوپێناوەشدا چەندین کرێکار شەهید بوونو بوونە قوربانی, بۆیەکەمینجار لەساڵی ١٩١٨ رێگە بە بەکرێکارانی چاککردنەوەی پاپۆڕەکانی بەندەری (بەسرا)درا کە سەندیکایەک بۆخۆیان دابمەزرێنن, لەساڵی ١٩٣٦ یەکەم یاسای کاری عێراق (قانون العمل) بەژمارە (٧٢) دەرچوو, لەساڵی ١٩٤٩ تاکو ساڵی ١٩٥٧ –١٩٥٨ چەندین مانگرتنی بەناوبانگی کرێکاران ئەنجامدرا کەژمارەی مانگرتووەکان بەپێی بەڵگەنامەکان پەنجاوهەشت مانگرتن بوون, سێ لەو مانگرتنانە لەکوردستان ئەنجامدرا, بەناوبانگترینیان مانگرتنی کرێکارانی کۆمپانیای نەوت بوو لە کەرکوک کەبەمانگرتنی گاورباغی بەناوبانگە, مانگرتنی کرێکارانی دەربەندیخانو مانگرتنی کرێکارانی هێڵی شەمەندەفەری هەولێر کە راستەوخۆ لەلایەن حزبی شیوعی عێراقییەوە پاڵپشتیان لێکراو زۆربەی کرێکارە شیوعییەکان پێشڕەوو سەرکردایەتیان کردووە.

کوردستان:
گەرچی کرێکارانی کوردستان‌و بزووتنەوە دیموکراسییەکەی بەندبووە بەبزووتنەوەی کرێکاری عێراق, بەڵام لەساڵی ۱۹۹۲ ساڵێک پاش راپەڕینە شکۆدارەکەی بەهاری ۱۹۹۱ لەسەردەستی حزبەکانی بەرەی کوردستانی دووبارە سەندیکای کرێکاران دەست بەکار بوونەتەوە, گەرچی کۆمەڵێک کاری باش ئەنجامدراوە, بەڵام لەهەمان کاتدا توشی کۆمەڵێک ئاستەنگ بوونەتەوە، لەوانەش کارکردن بە



یاسا کۆنەکە کە بەژمارە (۷۱)ساڵی ۱۹۸۷دەرچووە, هەروا بە بڕیارە شومەکەی رژێمی بەعس ژمارە (۱۵۰) ۱۹۸۷.کۆمەڵێک گرفتی تریش هەن لەوانە ئەنجامنەدانی کۆنفرانس‌و کۆنگرە تاکو ئێستا, دەستێوەردانی حزبی‌و فیشاری حکومی لەسەندیکاکان, بەدوادانەچوونی کێشەی کرێکاران لەسەندیکاو هێنانی کرێکارانی بیانی لەلایەن کۆمپانیا بیانییەکانەوەو دیاردەی بەرفراوانبوونەوەی بێکاری، کە ئەمانە هەر هەموویان بوونەتە جێگای رەخنەو قوڵبوونەوەی بێ متمانەیی کرێکاران بەسەندیکاکانیان‌و کاریگەرییەکی زۆرخراپیان هەیە لەبەرەو پێشچوونی بزوتنەوەی کرێکاری, کەمی وشیاری کرێکاران، رۆژ لەدوای رۆژ چەوسانەوەی کرێکاران لەزیادبووندایەو لەهەمانکاتدا لەمپەرو ئاستەنگی پێش سەندیکا لەهەڵکشاندایە, لەکۆتاییدا خۆشم وەک کرێکارێک پیرۆزبایی ئەم رۆژە مەزنەو مێژووییەو نەمرەی (۱)ئایار ئاراستەی سەرجەم کرێکارانی فکرو بازووی جیهان‌و عێراق‌و بەتایبەتی کرێکارانی فکرو بازووی هەرێمی کوردستان دەکەم، دەخوازم لەخەبات‌و ئاوەدانکردنەوەی وڵات‌و سەرکەوتنەکاندا هەردەم بەردەوامبن لەپێناوی ژیانێکی باشتر بۆ کرێکاران.

نووسەر:

مەغدید باشە

سەندیکاکانی کرێکار ن / لقی هەولێر

❊❊❊❊❊❊❊❊❊❊❊❊❊❊❊❊

کازیوە بە دۆستان و هاوڕێکانتان بناسێنن!

حیزبی شیوعی کوردستان بەبۆنەی ١ ئایار (١مەی)ی
پرۆژەیەک پێشکەش بەحکومەت هەرێمی کوردستانی ئێراق دەکات



بەبۆنەی رۆژی جیهانی کرێکاران کە رێکەوتی ١ ئایار « مایۆ» یە، حیزبی شیوعی کوردستان بۆ چاککردن و باشترکردنی باری ئابووری و گوزەرانی کرێکاران لەهەرێمی کوردستان پرۆژەیەکی ١٨ خاڵی پێشکەش بەحکومەتی هەرێمی کوردستان کردووە و تێدا گرینگترین خاڵی بریتیە لە « داوای رێکخستنی بەکارهێنانی کرێکارانی بیانی لەپرۆژە وەبەرهێنەرەکاندا,بەگشتی ولە کۆمپانیاکانی بەرهەمهێنانی نەوت دابەتایبەت,دەکەین وکرێکارانی ناوخۆ لەجێگایاندا دابنرێت».

ئەمەش دەقی ئەو پرۆژەیەیە کە حیزبی شیوعی کوردستان ئاراستەی حکومەتی هەرێمی کوردستانی کردووە:

لەیادی (١)ی ئایاری رۆژی جیهانی کرێکاران حزبی شیوعی کوردستان پرۆژەیەک ئاراستەی سەرۆکایەتی ئەنجومەنی وەزیرانی حکومەتی هەرێمی کوردستان دەکات

داواکاری وپێشنیارەکان:



١:داواکارین لەسەرتاسەری کوردستاندا هەڵبژاردنێکی ئازادو سەربەخۆ بۆسەندیکای کرێکاران ئەنجام بدرێت ولەهەمووجۆرە دەستێوەردانێک پارێزراو بێت.

٢:داوای هەموارکردنی یاسای ژمارە(٧١)ی ساڵی١٩٧٨) و رەتکردنەوەی بریاری (١٥٠)ی ساڵی ١٩٧٨دەکەین ,ئەوەش بەمەبەستی ئازادی کاری رێکخستنی سەندیکایی لەدام ودەزگا گشتیەکانی حکومەتدا.

٣:کارکردنی یاسای خانەنشین وبیمەی بێکاری وپەلەکردن لەهەموارییەکان لە پەرلەماندا.

٤:بیمەی تەندروستی وکۆمەلایەتی ئەو کرێکارانە بگرێتەوە کەلەکەرتی تایبەتدا کاردەکەن چونکە تاکوئێستا ژمارەیەک کرێکاری زۆری لەوانەی بەهۆی کارەساتی جیاجیاوە گیان لەدەست دەدەن,یان توشی کەم ئەندامی دەبن, بێ ئەوەی هیچ بیمەیەکی کۆمەڵایەتی بیانگرێتەوە.

٥:داوای چارەسەری کەم کردنەوەی رێژەی بێکاری دەکەین, ئەمەش بەپێدانی رێژەیەکی دیاریکراو لەقەرزی پرۆژەی بەرهەمهێنی بچوک ومام ناوەندی بەکرێکاران وپیشەوەرانی لاو.

٦:لەپێناو گۆرینی کۆمەلگاکەمان بۆکۆمەڵگایەکی بەرهەمهێن, داوادەکەین ئاستی بەرهەمهێنانی ئابوری لەتەواوی کەرتەکانی بەرهەمهێناندا زیاد بکرێت کەهۆکارێکی سەرەکیە بۆکەم کردنەوەی رێژەی بێکاری وهەنگاوێکیشە بۆسنوردارکردنی هاوردە.

٧:داوای رێکخستنی بەکارهێنانی کرێکارانی بیانی لەپرۆژە وەبەرهێنەرەکاندا,بەگشتی ولە کۆمپانیاکانی بەرهەمهێنانی نەوت دابەتایبەت,دەکەین وکرێکارانی ناوخۆ لەجێگایاندا دابنرێت.

٨:داوادەکەین یانەی رۆشنبیری ووەرزشی بۆکرێکاران بکرێتەوە.

٩:داوای گەیاندنی خزمەتگوزاری زیاتر دەکەین بۆئەو گەرەکانەی زۆربەی دانیشتوانەکەی کرێکارو هەژارن.

١٠:داوای چاکسازی بنەرەتی گەندەڵی ئیداری ودارایی دەکەین ,کەکرێکاران وهەژاران زەرەرمەندی سەرەکی ئەو دیاردەیەن.

١١:پشتگیری حکومەت بۆیەکەی نیشتە جێبون بە جۆرێک بێت, لەگەل داهاتی کرێکاران بگونجێت.

١٢:داوادەکەین حکومەتی هەرێم ,خەزێنەیەکی تایبەت بۆکرێکارانی زیان لێکەوتووی کارەساتی سروشتی یەکان وهەر کارەساتێکی تربکەنەوە حکومەت بودجەی تایبەت بۆ ئەم مەبەستە تەرخان بکات.

١٣:بەرکردنەوەی موچەی مانگانەی کرێکاران بەجۆرێک بێت لەگەل ژیانی هاوچەرخدا بگونجێت.



١٤:لەپێناو بەرزکردنەوەی ئاستی بەرهەم هێناندا ,داواکارین ئاراستەی وەبەرهێنان بۆ ئەو کەرتانە بێت کەتوانای بەرهەمهێنانی زیاتریان هەیە.

١٥:گرێدانی بازرگانی و وەبەرهێنان بەپێداویستیەکانی بازارو زامنکردنی بەکارهێنانی کرێکارانی ناوخۆیی کوردستان لەپرۆژە وەبەرهێنەکاندا.

١٦:زیاد کردنی پرۆژەی وەبەرهێنانی کشتوکاڵی وبەرزکردنەوەی رێژەی بەشداریکردنی کەرتی گشتی لەپەرەپێدانی کەرتی کشتوکالیدا ,بەمەرجێک زەوی کشتوکاڵی تێدا پارێزراوبێت وزەوی بەردەلانی بۆئەم مەبەستە بەکاربهێنرێت.

١٧:رێکخستنی رۆڵی حکومەت لەچاودێری کردنی بازارو کارکردنی رۆلی کۆنترۆڵی جۆری بۆبنبرکردنی دیاریدەی مشەخۆری کە بواری پیشەی بازرگانی گرتووەتەوە.

١٨:سەرباری داواکاریمان بۆگرینگیدانی زیاتر بەکەرتی پیشەسازی ,دووپاتی پەرەپێدان وپاراستنی پیشە خۆماڵیەکانی کۆمەڵگاکەمان دەکەینەوە.

حزبی شیوعی کوردستان
ئایاری ٢٠١١

****

ئەنجومەنی سەندیکای رۆژنامەنوسانی هەرێمی کوردستان نارەزایی دەردەبڕێ



لە یادی (رۆژی جیهانی ئازادی رۆژنامەنووسی) کاتژمێر ١١ی پێش نیوەڕی ئەمرۆ ٢٠١١/٥/٣ ئەندامانی ئەنجومەنی سەندیکای رۆژنامەنوسانی کوردستان لە بەردەم سەندیکا ، بە خولەکێک وەستان بۆ گیانی پاکی شەهیدانی رۆژنامەنوس کۆبونەوە و نارەزایەتیان دەربڕی

حامد محمد عەلی سکرتێری ئەنجومەنی سەندیکای رۆژنامەنوسانی کوردستان بەیاننامەی سەندیکای بەم بۆنەیەوە پێشکەش کرد ، دواتر ئازاد محمد ئەمین سکرتێری لقی هەولێری سەندیکا ووتەیەکی پێشکەش کرد و تیایدا ئیدانەی هەموو ئەو پێشێلکاریانەی کرد کە لە ماوەی ڕابردوودا لە دژی رۆژنامەنووسانی کوردستان ئەنجام دراوە

دەقی بەیاننامەی سەندیکای ڕۆژنامەنوسانی کوردستان لەم یادەدا :

با یادی (رۆژی جیهانی ئازادی رۆژنامەنووسی) بکەینە وێستەیەگ بۆ چەسپاندنی ئازادی رۆژنامەنووسی لە هەرێمی کوردستاندا

پاش ئەوەی کە رێکخراوی یونسکۆ لە (٣)ی مایسی (١٩٩١) راسپاردەیەکی پێشکەش بە کۆمەڵەی گشتی نەتەوە یەکگرتووەکان کرد کە ئەو رۆژە ببێتە رۆژی جیهانی بۆ ئازادی رۆژنامەنووسی, نەتەوە یەکگرتووەکان لە ١٩٩٣/١٢/٢٠ بڕیاریدا لەسەر ئەو راسپاردەیەو لەو کاتەوە ساڵانە رۆژنامەنووسان و ناوەندو رێکخراوە پەیوەندیدارەکان ئەو یادە لە ئاستێکی بەرزدا بەزیندوویی رادەگرن.



ئەنجوومەنی سەندیکای رۆژنامەنووسانی کوردستانیش ساڵانە ئەو یادە دەکاتە وێستگەیەک بۆ جەختکردنەوە لەسەر ئازادی رۆژنامەنووسی و رێزگرتن لە مافی رۆژنامەنووسان لە کوردستاندا..

ئەمرۆ کە ئەو یادە دەکەینەوە, بەداخ و نیگەرانییەکی زۆرەوە بارودۆخی کوردستان بە ئاراستەیەکدا دەڕوات کە دەرهاویشتەی نێگەتیڤانە لەسەر کاری رۆژنامەنووسی و رۆژنامەنووساندا بەجێ دەهێڵێت و لەم میانەدا ئازادی رۆژنامەنووسی دەکەوێتە بەر هەڕەشەو رۆژنامەنووسان رووبەڕووی پێشێلکاری جۆراوجۆر دەبنەوە, بۆیە سەندیکای رۆژنامەنووسانی کوردستان لەم یادەدا جەخت لەسەر هەڵوێستی نەگۆڕی خۆی دەکات لە داکۆکی لە ئازادی رۆژنامەنووسی و دووپاتی دەکاتەوە کە پێشێلکاری و دەستدرێژی بۆ سەر ئازادی رۆژنامەنووسی, سەرەڕای ئەوەی کە سەرپێچییە لە یاسای رۆژنامەگەری ژمارە (٣٥) لە کوردستان لەهەمان کاتدا زیان بە ناوبانگ و سەنگی هەرێمی کوردستان و ئەزموونە دیموکراسییەکەی دەگەیەنێت, چونکە ئاشکرایە کە ئازادی رۆژنامەنووسی بنەمایەکی پتەوی سیستمی دیموکراسییە.

هەر لەم یادەدا داوا لە هەموو لایەک دەکەین لەسەرووشییانەوە رۆژنامەنووسانی کوردستان, کە لە چوارچێوەی یاساو بنەماکانی ئیتیکی رۆژنامەنووسی و بەڵێننامەی شەرەفی نێودەوڵەتی رۆژنامەنووساندا کاری رۆژنامەنووسی خۆیان ئەنجام بدەن, کە بێگومان ئەوەش بۆخۆی هۆکارێکی دیکەیە بۆ سەرخستنی پرۆسەی چەسپاندنی ئازادی رۆژنامەنووسی کە سەندیکای رۆژنامەنووسان خەباتی مەدەنیانەی بەردەوامی بۆ دەکات.

ئەنجوومەنی سەندیکای
رۆژنامەنووسانی کوردستان
٢٠١١/٥/٣



یادی«٣٧» ساڵەی شەهیدی لەیلا قاسم

« بووکی کوردستان»

ڕەزا شوان : نەرویج

« لەیلا قاسم حەسەن ئەرکەوازی »لە بنەماڵەیەکی کوردی فەیلی، کە بە دڵسۆزی و کورد و کوردستانپەروەری ناسراون .. لە « ٢٧ / دێسەمبەر/ی ١٩٥٢ » لە گوندی « بانمیل » لەسەر ڕۆخی ڕووباری ئەلوەند ـ سەر بە قەزای خانەقین ، لە دایکبووە.

باوکی کرێکاری پاڵاوتنگەی نەوتی ئەلوەند بوو..لەیلا قاسم لە ساڵی « ١٩٥٨ »دا، چۆتە قوتابخانەی سەرەتایی خانەقین و تا ئامادەیی هەر لەم شارەدا تەواو کرد.. لەیلا قاسم قوتابیەکی زیرەک و هێمن و ژیر بوو .. هەر لە قۆناغی ناوەندیدا، رووحی کوردایەتی و خۆشەویستی و سۆزی کوردستان تێکەڵ بە خوێنی بوون.

باوکی پێشبینی ئەوەی لێدەکرد کە لەیلا لە داهاتوودا ببێتە مایەی ڕێز و شانازی بۆ گەلەکەمان .. شەو ڕۆژ بیری لە ئازادی کورد و ڕزگاریی کوردستان دەکردەوە..لە قۆناغی ئامادەییدا بوو بە ئەندامی یەکێتی قوتابیانی کوردستان..

لە ساڵی « ١٩٧٠» دا ، بەرێگای براکەیەوە ، شەهید « سام » پەیوەندیی بە پارتی دیموکراتی کوردستانەوە کرد.. بە هۆی چالاکییەکانییەوە لە ماوەیەکی زۆر کەمدا بوو بە ئەندام لە ریزی پارتیدا .. تا ئەو ڕۆژ و ساتەش کە بە نامەردی لەسێدارەیاندا.لەیلا قاسمنموونەیەک بوو لە تێکۆشان و خەبات و کۆڵنەدان.

لەیلا قاسم ، لە ساڵی « ١٩٧١ »دا لە زانکۆی بەغدا. کۆلێژی ئاداب . بەشی کۆمەڵایەتی وەرگیرا و ، چالاکییەکانی فراوانتر بوون و ، ڕۆڵێکی بەرچاوی هەبوو.. لەلایەن سیخوڕ و ئەندامانی پارتی بەعسی شۆڤێنییەوە ، لە ناو زانکۆدا ، بە وردی چاودێریی لەیلایان دەکرد و بەدوایەوە بوون..

لەیلا قاسم زۆری دەخوێندەوە و دەشی نووسی . لە ساڵی « ١٩٧٤ »دا داوای ڕێپێدانی دەرکردنی گۆڤارێکی بە هەردوو زمانی عەرەبی و کوردی کرد . بەڵام ڕێیان پێنەدا.

ئەو شانەیەی پارتی ، کە لەیلا تێیدا ئەندام بوو کە حەوت لاو بوون ، سیخوڕانی بەعس ئاشکرایان کردن و گرتیانیان .. بە کومەڵێک تاوانی هەڵبەستراوی درۆی بێبنەما تاوانبار کران.. وەکو دانانی بۆمب لە سینەما ئەتڵەس و لە فرۆکەخانەی بەغدا و گوایە کۆمەڵێک تەقەمەنیان پێگیرابوو .. بەڵام ئەم تاوانانە هەمووی درۆبوون و ، پیلانی هەڵبەسترا و و نەخشەکێشراوی ئەمن و ئیستخباراتی عێراقی بوون، بۆ تاوانبار کردنی گەلی کورد، کە بە درێژایی مێژووی کورد و شۆڕشەکانی ، هیچ کارێکی تەقینەوەیان ئەنجام نەداوە و، ئەو تاوانانە هەرگیز لە ئیمەی کورد ناوەشێنەوە .. جەلادەکانی بەعس بە شێوەیەکی زۆر دڕندانە و دڵڕەقانە ، ڕۆژانە پیسترین ئەشکەنجە و ئازاری جەستەیی و دەروونی لەیلا و هاوڕێکانیان دەدان و، خرانە زیندانی تاکە کەسییەوە ، بۆ ئەوەی بە زۆر دانبنێن بە ئەو تاوانە هەڵبەستراوانە و، کێی تریشیان لە ڕێکخستندا لەگەڵدایە و، شتی تریان پێ ئاشکرا بکەن .. بەڵام هەموویان زۆر ئازا و کۆڵنەدەر بوون و، نە ناوی کەسێکیان دا و نە هیچ قسە و نهێنیەکیشیان درکان..ئەم خۆڕاگرتنەیان ،جەلادە دڕندەکانی بەعسییەکانی تووشی شۆک کردن

لە ڕۆژی « ٣ ی / ئەپریل / ١٩٧٤» بۆ تاوانبارکردنی کورد ، تەلەفزیۆنی بەغدا ، بە ناوی دان پێنانی تۆڕێکی ئاژاوەچیی ناپاک.. لەیلا قاسم و هاوڕێکانی پیشاندان ، بەڵام کەسیان قسەیان نەکرد .. تەنانەت منداڵێ کوردیش دەیزانی کە ئەمە ڕاست نییە و سیناریۆیەکی داڕێژراوە .. دوایی دادگای عێراقی بەبێ ئەوەی ڕێ بە هیچ پارێزەرێک بدەن کە داکۆکییان لێبکەن لە ماوەی سەعاتێک هەر بە ناوە دادگاییان کردن.

لە ڕۆژی « ٣٠ / ٤ / ١٩٧٤» لەژێر ناوی(سزادانی لە سێدارەدانی « پێنج گێرەتێکدەر) بڕیاری لە سێدارەدانی لەیلا و چواری تر لە هاوڕێکانی لە لایەن دادگای بە ناوە شۆڕشەوە دەرکرا. ئەم بڕیارەشیان ، بڕیارێکی چاوەنۆاڕ کراوبوو ، مەبەستیشیان چاوشکاندن و ترساندن و تۆقاندنی لاوانی تێکۆشەری کورد بوو.

دوان لەو گرووپە لاوە گیراوە کە لەگەڵ لەیلادا گیران بەردران ، ئەوانیش « ڕەشاد سەبری خۆشناو » و « شیروان حەسەن ڕەشید هۆمەری » بوون . ئەمانەش ناوی تەوای لە سێدارەدانی ئەو پێنج لاوەیە کە بڕیاری لە سێدارەدانیان دان و..لە ڕۆژی « ١٢/ ٥/ ١٩٧٤» دا، لە زیندانی ئەبوغرێب هەر پێنجیان لە سێدارە دران و، چوونە ریزی شەهیدانی کورد وکوردستانەوە:

١. لەیلا قاسم حەسەن

٢ . جەواد مراد محەمەد هەمەوەندی ـ هاوڕێی دڵسۆز و دەزگیرانی لەیلا قاسم بوو.

٣. ئـازاد سلێمان بـاییز میـران
٤. نەریمان فوئـاد مارف مەتی
٥ ـ حەسەن حەمە ڕەشیـد

پێش لە سێدارەدانیان ، خوشکەکەی لەیلا و دایکی دوو جار چوون بۆ سەردانی .. جاری یەکەم لەیلا قاسم داوای ئەوەی لە خوشکەکەی کرد ، کە بۆ سەردانی داهاتوویان ، کە دەیزانی دواسەردانیان دەبێت.. جلوبەرگە کوردییە تازەکانی» بۆ بێنێت لەگەڵ « قاچییەک» واتە مەقەستێک

.بۆ دوا سەردانییان ئەوەی ویستی بۆیان برد ، لەیلا بە قاچییەکە کەمێک لە زوڵفی بڕی و دایە خوشکەکەی و وتی:« ئەم قژەم بۆ یادگاری لای خۆت هەڵگرە» خوشکەکەی پێی وت : « ئەی جلە کوردییەکانت بۆچییە ؟! »

لەیلا بە زەدەخەنەوە وەڵامی دایەوە و وتی:« خوشکم ،من دوای چەند ڕۆژێکی تر دەبمە بووکی کوردستان .. خاکی کوردستان پێشوازیم لێدەکات.. بۆیە دەمەوێت بە ئەوپەڕی جوانییەوە خاکەکەم لە باوەشم بگرێت..خۆشەویستیم بۆ کوردستان بێسنوورە .. » ئینجا پێی وتن :« من بووکی کوردستانم.. دەمەوێت بە بووکی کوردستان ناوم بەرن..کاتێکیش کە تەرمەکەم وەردەگرنەوە.. نامەوێت بگرین و شین و شەپۆرم بۆ بکەن.

بەڵی لەیلا قاسم ڕاستیی ئەو پەندە کوردییەمانی سەلماند کە : « شێر لە لانە دەرچێ ، چ نێر چ مێ ».. ڕاستیشە کە ژیان خۆشە ، بەڵام لەیلا قاسم دیسان ئەوەی سەلماند کە مردن ل پێناوی گەل و نیشتماندا خۆشترە.. شەهیدبوون، بەرزترین گوزارشتە لە خۆبەختکردن، بۆیە لەیلا گەنجی و جوانی و ژیانی خۆی پێشکەش بە کورد و کوردستان کرد و، هەتا هەتایە نەمری و سەربەرزی و سەروەری بۆ خۆی تۆمارکرد. هەردەم وەک سونبولێکی خۆبەختکردن لەیادمانە و شانازیی پێوە دەکەین.

ڕەگەزپەرستانی دژی ئازادی و دیموکراتی و ئاشتی و پێکەوە ژیان و قبوڵکردنی یەکتری ، بەعسییە دڕندە خوێنڕێژەکان ، تا ئەو ساتەش کە لەیلایان لە سێدارە دا ، داوایان لێکرد .. ئەگەر جوێن بە بارزانی بدات و داوای لێبووردن بکات و پەشیمان بێتەوە ، ئەوا لە سزای لە سێدارەدان دەیبەخشن و بەریشی ئەدەن، بەڵام لەیلا قاسم ، کچی گەلێک نییە سەر بۆ دوژمن شۆڕبکات ، داوای لێبووردن بکات و لەخەبات و تێکۆشان و قارەمانییتی پەشیمان بێتەوە، بۆیە پڕبەدەنگ هاواری کرد : بژی کورد و کوردستان..بڕوخی ڕژێمی بەعس »

جەلادەکانی بەعسی شۆڤێنی ، کە گوێیان لەم هـاوارە بوو.. یەکێکیان حەربەیەک دەکات بە چاوی ڕاستی لەیلا و ، خوێن بە باڵایدا دەچۆڕێتەوە.. بەڵام لەیلا قاسم هێندە خۆڕاگر و بەجەرگ بە غیرەت دەبێت ، بە ڕوویەکی خۆش و زەردەخەنەوە سەر سەکۆی لە سێدارەدان دەکەوێت و، بە وتنەوەی سروودی « ئەی ڕەقیب »دەچێتە بەردەم پەتـەکە و ، دەیکەنە ملی و ..لە بەرواری ڕۆژی ناوبراوی سەرەوەدا خۆی و هاوڕێکانیان لە سێدارە دان.

لەیلا قاسم ، یەکەمین ئافرەتی کوردە، کە لە عێراق و لە هەموو ڕۆژهەڵاتی ناوەڕاستدا لە سێدارە بدرێت.لە سێدارەدانی لەیلا قاسم لە سێدارەدانی ئازادی و دیموکراتی و ئاشتی و دادپەروەری و مافی مرۆڤ بوو لە عێراقدا.

لەیلا قاسم ، زۆر بە ڕێزەوە لە گۆڕستانی شاری نەجەف دا بە خاک سپێردرا.. هەڕەشەی ئەوەش لە خانەوادەکەی کرا کە ، نابێت بۆی بگرین و ناشبێت پرسەی سەرەخۆشی و ماتەمینی بۆ دابنێن.. بەڵام هەر خۆی وەسێتی بۆ خوشکەی کرد ، کە نابێت بۆی بگرین و شیوەن و ڕۆڕۆی بۆ نەکەن.. پیرەمێردی نەمریشمان دەڵێ :

(پێی ناوێ بۆ شەهیدی وەتەن شیوەن و گرین ـ نامرن ئەوانە وا لە دڵی میللەتا ئەژین)

گەلێ لە شاعیرانی کورد ، شیعریان بۆ لەیلا قاسمی قارەمانی نەمر وتووە.

شاعیر « ساجیدە فەیلی » پارچە شعرێکیدا بە ناونیشانی « لەیلا هەڵەبجە » دەڵێ :

ئەمـە خـوێن کـێیە لێـرە ڕژاوە ـــ خـوێنی لەیـلایە بە زۆر کـــوژراوە
نە خـوێن ، نییە خـەنەبەنـــانە ـــ شـایی لەیـلایە کچی خـــۆمـــانە

شاعیری ناسراوی گەلەکەمان«هێمن موکریانی» بەم بۆنەیەوە لە چوارینەیەکدا دەڵێ :

کە تـۆ تـۆرای لە چـاوم وەک خـــەونی مـــن
لە بـــسکت ڕەشـتـرە مـانگەشـــەوی مـــن
بـــڕۆ مەجنـــون بە لەیـلای خـۆت مەنـــازە
کە نـاوبـانـــگی دەرکـرد پـتـــر نـــەوی مـــن

هەر یەکەش لە «د. بەدرخان سندی» و « حەکیم نەدیم داودی» و« ڕەمزی عەقراوی» و « عەبدولئیلاە سایغ » و« میدیا مەحمود » و« عەزیز یاوەر » و « نارین عومەر» و « د ـ مونیرە ئومێد » و « عەدنان بەشیر ڕەسول » و « لوما عەبدولهادی » و « قەیس قـەرەداغی » و چەندین شاعیر و نووسەری ترمان بە شیعر و پەخشان و بە وتار ، گوزارشتیان لە خۆشەیستی و دڵسۆزی خۆیان بۆ شەهید لەیلا قاسم کردووە.

لە سێدارەدانی لەیـلا قـاسم ، پەڵەیەکی ڕەش و قێزەوەن و نامـەردییە بە نێوچەوانی بەعسییە خوێنڕێژ و ڕەگەزپەرستەکانەوە.

ماهنامه

کازیوه

(سپیده دم)

شماره نهم

خرداد ماه ۱۳۹۰

نشریه جمعی از هواداران حزب توده ایران در کردستان









آزادی ، دموکراسی و عدالت اجتماعی

مطالب این شماره : **صفحه**

====================

بەشی کوردی :

لاپەڕە

مسئولیت مطالب درج شده در کازیوه بر عهده ی گردانندگان آن است و
مواضع رسمی حزب توده ایران در سایت حزب به نشانی :
http://www.tudehpartyiran.org /
انتشار می یابد.

- **تماس با کازیوه** : tudeh_kurdistan@yahoo.co.uk

- **پایگاه اینترنتی کازیوه** :

http://a1320.wordpress.com/

همایش استقلال طلبان کرد!

جنبش ملي خلق کرد (در ایران) به اعتبار گذشته ي تاریخي تابناکش مي توان یکي از جنبش هاي مردمي و مترقي کشورمان به شمار آورد. زیرا این جنبش علیرغم طي مسیر طولاني و از سرگذراندن حوادث و رویدادهاي فراوان و گذشتن از تندپیچ هاي نفسگیر تاریخي که در مواردي با اشتباهات خطرناك و تاسف انگیزي همراه بوده همواره یك جنبش مردمي به حق و ضد استبدادي و ضد امپریالیستي بوده که بنابر ماهیت خود در راه رفع ستم ملي و تامین حقوق برابر هم میهنان کرد با بقیه ي ایرانیان کوشیده است.

تردیدي نیست که مبارزه براي تامین حقوق برابر همه ي ایرانیان در تمامي عرصه هاي حقوقي اجتماعي سیاسي اقتصادي فرهنگي و غیره یکي از اهداف اصلي همه نیروهاي مترقي و مردمي کشورمان است و باید باشد. بنابراین مبارزه در راه رفع انواع نابرابري و تامین و تثبیت حقوق برابر همه ي ایرانیان بدون توجه به زبان مذهب نژاد و جنسیت و ... وظیفه ي بي اما و اگر همه ي نیروها و کساني است که در عمل به برابري همه ایرانیان اعتقاد دارند و آنان را بنابر اعتقادات سیاسي مذهبي و ویژگیهاي فرهنگي تاریخي اشان به شهروند «درجه یك و درجه دو» تقسیم نمي کنند.

دقیقا با توجه به این اصول است که جنبش ملي کرد را نیز که رفع انواع ستم و نابرابري در حق مردم کرد و مبارزه با استبداد حاکم را هدف خود قرار داده است مي توان و باید بخشي از مبارزه مردمي و مترقي کشورمان دانست و از آن حمایت به عمل آورد.

همچنین بر همه ي جریانات و سازمانها و شخصیت هاي مبارز کرد لازم است که همواره از یاد نبرند که شرط اصلي رفع نابرابري هاي ملي و مذهبي و اشکال دیگر بي عدالتي تنها و تنها با پیوند دادن جنبش ملي خلق کرد با جنبش ضد استبدادي سراسري ممکن و میسر میگردد.

اصل بسیار مهمي که از همان روزهاي نخست پیدایش جنبش ملي کرد در سالهاي نخست ده چهل ملادي و در جریان تشکیل جمهوري کردستان (در سال ۱۳۲٤ شمسي) با وضوح تمام در شعار « دمکراسي براي ایران-خودمختاري براي کردستان» در برنامه ي سیاسي مبارزین ملي کردستان تبلور یافت .

اما گاه در حاشیه ي جنبش ملي کرد رویدادها و پدیده هایي رخ مي نماید که نمي توان و نباید از آن چشم پوشي یا مهر تایید برآن زد.

از جمله طي یکي دو سال اخیر جریانات و افراد مشکوك و بي ریشه اي با مستمسك قرار دادن جنبش ملي کرد و به بهانه تلاش در جهت «رفع ستم ملي از کردهاي ایران» در عرصه سیاسي کردستان سربرآورده اند که جادارد اهداف و اعمال آنها با دقت مورد نقد و بررسي قرار گیرد.

این جریانات جدیدالولاده اخیراً در یکي از کشورهاي خارجي جلسه ي مشترکي باعنوان «همایش جبهه استقلال طلبان کرد» برگزار نمودند که طي آن ضمن سردادن مشتي شعار تند و تیز عوامفریبانه بار دیگر بر تلاش در جهت «استقلال کردستان» تاکید نمودند!

قبل از هرچیز لازم است تاکید کنیم که ما (تحریریه کازیوه) به هیچ عنوان بحث درباره استقلال کردستان یا هر منطقه دیگري از کشورمان را «تابو» نمي دانیم.

بلکه به اعتقاد ما چنین امري هم همانند همه ي مسایل گوناگون کشورمان مي تواند مورد بحث و بررسي قرار گیرد و چنانچه این مسئله تبدیل به «خواست» بخشي از هم میهنانمان اعم از کرد و غیرکرد گردید لازم است به شیوه هاي دمکراتیك و بدور از حساسیت هاي معمول و تمرکز گرایانه در مسیر حل آن گام برداشت.

بنابراین حساسیت ما درباره این همایش و اهداف شرکت کنندگان در آن از گونه ي دیگري است .

نخستین چیزي که باید در باره شرکت کنندگان در این همایش که خود را با عناوین پرطمطراقي چون : حزب سوسیال دمکرات کردستان حزب لیبرال دمکرات کردستان و حزب استقلال کردستان نامیده اند بدانیم این است که اینان همگي شبه احزابي هستند که طي چند سال اخیر با راهنمایي و کمك علني و غیرعلني برخي احزاب و کشورهاي خارجي «سرهم بندي شده اند» و علیرغم تاکید افراطي بر«استقلال کردستان» خود جریاناتي «وابسته» و فرمانبر «دیگران» هستند!

بگونه اي که دبیرکل یکي از این به اصطلاح احزاب افتخار مي کند که در «دوره ي ویژه ي ده روزه یي که «ناتو» برگزار کرده حضور داشته است. و سرکرده آن یکي حزب مفتخر به این است که «از طرف اسرائیل کمك مالي دریافت مي کند» و همگان مي دانند که شخص (به ظاهر) اول سومین حزب شرکت کننده در این همایش بعد از جدایي از کومه له با کمك و امکانات «پ.ك.ك» در کوه هاي قندیل مستقر شد و یك شبه از مقام یك کادر نه چندان ورزیده به مقام فرد اول حزب جدید الولاده اش ارتقا یافت.

اکنون این سوالات اساسي و بسیار مهم به ذهن خطور مي کند که آیا افراد و جریاناتي با این سابقه درخشان مي توانند نماینده ي جنبش ملي کرد یا بخشي از آن باشند؟

آیا اگر به هر دلیل و تحت هر شرایطي شعارهاي آنان عملي شود وکردستان را از ایران « مستقل « کنند آن را تبدیل به «شبه مستعمره» و» پایگاه نظامي- تدارکاتي رده هشتم» یکي از آن دولت هایي نخواهند کرد که از هم اکنون خود را و کردستان مستقل خود را به «بهاي اندك» به آن عرضه کرده اند؟

جواب این سوالات را هر کسي که از اندك هوشي برخودار باشد از هم اکنون به خوبي میداند. بنابراین نمي توان ادعا کرد که سردمداران و گردانندگان این جریانات به ظاهر «استقلال طلب» از جواب دادن به آن عاجزند.

به همین دلیل خوشبختانه مردم کردستان با تردید به اهداف واقعي این افراد و جریانات مي نگرند و حساب جنبش ملي ي حق طلبانه و مترقي خود را از آن جدا مي دانند.

****

عدم کارایی رژیم استبدادی حاکم و چشم انداز پیکار برای آزادی در ایران

۲۲ خرداد ماه ۱۳۹۰، مصادف بود با دومین سالگرد کودتای انتخاباتی رژیم ولایت فقیه. دوسال پس از کودتای نیروهای امنیتی و سپاه که به دستور مستقیم ولی فقیه رای میلیون ها ایرانی به خشن ترین شکل ممکن لگدمال شد، وضعیت کنونی کشور و بحران همه جانبه سیاسی-اقتصای دولت برگمارده و در مجموع حاکمیت جمهوری اسلامی نشانگر روشن عدم کارایی شیوه حکومتی کنونی و رشد بحران های حاد سیاسی در صفوف حتی متحدان دیروزین و مدافعان برگماری احمدی نژاد به سمت ریاست جمهوری است. حوادث دوسال گذشته و ادامه جنبش مردمی نیرومندی که خواهان تغییر شیوه حکومت مداری استبدادی در میهن ماست، به رغم همه حرکت های سرکوبگرانه و دستگیری و به زنجیر کشیدن صدها مبارز راه آزادی، گواه این واقعیت است که رژیم استبدادی و شیوه منحط و ضد مردمی اعمال ولایت مطلقه فقیه به عنوان چارچوب اساسی اعمال حاکمیت سیاسی، در بحران عمیق عدم مشروعیت و مقبولیت مردمی دست و پا می زند و به رغم ادعاهای گوبلزی دستگاه های تبلیغاتی حاکمیت چشم انداز تحولات آینده میهن ما برای سران رژیم بسیار نگران کننده است.

واکنش های بسیار شدید و نگران سران رژیم به فرا رسیدن دومین سالگرد کودتای انتخاباتی، در شرایطی که سخنگویان رژیم مدتهاست از نابودی "جریان فتنه" سخن می گویند خود دلیل محکم دروغ بودن مدعیات سران رژیم درباره موفقیت آنها در سرکوب و خاموش کردن جنبش مردمی است. دومین سالگرد کودتای انتخاباتی در شرایطی سپری شد که کودتاچیان با در پیش گرفتن تدبیرهای شدید امنیتی در تهران بار دیگر ضمن آنکه هراس خود را از نیروی پرتوان توده ها نشان دادند، بر حضور زنده، پویا و موثر جنبش ضد استبدادی، بر رغم تمایل باطنی، صحه گذاردند. احمد جنتی، دبیر شورای نگهبان و یکی از مجریان اصلی کودتا بر ضد خواست و اراده مردم، در نماز جمعه ۲۰ خرداد، یعنی دو روز پیش از راه پیمایی سکوت به مناسبت ۲۲ خرداد سالگرد کودتای انتخاباتی، نگرانی خود و دیگر سران رژیم واپس گرای ولایت فقیه را از ادامه جنبش و کشیده شدن دامنه آن به "انتخابات" مجلس آینده را در قالب این جملات چنین بیان کرد: "اینها قضیه فتنه ۸۸ را به راه انداختند ... حالا یک عده ای دوباره همان کلید را می زنند و می خواهند مسئله تقلب را برای انتخابات مجلس مطرح کنند. ..."

دومین سالگرد جنبش همگانی دمکراتیک و ضد استبدادی همچنین یک رشته موضوع های مهم و مبرم را به عنوان مسئله های حاد قابل بررسی در دستور کار همه حزب ها و نیروهای مخالف و منتقد استبداد ولایی قرار داده است. موضوع ها و پرسش هایی درباره: نقش و توان جنبش مردمی، سیاست و تاکتیک های مناسب و موثر در مرحله کنونی و گام های عملی و واقعی در راه اتحاد عمل نیروهای آزادی خواه و ضد استبداد و بالاخره دورنمای جنبش و چشم انداز مبارزاتی در حال و آینده، از جمله موضوعاتی است که باید با دقت به آنها پرداخت و راه کارهای مناسب را جستجو کرد.

در خصوص این موضوع ها نظر و دیدگاه های متفاوت و مختلفی بیان شده و می شود. بی شک گفت و گو و تعامل سازنده میان همه اجزا و بخش های جنبش دمکراتیک و ضد استبدادی کنونی از اهمیت جدی برخوردار است. زیرا تنها در پرتو اتخاذ سیاست های درست که براساس خرد جمعی و تعامل و تحمل بدور از ذهنی گرایی و پیش داوری صورت گرفته باشد می توان به ارتقاء سطح کارایی و اثر بخشی مبارزات امید داشت و گام در راه پیروزی و تامین حق حاکمیت مردم برداشت و استبداد ولایی و دولت برگمارده ولی فقیه را به عقب نشینی و تسلیم وا داشت!

در مرحله حاضر اتخاذ سیاست، تاکیتک و راهکارهای مناسب و منطبق با ظرفیت جنبش و متناسب با واقعیت های امروز ایران و منطقه و در پیوند با آن، تلاش خستگی ناپذیر در راه اتحاد عمل و حرکت به سمت تشکیل یک جبهه فراگیر شامل وسیع ترین نیروهای مخالف استبداد، مدافع آزادی، تامین عدالت اجتماعی و حق حاکمیت مردم عاجل ترین وظیفه ها به شمار می آیند.

تعیین تاکیتک های مناسب و شعارهای واقع بینانه منطبق با ظرفیت و توان جنبش، با توجه به مرحله کنونی مبارزه، به تشخیص صحیح و عینی روندهای موجود ، نقش هر یک از طبقه ها و لایه های درگیر این مبارزه، درک درست و واقعی داشتن از اوضاع جهان و منطقه بستگی تام و تمام دارد.

درک تضادهای طبقاتی و منافع گروه ها و قشرهای گوناگون اجتماعی، جنگ قدرت برای انحصار بیش از پیش اهرم های قدرت سیاسی-اقتصادی و نقش فزاینده هرم رهبری سپاه و نیروهای امنیتی در تحولات که می تواند تأثیر مهمی را در شکل و ماهیت روبنای سیاسی کشور برجای بگذارد از جمله موضوعاتی است که رسیدن به درک مشترکی از این مجموعه در میان نیروهای آزادی خواه و تحول طلب می تواند به امر سازمان دهی مبارزه مشترک یاری رساند. درک این واقعیات می تواند در اتخاذ سیاست های تاکتیکی به سود حفظ موقعیت و ارتقاء سطح مبارزاتی جنبش مردمی عامل موثری قلمداد گردد و به نوبه خود زمینه نزدیکی و هماهنگی در بین طیف های متنوع حاضر در جنبش ضد استبدادی را فراهم آورد . در خصوص این مسئله پایگاه اطلاع رسانی کلمه، ۱۷ خرداد ماه، مصاحبه مشاور میرحسین موسوی را منتشر ساخت که در آن، اردشیر امیر ارجمند، سخنگوی شورای هماهنگی راه سبز امید، پیرامون نزاع کانون های انگلی قدرت در رژیم ولایت فقیه، خاطر نشان می سازد: "عده ای قدرت طلب و بی بصیرت بر سر غصب حق تعیین سرنوشت مردم با یکدیگر متحد شدند و در انتخابات تقلب سازمان یافته کردند .... اکنون برسر غنایم و توزیع منافع و قدرت با یکدیگر اختلاف پیدا کرده اند. اختلاف آنها با یکدیگر برسر انحصار قدرت و ثروت است ... چهره ی هر دو طرف برای مردم افشاء شده است. وظیفه ما آگاهی بخشی است نه موضعی منتهی به نفع یکی و علیه دیگری." وی در بخش دیگر این مصاحبه اعلام می کند: "خواست جنبش سبز تحقق حق تعیین سرنوشت مردم است ... بدون تردید آنچه در جنبش مورد

توافق همگانی است حق تعیین سرنوشت و رعایت حقوق بنیادین است.''

در این موضع گیری برداشت های درست و مواضع مشترکی با موضع احزاب و نیروهای مترقی و ملی و میهن دوست کشور وجود دارد که باید آن را به فال نیک گرفت و پایه آنها را تقویت کرد.

درارتباط با ضرورت اتخاذ سیاست های مبارزاتی متناسب با شرایط و امکانات جنبش، اکنون سخن از به کارگیری روش های گوناگون از جمله اعتصاب و تحصن و مواردی از این قبیل به میان آمده است. به طور نمونه، مشاور میرحسین موسوی در جریان میزگرد مشترک با مشاور مهدی کروبی، که گزارش آن در پایگاه اطلاع رسانی جرس، ۲۳ خرداد ماه، انتشار یافته، از جمله متذکر شده است: ''در مورد اعتصاب و تحصن یک بحث جدی است که باید به دنبال یافتن فرصت هایش بود. من اینجا می خواهم بگویم شاید قدرت ابتکار و خلاقیت شبکه های اجتماعی کم شده است. این بحث ابتکار جدید باید از پایین بیاید ... ما باید به راهکارهای عملیاتی فکر کنیم. باید از کلی گویی فراتر برویم و به سمت ارایه برنامه های مشخص برویم.''

یادآوری این نکته ضرور است که ما همواره تاکید کرده ایم که، به بحث گذاشتن خواسته ها، شعارها، راهکارها و تدوین و ارایه برنامه یی مشخص از ضروریات انکار ناپذیر در مرحله حساس کنونی است. این را نیز باید اضافه کنیم اتحاذ سیاست درست و ارایه ابتکار و یا راهکارهای عملیاتی مستلزم طرح آن چنان شعارهای دقیقی است که بازتاب دهنده منافع وسیع ترین طبقه ها و لایه های اجتماعی مخالف استبداد ولایی باشد. یافتن فرصت برای عملی ساختن راهکاری موثر از جمله اعتصاب و تحصن و از این قبیل، به اتخاذ سیاست و شعاری منطبق با خواسته های توده ها به ویژه طبقات محروم جامعه وابسته است. تلفیق خواسته های کارگران و زحمتکشان وخواسته های عام دمکراتیک از جمله ''حق تعیین سرنوشت و رعایت حقوق بنیادین'' از مبرم ترین اولویت ها در لحظه کنونی است و می تواند به ارتقاء و تکامل جنبش ضد استبدادی یاری رساند.

حزب ما دراین زمینه با تاکید خاطر نشان ساخته است که شعارهای تاکتیکی وقتی می تواند موثر و بسیج گر باشند که با منافع، علایق و خواسته های اکثریت جامعه یعنی زحمتکشان و طبقه های محروم همسان و هماهنگ بوده باشد و با آن ها تلفیق گردد. تنها از این راه می توان توازن قوا را به سود جنبش مردمی و به زیان رژیم ولایت فقیه و استبداد حاکم تغییر داد.

موضوع حساس اتحادعمل میان همه مدافعان راستین راه آزادی، عدالت اجتماعی و حق حاکمیت مردم و استقلال ملی کشور از نکته های مبرم و گرهی یی است که باید در مرکز توجه و کانون فعالیت قرار بگیرد. باید با حوصله، پشتکار و طرح شعارهای دقیق و منطبق با خواسته توده ها، وسیع ترین جبهه ضد استبداد ولایی را رودرروی اردوگاه استبداد و تاریک اندیشی قرارداد. تاکید بر فصل مشترک منافع و خواسته های متنوع، گام امیدوارکننده ای به سوی شکل گیری جبهه فراگیر ضد استبداد ولایی در مرحله حاضراست. دو سال پس از کودتای انتخاباتی مزدوران جهل و تاریک اندیشی، مردم دلیر میهن ما همچنان به مبارزه خود ادامه می دهند. جنبش زنده و ریشه دار ضد استبدادی در صورت تعیین برنامه مشخص، اتحاد عمل، و دوری جستن از تفرقه و پراکندگی، این توان تاریخی را دارد که طومار ارتجاع واستبداد را درهم پیچیده و آینده یی توام با آزادی و عدالت اجتماعی، استقلال ملی و سربلندی و بهروزی برای مردم ایران به ارمغان آورد!

به نقل از نامه مردم، شماره ۸۷۱، ۳۰ خرداد ماه ۱۳۹۰

****



اعتصاب غذای زندانیان سیاسی مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی وظیفه فوری نیروهای آزادیخواه کشور

حزب ما مبارزه برای آزادی فوری زندانیان سیاسی را از وظایف عاجل همه نیروهای ملی و میهن دوست کشور قلمداد می کند. ما ضمن ابراز نگرانی عمیق از پیامدهای اعتصاب غذای ۱۲ زندانی سیاسی، و دیگر زندانیان سیاسی در زندان های مختلف به ویژه زندانیان سیاسی گمنام، رژیم ولایت فقیه را مسئول حفظ جان آنها دانسته و می دانیم، خواستار مبارزه ای وسیع و متحد در داخل و خارج کشور برای جلوگیری از فاجعه ای دیگر در زندان های رژیم ولایت هستیم.

دوازده تن از زندانیان سیاسی در یک اقدام اعتراضی از روز شنبه ۲۸ خرداد ماه دست به اعتصاب غذا زدند.
در بیانیه ای که این مبارزان در بند امضاء و توسط پایگاه اطلاع رسانی کلمه ۲۸ خرداد ماه انتشار یافته از جمله آمده است: «ما و شما فرزندان سرزمین مهر و آیین مهرورزی هستیم، لیک سالیانی است که دربند جباریتی افتاده ایم که با زبان قدرت و بی قانونی با شهروندان خویش سخن می گوید.» سپس در ادامه با اشاره به جان باختن هاله سحابی و هدی صابر خاطر نشان می شود: «دو مساله شهادت او (هدی صابر) را به چالش مشروعیتی بزرگ برای نظام کنونی تبدیل می سازد. اول حبس او به مدت ده ماه بدون محکومیت و هر قرار قانونی و کاملا خودسرانه و جبارانه، آن هم پیش دیدگان دستگاه های مسئول و مدعیان قضاوت و عدالت و دیگری رفتار سهل انگارانه و مغرضانه در برابر آثار اعتصاب غذای او و به همراه ضرب و شتم که منجر به شهادت مظلومانه اش شد و شرح چگونگی آن در شهادتنامه زندانیان سیاسی بند ۳۵۰ منعکس شده است ... از روز ۲۸ خرداد (شنبه) اعتصاب غذای اعتراضی خود را آغاز می کنیم.»
وضعیت زندانیان سیاسی در زندان های جمهوری اسلامی نگران کننده است. مزدوران ولی فقیه در زندان های گوناگون با پیروی از سیاستی معین مانع از دسترسی به موقع زندانیان سیاسی به درمان و پزشک می شوند. این امر در کنار انواع محرومیت ها و اعمال فشارها جان مبارزان و فعالان دربند را با خطر جدی مواجه ساخته است. نمونه هدی رضا زاده صابر در این زمینه بهترین گواه بر شیوه و روش حساب شده جمهوری اسلامی است.
حزب ما مبارزه برای آزادی فوری زندانیان سیاسی را از وظایف عاجل همه نیروهای ملی و میهن دوست کشور قلمداد می کند. ما ضمن ابراز نگرانی عمیق از پیامدهای



اعتصاب غذای ۱۲ زندانی سیاسی، و دیگر زندانیان سیاسی در زندان های مختلف به ویژه زندانیان سیاسی گمنام، رژیم ولایت فقیه را مسئول حفظ جان آنها دانسته و می دانیم، خواستار مبارزه ای وسیع و متحد در داخل و خارج کشور برای جلوگیری از فاجعه ای دیگر در زندان های رژیم ولایت هستیم.

۸۸*************

با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری
برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی و طرد رژیم «ولایت فقیه»
آزادی برای همه زندانیان سیاسی ایران!

به مناسبت روز جهانی کودک،

نگاهی به دستاوردها و چالش های پیش رو

اول ماه میلادی ژوئن، برابر با ۱۱ خرداد هر سال را به تعبیری روز جهانی کودک می نامند. برخلاف روز جهانی کارگر و روز جهانی زن که در سراسر دنیا در یک روز برگزار می شود، اما این مهم برای کودکان صورت تحقق پیدا نکرده است، با این حال بزرگداشت روز کودک در اکثر کشورهای دنیا با زمان های متفاوت، کمابیش برگزار می شود. تعداد زیادی از کشورها اول ژوئن را برای بزرگداشت روز کودک انتخاب کرده اند، اما در ایران روز کودک در ۱۶ مهر ماه برگزار می شود. سازمان ملل روز ۲۰ نوامبر را برای بزرگداشت روز کودک انتخاب کرده است. در میان کشورهای دنیا بنگلادش کشوری است که هیچ روزی را برای بزرگداشت روز کودک در تقویم سالیانه خویش ندارد . این مهم با کوشش و به همت فعالان حقوق کودک از سال ۲۰۰۹ با انجام مراسمی مخصوص، آغاز گردیده است و امید می رود توجه افکار عمومی را در این زمینه بیشتر جلب کند. توجه به حقوق کودکان در طول چندین دهه گذشته افکار عمومی در سراسر دنیا را به خود جلب کرده، و همین امر دستاوردهای قابل توجهی را در زمینه حقوق کودکان به همراه داشته است. برغم دستاوردهای به دست آمده، هنوز چالش های بسیار بزرگی در پیش روی کسانی که نسبت به حقوق کودکان حساسیت و توجه دارند، وجود دارد. وضعیت کودکان در عرصه های اجتماعی به خصوص در کشورهای فقیر و توسعه نیافته زیر سلطه حاکمیت رژیم های غیر دمکراتیک باعث گردیده تا بسیاری ازکودکان، در شرایط غیر قابل قبول و غیر انسانی یی، چالش های روحی، جسمی و روانی را برای تمامی دوران زندگی خویش به همراه داشته باشند. یکی از دستاوردهای بزرگ برای حقوق کودکان را می توان تصویب کنوانسیون بین المللی حقوق کودک در سازمان ملل ذکر کرد. این مهم در سال ۱۹۹۰ به تحقق پیوست و بسیاری از کشورهای دنیا آن را امضاء کردند. امضای کنوانسیون بین المللی حقوق کودک دولت ها را مجبور می کند تا نسبت به حقوق کودکان مطابق با مواد مندرج در این مصوبه، اقدامات لازم را به عمل آورند. به عنوان مثال، بر اساس گزارش یونیسف در سال ۲۰۱۰ ، مصر از هنگام امضای کنوانسیون مزبور موفقیت های قابل توجهی را در زمینه حقوق کودکان کسب کرد. بر طبق گزارش مذکور، از جمعیت ۷۵ میلیونی این کشور، ۳۹ درصد را افراد زیر ۱۸ سال تشکیل می دهند. مرگ کودکان زیر ۵ سال از ۸۵ نفر به ۲۸ نفر در هر هزار نفر کاهش یافته است. میزان مرگ کودکان هنگام تولد و همچنین میزان مرگ و میر مادران هنگام زایمان کاهش محسوسی داشته است. واکسیناسیون سالیانه کودکان تا سال ۲۰۰۷ تا حد ۹۸ درصد با موفقیت انجام گرفته است. هر چند نسبت برابری دختران در برابر پسران در عرصه آموزشی سرعت کافی را نداشته، اما پیشرفت هایی در این زمینه وجود داشته است. ختنه دختران در مصر هنوز یکی از مشکلات عدیده یی است که دامن دختران را گرفته است. افزایش مرگ و میر دختران هنگام عمل ختنه، دولت مصر را واداشت تا با تغییر قوانین، این عمل را غیر قانونی اعلام کند، اما با وجود تغییر قانون، این معضل هنوز بر جای خود باقی است. برنامه های آموزشی در این زمینه توانسته تا حدود زیادی در کاهش این مشکل موثر واقع شود. افزایش سن ازدواج به ۱۸ سال از پیامدهای مثبت امضای کنوانسیون حقوق کودک است.

یک پنجم از کودکان جهان در هند زندگی می کنند. هند در سال ۱۹۹۲ کنوانسیون حقوق کودک را امضاء کرد و از آن تاریخ تاکنون دستاوردهایی را نصیب کودکان کرده است. به عنوان مثال، میزان مرگ و میر کودکان هنگام تولد به نسبت ۱۱۷ نفر از هر هزار نفر در سال ۱۹۹۲ به ۷۲ نفر در سال ۲۰۰۷ کاهش یافته است.میزان دسترسی کودکان به آب آشامیدنی سالم افزایش یافته است. میزان ورود دختران ۶ تا ۱۰ ساله به مدارس از ۶۱ درصد به ۸۱ درصد افزایش یافته است. با تمام این ها، هنوز بیش از یک میلیون نوزاد در اولین ماه تولد و یک میلیون دیگر تا سن ۵ سالگی در هند از دنیا می روند. ۵۵ میلیون نفر با کاهش وزن مواجه اند، بیش از ۲۰ میلیون نفر از کودکان اصلا وارد مدرسه نمی شوند و بیش از ۴۰ درصد از جمعیت هند با حقوقی کمتری از ۱/۲۵ دلار زندگی می کنند. ۱۲۸ میلیون نفر از مردم هند فاقد آب آشامیدنی سالمند. تحقیقات به عمل آمده از زنان ۲۰ تا ۲۴ ساله نشان می دهد که ۴۷ درصد از آنان در سنین زیر ۱۸ سال ازدواج کرده اند. در مورد مردان این رقم ۱۶ درصد بوده است. گزارش یونیسف در اشاره به بحران اقتصاد جهانی که باعث افزایش هزینه های زندگی و مواد غذایی گردیده است، این نگرانی را دامن زده که ادامه این بحران همین دستاوردهای اندک را متوقف یا از بین خواهد برد.

آفریقای جنوبی در سال ۱۹۹۵ و پس از سرنگونی رژیم آپارتاید این کنوانسیون را امضاء کرد. وضعیت افریقای جنوبی یکی از استثنایی ترین مواردی است که جامعه جهانی با آن روبه رو است. میراث آپارتاید برای مردم این کشور تا سال های دراز در حکم چالشی جدی و فوق العاده مشکل، دامن نسل های کنونی و آینده را خواهد گرفت. در آفریقای جنوبی ۱۸ درصد افراد ۱۵ تا ۴۹ ساله به ویروس ایدز مبتلا یند. ۴ درصد از پسران ۱۳ تا ۲۴ ساله و ۱۳ درصد از دختران در همین سن به این بیماری مبتلا یند. یک میلیون و چهارصد هزار نفر از بچه های زیر ۱۸ سال که ۸ درصد جمعیت کشور را تشکیل می دهند، پدر یا مادر خود را به دلیل بیماری ایدز از دست داده اند.

از جمعیت یک میلیارد و ۳۳۰ میلیونی چین ۳۴۲ میلیون نفر را کودکان تشکیل می دهند. دولت چین در سال ۱۹۹۲ به کنوانسیون حقوق کودک پیوست. بنا به گزارش یونیسف چین یکی از محکم ترین قوانین حمایتی برای کودکان را داراست. در طول دو دهه گذشته پیشرفت های قابل توجهی در رابطه با وضعیت کودکان به عمل آمده است. مرگ و میر نوزاد هنگام تولد به میزان ۵۱ درصد کاهش پیدا کرده است. و اکسیناسیون کودکان تا میزان ۹۴ درصد به مورد اجرا درآمده است. ۸۵ درصد جمعیت چین در سال ۱۹۸۱ با دستمزد روزانه ۱/۲۵ دلار امرار معاش می کردند. با تغییرات اقتصادی انجام شده این رقم به ۲۷ درصد در سال ۲۰۰۴ کاهش پیدا کرده است. امکان دسترسی دختران و پسران به سرویس های آموزشی و بهداشتی تقریبا برابر است. با این حال پیشرفت های اقتصادی برای منطقه های روستایی و شهری برابر نبوده است. همین امر میزان مرگ و میر نوزادان تازه به دنیا آمده را در منطقه های غیر شهری، پنج برابر بیشتر از منطقه های شهری ارزیابی می کند. ۱۵۰ میلیون نفر از جمعیت چین مهاجر داخلی اند که عمدتا از منطقه های روستایی برای کارکردن به شهر در رفت و آمداند. ۲۵ میلیون نفر از این مهاجران را افراد زیر ۱۸ سال تشکیل می دهند. ۵۸ میلیون نفر از کودکان به دلیل مهاجرت، بدون پدر یا مادرشان زندگی می کنند.

در میان کشورهای دنیا، کشورهای اسکاندیناوی دارای بهترین و بالاترین استانداردهای موجود در جهان اند. به عنوان مثال، میزان مرگ و میر نوزادان در سوئد، طبق آمار سال ۲۰۰۷، سه نفر از هر هزار نفر گزارش شده است. خطر مرگ مادر هنگام زایمان ۱ نفر در میان ۱۷ هزار ۴۰۰ نفر ذکر شده است. سوئد از جمله اولین کشورهای دنیا بود که کنوانسیون حقوق کودک را امضاء کرد. سوئد تنها کشوری در دنیا است که تمامی استانداردهای یونیسف مبنی بر قوانین حمایتی و ایجاد شرایط مناسب آموزشی برای کودکان را به طور کامل به اجرا درآورده است. بی جهت نیست که سوئد به همراه کشورهای دانمارک، فنلاند، ایسلند و نروژ در راس کشورهایی قرار دارد که در آن ها قوانین مربوط به حقوق کودکان به نحو احسن به مورد اجرا در می آید.

صرف نظر از گزارش های بالا در مورد چند کشور مشخص، فضای عمومی در عرصه بین المللی برای احقاق حقوق کودکان با چالش هایی بزرگ و مسیری طولانی مواجه است. ۱۵۸ میلیون نفر کودک ۵ تا ۱۴ ساله در شرایط دشوار و وحشتناک به کارهای طاقت فرسا مشغولند. در نزدیک به صد کشور دنیا، میلیون ها نفر از دختران زیر سن ۱۸ سال، مجبور به ازدواج می شوند. این پدیده به خصوص در کشورهای آفریقایی و جنوب آسیا بیشتر است. خرید و فروش کودکان و انتقال آنان به دیگر کشورها برای استفاده های جنسی یا کارکردن با دستمزدهای ناچیز هنوز در سطح نگران کننده ای ادامه دارد. تخمین زده می شود که هر ساله یک میلیون و دویست هزار کودک خرید و فروش می شوند.

تخمین زده می شود که ۱۴۳ میلیون کودک بدون سرپرست در دنیا وجود دارد. یک و نیم میلیون نفر از این کودکان در اروپای شرقی و مرکزی قرار دارند. جنگ های داخلی، فقر، مرگ و میر پدر و مادران به دلیل ابتلا به بیماری ایدز و جز این ها، از دلیل های اصلی این پدیده شوم است.

بین ۵۰۰ تا یک میلیارد و ۵۰۰ میلیون نفر کودک در سراسر جهان به نحوی در معرض خشونت قرار دارند. خشونت نسبت به کودکان در خانواده و عمدتا از سوی پدر و مادرها نیز از معضل های پیش رو است. سازمان بهداشت جهانی تخمین می زند که بیش از ۴۰ میلیون نفر از کودکان زیر ۱۵ سال مورد اذیت و آزار و خشونت خانوادگی قرار می گیرند. خشونت های خانودگی در بسیاری از موارد به مرگ، نقص عضو، واهمه کودک از رفتن به مدرسه، فرار از خانه و اقدام به خودکشی در بین کودکان منجر می شود.



حقوق کودکان در ایران

ایران کنوانسیون حقوق کودک را امضاء کرده است، اما تمامی مفاد آن را قبول ندارد. موضوع حقوق کودکان در ایران برای سال های متمادی و از بدو تاسیس رژیم ولایت فقیه تاکنون بحث و جدل های چالش برانگیزی را در پی داشته است. آن چیزی که در مورد حقوق کودکان مورد تایید تمامی طرف های مناقشه در ایران است این است که وضعیت کودکان و حقوق آنان دارای مشکلاتی جدی است. مثلا ما در گذشته یی نه چندان دور شاهد اعدام افرادی بودیم که جرم هایی را در سنین کودکی مرتکب شده بودند، اما با نگهداری آنان در زندان و گذشتن سن آنان به بالاتر از ۱۸ سال، اقدام به اعدام آنان شده است. در ایران بررغم اینکه کار کودکان منع گردیده، اما این پدیده در سطحی گسترده و آشکار همچنان ادامه دارد. موضوع کودک آزاری یکی از پدیده های رایج در کشور است که در همین دو سه هفته

گذشته چندین مورد آن، باعث اعتراض هایی در داخل و خارج از کشور گردید. در تمامی این موارد رژیم ولایت فقیه با رفع مسئولیت از خود، به تشدید این معضل در جامعه دامن زده است. خبرآنلاین، اخیراً میزگردها و مصاحبه هایی با کارشناسان انجام داده که در آن ها به وضعیت حقوق کودکان و به خصوص پدیده کودک آزاری اشاره شده است. مصطفی اقلیما، رئیس انجمن مددکاری، در میزگرد مربوطه با اشاره به اینکه با تلاش های به عمل آمده در نهایت قانون دادگاه های اطفال هفت هشت سال پیش دوباره به تصویب رسید، معتقد است که این قدم هنوز کافی نیست. وی در ادامه با اشاره به اینکه قانون به تصویب رسیده والدینی را که اقدام به شکنجه کودکانشان می کنند را به زندان محکوم می کند، می گوید: ''وقتی کودکی را از خانواده ای می گیریم و پدر به زندان می رود چه کسی خرج این خانواده را می دهد؟ اگر بگوییم کمیته امداد کمک می کند درست نیست چون تا وقتی پدر زنده است بهزیستی کمکی نمی کند. اگر بگوییم کمیته امداد کمک می کند باز هم درست نیست و اگر هم کمکی می کند در حدود ۳۰ هزار تومان است. بعضی می گویند این کودک را به سازمان بهزیستی بدهیم. کدام سازمان بهزیستی؟ سازمانی که متخصص لازم را ندارد؟ ما در کشور قانون های لازم را داریم ولی اجرا کننده را نداریم. برای هر قانونی زیر ساخت هایی باید باشد، ولی در ایران نیست''(خبرآنلاین، ۲۵ اردیبهشت). اقلیما در ادامه، بسیاری از این ناهنجاری های اجتماعی را در ارتباط با وضعیت اقتصادی مردم می داند و معتقد است که در سال جاری این آسیب های اجتماعی ۴۰ تا ۵۰ درصد افزایش پیدا می کند. فاطمه اشرفی، عضو هیئت مدیره انجمن حمایت از زنان و کودکان آواره و پناهنده، در ارتباط با معضل کودکان خیابانی می گوید:''کودک بنا بر کودک بودن حق دارد از همه امکانات حمایتی استفاده کند، ربطی هم به این مسایل ندارد که دولتی است یا نه و هر کس در هر جایگاهی که هست باید به کودک کمک کند اما متاسفانه این نیز خود نوعی خشونت روانی رسمی است که از طرف مسئولان امر در حال اعمال است. وقتی که یک مسئول دولتی برای فرار از بار مسئولیت خویش با خارجی خواندن این افراد، سلب مسئولیت می کند در واقع یک خشونت سازمان یافته از بالا در حال القا است که نه تنها خودشان حمایت نمی کنند بلکه به نوعی سلب مسئولیت از مردم یا نهادهایی می کنند که احساس تکلیف انسانی می خواهند داشته باشند.'' به گزارش همین سایت، ۲۲ اردیبهشت، حمید رضا الوند، یکی از مسئولان سازمان بهزیستی، در باره ریشه یابی بروز پدیده کودک آزاری در جامعه، می گوید: ''از جمله دلایل افزایش کودکان بدسرپرست و بی سرپرست مشکلات اقتصادی اینگونه خانواده هاست.''

ناامید کننده ترین قسمت قضیه آن است که خبر آنلاین، ۳۱ اردیبهشت، از قول موسی قربانی، عضو کمیسیون حقوقی و قضایی، اعلام کرده که کودک آزاری در لایحه حمایت از خانواده جایگاهی ندارد. وی در این باره اظهار داشت: ''در بحث حمایت از حقوق کودکان و نوجوانان، ایران یکی از مترقی ترین کشورهای عضو کنوانسیون حقوق کودک است و قوانین فعلی ما در بحث کودک آزاری رسا هستند و به دلیل وجود مجازات های اسلامی در بحث کودک آزاری، این موضوع در لایحه حمایت از خانواده جایگاهی ندارد.''

سخنان موسی قربانی از یک نظر باید درست ارزیابی شود. بالاخره وی نماینده تفکری است که در آن اعدام کودکان امری طبیعی قلمداد می شود. موسی قربانی نماینده تفکر رژیمی است که در زندان های آن تجاوز به کودکان در میان زندانیان عادی بر اساس افشاگری های اخیر، به طور آشکار و مشمئز کننده ای رایج است. موسی قربانی نماینده تفکری است که پدیدار شدن موی سر زنان را گناه کبیره و زیر پا گذاشتن ارزش های اسلامی قلمداد می کند، اما شکنجه کودکان را امری خصوصی و مربوط به مسایل شخصی خانواده ها می داند. با توجه به اظهارات بالا، حتی اگر هم قانونی تصویب شود پایمال شدن حقوق کودکان همچنان ادامه خواهد داشت. متاسفانه با توجه به وضعیت اقتصادی موجود در میهن مان ما باید شاهد ناهنجاری بیشتر در کل و به خصوص در رابطه با کودکان باشیم. همان طور که تجربه بیش از ۳۰ سال گذشته نشان داده است، رژیم ولایت فقیه، نه قادر است و نه عزم آن را دارد که در رفع این چنین ناهنجاری ها، اقدام عملی و موثری را به اجرا در بیاورد. دستاوردهای تاکنونی هم حاصل تلاش و پشتکار فعالان اجتماعی بوده است که طی تمامی این سال ها با اقدامات افشاگرانه، رژیم را مجبور کرده اند تا به عقب نشینی هایی دست بزند. بر تمامی فعالان سیاسی و اجتماعی است تا در همین راستا تلاش های خویش را متمرکز کنند. در آستانه اول ماه ژوئن، روز جهانی کودک، باید امیدوار بود که در شرایطی که دنیا با بحران عظیم اقتصادی یی که حاصل اجرای سیاست های خانمان برانداز نولیبرالیستی است رویاروست، بتواند دستاوردهای تاکنونی در رابطه با حقوق کودکان را حفظ و تلاش در جهت تخفیف معضل ها و چالش های پیش رو را با موفقیت از سر بگذراند.

****

حقوق زنان طبقه های محروم، سیاست ارتجاع، و مبارزه جنبش زنان

از ابتدای سال جاری تبلیغات گسترده ای از سوی ارتجاع حاکم و نهادهای مختلف دولت ضد ملی احمدی نژاد در خصوص تامین منافع و حقوق زنان محروم جامعه جریان دارد.
روزی نیست که اداره های گوناگون و سازمان های مربوط به زنان در جمهوری اسلامی از تهیه، تدوین و تصویب طرح هایی که زندگی زنان خانه دار، سرپرست خانوار، زنان کارگر و کارمند را متحول ساخته و بهبودی جدی در معیشت و موقعیت اجتماعی آنان ایجاد می کند، خبر ندهند. تشکیل ستاد ملی زن و خانواده، ایجاد هزاران موقعیت شغلی برای دختران فارغ التحصیل دانشگاهی، بیمه زنان سرپرست خانوار، حمایت از زنان کارگر و جز این ها، از سوی بلندگوهای تبلیغاتی رژیم ولایت فقیه با گستردگی هر چه تمامتر و در سطحی وسیع اعلام می شود. اینکه چرا و به کدام دلایل مرتجعان حاکم به یکباره به یاد تامین حقوق زنان خصوصا زنان طبقات محروم افتاده و چرا به طور کلی بخشی از فعالیت های خود را به روی زنان متمرکز ساخته اند، به هیچ رو شگفت آور نیست. سال کنونی با اجرای برنامه ضد مردمی آزاد سازی اقتصادی و حذف یارانه ها و خصوصی سازی، بی شک با چالش های متعددی برای رژیم همراه خواهد بود. هراس از نارضایتی اجتماعی و نقش تاثیرگذار زنان در این نارضایتی ها با توجه به تجربه خیزش پر شکوه مردمی بر ضد کودتای انتخاباتی در سال ۸۸ و میزان تاثیر جنبش زنان در آن حوادث، تاریک اندیشان را وادار ساخته با سلسله اقدام ها و نیز مانورهایی فریبکارانه تلاش کنند مبارزات زنان میهن ما را مهار و از میزان تاثیر گذاری آن بکاهند. واقعیت این است که برخلاف تبلیغات دروغین جمهوری اسلامی وضعیت زنان در هیچ عرصه یی دچار تحول نشده و تبعیض جنسیتی- طبقاتی کماکان با قوت مانع از حضور فعال و تثبیت جایگاه اجتماعی- حقوقی زن در جامعه کنونی ایران است.
با توجه به گسترش تبعیض و نابرابری در حق زنان، دولت ضد ملی احمدی نژاد، مجلس و دیگر نهادها، مدعی تهیه و تدوین لایحه ها و طرح هایی برای تامین حقوق زنان به ویژه زنان طبقه های محروم هستند. خبرگزاری فارس، ۲٤ اردیبهشت ماه، گزارش داد: "مسئول بسیج جامعه زنان استان تهران گفت، بسیج جامعه زنان به منظور بهبود وضعیت زنان سرپرست خانوار و افزایش قدرت اقتصادی این قشر، در سطح استان تهران به ایجاد شغل می پردازد ... این زنان از طریق بسیج سازندگی که وظیفه شناسایی محرومان را برعهده دارد به ما (بسیج جامعه زنان) معرفی می شوند و با ایجاد کارگاه هایی مانند خیاطی برای آنها ایجاد اشتغال خواهیم کرد."
علاوه براین، خبرگزاری ایسنا، ۲۷ اردیبهشت ماه، از قول مخبر کمیسیون آموزش مجلس، خاطر نشان ساخت: "تدوین طرحی برای پیش بینی حقوق و تشویقی برای بانوان و مادران خانه دار ... حوزه زنان در دولت نهم و دهم روند تکاملی و روبه رشد داشته ... فرصت های نسبتا برابری برای زنان در مناطق روستایی و محروم پدید آمده، هم اکنون در حوزه زنان قوانین خوبی در حال تدوین است ... در نظر گرفتن حقوق و مزایا برای بانوان خانه دار یکی از اولویت های حوزه زنان است. باید تلاش کنیم برای بانوانی که هم اکنون به دلایل گوناگون خارج از منزل شاغل نیستند و به عبارت بهتر خانه دار هستند مشوق ها، مزایا و حتی حقوقی پیش بینی شود."



درکنار این مسایل، مشاور امور بانوان وزارت تعاون نیز اعلام داشت، ۱۰۰ هزار شغل در سال ۱۳۹۰ با اولویت دختران فارغ التحصیل دانشگاهی و زنان سرپرست خانوار ایجاد خواهد شد. خبرگزاری فارس، ۲٤ اردیبهشت ماه، در این باره نوشت: "۳۰ هزار تعاونی زنان در سراسر کشور وجود دارد که بیشترین حضور زنان در تعاونی های بخش خدمات و کشاورزی و کمترین حضور آنها نیز در تعاونی های بخش صنعت و معدن است. بنیاد توسعه تعاون و کار آفرینی زنان فعال است و این بنیاد متعهد شده است تا سال ۱۳۹۰ برای ۱۰۰ هزار نفر با اولویت زنان سرپرست خانوار و دختران فارغ التحصیل دانشگاهی ایجاد اشتغال کند ... تاکنون در شهرهای ایلام، تهران، سمنان و استان های اردبیل، مازندران، گلستان و خراسان رضوی کار ثبت نام برای فرصت های شغلی آغاز شده است."
دراین میان کمیته امداد خمینی به عنوان یک بنیاد غارتگر و انگلی نیز راحت ننشسته و قایم مقام این کمیته در گفتگو با خبرگزاری مهر، ۲٦ اردیبهشت ماه، یادآوری کرد: "۸۵۰ هزار زن سرپرست خانوار تحت پوشش کمیته امداد هستند که قرار است بیمه تامین اجتماعی شوند. دولت باید مصوبه بیمه زنان سرپرست خانوار تحت پوشش کمیته امداد را به دستگاه های اجرایی ابلاغ کند تا وظیفه آنها دراین زمینه مشخص شود." نکته جالب توجه در فعالیت کمیته امداد این است که این بنیاد انگلی از چنان قدرت مالی و نفوذ سیاسی

برخوردار است که از طرح ادغام وزارتخانه ها و نهادهای جمهوری اسلامی برکنار باقی مانده و اجازه بحث در این زمینه را به احدی نمی دهد. قایم مقام این بنیاد انگلی در مصاحبه فوق با صراحت تاکید کرد: "این نهاد (کمیته امداد خمینی) در حال حاضر زیر نظر مستقیم مقام معظم رهبری است ... بحث اینکه کمیته امداد ... در سازمان دیگری ادغام شود به هیچ عنوان وجود ندارد."

باوجود همه این مدعیات سراسر پوچ و دروغین، حتی گزارش های رسمی حاکی از ژرفش تبعیض جنسیتی و طبقاتی طی سال های اخیر است. به گزارش ایلنا، ۱۷ اردیبهشت ماه، موقعیت زنان در لایحه بودجه سال ۹۰ بهبودی پیدا نکرده است. نکته پراهمیت اینکه در طرح های ادعایی واپس گرایان، محور ممانعت از حضور موثر زنان در حیات اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی، جامعه است.

به طور مثال طرح حقوق و مزایا برای زنان خانه دار نه با انگیزه ارتقاء سطح زندگی و تامین حقوق آنان بلکه برای خانه نشین ساختن زنان شاغل برپایه دیدگاه قشری و واپس گرایانه در نظر گرفته شده است. مخبر کمیسیون آموزش مجلس علت اصلی طرح های جمهوری اسلامی به ویژه تعیین حقوق و مزایا برای زنان خانه دار را در مصاحبه با ایسنا، ۲۷ اردیبهشت، چنین بازگو می کند: "مشوق ها، مزایا و حقوق برای بانوان خانه دار دو نتیجه دارد نخست این که احساس می شود کار تربیتی و خانه داری و مدیریت بانوان در خانه اهمیت دارد ... و دیگر اینکه حرص و ولعی که برخی بانوان به دلیل این که احساس می کنند حتما باید خارج از منزل سپری کنند (یعنی شاغل باشند) کاهش می یابد." آیا با چنین دیدگاه واپس مانده ای می توان مدعی تامین حقوق زنان به ویژه زنان طبقات محروم جامعه بود؟! مبنای این نظرات قرون وسطایی و زن ستیز از سوی علی خامنه ای با صراحت تعیین شده است. خبرگزاری مهر، ۱ خرداد ماه، گزارش داد: "آیت الله خامنه ای به بحران زن در جوامع غربی اشاره کردند و فرمودند: جمهوری اسلامی باید بطور صریح و بدون پرده پوشی، مبانی غلط غرب در مقوله زن را مورد هجوم و انتقاد جدی و بی وقفه قرار دهد ... محیط خانواده برای زن باید محیطی امن ... باشد تا زن بتواند وظیفه اصلی [خوب توجه کنید وظیفه اصلی] خود را که حفظ خانواده است به بهترین وجه انجام دهد." خامنه ای برابری زن و مرد و رفع تبعیض جنسیتی و طبقاتی را "حرکت هولناک" خواند. با این گونه تفکرهای پوسیده و ارتجاعی طی سه دهه گذشته بر بنیان های اجتماعی و فرهنگی و اخلاقی جامعه ما ضربه ها و آسیب های جدی وارد شده است.

در سال کنونی برخلاف تبلیغات بی پایه ارتجاع حاکم و "فرامین" ولی فقیه، شاهد کاهش باز هم بیشتر نقش و سهم زنان در بازار کار و تنزل موقعیت اجتماعی و جایگاه حقوقی آنان خواهیم بود. علت نیز در درجه نخست به اجرای برنامه آزاد سازی اقتصادی از سوی دولت ضد ملی احمدی نژاد باز می گردد. به عبارت دیگر، در سال جاری خورشیدی از سویی سیاست های تبعیض آمیز در حق زنان همچون گذشته به مورد اجرا گذاشته می شود، سخنان خامنه ای مبنی بر "هجوم و انتقاد جدی و بی وقفه" دقیقا همین مساله است. از دیگر سو اجرای برنامه آزاد سازی اقتصادی و اثرات منفی و مخرب آن درصد بزرگ تری از زنان را از کار و امکان های اجتماعی و اقتصادی محروم می سازد.



جنبش زنان می تواند شعارها و خواسته های برحق خود را با دقت و ظرافت به میان زنان طبقه های محروم جامعه برده و با به کارگیری سیاست و روش های صحیح، موثر، و واقع بینانه، ضمن ناکام گذاردن و خنثی کردن ترفندها و توطئه های ارتجاع، زمینه های حضور فعال تر این زنان را در مبارزه با تبعیض جنسیتی، بی عدالتی و نابرابری فراهم سازد. هزاران زن کارگر، زنان سرپرست خانوار، بخش بزرگی از زنان خانه دار و به طور کلی زنان زحمتکش شهرها و روستاها، با پوست و گوشت و ذرات وجود خود اثرهای مخرب برنامه های ضد مردمی اقتصادی- اجتماعی و دیدگاه های فرهنگی زن ستیز رژیم ولایت فقیه را احساس می کنند. شکاف طبقاتی، نابرابری اجتماعی، فقر و توزیع ناعادلانه ثروت ملی به خوبی برای زنان طبقات محروم قابل لمس بوده و هست و به طور روزمره خود یا خانواده هایشان با آن درگیرند. می توان در پرتو این حقیقت، ماهیت واقعی و علت رشد و رواج تبعیض جنسیتی و پایمال شدن حقوق زنان را نزد آنان قابل درک و مفهوم ساخت. میان تشدید فشار و ژرفش تبعیض جنسیتی با اجرای برنامه های ضد مردمی اقتصادی و اجتماعی مانند آزاد سازی اقتصادی در چارچوب رژیم ولایت فقیه و فرهنگ غالب آن ارتباط تنگاتنگ و ناگسستنی یی وجود دارد. عامل ها و زمینه های فاصله طبقاتی و تبعیض جنسیتی و بی حقوقی زنان و دختران را باید بی وقفه با شجاعت و هوشیاری به زنان طبقه های محروم معرفی کرد و شناساند.

به نقل از نامه مردم، شماره ۸۷۰، ۱۶ خرداد ماه ۱۳۹۰

۸**********

مساله ارضی، و ضرورت تامین منافع زحمتکشان روستا

***با اجرای قانون هدفمندی یارانه ها هزینه هایی که در بخش کشاورزی روستاییان وعشایر با آن روبرو هستند، بار زیادی را بر آنها تحمیل کرده اند ... اگر این روال ادامه داشته باشد، مطمئنا بخش کشاورزی کشور به تعطیلی کشیده خواهد شد. دولت به بخش کشاورزی توجه کند، کشاورزی درحال نابودی است.[از سخنان نماینده مرودشت در مجلس، به نقل از خبرگزاری فارس، ۱۳اردیبهشت ماه].**

با کاهش ده درصدی سهم تولید از منابع هدفمندسازی یارانه ها، و موج نگرانی تولید کنندگان و صنعت گران از این مصوبه مجلس، موضوع آینده و دورنمای بخش کشاورزی و زندگی دهقانان ایرانی به بحث داغ در برخی رسانه های همگانی خصوصا نشریه های تخصصی و اقتصادی بدل گردید. وضعیت فعلی بخش کشاورزی به عنوان یکی از رشته های اصلی اقتصاد ملی و نقش آن در رشد و پیشرفت کشور فوق العاده نگران کننده و اسف بار است. کشاورزی ایران هیچ گاه تا به این پایه ضعیف، آسیب پذیر، شکننده و بی دورنما نبوده و زندگی دهقانان زحمتکش به این حد در سایه شوم فقر قرار نداشته است. برنامه آزاد سازی اقتصادی و حذف یارانه ها اثرهای فاجعه باری تا این لحظه برای بخش کشاورزی به همراه داشته است، ولی به رغم این واقعیت، ارتجاع حاکم و دولت نامشروع اجرا کننده این طرح ضد مردمی در تبلیغات رسمی حقیقت را وارونه جلوه می دهند. احمدی نژاد، رییس دولت ضد ملی کودتا، در جریان گفتگوی زنده تلویزیونی خود، ۲۵ اردیبهشت ماه، در باره اثرهای حذف یارانه ها در بخش کشاورزی با عوام فریبی اعلام داشت: "از آثار اجرای هدفمند کردن یارانه ها افزایش بهره وری در صنعت و کشاورزی است، یک مرغداری در آذربایجان غربی در همان محل و با همان انرژی و فضا شش طبقه مرغداری ایجاد کرده و تولید خود را افزایش داده است. ..."

احمدی نژاد زمانی چنین مدعیات بی پایه ای را طرح و تبلیغ می کند که کلیه کارشناسان و ارگان های رسمی حکومتی نیز از وخامت اوضاع کشاورزی، فقر در روستاها، و مهاجرت های گروهی از روستا به شهر گزارش می دهند. خبرگزاری کشاورزی ایران، در اسفند ماه پارسال، نتیجه های یک بررسی در خصوص اثرهای حذف یارانه ها بر بخش کشاورزی و زندگی دهقانان را منتشر ساخت که در بخشی از آن با صراحت تاکید گردیده است: "این پژوهش در راستای قانون هدفمند کردن یارانه ها به بررسی اثرات اجرای این قانون بر روی واحدهای تولیدی محصولات زراعی کشاورزی در دشت قوچان که یکی از دشت های مهم کشاورزی ایران می باشد، پرداخته است ... نتایج نشان داد افزایش قیمت فرآورده های نفتی تا سطح قیمت جهانی و قیمت برق تا سطح هزینه تولید آن طی پنج سال با در نظر گرفتن اثرات تورمی، حامل های انرژی گازوییل و برق به صورت مستقیم بر روی هزینه های تولید کشاورزی تاثیر گذار بوده ... سطح زیر کشت کل محصولات را تا ۲۵ درصد کاهش می دهد."



علاوه بر این بررسی رسمی یی که مراکز آماری در جمهوری اسلامی به آن استناد می کنند، نماینده مرودشت در مجلس با اشاره به این حقایق در تذکر آیین نامه ای در صحن علنی مجلس خاطر نشان ساخت: "با اجرای قانون هدفمندی یارانه ها هزینه هایی که در بخش کشاورزی روستاییان و عشایر با آن روبرو هستند، بار زیادی را برای آنها تحمیل کرده اند ... کشاورزی در حال نابودی است."

اخبار و گزارش های گوناگونی نشانگر وضعیت وخیم کشاورزی و خانه خرابی میلیون ها دهقان ایرانی است.

خبرگزاری کشاورزی ایران- ایلنا ـ ۲۰ اردیبهشت ماه، گزارش داد: "کاهش ۷۳ ریالی خرید گندم کشاورزان اهوازی را نگران کرده است. براساس اعلام شرکت غله و بازرگانی جدول قیمت گندم خریداری کشاورزان در سال جاری (۱۳۹۰) تغییر کرده و در نتیجه بهای گندم ۷۳ ریال کاهش داشته و نگرانی هایی را برای کشاورزان اهوازی ایجاد کرده، این تغییر ضرر و زیان برای کشاورزان به همراه دارد." در مورد دیگری خبرگزاری فارس، ۱۷ اردیبهشت ماه، نوشت: "در نتیجه عدم آگاهی کشاورزان، اعلام وضعیت بحران و طغیان آفت سن در زنجان، تولید گندم

کاهش می یابد. روستاییان در انتظار حمایت دولت هستند.''
وزارت جهاد کشاورزی و دیگر نهادهای فعال در بخش کشاورزی در مواردی مانند آفت سن در استان زنجان هیچ گونه کمک و مساعدتی به دهقانان نمی کنند. به علاوه، بسیاری از کشاورزان قادر به بازپس گیری مطالبات خود نیستند. به طور مثال، ایسنا، ۲۶ اردیبهشت ماه، گزارش می دهد: ''مدیر عامل اتحادیه ملی تخصصی سیب زمینی کاران کشور گفت، بعد از گذشت ۳ سال هنوز بدهی معوقه سیب زمینی کاران پرداخت نشده است ... روا نیست بعد از گذشت ۳ سال با عنایت به مشکلات عدیده این زحمتکشان عرصه تولید که محصول خود را با مشقات و سختی های بسیار زیاد تولید می کنند نسبت به احقاق حقوق آنها اقدامی صورت نگیرد.''
این بدهی دولت مربوط به سال ۱۳۸۷ است که حدود ۷۰۰ هزار تن سیب زمینی از کشاورزان نقاط مختلف خریداری کرد و تاکنون پول آن را پرداخت نکرده و دهقانان بی پناه ۳ سال است در انتظار دریافت دسترنج خود اند. در خصوص ماهیگیران و صیادان نیز وضعیت مشابه ای وجود دارد. خبرگزاری کشاورزی ایران، ۲۴ اردیبهشت ماه، گزارش داد: ''صیادان در شمال و جنوب کشور برای صید انواع گونه های ماهی هر روز عازم دریا هستند، اما به علت حذف یارانه ها و حذف حامل های انرژی و افزایش قیمت بنزین و گازوییل با مشکلات زیادی رو به رو شده اند. با وجود در نظر گرفتن سهمیه سوخت برای صیادان شمال و جنوب کشور هنوز سهمیه ۱۵۰ لیتری گازوییل صیادان پرداخت نشده است.''
از دیگر سو، ایلنا، ۱۹ اردیبهشت ماه، یادآوری کرد: ''حذف یارانه شیر با توجه به افزایش قیمت های جهانی نهاده های تولید، واردات بی رویه شیرخشک و کاهش قیمت پایه خرید شیرخام صنعت دامپروری کشور را به نابودی می کشاند. ...'' رییس انجمن گاوداران استان تهران نیز با بیان اینکه حذف یارانه ها، بی ثباتی در تصمیم گیری ها و نبود متولی کارآمد در صنعت دامپروری موجب از بین رفتن تولید کنندگان خرد شده است، افزود واردات بی رویه و حذف یارانه شیر، دام داران و دامپروران را ورشکسته ساخته است. این وضعیت برای چایکاران، پنبه کاران و کشت ذرت و حبوبات نیز وجود دارد و هیچ ارگان و نهادی هم به فریاد دهقانان نمی رسد. نکته شگفت آور اینکه در این اوضاع و احوال وخیم دولت احمدی نژاد برای مجازات مصرف کنندگان بخش کشاورزی که ''استانداردهای مصرف سوخت'' را رعایت نمی کنند، یعنی دهقانان بی پناه و اسیر چنگال فقر، جریمه های سنگین در نظر گرفته است. ایلنا، ۱۴ اردیبهشت ماه، گزارش داده است: ''پرداخت دو برابر قیمت حامل های انرژی، جریمه مصرف کنندگان بخش کشاورزی است که استانداردها را رعایت نمی کنند.''
با در نظر داشت این اوضاع وخیم آیا باز هم می توان مانند احمدی نژاد با عوام فریبی از اجرای برنامه ضد مردمی آزاد سازی اقتصادی و حذف یارانه ها دفاع کرده و آن را عامل افزایش بهره وری در کشاورزی خواند؟
مطابق آخرین گزارش بانک مرکزی جمهوری اسلامی، که با عنوان ''بررسی آخرین تحولات کشور در سال ۱۳۸۹'' انتشار یافته است، طی شش سال اخیر شاغلان بخش کشاورزی از پنج میلیون و ۱۰۰ هزار نفر در سال ۱۳۸۴ به ۴ میلیون و ۳۷۰ هزار نفر در پایان فصل بهار سال گذشته رسیده است. این آمار رسمی گواه وضعیت ناگوار بخش کشاورزی و نیز زندگی دهقانان زحمتکش زیر سایه اجرای برنامه های اقتصادی رژیم ولایت فقیه است.
بخش کشاورزی با اجرای برنامه آزاد سازی اقتصادی ناتوان تر از پیش در سراشیب فروپاشی قرار گرفته است. در این زمینه باید به گره ناگشوده مساله ارضی در میهن مان نیز اشاره کرد. بخش مهمی از معضل های کنونی که روستاهای ایران با آن مواجه اند در عدم اجرای اصلاحات ارضی بنیادین به سود دهقانان بی زمین، کم زمین و بقا و دوام بزرگ مالکی در پیوند با بنیادهای انگلی و سرمایه بزرگ تجاری است. ریشه فقر در روستاها و تضعیف مداوم بنیه بخش کشاورزی را در سمت گیری اقتصادی- اجتماعی رژیم ولایت فقیه باید جستجو کرد. بدون حل بنیادین مساله ارضی به سود زحمتکشان روستا، شکوفایی و سالم سازی بخش کشاورزی در مجموعه اقتصاد ملی امکان پذیر نبوده و نیست. ارایه هر راه حلی برای برون رفت از اوضاع وخیم کنونی در بخش کشاورزی منوط به تامین منافع دهقانان زحمتکش و همه زحمتکشان روستا بوده و هست.

به نقل از نامه مردم، شماره ۸۷۰، ۱۶ خرداد ماه ۱۳۹۰

****

آموزه های «الماس فریب»

اخیرا از صدا و سیمای بی شرم حکومت ولایت فقیهی حاکم بر کشورمان برنامه ای باعنوان «الماس فریب» در همکاری تنگاتنگ این رسانه با نهادهای امنیتی رژیم پخش گردید که متاسفانه بخشی از ماجرای این برنامه ننگین دور از واقعیت نبود.

ما نمی خواهیم در این نوشته کوتاه به شرح این ماجرای سرتاپا ننگین و مشمز کننده بپردازیم، زیرا این کار پیشتر انجام گرفته و در تعدادی از رسانه های مرتبط با اپوزسیون انعکاس یافته است. بنابراین خوانندگانی را که مایلند از جزئیات «الماس فریب» اطلاع پیدا کنند به این رسانه ها ارجاع میدهیم.

اما آنچه در داخل کشور و در رسانه های حکومتی درباره «الماس فریب» مشاهده می شود، بزرگنمایی توان دستگاهای امنیتی رژیم و قدرت و توان آنها در «فریب» اپوزسیون به قول خودشان (خارج نشین) است که عمدتا اهدفی به شرح زیر را مد نظر دارند:

۱. تاکید بر توان بالای دستگاهای امنیتی رژیم، نه تنها در سرکوب و شکنجه و اعتراف گیری در داخل کشور، بلکه در طراحی و اجرای «سناریو»های پیچیده و نفوذ در صفوف اپوزسیون و «فریب» آنها.

۲. ایجاد فضای رعب و وحشت در صفوف جنبش مردمی از طریق دلسرد کردن و دامن زدن به جو یاس و ناامیدی و از همه مهمتر کاشتن تخم «شک و گمان» در میان مبارزین و نیروهای حاضر در عرصه پیکار علیه رژیم، بویژه فعالین داخل کشور.

۳. بدنام کردن و بی حیثیت کردن اپوزسیون خارج از کشور و تصویر کردن این نیروها در چهره جریاناتی «شیفته قدرت»، ابله، آلوده و در عین حال ناتوان، به منظور ایجاد گسست و بریدن بیشتر حلقه های پیوند آنان با مبارزین وجنبش اعتراضی مردم داخل کشور.

۴. ایجاد شکاف و اختلاف در میان اپوزسیون خارج از کشور از طریق ایجاد جو بی اعتمادی و اتمام زنی و ...

۵. تقویت روحیه و قوت قلب دادن به نیروهای اطلاعاتی و سرسپردگان آدمکش رژیم به منظور واداشتن آنها به ادامه ی خدمت به رژیم و مقابله با جنبش اعتراضی و سرکوب مردم.

بدون شک می توان اهداف و انگیزه های دیگری را نیز بر این فهرست پنجگانه افزود، و ابعاد پیچیده تری از این سناریوی ننگین را برملا کرد. اما به نظر ما، هرچند روشن کردن ابعاد و زوایای هر چه بیشتر این «سناریو» کاری لازم و بایسته است و می تواند برای مبارزین داخل و خارج از کشور حاوی آموزه های زیادی باشد. لیکن آنچه عجابتاً اهمیت دارد تاکید بر نکاتی است که در زیر به برخی از آنها می پردازیم:

واقعیت این است که برخلاف هیاهوی کرکننده دستگاه های امنیتی و تبلیغاتی رژیم ولایت فقیهی، سناریوی «الماس فریب» نه تنها نتوانست بنابر میل و خواست رژیم به مرحله اجرا درآید و آبرویی برای آن کسب کند، بلکه با هوشیاری و درایت اپوزسیون مترقی و مردمی کشورمان، عملاً با شکست مواجه گردید و به همین خاطر نیمه کاره رها شد و عامل- بازیگر آن «سردار مدحی» در نیمه راه قافیه را باخت و مفتضحانه و دست خالی به کشور بازگردانده شد.

چه شکستی بالاتر و سنگین تر از این که علیرغم به کار بردن انواع تمهیدات و «فریب»ها، پس از ماه ها تلاش و صرف هزینه های هنگفت و به کارگیری همه ی توان تداركاتی رژیم در داخل و خارج از کشور، «سردار مدحی» و هدایت کنندگانش تنها توانستند تعدادی از جریانات موسوم به اپوزسیون ارتجاعی، سلطنت طلب و افراد بی هویت و معلوم الحالی از نوع «نوری زاده» ها را به دور خود جمع کند و در سناریوی «الماس فریب» به بازی بگیرند.

در این باره خوشبختانه حتی یک فرد یا جریان سیاسی مترقی و مردمی و دارای سابقه مبارزاتی «فریب» توطئه نهادهای امنیتی رژیم را نخوردند و در «الماس فریب» حضور نیافتند و سران رژیم و دستگاه های امنیتی آن هم به خوبی به این واقعیت پی بردند که از طریق «فریب» یا به بازی گرفتن امثال نوری زاده و چند جریان مرتجع و سلطنت طلب تشنه قدرت، راه به جایی نخواهد برد.

به همین دلیل با مشاهده به بن بست رسیدن سناریوی «الماس فریب» با عجله از پافشاری بر ادامه ی اجرای آن منصرف شده، «سردار مدحی» را با هواپیمای اختصاصی به تهران بازگرداندند. و بر اجرای عملیات «الماس فریب» نقطه پایان گذاشتند.

بنابراین برخلاف هیاهوی کرکننده نهادهای امنیتی و رسانه های تبلیغاتی رژیم نه تنها سناریوی «الماس فریب» برای رژیم موفقیتی به ارمغان نیاورد، بلکه می توان آن را سند دیگری از عجز و ناتوانی رژیم در مقابله با اپوزسیون مترقی و مردمی کشورمان به شمار آورد.

رژیم با طراحی و پیشبرد این سناریوی ننگین، در نظر داشت آبی بر آتش خشم توده های مردم بریزد و با ایجاد جو یاس و ناامیدی در میان مبارزین داخل کشور، آنها را از گردونه مبارزه و مقابله با رژیم خارج سازد که در این زمینه نیز، حتی به طور موقت موفقیتی کسب نکرده است. با ادامه اعتراضات مردمی در روزهای تشیع جنازه «ناصر محمدخانی» ۲۵ خرداد، تدفین عزت الله سحابی» و اعتصاب غذای زندانیان سیاسی در اعتراض به شهادت «هدی صابر» و ... آشکارا می توان دید که این هدف رژیم نیز تحقق نیافته و اثری بر اوجگیری مبارزه و مقاومت مردم نداشته است.

اجرای سناریوی «الماس فریب» برخلاف انتظار رژیم، نه تنها اپوزسیون مترقی و مردمی کشورمان را جذف و از این راه «بدنام» نکرد، بلکه با سرباز زدن آنها در مشارکت در این سناریو و افشای به موقع آن، برگ زرین دیگیری بر حیثیت و اعتبار آنان نزد مردم و افکار عمومی جهانیان افزوده شد و بیش از پیش موجب بدنامی و بی اعتباری رژیم گردید.

«الماس فریب» برخلاف انتظار رژیم و طراحان آن، نه تنها موجب ایجاد شکاف و بدگمانی در میان اپوزسیون مترقی و مردمی کشورمان نگردید، بلکه بار دیگر بی اعتباری و ناپیگیری اپوزسیون مرتجع، جریانات سلطنت طلب، فرصت طلب ها و شیفتگان قدرتی را که به کسوت اپوزسیون در آمده اند به نمایش گذاشت و ماهیت واقعی آنها را برملا نمود.

امثال نوری زاده ها و «سازگارا» ها که از به «بازیگرفته های» سناریوی «الماس فریب» بودند، را هرگز هیچ کسی در جبهه شخصیت های مردمی و مترقی کشورمان قرار نداده و هرگز از اعتباری نزد اپوزسیون راستین و مترقی میهنمان برخوردار نبوده و نیستند.

بنابراین «هم بازی» شدن آنها با «سردار مدحی» نمی تواند لطمه ای به جنبش مردمی کشورمان وارد آورد و سیمای تابناک مبارزین مردمی و مترقی کشورمان را ملکوک نماید.

بدون شک طراحی و اجرای سناریوهایی از نوع «الماس فریب» در به اصطلاح بالا بردن روحیه و تقویت همبستگی در میان یروهای خودی رژیم نیز اثر چندانی نخواهد داشت. زیرا دستکم بخش عمده ای از این خودیها

(نیروهای بسیج و ارتش و غیره ...) از فرزندان خانواده های تهیدست و زحمتکش کشورمان هستند و همانند بقیه ی مردم روزانه با فقر و فلاکت و گرانی و تورم و ده ها معضل و مشکل اقتصادی اجتماعی دیگر روبرو هستند و به اندازه ی دیگران از سیاست های غیر انسانی رژیم در همه ی عرصه ها صدمه می بینند، بنابراین سناریوهای از نوع «الماس فریب» نمی تواند چشم آنها را بر این همه فلاکت و ستم ببندد و به آنها در خدمت هرچه بیشتر به رژیم «قوت قلب» ببخشد.
آنهم در شرایطی که نه ادعای ارتباط مستقیم باند احمدی نژاد با» امام زمان» و نه التماس های خامنه ای برای حفظ رژیم و نه ده ها حیله و ترفند دیگر، نتوانسته از ریزش روزافزون خودی ها و پیوستنشان به صفوف اعتراضات مردمی جلوگیری نماید.
بنابراین به واقع می توان گفت عواقب ننگین سناریوی «الماس فریب» بیش از هر کس و جریانی، متوجه طراحان آن و رژیم ددمنش و مکرباز ولایت فقیه خواهد شد.

الماس فریب و احزاب کرد!

در خاتمه نمی توانیم تاسف خود را از به «بازی گرفته شدن» ۲ جریان سیاسی کردستان، که دستکم یکی از آنها از سابقه مبارزاتی قابل توجهی برخودار است، در سناریوی ننگین «الماس فریب» ابراز نکنیم. از حزب دمکرات کردستان ایران (مصطفی هجری) و سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان (کومه له) – عبدالله مهتدی) انتظار میرود با جدیت تمام دلایل این «فریب خوردگی» را مورد کنکاش قرار داده و عوامل و زمینه های آن را در سیاست ها و برنامه های خود بررسی کنند تا در آینده از تکرار چنین به بازی گرفته شدن هایی جلوگیری شود.
بدون شک چنین ارزیابی و بررسی هایی در درجه نخست می تواند در خدمت حفظ سلامت و اعتبار مردمی آنها موثر واقع شود.
البته ما نمی خواهیم به این دوستان درس بدهیم، با این حال باید هوشیارتر از این باشند و بدانند که رژیم جنایت پیشه و خدعه پرداز حاکم بر کشورمان، همچنین کشورهای امپریالیستی و دولت های مرتجع منطقه، باز هم سناریوهای از نوع «الماس فریب» را طراحی و به اجرا خواهند گذاشت.
بنابراین لازم است هوشیار بود!

****

****

منصوره بهکیش را آزاد کنید!

حزب توده ایران بازداشت منصوره بهکیش و تشدید اعمال فشار بر مادران عزادار را محکوم کرده و خواستار آزادی فوری بدون قید و شرط او و دیگر زندانیان سیاسی کشور است. با بازداشت او نمی توان در عزم خانواده جان باختگان دهه شصت و همه حزب ها و نیروهای ترقی خواه میهن برای معرفی و مجازات عاملان و آمران فاجعه ملی خللی وارد آورد.

ماموران امنیتی رژیم ولایت فقیه منصوره بهکیش فعال شناخته شده خانواده زندانیان سیاسی و تشکل مادران عزادار (پارک لاله) را بازداشت و روانه زندان ساختند.
منصوره بهکیش که ۶ تن از اعضای خانواده او در دهه شصت توسط ارتجاع به شهادت رسیده اند از زمره فعال ترین و پر کارترین افراد در سالیان اخیر برای روشن شدن ابعاد جنایت فراموش نشدنی کشتار دسته جمعی زندانیان سیاسی-فاجعه ملی- در سال ۱۳۶۷ بوده است. خانواده هایی همچون بهکیش ومحمد زاده گازرگاه نمادهای حقانیت مبارزان راه آزادی و عدالت اجتماعی و جنبش چپ ایران به شمار می آیند و گواه روشن جنایت رژیم ولایت فقیه و کشتار شریف ترین فرزندان این مرز و بوم هستند. از این رو گزمگان جهل و تاریک اندیشی همواره کوشیده اند افراد و شخصیت های باقی مانده اینگونه خانواده ها را که با شجاعت به افشای جنایات مربوط به دهه شصت و فاجعه ملی سال ۱۳۶۷ می پردازند ازسر راه خود حذف نمایند.
دستگیری منصوره بهکیش در ساعت ۸ شب ۲۲ خرداد (دومین سالگرد کودتای انتخاباتی) با برنامه ریزی صورت گرفته است. کودتاچیان به این ترتیب در صدد ایجاد ارعاب و ترساندن مادران عزادار (پارک لاله)، خانواده ها و بستگان جان باختگان قهرمان فاجعه ملی و بطور کلی مرعوب ساختن دگراندیشان و کاستن از تاثیر فعالیت های افشاگرانه و روشنگرانه تشکل های مردمی و ترقی خواه کشور هستند.
بازداشت منصوره بهکیش موجب نگرانی از سرنوشت این فعال ثابت قدم و شجاع حقوق انسانی شده است. حزب توده ایران بازداشت منصوره بهکیش و تشدید اعمال فشار بر مادران عزادار را محکوم کرده و خواستار آزادی فوری بدون قید و شرط او و دیگر زندانیان سیاسی کشور است. با بازداشت او نمی توان در عزم خانواده جان باختگان دهه شصت و همه حزب ها و نیروهای ترقی خواه میهن برای معرفی و مجازات عاملان و آمران فاجعه ملی خللی وارد آورد.
منصوره بهکیش را آزاد کنید!

****

جنبش جامعه مدنی خشونت و تقدیس گران خشونت را پشت سر خواهند گذاشت

در شماره پیشین «کازیوه شماره ۸» مبادرت به درج مصاحبه آقای اجلال قوامی سخنگوی سازمان حقوق بشر کردستان با «روز» در باره تهدیدات حزب آزاد کردستان(پژاک) علیه ایشان و تعداد دیگری از شخصیت ها و فعالین مدنی کردستان نمودیم و به درستی به « اقدامات مشکوک وهمسویی آشکار برخی جهتگیری ها و فعالیت های» این حزب با دستگاههای امنیتی دولت احمدی نژاد اشاره کردیم .
در ادامه بخشی از مقاله ای را که اخیرا از طرف اجلال قوامی در همین زمینه نوشته و انتشار یافته است مشاهده میکنید که حاوی نکات بسیار مهم و درخور تاملی است.

....

انتشار ویژه نامه ایی با عنوان «جنگ ویژه »از سوی نشریه آلترنا ثیو ارگان مطبو عاتی پژاک

اجلال قوامی

انتشار ویژه نامه ایی با عنوان»جنگ ویژه» از سوی نشریه آلترناتیو ارگان مطبوعاتی پژاک در شماره ۹ خود سناریویی جدید است که باید ابعاد مختلف آن شکافته شود.آنان که طی سالیان اخیرهمنوا با جریانهای خشونت طلب داخلی بر طبل خشونت کوفته اند و از جنگ ،جاش ،باش و... سخن گفته اند به دنبال بهانه یی برای حذف مخالفان و منقدان خود برآمده اند.

فرزند خوانده های کیهان در این ویژه نامه که همراه با ادبیاتی سراسر هتاکانه ،بدور از اخلاق و به سبک بولتن نویسان دهه ۶۰و۷۰ شمسی در ایران است،برخی از نهاد ها و سازمانها ی سیاسی مدنی و حقوق بشری را با تیر غضب وکینه خود آماج تهمت وافترا قرار داده اند و جان و حرمت انسانها را بردن را یگانه و ظیفه انسانی،اخلاقی و یا به قول نیاکانشان انقلابی خود می دانند.

یاللعجب از این همه تشابه گویی پیوند ایدئو لوژیک پژاک با جریان خشونت طلب رویا نیست،بلکه واقعیت است هر چند در اشکالی مختلف اما با روحی مشترک.

چه سهل وآسان است با ریدن سیل تهمت و افترا ،هنر نزد پژاکیان است وبس در این هنر یگانه تهمت وافترا و بازی با آبروی افراد!تنها هنر یگانه ای است که دارند.

متوهمان هوازی قندیل نشینی که به بیماریهایی چون توهم توطئه و آلزایمر دچارند با تحریف و تناقضات آشکار و نهان در این بولتن خبری که به نشریه پیام توابین دهه۶۰ شباهت دارد همه را به جاش بودن ،منفعل و... آراسته اند و خود را ناجی ملت و یگانه منجی خلق می دانند. در این توهم اند که گویی با زدن یک پاسگاه و ریختن خون چند سرباز کرد چنان ضرب شستی زداه اند که ناتو از انجام ان ناتوان است.!!

اگر اتفاقاتی را که بولتن نویسان پژاک اقامه کرده انددرست باشد پس به ناچار باید گفت؛ مسایلی که در خصوص ماهیت و برخی روابط جریان نوظهور گفته شده؛صدق است و در آن شکی نیست که از ان جمله :تهیه لباس مورد نظر آنان از سوی یک نهاد نظامی در داخل ایران در اوایل تشکیل سفرهای متعدد برخی کادر های رده بالای این جریان به تهران و ارومیه برای معالجه سران آنها و...

از آن رو این گفته ها آمد که چون بازار تهمت و داغ و درفش داغ باشد،اولین قربانی خود شمایید،پس با طناب کیهانیان به چاه بی اخلاقی نیفتید.پارادایم خویش را مظهر حق و حقیقت ندانید،این کمدی فلاکت باری که راه انداخته ایددستاوردی جز خسران به دنبال ندارد.کردستان پارادایم خشونت را از هر ناحیه ای باشد نمی پذیرد ،چرا که اولاًفاقد توان تفسیر جهان است.ثانیاً:توصیه هایش به نا کجا آباد ختم می شود،ثالثاً:با روشهای خشونت آمیز آدمیان را به سوی ایدئو لوژی نا کجا آبادی رهبری می کند. این پارادایم (خشونت)به جهان قدیم وفا نمی کند اما به جهان جدید جفا می کند.جنبش جامعه مدنی خشونت و تقدیس گران خشونت را پشت سر خواهند گذاشت و همچنان به سوی آزادی و دموکراسی و حقوق بشر پیش خواهد رفت.

****

بیستمین سمینار بین المللی کمونیست:

تقویت حزب های کمونیستی در دوران ژرفش بحران نظام مند سرمایه داری

نماینده حزب توده ایران در سخنان خود در بحث در مورد تحولات ماه های اخیر کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا زیر عنوان ''خیزش توده ای برای دموکراسی ، صلح و پیشرفت در خاور میانه '' اظهار داشت: ''پیدایش جنبشس های توده ای در خاور میانه و شمال افریقا از نوامبر سال گذشته نشانه هشدار دهنده ایست برای تمام رژیم های مستبد و ضد خلقی

بیستمین سمینار بین المللی کمونیست، از ۲۳ تا ۲۵ اردیبهشت ماه (۱۳ تا ۱۵ ماه مه)، با شرکت پنجاه و دوحزب کمونیستی و کارگری، با میزبانی و سازما ن دهی حزب کارگران بلژیک، در بروکسل، پا یتخت بلژیک، برگزار شد . شانزده حزب براد ر که نتوانستند در آن حضور یا بند، به سمینار پیام فرستادند . نماینده کمیته مرکزی حزب توده ایران نیز در این سمینار شرکت داشت و نظریات حزب را در مورد موضوع مورد بحث درکنفرانس ارائه داد. جلسه افتتاحیه کنفرانس با سخنرانی رفیق '' بودوآن دکرز''، مسئول روابط بین المللی حزب میزبان، و خوش آمد گویی او به حزب های شرکت کننده آغاز گردید، و به دنبال آن، پیش نویس طرح عمومی درباره ''تقویت حزب های کمونیستی در دوران ژرفش بحران نظام مند سرمایه داری '' قرائت شد. این طرح در طول سه روز، با بحث و بررسی های همه جانبه از سوی نمایندگان حزب های شرکت کننده اصلاح و تکمیل شد، و در پایان کنفرانس باتفاق آرا تصویب گردید. بیان نامه نهائی قبل ازهر چیزتاکید می کند : '' امروز در سطح جهانی شرایط عینی برای حزب های کمونیست مساعد است. بحران فراگیر نظام سرمایه داری جهانی به وخامت می گراید و تنش ها حاد ترمی شوند . در بسیاری از کشورها توده های وسیع خلق برای نبرد با پیامد های خشم آور این بحران به جنبش در می آیند. درچنین زمینه یی حزب های کمونیست درهمه عرصه های ایدئولوژیک ، سیاسی و سازمان دهی، باید خود راتقویت کنند. زحمتکشان و خلق های جهان با بحران فراگیر سیستم سرمایه داری یی رو به رویند که پایه واساس آن ، تضاد میان سرمایه و کار است، و این تضاد ، با بحران کنونی تقویت شده است . زحمتکشان از افرایش بیکاری ،کاهش دستمزد ها ، تقلیل کمک های ا جتماعی ، پایمال شدن حقوق شان، افت قدرت خرید، و بالا رفتن میزان فقر به شدت در رنجند. در همان حال، با حمایت عظیم دولت ها ، سرمایه های بزرگ، حجیم تر شدن سود ها ی خود را شاهدند. تمرکز، به ا نحصارها و موسسه های بزرگ مالی قدرتمندی بازهم بیشتری داده است . در برابر قطب بند ی های انحصارها از سوئی و بینوائی های رو به افزایش توده ها از سوئی دیگر، بسیج زحمتکشان و خلق ها در حکم نتیجه آن، جهش امید بخش و نوئی را به همراه داشت . در بسیاری از کشورهای خاور میانه و شمال افریقا موجی از خیزش توده به راه افتاد. خلق های تونس و مصر موفق شدند که حکومت های مستبد و فاسد را سرنگون کنند و زمامداران حکومت های ابد مدت و حلقه به گوش امپریالیسم را از اریکه قدرت به زیر کشند . مداخله نظامی کشور های ناتودر لیبی، و عربستان سعودی در بحرین، و مداخله و خرابکاری در سوریه، نشان می دهد که در پی بحران، رقابت بین قدرت های امپریالیستی تشدید می شود، ونیز نزاع برسر در اختیار گرفتن منابع طبیعی و راه ها ی انتقال انرژی شدت می یابد. برنامه



های محدود کردن حقوق اجتماعی درکشورهای اروپائی خشم ومقاومت قشرهای زحمتکشان را بر انگیخت. نبرد های شدید و پر معنا در یونان ، در پرتقال ، در فرانسه و دیگر کشورها در جریان است. پدیده به ویژه تشویق کننده، شرکت انبوه جوانان در این جنبش هاست . به طور کلی، تضاد بین امپریالیسم و جنبش های رهائی ملی شد ت می یابد، همان گونه که علاوه بر خاور میانه، ما جنبش های توده ای را در آمریکای لاتین نیز شاهدیم .خلق های کشورهای د ر حال رشد اشکال مختلفی ارمقاومت دربرابرقدرت های امپریا لیستی و نیروهای ارتجاعی محلی را به پیش می برند. سمینارعلاوه بر مسائل اقتصادی،سیاسی و اجتماعی، به مسائل ایدئولوژیک نیز توجه کافی مبذول داشت. مثلاً طرح عمومی مورد اشاره در بالا، بر این نکته تأکید می کند: ''اپورتونیست ها که در صدد طلب آمرزش برای سیستم سرمایه داری اند، مبارزه طبقاتی راترک می کنند وتماماً مجذوب مبارزات پار لمانی برای اداره سیستم(سرمایه داری) می شوند .''بیستمین سمینار، نظر به اهمیت حوادث اخیر در خاور میانه و شمال آفریقا، توجه ویژه ای به آن مبذول داشت و بخشی از وقت خود را به تجزیه و تحلیل جوانب مختلف آن اختصاص داد و پس از بحث وبررسی، قعطنامه یی را در این باره تصویب کرد که به پاره ای ازنکات آن اشاره می شود:

بحران سیستماتیک سرمایه داری تمام تضاد هاراتشدید کرده است. حوادث اخیردر خاورمیانه و شمال آفریقا که کشور های پرشماری را به لرزه در آورد ومداخله خارجی را به همراه داشت، دراین چهار چوب قرا ردارند . قعطنامه توقف عاجل تمام مداخله های مستقیم و یا غیر مستقیم قدرت های امپریالیستی و نیرو های متحد شان را طلب می کند؛ قطعنامه به صراحت اعلام می دارد که تصمیم گیری در باره سیستم حکومتی و انتخاب رهبران شان فقط حق بلا واسطه مردم بدون هر گونه مداخله خارجی ا ست. مداخله امپریالیست ها

نه صلح به همراه دارد ونه دموکراسی. سمینار همچنین قطعنامه های دیگری را به تصویب رساند. از جمله در باره وضع متشنج شبه حزیره کره ،همبستگی با خلق کوبا ،در باره ا قدامات ضد کمونیستی مقامات روسیه.

نماینده حزب توده ایران در سخنان خود در بحث در مورد تحولات ماه های اخیر کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا زیر عنوان ''خیزش توده ای برای دموکراسی ، صلح و پیشرفت در خاور میانه '' اظهار داشت: ''پیدایش جنبشس های توده ای در خاور میانه و شمال افریقا از نوامبر سال گذشته نشانه هشدار دهنده ایست برای تمام رژیم های مستبد و ضد خلقی وپیامی است از توانمندی عمل متحد خلق در مبارزه شان بر ضد دیکتاتورها . پس از سقوط رژیم های دیکتاتوری و فاسد بن علی در تو نس ومبارک در مصر، موج پر قدرت جنبش های خلقی تمام رژیم های مستبد منطقه را به لرزه در آورد . فرار حسنی مبارک و بن علی به همان شیوه فرار شاه ایران در سال ۱۹۷۹ ، این حقیقت مسلم و اجتناب نا پذیرتاریخی را به اثبات می رساند که سرنوشت تمام رژیم های دیکتاتوری همان بوده و همین خواهد بود. سرنگونی رژیم مبارک مصادف بود با روزی که هزاران زن و مرد برای همبستگی با خلق های به پا خاسته و نیزبزرگ داشت سی و دومین سالگرد انقلاب ایران، و با شعار ''مبارک ، بن علی ، نوبت سید علی'' در کوچه خیابان های شهر های ایران به تظاهرات پرداختند، که با حمله وحشیانه اوباش شخصی پوش مسلح و نیرو های شبه نظامی بسیجی روبه رو شدند. انقلاب مردم ایران در سال ۱۹۷۹ آثار قابل توجهی در منطقه داشت و به طور جدی منافع ارتجاع منطقه و امپریالیسم را به مخاطره انداخت . با این همه، سی و دو سال پس از پیروزی یکی ازبزرگ ترین جنبش های توده ای برای دموکراسی ، عدالت اجتماعی و آزادی در منطقه ،ایران کشوری است که در آن مردم هنوزهم در چنگال رژیمی مستبد وعمیقاً ضد خلقی گرفتار اند و به جای بهره مند شدن از عدالت اجتماعی ، از شکاف عمیق بین ثروتمندان و تهیدستان، از خصوصی سازی ها و میلیون ها بیکار رنج می برند. این ها علت ها و عامل هایی اند که کشور را در سال ۲۰۰۹ ، پس از انتخابات تقلب آمیز ریاست جمهوری، به خیزشی توده ای کشاند. نمونه ایران ثابت می کند که در مسیر مبارزه برای دموکراسی وعدالت اجتماعی ازموانع فراوانی باید گذشت. تجزیه و تحلیل ما از تحولات اخیر در شمال آفریقا و خاور میانه نشان می دهد که ریشه وسبب های تمام خیزش های خلقی در منطقه مشابه اند. واین حقیقت شناخته شده یی است که مدت ها ی مدید، برای قدرت های امپریالیستی ثبات و امنیت متحدان دیکتاتورشان از پیگیری ورعایت موازین دموکراتیک مهم تر بوده است. امروزجنبش توده ای در عین حال برای تعیین سرنوشت خویش ، توسعه و به کار گیری منابع خود خواهان آزادی است . اما در باره انقلاب ایران سئوال اساسی این است :چراپس از سقوط شاه، انقلاب بهمن ماه ۱۳۵۷ نتوانست از مرحله نخست جلو تر برود ؟ چرا نتوانست در رسیدن به آماج اجتماعی خود موفق شود ؟ در سال ۱۹۵۳ دولت مترقی و دموکراتیک دکتر مصدق با یک کودتای سازمان دهی شده و به اجرا در آمده از سوی ''سیا'' سرنگون شد. رژیم کودتا شروع به توقیف و شکنجه اعضای حزب توده ایران کرد. در ۱۶ آذرماه، روز ورود نیکسون به ایران، نیروهای ارتش تظاهرات اعتراضی مردم بر ضد رژیم کودتا را مورد تهاجم قرار داد و در دانشگاه تهران سه دانشجو را به ضرب گلو له کشت. در همان حال که مبارزه با رژیم کودتا قطع نمی شد ، شاه و سازمان امنیت آن به دستور و فرمان آمریکا، نابودی حزب توده ایران، حزبی توانمند اما ''غیر قانونی '' وزیر زمینی، را در دستور کار خود قرار داد، و در محیطی آکنده از هراس و ترور، ده ها نفر از افسران عضو حزب توده ایران را اعدام کرد. وضعیت برای خلق و به ویژه برای حزب ما دهشتناک شد. باید افزود که چنین وضعی بر موجودیت دیگرنیروهای سیاسی آن دوره حاکم نبود. سیاهچال های رژیم از رفقای ما انباشته شده بودند. جو سرکوب طبیعتاً برای فعالیت های حزب مشکل آفرین بود. اما با وجود همه این دشواری ها، حزب توانست بر مشکلات و موانع چیره شود. حتی توانست روزنامه یی مخفی در ایران منتشر کند. تیراژ این روزنامه در زمان انقلاب به دویست و چهل هزار نسخه رسید. رژیم دیکتاتوری شاه به بهانه مبارزه با کمونیسم، در صدد برآمد از مذهب به عنوان وسیله یی موثر استفاده کند. برغم برخی عدم توافق ها بین پاره ای از رهبران مذهبی و شاه، او امتیازات فراوانی به مذهب ورهبران مذهبی داد که در نتیجه، به نیروهای اسلامی برای تبلیغ و سازمان دهی شان کمک کرد. مختصر اینکه، در آستانه انقلاب وضعیت در ایران بدین گونه بود: با حضور چهل هزار مستشار نظامی آمریکا در ارتش ایران و همین تعداد در دیگر عرصه ها، در واقع ایران دیگر یک کشور مستقل نبود. بجز نیرو های مذهبی به خوبی سازمان دهی شده که از طریق مساجد و نهاد های مذهبی دارای امکانات فراوان تبلیغی بودند، تمام نیروٍ های مترقی، نه فقط فاقد کم ترین امکان فعالیت بودند، بلکه شدیداً مورد سرکوب پلیسی و زیر فشارهای تبلیغاتی همه جانبه قرار داشتند. در روز های نخست انقلاب، شعار توده ها عبارت بود از: ''آزادی، استقلال، عدالت اجتماعی''. ولی هواداران خمینی خیلی زود و به زور یک رژیم سرکوبگر، ارتجاعی، و در خدمت سرمایه داری، به جای ''عدالت اجتماعی''، ''جمهوری اسلامی'' را تحمیل کردند. در دو سال نخست پس از انقلاب ودر جریان یک نبرد بی رحمانه، قدرت حکومتی کاملاً به دست بورژوازی ارتجاعی بازار، قشرهای عقب مانده خرده بورژوازی، و حلقه پرشمار و توانمند شیعه و نظامیان ''موازی'' با ارتش یعنی '' پاسداران'' به مثابه قشرهای جدید ''بورژوازی بوروکراتیک'' افتاد. بنا براین انقلاب غرقه در اشک و خون ناتمام ماند و به شکست انجامید.

جنبش اعتراضی مردم ایران در دو سال اخیر، که به نام ''جنبش سبز'' شهرت یافته است، در واقع کوششی با شکوه از سوی مردم ایران برای جامه عمل پوشاندن به برخی از کلیدی ترین شعارهای انقلاب دزدیده شده است.

در پایان، نماینده حزب توده ایران همبستگی عمیق خود را با مبارزات مشروع و قانونی خلق های منطقه ابراز داشت، و از حزب برادر ''کارگران بلژیک'' برای سازمان دهی کنفرانس و ایجاد تسهیلات لازم در رابطه با برگزاری آن تشکر کرد.

****

ششمین کنگره حزب کمونیست کوبا: در خدمت به ساختمان سوسیالیسم در کوبا

فیدل کاسترو: آنچه را که به تغییر نیاز دارد ، تغییر دهید

ششمین کنگره حزب کمونیست کوبا، از ۲۷ تا ۳۰ فروردین ماه، در هاوانا، پایتخت کوبا ، و با حضور بیش از ۱۰۰۰ شرکت کننده، برگزار شد . این کنگره با تاثیر گرفتن از شعار مطرح شده از سوی رفیق فیدل کاسترو: " آنچه را که به تغییر نیاز دارد ، تغییر دهید" ، کار خود را آغاز کرد و بیشترین بحث ها و تحلیل ها پیرامون محور تغییرهای ضروری در سیاست های اقتصادی و اجتماعی صورت گرفتند.

کنگره ششم حزب کمونیست کوبا با آگاهی کامل از اهمیت قاطع رهنمودهای سیاست اقتصادی و اجتماعی برای آینده کوبای سوسیالیستی، تلاش های خود را بر تجزیه و تحلیل پیش نویس این رهنمودها برای حزب و انقلاب متمرکز کرد. کنگره ششم نقش یگانه حزب در اجرای قطعنامه های کنگره در رابطه با رهنمودها را مورد تاکید قرار داد و متذکر شد که این امر به تلاش در جهت کاری عظیم، ابتکارهای تشکیلاتی، و کار ایدئولوژیک مداوم، موثر در تماس مستمر با مردم و بدور از عملکرد های تشریفاتی نیاز دارد. با توجه به این هدف، کنگره ششم فراخوان برای همایش ملی حزب در ۲۲ دی ماه سال جاری(۲۸ ژانویه ۲۰۱۲)، به منظور ارزیابی عینی عملکرد حزب در این رابطه، و تصمیم گیری در مورد تغییر های ضرور برای مقابله با چالش ها در شرایط کنونی را اعلام کرد.

کنگره با در نظر گرفتن روند تحولات مهم سیاسی و اقتصادی دو دهه اخیر در جهان، به کار گیری سیاست های نوین را در جهت ارتقاءِ سطح اقتصادی و اجتماعیِ مردم را ضروریِ دانست، و در راستای دست یابی به این هدف ها ، از سوی "رائول کاسترو" ، رهبر کوبای سوسیالیستی، راه کارهای مشخصی به کنگره پیشنهاد شد.

برخی از پیشنهاد ها، که در اولویت قرار داشتند و مهم ارزیابی شدند، به قرار زیرند:

– اصلاح روش ها و سبک کار فعالیت های حزبی در راستای تعریف و تثبیت حزب به عنوان پیشتاز سازمان یافته در دفاع از انقلاب کوبا و پیشبرد تغییرات اقتصادی و اجتماعی در کشور؛

– تقویت کادرهای حزبی با تاکید بر ارتقاءِ حضور زنان، سیاه پوستان، جوانان و دو رگه ها در پست های رهبری سیاسی و سایر سازمان ها و موسسه ها بر اساس قابلیت های فردی، و ایجاد محدودیت زمانی برای تصدی مقام های رهبری در حزب؛

– تقویت دمکراسی درون حزبی و پویایی بیشتر در فعالیت های حزبی. ترویج مبارزه با نگرش بوروکراتیک (اداری) و ازبین بردن عادت های بد مانند فرصت طلبی و کاغذ بازی؛

– برنامه ریزی برای کارهای حزبی و پشت سر گذاشتن تعصب ها نسبت به بخش غیر دولتیِ اقتصاد.

"رائول کاسترو" ، دبیر اول حزب کمونیست کوبا، در سخنرانی یی که در آستانه برگزاری کنگره ششم در مراسم پنجاهمین سالگرد پیروزیِ بر امپریالیسم یانکی در جریان تجاوز نظامی به کوبا در "خلیج خوک ها" ایراد کرد، به طور عمده به مسایل کنگره و تغییراتی که برای رشد اقتصادی و سیاسی کشور ضروری اند، پرداخت. او از جمله گفت: "ما قبلا در گزارش مرکزی با بیان اینکه نسبت به رهنمودها و اقدام های مرتبط با آن ها، که به خودی خود راه حل برای مشکل های فعلی ما ارائه خواهند داد، هیچ توهمی نداریم. برای موفقیت در این تلاش راهبردی(استراتژیک)، لازم است که بلافاصله با نظم، انضباط، و کاملاً مصمم تمامی تلاش های مان را بر اجرای



موافقت نامه های حاصل شده در جریان این کنگره متمرکز کنیم." او در ادامه گفت: "به روز کردن مدل اقتصادی، آن طور که برخی ها فکر می کنند، معجزه یی نیست که یک روزه عملی شود، بلکه امری است که به تدریج و در روند زمانی پنج سال آینده توسعه پیدا خواهد کرد، چرا که باید در رابطه با بسیاری از اقدام های حساب شده، برنامه ریزی و هماهنگی، و برای تدوین قوانین و مقررات مناسب و همچنین آموزش کادرهائی که در عملی کردن آن ها نقش خواهند داشت، کار بشود." او اظهار داشت: "برای موفقیت، اولین چیزی که مجبور به تغییر آن در حیات حزب هستیم، ذهنیت ما است، که به نظر من، به عنوان یک مانع روانی، به بیشترین تلاش نیازمند است، چرا که برای سال های متمادی با باورهای یکسان و غیر منعطف و نقطه نظرهای منسوخ سر و کار داشته ایم. همچنین ضروری است که اشتباه ها را تصحیح کنیم، و بر پایه منطق و همچنین پایبندی به اصول مان، دید و دورنمایی همه جانبه در رابطه با آینده ایجاد کنیم، که حفظ و توسعه سوسیالیسم در شرایط کنونی را ممکن کند."

پیش از کنگره، رفیق "فیدل کاسترو" با اعلام استعفای خود از رهبری حزب، هیچ مسئولیتی را در رهبری حزب نپذیرفت. این امر از ماه ها قبل از تشکیل کنگره، هم به دلیل سن بالای رفیق کاسترو، و هم به دلیل بیماری سال های اخیر او، و نیز بر پایه اقدام راهبردی (استراتژیک) حزب به انتقال برنامه ریزی شده رهبری و جوان گرائی آن، قابل پیش بینی بود. رفیق "رائول کاسترو" در همین رابطه، در جریان سخنرانی خود ، گفت: "فیدل، فیدل است و نیازمند داشتن هیچ گونه پست و مقام رسمی یی نیست. او برای همیشه بالاترین جا را در گذشته، حال و آینده تاریخ کوبا خواهد داشت و تا زمانی که قدرت داشته باشد، با توان فکری و ایده های سیاسی خود به مبارزه انقلابی یاری خواهد رساند." کنگره پس از پشتیبانی قاطع از روند تغییرات، و به تصویب رساندن پیشنهاد های ارایه شده، با انتخاب کمیته مرکزی جدید به کار خود پایان داد.

کنگره ششم حزب کمونیست کوبا، و تصمیم های اتخاذ شده در آن، گامی مثبت برای کوبای انقلابی است تا بتواند پایه های جامعه سوسیالیستی خود را با ارتقاءِ هرچه بیشتر سطح زندگی سیاسی و اقتصادی مردم، مستحکم تر کند.

از سوی کمیته مرکزی حزب توده ایران پیام تبریکی به مناسبت برگزاری موفقیت آمیر کنگره ششم حزب کمونیست کوبا به رفیق رائول کاسترو، دبیر اول حزب برادر، ارسال گردید.

****

افزایش تعداد نمایندگان کرد در پارلمان ترکیه

تجربه ی موفق تشکیل جبهه مشترک با دیگران !

ائتلاف احزاب کرد با تعدادی از جریانات و سازمانهای سیاسی غیر کرد در « جبهه کار، دموکراسی وآزادی» در انتخابات پارلمانی ترکیه موفق به کسب حدود ۷ درصد از آرا گردید و ۳۶ نماینده را روانه پارلمان این کشور نمود.

مهمترین احزاب تشکیل دهنده»جبهه کار،دمکراسی و آزادی « را میتوان حزب (ب د پ) حزب سیاسی کردها و حزب چپگرای سراسری ترکیه موسوم به «حزب کارگران ترکیه» به شمار آورد .

پارلمان ترکیه متشکل از ۵۵۰ نماینده است و هر حزبی موفق به کسب اکثریت کرسی های آن شود این حق را خواهد داشت که دولت آینده ترکیه را تشکیل دهد و به مدت چهار سال سکان قوه مجریه ترکیه را در دست گیرد.

درانتخابات اخیر حزب عدالت و توسعه (اردوغان) برای دومین بار پیاپی اکثریت کرسی های پارلمان را از آن خود نمود، بنابراین این حزب همچنان قوه مجریه ترکیه را در دست خواهد داشت.

گرچه حزب عدالت و توسعه با وعده های انتخاباتی عمدتاً «سیاسی»ای از جمله تغییر اصولی ازقانون اساسی ترکیه که دردوران سیاه سلطه ی ژنرالهای کودتاچی بر این کشور (دهه هشتاد میلادی) تصویب گردیده و همچنین برداشتن گامهای عملی در جهت بهبود موقعیت کردها و کاهش نقش ارتش در عرصه سیاسی ترکیه، موفق به کسب کمی بیش از ۵۰ درصد آراء شد، اما به دلیل مشکلات اقتصادی، بیکاری گسترده و افزایش روزافزون فقر و فلاکت عمومی، که دستکم بخشی از آن را می توان نتیجه سیاست های اقتصادی – اجتماعی دولت اردوغان در چهار سال گذشته دانست، این حزب به موفقیت مورد انتظارش دست نیافت و علیرغم افزایش نسبی آراء و تعداد نمایندگان آن در پارلمان، نتوانست به دو سوم کرسی های پارلمان که بنابر قوانین آن کشور، برای تغییر قانون اساسی لازم است، دست یابد.

این در حالی بود که بنابر اطلاعیه حزب کمونیست ترکیه، حزب عدالت و توسعه با سوءاستفاده از قدرت، مرتکب برخی تخلفات انتخاباتی شد است.

با این وصف حزب عدالت و توسعه با کسب همین مقدار از آراء توانست بر رقبای اصلی خود، حزب جمهوریخواه خلق و حزب ملی گرا، پیروز شود و همچنان حق تشکیل دولت را برای خود حفظ نماید.

جبهه جبهه کار،دمکراسی و آزادی

هر چند میتوان مناطق کردنشین ترکیه را از هر لحاظ جزء واپسمانده ترین مناطق ترکیه به شمار آورد. که این امر عمدتا دلایل سیاسی داشته و عدم توسعه یافتگی این مناطق را نمی توان بدون در نظر گرفتن سیاست های تبعیض آمیز دولت های پان ترکیست این کشور طی هشتاد سال اخیر نسبت به کردها (و بقیه ملتهای غیر ترکها) مورد مطالعه قرار داد.

شدت تبعیض ملی – قومی در ترکیه تا همین یک دهه پیش تا حدی



بود که کردهای آن کشور را حتی در رسانه های عمومی و اسناد کشوری «ترک کوهی» قلمداد می کردند و دولت های گوناگون حاکم بر ترکیه طی این مدت طولانی همه ی توان خود را برای زدودن «هویت ملی» کردها بکار برده اند که ویران کردن عمدی بیش از هزار روستای کردنشین و آواره نمودن و تبعید ساکنین این روستاها به شهرهای عمدتاً ترک نشین و همچنین ممنوعیت به کار بردن زبان کردی در رسانه های عمومی و اختصاص کمترین میزان بودجه کشور به عمران و آبادانی مناطق کردنشین را می توان تنها بخش عیان سیاست های تبعیض آمیز دولت های پان ترکیست این کشور به شمار آورد.

طبیعی است که در چنین شرایطی «واکنش» ساکنان این مناطق در مقابله با سیاست های تبعیض آمیز تحمیل شده بر آنها هرگز نمی توانسته سیمای مدرن و دمکراتیکی داشته باشد، بنابراین بر چنین بستری تنها گروه های افراطی مانند حزب کارگران ترکیه (پ کا کا) امکان ظهور و بروز یافته اند که خود آنان نیز به مرور به یکی از عوامل اشاعه خشونت و ناامنی تبدیل شده و به جز کمک

به میلیتاریزه کردن هرچه بیشتر منطقه و موجه کردن سرکوبهای خشن حکومتی، کار دیگری از پیش نبرده اند.
با این وصف با گسترش پدیده شهرنشینی و افزایش شمار تحصیل کردگان کرد و همچنین رشد اقشار اجتماعی با منشاء غیر روستایی- غیر عشایری، طی ده سال اخیر زمینه ی تشکیل احزاب مدرن و غیر خشونت طلبی از نوع «حزب صلح و آزادی» (ب د پ) در کردستان فراهم شده و اینک این حزب و چند حزب و جریان سیاسی دیگر، عملاً نبض سیاسی جامعه ی کرد ترکیه را در دست گرفته و با پیشبرد یک مبارزه مدنی توده یی درسدد احقاق حقوق ملی کردها و رفع ستم مضاعف بر مناطق کردنشین ترکیه برآمده اند و در این راه موفقیت های قابل توجهی کسب کرده اند.
در انتخابات پارلمانی اخیر نیز ائتلاف احزاب و جریانات کرد با تعدادی از جریانات سیاسی ترک و سریانی در « جبهه کار، دمکراسی و آزادی» ، با طرح شعارهای منطقی و دست یافتنی، توانستند حدود ۷ درصد آرا را کسب نموده و ۳٦ نماینده ی مدافع حقوق ملی کردها را روانه پارلمان ترکیه کنند که بدون تردید، حضور این نمایندگان در پارلمان نمی تواند در بهبود شرایط زندگی کردهای آن کشور بی تاثیر باشد.
همچنین این را نیز نباید از نظر دور داشت که حزب عدالت و توسعه «اردوغان» نیز نسبت به بقیه ی احزاب در قدرت قرار گرفته ترکیه، به میزان کمتری به پان ترکیسم اهمیت داده و به دلایل گوناگون در جهت کاهش قدرت و اعتبار ارتش در معادلات سیاسی این کشور تلاش می کند که این مسئله نیز در نهایت به نفع کردهای این کشور تمام خواهد شد.

****

حقایقی در باره بحران سوریه

هیچ فرد عدالتخواه و منصفی که کمترین شناختی از اوضاع سیاسی، اقتصادی و اجتماعی سوریه داشته باشد حاضر نیست از ادامه حکومت حزب حاکم آن کشور (حزب بعث) به رهبری «بشار اسد» حمایت کند و خواهان حفظ وضع موجود گردد.
زیرا دفاع از وضع موجود، در آن کشور به معنی چشم بستن بر فقر و فلاکت عمومی مردم سوریه و بیکاری گسترده و گرانی سرسام آور و رشد سرطانی طیفی از دلالان و « رانت خواران»نوکیسه یی است که طی دو دهه اخیر، به یمن اشغال پستهای مهم حکومتی و اجرای سیاستهای « نئولیبرالیستی» دیکته شده از طرف بانک جهانی و صندوق بین المللی پول ، روزبه روز بر فقر و فلاکت عمومی مردم ، بخصوص کارگران و زحمتکشان مزدبگیر افزوده و خود به سروت و سامان فراوان دست یافته اند
همچنین ، دفاع از وضع موجود در آن کشور به معنی چشم بستن بر تبعیض و نابرابری کم مانند اعمال شده بر کردهای آن کشور است.
بدون تردید هیچ انسان شرافتمندی نمی تواند از محروم کردن بیش از دویست هزار نفر از اتباع کرد سوری، از دریافت شناسنامه و تابعیت کشوری که ده ها و صدها سال است در آن زندگی می کنند دفاع نماید.
دولت سوریه چنین ستم غیر قابل توجیهی بر این تعداد از اتباع کرد آن کشور تحمیل کرده و به این وسیله این جمعیت قابل توجه از اهالی سوریه را از ابتدایی ترین حقوق انسانی و ملی اشان محروم کرده است.
این کردها به واسطه نداشتن حق تابعیت کشور خویش، عملاً از همه ی حقوق ملی و شهروندی خود از جمله حق مالکیت، حتی مالکیت خانه ای که در آن زندگی می کنند یا زمینی که صدها سال است بر آن می کارند و میدورند. حق تحصیل و برخوردار شدن از آموزش های عمومی و سوادآموزی. حق استخدام در ادارات و کارگاه ها و کارخانجات بخش های دولتی و خصوصی و حق ازدواج قانونی و حق دریافت پاسپورت سوری برای فرار از جهنمی که در آن گرفتار شده اند. محروم هستند!
بر اینها فقر و فلاکت عمومی مردم از کرد و عرب و بیکاری و گرانی و استبداد سیاسی را نیز بیفزاید تا اندکی با اوضاع واقعی سوریه از درون آشنا شوید و ریشه ها و دلایل اعتراضات گسترده مردم سوریه علیه دولت آن کشور را بدانید.
اعتراضاتی که حکومت آن کشور تا این لحظه با بیرحمی تمام به سرکوب خشتن آن پرداخته و همچنان به آن ادامه میدهد.



با این وصف باید توجه کرد که اوضاع داخلی سوریه، در همه ی عرصه هایی که اشاره کردیم، (غیر از مسئله کردها) از هیچکدام از کشورهای منطقه ی خاورمیانه و شمال آفریقا بدتر نیست و چه بسا از بسیاری از این کشورها از جمله عربستان و اردون و عراق حتی ترکیه بهتر و در برخی از عرصه ها توسعه یافته تر است.
این کشور در عین حال (هنوز هم) یکی از کشورهای «خط مقدم» جبهه مهار کردن مطامع سیاسی و نظامی دولت فاشیستی اسرائیل و مانع اصلی گسترش تجاوزات نظامی این دولت و یکی از مدافعین جدی جنبش فلسطین و جنبش مقاومت لبنان است. کشوری که البته طی پنجاه سال اخیر، همواره خود یکی از قربانیان تجاوزات نظامی اسرائیل بوده است (بگونه ای که تا این لحظه نیز بخش هایی از خاک این کشور در آشغال ارتش اسرائیل می باشد.)
با این حال نمی توان و نباید به دلیل نقش قابل توجه دولت سوریه در مهار دولت بغایت فاشیست اسرائیل بر فجایع داخلی این کشور چشم فروبست و خواهان ادامه سلطه حزب بعث (بشار اسد) گردید و اعتراضات و خواسته هایی بحق مردم این کشور در راه دستیابی به حقوق انسانی اشان را مردود یا نادیده گرفت.
در واقع بدون هیچ اما و اگری می توان گفت قیام مردم سوریه علیه حکومت نالایق این کشور حلقه ی دیگری از سلسله قیام ها و اعتراضات مردمی در چند ماه اخیر در منطقه شمال آفریقا و خاورمیانه است که ریشه های واقعی آن را در درجه نخست باید در اوضاع تاسف بار اقتصادی، اجتماعی، سیاسی این کشور ها و سیاست های ضد مردمی و غیر عادلانه ی حکومت های این منطقه جستجو کرد.
با این وصف نمی توان و نباید چشم بر سؤاستفاده های کشورهای

امپریالیستی از این اعتراضات و سعی در هدایت آنها در جهت حفظ منافع غرب بست.
در این خصوص به ویژه برخورد «ناتو» با جنبش اعتراضی مردم و دولت های کشورهای لیبی و سوریه قابل توجه است.
در واقع ناتو به عنوان چماق غرب، در حالی با زیر پا گذاشتن همه ی معیارهای شناخته شده ی بین المللی به بمباران وسیع و بیرحمانه ی لیبی می پردازد که دولت «قذافی» به هیچ عنوان از دولت های «حسنی مبارک» و «بن علی» و «علی عبدالله صالح» و «شیخ بحرین» و سعودی ها و امثال آنان مستبدتر نبوده و برخلاف تبلیغات دروغین رسانه های گوش بفرمان ناتو، هرگز قصاوت دولت لیبی در سرکوب معترضین، از بقیه ی همتایانش «بیشتر» نبوده تا ناتو ناچار از دفاع از مردم لیبی شود!
(از این بگذریم که در تمامی طول حیات ناتو، هرگز مقوله ای باعنوان «دفاع از مردم معترض یک کشور» مطرح نبوده و چنین ماموریتی برای آن تعریف نشده است). همچنین در هیچکدام از معاهدات بین المللی چنین حقی به هیچ ارتشی داده نشده و در هیچکدام از نشست های عمومی سازمان ملل هیچ «پیمان نظامی ی» به عنوان ژاندارم جهان انتخاب نگردیده است.
با این حال ناتو ماه هاست که به بهانه دفاع از مردم معترض «بنغازی» همه ی مردم لیبی را بمباران هوایی می کند و خانه و کاشانه اشان را بر سرشان ویران می کند و تاکنون موجب قتل صدها نفر از مردم بی دفاع لیبی گردیده و در حال نابود کردن همه ی زیرساخت های اقتصادی آن کشور است!
اکنون تردیدی نمانده است که هدف ناتو از ادامه این بمباران ها و ارسال کمک های تسلیحاتی و مالی سخاوتمندانه برای «مزدوران مسلح – عمدتاً اسلامگرای تندرویی» که «بنغازی» را به اشغال خود درآورده اند، اشغال تمام عیار لیبی است.
اکنون ، با توجه به اوجگیری تبلیغات رسانه های غرب و اسرائیل و حتی کشورهای ارتجاعی منطقه، از جمله عربستان و ترکیه و دولت دست نشانده عراق، علیه دولت سوریه به ویژه طی دو ماه اخیر، و فجایعی که عمدتاً با تحریک و دخالت سازمان امنیت ترکیه «میت» در شهرک مرزی «جصر الشغور» (شهرک سوری واقع در ۴۰ کیلومیتری ترکیه) به وقوع پیویست که طی آن ده ها سرباز سوری توسط «افراد مسلح ناشناس!» قطعه قطعه گردیدند و همه ی ساختمانهای دولتی ویران گردید، همچنین گشایش سریع مرزهای ترکیه بر روی آوارگان سوری و پناه دادن آنها در اردوگاههای ازپیش برپا شده، به ویژه با توجه به اینکه ترکیه یکی از اعضای مهم «ناتو» است، بنظر می رسد که ناتو و کشورهای امپریالیستی اهدافی را که در عراق و افغانستان به اجرا گذاشتند و در لیبی در پی آنند، برای سوریه نیز تدارک می بینند.
بنابراین لازم است اهداف مترقی و مردمی معترضین سوری را از انگیزه ها و اهداف غیرانسانی و ارتجاعی ناتو جدا کرد.
در واقع «ناتو» تنها و تنها در سدد سوءاستفاده از اعتراضات مردمی و اوضاع داخلی سوریه برای اشغال آن کشور و یا دستکم اعمال فشار بر آن کشور، برای به رسمیت شناختن دولت اشغالگر اسرائیل، صرفه نظر کردن از مالکیت بر بخش هایی از خاک خود که سالهاست در اشغال اسرائیل قرار دارد (بلند های جولان) و قطع کمک به جبشهای مقاومت لبنان و فلسطین است .
ما اطمینان داریم که بهترین و کم هزینه ترین راه برای خنثی کردن توطئه های امپریالیسم علیه آن کشور، آن است که دولت سوریه ، با جدیت و سرعت به وعدهای بشار اسد مبنی بر اجرای اصلاحات همه جانبه در کشور و اعطای حقوق ملی پایمال شده ی کردهای سوریه عمل کند . در غیر این صورت بدون شک سیر رویدادها به سمتی خواهد بود که زیانهای آن در درجه نخست متوجه مردم آن کشور خواهد گردید .
در خاتمه جا دارد یادآوری کنیم که علیرغم تظاهرات اعتراضی مداوم کردهای این کشور، تاکنون حتی یکبار هم» شعار سرنگونی رژیم» در شهرهای کرد نشین سر داده نشده و شعارها و مطالبات مردم این مناطق عمدتا « اصلاح طلبانه» بوده است .
همچنین بنابر دستور صریح بشار اسد، دولت این کشور به سرعت و در مدت اندکی مشکل تابعیت کردهای این کشور را حل نمود و اکنون ، پس از حدود نیم قرن همه ی آنها دارای شناسنامه سوری شده اند.
بدونه شک حل این مشکل در رویکرد آتی کردها نسبت به رژیم اسد موثر خواهد بود.

****

گسترش پیمان ناتو در حوزه خلیج فارس، خطری جدی برای صلح جهانی

درگرماگرم تجاوز نظامی ناتو به لیبی و درگیری های خونین در شمال آفریقا، خبرگزاری های بین المللی گزارش هایی را از اقدام های شیخ نشین امارات متحده عربی برای همکاری های تنگاتنگ نظامی- امنیتی و ایجاد یک نمایندگی دایمی از سوی این شیخ نشین در پیمان ناتو منتشر ساختند. در این خصوص رسانه های همگانی منطقه و کشور ما نیز با درج مطالب و گزارش هایی صحت این اقدام و تلاش امارات متحده عربی برای همکاری همه جانبه با ناتو را تایید کرده اند.

خبرگزاری ایلنا، ۳۱ اردیبهشت ماه، گزارش داد: "خبرگزاری ریانووستی و روزنامه عربی "خلیج تایمز" نوشت، توافق های لازم برای نمایندگی امارات در ناتو طی دیدار اخیر شیخ عبدالله بن زاید آل نهیان از اروپا انجام گرفته است برای نخستین بار در تاریخ سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) نمایندگی دایم یک کشور عربی یعنی امارات متحده عربی در این سازمان دایر خواهد شد ... وزیر خارجه لهستان پس از دیدار با همتای اماراتی خود اعلام کرد، خوشحال هستیم که امارات متحده عربی نخستین کشور عربی خواهد بود که نمایندگی خود را در ناتو افتتاح می کند."
همکاری نزدیک، تنگاتنگ و دراز مدت امارات متحده عربی و پیمان ناتو به تنش در حوزه خلیج فارس و مسابقه تسلیحاتی در آن دامن خواهد زد. ایجاد نمایندگی دایمی در ناتو و تبادل اطلاعات نظامی و امنیتی میان امارات و ناتو نقض کننده اصل حسن همجواری و همکاری های متقابل میان کشورهای حوزه خلیج فارس بوده و به طور مستقیم امنیت ملی میهن ما را تهدید می کند.
شیخ نشین امارات متحده عربی می کوشد با جلب همکاری و ا



عتماد کشورهای عضو ناتو و در درجه اول آمریکا و انگلیس از سویی در برابر تند باد خیزش های مردمی منطقه برای خود سپری ایجاد کند و از دیگر سو به عنوان کارگزار انحصارهای فراملی برای مدعیات پوچ و جاه طلبی های خطرناک خود در تنگه هرمز حمایت بین المللی کسب کند. اقدام امارات متحده عربی برای ایجاد نمایندگی دایمی در سازمان آتلانتیک شمالی- ناتو- نمی تواند از سوی کشورهای منطقه مورد پذیرش قرار گیرد.
به طور کلی گسترش پیمان ناتو در حوزه خلیج فارس به هر شکل و تحت هر عنوانی یک خطر برای استقلال و حق حاکمیت کشورها و عامل تنش و جنگ و ناآرامی است و صلح جهانی را تهدید می کند.

به نقل از نامه مردم، شماره ۸۷۰، ۱۶ خرداد ماه ۱۳۹۰

****

مصاحبه ''نامه مردم'' با رفیق حنا عمیره :

مردم فلسطین خواهان پایان تفرقه اند

با گسترش تحولات سریع چند ماهه اخیر در کشورهای خاورمیانه و ادامه مبارزه خلق های منطقه برای دگرگونی های بنیادین در این کشورها، همانگونه که پیش بینی می شد تلاش ها برای حل مسئله فلسطین نیز وارد مرحله نوینی شده است. این حقیقتی است که قیام های بی سابقه در منطقه در کنار ایجاد تغییر های مشخص در موازنه قوا در منطقه، موج جدیدی را برای در دستورکار قرار دادن مبارزه ای موثر برای اعلام ایجاد یک کشور فلسطینی مستقل دامن زده است. در روز ۱۴ اردیبهشت ماه کوشش هائی که از مدتی قبل آغاز شده بود با اعلام توافق دولت خود مختار فلسطین به رهبری محمود عباس و جنبش اسلامی حماس اولین نتایج خود را نشان داد. بر پایه این توافق دولت وحدت ملی با شرکت تکنوکرات ها تشکیل شده و انتخابات همزمان پارلمانی و ریاست جمهوری برگزار خواهد شد. نقش سران مصر در میانجی گری برای حصول این موافقتنامه مشخص است. دولت مصر چند روز قبل از امضای این موافقتنامه ایستگاه مرزی ''رفح'' در سرحدات خود با نوار غزه را گشود و به دولت اسرائیل نیز اخطار کرد که در این رابطه اشکال آفرینی و خرابکاری نکند. نشانه های جدی در دست است که امضای این موافقتنامه گرچه از سوی دولت اسرائیل با مخالفت روبرو و به مثابه تهدیدی علیه موجودیت دولت اشغالگر قلمداد شده است، از سوی کشورهای قدرتمند جهان مورد استقبال قرار گیرد.

در رابطه با این توافق بسیار با اهمیت که مطمئناً تبعات مشخصی را در رابطه با حل مسئله فلسطین خواهد داشت، در روز ۲۰ اردیبهشت ماه ''نامه مردم'' گفتگوئی با رفیق حنا عمیره، عضو هیئت سیاسی حزب مردم فلسطین و همچنین هیئت اجرائیه سازمان آزادیبخش فلسطین انجام داد. در ادامه پاسخ رفیق عمیره به تعدادی از سئوال های عمده در رابطه با موافقتنامه بین نیروهای فلسطینی و دور نمای موجود برای تحولات فلسطین برای اطلاع خوانندگان ''نامه مردم'' منتشر می شود.

س. لطفاً توضیح دهید که موضوع توافق حاصل شده چیست، و چه تغییرات مهمی به همراه دارد؟ موضع حزب مردم فلسطین نسبت به این توافق چیست؟



ج. دیدن اینکه تمام گروه‌های سیاسی فلسطین به منظور رسیدن به یک وفاق و آشتی ملی گرد هم می‌آیند، برای همه فلسطینی‌هایی که شاهد وقوع این رخداد در قاهره بودند بسیار شورانگیز بود. همه گروه‌های فعال در طیف گسترده سیاسی فلسطین، با حمایت دولت جدید مصر، به توافق رسیدند که یک دولت فن سالار (تکنوکرات) تشکیل دهند و در یک سال آینده انتخابات را برگزار و نوار غزه را نوسازی کنند. این اقدام گامی حیاتی در مسیر حرکت ما به سوی آزادی و استقلال است.
حزب ما نقش بسزایی در امر آشتی ملی داشت و دارد. در چهار سال گذشته ما فعالیت زیادی کردیم تا تفرقه‌ها پایان یابد و وحدت فلسطین برقرار شود. در عین حال، نباید آنچه که رخ داد را بیش از حد دست بالا گرفت. این توافق صرفاً نخستین گام درست در راه وحدت بود. گام بعدی، تشکیل یک دولت وحدت ملی جدید متشکل از شخصیت‌های مستقل و تکنوکرات‌ها در یک سال آینده است. از لحاظ سیاسی، در اساس حماس توافق کرده است که در ازای رفع محاصره از نوار غزه، به‌خصوص گشودن گذرگاه رَفح، و بازسازی غزه پس از ویرانی ناشی از تهاجم تجاوزکارانه اسرائیل در سال‌های ۲۰۰۸- ۲۰۰۹، مطابق با برنامه سیاسی ''ساف'' (سازمان آزادی‌بخش فلسطین) عمل کند. اما حتی با این تحولات مثبت

هم باید گفت که هنوز دشواری‌هایی پیش رو است. علت اصلی تفرقه و جدایی نیروها هنوز برطرف نشده است. موضوع اصلی پس از تشکیل دولت وحدت ملی، مسئله چگونگی نمایندگی متناسب هر حزب در نهادهای کشوری و امنیتی است، یعنی نسبت حضور هر حزب در حکومت. ما به عنوان یک حزب معتقدیم که این موضوع مسئله‌ساز، خود یک بمب ساعتی است که هر آن ممکن است منفجر شود. تنها راه حل عبارت است از برگزاری یک انتخابات عمومی و تحکیم پایه‌های دموکراتیک حکومت ملی خودگردان فلسطین، و این امر مستلزم یک تلاش جمعی و سراسری است و نه فقط توافقی انحصاری میان فتح و حماس.

س. رسیدن به این توافق، آن هم درست در جریان تحولات اخیر در خاورمیانه و آفریقای شمالی، بی‌تردید نشان از ارتباط میان این رویدادها با وضعیت فلسطین دارد. ممکن است توضیح دهید که رخدادهای اخیر در تونس، مصر، سوریه و اردن چه تأثیری بر حصول این توافق داشته است؟

ج. کاملاً روشن است که تحولات انقلابی اخیر در دنیای عرب تأثیر مثبتی بر رخدادهای فلسطین داشته است. همان طور که در جای دیگری هم گفته‌ام، بهار دنیای عرب بالاخره به فلسطین هم رسید. طنین انقلاب‌های اخیر در کشورهای عربی و به‌ویژه در مصر، به سرعت در فلسطین بازتاب یافت. جنبش و کوشش جوانان فلسطینی برای پایان دادن به جدایی‌ها ثابت کرد که مردم این سرزمین دیگر حاضر به تحمل این جدایی و تفرقه لعنتی نیستند. امروزه شعار اصلی در دنیای عرب ”مردم خواهان سرنگونی رژیم‌اند“ است، و شعار اصلی در اینجا، در فلسطین، این است: ”مردم خواهان پایان تفرقه‌اند“. ما از آنچه در کشورهای عربی می‌گذرد الهام و نیرو گرفتیم. زمان مصالحه اخیر نشان دهنده همین تأثیر است. به نظر ما، فتح و حماس هر دو زیر فشار جنبش‌های مردمی در فلسطین و دنیای عرب مجبور شدند گامی به پیش و در جهت درست بردارند. علاوه بر این، باید توجه داشت که مواضع و فشارهای منفی پیشین که از سوی برخی از دولت‌های عرب اعمال می‌شد، اینک در آن کشورها از سوی نیروی انقلاب خنثی شده اند. به همین دلیل هم بود که رهبری فلسطین دست خود را در تصمیم‌گیری و اقدام در مسیری که خود می‌خواهد، بازتر یافت. همین احساس فارغ بودن از فشار موجب شد که پرزیدنت محمود عباس از غزه دیدار کند، و همین اقدام سبب و انگیزه‌ای شد برای گام برداشتن به سوی آشتی ملی.

س. موضع دولت آمریکا نسبت به این رخدادها چیست؟

ج. طبق معمول، دولت آمریکا نسبت به رخدادهای اخیر در فلسطین باز هم نظر منفی دارد. اگرچه در گردهمایی آناپولیس در سال ۲۰۰۸ موضوع وحدت ملی فلسطین مطرح شد، و همان موقع اعلام شد که هر راه‌حل صلح‌آمیزی باید در بر گیرنده نمایندگانی از فلسطینی‌های ساکن کرانه غربی و نوار غزه باشد، اما جالب اینجاست که اکنون دولت آمریکا موضع صبر و نظاره را در پیش گرفته است. دولت آمریکا گفته است که موضع نهایی خودش را پس از تشکیل دولت ملی فلسطین اعلام خواهد کرد، و اینکه آیا سه شرط از چهار شرط را خواهد پذیرفت یا نه. ما این موضع را مداخله‌یی غیرقابل قبول در امور داخلی فلسطین می‌دانیم. تهدید به خودداری از پشتیبانی مالی حکومت فلسطین، سیاستی گستاخانه و یک‌جانبه به سود اسرائیل است؛ این موضع، اخاذی و راهی است برای دیکته کردن کارها به فلسطینی‌ها. ما این سیاست را قاطعانه مردود می‌دانیم.

س. گزارش‌هایی وجود دارد حاکی از آن که اسرائیل موضعی خصمانه و منفی نسبت به تحولات اخیر در ارتباط با روابط میان گروه‌های فلسطینی در پیش گرفته است. ممکن است لطفاً در مورد دلایل این واکنش اسرائیل و خشم آن ها توضیح دهید؟

ج. درست پس از آشتی اخیر میان نیروهای فلسطینی، وزیر دارایی اسرائیل اعلام کرد که دولت متبوع او تصمیم گرفته است درآمد ناشی از مالیات‌های اخذ شده از فلسطینی‌ها از سوی دولت اسرائیل را به حکومت خودگردان فلسطین نپردازد. طبق معاهده‌های امضا شده موجود، این مبلغ باید به طور ماهانه به فلسطینی‌ها بازگردانده شود. در نتیجه این تصمیم دولت اسرائیل، اینک دولت فلسطین قادر به پرداخت حقوق کارکنان نیست و مجبور شده است پرداخت دستمزد و حقوق ماهانه نزدیک به ۱۵۱ هزار تن از کارکنان را متوقف کند. دولت اسرائیل از اهرم مالی برای به شکست کشاندن آشتی استفاده می‌کند، و آن هم به بهانه اینکه پس از آشتی میان حماس و فتح، اینک درآمد مالیات‌ها به جیب حماس می‌رود. افزون بر این، نتانیاهو نخست‌وزیر اسرائیل به جامعه بین‌المللی شکایت برده است که آشتی ملی در فلسطین به معنای وحدت در جنگ بر ضد اسرائیل است. باید بگویم که این اتهامی بی‌پایه است چرا که اگر به صحبت‌های خالد مشعل در مراسم آشتی سیاسی حماس و فتح در قاهره دقت کنید، متوجه می‌شوید که در موضع حماس نسبت به امر صلح تغییر بزرگی صورت گرفته است. حماس اینک تشکیل یک دولت مستقل فلسطینی در محدوده مرزهای ۴ ژوئن ۱۹۶۷ را پذیرفته است. اما آنچه اسرائیل می‌خواهد، حفظ و تداوم تفرقه در جامعه فلسطینی تا سر حد امکان است. پیش از آشتی اخیر، نتانیاهو همیشه می‌پرسید ”بالاخره من باید با غزه وارد مذاکره صلح بشوم یا با کرانه غربی؟“ امروز ما می‌توانیم به نتانیاهو پاسخ دهیم: شما باید با یک فلسطین متحد و واحد صلح کنید؛ باید با ”دولت فلسطین“ صلح کنید. اما نتانیاهو همه تلاش خود را خواهد کرد تا برای خراب کردن همه فرصت‌های ممکن در راه برقراری یک صلح جامع و عادلانه، بهانه‌یی بیابد.

س. آینده مبارزه و تلاش در راه ایجاد یک دولت فلسطینی مستقل و یافتن راه حلی برای مسئله فلسطین را چگونه می‌بینید؟
ج. با تشکیل و استقرار یک دولت وحدت ملی، پرونده یکی از تاریک‌ترین دوره‌های تاریخ مردم ما بسته خواهد شد. نگاه فلسطینی‌ها اکنون به جلو است. ما به تلاش بی‌وقفه خود برای پذیرش و به رسمیت شناختن دولت فلسطین– در درون مرزهای ۱۹۶۷ و به پایتختی اورشلیم شرقی– از سوی جامعه بین‌المللی ادامه خواهیم داد. در حال حاضر ۱۱۲ کشور جهان چنین دولتی را به رسمیت شناخته‌اند. نتیجه رأی‌گیری اخیر در شورای امنیت سازمان ملل متحد در مورد متوقف کردن توسعه شهرک‌های یهودی‌نشین– که ۱۴ کشور عضو این شورا با آن موافق بودند و فقط ایالات متحد آمریکا به آن رأی مخالف داد– خود نشانه حمایت بی‌سابقه جامعه بین‌المللی از موضع فلسطین است: اشغال سرزمین فلسطین از سوی اسرائیل باید پایان یابد! به اعتقاد بانک جهانی، صندوق بین‌المللی پول، سازمان ملل متحد و اتحادیه اروپا، فلسطین به نقطه‌یی رسیده است که برای به دست گرفتن سکان هدایت کشور و اداره حکومت یک کشور آماده است. تنها مانع در برابر پیشرفت ما در این راه، اشغال از سوی اسرائیل است. در ماه سپتامبر امسال (۲۰۱۱) نمایندگان مردم متحد فلسطین به سازمان ملل خواهند رفت تا تقاضای پذیرفته شدن دولت فلسطین به عنوان یک عضو کامل و تمام عیار آن سازمان را در آنجا مطرح کنند. زمان آن فرا رسیده است که اسرائیل به خودداری از پذیرفتن آزادی مردم فلسطین پایان دهد. مثل هر ملت دیگری در دنیا، ما نیز سزاواریم آزادنه زندگی کنیم. پیام ما خیلی ساده است: مردم فلسطین تا ابد گروگان آشتی‌ناپذیری و یک‌جانبه‌گرایی اسرائیل نخواهند ماند؛ خشونت و توسعه شهرک‌ها ما را از تلاش و حرکت باز نخواهد داشت. آشتی ملی به ما نیرویی تازه می‌دهد و مبارزه ما در راه صلح و عدالت را تقویت می‌کند. بنابراین، ضمن آنکه ما به تلاش‌های خود در راه اتحاد ملت و ایجاد دولت‌مان ادامه می‌دهیم، از اسرائیل می‌خواهیم که در امور سیاسی داخلی فلسطین دخالت نکند.
برخلاف آنچه نخست‌وزیر بنیامین نتانیاهو عنوان کرده است، مسئله ما انتخاب میان دو گزینه حماس یا اسرائیل نیست. مسئله ما انتخاب میان دو گزینه شهرک‌های مهاجرنشین یا دولت فلسطین است؛ انتخاب میان گزینه پذیرش دو دولت در مرزهای ۱۹۶۷ است که آینده اسرائیلی‌ها و فلسطینی‌ها را شکل می‌دهد و صلح واقعی در آنجا امکان‌پذیر است، یا گزینه ادامه اشغال و رابطه فلسطین با اسرائیل در مقام سرکوب شده و سرکوبگر. راه صلح از میان مصالحه و آشتی و دموکراسی می‌گذرد. ما امیدواریم که جامعه بین‌المللی شانه به شانه ما حرکت کند و از پایان دادن به اشغال سرزمین‌های فلسطینی از سوی اسرائیل و ایجاد و تحکیم یک دولت مستقل فلسطینی در درون مرزهای ۱۹۶۷، برای رسیدن به صلح و آشتی حمایت کند.

به درخواست رفیق حنا عمیره متن مصاحبه او با ‘‘نامه مردم’’ به زبان انگلیسی، برای استفاده دیگر احزاب کارگزی و کمونیستی در اختیار پایگاه اینترنتی ‘‘سالید نیت’’ قرار گرفت.

****

مبارزه مردم عراق، برای بدست آوردن دموکراسی

گزارش هاي متعدد "عفو بين الملل" و سازمان های "سندیکائی بین المللی"، باز تاب دهنده سرعت گرفتن روند برخوردهای پلیسی و سرکوبگرانه دولت نوری المالکی در رابطه با نیروهای دموکراتیک و مردمی این کشور است. اکثر تحلیلگران سیاسی ترقی خواه در منطقه، از این واقعیت سخن می گویند که دولت کنونی عراق به جای پاسخ گویی به خواسته های مشروع و طبیعی مردم، اکنون از عملکردهای سرکوبگرانه رژیم ولایت فقیه در ایران و حاکمان جبار در عربستان سعودی الگوبرداری می کند. سازمان "عفو بین الملل"، در بیانیه ١٣ خردادماه خود، در رابطه با امنیت جانی چندین تن از دستگیر شدگان اخیر در عراق، به شدت اظهار نگرانی کرد و کارزار بین المللی جدیدی را در این مورد سازمان داد. حزب کمونیست عراق نیز، در اطلاعیه های ماه های اخیر خود، دولت نوری المالکی را به شدت مورد انتقاد قرار داده است. این حزب بر فعالیت های افشاگرانه خود بر ضد سیاست های سرکوبگرانه دولت افزوده است. گزارش زیر که فروردین ماه در نشریه "جهان مردم"، ارگان حزب کمونیست آمریکا، منتشر شد، تصویرگر مبارزه گسترش یابنده مردم و زحمتکشان عراق برای دستیابی به دموکراسی و حقوق دموکراتیک خود است:

هشت سال پس از تهاجم و تجاوز آمریکا به عراق، چندی است که توده‌های عراقی دست به‌کار پیکاری همگانی برای برقراری دموکراسی اجتماعی و اقتصادی یی شده‌اند که مناسب حال خود آنان باشد. در عراق امروز، برخی از مظاهر دموکراسی دیده می‌شود، و اگرچه بمب‌گذاری‌ها و حمله های مشابه همچنان ادامه دارد، اما خشونت به حد قابل‌توجهی کاهش یافته است. طبق برنامه زمانی اعلام شده، قرار است که ایالات متحده آمریکا بقیه ٤٦ هزار نیروی نظامی خود را تا پایان سال میلادی جاری از عراق خارج کند. این طور که دیده می‌شود، رسانه‌های آمریکایی هم انگار مدت‌هاست علاقه آتشین خود نسبت به رخدادهای عراق را از دست داده‌اند، مگر نسبت به خبر یا گزارشی در ارتباط با بمب‌گذاری‌های تازه، یا مثلاً کشته شدن ٤ تن از نیروهای نظامی آن کشور در هفته دوم ماه آوریل جاری، یا اینکه بخواهند لاطائلات دانلد ترامپ را که اصرار دارد آمریکا هنوز باید در عراق بماند و "نفت را نگه دارد ... و آنچه را ما لازم داریم، بردارد و ما هم ٥/١ تریلیون دلار یا بیشتر برداشت کنیم" را پوشش دهند. در چنین شرایطی، روز های جمعه چندین هفته پیاپی در اسفند ماه گذشته و فروردین ماه سال جاری، مردم عراق در میدان تحریر بغداد و دیگر شهرهای کشور جمع شدند و دست به تظاهرات زدند، و خواستار کار، خدمت های اجتماعی همگانی، رعایت حقوق کارگران، تعهد عملی به احترام به حقوق و آزادی‌های مدنی، و پایان دادن به فساد اداری و دولتی شدند. در سال‌های اخیر، وقوع چنین تظاهراتی در عراق بی‌سابقه بوده است. از روز ٦ اسفند گذشته تاکنون، هزاران تن تقریباً در همه ١٨ استان آن کشور دست به راه پیمایی و تظاهرات زده‌اند.



بر اساس گزارش "فدراسیون عمومی کارگران عراق"، مردم برای "اعتراض به عدم توجه دولت عراق به خواست‌های عراقی‌ها" به خیابان‌ها می‌آیند. این اعتراض‌های مردمی تاکنون به استعفای دو استاندار، شهردار بغداد، و دیگر مقام‌های دولتی، منجر شده است. در مرکز این جنبش، "جریان دموکراتیک" سراسری یی قرار دارد که تشکل سیاسی نوظهوری در عراق است. به گفته رهبران این جنبش، "جریان دموکراتیک" بیانگر خواست‌های بخش‌های وسیعی از جامعه و مردم عادی عراق و از جمله کسانی است که عضو هیچ گروه و سازمانی نیستند. در سراسر کشور، کمیته‌های محلی در حال تشکیل‌اند، و آماده‌سازی برای برگزاری یک کنفرانس ملی در یکی دو ماه آینده (اواخر بهار یا اوائل تابستان) در جریان است، که هدف از آن پایه‌گذاری "یک تشکل منسجم و پایدار" است. یکی از شرکت‌کنندگان در این جنبش، و نیز از سازمان‌دهندگان اصلی آن، حزب کمونیست عراق است. رائد فهمی، عضو رهبری حزب کمونیست عراق، چندی پیش در مصاحبه یی تلفنی از بغداد، اظهار داشت که این جنبش توده‌ای "بسیار گونه‌گون، ... چشم‌انداز بسیار امیدبخشی" را در برابر کشور قرار داده است. به گفته رائد فهمی، کمیته‌های "نظارت مردمی" محله ها در حال شکل گرفتن‌اند، که وظیفه آن ها از جمله، نظارت بر ارائه خدمت های اجتماعی همگانی، بررسی معضل ها و مشکل های مردم، ملاقات با مقام‌های دولتی با درخواست اقدام‌های عملی از سوی آنان، و نظارت بر کارکرد و اقدام‌های نهادها و مقام‌های دولتی است. فهمی می‌گوید: "به اعتقاد ما، این کمیته‌ها تأثیر مستقیمی بر چگونگی تأمین خدمت ها خواهند داشت." به گفته فهمی، این جنبش، همچنین عاملی کلیدی در راه پایان دادن به اشغال آمریکا خواهد بود.

راه پیمایی و تظاهرات در وزارت صنایع در بغداد، ۹ فروردین ماه، با خواستِ لغو محدودیت‌های سندیکایی به‌جا مانده از دوران صدام حسین، تصویب قانون کار مطابق با معیارهای بین‌المللی، و به کار بازگرداندن فعالان کارگری که در دوران صدام حسین از کار اخراج شده اند.

اما علت های این جنب‌وجوش در بین مردم چیست؟
میزان بیکاری در عراق در حدود ۲۵ درصد است، و ۳۳ درصد دیگر مردم هم کارهای پاره‌وقت یا موقت دارند. در حدود یک‌چهارم جمعیت کشور زیر خط فقر زندگی می‌کند. هزاران پناهنده داخلی که در نتیجه خشونت‌های فرقه‌ای در گذشته بی‌خانمان شده‌اند، همچنان با وضعیتی رو به رویند که فقط می‌توان آن را "بحران انسانی" نامید. در بسیاری از منطقه ها و ناحیه های کشور، تأمین برق نامنظم و ناپیوسته است و ارائه دیگر خدمت های اساسی نیز همچنان کم رنگ و پراکنده است. این در حالی است که تولید و صدور نفت عراق به‌تدریج رو به افزایش دارد، و بر این اساس دولت باید درآمد مناسبی از این راه داشته باشد. اما مردم عراق هنوز چشم به راهند تا نتیجه این درآمد دولتی را در مورد وضع خود شاهد باشند و بهره‌یی از آن برگیرند.
دولت کنونی عراق، به نخست‌وزیری نوری المالکی از حزب الدعوۀالاسلامیه، هم‌آمیزی پُرمعضلی است از بلوک‌های قدرت فرقه‌ایِ رقیبِ همدیگر، که میزان زیادی از وقت و انرژی آن صرف باقی مَاندن دَر قدرت می‌شود، یعنی امری که باید گفت بازمانده و حاصل سیاست‌های تحمیلی پس از اشغال آمریکاست. برای نمونه، به علت وجود قانون انتخابات غیردموکراتیکی که در نتیجه فشار آمریکا تدوین و به اجرا گذاشته شد، در مجلسی که چند ماه پیش انتخاب و تشکیل شد، اثری از گروه‌های اقلیت، و نیروهای چپ و ترقی‌خواه دیده نمی‌شود.
به این ترتیب، در نتیجه کوتاهی دولت در عمل کردن به وعده‌هایی که در جریان کارزارهای انتخاباتی در باره بهبود وضعیت زندگی مردم عادی داده بود- و البته با اثر پذیری از خیزش‌های مردمی در مصر و تونس- تظاهرات اعتراضی مردم پا گرفت. پس از چندین هفته تظاهرات و راه پیمایی، شبکه تلویزیونی "السومریه"، ۲ فروردین، گزارش داد: "شکایت تظاهرکنندگان این است که به خواست‌های آنها رسیدگی نمی‌شود"، به طوری که مردم خواستار انحلال مجلس های استانی و برگزاری انتخابات محلی جدیدی شده‌اند. به اعتقاد مردم، نمایندگان مجلس ناکارآمد، نالایق، و فاسدند.
رائد فهمی در مصاحبه‌اش به این مسئله اشاره کرد و گفت که، صاحبان قدرت در برابر اعتراض‌های مردمی "کمابیش سکوت" اختیار کرده‌اند و حرفی برای گفتن ندارند. به گفته او: "آنان حتی نتوانستند هواداران خود را بسیج کنند، چرا که هواداران شان نیز با تظاهرکنندکان هم‌صدایند." اما دولت، به جای رسیدگی به خواست‌های مردم، به سرکوب متوسل شد. با برقراری منع رفت‌وآمد در روز ۶ اسفند در بغداد، و گسیل نیروهای امنیتی و انتظامی برای سد کردن راه‌های ورودی به میدان تحریر، نوری المالکی تلاش کرد تا نخستین تظاهرات توده‌ای را در آن روز خاموش سازد. چندین روحانی شیعی نیز بر ضد شرکت در تظاهرات هشدار دادند.
در جریان تظاهرات توده‌ای اخیر، شماری از تظاهرکنندگان دستگیر و عده‌یی از آنان نیز به شدیدترین نحو مورد ضرب و جرح قرار گرفتند. روزنامه‌نگاران نیز هدف دستگیری و ضرب و شتم بوده‌اند. در ادامه تظاهرات ۶ اسفند در بغداد، چندین تن از تظاهرکنندگان را از یک رستوران به‌زور بیرون کشیدند و به بازداشتگاه وزارت دفاع بردند که در آنجا مورد شکنجه قرار گرفتند. زمانی که این رسوایی در شبکه‌های تلویزیونی برملا شد، دولت مجبور به عذرخواهی علنی و رسمی شد. با وجود این، جمعه بعد در بصره، چهار خبرنگار که در حال تهیه گزارش از تظاهرات بودند به شدت کتک خوردند. در جریان تظاهرات روز ۱۶ اسفند، سه خبرنگار "ناپدید شدند" که بعداً معلوم شد بازداشت شده‌اند.
چند هفته پیش، دولت عراق حزب کمونیست و یک حزب دیگر را که در تظاهرات فعال بود وادار به تخلیه دفترهایشان در بغداد کرد. اما این تلاش مذبوحانه که آشکارا با مقصدهای سیاسی صورت می‌گرفت نتیجه معکوس داد و نه تنها توجه گسترده رسانه‌ها را به خود جلب کرد، بلکه حمایت چشمگیر مردمی را از حزب کمونیست نیز به دنبال آورد. در نتیجه، دولت عقب‌نشینی کرد و قرار شد که دو حزب نام برده دوباره دفترهایشان را باز کنند.
جنبش تظاهرات توده‌ای در عراق، در عمل حزب های اسلامی حاکم و روحانیان رده‌بالای اسلامی را آشکارا به چالش کشیده است و اعتبار و مشروعیت آنان را به طور جدی زیر علامت سؤال برده است. به گفته رائد فهمی: "قدرت این تظاهرات بسیار فراتر از شمار شرکت‌کنندگان در آن است"، چرا که "هماهنگ با خواست‌های توده مردم" است. فهمی می‌گوید که، در چنین وضعی، دولت هنوز اقدام لازم را به منظور آماده کردن نیروهای انتظامی و امنیتی عراق برای روز خروج نیروهای آمریکایی در پایان امسال به عمل نیاورده است. او در ادامه افزود که، به علت مجادله‌های سیاسی تنگ‌نظرانه، در حال حاضر کشور فاقد وزیر دفاع، وزیر کشور، و وزیر امنیت ملی است. اینجا و آنجا شنیده شده است که قرار است نیروهای نظامی آمریکایی در پایگاه‌های آمریکایی مستقر در منطقه های مختلف کشور، در عراق باقی بمانند. به نظر فهمی: "افکار عمومی مردم عراق، پذیرای پایگاه‌های خارجی نخواهد بود." او معتقد است که، برای تضمین پایان دادن به اشغال آمریکا، به فشار سیاسی توده‌ای نیاز است.

به نقل از نامه مردم، شماره ۸۷۰، ۱۶ خرداد ماه ۱۳۹۰

****

« طوفان؟»

گفتند:

– از زمین رخت بربسته است

سالهاست

و دیگر جز در خاطراتِ دور دست

وزیدن نتواند

و زین پس دگر نسیم

با دستِ اغنیا

موجی اگر کند پدید

لالایی لطیفی است بر چشمِ خفته ها!

« بر زمینهء سربیِ رنج

دستانِ پینه بسته ای نمایان شد»

❋ ❋ ❋

«امواجِ توفنده؟»

گفتند:

– در سایه ساری بی جنبش

با نسیمی بر گونه هایِ دو قطبِ ناهمساز

از هجومِ ویرانگری سازنده

باز ایستاده است

و تنها سخن را می بینیم

که در بطنِ گفتگوهایِ ملیح

بر دستانِ سرمایه بوسه می زند

تا در آبِ چشمهء تفاهم

درویش و توانگر

دستانِ یکدگر را عاشقانه بربایند!

« بر زمینهء آبنوسِ نیاز

شعله ز اندامِ فقر طغیان شد»

❋ ❋ ❋

« قلوبی عشق ورزنده؟»

گفتند:

– بی هیچ غمناکیِ غریبی

از هم بریده اند

سالهاست

و هر یک در بندِ آمال خویشتن

آمال دیگری را

در زیرِ پایِ ددی گوژپشت

ویرانه می کند!

« بر زمینهء طلاییِ آفتاب

مشتهایِ در هم گره شده، طوفان شد»

مسعود دلیجانی

ئەمریکا داوای پارەی ئەو فیشەکانە دەکات کە عێراقییەکانی پێ کوشتووە!

لە ماوەی چەند رۆژی رابردوودا شاندێکی کۆنگرەی ئەمریکا سەردانی عێراقی کرد.
مەبەست لەم سەردانە وت و وێژ لەگەڵ هەندێک لایەنی عێراقی و هەروەها هەڵسەنگاندنی دۆخی ئەمنی عێراق و دۆزینەوەی رێگەچارە یان پاساوێک بوو بۆ بە یاسایی کردنی مانەوەی هێزە چەکدارەکانی ئەمریکا لەم وڵاتە و درێژەدان بە داگیر کەری عێراق لە سەر خواست و داوای بەناو دەوڵەت و پارلمانی ئێستای عێراق.
جیا لەوەی کە ئەم شاندە تا چ رادەیەک سەرکەوتنی بەدەست هێنا و بە بەکارهێنانی چ شێوەگەلێک توانی هەندێک لایەن رازی بکات کە بە قیمەتی پێشێل کردی ماف و بەرژەوەندییەکانی هاوڵاتیانی بەش مەینەتی عێراق، ئەوەندەی تر لە بەرانبەر داگیرکەراندا سەر نەوی بکەن و داوای مانەوەیان لە عێراق، واتە درێژەدان بە داگیر کردنی ئەم وڵاتە بکەن.



ئەوەیکە جێگای سەرنجە و نیشانەیەکە لە بێشەرمی بێ سنووری ئەندامانی کۆنگرەی ئەمریکا، ئەوە بوو کە ئەم بەرێزانە بە ئاشکرا داوای «قەرەبوو کردنەوەی ئەو زەرەر و زیانانە»یان کرد کە گوایە لە کاتی هێرش کردنە سەر عێراق و داگیر کردنی ئەم وڵاتەدا بەر هێزە چەکدارەکانی ئەمریکا کەوتووە!
ئەمەش هیچ ناوێکی تری لێنانرێت جگە لەوەی کە ئەمریکا، داوای پارەی ئەو بۆمب و مووشەک و راجیانە دەکات کە شار و گوندەکانی عێراقی پێ وێران کردوون و هەروەها قیمەتی ئەو فیشەکانەی کە تا ئێستا بۆ کوشتنی دەیان هەزار عێراقی مەدەنی و بێ تاوان تەقاندوونی و بەکاری هێناون!
ئەمە خواستی ئەو نوێنەرانەی کۆنگرەی ئەمریکا بوو کە بێشەرمانە لە بەردەم دەزگاکانی راگەیاندن دا رایانگەیاند و زۆرینەی لایەنە عێراقییەکانی بەشدار لە حکومەت و پارلمانی «دانراوی» عێراق گوێبیستی بوون و لە هەمبەر ئەم بێ ویژدانی و بێ شەرمییەدا «نقە»یان لێوە نەهات!
دەیگێڕنەوە کە لە سەرەتای هەشتاکاندا، ئەو کاتەی کە کۆماری ئیسلامی ئێران لە وەرزی بەهاری دەسەڵاتە خوێناوییەکەیدا بوو، و بە بێ رەحمانەترین شێوە دەستی دابووە گرتن و گوللەباران کردنی هاوڵاتیانی نەیاری خۆی، دوای گوللە باران کردنی رۆڵە تێکۆشەرەکانی گەلانی ئێران، لە کاتێکدا کە بنەماڵەی گیان بەختکردووان بە مەبەستی وەرگرتنەوەی «تەرم»ی رۆڵەکانیان دەچوونە بەر زیندانەکان، بەرپرسانی رژێم تەنها بە مەرجێک تەرمی رۆڵە گوللە باران کراوەکانیان رادەستی بنەماڵەکان دەکردەوە کە پارەی ئەو «گوللە»انەی کە بۆ کوشتنی رۆڵەکانیان لەکیس دراون پێشکەش کەن. و بەم شێوە گەورەترین ئیهانەتی بەو بنەماڵانە و تێکۆشەرە گوللەباران کراوەکان دەکرد و ئەوەندەیتر ئازاری دایک و باوک و خۆشک و برا جەرگ سووتاوەکانی دەدان . مەبەستی لەمەش ئەوە بوو کە پێیان بڵێ بۆ گوللە باران کردنی رۆڵەکانیان چەندین گوللە «لەکیس» دراوە و حکومەت قەرەبووی ئەمەی دەوێت.
واتە خۆتان پارەی گوللەکان بدەن تا لەم رێگەوە زیان بە «بەیت المالّ» نەکەوێت!
ئێستا نوێنەرانی کۆنگرەی ئەمریکا هەمان داوای بێشەرمانە و پڕ لە سووکایەتی و ئیهانە ئاراستەی عێراقییەکان دەکەن و خوازیاری وەرگرتنی پارەی ئەو بۆمب و موشەکانەن کە عێراقیان پێ کاول کردووە و ئەو فیشەکانەی کە بۆ کوشتنی دەیان هەزار هاوڵاتی مەدەنی و بێ تاوانی عێراق بەکاریان هێناوە.
تەنها یەک جیاوازی لە نێوان بێشەرمی و بێرەحمی کۆماری ئیسلامی و ئەمریکادا دەبینرێت، ئەویش ئەوەیە کە کۆماری ئیسلامی بە ناوی «ئیسلام»ەوە ئەو کارەی دەکرد و نوێنەرانی کۆنگرەی ئەمریکا بە ناوی «دیمۆکراسی»یەوە!

هەرێمی کوردستانی عێراق،

قەیرانی هەمەلایەنە و پرۆژەی چاکسازی!

دوابەدوای «بێدەنگ کردنی» شەقامەکان و کپ کردنی دەنگی نارەزاییەکان، کە ئەوەش بە بەکارهێنانی هێزی «چەکدار» روویدا، هەروەها دوای ئەنجامی چەند گفتگۆی ژێر بە ژێر لە ناو حزبەکانی دەسەلات و ئەو لایەنانەی خۆیان وەک ئۆپۆزیسیون پێناسە دەکرد و دەیکەن، سەرئەنجام گشت لایەنەکان، بە بێ بەشدار کردنی لایەنی سەرەکی واتە «شەقامی نارازی» لە سەر ئەوە رێکەوتن کە کێشەکان بە دانوستان و گفتگۆ و «رێکەوتن» چارەسەر بکەن!

دیارە کە رێکەوتن لە فەرهەنگی سیاسی ئەو حیزب و لایەنانەدا هیچ مانایەکی نییە جگە لە «دابەشکردن»ەوەی سەرلە نوێی دەسەلات و داهاتەکان لە نێوان خۆیاندا، ئەوەش ئاشکرایە کە لە وەها «رێکەوتن»ێک دا، لایەنی خەلک قەت هیچیان بەرناکەوێت. وە بگرە زەرەرمەندیش دەبن. ئەمەش بە هۆی ئەوەیە کە لە دانوستان و سەرلە نوێ دابەش کردنەوەدا هیچ نوێنەر و وتەبێژێکیان نییە تا بەرگری لە ماف و داخوازییەکانیان بکات.

هەروەها حزبە دەسەلاتدارەکانی هەرێم (یەکیەتی و پارتی) بۆ دانووستان و گفتگۆکان تەنها ئەو حزب و لایەنانەیان بانگهێشت کردووە کە بە شێوەیەکی «هەلپەرستانە« نارەزایەتییە جەماوەرییەکانیان لە بەرژەوەندی خۆیان بەکار هێناوە و بە زۆر خۆیان کردووە بە «خاوەن» شەقام و دەسەلاتیان گەیاندە ئەو باوەرە کە گوایە ئەوان لە پشت ئەم خۆپیشاندان و نارەزایەتییانەدان و ئەگەر یەکیەتی و پارتی حازر بن لەگەلیان رێکەون و لە داهات و دەسەلات دا بەشداریان بکەن، ئەوا ئەوانیش سەرلە نوێ ئۆقرەیی و ئارامی بۆ هەرێم دەگێرنەوە!

هەر ئەمەش بووە هۆی ئەوە کە دەسەلاتدارانی هەرێم جگە لە بزووتنەوەی گۆران و کۆمەلی ئیسلامی و یەکگرتوو، هیچ حزب و لایەنێکی تر بۆ بە وتەی خۆیان گفتگۆ و چارەسەر کردنی کێشەکان بانگهێشت نەکەن.

ئەمەش باشترین بەلگەیە بۆ ئەوەی «گفتگۆ»کان، لە راستیدا نە بە مەبەستی چارەسەر کردنی کێشە و گرفتی هاولاتیان و بەجێ هێنانی داخوازییەکانیان، بەلکوو تەنها بە مەبەستی سەرلە نوێ دابەشکردنەوەی «دەسەلات و داهاتەکان»ە.

کەواتە هەلەیە ئەگەر چاوەروانی ئەوە بکەین ئەنجامی ئەم دانووستانانە لە بەرژەوەندی هاولاتیاندا بێت و ژیانێکی باشتریان بۆ دابین بکات.

هەر ئەمەش بۆتە هۆی سەرەکی قووڵتر بوونەوەی قەیرانەکە و دلّ ساردی و بێ ئۆمێدی هاولاتیان لە ئەنجامەکانی.



بە جۆرەیەک کە چیتر کەس گومانی لەوە نییە کە ئەم «مفاوزاتە« هیچ سودێکی بۆ گەل لێ ناکەوێتەوە، کە ئەمەش خۆی لە خۆیدا دوورکەوتنەوە و بەدگومانی رۆژ لە دوای رۆژی خەلک لە هەر دوو حزبی دەسەلاتدار وە هەروەها ئەو حزب و لایەنانەی بەناوی ئۆپۆزیسیونەوە لە گفتگۆکاندا حازر بوون، لێدەکەوێتەوە.

بەسەر گشت ئەمانەدا سەیر لەوە دایە کە تەنانەت خۆدی لایەنەکانیش بە راستی باوەریان بەم «گفتگۆ» کردنانە نییە و حازر نین گوێ لە یەکتر بگرن. هەر ئەمەش وای کردووە کە هەر دوو لا لە جیاتی «گفتگۆ» دەست بکەن بە «شەرە پرۆژە«!

بە جۆرێک کە لەسەرەتای دەستپێکی گفتگۆکانەوە تا ئێستا، هەردوو لا چەندین پرۆژەی چاکسازییان پێشکەش کردووە!

ئەمەش لە حالێکدایە کە تا ئێستا هیچ یەک لەو پرۆژانە لە لایەن لایەنی بەرامبەرەوە، «حیسابی» بۆنەکراوە و بە هەند وەرنەگیراوە.

لە واقیعدا هەر لایەنێک بێ ئەوەی حازر بێت کەمترین بایەخێک بۆ پرۆژەی لایەنی بەرانبەر دابنێت، هەولّی ئەوە دەدات کە یەکێک لە پرۆژە یەک لە دوای یەکەکانی خۆی پەسەند بکرێت و بکرێتە «نەخشە رێگا». دیارە هۆکاری ئەمەش ئەوە نییە کە پرۆژەکەی خۆی بە باشتر و پوختەتر بزانێت، بەلکوو ئەمەش جۆرێک «هەلپەرەستی سیاسی» پێوە دیارە و مەبەست لێی خۆهەلکێشان و هەلخەلەتاندنی هاولاتیانە بۆ وەرگرتنی دەنگەکانیان لە هەلبژاردنەکانی داهاتوودا.

هەروەها دیارە کە پرۆژەی هەر لایەنێک، بە جۆرێک دارێژراوە کە زۆرترین دەسکەوت بۆ خۆی دەستەبەر بکات و لە دەسەلات و داهاتی بەرانبەر کەم بکاتەوە.

حزبە دەسەڵاتدارەکان هەوڵی ئەوە دەدەن کە کەمترین «خاڵ» پێشکەش بە ئۆپۆزیسیون بکەن و ئۆپۆزیسیونیش داوای «پشکێکی» زۆرتر دەکات و تاکە هۆی سەرنەکەوتن و درێژبوونەوەی ماوەی «گفتگۆ»کان ئەمەیە.
نابێ لە بیر بکرێت کە پارتی و یەکیەتی، وەک دو حزبی سەرەکی و خاوەن دەسەڵاتی هەرێمی کوردستانی عێراق، لە ماوەی بیست ساڵی رابردوودا وابار هاتوون کە ئەوان خاوەن گشت دەسەڵات و داهاتی ئەو هەرێمە بن و تەنها بۆ پاراستنی بەرژەوەندی خۆیان و «بێدەنگ کردنی» لایەنەکانی تر، بە ئارەزووی خۆیان «یارمەتی» ئەوانی تر بدەن. ئەویش بەو مەرجەی کە «گوێراێڵ» بن.
ئێستا ئەو سێ حزبە، کە بە هەر هۆیەکەوە بێت هەست بە پێگەی کۆمەڵایەتی و هێزێکی زۆرتر لە جاران دەکەن، دەیانهەوێت چیتر «یارمەتی» وەرنەگرن، بەڵکوو پشکی رەوای خۆیان پێ بدرێت.
ئەمەش بۆ دوو حزبە سەرەکییەکە گرانە. هەر بۆیە گفتگۆکان تا ئێستا بێ دەرئەنجام بوون و هێشتا لەسەر ئەو «پشکە« رێنەکەوتوون.
بەڵام ئایا بە رێکەوتنی ئەوان ئەو قەیرانە سیاسی، ئابووری، کۆمەڵایەتییەی هەرێمی کوردستانی گرتووەتەوە، کۆتایی پێدێت؟ بێگومان نا! کەواتە پێویستە دەسەڵاتدارانی هەرێم، لە باتی



حزبەکان لەگەڵ نوێنەرانی راستەقینەی شەقام و هاوڵاتیاندا دانیشن و گوێ لە داخوازییەکانی جەماوەری بەش مەینەت و هەژاری کوردستان بگرن و هەوڵ بدەن ژیانێکی باشتریان بۆ دەستەبەر بکەن. ئەمە تاکە
رێگای کۆتایی هێنان بە قەیرانەکەیە.

* * * * * * * * * * *

****

حزبی شیوعی عێراق داوای هەڵبژاردنی پێشوەخت دەکات



بەبۆنەی کۆتای هاتنی ئەو ماوە ١٠٠ رۆژەی کە حکومەتی عێراق دیاریکردبوو بۆ ئەنجامدانی چاکسازی، حزبی شیوعی عێراق بەیاننامەیەکی بڵاوکردەوە ، کە لە بەشێکی هاتووە« بەهۆی ئەو کەشوهەوا سیاسیە ئاڵۆزەی باڵی بەسەر عێراقدا کێشاوە ، بۆ چارەسەرکردنی ئەو قەیرانە پێویستە بەزووترین کات هەڵبژاردنی پێشوەختی پەرلەمان ئەنجام بدرێ ، بۆ ئەوەی کێشەکان بە یاساو دەستور چارەسەر بکرێت و یاسای هەڵبژاردنەکان هەمواربکرێتەوە و عێراق بکرێتە یەک بازنەی هەڵبژاردن.
لە بەیاننامەکەدا ، حزبی شیوعی عێراقی ئاماژەی بەوەکردووە « پێویستە بەزووترین کات یاسای حزبەکان هەموار بکرێت و سەرژمێری گشتی لە عێراق ئەنجام بدرێت و کێشەی کۆمسیۆنی باڵای سەربەخۆی هەڵبژاردنەکان چارەسەر بکرێت».
لەکۆتاییشدا دووپاتی کردۆتەوە ، کە ئەنجامدانی ئەو خاڵانەی سەرەوە تاکە رێگەیە بۆ چارەسەر کردنی قەیرانەکان .

* * * * * * * * * * * *

ڕێکخراوی مافی مرۆڤی کوردستان
سەبارەت بە ئەگەری تیرۆری ئیجلال قەوامی وشیاری دا

لە ڕاگەیاندنێک دا کە لە ژێر ناوی «سەبارەت بە ئەمنیەتی گیانیی ئیجلال قەوامی بێ تەفاوەت مەبن»، ڕێکخراوی مافی مرۆڤی کوردستان سەبارەت بە ئەگەری تیرۆر کرانی ئیجلال قەوامی، وتەبێژی ئەو ڕێکخراوە هۆشداری دەدا و داوا لە سەرجەم بنکە و بنیادەکانی پارێزەری مافی مرۆڤ، ڕێکخراوەکانی مافی مرۆڤ لە ناوخۆ و لە ئاستی نێونەتەوەیی دا دەکا کە سەبارەت بە ئەمنیەتی گیانیی ئیجلال قەوامی وشیار بن و بەرپرسانە هەڵسوکەوت بکەن.

ڕێکخراوی مافی مرۆڤی کوردستان کە سەرۆکەکەی هەر ئێستا لە زیندانەکانی کۆماری ئیسلامی دا بە یازدە ساڵ زیندان حوکم دراوە، لە بەیاننامەکەی دا ڕادەگەیەنێ کە «بە داخەوە ئەمڕۆژانە سەرەڕای بەربەست و گوشارە ئەمنیەتیەکانی سەر ئەم ڕێکخراوە، شەپۆلێک لە هەڕەشە، ڕوخاندن و جوێندان لە لایەن ڕەوتێکی چەکدار لە دەرەوەی سنوورەکانەوە گوشارەکەی دوو هێندە کردووە. بڵاوبوونەوەی هێندێک بابەت لەمەڕ ئەگەری تیرۆری وتەبێژی ڕێکخراوەکە، ئاغای ئیجلال قەوامی لە لایەن هێندێک سایتی هەواڵنێری کە هاوکاتە لە گەڵ هەڕەشە و تۆمەتەکانی ڕەوتی زەبروزەنگخوازی دەرەوەی وڵات (پژاک) نیشانەی سیناریۆیەکی دژە مرۆڤانەیە بە ئامانجی لێدانی ڕەخنەگرانی ناوخۆ و خوازیاری خەباتی مەدەنی و هێمانە.
شیاوی وەبیرهێنانەوەیە کە پژاک لە ژمارەیەکی تایبەتیی ئالترناتیو، ئۆرگانی ناوەندی چاپەمەنیی پارتەکەدا وێڕای هێرش بۆ سەر ئیجلال قەوامی و ژمارەیەکی تر لە چالاکانی ناوخۆ، ڕایگەیاندبوو کە «گەل لە بەرامبەر ئەو کەسانەدا هەڵوێستی شۆڕشگێڕانە دەگرێ.» ئەو وتانە لە لایەن ئەو چالاکانەوە کە ناویان لە بڵاوکراوەکەی پژاک دا هاتبوو، بە هەڕەشەی کوشتن تەعبیر کراوەتەوە. هەرچەند بەرپرسانی پژاک ئەگەری ئەنجامدانی کردەوەیەکی وەها دژ بەو چالاکانە ڕەد دەکەنەوە.

****

له ماوەی سێ مانگی رابردوودا ٨٣ کەس له خەڵکی مەدەنیی رۆژهەڵاتی کوردستان دەستبەسەر کراون

له مێدیاکانەوه - کوردستان و کورد نیوز:
پێشێلکاریی مافی مرۆڤ له کوردستان به هۆی دەسەڵاتی کۆماری ئیسلامی له ماوەی سێ مانگی بەهاری ساڵی نوێدا رەوتی بەردەوامی و هەمیشەیی خۆی پێواوه و لەو وەرزەی ساڵیشدا کۆمەڵێک کەسی دیکه بوونه قوربانیی سیاسەتی کوشت و بڕ و دوژمنکارانەی کۆماری ئیسلامی له کوردستان.
له ماوەی سێ مانگی بەهاری ئەو ساڵدا لانیکەم ٢٠ کەس له کوردستان به دەستی هێزه ئەمنیەتی و ئینتیزامییەکانی کۆماری ئیسلامی کوژراون که ١٨ کەسیان کۆڵبەران و کاسبکارانی ناوچه سنوورییەکانی کوردستان بوون. هەر له ئاکامی کەمین نانەوه و تەقه کردن له کاسبکاران و کۆڵبەرانی ناوچه سنورییەکانی کوردستان که به هۆ بێکاری و بێ دەرەتانی به کاری کۆلکێشی نان و بژیوی رۆژانەی خۆیان پەیدا دەکەن، ٢٤ کەس بریندار بوون. هەر لەو ماوەیەشدا به هۆی تەقینەوەی مین ٥ کەس بریندار بوون که تێیاندا ساسان ئەمجەدی، مێردمنداڵێکی خەڵکی ناوچەی جوانرۆ دەبینرێ که بەو هۆیەوه لاقی پەڕیوه.
ناوەنده ئەمنیەتییەکانی کۆماری ئیسلامی له کوردستان له ماوەی ئەو سێ مانگەی سەرەتای ساڵدا لانیکەم ٨٣ کەس له خەڵکی مەدەنی و چالاکان و لاوانی هەڵسووڕی کوردیان به تۆمەتی چالاکیی سیاسی و ئەمنیەتی دژی کۆماری ئیسلامی قۆڵبەست کردوه. بەشێک لەو کەسانه دوای لێپیچینەوه و دادگایی کرانیان به شێوەی کاتی و به بارمته ئازاد کراون و لانیکەم ٣١ کەس له گیراوانی کوردی له ماوەی ئەو سێ مانگەدا دادگایی و سزای له ٥ مانگ و یەک ساڵ و دوو ساڵ را بگره تا ٢٥ ساڵ زیندانیان به سەر دا سەپاوه.
چەند نموونەیەکی دیکەی پێشێلکاریی مافی مرۆڤ له کوردستان لەو ماوەیەدا بریتین له:

• له کار بێکاررکرانی ٦٠ کەس له کرێکارانی شارەداری بۆکان له مانگی خاکەلێوەدا

• راگوێزرانی ٣٥ زیندانیی سیاسیی کورد له ٢٥ ی خاکەلێوه بۆ گرتووخانەی گەوهەردەشتی کەرەج که به قەتڵگای زیندانه سیاسییەکان ناسراوه.

• داخرانی گۆڤاری خوێندکاریی رۆژەڤ له تاران به بڕیاری ناوەنده ئەمنیەتییەکان

• کوژرانی لانیکەم ٦ کەس له پێکدادانەکەی رۆژی ١ ی بانەمەڕی حەسەناوای سنه به دەستی هێزەکانی کۆماری ئیسلامی

• بێبەشبوونی خەڵکانێکی زۆری کوردستان له وەرگرتنی یارانەکان به هۆی پڕنەکردنەوەی فۆرمەکان له کاتی خۆیاندا

• له کار بێکارکرانی ٥٥٠ کرێکاری کوردی مەعدەن و کارخانەی زێڕی «ئاق دەرە»ی تێکاب

• له کار بێکار کرانی ١٢ کرێکاری کارخانه ئاردی شاری سەقز

• ئێعدامکرانی زیاتر له ٢٥ کەس له زیندانی ورمێ له ماوەی سێ مانگی بەهاردا له ژێر ناوی قاچاغی ماده هۆشبەرەکان

• داخرانی» هەرەوەز» و «بوژان» دوو بڵاوکراوەی کوردی زانکۆی ورمێ

****

با مصطفی هجری له ئاڵوگۆڕەکانی رضا پهلوی ئاگادارمان کاتەوە!

هێمن سەیدی

ئێمەی کورد دەگەڵ ئەو کابرایە و دەگەڵ باب و باپیریشی کێشەمان بووە، جیا لەوەی کە ٥٧ ساڵ دەسەلاتی پهلوی تەنیا سەرکوت و تواندنەوەی بۆ کورد و پیلانی بۆ شۆرشەکەی تێدا بووە (تەنانەت لە دەرەوەی سنووری ئێرانیش)، بەلکو لە سەردەمی باوکی دا، باوکی نەتەوەی کورد لە سێدارە دراوە. واتە بە قەولی خۆیان «پدرکشتگی»مان هەیە. راستە لە سیاسەتدا دۆستایەتی و دوژمنایەتیکان، هەتاهەتایی نین بەلام داخوا چ ئالوگۆرێک لە بیر و کرداری رضا پهلوی دا دراوە و ئێمە ئاگادار نین؟ جەنابیان لە ٣٣ ساڵی رابردوە تاکو ئێستا کە پێی وایە خوێنی پاشایەتی لە دەماری دایە و ئەرکی پیرۆزی پێ ئەسپێردراوە، بە تەواوی دیفاعی لە کارنامەی باب و باپیری خۆی کردووە. لە ئاخرین وتوویژی لە بەرنامەی پارازیت دا، هەموو دیکتاتۆری و جنایەتەکانی بابی بە «دلسوزیهای زیادی» پێناسە کرد. بەراستی داخوا کاک مصطفی لە چ ئالوگۆریک ئاگادارە کە ئاوا بە خشکە لە رضا پهلوی نیزیک بۆتەوە و هەموو کێشەکانی رابردووی «زیر سبیلی» گرتووە؟ خوا بکا دیسان خراپ حالی نەبوبێ و لێکدانەوەی هەڵەی لەسەر: فیدرالیزم، هێرشی نیزامی، تریبۆنی «صدای آمریکا»، گەرانەوەی پاشایەتی و یا مەرگی چالاکانی سیاسی ناوخۆ نەکردبێ. با هەر کامیان زۆر بە کورتی لێکدەینەوە:

فیدرالیزم؟

رەنگە ئەوەی کە جارێک رضا پهلوی لە کۆرێکی بچوکدا گوتبێی فیدرالیزم دەکرێ وەکوو «یکی از گزینەهای احتمالی» بۆ داهاتووی ئێران لەبەر چاو بگیرێ، بوبێتە هەوێنی دلخۆشی کاک مصطفی. بەلام ئەگەر پێوانە ئەوە بێ، خۆ محسن رضایی زۆر زیاتری باسی فیدرالیزم کردووە و تەنانەت لە بەرنامەی سیاسی خۆی لە کاتی پێشبرکێی سەرۆک‌کۆماری لە تلەویزیۆنی حکومەتیی ئێرانیش‌دا باسی کردووە. ئەگەر پێوانەش هێز و دەسەلات بێ، خۆ دەسەلاتی ئێستای محسن رضایی و ئەگەری دەسەلاتداریی لە داهاتوودا، زۆر لە رضا پهلوی زیاترە. ئێستا ئێمە دەبێ چ بکەین؟ مەجبورین هەڵبژێرین؟!

هێرشی نیزامی؟

رەنگە هەست کردن بە نیزیک‌بونی هێرشێکی نیزامی، دیسان کاک مصطفی‌ی هەلخەلەتاندبێ. ٦ ساڵ پێش ئێستا لە پێلێنۆمی حدکا دا (٣٠ جۆزەردانی ١٣٨٤) کە ئەوکات ئەو ئەگەرە زۆر بەهێزتریش بوو، پێی گوترابوو کە حیساب لەسەر هێرشی ئامریکا، هەم خەونە و هەم شەرمە! خەونە چون هیچکات وەدی نایە، شەرمە چون پێ لە جێ پێی مارینزی ئامریکایی بنێی و بچێوە ولاتەکەت، زیاتر لەوەی کە شۆرشگێری نەتەوەکەت بی، بەکرێ‌گیراوی داگیرکەرێکی دیکەی. رەنگە هێرشی نیزامی بۆ رضا پهلوی کە حازرە بە هەر قیمەتێک دیسان بە دەسەلات بگا، خەونێکی زۆر خۆش بێ، بەڵام لە هەلومەرجی ئێستادا، بۆ کورد و بزوتنەوەکەی، مالوێرانکەرێکی دیکە دەبێ.

تریبۆنی «صدای آمریکا»؟

بۆچیتە کاک مصطفی؟ دەتهەوێ لە صدای آمریکا بلێی چی؟ ئەگەر دایبنێین ئەوجار قسەی زۆر جوانیش بکەی، باندی رضا پهلوی زۆر ئیعتباری لەو تریبۆنە نەماوە. چەند ساڵە بەشێکی زۆری بەرنامەیەکی حەوتوانە، بۆ تەوجیهی جینایەتەکانی سەردەمی پهلوی تەرخان کراوە (لە رێگای مقایسەی ئێستا و رابردوو کە جنایەتەکانی کۆماری ئیسلامی زیاترە لە پهلوی و گۆیا خەلک دەبێ یەکیان هەلبژێرن!) بەلام ئەو بەرنامەیە هیچ کەسی نەکردە شاپەرەست، بەلکو زیانێکی زۆری بە صدای آمریکا گەیاندووە. سەبارەت بە داکۆکی لە کێشەی کوردیش، رۆژنامەوانە

سەربەخۆکەی! کاک مصطفی‌ش، رەسمەن لەو تریبۆنە رایگەیاند «کردستان جزء تفکیک ناپذیر ایران است» تا بەشکم دیسان دەعوەتی کەنەوە. یانی ئەگەر مەینەتی و نیگبەتی کورد دەیان ئەوەندەش بێ هەر ئەوەیە کە هەیە، شۆونیستە کان، فەقیرانە چی دیکەیان گوتوە لەوە زیاتر؟ نیزیک بونەوە لە رضا پهلوی ئەگەر تەنانەت جیا لە تریبونی دەنگی ئامریکا، یارمەتی مالیشی بەدوا دابێ، نرخێکی یەکجار زۆرە کە تەنیا حدکا نایدا بەلکو لە دەرەوەی کوردستان بە حیسابی خەڵکی کوردیش دەنوسرێ.

گەرانەوەی سیستمی پاشایەتی؟
هیچ نیشانەیەک نابیندرێ کە خەلکی ئێران لە داهاتودا حکومەتێکی پاشایەتی (تەنانەت ئەگەر سیمبولیکیش بێ) هەلبژێرن بەلام ئەگەر وەکوو گریمانێکی زۆر لاوازیش حیسابی بۆ بکەین ، پرسیار ئەوەیە بۆ رضا پهلوی؟ پاشایەتی پهلوی بە بوق و زورنا رویشت و تەواو بوو. ئەگەر قەرار بێ لە «مجلس موسسان« یک دا، پاشایەک بۆ ئێران هەلبژێردرێ ، هەر ئێرانیەک دەتوانێ کاندید بێ و بۆ وێنە شانسی کەسێکی هاوفکری مصدق یا فروهر زۆر زیاترە لە شانسی کوری جنایەتکارێکی وەکوو محمدرضا پهلوی.

مەرگ و فەوتانی چالاکانی سیاسی ناوخۆ؟
دوو سال پێش ئێستا کاک مصطفی و حیزبەکەی حەیای هەر کەسێکیان دەبرد کە ناوی موسوی و کروبی بە زاری دا هاتبا، رابردوی سیاسی ئەو دو کەسایەتیە جێی دیفاع نیە بە لام روون و ئاشکرایە کە هەر دوکیان، ئال‌و گۆر بە بیر و کرداریان دا هاتوە ، ئامادەشن بە نرخی گیانی خۆیان و بنەمالە و دۆستانیشیان بێ ، نرخی ئەو گۆرانە بدەن، بەلام رضا پهلوی چ ئالو گۆرێکی کردووە ؟ کاک مصطفی چ بەلگەیەکی هەیە کە ئەو کاک رەزایە، رضا پهلوی جاران نەماوە؟ کروبی و موسوی کە لەناوخۆی ولاتدا خەریکن نرخی گۆرانە سیاسیەکانی خۆیان دەدەن ، هەزار شەرەفیان بە سەر رضا پهلوی دا هەیە کە تەنانەت لە خۆکوشتنی براکەشی وەک دوکانێک بۆ بازار گەرمی ئیستفادە دەکا، ئێستا چ بوە کە پێیان وایە کروبی دەبێ دادگایی بکرێ و موسوی دەبێ ئیعدام بکرێ بەلام رضا پهلوی دەبێ خەلات بکرێ و لە سەر شانی کوردان ، بگەرێتەوە سەر تاج و تەختەکەی؟

هێمن سەیدی ، پوشپەری ۱۳۹۰ هەتاوی

* لە لاپەڕەی فەیسبووکی نووسەر هەڵگیراوە

❊❊❊❊❊❊❊❊❊❊❊❊❊

کارنەکردن بە بڕیاری ژمارە (١٥٠)ی ساڵی ١٩٨٧ دەستکەوتێکی گرنگی کرێکارانی عێراقە

مەغدید باشە*

لەم ڕۆژانەدا وەزیری کاروکاروباری کۆمەڵایەتی حکومەتی ناوەند داوایکرد کەوا چیتر کار بەبڕیارە شومەکەی ڕژێمی پێشووی عێراق نەکرێت, لەبەرئەوەی بۆتە مایەی نیگەرانی کرێکارانی عێراقو سەندیکاکانیان زەرەرێکی زۆریان پێگەیوە, گومان لەوەدانییە ئەم بڕیارە لەکاتی خۆی کارێکی جەرگبڕبووە, کرێکارانی کردووە بەدوولەت واتە کرێکاری کەرتی فەرمانگەکانی حکومی بەناو کراون بەفەرمانبەر, ئەم کارەش کاردانەوەیەکی خراپی هەبوو لەناو بزووتنەوەی سەندیکایی جیهانو هەروا ڕێکخراوی کاری نێودەوڵەتیو ڕێکخراوی کاری عەرەبی بەم بڕیارە ڕازی نەبوون, بۆیە زۆربەی کرێکارانی عێراق دابڕان لەبزووتنەوە کرێکارانی جیهان, کرێکارانی کەرتەکانی تایبەتو تێکەڵاویش بەسترانەوە بەیاسایەکی لاواز بەژمارە (٧١)ی ساڵی ١٩٨٧ چەندین مافیان لێسەندرایەوە کەلەیاسای پێشوتر هەیانبوو, بەیاسای(١٥١)ی ساڵی ١٩٧٠ لەکارخراو, ڕژێمی ئەوسا دەستی بەسەر موڵکو پارەو مافی کرێکاران داگرتو لەسیستەمی بەرەو سۆسیالیزمی پاشگەزبۆوەو موڵکو ماڵی کرێکارانی فرۆشتە سەرمایەدارانو لەشەڕە دۆراوەکەی عێراق-ئێران بەفیرۆیدا.

لێرەدا ماوەیەتی بڵێین بەیەکگرتنەوەی ئەم دووباڵەی کرێکاران لەژێر چەتری سەندیکایەک کەهەموو ئامانجەکانی خواستو ویستی داکۆکی کردن بێت لەمافو بەرژەوەندییەکانی کرێکارانو یاسایەکی کاری هاوچەرخ بێتو بەرژەوەندییەکانی کرێکارانی تیا پارێزراو بێت, لەوانە کرێکارانی بیناسازیو سەرشەقامەکان ئەم مافانەی بەپێی یاسای ژمارە (١٥١)ی ساڵی ١٩٧٠ی لەکارخستوی پێ بدرێتەوە. کەلەخوارەوە هاتوون ئەوکات ئەبنە هێزێکی لەبن نەهاتووی کرێکارانی فکرو بازووی عێراق بەهەرێمی کوردستانیشەوە..

لەیاسای ژمارە (١٥١) ١٩٧٠سەندیکای کرێکاران لەم شوێنانە نوێنەریان هەبوو

١-بەپێی یاسای ژمارە (١٥١)ی سەرجەم کرێکارانی کەرتەکانی گشتیو تێکەڵاو تایبەتی بەشێوەیەکی (اجباری) بوون بەئەندام لەسەندیکای کرێکارانی عێراق بەگشتی لەژێر چەتری سەندیکاکانیان کۆبوونەوە

٢-دیاریکردنی کاتی دەست بەکاربوونی کرێکارو تەواوبوونی کارەکەی (انها الخدمه)

٣-دیاریکردنی ڕۆژانەی کرێکاران (تحدید الاجور).

٤-دادگای کار (محکمه العمل) دادوەر+بەڕێوەبەری کارگە + نوێنەری کرێکاران لەبەغدا هەبوو بەپلەی بەڕێوەبەری گشتی.

٥-لەهەر ناوەندێکی کارکردنی کارگەکاندا ژمارەی کرێکاران لە (٣٠)کرێکار زیاتر بوایە لیژنەی هاوبەشی هەبوو (الجنه العمل المشترک) بەپێی مادەی (٣٤) لەیاسای ژمارە (١٥١)ی ساڵی ١٩٧٠.

٦-دامەزراوەی خانەنشینو دەستەبەری کۆمەڵایەتی (موسسه التقاعد وچمان الاجتماعی) لیژنەیەکی هاوبەشی هەبوو لە (٦) ئەندام پێکهاتبوون نوێنەری کرێکاری تیابوو بەپلەی بەڕێوەبەری گشتی.

٧-بەڕێوەبەرایەتی بەکارخستنو ڕاهێنانو ئامادەکردنی پیشەیی نوێنەری کرێکاری تیابوو.

٨-لەبەڕێوەبەرایەتییەکانی خانەنشینو بیمەی کۆمەڵایەتی بۆ ئافرەتانی کرێکار دایکە +مۆڵەتی تەندروستیو شوێنی کاری گونجاو هەبوو.

٩-بەپێی بڕیاری ژمارە (١٥٠) ڕژێم دەستی بەسەرپارەی کرێکارانی دابین کراو داگرت کەبڕی (٨٥٠)ملیۆن دیناری عێراقی ئەوکات بوو.

١٠-بەدرێژایی تەمەنی یاسای ژمارە (١٥١)ساڵی ١٩٧٠ تاکو ساڵی ١٩٨٧ (١٤)جار هەموار کراوە هەمووشی لەبەرژەوەندی خاوەنکار بووە.

١١-بەپێی بڕیاری (١٥٠)ی ساڵی ١٩٨٧ کرێکاران بوونە دوڵەت: یەکەم کەرتی گشتی بەناو بوونە فەرمانبەرو مافی ڕێکخستنی سەندیکاییان لێ قەدەغەکرا.

١٢-کەرتی دووەم واتە کەرتی تایبەت لەژێر چەتری سەندیکامانەوەو بێ بەشکران لەم مافانەی لەسەرەوە هاتوون دەست بەسەر موڵکو ماڵی سەرجەم کرێکارانی داگیراو یاسایەکی لاوازیان بۆ داناو تاکو ئێستا کرێکاران بەدەستییەوە دەناڵێنن.

١٣-بەپێی یاسای ژمارە (٧١)ی ١٩٨٧ بوون بەئەندام لەسەندیکاکانی کرکاران ئارەزوومەندانەیە واتە (اختیاری)یە , پێچەوانەی سەندیکاکانی تری وەک ڕۆژنامەنووسانو مامۆستایانو پارێزەرانو ئەندازیارانو کارمەندانی تەندروستیو هیتر..!

سەندیکاکانی کرێکارانی لقی هەولێر

****

سۆنیا سدیق : ئافرەتان هیچ رۆڵێکی راستەوخۆیان لەسیاسەتدا نەبووە

لەدوای گۆڕانکارییە گەورەکان لەساڵی ٢٠٠٣ لەعێراق و لە ٢٠١١ ش لەژمارەیەک لەوڵاتانی عەرەبی رۆژهەڵاتی ناوەڕاست و بەرەو پێشچوونی جیهانگری و دنیای تەکنیک، دواجار دواین رەوشی ئافرەتان لەهەرێمی کوردستان لە چ قۆناغێکی سیاسیدایە؟ ئافرەتان بۆچی هەمیشە بۆ ئازادییەکانیان خۆیان بەراورد بەئازادی پیاو دەکەن، ئایا پیاوان بۆخۆیان هێندە ئازادان، دواجار باوک سالاریش بووتە مۆتەکە و لەئافرەتان نابێتەوە، کەی و چۆن دەکرێت ئافرەتانیش بەمافە سیاسییەکانی خۆیان بگەن، رێگای کوردستان بۆ قسەکردن لەسەر ئەم تەوەرە لەگەڵ رۆژنامەنوس و چالاکوانی بواری ئافرەتان (سۆنیا سدیق) گفتوگۆیەکی ئەنجامداوە.

رۆڵ و کاریگەرییەکانی ئافرەتانی کوردستان لەهەرێمی کوردستاندا بەتایبەت لەبورای سیاسەتدا چۆن هەڵدەسەنگێنی؟



-وەک ئاشکرایە رۆڵی ئافرەت بریتییە لەرەنگدانەوەی واقیعی کۆمەڵایەتی، نەک تەنها رۆڵی ئافرەت، بەڵکو رۆڵی هەموو تاکەکانی بریتییە لە رەنگدانەوەی ئەو واقیعە کۆمەڵایەتییەی تیایدا دەژین، ئافرەتان هیچ رۆڵێکی راستەوخۆیان نەبووە لەبواری سیاسەتتدا ، ئەگەر رۆڵێکیشی هەبووبێت بەردەوام لەپشتەوەی رۆڵی پیاو نواندویێتی ، بەردەوام پیاو ئەو بوارەی بۆ رەخساندووە کە ئەوەندە خۆی رۆڵی پێ بدات، واتە پیاو بەپێی پێوەرەکانی عەقڵییەتی پیاو سالاری بواری بۆ ئافرەت رەخساندووە، نەک بە پێی بەرژەوەندییەکانی ئافرەت و بە پێی عەقڵیەتی ئافرەت، ئەمە واقیعێکە ئێمە تیایدا دەژین وەک کۆمەڵگایاکی تەقلیدی واتە کۆمەڵگای باوک سالاریی، هەمیشە رۆڵی پیاو لە پێشەوەیە، چونکە پیاو دەسەڵاتی بە دەستە، ئەم واقیعە پێمان دەڵێت ئافرەت لەسێ بواری گرنگەوە زیانپێدەگەینرێت؛ یەکەمیان سستمی کۆمەڵایەتی باوک سالارییە واتە هەموو دەسەڵاتەکانی فەرمی و نافەرمی موڵکی پیاوانە، دووەمیان بیروباوەڕی باو کە لە لایەن خەڵکییەوە پەیرەو دەکرێت هیچی لەبەرژەوەندی ئافرەتدا نییە، بەڵکو هەمووی دژ بە تواناکانی ئافرەت دەڕوانێت، سێیەمیان ئایین، ئەو ئایینەی باوەڕمان پێی هەیە رێگە نادات ئافرەتان لە هەموو بوارەکان رۆڵیان هەبێت. ئیتر لەناو ئەم ژینگەیەی باسمان کرد، ئافرەت چۆن دەتوانێ رۆڵی هەبێت لەسیاسەتدا؟ چۆن بتوانێت لەناو حزبەکاندا رۆڵی هەبێت؟ لەناو ژینگەیەکی کۆمەڵایەتی بشێواودا ئافرەتان ناتوانن پۆزەتیڤانە رۆڵی سیاسییان بنوێنن، بەردەوام ئافرەتی ئێمە وەکو تاکێکی نێگەتیف سەیری کراوە، بەدرێژایی مێژوو ئافرەت بگرە لە قۆناغی منداڵییەوە کە هێشتا سەر و سیمای مێینە و نێرینەیی مرۆڤ کامڵ نەبووە بە شێوەیەکی جیاوازو بە چاوێکی کەمتر مامەڵەی لەگەڵدا دەکرێت بە بەراوردکردن لەگەڵ شێوەی مامەڵەکردنی کوڕاندا، ئەم جیاوازکارییە لەکاتی منداڵیدا کاریگەری نێگەتیف لەسەر ئافرەت دروست دەکات، دواجار ئەو ئافرەت باوەڕەی بەخۆی نابێت، لەبەرامبەر ئەمەدا پیاو باوەڕی بەخۆی زیاترو پتەوتر دەبێت، چونکە زەمینەیەک هەبووە لەپەروەردە چ لەماڵەوە چ لە دەزگاکانی پەروەردەیی، ئەمانە وادەکەن ئافرەت رۆڵیان نەبێت لەناو حزبەکاندا و لەناو دەسەڵاتی سیاسیشدا.

ئایا سیاسەت بۆخۆی وەکو چەمکەکە رێگرە لەبەردەم ئافرەتاندا، یان بەپێچەوانەوە ئافرەت بۆخۆی توانای ئەو هونەرەی نییە کە سیاسەت مومارەسە بکات؟

ئەگەر سیاسەت بەهونەر بزانین، ئەوا هونەر هی هەموو مرۆڤایەتییە، ئەگەریش سیاسەت شێوازی رێکخستنی ژیان بێت، ئەوا ئافرەت لەبەرئەوەی دایکە، بۆیە (ئافرەت نە بێت کۆمەڵگاش نابێت) پێچەوانەکەشی هەر راستە، هەروەها لەبەر ئەوەی ئافرەت و پیاو مانای مرۆڤبوونیان پێکەوە کامڵ دەبێت، ناکرێ ئێمە بڵێین کێشەکە لەئافرەتتدایە،

ئەگەر ئەو هۆكارانەی كە كاریگەرییان هەبووە لەسەر ئافرەت بگۆڕدرێ، ئەوا ئەو بڕوابونەی كە هەیبووە دروست دەبێتەوە، نمونەی ئافرەتانێكمان هەیە كە لەئاستی سیاسەتی باڵادا رۆڵیان هەبووە و تەنانەت پۆستی سیاسی زۆر هەستیار و كاریگەریشیان هەبووە تەنانەت لەوڵاتە رۆژهەڵاتییەكانیشدا، دەبێ ئەوەش بڵێم كە كۆمەڵگای ئێمەش و كۆمەڵگای ئەوروپی و خۆرئاوایش بەنیسبەت ئافرەتەوە یەك رژێمن ئەویش پیاو سالارییە، بەڵام لەخۆرئاوا ئایین جیاكراوەتەوە لەدەسەڵات، بۆیە پانتایی ئازادی بۆ ئافرەت زیاتر فەراهەمبووە، هەروەها لەرووی یاسایشەوە كاركراوە بۆ فەراهەمكردنی مافەكانی ئافرەت, ئەوە ئەوەمان بۆ دەردەخات كە لە كۆمەڵگاكانی رۆژئاوا ئاستی وشیاری یاسایی لە پلەیەكی بەرزدایە.

لێرەوە ئەتەوێ كۆمەڵگا رۆژهەڵاتییەكان باوك سالارییەكی خراپە، بەڵام لەوڵاتانی رۆژئاوا پیاو سالارییەكی باشە؟

چاكە و خراپە لێرەدا قسەیەكی لەسەر ناكرێ، لەوێ چاكسازی كراوە، لەوێ توانراوە تاڕادەیەك مافی ئافرەتان بپارێزرێ، نەك تەنها هی ئافرەت، بەڵكو هی هەموو مرۆڤەكان، بەڵام لێرە هیچی بۆ ناكرێ ....

مەبەستت ئەوەیە كە بەردەوام چاوەڕێیە پیاو شتێكی بۆ بكات؟

نەخێر، بانمونەیەك بهێنمەوە بۆ رونكردنەوەی قسەكانی پێشوم، كاتێك رەش پێستەكان لەسەر ئاستی مرۆڤ هیچ حسابێكیان بۆ نەدەكرا هەموو مافەكانیان وەك مرۆڤ لێسەندرابۆوە، ئەمە رەوابوو؟! باشە كاتێك مافەكانیان بە دەست هێنا پێیان درایەوە؟ یان مافێكی زەوتكراوبوو دەبووایە پێیان بدرایەتەوە! ناحەقییەك كراوە بەرامبەر ئافرەت ئەو ناحەقییە نابێ بەردەوامبێ، مافی من بەدەستی پیاو نییە، خوێندنەوەمان بۆ واقیعی كۆمەڵایەتی زۆرگرنگە بۆ ئەوەی تێبگەین لەدۆخی ئافرەت، من گەر بەشەقامێكدا تێپەڕم هەموو پیاوێك خۆی بەخاوەنی من ئەزانێ ئەمە ئیتر بووە بە دیاردەیەك وەك بیرێكی باو پەیرەو دەكرێت، پیاو ئەگەر چەند رۆشنبیربێت وزانابێت ئەگەر پێی بڵێن تۆ ژنی رەنگە بەرامبەرەكەی هەر نەهێڵێت بەلای كەمەوە دوو سێ بۆكسیش دەهاوێت.

پێت وانییە ئافرەت خۆشی هەوڵێكی ئەوتۆ نادات بۆ بەدەستهێنانی مافی خۆی، بۆنمونە ئافرەتێك ئامادەیە لەبەرگی پیاوێكدا ببێتە ئەندامی مەكتەبی سیاسی حزبێك، بەڵام بوونەكەی بوونێكی پیاوانەیە؟ یان نەخێر ئێوە پێتان وایە كە هەوڵێكی جددی لەلایەن ئافرەتانەوە هەیە بۆئەوەی كە ڕۆڵێكی جددیان هەبێت لەسیاسەتتدا؟

كە باسی پیاو سالاریمان كرد، تەنها مێشكی پیاوان ناگرێتەوە، بێگومان مێشكی ئافرەتانیشی داگیركردووە، هەربۆیەش ئافرەتمان هەیە كە پۆستی بەرزی هەیە لە ناو حیزابەكاندا هەرچەندە لە پەنجەكانی دەست تێپەڕ نابن، بەڵام بەعەقڵییەتی پیاو بیردەكەنەوە و كاردەكەن، ئێمە لەناو یەك پرۆسەیەكی بەكۆمەڵایەتیبونداین، بۆیە ئافرەت و پیاویش هەریەكە وەك تاكێك لەناو ئەم پرۆسەیەدا، ئەگەر لەرووی (بایەلۆجیوە) جیاوازیان هەبێت، واتا جیاوازی جەستەیی لەنێوان پیاوان و ئافرەتان ئەوە پێویستییەكە بۆ بەردەوامی ژیان، ناتوانیت بێیت بیكەیت بەهۆكار، ئەگەر ئەو جیاوازییە نەبێت ژیان بەردەوام نابێت، ئەو ئافرەتانەشی كە لەدەسەڵاتتدان و وەكو پیاو بیردەكەنەوە لە ژێركاریگەری ئەو پەروەردە كۆمەڵایەتییەدان كە پێشتر ئاماژەمان پێكردوە و ئەو وشیارییە جێندەرییەیان نییە تا هەست بەخۆیان بكەن و باوەڕیان بەخۆیان بێت، ئەگەریش بەعەقڵییەتی پیاو بیرنەكەنەوە بەدەگمەنە بگەنە پۆستێكی بەرز، ئەبێت لەپەراوێزی پیاودا كاربكەیت ئەگەر ئافرەتبیت بۆ ئەوەی پۆستت پێ بدرێ. ئەم جۆرە ئافرەتانە ئەوەندە لەژێر زیهنییەتی پیاودان، جاری وا هەیە زیان لە بەرژەوەندییەكانی خۆشییان ئەدەن بەبێ ئەوەی ئاگایان لەخۆیان بێت، بەهۆی ناوشیاری جیندەرییەوە مەبەست لەوەیە كە ئافرەت و پیاو كاتێك لە دایك دەبن جیاوازییان نییە، با كەمێك ئەمە شی بكەمەوە؛ ئافرەتێك وەكو پیاوێك پەروەردە بكە هەموو ئاكار و كەسایەتی بەرەو پیاوەتی دەچێت، ئەمە پێچەوانەكەیشی راستە، گرفتی تاكی كۆمەڵگا تەقلیدییەكان ئەوەیە هزر بەرهەمناهێنین تەنها وەریدەگرینەوە وەك خۆی بە ئامادەكراوی واتە هیچ شیكردنەوەیەكی زانستی و لۆژیكیمان نییە بۆ كێشەو پرسەكانمان بۆیە داهێنان ناكەین لەبیركردنەوەدا هەر ئەمەشە جیامان دەكاتەوە لەكۆمەڵگا مۆدێرنەكان.

لەهەرێمی كوردستاندا ساڵانێكە كە ژمارەیەك لەئافرەت و رێكخرا و تەنانەت هەندێ لەكەسایەتییە پیاوەكانیش كە داوای مافەكانی ئافرەت ئەكەن بەم شێوەیە دەری ئەبڕن، ئافرەتیش وەكو پیاو دەبێ مافی هەبێت ئازادی هەبێت، پرسیارەكە لێرەدایە؛ پیاوان تاچەند لەم هەرێمەدا و لەم كۆمەڵگا تەقلیدییەدا كە تۆ ناوت نا خاوەن ماف و ئازادین تا ئاقرەتان خۆیانیان پێ بەراورد بكەن؟

لە كۆمەڵگای ئێمەدا ئەگەر پیاوان یەكجار بچەوسێنەوە ئافرەتان دووجار دەچەوسێنەوە، پیاو

بەدەستی (هەرشتێک) بچەوسێتوە، ئافرەت بەدەستی (ئەو شتە) و پیاوەکەش دەچەوسێتەوە، ئافرەت لەم کۆمەڵگایەدا چ سونبولێکی ئازادی هەیە! کە هەموو شتێک بیرە باوەکان بەڕێوەی دەبات، بۆیە ئەو نموونەی ئازادی لەو ئازادییە تەسکەی پیاوی کۆمەڵگای ئێمەدا هەیەتی دەبینێت و بەغیلی پێدێت، چونکە ئەو وشیارییە جێندەرییەی نییە کە بزانێت ئازادییەکەی ئەو زۆر لەوەش فراوانترە، ئازادی پیاوەکەش زۆر لەوە فراوانترە کە دەبوا هەیبێت لە ناو کۆمەڵگادا، پیاوانیش داهێنانی سیاسییان نەکردووە، پێوەری باشترین کەرەستە بۆ داهێنان و پێشکەوتن دۆخی ٣ توێژە لەکۆمەڵگادا (ئافرەتان، منداڵان و پیرەکان)، ئافرەتان بەگشتی لەپانتاییکی تەسکدا کار دەکەن، تا ئێستا نەبونەتە بزوتنەوەیەکی بەهێز بۆ ئەوەی مافەکانی خۆیان بە دەست بهێنن، پیاوانیش هەمیشە بەگوێرەی بەرنامەیەکی داڕێژراو کاردەکەن بۆ ئەوەی ئافرەتی بەتوانا نەگەنە دەسەڵات وەک چۆن لەبەرامبەر پیاوی تواناداریشدا هەمان سیاسەت دەگوزەرێ بەڵام بەشێوەیەکی کەمتر، داواکارییەکانی ئافرەتیش بەتایبەتی ئەوانەی لەرێکخراوەکاندا کاردەکەن جەوهەری نین.

لەکۆمەڵگای هەرێمی کوردستاندا تا دێت رێکخراوەکانی بواری ئافرەتان ژمارەیان روو لەزیادبوونە، لەبەرامبەریشدا توندوتیژییەکانی دژ بەئافرەتان زیاتر ئەبێت، رای تۆ لەم ڕووەوە؟

رێکخراوەکان رزگارییان نەبووە لەرەنگی حزبی و بەرژەوەندی تایبەت، هەر رێکخراوێک کە دروست دەبێت هەست بە بەرپرسیارییەتی بە شێوەیەکی ئۆتۆ ناکەن لەبەرامبەر کێشەکانی کۆمەڵگاکەیان، هەر کاتێکیش رێکخراوەکە دەست بەکاردەبێت زەمینەکە هەمووی بۆ ئەوە خۆشدەکات چۆن سوود وەربگریت تا چەندیش لە بەرژەوەندی تایبەتی خۆیدایە، ئەمەشدەبێتە هۆی ئەوەی رێکخراوەکان بەجوانی کاری خۆیان نەکەن، هەرکاتێک ئەم رێکخراوانە بوون بەهۆکاری پاڵەپەستۆ لەبەرامبەر هەڵەکانی دەسەڵات لە هەموو بوارەکان وتوانیان بە پێی زەرورە یاسا بگۆڕن هەڵبەت لەڕێگەیەکی مەدەنییەوە ئەوکات ئێمە دەبینە کۆمەڵگایەکی مەدەنی، هێشتا ماومانە بۆ ئەو قۆناغە، تا دێت رێکخراوەکان زیاد دەبن، بەڵام هیچ بەرهەمێکیان نەبووە، کاریگەرییان نەبووە بەسەر پرۆسەی گۆڕان لەکۆمەڵگادا، بەبوون و نەبوونیان هەست بەشتێکی ئەوتۆ ناکەیت، چونکە کاریگەرییەکی ئەوتۆیان نەبووە، هەندێکیان ئەکتیفن، بەڵام سەقفی داواکارییان زۆر نزمە، چونکە هێشتا ئایدیای ئێمە بۆ کاری رێکخراوەیی لەئاستێکی نزمدایە.

ئەو خۆپیشاندانانەی کە لەچەندین مانگی رابردوودا روودەدەن و تا ئێستاش بەردەوامن و نیشتیمانی عەرەبی و رۆژهەڵاتی ناوەڕاستیان خستووەتە ژێر پرسیاری گەورەوە و گۆڕانکاری مەزنیشیان لەژمارەیەک لەوڵاتانی عەرەبیدا دروستکرد، پێت وایە کە ئافرەتانی ئەو وڵاتانەی کە خۆپیشاندانیان لێکرا توانیان بەژدارییەکی کاریگەر بکەن، قسەیەکەت هەیە لەم رووەوە؟

هەموو ئەو شۆڕشانەی کە لەرۆژهەڵاتی ناوەراستدا روودەدەن، باوک سالاری حوکم دەکات لەم وڵاتانەدا، لەوانەیە هەندێ وڵات دیموکراتیش بوبن، بەڵام لەدوای ئەم شۆڕشانە ئاراستەی وڵاتەکەیان بەرەوکوێ دەڕوات! هەموو ئاراستەکان بەرەو وڵاتانێکی ئاینی ئیسلامی دەڕوات، داواکارییەکان بەو ئاراستەیەیە، هەر پیاوبوو ئەو دەسەڵاتەی دروستکردبوو و ئێستاش هەر پیاوە ئەو دەسەڵاتەی قبوڵ نییەو دەیگۆڕێت، ئافرەت هەمیشە و لەهەموو جێیەکدا رۆڵی هەبووە، ئەگەر پیاوان بڕۆنە دەرەوە و سەرقاڵی شۆرش و رێپێوانبن، ئەی کێ پەروەردەی منداڵان بکات ئاگای لە ماڵبێت؟بێگومان ئافرەت. هەروەها لەوڵاتێکەوە بۆ وڵاتێکی تر جیاوازی هەیە، لە تونس بەرچاو دەکەوتن لەمیسر کەمتر و لەهەندێ وڵاتی تر رۆڵیان نییە، بەشێوەیەکی گشتی رۆڵێکی راستەوخۆیان نەبووە لەم شۆڕش و رێپێوانانەی ئەم دواییەی وڵاتانی رۆژهەڵاتی ناوەڕاست، چونکە پەراوێز خراوە، دواجاریش بڕوای بەخۆی نییە کە بێتە سەرشەقام و داوای گۆڕان بکات، چونکە لە بەرامبەر خۆشیدا بەردەوام کەسایەتییەکی نێگەتیڤە هەر بۆیە رۆڵەکانیشی نێگەتیڤە، رەنگە بارودۆخیان بەرەو خراپتریش بڕوات.

ئامادەکردن : عفان ئەحمەد
سەرچاوە: رێگای کوردستان

کازیوە بە دۆستان و هاوڕێکانتان بناسێنن!

ماهنامه

کازیوه

(سپیده دم)

شماره دهم

تیرماه ۱۳۹۰

نشریه جمعی از هواداران حزب توده ایران در کردستان



آزادی ، دموکراسی و عدالت اجتماعی

مطالب این شماره : **صفحه**

=====================

بەشی کوردی : **لاپەڕە**

مسئولیت مطالب درج شده در کازیوه بر عهده ی گردانندگان آن است و
مواضع رسمی حزب توده ایران در سایت حزب به نشانی :
http://www.tudehpartyiran.org /
انتشار می یابد.

- **تماس با کازیوه** : tudeh_kurdistan@yahoo.co.uk
- **پایگاه اینترنتی کازیوه** :

http://a1320.wordpress.com/

ضرورت مبارزه مشترک، برای آزادی زندانیان سیاسی

مبارزه متحد و مشترک در دفاع از جان و حقوق زندانیان سیاسی – عقیدتی بدون استثناء، و مهم تر از همه، آزادی فوری آنان وظیفه تأخیر ناپذیر کلیه نیروهای میهن دوست ایران است.
وضعیت زندانیان سیاسی طی هفته های اخیر در صدر خبرها و گزارش های رسانه های همگانی داخلی و خارجی قرار داشت. مرگ هدی صابر و افشاگری های پس از آن، موضوع حمایت از حقوق و مبارزه همه جانبه و مشترک برای آزادی زندانیان سیاسی به یک اولویت جدی بدل کرده است، و کمتر حزب و نیروی مسئول و متعهد مترقی و آزادی خواهی را می توان یافت که در این زمینه خواهان کارزاری متحد نباشد. اهمیت این موضوع، یعنی سازمان دهی کارزار گسترده ملی و بین المللی در اوضاع حساس فعلی دو چندان است. آنچه امروز در زندان های جمهوری اسلامی می گذرد نگرانی نسبت به وقوع فجایعی نظیر مرگ هدی صابر را افزایش داده است.
در خصوص این نگرانی باید به شهادت نامه ۶۴ زندانی سیاسی اشاره کرد که ابعاد و ژرفای خطر را در معرض دیدگان قرار داده و برجسته می سازد. دراین شهادت نامه که در پایگاه اطلاع رسانی کلمه، ۲۳ خرداد ماه، انتشار یافته است، ۶۴ زندانی سیاسی می نویسند: '' ما شهادت می دهیم هدی صابر در هشتمین روز اعتصاب غذای خود دچار درد در ناحیه سینه و اختلال در سیستم گوارشی شد که در ساعت چهار بامداد جمعه ۲۰ خرداد ماه برای نخستین بار به بهداری مستقر در زندان اوین جنب بند ۳۵۰ منتقل شد اما دو ساعت بعد در حالی که از درد به خود می پیچید به بند باز گردانده شد و از صدای فریاد او هم اتاقی هایش بیدار شده و دور او حلقه زدند. در این هنگام صابر گفت، در بهداری نه تنها هیچ رسیدگی به وضعیتم نشد بلکه مورد ضرب و شتم و توهین قرار گرفته ام و توسط ماموراني در لباس پرسنل بهداری از اتاق درمان بیرون انداخته شده ام.'' این ترسیم آن وضعیت هولناکی است که در زندان های رژیم ولایت فقیه حاکم بوده و هست. از دیگر سو، پایگاه اطلاع رسانی کلمه، ۲۳ خرداد، در یادداشتی افشاگرانه، با تاکید بر این مساله که سلامت زندانیان سیاسی با دیدگاه و سیاست حاکم بر قوه قضاییه و دادستانی در خطر جدی قرار دارد، می نویسد: ''زندانیان سیاسی عموماً از لحاظ جسمی و نیز محیط حاکم بر زندان در شرایطی هستند که بیماری های زیادی بر آنان عارض و یا بیماریشان تشدید می شود ... از این گذشته، رسیدگی به وضعیت سلامتی زندانیان کمتر شناخته شده یا بعضاً زندانیانی که شاید بیشتر مغضوب مسئولین فعلی قوه قضاییه هستند، گویا با کراهت بیشتری انجام می شود ... تصمیمات لجوجانه درخصوص وضعیت زندانیان اما تنها در به تعویق انداختن خدمات درمانی مورد نیاز زندانیان نیست. چه اینکه یکی از زندانیان این بند که بیماری اش به واسطه بی



توجهی مسئولین زندان تا حد غیر قابل بازگشتی پیش رفته بود و دیگر امیدی به درمانش وجود نداشت نیز، بعد از معاینات و قطع امید پزشکان از امکان درمان، مجددا به زندان باز گردانده شد و حتی در آخرین روزهای زندگی از همراهی خانواده محروم بود تا نهایتاً در اسفند ماه سال گذشته از پای درآمد.'' آنچه پایگاه اطلاع رسانی کلمه به صورت یاد داشت منتشر ساخته نشانگر اوج توحش دستگاه قضایی و ارگان های امنیتی رژیم ولایت فقیه است. درچارچوب برنامه و عملکرد قوه قضاییه و نهادهای امنیتی و دادستانی انقلاب اسلامی، جان و زندگی زندانیان سیاسی فاقد کم ترین ارزش بوده و برخلاف تمام موازین انسانی حتی زندانی بیمار در حال مرگ از همراهی با خانواده محروم می ماند. در تمام فجایعی که در زندان های رژیم ولایت فقیه رخ داده و می دهد، رهبران بلند پایه حکومت از جمله ولی فقیه، رییس قوه قضاییه، دادستان کل جمهوری اسلامی و دیگر مسئولان ارشد مسئول شناخته می شوند. به همین علت نیز فدراسیون بین المللی جامعه های حقوق بشر، در بیانیه یی مشترک با جامعه دفاع از حقوق بشر در ایران، به درستی و بر پایه موازین معتبر حقوقی، مسئولان جمهوری اسلامی را مسئول مرگ هدی صابر و دیگر زندانیان سیاسی معرفی کرده است.
همزمان با تعیین گزارشگر ویژه حقوق بشر برای ایران در شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد، وضعیت در زندان های جمهوری اسلامی روز به روز بدتر می شود.
مزدوران تاریک اندیشی با مانورهای مختلف و به کارگیری انواع شیوه ها از جمله شدت بخشیدن به فشار در زندان های سراسر کشور، می کوشند تا در برابر این خواست به حق حزب ها و نیروهای ملی، مترقی و آزادیخواه کشور، یعنی پایان دادن به سرکوب، شکنجه، اعدام، بازداشت های خودسرانه و آزار و اذیت زندانیان سیاسی، و مهم تر از همه آزادی بی قید و شرط کلیه زندانیان سیاسی بدون استثاء، مقاومت کرده و به اعمال وحشیانه خود ادامه دهند. بر پایه گزارش های موثق یکی از زندانیان سیاسی به نام کمال شریفی، که به صورت تبعید در زندان میناب

استان هرمزگان بسر می برد، در اعتراض به انتقال خود به سلول انفرادی دست به اعتصاب غذا زده بود.
خانواده این فعال در بند، طی نامه یی به مقام های مسئول قوه قضاییه، خواستار رسیدگی به وضعیت او شده و نسبت به وخامت وضع جسمی این زندانی سیاسی ابراز نگرانی کردند.
همچنین پایگاه اینترنتی نوروز، ۱۱ خرداد ماه، گزارش داد: ‘‘همه ۲۶ زندانی سیاسی شکایت کننده از سپاه پاسداران و وزارت اطلاعات به دادسرای اوین احضار شده و مورد بازجویی قرار گرفتند ... آنها از سوی مقامات تهدید شده اند که در صورت عدم تکذیب این نامه دوباره بازجویی خواهند شد و پرونده های جدیدی برای شان تشکیل می شود.’’
علاوه بر این، خبر گزاری هرانا، ۲۵ خرداد، نیز گزارش داد که، علی معزی، از زندانیان سیاسی دهه شصت، و تعدادی دیگر در یورش های ماموران وزارت اطلاعات در نقاط مختلف تهران دستگیر و روانه زندان شده اند. به تصریح فعالان حقوق بشر و دمکراسی، وضعیت این افراد در سلول های انفرادی به شدت نگران کننده است. مطابق همین گزارش ها، اعمال فشار به بهاییان بازداشت شده نیز شدت پیدا کرده و برخی از این هم میهنان در معرض شکنجه و آزارهای جسمی و روانی قرار دارند. همچنین خانواده بهنام ابراهیم زاده، از فعالان کارگری در بند، طی نامه یی با اعتراض به حکم ۲۰ سال زندان برای او نسبت به سلامتی این فعال سندیکایی ابراز نگرانی کردند. مخالفت مستمر مسئولان دستگاه قضایی با ورود گزارشگر ویژه حقوق بشر سازمان ملل متحد به ایران، ناشی از هراس از افشای همین واقعیت ها و بازتاب داخلی و خارجی آن است.
در این زمینه شیرین عبادی، در گفت و گویی که پایگاه اطلاع رسانی جرس، ۳۰ خرداد، منتشر ساخته است، یادآوری می کند: ‘‘مجموعه این عوامل نشان می دهد که حکومت در سنوات مختلف قصد جان سیاسی را می کند. یعنی وقتی که یک زندانی سیاسی حاضر به تمکین و مصاحبه و اقرار دروغین نمی شود به انحاء مختلف سعی می کنند او را بشکنند و یکی از این انحاء آزار و اَذیت جسمی است که در برخی موارد منجر به فوت می شود ... در حقیقت سیستماتیک است و یک سهل انگاری سهوی نیست و فقط توسط چند مامور دون پایه زندان اتفاق نمی افتد ... در اینجا به خاطر می آورم افرادی که در زندان کهریزک به دست جلادان رژیم کشته شدند. این ها نشان از یک حرکت سیستماتیک و منظم برای از بین بردن مخالفین سیاسی است.’’
بر پایه تمامی این واقعیت ها، مبارزه برای نجات جان زندانیان سیاسی یک وظیفه مبرم و تأخیر ناپذیر به شمار می آید! باید دست در دست یکدیگر به یاری زندانیان سیاسی بشتابیم و نگذاریم ارتجاع با ادامه سیاست ضد انسانی، هدفمند، و سیستماتیک خود، فاجعه های بیشتری بیافرینند. مبارزه متحد و مشترک در دفاع از جان و حقوق زندانیان سیاسی – عقیدتی بدون استثناء، و مهم تر از همه، آزادی فوری آنان وظیفه تأخیر ناپذیر کلیه نیروهای میهن دوست ایران است.

به نقل از
نامه مردم شماره ۸۷۲
، ۱۳ تیر ماه ۱۳۹۰

****

با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری
برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی
و طرد رژیم ولایت فقیه!

مبارزه زحمتکشان، مطالبات صنفی- سیاسی، و حقوق سندیکایی

با گذشت چهار ماه از آغاز سال نو خورشیدی، و به رغم ارعاب، ایجاد فضای امنیتی در کارخانه ها و واحدهای تولیدی-خدماتی، و نیز سرکوب و پیگرد فعالان سندیکایی، تنش، نارضایتی و مبارزه زحمتکشان با سیاست های دولت ضد ملی احمدی نژاد به قوت خود باقی است.
در عین حال نشانه های جدی یی از ژرفش نارضایتی ها و اوج گیری اعتراض ها در مرکزهای کارگری به چشم می خورد. این واقعیت با در نظر داشت برنامه های رژیم ولایت فقیه در خصوص آزاد سازی اقتصادی، که اصلاح قانون کار در بطن آن قرار دارد، وضعیت حساس و به طور کلی پر تنشی را پدید آورده است. کارگران و زحمتکشان با اجرای نسخه های صندوق بین المللی پول و بانک جهانی ـ که حذف یارانه ها و طرح تحول اقتصادی نام گرفته ـ بیش از هر زمان دیگری به لحاظ سیاسی و صنفی زیر فشار و در تنگنا قرار گرفته اند. از سویی برنامه آزاد سازی اقتصادی وضعیت معیشت، امنیت شغلی، و آینده آنان را در معرض نابودی و تهدید قرار داده است، و از دیگر سو از حق اعتراض و برخورداری از تشکل های صنفی- سندیکایی و نیز حزب سیاسی خود محرومند. خودکامگی و استبداد ولایی بازور و تهدید سیاست های خود را به زحمتکشان تحمیل می کند. با توجه به تحولات سیاسی کشور و شکل گیری و تداوم جنبش ضد استبدادی پس از کودتای انتخاباتی، رژیم از اوج گیری و گسترش اعتراض های کارگری بیم و هراس دارد، و از این روی، علاوه بر سیاست زور و سرکوب، در تلاش برای فریب زحمتکشان از هر راه و وسیله یی نیز استفاده می کند. در این زمینه کافی است به تبلیغات و ترفندهای دولت ضد ملی احمدی نژاد پیرامون مسایلی چون سهام عدالت و موردهایی از این قبیل اشاره کرد. در هفته های اخیر اما به موازات گسترش نارضایتی ها در مرکزهای صنعتی و کارگری، واکنش هایی معنادار و البته توام با هراس جریان ها و جناح های مختلف حکومتی در قبال حقوق و منافع طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان را شاهد هستیم. در گرماگرم اعتراض های پراکنده کارگری، و طرح خواسته هایی نظیر پرداخت به موقع دستمزدها، خبرگزاری ایلنا، ۱۷ خرداد ماه، در گزارشی نوشت: ''عملکرد مجلس هشتم در رابطه با کارگران رضایت بخش نبوده است. نمایندگان مجلس شورای اسلامی باید نسبت به کارگران کشور حساس تر باشند و از منافع این قشر حمایت کنند ... در طرح ها و لوایح مربوط به جامعه کارگری اثر گذار باشند و از حقوق کارگران دفاع کنند ... در حال حاضر کارگران فقط یک نماینده در مجلس دارند، جایگاه جامعه کارگری در مجلس باید تقویت شود.''

پس از گذشت مدت زمانی کوتاه، ایلنا، ۲۷ خرداد ماه، از قول یکی از نمایندگان مجلس، گزارش داد: ''افزایش مجدد مزد کارگران در دستور کار قرار گیرد. واضح است که حقوق ۳۳۰ هزار تومانی کارگران جوابگوی هزینه های زندگی نیست ... با درآمد هنگفت موجود در کشور و بودجه های کلانی که در اختیار دولت است وضع معیشتی کارگران نباید اینگونه باشد.''
در همین حال نایب رییس کمیسیون اجتماعی مجلس نیز با اشاره و اعتراف به افزایش قیمت ها بر اثر برنامه هدفمند سازی یارانه ها و مقررات زدایی، طی گفت و گویی اختصاصی با خبرگزاری کار ایران(ایلنا)، ۲۸ خرداد ماه، اعلام داشت: ''وزیر کار پاسخگوی وضع معیشت کارگران باشد. هم در برنامه ۵ ساله توسعه و هم در قانون بودجه سال ۹۰ تاکید شده که حقوق ها براساس نرخ تورم افزایش یابد. وزرای مربوطه در مورد تعیین قانونی حقوق ها به مجلس فراخوانده شده اند، به خصوص وزیر کار که باید در مجلس حاضر و پاسخگوی وضع معیشتی کارگران باشد.''
البته ظاهراً نایب رییس کمیسیون اجتماعی مجلس فراموش کرده است که بر پایه برنامه آزاد سازی اقتصادی که اتفاقاً مواد و تبصره های آن در مجلس و با رأی افرادی نظیر او به تصویب رسیده است، موضوع دستمزدها و افزایش سنواتی آن زیر عنوان آزاد سازی و مقررات زدایی ''کاملاً حل شده''، افزایش سالیانه دستمزدها در چارچوب جراحی بزرگ اقتصادی قرار دارد.
در گزارش دیگری ایلنا، ۲۸ خرداد ماه، خاطر نشان ساخت: ''افزایش مزد ۱۰ سال گذشته کارگران براساس مقررات نبوده است ... با توجه به تورم سرسام آور و گرانی هایی که در کشور وجود دارد دستمزد ۳۳۰ هزار تومانی جوابگوی کارگران نیست.''
با انتشار مرتب و پیوسته این گونه خبرها، موضع گیری ها، و گزارش ها، که در چند هفته اخیر افزایش داشته و گاه در صدر خبرها نیز قرار گرفته اند، این پرسش منطقی طرح می گردد که چه اتفاقی رخ داده است که ناگهان همه به یاد کارگران و حقوق آنان افتاده اند؟ علت این همه تبلیغات چیست؟! بی گمان پاسخ به این پرسش را در مهم ترین برنامه در حال اجرای کشور یعنی: آزاد سازی اقتصادی باید جستجو کرد. ماه های آینده همزمان با اوج گیری رقابت های جناحی برای حضور در انتخابات مجلس نهم و تلاطم های سیاسی ناشی از آن، برخی از وجوه دیگر طرح تحول اقتصادی، به ویژه اصلاح قانون کار، به مرحله عمل در خواهد آمد. این موضوع، از آنجا با نارضایتی شدید زحمتکشان از اجرای این گونه برنامه ها توام است، هراس ارتجاع را برانگیخته و از این روی، ارتجاع درصدد مانورهای

پیش گیرانه برآمده است. برخلاف تبلیغات پوچ و دلسوزی های ریاکارانه برای حقوق کارگران و زحمتکشان، آنچه در برنامه های اقتصادی-اجتماعی رژیم ولایت فقیه محور است و در مرکز قرار دارد، در جهت سود و در راستای منافع زحمتکشان کشور ما نیست. برای مثال پایگاه خبری ''رجانیوز''، که اکنون زیر عَلَم سیاه و خونین ''بیت رهبری'' سینه می زند، در گزارشی، ۲۹ خرداد ماه، با تاکید بر اجرای برنامه تحول اقتصادی، نوشت: ''اصلاح وضعیت کسب و کار تسهیل کننده فعالیت کار آفرینان است. اگر بتوانیم فضای کسب و کار را ارتقاء دهیم، شاهد فعالیت دو چندان کار آفرینان در جامعه خواهیم بود ... ابتدا باید قانون کار و سرمایه گذاری و قانون رقابت و سیاست های کلی اصل ۴۴ را اصلاح کنیم ... فضای کسب و کار بهبود پیدا می کند.'' همچنین خبرگزاری مهر، ۲۸ خرداد ماه، از قول مشاور معاونت اشتغال وزارت کار، یادآوری کرد که، تدوین لایحه سازمان نظام کارآفرینی به پایان رسیده و با تصویب آن امور اقتصادی از صدر تا ذیل به بخش خصوصی واگذار خواهد شد. محور اصلی این لایحه، خصوصی سازی بر پایه ابلاغیه اصل ۴۴ است. به علاوه، ایلنا، ۳۰ خرداد ماه، نیز با تاکید نوشت که، دولت تمام عزم خود را برای اصلاح قانون تأمین اجتماعی و قانون کار جزم کرده و ''در آینده شاهد رونق کسب و کار و جذب سرمایه خواهیم بود.'' به این ترتیب باید شاهد وخیم تر شدن زندگی کارگران باشیم و این امر به معنای گسترش نارضایتی ها در ابعاد بسیار جدی تر از پیش است. در چنین اوضاعی وظیفه فوری مبارزان جنبش کارگری و فعالان سندیکایی مبارزه خستگی ناپذیر برای سازمان دهی اعتراض های پراکنده و تقویت و ارتقاءِ سطح همبستگی در میان کارگران و زحمتکشان است. نکتهٔ پر اهمیت در این مبارزه، افشای پیگیرانه سیمای فریبکارانه رژیم و تاکید بر پیوند گسست ناپذیر مطالبات صنفی با منافع و خواسته های سیاسی است. در مرحله کنونی مبارزه و رویارویی توده ها با استبداد ولایی، جنبش کارگری ایران نه تنها منفعل نبوده و نمی تواند باشد، بلکه در این مصاف و رویارویی حساس و تاریخی دارای منافع و انگیزه بوده و هست.

رسیدن به حقوق و منافع صنفی بدون تلفیق آگاهانه و خلاق مبارزه صنفی- رفاهی با مبارزه سیاسی، امکان پذیر نیست. منافع آنی و آتی طبقه کارگر حکم می کند که ضمن پیوند زدن میان خواست های صنفی و سیاسی، حضور هر چه پررنگ تر در جنبش ضد استبدادی داشته باشد.

زمینه های عینی این حضور پررنگ از هر جهت فراهم است، و می باید با افشاندن بذر آگاهی و تقویت عامل ذهنی برای



حضور متشکل جنبش کارگری در مبارزات همگانی ضد استبدادی تلاش کرد. در عین حال این نکته را هم از یاد نباید برد که نیروها و جریان های حاضر در جنبش مردمی نیز وظیفه دارند به نوبه خود با طرح شعارهایی که منافع زحمتکشان را بازتاب می دهند، در جهت جلب و جذب جنبش کارگری گام های عملی و ملموس به پیش بردارند. تجربه دو سال مبارزه با استبداد ولایی و جنبش سبز بر این حقیقت دلالت دارد.

به نقل از نامه مردم، شماره ۸۷۲، ۱۳ تیر ماه ۱۳۹۰

****

نو لیبرالیسم اقتصادی: رژیم مجری طرح های صندوق بین المللی پول

واقعیت این است که دولت کودتایی احمدی نژاد مدت ها است که از نشر آمار مربوط به اقتصاد کلان جلوگیری می کند و یا ارقام متفاوت و ضد و نقیضی را انتشار می دهد. زیرا بسیاری از هدف های کلیدی برنامه مونیتوریستی و انضباط مالی آن کاملا نقض شده اند و از قرار معلوم خزانه نقدی دولت خالی شده است.

روند چند پاره شدن رژیم ولایی، در پی رقابت ها و تقابل مستقیم منافع سیاسی – اقتصادی انگلی ترین سرمایه های کلان و جناح های نماینده آن ها در درون رژیم حاکم، به شدت ادامه دارد. دامنه اختلاف ها بدان حد است که هیئت حاکمه هنوز هم نتوانسته است تعادل لازم خود را بر قرار سازد. سپاه، در مقام یکی از کانون های تمرکز سرمایه های کلان، به عنوان دفاع از حکومت ولایی هر روز به طور مستقیم تری در عرصه سیاسی شکاف جناحی را تشدید می کند. ولی در مقابل، اعمال خشن برنامه های نولیبرالیسم اقتصادی دولت احمدی نژاد با سرکوب کنشگران عرصه حقوق صنفی، خصوصی سازی وسیع، حذف یارانه ها به منظور آزاد سازی قیمت ها، و تحمیل برنامه ریاضت کشی به زحمتکشان، با همداستانی و همکاری تمام و کمال جناح های رقیب، به پیش برده می شوند.
درعرصه مسائل خارجی، با وجود شروع دور دیگری از مشاجره بر سر مسئله اتمی، تحریم های کشور های غربی، و دامنه گیری اختلاف های سیاسی با رژیم به بهانه دخالت دربحران سوریه، می بینیم که پی آمدهای ضد انسانی بحران اقتصادی ایران بندرت مورد اشاره قرار می گیرد، چرا؟ چون زیر بنای اقتصادی سرمایه داری ایران هم اکنون بر پایه نسخه های صندوق بین المللی پول، به سرعت و با اعمال خش ترین برنامه "شوک اقتصادی" در راستای محوری کردن نقش "بازار بی نظارت" گام بر می دارد. گزارش اخیر هیئت صندوق بین‌المللی پول، به ریاست "دومینیک گیوم"، که از ۷ تا ۱۹ خرداد ماه ۱۳۹۰ از ایران دیدار کرد، در تمجید از حذف یارانه ها، نشان دهنده توجه سرمایه داری جهانی به سیاست "دگرگون سازی" رژیم ولایی و حمایت مستقیم از عملکرد آن است. دستگاه تبلیغاتی رژیم ولایی این گزارش به موقع و بسیار مثبت و گرم صندوق بین المللی پول را به عنوان موفقیت سیاسی دولت و لزوم ریاضت کشی می داند، و به صورت وسیع در سطح جامعه تبلیغ می کند. این در حالی است که شعارهای فرصت طلبانه احمدی نژاد و "رهبر"، در هر فرصت، غرب را "استکبار جهانی" و نظام سرمایه داری را ورشکسته اعلام می کنند، و حتی مدعی حل مشکل های اجتماعی – اقتصادی جهانی هم می شوند. قابل توجه آنکه، رژیم ولایی از دیدار گزارشگر ویژه شورای حقوق بشر سازمان ملل برای ایران، احمد شهید، جلوگیری می کند و آن را دخالت و توطئه از خارج می داند، اما دست راستی ترین نسخه های اقتصادی سرمایه داری ساخته و پرداخته "مکتب شیکاگو" چراغ راهنمای اقتصادی آن است و دیدار (خرداد ماه ۱۳۹۰) و تمجید سخاوتمندانه گزارشگر صندوق بین المللی پول بسیار مهم دانسته می شود.
نکات درج شده در گزارش اخیر صندوق بین المللی پول، میزان تعهد برنامه های رژیم ولایی به اجرای نسخه "اقتصاد بی نظارت" و حمایت از ثروتمندان، انگیزه سرمایه گذاری خصوصی و انتقال هزینه های اقتصادی به دوش زحمتکشان را به وضوح نشان می دهد. حذف یارانه ها(سوبسید) یکی از مهم ترین عامل های تعدیل اقتصادی یی است که صندوق بین المللی پول بر آن تاکید دارد، و از این جهت این نهاد بدرستی برنامه دولت احمدی نژاد را تحسین می کند: "به منظور حفظ دست‌آوردهای اصلاح سوبسید ها و همچنین ثبات اقتصاد کلان در میان مدت، اعمال سیاست‌های پولی و مالی انقباضی هماهنگ امری ضروری است." قسمت دیگری از گزارش در تمجید از برنامه های رژیم در تکوین بنیاد های سرمایه داری و بازار آزاد می گوید: "عملکرد خوب بازار سهام در سالهای اخیر عمدتاً ناشی از رشد قیمت‌های بین‌المللی کالاها و برنامه وسیع خصوصی‌سازی ایران است که به رشد فرهنگ خرید و فروش سهام کمک کرده است. هیئت همچنین بر اهمیت ادامه برنامه اصلاحات بخش بانکی که در قالب برنامه پنج‌ساله توسعه پنجم به تقویت سلامت بخش مالی می‌پردازد، تاکید کرد." استفاده از کلماتی مانند "خصوصی سازی وسیع" و "فرهنگ خرید و فروش سهام" اشاره یی صریح به مهم ترین مکانیزم ترویج نقش محوری بازار دارند. شاید مضحک ترین قسمت این گزارش ـ که چهره کنونی سرمایه داری در رژیم ولایی را نشان می دهد ـ در بخشی است که می گوید: این نهاد بین المللی که سرمایه های مالی فراملی در سیاست آن نفوذ مستقیم دارند اعلان می کند: "هیئت همچنین تحولات بخش مالی ایران را که محرک اصلی رشد اقتصادی بوده است، مورد پررسی قرار داد. ایران با داشتن بخش بانکداری نسبتاً قوی و بازارهای مالی درحال رشد، بزرگترین بخش مالی اسلامی جهان را در اختیار دارد." زیرا صندوق بین المللی پول نهادی است که سرمایه های مالی فراملی در سیاست آن نفوذ مستقیم دارند، و دانسته، از امثال خود یعنی بورژوازی های مالی بغایت فاسد و غیر تولیدی حمایت و تمجید می کند و بی شرمانه، با تقلید از رژیم ولایی با "اسلامی" نامیدن "بخش مالی" بر سوداگری انگلی این بخش سرمایه داری بر آن کلاه شرعی می گذارد.
صندوق بین‌المللی پول مهم ترین رکن نظام سرمایه داری جهانی است که وظیفه آن ترویج مدرن ترین

شیوه سوداگری بر پایه "اقتصاد بازار" است، بنابراین، تامل برنتایج گزارش این نهاد در باره شرایط کنونی ایران بسیار مهم است. چون برخی ارزیابی ها در داخل و خارج کشورمان تا به حال، دانسته یا ندانسته، با استناد به شعار ها و طرح های پوپولیستی و قول های انتخاباتی (عمل نشده)، برنامه های دولت احمدی نژاد را مبتنی بر الگوی "کنترل و دخالت دولت" در اقتصاد قلمداد می کنند و حتی ایران را دارای "اقتصاد دولتی"می دانند. چرایی رسیدن برخی از تحلیل ها به این نتیجه اشتباه را می توان درک کرد: فعالیت های دیپلماتیک در کنار تبلیغات گسترده رژیم در خارج و داخل کشور، احمدی نژاد را در مرتبه چهره یی ضد سرمایه داری نشان داده اند. و قابل توجه آنکه، احمدی نژاد هیچ گاه در نطق های آتشین خود رویکرد مشخص دیگری را در مقابل سرمایه داری عرضه نکرده است. بدین ترتیب تعجب آور نیست که دولت روابطی صمیمانه با صندوق بین المللی پول داشته باشد و پروژه "اصلاح یارانه ها"ی او نمره خوبی از استاد دریافت کند. البته تحلیل گران راست گرا و هواداران دو آتشه "بازار آزاد" ناب، با زیرکی و به منظور سوق دادن هر چه بیشتر برنامه های اقتصادی دولت به سوی "بازار آزاد" به استدلالِ های بی پایه اما پر هیاهو متوسل می شوند. مثلاً با استناد به رابطه نزدیک احمدی نژاد با دولت های ونزئلا و بولیوی، سیاست های او را حتی چپ گرایانه معرفی می کنند. در صورتی که حتی با نگاهی گذرا به برنامه های اقتصادی دولت های ونزوئلا و بولیوی، که هیچ گاه مورد تمجید سرمایه داری جهانی قرار نگرفته و نمی گیرند، درمی یابیم که دقیقا به سبب گرایش ضد نولیبرالیستی برنامه های ونزوئلا و بولیوی است که هدف شدیدترین فشارهای برنامه ریزی شده از جانب دولت جورج بوش قرار می گرفتند. با وجود اینکه چاوز و مورالس با آرای آزاد مردم و در جریان انتخاباتی دموکراتیک به قدرت رسیده اند، به نقض آزادی متهم می شوند و برنامه اقتصادی دولت تقلبی و سرکوبگر احمدی نژاد تمجید می شود. روابط نزدیک ونزوئلا و بولیوی با دیکتاتوری ولایی صرفا به دلیل دشمنِ مشترک آن ها یعنی آمریکا است، که البته رویکردیَ است مردود و مبتنی بر نظریه اشتباه و ساده اندیشانه "دشمنِ دشمنِ من، دوست من است."

البته گزارش اَخیر دومینیک گیوم از جانب بسیاری از کارشناسان اقتصادی، بسیار سبک، عجولانه و غیرمستند ارزیابی شده است. زیرا گزارش قبلی صندوق ۱۱ فروردین ۱۳۹۰ با استناد به آمار نظر بسیار منفی یی را ابراز کرده بود که رشد اقتصادی سال قبل را صفر و رشد امسال را بسیار ضعیف، و حدود ۱٪ اعلان کرد. در صورتی که گزارش اخیر صندوق با استناد به انگشت شمار داده های اقتصادی رسمی رژیم، در مدت کوتاهی آینده بسیار مثبتی را تصویر می کند. طبق روال معمول صندوق بین المللی پول گزارش های آن بدون توجه و دقت به شاخص کارشناسی مربوط به شاخص توسعه انسانی، اندازه گیری فقر و نابرابری (مانند ضریب جینی)، بیکاری و نیمه کاری ساختاری تنظیم شده است. برای مثال، گزارش در مورد وضع مردم بدون درک واقعیت زندگی مادی زحمتکشان و بدون کوچک ترین سند به این پاراگراف اکتفا می کند: "از دیگرسو، توزیع مجدد وجوه نقدی از محل درآمدهای حاصل از افزایش قیمت‌ها در میان خانوارها، در کاهش نابرابری‌ها، بهبود استانداردهای زندگی و پشتیبانی از تقاضای داخلی در اقتصاد کشور موثر بوده است. افزایش قیمت حامل‌های انرژی به کاهش مصرف بی‌رویه و اتلاف آنها انجامیده است." گزارش صندوق را حتی با معیارهای معمول در عرف نظام سرمایه داری می توان تنها یک دروغ نامه مزورانه دانست. زیرا تورم هم اکنون ۱۶/۷٪ در حال حرکت صعودی است و یارانه نقدی ماهی ۴۵ هزار تومن را به سرعت بی ارزش می کند. با در نظر گرفتن نرخ تورم، ارزش واقعی و قدرت خرید یارانه نقدی هم اکنون به حدود ۳۹ هزار تومان سقوط کرده است. طیف مختلف مردم توان پرداخت هزینه گاز و برق را ندارند و متوسط اجاره مسکن طی یک سال گذشته ۲۰٪ بالا رفته است. بنا به گزارش های مختلف، نرخ بیکاری ۶ / ۱۴ ٪ نیز در حال رشد است و با در نظر گرفتن روند ورشکستگی صنایع، میزان بیکاری کم نخواهد گشت. شواهد و گزارش های متعدد و معتبر گویای رشد سریع فقر ساختاری، اختلاف شدید بین درآمد ها و قیمت ها و تشدید سوءِ تغذیه است. جامعه کشورمان با "عملیاتی شدن" حتی شکل مخدوشی از برنامه نولیبرالیسم اقتصادی، همان پی آمدهای بسیار مخرب و منفی یی را تجربه می کند که این فرمول اقتصادی در پهنه جهانی با محوری کردن نقش سرمایه کلان خصوصی و سوداگری زندگی مردم را تباه کرده است. واقعیت این است که با شروع "جراحی بزرگ" اقتصادی احمدی نژاد قشرهای وسیع زحمتکشان شاغل و نیمه کار و بیکار بدون پناه به قانون مقدس "عرضه و تقاضا"ی بازار سپرده شده اند. این یکی از ارکان پایه ای این فرمول اقتصادی است که فشار بر نیروی کار را عامل لازم در ترویج رقابت های فردی زحمتکشان تا پایین ترین مخرج مشترک برای ایجاد "بازار کار انعطاف پذیر" می داند.

واقعیت این است که دولت کودتایی احمدی نژاد مدت ها است که از نشر آمار مربوط به اقتصاد کلان جلوگیری می کند و یا ارقام متفاوت و ضد و نقیضی را انتشار می دهد. زیرا بسیاری از هدف های کلیدی برنامه مونیتوریستی و انضباط مالی آن کاملا نقض شده اند و از قرار معلوم خزانه نقدی دولت خالی شده است. در کشور ما همه می دانند که ارقام و آمار رسمی کاملا غیر قابل اطمینان اند و اصولا ابزار تبلیغات و رقابت های جناحی است – بسیاری از مقامات عالی رتبه و گزارش های مجلس، ارقام و شاخص های رسمی دولت را فاقد ارزش اعلان کردن می دانند. بنابراین شاید مهم ترین قسمت این گزارش صندوق بین المللی پول که درستی آن را زیر سوال می برد و فاقد ارزش می کند، کلمه "صمیمانه" در جمله نهایی آن است که می گوید: "هیئت از مقامات ایرانی

بخاطر مذاکرات سازنده و صمیمانه تشکر می‌نماید.″ این به نوبه خود نشان دهنده میزان بی صداقتی این نهاد است که تنها هدف محوری‌اش هُل دادن هرچه بیشتر دیکتاتوری حاکم به سوی پروژه ″اقتصاد بازار″ است. در اینجا صندوق بین المللی پول، دولت تقلبی احمدی نژاد را یک نوکر دروغگو ولی شاگرد مستعد با نمره قابل قبول در این پروژه می داند. برای درک بی صداقتی صندوق بین المللی پول باید توجه داشت که، این همان نهادی است که برای توجیه ورشکستگی پروژه ″اتحاد اقتصادی اروپا″ و تحمیل هزینه ها و ریاضت کشی آن به توده ها در یونان، به یکباره این کشور را به اختلاس و دروغین بودن ارقام و آمار اقتصادی اش متهم می کند. در حالی که در دو دهه طلایی اخیر، در راستای اشاعه ″بازار آزاد″ و ″جهانی شدن″، انواع قانون شکنی ها و آمار های مالی تقلبی دولت ها و شرکت های مالی و بانک ها زیر نام ″ابتکار - ارزش آفرینی″ و ″ریسک پذیری″ نادیده گرفته می شدند و حتی مورد تشویق قرارمی گرفتند. از این رو، هدف های سیاسی این گزارش عجولانه و غیر واقعی صندوق بین‌المللی پول در باره ایران بسیار سوال برانگیز است. زیرا که دیکتاتوری ولایی با مشکل های روزافزون سیاسی داخلی و خارجی روبه رو است - و مخصوصا اینکه، برنامه های اقتصادی خشن آن در انظار عموم کاملا بی اعتبار گشته اند، و تنها می تواند با شدت بخشیدن به جو نظامی – امنیتی و با سرکوب و خدعه گری مذهبی – خرافی اعتراض ها و خواسته های مبرم مادی مردم را جواب دهد. واضح است که هدف این گزارش تشویق و اعتبار بخشیدن به کوشش رژیم ولایی به منظورعملیاتی کردن برنامه های استراتژیک به سوی ″اقتصاد آزاد″ است. در شرایطی که رژیم ولایی با بحران سیاسی عمیقی روبه رو است و از هر زاویه یی زیر فشار قرار دارد، سرمایه داری جهانی با همراهی و پشتیبانی از برنامه های اقتصادی رژیم در صدد تقویت و تعمیق نولیبرالیسم اقتصادی در ایران است، و وجود جو سرکوب در ایران یک مزیت به حساب می آید. این گزارش آمیخته با تحسین در عمل کمک به تداوم دیکتاتوری است، و به وضوح نشان می دهد که نولیبرالیسم اقتصادی ربطی به دموکراسی و آزادی ندارد. شایان تذکر است که آزمایش این الگوی اقتصادی به سرپرستی ″میلتون فریدمند″ و ″فردریک هایک″ در شیلی به برکت[!] قدرت سرکوب و کودتا ″عملیاتی″ شد. این دقیقا خطری است که حزب ما سال هاست که به آن در حکم یکی از مهم ترین حربه های دست اندازی امپریالیستی به میهن مان مدام اشاره می کند. ما تاکید می کنیم که، هدف محوری و دلیل وجودی امپریالیسم به منظور هموار کردن سوداگری، به وسیله نفوذ سرمایه های کلان، دستیابی به منابع طبیعی و بازار مصرفی در کشورهایی مانند ایران است. فرایند ″جهانی شدن″، اشاعه و یا تحمیل ″بازار آزاد″، و ترویج ″دموکراسی صوری و بازاری″ به جای مؤلفه های واقعی دموکراسی در تضمین عدالت اجتماعی، هم اکنون از ابزار اصلی امپریالیسم اند. از این رو است که طی دو دهه گذشته، حزب توده ایران گرایش دائمی سیاست های رژیم ولایی به سوی نولیبرالیسم اقتصادی ـ که هم اکنون از سوی دولت کودتایی احمدی نژاد به صورتی پینوشه وار در حلقوم مردم فرو داده می شود ـ را زمینه ساز تهدیدی بزرگ برضد منافع ملی و منافع زحمتکشان ایران ارزیابی کرده است. بنابراین بسیار مهم است که مبارزه جنبش مردمی برای دموکراسی و بر ضد دیکتاتوری حاکم، طرد کامل برنامه های اقتصادی مبتنی بر نسخه های صندوق بین المللی پول را آشکارا در دستور کار خود قرار دهد.

به نقل از نامه مردم، شماره ۸۷۳، ۲۷ تیرماه ۱۳۹۰

****

تنش در مرزهای کردستان و خطر گسترش درگیریهای مسلحانه!

طی روزهای اخیر حوادث و رویدادهایی در مرزهای کردستان عراق و ایران روی داده و هم اکنون در جریان است که در صورت ادامه می تواند پیامدهای زیانبار و جبران ناپذیری برای مردم و جنبش ملی – دمکراتیک کردستان و کل منطقه درپی داشته باشد.

اکنون بیش از ده روز است که سپاه پاسداران رژیم ولایت فقیه، شمار زیادی از ادوات جنگی و نیروهای خود را در مناطق مرزی ایران و اقلیم کردستان عراق مستقر نموده و به بهانه ی حضور نیروهای «پژاک» در آنسوی مرز، مبادرت به توپ باران بخش هایی از خاک اقلیم کردستان عراق (عمدتاً مناطق کوهستانی قندیل) نموده است.

اخبار و گزارشات موجود حاکی از آن است که در نتیجه ی این توپ باران ها و همچنین درگیریهای مسلحانه نیروهای سپاه با افراد مسلح پژاک، تعدادی از دو طرف کشته و زخمی شده و خسارت مالی قابل توجهی به مزارع، جنگل ها و منازل مسکونی ساکنین محلی این مناطق گردیده است.

هر چند برای اولین بار نیست که نیروهای سپاه پاسداران اقدام به «توپ باران» کردن مناطق کردستان عراق می کنند.

اما دلایل و شواهدی در دست است که توپ بارانهای چند روز اخیر را از دفعات پیشین متمایز می کند و ابعاد خطرناکی به آن بخشیده است.

آنچه در این باره جلب توجه می کند، لازم به ذکر است که اخبار و گزارشاتی که پژاک و سپاه پاسداران از ابعاد و وسعت این توپ باران ها و خسارات ناشی از آن به ویژه تعداد کشته ها و زخمی های طرفین بسیار اغراق آمیز و دور از واقع است.

بنابر ادعای پژاک، تاکنون بیش از یکصد نفر از افراد سپاه پاسداران و مزدوران محلی به دست گریلاهای این حزب کشته شده و مقدار بیشتری زخمی گردیده اند.

سپاه پاسداران نیز ادعایی نزدیک به این را درباره تعداد کشته های پژاک مطرح نموده، و از اسارت ده ها تن از افراد مسلح این حزب خبر داده است.

به هر حال خوشبختانه باید گفت آمارها و ادعاهای هر دو طرف هم درباره شدت و وسعت توپ باران ها و درگیریها و هم درباره تعداد کشته ها و خسارت مالی ساکنین مناطق مرزی اقلیم کردستان ناصحیح، اغراق آمیز و دور از واقعیت است.

همچنین در حالی که هم پژاک و هم برخی رسانه های محلی کردستان عراق اعلام داشته اند که نیروهای سپاه پاسداران مرزهای دو کشور را نقص کرده و وارد خاک اقلیم کردستان عراق شده اند، منابع رسمی اقلیم کردستان از جمله «جبار یاور» فرمانده نیروهای مسلح کردستانی عراق به کرات این ادعا را رد کرده و بر عدم ورود نیروهای سپاه پاسداران به خاک اقلیم کردستان تاکید نموده اند. با این وصف گزارشات و شواهدی در دست است که نیروهای سپاه پاسداران دستکم در دو نوبت برای درگیری با نیروهای پژاک وارد خاک کردستان عراق شده و سپس به محل های استقرار خود در خاک ایران بازگشته اند.

همچنین در تاریخ ۱۳۹۰/۴/۳۰ فرمانده نیروهای مسلح اقلیم کردستان این ادعای برخی رسانه ها را که گویا نیروهای مسلح کردستان برای مقابله با تجاوز نظامی ایران به سوی مرزهای ایران در حرکت باشند را تکذیب نمود.

با این وصف تقریباً همه مقامات محلی کردستان عراق مسئله توپ باران مناطق مسکونی کردستان عراق توسط سپاه پاسداران را تایید نموده و در این باره از دولت ایران «گله» نموده اند!



این در حالی است که برخی احزاب اپوزیسیون اقلیم کردستان عراق، ازجمله و به ویژه جنبش «گوران» (تغییر) خواهان اقدامات جدی تر دولت اقلیم کردستان و حکومت بغداد در این باره شده اند.

به باور ما، آنچه در حال حاضر اهمیت دارد این است که همگان، از جمله دولت اقلیم کردستان و به ویژه احزاب سیاسی کردستان ایران همه تلاش خود را به کار اندازند که مسئله توپ باران ها گسترش نیابد و تبدیل به یک بحران سیاسی – نظامی نشود.

به همین خاطر لازم است با خویشتن داری و با سود بردن از راه کارهای سیاسی و دیپلوماتیک به رژیم ایران فشار وارد آورند تا به توپ باران مناطق مرزی کردستان عراق خاتمه داده و هرچه زودتر نیروها و ادوات جنگی خود را از مرزهای دو کشور دور کند.

همچنین لازم است از پژاک خواسته شود که بیش از این با اقدامات ماجراجویانه خود با منافع ملی دولت اقلیم کردستان



عراق و جنبش ملی – دمکراتیک کردستان ایران بازی نکند و آن را فدای منافع گروهی کوتاه مدت خود ننماید.
هرچند که متاسفانه طی روزهای اخیر مسئله برخورد و اعلام موضع برخی از گروهها و احزاب سیاسی کردستان ایران خلاف این جهت را طی نموده و با صدور اطلاعیه های احساساتی و تحریک کننده، عملاً تا حد دنباله روی از پژاک سقوط کردند و در جهت هرچه آشفته تر کردن جو موجود، گام برداشتند.
البته از تعدادی از این به اصطلاح احزاب و گروها، که همواره در حاشیه جنبش ملی کردستان غنوده و مترصد «فرصت»ی برای خودنمایی و ماجراجویی بوده اند، انتظاری جز این نمی رفت و نمی رود. اما به طور مشخص از حزب دمکرات کردستان و حزب کومه له کردستان انتظار می رفت با تکیه بر تجربه تاریخی و سابقه مبارزاتی خود، با درایت بیشتری با این مسئله برخورد کنند. این دوستان حتی برای لحظه ای هم نباید فراموش کنند که در بازی دو جانبه سپاه پاسداران – پژاک و شدن گرفتن درگیریها، نه تنها در جهت منافع ملت کرد (ایران و عراق) جنبش ملی – دمکراتیک کردستان ایران، بخصوص جنبش مدنی و مسالمت آمیزی که طی سالهای اخیر در کردستان شکل گرفته و از هر جهت در حال گسترش است، نخواهد بود و می تواند ضربات جبران ناپذیری برآن وارد آورد و همه دست آوردهای مثبت آن را برباد دهد.
بنابراین لازم است با هوشیاری و متانت انقلابی از حاکم شدن نیروهای امنیتی رژیم از سویی و از سویی دیگر از «میدانداری» گروه ها و افرا د ماجراجو بر فضای کردستان جلوگیری کرد.

در حال حاضر بیش و بیش از هرچیز لازم است همگان، به ویژه توده های مردم را به آرامش دعوت کرد و فضای روانی جامعه را به حالت عادی بازگرداند و با مشورت دهی دلسوزانه به حکومت اقلیم کردستان به آن کمک کرد تا بر اوضاع مسلط شده و برای خاتمه دادن به تجاوزات سپاه پاسداران و دفاع از مرزهای کردستان عراق، از جایگاه قانونی خود در دولت فدرال عراق استفاده کرده و از راه های مسالمت آمیز و دیپلوماتیک سپاه پاسداران رژیم ولایت فقیه را ناچار به قطع توپ باران ها و تخلیه مرزهای کردستان نماید.
بدون شک این همان چیزی است که در شرایط فعلی هم دولت اقلیم کردستان عراق و هم جنبش مدنی کردستان ایران سخت به آن نیازمندند.
نباید گذاشت بار دیگر هیولای ویرانگر جنگ و درگیریهای مسلحانه بر سرچشمه های حیات ملت ستم دیده و رنج کشیده هر دو کردستان ایران و عراق چیره شود و هست و نیست آنان را در کام خود فرو برد.

******

درگیریها را متوقف کنید و آرامش را به منطقه بازگردانید



سازمان دفاع از حقوق بشر کردستان با انتشار بیانیه یي از دولت جمهوري اسلامي ایران و نیز حزب حیات آزاد کردستان (پژاك) خواست تا هرچه سریعتر درگیریها را متوقف کرده و آرامش را به منطقه بازگردانند . در این بیانیه بر نگراني عمیق این نهاد حقوق بشري از وضعیت ساکنان غیر نظامي در دامنه و اطراف قندیل تاکید شده و آمده است : توپ باران و گلوله باران ساکنان غیر نظامي اطراف درگیري که کودکان ، زنان و پیرمردان بي دفاعي هستند مصداق بارز نقض کامل قوانین و پروتکل ها و میثاق هاي مربوط به اسناد ژنو و درگیریهاي مسلحانه مي باشد .

متن کامل این بیانیه به این شرح است :

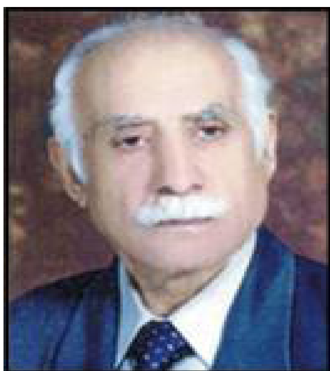
درگیریها را متوقف کنید و آرامش را به منطقه بازگردانید

متاسفانه در روزهاي اخیر بازهم شاهد موج جدیدي از درگیریهاي نظامي نیروهاي مسلح جمهوري اسلامي ایران با حزب حیات آزاد کردستان (پژاك) مي باشیم. در این درگیریها بازهم مردم بي دفاع و غیرنظامي روستاها و شهرك هاي منطقه آماج گلوله باران و توپ باران از سوي نیروهاي نظامي جمهوري اسلامي بوده که در این راستا تلفات مادي و انساني را متوجه ساکنان این منطقه که زنان ، کودکان ، پیر زنان و پیرمرداني که غیر نظامي اند ، کرده است.

سازمان دفاع از حقوق بشر کردستان ضمن اظهار نگراني عمیق خود از روند هدف قرار دادن جان و مال افراد غیرنظامي از مسئولان نظامي جمهوري اسلامي مي خواهد تا بر طبق مقررات و کنوانسیونهاي جنگي مصوب ژنو و نیز اصول اساسي حقوق بشر دوستانه بین المللي و با عطف به ماده ۷۵ آیین نامه مقررات نیروهاي مسلح در قانون اساسي جمهوري اسلامي بر رعایت حفظ جان افراد غیرنظامي کوشا باشد.
در پایان سازمان دفاع از حقوق بشر کردستان از طرفین درگیري مي خواهد تا با توقف درگیریها ، دیالوگ و گفتگو را جایگزین آن و آرامش را به منطقه بازگردانند.

سازمان دفاع از حقوق بشر کردستان
۲۸تیر۱۳۹۰
۱۹جولاي۲۰۱۱

########################



بدرود رفیق اصغر شکوری (عسگر عمی)،

مبارز استوار آرمان بهروزی مردم،
طبقه کارگر، و زحمتکشان میهن مان درگذشت

تلاش و بی قراری مدام او به حضور در همه عرصه های زندگی اجتماعی، جلوه یی از اشتیاق رفیق اصغر به عدالت اجتماعی و آرمان های طبقه کارگر بود. روز شنبه، ۱۸ تیرماه، قلبی که همواره در آرزوی سعادت مردم و زحمتکشان میهن مان می طپید، از طپش باز ماند؛ رفیق اصغر شکوری در سن ۸۷ سالگی در بیمارستانی در تهران درگذشت. رفیق شکوری از سال های آغازین بنیانگذاری حزب توده ایران به عضویت حزب در آمد، و از فعالان پر تلاش مبارزات سندیکایی دهه های بیست و سی خورشیدی در تشکل شورای متحده کارگری بود. رفیق اصغر که در ۱۳۰۳ در دهکده ''گنزق''، در دامنه های سبلان، در خانواده یی از تبار زحمت متولد شده بود هنوز نوجوانی بیش نبود که به صف رزمندگان فرقه دمکرات آذربایجان به هدف مبارزه با ستم ملی پیوست. رفیق شکوری پس از کودتای ۲۸ مرداد و به خاک و خون کشاندن حزب طبقه کارگر و تشکل های کارگری نیرومند آن زمان که در برابر بی حقوق نگهداشتن توده های زحمت، و در نتیجه، برای غارت منبع های سرشار میهن و در درجه نخست طلای سیاه نفت، مانع های جدی و اساسی یی به حساب می آمدند، و دو سال پس از تیرباران ستاره امید، خسرو روزبه، یعنی در ۱۳۳۸ ، بار دیگر همراه رفقای نستوهی همچون هاشم بنی طرفی، دستگیر و زندانی شد. به زندان افکنده شدن های رفیق اصغر شکوری تا سال های دهه شصت (پس از انقلاب) همچنان ادامه داشت. رفیق شکوری بیش از هفت سال از عمر خویش را در زندان ها سپری کرده بود. زنده یاد محمد زهری در شعر ''به فردا''ی خود گویی از زبان مبارزان استواری از سنخ رفیق اصغر شکوری است که می سراید:

''طلسم پاسداران فسون، هرگز نشد کارا
کسی از ما
نه پای از راه گردانید
و نه در راه دشمن گام زد''

رفیق اصغر شکوری یا (عسگر عمی) چنان که دوستدارانش از سر محبت می نامیدنش ـ از احترام گسترده ای در بین زحمتکشان و روشنفکران مردمی برخوردار بود. روح او مالامال از شور مبارزه بود. مبارزات او به طیف رنگین کمانی می ماند از عاطفه ها، مهربانی ها، همدلی ها، و یاری ها با مردم، دوستان، و رفقا، تا مبارزه سندیکایی و حزبی. تلاش و بی قراری مدام او به حضور در همه عرصه های زندگی اجتماعی، جلوه یی از اشتیاق رفیق اصغر به عدالت اجتماعی و آرمان های طبقه کارگر بود. حزب توده ایران، درگذشت رفیق اصغر شکوری را به همسر و خانواده، به یاران و رفقای او، به همه زحمتکشان، هواداران و اعضای حزب تسلیت می گوید. یادش گرامی و راهش پر رهرو باد.

به نقل از نامه مردم، شماره ۸۷۳، ۲۷ تیرماه ۱۳۹۰

****

حماسه پایداری

به مناسبت:
بیست و هشتمین سالگرد جان باختن رفیق رحمان هاتفی (حیدر مهرگان)



زندگی زیباست ای زیبا پسند
زنده اندیشان به زیبایی رسند
آنقدر زیباست این بی بازگشت
کز برایش می توان از جان گذشت
ه. الف. سایه

بیست و هشت سال پیش، مزدوران جنایتکار رژیم ولایت فقیه، پس از هفته ها شکنجه های وحشیانه و سرانجام شکست مذبوحانه در برابر اراده اسطوره ای "حیدر"، سرانجام رفیق رحمان هاتفی (حیدر مهرگان) را به قتل رساندند و بدین ترتیب نسل آتی میهن ما را از یکی از با استعداد ترین روزنامه نگاران، نویسندگان، شاعران، اندیشمندان و انقلابی یی سترگ محروم ساختند.
هیئت سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران با انتشار این خبر تکان دهند، در شهریور ماه ۱۳۶۷ (که مدتها پس از جان باختن رفیق بود) نوشت: "انقلابی بزرگ، شاعر، نویسنده، پژوهشگر و روزنامه نگار نامدار کشور، رفیق رحمان هاتفی منفرد ("حیدر مهرگان")، عضو هیئت سیاسی وقت حزب و از رهبران و بنیادگذاران "گروه آذرخش"، که سپس به سازمان نوید معروف شد، زیر شکنجه های بهیمی رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی جان سپرد."
بدین ترتیب حزب توده ایران، یکی ازبرجسته ترین چهره های رهبری خود را از دست داد. رحمان هاتفی که در جریان دومین یورش وحشیانه و ناجوانمردانه رژیم جمهوری اسلامی به حزب توده ایران(در اوایل سال ۱۳۶۲) به اسارت درآمده بود آخرین تحلیل رزمی خود را با مقاومت اسطوره ای و با خون خویش بر دیوار سلولش این چنین نوشت: "راه همان است که من رفتم!"
رفیق رحمان مبارزه سیاسی خود را با بدبینی به تاریخ و مبارزات حزب توده ایران آغاز کرد. رحمان در جریان دوبار دستگیری اش در سال های ۴۵ و ۱۳۵۰، در دیدار با رفقای رهبری حزب توده ایران، که در بند دژخیمان ساواک اسیر بودند سرانجام به اعتقاد به حزب رسید و نقش برجسته ای در به پیش بردن مبارزه توده ها در دوران اوج گیری جنبش انقلابی میهن ما در اواخر دهه ۱۳۵۰ ایفا کرد.
رفیق رحمان درباره یافتن سیمای واقعی و آشنایی با حزب توده ها خود این چنین می نویسد: "قزل قلعه خلوت بود. من با بی ایمانی مطلق به حزب توده ایران وارد بند شدم. اخبار مربوط به تشکیلات تهران، دهان به دهان می گشت. می دانستم "خاوری" در همان بند است. شبی که فردایش باید از قزل قلعه می رفتم، تصمیم گرفتم "خاوری" را ببینم. همه می دانستند که اعدامی است. نزدش رفتم و مثل یک خبرنگار که برای مصاحبه می رود، سئوالاتم را کردم و او آرام پاسخ داد. نمی دانم این گفتگو چقدر طول کشید، اما می دانم که سپیده زده بود و من هنوز همه سئوال هایم را نکرده بودم. او روزهای انتظاراعدام را پشت سر می گذاشت و من آخرین روزهای بازداشت را. وقت جدایی نتوانستم جلو اشکم را بگیرم. در حال وهوای آن سال ها، این ایمان بی خدشه به حزب، باور نکردنی بود. هنگام جدایی "خاوری" می خواست بداند درباره آنچه شنیده ام، چه فکری می کنم، گفتم: آنچه را امشب شنیدم، تا حالا در رمان ها خوانده بودم...!سرمست از آن همه ایمان، از زندان آزاد شدم، اما هنوز بین خودم و حزب فاصله زیادی می دیدم."
رفیق رحمان هاتفی، سرانجام در سال ۵۲ به حزب پیوست و بلافاصله پس از بنیانگذاری "گروه آذرخش" با مراعات دقیق عدم تمرکز، از داخل کشور همکاری با رادیوی "پیک ایران" را آغاز کرد. "حماسه گلسرخی" (نوشته رفیق رفیق رحمان هاتفی) و سیر و سرگذشت او که در چندین نوبت از رادیوی "پیک ایران" پخش شد، خون جدیدی به پیکر زخم دیده جنبش چپ و کمونیستی ایران، تزریق کرد. رفیق شهید هاتفی درآخرین ماه های پیش از دستگیری گلسرخی، توانسته بود تاثیر عمیقی بر او بگذارد. اما رژیم شاه – ساواک فرصت نداد و خیانت برخی از اطرافیان گلسرخی و دانشیان این پیوند را از هم گسیخت. گلسرخی در بازجویی های خود در باره مناسباتش با رفیق رحمان هاتفی هیچ چیز بر زبان نیاورد و با این راز به میدان تیرباران رفت. مجموعه همه این شناخت و مناسبات دو طرفه در "حماسه گلسرخی" که بعدها توسط هاتفی نوشته شد، منعکس است. رفقا، رحمان هاتفی و هوشنگ تیزابی، از نوجوانی با یکدیگر آشنا بودند و از دورانی که خود را مبارز سیاسی یافتند، در حقیقت، سایه به سایه یکدیگر حرکت کردند. بسیاری

از مطالعات و تحقیقات را مشترکا انجام دادند. شهادت تیزابی در شکنجه گاه ساواک، برای هاتفی ضربه بزرگی بود. خودش بعدها گفت: "شهادت هوشنگ کمر مرا شکست!"
با همت رحمان گروه انقلابی "آذرخش" گسترش یافت. رفیق رحمان در این سال ها با بررسی امکانات و با توجه به شرایط کشور به حزب پیشنهاد انتشار نشریه "نوید" را داد و به رهبری حزب نوشت: "بگذارید بذرهای اصیل را در زمینی که سرنیزه آن را شخم می زند، بپاشیم. بزرگ ترین حماسه امروز، تدارک پرحوصله و پیگیر فردایی است که در آن قهرمانان منزوی خلق، جای خود را به قهرمانان خلق می دهند. برای این فردای پربرکت، چه بذری نیرومند تر از تئوری مارکسیسم انقلابی؟ ومارکسیسم واقعی در میهن ما، مگر چیزی جز سرمشق نبرد پهلوانی حزب توده ایران است ؟"
در پاسخ به این نامه شورانگیز بود که رهبری حزب موافقت خود را با انتشار نشریه ای داخلی اعلام داشت واز رادیوی "پیک ایران" پیشنهاد کرد که "نام نوزاد" را "نوید" بگذارید. او به استقبال وظیفه دشواری می رود. و به راستی که رفیق هاتفی در پرتو هشیاری فوق العاده و ذهن شکوفا و خلاق تئوریک و استعداد تشکیلاتی اش به سهم خود توانست از پس این وظیفه دشوار و تاریخی برآید.
رفیق رحمان هاتفی به مثابه یک روزنامه نگار آگاه و متعهد، در عرصه مبارزه علنی با رژیم شاه نیز نقش به سزایی را در کل جنبش انقلابی کشور به عهده داشت. او که از سال ۵۷ سردبیر "کیهان"، پرتیراژترین روزنامه وقت کشور ما بود، با شجاعت کم نظیری در راه آزادی مطبوعات مبارزه می کرد و برای سازمان دهی اعتصاب کارکنان این موسسه بزرگ انتشاراتی و مطبوعاتی کشور که اعتصاب در "اطلاعات" و "آیندگان" را نیز در پی داشت، رزمید. رفیق هاتفی از راه انتشار خبرهای پشت پرده، مقالات آگاهی دهنده و بسیج گر و اخبار جنبش انقلابی در "کیهان" ضربات سهمگینی بر پیکر رژیم شاه فرود آورد و توانست تیراژ آن را از حدود صد هزار به یک میلیون و دویست هزار برساند. رژیم جمهوری اسلامی که از قدرت خلاقیت فوق العاده او به هراس افتاده بود، به مجرد استقرار، رفیق هاتفی را از سمت سردبیری "کیهان" برکنار کرد.
رفیق رحمان پس از پیروزی انقلاب بهمن، در پلنوم هفدم، به عضویت هیئت سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران گزیده شد. از آن پس بخشی از وظایف سنگین تشکیلاتی حزب به رفیق رحمان هاتفی محول گردید. در آن هنگام وزن کارگران آگاه و انقلابی در صفوف حزب سنگین تر شده بود و رفیق هاتفی با هدف قوی تر کردن ترکیب کارگری حزب، به سهم خود تلاش فراوانی کرد. او تا هنگام دستگیری، اردیبهشت ٦٢، به کار تشکیلات سر و سامان می داد. رفیق رحمان هاتفی همسال حزب توده ایران بود و بااشاره به این مساله، هر سال که از عمرش می گذشت می گفت: "حزب یک سال پیرتر شد."
نام انقلابی بزرگ، رفیق رحمان هاتفی، در تاریخ جنبش کمونیستی و کارگری ایران و جهان ماندگار خواهد بود. او در زمره قهرمانانی چون خسرو روزبه است که مبارزان انقلابی، به ویژه کمونیست ها، نسل در نسل در برابرش به احترام سر فرود خواهند آورد و سرمشق مبارزه آگاهانه، هشیارانه، پیگیر و درنگ ناپذیر، قرارش خواهند داد.

****



«نامه مردم» ارگان مرکزی حزب توده ایران را بخوانید!

نگاهي گذرا به تاريخ ۹۱ ساله جنبش كمونيستي ايران!

از روزهای تاریخی و فراموش نشدنی آخر خرداد و اوایل تیرماه ۱۲۹۹ خورشیدی که طی آن، تشکیل حزب کمونیست ایران رسماً به جهانیان اعلام شد، ۹۱ سال گذشت!
امسال در اوضاعی به استقبال ۹۱ سالگی جنبش کمونیستی و کارگری ایران می رویم که، کشور ما یکی از لحظات دشوار و تعیین کننده تاریخ معاصر را از سر می گذراند. جنبش دمکراتیک مردم میهن ما، در یک مصاف تاریخی با ارتجاع و استبداد قرار دارد، مصافی که سرانجام آن، تاثیر تعیین کننده در آینده ایران برجای خواهد گذاشت. بر مبنای چنین واقعیتی، گرامیداشت ۹۱ سالگی حزب کمونیست ایران و به طریق اولی، جنبش کمونیستی و کارگری، که بخش مهم و پرتجربه جنبش همگانی و سراسری مردم ایران به شمار می آید از اهمیتی فوق العاده و اصولی برخوردار است.
تجربه اندوزی از این تاریخی عینی، که با فراز و نشیب های بسیار همراه است، برای مبارزه با رژیم ولایت فقیه یک ضرورت قلمداد می شود. از این رو بجاست به طور فشرده، نگاهی به زمینه های تاریخی و ریشه های اجتماعی پیدایش حزب کمونیست ایران افکنده شود و تاثیر و جایگاه آن بررسی گردد.
زمینه های تاریخی پیدایش و تکوین طبقه کارگر ایران:
زمینه های تاریخی پیدایش حزب کمونیست ایران را باید در مسیر پرپیچ و خم تحولا ساختاری ایران جستجو کرد، یعنی آن هنگام که با رشد و گسترش شیوه تولید سرمایه داری، طبقه کارگر زایش می یابد. تکوین طبقه کارگر در ایران به نیمه دوم سده ۱۳ هجری، مطابق اواخر سده نوزده میلادی، باز می گردد. فروپاشی نظام سنتی و گذرا کشور ما به دوران سرمایه داری، همزمان با دورانی است که، سرمایه داری دشد یافته در اروپا و آمریکا تقریباً به آخرین مرحله سرمایه داری ، یعنی امپریالیسم گام گذاشته است، این تقارن تاریخی، تاثیرات شدید و گسترده بر روند تاریخی گذار جامعه ایران از فئودالیسم به سرمایه داری باقی گذاشت. پژوهشگر برجسته رفیق شهید عبدالحسن آگاهی، در اینباره می نویسد: «این تاثیر متضاد، گسترش مناسبات اجتماعی سرمایه داری و شکل گرفتن بورژوازی ایران را از مسیر معمولی تاریخی منحرف می کند. سمت فعالیت بازار واحد داخلی که، در شرف تشکیل بود و یکی از نشانه های رشد سرمایه داری است، بیش از پیش معطوف به تقاضای بازار جهانی می شود. همه این عوامل، در روند اولیه سرمایه موثر واقع می شود، سرمایه تجاری و بالنتیجه بورژوازی کمپرادور (دلال) بیشتر و سریع تر از سرمایه صنعتی و بالنتیجه بورژوازی ملی رشد می کند. رشته هایی از کشاورزی و صنایع رشد می کنند که محصولاتشان برای سرمایه انحصاری امپریالیستی ضروری است.
به این ترتیب، دهه های هفتم و هشتم سده سیزده هجری، دورانی قلمداد می گردد که، روند پیدایش و رشد طبقه کارگر به صورت قطعی آغاز شده است.



تعداد قابل توجه افرادی که به کار مزدی در صنایع متوسط و کوچک شهری و روستایی اشتغال دارند، ویژگی بارز دوران مذکور است. شرکت های متعددی در ای دوران فعالیت می کنند، مانند، شرکت مسعودیه، اسلامیه (با سرمایه ای حدود ۱۵۰ هزار تومان)، شرکت محمودیه و اتحادیه و جز اینها. این شرکت ها از طریق پیوند دادن صنایع با بازرگانی به روند تمرکز سرمایه داران در ایران کمک بزرگ و موثری کردند. یکی از مشخصه های بارز گسترش صنایع در ایران، این است که شرکت ها و صنایع محلی و ملی ورشکست شده، و آن موسسات صنعتی رشد و قوام می پذیرند که، توسط سرمایه داران خارجی احداث می شود و در تملک آنها قرار دارند. این امر نمایان گر تشدید وابستگی ایران به کشورهای امپریالیستی، و تبدیل آن به منبع مواد خام برای صنایع کشورهای پیشرفته سرمایه داری است.
پیدایش طبقه کارگر در این چارچوب تاریخی قابل بررسی است. گسترش مناسبات سرمایه داری به دنبال خود تشدید استثمار و بهره کشی را به همراه دارد.
بهره کشی نوین با وجود مناسبات واپس مانده، زندگی زحمتکشان را تحت فشار، طاقت فرسا قرار داده است. طبق اسناد معتبر، ساعت کار کارگران ایران در آن دوران، بسیار طولانی بود. کارگران صنایع شیلات دریای خزر، از ۶ صبح تا ۷ بعداز ظهر کار می کردند. در صنایع ابرایشم



گیلان، ۱۱ ساعت کار روزانه مقرر شده بود. در سال های پیش از انقلاب مشروطه، در کارخانه ابریشم بافی متعلق به «امین الضرب»، کارگر مد، روزانه ۱/۵ تا ۳ قران، کارگران زن از ۱۰ تا ۱۵ شاهی و کودکان ۷ تا ۱۰ شاهی دستمزد می گرفتند. همین استثمار وحشیانه، سبب آن گردید که به لحاظ تاریخی، طبقه کارگر جوان ایران خیلی زود، دست به سازمان دهی مبارزه صنفی و سیاسی بزنند. به قول رفیق آگاهی: «سبب اصلی شرکت فعال توده های زحمتکش و در پیشاپیش آنان طبقه کارگر جوان ایران در جنبش سوسیال دمکراسی انقلابی (اجتماعیون عامیون) و انقلاب مشروته ایران، در وضع نابسامان اقتصادی – اجتماعی و سیای کشور و وضع طاقت فرسای زندگی مردم نهفته است.»

فقر شدید و بهره کشی قرون وسطایی، در عین حال سبب شد که، هزاران زحمتکش ایران دست به مهاجرت بزنند. مهاجرت گسترده به منطقه قفقاز، این امکان را فراهم ساخت، کارگران و زحمتکشان ایران از نزدیک با جنبش سوسیال دمکراسی کارگری آشنا شوند.

شالوده های عینی و تاریخی تاسیس حزب کمونیست ایران:

حزب کمونیست ایران، بر شالوده سنت های درخشان سوسیال دمکراسی انقلابی ایران (اجتماعیون عامیون) تشکیل گردید. سوسیال دمکراسی انقلابی ایران (مردم گرایی) که در انقلاب مشروطیت نقش بارز و بزرگی ایفا کرد، نماینده تکامل یافته جریان دمکراتیسم در تاریخ تحولات ایران محسوب می شود. دمکراتیسم، گرایش فکری ریشه ای است که، در دوران فروپاشی نظام سنتی و زایش سرمایه داری، در ایران شکل گرفت و به بیان دقیق، جنبش کمونیستی و کارگری ایران در سه مرحله خود – سوسیال دمکراسی انقلابی، حزب کمونیست و حزب توده ایران – نماینده تاریخی جریان طولانی روشنگری است.

رفیق طبری در اینباره تاکید می نماید: «در جریان طولانی روشنگری مخالفان دستگاه استبداد، پنج جریان فکری عمده را می توان از هم تشخیص داد: الف – جریان لیبرالیستی (آزادی گرایانه) یا خواست حکومت مشروطه، ب- جریان اتحاد اسلام، ج- جریان ناسیونالیستی (ملت گرایی) بورژوازی، د- جریان تجدد (نوگرایی) یان خواست تحول شیوه زندگی سنتی و قبول اروپائیگری، ه- جریان دمکراتیسم (مردم گرایی) و خواست تحول بنیادین جامعه.

همین جریان فکری آخر تاثیر فوق العاده پر اهمیتی در تاریخ معاصر ایران برجا گذارد. زیرا همان گونه که رفیق طبری اشاره می کند: «لیبرالیسم بورژوازی در انقلاب مشروطیت به بزرگ ترین اوج می رسد و پرچم دمکراتیسم بعدها بدست طبقه کارگر می افتد.»

در دوران تدراک انقلاب مشروطیت، جریان فکری – سیاسی دمکراتیسم، از جریان دیگر، یعنی لیبرالیسم هنوز جدا نشده بود. این امر به طور عینی صورت پذیرفت، و در جریان انقلاب مشروطیت به وقوع پیوست مرحله تاریخی یی که در آن سوسیال دمکراسی انقلابی ایران – اجتماعیون عامیون – شکل می گیرد، بخشی از گذار تاریخی بسیار کندپو از نظام ارباب رعیتی به سرمایه داری است. شکل خاص گذار، و تاثیر دامنه دار نفوذ امپریالیسم، هم در طبقه کارگر و هم در سرمایه داری انعکاس می یابد، و آنها را در عرصه سیاسی – اجتماعی با ضعف های گوناگون روبه رو می سازد.

طی همین مرحله، لیبرالیسم با شعار محدود کردن حاکمیت خودکامه شاه، وارد میدان می شود. محدود کردن تدریجی حاکمیت مطلقه فئودالی، برنامه این جریان فکری – سیاسی است. اما سوسیال دمکراسی انقلابی ایران – اجتماعیون عامیون، از نخستین مراجل پیدایش خود در ارتباط سرشتی با انترناسیونالیسم پرولتری قرار دارد.

کوشندگان و رهبران این جریان فکری، که در سال ۱۲۹۹ پایه گذار حزب کمونیست ایران شدند، انقلابیونی فداکار و شریف، میهن پرستانی پرشور و ژرف بودند. نام و یاد ارجمند و جاودانه آنان و تاثیر بی نظیرشان در انقلاب مشروطیت، از صفحات زرین پیکار خلق های میهن کهن سال ماست. این انقلابیون همان طور که رفیق آگاهی توضیح داده است: «آنان سوسیالیسم را پدیده ای از انگلیسی، آلمانی و یا روسی نمی دانستند، بلکه متعلق به همه بشریت زحمتکش می دانستند.

شالوده سازمان های اجتماعیون عامیون به دست جمعیت «همت»، در قفقاز، ریخته شد. این گروه در سال ۱۲۸۳ در بین کارگران ایرانی فعالیت می کرد. سدر گروه «همت»،

انقلابی نامدار نریمیان اوف فعالیت می کرد، که سپس در حزب بلشویک مبارزه کرد و از یاران لنین محسوب می شد. علاوه بر «همت»، حیدر خان عمو اوغلی در سال ۱۲۸۳ یک حوزه سوسیال دمکرات در مشهد برپا کرد. در همین شهر و تحت هدایت حیدرخان در سال ۱۲۸٤، نخستین سند رسمی سوسیال دمکراسی انقلابی ایران تدوین، تصویب و سپس انتشار یافت.

حیدرخان، پس از مشهد، در تهران نیز دست به تشکیل حوزه های سوسیال دمکرات زد. در این دوره سوسیال دمکراسی انقلابی ایران، با همان اجتماعیون عامیون، به سرعت رشد کرده و قوام می پذیرد. گسترش مناسبات سرمایه داری، رشد کمی و کیفی طبقه کارگر، شتاب تحولات اجتماعی و دگرگونی های فرهنگی، نظیر تاسیش مدراس جدید و آغاز تدریجی خروج آموزش و پرورش از چنگ روحانیت مرتجع و متحد دستگاه استبداد، عواملی انه که، به گسترش نفوذ سوسیال دمکراسی انقلابی ایران یاری می رسانند. یکی از مشهورترین و پر نفوذترین هسته های سوسیال دمکراسی ایران در تبریز پایه گذاری ده بود که تحت عنوان «مرکز غیبی»، خدمات پرارزشی به جنبش انقلابی و انقلاب مشروطیت کرد. علی مسیو، رسول صدقیانی و حاج علی دوافروش از زمره فعالان و رهبران این مرکز بودند.

در همین دوران است که، طبقه کارگر شروع به تشکیل اتحادیه های صنفی خود می کند. سوسیال دمکراتها – اجتماعیون عامیون، نقش فوق العاده با اهمیتی در این زمینه برعهده دارند. بر پایه اسناد موجود، اجتماعیون عامیون نه فقط در اتحادیه های کارگری و موسسات تولیدی و خدماتی، بکله در همه انجمن های صنفی، اعم از اصناف بازار، فروشندگان، پیشه وران، کارمندان و کارکنان دولت سخت فعال بودند. همه آنچه بدان اشاره رفت این حقیقت را ثابت می کند که، در دوران تدراک و آغاز انقلاب مشروطیت تا گلوله باران مجلس اول (خرداد ۱۲۸۷)، یگانه حزب متشکل همانا اجتماعیون عامیون بوده است. «سوسیال دمکراسی ایران بود که مشروطیت را گرفت، دفاع تبریز را سازمان داد و در آن هنگام که استبداد خود را در همه جا پیروزمند می دانست و در صفوف آزادی خواهان ایران یاس و نااامیدی حکفرما بود، لشکرکشی به تهران را تهیه دید. طی همین دوران نیز، دو جریان اجتماعی – سیاسی و فکری دمکراتیسم (مردم گرایی) و لیبرالیسم (آزادی گرایی) از یکدیگر متمایز شده و جدا می شوند. لیبرالیسم که بیانگر آرمان های بورژوازی نوخاسته ایران بود، تمام ضعف های تاریخی رشد سرمایه داری را به همراه داشت. لیبرال ها تن به سازش با امپریالیسم انگلستان و روسیه تزاری دادند، و مجلس دوم را منحل کردند. در قتل قهرمان بزرگ انقلاب مشروطیت ستار خان، لیبرال ها شریک و همدست شدند.

در دوره یاد شده، حزب اجتماعیون عامیون قلع و قمع شد، اما فعالیت این حزب هرگز متوقف نگردید. طی جنگ جهانی اول» ۱۹۱٤ تا ۱۹۱۸ میلادی، اجتماعیون عامیون چه در داخل و چه در خارج، به فعالیت خود ادامه دادند.

اجتماعیون عامیون، در تمام این دوران از همبستگی انترناسیونالیستی برخوردار بودند. قطعنامه های انترناسیونال سوسیالیستی در پاریس و کپنهاگ در حمایت از اجتماعیون عامیون و مبارزه مردم ایران، و نیز قطعنامه کنفرانس پراگ حزب سوسیال دمکرات کارگری روسیه، که لنین در آن نقش بارزی داشت، از آن جمله اند.



در همین گیرودار، و با رشد سوسیال دمکراسی انقلابی، هسته های پراکنده اجتماعیون عامیون، در اردیبهشت ۱۲۹٦، بار دیگر تجدید سازمان دهی کرد و فعالیت یکپارچه حزب سوسیال دمکرات (اجتماعیون عامیون) عدالت ایران را گسترش می دهند. با شروع جنگل، به رهبری میرزا کوچک خان، و نیز رشد مبارزه سراسری مردم ایران، و وجود زمینه های عینی اجتماعی، و در پاسخ به ضرورت تاریخی، اجتماعیون عامیون در اواخر خرداد و اوایل تیرماه ۱۲۹۹ خورشیدی کنگره موسسان و یا نخستین همایش حزب کمونیست ایران را در بندر انزلی برگزار کرد و با غرور و افتخار و پیش زمینه یی درخشان که ریشه در آرمان های توده های محروم ایران داشت، پایه گذاری حزب پر افتخار کمونیست ایران را به جهانیان رسماً اعلام می کند.

تاسیس و فعالیت حزب کمونیست ایران، برخاسته از نیازهای تاریخی جامعه ایران بود. «تمام واقعیت ها و اسناد تاریخی نشان می دهند که برخلاف آن چه دشمنان راست و چپ جنبش کمونیستی و کارگری ایران ادعا کرده و می کنند، این جنبش و حزب، نه به دستور کمیترن، بلکه در متن واقعیت های اجتماعیون – اقتصادی کشور ما بر اساس ضروریات رشد تاریخی آن تکوین یافته، رشد پیدا کرده و شکل گرفته است. لنین بزرگ و همرزمانش همواره با انقلابیون و سوسیال دمکرات های دیگر کشورها از جمله کشورهای خاور (مانند حیدرخان عمو اوغلی و سلطان زاده و مصطفی صبحی از ترکیه

و دیگران) از نزدیک در تماس بوده، با آنها مشورت و تبادل نظر کرده و از هیچ یاری فکری و سازمانی دریغ نکرده اند.
حزب کونیست ایران، طی دوران فعالیت پربار خود در یک جامعه بشدت واپس مانده، منشاء خدمات پرارزشی به تاریخ و فرهنگ کهن ایران بود. حزب کمونیست ایران در اوضاع و احوال جهانی و داخلی بسیار حساس و به لحاظ استراتژیک بی همتا، تشکیل شد و یکی از قدیمی ترین گردان های جنبش جهانی کمونیستی قلمداد می شود. این حزب، با مجهز بودن به جهان بینی علمی، و از آنجا که وارث اندیشه دمکراتیسم دوران روشنگری بوده، به محض تشکیل، به مبارزه با استبداد، ارتجاع، خرافه پرستی، استعمار و به ویژه امپریالیسم انگلستان پرداخت و در این راه فداکاری کرد و متحمل رنج ها و تلفات بی شماری شد.
بی جهت نخواهد بود یادآوری گردد که، حزب کمونیست ایران برای نخستین بار شیوه تفکر علمی سیاسی، شیوه تحلیل علمی مسائل اجتماعی را در ایران رواج داد، و از آن پس حیات سیاسی جامعه ما، بدان نحو تحت تاثیر عمیق شیوه تفکر، تحلیل و حتی اصطلاحات حزب کمونیست ایران قرار گرفت.
ارگان های مطبوعات حزب مانند روزنامه های حقیقت، اقتصاد ایران، کار، پیکار و مجلات خلق، جرقه و غیره و ارگان های نظری حزب مانند ستاره سرخ و دنیا، همه و همه اسناد تاریخی ذی قیمی اند که بیانگر تاثیر ژرف حزب در جامعه ایران است.
بهترین و آگاه ترین روشنفکران ایران، در دوره هایی از فعالیت خود زیر تاثیر حزب کمونیست ایران قرارداشته اند. از میان آنها، زنده یادان دهخدا، بهار (ملک الشعرا) و به طور پیگیر و سازمان یافته، به طرح مسایل عمده جامعه پرداختند که از جمله اند: مسئله ارضی، مسئله ملی، استقلال سیاسی اقتصادی در قبال استعمار، تمامیت ارضی ایران، مسئله دمکراسی سیاسی و اقتصادی، مسئله مبارزه برای ترقی صنعتی، کشاورزی و کسب فن آوری مدرن برای رشد و پیشرفت اجتماعی، برابری زنان با مردان، قانون کار، قانون کار، منع کار کودکان، آموزش و پرورش و دادگستری مدرن، فرهنگ پیشرفته و مترقی و جز اینها پرداختند. هیچ عرصه یی از جامعه ایران وجود ندارد که زیر تاثیر اندیشه های حزب کمونیست ایران قرار نگرفته باشد.
کارگران و زحمتکشان فکری و یدی ایران، حق دارند به خود ببالند که یکی از اولین سازمان های مارکسیست – لنینیست جهان در کشور آنها، در میهن عزیر و ارجمند ما، ایران تشکیل شده است.
کمونیست های ایران، که از قید زندان رضا خان آزاد شده بودند، در ایجاد حزب توده ایران، به عنوان وارث بحق و یگانه حزب کمونیست، سهم اساسی داشتند. بنابراین حزب توده ایران وارث و ادامه دهنده راه حزب کمونیست ایران است.



پایان سخن: درفش سرخ رنگ کاویانی که توسط سوسیال دمکرات های انقلابی ایران اجتماعیون عامیون، در سنگرهای انقلاب مشروطیت به اهتزاز درامد و سپس توسط کمونیست های ایران در نهضت جنگل و اعتصابات کارگری برافراشته نگه داشته شد، اینک بر دوش توده ها، در میدان نبرد برای آزادی و عدالت اجتماعی همچنان در اهتزاز است.
سرود سرخی که به نام «عدالت – حریت – مساوات) و به بهای خون هزاران رزمنده و خون حیدر خان ها و ستارخان ها، در انقلاب مشروطیت طنین افکن شد و سپس با گلبانگ «رنجبران تمام ممکلت اتفاق کنید» استبداد گوش به فرمان انگلستان (سلطنت رضا خان) را به لرزه درآورد، اینک در فریاد پرتوان «آزادی، عدالت اجتماعی و طرد رژیم ولایت فقیه» در گوشه گوشه ی این مرز و بوم، در اندیشه و قلب میلیون ها زحمتکش و روشنفکر مترقی حضور جدی و موثر دارد.
در هشتاد سالگی جنبش کارگری و کمونیستی ایران، به خاطره همه کوشندگان بنام و گمنام این جنبش، در سه مرحله خود، یعنی سوسیال دمکراسی انقلابی، حزب کمونیست ایران و حزب توده ایران درود می فرستیم.

****

۲۲مین سالگرد ترور دکتر قاسملو



لازم است برخورد آمیخته به ریاکاری دولت اطریش با پرونده ترور دکتر قاسملو و همکاری عملی دولت وقت آن کشور در «فراری دادن» تروریست های جمهوری اسلامی از خاک اطریش، هرچه بیشتر افشا گردد تا مردم ایران و به ویژه مردم کردستان بهتر با ماهیت دوگانه ی دولت های به اصطلاح مدافع دمکراسی آشنا شوند.

۲۲ سال پیش، در روز ۲۲ تیرماه ۱۳۶۸ «دکتر عبدلرحمان قاسملو» دبیر اول حزب دمکرات کردستان ایران در «وین» پایتخت اطریش ترور شد.

ترور دکتر قاسملو را نمی توان جدای از سلسله ترورهای رژیم ولایت فقیه در داخل و خارج از کشور قلمداد نمود و آن را یک امر استثنایی به شمار آورد. زیرا ماشین جهنمی ترور رژیم جنایتکار ولایت فقیه هم پیش و هم بعد از ترور دکتر قاسملو پیوسته در جهت به دام انداختن و ترور افراد و شخصیت های سیاسی اپوزیسیون ایران، بدون توجه به وابستگی حزبی آنها، به ویژه طی دهه های شصت و هفتاد شمسی به شدت فعال بود.

علاوه بر قاسملو، طی همان دهه های مورد اشاره صدها تن از اعضاء و هواداران احزاب سیاسی، عمدتاً در کردستان عراق و چند مورد در قلب اروپا، توسط تروریست های اعزامی رژیم به شهادت رسیدند.

با این وصف آنچه ترور دکتر قاسملو را برجسته می نماید، شیوه» به دام انداختن» و ترور اوست که لازم است با دقت و به طور همه جانبه مورد نقد و بررسی قرار گیرد.

این را نیز نباید از نظر دور داشت که دکتر قاسملو در شرایطی به انجام مذاکره با رژیم و امکان دستیابی به یک راه حل صلح آمیز برای حل عادلانه مسئله



کردستان رسیده بود که رژیم جنایتکار ولایت فقیه تازه از کشتار بیرحمانه هزاران تن از زندانیان سیاسی (در تابستان ۱۳۶۷) فارغ شده بود، جنگ هشت ساله ایران و عراق خاتمه یافته بود و برخلاف رژیم که می توان گفت در آن شرایط در اوج قدرت قرار داشت، نیروهای اپوزیسیون و جنبش ملی-دمکراتیک خلق کرد سخت ترین روزهای خود را تجربه می کردند و از هر جهت در ضعف کامل به سر می بردند.

به اعتقاد ما به ویژه بر اعضاء و هواداران حزب دمکرات لازم است که با دقت زمینه ها و علل واقعی این مسئله را مورد مطالعه و کنکاش قرار داده و به عنوان یک تجربه تاریخی درس های لازم را از آن بگیرند. بخصوص که مدت کمی پس از واقعه ترور دکتر قاسملو، دکتر «صادق شرفکندی» جانشین وی نیز متاسفانه قدم در همان راهی گذاشت که دکتر قاسملو پیموده بود و به همان شیوه به «دام» تروریست های رژیم گرفتار آمد و در رستوران «میکونوس» (در آلمان) به شهادت رسید.

با همه این ها نمی توان و نباید به بهانه ی انتقاد از عملکرد تک روانه ی دکتر قاسملو، وی و یاران شهیدش را به سیاق برخی ها در ماجرای ترور« وین و میکونوس» مقصر قلمداد کرد و از این طریق از بار عمل جنایتکارانه ی رژیم کاست.

زیرا قاسملو و یارانش هرچقدر هم که در تحلیل شرایط آن روز ایران و کردستان و نیات واقعی رژیم از «مذاکره» دچار خطا شده

باشند، چیزی از وسعت جنایتی که رژیم با ترور آنها مرتکب شده نمی کاهد.

بنابراین درست آن است که بیش و پیش از هر چیز با هوشیاری کامل و با به کارگیری همه ی توان خود فاجعه ترور دکتر قاسملو و یارانش را محکوم کرد و ابعاد مختلف این جنایت را به اطلاع مردم ایران و جهان رساند و از تلاش های حزب دمکرات کردستان و یاران دکتر قاسملو برای گشایش دوباره پرونده این ترور در یک دادگاه صلاحیت دار کشوری که ترور در آن انجام گرفته (اطریش) حمایت نمود.

همچنین لازم است برخورد آمیخته به ریاکاری دولت اطریش با پرونده ترور دکتر قاسملو و همکاری عملی دولت وقت آن کشور در «فراری دادن» تروریست های جمهوری اسلامی از خاک اطریش، هرچه بیشتر افشا گردد تا مردم ایران و به ویژه مردم کردستان بهتر با ماهیت دوگانه ی دولت های به اصطلاح مدافع دمکراسی آشنا شوند.

گرامی باد یاد دکتر قاسملو و یاران شهیدش!

****

فقر و ارتباط آن با معیشت زنان بلوچ

جامعه زنان در مناطق محروم و حاشیه‌ای شهر زاهدان بار دیگر بهانه‌ای شد تا بی‌عدالتی‌های صورت گرفته در حق این قشر از جامعه را در ذهن تداعی و بر تلخی آن بیفزاید. فقر نقاش چیره‌دست مناطق محروم است که رنگ و بویی دگر به آن داده و بر همه چیز دور و برش رنگ فقر پاشیده است و مسائل رفاهی تا آموزشی همگی زیر چتر این نقاش تغییر رنگ داده‌اند.

****

فقر و ارتباط آن با معیشت زنان بلوچ

صدایی می‌شنوم انگار کسی مرا می‌خواند، راه دوری نمی‌رویم، چند کیلومتر آن طرف‌تر از خانه ما درست در حاشیه شهر که فاصله چندانی با ما ندارد، فقر نقاش چیره‌دست زندگی زنان مناطق محروم شده است.

فقر نقاش چیره‌دست مناطق محروم است که رنگ و بویی دگر به آن داده و بر همه چیز دور و برش رنگ فقر پاشیده است و مسائل رفاهی تا آموزشی همگی زیر چتر این نقاش تغییر رنگ داده‌اند.

جامعه زنان در مناطق محروم و حاشیه‌ای شهر زاهدان بار دیگر بهانه‌ای شد تا بی‌عدالتی‌های صورت گرفته در حق این قشر از جامعه را در ذهن تداعی و بر تلخی آن بیفزاید.

مسئول دفتر حمایت از حقوق زنان و کودکان دادگستری سیستان و بلوچستان در این زمینه معتقد است: ازدواج‌های ثبت نشده، فرزندان بی‌شناسنامه، وضعیت بد بهداشتی، بی‌سوادی و رعایت نشدن عدالت در حق زنان از مهم‌ترین مشکلات جامعه زنان در نقاط حاشیه‌ای شهر زاهدان است.

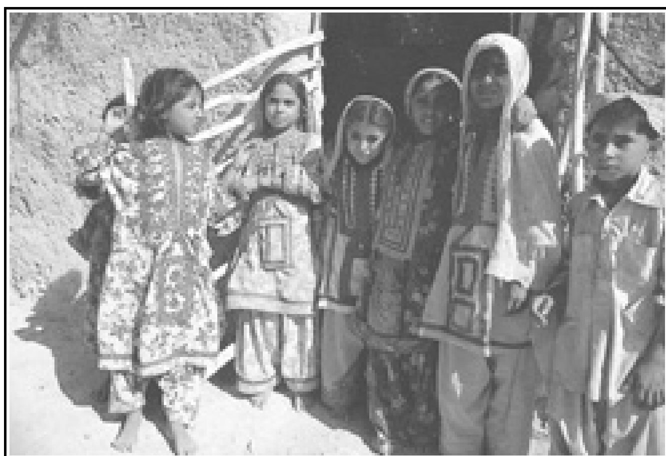
ام‌الکلثوم موذن افزود: بیشتر آسیب‌های این مناطق مربوط به زنان جامعه اهل سنت است که با گفت‌وگوهای انجام شده با علمای دینی از آنان درخواست شده که برای این وضعیت چاره‌اندیشی کنند.

این فعال حمایتی جامعه زنان بیان داشت: بیشتر زنان حاشیه چون ازدواج ثبت نشده دارند و حتی برخی‌ها با اتباع بیگانه ازدواج کرده‌اند از هیچ حق و حقوق قانونی از سوی نهادهای حمایتی ایران برخوردار نیستند.

وی عنوان داشت: با طرد اتباع بیگانه، شوهر خانواده از کشور اخراج شده و زن با شش بچه و بدون هیچ پشتوانه مالی تنها مانده است که این امر زمینه‌ساز بروز آسیب اجتماعی می‌شود.

موذن گفت: اکنون اگر به زندان زاهدان بروید بخوبی حضور زنان نقاط حاشیه‌ای زاهدان که به سبب تامین نیازهای مالی رو به کارهای خلاف از جمله حمل مواد مخدر آورده‌اند، دیده می‌شود.

وی افزود: طبق قانون نیز باید زن ایرانی با فرزندانش، همراه



شوهر تبعه خارجی از کشور خارج شود که در بعد روانی زنان ما را تا مرز خودکشی پیش برده است.

مسئول دفتر حمایت از حقوق زنان و کودکان دادگستری سیستان و بلوچستان تاکید کرد: باید در این زمینه مسئولان چاره‌اندیشی کرده و با نگاهی به مظلومیت این زنان، روزنه‌ای از امید را در درون آنان ایجاد کنند.

وی بیان داشت: زنی که به سبب ازدواج ثبت نشده (ازدواج‌های صیغه‌ای) به راحتی پس از آنکه پسرزا نیست در پی باورهای موجود با انداختن چند سنگ طلاق داده شده و رها می‌شود چگونه می‌تواند خود و فرزندانش را در برابر آسیب‌های اجتماعی حفظ کند.

موذن با اشاره به وضعیت بهداشتی زنان در این نقاط اظهار داشت: وضعیت زنان نیز در این مناطق نماد بارز بی‌عدالتی‌ها و فقر کامل در حقوق آنان است چرا که به سبب ساخت و ساز غیرقانونی آنان مجبورند در خانه‌ای بدون شرایط رفاهی همان آب لوله‌کشی، برق و ... زندگی کنند.

وی گفت: چه‌طور می‌توان از زنی که در یک فضای ۱۲ متری زندگی، آشپزی و استحمام می‌کند توقع داشت در زمینه بهداشت وضعیت مناسبی داشته باشد.

مسئول دفتر حمایت از حقوق زنان و کودکان دادگستری سیستان و بلوچستان ادامه داد: زن مجبور است با استفاده از

یک تشت با چند آفتابه آب، بچه خود را در همان جائی که زندگی کرده و غذا می‌خورد، استحمام کند.
موذن عنوان داشت: از سویی در کنار همین فضا، دستشویی صحرایی وجود دارد که با اندکی وزش باد انگل‌ها و میکروب‌ها را در فضای منطقه پخش می‌کند که نه تنها سلامت خانواده بلکه دیگر شهروندان را تحت شعاع قرار داده است.
وی افزود: وجود بیماری‌های انگلی و پوستی در نوزادان نمونه بارز همین شرایط نامناسب بهداشت زنان نقاط حاشیه‌ای است که سلامت جامعه کودکان شهر را تهدید می‌کند.
مسئول دفتر حمایت از حقوق زنان و کودکان دادگستری سیستان و بلوچستان تاکید کرد: باید با برنامه‌ای دقیق حداقل‌های زندگی را به این زنان هدیه داد تا آنان بتوانند ذره‌ای از زندگی سایر زنان شهر زاهدان را تجربه کنند.
* وضعیت نقاط حاشیه‌ای زاهدان نگران‌کننده است
خبرنگار فارس برای بررسی وضعیت زنان، دختران و خانواده‌ها در محله‌های واقع در بافت‌های فرسوده و حاشیه شهر زاهدان یا به تعبیری عامیانه‌تر آن اقامتگاه‌های غیررسمی با سیدمنتظر شبر، مدیرکل بهزیستی سیستان و بلوچستان گفت‌وگویی انجام داده است که در ذیل می‌خوانید:
طی مطالعاتی که در این مناطق داشته اید فکر می کنید غالباً چه آسیب‌هایی زنان و دختران را در این محله‌ها تهدید می‌کند؟
شبر: فقر عامل بزرگ‌ترین آسیب‌ها و مشکلات اجتماعی در مناطق حاشیه‌ای زاهدان بوده است به‌طوری که عامل بروز اعتیاد و فساد در این مناطق شده است، از سویی عامل دوم ایجاد کننده بسیاری از آسیب‌ها خود خانواده‌ها هستند.
درست است که فقر همه‌جا هست و ما نمی‌توانیم ریشه کن کنیم، ولی اگر از سوی نهادهای مربوطه، آموزش‌های خاصی از جمله مهارت‌های زندگی به خانواده‌ها ارائه شود، این امر نقش موثری در کاهش آسیب‌ها دارد.
به طور مثال یک مادر باید بداند از چه طریقی با فرزند خود ارتباط برقرار کند تا احتمال بروز آسیب را در فرزندش کاهش دهد.
گفتید که فقر مهم‌ترین عامل بروز آسیب‌هایی است که خانواده را تهدید می‌کند، آیا تاثیر آموزش‌های شما به سمت و سویی رفته که به کاهش فقر منجر شود؟
قسمت عمده آموزش‌های ارائه شده، بحث‌مهارت‌های زندگی است، قرار گرفتن آموزش‌های زندگی، برای هر قشری لازم است چرا که سبب افزایش روحیه و خودباوری شده و این برای جامعه اثرهای مثبتی را در بر دارد.
در این راستا مناطق حاشیه‌ای و خطر آفرین زاهدان از سوی بهزیستی شناسایی شده و به صورت نمونه برنامه کاهش فقر در منطقه باباییان به اجر در آمده است.
شروع برنامه‌ها در این مناطق با آموزش‌های مهارت‌های زندگی و شناسایی بحران‌های اجتماعی و فردی به افراد جامعه هدف با برگزاری کلاس‌ها، دوره‌های آموزشی، مباحث کارآفرینی و راه‌های اشتغالزایی همراه بود.
به دنبال این هستیم تا در صورت کسب مجوزهای لازم مباحث کارآفرینی و اشتغالزایی را به دیگر مناطق پر خطر از جمله شیر آباد زاهدان انتقال دهیم.
نقش اتباع بیگانه مجاز و غیرمجاز را در بروز آسیب‌های این مناطق چطور می‌بینید؟
اتباع بیگانه عامل سوم آسیب‌های اجتماعی این مناطق به شمار می‌روند، چرا که در هر منطقه حاشیه‌ای زاهدان هجوم اتباع بیگانه فاقد هر گونه مدارک هویتی را مشاهده می‌کنیم که به‌راحتی و بدون هیچ محدودیتی زمینه ساز بحران‌های اجتماعی در این مناطق می‌شوند.
باید بگوییم که حضور اتباع بیگانه غیر مجاز که زمینه ساز چالش‌های فراوان اجتماعی و سیاسی در این مناطق شده برای مسئولان نهادینه و بودن آنان به یک باور غلط در باور آنان تبدیل شده است.



کودکان بی‌شناسنامه، زنان فاقد هر گونه مدرک قانونی ازدواج، نقل و انتقال‌های بدون سند دیگر معضل‌های حضور اتباع بیگانه در مناطق حاشیه‌ای شهر زاهدان است که باید برای رفع آنها تلاش کرد.
بر اساس آمار اولیه بیش از یک‌هزار کودک فاقد شناسنامه در سیستان و بلوچستان زندگی می‌کنند، زیرا شوهران این زنان ایرانی اتباع بیگانه غیرمجاز بوده و بر اساس قانون نظام، هویت از پدر به فرزند منتقل می‌شود و این امر مانع

بزرگی در راه صدور مدارک هویتی برای این کودکان شده است.
گفتید زنان، سطح سواد این قشر از جامعه را در این مناطق چگونه ارزیابی می‌کنید؟
متاسفانه بیشتر آنان بی‌سواد یا دارای مدرک راهنمایی هستند.
در شرایط مطلوب و ایده آل اگر دختر قصد ادامه تحصیل داشته باشد نهایت تا دیپلم است و این آخر خط سواد در اذهان و باور زنان مناطق محروم زاهدان است.
از سویی حتی این قشر از مظلومیت خاصی برخوردارند زیرا به حقوق اولیه خود واقف نیستند و هر کسی به آنان زور می‌گوید.
پدر به سبب فقر زیاد دخترش را بدون هیچ رضایتی به تبعه بیگانه غیرمجاز آن هم بدون هیچ مدرک هویتی (صیغه‌ای) می‌دهد و پس از چند سال شوهر نیز ترک خانواده کرده و به کشورش برمی‌گردد و این یعنی سر آغاز یک آسیب اجتماعی.
از سویی در منطقه شیر آباد منزلی با ۵۰ میلیون ریال به استناد تنها یک برگ قولنامه و فاقد سند، خرید و فروش می‌شود و این در حالی است که با این مبلغ در نقاط مرکزی زاهدان حتی منزلی را نمی‌توان رهن کرد!
وضعیت بهداشتی زنان و دختران در این مناطق به چه صورت است؟
شبر: وضعیت بهداشتی به طور کلی دارای دو بعد بهداشت محیط و فردی است که ارتباط تنگانگی با هم دارند.
در زمینه بهداشت محیط شرایط خوبی در این مناطق حکم فرما نیست و بهداشت فردی نیز تعریف زیادی ندارد به‌طوری که بیشتر برنامه‌های بهداشتی دانشگاه علوم پزشکی، بهزیستی، سازمان‌های حمایتی یونیسف و ملل در این مناطق متمرکز شده است.
از نگاهی دیگر به این مناطق باید باور کنیم که آنان به سبب بی‌بضاعت بودن نمی‌توانند بهترین وسایل بهداشتی را برای خود فراهم کنند و از سویی تا زمانی که مسیل بزرگ فاضلاب نیز از کنار خانه‌های آنان می‌گذرد، مسلماً در معرض بیماری‌های مختلف میکروبی و انگلی قرار می‌گیرند.
مشکل فاضلاب واقعا خطری جدی برای سلامت مردم این مناطق به شمار می‌رود که باید فکری برای این از سوی نهادهای مربوطه برداشته شود.
با توجه به آسیب‌هایی که جوانان این منطقه را اسیر خود کرده است، ما شاهدیم که با هر ازدواج دوباره مشکلات قبلی در خانواده تازه شکل گرفته تکرار می‌شود، واقعا وضعیت ازدواج در این مناطق به چه صورت است و چه طور می‌توان آسیب‌ها را به حداقل رساند؟
شبر: آموزش مهارت‌های زندگی در روند انتخاب همسر برای دختران جوان تاثیرگذار است، به دختر و پسر آموزش‌های مخصوص قبل از ازدواج ارائه می‌شود که فرد را در روند انتخاب و خوب انتخاب کردن هدایت می‌کند.
از سویی با تصویب قانون، ارائه جهیزیه به دختران خانواده های نیازمند، منوط به گذراندن دوره‌ها و آزمایش‌های قبل از ازدواج است که تاثیر بسزایی در کاهش آسیب‌ها دارد.
در واقع تنها راه فرهنگ‌سازی آموزش است، باید مردم را آگاه و در هر زمینه‌ای اطلاع‌رسانی را در دستور کار داشته باشیم.

سایت سرزمین من کجاست ــ ۱۱ تیر ۱۳۹۰
/http://zohrehbaloch.blogspot.com

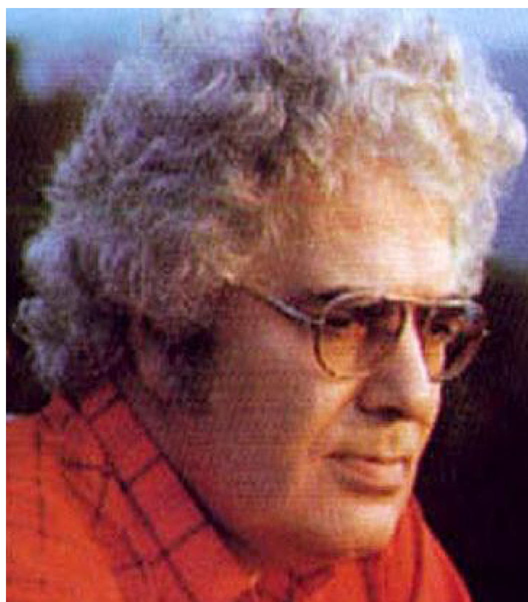
******

جنبش ملی- دمکراتیک کردهای ترکیه، یک گام به پیش!

روز جومعه ۲۴ تیرماه ۱۳۹۰ پس از انجام مقدمات لازم، سرانجام ۸۵۰ تن از فعالین سیاسی، مدنی و فرهنگی کرد ترکیه با تشکیل جمعی به نام «کنگره جامعه دمکراتیک» در دیاربکر گردهم آمدند و منشوری تحت عنوان خودمدیریتی دمکراتیک» اعلام نمودند.
در این نشست علاوه بر روسای حزب «صلح و دمکراسی» که عمده ترین حزب سیاسی - قانونی کردستان ترکیه است، نمایندگانی از نهادهای مدنی ویژه زنان، جوانان، هنرمندان و همچنین تعداد زیادی از شهردارهای شهرهای کردنشین و شماری از نمایندگان کرد پارلمان ترکیه حضور داشتند.
در این گردهم آیی «آیسل توغلوک» دبیر کنگره جامعه دمکراتیک طی سخنانی اعلام داشت: نود سال است که کردهای ترکیه تحت سیاست «آسمیلاسیون» (امحای ملی) و نابودی حکومت ترک قرار دارند، این وضعیت دیگر برای ملت کرد قابل قبول نیست، آنها از این به بعد می توانند خود را شهروند کردستان خودمدیر بدانند. وی در ادامه سخنانش اعلام نمود: این حق ماست که با فرهنگ، زبان و هویت خودمان زندگی کنیم، باید حزب حاکم «آ.ک.پ» از سیاست های بی ثمر (نادیده گرفتن ملت کرد) دست بردارد.
توغلوک درباره ماهیت خودمدیریتی دمکراتیک گفت: در حقیقت خودمدیریتی دمکراتیک مختص به ملت کرد نیست، بلکه سیستمی است که در آن تمامی ملت ها و عقاید مختلف می توانند ضمن مدیریت خود، به شکلی آزادانه نمود پیدا کنند.
ما به نمایندگی از ملت کرد در چهارچوب قوانین بین المللی حقوق بشر و در چهارچوب کشور مشترک خودمدیریتی دمکراتیک را اعلام می کنیم.
هرچند که در حال حاضر نمی توان درباره تاثیرات این گردهمایی بر جامعه ترکیه و دولت آن کشور پیش بینی درستی انجام داد. اما آنچه تا همین لحظه نیز آشکار است تاثیر مثبت این حرکت مدنی و صلح آمیز بر همگرایی و اتحاد هرچه بیشتر نهادهای مدنی و سیاسی کردستان ترکیه است.
واقعیت این است که طی سالهای اخیر جنبش مدنی کردهای ترکیه با دوری جستن از حرکات افراطی و خشونت بار هم در داخل کردستان و هم در سطح ترکیه به سمت همگرایی هرچه بیشتر، قبول تکثر و وجود دیدگاه های گوناگون و همچنین استفاده خلاقانه از ظرفیت ها و حتی «خلاءهای قانونی» گام بردارد و مسئله لزوم رفع ستم ملی از کردها را تبدیل به یکی از مسائل جدی ترکیه کند.
این جنبش با واقع نگری و دوری جستن از طرح شعارها و خواسته های زودهنگام موفق گردیده اقشار هرچه بیشتری از توده های مردم کرد را به میدان مبارزه بکشاند. همچنین علاوه بر حزب کمونیست ترکیه و نهادهای مردمی نزدیک به آن که همواره از مدافعین جدی حقوق برابر همه ی خلق های ترکیه بوده اند، در حال حاضر تعداد قابل توجهی از گروهها و نهادهای مترقی ترکیه به صف مدافعین حقوق ملی کردها پیوسته اند.
بدون شک تشکیل جبهه مشترک «کار، صلح و دمکراسی» در آستانه انتخابات پارلمانی ماه گذشته ترکیه از طرف حزب صلح و دمکراسی (حزب عمده کردها) و احزاب و گروه های سیاسی دیگر، از جمله حزب کارگران ترکیه، را می توان یکی از نمودهای نزدیکی روزافزون ترقی خواهان کرد و ترک به شمار آورد.
تشکیل این جبهه موجب گردید که نمایندگان مناطق کردنشین در پارلمان ترکیه از ۲۲ به ۳۶ نفر افزایش یابد.
تردیدی نیست که اعلام جامعه خودمدیریتی دمکراتیک - از طرف احزاب، نهادهای مردمی و شخصیت های سیاسی فرهنگی کرد ترکیه، ولو آنکه در ابتدای از نظر قانونی فاقد جایگاه مشخص باشد و نتواند در اداره امور مربوط به مناطق کردنشین، نقشی ایفا کند. اما در کلیت خود گامی به پیش است و می تواند به عنوان یک حرکت سمبلیک بر تقویت و انسجام هرچه بیشتر جنبش مدنی و صلح آمیز کردهای آن کشور بیفزاید و به حل دمکراتیک مسئله کرد در ترکیه یاری رساند.
همچین حرکت هایی از این دست به طور طبیعی موجب منزوی تر شدن هرچه بیشتر گروه های افراطی از نوع «پ.ک.ک» و کاهش قدرت مانور ژنرانهای جنگ طلب ترکیه خواهد گردید و آنها را به حاشیه خواهد راند.
بنابراین می توان این اقدام را یک گام به پیش ارزیابی نمود.

****

افق روشن



روزی ما دوباره کبوترهایمان را پیدا خواهیم کرد
و مهربانی دست زیبایی را خواهد گرفت.
❊
روزی که کمترین سرود
بوسه است
و هر انسان
برای هر انسان برادریست.
روزی که دیگر درهای خانه هاشان را نمی بندند،
قفل
افسانه ایست
و قلب
برای زندگی بس است.
روزی که معنای هر سخن دوست داشتن است
تا تو برای آخرین سخن دنبال حرف نگردی.
روزی که آهنگ هر حرف، زندگی ست
تا من به خاطر آخرین شعر رنج جستجوی قافیه نبرم.
روزی که هر لب ترانه ئیست
تا کمترین سرود، بوسه باشد.
روزی که تو بیایی ، برای همیشه بیایی
و مهربانی با زیبایی یکسان شود.
روزی که ما دوباره برای کبوترهایمان دانه بریزیم...
❊
و من آن روز را انتظار می کشم
حتی روزی
که دیگر نباشم.

« احمد شاملو»

سال ۲۰۱۱ سال پایان اشغال عراق؟

در حالی که جنبش اعتراضی مردم عراق برعلیه دولت نوری مالکی ابعاد بی سابقه ای به خود گرفته و به صورت روز افزونی گسترش می یابد و شکاف موجود بین احزاب و جریانات سیاسی سهیم در دولت ائتلافی این کشور هر روز عمیق تر می شود، دولت آمریکا همه توان خود را برای ادامه حضور نظامیان آن کشور در عراق به کار انداخته و به منظور عملی کردن این مسئله به طروق مختلف به دولت و پارلمان عراق فشار می آورد.
در همین راستا علاوه بر شدت گرفتن فعالیت های سفیر آن کشور در عراق، وزیر دفاع آمریکا نیز طی سفر اعلام نشده ای، در ماه جولای وارد بغداد شد و پس از مذاکره با مقامات ارشد عراقی برای دیدار با «مسعود بارزانی» رئیس اقلیم کردستان به اربیل رفت.
هدف اصلی این سفر مجاب کردن مقامات عراقی و کرد برای تجدید قرارداد امنیتی آمریکا – عراق اعلام گردید.
مسئله ماندن یا خروج نیروهای نظامی آمریکا از عراق با نزدیک شدن به پایان سال ۲۰۱۱ تبدیل به یکی از مباحث و مسائل جدی عراقی ها شده است. زیرا بنابر قرارداد امنیتی فی مابین دولت این کشور و آمریکا که در سال ۲۰۰۸ منعقد گردیده، باقی مانده ی نیروهای مسلح آمریکا باید تا پایان سال ۲۰۱۱ عراق را ترک کنند.
این در حالی است که دولت آمریکا و برخی جریانات عراقی به بهانه عدم توانایی نیروهای امنیتی و نظامی عراق در حفظ امنیت کشور، خواهان تجدید قرارداد امنیتی و ادامه حضور نیروهای آمریکایی در عراق هستند.
در همین ارتباط آنچه تاکنون آشکار گردیده، جانبداری نمایندگان کرد پارلمان عراق از تجدید قرارداد و اصرار طرفداران «مقتدی صدر» بر لزوم خروج آمریکایی ها در زمان تعیین شده است.
بقیه جریانات و احزاب سیاسی عراق و دولت این کشور تاکنون به طور شفاف موضعی اتخاذ نکرده و به نظر می رسد اعلام موضع دراین باره را به نتیجه مذاکرات و کشمکش های جاری در بین دو ائتلاف بزرگ پارلمانی این کشور یعنی «ائتلاف دولت قانون» به رهبری نوری مالکی و ائتلاف «العراقیه» به رهبری ایاد علاوی کرده باشند.
اما آنچه در عمل مشاهده می شود، نه حصول نتیجه که عمیقتر شدن روز افزون شکاف بین این دو ائتلاف است.
به طوری که اگر بگوییم محال است که مذاکرات و کشمکش های آنها تا پایان سال جاری به سرانجام برسد و نتیجه ای دربر داشته باشد، دور از واقع نخواهد بود.
به ویژه که عوامل گوناگونی از جمله خود آمریکا و دولت های منطقه (به خصوص ایران و عربستان) از سویی و نارضایتی روز افزون مردم عراق از وضع موجود از سویی دیگر، بر هرچه عمیق تر شدن این شکاف تاثیر گذار هستند.
همه ی ابنها در حالی است که جریان «مقتدی صدر» و شاخه نظامی آن موسوم به «سپاه مهدی» خود را برای رویارویی مسلحانه با نیروهای نظامی آمریکا، در صورت عدم خروجشان از این کشور، آماده می کنند.
همچنین هر روز تعداد بیشتری از شخصیت ها و جریانات سیاسی تشکیل دهنده ائتلاف های العراقیه و دولت قانون به صفوف مخالفین ادامه حضور نیروهای آمریکایی می پیوندند.
مردم عادی عراق نیز با توجه به فجایع ناشی از اشغال عراق و نارضایتی عمیق از وضع موجود، که به باور آنها در اثر حمله نظامی و اشغال این کشور از طرف آمریکا و سیاست های ضد مردمی دولت دست نشانده عراق دامن گیر کشورشان شده است، خواهان خروج نیروهای آمریکایی و پایان دادن به اشغال عراق هستند.
در حال حاضر شعارهای «اداره عراق را به عراقی ها واگذارید» و «ما خود توان حل مشکلات کشورمان را داریم»، تبدیل به خواست تعداد هرچه بیشتری از مردم عراق گردیده است.
اعتراضات و تظاهرات مردمی ماه های اخیر در همه ی شهرهای عراق این واقعیت را به اثبات رساند که می توان و باید جنبش اعتراضی رو به گسترش مردم عراق را بعنوان یکی از مهمترین پارامترهای تاثیرگذار بر روند تحولات فعلی و اوضاع آینده عراق، از جمله مسئله خروج یا عدم خروج نیروهای نظامی آمریکا از این



کشور به شمار آورد.
همچنین آینده دولت مالکی و چگونگی اداره این کشور پس از خروج نیروهای نظامی آمریکا را همین جنبش رقم خواهد زد، نه موافقت یا عدم موافقت نوری مالکی، ایاد علاوی یا مسعود بارزانی!
ناگفته نماند که حزب کمونیست عراق و چندین جریان مترقی و مردمی دیگر، بخصوص طی ۲ سال اخیر خود را با این جنبش مردمی پیوند زده و در بطن آن حضور دارند.
بدون شک حمله ماه گذشته نیروهای امنیتی دولت عراق و تصرف یکی از دفاتر حزب کمونیست عراق در بغداد و سپس تخلیه آن در نتیجه اعتراض مردم را باید در پیوند با همین مسئله تجزیه و تحلیل کرد.

۱۸مین سالگرد اعلام موجودیت حزب کمونیست کردستان عراق

دهم تیرماه امسال ۱۳۹۰ (۳۰ ژوئن ۲۰۱۱) مصادف بود با ۱۸مین سالگرد اعلام موجودیت حزب کمونیست کردستان عراق.(حزب شیوعی کردستان)
حزب کمونیست کردستان عراق در سال ۱۹۹۳ در شرایطی بعنوان یک حزب مستقل کردستانی اعلام موجودیت کرد که بواسطه ی قیام مردمی بهار سال ۱۹۹۱ کردهای عراق بر علیه دولت مرکزی آن کشور، که حزب کمونیست عراقِ در پیروزی آن نقش بسزایی ایفا نمود، منطقه کردستان عملاً از کنترل دولت صدام خارج گردید و یک شبه دولت محلی متشکل از احزاب کردستان اداره آن را برعهده گرفته بود.
در چنان شرایطی، رفقای حزب کمونیست عراق، به ویژه اعضای کرد آن، به این نتیجه رسیدند که برای ادامه ی مبارزه، ضروری است که شاخه اقلیم کردستان حزب با کسب استقلال کامل تشکیلاتی، تحت نام «حزب کمونیست کردستان – عراق»، به مبارزات خود ادامه دهد.
بااین حال اعلام موجودیت حزب کمونیست کردستان عراق و استقلال تشکیلاتی آن از حزب کمونیست عراق را نباید یک «انشعاب» تلقی نمود. زیرا این رویداد، همانطور که اشاره گردید، ناشی از یک ضرورت تاریخی مشخص بود که بواسطه ی پیروزی قیام کردهای عراق در سال ۱۹۹۱ و آغاز مرحله ی تازه ای در تاریخ کردستان و عراق به وقوع پیوست.
واقعیت این است که در شرایط تاریخی جدید، که کردستان تحت اداره احزاب ملی گرای کرد و بقیهِ ی مناطق عراق تحت سلطه رژیم صدام، در دو جهت کاملاً متفاوت سیر می کردند، ادامه ی حیات و مبارزه شاخهِ اقلیم کردستان حزب کمونیست عراق به شیوه ی قبل، عملاً ناممکن می نمود. به ویژهِ که در آن شرایط احزاب ملی گرای حاکم بر کردستان عملاً به هیچکدام از احزاب سراسری عراق اجازه فعالیت در کردستان را نمی دادند. (این ممنوعیت تاکنون نیز ادامه دارد).
این در حالی بود که حزب کمونیست عراق به دلیل مشارکت ده ها ساله و موثر در جنبش ملی– دمکراتیک کردستان، هم در میان احزاب کرد و هم در میان مردم از چنان جایگاه رفیعی برخوردار بود که حذف آن از صحنه سیاسی کردستان ناممکن می نمود.
بنابراین، با صلاحدید کمیته مرکزی حزب کمونیست



عراق،» شاخه اقلیم کردستان حزب» استقلال تشکیلاتی یافت و با نام «حزب کمونیست کردستان عراق»، به حیات مبارزاتی خود ادامه داد.
حمایت همه جانبه ی کمونیست های عراقی از جنبش ملی – دمکراتیک خلق کرد این کشور برای رفع ستم ملی، سابقه طولانی و درخشانی دارد. حزب کمونیست عراق از بدو تشکیل (در سال ۱۹۳۴ میلادی) با در نظر گرفتن ترکیب ملی و مذهبی جامعه عراق، به ویژه در نظر داشت ستم ملی که در حق کردهای آن کشور اعمال می گردید، با شفافیت کامل» مبارزه در راه رفع ستم ملی از ملت کرد» را در برنامه ی مبارزاتی خود وارد نمود و با همه ی توان خود در این راه به مبارزه عملی مبادرت ورزید.
این حزب علاوه بر مبارزه سیاسی همه جانبه در مبارزات مسلحانه ملت کرد علیه رژیم صدام نیز شرکت فعال داشت. بگونه ای که نام و سیمای پیشمرگان حزب کمونیست عراق، «پیشمرگه ی شیوعی» جز تفکیک ناپذیر تاریخ مبارزات ملی کردهای عراق گردید و تاکنون نیز، این سیمای تابناک بر تارک جنبش ملی – دمکراتیک ملت کرد عراق می درخشد.
با تشکیل حزب کمونیست عراق در سال ۱۹۳۴ و شروع فعالیت این حزب، طولی نکشید که نسیم رهایی بخش اندیشه های مارکس و لنین در کردستان نیز وزیدن گرفت و در اندک مدتی صدها تن از کارگران، روشنفکران، شعرا و نویسندگان مردمی کردستان به صفوف حزب پیوستند. بگونه ای که تنها ده سال بعد از تشکیل حزب کمونیست عراق، تعداد اعضای کرد زبان حزب چنان افزایش بود که ضرورت تشکیل» شاخه کردستان» تبدیل به یکی از مباحث جدی نحستین

کنگره حزب کمونیست عراق در سال ۱۹۴۵ گردید.
در همین کنگره به شاخه ی کردستان حزب، این حق داده شد که با توجه به شرایط تاریخی و ویژگیهای فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی کردستان، دارای برنامه و اساسنامه خود باشد.
شاخه ی کردستان حزب کمونیست در سال ۱۹۴۶ اولین کنفرانس خود را برگزار کرد و یک سال بعد از آن نشریه «آزادی» به عنوان ارگان شاخه کردستان حزب کمونیست عراق به زبان کردی آغاز به انتشار کرد.
ضرورت انتشار نشریه «آزادی» به زبان کردی، همواره مورد تاکید و حمایت رفیق «فهد» بنیانگذار و دبیراول حزب کمونیست عراق قرار می گرفت.
سرانجام اولین شماره «آزادی» در سال ۱۹۴۵ منتشر گردید.
نشریه آزادی در آن شرایط، تنها نشریه ای بود که به زبان کردی در عراق منتشر می شد. به همین خاطر می توان انتشار آن را سرآغاز فصل تازه ای در روزنامه نگاری کردی به شمار آورد.
شاخه کردستان حزب کمونیست عراق در سال ۱۹۶۷ سومین کنفرانس خود را برگزار کرد و از آن به بعد با عنوان «سازمان اقلیم کردستان» حزب کمونیست عراق به فعالیت خود ادامه داد. همچنین در بهار سال ۱۹۶۹ اولین کنگره خود را برگزار کرد.
در این کنگره، پس از بررسی و تحلیل شرایط تاریخی و خود ویژگیهای جامعه کردستان، اولین برنامه ی مبارزاتی جامع خود را پی ریزی و تصویب نمود.
در این برنامه، سازمان کردستان حزب کمونیست عراق بیش از پیش بر کردستانی بودن خود و مشارکت همه جانبه تر در جنبش ملی – دمکراتیک کردستان تاکید نموده بود.
این برنامه تا سال ۱۹۹۳ و آغاز دوره تاریخی تازه ای که به واسطه ی پیروزی قیام کردستان در سال ۱۹۹۱ آغاز گردیده بود، در دستور کار قرار داشت.
سازمان اقلیم کردستان حزب کمونیست عراق در دهه های هفتاد و هشتاد میلادی نقش برجسته ای در مبارزات مسلحانه ی کردستان ایفا نمود.
با اعلام موجودیت «حزب کمونیست کردستان عراق»، در ۳۰ ژوئن سال ۱۹۹۳ و استقلال تشکیلاتی آن از حزب کمونیست عراق، به طور طبیعی برنامه مصوب کنگره اول (سال ۱۹۶۹) منتفی و برنامه و اساسنامه ی تازه ای جای آن را گرفت.

مبارزه در راه «استقرار دمکراسی، فدرالیزم و عدالت اجتماعی» در کردستان محورهایی بودند که برنامه جدید حزب بر اساس آن تدوین شده بود.
مبارزات حزب کمونیست کردستان عراق از سال ۱۹۹۱ تا کنون به شیوه ی علنی و قانونی ادامه دارد.
نشریه ارگان مرکزی حزب «ریگای کوردستان» (راه کردستان) دو هفته یک بار انتشار می یابد و در سراسر شهرهای کردستان توزیع می گردد.



همچنین این حزب شبکه ی تلویزیونی «آزادی» و رادیویی به همین نام را در اختیار دارد که برنامه های آن به شکل لوکال (محلی) پخش می شود.
حزب کمونیست کردستان عراق در حال حاضر یک نماینده در پارلمان یکصد و ده نفری کردستان دارد و از سال ۲۰۰۹ تاکنون، یکی از اعضای دفتر سیاسی حزب به عنوان وزیر «فرهنگ و جوانان» در دولت محلی کردستان حضور دارد.
لازم به یادآوری است که نفوذ معنوی و اعتبار سیاسی حزب کمونیست عراق در بین مردم و احزاب سیاسی کردستان بسیار بیش تر و عمیق تر از تعداد آراء آن است.
حزب کمونیست کردستان عراق در طول ۲۰ سال گذشته همواره در درگیریها و کشمکش های سیاسی و گاه نظامی احزاب کردستان عراق نقش «میانجی» را برعهده گرفته و نقش برجسته ای در رفع کنش ها و استقرار صلح و آرامش در کردستان داشته است. امری که هم مردم و هم احزاب سیاسی کردستان همواره برآن اذعان نموده اند.
همچنین این حزب در بین احزاب کرد کشورهای سوریه، ترکیه و ایران از اعتبار ویژه ای برخوردار است و پیوندهای صمیمانه و دیرینی با آنها دارد.

****

جهان به اردوگاه بزرگ مرگ تبدیل شده است

خصایل غیرانسانی با سرعت جهان را در می نوردد، و مسئله فقط بر سر این موضوع نیست که رسانه های جمعی هر روز از قتل انسانها در نقاط مختلف جهان خبر می دهند، بلکه، صفحات اینترنت نیز با فیلمهای زنده شکنجه و کشتار انسانها انباشته است. تغییر سمت بنیادی سالهای اخیر عبارت از این است که یک گروه مشخصی از کشورها مدیریت قضاوت و مجازات را به حق اختصاصی خود تبدیل کرده و جمعیت نیز در مواجه با خشونت، دیگر بهت زده نمی شود.

هشت سال قبل، جهان بخاطر اشغال عراق از سوی آمریکا به خشم آمد. نه تنها در کشورهای اسلامی، حتی در کشورهای آمریکا و اروپا هزاران نفر تظاهرات اعتراضی برگزار کردند. عکسهای شکنجه زندانیان عراقی بدست نظامیان آمریکا و انگلیس مدتها به موضوع اصلی رسانه های جهان بدل شدند. رسوایی زندانهای اوغریب، گوانتانامو و زندانهای مخفی سیا در اروپا همراه با تصاویر قتل گروگانها در سایتهای بنیادگرایان اسلامی بازتاب گسترده ای یافتند. روزنامه نگاران در باره اوجگیری موج توحش نه فقط در شرق، حتی در کشورهای غربی که تمدن خود را به رخ می کشند، سخنها گفتند.

امروز جامعه جهانی براحتی ناظر آن است که بمب افکنهای انگلیسی و فرانسوی لیبی را زیر و زیر می کنند و واقعیتهای مشخص خشونت علیه اسرا و مردم غیرنظامی هیچکس را تکان نمی دهد. تا همین چندی پیش سردبیری مجله آلمانی اشپیگل از در اختیار داشتن چهار هزار قطعه عکس و ویدئوفیلم خبر داد که نشان می دهد نظامیان آمریکا برای تفریح و سرگرمی مردم افغانستان را به قتل می رسانند. گرچه این مسئله توجه دادستانی ارتش و هفته نامه آمریکایی «نیویورکر» را بخود معطوف داشت، اما، برای بقیه خبر تازه ای نبود. در متن همه آن حوادثی که در طول ده سال در افغانستان، هشت سال در عراق و در سه ماه اخیر در لیبی روی می دهد، خودافشاگری چند بیمار سادیستی دانه ریز، اهمیت جدی کسب نمی کند.

بهره گیری از هواپیماهای بی خلبان و دیگر تسلیحات کنترل از راه دور برای وارد آوردن ضربه، نه فقط خصلت جنگ را دگرگون ساخت، حتی روانشناسی اجتماعی در کشورهای متمدن را نیز بسرعت به این مسئله عادت داد که نسبت تلفات در محدوده یک به صد (۱ به ۱۰۰) در نوسان است. به همین جهت، بمناسبت مرگ شش نظامی ایتالیایی در افغانستان، در ایتالیا عزای عمومی اعلام شد ولی در مقابل کشتار اتفاقی مردم عراق، افغانستان، پاکستان و لیبی در جریان عملیات نظامی، صدای کسی درنمی آید. در طول تمام سالهای جنگ در افغانستان، ۴۷ نظامی آلمانی کشته شده ولی شمار «قربانیان اتفاقی» در میان مردم عادی در همین افغانستان و پاکستان سر به هزاران نفر می زند. در مدت هشت سال جنگ در عراق، در حدود ۴۵۰۰ نظامی آمریکایی و بیش از یک میلیون مردم عیرنظامی کشته شدند.

حق سرکوبی خونین عبرت آمیز موضوع بحث دیگری است. یوگسلاوی را بخاطر «رئیس جمهور بد» آن بمباران کرده و سپس او را به دادگاه بین المللی کشاندند که در آنجا هم جان سپرد. جامعه جهانی چنان وانمود کرد که گویی همه چیز رو براه است و تنظیم کنندگان سیاست جهانی فهمیدند که می توانند کار خود را به همین منوال ادامه دهند. افغانستان قربانی انفجار برجهای دو قلو گردید و عراق فدای گناهان صدام. امروز با اینکه همه هیولاها کشته شده اند، ولی قتل عامها همچنان ادامه دارد و پایان آنها نیز دیده نمی شود.



لیبی بعنوان هدف بعدی «بمبارانهای بشردوستانه» انتخاب گردید که خود آن، بهترین مثال وقاحت و بیدادگری مدافعان دمکراسی می باشد. از همان روز اول، شورشهای مسلحانه را «تظاهرات مسالمت آمیز» معرفی کردند و قطعنامه پرواز ممنوع در آسمان لیبی روزانه ۱۵۰ حمله هوایی را در پی آورد. البته، روزانه ۳۰۰ حمله برنامه ریزی شده بود، منتها از تأمین هزینه آنها عاجز ماندند. و البته که هدف از همه اینها، نجات مردم غیرنظامی بود که اکنون زیر بمبارانهای ائتلاف غرب کشته می شوند.

امروز دیگر چهره واقعی شورشیان لیبی در نزد کسی ایجاد شبهه نمی کند. صفحات اینترنت از ویدئوفیلمهای تسویه حساب جنون آمیز با هواداران قذافی پر است که اتفاقا خود همین شرکت کنندگان «تفریحات» فیلمبرداری کرده اند. البته، مبتکر این اعمال آمریکایی ها و انگلیسیها بودند و حالا، خود آنها باندها را تغذیه

می کنند. تفاوت، اما، عبارت از این است که هیچ کس به فکر محاکمه آنها نیست. برای اینکه حق الزحمه قساوت دریافت گردیده و دادگاه لاهه برای رسیدگی به پرونده شخصی قذافی آماده شده است.

همچنین صرفنظر از اینکه هیچگونه سند معتبری دال بر مجرمیت قذافی ارائه نشده، حتی سازمان جهانی عفو بین الملل نیز رسما اعلام کرد که هیچگونه سندی برای اثبات هیچ یک از موارد اتهام اعلام شده برعلیه رهبر لیبی وجود ندارد. البته که این مسئله هیچ کسی را ناراحت نمی کند. زیرا، همه بسیار خوب می دانند که مسئله نه بر سر ارتکاب جرم، بلکه عبارت از آن است که قذافی هم باید مثل صدام حسین، بدون آنکه تسلیحات کشتار جمعی در عراق یافت شود، به زیر کشیده شد و حلق آویز گردید، سرنگون و نابود شود.



مهم این است که هیچکس هدف اصلی حمله را پنهان نمی کند. مقامات رسمی آمریکا و اروپا حتی بخود اجازه می دهند بطور تقریباً آشکار بگویند هدف اصلی بمبارانها، خود رهبر جماهیری می باشد. در چنین وضعیتی صحبت از دفاع از شهروندان غیرنظامی، چیزی جز بسته بندی زیبای ته مانده های شرف شرکت کنندگان این جنایات نیست. مسئله دیگر اینکه، جهان چگونه به چنین جایگاهی رسید؟ چگونه جامعه بین المللی توانست معاهدات و قوانین قویا انساندوستانه امضاءشده پس از جنگ جهانی دوم را به ابزار نسل کشی تبدیل کند؟

بعید نیست که جنبه های بین تمدنی جنگهای اخیر که در آنها شخصیت دشمن بیش از حد با خصایل ناسیونالیستی و نژادپرستی رنگ آمیزی شده و اغلب بصورت نژادپرستانه در زندگی روزمره بازتاب می یابد، نقش تعیین کننده ای بازی می کند. در نتیجه، در چشم طرفهای درگیر، طرف مقابل نه تنها محروم از صفات طبیعی انسانی و دشمن، حتی بمثابه «غیرانسان» مستحق همه نوع قساوت، دیده می شود.

دقیقا با چنین روحی جون مک کین، سناتور جمهوریخواه، بعدها رقیب اوباما در انتخابات ریاست جمهوری نقطه نظر خود را در آغاز هزاره دوم بیان کرد. او با خشمگینی کاملا بحق از اعدام گروگان آمریکایی توسط اسلامگرایان گفت: «اینک بر همگان روشن است که اینها آدم نیستند». و بعید نیست که دقیقاً همین سخنان، ضرب در وقاحت رهبران و تجارب پیشبرد جنگ در کشورهای مختلف، موجب تحرک و توجیه قلدریهای گسترده ای گردید که دهها آمریکایی جوان برعلیه زندانیان عراقی به اجرا گذاشتند.

پنجاه سال پس از تصویب بیانیه حقوق بشر، کنوانسیون ژنو دایر بر منع شکنجه و بسیاری اسناد مهم دیگر، معلوم گردید که همه این انساندوستی ها یک ریاکاری محض هستند. چرا که از یک سو، زندگی انسان بدرستی بالاترین ارزش شمرده می شود و از سوی دیگر، هیچ ارزشی ندارد. و معیار معمولی برای تشخیص اینکه این یا آن فرد، این و یا آن گروه به کدام دسته تعلق دارد، معیار شهروندی و وفاداری به تمدن ایده آل غرب بحساب می آید. بر اساس همین منطق، بدوی های گمنام – عراقیها و افغانیها– «غریبه اند» و اگر آنها را «تصادفا» می کشند، هیچ اتفاق بدی هم نمی افتد، اما شهروندان کشورهای متمدن– «خودی هستند».

این حقوق فرضی برای یکی و بی حقوقی کامل برای دیگری، جنگهای ده سال اخیر را به مهمترین وسیله نسل کشی ملتها، نژادپرستی و نمود ایدئولوژیک بدل ساخته است. و این واقعیت که یک کشور در مقام مدیرکل انجام وظیفه می کند، جهان را به یک اردوگاه بزرگ مرگ تبدیل کرده که بر سردر آن کلمات «ارزشهای انسانی» و «حقوق بشر» نقش بسته است.

مترجم: ا. م. شیری

منبع: «utra.ru»، ناتالیا
www.warandpeace.ru/ru/commentaries/
/۵۹۶۳۲/view

رویارویی جنبش مردمی تایلند با رژیم کودتا

تحول های دو ساله اخیر تایلند، و مبارزه جنبش اعتراضی توده ای با کودتاچیان حاکم، هم به لحاظ صف بندی های موجود در جامعه، و هم به دلیل مشکل هایی که بر سر راه سازمان دهی و تشکل طبقه کارگر و فعالیت های نیروهای سیاسی قرار دارد، برای فعالان سیاسی میهن مان آموزنده است. پیروزی شکننده نامزد مورد حماین جنبش اعتراضی توده ها در انتخابات عمومی تایلند که روز یکشنبه ۱۲ تیرماه برگزار شد، نمایشگر توان مبارزات توده ای سازمان دهی شده می باشد.

روز ۱۲ تیر مردم تایلند به پای صندوق‌های رأی می‌روند تا برنده انتخابات را از میان دو رقیب سرسخت برگزینند، یکی "آبیسیت وجاجیوا"، نخست‌وزیر کنونی و سیاستمدار سابقه‌دار کشور، و دیگری "یینگ‌لاک شیناوات"، خواهر تاکسین شیناوات، نخست‌وزیر خلع شده سابق این کشور.

رقابت بسیار شدید است و منافع بزرگی در میان است. اوایل سال میلادی گذشته، در کشمکش‌های خیابانی میان ارتش تایلند و معترضان ضد آبیسیت به رهبری "جبهه متحد دموکراسی بر ضد دیکتاتوری"، که جنبشی طرفدار تاکسین و معروف به "سرخ‌جامگان" است، بیشتر از ۹۰ نفر کشته و بیش از ۲۰۰۰ نفر زخمی شدند. دولت آبیسیت که پس از کودتای نظامی به قدرت نشانده شد، اینک در وضعیت ناگوار و دشواری قرار دارد. همه نظرسنجی‌های اعلام شده نشان می‌دهند که "حزب دموکرات" او از حزب "فو- تای" (به معنای "برای تایلند") یینگ‌لاک، عقب است. به‌رغم بی‌تجربگی سیاسی و نداشتن سابقه سیاسی، یینگ‌لاک توانسته است موجی از حمایت مردمی را جلب کند که می‌تواند برای آبیسیت ـ سیاستمداری که در نیوکاسل انگلستان به دنیا آمده است و درس‌خوانده دانشگاه‌های آکسفورد و کمبریج است ـ به شکست خفّت‌باری منجر شود. برخی از مفسّران این طور وانمود می‌کنند که کشمکش‌ها ماهیت و ریشه محلی دارند، و کشاورزان فقیر و بی‌سواد شمال و شمال‌شرق کشور بر ضد مردم پولدار و تحصیل‌کرده شهری قیام کرده‌اند. تردیدی نیست که نواحی روستایی شمال و شمال‌شرق کشور پایگاه‌های نیرومند حمایت از "سرخ‌جامگان" بوده‌اند و هستند، اما اگر تصور شود که این نواحی تنها نواحی هوادار "حزب فو- تای" هستند، اشتباه است. در انتخابات های ده سال و پنج سال پیش (سال‌های ۲۰۰۱ و ۲۰۰۵)، تاکسین با کسب تمام کرسی‌های مجلس در پایتخت در انتخابات اول[۲۰۰۱]، و ۳۲ کرسی از ۳۷ کرسی در انتخابات دوم[۲۰۰۵]، توانست با اکثریت مطلق یا اکثریت بزرگی برنده انتخابات در بانکوک شود. اگرچه با ترس فزاینده طبقه ها و قشرهای شهری مرفه از برنامه‌ها و سیاست‌های تاکسین، حمایت از او کاهش یافت، اما همان‌طور که تظاهرات سال ۲۰۱۰ نشان داد، "سرخ‌جامگان" هنوز میلیون‌ها هوادار در پایتخت دارند. برخی از نظرخواهی‌های اخیر، حمایت ۵۱ درصدی مردم بانکوک را از حزب "فو- تای" نشان می‌دهند. یینگ‌لاک به نوعی در این انتخابات به نمایندگی از برادرش نامزده شده است که پس از کودتای نظامی یی که به ضد او در سال ۲۰۰۶ صورت گرفت، اکنون در خارج از کشور در تبعید به سر می‌برد. در ظاهر، علت جنبشی که برضد تاکسین به راه افتاد، معامله غیرقانونی سهام و سوءِ استفاده او از مقامش برای کسب و افزایش ثروتش بود. تقلب و کلاه‌برداری و فساد امر تازه‌ای در دستگاه سیاسی تایلند نیست. واقعیت معاملات بورسی و مالی مشکوک تاکسین هرچه باشد، شماری از هواداران او معتقدند که اتهام‌های مطرح شده به ضد تاکسین انگیزه سیاسی داشته اند. تاکسین نخستین رهبر سیاسی امروزی تایلند بود که دستگاه سیاسی مؤثر و کارآیی به وجود آورد که مستقل از پادشاه و نفوذ ارتش بود، و نسبت به جمعیتی که مورد بی‌مهری و بی‌توجهی قرار گرفته بودند، توجه نشان داد.



شعار "تایلندی دوستدار تایلندی" او، مُهر و نشان سیاسی زیبا و گیرایی بود که بین مردم به خوبی ارزیابی شده و رواج پیدا کرده بود. تاکسین در کارنامه دوران نخست‌وزیری‌اش چندین نقطه سیاه از لحاظ نقض حقوق بشر هم دارد، از جمله اینکه دست نیروی پلیس را در عملیات برضد تبهکاران مواد مخدّر کاملاً باز گذاشت که منجر به ۲۰۰۰ مورد اعدام فراقانونی شد، و نیز به ارتش در سرکوب جدایی‌طلبان مسلمان جنوب چراغ سبز نشان داد. سیاست‌های اقتصادی تاکسین نیز گرایش بنیادی مثبت و چشمگیری را نشان نمی‌دهند. او حامی کمک مالی دولت به شرکت‌های بزرگ بود و طرح‌ها و برنامه‌هایی را به اجرا گذاشت که در همه جزئیات مشابه برنامه‌های پیشینیان خود و حامی شرکت‌های بزرگ تایلندی بود. تحمیل خواهرش به عنوان رهبر حزب، با وجود سیاستمداران باتجربه و خبره در حزب، و نیز حمایت از شوهر خواهرش، سوماچی وُنگ‌ساوات، برای نخست‌وزیری در سال ۲۰۰۷، در میان هوادارانش به منزله عدم اعتقاد و اعتماد او به شیوه‌های دموکراتیک و

تمایل روشن او به فامیل‌بازی و تبارگماری تلقی شد.
با وجود این، تناقض در اینجاست که انگیزه‌های شخصی تاکسین هرچه باشد، او اینک موجب به راه افتادن یک جنبش توده‌ای شده است که هم از حلقه پیرامون او گسترده‌تر است، و هم از هر لحاظ رادیکال‌تر و دارای آگاهی طبقاتی یی بیشتر از بینش خود تاکسین است که هوادار جدی شرکت‌ها و کسب‌های بزرگ است.

تاکسین در دوران زمامداری‌اش بخشی از بودجه دولت را به روستاهای محروم اختصاص داد، و برنامه‌هایی برای بهداشت و درمان تدوین کرد و به اجرا گذاشت که میلیون‌ها تن از تنگدستان تایلندی از آن ها بهره‌مند شدند. این اقدام‌های تاکسین او را در چشم بسیاری از مردم، به‌ویژه در شمال و شمال‌شرق کشور، قهرمان کرد.
در انتخابات سراسری ده سال پیش، سال ۲۰۰۱، شعار "تایلندی دوستدار تایلندی" باعث شد که حزب تاکسین بتواند ۴۰ درصد آرا را به دست آورد، که کم مانده بود اکثریت کرسی‌های مجلس را نیز به خود اختصاص دهد. تاکسین در سال ۲۰۰۵ با ۵۶/۴ درصد آرا مجدداً انتخاب شد، و حزب او، بجز در جنوب که در اختیار دموکرات‌ها (حزب آبیسیت) بود، توانست اکثریت عظیمی را در بقیه استان‌های کشور به دست آورد. در منطقه شمال‌شرقی "ایسان"، که منطقه یی فقیرنشین اما دارای تاریخ پرباری از مبارزه سیاسی است، حزب تاکسین توانست با شعار "تایلندی دوستدار تایلندی" ۱۲۶ کرسی از ۱۳۶ کرسی مجلس را در اختیار بگیرد.
تاکسین در واکنش به کارزار قانونی گسترده‌ای که بر ضد او به راه افتاد، تصمیم گرفت در آوریل سال ۲۰۰۶ انتخابات مجددی را برگزار کند، اما این انتخابات از سوی مخالفان تحریم شد. در پی بی‌اعتبار خواندن نتیجه انتخابات از سوی "بومی‌پال"، پادشاه تایلند، پیروزی شعار زیبای حزب تاکسین باطل اعلام، و انتخابات دیگری برای شش ماه بعد تعیین شد. اما یک ماه مانده به انتخاباتی که ممکن بود پیروزی دیگری را برای حزب تاکسین و شعار گیرای او به دنبال بیاورد، "شورای نظامی امینت ملی" قدرت را قبضه و انتخابات سراسری پیش رو را لغو کرد. شعار "تایلندی دوستدار تایلندی" ممنوع اعلام شد و در حدود ۱۰۰ تن از رهبران ارشد حزبی به مدت پنج سال از داشتن هرگونه مقام سیاسی کشوری منع شدند. چهار سال پیش، سال ۲۰۰۷، زمانی که سرانجام انتخابات برگزار شد، بقایای هواداران واجد شرایط تاکسین، "حزب قدرت مردم" را تشکیل داده بودند که در آن انتخابات توانست در برابر ۱۶۵ کرسی دموکرات‌ها، ۲۳۳ کرسی مجلس را به دست آورد. "حزب قدرت مردم" توانست با چند حزب کوچک تر وارد ائتلاف‌های کوتاه‌مدت شود، اما شرایط کشور به طور روزافزونی غیرقابل مهار شده بود. یک نهضت دست‌راستی هوادار پاشاهی به نام "زردجامگان" دست به بسیج گسترده مردم به منظور ایجاد بی‌ثباتی در دولت‌های "حزب قدرت مردم" زد که "ساماک سونداراوج" و "سومچای وُنگ‌ساوات" به ترتیب یکی پس از دیگری ریاست آن را به عهده داشتند. گروهی که با نام بی‌مسمّای "ائتلاف مردمی برای دموکراسی" شناخته می‌شد، که نام رسمی همان "زردجامگان" بود، در نهایت توانست موفق شود، چرا که از پشتیبانی نهان و آشکار ارتش و حمایت زیرکانه و محتاطانه‌تر دربار پادشاهی برخوردار بود. "دیوان قانون‌اساسی" رهبران "حزب قدرت مردم" را از قدرت برکنار و چندی بعد هم خود حزب را غیرقانونی اعلام کرد. فشار مستقیمی از سوی ارتش به ائتلاف کنندگان با "حزب قدرت مردم" وارد شد تا ائتلاف را ترک کنند و آن را بر هم زنند، و از دولت جدید حزب دموکرات آبیسیت حمایت کنند.
در یک دهه گذشته، هیأت حاکمه تایلند هر ترفندی را به کار بسته است – از مانورهای سیاسی گرفته تا کشتارهای جمعی از سوی ارتش – تا از قدرت گرفتن هر دولتی که در یک رأی‌گیری واقعی توسط اکثریت مردم انتخاب می‌شود، جلوگیری کند. مجلس تایلند ۵۰۰ نماینده دارد، که از آن میان ۳۷۵ کرسی در انتخابات حوزه‌های محلی و به روش "هر که بیشتر رأی آورد" (صرف‌نظر از اینکه چند درصد آرای آن حوزه باشد) تعیین می‌شود، و ۱۲۵ کرسی بقیه برندگان فهرست‌های انتخاباتی حزب‌های شرکت کننده در انتخابات هستند. به نظر می‌رسد که در انتخابات پیش رو، حزب "فو- تای" (برای تایلند) یینگ‌لاک در هر دو رده انتخابات (حوزه‌ها و فهرست حزب‌ها) در صدر قرار خواهد گرفت و به احتمال زیاد اکثریت مطلق را به دست خواهد آورد. آخرین باری که حزب دموکرات برنده یک انتخابات شده بود، در پاییز ۱۹۹۲ (۱۹ سال پیش) و آن هم فقط با برتری ۲ کرسی بود.
بیشترین امید آبیسیت این است که بتواند حمایت حزب‌های کوچک تر را جلب کند، یا ارتش را وادارد تا آن ها را بترساند، و وارد ائتلاف شوند؛ اما نتیجه نظرسنجی‌ها چندان به سود او نیست. اختلاف‌های میان "زردجامگان" و دموکرات‌ها بسیار عمیق و آشکارا تبدیل به دشمنی و رویارویی شده است. رهبران "زردجامگان" از رأی‌دهندگان خواسته‌اند که از رأی دادن خودداری کنند. البته ارتش هم همیشه در این میان نقشی به عهده داشته و دارد. در ۸۰ سال گذشته، ۱۸ کودتای نظامی در تایلند رخ داده است و احتمال زیادی دارد که پیروزی یینگ‌لانک انگیزه‌ای شود برای کودتای نوزدهم. چند هفته پیش، فرمانده کل قوای ارتش تایلند، ژنرال پرایوت چان‌اوچا، نطق تلویزیونی هراس‌انگیزی کرد که در آن از جمله گفت: "اگر بگذارید که نتایج این انتخابات مثل دفعه قبل شود، چیز تازه‌ای به دست نخواهید آورد و هیچ بهبودی‌یی از آن حاصل نخواهد شد... مردم باید سهم خود را در کمک به حفظ سلطنت ادا کنند... فکر نکنید که من قدرت نظامی‌ام را به رخ می‌کشم تا تهدیدی کرده باشم، یا اینکه برای بستن خروجی‌های رسانه‌ها دست به اقدام‌های سرکوبگرانه خواهم زد." پیروزی "فو- تای" نه به معنا و منزله پیروزی "انقلاب مردم" است، و نه تایلند را به راه تحول‌های اجتماعی رادیکال سوق خواهد داد، اما تجلّی دلیرانه قدرت مردمی خواهد بود؛ ضربه یی سهمگین خواهد بود به "برگزیدگان" و اشراف تایلندی، و نشانه این خواهد بود که میلیون‌ها تایلندی نه مرعوب نیروی نظامی می‌شوند، و نه فریب سخنان پوچ و توخالی و تفرقه‌آمیز سلطنت‌طلبان را می‌خورند.
این احتمال وجود دارد که فضای باز دموکراتیک تازه‌ای در تایلند گشوده شود. اگر چنین شود، مسئله سرنوشت‌ساز و پراهمیت پس از انتخابات ۱۲ تیر این خواهد بود که طبقه حاکمه تایلند چه واکنشی نشان خواهد داد؟

به نقل از نامه مردم، شماره ۸۷۲، ۱۳ تیر ماه ۱۳۹۰

هەل یان هەڵدێر؟

(تۆپ باران کردنی ناوچە سنوورییەکان)

«ابن الوقت» زاراوەیەکی سیاسی کۆمەڵایەتییە کە لە ئەدەبیاتی سیاسی – کۆمەڵایەتی سەدەکانی رابردووی ئێرانییەکان، بە تایبەت لە ئەدەبیاتی سیاسی سەردەمی قاجارەکاندا زۆر بە کار دەهێنرا.

هەر وەک دیارە، «ابن الوقت» وشەیەکی لێکدراوی عەرەبییە کە مانا کوردیەکەی دەبێتە «کوڕی لەحزە«.

کوڕی لەحزە یان ابن الوقت بە کەس یان لایەنێک دەوترێت کە لە حاڵەتی ئاساییدا «پاسیڤ» واتە «نووستوە» و نە دەتوانێت و نە دەیهەوێت «کردارێکی هەبێت».

ئەمەش بۆ ئەوە دەگەڕێتەوە کە «ابن الوقت» توانایی «خۆڵقاندن»ی نییە و ناتوانێت هچ فەزا یان دەرفەت یان دۆخێک دروست بکات.

بەڵام بەردەوام چاوەڕوانە و بەدواداچوون دەکات بۆ گشت رووداو و پێشهاتەکان و بە وردی لێکیان دەداتەوە بۆ ئەوەی بزانێت ئایا ئەو رووداو و پێشهاتانە دەتوانن ببنە هەوێنی «هەل»ێک بۆ هاتنە مەیدانی ئەو یان نا؟

کەواتە یەکێک لە تایبەتمەندییەکانی ابن الوقت هەلپەرەستییە.

کە هەلی بۆ رەخسا و هەستی بەوە کرد کە دەتوانێت «هەل»ەکە لە بەرژەوندی خۆیدا بقۆزێتەوە، ئەوا بە خێرایی دەجوڵێت و بە هات و هاوارێکی فراوانەوە قۆڵی هەڵدەماڵێت و دێتە مەیدان و «مەیدانداری» دەکات.

لەوەها حاڵەتێکدا ئەگەر «ابن الوقت» کەس یان لایەنێکی سیاسی بێت، دێتە مەیدان و رادیکاڵترین و بەسۆزترین دروشمەکان بەرز دەکاتەوە و وەها مەیدان دارییەک دەکات کە کەس نەتوانێت وڵامی بداتەوە و لە مەیدانەکە دەری بکات.

رێک وەک هەندێ کەسی زۆر بەسۆز کە لە کاتی بەشدرایکردنیان لە سەرەخۆشی بۆ مردوویەک، وا دەگرین و مردووەکە دەلاوێننەوە کە تەنانەت کەسانی نزیکی مەردووەکەش وێڕای ئەوەیکە بە باشی دەزانن ئەو کەسە کێیە و خزمایەتییەکەیان لە چ ئاستێک دایە، لێی نزیک دەبنەوە و هەوڵدەدەن ئارامی بکەنەوە.

لەو حاڵەدا ئەگەر کەسێک لە دوورەوە سەیری دیمەنەکە بکات، واتێدەگات کە کابراکە خاوەن عەزا و کەسی هەرە نزیکی مردووەکەیە و ئەوانی تر (کە لە راستیدا کەسانی پلە یەکی مردووەکەن) بۆ سەرەخۆشی لە دەوری ئەو کۆبوونەتەوە!

«ابن الوقت»یش کاتێک دێتە مەیدان، رێک وەک ئەو کەسە، وا هات و هاوار دەکات و دروشمی توند و رادیکاڵ و هەستیار دەبیژێتەوە کە تەنانەت لایەنە رەسەن و سەرەکییەکانی ناو گۆڕەپانەکەش نەتوانن حیسابی بۆ نەکەن و لێ نزیک نەبنەوە و وەک لایەنێک رێزی لێنەگرن و لە «دەستکەوتەکان» بێبەشی کەن.

بەڵام کێشە لەوە دایە کە «کوڕی لەحزە« تا خوا بڵێ بەسە، «چاوچنۆکە« و قەت بە بەشی خۆی رازی نابێت. «ابن الوقت» هەر کە ئەوانی تر ناچار بوون وەک لایەنێک حیسابی بۆ بکەن و لە دەسکەوتەکان بەشی بەن، بە بەشی خۆی رازی نابێت و بۆ دەستگرتن بەسەر گشت دەسکەوتەکاندا، هەوڵی پەراوێز خستنی ئەوانی تر دەدا و کاتی وا هەیە لەم هەوڵدانەدا سەرکەوتوو دەبێت و بە پەراوێز خستن و دوورخستنەوەی لایەنەکانی تر، تەنانەت لایەنە رەسەن و سەرەکییەکانیش، دەست بەسەر هەموو شتێکدا دەگرێت و بە بێ رەنج و ماندوو بوون دەبێتە خاوەن سەروەت و دەسەڵات!

ئەمە لە حاڵێکدایە کە ئەگەر هاتوو دۆخەکە بەرەوڕووی کێشە و سەختی بووەوە و دەرکەوت کە هیچ دەسکەوتێکی ئەوتۆی نابێت، «ابن الوقت» بە خێرایی مەیدانەکە بۆ ئەوانی تر چۆڵ دەکات و خۆی لە هەر چەشنە زەرەروزیانێک دەپارێزێت.

«ابن الوقت» بەمەش رازی نابێت و «بەرپرسایەتی شکستەکە« دەخاتە ئەستۆی ئەوانی تر و بە تۆمەتبار کردنیان بە جۆرەها هەڵە و خەیانەت، مەیدانەکەیان بۆ بەجێ دەهێڵێت تا ئەوانی تر «قوربانی» بۆ بدەن و

دۆخەکە بەرەو «هەلێ»کی لەبارتر بەرن!
بەڵام ئەگەر لایەنە رەسەنەکانی ناو گۆڕەپانەکە هەر لە سەرەتاوە فریوی «شیوەن و باوکەڕۆی» ابن الوقت نەخۆن و بە بێ گوێدان بە دروشمە بەسۆز و رادیکاڵەکانی دەرفەتی مەیداندارێ پێنەدەن، ئەوا رووداوەکان بە ئاراستەی سروشتی خۆیاندا دەڕۆن و هەر کەس و لایەنێک بە پێی قەوارە و توانایی خۆی هەم لە نەهامەتییەکان و ماندوو بوونەکاندا بەشدار دەبێت و هەم بەشی خۆی لە دەستکەوتەکان وەردەگرێت.
ئەگەر ئەمە بکرێت ئەوا «هەل»ەکە هەر لە سەرەتاوە بۆ «ابن الوقت» دەبێتە هەڵدێر و خۆی لێ نزیک ناکاتەوە.
بە داخەوە لە ئێستادا، زۆربەک لە لایەن و رەوت و رێکخراوە سیاسییە لاوەکی و باسیڤ و «ابن الوقت»ەکانی کوردستانی ئێران و عێراق، وا هەست دەکەن کە رووداوی تۆپباران کردنی ناوچە سنوورییەکانی هەرێمی کوردستانی عێراق لە لایەن سپای پاسدارانی رژێمی سەرەڕۆی کۆماری ئیسلامیەوە، «هەلێ»کی لەباری بۆ رەخساندوون تا بە هات و هاوارەوە بێنە مەیدان و بە بەرز کردنەوەی هەندێک دروشمی بە رواڵەت «رادیکاڵ» و وروژێنەر، مەیدانداری بکەن.
ئەمانە کە هەرگیز نەیانتوانیوە و ناتوانن «گوتارێک»ی نوێ ئاراستەی بزووتنەوەی کوردی بکەن و بە کردەوەی شۆڕشگێڕانە و عەقڵانی «هەل»ێک بۆ خۆیان و بزووتنەوەکە برەخسێنن، لە ئێستادا هەوڵی ئەوە دەدەن لەم رووداوە ترسناکە «کەڵک وەربگرن و بە بێ رەچاو گرتنی بەرژەوەندییە باڵاکانی گەلەکەمان، لە هەر دوو بەشەکەی کوردستان — هەوڵی ئەوە دەدەن دۆخەکە بەرەو بارگرژی و توندوتیژی بەرن و هەر وەک هەلێکی لەبار بۆ خۆنمایی و «مەیدانداری» بەکاری بێنن.
ئەمە لە حاڵێکدایە کە لە ئێستادا گەلەکەمان و بزووتنەوەکەی زۆرتر لە هەر کاتێک، پێویستی بە تەناهی و دوورکەوتنەوە لە هەر چەشنە توندوتیژی و کردەوەیەکی «چەکدارانە«یە.
ئەمەش ئاشکرایە کە لە ئێستادا یەکێک لە ئامانجە سەرەکییەکانی سپای پاسدارانی کۆماری سێدارەی ئێران، هەوڵدانە بۆ هەرچی «میلیتاریزە«تر کردنی کوردستانی ئێران بە مەبەستی سەرکوت کردن و لەناو بردنی چالاکڤانانی مەدەنی ناوخۆی کوردستان.
هەروەها ئەوەش ئاشکرایە کە ئیدامەی تۆپباران کردنی ناوچە سنوورییەکانی هەرێمی کوردستانی عێراق لەناو بردنی «پژاک» نییە. چونکە هەموو کەس و لایەنێک، بە کۆماری ئیسلامیشەوە بە باشی دەزانن کە حزبێک بە تۆپباران (ئەویش لە دوورەدەستەوە) لەناو ناچێت.
کەواتە ئەمە تەنیا بیانوویەکە بۆ هێنان و کۆکردنەوەی هێزێکی زۆر لە لایەن سپای پاسدارانەوە بۆ کوردستانی ئێران و جێگیر کردنیان لە ناوەوە و دەرەوەی شارە سنوورییەکانی کوردستانی ئێران. (بانە، سەقز، مەریوان، سەردەشت، خانێ، شنۆ و ...)
کەواتە مەبەست لە «مۆڵدان» و کۆکردنەوەی ئەو هێزە زۆرە لە سەرجەم شارەکانی کوردستانی ئێران نابێ وەک هەوڵێک بۆ لەناو بردن یان لاواز کردنی «پژاک» سەیر بکرێت.
بە پێچەوانەوە هێنانی ئەو هەموو هێزە و کۆکردنەوەیان لە ناوچە سنوورییەکان و هەروەها تۆپباران کردنی خاکی هەرێمی کوردستانی عێراق، دەرفەت و «هەل»ێکی هەرە لەبار و گونجاوی بۆ «پژاک» رەخساند کە بتوانێت خۆی لەو قەیرانە کۆشندانەی کە لە دوو ساڵی ئەخیردا بەرەورووی ببووەوە، دەرباز بکات و بۆ جارێکی تر خۆی وەک هێزێکی شۆڕشگێڕی کورد بنوێنێ و «مەیدانداری» بکات!
ئەمە لە حاڵێکدا بوو کە پژاک، بە تایبەت دوای ئەوەی بە ئاشکرا هەڕەشەی کوشتن و تیرۆر کردنی لە کۆمەڵێک چالاکڤانی مەدەنی کوردستانی ئێران، لەوانە بەڕێز «ئیجلال قەوامی» وتەبێژی رێکخراوی مافی مرۆڤی کوردستان کرد، بە توندی کەوتە بەر رەخنە و گازندەی زۆربەی لایەنە سیاسییەکان و جەماوەری خەڵکی کوردستان و لە رووی مەشروعییەتەوە تووشی قەیرانێکی کوشندە هات.
کەواتە ئەم دۆخە ترسناکە، نە بۆ لەناو بردن و سەرکوت کردنی پژاک، بەڵکوو بۆ دەرباز کردنی پژاک لەو قەیرانە «خۆڵقێنراوە«!
هەڵبەت هەروا کە هەمووان ئاگادارن، ئەوە تەنیا پژاک نییە کە هەوڵی ئەوە دەدات ئەم دۆخە وەک «هەل»ێک بۆ دەرباز بوونی خۆی لە قەیرانە ناوخۆیی و دەرەکییەکان بەکار بێنێت.
چونکە لەم رۆژانەدا هەندێک لایەنی «ابن الوقت»ی تریش قۆڵیان هەڵماڵی و بە بێ گوێدانە ئەوەیکە پەرەسەندنی ئەم تۆپبارانانە، ئیمکانی هەیە ببێ بە «قەیرانێکی ناوچەیی» و زیانێکی مەزن بە بزووتنەوەی کوردی لە ئێران و هەروەها ئەزموونەکەی کوردستانی عێراق

بگەیەنێت.
ئەمانە لە ئێستادا داوای ئەوە دەکەن کە هێزی پێشمەرگەی هەرێمی کوردستانی عێراق بە توندی بەرەورووی سپای پاسداران ببێتەوە تا ئەوانیش «چەک هەڵگرن» و هاوشانی ئەو هێزە بەرەورووی رژێمی ئێران ببنەوە!
ئێستا با وای دانێین کە بەرپرسانی هەرێمی کوردستانی عێراق، بە هەر هۆیەکەوە بێت، شتێکی لەم جۆرە بکەن و بەهێزی چەکدار وڵامی دەستدرێژییەکانی کۆماری ئیسلامی بدەنەوە. ئایا لایەنە «هاندەر»ەکان لەوە تێدەگەن کە چی روودەدات و چ کارەساتێک بەرەورووی ناوچەکە دەبێتەوە؟
ئایا وەها شەڕ و پێکدادانێک لە بەرژەوەندی هەرێمی کوردستانی عێراق و بزووتنەوەی گەلەکەمان لە کوردستانی ئێران دایە؟
یان سەرلەنوێ داگیرساندنەوەی شەڕی نێوان عێراق و ئێران، بە شێوەیەکی ترە؟
دیارە کە ئێمەی کورد لە ماوەی شەڕی ٨ ساڵەی ئێران و عێراق دا چ زیانێکی گەورەمان بەرکەوت. لەم دیو بە تۆمەتی هاوکاری کردنی «عێراق» سەرکوتیان دەکردین و لەو دیو بە تۆمەتی هاوکاری ئێران «ئەنفال» دەکراین و کارەساتی هەڵەبجەیان بۆ دەخوڵقاندین.
ئەگەر ئەو لایەنانە ئەوەیان دەوێت، پێویستە پێیان بوترێت ئەوەی خەوتان پێوە دیوە، هەل نییە، بەڵکوو هەڵدێرە!
کەواتە داوا لە «ابن الوقت»ەکان دەکەین قۆڵیان داماڵن و جارێ بنوون، هێشتا کاتی مەیدانداری ئەوان نەهاتووە.

******

کازیوە بە دۆستان و هاوڕێکانتان بناسێنن!

چاوخشاندنێکی خێرا بەسەر مێژووی ٩١ ساڵەی بزووتنەوەی کۆمۆنیستی ئێران

٩١ ساڵ بەسەر ئەو ڕۆژانەی کە قەت لە بیر ناکرێن، واتە ڕۆژانی کۆتایی مانگی جۆزەردان و سەرەتای مانگی پووشپەڕی ١٢٩٩ هەتاوی (٢٢ی ژوونی ١٩٢٠ی ز) کە «پێکهاتنی حزبی کۆمۆنیستی ئێران» بە شێوەی فەرمی بە جیهانیان ڕاگەیەندرا، تێپەڕ دەبێت.

ئەمساڵ لە هەلومەرجێکدا پێشتوازی لە ٩١مین ساڵڕۆژی بزووتنەوەی کۆمۆنیستی ئێران دەکەین کە وڵاتەکەمان یەکێك لە دژوارترین و چارەنووس سازترین لاپەڕەکانی مێژووی سەردەم هەڵدەداتەوە. بزووتنەوەی دیمکراتیکی گەلەکەمان، لە بەرەنگاربوونەوەیەکی مێژوویی لەگەڵ کۆنەپەرەستی و دیکتاتۆریەت دایە، بەرەنگاربوونەوەیەك کە دەرەنجامەکەی، کاریگەرییەکی چارەنووس ساز لەسەر داهاتووی ئێران دادەنێت. بەم پێیە، ڕێزگرتن لە ٩١مین ساڵڕۆژی دامەزرانی حزبی کۆمۆنیستی ئێران ، کە بەشێکی بەرجەستە و پڕ ئەزموونی بزووتنەوەی گشتگیر و سەرانسەری گەلانی ئێران بە ئەژمار دێت، گرینگییەکی تایبەت و بنەڕەتی هەیە.

ئەزموون وەرگرتن لەم مێژووە بەنرخ و دەوڵەمەندە، کە هەوراز و نشێوی زۆری بڕیوە و دەبێ ببڕێت، بۆ خەبات و بەرەوڕوو بوونەوە لە دژی ڕژیمی ویلایەتی فەقیە، پێویستیەکی بنەڕەتییە.



لەم ڕوانگەیەوە، پێویستە بە خێرایی، چاوێك بەسەر دۆخی مێژوویی و بنەما کۆمەڵایەتییەکانی پێکهاتنی حزبی کۆمۆنیستی ئێران بخشێنین و کاریگەری و جێگا و پێگەکەی تاوتوێ بکرێت.

زەمینەی مێژوویی پێکهاتن و کامڵ بوونی چینی کرێکاری ئێران:

زەرورەتی پێکهاتنی حزبی کۆمۆنیستی ئێران گرێدراوی ئەو ڕێگا پڕ پێچ و ناهەموارەیە کە گۆڕانکارییە کۆمەڵایەتییەکانی ئێران تێپەڕاندووە، واتە ئەو کاتەی کە بە گەشە و پەرەسەندنی شێوەی بەرهەمهێنانی سەرمایەداری، چینی کرێکار پێکدێت. پێکهاتنی چینی کرێکار لە ئێران دەگەڕێتەوە بۆ نیوەی دووهەمی سەدەی ١٣ی کۆچی، واتە کۆتاییەکانی سەدەی ١٩ی زایین. هەرەس هێنانی سیستەمی سونەتی و هەنگاونانی وڵاتەکەمان بەرەو سیستمی سەرمایەداری، هاوکاتە لەگەڵ دەورانێك کە سەرمایەداری گەشە سەندوو لە ئوروپا و ئامریکا، تا ڕادەیەك لە دوایین قۆناغەکانی گەشە کردنی، واتە قۆناغی ئەمپریالیزم نزیك بووەتەوە.

ئەم هاوتریبیە مێژووییە، کاریگەری بەهێز و بەربڵاوی لەسەر ڕەوتی مێژوویی تێپەڕ بوونی کۆمەڵگای ئێران لە فئودالیزم بۆ سەرمایەداری دانا.

لێکۆلەری لێهاتوو، هاوڕێی گیان بەختکردوو «عەبدولحوسێن ئاگاهی» لەمبارەوە نووسیویەتی: «ئەم کاریگەرییە دژبەیەکە، پەرەسەندنی موناسباتی کۆمەڵایەتی سەرمایەداری و پێکهاتنی بورژوازی ئێران بە شێوەیەکی سروشتی و ئاسایی بە لاڕێدا دەبات. و ڕەوتی فەعالیەتی بازاڕی واحیدی ناوخۆیی کە لە حاڵی پێکهاتن دا بوو وەك یەکێك لە نیشانەکانی گەشەی سەرمایەداری، زیاتر لە ڕابردوو بە خواستی بازاڕی جیهانییەوە گرێ درا.

ئەم هۆکارانە، لە سەر ڕەوتی سەرەتایی گەشە کردنی سەرمایەدا کاریگەری دەبێت و سەرمایەی تیجاری و دواتر بورژوازی کۆمپرادۆر (دەڵاڵ) زۆرتر و خێراتر لە کەرتی پیشەسازی و دواجار بورژوازی نیشتمانی گەشە دەکەن. لە وەها حاڵەتێکدا تەنیا چەند بەشێك لە کەرتەکانی کشت و کاڵی و پیشەسازی گەشە دەکەن کە بەرهەمەکانیان لە لایەن بۆ سەرمایەی قۆرخ کاری ئەمپریالیستیەوە گرنگیان پێدەدرێت.

بەم شێوە، دەیەکانی حەوتەم و هەشتەمی سەدەی ١٣ی کۆچی، بە دەورانێك لە قەڵەم دەدرێت کە ڕەوتی پێکهاتن و گەشەی چینی کرێکار بە شێوەی بەرچاو دەستی پێکردووە.

ژمارەیەکی زۆر لەو کەسانەی کە بە شێوەی حەقدەست (کرێکار) لە پیشە مامناوەند و بچووکەکانی شاری و گوندەکاندا دامەزراون، لە تایبەتمەندییە بەرچاوەکانی ئەم سەردەمەیە. چەندین کۆمپانیای جیاجیا لەم دەورانەدا دەکەونە کار، وەك کۆمپانی «مەسعودییە«، «ئیسلامییە (بە سەرمایەیەك نزیك بە ١٥٠ هەزار تمەن)، کۆمپانیانی مەحمودییە و ئێتحادییە و هتد. ئەم کۆمپانیایانە لە ڕێگای بەستنەوەی پیشەسازی و بازرگانی لە چۆنیەتی گردبوونەوە و پاشکەوتی سەرمایە لە ئێران، زۆر بەرچاو و کاریگەریان هەبوو. یەکێك لە تایبەتمەندییە بەرچاوەکانی پەرەسەندنی پیشەسازی لە ئێران، ئەوەیە کە کۆمپانی و پیشە خۆجێیی و نیشتمانییەکان مایەپووچ بوون و تەنیا ئەو دامەزراوە پیشەییانە گەشە دەکەن و بەهێز دەبن کە لە لایەن سەرمایەدارانی بیانیەوە دادەمەزرێ و خاوەنداریەتییەکەی بەدەست ئەوانەوەیە. ئەمە نیشانەی پەرەسەندنی وابەستە بوونی ئێران بە وڵاتانی ئەمپریالیستی و بوونی بە سەرچاوەی بەرهەمی کەرەستەی سەرەتایی (خام) بۆ پیشەی وڵاتانی پێشکەوتووی ئەمپریالیستییە.

دیارە لە ڕووی مێژووییەوە، پێکهاتنی چینی کرێکار و پەرەسەندنی موناسباتی سەرمایەداریی، چەوساندنەوەی ئەم چینانە و بە کۆیلە کردنی بەدوای خۆیدا هێنا. ئەوە باش ئاشکرایە کە چەشنی چەوساندنەوەکە بە هۆی لەناو نەچوونی موناسباتی دواکەوتووانە، ژیانی زەحمەتکێشانی هەرچی زیاتر خستووەتە ژێر گوشاری تاقەت پڕوکێنەوە.

بە پێی بەڵگە مێژووییەکان، ماوەی کاری ڕۆژانەی کرێکارانی ئێران

لەو سەردەمەدا، زۆر درێژخایەن بووە. کرێکارانی پیشەسازییەکانی شیلاتی (ماسیگری) دەریای خەزەر، لە کاتژمێر ٦ی سەرلە بەیانییەوە تا ٧ی ئێوارە کاریان دەکرد. لە پیشەسازییەکانی ئەورێشێمی گیلان دا بۆ کرێکاران ١١ سەعات کاری رۆژانە لەبەرچاو گیرابوو. لە ساڵانی پێش لە شۆڕشی چاکسازی (مەشروتە)، لە کارخانەی «رستن و چنینی ئەورێشێم» کە خاوەنەکەی «ئەمین ئەلزەرب» بوو، کرێکاری پیاو رۆژانە یەك و نیو تا ٣ قەران (دراوی ئەو کاتی ئێران)، کرێکاری ژن ١٠ تا ١٥ شاهی (١ تا ١/٥ قران) و منداڵان ٧ تا ١٠ شاهی (کەمتر لە قەرانێك) حەقدەستیان پێدەدرا. ئەم چەوسانەوە دڕندانەیە بووە هۆی ئەوەیکە لە روانگەی مێژووییەوە چینی کرێکاری تازە پێگەیشتووی ئێران زۆر خێرا دەست بدەنە رێکخستنی خەباتی سەندیکایی و سیاسی. بە وتەی هاوڕێ «ئاگاهی»: «هۆکاری سەرەکی بەشداری چالاکانەی جەماوەری زەحمەتکێش و لە ریزی پێشەوەیاندا چینی کرێکار، لە بزووتنەوەی سوسیال دیمۆکراسی شۆڕشگێڕ (اجتماعیون عامیون) و شۆڕشی مەشروتەی ئێران لە دۆخی نالەبار و ئاڵۆزی ئابووری – کۆمەڵایەتی و سیاسی وڵات و دۆخی تاقەت پڕوکێنی ژیانی خەڵکەوە هەڵقوڵاوە.

زەمینەی عەینی و مێژوویی دامەزرانی حزبی کۆمۆنیستی ئێران:
حزبی کۆمۆنیستی ئێران لەسەر بنەمای داب و نەریتە درەوشاوەکەی سوسیالدیمۆکراسی شۆڕشگێڕانەی ئێران (اجتماعیون عامیون) پێکهات. پێویستە بزانین رەوتی سوسیال دیمۆکراسی شۆڕشگێڕانە، کە لە شۆڕشی مەشروتەدا رۆڵێکی گرینگ و کاریگەری گێڕا، نمونەی بەرچاوی پێشکەوتوویی رەوتی دیمۆکراسی خوازی مێژووی گۆڕانکارییەکانی ئێران بە ئەژمار دێت.

«دیمۆکراتیسم» رەوتێکی فیکری بنەڕەتییە کە لە سەردەمی هەرەسهێنانی نیزامی سونەتی و پێکهاتنی سەرمایەداری لە ئێران سەری هەڵدا، روونتر بڵێین: بزووتنەوەی کۆمۆنیستی و کرێکاری ئێران لە سێ قۆناغی جیاجیای خۆیدا واتە: قۆناغی سوسیال دیمۆکراسی شۆڕشگێڕانە، حزبی کۆمۆنیست و دواتر هاتنە مەیدانی حزبی تودەی ئێران – نوێنەری مێژوویی و رەسەنی رەوتی درێژخایەتی بەرەو پێش چوونی هۆشیار کردنەوەی گەلانی ئێرانن.

«هاوڕێ تەبەری» لەم بارەوە جەخت لەوە دەکاتەوە و دەنوسێت: «لە جەریانی درێژماوەی چالاکی هۆشیار کردنەوەی نەیارانی دەزگای دیکتاتۆریەتدا، دەتوانین ئاماژە بە پێنج رەوتی فیکری بەهێز بکەین:

یەکەم: رەوتی لیبرالیستی (ئازادی خوازی) کە داوای دامەزرانی سیستەمی مەشروتان دەکرد.

دووهەم: رەوتی یەکگرتنی ئیسلام.

سێهەم: رەوتی ناسیونالیستی (نەتەوەخوازی) بورژوازی.

چوارەم: رەوتی نوێخوازی (تجدد) یان خواستی گۆڕینی شێوازی ژیانی سونەتی و وەرگرتنی شێوەی ژیانی ئەوروپیی.

پێنجەم: رەوتی دیمۆکراسی خوازی لایەنگری گەل و پێداگری لە پێویستی گۆڕانکاری بنەڕەتی لە کۆمەڵگا.

ئەم رەوتە فیکرییە، کاریگەری زۆر گرینگی لەسەر مێژووی سەردەمی ئێران دانا. چونکە هەر وەك ئەوەیکە «هاوڕێ تەبەری» ئاماژەی دەکات: «لیبرالیسمی بورژوازی لە شۆڕشی مەشروتەدا دەگاتە بەرزترین پلەی خۆی و ئاڵای دیمۆکراتیسم دواتر دەکەوێتە دەست چینی کرێکار.

لە سەردەمی ئامادەکاری بۆ شۆڕشی مەشروتە، رەوتی فیکری – سیاسی دیمۆکراتیسم، هێشتا لە رەوتێکی تر، واتە رەوتی لیبرالیسم جیا نەبووەتەوە. بەڵام ئەم کارە بە ئاشکراترین شێوە لە جەریانی شۆڕشی مەشروتەدا روویدا، ئەمە دەستپێکی قۆناغێکی نوێی مێژوویی بوو کە سوسیال دیمۆکراسی شۆڕشگێڕانەی ئێران واتە سەردەمی ئامادەکاری بۆ شۆڕشی مەشرووتە لە واقیعدا (اجتماعیون عامیون) پێکدێت، بەشێك لە تێپەڕ بوونی مێژوویی (زۆر ئەهوەند) لە نیزامی دەرەبەگایەتی بە سەرمایەداری.

کە شێوازی تایبەتی تێپەڕ بوونەکەی لە کاریگەری بەرینی نفوزی ئەمپریالیزم، چ لە سەر چینی کرێکار و چ لە سەر سەرمایەداری، دەکەوێتە بەرچاو و هەر دوو چینەکە لە بواری سیاسی – کۆمەڵایەتییەوە بەرەڕووی چەندین لاوازی جۆربەجۆر دەکاتەوە.

هەر لەم قۆناغەدا لیبرالیزم بە دروشمی سنوردار کردن و کەم کردنەوەی دەسەڵاتی تاك رەوانەی پاشا، دێتە مەیدان و سنوردار کردنی بەشێنەیی دەسەڵاتی موتلەقی فئۆدالی دەبێتە بەرنامەی ئەم رەوتە فیکری – سیاسییە. بەڵام سوسیال دیمۆکراسی شۆڕشگێڕانەی ئێران – (اجتماعیون عامیون)، لە یەکەم قۆناغەکانی پێکهاتنی خۆی لە پێوەندییەکی دەرونی و بابەتیانە لەگەڵ ئەنتەرناسیونالیزمی پرۆلتێری دایە.

تێکۆشەران و رێبەرانی ئەم رەوتە فیکرییە، کە لە ساڵی ١٢٩٩ دا بناغەی حزبی کۆمۆنیستی ئێرانیان دانا، بریتی بوون لە: کۆمەڵێك شۆڕشگێڕی فیداکار و بەشەرەف و وڵات پارێزی راستەقینە. یاد و ناوی بەرز و نەمری ئەوان و کاریگەری بێ وێنەیان لە سەر رەوتی شۆڕی مەشروتە، بە لاپەڕە زێڕینەکانی مێژووی تێکۆشانی گەلانی نیشتمانە دێرینەکەما ئەژمار دەکرێت. ئەم شۆڕشگێڕانە هەر وەك ئەوەیکە «هاوڕێ ئاگاهی» باسی کردووە: «ئەوان سوسیالیزمیان بە دیاردەیەکی ئینگلیزی، ئاڵمانی یان رووسی نەدەزانی، بەڵکوو سوسیالیزمیان ئەندیشەی رزگار کەری زەحمەتکێشانی سەرانسەری جیهان دەزانی.

بناغەی رێکخراوە سوسیال دیمۆکراتەکانی ئێران لە لایەن کۆمەڵەی «هێمەت» لە قەفقاز دانرا. ئەم گروپە لە ساڵی ١٢٨٣ی هەتاوی لە نێو کرێکارانی ئێرانیدا چالاکی دەنواند، شۆڕشگێڕی بەناوبانگ «نەریمانۆف» لە گەڵ گروپی «هێمەت» کاری دەکرد کە دواتر بە حزبی بۆلشەویك پێوەست بوو و بە یەکێك لە یارانی «لنین» لە قەڵەم دەدرا.

جگە لە «هێمەت»، «حەیدەر خانی عەمو ئۆغلی» لە ساڵی ١٢٨٣، یەکەیێکی سوسیال دیمۆکراتی لە شاری مەشهەد رێکخست. هەر لەم شارەدا و بە رێبەرایەتی «حەیدەرخان»، لە ساڵی ١٢٨٤ یەکەم بەرنامەی فەرمی سوسیال دیمۆکراسی لە ئێران داڕێژرا، پەسەند کرا و پاشان بڵاو کرایەوە.

«حەیدەر خان» دوای مەشهەد، لە تارانیش دەستی دایە پێکهێنان

و ڕێکخستنی چەندین یەکەی سوسیال دیمۆکرات. لەم دەورەیەدا سوسیال دیمۆکراسی شۆڕشگێڕانە لە ئێران، یان هەمان (اجتماعیون عامیون)، پەرە دەستێنێت و بەهێز دەبێت.
پەرەسەندنی موناسباتی سەرمایەداری، گەشەی چۆنایەتی و چەندایەتی چینی کرێکار، خێرایی ڕەوتی گۆڕانکارییە کۆمەڵایەتیەکان و ئاڵۆگۆڕە فەرهەنگییەکان، وەك دامەزراندنی قوتابخانە نوێیەکان و دەستپێکی بەشێنەیی هێنانە دەرەوەی ڕەوتی فێرکردن و بارهێنان لە چنگ ڕۆحانییە کۆنەپەرستەکانی و سەر بە دەزگای دیکتاتۆریەت، لەو هۆکارانەن کە بە گەشەسەندنی نفوز و پێگەی سوسیال دیمۆکراسی شۆڕشگێڕانە لە ئێران یارمەتی دەگەیەنن. یەکێك لە بەناوبانگ ترین و پڕنفوزترین یەکەکانی سوسیال دیمۆکراسی ئێران، لە شاری تەورێز بناغەی دانرا کە لە ژێر ناوی «مەرکەزی غەیبی» (ناوەندی نەهێنی)، خزمەتگوزارییەکی بەنرخی پێشکەش بە بزووتنەوەی شۆڕشگێڕانە و شۆڕشی مەشروتە کرد. «عەلی مسیو، ڕەسول سەدقیانی و حاجی عەلی دەوا فرۆش» لە زومرەی هەڵسووڕاوان و ڕێبەرانی ئەم ناوەندە بوون.
هەرلەم سەردەمە دایە کە چینی کرێکار پێکهێنانی یەکیەتییە پیشەییەکانی خۆی دەست پێدەکات. سوسیال دیمۆکراتەکان - (اجتماعیون عامیون)، لەم بوارەدا ڕۆڵێکی زۆر گرینگیان بینی.
بە پێی بەڵگەکان، (اجتماعیون عامیون) نە تەنیا لە یەکیەتییە کرێکارییەکان و دامەزراوە بەرهەمهێن و خزمەتگوزارییەکان، بەڵکوو لە هەموو ئەنجومەنە پیشەییەکان لەوانە ئەسنافی (بەشەکانی) بازاڕ، فرۆشیاران، پیشەوەران، کارمەندان و کرێکارانی کەرتی دەوڵەتیدا، هەڵسووڕاو و چالاك بوون.
ئەمانە ئەو ڕاستییەمان بۆ دەسەلمێن کە لە دەورانی ئامادەکاری و دەستپێکی شۆڕشی مەشروتە، تا تۆپباران کردنی خولی یەکەمی مەجلیسی شورای میللی (جۆزەردانی ١٢٨٧)، تاکە حزبی یەکگرتوو هەر (اجتماعیون عامیون) بووە.
ئەوە «سوسیال دیمۆکراسی ئێران» بوو کە شۆڕشی مەشروتەی دەستپێکرد، ڕەوتی بەرگری تەورێزی ڕێکخست و لەو کاتەدا کە دیکتاتۆریەت بە تەواوەتی خۆی بە سەرکەوتوو دەزانی و لە بێ هیوایی و بێ ئۆمێدی باڵی بەسەر ریزی ئازادیخوازانی ئێراندا کێشابوو، هێزەکانی خۆی بە مەبەستی لشکەرکێشی بۆ تاران، ئامادە دەکرد.
هەر لەم دەورەدا، دوو ڕەوتی کۆمەڵایەتی — سیاسی و فیکری واتە دیمۆکراتیزم و لیبرالیزم، لە یەکتر جیا دەبنەوە. لیبرالیزم کە نیشانەی ئامانجە بورژواییە نوێیەکانی ئێران بوو، هەموو لاوازییە مێژووییەکانی گەشەی سەرمایەداری لەخۆ گرتبوو. لیبراڵەکان لەگەڵ ئەمپریالیزمی ئینگلیز و ڕوسیای تێزاری سازشیان کرد، و مەجلیسی دووهەمیان هەڵوەشاندنەوە. لیبرڵەکان لە کوشتنی قارەمانی گەورەی شۆڕشی مەشروتە «سەتارخان»، بەشدار بوون و دەستیان هەبوو.
لەم سەردەمەدا حزبی (اجتماعیون عامیون) بە توندی کەوتە ژێر گوشار و سەرکوت کرا، بەڵام هیچ کات چالاکی ئەم حزبە ڕانەگیرا. لە ماوەی شەڕی جیهانی یەکەم ١٩١٤ تا ١٩١٨ی زایین، (اجتماعیون عامیون) چ لە ناوخۆی وڵات و چ لە دەرەوەی وڵات، درێژەی بە چالاکییەکانی خۆی دا.
(اجتماعیون عامیون) لە ماوەی ئەم دەورانەدا، لە هاوپشتی ئەنترناسیونالیستی بەهرەمەند بوو. بەیاننامەکانی ئەنترناسیونال سوسیالیستەکان لە پاریس و کۆپێنهاگ بۆ پشتیوانی لە (اجتماعیون عامیون) و خەباتی گەلانی ئێران، و هەروەها بڕیارنامەی کۆنفرانسی «پراگ»ی حزبی سوسیال دیمۆکراتی کرێکاری ڕوسیە کە «لنین» لە پەسەند کردنیدا ڕۆڵێکی گرینگ و بەرچاوی هەبوو، لە زومرەی ئەو هاوپشتیەن کە ئاراستەی سوسیال دیمۆکراسی ئێران کران.



هەر لەم سەروبەندەدا و هاوکات لەگەڵ گەشەی فیکری سوسیال دیمۆکراسی شۆڕشگێڕانە، شانە لێکترازاوەکانی سوسیال دیمۆکراسی ئێران (اجتماعیون عامیون) لە مانگی گوڵانی ١٢٩٦، جارێکی تر سەرلە نوێ خۆیان ڕێکخستەوە و چالاکی یەکگرتووانەی خۆیان لە ژێر ناوی (حزبی عەداڵەتی ئێران) پەرەپێدا.
لەگەڵ دەستپێکی «بزووتنەوەی جەنگەڵ»، بە ڕێبەرایەتی «میرزا کوچەك خان» و هەروەها گەشەی خەباتی سەرانسەری گەلانی ئێران و بە هۆی لەبار بوونی زەمینەی عەینی کۆمەڵایەتی، لە وڵام دانەوە بە زەرورەتی مێژوویی، (اجتماعیون عامیون)، لە کۆتایی مانگی جۆزەردان و سەرەتای مانگی پووشپەڕی ١٢٩٩ی هەتاوی کۆنگرەی دامەزرێنەران، یان «یەکەم کۆبوونەوەی حزبی کۆمۆنیستی ئێران» لە «بەندەر ئەنزەلی» بەڕێوەبرد و بە فەخر و شانازییەوە و بە پشتن بەو پێش زەمینە درەوشاوەی کە لە خواست و ئارمانە کۆمەڵایەتییەکانی جەماوەری زەحمەتکێش و بێبەشی ئێراندا بوو، بە شێوەی فەرمی دامەزراندنی حزبی پڕلە شانازی کۆمۆنیستی ئێرانیان بە جیهانیان ڕاگەیاند. دامەزراندن و دەستپێکی چالاکی حزبی کۆمۆنیستی ئێران پێویستییەکی مێژوویی کۆمەڵگای ئێران بوو. «سەرجەم واقعییەتەکان و بەڵگە مێژووییەکان دەریدەخەن کە بە پێچەوانەی ئەوەیکە دوژمنانی «ڕاست و چەپ»ی بزووتنەوەی کۆمۆنیستی و کرێکاری ئێران بانگەشەیان بۆ کردووە و دەیکەن، ئەم بزووتنەوە و حزبەکەی نە بە فەرمانی کۆمیتێرن، بەڵکوو بە پێی واقعیەتی کۆمەڵایەتی — ئابوری وڵاتەکەمان و بە پێی زەرورەتی گەشەی مێژوویی، گەشەی سەند و پێکهات. «لنینی مەزن» و هاوخەباتەکانی بەردەوام لەگەڵ شۆڕشگێڕان و سوسیال دیمۆکراتەکانی وڵاتانی تر، لەوانە وڵاتانی ڕۆژهەڵات (وەك حەیدەرخانی عەمو ئۆغلی و سوڵتان زادە (ئێران) و مستەفا سوبحی لە تورکیە و ئەوانی تر) لە نزیکەوە پێوەندی هەبووە و بیروڕای ئەوانی وەرگرتووە

و ڕێنماییان کردوون و لە هیچ یارمەتییەکی فیکری و ڕێکخراوەیی دریغی لێنەکردوون.»

حزبی کۆمۆنیستی ئێران، لە ماوەی چالاکی بەنرخ و پڕدەستکەوتی خۆی لە کۆمەڵگای هەرە دواکەوتوودا، سەرچاوەی خزمەتێکی بەنرخی بە پێشکەوتنی فەرهەنگی دێرینەی ئێران کرد.

حزبی کۆمۆنیستی ئێران لە هەلومەرجێکی جیهانی و ناوخۆیی زۆر هەستیار و لە رووی ستراتیژیەوە، بێ هاوتا، پێکهات و هەر بەم بۆنەوە بە یەکێك لە دێرین ترین گوردانەکانی بزووتنەوەی جیهانی کۆمۆنیستی لەقەڵەم دەدرێت. ئەم حزبە کە بە چەکی جەهان بینی زانستیانە تەیار بوو، و بە هۆی ئەوەیکە کە میراتگری دیمۆکراتیزمی سەردەمی ئاگا بوونەوە بوو، هەر دوابەدوای پێکهاتنی، دەستی کرد بە خەبات لە دژی دیکتاتۆریەت، کۆنەپەرەستی، خۆرافەپەرەستی، چەوساندنەوە و بە تایبەت ئەمپریالیسمی ئینگلستان و لەم پێناوەدا رەنج و ئازاری زۆری بینی و قوربانییەکی زۆری دا.

پێویستە وەبیربێنینەوە کە حزبی کۆمۆنیستی ئێران بۆ یەکەم جار، شێوەی بیرکردنەوەی زانستیانەی سیاسی، شێوەی لێکدانەوەی زانستیانەی مەسەلە کۆمەڵایەتییەکانی لە ئێران پەرەپێدا و لەو کاتەوە مێژووی سیاسی کۆمەڵگای ئێمە، بەو شێوەیە کەوتە بەر کاریگەری پتەوی شێوازی بیرکردنەوە و لێکدانەوەی فیکری، تەنانەت حزبی کۆمۆنیستی ئێران.

ئۆرگانەکانی ڕاگەیاندنی حزب وەك ڕۆژنامەکانی «حەقیقەت، ئابووری ئێران، کار، پەیکار و گۆڤارەکانی «خەلق، جەرەقە و هتد» و ئۆرگانە تیۆرییەکانی حزب وەك «ستارەی سۆرخ و دونیا»، هەموویان بەڵگەی مێژوویی بەنرخن کە کاریگەری بەرچاو و بنەڕەتی حزب لە سەر کۆمەڵگای ئێرانمان بۆ ئاشکرا دەکەن.

باشترین و بەئاگاترین ڕۆشنبیرانی ئێران، لە چەند دەورەیەك چالاکی سیاسی، کۆمەڵایەتی و هونەری خۆیان، لە ژێر کاریگەری حزبی کۆمۆنیست دا بوون. لە نێوانیاندا دەتوانین ئاماژە بە نەمران «دێهخودا، بەهار (ملك الشعرا) و مامۆستا «بەهمەنیار (دێهقان) بکەین.

کۆمۆنیستەکانی ئێران، بۆ یەکەم جار بە شێوەی بەردەوام و ڕێکخراوەیی، مەسائیلی بنەڕەتی و گرنیگی کۆمەڵگایان خستە بەر باس و لێکۆڵینەوە. وەکوو: مەسەلەی خاوەنداریەتی زەوییە کشتوکاڵییەکان، مەسەلە نیشتمانییەکان، سەربەخۆیی سیاسی و ئابووری لە بەرامبەر ئیستعمار، تەواوەتی ئەرزی ئێران، مەسەلەی دیمۆکراسی سیاسی و ئابووری، مەسەلەی خەبات بۆ پێشکەوتنی پیشەیی، کشتوکاڵی و بەدەستهێنانی تێکنۆلۆژی پێشکەوتوو بۆ گەشە و بەرەوپێش چوونی کۆمەڵایەتی، یەکسانی ژنان و پیاوان، یاسای کار، قەدەغە کردنی کاری منداڵان، فێر کردن و بارهێنان و دادوەری پێشکەوتوو (مودێڕن)، فەرهەنگی پێشکەوتنخوازی و هتد.

دەتوانین بڵێین هیچ بوارێك لە بوارەکانی کۆمەڵگای ئێران وجوودی نییە کە ئەندێشەکانی حزبی کۆمۆنیستی ئێران کاریگەری لەسەر دانەنابێت. کرێکاران و زەحمەتکێشانی بیر و بازووی ئێران، مافی خۆیانە شانازی بەوەوە بکەن کە یەکێك لە یەکەمین ڕێکخراوە مارکسیست — لێنینیستییەکانی جیهان لە وڵاتەکەیان، لە وڵاتە خۆشەویستەکەمان دا، واتە ئێران پێکهاتووە.

کۆمۆنیستەکانی ئێران کە لە زیندانەکانی ڕەزا خان (ڕەزا شا) ئازاد کران، لە بنیاتنانی حزبی تودەی ئێران وەك تەنیا میراتگری بەرحەقی حزبی کۆمۆنیستی ئێران، ڕۆڵێکی ئەساسییان هەبوو. لە واقیعدا حزبی تودەی ئێران میراتگر و درێژەپێدەری ڕێگای حزبی کۆمۆنیستی ئێرانە کە بە هیمەت و بەشداری بەرچاوی ئەندامان و ڕێبەرانی پێشووتری حزبی کۆمۆنیستی ئێران، لە ساڵی ١٩٤١ی زایینی دامەزرانی خۆی ڕاگەیاند.

بە کورتی دەتوانین بڵێین: درەفشی سۆرخی کاویانی (ئاڵای سووری «کاوەی ئاسنگر») کە لە لایەن سوسیال دیمۆکراتە شۆڕشگێڕەکانی ئێران (اجتماعیون عامیون) لە سەنگرەکانی شۆڕشی مەشروتەدا هەڵ کرا و پاشان لە لایەن کۆمۆنیستەکانی ئێرانەوە لە بزووتنەوەی جەنگەڵ و مانگرتنە کرێکارییەکان بەرز ڕاگیرا، ئێستا لەسەر شانی تودەییەکان، لە گۆڕەپانی نەبەرد بۆ ئازادی و دادپەروەری کۆمەڵایەتی هەروا شەکاوەیە.

ئەو سروده سوورەی کە لە ژێر ناوی «عەداڵەت — ئازادی — یەکسانی» بە قیمەتی خوێنی هەزاران شۆڕشگێڕ و خوێنی حەیدەرخانەکان و سەتارخانەکان لە شۆڕشی مەشروتەدا دەنگی دایەوە و پاشان بە بانگەوازی «زەحمەتکێشانی وڵات یەکگرن!»، دیکتاتۆریەتی گوێڕایەڵی ئینگلستان واتە (سەڵتەنەتی ڕەزاخان)ی خستە لەرزین، ئێستا لە دروشمی (ئازادی، دادپەروەری کۆمەڵایەتی و بروخێ رژیمی ویلایەتی فەقیە) لە هەر کون و قوژبنێکی وڵاتەکەمان لە بیر و زەین و لە دڵی ملیۆنان زەحمەتکێش و ڕۆشنبیری پێشکەوتنخواز، حزووری جیدی و کاریگەری هەیە.

لە ٩١مین ساڵڕۆژی بزووتنەوەی کرێکاری و کۆمۆنیستی ئێران، سەری ڕێز و نەوازش دادەنەوێنین بۆ هەموو تێکۆشەرانی ناودار و بێ ناوبانگی ئەم بزووتنەوەیە لە هەر سێ قۆناغەکەی خۆیدا، واتە: قۆناغەکانی: «سوسیال دیمۆکراسی شۆڕشگێڕانە، حزبی کۆمۆنیستی ئێران و حزبی تودەی ئێران.

****

بەیاننامەی حیزبی شیوعی کوردستانی عێراق
لە (١٨) ە مین ساڵرۆژی راگەیاندنیدا

جەماوەری بە شەرەفی کوردستان

(٣٠) حوزەیرانی ئەم ساڵ (١٨) ساڵ تێدەپەرێت بەسەر راگەیاندنی حیزبی شیوعی کوردستاندا ، کەوەک پێداویستییەکی بابەتی – مێژوویی و هەوێنی تێکۆشانی لە مێژیینەی راگەیاندرا .ئەو حیزبەی کەخاوەنی مێژوویەکی پر سەروەریی و سەددان شەهیدو هەزاران تێکۆشەری کۆڵنەدەرە کە ساڵانێکی درێژ لە نێو ریزەکانی شیوعیەکانی عیراقدا وەک پێشمەرگەو وەک تێکۆشەری بەئەمەک چەندان هەڵوێستی پڕ شکۆو مەردانەی لە مێژووی تێکۆشانی نیشتیمانی چینایەتی ئەو حزبەیدا تۆمار کردووە. کە تەواوی کۆمەڵانی خەڵکی کوردستان شاهێدی ئەو راستییەن کە شیوعییەکان هەمیشە کەسانی گیانفیداو بە ئەمەکی ئەم گەلە بوونەو هەڵگری پەیامێکی پڕ لە شەرەفمەندانەی نیشتمانپەروەریو دڵسۆزی بوونە بۆ گەلەکەیان.

حزبی شیوعی کوردستان لەگەڵ راگەیاندنیشدا وەک هەڵگری پەیامی ئاشتیخوازانەو نیشتمانپەروەرانەو داکۆکیکەری دڵسۆزانە لە بەرەی هەژارانو خەڵکی بەشمەینەتی گەلەکەمان هەردەم خاوەنی هەڵوێستی سەربەرزانە بووەو لە هەموو کاتو ساتێکیشدا وەک باڵێکی دڵسۆزی نێو بزووتنەوەی سیاسی گەلی کوردستان بووەو کارو چالاکییەکانی لە خزمەت بەرژەوەندییە باڵاکانی ئەم گەلەدا بەخشیوەو هەرگیز لە روانگەی بەرژەوەندییە تایبەتییە حزبییەکانی خۆیەوە لە پرۆسەی سیاسیو بەرژەوەندی سیاسی ئەم گەلەی نەڕوانیەوە. هەر لەم روانگەیەشەوە کەپێی وایە هێشتا گەلی کوردستان بە ئامانجە رەواکانی خۆی لە چوارچێوەی بزووتنەوەی رزگاریخوازی نیشتمانی- دیموکراسی نەگەیووەو تا ئێستاش لە بەردەم کۆمەڵێک گرفتو کۆسپی جیاجیادایەو هێشتا دەسەڵات لەبەغدادا بەهۆی نەبوونی ئیرادەیەکی سیاسیو خواستێکی ئازادیخوازانەوەو ئاڵۆزیو گێژاوی شەڕی بەرژەوەندییەکانەوە هێندەی تر دۆخەکەی ئاڵۆزتر کردووە. لە کاتێکدا کە دەوڵەتی عێراق لە ئاکامی ئەو ململانێ سیاسی- تایەفەگەرییەی بەغداوە دووچاری قەیرانێکی پڕ لە ئاڵۆزیو گرێ کوێرە بۆتەوە کە لە بنەڕەتدا پەیوەستە بە ململانێ بەرژەوەندییەکانی ئەو باڵانەو هەوڵدانی هەریەکەیان بۆ سەپاندنی هەژموونی سیاسیو دەسەڵاتداریتی خۆیان بەسەر دۆخەکەو بڕیاری سیاسی عێراقدا, کە بێگومان ئەمەش هێندەی تر ئەو دۆخەو پرۆسە سیاسییەکەی دووچاری نائارامیو چاوچنۆکی مشەخۆرانو گەندەڵکاران بۆتەوەو خەڵکی ئەم دەوڵەتەشی دووچاری کۆمەڵێک گرفتی جیاجیا کردۆتەوە, کە ئەمەش زۆرترین سوودی بە تیرۆریستانو پاشماوەکانی بەعس گەیاندووە.کە تا ئەمرۆش ئەو دۆخەی عیراق بەردەوامە ئەگەرچی لە دەست پێشخەرییەکەی سەرۆکی



هەرێمداهەوڵێکی جدی درا بۆ یەکلا کردنەوەو ئاسایی کردنەوەی دۆخی عیراق و چارەسەرکردنی ئەو کێشانەی کە لەنێوان بەغداو هەرێمدا هەبوون ، بەڵام لە ئاکامی نەبونی ئیرادەی سیاسیان بۆ چارەسەرکردنی دۆخەکە تائەمرۆش هیچ کام لەو خاڵانەی لایەنی کوردستانیان جێبەجێ نەکردووە .

هەڵبەتە دۆخی کوردستانیش لەو قەیرانە بێبەش نەبووەو تاڕادەیەکیش لە کوردستاندا رەنگی داوەتەوە, کە هەم کاریگەری لەسەر خەڵکو هەم لەسەر ئیرادەی سیاسی کوردستانی کردووە کە لە بنەڕەتدا ئەم قەیرانەش پەیوەستە بە سستیو کەلەبەرتێکەوتنو شێوازی فەرمانڕەوایيو سیستەمی دەسەڵاتداری لە کوردستاندا، بەتایبەت ئەو حاڵەتە نەگەتیڤانەی کە ساڵانێکە بەسەر هەردوو حزبی خاوەن دەسەڵاتەوە کەڵکە بووەو کە پەیوەستە بە بەرژەوەندییە حزبییەکانی ئەم دەسەڵاتەو کە بینەقاقای هەموو دامەزراوەکانی گرتووە. ئەمەش ئەو هۆکارەی خوڵقاندووە کە ببێتە هۆی کەڵەکەبوونی کۆمەڵێک دیاردەی نەگە تیڤی ساڵانی رابردوو دەرئەنجامیش ناڕەزایەتی خەڵک بگاتە سەر شەقام .

ئەم دۆخەش وادەخوازێ دەسەڵاتی سیاسی کوردستان دوور لە هەناسەتەنگیو پەرچەکردارو بە روانگەو لە چوارچێوەی خواستی رەواو مافو ئازادییەکان خەڵکی کوردستانەوە ئەم هەلو مەرجە هەڵسەنگێنن و مامەڵەی لە گەڵدا بکەنو هەوڵی جدی بدەن بەمەبەستی چاکسازیو چارەسەرێکی بنەڕەتی، کە تاکە رێگەی دەرباز بوونە لەو قەیرانەو هۆکاری سەرکیشە لە دروست بوونی ئیرادەی سیاسی ناوخۆیو ریشەداکوتینی سیستەمێکی دیموکراسی گونجاوو رەوا کە تیایدا بەرژەوەندیە باڵاکانی خەڵکی کوردستان ئاراستە بکات.

هەر بۆیە ئێمە لە حزبی شیوعی کوردستان پێمان وایە کە ئەرکی سەرشانی تەواوی هێزە سیاسییەکانی کوردستانە دوور لە بەرژەوەندی تەسکی حزبیو لە روانگەی لە ئامانجە سیاسیە رەواکانی کوردستانەوە مامەڵە لەگەڵ دۆخەکەدا بکەنو کە زیان بە پرۆسەی سیاسی و رەوتی دیموکراسی نەگەیەنێت. کە ئەمەش

وا دەخوازێ لە ڕێگەی دیالۆگێکی هەمە لایەنەی سەردمیانەو گونجاوەوە گفتوگۆکانیان بە ئەنجام بگەیەنن و مامەڵە لە گەڵ دۆخەکەدا بکەن . کە سەرەتای بناغە داکوتێنو دروست بوونی ئیرادەی چاکسازییە. هەر لەم روانگەیەشەوە ئێمە وەک حزبی شیوعی کوردستان لە ساڵرۆژی راگەیاندنی حزبماندا ئەو پەیامە ئاراستەی هەر پێنج حزبەکە دەکەین کە بە روحی بەرپرسیارێتی مێژووییەوە لە ئایندەی کوردستان بڕوانن کە هێشتان کۆمەڵێک خواستو کێشەی ئاڵوز بە مافەرەواکانی گەلەکەمان لەگەڵ بەغدادا ماوەو چارەسەرنەکراون. کە بێگومان ئەمەش پێویستی بە یەکریزیو هەماهەنگی هەموو هێزە سیاسیە نیشتمانییەکان هەیە.

جەماوەری بە شەرەفی کوردستان

هاوڕیانی تێکۆشەر

حزبی شیوعی کوردستان لە چوارچێوەی پەرۆشی بۆ ئەم دۆخەو بەرژەوەندی خەڵکی کوردستانو داخوازییە رەواکانیان. پێیوایە کاتی ئەوە هاتووە هەنگاوی جدیانەو بوێرانە لەلایەن دەسەڵاتەوە بۆ چاکسازی راستەقینە دەست پێبکات، بە تایبەت ئەو بوارانەی کە پەیوەستن بە جیاکردنەوەی حزب لە دەسەڵاتو بڕیاری بە کردەیی کردنی رێگەگرتن لە گەندەڵیو مامەڵە کردنی شەفافانە لەسەر بوودجەو زەمینە سازی کردن بۆ دەستەبەر کردنی لانی کەمی یەکسانیو دادپەروەری کۆمەڵایەتیو یەکخستنی بە یەکجارەکی ئەو وەزارەتو بوارانەی کە هێشتا مۆرکی دووئیدارەییان پێوە ماوە. لە هەمان کاتدا هەوڵدانی جدی بۆ پشت بەستن بە پلانرێژی بواری ئابوری و کۆمەڵایەتی لەسەر بنەمای ئەنجامدانی گەشە پێدانی مرۆیی کە ئاراستەی کەرتی تایبەت بکات بۆ پرۆسەی گەشە پێدانی و دەستەبەرکردنی فرسەتی کارکردنی راستەقینە لە بواری چالاکی ئابوریدا و لە هەمان کاتیشدا جەخت کردنەوە لەسەر فراوان کردنی تۆری پاراستنی کۆمەڵایەتی کە بوار ی خزمەتگوزاری تەندروستی و خوێندن وخزمەتگوزاریە جۆراو جۆرەکان و بایەخدان بە ناوچە پەراوێزخراوەکان .

هاورێیانی تێکۆشەر

لە ساڵرۆژی راگەیاندنی حزبماندا حزبی شیوعی کوردستان بەڵێنی تێکۆشانو بەردەوام بوون لە خەباتی نیشتمانی- چینایەتیو زامنکردنی مافو ئازادییەکانی هاولاتیان دووپات دەکەینەوەو سەری رێزیش بۆ شەهیدە هەمیشە لەیادەکان دادەنەوێنو داواکارین هەموو ئەوانەی بڕوایان بە خەباتی چینایەتی هەیەو هەڵگری پەیامی رزگارکردنی مرۆڤن لە چەوساندنەوەی مرۆڤ و ئاڵا هەڵگری ئاشتیو دیموکراسیو یەکسانی خوازین ریزەکانیان بەهێز بکەنو چالاکییەکانیان چڕتر بکەنەوە ، کە لەمڕۆدا هەوڵەکان لە چاکسازی ریشەیی و زامن کردنی مافو ئازادییەکانی هاولاتیاندا دەبینرێت .

سەرکەوێ خەباتی شیوعییەکانی کوردستان.
هەر نەمرو سەربەرز بێت باڵای شەهیدان.

حزبی شیوعی کوردستان
کۆتایی حوزەیرانی ٢٠١١

ماهنامه

کازیوه

(سپیده دم)

شماره یازدهم

مردادماه ۱۳۹۰

نشریه جمعی از هواداران حزب توده ایران در کردستان



آزادی ، دموکراسی و عدالت اجتماعی

مطالب این شماره : **صفحه**

=====================

بەشی کوردی : **لاپەڕە**

مسئولیت مطالب درج شده در کازیوه بر عهده ی گردانندگان آن است و
مواضع رسمی حزب توده ایران در سایت حزب به نشانی :
http://www.tudehpartyiran.org /
انتشار می یابد.

- **تماس با کازیوه** : tudeh_kurdistan@yahoo.co.uk

- **پایگاه اینترنتی کازیوه** :

http://a1320.wordpress.com/

طرح واگذاری اختیارات تنظیم بازار به اصناف،

سیستم توزیع کالا و نقش سرمایه بزرگ تجاری

درچنین اوضاعی، طرح هایی نظیر طرح واگذاری اختیارات تنظیم بازار به اصناف - یعنی بازاریان عمده و دلال های با نفوذ - فقط و فقط به سود و در جهت منافع لایه های انگلی و غیر مولد و تعرض و دستبردی آشکار به حقوق و منافع اکثریت جامعه به ویژه طبقه های محروم است!

یکی از بخش های مهم قانون هدفمند سازی یارانه ها، تقویت بخش خصوصی موجود در جمهوری اسلامی و ارتقاءِ جایگاه آن در مجموع اقتصاد ملی است. دراین زمینه مسئولان ریز و درشت رژیم ولایت فقیه پنهان نمی دارند که در نگاه و فرهنگ آنان ارتقاء بخش خصوصی نه به معنای افزایش نقش تولید کنندگان و صنعتگران، بلکه به مفهوم حمایت همه جانبه از بخش خصوصی انگلی و غیر مولد کنونی است.

بنابراین، تهیه، تدوین و اجرای طرح هایی در راستای منافع این بخش را در دستور کار خود دارند. طرح واگذاری تنظیم بازار به اصناف در چارچوب برنامه آزاد سازی اقتصادی و حذف یارانه ها با همین هدف ارایه شده است، و وزارت بازرگانی وستاد هدفمند سازی یارانه ها ابراز امیدواری کرده اند با اجرای کامل آن، گام کیفی نوینی به منظور هماهنگی بیشتر با ''اقتصاد بازار آزاد'' به پیش برداشته شود.

در اوایل سال جاری خورشیدی، وزیر بازرگانی دولت نامشروع کودتا اعلام کرد که، تا پایان عمر دولت دهم همه فعالیت های مربوط به تنظیم بازار به بخش خصوصی واگذار خواهد شد. او به خبرگزاری ایلنا، ۸ اردیبهشت ماه، گفته بود: ''درچارچوب تفاهم نامه اصناف با وزارت بازرگانی، امسال بخش عمده ای از فعالیت های تنظیم بازار و بازرسی ها واگذار می شود.''

پس از اعلام این موضوع و با گذشت دو ماه، آیین نامه اجرایی طرح مذکور آماده و نهایی شد. روزنامه دنیای اقتصاد، ۱۱تیر ماه، گزارش داد: ''رییس مرکز امور اصناف و بازرگانی از نهایی شدن آیین نامه اجرایی واگذاری اختیارات تنظیم بازار به اصناف خبرداد و افزود این آیین نامه به زودی جهت اخذ مصوبه قانونی به دولت ارسال می شود ... او با اشاره به نقش کلیدی اصناف درایجاد تعادل بین نظام عرضه و تقاضا گفت، به طور قطع تنظیم بازار بدون همکاری بزرگترین تشکل بخش خصوصی که همان اصناف هستند، امکان پذیر نخواهد بود.''

دراین خصوص بلافاصله جامعه انجمن های اسلامی اصناف و بازار واکنش نشان داد، و ضمن تایید و تشویق دولت در تدوین طرح مذکور، در پایگاه خبری خود، ۱۲ تیر ماه، از جمله یادآوری کرد: ''وزارت بازرگانی درصدد کوچک سازی دولت و واگذاری اموربه بخش خصوصی است. ضرور است انجام کارها توسط افراد متخصص انجام گیرد.''

همزمان با تهیه آیین نامه اجرایی طرح واگذاری اختیارات تنظیم بازار به اصناف و بازاریان عمده، و حمایت انجمن های اسلامی اصناف و بازار از اقدام های دولت به ویژه برنامه آزاد سازی اقتصادی، رسانه های همگانی خبر دادند که، جلسات ستاد تسهیل امور تولیدی درحال توقف است.

در عین حال، پرداخت سهم تولید و صنایع از یارانه ها نیز درهاله یی از ابهام قرار گرفت. به هر روی، حمایت از تجار عمده و شرکت های بخش خصوصی فعال در امور بازرگانی داخلی وخارجی، به موازات بی توجهی مطلق به صنعت و تولید، خود گواه روشن دیگری برمفهوم و محتوی حمایت از حضور بخش خصوصی دراقتصاد کشور درقالب برنامه ضدمردمی آزاد سازی اقتصادی است، که نباید از کنار آن بی اعتنا گذشت. به ویژه آنکه، معاون وزیر بازرگانی دولت ضد ملی احمدی نژاد، در گفت وگویی اختصاصی با خبرگزاری ایسنا، ۷ مرداد ماه، با صراحت هر چه تمام تر ضمن حمایت از اصناف و بازاریان (تجار عمده و مسلط بربازار) درباره به اصطلاح اهمیت واگذاری تنظیم بازار به اصناف، خاطر نشان می سازد: ''مکانیسم ما عرضه و تقاضا و تضمین سود است.'' وی با استناد به مفاد قانون برنامه چهارم و نیز برنامه پنجم توسعه جمهوری اسلامی، هرگونه مداخله دولت در قیمت گذاری کالاها را رد کرده و تنظیم بازار را ''حق طبیعی اصناف'' می داند.

طرح واگذاری اختیارات تنظیم بازار به اصناف، در حقیقت حمایت آشکار دیگری از سرمایه بزرگ تجاری است و دست این لایه انگلی طبقه سرمایه دار ایران را در غارت ثروت ملی و اعمال نفوذ در حیات سیاسی، اقتصادی، و اجتماعی کشور می گشاید. با حذف یارانه ها و افزایش قیمت ها، باردیگر سرمایه بزرگ تجاری که سیستم توزیع کالا در چنگ آن قرار دارد، با اتکا به اهرم های معین به سود جویی و ثروت اندوزی خواهد پرداخت. اهرم های پولی، گرانی، احتکار، وسودجویی کلان به طور کامل در اختیار این لایه سرمایه داری است. به علاوه، سرمایه بزرگ تجاری به این دلیل که پس از انقلاب موضع خود را حفظ، تحکیم، و گسترش بخشید، و نیز به سبب قدمتی که در

تاریخ فعالیت های اقتصادی میهن ما دارد، از راه شبکه وسیع و طولانی بازرگانی داخلی - شامل عمده فروشان، دلال ها، و واسطه ها که همگی با هزار رشته به آن پیوند دارند - دارای نفوذی بی بدیل درحیات اقتصادی و نیز سیاسی است. این لایه سرمایه داری، با تسلط بر بازرگانی داخلی و خارجی، موضع های قدرتمند وعظیمی دراقتصاد کشور دارد. بنابراین، واگذاری امرتنظیم بازار در اوضاعی که آزاد سازی اقتصادی و حذف یارانه ها پدید آورده به این سرمایه انگلی و غارتگر، به معنای سپردن سرنوشت مردم و زندگی و معیشت آنان به گرگ درنده ای است که بیش از سه دهه برمقدرات میهن ما حاکم بوده و تباهی و فقر به بار آورده است!

فراموش نکنیم که سرمایه بزرگ تجاری پس از پیروزی انقلاب به این سو، و با شکست انقلاب بهمن، سودهای عظیم و باور نکردنی یی کسب کرده، و با تسلط بی چون و چرا نظام مالی را زیر تاثیر خود قرار داده است. هم اکنون شبکه گسترده توزیع کالا از سوی سرمایه بزرگ تجاری هدایت می شود. اجرای طرح واگذاری اختیارات تنظیم بازار به اصناف درچارچوب برنامه آزاد سازی اقتصادی، سبب تحکیم و تثبیت بیش از پیش نقش بازاریان و دلال های عمده درحیات اقتصادی کشور شده و بی تردید غارت مردم از راه احتکار و گران فروشی کالاهای روزمره و مورد احتیاج عموم ابعاد بزرگ تر و دردناک تری به خود خواهد گرفت. در واقع سرمایه بزرگ تجاری و نمایندگان سیاسی آن با بهره گیری از اهرم اقتصادی، خصوصا شبکه توزیع کالا و بازرگانی خارجی، ضمن غارت ثروت ملی و تصاحب سودهای کلان و نجومی، به تقویت بازهم بیشتر موقعیت و جایگاه سیاسی خود می پردازند. اهمیت بازرگانی داخلی و سیستم توزیع کالا در مجموعه اقتصاد ملی انکار ناپذیر است. بازرگانی داخلی حلقه رابط میان تولید ومصرف محسوب می شود، و از این نظر ماهیت و خصلت نظام بازرگانی داخلی و چگونگی عملکرد سیستم توزیع کالا دارای نقش کلیدی و موثر دراقتصاد کشور است.

بررسی این مساله از نقطه نظر تاریخی نیز نشان دهنده این واقعیت است که سیطره مخرب سرمایه بزرگ تجاری باعث گردیده است تا پیوند ضرور و بسیار حیاتی میان تولید داخلی و بازرگانی داخلی در کشور ما شکل نگیرد، و امر مصرف و بازرگانی داخلی در پیوند مستقیم و غیر مستقیم با بازرگانی خارجی قرار گرفته و به نوبه خود به نحو موثری در وابستگی اقتصاد کشور به امپریالیسم ایفای نقش کند. پژوهش تاریخی گواهی می دهد که شبکه توزیع کالا و اصولا بازرگانی داخلی کشور از هنگامی که سرمایه بزرگ تجاری منافع خود را در فروش کالاها و محصولات خارجی به جای تولیدات ملی وداخلی دید، درخدمت فروش کالاهای خارجی قرار گرفت و این امر به دگرگونی الگوی مصرف جامعه، پیدایش مصرف گرایی کاذب و بی ارتباط با تولید داخلی و نهایتا عدم رشد متناسب صنایع تولیدی ایران منجر شد. تسلط و نفوذ سرمایه بزرگ تجاری و متحد آن سرمایه بوروکراتیک(اداری) نوین، دراوضاع کنونی، با توجه به اجرای برنامه ضد مردمی آزادسازی اقتصادی و حذف یارانه ها، به صورت مهم ترین عامل ویرانی اقتصاد ملی درآمده است. زیرا سیستم توزیع کالا، با توجه به تمرکز عظیم نیروی انسانی و سرمایه در آن، بحران تولید و فروپاشی صنعت کشور، و نیز الگوی مصرف گرایی کاذب که به مصرف کالاهای خارجی گرایش دارد، از مشکل های اصلی اقتصاد کشور و مانعی عمده در راه سالم سازی اقتصاد ملی است. نقش مسلط سرمایه بزرگ تجاری در اقتصاد و سیستم توزیع کالا، برای بخش عمده جامعه یعنی اکثریت مردم میهن ما، که دارای درآمدهای ثابت یا پایین اند، به صورت اهرم اصلی کاهش قدرت خرید و تنزل سطح زندگی و محرومیت آنان از دست یابی به امکانات، وسایل زندگی، و رفاه شده است. درچنین اوضاعی، طرح هایی نظیر طرح واگذاری اختیارات تنظیم بازار به اصناف - یعنی بازاریان عمده و دلال های با نفوذ - فقط و فقط به سود و در جهت منافع لایه های انگلی و غیر مولد و تعرض و دستبردی آشکار به حقوق و منافع اکثریت جامعه به ویژه طبقه های محروم است!

به نقل از نامه مردم، شماره ۸۷۵، ۲۴ مرداد ماه ۱۳۹۰

****

اعمال فشار و تبعیض نسبت به اقلیت های مذهبی کشور

طی ماه های گذشته سیاست پیگرد و اعمال فشار نسبت به اقلیت های مذهبی کشور به ویژه از سوی ارگان های امنیتی شدت یافته است.
جلوگیری از برگزاری مراسم و آیین های مذهبی هم میهنان اهل سنت سبب آن گردید که، تعدادی از چهره های محلی و مذهبی خصوصا دراستان سیستان و بلوچستان به اقدام ها و سیاست های تبعیض آمیز رژیم ولایت فقیه اعتراض کنند. از دیگر سو، فشارهای دادستانی انقلاب اسلامی به شخصیت های مذهبی اهل تسنن نیز در سراسر کشور افزایش قابل توجهی پیدا کرده است. دراین رابطه می توان به جلو گیری از حضور برخی چهره های مذهبی اهل تسنن در مراسم و آیین های کاملا رسمی اشاره کرد. این ممانعت به دو صورت تهدید و ارعاب نظیر تهدید های تلفنی و احضار به وزارت اطلاعات و تشکیل پرونده در دادستانی انقلاب اسلامی اعمال می شود. چندی پیش یکی از چهره های مذهبی اهل سنت در سیستان و بلوچستان عامل اصلی اعمال فشارها را دوایر و نمایندگی های ولی فقیه معرفی ساخت که به خود اجازه می دهند در امور مذهبی و فرهنگی پیروان دیگر مذاهب و کیش ها مداخله و اعمال نظر کنند. به علاوه، دراویش و پیروان اهل حق طی ماه های اخیر از سوی نمایندگی های ولی فقیه برای پذیرش آنچه از ''بیت رهبری'' دیکته می شود زیر فشار قرار گرفته اند و از حقوق بدیهی خود از جمله حق برگزاری آزادانه آیین های مذهبی خود محروم شده اند. تبعیض و بی قانونی در حق این گروه از هم میهنان ما دامنه وسیع وابعاد دیگری نیز دارد. پیگرد، زندان و حبس های مختلف از دیگر مظاهر اعمال تبعیض و فشار است. محکومیت چهارتن از دراویش نعمت اللهی به حبس و شلاق از سوی شعبه اول دادگاه انقلاب اسلامی شهرستان سروستان فارس و بازداشت ۱۰ تن از هم میهنان بهایی در اصفهان، یک تن در قائم شهر، و تعداد دیگری در شهرهای تبریز، ساری و بیرجند حاکی از تشدید اعمال تبعیض آمیز بر ضد بخشی از مردم میهن ما است.
قشری گری، خرافه پرستی، و بیداد گری رژیم ولایت فقیه در پیوند با بحران اقتصادی- اجتماعی و استبداد لگام گسیخته، میهن ما را در اوضاع حساس حاکم بر منطقه با چالش های خطرناکی روبه رو ساخته است. تبعیض و بی قانونی مطلق در حق اقلیت های مذهبی و اعمال ستم ملی بر خلق های ساکن کشور در جامه قشری گری مذهبی به شدت آینده و سرنوشت کشور را به خطر انداخته و زمینه ساز تنش های ملی و اجتماعی فوق العاده نگران کننده و خطرناک می شود.

سیاست ضد ملی رژیم ولایت فقیه و اعمال ستم ملی و تبعیض خشن نسبت به اقلیت های مذهبی موجب پیدایش و رواج گرایش های راست و ارتجاعی، خصوصا واپس گرایی مذهبی، در برخی از نقاط کشور شده است. رشد این گرایش های خطرناک در خلاء فعالیت حزب ها و نهادهای ملی و ترقی خواه، که جملگی از سوی جمهوری اسلامی زیر فشار، ممنوعیت، و سرکوب قرار دارند، برای آینده میهن ما به شدت زیان بار و خطرناک است.
تامین حقوق اقلیت های مذهبی، تفاهم و احترام به ویژگی های جامعه ایران که اقلیت های مذهبی بخشی جدایی ناپذیر از آن بوده و هستند، و پایان دادن به اعمال فشار و ستم ملی بر ضد خلق های ساکن ایران، یگانه راه تضمین اعتلا و سربلندی کشور در حال و آینده است.

نامه مردم شماره ۸۷۴ ۱۰ مرداد ۱۳۹۰

****

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران:

مردم و تاریخ میهن ما جنایت هولناک "فاجعه ملی" را فراموش نخواهند کرد!

هم میهنان گرامی!

با فرا رسیدن مرداد و شهریور ماه ۱۳۹۰، بیست و سه سال از یکی از هولناک ترین جنایات سیاسی تاریخ معاصر میهن ما می گذرد. بیست و سه سال پیش در چنین روزهایی سران رژیم ولایت فقیه، و در رأس آن آیت الله خمینی، هزاران تن از رزمندگان راه آزادی و عدالت اجتماعی در میهن ما را به جوخه های مرگ سپردند تا شاید "جام زهر صلح تحمیلی"، که نتیجه مستقیم ادامه سیاست فاجعه بار و ضد ملیِ "جنگ، جنگ تا پیروزی" بود، در کام شان شیرین گردد و "نظام نمونه" جهان بتواند با تکیه بر سرکوب خونین و ارعاب، دمی بیش به حیات خود ادامه دهد. جنایت فراموش نشدنی کشتار دستجمعی زندانیان سیاسی در سال ۱۳۶۷ سند انکار ناپذیری از ددمنشی و سرشت واپس گرای رژیمی است که در همه طول حیات خود بر دروغ، تزویر، شکنجه، واعدام تکیه داشته است.

بیست و سه سال پیش هیات های سه نفره مرگ، که به فرمان خمینی و تایید اغلب رهبران وقت جمهوری اسلامی تشکیل شده بودند، به زندان های کشور اعزام شدند تا هر کس را که "نادم" نیست از دم تیغ بگذرانند. در این انتقام گیری سیاسی تکان دهنده، طیف گسترده یی از آزموده ترین رهبران و کادرهای سیاسی- مبارزاتی میهن ما، از سازمان های سیاسی گوناگون، از کمونیست تا مسلمان، جان باختند. در این کشتار، که حزب ما به درستی آن را "فاجعه ملی" نامید، صدها تن از رزمندگان توده ای از جمله شماری از سر



شناس ترین زندانیان سیاسی ایران، که بیش از یک ربع قرن از عمر خود در زندان های رژیم شاه حبس بودند، به جوخه های مرگ



سپرده شدند.

با توجه به مجموعه اسنادی که در بیست سه سال گذشته منتشر شده است، این واقعیت اکنون آشکار است که فرمان کشتار دستجمعی زندانیان سیاسی، در ۱۳۶۷، از سوی شخص خمینی صادر شد، و بنابراین نمی توان و نباید نقش او در قتل عام کم نظیر تاریخ معاصر کشور نادیده گرفته شود و یا کم رنگ جلوه داده شود. دراین زمینه آیت الله منتظری، در مقام یک استثنا بین شخصیت های مسئول آن دوره، در خاطرات خود با صراحت از نامه خمینی یاد کرده است. خمینی درنامه خود نوشته بود: "قاطعیت اسلام در برابر دشمنان خدا از اصول تردید ناپذیر نظام اسلامی است. امیدوارم با خشم و کینه انقلابی خود نسبت به دشمنان اسلام رضایت خداوند متعال را جلب نمایید. آقایانی که

تشخیص موضع به عهده آنان است وسوسه و شک و تردید نکنند و سعی کنند "اشداء علی الکفار" باشند. تردید در مسایل قضایی اسلام انقلابی نادیده گرفتن خون پاک و مطهر شهدا می باشد."

همچنین بر اساس مندرجات خاطرات آیت الله منتظری، شخص خمینی در پاسخ به پرسش هایی که از سوی موسوی اردبیلی طرح شده بود، با صراحت تاکید کرد: "سریعا دشمنان اسلام را نابود کنید. در مورد رسیدگی به وضع پرونده ها در هر صورت که حکم سریعتر انجام گردد همان مورد نظر است." [بخش هایی از خاطرات آیت الله منتظری، به نقل از: سایت جرس، ۱۵ مرداد ماه ۱۳۹۰].

امسال ما در شرایطی بیست و سومین سالگرد فاجعه کشتار زندانیان سیاسی را برگزار می کنیم که رژیم ولایت فقیه با تکیه بر همان سیاست هایی که زمینه ساز سرکوب خونین زندانیان سیاسی

شد، تلاش می کند تا صدای حق طلبانه میلیون ها ایرانی را که از ادامه حاکمیت استبدادی مشتی بزرگ سرمایه دار مرتجع به شدت ناراضی اند، خاموش سازد و بر بحران فزاینده سیاسی- اقتصادی چیره گردد. دو سال پس از کودتای انتخاباتی ولی فقیه و نیروهای وابسته به او، خصوصا رهبری سپاه پاسداران و نیروهای انتظامی، که دولت ضد مردمی محمود احمدی نژاد را بر خلاف رایِ ده ها میلیون ایرانی به میهن ما تحمیل کرد، رژیم ولایت فقیه نه تنها نتوانسته است به ثبات سیاسی مورد نظر خود دست یابد، بلکه با پدید آمدن شکاف های جدید و جنگ قدرت بین جناح های گوناگون سرمایه داری حاکم به منظور تحکیم موضع های خود، و بی اعتباری بیش از پیش رهبری رژیم، در مجموع، وضعیت دشواری رویاروی سران ارتجاع قد برافراشته است. بر خلاف تصور خامنه ای و متحدان او، جنبش مردمی بررغم سرکوب خشن و خونین دو سال گذشته، و با وجود به بند کشیدن صدها تن از کادرهای جنبش اصلاحات و فعالان دانشجویی و شماری از کادرهای جنبش کارگری و زنان، به حیات خود ادامه داده است و خود را برای رویارویی های آینده آماده می کند. نزدیکی بیشتر جنبش های اجتماعی، هماهنگی نیروهای سیاسی آزادی خواه و مترقی، و برنامه سیاسی منسجم و واقع بینانه برای مقابله و مبارزه بر ضد رژیم ولایت فقیه، می توانند از جمله گام های مهمی می توانند باشند که جنبش مردمی میهن ما را در مصاف های آینده با مرتجعان حاکم، با پیروزی همراه گرداند. برای همه ما درس بزرگ فاجعه ملی ، صلابت پرشکوه صف های متحد همه جان باختگان راه آزادی، پایداری مشترک و باور داشتن به نیروی توده های محروم در حکم نیروی محرکه اصلی تغییرات اجتماعی بنیادین، پایدار و دموکراتیک است.

هم میهنان گرامی!

درچند سال اخیر، زیر فشار جنبش مردمی ومبارزات دلیرانه مردم، تا حد معینی برنامه توطئه سکوت رژیم ولایت فقیه برای پنهان نگه داشتن ابعاد جنایت هولناک فاجعه ملی با شکست مواجه شده است، و افکار عمومی ایران و جهان نسبت به این جنایت فراموش نشدنی حساس شده اند. ضروری است تا با مبارزه یی متحد و یک پارچه، و رشته اقدام هایی روشنگرانه در سطح ملی و بین المللی، به طور کامل و قاطع به توطئه سکوت در باره فاجعه ملی پایان داده و ضمن معرفی عاملان و آمران این جنایت بزرگ و فراموش نشدنی به خواسته های برحق بازماندگان و بستگان قهرمانان شهید مردم، جامه عمل پوشانده شود. انتشار نام جان باختگان کشتار دستجمعی سال ۱۳۶۷ (فاجعه ملی)، مشخص کردن محل خاکسپاری آنان، علت محاکمه و دلیل صدور حکم اعدام، معرفی همه آمران و عاملان این جنایت، محاکمه آنان در دادگاه های عادلانه، و جز این ها، از زمره خواست های خانواده های زجر کشیده ای است که حتی حق ادای احترام به مزار عزیزان خود را نداشته اند و تا به امروز از سوی گزمگان مسلح رژیم ولایت فقیه مورد تهدید و آزار قرار گرفته اند.

امروز پس از گذشت بیش از دودهه از فاجعه ملی، این فرزندان شهید و شریف مردم اند که در پیشگاه داوری تاریخ مغرور وسربلند، در سرودها و ندا های حق طلبانه توده ها حضور دارند، زندگی می کنند و ره می نمایانند. نام همه قهرمانان جان باخته در فاجعه ملی تا ابد در تاریخ مبارزات خلق های دلاور ایران باقی خواهد ماند.

دورد پر شور به خاطره تابناک همه جان باختگان فاجعه ملی کشتار زندانیان سیاسی ایران!

ننگ و نفرت بر رژیم جنایتکار ولایت فقیه و همه آمران و عاملان این فاجعه !

آزادی فوری و بدون قید و شرط برای همه زندانیان سیاسی کشور!

کمیته مرکزی حزب توده ایران

۲۴ مرداد ۱۳۹۰

****

۲۸ مرداد ماه ۱۳۵۸

لشکرکشی به کردستان و موضع حزب توده ایران

از نخستین روزهای نیمه دوم مرداد ماه ۱۳۵۸ حوادث و رویدادهای گوناگون سیاسی و نظامی، چه در سطح سراسری و چه در عرصه کردستان، آشکارا بیانگر آن بودند که متاسفانه تلاش های گروها، احزاب و شخصیت های مترقی و انقلابی برای ادامه مذاکرات هیئت های نمایندگی دولت و مردم کرد جهت حل مسالمت آمیز مسئله کردستان به بن بست نزدیک شده است.
واقعیت این است که هر دو طرف مذاکره ناخواسته تحت تاثیر تحریکات پیچیده ی باندهای ضد انقلابی، سلطنت طلب ها و وابستگان به رژیم بعث عراق، از قماش پالیزبانها، اویسی ها، شاپور بختیارها، از سویی و ساواکی های تازه «مسلمان شده»ی باقی مانده در ارتش و دستگاههای دولتی از سویی دیگر قرار گرفتند و بجای تلاش در جهت ادامه مذاکرات و ایجاد تفاهم، در مسیر تشنج آفرینی هر چه بیشتر و تقویت مواضع نظامی خود حرکت کردند.
همچنین نقش خرابکارانه لیبرالهای «پشیمان شده از انقلاب»، که از فردای ۲۲ بهمن ۵۷ همه ی تلاش خود را صرف «لگام زدن» به انقلاب و مانع تراشی در راه پیشرفت و تعمیق دست آوردهای مردمی و مترقی آن نموده بودند، را نیز نمی توان و نباید در عدم حل مسالمت آمیز مسئله کردستان کم اهمیت دانست.
به ویژه که این گروه در آن مقطع زمانی، عملاً همه ی وزارتخانه های مهم، پست نخست وزیری و بخشی از کرسی های شورای انقلاب را در اختیار داشتند.
همه این عوامل دست به دست هم داد و همانگونه که اشاره کردیم، روند مذاکرات هیئت نمایندگی خلق کرد و دولت را عملاً با بن بست مواجه نمود و بار دیگر ابرهای تیره جنگ و خونریزی آسمان کردستان را تصرف نمود.
در نیمه دوم مردادماه، محاصره شهر مرزی «پاوه» از جانب گروه های مسلح محلی تشدید گردید و درگیریهای شدیدی بین مدافعین شهر و مهاجمین به وقوع پیوست که طی آن ده ها نفر از دو طرف کشته شدند.
همزمان با وقایع پاوه، بار دیگر درگیریهای مسلحانه در شهر سنندج از سرگرفته شد و نیروهای مسلح دولتی مستقر در این شهر به شدت در تنگنا قرار گرفتند، به همین خاطر طی نامه ای از خمینی و بقیه مقامات دولتی درخواست کمک فوری کردند.
خمینی به عنوان رهبر انقلاب و فرمانده کل قوا، در روز ۲۸ مردادماه با صدور فرمان شدید الحنی به کلیه قوای انتظامی دستور داد که **به پادگان های مراکز ابلاغ کنند که به قدر کافی به طرف سنندج حرکت کنند و با شدت اشرار را سرکوب نمایند.** (کیهان ۲۸ مرداد ۱۳۵۸).

این همان فرمانی بود که از طرف برخی گروههای سیاسی کردستان باعنوان «**فرمان جهاد خمینی علیه خلق کرد**» از آن نام برده می شود.
هرچند که در هیچ کجای پیام خمینی در ۲۸ /۱۳۵۸/۵/ اشاره ای به «جهاد» نشده است، اما این مسئله چیزی از شقاوت و بیرحمی بکار رفته از طرف نیروهای مسلح اعزامی به سنندج بر علیه مردم بی دفاع این شهر نمی کاهد.
متعاقب فرمان خمینی، ده ها هزار نیروی مسلح اعم از ارتشی و سپاهی و پلیس با مشارکت فعال هوانیرو به سنندج گسیل گردیدند و درگیریهای مسلحانه ویرانگری در این شهر رخ داد که در اثر آن صدها نفر از مردم بی دفاع کشته و زخمی شدند.



همزمان با صدور فرمان خمینی برای لشکرکشی به پاوه و سنندج، دبیرخانه حزب توده ایران با صدور اطلاعیه ای بار دیگر خواهان «**تضمین حقوق ملی خلق کرد**» و **حل مسالمت آمیز مسئله کردستان گردید.**
این اطلاعیه یک روز پس از صدور فرمان خمینی در ۲۹ مرداد ۱۳۵۸، در نشریه «**مردم**» ارگان مرکزی حزب توده ایران منتشر شد.
در ادامه متن این اطلاعیه را مشاهده می کنید:

مسئله کردستان باید در چهارچوب دفاع از انقلاب ایران و تضمین حقوق ملی خلق کرد حل شود

حوادث ناگوار و خطرناکی در کردستان میگذرد. در این منطقه گره بسیار درهم بیچیده ای بوجود آمده است. واقعیت این است که توده های وسیع مردم کردستان، مانند همه خلقهای کشور، خواستار پیروزی انقلاب بزرگ تاریخی میهنمان هستند و آماده

اند در این راه، دوش بدوش سایر مبارزان، در نبرد مقدس برای ریشه کن کردن نفوذ امپریالیست ها و در پیشاپیش آنها امپریالیست های آمریکایی و صهیونیست ها و وابستگان رژیم شاه شرکت کنند. در چهارچوب این آمادگی برای مبارزه و سازندگی، خلق کرد مانند همه خلق های ایران، خواستار رفع محرومیتهای ملی است.

حزب توده ایران، با بهره گیری از تجربیات بسیاری که از تجربیات بسیاری که در زمینه تلفیق این دو جهت مبارزه در میهن ما و در سایر کشورهای نظیر ایران وجود داشت، از همان آغاز معتقد بود، که در شرایط ویژه انقلاب ایران، باید از طرف همه نیروهای وفادار به آماج های انقلاب، نهایت درایت و آمادگی برای تفاهم و اجتناب از تاثیر تلاشهای دشمنان انقلاب، برای حل این مسئله دشوار بکار رود.

حزب توده ایران مسافرت آیت الله طالقانی را به کردستان و نتایجی که از این مسافرت گرفته شده، استقبال کرد.

با کمال تاسف این اقدامات بجا و مثبت به نتیجه نرسید. ضد انقلاب با بکارانداختن همه نیروهای خود، از همه جهات به ایجاد این گره دشوار، که اکنون به خونریزی انجامیده است، دست زد. امپریالیسم و صهیونیسم، دشمنان اصلی خلق های محروم، دوستی بین خلق های کشور ما را به زیان خود میدانند و می کوشند با دامن زدن به اختلافات مذهبی، قومی و زبانی، هر اندازه ممکن است محیط را متشنج سازند. عمل امپریالیسم و صهیونیسم تنها از راه عوامل و گروههای وابسته به خود، مانند پالیزبانها و سالارجافها و عناصر نظیر آنها در منطقه نیست. آنها بدست عمال خود میکوشند همه را به جان هم بیندازند: شیعیان را علیه سنی ها، کردها را علیه آذربایجانیها و فارس ها، متعصبین مذهبی را علیه گروههای چپ و چپهای افراطی را علیه نیروهای مذهبی تحریک کنند و خلاصه همه را به جان هم بیندازند و بدینسان مواضع خود را علیه انقلاب ایران محکمتر سازند.

در چنین شرایط بغرنجی، حزب توده ایران معتقد بود و هست که مسئله کردستان باید در چهارچوب دفاع از انقلاب ایران و تضمین حقوق ملی خلق کرد حل شود. براین اساس هرگونه گرایش تجزیه طلبانه نقاق افکنانه و پایمال کردن حقوق ملی خلق کرد، یعنی همه آن چیزهایی که میتواند از جانب عوامل امپریالیسم، صهیونیسم و بازماندگان رژیم پهلوی دامن زده شود و مورد سوءاستفاده قرار گیرد و در نهایت هم به منافع انقلاب ایران در مجموع و هم به حقوق خلق کرد لطمه زند، محکوم است.

حزب توده ایران معتقد بود و هست که ضمن محکوم کردن چنین گرایشهایی، میباید نقش عوامل امپریالیسم، صهیونیسم و بازماندگان رژیم پهلوی را، که متاسفانه توانسته اند هم در بین نیروهای انقلابی سردرگمی بوجود آورند و هم درگیریهای خونین بوجود آورند، که بهای آنرا در آخرین تحلیل خلق کرد باید بپردازد، قاطعانه افشا و سرکوب کرد.

حزب توده ایران معتقد بود و هست که همه نیروهای انقلابی، صرف نظر از تفاوت در عقاید سیاسی و ملکی و مذهبی خود و همه خلق های ایران، اعم از فارس و کرد و آذربایجانی و ترکمن و بلوچ و عرب، میباید در چهارچوب ایران واحد و حفظ تمامیت ارضی ایران از حق خودمختاری اداری و فرهنگی برخوردار شوند.

حزب توده ایران معتقد بود و هست که ضمن سرکوب ضد انقلاب در واحدهای ملی – از جمله در کردستان، باید حساب مردم را با ضد انقلاب بدرستی جدا کرد. ضمن سرکوب قاطع ضد انقلاب، مسائل این واحدها را می باید با خونسردی و خردمندی و از راه مسالمت آمیز حل کرد. از جمله تشکیل شوراهای پیشنهادی آیت الله طالقانی – که بموقع خود مورد پشتیبانی حزب ما قرار گرفت – می تواند به حل این اختلافات کمک کند.

حزب توده ایران معتقد بود و هست که در این لحظات تاریخی، فقط اتحاد نیروهای انقلابی و درک عمیق مصالح و منافع انقلاب ایران و همه خلقهای ایران قادر است توطئه های امپریالیسم، بسرکردگی امپریالیسم آمریکا، صهیونیسم و ارتجاع را عقیم گذارد.

دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران

۲۷ مرداد ۱۳۵۸ (مردم، دوشنبه ۲۹ مرداد ۱۳۵۸)

به دنبال صدور این اطلاعیه و چاپ آن در نشریه «مردم»، این نشریه در همان روز ۲۹ مرداد به دستور دادستانی انقلاب توقیف گردید و اعضاء و هواداران و سازمانهای حزب توده ایران در سراسر کشور، به خصوص در مناطق کردنشین مورد یورش رژیم قرار گرفتند.

کمیته مرکزی حزب توده ایران در تاریخ ۶ شهریور ماه ۱۳۵۸ با صدور بیانیه ای، «به مناسبت حوادث اخیر کشور»، درباره این یورش از جمله نوشت: «ما امروز در مقابل این واقعیت هستیم که از یک سو حمله وسیعی از طرف نیروهای انحصار طلب راست برای سرکوب آزادی و در درجه اول آزادی نیروهای راستین انقلابی چپ و حتی بخشی از نیروهای انقلابی که زیر پرچم اسلام مبارزه می کنند، آغازشده و از طرف دیگر کردستان به صحنه ای از جنگ داخلی و برادرکشی مبدل گشته است.

... این طور گفته می شود که گویا این حمله برای جلوگیری از فعالیت ضد انقلاب است. متاسفانه واقعیت موید کامل این ادعا نیست... حمله وسیع به سازمان های حزب توده ایران در سراسر ایران، توقیف روزنامه «مردم» ارگان مرکزی حزب ما، بازداشت، شکنجه و ضرب و جرح ده ها نفر از هواداران حزب توده ایران در قصرشیرین و کرمانشاه و دیگر شهرهای غرب، بازاشت و اعدام بی رسیدگی و محاکمه دو تن از هواداران حزب توده ایران که به تصدیق اکثریت مردم کرمانشاه کوچکترین رابطه ای باگروه های افراطی و جریانات کردستان نداشته اند، همه نشان میدهد که هدف واقعی نیروهای انحصار طلب راست به هیچ وجه ضد انقلاب، یعنی عمال امپریالیسم آمریکا، صهیونیزم و ارتجاع سیاه

رژیمی شاه نیست. (بیانییه ی کمیته مرکزی حزب توده ایران ۶ شهریور ماه ۱۳۵۸). حزب توده ی ایران در همین بیانیه درباره مسایل کردستان بار دیگر تاکید نمود که «بنظر ما مسئله کردستان ایران، مسئله دیروز و امروز نیست. مسئله کردستان ایران یک مسئله بغرنج تاریخی، جغرافیایی و ملی است.
به نظر ما مسئله کردستان ایران، مسئله دیروز و امروز نیست. مسئله کردستان ایران یک مسئله بغرنج تاریخی، جغرافیایی ملی است. حزب توده ایران اولین حزب سیاسی ایران است که پس از سرنگونی دیکتاتوری سیاه رضاخان، پایان دادن به محرومیت های ملی خلق های غیرفارس را در ایران، به عنوان یکی از گره های مهم سیاست داخلی ایران مطرح ساخت و یگانه راه عقلانی گشودن این گره را که واگذاری خودمختاری فرهنگی و اداری در چهارچوب رعایت کامل و بدون تمامیت ارضی، وحدت ملی و مرکزیت قدرت دولتی است، نشان داد.
حزب توده ایران اعتقاد راسخ دارد که خلق کرد در ایران تنها در چهارچوب ایرانی آزاد و مستقل می تواند به محرومیت های ملی خود پایان بخشد. هرگونه کوشش برای پیداکردن راه حلی خارج از چهارچوب مبارزه عمومی همه مردم ایران برای بدست آوردن استقلال ملی و آزادی و پیشرفت اجتماعی، راهی است خطا، پررنج، پر تلفات و بی نتیجه. اکنون دهها سال است که مردم کردستان برای پایان دادن به محرومیت های ملی و اجتماعی مبارزه می کنند و در این راه تلفات و قربانی های فراوان و سنگینی داده اند. تجربه همین مبارزات و مبارزات ملی در سایر کشورها به خوبی نشان می دهد که از بین رفتن محرومیت های ملی خلق های محروم در کشوری نظیر ایران تنها در جریان مبارزه برای تامین استقلال و آزادی برای همه مردم کشور امکان پذیر است.
حزب توده ایران برآن است که خلق های محروم ایران تنها از راه هماهنگی با سایر نیروهای ضدامپریالیستی، آزادیخواه و خلقی، تنها از راه تلاش برای ایجاد جبهه متحد نیروهای خلق، از راه مبارزه متحد پیروزمند ضد امپریالیستی و دمکراتیک می تواند به محرومیت های ملی موجود پایان بخشد.
حزب توده ایران برآنست که از راه سرکوب و کشتار ممکن است «آرامش» برقرار ساخت، ولی نمی توان مسئله ملی را نه در کردستان و نه در سایر نقاطی که در آنها محرومیت های ملی مطرح است، حل نمود.
حزب توده ایران برآن است که در حوادث کردستان علاوه بر خواست های مشروع خلق کرد برای پایان دادن به محرومیت های ملی و عقب افتادگی اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی، که محصول رژیم سیاه وابسته به امپریالیسم «شاهنشاهی» است، تحریکات عوامل رنگارنگ امپریالیسم و صهیونیسم و ارتجاع نقش مهمی داشته و دارد. این عوامل هم اکنون دست اندر کارند که هر لحظه بحران را شدیدتر سازند، با اقدامات تحریک آمیز و حادثه آفرینی از یک سو و با اشاعه اخبار دروغ و تهییجی از سوی دیگر بر وخامت اوضاع بیفزایند، راه حل های مسالمت آمیز را غیرممکن سازند. آب را گل آلود کنند و خود از آب گل آلود ماهی بگیرند.
باید این نقشه شیطانی عوامل ضد انقلاب را، در زیر هر ماسکی که عمل می کند، به دقت دید و خنثی ساخت. وظیفه تاریخی رهبر انقلاب و همه نیروهای راستین هوادار انقلاب است که بین این دو جریان خط فاصل دقیق بکشند و این دو جریان را که یکی خلقی، مشروع و به حق است و دیگری خصمانه، ضد انقلابی و جنایت بار، از هم جدا سازند و در مورد هر کدام روش سیاسی جداگانه ای برگزینند. این است موضع گیری اصولی ما. بر پایه همین موضع گیری اصولی حزب توده ایران با توجه به اهمیت موضوع، ضمن ابراز آمادگی در بکار بردن تمام کوشش و امکانات خود برای حل و فصل مسالمت آمیز مسئله کردستان، پیشنهاد می کند:
۱: بی درنگ و همزمان، به عملیات نظامی از دو طرف پایان داده شود و آتش بس اعلام گردد؛
۲: محاکمه و صدور رای در دادگاههای انقلاب کردستان متوقف گردد؛
۳: مذاکرات به منظور پیدا کردن راه حل سیاسی برای رسیدن به هدفهای مبرم زیر آغاز شود:
الف: تامین خواست های به حق و مشروع مردم کردستان در زمینه پایان دادن به محرومیت های ملی.
ب: تامین اتحاد همه نیروهای راستین انقلابی برای ریشه کن ساختن و نابود کردن عوامل امپریالیسم، صهیونیسم و ارتجاع و رژیم پهلوی در منطقه کردستان و سراسر ایران.
به نظر حزب توده ایران این یگانه راهی است که به تحکیم، تثبیت و گسترش دستاوردهای انقلاب ایران کمک موثر می رساند .(مردم، شماره ۵۵، ۲۹ مردادماه ۱۳۵۸)

....

اکنون پس از ۳۲ سال، صحت ارزیابی های حزب توده ایران درباره مسائل کردستان و تاکید حزب ما بر این نکته اساسی که «مسائل کردستان راه حل نظامی ندارد» و تنها و تنها از راههای مسالمت آمیز و با«تضمین حقوق ملی خلق کرد» قابل حل است، مورد تایید بسیاری از نیروها و احزاب سیاسی، فعالین مدنی و شخصیت های سیاسی و اجتماعی کردستان و سراسر ایران قرار گرفته و همگان برآن تاکید می ورزند.
امری که اگر به موقع و در زمان خود انجام گرفته بود، می توانست از وقوع جنایت و خسارت مادی و معنوی بیشماری جلوگیری کند و سیرحوادث و رویدادهای کردستان و سراسر ایران رابه مسیر دیگری رهنمون گردد.

****

گرامی با یاد و خاطره رفیق شهید ناصر سلیمی

(تیرباران ۳۱ مرداد ۱۳۵۸، در سنندج)

رفیق «ناصر سلیمی» در سال ۱۳۲۸ در شهر سنندج در یک خانواده زحمتکش چشم به جهان گشود. و از خردسالی به همراه پدر خود شاطر نبی سلیمی و خانواده به شهر مریوان نقل مکان کردند. پدرش در یکی از نانوایی های شهر مریوان به کار مشغول شد. و ناصر از همان اوان خردسالی و نوجوانی از نزدیک با رنج و درد مردم زحمتکش کرد که از زورستم فئودال ها به تنگ آمده بودند و آواره شهرها می شدند، آشنا شد.

درس انسان دوستی و مخالفت با زور و هم دلی و هم دردی با هم نوعان خود را از مادر آموخت. رفیق ناصر برای ادامه تحصیل مجبور به ترک مریوان شد و به سنندج رفت و در همین دوران از محبت های مادر محروم شد.

رفیق ناصر به علت فشارهای اقتصادی و عدم توانایی خانواده مجبور شد دبیرستان را ناتمام رها کرده و به مریوان بازگردد. وی در بیمارستان مریوان مشغول به کار شد. و بعدها کار خود را در ارتباط با حفظ بهداشت عمومی دنبال نمود.

شجاعت رفیق در ابراز نظر و مخالفت او در مقابل زور و اجحاف زبانزد دوستان و آشنایانش بود. رفیق ناصر در برابر ژاندارم ها و افسران مزدور و کارمندان ساواک که شهر را تبول خود ساخته بودند و از تحمیل هرگونه زورگویی ابایی نداشتند یار و یاور مردم بود و همه جا از دلاوری و بی باکی او هنگام روبه رو شدن با ماموران زورگوی دولتی صحبت می کردند. بارها به وسیله ژاندارم ها و ساواکی ها دستگیر شد. کتک خورد و از کار برکنار شد، تبعید شد. ولی هیچ گاه خم به ابرو نیاورد و یار و مددکار مردم محروم باقی ماند. آخرین بار به شهر سنندج تبعید شد و تا روز شهادت در این شهر بود.

فعالیت های رفیق ناصر و چگونگی شهادتش را از زبان یکی از رفقایش که از نزدیک می شناخت می خوانیم:

«حدود چندی پیش یکی از آشنایان قدیمی را ملاقات کردم. از هر دری صحبت کردیم، ازدوستان مشترک، ... می گفت در شهر مریوان چیز جالبی نظر مرا به خود جلب کرد. بر روی یکی از دیوارهای خرابه قدیمی شهر آثار یکی از شعارهای قدیمی حزب به چشم می خورد. از جمله «حزب توده ایران – حزب طراز نوین طبقه کارگر ایران»

لحظه ای به فکر فرو رفتم و به یاد رفیقی افتادم که در آن روزهای سخت که جو کردستان به شدت ضد توده ای بود، به ابتکار خود در سطح شهر مریوان اقدام به شعار نویسی می کرد. این نوشته باید یکی از آن نوشته ها باشد. خبر را آن زمان نه از طریق رفقای هوادار حزبی مقیم مریوان، بلکه از دوستان قدیمی که از مسئولین سازمان های مختلف بودند شنیدم، و آن ها خود رفیق را در حال شعار نویسی دیده بودند. بعدها در سال ۱۳۵۸ و در جریان تحصنی که در محل دادگستری سنندج برپا شد، رفیق توده ای در جمع حاضرین از مواضع حزب توده ایران در قبال حوادث کردستان دفاع میکرد. و مدام مورد اعتراض هواداران کومله و سایر گروهها قرار می گرفت. ناصر را از صدای رسا و بلندش شناختم که خطاب به حاضرین می گفت گوش کنید و بعد قضاوت نمائید. و با اشاره به رفیق توده ای می گفت: «که او حرف های حسابی می زند ولی ما متاسفانه عادت نداریم که شنوای این حرف های مستدل و مقنع باشیم.» به او نزدیک شدم، حال و احوال او را پرسیدم.

چند هفته بعد او را دوباره دیدم به مریوان می رفت تا برادرش را ببیند می خواست اگر اعلامیه ای داریم پخش کند.



رفیق شهید ناصر سلیمی– ایستاده با دست باند پیچی شده

۲۸ مرداد ۱۳۵۸ بنی صدر دستور حمله به کردستان را صادر کرد. خمینی هم ضمن اشاره به وقایع پاوه از ارتش و سپاه خواست که به کمک برادران مسلمان خود بشتابند و مخالفان اسلام را سرکوب کنند. درست همان روز، که مردم در بیم و هراس به سر می بردند و شهر ناآرام و در وحشت به سر می برد، مینی بوسی از طریق بیجار، حامل گروهی پاسدار وارد شهر سنندج شد و در میدان مرکزی شهر در محاصره جوانان خشمگین قرار گرفت.

جوانان از سرنشینان مینی بوس می خواستند که سلاح های خود را تحویل دهند. عده ای با دیدن خشم مردم این کار را فوری می کنند. اما یکی از سرنشینان سماجت به خرج میدهد و گلنگدن می کشد و با سرنیزه تفنگ خود جمعیت را از خود دور می سازد. رفیق ناصر با مشاهده خشم جوانان سرنیزه او را در دست می گیرد و از او می خواهد که بیهوده حماقت به خرج ندهد و جان خود و دیگران را به خطر نیندازد. فرد مسلح سرنیزه را از

دست ناصر بیرون می کشد. مردم با خشم فراوان او را خلع سلاح می کنند. خوشبختانه با پادرمیانی ناصر فرد مسلح و همکاران او جان سالم بدر می برند ولی دست رفیق ناصر زخمی و بریده می شود. و خون از آن جاری می گردد.

فردای آن روز وقتی ارتش و سپاه به کمک هواداران مفتی زاده و عده ای اوباش و راذل محلی کنترل شهر را در دست می گیرند، بگیر و ببند مخالفین و کمونیست ها شروع می شود.

افراد محلیِ و هواداران مفتی زاده، رفیق ناصر را بازداشت می کنند و فوراً او را به همراه عده ای دیگر از دستگیر شدگان، که اغلب هیچگونه جرم و خطایی را مرتکب نشده بودند، تحویل دادگاه صحرایی به نام دادگاه انقلاب می دهند. این دادگاه برای زهر چشم گرفتن و ترساندن مردم و سرکوب شدید و فوری ناراضیان در مدتی کوتاه عده ای حدود ۱۱ نفر از انسان های شریف و بی گناه را، تنها در شهر سنندج، به جوخه آتش می سپارند.

صحنه اعدام و عکسی که از آن گرفته شد، تکان دهنده بود. یکی از اعدامی ها زخمی و روی تخت برانکارد اعدام می شود. رفیق ناصر چشم بسته و دست زخمی که از گردن آویزان است با قامتی رشید و ایستاده به شهادت می رسد. رفیق ناصر در دادگاه چند دقیقه ای جسورانه به برخورد خلخالی با متهمان اعتراض می کند. رفیق ناصر زمانی تیرباران شد که در تدارک عروسی بود.

قامت رشید و بی باک ناصر که در محل اعدام ایستاده و گویی از پشت چشم بند با تحقیر به جوخه آتش می نگرد. داستان بی باکی های او و تاثیر عمیق و جانگذاری بر روی مردم به جای گذاشت.»

نقل از کتاب « شهیدان حزب توده ایران»



شراب انجیر

سوگ ـ خاطره یی در رثای رفقا بهمن قنبری و سیف‌الله غیاثوند،
و همچنین به یاد همه رفقا و جان باختگان فاجعه ملی

در زندگی رویدادهائی پدید می آید که درخشندگی و تابناکی‌اش هرگز از روان خستهات زدوده نمی شود، مثل گوهر شب چراغی در ظلمت مطلق. آن رویداد از خاطره به خیال و در خیال به رویایی جاودانه و شیرین تبدیل می شود و جان می گیرد با تمام زیبائی هایش در رنگ و نور و تصویر و صدا. آن خاطره، آن خیال، آن رویا چیزی مربوط به زمان های دور و سپری شده نیست، بلکه چنان با جانت آمیخته که همیشه تازه و با طراوت می نماید. پنجاه روز از تنها نفس کشیدنت در مقام انسان زنده می گذرد. در یکی از راهروهای تنگ و نیمه تاریک زندان کمیته مشترک (بند سه هزار؛ بازداشتگاه توحید)، با چشم های بسته با پارچه برزنتی نیمدار و چرکمرده یی که بوی خاک وعرق تن می دهد.

سقلمه یی به کینه به سرت می خورد و پژواک صدائی به نفرت در گوشت می پیچد: ''بلند شو!'' بلند می شوی. چوب باریکی توی دستت فرو می رود: '' دنبال من بیا! مبادا سرت را بالا کنی که چشمت را پیش سگ می‌اندازم!''

می ایستد. کلیدی در قفلی می چرخد، و دری آهنی با جیغ زنگ زدگی یی کهنه باز می شود. ''برو داخل!''

در با همان جیغ بسته می شود. دستی به مهربانی چشم بندت را بر می دارد: ''خوش آمدی رفیق!'' مردی چهار شانه، سیه چرده، با خنده ای به پهنای رخسارش، رودررویت: سرهنگ بهمن قنبری. هم کاسه و هم سیگاری‌اش می شوی، و پتوی سربازی‌ات را کنارش می اندازی. مردی به ظاهر زمخت و خشن، و به باطن به طراوت نسیم و باران. مردی که به قه قه می خندد و همیشه می خندد. به ترانه خواندن که می آغازد، آوای زلال‌اش به سان آب در جان تشنه همه جاری می شود: ''رویم ای دل/ به دنیائی/ که رنگ غم نباشه[ندیده]/ به دنیائی/ که رنگ حسرت و ماتم نباشه[ندیده] . . . . '' دور ترک، دکتر سیف الله غیاثوند، با آن چشمان سیاه و درشت ونافذ، که با ایما و اشاره های دست و لب بر حذرت می دارد از نشان دادن آشنائی. در جایت می مانی، و نهان می کنی که میل درآغوش کشیدنش را داری، که هم بازی‌ات بود در کوچه پس‌کوچه‌های پراز بوی طبیعت نهاوند: بوی بید مشک، بوی میوه، بوی خزان ، و بوی برف، و هم کلاسی‌اش شدی در دبستان بدر، و حسودی کودکانه تو به دستخط زیبایش که دست به دست می شد و کلاس به کلاس می گردید که افتخار معلم کلاس اول‌مان بود. و توانائی شگفت انگیز او در حل مسئله های کتاب ''چهار عمل اصلی'' که سخت مشکل بود برای کودکان ده دوازده ساله، و اینکه او مثل آب خوردن حل‌شان می کرد، آن هم در ذهنش، و اینکه تو هم کم نمی‌آوردی، اما با تمرکز و تاخیر. سه ماه و اندی می گذرد با درد و انتظار، انتظاری که دامن همه را گرفته، حتی، آقا تقی، از بچه های کومله که تازیانه ریختش را دگر کرده است، هم به جان، هم به جسم. با آن کِرِم صورتی رنگ روی مچ دستش که حکایتی است از رگ‌زنی با تکه یی شیشه به قصد خودکُشی. کرده بودندش مترسک سلول. نیک انسانی نیکو سرشت ومردمدارکه مستی عشقی دیگر را در پرتو چشمانش می دیدی حتی اگر هم به سجده می نشست. تا آن روز که شانه به شانه بهمن، پیاده می روی تا به سراب قنبر کرمانشاه، زادگاهش، با کوله‌باری از خاطرات او. دامنه‌های چین و واچین دار آبی و کبود و بنفش کوهای زاگرس با قله های پر برف شان، و عطر پونه‌های وحشی، رقص گندمزارهای به شبنم نشسته، وآب سرد سراب قنبر که به زلالی اشک چشم است و به سردی یخ. که می شنوی صدایت می زنند، وهمه میخکوب می شوند، و به لنگه نیم گشوده در که ''برادر''ی سر و نیمی از تنش را دزدانه به درون سلول کشانده است، چشم می گردانند. چشم بند می زنی، و پشت در که به شتاب با همان جیغ زنگ زدگی کهنه بسته می شود، گم می شوی و می شوی رفیق نیمه راه و بهمن را در کوره‌راهای سراب قنبر رها می کنی. جائی می ایستی، رو به دیوار. ''برادر'' می رود و زمانی به درازای عمر می گذرد. ''برادر''ی دیگر می آید. با لحنی به شماتت می شنوی: زنت زائید. بچه دختر است. حال شان بدک نیست. به خود آمده نیامده، مدادی به دستت می دهد و می کشاندت به دنبال خودش، و بعد، هُل‌ات می دهد به درون. همراه توسکوت سایه می اندازد در تمامی حجم سلول، و در با همان جیغ کهنه بسته می شود. با منگی به باورت تکرار می کنی آنچه را که شنیده‌ای: ''زنت زائید. بچه دختر است. حال‌شان بدک نیست.'' سکوت شکسته می شود با هلهله شاد آدمیان پراکنده در سلول. به سوی‌ات می آیند، آمدند، پایکوبان و دست افشان. تولد؛ تولد؛ تولدش مبارک! مبارک مبارک تولدش مبارک!

آقا تقی کیسه دست دوزش را می آورد وآخرین و شاید تنها پس انداز چند سال زندانش را بین همه تقسیم می کند: دو بسته سیگار بهمن. اولین کسی که دستت را می فشارد و بر پیشانی‌ات بوسه می زند بهمن است، و شاد می شوی با دستمالی که به نشان چشم‌روشنی در دستت می گذارد، و آخرین نفر آقا تقی است که با نجوائی خاموش و دردناک توی گوش‌ات زمزمه می کند:

“دختر من هم در زندان متولد شد که هنوز ندیدمش.” آقا تقی هرگز هم دخترش را ندید.
شادی ها فرو می نشینند و همه مشغول می شوند به تکرار عادت ها در چهار دیوار سلول، و تو همراه می شوی با بهمن برای ادامه سفرتان به سراب قنبر، که سیف الله با پشتی اندکی خمیده و پا کشان ـ به سبب تکه پاره‌های سرب و ساچمه حضور دائم در جبهه‌های جنگ در تن‌اش– به سوی مان می آید و با لحنی به رفاقت، و با آمیزه یی از شادی درونی، می گوید: “امشب دیر بخوابید با شما کار دارم. ” و می رود می نشیند روی پتوی سربازی به دقت تا شده‌اش کنار دیوار. وقت خواب که می شود همه دراز می کشند روی یکتا پتوی سربازی شان. پچ پچه های شبانگاهی شروع می شود که از هیاهو و کلنجارهای سیاسی گریزان است و میل به خاطره، خیال، رویا و آرزو دارد، نوعی لالائی که ثقل خواب را می کشاند به درون سلول. چشم ها بسته می شوند و نفس های موزون گره می خورند در هوای خفه سلول. سیف‌الله می آید و بین پتوی تو و بهمن می نشیند، بی کلامی به زبان در یک قوطی شیر خشک مخصوص معده‌ای‌ها را باز می کند. سرگشتگی نگاه تو در حیرت نگاه بهمن در می آمیزد و در خنده آرام و غرور سیف‌الله محو می شود آنگاه که بوی گس شرابی خام در مشام مان می نشیند. کاری کرده است کارستان!
شراب انجیر است . می گوید: “از سهمیه انجیرم درست کرده‌ام. شصت و دو روز است منتظر این شبم.” لیوان های پلاستیکی را پر می کند. اولی را به دست من می دهد: به سلامتی همسرت و دخترت و خودمان! قلبم، سینه‌ام، همه وجودم از هیجان می لرزد. زبانم کلون می شود. سرم را پائین می اندازم و به شراب داخل لیوان نگاه می کنم. قطره اشکی می تراود و بر سطح شراب، موج ریزی می اندازد.
خون رفقا سرهنگ بهمن قنبری و سرهنگ دکترسیف‌الله غیاثوند دِر فاجعه ملی کشتار زندانیان سیاسی، ۱۳۶۷، خاک میهن را گل‌گون کرد، و جان گرامی آنان و هزاران تن از میهن پرستان و آزادی خواهان ایران پامال ناتوانی، ضعف، و در اولویت قرار دادن شعارهای تهی از واقعیت و کشورگشایانه رژیم ولایت فقیه در یافتن راه حل معضل ها، و نیز ستاندن انتقام ناکامی های خود از نیروهای مبارز گردید، معضل ها و ناکامی ها یی که بخش عمده و کلیدی آن ها نتیجه بی کفایتی و بی تدبیری و مردم ستیزی رژیم و کارگزاران آن بوده است.
یاد همه جان باختگان فاجعه ملی گرامی و راه شان پر رهرو باد!

به نقل از نامه مردم، شماره ۸۷۵، ۲۴ مرداد ماه ۱۳۹۰

****



من با توام

من با توام رفيق
در هرکجا هستي و پيکار ميکني.

همسايه توام
وقتي کنار پنجره در چشم شامگاه
با خود سرود حزب بزرگم را
تکرار مي کني.

همرزم با توام
وقتي که دل سپرده به تشويش و اشتياق
شبنامه اي به عابر هر کوچه مي دهي
يك دل،
يك شهر،
يك تمام وطن را
هوشيار ميکني

همراه با توام
وقتي که چون در آب
ماهي بي تاب
مي لغزي و
مي آيي و
مي پوئي
و خفته را، ز سيل، خبردار ميکني.

همکار با توام
وقتي که تن زکار
فرسوده مي شود
من در ميان مزرعه ها، کارخانه ها،
تو کار ميکني
تو کار ميکني

همدرد با توام
وقتي که با نوازش دستانت
فرزند را به حوصله ميخواني
گوئي که غنچه يي را،
از خوابش،
بيدار ميکني.

هم بند با توام
وقتي که لحظه هاي درنگ آوريده را
با يادهاي گمشده سرشار ميکني
نه، اي رفيق هم نفس من، نه
تنها نمي گذارمت، آري
وقتي که در سپيده دمي بي نشان، تو جان
بر آرمان و عشق
ايثار ميکني
من با توام رفيق!
من با توام رفيق!

سياوش کسرائي - ۱۳۶۲

ده روش برای اغوای مردم به واسطه رسانه های جمعی

نوآم چامسکی – ترجمه و چند توضیح مختصر: ا. م. شیری

۱ــ منحرف کردن توجه

عنصر اصلی هدایت جامعه عبارت است از انحراف توجه مردم از مشکلات اساسی و تصمیمات محافل سیاسی و اقتصادی از طریق اشباع دائمی فضای جامعه با اخبار و اطلاعات مربوط به مسائل کم اهمیت اجتماعی. روش انحراف اذهان عمومی از این جهت بسیار حائز اهمیت است که امکان کسب آگاهی های جدی در عرصه های علوم، اقتصادیات، روانشناسی، نیرابیولوژی و سیبرنتیک را از شهروندان سلب می کند.

«منحرف کردن مستمر اذهان عمومی جامعه از مشکلات اجتماعی موجود، پیوند دادن موضوع آنها با مسائل فاقد اهمیت واقعی، کوششی است در جهت آنکه مردم چنان مشغول باشند که وقتی برای اندیشیدن برای آنها باقی نماند؛ مثل اغلب حیوانات، از صحرا به- طویله» (نقل از کتاب: «سلاح بی صدا برای جنگ خاموش»).

۲ــ مشکل آفرینی، و سپس پیشنهاد جستجوی راه حل آن

این متد «مشکل- واکنش- راه حل» نامیده می شود. در اجرای آن، زمانی که مشکلی بروز می کند، باید «وضعیت» در سمتی هدایت شود، که بتواند موجب برانگیختن چنان واکنشی در میان مردم گردد که بر راه حل مورد نظر محافل حاکمه منطبق باشد. بعنوان مثال، دامن زدن به موج خشونت در شهرها و یا سازماندهی اقدامات تروریستی خونین بخاطر آنکه خود مردم خواستار تصویب قوانین شدید امنیتی و اجرای سیاستهای محدود کننده آزادیهای مدنی باشند.

و یا: دامن زدن به بحران اقتصادی بمنظور ضروری نشان دادن تخلف شدید از حقوق اجتماعی و اعمال محدودیت در انجام امور خدمات شهری.

۳ــ روش استفاده مستمر

برای اتخاذ هر گونه تدابیر غیرعادی، القاء دائمی آن، روز به روز، سال به سال کافیست. شرایط اجتماعی- اقتصادی کاملا جدید (نئولیبرالیسم)، دقیقاً با استفاده از همین روش در سالهای ۸۰ و ۹۰ قرن قرن گذشته تحمیل گردید.

هر چه محدود کردن نقش دولت، خصوصی سازی، بی اطمینانی، بی ثباتی، بیکاری توده ای، حقوق و دستمزدها، دیگر برای زندگی شایسته کفاف نمی کنند. اگر همه آنها بطور همزمان اتفاق می افتادند، قطعا انقلاب روی می داد.

٤ــ تعویق مهلت اجرا

روش دیگر برای اجرای تصمیمات غیرمتعارف، در نشان دادن آنها بعنوان «راه حلهای ضروری و مناسب» و جلب رضایت مردم برای اجرای آنها در آینده خلاصه می شود. البته که حصول توافق بر سر هر گونه تلفات در آینده بسیار سهل تر از پذیرش آنها در زمان حال می باشد.

اولا- برای اینکه فوری انجام نمی گیرد. ثانیا- برای اینکه خلق در مجموع خود همیشه تمایل دارد «با امیدواری به اینکه فردا بهتر خواهد شد» و یا احتمال گریز از آن تلفات نیز وجود دارد، خود را تسلی دهد. در چنین وضعیتی، شهروندان زمان بیشتری برای خوگرفتن با فکر تحولات و قبول متواضعانه آنها هنگامی که زمان اجرایشان فرا می رسد، خواهند داشت.

۵ــ مراجعه به مردم همچون مراجعه به اطفال

در اکثریت بیانات تبلیغاتی فراگیر خطاب به توده های مردم، از دلایل، پرسوناژها، کلمات و لحن بیانی استفاده می شود که انگار سخن از کودک دبستانی عقب مانده جسمی یا عقلی می رود.

کسی که تلاش بیشتری بخرج می دهد تا شنونده را گمراه کند، بمیزان بسیار بیشتر از آن برای استفاده از گفتارهای بچگانه کوشش می کند. چرا؟ «برای اینکه اگر یک نفر به یک نفر دیگری چنان مراجعه می کند که گویی او ۱۲ سال یا کمتر از آن سن دارد، بموجب نیروی تلقین پذیری، در پاسخ یا واکنش آن شخص، قطعا، انتظار یک ارزیابی انتقادی از یک کودک ۱۲ ساله یا سنین پائین تر از آن را نیز نخواهد داشت.

٦ــ اتکاء هرچه بیشتر به احساسات بجای تکیه بر اندیشه

تأثیرگذاری از طریق احساسات، یک روش سنتی است که با هدف از بین بردن قابلیت مردم برای تجزیه و تحلیل منطقی، و در نتیجه و بطور کلی برای مسدود کردن راه تفکر انتقادی پیرامون وقایع اتفاقیه بکار برده می شود. از دیگر طرف، استفاده از عامل احساسات اجازه گشودن دروازه به ناخودآگاهی را برای رسوخ دادن افکار، امیال، ترس ها، نگرانی ها، مجبوریت ها یا الگوی ثابت رفتاری می دهد...

۷ــ اشاعه جهل در میان مردم با روش آموزش در سطح متوسطه

این روش بمنظور ناتوان ساختن مردم از درک شیوه ها و شگردها و برای تسهیل مدیریت و تابع اراده خود ساختن آنها مورد استفاده قرار می گیرد. «کیفیت تحصیل قابل دسترس برای طبقات فرودست جامعه، در حد امکان باید ناکافی و در حد متوسط باشد. بطوریکه دیوار جهالت بین طبقات پائینی و بالایی جامعه، باید در چنان سطحی ثابت بماند که طبقات فرودست نتوانند از آن عبور کنند.

۸ــ تشویق شهروندان به تحسین حد وسط

این روش چنین فکری را که حماقت، ابتذال و بی ادبی مد روز است، به اذهان مردم القاء می کند...

۹ــ تقویت حس خود مقصری

واداشتن انسان به باور بر اینکه فقط خود او مقصر بدبختی هایش می باشد، که به شکل نارسائی های فکری، ناتوانی ها

یا تلاشهای جاریش بروز می کند. در نتیجه، بجای آنکه برعلیه سیستم اقتصادی برخیزد، با مقصر شناختن خود در قبال همه مشکلات، به خودنابودی مشغول می شود، که آن هم باعث افسردگی منجر به انفعال می گردد. و بدون عمل هم نمی توان از انقلاب صحبت کرد.

۱۰ـ کسب شناخت در باره انسانها بیش از آن شناختی که خود در مورد خود دارند

پیشرفتهای علمی در طول ۵۰ سال اخیر، موجب عمیق تر شدن شکاف بین آگاهی انسانهای عادی و اطلاعات در اختیار و مورد استفاده طبقه حکمران، شده است.

ببرکت علم بیولوژی، نیرابیولوژی و روانشناسی تجربی، «نظام» شناخت پیشرو در باره انسان را، هم از لحاظ فیزیولوژیکی و هم هم از نظر روانشناسی تحت اختیار خود در آورده است. نظام موفق شده است در مورد انسان عادی بیش از آنچه که خود از خود می شناسد، شناخت بدست آورد. این بدین معنی است که در اکثر موارد نظام از قدرت عظیمی برخوردار است و بدرجات بیشتر از خود انسانها، آنها را اداره می کند.

چند توضیح مختصر

در حین برگردان نوشتار فوق، در نظر داشتم بمنظور واضح تر نشان دادن هر یک از روشهای مورد بحث، نمونه ها و مثال هایی را نیز ذکر کنم. ولیکن، برای احتراز از اطاله کلام، در اینجا فقط به آوردن توضیحات مختصری راجع به چهار روش- منحرف کردن توجه، مشکل آفرینی و سپس پیشنهاد جستجوی راه حل آن، استفاده مستمر و اشاعه جهل در میان مردم با روش آموزش در سطح متوسطه- بسنده نموده و بقیه را بخود علاقمندان شناخت روشهای اغواگرانه امپریالیسم واگذار می کنم.

منحرف کردن توجه- این روش را دولتها و رسانه های امپریالیستی همه روزه بصورت گستره مورد استفاده قرار می دهند. مثلا اگر در نظر بگیریم که در عرض همین روزهای و ماههای اخیر در حالی که در یک سو تقریبا تمام کشورهای اروپایی و آمریکا را اعتراضات و اعتصابات مردمی فراگرفته و در سوی دیگر، کشورهای افغانستان، پاکستان، فلسطین، لیبی زیر بمبارانها «بشردوستانه» ارتشهای استعماری هر روز بیش از روز پیش به ویرانه تبدیل می شوند و مردم بی دفاع آنها فوج فوج کشتار می شوند، مراسم «ازدواج» دو همجنسگرای موی سر و ریش سفید در آمریکا و نشان دادن بوسه «عشق» آنها از رسانه های تصویری، خبر «تقلای» استروس کان، رئیس سابق صندوق بی المللی پول برای تجاوز به یک زن و اخبار بسیاری دیگر در همین سطح و اهمیت را چنان بزرگنمایی می کنند و چنان پیرامون آنها هیجان می آفرینند که انگار تمام مشکلات و مصایب مردم جهان فقط همین «حوادث» بوده و بس.

مشکل آفرینی و سپس پیشنهاد جستجوی راه حل آن- حوادث تروریستی ۱۱ سپتامبر سال ۲۰۰۱ در نیویورک و واشینگتن، انفجار ایستگاه مرکز قطار مادرید در مارس ۲۰۰۴ و انفجار بمب در ایستگاه متروی لندن در سال ۲۰۰۵ و عملیات تروریستی جمعه گذشته، ۲۲ ژوئیه سال ۲۰۱۱ در چهارچوب این روش قابل بررسی هستند. تحلیلگران ذوق زده که بر اساس داده های دولتها و رسانه های امپریالیستی آنها را به «القاعده (گذشته از اینکه القاعده نیز یکی از گروههای شبه نظامی سازمان سیا است) و یک نفر (بلی فقط یک نفر!) نروژی چشم آبی و مو بور» ربط دادند، بی شک در بیراهه ای قدم گذاشتند که آنها را از تلاش برای شناخت اقدامات تروریستی سازمانهای امنیتی دولتهای امپریالیستی بعنوان سازمانگر اصلی حوادث فوق الذکر و بسیاری رویدادهای مشابه محروم می سازد.

استفاده مستمر- این روش به تحلیلگران اجازه می دهد از جمله با تحقیق پیرامون اجرای برنامه «هدفمند سازی یارانه ها» مطابق برنامه های «اقتصادی» بانک جهانی و صندوق بین المللی پول توسط رژیم جمهوری اسلامی ایران، به عمق اغواگریهای رژیمها سرمایه داری پی ببرند.

اشاعه جهل در میان مردم با روش آموزش در سطح متوسطه- تا آنجا که اطلاع و شناختم اجازه می دهد، جمهوریهای منشعب از اتحاد شوروی سابق، زننده ترین نمونه و مثال زنده کاربرد روش امپریالیستی اشاعه جهالت و نادانی در جامعه هستند. بعقیده کارشناسان، نظام آموزش و پرورش اتحاد شوروی بالغ ترین نظام تعلیم و تربیت تاکنونی در جهان بود. اما در سالهای پساشوروی، علیرغم اینکه کشورهای غربی دهها مدرسه «عالی» و «دانشگاه» در هر یک از جمهوریها دایر کرده و همه ساله میلیاردها ثروت مردم را ببهانه شهریه به جیب می زنند، گذشته از افزایش سالانه درصد بیسوادان صرف، سطح سواد علمی «تحصیل کرده ها» تا آن حدی پائین آمده است که طبق نظر سنجی تلویزیون «ار تی ار» روسیه، هفتاد درصد سؤال شوندگان معتقدند که خورشید دور زمین می چرخد و یا، برنامه ها و کتابهای درسی نوآموزان مدارس ابتدائی بقدری فشرده و سنگین هستند که مثلا، دانش آموز کلاس دوم ابتدای باید چهار عمل اصلی ریاضیات (جمع، تفریق، ضرب و تقسیم) را فراگیرد و یا کتابهای درسی اش را بخاطر حجم و سنگینی آنها، با کمک والدین یا یک نفر بزرگتر تا مدرسه و بالعکس حمل کند. همچنین، در مدارس برای آموختن حروف الفبا به دانش آموزان کلاس اول ابتدایی از کلماتی مانند خدا، قرآن، تورات، انجیل، پیغمبر، امام، کلیسا، مسجد، زیارتگاه و امثال آنها استفاده می شود. با این وضع، می توان فاجعه کاربست این شیوه نحس را تا حد تقریبا دقیقی حدس زد.

منبع: نویدنو ۱۳۹۰/۰۵/۰۷

****

طرح برنامه نوین حزب توده ایران برای بررسی ششمین کنگره حزب

رفقا، هواداران و دوستان حزب!

کمیته تدارک نظری ششمین کنگره حزب توده ایران متن طرح "برنامه نوین حزب توده ایران" را همراه با شماره ۸۷۴ "نامه مردم" برای نظر خواهی شما منتشر می کند
لطفاً نظرات خود را تا آخر مهرماه ۱۳۹۰، از طریق واحد های حزبی و یا مستقیماً به آدرس های رسمی حزب ارسال کنید.
مجموعه نظرات ارسالی برای بررسی و تصمیم گیری نهایی در اختیار نمایندگان شرکت کننده در ششمین کنگره حزب توده ایران قرار خواهد گرفت.

کمیته تدارک نظری ششمین کنگره حزب توده ایران
۱۰ مرداد ماه ۱۳۹۰

....

برای دریافت و مطالعه ی متن کامل طرح برنامه به نشانی های اینترنتی زیر مراجعه کنید:
۱- سایت حزب توده ایران: http://www.tudehpartyiran.org/

۲- سایت نویدنو: http://www.rahman-hatefi.net

۳- پایگاه اینترنتی نشریه کازیوه:
http://a1320wordpress،com

بالِ طلب

بـا بـالِ طـلب بـایـد تـا حـلِ معمـا رفت
بر رازِ جهـان شـوریدَ تا شورِ فریبا رفت
از رنج نپـرهیـزدَ عشقی که ز جان خیزدَ
با ساغـــرِ گـردیدن تـا مستـیِ والا رفت
فرزانه شود عاشق، گَرمست و غزلخوانانِ
گـامی ز پی گـامی تا گلشـن غـوغا رفت
رقصندهء پر شوریست آنکس که به خود بینی
افســار زده، خنـدان تـا اوج غزل ها رفـت
جامی ست رها گشـتن با عـدل ببـایـد نوش
گـر داد پریشــان شد صد جام به یغما رفت
با دیـدِ توانمنـدی بایســت قـــدم در ره ....
گر یأس به جان آویخت امید ز دلها رفت
هر وهم غبـاری باد بر خـاک فرو خفتـد
اندیشـهء « پویا « بیـن تا فتـح ثریـا رفت

مسعود دلیجانی

اوج گیری مبارزه توده ای برای تغییر اجتماعی، در اسرائیل

مصاحبه ''نامه مردم'' با: رفیق ''عِصام مَخول''، عضو هیئت سیاسی ''حزب کمونیست اسرائیل

در چهار هفته اخیر جنبش جدید اعتراضی پرقدرت و کم نظیری با شرکت جوانان، قشرهای زحمتکش و متوسط اجتماعی، کلیمی، مسلمان، و مسیحی، تل آویو و دیگر شهرهای اسرائیل را فرا گرفته است. ''نامه مردم'' در روز پنجشنبه، ۲۰ مرداد ماه (۱۱آگوست)، مصاحبه یی در رابطه با مشخصه های اصلی این جنبش با رفیق ''عصام مَخول''، عضو هیئت سیاسی ''حزب کمونیست اسرائیل'' و دبیرکل سابق حزب برادر انجام داد. پاسخ های رهبر کمونیست های اسرائیلی درباره جنبش بی سابقه کنونی و تحولات این کشور، برای اطلاع خوانندگان ''نامه مردم'' در زیر می آید:

نامه مردم: شنبه ۱۵ مرداد ماه(ششم اگوست)، شاهد بزرگ ترین تظاهرات اعتراضی در اسرائیل از سال ۱۹۴۸ تا کنون بودیم؛ این جنبش بی سابقه را چگونه توصیف می کنید؟

عصام مخول: تظاهرات روز ۱۵ مرداد ماه در تل آویو از نظر تعداد شرکت کنندگان، حضور بی نظیر جوانان، خواسته ها و مطالبات اجتماعی مطرح شده، تظاهراتی بی نظیر و می توان بی سابقه خواند. خیابان های تل آویو مملو از مردمی بود که از هر طرف سعی در پیوستن به این رودخانه خروشان انسانی داشتند. تظاهرات از محل تحصن (جاده روچیلد واقع در یکی از خیابان های مر کزی تل آویو) شروع گردید. صدها هزار نفراز طبقه متوسط جامعه مرکب از پزشکان، معلمان، کارمندان خدمات و تولید، تولید کنندگان شیر، رانندگان تاکسی، بیکاران، کارگران شرکت های تامین نیروی انسانی، از زن و مرد، با اعلام نگرانی و ناامیدی خود از اقتصاد بازار آزاد وسیاست های نولیبرالیستی در اسرائیل، به تظاهرات پرداختند. اینان ضمن طرح خواسته ها و رنج هایشان، نسبت به پیامد های این سیاست های ویرانگر اعتراض کردند. شرکت کنندگان در تظاهرات این بار عزم خود را جزم کرده اند که تا پدید آمدن تغییرات ژرف اقتصادی، اجتماعی، و سیاسی به مبارزه بی امان خود ادامه دهند. تظاهر کنندگان همچنین تغییرات جدی در سیاست های خصوصی سازی و آنچه که به نام ''بهشت سرمایه داری'' معروف شده و در سه دهه اخیر از سوی سیستم حاکم بر اسرائیل پیش برده شده اند، خواستار بودند. به صراحت می توان گفت: اعتراض در پی بحران مسکن و عدم توانایی در پرد اخت قسط های وام مسکن، و از تحصن در یک چادر شروع گردید و به سرعت به جنبشی وسیع و اعتراضی که در در برگیرنده توده های مردم بود تبدیل گردید. این قشرها قربانیان عمده اقتصاد بازار آزاد و نولیبرالیسم بوده اند.



نامه مردم: آیا می توان این جنبش را نتیجه گسترش بهار عربی دانست؟ به نظر شما ژرفش جنبش های مردمی در مصر و تونس در ژانویه و فوریه بر توده های مردم در اسرائیل تاثیر گذاشته است؟

عصام مخول: به جرئت می توان گفت جنبش های به راه افتاده در مصر و تونس، که هنوز ماموریت خود را به پایان نرسانده و خواسته ها ومطالبات خود را تعمیق می بخشند، تاثیر مستقیم بر اذهان شرکت کنندگان در تظاهرات اعتراضی مردم اسرائیل داشته و دارند. میدان های ''التحریر'' در کشورهای عربی به صورت منبع های الهامی در جهان درآمده اند که فرهنگ مقاومت سیاسی و اجتماعی را در برابر پیامدهای اجتماعی بحران سرمایه داری جهانی را آموزش می دهند.

میدان های ''التحریر'' به صورت سمبل ومنبع الهام جنبش های اجتماعی بی سابقه در شهرهای کوچک و بزرگ اسرائیل در آمده اند. بررغم اصرار ناتانیاهو بر نبودن هیچ گونه ارتباطی بین آنچه که در کشورهای عربی روی می دهد با اوضاع داخلی اسرائیل، اما رابطه کلی و ژرف خواسته ها جنبش اعتراضی در اسرائیل را با جنبش های کشورهای عربی پیوند می دهد.

نامه مردم: خواسته های اصلی جنبش در تل آویو کدامند؟ بعضی پلاکاردها، دربردارنده شعارهایی به نفع صلح، انقلاب و تغییر بود، آیا این پلاکاردها بیان خواسته های جنبش اعتراضی است؟ تاثیر حزب کمونیست اسرائیل بر این جنبش تا چه حد است؟ نقش اتحادیه ها و نیروهای مترقی در این جنبش چیست؟

عصام مخول: جنبش اعتراضی با خواسته های پراکنده و جدا از هم آغاز گردید. بعضی از خواسته ها پیرامون کاهش بهای مسکن و به چالش کشیدن افزایش هزینه زندگی و اعتراض به بالا رفتن

قیمت بنزین و آب و برق بود. بهبود خدمات بهداشتی و ارتقای کیفیت سیستم خدمات اجتماعی و فراهم کردن این خدمات برای همه مردم، اعتراض به مالیات های غیر مستقیم رو به افزایش، اعتراض به هزینه های سرسام آور''آموزش رایگان''، نرخ مواد غذایی، و بسیاری خواسته های عمومی و عینی دیگر که زندگی لایه های مختلفی از توده های وسیع مردم را تحت تاثیر قرار داده است. این خواسته ها به سرعت به تغییر کیفی در آگاهی جنبش های اجتماعی تبدیل گردید و پرسش اصلی را در برابر جنبش مطرح کرد: دلایل و منشأ این بحران اجتماعی چیست و در کجاست؟ پاسخ این سوال اولین مراحله های ترقی خواهانه این جنبش اجتماعَی را پایه ریزی کرد. پس از آن مطالبات جنبش به تحقق این یا آن خواسته محدود نگردید و خواسته ها بر اساس تغییر اولویت های اجتماعی ، اقتصادی، و سیاسی پایه ریزی گردید. و بدین ترتیب شعارها به خواسته هایی مانند انقلاب، پیوند میان بحران اجتماعی، و ادامه سیاست های اشغالگرانه و شهرک سازی، و جنگ، و ارتباط میان ژرفای بحران اجتماعی و اوج تنگنای سیاسی ناشی از اندیشه اسرائیل در خصوص عدم پذیرش هر گونه راه حل و ادامه تلاش نظام حاکم بر اسرائیل بر تصویب قوانین نژاد پرستانه به جای جستجوی راه حل برای معضل های اقتصادی و اجتماعی فرا رویید. بررغم آنکه این خواسته ها و مطالبات، بخشی مهم از گفتمان جنبش اعتراضی را دربر می گیرد، اما تصور اینکه این خواسته ها در مقام برنامه و پلاتفرم جنبش اعتراضی قرار گرفته اند، زود هنگام است. مجموعه این خواسته ها و مطالبات، عامل تعیین کننده مبارزه سیاسی و تئوریک کمونیست ها و سایر نیروهای ترقی خواه به منظور تاثیر گذاری و جهت دهی به این جنبش است. کمونیست ها و دوستان آنان، از همان ابتدا در چادرهای اعتراض حضور داشته و برای تاثیر گذاری بر روند اعتراض و طرح خواسته ها و مضامین آن ها و روش پیشبرد آن، فعالانه تلاش کردند. رهبران حزبی به نوبه خود در راه ایجاد کانال های گفتگو با رهبران جنبش اعتراضی فعالیت کردند. نقش جنبش ''شهر برای همه ماست''(''المدینه لنا جمیعا'')، به رهبری رفیق دوو حنین، نماینده حاضر در انتخابات اخیر شهردار ی ها(از جانب حزب کمونیست) نیز به وضوح نمایان بود. در تظاهرات بزرگ توده ای، کمونیست ها با شعارهای خود شرکت کرده و با پرچم های خود فضای تظاهرات را سرخ کردند، و در بسیاری موقعیت ها توانستند شعارهای انقلاب، تغییرات ژرف، و مطالبه صلح عادلانه را به شعار بخش وسیعی از تظاهر کنندگان تبدیل کنند. اما در مورد سندیکای عمومی کارگران''هستدروت''، پس از گذشت هفته ها از جنبش اعتراضی، و پس از آنکه پایگاه مردمی جنبش به وضوح آشکار گردید، این تشکل گویی از خواب بیدار شد. سندیکای مذکور در تظاهرات جنبش مردمی شرکت نکرد، اما اقدام به تجمع در برابر ساختمان سندیکا با حضور کارگران کرد، و در آن تجمع، با جنبش اعتراضی اعلام همبستگی کرد. رئیس سندیکا که روابطی بحث انگیز با سرمایه داران بزرگ دارد، سعی در کشاندن جنبش اعتراضی به مذاکره با حکومت زیر نظر سندیکا داشت. مضمون مذاکرات پیرامون خواسته هایی در چارچوب نظام اجتماعی موجود و سیاست های اقتصادی حاکم بر آن و دوری جستن از خواسته های عمیق مربوط به تغییر اولویت ها دور می زد.

نامه مردم: گفتمان این جنبش همگانی چیست؟ چرا حالا؟ آیا جنبش توده ای همگانی، واکنش توده ها به بحران سرمایه داری و نولیبرالیسم است؟

عصام مخول: در واقع این جنبش بر بستر بحران ''جهانی سازی سرمایه داری'' جهانی جریان دارد، و به هیچ وجه نمی توان آن را در چارچوب محلی و منطقه ای بر رسی کرد. ناکامی نولیبرالیسم در تحقق توهم ''بهشت سرمایه داری'' آن هم با ترویج تدارک برای جنگ های هولناک و پی در پی، به ژرفش هرچه بیشتر فقر منجر شده است. نولیبرالیسم به انکار حقوق طبقه کارگر اکتفا نکرده و ضربه های مهلکی به اوهام قشرهای متوسط وارد کرده است : قشرهایی که در مرحله یی خودرا ستون سرمایه داری جهانی و اقتصاد جدید می پنداشتند، اما اکنون دریافته اند که در این معرکه فقط هیزم آتش سیاست های خصوصی سازی و عمیق تر کردن قطب بندی های اجتماعی در خدمت سودهای کلان سرمایه داری بزرگ و سلطه آن برتخیلات خود بوده اند. بحران سرمایه داری در مرحله های مختلف، شکل های گوناگونی در جهان تک قطبی سرمایه داری به خود گرفت: شکل هایی مانند بدهی های آمریکا تا بحران های دولت های اروپایی که در یونان، اسپانیا و پرتقال خود را نشان دادند. در آمریکای لاتین و جهان عرب تا اسرائیل هم شاهد بروز شکل های دیگری از این بحران هستیم. مقاومت توده های مردم و مبارزه طبقاتی نیز به شکل های مختلف در مقابل این بحران، در زمان های مختلف اما با حفظ هدف های مشترک مبارزاتی بین قربانیان سیاست های نولیبرالی و سایر قشرهای مردمی، در جریان بود، همان گونه که در اسرائیل روی داد. این مقاومت ها، با هدف وادار ساختن سرمایه داری جهانی به بر دوش گرفتن مسئولیت و پرداخت بهای سیاست های خویش، با حضور در خیابان ها به منظور بر اندازی نظام های حاکم و بر پایی نظم جدید اجتماعی، اقتصادی، و سیاسی، در حکم جایگزین نظام قبلی، صورت گرفت.

نامه مردم: میزان مشارکت عرب های اسرائیلی و نیروهای مترقی در این جنبش چه اندازه بود؟ مشارکت فلسطینیان و مردم عرب اسرائیل را در این اعتراض ها چگونه توصیف می کنید؟

عصام مخول: کمونیست ها و هم پیمانان آنان، چه یهودی چه عرب، از نخستین تظاهراتی که از سوی جنبش اعتراضی در تل آویو به راه افتاد، با طرح شعارهای خاص خود شرکت کردند. این مشارکت های یهودی- عربی در ادامه یک سلسله از تظاهراتی که از سوی حزب کمونیست و با همکاری تعدادی از نیروهای دموکراتیک در مرکز تل آویو در ماه های اخیر سازمان داده شد،

انجام گرفت. این تظاهرات در شرایط فاشیستی ناشی از سیاست های تندروانه به رهبری ناتانیاهو صورت گرفت. شرکت اقلیت مردم عرب اسرائیل در این تظاهرات اعتراضی اهمیت خاصی دارد. توده های مردم عرب در اسرائیل اولین قربانیان سیاست های نولیبرالیستی تندروانه و بهره کشی طبقاتی اند. اینان از سویی به دلیل خصوصیات طبقاتی(کارگر بودن آنان) و از سوی دیگر به دلیل ستم ملی و سیاست های تبعیض نژادی، همواره در مقابل قوانین نژادپرستانه مصوب از سوی کنست، و تشدید سیاست های اشغالگرانه و شهرک سازی قرار دارند



با توجه به اینکه جنبش اعتراضی در اسرائیل را قربانیان نظام حاکم به راه انداختند، جایگاه مردم عرب اسرائیل در مقام اولین قربانیان، در مرکز این جنبش است. بعضی از ناسیونالیست های عرب، ما کمونیست ها را به خاطر دامن زدن به مبارزات اجتماعی مورد انتقاد قرار می دهند آن هم در شرایطی که اسرائیل سیاست های نژادپرستانه و ستم ملی را اعمال می کند. به نظر ما بین مبارزه ترقی خواهان عرب و یهود در برابر سیاست های اشغالگرانه و نژادپرستانه نظام حاکم و در دفاع از حقوق ملی مردم فلسطین و رویاروی با فاشیسم رو به زوال این رژیم، هیچ گونه تضادی وجود ندارد. همان گونه که این مبارزات با مقاومت در برابر ستم اجتماعی اعمال شده بر کارگران یهود و عرب ناشی از نظام سرمایه داری هیچ گونه منافاتی ندارد، برعکس، پیوند میان مبارزه سیاسی برای تغییر نظام حاکم و مبارزه اجتماعی برای تغییر وضع موجود و بالا بردن آگاهی های سیاسی و اجتماعی، شرط اساسی پیروزی در نبردهای اجتماعی و سیاسی خواهد بود. اما ناسیونالیست هایی که به صورتی تنگ نظرانه همبستگی توده ای با مبارزات اجتماعی سراسری را نمی پسندند، آب به اسیاب جناح راست افراطی نظام حاکم بر اسرائیل می ریزند. این جناح در این روزها سعی در تصویب قوانین نژادپرستانه برای حذف سازمان یافته توده های مردم عرب و محروم ساختن آنان از مشارکت و تاثیر گذاری در تعیین سرنوشت خویش در صحنه اجتماعی و سیاسی و فکری جامعه اسرائیل دارد. فرصتِ به وجود آمده برای تغییر در اسرائیل، از طریق جنبش اجتماعی رو به رشد، فرصتی برای تقابل و رویارویی یهود در مقابل اعراب نیست، بلکه فرصتی برای استفاده بردن قربانیان نظام موجود و سیاست های نولیبرالیستی از آن است در بین اقلیت عرب های فلسطینی و حقوق برابر آنان در استفاده از حق شهروندی در ستیز با جناح راست تند رو در صحنه اجتماعی و سیاسی. استفاده از
این فرصت به آمادگی عرب ها و یهودی ها برای حضور در خیابان ها و بر پایی چادرهای تحصن و اعتراض و پیوستن به مقاومت اجتماعی یی است که به هیچ قشر و گرایش خاصی تعلق ندارد، بستگی تام دارد. هدف اساسی این مبارزه اجتماعی تغییر نظام و تغییر سیاست ها و عملی کردن عدالت اجتماعی است.

نامه مردم: آینده این جنبش را چگونه می بینید؟

عصام مخول: نظام حاکم بر اسرائیل با تمام امکاناتی که در اختیار دارد سعی درکتمان حقایق و بی توجهی به جنبش اجتماعی نورس قدرتمندی می کند که گفتمان جدیدی را در پهنه اجتماعی مطرح ساخته است. نظام حاکم بر اسرائیل در گذشته قدرت مانور در نظام اجتماعی و سیاسی موجود را داشت، اما هم اکنون در مقابل خواسته تغییر نظام اجتماعی و سیاسی و در مقابل چنین جنبش وسیع و قدرتمندی که خواهان دگرگونی نظام اجتماعی و سیاسی موجود است قرار گرفته است. این نظام خود را در مقابل مبارزه یی می بیند که پایه های اقتصاد بازار آزاد و نولیبرالیسم را هدف قرار داده است. نظام حاکم سعی در ایجاد اختلاف و از بین بردن وحدت و همبستگی این جنبش خواهد کرد. نظام حاکم از طریق ایجاد بحران امنیتی و توطئه به ضد جنبش سعی در ایجاد زمینه جلوگیری از آن خواهد داشت. پیش بینی آینده این جنبش و میزان دگرگونی هایی که ایجاد خواهد کرد آسان نخواهد بود. اما آنچه که مسلم است آگاهی مبارزاتی توده های زحمتکش و قربانیان سیاست های نولیبرالیستی بر اثر بحران موجود در نظام سرمایه داری، چه عرب و چه یهود، صیقل یافته و به چنان درجه یی از توان مندی رسیده که در دراز مدت، هیچ نیرویی قادر نیست آن را از نظر دور بدارد. توده های زحمتکش و آسیب دیدگان اجتماعی، حجم اثر گذاری خود را بر رویدادها و ارزش اتحاد مبارزاتی و خواسته های عادلانه خودرا درک کرده اند.

به نقل از نامه مردم، شماره ۸۷۵، ۲۴ مرداد ماه ۱۳۹۰

بیانیه مشترک شورای جهانی صلح وفدراسیون جهانی جوانان دموکرات
در رابطه با به رسمیت شناختن دولت مستقل فلسطین

شورای جهانی صلح وفدراسیون جهانی جوانان دموکرات هم صدا با صدها میلیون نفراز صلح دوستان ، جوانان و دانشجویان تمام کشور های جهان همبستگی خود را با مردم فلسطین که از نسل کشی آرامی به بهانه اشغال سرزمین خود رنج می برند اعلام می دارند . امر اشغال دائمی فلسطین از سوی رژیم اسرائیل جنایتی علیه بشریت و تحریک اشکاری علیه هزاران نفری را تشکیل می دهد که رنج بردند وقهرمانانه برای هدف شریف آزادی وعدالت رزمیدند. بر خلاف بسیاری از امتیاز های واگذار شده از سوی فلسطین در طی سال ها به خاطریافتن راه حلی پایدار وعادلانه ، دولت های اسرائیل و دولت حاضر ، از پذیرش حق ملت فلسطین برای تشکیل دولت مستقل فلسطینی در کنار اسرائیل خود داری می کنند.

ما همبستگی صمیمی وقلبی خودرا با مردان وزنان فلسطینی ، جوانان ودانشجویان نوار غزه ، ساحل غربی واورشلیم شرقی با خواسته آنان برای پایان دادن به تحقیر، تبعیض واشغال ابراز می داریم .

ما پشتیبانی ایی را که امپر یالیسم امریکا در تمام سال های اشغال اسرائیلی فلسطین به نمایش گذاشته وسیاست ریا کارانه اتحادیه اروپا را که «فاصله مساوی» از متجاوزان وقربانیان را حفظ می کند محکوم می کنیم .

ما فکر می کنیم به رسمیت شناختن دولت مستقل فلسطینی در مرزهای ۴ژوئن ۱۹۶۷ به پایتختی اورشلیم شرقی در سپتامبر امسال زمان مبارکی داشته باشد . ما تمام کشور های عضو سازمان ملل را به پذیرش این پیشنهاد در نشست عمومی و نیزسازمان ملل را ، به برداشتن گام های لازم در جهت تضمین این درخواست که مورد استقبال قلبی اکثریت عظیم ملت های جهان است فرا می خوانیم ،

ما بر درخواست های خود مبنی بر ازادی تمامی زندانیان سیاسی فلسطینی از زندان های اسرائیل وحق بازگشت مهاجران فلسطینی طبق قطعنامه سازمان ملل تاکید می کنیم .

ما علاوه بر این به صلح دوستان داخل اسرائیل که دوش به دوش فلسطینی ها برای هدف عادلانه آنها مبارزه می کنند درود می فرستیم و همبستگی خود را با تمام خلق های منطقه که علیه امپریالیسم ،کرد وکار ها وسیاست های ان مبارزه می کنند تکرار می کنیم .

در خاتمه ما بر رد بی قید وشرط اشغال خارجی عراق وافغانستان وتجاوز ادامه دار امپریالیستی علیه مردم لیبی و نیز علیه هر دخالت خارجی در امور داخلی کشور های منطقه





تاکید می کنیم . مردم برای تعیین کردن ومبارزه برای آزادی ، دموکراسی وعدالت اجتماعی خود حق حاکمیت دارند

در سایه این واقعیت امر فدراسیون جهانی جوانان دموکرات وشورای جهانی صلح ابتکار عمومی وسازمان دادن کمیسیون همبستگی با فلسطین را در روز های ۱۸تا ۲۲ سپتامبر ۲۰۱۱، برای دیدار باسازمان های جوانان وصلح در رابطه با اظهار حمایت قاطع خود از کارزار به رسمیت شناختن دولت مستقل فلسطینی وهمبستگی مشخص ما با خلق های تحت اشغال به عهده خواهد گرفت .

شورای هماهنگی فدراسیون جهانی جوانان دموکرات / بوداپست

دبیر خانه شورای جهانی صلح / اتن سوم اوت ۲۰۱۱

منبع: نویدنو ۱۳۹۰/۰۵/۲۸

****

بیانیه مشترک تشکل های دموکراتیک و ترقی خواه بحرین، در باره گفت گوهای ملی

تشکل های سه گانه
"وعد" [جمعیت العمل الوطنی الدیمقراطی (جمعیت کار دموکراتیک ملی)]؛
"المنبر التقدمی" [جمعیت المنبرالدیمقراطی التقدمی (جمعیت تریبون دموکراتیک ترقی خواه)]؛
و"التجمع القومی" [جمعیت التجمع القومی الدیمقراطی (جمعیت تجمع دموکراتیک ملی)]،

شرکت کنندگان در گفتگوی ملی، که به پیشنهاد پادشاه بحرین برگزار شد، تاکید دارند که شرکت آن ها با ایمان و اعتقاد به حقوق مشروع تمامی گروه های تشکیل دهنده جامعه درمشارکت به منظور برنامه ریزی وبنای آینده سیاسی، اقتصادی، واجتماعی کشور،صورت گرفته است.

بررغم آنکه تشکل های ما از همان آغاز نگرانی خویش را از چگونگی پیشبرد گفتگو ها به طور رسمی به مسئول گفتگوی ملی (آقای خلیفه الظهرانی) اطلاع دادند و اعلام کردند که راهکارهای بکار گرفته شده گفتگویی جدی و سازنده بین گروه های تشکیل دهنده اصلی جامعه را ـ خصو صا در بخش سیاسی که محور گفتگوها پیرامون مطالبات سیاسی تشکل ها براساس برنامه اصلاحاتی یی بود که از ۲۰۰۲ آغاز وتنظیم گردیده بود ـ اجازه نمی دهد، تشکل ها ی ما صادقانه و با جدیت و به منظور موفقیت گفتگو در آن مشارکت کردند، و دیدگاه ها ی خود را در خصوص خواسته های بنیادین به صورت کتبی و به طور کامل ارائه دادند.

در رأس این خواسته ها، مجلس انتخابی یی همراه با صلاحیت های کامل و دولتی قرار دارد که نماینده اراده مردم وحوزه های انتخاباتی عادلانه باشد.

روند گفتگو ها و نتایج حاصله از آن تا روز یکشنبه ۲۶ تیرماه (۱۷ جولای ۲۰۱۱) نشان داد که نگرانی تشکل های سه گانه و دیگر نیروهای اپوزیسیون بی مورد نبوده است، زیرا به کلیه خواسته های سیاسی مشروع این تشکل ها جواب رد داده شد. این خواسته ها که بر اساس حق تاسیس احزاب، رای اعتماد مجلس به برنامه دولت، انتخاب غیر مستقیم بخشی از نمایندگان مجلس از بین نهادهای جامعه مدنی، و درنهایت، اختیار تام مجلس برای قانونگذاری، پایه ریزی گردیده بود مورد موافقت حاکمیت قرارنگرفت.

تشکل های سه گانه مایلند واقعیت های ذیل را مورد تاکید قرار دهند:

بر پایه نتایج حاصله فوق، تشکل های سه گانه، با احترام به کلیه شخصیت های شرکت کننده در گفتگوها، اعلام می دارند که نخست اینکه: شرکت کنندگان در گفتگو ها فقط نماینده بخشی از جامعه اند، به همین دلیل، تشکل های سه گانه ،هر گونه توافق یا عدم توافق بر سر هر موضوعی در گفتگو ها را نشان دهنده خواسته های تمامی مردم نمی دانند، و بدیهی است که ، در پیش گرفتن هر گونه تصمیمی و یا رد هر گونه در خواستی در این گفتگو ها ، نمی تواند مبنایی جهت تعیین سرنوشت و آینده پیشرفت اصلاحات باشد.

دوم اینکه: به فرض پذیرش ادعای بر گزار کنندگان گفتگو ها در خصوص انتقال نتایج گفتگوها (اعم از خواسته های پذیرفته شده یا خواسته هایی که مورد قبول واقع نشدند) به حضور پادشاه، هیچ گونه تضمینی برای مد نظر قرار گرفتن خواسته هایی که پذیرفته نشدند، به ویژه با توجه به آنچه که در بند اول این بیانیه ذکر شد، وجود ندارد.

سوم اینکه: مطالبات سیاسی ارائه شده از سوی سه تشکل، به عنوان عصاره مطالبات سیاسی اپوزیسیون و بیان کننده تفاوت ها و اختلاف های موجود در تفسیر و تبیین منشور کار ملی در خصوص صلاحیت های مجلس های "منتخب" و "معین" از بدو آغاز پروژه اصلاحات اند. پشتوانه این مطالبات، جنبش وسیع و توده ای ماه فوریه گذشته و نیز آن چیزهایی اند که درخواسته ها و مطالبات مردم در سال های اخیر به اثبات رسیده اند. این مطالبات همچنان مورد در خواست توده های مردم بوده اند، و هر گونه توافقی بدون در نظر گرفتن این خواست ها نمی تواند مورد قبول واقع شود.

چهارم اینکه: تشکل های سه گانه از موضع پایبندی به مطالبات سیاسی مشروع و بر اساس نیازهای واقعی و ضروری کشور برای پیشبرد روند اصلاحات گام برداشته اند و این ها خواسته ها و مطالباتی صوری و زیاده خواهانه نیستند که بتوان فدای منافع فرقه ای و گروه گرایانه شان کرد. تمامی جنبش ها و حوادثی که در پیرامون ما رخ می دهند بر ضرورت تحقق دموکراسی در حکم مخرج مشترک کلیه جنبش های توده ای در جهان عرب تاکید کرده اند، و نمی توان کشور و مردم بحرین را، با خصوصیات تاریخی ریشه دار و ملی اش، از این روند مستثنی کرد.

پنجم اینکه: تشکل های سه گانه همچنان بر ادامه روند فضاسازی برای شرایط بهتر سیاسی و اجتماعی و بازگرداندن روح همبستگی ملی برای پایان دادن به بحران امنیتی موجود از طریق آزادی بازداشت شدگان و بازگشت به کار کلیه کسانی که از کار اخراج شده اند تاکید می کند، و جلوگیری از تجاوزهای امنیتی به حقوق بشر، و متوقف ساختن تبلیغات زشت فرقه گرایانه را، همان گونه که پادشاه نیز در همین زمینه رهنمودهای لازم را ارائه کرده اند، خواستارند.

منامه ـ ۲۷ تیرماه ۱۳۹۰ (۱۸ جولای ۲۰۱۱)

به نقل از نامه مردم، شماره ۸۷۵، ۲۴ مرداد ماه ۱۳۹

اطلاعیه مهم رئیس اقلیم کردستان عراق
درباره حملات اخیر ایران و ترکیه

در آخرین لحظاتی که مشغول صفحه بندی کازیوه شماره ۱۱ بودیم، اطلاع پیدا کردیم که رئیس اقلیم کردستان عراق (مسعود بارزانی) درباره توپباران و بمبارانهای مناطق مرزی کردستان عراق از طرف سپاه پاسداران ایران و ارتش ترکیه که تاکنون موجب کشته شدن ۹ نفر و زخمی شدن تعدادی از مردم بومی مرزنشین کردستان عراق شده است، اطلاعیه ای صادر کرده است.

مسعود بارزانی در این اطلاعیه ضن محکوم کردن اقدامات تجاوزکارانه ی سپاه پاسداران و ارتش ترکیه، از گروه های «پژاک» و «پ.ک.ک» خواسته است که بیش از این خاک کردستان عراق را برای حمله به ایران و ترکیه مورد استفاده قرار ندهند و چنانچه این گروه ها بر ادامه مبارزه مسلحانه اصرار دارند، لازم است خاک کردستان عراق را تخلیه و به کشورهای خود بازگردند.

متن اطلاعیه رئیس اقلیم کردستان عراق به این شرح است:

«مردم گرامی کوردستان

همانطور که مطلع هستید، اوضاع در کوهستان‌های مرزی اقلیم کوردستان همچنان به آشفتگی می‌گراید و شهروندان اقلیم کوردستان بصورت مداوم با توپ باران و حملات هوایی دو دولت جمهوری اسلامی ایران و ترکیه مواجه هستند.

این حملات مایه‌ی وارد آمدن خسارات به تعداد زیادی از ساکنان مناطق مرزی و شهادت و زخمی شدن آن‌ها شده است. شاهدیم که اکنون این حملات افزایش یافته و به حدی رسیده است که نمی‌توان در مقابل آن سکوت اختیار کرد و شهروندان مدنی و بی دفاع اقلیم قربانی این برخوردها شوند.

حضور نیروهای نظامی پژاک و پ ک ک در مناطق مرزی بهانه‌ای قوی برای دو کشور همسایه است. ادامه‌ی این نوع اقدامات و تکیه‌ی آن‌ها بر خشونت و تلاش برای استفاده از مرزهای اقلیم کوردستان سبب خواهد شد که ملت ما با خشونت‌های غیر انتخابی مواجه شود و این نیز در راستای منافع کلی مسئله‌ی مشروع ملت کورد نیست و متاسفانه منافع مردم کوردستان از این طریق مورد لحاظ قرار نمی‌گیرد.

مانند سابق، اکنون نیز تاکید می‌کنم که اقلیم کوردستان خواستار برقراری روابطی دوستانه و همسایگی سالم با همه‌ی طرفین است و هیچگاه بخشی از مشکلات داخلی این دو کشور نبوده است و هیچگاه در امور داخلی هیچ کشوری دخالت نمی‌کند، اما تحت هیچ شرایطی نمی‌توانیم در مقابل شهید کردن مردم بی دفاع اقلیم کوردستان سکوت کنیم.

اقلیم کوردستان نمی‌خواهد که خون هیچ انسان بی گناهی ریخته شود. در مقابل به دیالوگ و گفتگوی مداوم برای رسیدن به تفاهم در جهت حل مشکلات اعتقاد راسخ داریم.

ما قبلا نیز از تلاش برای حل مشکلات از طریق گفتگو و انتخاب گزینه‌ی راه‌حل صلح آمیز از سوی همه‌ی طرفین دریغ نکرده‌ایم، اما متاسفانه بار دیگر اوضاع به آشفتگی گراییده است.

در مرحله‌ای که لازم بود از طریق مسلحانه در سایه‌ی دفاع از خاک و حقوق و کرامت ملی و میهنی‌مان مبارزه کردیم. با تکیه بر توانایی‌هایمان و قدرت و اراده‌ی ملتمان توانستیم حضور خود و هویت ملی خود را حفظ کنیم، اما عصر کنونی با گذشته تفاوت دارد. در دنیای کنونی زبان گفتگو بر جنگ و کشتار و رفتار نظامی سایه افکنده است. در راستای نهادینه کردن این پیام نیز تمام تلاش خود را به‌کار بسته‌ایم.

هدف ما همیشه خوشبختی ملتمان و ثبات در اقلیم کوردستان بوده است، به همین خاطر به هیچ وجه نمی‌خواهیم که این خوشبختی و ثبات اقلیم به هر بهانه‌ای بر هم زده شود. لذا از همه‌ی طرفین می‌خواهیم که منافع ساکنان اقلیم کوردستان را رعایت کنند. زیرا که دستاوردهای امروزی مردم کوردستان حاصل تلاش و مبارزه و قربانی شدن بسیاری است، بر همه‌ی کوردهاست که خود را صاحب این دستاورد دانسته و از آن محافظت کند.

باید برای مردم کوردستان عیان باشد که اقدامات نظامی در نقاط مرزی به هر دو کشور بهانه‌ی حملات نظامی در مقابل دیدگان جهانیان را می‌دهد.

شهروندان اقلیم کوردستان نخستین ضررمند این جنگ نابرابر و لشکرکشی و بمباران مداوم هستند و مطمئنم که این مسئله با جنگ پایان نخواهد یافت و در پایان باید به صلح توسل جست. بهتر است که هرچه زودتر این جنگ پایان یابد و اگر طرفین درگیر گزینه‌ی جنگ را انتخاب کرده‌اند از آن‌ها می‌خواهیم که جنگ را از اقلیم کوردستان دور نمایند.

ما آماده‌ی هر نوع همکاری و هماهنگی از طریق گفتگوی صلح آمیز برای عادی سازی اوضاع مناطق مرزی هستیم. همزمان از حکومت عراق فدرال نیز خواستاریم که از طریق کانال‌های دیپلماتیک با کشورهای همسایه برای پایان این جنگ و احترام به حاکمیت عراق تلاش کند.

در این شرایط حساس از پارلمان کوردستان نیز می‌خواهم که بصورت دقیق اوضاع حساس اقلیم را جهت اتخاذ سیاستی که منعکس کننده‌ی اتفاق نظر اقلیم کوردستان باشد، پیگیری کند. «

مسعود بارزانی . سه شنبه ۲۳ اوت ۲۰۱۱

تازترین جنایت ارتش ترکیه!

با کمال تاسف اطلاع پیدا کردیم که در اثر بمباران هواپیماهای ارتش ترکیه ۷ نفر از اعضای یک خانواده مرزنشین کردستان عراق جان خود را از دست داده اند.

کشته شدن این ۷ نفر، که دو کودک خردسال نیز در میان آنان دیده می شود در حالی است که هواپیماها و توپخانه دوربرد ارتش ترکیه از حدود ۱۰ روز پیش تاکنون به بهانه وجود افراد مسلح حزب کارگران کردستان ترکیه «پ.ک.ک» در کوهستان (قندیل) کردستان عراق، به شدت این مناطق را بمباران و توپباران می کنند.

همچنین از حدود ۲ ماه پیش تاکنون سپاه پاسداران رژیم ایران نیز به بهانه حضور افراد مسلح پژاک مناطق مرزی کردستان عراق را زیر آتش توپخانه ی دوربرد قرار داده اند که در اثر آن تاکنون ۲ نفر از روستائیان مرزنشین کردستان عراق کشته و تعدادی نیز زخمی شده اند.

ما ضمن محکوم کردن این اقدامات غیرانسانی سپاه پاسداران و ارتش ترکیه، بار دیگر یادآوری می کنیم که مسئله کردها در هیچ کدام از کشورهای ایران، ترکیه و سوریه راه حل نظامی ندارد و نه اقدامات نظامی دولت ها و نه مبارزه مسلحانه گروه های کرد کمکی به حل این مسئله نخواهد کرد.

بنابراین بر همه احزاب، سازمانها و شخصیت های سیاسی کرد لازم است ضمن محکوم کردن اقدامات سرکوبگرانه دولت ها، مردم محروم و ستم دیده کردستان را از این حقیقت آگاه نمایند و همزمان اجازه ندهند که گروه ها و افراد ماجراجو با اقدامات مسلحانه ی بی هوده ی خود، تنش آفرینی کنند و «مسئله ملی کرد» را که یک مسئله سیاسی – اجتماعی فرهنگی و تاریخی است تبدیل به یک مسئله نظامی کنند.

یا ما سرمایه داری را از سر راه بر می داریم یا سرمایه داری ما را !

مصاحبه با کارلوس فرناندز لیریا، فیلسوف اسپانیایی

متن زیر ترجم مصاحبه یی است با کارلوس فرناندز لیریا، فیلسوف اسپانیایی. او و همکارش لوییز آلگره زاهونه‌رو، با انتشار کتاب ‘‘نظم سرمایه’’ اخیراً برنده ‘‘جایزه بین‌المللی لیبراتور برای اندیشه نقادانه’’ شدند، که یکی از معتبرترین جوایز بین‌المللی برای یک اثر منتشر شده است. اما فرناندز لیریا می‌گوید: ‘‘به رغم این واقعیت که این جایزه یک جایزه معتبر بین‌المللی است و هرچه نباشد به دو استاد دانشگاه اسپانیا اهدا شده است (و یک جایزه نقدی نیز دارد که دو برابر جایزه‌هایی است که شاهزاده آستوریاس عالی‌قدر خودمان می‌پردازد)، اخبار مربوط به این جایزه در هیچ‌یک از رسانه‌های خبری اسپانیا منتشر نشده است.’’ در این مصاحبه، کارلوس درباره سکوت خود، محتوا و هدف‌های اثر اندیشمندانه‌اش، و رابطه آن با رخدادهای حیاتی اخیر، صحبت می‌کند.

اخیراً در ونزوئلا، شما به همراه لوییز آلگره ‘‘جایزه لیبراتور برای اندیشه نقادانه’’ را از آن خود کردید که چه بسا مهم‌ترین جایزه یی است که به آثار اندیشمندان چپ به زبان اسپانیایی اهدا می‌شود، جایزه یی که پیش از این نیز به اندیشمند نام‌آوری چون ایستوان مِزاروش اهدا شده است. برداشت خود شما در این مورد چیست، و به نظر شما، بردن این جایزه چه کمکی به نشر نظریه یی خواهد کرد که شما در سراسر اثر تألیفی‌تان از آن دفاع کرده‌اید؟

من و لوییز به خاطر بردن این جایزه بسیار خوشنودیم. در ضمن، از دولت ونزوئلا، وزارت فرهنگ، و پرزیدنت چاوز سپاسگزاریم که این جایزه را بنیاد گذارد و امکان معرفی و ارج نهادن به اندیشه نقادانه و چپ را، که خود را از سلطه نولیبرالیسم رها می‌کند و می‌داند، فراهم آورد. همچنین، ما از آتیلیو بارون، که هرگز او را ندیده‌ایم ولی برای او احترام بسیار زیادی قایلیم، و نیز از همه اعضای هیأت داوران بسیار سپاسگزاریم. به‌ویژه، از فاروکو سِستو و کارمِن بوهورکز تشکر می‌کنیم؛ در چند سال گذشته ما همیشه مدیون اعتمادی بوده‌ایم که آنان به ما داشته‌اند. همان‌طور که گفتید، بهترین بهره این جایزه آن است که اینک کتاب ما در سطح گسترده‌تری پخش خواهد شد. امید ما آن است که این کتاب قطره کوچک دیگری در دریای پیکاری باشد که ما باید به‌زودی در آن وارد شویم، که به نظر من پیکار بسیار دشواری خواهد بود. آنچه ما در سطح جهان با آن رو به روییم، مبارزه یی رودررو با خود سرمایه‌داری است. در مدت بیست سال آینده، چاره دیگری جز این نخواهیم داشت.



این مسئله ‘‘سوسیالیسم یا مرگ’’ دارد به‌کل معنای تازه‌ای پیدا می‌کند، چرا که یا ما سرمایه‌داری را از سر راه برمی‌داریم، یا سرمایه‌داری ما را. برای نمونه، ببینید در ژاپن چه می‌گذرد. اگر سونامی اخیر ۱۰ متر بلندتر یا قدرت زمین‌لرزه یک واحد بیشتر بود (و کیست که بگوید امکان نداشت چنین بشود!)، یک دوجین رآکتور هسته‌ای ویران و ذوب می شد، و به مرگ ده‌ها هزار تن می انجامید. اصلاً شاید لازم می‌شد که مردم کل ژاپن را تخلیه کنند. ما روی بشکه‌های باروتی نشسته‌ایم که در اختیار و مهار دیوانگان و جانیان است. آنانی که [گردانندگان] ‘‘بازار’’ می‌خوانیم‌شان، واقعاً کیستند؟ هر طور که حساب کنید، دیوانگانی‌اند که به بازی قمار خطرناک ‘‘رولت روسی’’ [قماربازی مرگ و زندگی] با کره خاکی ما سرگرمند، کل مردم زمین را قربانی می‌کنند، نظرشان را هر دقیقه عوض می‌کنند، و مثل کودکی که با قایق اسباب‌بازی روی آب بازی می‌کند، کشورها را غرق می‌کنند و به سقوط می‌کشانند یا از غرق شدن نجات می‌دهند. دیکتاتورهایی ناشنواتر یا پرتوقع‌تر از اینان هرگز وجود نداشته است. حتی کالیگولا یا ‘‘نرون’’ [به‌ترتیب، سومین و پنجمین امپراتوران روم در قرن اول میلادی که بسیار سنگدل و خونریز بودند] این‌قدر فاسد و غارتگر نبودند، و هرگز این‌همه قدرت هم نداشتند.

در چند تا از کتاب‌هایتان، چه آن ها که خود به تنهایی نوشتید یا آن ها یی که به همراه لوییز تألیف کردید (و همین‌طور در این تازه‌ترین کتاب‌تان)، شما روی تحلیل نقادانه از مفهوم شهروندی و به هم ریختن آنچه به‌طور سنّتی از آن به عنوان ‘‘حکومت

قانون'' یاد می‌شود اصرار و تأکید دارید، و تلاش می‌کنید نشان دهید که تحقق آن [حکومت قانون] در نظام سرمایه‌داری امکان‌پذیر نیست. و حالا این امر را از راه تحلیل پرخواننده‌ترین اثر مارکس، یعنی کتاب ''سرمایه''، به پیش می‌برید. در مقایسه با آثار پیشین‌تان، چه چیزی را در این کتاب '' نظم سرمایه '' تغییر داده‌اید یا ژرف‌تر بررسی کرده‌اید؟

فکر می‌کنم نظریه یی که من و لوییز آلگره در آثار منتشر شده قبلی‌مان بر آن اصرار و تأکید داشته‌ایم، نیازی به توضیح و روشنگری بیشتری نداشته باشد. همان‌گونه که گفتید، ما تلاش کرده‌ایم نشان دهیم که دموکراسی و حکومت قانون در شرایط تولید سرمایه‌داری عملی نیستند، ولی از سوی دیگر، در شرایط وجود یک نظام سوسیالیستی، کاملاً شدنی‌اند. این همچنین بدان معناست که ما کمونیست‌ها لازم نیست چیز تازه‌ای یا بهتری نسبت به مفاهیم سنّتی جمهوری‌خواهی و اندیشه ''روشنگری'' اختراع کنیم. کاملاً برعکس: کاری که ما باید بکنیم این است که به عوض واگذار کردن انگارهای ''شهروندی'' و ''حکومت قانون'' به دشمن به عنوان مُهملات بورژوایی که سرنوشت‌شان در زباله‌دان تاریخ خواهد بود، آن ها [این انگارها] را از آنِ خود بخوانیم و بدانیم. همه اینها را همان‌گونه که شما هم اشارهَ کردید، ما بارها در شکل‌های مختلف تکرار کرده‌ایم، و همیشه کوشیده‌ایم آثارمان تا آنجا که ممکن است آموزنده باشد. اما هنوز یک کار خیلی مهم دیگر مانده بود که باید می‌کردیم، و آن اینکه نشان دهیم این اندیشه‌های ما با ''مارکس'' همخوانند. برای انجام این منظور، لازم بود ما اثر ''مارکس'' را بخوانیم و تفسیر دقیق و موشکافانه‌ای از آن ارائه دهیم. پانزده سال طول کشید تا ما توانستیم این کار را تمام کنیم. اما به نظر من، ما توانسته‌ایم نشان دهیم که ''سرمایه'' مارکس را می‌توان خیلی بهتر فهمید اگر به آن به عنوان بخشی جدایی‌ناپذیر از سنّت ''روشنگری'' و اندیشه جمهوری‌خواهی نگاه کنیم، چیزی که [ما] آن را در چارچوب سنّت اندیشه‌ورزی مارکسیستی می‌بینیم. افزون بر این، نتیجه کار برای درک و شناخت فاجعه انسانی کنونی که در نظام سرمایه‌داری با آن روبه روییم، بسیار مفیدتر خواهد بود.

هیأت داورانی که جایزه را به شما اهدا کرد، در ارزیابی‌اش از کتاب به این نکته اشاره کرد که ''شما با اهداف کاملاً روشنِ دگرگونی‌خواهی، و همگام با چالش‌های دنیایی که هر روزَ پیچیده‌تر می‌شود و در نتیجه پیچیدگی تضادهایش نیز تشدید و زیادتر می‌شود، خود را برای تفسیر تازه‌ای از نظریه نقد سرمایه‌داری آماده می‌کنید.'' بررسی پیامدها و تأثیرهای رخدادهای انقلابی، از جمله آنچه در ونزوئلا رخ داد (در کتاب '' برای درک ونزوئلا، به دموکراسی فکر کنید: سقوط اخلاقی روشنفکران غربی''، که آن را نیز با لوییز آلگره نوشتید)، یا آنچه در کوبا روی داد (در کتاب '' کوبا، روشنگری، و سوسیالیسم''، که مشترکاً با سانتیاگو آلبا نوشتید) خط ثابتی در کارهای شماست. شما یک استاد تمام‌وقت و رسمی دانشگاه هستید و با نشریه‌هایی مثلRebelión همکاری می‌کنید. این رابطه میان آفرینش آثار اندیشگی را که از لحاظ نظری بسیار دشوار و دقیق و پیچیده اند – از جمله در تألیف '' نظم سرمایه '' – با فعالیت مشخص سیاسی که در این مقطع زمانی ضرورت زیادی دارد، چگونه می‌بینید؟

شما وقتی تلاش دارید موضوعی مانند سرمایه‌داری را از لحاظ نظری بفهمید، غیرممکن است بتوانید بی‌تفاوت بمانید. اگر مثلث راست‌گوشه (قائمه)، بی‌عدالتی و ستمی عظیم محسوب می‌شد؛ اگر توان دوم (مجذور) وتر مثلث نمی‌توانست مجموع مجذورهای دو ضلع دیگر بشود مگر آنکه نیمی از جمعیت دنیا را محکوم به تیره‌بختی و فلاکت کند و کره خاکی را به سوی خودکشی انسانی و زیست‌بومی براند، آنگاه می‌دیدیم که استادان ریاضی گرایش‌های براندازانه بسیار بسیار بیشتری می‌داشتند و رشته ریاضی، مثل آثار مارکس در میان اقتصاددانان، مورد حمله و سانسور قرار می‌گرفت. هرچه بیشتر می‌فهمیم که سرمایه‌داری واقعاً چیست، در چشم‌مان هیولاتر و دیوسیرت‌تر می‌شود. آنگاه است که دیگر ممکن نیست بتوان ایستاد و دست و روی دست گذاشت و کاری نکرد.

کار تلویزیونی شما در دهه ۱۹۸۰ به نام ''گوی بلورین'' که اثری کلاسیک در آفرینش صوتی- تصویری اسپانیا شد، یا کتابی مثل ''آموزش شهروندی'' که بخش بزرگی از آن، شکل تصویری گیرا و گویایی داشت، نشانگر علاقه شما به انتقالَ ابزارهای لازم برای تحلیل نقادانه به نسل جوان است، آن هم به گیراترین و امروزی‌ترین شیوه ممکن. به نظر شما در این راستا چگونه می‌توان از فضاهایی مثل اینترنت بهره برد؟

آنچه در اینترنت می‌گذرد، انقلابی منحصر به فرد و بی‌همتاست. در یک دوره زمانی بسیار کوتاه، تلویزیون که قدرتمندترین ابزار کنترل ایدئولوژیکی در تاریخ بشر بوده است (حتی، برای مثال، بیشتر از کلیسا) به وسیله یی عتیقه تبدیل شده است؛ به چیزی که در کنج خانه خاک می‌خورد، مثل چرخ خیاطی و ماشین تحریر (تایپ). جوانان اطلاعات‌شان را دیگر از تلویزیون نمی‌گیرند؛ تلویزیون حتی دیگر وسیله تفریح و سرگرمی‌شان هم نیست. دنیای آنان ''آنلاین'' است، و این امکان‌های بی‌نظیری را برای مبارزه انقلابی فراهم می‌آورد. انقلاب‌های عرب و ''جنبش ۱۵-م'' اسپانیا [جنبش اعتراضی مردمی در اسپانیا که از روز ۱۵ ماه مه ۲۰۱۱ در ۵۸ شهر این کشور آغاز شد] نمونه‌های آن اند.

با وجود آنکه شما کارنامه انتشاراتی پرباری دارید، و به‌رغم اینکه سمت استادی در یکی از مهم‌ترین دانشگاه‌های کشور [اسپانیا] دارید، چندین بار در رسانه‌ها سانسور شده‌اید. آیا بردن این جایزه تغییری در این وضع به وجود آورده است یا خواهد آورد؟

ببینید، من اصلاً به این مسئله اهمیت نمی‌دهم، اما باید بگویم به‌رغم این واقعیت که این جایزه یک جایزه معتبر بین‌المللی است و هرچه نباشد به دو استاد دانشگاه اسپانیا اهدا شده است (و یک جایزه نقدی نیز دارد که دو برابر جایزه‌هایی است که شاهزاده آستوریاس عالی‌قدر خودمان می‌پردازد)، اخبار مربوط به این جایزه در هیچ‌یک از رسانه‌های خبری اسپانیا منتشر نشده است. **اینجا حرف ما بیشتر نه راجع به سانسور، بلکه راجع به چیزی بدتر است: صاحبان رسانه‌ها و شرکت‌های بزرگ سوداگری که فراتر از منافع خودشان چیزی را نمی‌بینند، رسانه‌ها را دزدیده‌اند و مال خود کرده‌اند. هیچ رسانه واقعاً همگانی یی وجود ندارد که بتواند از این واقعیت بگریزد. اینجا آزادی بیان فقط در همان حدّی است که چند مولتی‌میلیونر می‌توانند خرج آن کنند.**

در یکی از نوشته‌های اخیرتان برای وبلاگ ”La Pupila Insomne“ (”دانش‌آموز بی‌خواب“) نوشته‌اید که ”سرمایه‌داری دیگر نمی‌تواند به آن جامعه یی که سزاوار نام ”جامعه“ باشد اجازه وجود بدهد“، و نتیجه گرفته‌اید که آنچه از آن به عنوان ”انقلاب اسپانیا“ نام می‌برند، تازه آغاز شده و اول راه است. چند هفته پس از بیان این نظر، باز آن را در جاهای دیگر تکرار کردید. چرا چنین حرفی می‌زنید؟

ما در یک کوچه بن‌بست و بدون راه گریز قرار گرفته‌ایم، پس راه دیگری برای بیرون رفتن نیست. این بدان معنا نیست که ما الزاماً از پیکارهایی که پیش رو داریم پیروز بیرون خواهیم آمد، اما تردیدی ندارم که مردم پیکار جانانه‌ای خواهند کرد. امروزه همه به این امر آگاهند که از لحاظ اقتصادی، آنچه اکنون در سراسر جهان در جریان است، خیلی صاف و ساده، یک مبارزه طبقاتی است. نخستین کسانی که این امر را درک کرده‌اند، به قول سوداگر بزرگ ”وارن بوفه“، ”آنهایی‌اند که از این وضع سود می‌برند“، یعنی ثروتمندان و قدرتمندان؛ همان سوداگرانی که دنیا را به مرز فاجعه می‌کشانند، در حالی که پول بیشتر و بیشتری روی هم می‌اندوزند. ”مایکل هودسن“، اقتصاددان نامی ”وال استریت“، این حرف را بارها و بارها تکرار کرده است که ”آنچه در جریان است، مبارزه طبقاتی نام دارد؛ مبارزه طبقاتی صریح و بی‌پرده.“ و طبقه های میانی و پایین هم بدجوری از این وضع آسیب می‌بینند. اما مبارزه متقابلی در پیش خواهد بود. در یونان پیکار جانانه‌ای را به نمایش گذاشته‌اند. در کشورهای عربی، در آمریکای لاتین، در ایسلند و در پرتغال نیز همین مبارزه در جریان است. در اسپانیا هنوز نمی‌شود پیش‌بینی کرد که ”جنبش ۱۵- م“ به کجا می‌کشد، اما فعلاً رشد و گسترش آن متوقف نشده است. اما به شما بگویم که پاییز امسال شاهد شگفتی‌های زیادی خواهیم بود.

به نقل از نامه مردم، شماره ۸۷۴، ۱۰ مرداد ماه ۱۳۹۰

****



نامه مردم ارگان مرکزی حزب توده ایران را بخوانید!

ماتریالیسم دیالکتیک

امیرنیک آئین

فصل اول: کلیاتی درباره فلسفه و فلسفه مارکسیتی ـ لنینیستی
درس اول ـ جهان بینی پرولتری و جای فلسفه مارکسیستی در آن

مارکسیسم ـ لنینیسم جهان بینی پرولتاریاست.

فلسفه مارکسیستی پایه تئوریک جهان بینی مارکسیستی ـ لنینیستی است. در این درس خواهیم دید که معنای جهان بینی چیست. معنای تئوری چیست و مقصود از مارکسیسم ـ لنینیسم در ساده ترین بیان چیست.

۱ ـ جهان بینی چیست و اهمیت آن در کجاست؟

جهان بینی عبارت است از مجموعه اندیشه ها و عقاید درباره زندگی، گیتی، پدیده ها و رویداد های آن، جهان بینی عبارت است از یک سیستم نظریات، تصورات و عقاید درباره کلی ترین مسائل طبیعت یا جامعه و انسان.

در جوامع طبقاتی یعنی در آن اجتماعاتی که بر اساس وجود طبقات متخاصم بهره ده و بهره کش استوار باشد این دید کلی نسبت به جهان و رویدادهای آن بر شالوده موقعیت اقتصادی- اجتماعی طبقه بنا شده است.

جهان بینی طبقاتی است. جهان بینی کارگر زحمتکش با جهان بینی سرمایه دار استثمارگر به مثابه طبقه از بیخ و بن متضاد است.

پرولتاریا یعنی طبقه کارگر، دارای جهان بینی خاص خود است که در عالی ترین شکل به صورت علمی همان آموزش مارکسیسم ـ لنینیسم است. این جهان بینی بیانگر منافع همه زحمتکشان یدی و فکری در سراسر دنیا و روشنگر راه رهایی قطعی همه خلق های گیتی است. لنین نوشته است که یک

جهان بینی مستحکم و بالغ دارد. آن کس که نخواهد در برابر جامعه خود و سرنوشت همه زحمتکشان خاموش و بی تفاوت بماند، بلکه بکوشد تا عضوی فعال و مبارزی سرنوشت ساز گردد باید اعتقادی راسخ، روشی بی تزلزل و ایمانی مستحکم داشته باشد که بر روی یک جهان بینی پیشرفته و علمی استوار گردد. جهان بینی مارکسیستی ـ لنینیستی خود چنان اعتقادی را می آفریند. بر این شالوده استوار است که می توان آن اعتقاد راسخ را بنا نهاد، در هماوردی با دشمن وی را به زانو در آورد و سرمشقی برای همه مبارزان و پویندگان راه سعادت و آزادی شد. در کشور ما از حیدر عمواوغلی و ارانی گرفته تا روزبه و حکمت جو و تیزابی بسیار قهرمانان نامدار یا گمنام بر شالوده همین جهان بینی

و اعتقاد عمیق به درستی آن، به مظهر شجاعت و مقاومت خلقی در نبرد علیه امپریالیسم و استبداد مبدل شده اند. نیروی شناخت و اعتقاد به یک جهان بینی مترقی و علمی نیروی عظیمی است. توده ها را سازمان می دهد، آنها را متشکل می کند، به نبرد قطعی رهنمون می شود، راه تکامل جامعه را می گشاید و نظامی نو را پایه می ریزد.

پس ما مبارزان به جهان بینی نیاز داریم نه برای آن که رویدادهای جهان را درک و ضبط کنیم بلکه برای آن که آن ها را تغییر دهیم، بر آن ها فعالانه تأثیر بگذاریم، به کار انقلابی تحول بخشنده وزندگی آفرین دست زنیم.

۲ ـ تئوری چیست؟

جهان بینی طبقه کارگر، جهان بینی مبارزان راه سوسیالیسم، مارکسیسم ـ لنینیسم است که فلسفه مارکسیستی پایه تئوریک آن راتشکیل می دهد. تئوری یعنی چه؟ تئوری انقلابی از تعمیم پراتیک اجتماعی به دست می آید و عصاره تجربه است.

تئوری عملی به طور کلی مجموعه شناخت مدون بشر است که این یا آن جهت واقعیت را توضیح می دهد.

تئوری بخشی از جهان بینی است چرا که یک جهان بینی مرکب از تئوری های مختلف مربوط به عرصه ها و مسائل گوناگون است. آموزش مارکسیستی ـ لنینیستی به مثابه جهان بینی پرولتاریا از سه بخش عمده تشکیل شده است: فلسفه، اقتصاد سیاسی، کمونیسم علمی.

در هر بخش مارکسیسم تئوری های خود را در عرصه ها و زمینه های مختلف بیان می دارد. (مثلا در فلسفه تئوری ماده و شعور، تئوری انعکاس، تئوری تکامل، تئوری طبقات، تئوری دولت، تئوری انقلاب و غیره در اقتصاد سیاسی تئوری کالا، اضافه ارزش، مبادله و غیره در کمونیسم علمی تئوری استراتژی و تاکتیک حزب انقلابی، سانترالیسم دمکراتیک، تئوری انقلاب، مراحل مختلف ساختمان
سوسیالیسم و کمونیسم و غیره.) ولی چون تئوری های فلسفی به عام ترین و کلی ترین مسائل مربوط به طبیعت و جامعه و تفکر نظر دارند، این تئوری ها اساس و پایه سایر تئوری ها و هسته مرکزی را تشکیل می دهند. هر تئوری ساخت و بافت بغرنج و در هم پیچیده ای دارد و مرکب از اندیشه های مدون و راهنما در این یا آن زمینه است.

اصولا عقاید فلسفی هسته مرکزی همه جهان بینی ها را تشکیل می دهند زیرا که فلسفه عمده ترین مسائل مربوط به طبیعت و

جامعه را مطرح می کند و به آن ها پاسخ می گوید و قوانین عام و طرق شناسایی جهان ، طبیعت و جامعه را مورد بررسی قرار می دهد. سایر مسائل و مطالب در هر سیستم جهان بینی بر شالوده نظریات و فلسفی طرح و حل می شود .
فلسفه مارکسیستی پایه تئوریک جهان بینی مارکسیستی ـ لنینیستی است.

۳ ـ بیان اجمالی مفهوم مارکسیسم – لنینیسم و جای فلسفه در آن:

مارکسیسم ـ لنینیسم جهان بینی پرولتاریا، مجموعه عقاید و نظریات فلسفی و اقتصادی و اجتماعی و سیاسی و آموزش انقلابی است که مارکس و انگلس و سپس لنین بنیانگذاران آن بوده اند و توسط جنبش جهانی کمونیستی و کارگری بسط و تکامل داده شده و می شود.
سوسیالیسم علمی با نام کارل مارکس (۱۸۸۳–۱۸۱۸) و فردریک انگلس(۱۸۹۵–۱۸۲۰) و ولادیمیرایلیچ لنین (۱۹۲۴–۱۸۷۰) رهبران برجسته طبقه کارگر جهانی و دانشمندان سترک پیوند ناگسستنی دارد.
مارکسیسم ـ لنینیسم یک جهان بینی علمی منظم و ذو جوانب است. این یک علم است و به مثابه علم قله
تکامل معرفت بشری است و به تمام دستاوردهای دانش در همه شئون تکیه دارد . به مثابه علم محدودیت جغرافیایی و زمانی نمی شناسد یعنی مانند هر دانش واقعی مربوط به سرزمین و قاره خاص یا زمان و قرن خاصی نیست. این آموزش از آنجا که علمی و بیان واقعی حقیقت است راهگشا و نیرومند است. شکست ناپذیری اش در آن است که حقیقت است. دائما در حال تکامل و غنی شدن است. در هر جا و در هر زمان و در شرایط مشخص به شکل خلاق به کار می رود دگم نیست، رهنمای عمل است .

۴ ـ آموختن فلسفه مارکسیستی چه ضرورتی دارد؟

در این است که با فرا گرفتن آن ما می توانیم بینش کامل و همه جانبه ای درباره کلیه پدیده ها و روندها و رویدادهای گیتی و چگونگی تکامل آن در باره نقش انسان در جهان و امکان شناخت واقعیات موجود و همچنین درباره علل دگرگونی های جامعه و راهی که بشر می تواند زندگی اجتماعی را تغییر دهد داشته باشیم. آموختن فلسفه مارکسیستی سرگرم شدن به مطالب تجریدی و دور از ذهن و بی فایده و به قول معروف به معنای فلسفه بافی نیست. فلسفه مارکسیستی و تمام تار و پود آن به واقعیات جهان و به نیازهای تاریخی جامعه انسانی وابسته است. این فلسفه عام ترین و کلی ترین قوانین تکامل طبیعت و جامعه را به ما نشان می دهد. مطالعه فلسفی مارکسیستی منجمله به ما می آموزد که چرا انقلاب سوسیالیستی ناگزیر است و به چه نحو می توان جامعه سعادتمند سوسیالیستی و کمونیستی را بنا نهاد. فلسفه مارکسیستی دانشی است که می تون آن را به چراغ راهنمای زحمتکشان در مبارزه برای بدست آوردن زندگی بهتر، غلبه بر عقب ماندگی، در راه ایجاد میهنی مستقل، دمکراتیک پیشرو و شکوفایی شخصیتی بشری تشبیه کرد. فلسفه مارکسیستی به ما می آموزد که جهان پیرامون و جامعه خود را بهتر بشناسیم.
به تناقضات درونی آن به آرایش قوا در آن پی ببریم ، دشمنان ترقی میهن و نیکبختی خلق را از دوستان و متحدین باز شناسیم، نیروهای میهنی و مترقی را به درستی تشخیص دهیم و طرق نجات آن را از یوغ نواستعمار و استبداد و راه اعتلای آن را به قلل عالی تمدن و بهروزی و صلح و آزادی، سعادت و برابری، کار و برادری تمیز دهیم. در عین حال فرا گرفتن فلسفه مارکسیستی وسیله ای است تا فضیلت های یک مبارز کمونیست و سجایای عالی انسانی را در خود پرورش دهیم. همراه با شرکت فعال در کوره پیکار و تجربه عملی، این فراگیری برای پرورش فرد انقلابی یا نوسازی و خودسازی مبارزان اهمیت ویژه ای دارد. آموختن درست و جدی فلسفه مارکسیستی یک سرمایه فناناپذیر فکری و معنوی برای مبارزان و یک وثیقه ثمر بخشی نبرد آنان است. فرا گرفتن این علم به ویژه در میدان عمل اجتماعی و انقلابی در شخصیت فرا گیرنده تولدی دیگر به وجود می آورد و به آن بعدی تازه می بخشد و افق تازه ای را در برابرش می گشاید. داشتن دید صائب و تشخیص درست در مسائل سیاسی و مبارزه انقلابی مرهون آموزش این فلسفه است .

معادل اصطلاحات:
- تئوری Theorie
- پراتیک Pratique
- پدیده Phenomene
- روند Processus
- رویداد (حادثه) evenement
- جهان بینی Consption du monde

سوالات مربوط به این درس:
۱– جهان بینی عبارتست از:
الف ـ مجموعه نظرات و دستورالعمل هایی که در کتب آسمانی آمده است
ب ـ مجموعه اندیشه ها و نظراتی که تنها مارکسیسم لنینیسم آنرا مدون کرده است
ج ـ سیستمی مدون از اندیشه ها، عقاید و تصورات در بارهء کلی ترین طبیعت، جامعه و انسان
د ـ مجموعه اعمال و تلاشها برای شناخت جزء جزء طبیعت،

جامعه و انسان
پاسخ: ....

۲- جهان بینی:
الف – طبقاتی است و جهان بینی کارگر زحمتکش به مثابه یک طبقه از بیخ و بن با جهان بینی سرمایه دار متضاد است
ب ـ دانشی است مدون برای تمام انسانها بدون در نظر گرفتن فاصله طبقاتی
ج ـ دانشی است که توسط افرادی خاص بر اساس علائق شخصی مدون شده است
د ـ گل باغ تجمل است و عده ای برای خود نمایی آن را آفریده اند
پاسخ: ....

۳- مارکسیسم – لنینیسم:
الف ـ فلسفه ایست دگم و کلام بنیان گزاران آن، همچون آیه های اسمانی تلقی می گردد
ب ـ فلسفه ایست پویا و با هر چه گسترده تر و عمیقتر شدن دانش بشری، دائما متکامل تر و غنی تر خواهد شد
ج ـ فلسفه ایست که در هیچ تعریفی نمی گنجد و معتقد به هرج و مرج در تمام زمینه هاست
د ـ فلسفه ایست که تمامی دستاورد های بشری را در مایملک عده ای محدود می خواهد
پاسخ: ....

پاسخ سوالات فوق:
۱- ج ۲- الف ۳- ب

(پایان درس اول – ادامه دارد)

گەلانی ئێران کودەتای نەنگینی ٢٨ی مورداد لەبیر ناکەن!

٥٨ ساڵ پێش ئێستا، واتە لە ساڵی ١٣٣٢ی هەتاوی (١٩٥٢ی ز) بە پیلانێکی قیزەونی بەرنامە بۆدارێژراوی ئەمریکا و بریتانیا، کودەتایەکی سەربازی لە وڵاتەکەمان بەڕێوەچوو کە بووە هۆی شکست هێنانی حکومەتی نیشتمانی دوکتور «محەممەدی موسەدیق» و زاڵ بوون و دەسەڵاتداریێتی کۆنەپەرەستانی گرێدراوی ئیمپریالیزم بۆ ماوەی ٢٥ ساڵ لە وڵاتەکەمان.

دوکتور «محەممەدی موسەدیق» لە ئەنجامی ئەو نارەزایەتییە جەماوەریانە و قەیرانە سیاسییەی کە لە ساڵەکانی ٣١ – ٢٩ی هەتاویدا تووشی رژیمی «حەمە رەزا شا» هاتبوو و دەسەڵاتەکەی بەرەوڕووی هەرەسهێنان کردبووەوە، بە مەبەستی هێور کردنەوە و دامرکاندنی نارەزایەتییەکان و تێپەڕ کردنی قەیرانەکە، لە لایەن «شا»وە وەک سەرۆک وەزیری ئێران دەستنیشان کرابوو.

موسەدیق دوای هاتنە سەرکار و پێکهێنانی کابینەکەی، بە پشت بەستن بە خواستی جەماوەر، جێبەجێ کردنی دوو ئەرکی سەرەکی گرتە ئەستۆ، ئەویش سنوودار کردنی دەسەڵاتی «شا» لە چوارچێوەی یاسای بنەرەتی وڵات و لەوەش گرینگتر، «خۆماڵی کردنی» نەوتی ئێران و کورت کردنەوەی دەستی کومپانیای نەوتی بریتانیا لە پیشەسازی نەوتی ئێران.

ئاشکرایە کە جێبەجێ کردنی ئەم ئەرکە نیشتمانییە هەر لە سەرەتاوە نارەزایەتی توندی ئێرتجاعی ناوخۆ و ئیمپریالیزمی بریتانیای لێکەوتەوە و بەرەی ئێرتجاع – ئیمپریالیزم بە مەبەستی بەرگرتن لە جێبەجێ کردنی ئەم دوو ئەرکە، تەواوی هێز و توانای خۆیان خستە گەڕ و بە دارشتن و ئەنجامدانی دەیان پیلانی جۆربەجۆر، بەرەنگاری دوکتور موسەدیق بوونەوە و هەر رۆژە و بە پیلان و بیانوویەک کێشەیان بۆ درووست دەکرد و ریگر بوون لە ئەنجامدانی ئەرکەکانی.

رۆژێک «مەترسی کمونیزم و حزبی تودەی ئێران»یان دەهێنایە ئاراوە و رۆژی دواتر «بایکوت کردنی کڕینی نەوتی ئێران و رێگری کردن لە هەناردن و فرۆشتنی» و... هتد.

ئەمە لە حاڵێکدا بوو کە دارشتن و بەڕێوەبردنی ئەم پیلانانە و هەروەها کەسایەتی تایبەتی موسەدیق، کە باوەڕی تەواوی بە هێزی گەل نەبوو، رێگر بوون لە نزیک بوونەوەی موسەدیق لە هێزە پێشکەوتنخوازەکانی ئەو کاتی ئێران کە بریتی بوون لە حزبی تودەی ئێران و بزووتنەوەی بەتوانای کرێکارانی وڵاتەکەمان و هەروەها «بزووتنەوەی دژە ئیستعمار» کە بە هەزاران کەسی لێهاتووی دیمۆکرات و سەربەخۆخوازی لەخۆگرتبوو.

هەر ئەمەش وایکرد کە موسەدیق لە هەمبەر پیلانە جۆربەجۆرەکانی ئیمپریالیزم – ئیرتجاع کەم توانا بێت و بۆ پووچەڵکردنەوەیان هێزی پێویستی بە دەستەوە نەبێت.



ئەمەش شتێکی شاراوە نییە کە موسەدیق تا دواساتەکانی حکومەتەکەی، بە هەر هۆیەکەوە بووبێت، جورئەتی ئەوەی نەبوو کە متمانە بە حزبی تودەی ئێران بکات و رێنماییەکانی بۆ لەسەرکار لابردن و بێ هێز کردنی بەکرێگیراوانی ئیمپریالیزم و ئیرتیجاع، بە تایبەت لە ریزەکانی سەرەوەی هێزە چەکدارەکانی وڵات دا بەکار بهێنێت.

لەو سەردەمەدا حزبی تودەی ئێران بە سەدان

ئەندام و لایەنگری لە ریزی هێزە چەکدارەکان، بە تایبەت لە ناو ئەرتەشدا هەبوو و ئەم ئەندام و لایەنگرانە بە وردی چاوەدێری جموجۆڵەکانی بەکرێگیراوانی ئیمپریالیزم و ئیرتجاع لە ناو هێزە چەکدارەکاندا دەکرد و زانیارییەکانیان لە رێی کاناڵی تایبەتەوە پێشکەش بە موسەدیق دەکرد.

بەڵام بەداخەوە موسەدیق، لە باتی گوێدان و لەبەرچاو گرتنی ئەو زانیارییانە، لە ژێر کاریگەری پروپاگەندەی ئیمپریالیزم و ئیرتجاعدا وای دەزانی کە ئەفسەرانی تودەیی زانیاری هەڵەی پێشکەش دەکەن و مەبەستیان ئاژاوەنانەوە و دوبەرەکی خستنە ناو هێزە چەکدارەکانە!

هەروەها، موسەدیق لە حاڵێکدا کە بە توندی دژایەتی ئیمپریالیزمی بریتانیای دەکرد و سوور بوو لەسەر «خۆماڵی کردنی نەوت» و کورت کردنەوەی دەستی بریتانیا لە کەرتی نەوتی ئێران، بە هۆی تێنەگەیشتنی لە ماهیەتی چینایەتی ئیمپریالیزم و بەرژەوەندییە هاوبەشەکانی وڵاتە جۆربەجۆرە ئیمپریالییەکان، وای دەزانی دەتوانێت بۆ بەرەنگار بوونەوەی ئیمپریالیزمی بریتانیا، پشت بە «دۆستی» و «نیەت پاکی» ئەمریکا ببەستێت! هەر ئەمەش وای کرد کە نیسبەت بە ئیمپریالیزمی تازەپێگەیشتووی ئەمریکا «گەش بین» بێت و هەوڵی راکێشانی سەرنجی بدات و بۆ «خۆماڵی کردنی نەوت» و هەروەها سنووردار کردنی دەسەڵاتی «شا» پشتگیری ئەمریکا دەستەبەر بکات.

موسەدیق ئەوەندە لە سەر ئەم بۆچوونە چەوت و نازانستییەی خۆی پێداگری دەکرد کە هوشدارییە یەک لە دوای یەکەکانی حزبی تودەی ئێرانی بە هەند وەرنەگرت.

ئەمە لە حاڵێکدا بوو کە وەزیری دەرەوەی کابینەکەی، واتە دوکتور «فاتمی»ش تا رادەیەک ئاگاداری ماهییەت و کردەوە هاوبەشەکانی ئیمپریالیزمی ئەمریکا و بریتانیا بوو و لەمبارەوە لە راستی هوشدارییەکان و روونکردنەوەکانی حزبمان تێدەگەیشت.

وێڕای ئەمانە، پێویستە بوترێت کە دوکتور موسەدیق نیسبەت بە دۆخی ناوخۆی وڵات و کێشە و گرفت و داخوازییەکانی جەماوەر بە تەواوەتی بێ ئاگابوو و بەکردەوە ئەمانەی پشت گوێ خستبوو، ئەمەش وای کردبوو کە چەشنێک لە رەش بینی و دڵساردی نیسبەت بە کابینەکەی لە ناو خەڵکدا دەرکەوێت.

واقیعەت ئەوەیە کە حکومەتە نیشتمانییەکەی موسەدیق لە ماوەی دەسەڵاتی خۆیدا نەیویست یان نەیتوانی هیچ هەنگاوێکی بەرچاو بۆ باشتر کردنی ژیانی رۆژانەی جەماوەر هەڵبگرێت و لەو ماوەدا هیچ گۆڕانکارییەکی پێشکەوتنخوازانەی لە کاروباری ناوخۆی وڵات ئەنجام نەدا و دۆخی ناوخۆی وڵاتی بە یەکجارەکی بۆ هێزە کۆنەپەرەستەکان و کاربەدەستە گەندەڵ و دژە خەڵکییەکانی پێش لە هاتنە سەرکاری خۆی سپاردبوو.

کابینەکەی موسەدیق تەنانەت بۆ یەکجاریش باسی پێویستی ئەنجامی چاکسازی لە دۆخی ناوخۆی وڵات نەکرد و لە ئەساسدا باوەڕیشی بە وەها شتێک نەبوو.

لە بواری سیاسی دا لە حاڵێکدا کە دەیان رەوت و لایەنی کۆنەپەرەست و دژە خەڵکی ساحەی سیاسی ئێرانیان کردبووە مەیدانی «رمبازێن»ی خۆیان و بە دەیان و سەدان جەریدە و رۆژنامەیان چاپ و بڵاو دەکردەوە، حزبی تودەی ئێران مۆڵەتی یاسایی چالاکی سیاسی پێنەدرا و بە شێوەیەکی نیوە نەهێنی فەعالییەتی دەکرد.

بەسەر ئەوەشدا حزبمان بە لەبەرچاو گرتنی بەرژەوەندییە باڵاکانی گەل و وڵات، پشتیوانی کردنی «موسەدیق»ی بە ئەرکی خۆی دەزانی و هەوڵەکانی بۆ کورت کردنەوەی دەستی ئیمپریالیزمی بریتانیا لە پیشەسازی نەوت و خۆماڵی کردنی، بەرز دەنرخاند و لەم بوارەدا بە تەواوەتی هاریکاری حکومەتی نیشتمانی «موسەدیق»ی دەکرد و ئەمەش ببووە هۆی فراوانتر بوونی هێرشەکانی ئیرتجاع و ئیمپریالیزم بۆ سەر حزبەکەمان.

سەرئەنجام حکومەتی نیشتمانی موسەدیق لە «خۆماڵی کردنی نەوت»دا سەرکەوتنی بەدەست هێنا و توانی تا رادەیەک دەستی ئیمپریالیزمی بریتانیا لە ئێران کورت بکاتەوە.

دیارە ئەمەش شتێک نەبوو کە لە لایەن ئیمپریالیزمی بریتانیاوە تەحەمول بکرێت، بە تایبەت کە ئیمپریالیزم و ئیرتجاعی ناوخۆ لەوە دەترسان کە دوای خۆماڵی کردنی نەوت،

حکومەتەکەی موسەدیق مەجال و دەرفەتی ئەوە پەیدا بکات کە ئاڵ و گۆڕ لە دۆخی ناوخۆی وڵاتدا بکات و ئەوەندەی تر بەرژەوندییەکانیان بخاتە مەترسییەوە و بە تەواوەتی دەستیان لە ئێران کورت بکاتەوە.
بە تایبەت کە لەم بوارەدا سەرجەم گەلانی ئێران و هێزە پێشکەوتنخوازەکان پشتگیری حکومەتیان دەکرد و خوازیاری چاکسازی بنەڕەتی لە گشت بوارە جیاجیاکانی ئابووری، کۆمەڵایەتی، سیاسی وڵات بوون.
بێگومان ئەگەر حکومەتەکەی موسەدیق لەوە زیاتر درێژەی بکێشایە بە شێوەیەکی سروشتی ناچار دەبوو ئاور لە بارودۆخی ناوخۆی وڵات بداتەوە و مەلکەچی خواست و داواکارییەکانی جەماوەر بێت و رێوشوێنی چاکسازی بگرێتە بەر، ئەمانە لە حاڵێکدا بوو کە «شا» لە ژێر گوشاری بزووتنەوەی جەماوەریدا هەڵهاتبوو و وڵاتی بەجێهێشتبوو، هەر بۆیە لە هەر روویەکەوە هەلەکە بۆ دەستپێکی چاکسازییەکی هەمەلایەنە، لەبار و ئامادە بوو.
لە هەمووی گرینگتر ئەوە بوو کە حزبی تودەی ئێران و بزووتنەوەی کرێکاری هەرە بەهێزی ئەو کاتی وڵاتەکەمان، لە بواری چاکسازیدا یارمەتی تەواوی حکومەتە نیشتمانییەکەی «موسەدیق»یان دەکرد.
ئەمەش گەورەترین مەترسی بوو لەسەر پێگەی ئیمپریالیزم و بەرژەوەندی ئیرتجاعی ناوخۆ، هەر بۆیە ئیمپریالیزمی بریتانیا بۆ لەناو بردنی حکومەتی نیشتمانی موسەدیق جگە لە هێزە ئیرتجاعییەکانی ناوخۆ، بە قیمەتی دۆڕاندنی بەشێک لە قازانج و دەستکەوتەکانی لە ئێران بە ئیمپریالیزمی تازەپێگەیشتووی ئەمریکا، ئەو وڵاتەی کردە شەریک و هاوبەشی خۆی.
هەر دوو وڵاتی ئەمریکا و بریتانیا لە زووترین کاتدا بەرنامە و پیلانێکی تۆکمەی پڕخەرجیان بۆ سازدانی کودەتایەکی سەربازی لە دژی حکومەتی موسەدیق داڕشت و بە هاوکاری ژنراڵ و فەرماندە باڵاکانی ئەرتەش و پۆلیسی ئێران، لە بەرەبەیانی رۆژی ٢٨ی مورداد مانگی ساڵی ١٣٣٢ (ئاگوستی ١٩٥٨ ز) خستیانە بواری جێبەجێ کردنەوە.
بۆ شەرعییەت دان بە کودەتاکەش، کۆمەڵێک چەقۆکەش و بەتاڵ و بەرەڵا و هەروەها لەشفرۆشەکانی قەحبەخانەی تارانیان وەک هێمایەک لە پشتگیری «گەل» بۆ کودەتاکە خستە شوێن سەربازەکان!
ئەمانە دروشمی «بژی شا» و «مەرگ بۆ موسەدیق» و «مەرگ بۆ تودە»یان دەوتەوە و هێرشیان دەکردە سەر بنکە و بارەگای رۆژنامە و بڵاوکراوە سەربەخۆ و پێشکەوتنخوازەکان و بە چەقۆ و جۆرەها چەکی سارد پەلاماری ئەو کەسانەیان دەدا کە گومان دەکرا ئەندامی حزبی تودەی ئێران و رێکخراوە کرێکاری و پێشکەتنخوازەکان بن. هەروەها بە دەیان شوێنیان تاڵان کرد و ئاگریان تێبەردا.
هێشتا بە تەواوەتی شەو دانەهاتبوو کە «کودەتا» سەرکەوت و حکومەتی نیشتمانی موسەدیق هەرەسی هێنا و موسەدیق و چەند کەسێک لە وەزیرەکانی لە لایەن کودەتاچییەکانەوە قۆڵبەست کران.
بێ ئەوەی کە لە هیچ شوێن و سەعاتێکدا لایەنگرانی موسەدیق کەمترین بەرگری لە حکومەت بکەن!
سەیر لەوەدابوو کە شەوی پێش کودەتاکە، حزبی تودەی ئێران بە پێی ئەو زانیارییانەی کە دەستی کەوتبوو، پێوەندی بە موسەدیقەوە کردبوو و هوشداری دابوو کە لە دژی حکومەتەکەی پیلانی بەڕێوەچوونی کودەتایەکی سەربازی لە ئارادایە و پێویستە تا درەنگ نەبووە، فەرماندە باڵاکانی ئەرتەش، بە تایبەت «زاهدی» لەسەر کار لاببرێن یان بخرێنە ژێر چاوەدێری جیدییەوە.
بەڵام موسەدیق ئەمانەی بە پروپاگەندەی بێ بنەمای «تودە« دانا و گوێی پێنەدا. موسەدیق تەنیا ئەو کاتەی کە کودەتا سەربازییەکەی رۆژی ٢٨ی مورداد لە دوا قۆناغی سەرکەوتندا بوو، ئەو راستییەی بۆ دەرکەوت کە هوشدارییەکانی حزبمان جیدی بوون و ئەرتەش و هێزە چەکدارەکان لە باتی ئەو، گوێڕایەڵی «شا» و ئیمپریالیزمی بریتانیان.
لە دوایین پێوەندی حزبماندا لەگەڵ موسەدیق کە تەنیا چەند کاتژمێرێک پێش لە قۆڵبەست کردنی لە لایەن کودەتاچییەکانەوە ئەنجام درا، موسەدیق بەو پەڕی خەم و دڵتەنگییەوە وتی: «لە دژی کودەتا چیتان بۆ دەکرێ بیکەن»!
بەڵام بۆ خۆی لە باتی بەرگری و بەگژدا چوونەوەی

کودەتاچییەکان، خۆی رادەستی ئەوان کرد و بەم شێوە کۆتایی بە حکومەتە نیشتمانییەکەی دوکتور «محەممەدی موسەدیق» هات.
کودەتاچییەکان لە دوای قۆڵبەست کردنی موسەدیق هێرشێکی هەمەلایەنەی بەربڵاویان کردە سەر حزبی تودەی ئێران و رێکخراوە کرێکاری و پێشکەوتنخوازەکان و لە سەرانسەری ئێراندا بە دەیان هەزار کەسیان گرت و سەرجەم سەربازخانەکانیان کردە زیندان.
سەدان کەس لە ئەفسەرانی حزبی تودە دەستگیر کران و دەیان کەسیان لێ گوللە باران کرا.



سەرجەم رێکخراوە کرێکارییەکان و رۆژنامە و گۆڤارە پێشکەوتنخوازەکان داخران و بۆ ماوەی ٢٥ ساڵ حکومەتی ئیرتجاعی و گوێڕایەڵی ئەمریکا و بریتانیا، واتە حکومەتی « حەمە رەزا شای پەهلەوی» دەسەڵاتی گرت و لەو ماوەدا بە تەواوەتی لە خزمەت دابین کردنی بەرژەوەندییەکانی ئیمپریالیزم و سەهیونیزم دا کاری کرد و بەوپەڕی بێرەحمی و دڕندەییەوە دژایەتی هەر چەشنە بزووتنەوەیەکی چەپ و پێشکەوتخوازی کرد.
حکومەتی «حەمە رەزا شا» نە تەنیا دژی گەلانی ئێران، بەڵکوو دژایەتی سەرجەم هێز و بزووتنەوە پێشکەوتنخواز و کرێکارییەکانی جیهان و بە تایبەت ناوچەی رۆژهەڵاتی ناوەڕاستی دەکرد.
ئەم حکومەتە دۆستی نزیکی سەهیونیزم و دەسەڵاتدارانی کۆنەپەرەستی وڵاتە عەرەبەکان بوو و دژ بە بزووتنەوەی گەلانی ئەو وڵاتانە پیلانی دەگێڕا. لەوانە بزووتنەوەی کوردی لە عێراق و بزووتنەوەی «زوفار» لە وڵاتی «عومان» و بزووتنەوەی فەلەستین نموونەی بەرچاو و حاشاهەڵنەگرن.
«حەمە رەزا شا» کە خۆی وەک «پشتیوان»ی بزووتنەوەی کوردستانی عێراق نیشان دابوو، دوای رێکەوتنی لەگەڵ سەدام حوسێن (١٩٧٥)، پشتی لە کوردەکان کرد و بەکردەوە تووشیماڵوێرانی و شکستی کردن.
هەروەها لە ساڵی ١٩٧٧ بە فەرمانی ئەمریکا هێرشی سەربازی کردە سەر شۆڕشگێڕانی «زوفار» لە وڵاتی عومان و بۆ سەرکوتکردنی ئەو بزووتنەوەیە، یارمەتی پاشای مورتەجعی عومانی دا و ... هتد.
بەڵام خۆشبەختانە «ئەوە گەلەکانن کە مێژوو دروست دەکەن،نەک پادشاکان و دەسەڵاتدارەکان» و وانەکانی مێژووی مرۆڤایەتیش ئەو راستیەی سەلماندووە کە هیچ حکومەتێک ئەگەر لە سەر زوڵم و دیکتاتۆریەت دانرابێ، درەنگ یان زوو بە هێزی گەل کۆتایی پێدێت و هەرەس دەهێنێت.
حکومەتی کودەتاچی «حەمە ڕەزا شا»یش لە ساڵی ١٣٥٧ (١٩٧٩ ز) لە ئەنجامی شۆڕشێکی جەماوەری بەربڵاوی گەلانی ئێران کۆتایی پێهات و خرایە زبڵدانی تاریخەوە.

پیرۆز بێت یادی ئەفسەرانی شەهیدی حزبی تودەی ئێران و
حکومەتە نیشتمانییەکەی محەممەدی موسەدیق!

****

کازیوە بە دۆستان و هاوڕێکانتان بناسێنن!

بەیاننامەی سەرۆکایەتی هەرێمی کوردستانی عێراق

سەبارەت بە تۆپبارانەکانی ئێران و تورکیە

له دوايين چركەساتەكانی ديزانی ژماره ١١ى كازيوه ئاگادار بووين كه سەرۆكايەتی هەرێمی كوردستانی عێراق سەبارەت به تۆپبارانەكانی سپای پاسدارانی ئێران و فرۆكەكانی ئەرتەشی توركيه كه تا ئێستا نزيک به ١٠ كوژراو و چەندين برينداری له خەڵكی سڤيلی نيشتەجێی ناوچه سنوورييەكانی هەرێمی كوردستانی عێراقی لێكەوتووەتەوه، دەركردووه.
سەرۆكايەتی هەرێمی كوردستانی عێراق له بەياننامەكەی خۆيدا وێڕای ئيدانه كردنی دەستدرێژييەكانی ئێران و توركيه داوای له هەر دوو پارتی «پژاک و پ.ک.ک» كردووه چيتر خاكی كوردستانی عێراق بۆ هێرش كردنه سەر ئێران و توركيه بەكار نەهێنن و ئەگەر دەيانهەوێت لەسەر خەباتی چەكداری بەردەوام بن، ئەوا پێويسته هەرێمی كوردستان چۆڵ بكەن و بگەڕێنەوه بۆ ناوخۆی وڵاتەكانی خۆيان.
دەقی بەياننامەكەی سەرۆكايەتی هەرێمی كوردستانی عێراق بەم شێوەيه:

به ناوی خوای مەزن و دلۆڤان

هاوڵاتيانی خۆشەويستی كوردستان

هەروەک ئاگادارن بارودۆخی ناوچه شاخاوييه سنوريەكانی هەرێمی كوردستان تا دێت ئاڵۆزتر دەبێت و رۆژانه هاوڵاتيانی هەرێمی كوردستان ڕووبەڕووی تۆپباران و هێرشی ئاسمانی هەر دوو دەوڵەتی كۆماری ئيسلامی ئيران و كۆماری توركيا دەبێتەوه.

ئەو هێرشانه بوونەته مايەی زيان گەياندن به ژمارەيەكی زۆر له دانيشتوانی ناوچه سنوورييەكان كه شەهيد و برينداری لێكەوتۆتەوه. ئەمڕۆ دەبينين ئەو هێرشانه پەرەی سەندووه و گەيشتۆته ئەو ئاستەی كه ناكرێ چيتر له بەرامبەريدا بێ دەنگ بين و هاوڵاتيانی سڤيل و بێديفاعی هەرێم ببنه قوربانی ئەو ململانێيه.

بوونی هێزی چەكداری پژاک و پەكەكه له ناوچه سنورييه شاخاوييەكان بەهانەيەكی بەهێزه له دەست هەردوو وڵاتی دراوسێ. بەردەوامبوونی ئەم جۆره كردەوانه و پەنابردنيان



بۆ توندوتيژی و هەوڵدان بۆ بەكارهێنانی سنورەكانی هەرێمی كوردستان دەبێته مايەی هێنانی توندوتيژی نەخوازراو بۆ گەلەكەمان و ئەمەش خزمەت به دۆزی ڕەوای گەلی كورد ناكات و بەداخەوه لەم ڕووەوه هيچ حيسابێک بۆ بەرژەوەندی خەڵكی هەرێم ناكرێت.

هەروەک له رابردوو ، ئێستاش جەخت له سەر ئەوه دەكەمەوه كه هەرێمی كوردستان خوازياری پەيوەندی دۆستانه و دراوسێيەتی باشه لەگەڵ هەموو لايەک و هيچ كاتێک بەشێک نەبووه له كێشه ناوخۆييەكانی ئەم دوو وڵاته و قەتيش دەست ناخاته ناو كاروباری نێوخۆی هيچ وڵاتێک، بەڵام به هيچ شێوەيەک ناتوانين بێدەنگ بين بەرامبەر به شەهيدكردنی هاوڵاتيانی بێتاوان له هەرێمی كوردستان.

وەكو هەرێمی كوردستان ناخوازين خوێنی هيچ مرۆڤێكی بێتاوان برژێت، له بەرامبەردا بڕوامان به ديالۆگ و گفتوگۆی بەردەوام هەيه بۆ له يەكترگەيشتن له پێناو چارەسەركردنی كێشەو گيروگرفتەكان.

ئێمه پشتريش درێغيمان نەكردووه له هەوڵدان بۆ ئەوەی كێشەكان به ديالۆگ چارەسەر بكرێن و چارەسەری ئاشتيانه ببێ به بژاردەی هەموو لايەک، بەڵام بەداخەوه ماوەيەكه رەوشەكه جارێكی ديكه ئاڵۆزی تيا كەوتۆتەوه.

له قۆناغێكدا ئەوكاتەی كه پێويست بوو خەباتی چەكداريمان كرد له پێناو بەرگريكردن له خاک و ماف و كەرامەتی گەل و نەتەوەكەمان. به تواناى خۆمان و پشت ئەستوور بەهێزو ئيرادەی گەلەكەمان توانيمان بوونی خۆمان و پێناسەی نەتەوەيی خۆمان بپارێزين، بەڵام سەردەمی ئەمڕۆ جيايه.
له دونيای ئەمڕۆدا زمانی ديالۆگ زاڵه بەسەر شەڕو كوشتار

و کردەی سەربازی، لە پێناو گەیاندنی ئەم پەیامەش هەموو توانای خۆمان خستە گەڕ.

ئامانجی ئێمە هەمیشە بەختەوەری گەلەکەمان و سەقامگیری هەرێم بووە، بۆیە بە هیچ شێوەیەک نامانەوێت ئەو بەختەوەری و سەقامگیریەی هەرێم تێکبدرێت جا بە هەر بەهانەیەک بێت، هەر بۆیە داوا دەکەین کە بەرژەوەندی دانیشتوانی هەرێم لە بەرچاو بگیرێت، چونکە ئەم دەستکەوتانەی ئەمڕۆی خەڵکی کوردستان بەری رەنج و خەبات و قوربانیدانێکی زۆرە، پێویستە لە سەر هەموو کوردێک ئەم ئەزموونە بە هی خۆی بزانێت و بیپارێزێت.

دەبێ لە لای خەڵکی کوردستان ئاشکرا بێت کە کردەوەی سەربازیی لە سەر سنوورەکان پاساوێک دەداتە هەر دوو وڵات تا بە بەرچاوی جیهان کردەوە سەربازییەکانیان لە هەرێم ئەنجام بدەن. لە نێو ئەو شەڕە نا بەرامبەرو لەشکرکێشی و بۆردومانە بەردەوامانەدا بە پلەی یەکەم هاوڵاتیانی هەرێمی کوردستان زەرەرمەند دەبن و دڵنیام بە شەڕ ئەم کێشەیە چارەسەر نابێت و لە کۆتاییدا هەر دەبێت بە ئاشتی بێت. ئینجا رۆژێک زووتر ئەو شەڕە کۆتایی پێ بهێنرێ باشترە بەڵام ئەگەر لایەنەکانی دەرگیر خەیاری شەڕیان هەڵبژاردووە ئەوا داوایان لێ دەکەم ئەو شەڕە لە هەرێمی کوردستان دوور بخەنەوە.

ئێمە ئامادەین هەموو هاوکاری و هەماهەنگییەک بکەین لە رێگەی دیالۆگی ئاشتییانە بۆ گەڕانەوەی بارودۆخی ناوچە سنوریەکان بۆ دۆخی ئاسایی . هاوکات داوا لە حکومەتی عێراقی فیدراڵ دەکەین لە رێگەی کەناڵە دیپلۆماسییەکانیەوە لەگەڵ هەر دوو وڵاتی دراوسێ هەوڵەکانی بخاتە گەڕ بۆ کۆتایهێنان بەم هێرشانە و پاراستنی سەروەری عێراق.

بە رەچاوکردنی ئەو بارودۆخە ناسک و هەستیارەدا داوا لە پەرلەمانی کوردستان دەکەم بە وردی دیراسەی ئەم بارودۆخە هەستیارەی هەرێم بکات بۆ بڕیاردان لە سەر دانانی سیاسەتێک کە ڕەنگدانەوەی ڕای یەکگرتووی هەرێمی کوردستان بێت.

مسعود بارزانی
سەرۆکی هەرێمی کوردستان
٢٠١١/٨/٢٣

****

کازیوە بە دۆستان و هاوڕێکانتان بناسێنن!

دەمیرتاش:

بە باوەڕی من PKK باشی نەکرد

سەرۆکی گرووپی BDP لە پەرلەمانی تورکیا سەلاحەدین دەمیرتاش، دەربارەی کوژرانی سەربازانی تورک کە لەم دوایە لەناوچەی چەلی لە ئەنجامی هێرشێکی PKK گیانیان لەدەستدا پەیامێکی ئاراستەی ماڵباتی سەربازەکان کرد:» ئەوەی لەناو ئەو تابوتانە درێژکراون تەنیا نە منداڵی ئێوەنە. بەڵکو ئەوان ویژدان و رۆح و برای هەموومانن. ئەوان قوربانی ئەم شەڕەنە، بەڵام بەرپرسیارنین.

سیاسەت بەرپرسیارە لەبەر ئەوەی ناتوانێ چارەسەری بئافرێنێ».

دەمیرباش بەم شێوەیە درێژەی بە قسەکانی دا:» بۆیە لەناخەوە هاوبەشی خەمی ئەو ماڵباتانەم. بەڵام پێویستە بۆ تێپەڕاندنی ئازاری ئەو ماڵباتانە کوشتنی گەریلاکانی PKK نەبێتە ئامانج. ئەگەر ئێمە بتوانین ئاشتی و دیموکراتی بەرقەرار بکەین، ئەو کات ئازاری ئەو ماڵباتانە نامێنێت دەبێتە دیاریەک بۆ ئەو منداڵانەی لەدەستمان داون».

دەربارەی ئەو مەسەلەیە دەمیرتاش دەڵێ « لەگەڵ راگەیاندنی ئاگربەست هێرشی هێزەکانی ئاسایش وایکرد PKK ئامادەباشی بکات. لەهەمان کات چیرۆکێکی ژیانی چەکدارانی PKK کە لەهێرشی هێزەکانی ئاسایش گیانیان لەدەستداوە.

چیرۆکی ژیانی سەرباز و پۆلیسیش هەیە کە هەموویان دەبنە مایەی مەینەتی لە تورکیا. بەڵام چیرۆکی PKK تەنیا لەم ناوچەیە دەمینێت. رۆژئاوای تورکیا نازانێ چی لێرە دەقەومێت. حکومەت هەنگاو بەهەنگاو گەیاندیە ئەو قۆناغە. بەڵام ئایا PKK باش دەکات؟ بەگوێرەی من باش ناکات.

پێویستە PKKهێرش نەکات. دەوڵەتیش هێرش نەکات. چەک بێدەنگ بێت».

****

کەبودوەند لایەنگرەکانی پژاک بە ئەندامی رێکخراوی مافی مرۆڤی کوردستان نازانێ

دوای ئەوەی ماوەیەک لەوە پێش چەند کەس لە هاوکارانی پێشووی رێکخراوی مافی مرۆڤی کوردستان کە ئێستا پەرێوەی دەرەوەی وڵاتن، بە لایەنگری لە پژاک رایانگەیاند کە تا ئازادیی سەرۆکی بەندکراوی ئەو رێکخراوە ئەوان دەستەی بەرێوەبەریی ئەو رێکخراوە پێک دێنن، محەممەد سەدیقی کەبوودوەند لە راگەیەندراوێک دا ئەو هەوڵە رەد دەکاتەوە و رادەگەیەنێ مادام کەسانێک کە خۆیان بە ئەندامی ئەم رێکخراوە دەزانن بەڵام کردەوە و هەڵوێستیان لە سەر بنەمای بانگەشە بە قازانج یان بە لایەنگری لە کردەوە و ئامانجی حیزب و گرووپێکی سیاسی بێ، ئەوە هەڵسوکەوتیان پێچەوانەی رێوشوێنی تێکۆشەرانی مافی مرۆڤ و دژبەری پێڕەوی و پرەنسیپەکانی رێکخراوەیەکەیە و کارەکانیان بە سەربزێوی و تەکرەوی لێک دەدرێتەوە. راشیدەگەیەنێ کە دروستی کردەوەکان بەندە بە پەسەندکرانی بەرپرسانی باڵای رێکخراوەکەوە.

لە بەشێکی دیکەی راگەیەندراوەکە دا راگەیەندراوە کە سەرجەم چالاکیەکانی رێکخراوی مافی مرۆڤی کوردستان لە ناوخۆی وڵاتە و بە ئاماژە بە راگەیاندراوی ئەو چەند کەسە، پێی وایە کە ئەوان کۆتاییان بە هاوکاری لە گەڵ رێکخراوی مافی مرۆڤ هێناوە و ئەوانەش کە پێشتر هاوکاری ئەو رێکخراوە بوون بەڵام ئێستا پەرێوەی هەندەرانن، وەک ئەندامی ناچالاک ناویان دەبا.

ئەوەی خوارەوە دەقی راگەیەندراوەکەیە بە زمانی فارسی:

صحت اقدامات اعضا منوط به تایید مقام های عالی سازمان است

متاسفانه برخی از افراد که قبلاً در داخل کشور حضور داشته و با سازمان دفاع از حقوق بشر کردستان همکاری می کردند پس از زندانی شدن من به دلایل شخصی یا امنیتی در مقاطع مختلف به خارج از کشور مهاجرت کرده اند و تا آنجا که من اطلاع دارم این افراد به ارتباط های خود با دوستان ما و بطور کلی با سازمان خاتمه داده اند که از این نظر می توان از آنها حداقل به عنوان عضوغیرفعال نام برد بنابراین همانگونه که در اعلامیه فروردین ماه سال گذشته نیز اعلام شده مادامی که افرادی خود را عضو سازمان بخوانند اما رفتار و مواضع شان مبتنی بر تبلیغ به نفع و یا در دفاع از رفتار و مقاصد احزاب و گروه های سیاسی باشد رفتار آنها ناقض آیین رفتار کوشندگان حقوق بشر و مغایر اساسنامه و مقررات سازمان محسوب و اقدامات شان خودسرانه تلقی می گردد. بدیهی است مسئولیت اخلاقی وجدانی حقوقی و قانونی چنین رفتارهایی برعهده خود این افراد خواهد بود و سازمان هیچگونه مسئولیتی در قبال اظهارات مصاحبه ها گفتگوها و نوشته ها و یادداشت ها و یا مواضع گیری های شخصی آنها نخواهد داشت.

مزید اطلاع مجدد این دسته از اعضا مطابق اساسنامه سازمان مدیران اداری و اجرایی و سخنگو توسط رئیس کل در داخل کشور تعیین و زیر نظر وی فعالیت خواهند کرد. علاوه بر این مرکز سازمان در تهران و ارکان های عالی و اصلی مانند مجمع عالی شورای عالی رئیس کل هیات عالی نظارت یا کمیسیونر عالی هیات مدیران سخنگو و دبیرخانه در داخل کشور مستقر یا حضور دارند.

در اینجا من در جهت پیش گیری از اقدامات نسنجیده برخی افراد خودسر در مقام رئیس کل سازمان ناگزیرم اعلام نمایم ادامه عضویت اعضای سازمان در خارج از کشور مشروط به اعلام کتبی استمرار تعهد به اساسنامه و التزام به مقررات و مصوبات مدیران عالی سازمان در داخل کشور خواهد گردید و از این پس جهت اقدامات و ماموریت های محوله و همچنین درستی اظهارات نامه های منتشره و موضع گیری های اعضای سازمان در خارج از کشور منوط به تایید رسمی یکی از سه مقام رئیس کل رئیس شورای عالی و یا کمیسیونر عالی سازمان می شود.

تهران: زندان اوین ۳ مرداد ۲۵/۱۳۹۰ جولای ۲۰۱۱

محمدصدیق کبودوند رئیس سازمان دفاع از حقوق بشر کردستان

سەرچاوە: رۆژهەڵات تایمز

بەیاننامەی هاوبەشی سێ حزبی كوردستانی عێراق

بەیاننامەی لیژنەی باڵای كاری هاوبەش سەبارەت بە هێرشەكانی سەر سنوورەكانی هەرێم و ناوچە دابڕێنراوەكان

هەرێمی كوردستان بە بارودۆخێكی هەستیارو مەترسی دار دا تێ دەپەڕێت لەكاتێكدا میللەتانی دەورو بەر لەناوچەكەدا لەهەوڵی بەدەست هێنانی مافەكانیان دان و لەو كات و ساتەی ئێستادا دانیشتوانی كورد لەناوچە دابڕێندراوەكان بەتایبەت سەعدیەو جەلەولاو قەرەتەپە بەبارو دۆخێكی ئەمنی نالەباردا تێپەڕ دەبێت و سەرلەنوێ ڕوو بەڕووی سیاسەتی شۆڤێنیانە دەبنەوە ، لەولاشەوە سنوورەكانی هەرێمی كوردستان لەلایەن هەریەک لە وولاتانی كۆماری ئیسلامی ئێران و دەوڵەتی توركیاوە ڕوو بەڕووی هێرش و تۆپ بارانی چڕ دەبنەوە ، كەلە ئەنجامدا دەیان گوند چۆڵ كراون و سەدان خێزان ئاوارە بوون و چەندین هاوولاتی سڤیل شەهیدو بریندار بوون ، لەدوایین هێرشی فرۆكە جەنگی یەكانی توركیادا ٧ هاوولاتی بوونەتە قوربانی و شەهید بوون .

ڕووداوەكانی ناوچەكەو ڕاپەڕینە یەک لە دوای یەكەكانی گەلانی ناوچەكە بۆ گۆڕان كاری لە شێوازی سیستەمی سیاسی و ئەنجام دانی چاک سازی و گەڕانەوە بۆ ئیرادەی خەڵک ، زەنگێكی ووریا كەرەوەیە بۆ تێكڕای حكومڕانەكانی ناوچەكە بۆ دەست نیشانكردنی كێشە سەرەكی یەكان و گەڕان بەدوای چارەسەری لۆجیكی و واقعیانە بۆ كێشەكان ، دوور لەزمان و ڕەفتارو كرداری بە هیچ نەزانینی بەرانبەرو بیر كردنەوە تەنها لە چارەسەری سەربازی كە وانەكانی مێژوو پوچەڵی كردونەتەوە.

ئێمە لەلیژنەی باڵای كاری هاوبەش لەم بەیانەدا هەڵوێستی خۆمان لەم خاڵانە دەخەینە ڕوو.

١. بەتووندترین شێوە ئیدانەو مەحكوومی تۆپ باران و هێرش و سنوور بەزاندن و كوشتنی هاوولاتیان دەكەین .

٢.داكۆكی دەكەین بەهەموو شێوەیەک لە سەروەری كوردستان ، لەم چوارچێوەیەشدا فشاری سیاسی و جەماوەری دروست دەكەین بە مەبستی داكۆكی كردن لە سەروەری خاكی هەرێمی كوردستان.

٣.پێمان وایە كە پێویستە كاری بەپەلەو جدی بكرێت بۆ ڕاگرتنی دەست درێژی یەكانی سەر سنوورو تۆپ باران كردن و هێرشەكانی دەورو بەر بۆ گوندە سنووری یەكان و لەم بوارەدا پێویستە هەوڵی سیاسی و دیبلۆماسی و لەسەر ئاستی نوێنەرایەتی سەرۆكایەتی هەرێم و پەرلەمانی كوردستان و حكومەتی هەرێمی كوردستان بخرێتە گەڕ ، بۆ ئەوەی هاوولاتیانی سڤیل نەبنە قوربانی .

٤.پێویستە لەلایەن حكومەتی هەرێمی كوردستانەوە ڕووداوەكان تۆمار بكرێت و لەڕێگای وەزارەتی دەرەوەی عێراق سكاڵا تۆمار بكرێت لە ئەنجومەنی ئاسایشی نێو دەوڵەتی بە مەبەستی ڕاگرتنی دەست درێژی یەكان و قەرەبوو كردنەوەی زەرەرو زیانی هاوولاتیانی كوردستان.

٥. كاركردنی پێكەوەی بە ئامانجی دۆزینەوەی میكانیزمی گونجاو و بە پەلە بۆ بارودۆخی ئاڵۆزو هەستیاری ناووچە دابڕێندراوەكان و بەتایبەتی كارا كردن و جێبەجێ كردنی بڕگەكانی ماددەی ١٤٠ و گەڕانەوەی ئارامی بۆ ناوچەكانی سەعدیەو جەلەولاو قەرەتەپە و ئاراستە كردنی گوتارێكی هاوبەشی لایەنە كوردستانی یەكان لەم بارەیەوە بە پێویست دەزانین بۆ حكومەتی فیدرالی عێراق .

٦.پێویستە وویلاتە یەكگرتووەكانی ئەمەریكا و نەتەوە یەكگرتووەكان وەكو چۆن لەیەک لای كردنەوەی زۆربەی كێشەكانی ڕابردوودا ڕۆڵی سەرەكیان گێڕاوە ئێستاش سنوورێک بۆ ئەم دەست درێژیانە دابنێن و وەلەهەمان كاتدا كاربكرێت بۆ پاراستن و توند و تۆڵ كردنی سەرسنوورەكان لەلایەن هەموو لایەنە پەیوەند دارەكان بەمەبەستی پێشێل نەكردنی سەروەریەكانی هەرێمی كوردستان.

٧.بەهەست كردن بەرانبەر بە ڕووداوەكان و مەترسی یەكانی سەر خەڵكی كوردستان و یەک خستنی هەڵوێستەكان جەخت لەسەر بەستنی كۆنگرەی نەتەوەیی دەكەینەوە .

حزبی سوسیالیست دیموكراتی كوردستان
حزبی شیوعی كوردستان
حزبی زەحمەتكێشانی كوردستان
٢٣ / ٨ / ٢٠١١ هەولێر

****

«شەڕی دژ بە تیرۆر» ی ئەمریکا

٤ ترلیۆن دۆلار و ٢٥٠ هەزار کوژراوی لێکەوتووەتەوە

لە توێژینەوەیەکی نوێدا لەبارەی «شەڕی دژ بە تیرۆر» کە بەر لە نزیکەی ١٠ ساڵ ولایەتە یەکگرتووەکانی ئەمریکا رایگەیاند، دەرکەوت کە تائێستا ٢٥٠ هەزار کەس لەو شەڕەدا کوژراون، هەروەها خەرجی شەڕەکەش پتر لە ٤ ترلیۆن دۆلارە.

زیان و خەرجییەکەی

لە جەنگی یەکەمی جیهان زیاترە

ئەم ژمارەیەش لە تێچووی دووەمین جەنگی جیهان (١٩٣٩، ١٩٤٥) زیاترە، سەرباری زەرەر و خەرجیی ناڕاستەوخۆ و ئەو زیانانەی ناکرێ بە پارە بخەمڵێنرێ.

لەکاتێکدا ولایەتە یەکگرتووەکان بە دەست قەیرانێکی فرە لایەنی ئابوورییەوە دەناڵێنێ، مشتومڕیش لە نێوانی کۆنگرێس و حکومەتدا گەرمە، بۆ گەیشتنە رێگەچارەیەک بۆ رێگرتن لە تەشەنەکردنی قەیرانەکە، پەیمانگەی توێژینەوەی نێودەوڵەتی واتسۆن ، کە سەر بە زانکۆی براونە کە یەکێکە لە حەوت زانکۆ یەکەمەکەی ئەمریکا، توێژینەوەیەکی گشتگیری بە ناونیشانی (تێچووی شەڕی دژ بە تیرۆر-هەر لە ساڵی ٢٠٠١ەوە: عێراق، ئەفغانستان، پاکستان) بڵاوکردەوە، کە بەدرێژی خەرجی ئەو شەڕەی خستووەتەڕوو.

بەگوێرەی ئەوەی لە توێژینەوەکەدا هاتووە «دوای ١٠ ساڵ لەو شەڕەی ولایەتە یەکگرتووەکانی ئەمریکا، لە پاش تەقینەوەکانی یازدەی سێپتەمبەری ٢٠٠١ لە نیویۆرک و واشنتن، رایگەیاند، تێکڕای خەرجی ولایەتە یەکگرتووەکانی ئەمریکا لە شەڕەکانی عێراق و ئەفغانستاندا، هەروەها شاڵاوە سەربازییەکانی لە پاکستاندا، گەیشتووەتە زیاتر لە ٤ ترلیۆن دۆلاری ئەمریکی و کوژرانی ٢٢٥ هەزار کەسی سیڤیل و سەرباز لە هەموو لایەنانی راستەوخۆ تێوەگلاوی ئەو شەڕەدا»".

توێژینەوەکە دەڵێ، لە دیاریکردنی تێکڕای ئەو خەرجییەدا، کەمترین رێژە لەبەرچاوگیراوە، بە تایبەتی ئەوەی پەیوەندی بە خەرجی و ژمارەی کوژراوانی سڤیلەوە هەیە، بەتایبەتی لە عێراقدا، ئینجا بەشێوەیەکی گشتی لە ئەفغانستان و پاکستاندا.

توێژینەوەکە ئاماژە بەوە دەکات، کە حکومەتی ئەمریکا کە شەڕەکەی راگەیاندووە (حکومەتی سەرۆکی پێشوو جۆرج بوش) و حکومەتی ئێستاش، گەلی ئەمریکای بە تەواوی لە راستییەکان ئاگادار نەکردووەتەوە و ئاگاداریشی ناکاتەوە، جا چ لەڕووی ئەوەی کە ئاخۆ ئەو شەڕە پێویستبوو یان نا، یان ئەوەی ئەلتەرناتیف بۆ بەرەنگاربوونەوەی تیرۆر هەیە یان نا؟ هەر بۆیە توێژینەوەکە داوای لە کۆنگرێس و حکومەتیش کرد کە بە روونی بێنە پێشەوە، هەروەها بە وردییش راستییەکان بخەنە بەردەم گەلی ئەمریکا، چونکە بەشی هەرە زۆریان راستییەکانی ئەو شەڕە نازانن، تەنیا ئاگایان لەو دروشم و ناونیشانانەیە کە ئەو شەڕەیان لە پاڵدا هەڵگیرسێندرا.

حکومەتی سەرۆکی پێشوو جۆرج بوش، هەستی نیشتیمانی لەلای ئەمریکاییەکان وروژاند و سۆزی بزواندن، بۆ چوونە نێو شەڕی دژ بە تیرۆرەوە، بە بێ ئەوەی بە وردی دوژمن دیاری بکرێ، بەبێ ئەوەی خەرجی شەڕەکەش بخەمڵێندرێ و، بە بێ دیاریکردنی ئەوەی کە ئاخۆ چەند کات و ساڵ درێژە دەکێشێ. حکومەتی بوش تاوەکو دوایین رۆژگاری خۆی هەر دروشمەکانی شەڕی دژ بە تیرۆری دەگوتەوە.

نزیکەی ٢٠ زانا و پسپۆڕی ئابووری و سیاسی و پارێزەر و مێژوونووس و کەسانی تایبەتمەندی کاروباری مرۆیی و کۆمەڵایەتی بەشدارییان لەو توێژینەوە شیکارییەدا کردووە، کە گرنگترین ئەنجامەکانی ئەمانەن:

-ئەو خەرجییەی کەوتە ئەستۆی ولایەتە یەکگرتووەکانی ئەمریکا (پتر لە ٤ ترلیۆن دۆلارە)، لەوانەش خەرجی چارسەرکردنی برینداران و ئەوانەی پەککەوتە بوون.

-کوژرانی ٣١ هەزار سەرباز، لە نێویاندا خانەنشینانی نێو هێزەکانی ئەمریکا، هەروەها کارمەندانی ئاسایش و پۆلیس و سوپا لە عێراق و ئەفغانستاندا.

-کوژرانی ١٧٢ هەزار کەسی سڤیل (١٢٥ هەزار عێراقی ، ٣٥٦٠٠ پاکستانی، ١١٧٠٠ ئەفغانی).

- ئاوارەبوونی (٧،٨) ملیۆن کەس، لەنێوخۆ و دەرەوەی وڵاتەکاندا (٣،٥) ملیۆن پەنابەری عێراقی، لەنێویاندا ١،٨ ملیۆن پەنابەر لە دەرەوەی عێراق، ٣،٣ ملیۆن پەنابەری ئەفغانی و یەک ملیۆن پەنابەری پاکستانی، لە نێویاندا ٩٦٥ هەزار لە دەرەوەی پاکستان).

- ولایەتە یەکگرتووەکان زۆر قەرزدار بووەو تائێستا بڕی ١٨٥ ملیار دۆلار سوودی ئەو قەرزانەی داوە. توێژینەوەکە وای خەمڵاندووە تاوەکو ساڵی ٢٠٢٠ بڕی یەک ترلیۆن دۆلار وەک تێکڕای سوودی ئەو قەرزانە بدات.

- توێژینەوەکە دەڵێ، خەرجی و زیانی نەبیندراو زۆر لە خەرجی و زیانی بیندراوی ماددی و مرۆیی زیاترە.

-ژمارەی سەربازانی کوژراوی ئەمریکی گەیشتە ٦٠٥١ سەرباز، ژمارەی سەربازانی برینداریشی گەیشتە ٩٩ هەزار و ٦٥ کەس.

....

* جێگەی سەرنجە کە لەم لێکۆڵینەوەدا هیچ حسابێک بۆ ئەو زەرەر و زیانە مادییە گەورەی کە بەر وڵاتانی تر،بە تایبەت عێراق و ئەفغانستان و پاکستان و لیبی و...هتد، کەوتوە نەکراوە. ئەگر ئەوانەشی بخەینە سەر ئەوا باشتر دەر دەکەوێت کە سیستەمی سەرمایەداری بە ناوی «دیمۆکراسی و مافی مرۆڤ»ەوە بە چ شێوەیک دەسکەوتی کار و کۆششی بەشەرییت بە فیرۆ دەدات و لە دژی مرۆڤایەتی بەکاری دەهێنێت. ئەمەش لە حاڵێکدایە کە هەر رۆژ دەیان منالی بێتاوان لە«سومالی» لەبەر نەبوونی پاروە نانێک لە برسان دەمرن ...(کازیوە)

****

ڕوونکردنەوەیک سەبارەت بە بڵاوکراوەی
راە تودە

یەکێک لە خوێنەرانی کازیوە لە ڕێگەی ئیمەیلەوە سەبارەت بە بڵاوکراوەی «راە تودە« (ڕێگای تودە) پرسیارێکی ئاراستە کردووین کە بەڵێنمان پێدابوو لە یەکێک لە ژمارەکانی کازیوەدا وێڕای وڵام دانەوە بە پرسیارەکەی، ڕوونکردنەوەیەک لەبارەی ئەو بڵاو کراوە (راە تودە) پێشکەش بە خوێنەرانی کازیوە بکەین.

ئەم دۆستە پرسیاری کرووە: «ئایا بڵاو کراوەی راە تودە سەر بە حزبی تودەی ئێیرانە؟»

هەر چەند لە وڵامی ئەو پرسیارەدا دەتوانین بە کورتی بڵێین «نەخێر»، ئەو بڵاوکراوە لە ئێستادا نە تەنیا سەر بە حزبی تودەی ئێران نییە، بەڵکوو بە تەواوەتی بڵاو کراوەیەکی دژە تودەییە و لە لایەن کەسانی گومان لێکراوەوە بە مەبەستی چەواشەکردنی مێژوو و بیر و بۆچوونەکانی حزبمان بەڕێوەدەچێت».

بەڵام وێڕای ئەم وڵامە، پێویستە سەبارەت بە رادە تودە ڕوونکردنەوەیەکی مێژوویی پێشکەش بە خوێنەرانی کازیوە بکەین. چونکە بڵاو کراوەی راە تودە لە ماوەی وەشان و فەعالیەتی خۆیدا دو دەورەی جیاجیا و دژ بە یەکی تێپەڕ کردووە کە بە بێ سەرنجدان لەو دو دەورە و جیاکردنەوەیان ئاستەمە لە ماهیەت و ناوەڕۆک و ئامانجەکانی بەڕێوەبەرانی ئێستای راە تودە تێبگەین.

دەورەی یەکەم: لە سەرەتای دەستپێکی چاپ و بڵاو کردنەوەی راە تودە لە ساڵی ١٣٦١ تا ١٣٦٣ی هەتاوی (١٩٨١ تا ١٩٨٤ زایینی)

راە تودە لەم قۆناغەدا بە هەواهەنگی و ڕەزامەندی کومیتەی ناوەندی حزبمان (کە ئەو کات بە هۆی سەرکەوتنی شۆڕشی گەلانی ئێران لە ساڵی ١٣٥٧ (١٩٧٩ز) دا لە ناوەوەی وڵات چالاک بوو) ،وەک «بڵاوە کراوەی لایەنگرانی حزبی تودەی ئێران لە دەرەوەی وڵات» (نشریەی هواداران حزب تودە ایران در خارج از کشور) لە مورداد مانگی ساڵی ١٣٦١ی هەتاوی (ژوئیەی ١٩٨١ی ز) دەستی بە فەعالیەت کرد.

راە تودە لەم قۆناغەدا بە تەواوەتی بڵاو کراوەیەکی تودەیی بوو و لایەنگری لە سیاست و بۆچوونەکانی حزبی تودەی ئێران دەکرد و لەو چوارچێوەدا فەعالیەتی دەکرد.

هەر بەم بۆنەوە لە ماوەیەکی کورتدا نە تەنیا لە ناو ئێرانییەکانی دەرەوەی وڵات، بە تایبەت لە ناو خوێندکاراندا جێگە و پێگەیەکی بەرچاوی بەدەست هێنا و تیراژەکەی زیادی کرد، بەڵکوو بەهەمان شێوە لە ناو حزب و ڕێکخراوە چەپ و پێشکەوتنخوازەکانی وڵاتانی تریش، ناوبانگی دەرکرد و بایەخێکی زۆری پێدرا.

واقیعەت ئەوەیە کە لەو ساتە وەختەدا بڵاوە کراوەی راە تودە وێڕای ئەوەیکە لە ژێر ناوی «بڵاو کراوەی لایەنگرانی حزبی تودەی ئێران لە دەرەوەی وڵات» چاپ و بڵاو دەکرایەوە، بەڵام بەسەر ئەوەشدا تا ئاستی زمان حاڵی حزبی تودەی ئێران لە دەرەوەی وڵات، بایەخی پێدەدرا و جێگای متمانەی حزبمان و حزب و لایەنە چەپ و دیمۆکراتەکانی وڵاتانی تر بوو.

ئەو بایەخ و متمانە پێکردنە بەتایبەت دوای داخرانی ئۆرگانی ناوەندی حزبمان لە بەهاری ساڵی ١٣٦٠ (١٩٨١) لە لایەن حکومەتی تازە دامەزراوی کۆماری ئیسلامی لە ناوخۆی وڵات، ئەوەندەی تر زیادی کرد.

لەم تاریخە بەدواوە تا ٢٩ی موردادی ١٣٦٣ی هەتاوی واتە(٣٠ی ئاگوستی ١٩٨٤ی زایینی) راە تودە تەنیا بڵاوە کراوەی ناسراوی حزبمان بوو. هەر بۆیە لە بواری گەیاندن و بڵاوە کردنەوەی بۆچوون و ڕاگەیاندنەکانی حزبماندا ڕۆڵێکی یەکجار مەزن و بەرچاوی گێڕا.

ئەمە لە حاڵێکدا بوو کە کۆماری ئیسلامی لە تاریخی ١٧ی بەهمەن مانگی ١٣٦١ی هەتاوی – سەرەتای ساڵی ١٩٨٣ی ز) هێرشێکی دڕندانەی بەربڵاوی کردە سەر حزبمان و جگە لە سکرتێر و چەند ئەندامێکی کومیتەی ناوەندی و مەکتەبی سیاسی، هەزاران کەس لە کادیر و ئەندامان و لایەنگرانی حزبمانی دەستگیر و ڕەوانەی ئەشکەنجەکان کرد و فەعالیەتی حزبی تودەی ئێران لە لایەن دادگای بەناو ئینقلابی ڕژیمەوە بە نایاسایی ڕاگەیەندرا.

راە تودە بەوپەڕی بەرپرسایەتی و پەرۆشەوە هەواڵی ئەم هێرشەی گەیاندە گوێی تێکۆشەران و پێشکەوتنخوازانی دەرەوەی وڵات و لە وشیار کردنەوەی رەوتە چەپ و دیمۆکراسی خوازەکانی دەرەوەی وڵات سەبارەت بە ڕووداوەکانی ئێران و وەرچەرخانی ڕژیمی کۆماری ئیسلامی بەرەو «ڕاست»، ڕۆڵی بەرچاوی بینی.

لە ئوردیبەهەشت مانگ (گوڵان)ی ١٣٦٢ی هەتاویدا دەزگا ئەمنیەتییەکانی رژیم دووهەمین هێرشی بەربڵاویان کردە سەر حزبمان و دەیان هەزار کەس لە ئەندامان و لایەنگرانی حزبی تودەی ئێران و چالاکانی سەندیکایی و خوێندکارییان دەستگیر و رەوانەی ئەشکەنجەگاکان کرد. هەر لەم هێرشەدا کە مەبەست لێی لەناو بردن و کۆتایی پێهێنانی هەتاهەتایی بە حزبی تودەی ئێران بوو، جگە لەو دەیان هەزار ئەندام و لایەنگرە، نزیک بە ٨٠ لەسەدی ئەندامانی سەرکردایەتی حزبمان قۆڵبەست کران و لە لایەن دادگای بەناو ئینقلابی رژیمەوە حزبی تودەی ئێران بە «منحله« واتە هەڵوەشاوە« راگەیەندرا.

بەڕێوەچوونی ١٨هەمین پلۆنۆمی کومیتەی ناوەندی حزبی تودەی ئێران لە ئازەر مانگی ١٣٦٢ (١٩٨٣ز) دوای هێرشی بەربڵاوی رژیم و بە «هەڵوەشاوە« ناو لێبردنی حزبمان، گورزێکی گران بوو کە بەر رژیم و سەرجەم دوژمنانی چینی کرێکاری ئێران کەوت.

دەستەی نووسەرانی «راە تودە« بە گەرمی پێشوازییان لە بەڕێوەچوونی پلۆنۆمی ١٨ کرد و وێڕای بەشداری کردنیان لە بەڕێوەچوونی سەرکەوتووانەی، سەرجەم راپۆرت و بەڵگە پەسەند کراوەکانی پلۆنۆمیان لە «راە تودە«دا لە چاپ دا.

و بەم شێوە وەفاداری خۆیان بۆ حزب دووپات کردەوە و پابەند بوونی خۆیان بە بڕیارەکان و پەسەند کراوەکانی پلۆنۆم سەلماند. (بڕواە راە تودە ژمارە ٧٣ و ٨٠ (هەر دو ژمارەکەتایبەتن بە پلۆنۆمی ١٨) و ژمارەکانی دواتر .)

وێڕای ئەمە، پلۆنۆمی ١٨ داوای لە کومیتەی ناوەندی کرد کە بە زووترین کات هەوڵبدات ئۆرگانی ناوەندی حزبمان، واتە جەریدەی «نامە مردم» (نامەی مەردوم) سەرلە نوێ ئامادە چاپ و بڵاو بکرێتەوە.

«نامە مردم» لە خورداد مانگی ١٣٦٣ (١٩٨٤ ز) سەر لە نوێ چاپ و بڵاو کرایەوە کە ئەمەش بە مانای دەستپێکی قۆناغێکی تازە لە فەعالیەتی شۆڕشگێڕانەی حزب دوای هێرشەکانی کۆماری ئیسلامی بوو.

دەستەی نووسەرانی «راە تودە« لە سەروتاری ژمارە ١٠٠ی ئەم بڵاو کراوەدا دوای بەرز نرخاندنی رۆڵی کومیتەی ناوەندی حزبمان لە بەڕێوەبردنی ئەرکەکانیان و هەروەها رێکخستنەوەی ئۆرگانە جۆربەجۆرەکانی تەشکیلاتی حزب، ئەوەشی راگەیاند کە کۆتایی بە چاپ و بڵاو کردنەوەی (راە تودە) دەهێنێت.

دەستەی نووسەرانی «راە تودە«، سەبارەت بە هۆکاری سەرەکی کۆتایی هێنان بە فەعالیەتی ئەم بڵاو کراوەیە هەر لە ژمارە سەد (١٠٠)ی راە تودە (واتە دوایین ژمارەی راە تودە) نووسیویانە: «لە ئێستادا بە هۆی دەرچوونی دووبارەی «نامە مردم» ئۆرگانی ناوەندی حزبی تودەی ئێران، ئەو ئەرکانەی کە دۆخێکی مێژوویی تایبەت خستبوویە ئەستۆی «راە تودە« کۆتایی پێدێت». («راە تودە ژمارە ١٠٠» ٢٩ی مورداد مانگی ١٣٦٣ — ١٢ی ئاگوستی ١٩٨٤).

بە هەر حاڵ «راە تودە«، «بڵاو کراوەی لایەنگرانی حزبی تودەی ئێران لە دەرەوەی وڵات» بەم شێوە و دوای دەرچۆنی یەکسەد (١٠٠) ژمارە بە رەسمی لە ٢٩ی مورددادی ١٣٦٣ — (٢٠ی ئاگوستی ١٩٨٤ ز) بۆ هەمیشە کۆتایی بە فەعالیەتی خۆی هێنا.

....

«راە تودە«ی دووهەم!

هەروا کە ئاماژەمان پێکرد «راە تودە«، بڵاو کراوەی لایەنگرانی حزبی تودەی ئێران لە دەرەوەی وڵات (راە تودە - نشریە هواداران حزب تودە ایران در خارج از کشور) بە رەسمی لە ٢٩ی مورددادی ١٣٦٣ی هەتاوی کۆتایی بە فەعالیەتی خۆی هێنا.

بەڵام ٨ ساڵ دواتر، دوو کەس لە ئەندامانی «دەرکراوی» حزبی تودەی ئێران، واتە لە ساڵی ١٣٧١ی هەتاوی (١٩٩٢ی ز) بە بێ رەعایەت کردنی پرەنسیپە ناسراوەکانی بواری رۆژنامەگەری، بە دزینی ناوی «راە تودە« دەستیان کرد بە چاپ و بڵاو کردنەوەی جەریدەیەک کە نە تەنیا هیچ پێوەندییەکی بە «حزبی تودەی ئێران» و «راە تودە«وە نەبوو، بەڵکوو بە تەواوەتی دژ بە حزبی تودەی ئێران و بنەما فیکری و سیاسییەکانی «راە تودە«ی واقیعی بوو.

هەر بەم بۆنەوە حزبی تودەی ئێران دوای ئاگادار بوونی لەم «ناو دزی»ییە رایگەیاند: «بە باوەڕی ئێمە هەر کەس یان کەسانێک مافی ئەوەیان هەیە لە هەر شوێنێک، هەر بڵاو کراوەیەک، بۆ هەر مەبەست و ئامانجێک کە باوەڕیان پێی هەبێت، (چاپ) و بڵاو بکەنەوە، بەڵام بەکار هێنانی ناو و نیشانی بڵاو کراوەی رێکخراوە یان حزبێکی سیاسی، ئەویش بە بێ ئاگادار کردنەوە و ئیجازەی ئەو رێکخراو یان حزبە، کردەوەیەکی ناپەسەند، غەیری ئەخلاقی، غەیری ئوسولی و ...)یە. (نامە مردم ٢١ی مێهری ١٣٧١ — ١٩٩٢ی ز).

بەڵام بەداخەوە نە نارەزایەتی دەربڕینی حزبی تودەی ئێران و نە ئامۆژگارییەکانی کەسانی تر و نە پێویستی رێزگرتن لە بنەما و یاسا و رێساکانی کاری رۆژنامەگەری

ئەو دو ئەندامە دەرکراوەی حزبی لە «ناو دزی»یەکەیان پەشیمان نەکردەوە و بە بێ گوێدان بە هەر بنەمایەکی ئەخلاقی و ئینسانی، بە سوئیستفادە کردن لە ناوی «راە تودە« درێژەیان بە کارە قیزەونەکەی خۆیان دا.
هەڵبەت پێویستە ئاماژە بکرێت کە ئەم دو ئەندامە دەرکراوەی حزبمان، لە سەرەتادا ئیدیعای ئەوەیان دەکرد کە مەبەستیان لە بڵاو کردنەوەی جەریدەکەیان تەنیا باس کردن و شیکردنەوەی مەسەلە فیکرییەکانی چەپ لە سەر ئاستی جیهانییە!
بەڵام زۆری پێنەچوو کە لە جیاتی ئەوە، سەرجەم لاپەڕەکانی بڵاو کراوەکەیان بۆ «هێرش کردنە سەر کومیتەی ناوەندی حزب و چەواشە کردنی مێژوو و بنەما فیکرییەکانی حزبی تودەی ئێران» بەکار هێنا و تا ئێستاش بە هەمان شێوە دژایەتی حزبمان دەکەن.
لە واقعیدا دەتوانین بڵێین شێوەی کار و فەعالیەتی دژە تودەیی «ناو دز»ان و بەڕێوەبەرانی «راە تودە«ی ئێستا، شێوەیەکی فریوکارانە و فێڵبازانەیە کە ئەویش بریتییە لە بەکارهێنانی ناوی «راە تودە«، بۆ بڵاو کراوە دژە تودەییەکەیان، خۆحەشاردان لە پشت دەمامکی دڵسۆزی بۆ مێژووی حزبی تودەی ئێران سوئیستفادە لە وێنە و ناوی شەهیدانی سەربەرزی حزبمان بۆ هێرش کردنە سەر ئەندامانی کومیتەی ناوەندی و سەرجەم ئۆرگانەکانی تەشکیلاتی ئێستای حزب و هەروەها چاپ و بڵاو کردنەوەی بیرەوەری «درۆ» بە ناوی رێبەرانی شەهیدی حزب سەبارەت بە مێژووی حزبمان و رێبەرایەتی ئێستای حزب (بە هەمان مەبەستی پێشوو).
بەڕێوەبەرانی (دەورەی دوهەمی) «راە تودە)، بە ئاشکرا دەیڵێین و دەینووسن کە نە رێبەرایەتی ئێستای حزب و نە هیچ کام لە ئۆرگان و رێکخراوەکانی حزبی تودەی ئێرانیان قەبوڵ نییە و هاودەنگ و هاوئاهەنگ لەگەڵ دەزگا ئەمنیەتییەکانی رژیمی کۆماری ئیسلامی، هەوڵدەدەن بە لایەنگران و دۆستانی ئەمڕۆ و دوێنی حزبمان بڵێین کە «دوای هێرشیەکانی یەک لە دوای یەکی کۆماری ئیسلامی لە ساڵەکانی ۱۳۶۱ و ۱۳۶۲ (۱۹۸۱ ز) حزبی تودەی ئێران تا ئێستاش «خۆی رێکنەخستووەتەوە و بەکردەوە بوونی نییە!»
ئەمەش رێک دووپات کردنەوەی هەمان پڕوپاگەندەی رژیمە کە تا ئێستاش بە «منحله» (هەڵوەشاوە) ناوی حزبمان دەبات.
ئایا دزەکانی ناوی «راە تودە« لەمە بێ ئاگان؟
بێگومان وانییە و ئەوانیش بەکردەوە بەشێکن لە دام و دەزگا ئەمنیەتییەکانی رژیم و هەمان سیاسەت و پیلانە جۆربەجۆرەکانی رژیم دژ بە حزبی تودەی ئێران بەڕێوەدەبەن.
کە واتە ئاشکرایە کە ئەو بڵاو کراوەی کە لە ساڵی ۱۳۷۱ی هەتاوییەوە (۱۹۹۲ ز) بە ناوی «راە تودە« وە فەعالیەت دەکات، نە تەنیا هیچ پەیوەندییەکی بە حزبی تودەی ئێرانەوە نییە، بەڵکوو هەر لە یەکەم رۆژی دەستپێکی فەعالییەتی خۆیەوە تا ئێستا بە مەبەستی دژایەتی کردنی حزبی تودەی ئێران «پێک هێنراوە«.
بۆ زانیاری زۆرتر تکایە بڕواننە کتێبچەی «»کارنامەی دژە تودەیی راە تودە« چاپ و بڵاو کردنەوەی حزبی تودەی ئێران.
بۆ دەسخستنی ئەم کتێبچەیە سەردانی ماڵپەڕی حزبی تودەی ئێران – بەناونیشانی:

/http://www.tudehpartyiran.org

بەشی (کتێبخانە) بکەن.

****

کازیوە بە دۆستان و هاوڕێکانتان بناسێنن!

فەلسەفەی مارکسیزم

نووسینی: پودوسیتنیک
وەرگێڕان: جەلال دەباغ

بەشی یەکەم
فەلسەفەی مارکسیزم ماتێریالیزمی دیالەکتیکە
فەلسەفە چییە؟

١. لە تاقیکردنەوەی ڕۆژانەی خۆمانەوە فێربووین کە بۆ ئەوەی لەو شتانەی لە دنیای دەوروپشتماندا ڕوودەدەن تێبگەین، ئەبێ ڕژێمێکی زانیاری بکەینە رابەری خۆمان لە سەرنجدانی ژیان و هەموو دنیا و شوێنمان لەم دونیایەدا و سەرنجدانی ئەم یان ئەو دیاردە و ڕووداوە، ئەم چەشنە ڕژێمە بۆ سەرنجدانی دنیا و تێگەیشتنی بەڵکوو هەروەها بۆ ئەوەش کە مرۆڤ شوێنی خۆی لەم دنیایەدا بزانێ و بە چەشنێکی کاریگەر کار بکاتە سەر ڕووداوەکان و بۆ ئەوەی بە گەرمی بەشداری خەباتی ڕزگاریخوازی بکات کە لەم سەردەمەدا زۆر بەرین و فراوان بووە، (بە کورتی تەنیا کاتێک ئەتوانین بە باشی لەو ڕووداوانەی دەوروپشتمان تێبگەین ئەگەر سەرنجێکی ڕاست بکەینە رابەری خۆمان و لە گۆشەی ئەو سەرنجەوە تەماشای هەموو لایەنێکی ژیان و دنیا و دیاردە و ڕووداوەکان بکەین) و تەنیا فەلسەفەیە کە زانستێکی لەم چەشنەمان ئەدات بەدەستەوە. ئەمەش ئەوە دەگەیەنێت کە زانیاری فەلسەفەش لە پاڵ زانستەکانی تردا هەر وەکوو هەوا چۆن پێویستە بۆ ژیان ئاوا پێویستە بۆ دامەزرێنەرانی ژیانی نوێ.

هەر کەسێک لە فەلسەفە بکۆڵێتەوە و بە قووڵی فێری بێت، بیروڕای لە شت کۆڵینەوەی زۆرتر و بەرچاوی فراوانتر ئەبێ و بە وردی سەرنجی هەموو ئەو شتانە ئەدات کە لە دنیای دەوروپشتیدا ڕوو ئەدەن، هەروا لە خۆڕایی نییە کە ووشەی (فەلسەفە) لە زمانی یونانی کۆنەوە وەرگیراوە و مانای (خۆشەویستی زانستە).

ئەبێ ئەوەش بزانین کە دنیابینیی هەموو فەلسەفەیەک بە چەشنێکی زانیاری نییە. هەندێ لە فەیلەسوفەکان بە تایبەتی لە وڵاتانی ئیمپریالیزمدا ڕووداوەکانی دنیا ئاوەژۆ ئەکەنەوە، بەم جۆرە دەرئەکەوێت کە هەموو فەلسەفەیەک نابێتە رابەری ژیان، چونکە وەنەبێ هەموو دنیابینییەک ڕاست بێ و، بە تاقیکردنەوە دەرکەوتووە کە خەڵکی تەنیا لە ڕێگەی فەلسەفەیەکی زانیارییەوە ئەتوانن بگەنە بیروباوەڕێکی گیر و بە ڕاستی پارێزگاری بەرژەوەندی گەلەکانیان بکەن و ئازادی و سەربەخۆیی وڵاتەکانیان بپارێزن و لە پێناوی ئاسایش و بەختیاری مرۆڤدا کاروکۆششی مەزنیان لێ بوەشێتەوە. جا ئایا بایەخ و ئەهەمیەتی گەورەی فەلسەفە لە چی دایە؟ زانیاری فیزیا و ئەستێرەناسی و بیولۆژی (زانیاری زیندەوەر) و زانستەکانی تر لەو قانوونانە ئەکۆڵنەوە کە دەربارەی بەشێک لە دیاردە و ڕووداوەکانی سروشتن، بەڵام فەلسەفە لەو قانوونە فراوانە ئەکۆڵێتەوە دەربارەی هەموو دیاردە و ڕووداوەکانی دنیان و لەسەر ڕێوشوێنی ئەوان تەواوی دنیا لە گۆڕان و پەرەسەندن دایە، لەبەر ئەمە فەلسەفە زانیارییەکە دەربارەی قانوونە هەرە بەرین و فراوانەکانی گۆڕان و پەرەسەندنی سروشت و کۆمەڵە و بیروڕای مرۆڤ. بەڵام بێ گومان هەڵەیەکی گەورەیە ئەگەر لەمەوە بێینە سەر ئەو باوەڕەی کە گوایا فەلسەفە بتوانێ دەستبەرداری زانیارییەکانی تر بێت و یان ئەوان دەستبەرداری فەلەسەفە بن، فەلسەفە تەنیا کاتێک دنیابینیەکی پێشکەوتنخواز و پێشڕەوە ئەگەر لەبەر ئەنجام گەیشتندا پشت ببەستێ بە دەسکەوتی زانستەکانی تر.

٢. لەم ڕۆژەدا ئەو فەلسەفەیە تەنیا فەلسەفەی مارکسیزمی لێنینیزمە کە پێوەندی لەگەڵ زانستەکانی تر بەهێزە و پشت ئەستوورە بە تازەترین دەستکەوتی زانیاری و هەروا زانیاری ئەم چەرخە بە باشترین دنیابینی فەلسەفەیی پێشکەوتووانە چەکدار ئەکات و پێشکەوتووترین ڕێگای زانستیان بۆ ئەدۆزێتەوە و یاریدەیان ئەدات بۆ دەستکەوتی زانیاری نوێ کە بۆ مرۆڤایەتی یەکجار پێویستن.

٣. فەلسەفە کۆمەڵە دنیابینییەکی تایبەتی پێشکەش بەو خەڵکە ئەکات و بە باشترین تێگەیشتن لەبارەی دنیاوە چەکداریان ئەکات و هێز و توانای مەزنیشی لەمەدایە.

٤. (بەڵام وەک وتمان دنیابینی لای هەر کەسە بە جۆرێکە و ئەگۆڕێ)، دنیابینی لای هەندێ کەس زانیاری و پێشکەوتووانەیە و لای هەندێکی تر پێچەوانەی زانیارییە و کۆنەپەرەستانەیە.

بۆ نموونە ئەگەر سەرنجێکی هەندێ مەسەلەی فەلسەفە

بدەین کە پێوەندیان بە مانای ژیان، ئازادی و شتی واوە هەیە، ئەبینین هەر کۆمەڵە بە چەشنێکی لێی تێ ئەگەن و جۆری تێگەیشتنی تێکۆشەرانی پێناوی ئازادی و بەختیاری گەلان جیاوازە لە جۆری تێگەیشتنی چەوسێنەر و رەنج خۆرانی گەلان.
تێکۆشەرانی دژی ئیمپریالیزم بە چەشنێک لە ئازادی و بەختیاری تێ ئەگەن کە جیاوازە لە تێگەشتنی ئیمپریالیزم.
بە هۆی جیاوازی شوێن و جێگای خەڵکەوە لە ژیان و کۆمەڵدا، بیروباوەڕی فەلسەفەشیان جیاوازە. مێژوو پیشانمان دەدات کە لە کۆمەڵێکدا ئەگەر چەند چین و توێژێکی کۆمەڵایەتی هەبێت لە ناویەکدا لە زۆرانبازی و ململانێ دابن، ئەوا لە بارەی فەلسەفەشەوە تێبینیان جیاواز دەبێت، و بە هیچ جۆرێک ناگونجێت لە کۆمەڵێکی وادا یەک جۆرە فەلهسەفە هەبێت و زۆرلێکراوان و زۆرداران بە یەک چاو تەماشای دنیا بکەن، بەمجۆرە بۆمان دەردەکەوێت کە فەلسەفە بێ لایەن نییە و هەر (چینێکی کۆمەڵایەتی) فەلسەفەی تایبەتی خۆی هەیە و بە پشت بەستن بە فەلسەفەکەی، پارێزگاری لە بەرژەوەندی چینایەتی خۆی دەکات.
لەبەر ئەمە هەمیشە لە فەلسەفەی هەموو چەرخێکی مێژوویدا چەند فەلسەفەیەکی بەرەنگار و ناکۆک هەبوون، لەو فەلسەفانە دەتوانین ماتێریالیزم و ئایدیالیزم ناوبەرین.
لێرەدا نابێ ئەوەمان لە یاد بچێ کە زۆرجار مانای راستەقینەی زانیاری ئەم دوو وشەیە ئاوەژوو ئەکرێتەوە و ئەشێوێنرێت و چینە کۆنەپەرەستەکان بە هەموو توانایەکیانەوە هەوڵ دەدەن میللەت وا تێبگەیەنن کە ماتێریالیست ئەو کەسەیە تەنیا بایەخ بە قازانج و بەرژەوەندی تایبەتی خۆی ئەدات و بەس، ئایدیالیست ئەو کەسەیە کە خزمەتی مەسەلە و بیروباوەڕ و چاکەیەک ئەکات بە چەشنێکی دروست و بێ مەبەستێکی تایبەتی!
بێگومان ئەم چەشنە تێگەیشتنە ئاوەژوو کردنەوە و شێواندنەی ماتێریالیزم و ئایدیالیزم هیچ چەشنە پێوەندییەکی نییە لەگەڵ ئەو جیاوازییە، لە راستیدا لە نێوان ئەم دوو رێبازە فەلسەفییەدا جیاوازییان لە شتێکی تردایە کەوا لێردەدا ئەیخەینە بەرچاو:
فەلسەفە یەکێکە لە زانیارییە کۆنەکان و لەناو ئەو هەموو مەسەلانەدا کە لە دەمێکەوە لێیان دەکۆڵرێتەوە مەسەلەیەکی بنچینەی هەیە و سروشتی فەلسەفە لەسەر چاککردن و لێکدانەوەی ئەو مەسەلەیە وەستاوە. جا ئایا مەسەلەی بنچینەیی فەلسەفە کامەیە؟
بێگومان لە دنیادا زۆر چەشنە شت و مەک و دیاردە هەن. هەندێکیان وەک: بەرد و درەخت و هەورە تریشقە و بروسکە و ئاو و ئاژەڵ و رووەک و زۆر شتی تریش کە سەربەخۆیی لە هەست و ئیدراکی مرۆڤ. بەڵام هەندێ دیاردەی تریش هەن کە ئێمە بە حەواسی خۆمان شعور بە بوونیان دەکەین، بەڵام توانای بینین و بیستن و پێوان و کێشانیانمان نییە. ئەم جۆرە دیاردانە تەنیا لە هۆشمەندی مرۆڤدا هەن.
بەمجۆرە ئەبینین لە دنیادا دوو کۆمەڵە دیاردە هەیە: هەندێکیان بە سەربەخۆیی لە هۆشمەندی مرۆڤ و بە چەشنێکی مەوزوعی و لە خۆیانەوە هەن و ئەمان پێیان دەوترێ دیاردەی ماتریالیستی. بەڵام کۆمەڵی دووهەم جۆرە دیاردەیەکن تەنیا لە هۆشمەندی مرۆڤدا هەن و پێیان دەوترێ دیاردەی ئایدیالیستی.
جالێرەدا هەمیشە ئەم مەسەلەیە دێتە کایەوە: ئایا پەیوەندی نێوان دیاردەکانی ماتیریالیستی ئایدیالیستی کامەیە؟ و کامەیان لە پێش ئەوانی ترەوەن؟
دیاردەکانی ماتیریالیستی یان ئایدیالیستی؟ وەکوتر بڵێین: ئەبێ کامیان بە یەکەم دابنێین: دنیای مادی، واتە سروشت، یان هۆشمەندی؟
ئەمە لایەنێکی مەسەلەی بنچینەیی لە هەموو فەلسەفەیەکدایە، لایەنەکەی تری ئەم مەسەلەیە لە وەڵامدانەوەی ئەم پرسیارەدا بەدی دەکرێت: «ئایا مرۆڤ ئەتوانێ دنیا بناسێت و خەیاڵێکی راستەقینەی بەرامبەر پەیدا بکات یان نا؟
فەیلەسوفەکان بە چەشنێکی جیاواز وەڵامی ئەم مەسەلە بنچینەییە ئەدەنەوە و بە پێی جۆری وەڵامدانەوەی ئەم پرسیارە دابەش ئەبن بە دوو سوپاگەی گەورەوە.
یەکەم: سوپاگەی ماتیریالیست کە باوەڕیان وایە دنیای مادی، واتە سروشت یەکەمینە و هۆشمەندی دووەمینە و ئەنجامی سروشتە.
دووهەم: سوپاگەی ئایدیالیست کە هۆشمەندی بە یەکەمین و سروشت بە دووهەمین و ئەنجامی ئەو ئەزانن. ئەمەیە جیاوازی راستەقینەی نێوان ئەم دوو سوپاگەیە لە فەلسەفەدا کە ٢٥٠٠ ساڵ زیاترە لە زۆرانبازی و ململانێدان.
ماتیریالیستەکان لەسەر رۆشنایی پێشکەوتنی زانیای بە جۆرێکی راست و دروست ئەی سەلمێنن کە هەموو شت و مەک و دیاردەکانی (مادی) دەوروپشتمان لە خۆیانەوە (خود بە خود) بە سەربەخۆیی و لە دەرەوەی هۆشمەندی مرۆڤدا هەن بۆ نموونە: زەوی و بەرد و بروسکە و درەخت و ئەو جۆرە شتانە بە شێوەیەکی سەربەخۆ لە مرۆڤ و هۆشمەندی ئەو

هەن. جگە لەوە زانیاری سەلماندوویەتی کە پێش ئەوەی مرۆڤ لەسەر زەوی پەیدا ببێ دنیا هەر هەبووە.
بەڵام ئایدیالیستەکان بێ ئەوەی گوێ بدەنە زانیاری، ئەڵێن ئەم دنیایەی دەوروپشتمان و هەموو شت و مەک و دیاردەکانی، بەرهەمی هۆشمەندین و ئەو پەیدای کردوون. باوەڕیان وایە کە لە سەرەتای فیکر و تێگەیشتن و بیرۆکە هەبوون و لە پاشدا شت و مەک لە لایەن ئەمانەوە دروستکراون.
مێژووی فەلسەفە دوو چەشنە باوەڕی ئایدیالیزمی بە خۆیەوە دیووە. ئایدیالیزمی عەینی و زەینی، واتە مەوزوعی و زاتی. عەینی بە گشتی بەو شتانە دەوترێ کە بوونیان لە دەرەوەی مرۆڤ و سەربەخۆیە لە فیکر و هۆشمەندی مرۆڤ. هەندێک لە فەلسەفەکان لەو باوەڕەدان کە بیرۆکەیەک بە شێوەیەکی عەینی هەیە و ئەم دنیایەی دروستکردووە لەبەر ئەوە پێیان ئەوترێ ئایدیالیستی عەینی وەک فەیلەسوفی کۆنی یونانی (ئەفلاتون) (٤٢٧- ٣٤٧ پ.ز) و فەیلەسوفی ئاڵمانی هیگڵ کە لە چەرخی نۆزدەهەمدا ژیاوە. هەندێکی تر هەن کە لە باسی ئایدیالیستەکان پێیان دەوترێ زەینی. ئەمانە لەو باوەڕەدان کە هەموو شتێکی دنیا لە لایەن هۆشمەندی حەز و هەستەکانی مرۆڤەوە دروستکراوە. وەک فەیلەسوفی ئینگلیزی (بیرکلای ١٦٨٤ — ١٧٥٣) کە باوەڕی وایە لە خودی مرۆڤ و هۆشمەندی بەولاوە شتێکی تر نییە و گوایە هەموو شتێکی دنیا ئەو کاتە هەیە کە مرۆڤ هەست بە بوونیان بکات. شتەکان تەنیا ئەو کاتە هەن کە مرۆڤ توانای بینین و بیستن و دەست لێ دانیانی هەبێت و ئەگەر وانەبێ ئەوا ئەو شتانە وجوودیان نییە. بیرکلای و هاوبیرانی لەو باوەڕەدان کە شتەکان تەنیا لە هۆشمەندی و ئیدراک و هەستەکاندا هەیە و بەس. ئەمە وەک ئەوەیە بوترێ گوایە زات، واتا مرۆڤ خۆی دنیای «ئەبێت» و هەموو جارێکیش سەرلەنوێ ئەبێتەوە.
لەمەوە وادەردەکەوێت کە هەر کاتێک مرۆڤ بنوقێنێت، ئیتر دنیا نامێنێت و کە چاوی کردەوە دنیا پەیدا دەبێتەوە. بەم چەشنە بیروباوەڕە دەوترێ ئایدیالیزمی زەین.
ئایدیالیزمی عەینی و، زەینی، هەر دووکیان لە لایەن تاقیکردنەوەی مرۆڤ و ژیانی رۆژانەی مرۆڤەوە دراونەدواوە و پیشان دراوە کە پوچەڵن و ژیانی رۆژانە راست و دروستی دنیابینی مادی سەلماندووە.
فیلسوفە ماتێریالیستەکان لەو باوەڕەدان کە بوونی شت و مەک و دیارەکانی دەروپشتمان بە جۆرێکی راستەقینە و سەربەخۆیە لە ئێمە و لە بیر و هۆشمەندیمان. ئەمە بیروڕای هەموو مرۆڤێکی ژیر و تێگەیشتووە، چونکە ژیان و تاقیکردنەوەی رۆژانە هەمیشە ئەوەیان فێر ئەکەن.
دیالەکتیکەکان هەموو شتێک وەکوو خۆی چۆن لە واقعی ماتێریالیزم دا هەیە ئاوا دەبینین و فەرمانی بوونی بەسەردا ئەدەن بۆ نموونە:
ئێمە لیمۆ ئەبینین و هەیە و هەستی پێ دەکەین و بە هۆی خاسیەتەکانی عەینییەوە کە سەربەخۆن لە دەسەڵاتی مرۆڤ، هەندێ هەستی تایبەتی پەیدا دەکەن وەک: تامی ترش و رەنگی زەرد و بۆن و شتی وا. ئەمە تەماشا کردنێکی لە خۆوەی دیالەکتیکی دنیایە کە بۆتە رابەری ژیانی رۆژانەی ئەم خەڵکە.
فەیلەسوفە دیالەکتیکەکان ئەم جۆرە دنیا بینییەیان لاپەسەندە و لەسەری دەڕۆن بە پێی زانیاری سەلماندوویانە و کردوویانە بە دنیا بینییەکی هۆشمەندانە. هەر لە بەر ئەمەشە کە ماتێریالیزمی فەلسەفەی پێچەوانەی ماتێریالیزمی خۆبەخۆ (عفوی)یە و لەسەر رێوشوێنی زانیاری پێک هاتووە و یارمەتی مرۆڤ دەدات کە بە راستی لە دیاردەکانی سروشت و رووداوەکانی ژیانی کۆمەڵایەتی تێبگات.
لەمەی سەرەوە بۆمان دەردەکەوێ کە مەسەلەی بنچینەیی فەلسەفە چەند بایەخێکی گەورەی هەیە. وەنەبێ بە رێکەوتیش بێت کە لە زۆر کۆنەوە تا ئەمڕۆ لەسەر ئەم مەسەلەیە زۆران و ململانێ لە نێوان دیالەکتیک و ئایدیالیستەکاندا هەیە. ئەم کێشە ئایدۆلۆژییەی نێوان ماتێریالیزم و ئایدیالیزم کێشەی چینایەتی ئەخاتە روو، کێشەی هێزە پێشکەوتنخوازەکان و هێزە کۆنە پەرەستەکانی ناو کۆمەڵ. لەم کێشەیەدا، ماتێریالیزم هەمیشە بەرگری لە بەرژەوەندی هێزە پێشکەوتنخوازەکانی ناو کۆمەڵ کردووە و دەکات، بەڵام ئایدیالیزم هەندێجار نەبێ، بەرگری لە بەرژەوەندی هێزە کۆنە پەرەستەکان کردووە و دەیکات.
لێکۆڵینەوە و باش تێگەیشتنی مرۆڤ لەسەر ئەو رێبازە وەستاوە کە ئەم یان ئەو فەیلەسوف بۆ زانین و تێگەیشتن ئەیگرێتە بەر، ئەگەر فەلسەفەی راستمان کردە رابەری خۆمان ئەوا دەتوانین بە سەرکەوتوویی نهێنییەکانی سروشت و گەردوون بخەینە روو، بەڵام ئەگەر رێبازێکی چەوتمان هەڵبژارد ئەوا لە تاریکە شەودا وێڵ و سەرگەردان دەبین و ناگەینە ئامانجی دیاریکرامان زانیاری راستمان دەربارەی سروشت و گەردوون دەست ناکەوێ. هەموو زانیارییەک رێبازێکی تایبەتی خۆی هەیە بۆ لێکۆڵینەوەی دیاردەکان، بۆ نموونە زانیاری بایۆلۆژی (زانیاری زیندەوەر) لەم چەرخەدا رێبازی تێبینی و تاقیکردنەوە بەکار دەهێنێت... هتد، هەندێ لە زانیارییەکانی تایبەتی رێبازی خۆیان

تەنیا بۆ لێکۆڵینەوەی چەند دیاردەیەک بەکار ئەهێنن و لە کۆڕی زانیاری خۆیاندا. بەڵام ئەرکی فەلسەفە ئەوەیە کە ڕێبازێک پیشان بدات بۆ دیاردەکانی سروشت و کۆمەڵ، بەم جۆرە بۆمان دەردەکەوێ کە ئەرکی فەلسەفە ئەوەیە ڕێبازێکی فەلسەفەیی گشتی بۆ زانین بدۆزێتەوە کە ببێتە ڕابەری هەموو زانیارییەکان و زاناکان بتوانن شان بە شانی ڕێبازی تایبەتی خۆیان بە کاری بێنن.

ئینجا بابزانین ئەو ڕێبازانەی زانینی دنیا کامانەن کە لە ماوەی هەموو مێژووی فەلسەفەدا دۆزرانەتەوە، بۆ زانینی هەموو دیاردەکان دوو ڕێبازی فەلسەفەیی هەیە: مەرجی ڕێبازی یەکەم ئەوەیە بە جۆرێک تەماشای هەموو شت و مەک و دیاردەکان بکرێت کە لە ئاڵوگۆڕ و پەرەسەندنی هەمیشەیی و بەردەوامدان بەم ڕێبازە دەوترێ ڕێبازی دیالەکتیکی.

مانای ئێستای وشەی (دیالەکتیک) زۆر جیاوازە لە مانای سەردەمی کۆنی. فەیلەسوفەکانی سەردەمی یونانی کۆن. ئەوان وا لە (دیالەکتیک) تێ ئەگەیشتن کە دۆزینەوەی ڕاستییە بە هۆی دەمەتەقێ و گفتگۆ کردنەوە لە کێشەی بیروڕای جیاوازدا. بەڵام ئێستا لە دیالەکتیک وا تێ دەگەین کە ڕێبازێکی فەلسەفییە بۆ زانینی ڕاستی و دەرخستنی ئەوەی هەموو شتێک لەم دنیایەدا لە گۆڕان و پەرەسەندن دایە، وەک فەیلەسوفی یونانی کۆن (هیرقلیت) دەڵێ: (هەموو شتێک لە ڕۆیشتن و گۆڕان دایە و مرۆڤ ناتوانێ دووجار بە ئاوی ڕووبارێک خۆی بشوات چونکە ئاوی دووهەم جار زۆر جیاوازترە لە ئاوی جاری پێشوو).

دووهەم ڕێبازی فەلسەفە بە جۆرێک تەماشای شت و مەک و دیاردەکان دەکات کە وەستاون و ناگۆڕێن و نابزون. بەم ڕێبازەش دەوترێ ڕێبازی میتافیزیک. بەمجۆرە ئەبینین کە دیالەکتیک و میتافیزیک دوو ڕێبازی جیاواز و پێچەوانەی یەکن دەربارەی زانینی دنیا.

جا با بزانین لەم دوو ڕێبازە فەلسەفییە کامیان ڕاست و زانیارییە!

بێگومان ڕێبازی یەکەم ڕێبازی ماتریالیستە و بڕوای بە گۆڕان و پەرەسەندنی هەموو شتێکە و لەگەڵ ڕاستیدا دەگونجێت و زانست و تاقیکردنەوەی مرۆڤیش سەلماندوویەتی. ئاشکرایە کە ژیان لە شوێنی خۆیدا ناوەستێ، بەڵکوو لە گۆڕان و پەرەسەندن دایە، بۆ نموونە: ماوەی چەند ساڵێک لەمەوبەر ئیمپرالیزمی ئەمریکا لە کیشوەری (قارەی) ئەمریکا دەسەڵاتی تەواوی هەبوو، بەڵام ئێستا ئەبینین زۆربەی گەلانی ئەمریکای لاتین و باشور سەربەخۆن و کۆتی دیلی ئیمپریالیزمیان شکاندووە و لە پێناوی دوارۆژێکی بەختیاردا خەبات دەکەن. ئەمە پەرەسەندن و پێشکەوتنە لە ژیانی ئەو گەلانەدا... دیاردەکانی سروشتیش هەروا لە پەرەسەندن و گۆڕاندان. بەم جۆرە بۆمان دەردەکەوێت کە دیالەکتیک بە شێوەیەکی ڕاست ڕێبازی لێکۆڵینەوەی هەموو دیاردەکانی سروشت و کۆمەڵمان فێر دەکات. بەڵام نابێ ئەوەمان لە یادبچێ کە دیالەکتیک تەنیا پاش یەکگرتنی تەواوی لەگەڵ ماتێریالیزمدا دەبێتە ڕێبازێکی زانیاری ڕاستەقینە. ئەم یەکیەتییەی نێوان دیالەکتیک و ماتێریالیزم لە فەلسەفەی مارکسیزمدا هاتۆتە دی کە پێی دەوترێ: ماتێریالیزمی دیالەکتیک.

(درێژەی هەیە)

****

ماهنامه

کازیوه

(سپیده دم)

شماره های دوازدهم و سیزدهم　　　　　شهریور و مهرماه ۱۳۹۰

نشریه جمعی از هواداران حزب توده ایران در کردستان



آزادی ، دموکراسی و عدالت اجتماعی

مطالب این شماره : صفحه

با عرض پوزش به دلیل تراکم مطالب این شماره
« درس دوم ماتریالیسم دیالکتیک» را در شماره بعدی کازیوه بخوانید!

=====================

بەشی کوردی : لاپەڕە

مسئولیت مطالب درج شده در کازیوه بر عهده ی گردانندگان آن است و
مواضع رسمی حزب توده ایران در سایت حزب به نشانی :
http://www.tudehpartyiran.org /
انتشار می یابد.

تماس با کازیوه : tudeh_kurdistan@yahoo.co.uk

پایگاه اینترنتی کازیوه :

http://a1320.wordpress.com/

تاریخ عملکرد رژیم ولایت فقیه در میهن ما تاریخ حاکمیت جهل، استبداد، و ظلم است

علی خامنه ای، ولی فقیه رژیم، در دیدار با نمایندگان مجلس "خبرگان" ، روز شنبه ۱۹ شهریور ماه، در سخنانی که نشانگر نگرانی سران استبداد از بی اعتباری بیش از پیش حاکمیت ولایت فقیه مطلقه است تلاش کرد تا چهره کریه استبداد رژیم ضد مردمی حاکم را بزک کرده و سران رژیم را به پایداری در مقابل موج توفان های قیام های مردمی در منطقه و نارضایتی فزاینده در میهن ما فراخواند. خامنه ای با نگرانی از این فشارها از جمله گفت: "نباید به خاطر فشارهای سیاسی ـ تبلیغاتی دشمنان قسم خورده اسلام و ایران، در هیچ مسئله‌ای، از اصول و مبانی کوتاه آمد و در چارچوب‌های غربی حرکت کرد، چرا که این مسئله تجدیدنظر و انحراف است نه انعطاف..." و سپس در دفاع از شیوه حکومت مداری استبداد مطلقه که تمامی اهرم های حکومتی در دست یک نفر، یعنی ولی فقیه متمرکز است اضافه کرد: "آنها می‌گویند ولایت مطلقه یعنی کشور بر اساس میل فقیه عادل حرکت کند در حالی که فقیهی که عادل است نمی‌تواند به میل خود عمل کند. .. مطلقه یعنی در دست کلیددار اصلی نظام، حالت انعطافی وجود دارد که می‌تواند هر جا لازم شود مسیر را تصحیح و تکمیل کند. .."

خامنه ای در شرایطی این سفسطه و دروغ پردازی ها را مطرح می کند که مردم میهن ما امروز در مقابلشان یک تاریخ سی و دو ساله از عملکرد رژیم ولایت فقیه موجود است و لذا نیازمند قبول ترهات سراپا دروغ رهبر ارتجاع نیستند

تاریخ معاصر میهن ما و دورانی که خامنه ای، پس از خمینی، به کرسی رهبری رژیم برگمارده شد دوران تاریکی از خشونت سیاسی، سرکوب خونین، ظلم افسار گسیخته و بی عدالتی های اجتماعی اقتصادی است که میلیون ها ایرانی با پوست و گوشت خود آن را لمس کرده ان.

البته تذکر این نکته نیز اهمیت دارد که مسئله "ولایت مطلقه فقیه" موضوعی است که سران رژیم پس از مرگ خمینی، یعنی در سال ۱۳٦۸، و با هدف تثبیت استبداد در ایران به مردم ما تحمیل کردند و با آنچه در قانون اساسی سال های نخست انقلاب آمده بود متفاوت است. آیت الله منتظری در این باره، در خاطراتش نوشته است: "در زمان بازنگری قانون اساسی، به جهت ایراداتی که به افزایش اختیارات ولی فقیه و شمول مطلق این اختیارات داشتم، با آن مخالفت کرده و باور دارم که حتی پیامبر اکرم نیز از حق ولایت مطلقه برخوردار نبوده و ولایت مطلقه‌ی فقیه را از جمله مصادیق بارز شرک می‌دانم."

عملکرد ولی فقیه رژیم در دهه اخیر نماد روشنی از این واقعیت است که شیوه حکومت مداری کنونی سد اساسی استقرار حکومت مردمی و استقرار آزادی و دموکراسی در ایران است. از سال ۱۳۷٦، و در پی رفراندوم تاریخی انتخابات ریاست جمهوری و رای ۲۰ میلیون ایرانی به تحول سیاسی، ولی فقیه و نیروهای ارتجاعی حاکم با بهره جویی از "اصل ولایت مطلقه" ، نه تنها عملکرد نهادها و قوای سه گانه را مختل کرده اند بلکه نشان داده اند که حتی برای "قوانین" حاکم و جاری در جمهوری اسلامی نیز اعتباری قایل نیستند.

کنترل کامل بر دستگاه های امنیتی –نظامی، که عامل اساسی خشونت و سرکوب خونین مردم ما است، و بر قوه قضائیه کشور، که این قوه را به ابزار اعمال ظلم گسترده و تحکیم بی قانونی و بی حقوقی اکثریت شهروندان بدل کرده است در کنار بی اعتباری "مجلس شورای اسلامی" که بدون اجازه ولی فقیه حتی نمی تواند لوایح قانونی را بررسی کند (اشاره به حکم حکومتی خامنه ای به مجلس ششم و منع نمایندگان مجلس از بحث درباره لایحه مطبوعات) تنها گوشه ای از اثرات مستقیم و غیر مستقیم حاکمیت ولایت مطلقه فقیه در ایران است.

منظور خامنه ای از "انعطاف" در شرایط حساس، لگد مال کردن میلیون ها رای شهروندان میهن ما، و تحمیل رئیس جمهوری است که تنها از طریق تقلب گسترده دستگاه های امنیتی –نظامی می تواند بر این مسند قرار گیرد. سرکوب خونین تظاهرات میلیونی توده ها با فریادهای "منکوب و سرکوب" کنید رهبر بخش دیگری از "انعطافی" است که رهبر رژیم به آن اشاره دارد.

دستگیری هزاران مبارز راه آزادی، اعمال شکنجه های وحشیانه، ترور مخالفان در داخل و خارج از کشور، سرکوب حقوق کارگران و زحمتکشان، بی حقوقی کامل زنان و اعمال قوانین قرون وسطایی و ضد انسانی بر ضد آنان در کنار تبدیل دانشگاه های کشور به پادگان های نظامی در اشغال نیروهای

سرکوبگر بسیج و سپاه پاسداران از جمله عرصه های دیگری است که مردم ما به روشنی نقش "رهبری" ولی فقیه رژیم را دیده و تجربه کرده اند.

در عرصه اقتصادی-اجتماعی، باز بینی در اصل ٤٤ قانون اساسی، برنامه ریزی کلان اقتصادی کشور در راه تأمین منافع سرمایه داری بوروکراتیک -تجاری، تشدید روند خصوصی سازی و تخریب توان تولید ملی، که به محرومیت فزاینده میلیون ها ایرانی، گسترش بیکاری و ناهنجاری های بی سابقه اجتماعی منجر شده است از جمله تأثیرات مدیریت ولی فقیه رژیم بر حیات میهن ما است.

واقعیت تاریخی حوادث سی و دو سال میهن ما نشان می دهد که اعمال "ولایت فقیه"، در هر شکل (مطلقه یا غیر مطلقه آن) فاجعه ای برای کشور ما بوده است که ادامه آن تنها ادامه بی عدالتی و حاکمیت استبداد است. انقلاب بهمن ۱۳۵۷، با اراده میلیون ها ایرانی رژیم سلطنتی شاه، یعنی استبداد مطلقه یک فرد را سرنگون کرد که یک حاکمیت مردمی متکی بر آرای مردم را به حاکمیت برساند. برقراری استبداد مطلقه ولی فقیه، که همان استبداد سلطنتی با سیمای "مذهبی" است ناقوس مرگ انقلابی شکوهمند بود که به رغم همه فداکاری های مردم میهن ما در مرحله سیاسی اش عقیم ماند.

حزب ما سال هاست که مبارزه بر ضد رژیم ولایت فقیه را به عنوان شعار اساسی مبارزاتی خود مطرح کرده است. و معتقد بوده و هست تنها با طرد رژیم ولایت فقیه است که می توان در ایران زمینه را برای تحولات بنیادین و پایدار آماده کرد. حزب ما در اسناد سومین کنگره خود، در ارزیابی حاکمیت رژیم ولایت فقیه، از جمله اعلام کرد: "در جمهوری اسلامی ایران، روبنای سیاسی با مضمون دیکتاتوری مذهبی حکمرواست. اصل "ولایت فقیه" با پی آمدهای مخرب آن محتوی این روبنا را تشکیل می دهد. تئوری روحانیون حاکم مدعی است که محور نظام "ولایت فقیه" خداست و نماینده خدا روی زمین، در حال حاضر، آقای خامنه ای است. این معنای صریحی دارد: باید تابع نماینده خدا شد و به اوامر او گردن نهاد. یک فرد به عنوان ولی فقیه می تواند قانون اساسی را که میلیون ها ایرانی به آن رای داده اند نقض کند و مجلس را که قاعدتا باید منتخب مردم باشد منحل سازد. به یک کلام ملت مطیع "ولی فقیه" است. این ولی فقیه است که باید حق را از باطل تمیز دهد، هر سه قوه در چنگ "ولایت فقیه" است و تمام "قدرتها" در دست وی متمرکز است..." (اسناد سومین کنگره حزب توده ایران، به نقل از "نامه مردم"، شماره ۳۷۲، ۱۱ فروردین ۱۳۷۱.

آنچه در بیست سال گذشته در میهن ما رخ داده است سند معتبری از صحت ارزیابی حزب ما از ماهیت عمیقا ارتجاعی رژیم ولایت فقیه و ضرورت طرد این رژیم به مثابه گام نخست در مبارزه برای دست یابی به آزادی و عدالت اجتماعی در ایران است. هرگونه توهمی درباره "ولایت فقیه" و عملکرد مخرب آن در حیات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی میهن ما، خصوصا از سوی بخش هایی از نیروهای اصلاح طلب و رهبران آن، در سال های گذشته تنها به طولانی تر شدن حیات استبداد در میهن ما منجر شده است.

مبارزه مشترک و سازمان یافته همه نیروهای آزادی خواه و مترقی در راه بسیج نیروهای اجتماعی و سازماندهی مبارزه برای طرد رژیم ولایت فقیه یگانه راه رهایی ایران از بحران خطرناک کنونی و حرکت به سمت آینده ای رها از زنجیر های استبداد است.

به نقل از نامه مردم، شماره ۸۷۷، ۲۱ شهریور ماه ۱۳۹۰

****

''انتخابات'' در شرایط حاکم بودن ارگان های کودتاگر بر شریان های سیاسی-اقتصادی کشور

ادامه بحران رژیم ولایت فقیه و تشدید برخوردها در میان گروه های مختلف حاکم که هرکدام به دنبال تثبیت هژمونی خود بر اهرم های سیاسی-اقتصادی کشورند، در مجموع شرایط دشواری را برای ادامه حاکمیت کنونی پدید آورده است. سرکوب خشن و خونین جنبش مردمی و تلاش برای آرام کردن اوضاع، آنطور که سران رژیم به دنبال آن بودند، نه تنها جنبش مردمی را از بین نبرد بلکه همه نشانه ها حاکی از ادامه این جنبش است. در هفته های اخیر بحث پیرامون ''انتخابات مجلس نهم'' از جمله مسایلی بوده است که مورد توجه نیروهای سیاسی مختلف کشور قرار گرفته و عکس العمل های گوناگونی را برانگیخته است.

به گزارش پایگاه خبر رسانی جرس سید محمد خاتمی، رئیس جمهور پیشین، در دیدار با جمعی از جوانان اصلاح طلب درباره مسئله انتخابات از جمله گفت: ''کشور متعلق به همه است و انقلاب در انحصار یک گروه و جریان نیست. ما انتخابات درست و خوب می خواهیم که همه در آن شرکت کنند و فراهم آوردن زمینه حضور فراگیر مردم امنیت واقعی را تأمین می کند و حاصل آن هم مجلس نیرومند است که هم جلوی بی قانونی و میل به دیکتاتوری را می گیرد و هم بهترین تضمین برای جلوگیری از فسادهای بزرگ و نیز برخورد جدی در صورت وقوع آن است.''

پیش از این نیز هاشمی رفسنجانی، رییس ''مجمع تشخیص مصلحت نظام'' در سخنانی، ۱۴ مهرماه، با اشاره به انتخابات مجلس نهم در اسفندماه سال جاری از جمله گفت: ''می توان با فراهم کردن شرایط مدنظر فعالان سیاسی دلسوز نظام'' زمینه حضور گروه های مختلف را در این انتخابات فراهم کرد.''

بحث درباره ''انتخابات'' آینده مجلس شورای اسلامی در حالی در رسانه های گروهی دامن زده می شود که رژیم درگیر یکی از بزرگترین اختلاس های مالی تاریخ کشور ماست و با گذشت هر روز بیشتر روشن می شود که از دستگاه ولایت فقیه و نهادهای امنیتی-انتظامی وابسته به آن، خصوصاً فرماندهی سپاه پاسداران، تا دولت برگمارده آن همه درگیر چپاول منابع اقتصادی کشور و تأمین آنچنان شرایط و اهرم های حکومت مداری هستند که ادامه این وضعیت فاجعه بار را ممکن سازد.

در تأیید اینکه چگونه ولی فقیه رژیم و ارگان های امنیتی-نظامی وابسته به او شریان های اقتصادی کشور را در کنترل خود دارند کافی است به سخنان اخیر فرمانده سپاه، محمد علی جعفری، توجه کرد.

به گزارش خبرگزاری فارس، ''سردار سرلشکر محمد علی جعفری''، فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، در مراسم تودیع و معارفه جانشین نماینده ولی‌فقیه در سپاه گفت: ''با وجود گستردگی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و اتصال بسیج به آن و عرصه‌های مختلفی که انقلاب اسلامی با آن روبروست سپاه دیگر تنها بازوی مسلح و توانمند رهبری نبوده بلکه به عنوان بازوی غیر مسلح ایشان نیز محسوب می‌شود...'' در کنار این مانورها تلاش های دولت احمدی نژاد نیز برای تخفیف فشار از سوی جناح هایی از حاکمیت نیز قابل تأمل است . معرفی فرمانده قرارگاه خاتم الانبیاء سپاه پاسداران در مقام وزیر نفت، بی شک مانور حساب شده یی از جانب احمدی نژاد و مدافعان او برای ترمیم روابط با متحدان کودتاچی دیروزی و ایجاد فضای لازم را برای تحرک های آتی است.

مردم میهن ما در دو دهه اخیر تجربیات گرانبهایی را در زمینه برخورد رژیم ولایت فقیه به مسئله انتخابات به دست آورده اند. حزب ما در سال های اخیر به تفصیل درباره عملکرد ضد مردمی رژیم و خطرات غلتیدن به دام مانورهای نیروهای ارتجاعی و تأیید خلاف کاری های رژیم به بهای اجازه محدود برای شرکت دست شماری از اصلاح طلبان اظهار نظر کرده است.

رفراندوم تاریخی دوم خرداد ماه ۱۳۷۶، که بیش از ۲۰ میلیون ایرانی آرای خود بر ضد ''نامزد اصلح'' رژیم ولایت فقیه به صندوق ها ریختند، آژیر خطر جدی یی برای سران ارتجاع در میهن ما بود و روند حوادث پس از آن در کشور نشان داد که رژیم گام به گام راه های مشارکت ثمربخش توده ها در سرنوشت سیاسی کشور را بیش از پیش محدود کرد و در پی اتمام دوران ریاست جمهوری خاتمی نشان داد که آماده است با استفاده همه جانبه از سلاح ''نظارت استصوابی'' و دخالت همه جانبه نیروهای امنیتی و پاسداران در امور انتخابات اجازه ندهد

که تجربه خرداد ماه ۱۳۷۶ دوباره در میهن ما تکرار گردد. کودتای انتخاباتی ۲۲ خرداد ماه ۱۳۸۸، و پایمال کردن آرای میلیون ها ایرانی و برگماری محمود احمدی نژاد با زور اسلحه و سرکوب خشن و خونین اعتراضات توده ای نمونه روشن شیوه برخورد رژیم با اراده و آرای میلیون ها شهروند کشور ما است.

تجربه انتخابات ۲۲ خرداد ماه ۱۳۸۸ نشان داد که رژیم حتی در صورتی هم که به نماینده اصلاح طلبان، زیر فشار افکار عمومی توده ها، اجازه شرکت در انتخابات را بدهد، آماده نیست که به نتیجه چنین انتخاباتی تن در دهد. به عبارت دیگر مسئله برگزاری "انتخابات" در شرایط کنونی و در چارچوب ادامه "ولایت مطلقه ولی فقیه" و حتی در صورتی که سران رژیم با مانور های حساب شده اجازه شرکت چند نامزد اصلاح طلب در انتخابات را بدهند، نمی تواند ثمری برای جنبش مردمی و مبارزات توده ها برای حرکت به سمت تحقق حقوق و آزادی های دموکراتیک داشته باشد.

حزب توده ایران معتقد است که تنها با ایجاد تغییرات کیفی در شیوه حکومت مداری کنونی و از جمله حذف اختیارات نا محدود ولی فقیه و نهاد های وابسته به اوست که می توان به برگزاری یک انتخابات جدی و روندی که در آن حقوق و آراء توده ها حفظ گردد، باور داشت. تکیه به نیروی توده ها تجربه پر ارزش و گرانبهایی است که در صورت وجود اراده سیاسی لازم برای عملی کردن آن، می توان سدها و مانع های پیش روی جنبش مردمی به سمت تحقق آزادی، عدالت اجتماعی، و تامین حق حاکمیت مردم را درهم شکسته و از میان بردارد.

سخن ما با تمام نیروهای مترقی و آزادی خواه کشور این است. باید از تجربیات گذشته آموخت. سران ارتجاع در طول دو ساله گذشته تمام توان خود را برای نابودی جنبش مردمی به کار گرفته اند، و این سیاست همچنان ادامه دارد. "اجازه گرفتن" برای شرکت در انتخاباتی که ارتجاع حاکم توسط دستگاه های امنیتی و نظامی سازمان دهی کند، ثمری جز همان تجربیاتی که مردم ما در جریان دو انتخابات گذشته ریاست جمهوری و همچنین انتخابات دوره هشتم مجلس شورای اسلامی دیده اند، نخواهد داشت.

حزب توده ایران، در طول سال های اخیر همواره تلاش کرده است که با احساس مسئولیت عمیق نسبت به توده های زحمتکش میهن ما از هر روزنه ای، هرچند کوچک برای پیشبرد منافع آنان دفاع کند. شرکت ما در انتخابات ۲۲ خرداد ماه ۱۳۸۸ و تشویق مردم برای رای دادن به نامزدهای اصلاح طلب بر چنین پایه ای استوار بود. اگر دیروز حذف نظارت استصوابی شورای نگهبان بر روند یکی از خواست های اساسی نیروهای آزادی خواه و اصلاح طلب کشور بود امروز خواست اساسی متوجه حلوگیری از دخالت کودتاگرانه نیروهای انتظامی و سپاه برای پایمال کردن آرای مردم است. همان طور که اشاره کردیم تجربه انتخابات ریاست جمهوری ۱۳۸۸ نشان داد که حتی با عبور نامزدها از صافی شورای نگهبان بازهم هیچ تعهدی نسبت به امانت داری از رای مردم و تن دادن به ننتیجه انتخابات وجود ندارد. بر پایه چنین درکی تلاش در ارتقاء کیفی توان مبارزاتی گردان های اجتماعی، بسیج نیرو و ایجاد جیهه واحد ضد استبدادی و گسترش مبارزه توده ای بر ضد رژیم استبدادی حاکم راه کار عملی پیش بردن خواست توده ها و وادار کردن دیکتاتور های حاکم بر میهن ما به عقب نشینی است.

به نقل از نامه مردم، شماره ۸۷۹، ۱۸ مهر ماه ۱۳۹۰



فشرده یی پیرامون پیش نویسِ اصلاحِ "قانون کار":

یورش به دستاوردهای تاریخیِ زحمتکشان، و بی بهره کردن آنان از حقوقِ سندیکایی!

نچه با عنوان پیش نویس اصلاحیه "قانون کار" از سوی دولت ضد ملی احمدی نژاد ارایه گردیده، ضمن آنکه دارای محتوایی به شدت ضد کارگری است، همچنین نشانگر آن است که ارتجاع در چارچوب راهبرد اقتصادی - اجتماعی ضد مردمی خود، به ویژه برنامه آزاد سازی اقتصادی، زمینه از میان برداشتن کامل حقوق و دستاوردهای تاریخی طبقه کارگر ایران را نیز تدارک دیده است. فقط با مبارزه یی متحد، متشکل، و مدبرانه می توان به این یورش واپس گرایان پاسخ داد!



انتشار صورت مشروح پیش نویس اصلاح "قانون کار" از سوی وزارت نوبنیاد تعاون، کار و رفاه اجتماعی، بازتاب گسترده ای در جامعه یافت. به همان میزان که مدافعان آزاد سازی اقتصادی و اجرای برنامه خصوصی سازی به تایید و حمایت از این "پیش نویس" پرداخته اند، طبقه کارگر، زحمتکشان، و نیروهای ترقی خواه کشور آن را ضد کارگری خوانده و رد کرده اند.

وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی در راستای برنامه آزاد سازی اقتصادی در مجموع ۷۴، ماده از قانون کار کنونی را تغییر داده، و مهم ترین موضوع های مرتبط با منافع آنی و آتی طبقه کارگر به ویژه حقوق سندیکایی را مورد تعرض همه جانبه قرارداده است. این واقعیت زمانی آشکارا، آن گونه که به چشم آید، خود را برملا می کند که بدانیم روح حاکم بر "پیش نویس" تهیه شده در دولت ضد ملی احمدی نژاد نه تنها شدیدا ضد کارگری است، بلکه دستاوردهای تاریخی لااقل یک صد سال اخیر زحمتکشان فکری و یدی ایران را نیز هدف قرارداده و در پی حذف کامل این دستاوردهای پر ارزش تاریخی است. مسایلی چون دادن اختیارِ فسخ قرارداد به کمیته های انظباطی، حذف هر گونه قرارداد دائم میانَ کارگران و کارفرمایان، طرح مبحث مزدِ دو گانه، حذف عیدی کارگران، تعیین حداقل دستمزدها از جانب وزیر کار و بدون مشارکت سندیکاهای کارگري، و نابودی امنیت شغلی زحمتکشان که در متن "پیش نویس" گنجانده شده اند معنا و مفهومی جز یورش همه جانبه به حقوق صنفی و سیاسی کارگران و زحمتکشان ایران ندارد. پیش نویس کنونی حتی از اصلاحیه قانون سال ۱۳۸۶هم به مراتب ارتجاعی تر و کارگر ستیزانه تر است. علت این امر را باید در اجرای برنامه آزاد سازی اقتصادی در مقام راهبردِ اصلی اقتصادی - اجتماعی رژیم ولایت فقیه جستجو کرد. نظری به تجربه تاریخي میهن ما نشان می دهد که تهیه، تصویب، و اجرای "قانون کار" در کشور ما همواره پیوند و ارتباط مستقیم با تحولات صحنه سیاسی و چگونگی تناسب قوا در میدان مبارزه طبقاتي داشته است.

نخستین "قانون کار" برای زحمتکشان ایران در دهه بیست خورشیدی، در پرتو حضور قدرتمند حزب سیاسی طبقه کارگر - حزب توده ایران - و وجود یک جنبش سندیکایی متشکل متکی بر سنن انقلابی و طبقاتي، به شکل تصویب نامه در اردیبهشت ماه سال ۱۳۲۵ جامه قانونی به تن کرد و رسمیت یافت. با یورش ارتجاع و امپریالیسم به جنبش ملی شدن صنعت نفت و سپس کودتای ننگین ۲۸ مرداد، و در سایه سرکوب و استیلای دیکتاتوری محمد رضا پهلوی، این عامل استعمار، "قانون کار" ی به تصویب رسید که مُهر و نشان کودتای ۲۸ مرداد بر پیشانی داشت. گنجاندن ماده ۳۳ در این قانون، ماده یی که به سرمایه داران حق می داد کارگران را هر زمان و به هر شکل اخراج کنند، یادگار آن دوره بود. پس از انقلاب بهمن، کارگران و زحمتکشان ایران توانستند با مبارزه خود، با وجود کارشکنیِ ها و خیانت های سران جمهوری اسلامی، ماده ۳۳ "شاهنشاهی" را از قانون کار حذف کنند. نخستین پیش نویس قانون کار دربهمن ماه ۱۳۶۲ از سوي وزارت کار به نظر خواهی گذاشته شد. این پیش نویس که به "قانون کار توکلی" شهرت یافته بود از سوی کارگران به طور قاطع و جدی رد شد. مبارزه با "قانون کار توکلی" یکی از فرازهای افتخار آمیز جنبش کارگری میهن ما به شمار می آید. نقش حزب توده ایران و تشکل های سندیکایی در آن مبارزه هر گز از ضمیر طبقه کارگر ایران زدوده نخواهد شد. سرانجام قانون کار فعلی پس از گذشت ٦ سال از انقلاب، در دهه شصت و همزمان با تشدید جو سرکوب و اختناق به تصویب رسید. تهیه و تصویب

قانون کار در کشور ما بدون ارتباط با تحولات سیاسی نبوده و نمی تواند باشد. همچنان که پیش نویس اصلاحیه قانون کار دولت احمدی نژاد نیز مُهر و نشان های "قانون هدفمند سازی یارانه ها" و "آزاد سازی اقتصادی" را برپیشانی دارد و بی جهت در این لحظه مشخص تاریخی ارایه نشده است. به عبارت دیگر، پیش نویس اصلاحیه قانون کار ارایه شده از سویِ دولت ضد ملی کودتا خصلت برنامه های اقتصادی - اجتماعیِ به شدت ضد مردمی رژیم ولایت فقیه در این مرحله را بازتاب می دهد. این واقعیت می باید از سوی جنبش سندیکایی زحمتکشان میهن ما به دقت مورد توجه قرار گرفته و در مبارزه با اصلاح قانون کار به سود کلان سرمایه داران با ظرافت و قاطعیت مورد استفاده قرار گیرد.

مهم ترین نکته ها در اصلاحیه قانون کار:

ویژگی اصلی پیش نویس اصلاحیه قانون کار، بی بهره کردن زحمتکشان از حقوق سندیکایی شان و پایمال شدن حقوق بنیادین کار است. آنچه در پیش نویس به صورت کاملا برجسته به چشم می خورد، تقویت نقش و جایگاه دولت جمهوری اسلامی در کنار انجمن های کارفرمایی و به زیان تشکل ها و سازمان های سندیکایی زحمتکشان است. شناختن حق تشکل کارگران در سندیکاها و ضرورت شبکه سرتاسری سازمان های سندیکایی حتی مورد اشاره کوتاه نیز قرار نگرفته اند، و بدین ترتیب می توان این نتیجه منطقی را از محتوای پیش نویس اصلاحیه قانون کار گرفت که حقوق سندیکایی کارگران در آن نقض و مانع های قانونی متعددی در مسیر احیا و ایجاد سندیکاهای کارگری قرار داده شده اند. این اصل مهم در کنار خواست به حق کارگران ایران مبنی بر اینکه: کلیه کارگران کارگاه ها و کارخانه ها بدون هیچ استثنا و صرف نظر از تعداد شاغلین کارگاه ها و کارخانه ها می باید مشمول قانون کار قرار بگیرند و از مزایای آن بهره مند شوند، به طور کامل در پیش نویس حذف شده که به نوبه خود بیانگر نگرش ضد کارگریِ ارتجاع حاکم است. مطابق پیش نویس ارایه شده، ترکیب فعلی "شورای عالی کار" باز هم بیشتر به سود دولت و کلان سرمایه داران تغییر می کند، و در نتیجه، در خصوص مسایل مربوط به حقوق صنفی کارگران نه سازمان های صنفی و سندیکایی، بلکه وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی تصمیم گیری و مداخله می کند.

از دیگر نکته های فوق العاده با اهمیت، حذف "تبصره یک" از ماده "هفت" قانون کار فعلی است، که قراردادهای موقت و سپید امضا را جایگزین قراردادهای دائم می کند. دراصلاحیه تاکید شده که، حداکثر مدت موقت برای کارهای غیر مستمر توسط وزارت کار تهیه می گردد و در نتیجه مبنای زمانی برای موقت و دائمی بودن کار دیگر وجود نخواهد داشت و کلان سرمایه داران زیر عنوان تامین امنیت سرمایه می توانند کارگران را بدون عقد قرارداد دائم استخدام و هرگاه اراده کردند از کار اخراج کنند. به عنوان نمونه، در اصلاحیه با تغییر در ماده ۲۱ ، تصمیم در باره فسخ قرارداد در اختیار کمیته انضباطی کارگاه قرار داده شده است. دَر بند "ز" این ماده (اصلاح ماده ۲۱ در پیش نویس) اخراج دستجمعی کارگران منظور گردیده و در بند "ح" نیز امکان جلوگیری از اخراج کارگر صرفا به توافق کارفرما سپرده شده است.

با "اصلاح" ماده ٤١ قانون کار فعلی عملا تعیین میزان دستمزد کارگران وظیفه وزیر کار قلمداد می شود و هر نوع افزایش حقوق موکول به شرایط اقتصادی کشور شده است. براساس این اصلاحیه، شورای عالی کار این اختیار را دارد که زیر عنوان شرایط اقتصادی و یا هر بهانه دیگر، مانع از تعیین و افزایش دستمزدها بر اساس نیاز کارگران شود. اصلاحیه ماده ٤١ پیوند مستقیم با مواد قانون هدفمند سازی یارانه ها و آزاد سازی قیمت ها دارد. پیشنهاد مطرح شده در اصلاح تبصره ۲ ماده ٤١ قانون کار مبنی بر تعیین مزدِ دو گانه، میراثِ شوم رواج قراردادهای موقت در کشور است که اینک دولت ضدِ ملی کودتا آن را در قالب پیش نویس اصلاح قانون کار رسمیت می دهد. نتیجه این مزدِ دو گانه کاهش قدرت خرید کارگران و تسهیل اخراج آنان است. درخصوص اخراج کارگران و احیای ماده ۳۳ قانون کار رژیم سلطنتی، اصلاح ماده ۲۷ گویای تمام واقعیت ماجرا و ماهیت واقعی اصلاح قانون کار است. با اصلاح ماده ۲۷ حق هرگونه اعتراض و حتی شکایتی از سوی کارگران به هنگام اخراج شان از کار از آنان سلب می شود. علاوه بر این ها، تاکید براین مهم ضرور است که در پیش نویس اصلاحیه قانون کار حق اعتصاب که از حقوق مسلم و غیر قابل انکار طبقه کارگر است، نقض شده و حق کارگران به اعتصاب، تحصن، و تظاهرات، قانونی شمرده نمی شود.



پیش نویس اصلاحیه به بایگانی می رود:

به دنبال بازتاب نارضایتی و خشم کارگران و زحمتکشان از پیش نویس اصلاحیه قانون کار، این گمانه زنی تقویت گردیده که بررسی این پیش نویس به مجلس بعدی یعنی به مجلس نهم جمهوری اسلامی خواهد رسید. در واقع هراس از موج نارضایتی و جنبش اعتراض کارگران سبب شده است تا ارتجاع با توجه به

در پیش بودن انتخابات مجلس در اسفند ماه و وضعیت حساس کنونی، تصویب نهایی اصلاحیه قانون کار را به مجلس آینده موکول سازد. بی دلیل نبود که رییس "کانون شوراهای اسلامی کار" در مصاحبه با ایسنا، ۳۰ شهریورماه، ضمن هشدار به مسئولان رژیم از عواقب اعتراض های کارگری، اعلام می کند: " ما دو ماه زمان خود را برای ارایه نظارت کارشناسی خود بر روی این پیش نویس ارایه خواهیم کرد. در غیر این صورت کار موفقیت آمیز نخواهد بود ... اگر انتخابات مجلس در اسفند ماه باشد ما تا تیرماه (سال آینده) زمان کافی برای ارایه اصلاحیه به مجلس داریم. سیاست های نظام به افراد متکی نیست و اگر عمر مجلس هشتم تمام شود قطعا مجلس نهم پیگیر این موضوع می شود ... باید در یک جلسه صمیمی و توام با آرامش به یک اصلاحیه قانون کار برسیم. در این شرایط وقتی که اصلاحیه به مجلس رفت همه شرکا از آن دفاع می کنند."

قانون کار ۳۵ میلیون نفر خانوار کارگری را زیر پوشش خود دارد و هرگونه تغییر و اصلاح آن بر زندگی و امنیت شغلی این جمعیت عظیم و در حقیقت اکثریت جامعه تاثیر دارد. آنچه رییس کانون شوراهای اسلامی کار عنوان می کند، نشان می دهد که این تشکل های زرد و ارتجاعی و زیر فرمان رژیم، با سیاست های اقتصادی- اجتماعی از جمله آزاد سازی اقتصادی و در بطن آن اصلاح قانون کار به زیان کارگران و زحمتکشان مخالفت اصولی ندارند. این تشکل ها به لحاظ ماهیت، رودرروی خواست های مشروع، به حق، و بدیهی زحمتکشان قرار دارند. همچنین دراین زمینه باید به سیاست فاجعه بار خانه کارگر در مورد اصلاحیه قانون کاراشاره داشت. این تشکل در بیانیه پایانی نشست دو روزه دبیران اجرایی خانه کارگر سراسر کشور در خصوص اصلاحیه قانون کار با بر شمردن پاره یی از انتقادات خود اعلام می دارد: "منشور اشتغال که در قالب سیاست های کلان اشتغال توسط مقام معظم رهبری مبتنی بر اشتغال پایدار و سایر موارد مطروحه اعلام گردیده است قطعا باید محور هر گفتگو یا حرکتی باشد."

چنین موضع گیری یی با مفهوم فعالیت یک سازمان سندیکایی و اصولا خصلت سازمان های سندیکایی در مغایرت کامل قرار دارد. منشور اشتغال و سیاست های کلان اشتغال که از جانب خامنه ای پس از مشورت ورایزنی و توافق با مجمع تشخیص مصلحت نظام به ریاست رفسنجانی اعلام شده، همان چارچوب آزاد سازی اقتصادی را تعیین و تنظیم می کند، یعنی چارچوبی که اتفاقا پیش نویس اصلاحیه قانون کار در بطن آن تهیه و تنظیم گردیده است. نمی توان به تغییر و اصلاح برخی مواد قانون کار در پیش نویس ارایه شده از سوی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی دولت احمدی نژاد انتقاد داشت ولی سیاست اصلی و محوری آن یعنی آزاد سازی اقتصادی را مورد تایید و پشتیبانی قرار داد.

اصلاح قانون کار و پیش نویس کنونی دولت هم جهت، همسوی، و هماهنگ با قانون هدفمندسازی یارانه ها و آزادسازی اقتصادی است. بنابراین، سیاست خانه کارگر در این زمینه در تضاد با حقوق و منافع کوتاه مدت و بلند مدت طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان قرار می گیرد. ذکر این نکته خالی از فایده نیست که در جبهه نیروهای مخالف استبداد ولایی، به ویژه در طیف اصلاح طلبان، ما شاهد تردید، تزلزل، و ناپیگیری جدی در خصوص مسایلی مبرم چون اصلاحیه قانون کار هستیم. معضل های بی شمار اقتصادی- اجتماعی از جمله بی قانونی در حق کارگران، نه بر اساس اجرای غیر مدبرانه سیاست آزاد سازی، بلکه دقیقا بر اثر اجرای نسخه های صندوق بین المللی پول پدید آمده اند. آیا می توان کشوری را نمونه آورد که با اجرای "مدبرانه"ی این نوع سیاست ها در عرصه اقتصادی- اجتماعی موفق بوده باشَد؟

مبارزه طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان با پیش نویس اصلاحیه قانون کار می باید با هوشیاری کلیه طیف های فکری-نظری جنبش سندیکایی زحمتکشان را در بربگیرد و از این راه برای سازمان دهی و شکل دادن به یک نیروی اجتماعی تاثیرگذار حرکت کند.

فقط و فقط با مبارزه یی متحد، متشکل، و سنجیده می توان رودرروی یورش ارتجاع ایستادگی و مقاومت کرد و سرانجام به کامیابی رسید.

به نقل از نامه مردم، شماره ۸۸۰

****

مبارزه خستگی ناپذیر زنان علیه تبعیض جنسیتی و نابرابری اجتماعی

رژیم ولایت فقیه در برنامه های ارتجاعی و زن ستیز خود جای ویژه ای را به مهار و سرکوب جنبش زنان اختصاص داده است. در این برنامه ها تلاش می شود مخالفت با تبعیض جنسیتی و سیاست های قرون وسطایی جمهوری اسلامی، مبارزه و خواست زنان طبقه ها و لایه های مرفه و نیمه مرفه جامعه معرفی شود که از خواسته ها و نیازهای زنان زحمتکش اطلاعی نداشته و دغدغه آنها را ندارند. دراین خصوص طی هفته های اخیر به موازات تبلیغات هدفمند پیرامون اعمال برخی تغییرات در لایحه "حمایت از خانواده" در کمیسیون قضایی مجلس، از طرح هایی سخن به میان آورده می شود که برای حمایت از زنان سرپرست خانوار، زنان روستایی و دیگر زنان طبقه های محروم جامعه تدوین و آماده شده است.

در این باره ابتدا کمیسیون اجتماعی مجلس در اقدامی صرفا تبلیغاتی اعلام داشت با توجه به طرح ادغام وزارتخانه ها نباید موضوع حمایت از زنان سرپرست خانوار به دست فراموشی سپرده شود. ایلنا ۱۸ تیرماه امسال نوشته بود: "عضو کمیسیون اجتماعی مجلس گفت: مهم ترین اقدام قابل توجه مجلس شورای اسلامی در رابطه با حمایت از زنان سرپرست خانوار، قانونی بود که در چارچوب برنامه پنجم تصویب و ابلاغ شده است. بنابر این قانون دستگاه ها مکلف شده اند تمامی زنان سرپرست خانوار دارای شرایط را تحت پوشش قرار دهند، البته این مساله با توجه به ادغام های اخیر وزارتخانه ها به تاخیر افتاده است. حمایت از زنان سرپرست خانوار تحت تاثیر ادغام های اخیر فراموش نشود." سپس نوبت به معاون وزیر جهاد کشاورزی رسید که در مصاحبه ای با خبرگزاری فارس ۳۰ مرداد ماه از تهیه طرحی برای اعطای وام های کم بهره به روستائیان بویژه زنان روستایی خبر داد و مدعی گردید، با این طرح زنان روستایی به لحاظ مالی مورد پشتیبانی قرار گرفته و زندگی شان متحول می شود! علاوه بر مجلس و دولت، کمیته امداد خمینی نیز در زمینه به اصطلاح حمایت از "حقوق زنان محروم" سخت فعال شده است. خبرگزاری فارس ۲ شهریور ماه از قول معاون خودکفایی و اشتغال کمیته امداد خمینی استان تهران اعلام نمود. وام های خود اشتغال زایی به زنان سرپرست خانوار پرداخت خواهد شد. در گزارش این خبرگزاری آمده است: "از ابتدای امسال حمایت ویژه ای را از مددجویان و نیازمندان در حوزه اشتغال کمیته امداد انجام می دهد. با حمایت کمیته امداد امسال پرداخت وام های اشتغال زایی به زنان سرپرست خانوار افزایش یافته است و افراد متقاضی می توانند به دفاتر امداد مراجعه و ازاین تسهیلات بهره ببرند." این گونه تبلیغات در حالی جریان دارد که با اجرای قانون هدفمند سازی یارانه ها و افزایش قیمت کالاها و خدمات عمومی زنان سرپرست خانوار، زنان کارگر، زنان کارمند و نیز زنان روستایی تحت فشار مضاعف معیشتی قرار گرفته و با وضعیت دشواری مواجه هستند. نکته مهمی که باید به آن اشاره داشت، ناکارآمدی طرح های موجود برای حمایت از زنان طبقه های محروم و زحمتکش است. علاوه بر اینکه بسیاری از طرح ها فقط در روی کاغذ واقعیت دارند و دروغی بیش محسوب نمی شوند، تعداد محدود طرح های در حال اجرا اصولا قابلیت حمایت از حقوق زنان را ندارند. مانند طرح خود اشتغال زایی کمیته امداد خمینی که صرفا پرداخت وام هایی به افراد و اشخاص دستچین شده است و نمی توان آن را برنامه ای در خدمت منافع زنان سرپرست خانوار تلقی کرد.

دولت ضد ملی احمدی نژاد و نیز تعدادی از بنیادهای انگلی بدون اینکه به پیامدهای ناگوار اجرای برنامه ضد مردمی آزاد سازی اقتصادی اشاره ای کنند، از اجرای طرح هایی برای بهبود زندگی زنان زحمتکش سخن می گویند. معلوم نیست چگونه قرار است از حقوق زنان کارگر، کارمند و بطور کلی مشاغل مانند معلمان، پرستاران و مربیان مهد کودک حمایت شود، در حالی که میزان افزایش حقوق و دستمزد آنها به مراتب پایین تر از نرخ واقعی تورم است. همچنین با ادغام وزارتخانه ها و رکود حاکم بر صنایع کشور این زنان شاغل هستند که در صف اول اخراج و یا به تعبیر جمهوری اسلامی تعدیل نیروی انسانی قرار دارند. ایلنا در اواخر سال گذشته در گزارشی نوشته بود: "زنان کارگر با کوچکترین بحرانی اخراج می شوند." بنابر این برخلاف تبلیغات عوام فریبانه رژیم ولایت فقیه نه تنها فاصله ای میان زنان طبقه های محروم با جنبش زنان علیه تبعیض جنسیتی وجود ندارد بلکه این مبارزه بیش از سایر لایه ها و گروه های اجتماعی به سود زنان زحمتکش است. در این زمینه گزارش خبرگزاری ایلنا پیرامون بی حقوقی زنان کارگر، اعتراف آشکاری به رابطه مستقیم میان تبعیض جنسیتی–طبقاتی و نابرابری اجتماعی است. ایلنا از قول مسئول اتحادیه زنان کارگر استان مازندران ، نهادی که وابسته به خانه کارگر جمهوری اسلامی است. یادآوری می کند: "علت اصلی کار زنان تامین نیاز مالی است ... زنان مجبورند به بسیاری از ترس ها و تهدیدات پاسخ دهند، اما پیشرفت شغلی نداشته باشند و در بحران ها اخراج شوند و تبعیض جنسی در مورد آنها کاملا مشهود است." تبعیض جنسیتی در شکل دستمزد ناعادلانه و کمتر از همکاران مرد، اخراج از محیط کار به دلیل زن بودن و مسایلی از این قبیل هم خودنمایی می کند. محدود ساختن تبعیض جنسیتی صرفا به اقدام های ارتجاعی مانند تفکیک جنسیتی ترفند فریب کارانه رژیم برای منزوی ساختن جنبش زنان کشور است. زنان در مبارزه با تبعیض جنسیتی خواست های مشخصی را نیز دارند

که در پیوند سرشتی و تنگاتنگ با مبارزه علیه حجاب اجباری و دیگر قوانین قرون وسطایی قرار دارد. از جمله این خواسته ها می توان به دستمزد مساوی در مقابل کار مساوی، تامین امکانات شغلی یکسان صرف نظر از جنسیت اشاره داشت.
در ماه های اخیر مخالفت قاطع و اصولی جنبش زنان کشور با طرح دولت ضد ملی احمدی نژاد تحت عنوان طرح دور کاری که اولویت در این طرح به زنان داده شده، نشانه امید بخش از توجه روز افزون مبارزان جنبش زنان به حقوق و منافع زنان طبقات محروم و توضیح رابطه میان تبعیض جنسیتی و نابرابری و فقر اجتماعی خصوصا برای زنان است.
بعلاوه مخالفت های مستدل فعالان جنبش زنان به کاهش دستمزد مشاغل نیمه وقت و پاره وقت که اغلب زنان را در بر می گیرد حاکی از کوشش هوشیارانه ای در جهت حقوق زنان زحمتکش و مبارزه علیه تبعیض جنسیتی-طبقاتی است.
آگاهی زنان زحمتکش بویژه زنان کارگر و سرپرست خانوار از حقوق و منافع خود می تواند در تقویت موضع و جایگاه جنبش زنان و جنبش کارگری در تقابل با استبداد ولایی موثر باشد.
تبعیض جنسیتی، قوانین زن ستیز و قرون وسطایی به همراه برنامه های اقتصادی-اجتماعی ضد مردمی حقوق و منافع زنان طبقه های محروم و خانواده هایشان را با چالش های جدی روبرو ساخته است.

به نقل از نامه مردم، شماره ۸۷۹، ۱۸ مهر ماه ۱۳۹۰

****

اعتصاب کارگران پتروشیمی خوزستان

اعت‌صاب کارگران مجتمع های پتروشیمی بندر شاپور و ماهشهر نمودار نارضایتی ژرف زحمتکشان از اوضاع موجود و پیامدهای مخرب اجرای سیاست های اقتصادی-اجتماعی رژیم ولایت فقیه است. وظیفه مهم و اولویت امر در اوضاع بغرنج کنونی مبارزه خستگی ناپذیر برای ارتقا سطح رزمندگی جنبش کارگری بوده و هست.

هزاران تن از کارگران مجتمع های پتروشیمی بندر شاپور و ماهشهر در اوایل مهر ماه امسال دست به اعتصاب زدند. این اعتصاب که از سوی اغلب کارگران مراکز صنعتی بویژه واحدهای مختلف صنایع پتروشیمی استان خوزستان مورد حمایت قرار گرفت، هنگامی روی داد که مسئولان جمهوری اسلامی به توافق نامه کتبی اوایل سال جاری خود با کارگران عمل نکردند. خواسته های کارگران مانند لغو قراردادهای موقت، عقد قرارداد دایم، برچیده شدن شرکت های پیمانکاری نیروی انسانی و حق انعقاد قراردادهای دستجمعی در توافق با مسئولان در ابتدای امسال گنجانده شده بود و مسئولان قول عملی ساختن آنها تا پایان تابستان را داده بودند.
در اعتصاب بزرگ واحد های پتروشیمی بندر شاپور و ماهشهر بیش از ۶۰۰۰ کارگر حضور داشتند که علاوه بر خواست اجرای توافقات قبلی، خواستار دریافت مزایای خود مانند پاداش تولید و بدی آب و هوا شدند.
خواست لغو قراردادهای موقت و حذف شرکت های پیمانکار نیروی انسانی از زمره خواست های بنیادی و مشترک طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان میهن ما به شمار می آید. طی سال گذشته تعدادی از حرکت های اعتراضی در کارخانجات ذوب آهن اصفهان، مجتمع پتروشیمی تبریز، پولاد مبارکه و پالایشگاه اراک با خواست لغو قراردادهای موقت صورت گرفته است.
این مبارزه با توجه به انتشار پیش نویس اصلاحیه قانون کار توسط دولت ضد ملی احمدی نژاد که در آن موضوع قراردادهای دایم بکلی حذف می گردد، از اهمیت اصولی برخوردار بوده و می توان اعتصاب مجتمع های پتروشیمی خوزستان را واکنش اعتراضی کارگران و زحمتکشان در پاسخ به یورش ارتجاع به دستاوردهای تاریخی و سلب حقوق سندیکایی ارزیابی کرد. واکنش و حرکتی که می باید به لحاظ سازماندهی و سطح همبستگی ارتقاء داده شود. بعلاوه کارگران دلیر پتروشیمی های استان خوزستان با اعتصاب خود، برنامه های اقتصادی-اجتماعی ضد مردمی نظیر قانون هدفمند سازی یارانه ها را نیز به چالش گرفتند.
طبقه کارگر ایران خصوصا کارگران شاغل در واحدهای بزرگ صنعتی به خوبی اثرات ویرانگر اجرای سیاست آزادسازی اقتصادی را با پوست و گوشت خود احساس کرده و به درستی نابودی امنیت شغلی خود را نتیجه پیاده ساختن چنین برنامه هایی می دانند. با توجه به همه این مسایل اعتصاب کارگران مجتمع های پتروشیمی بندر شاپور و ماهشهر نمودار نارضایتی ژرف زحمتکشان از اوضاع موجود و پیامدهای مخرب اجرای سیاست های اقتصادی-اجتماعی رژیم ولایت فقیه است. وظیفه مهم و اولویت امر در اوضاع بغرنج کنونی مبارزه خستگی ناپذیر برای ارتقا سطح رزمندگی جنبش کارگری بوده و هست.

منشوری برای وحدت عمل و آزادی ایران از چنگال استبداد

پیشنهادهای حزب توده ایران برای تشکیل جبهه واحد ضد استبدادی

آینده میهن ما در گرو مبارزه مشترک همه آزادی خواهان در راه تحولات بنیادین است
بحث بر سر تحولات آتی میهن ما و گزینش راه، در سالهای اخیر به طور عمده پیرامون دو انتخاب اساسی: اصلاحات، و یا انقلاب و تحولات بنیادین، متمرکز بوده است. حزب توده ایران معتقد است که، تحولات اجتماعی روند بغرنج و قانونمندی اند که بیرون از اراده این یا آن شخصیت و یا نیروی سیاسی، عملی می شوند.

تجربه های گوناگون سالهای اخیر، از جمله تلاش های ناکام جنبش مردمی در راه پیش برد امر اصلاحات در سالهای ۱۳۷۶ – ۱۳۸۴، نشان داد که ظرفیت چارچوب های حاکم برای اصلاح به منظور عملی کردن خواست های اکثریت مردم ما، بسیار محدود است. با وجود آنکه در دوران حکومت اصلاح طلبان، در مقاطعی هم دولت هم اکثریت قاطع مجلس در دست اصلاح طلبان حکومتی بود، ولی تکیه بر حفظ ساختارهای موجود و حرکت در چهارچوب «خودی» که از سوی ولی فقیه ارتجاع تعیین شده بود، جنبش اصلاح طلبی را در میهن ما به شدت محدود کرد و کشور در وضعیتی به استقبال انتخابات ۱۳۸۴ رفت که بخش بزرگی از زحمتکشان و نیروهای سیاسی کشور، به درستی، معتقد بودند که دست آوردهای دولت و مجلس اصلاحات برای بهبود حقوق و شرایط زندگی زحمتکشان بسیار محدود بوده است.

هراس سران دولت اصلاحات از توان نیروهای مردمی حاضر در صحنه، و عدم بهره وری درست از این نیرو برای کسب امتیاز از مرتجعان حاکم، سبب شد تا در شرایط نارضایتی بخش های وسیعی از زحمتکشان از بی عملی دولت اصلاحات در بهبود وضعیت زندگی آنان، و اختلاف نظر و گسست در جبهه نیروهای مدافع اصلاحات، نیروهای ارتجاعی بتوانند از این وضعیت بهره برداری کرده – و با تخلف ای گسترده – به منظور بازپس گیری حاکمیت و در انحصار خود قرار دادن آن، شرایط لازم را مهیا کنند.

تجربیات شش سال گذشته از روی کار آمدن دولت احمدی نژاد پس از خاتمی و سپس کوتای انتخاباتی ولی فقیه و نیروهای نظامی و انتظامی کشور در ۲۲ خرداد ماه ۱۳۸۸ و پایمال کردن رای اکثریت مردم ما که بر ضد دولت احمدی نژاد آرا خود را به صندوق ها ریختند نیروهای سیاسی و آزادی خواه کشور را با پدیده جدیدی رو به رو کرده است. برگزاری انتخابات، بر اساس چارچوب های تعیین شده از سوی مرتجعان حاکم و در شرایطی که این چنین بی محابا آرا میلیون ها شهروند را لگدمال می کنند نمی تواند برای جنبش مردمی میهن ما مثمر ثمری باشد.

بر این اساس، میهن ما به یک تحول بنیادین، که عرصهای گوناگون زندگی مردم را دربرگیرد، نیازمند است.

حزب ما همچنین معتقد است که، دست یابی به تحول های بنیادین تنها از راه شرکت فعال و سازمان یافته نیروهای اجتماعی در یک جنبش سراسری ضد استبداد ولایی و تغییر شیوه حکومت مداری در میهن ما امکان پذیر است. حزب توده ایران، بر اساس تجربه خود از رشد سرمایه داری قرن اخیر در جامعه ما، معتقد است که، نظام سرمایه داری، در هر شکل سیاسی آن، در کشور ما نمی تواند معضل هایی همچون عقب ماندگی و بی عدالتی دهشتناکی که سرتاپای جامعه را فرا گرفته است حل کند، بنابراین ایران همچنان در مرحله انقلاب ملی و دموکراتیک قرار دارد که هدف اجتماعی – اقتصادی چنین انقلابی را می توان بدین سان تعریف کرد:

محدود کردن رشد سرمایه داری بزرگ، باز تقسیم امکان های مادی و ثروت های انباشته شده یی که در اختیار تعداد انگشت شماری از نهادهای انگلی وابسته به سران رژیم قرارد دارد، و حرکت به سمت عملی کردن عدالت اجتماعی، یعنی: گسستن زنجیر های فقر، عقب ماندگی و بی عدالتی. برگزیدن چنین راه رشدی،

پاسخ به نیازهای پایه ای جامعه ما نظیر اشتغال، مسکن، بهداشت همگانی، آموزش و پرورش رایگان، تامین اجتماعی و حفظ محیط زیست، است.
چنین سمت گیری به شرکت کردن و ایفای نقش اساسی طبقه کارگر و نیروهای سیاسی طبقه کارگر به منظور تاثیر گذاری جدی بر جنبش دمکراتیک و ملی کشور نیازمند است.
حزب توده ایران همچنان، با توجه به سطح عقب ماندگی روابط اجتماعی - اقتصادی کنونی جامعه ما، معتقد است که، چنین تحولی به بسیج نیرو در گسترده جامعه، و اتحادی توانمند از نیروهای تحول خواه و پیشرو، به ویژه جنبش کارگری و کمونیستی ایران، احتیاج دارد.
حزب توده ایران، مهم ترین وظیفه نیروهای مترقی و آزادی خواه کشور را در شرایط کنونی، طرد رژیم دیکتاتوری ولایت فقیه، و روی کار آمدن یک دولت ائتلاف ملی، ارزیابی می کند و معتقد است که، مهم ترین گام در این راه، برپایی یک جبهه وسیع مردمی و ضد استبدادی است.
منشوری برای وحدت عمل و آزادی ایران از چنگال استبداد
پیشنهادهای حزب توده ایران برای تشکیل جبهه واحد ضد استبدادی
حزب توده ایران مدت هاست به هدف برچیدن بساط استبداد قرون وسطایی و برقراری آزادی های دمکراتیک، بر ضرورت وحدت و همکاری و همیاری نیروهای مترقی آزادی خواه کشور، در برپایی یک جبهه واحد در برابر استبداد پای فشاری کرده است.
اصل «ولایت فقیه» در مقام تئوری و پراتیک رژیم استبداد قرون وسطایی در میهن ما همه ساختارهای اجرایی، قانون گذاری و قضایی را به شدت تحت تاثیر قرار داده، و برخلاف اصل صریح قانون اساسی، استقلال سه قوه کشور را از بین برده است، و «اجرای قانون» در کشور را به حد اجرای فرمان های «ولی فقیه» تنزل داده است. در چنین وضعیتی، نه تنها قانون و قانون اساسی ملاک و میزان تصمیم گیری ها نیست، بلکه آن گونه که تجربه های سال های اخیر از جمله: تقلب ها و مداخله های گسترده ولی فقیه و انصارش در لگدمال کردن دای میلیون ها ایرانی در جریان انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۴ و سپس ۲۲ خرداد ماه ۱۳۸۸ نشان داد، نوعی حکومت خلیفه گری قرون وسطایی با تکیه بر نیروی خشن سرکوب و پایمال کردن خواست ها و حقوق دموکراتیک میلیون ها ایرانی، بر میهن ما حکم می راند. از آن جایی که نخستین و مهم ترین وظیفه چنین جبهه یی، بر چیدن بساط حاکمیت رژیم استبدادی و طرد رپیم ولایت فقیه است، مهم ترین خصلت آن نیز، ضد دیکتاتوری و ضد استبداد ولایی است که قلب و شکل مشخص حاکمیت استبداد در میهن ماست. چنین جبهه یی از نظر طبقاتی، می باید دربر گیرنده وسیع ترین طیف نیروهای اجتماعی و سیاسی از جمله: نمایندگان کارگران، زحمتکشان شهر و روستا، خرده بورژوازی، قشرهای میانی و سرمایه داری ملی ایران، باشد.
حزب توده ایران، برای برنامه مورد نظر خود در برپایی جبهه واحد ضد استبداد ولایی کشور، پیشنهادهای زیر را با تمامی نیروهای مترقی و آزادی خواه کشوردر میان می گذارد:
اول: ترکیب و ساختار جبهه: جبهه واحد استبدادی، کلیه آن حزب ها، سازمان ها، نیروها و شخصیت های مترقی و آزادی خواه کشور را دربرمی گیرد که در راه طرد رژیم ولایت فقیه مبارزه می کنند، و هدفشان استقرار آزادی، استقلال، صلح و عدالت اجتماعی است. جبهه واحد در مقام ستاد مشترک توده ها در مبارزه بر ضد استبداد، با توجه به شرایط و روند تحولات تاکیتک های مبارزه را بر اساس توافق مشترک نیروهای شرکت کننده در آن تعیین می کند.
دوم: برنامه و هدف های جبهه:
جبهه واحد ضد استبدادی، برای طرد رژیم ولایت فقیه، استقرار حق حاکمیت مردم بر سرنوشت شان، آزادی و عدالت اجتماعی در ایران مبارزه می کند، خواهان جدایی کامل دین از حکومت است، و عملی کردن برنامه های زیر را ضرور می داند:
الف: طرد رژیم ولایت فقیه، همچون نهادی به منظور اعمال اراده یک فرد بر جامعه، که تبلور آشکار و صریح دیکتاتوری فردی است، و استقرار دموکراسی.
ب: جدایی دین از حکومت، و استقرار یک حکومت

ائتلاف ملی، با هدف رفع محرومیت شدید در جامعه، و تدوین برنامه های اقتصادی برای تحقق عدالت اجتماعی، و تامین استقلال و حاکمیت ملی.
پ: به رسمیت شناختن حقوق کلیه حزب ها، سازمان ها، و گروه های سیاسی برای فعالیت آزادانه سیاسی.
ت: به رسمیت شناختن حقوق کلیه اتحادیه ها، سندیکاها تشکل های کارگران و زحمتکشان.
ث: آزادی فوری و بدون قید و شرط کلیه زندانیان سیاسی، و پایان دادن به شکنجه و پیگرد دگراندیشان.
ج: لغو سانسور و محدودیت از کلیه روزنامه ها، مجلات و نشریات، و دیگر رسانه های ارتباط جمعی، مانند: رادیو، تلوزیون و اینترنت.
چ: انحلال فوری ارگان های سرکوبگر، از جمله وزارت اطلاعات، سپاه پاسداران، بسیج، دادستانی و دادگاه های انقلاب.
ح: پایان دادن به سرکوب اقلیت های مذهبی و خلق های ایران، از جمله کرد، بلوچ، آزربایجانی، ترکمن و عرب، و شناسایی حق خودمختاری در چارچوب یک ایران واحد و دمکراتیک برای تمامی ایران.
خ: پایان دادن به سرکوب، و تجاوز به حقوق زنان و لغو قوانینی که از سوی رژیم ولایت فقیه بدین قصد به تصویب رسیده اند.
د: انحلال فوری نهادهای ضد مردمی، مانند: شوراهای نگهبان، مجلس خبرگان و مجمع تشخیص مصلحت.
ذ: تشکیل کمیته حقیقت یاب برای بررسی جنایت فاجعه ملی کشتار زندانیان سیاسی و شناسایی آمران و عاملان این جنایت.
حرکت عظیم مردم در پی کودتای انتخاباتی ۲۲ خرداد ماه ۱۳۸۸ ولی فقیه و انصارش، نشان داد که طیف گسترده ایی از نیروهای اجتماعی، از زنان و جوانان و دانشجویان تا کارمندان و آموزگاران، حاضرند در حرکت های میلیون ها نفری اعتراضی توده ها، در صورت خواست های مشخص مبارزاتی، به عرصه مبارزه روی آورند. نقطه ضعف این جنبش پیوند ضعیف آن با طبقه کارگر و زحمتکشان و عدم توان این جنبش در فلج کردن چرخ اقتصادی رژیم بود. بر این اساس، تامین هدف های فوق، با توان و نیروی جنبش کارگری در کشور ارتباط مستقیم دارد. بنابراین، مساله اتحاد عمل و همکاری نزدیک نیروهای طرفدار منافع کارگران و زحمتکشان کشور، به یکی از عرصه های عمده فعالیت حزب در شرایط کنونی بدل می شود.
رژیم ولایت فقیه، که پایگاه آن بیش از پیش به کلان سرمایه داری تجاری و سرمایه داری اداری کشور، خصوصاً بخش نظامی وابسته به سپاه و بسیج محدود می شود، امروز بیش از هر چیز ادامه موجودیت خود را در گرو حفظ وضعیت اختناق و ادامه سرکوب حقوق و آزادی های دموکراتیک مردم می بینند. توده ها در جریان پیکار ضد استبدادی خود آموخته اند که باید از همه شکل های ممکن مبارزه برای دستیابی به آرمان های جنبش و شکست ارتجاع بهره گرفت. برای پایان دادن به رژیم دیکتاتوری حاکم، می توان و باید از همه شکل های مبارزه استفاده کرد. حزب توده ایران بسیج و تدارک چنین مبارزه یی را مهم ترین وظیفه خود در اوضاع کنونی می داند.

****



۱۳۲۰ _ ۱۳۹۰

هفتاد سال پیکار در راه
استقلال میهن،
استقرار حقوق و آزادی‌های دمکراتیک،
و برقراری عدالت اجتماعی!

مبارزه همچنان ادامه دارد

حزب تودهٔ ایران



بخش ویژه :

هفتادمین سالگرد بنیاد گذاری حزب توده ایران
حزب طبقه کارگر ایران
حزب توده های کار و زحمت
حزب روشنفکران، هنرمندان و نویسندگان ترقیخواه و مردمی ایران!
حزب همه ی خلقهای ایران!

- اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران به مناسبت هفتادمین سالگرد بنیادگذاری حزب توده ایران!
- برگزاری جشن هفتادمین سالگرد بنیاد گذاری حزب توده ایران
- متن کامل پیام رفیق خاوری به جشن هفتاد سالگی حزب
- پیام های تبریک احزاب کارگری و کمونیستی جهان
- پیام های تبریک سازمان های ترقی خواه ایران
- همبستگی بین‌المللی با مبارزه مردم ایران در راه صلح، پیشرفت، و دموکراسی

(همبستگی ۷۰ حزب و سازمان مترقی در هفتاد سالگی حزب)

- گرامی داشت هفتادمین سالگشت زایش و جاودانگی رحمان هاتفی

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران به مناسبت هفتادمین سالگرد بنیادگذاری حزب توده ایران!

هفتاد سال پیکار خستگی ناپذیر در راه بهروزی توده های کار و زحمت، و برای تحقق آزادی ، استقلال و عدالت اجتماعی!

هم میهنان گرامی!
با فرا رسیدن دهم مهرماه ۱۳۹۰، هفتاد سال از تأسیس حزب تودهٔ ایران، حزب رزمندگان رهایی طبقه کارگر و زحمتکشان، حزب پیشگامان رهایی زنان از بند های ستم جنسی و طبقاتی، حزب نویسندگان، شاعران، و هنرمندان مردمی و پیشرو، حزب جوانان و دانشجویان رزمجو، و حزب همه مبارزان راه آزادی، استقلال، و عدالت میهن ما، می گذرد.
تاریخ حزب توده ایران، بخش جدایی ناپذیری از تاریخ مبارزات قهرمانانه مردم میهن ما بر ضد استعمار، استبداد و امپریالیسم است، و در کند و کاو همین تاریخ است که، به گواهی دوست و دشمن، می توان نقش برجسته مبارزان توده ای را در پیشبرد اندیشه های مترقی، نبرد بی امان برای دگرگون کردن جامعه واپس مانده و روابط اجتماعی–اقتصادی حاکم بر آن ، و سازمان دهی مبارزه توده ها، دید.
درباره تاریخ حزب توده ایران، در هفت دهه گذشته هزاران جزوه، مقاله و کتاب منتشر شده است، که بخشی از این انبوهه به کارزارِ تبلیغاتیِ ساواک رژیم استبدادی شاه، و در پی آن، ساوامایِ رژیم ولاَیت فقیه، و یا غرض ورزی های دشمنانه آلوده است. هدف از این کارزار گسترده تبلیغاتی، جا انداختن این نظر بوده است که، حزب توده ایران یک حزب "وابسته به خارجی" و "خائن به منافع" ملی میهن ما بوده است. چنین نظراتی که از سوی کسانی که با کودتای نظامی دستگاه های جاسوسی دولت های امپریالیستی آمریکا و انگلیس و با سرنگونی حکومت ملی دکتر مصدق روی کار آمده بودند ترویج شده است، ابعاد بی پایگی و رسوایی چنین ادعاهایی را اثبات می کند.
هفتاد سال پیش، پس از سقوط حکومت رضا شاه، در پی رهایی یاران دکتر تقی ارانی از زندان ستم شاهی، در پی باز شدن فضای سیاسی، حزب تودهٔ ایران به همت شماری از برجسته ترین مبارزان راه آزادی و منادیان رهایی میهن از بندهای بهره کشی، استبداد، و واپس ماندگی، به ریاست سلیمان محسن اسکندری، یکی از رجال بنام آزادی خواه صدر مشروطیت، بنیاد گذارده شد.
حزب تودهٔ ایران در حالی پا به عرصه مبارزه گذاشت که کشور ما تغییرات و تحولات اساسی یی را تجربه می کرد، و با استقرار تدریجی سرمایه داری وابسته و رشد همزمان طبقه کارگر، جامعه


خجسته باد هفتادمین سالگرد تأسیس حزب توده ایران

ما نیازمند حزبی رزمنده و پیشرو بود که پشتیبان و سازمان ده طبقه کارگر و زحمتکشان و پاسخ گویِ نیاز مبرم تحولات متَناسب با وضعیت اجتماعی و سیاسی میهنَ باشد. بر این اساس، حزب تودهٔ ایران، در ادامه سنت های انقلابی مبارزات حزب کمونیست ایران، و رهبران برجسته نهضت رهایی بخش ملی و شخصیت هایی همچون حیدر خان عمواوغلی و دکتر تقی ارانی، گام در راه دگرگون ساختن بنیادین جامعه ما گذاشت. تحزب در شکل نوین آن، پیدایش سازمان های صنفی، از جمله سندیکاهای کارگری، اتحادیه های مستقل جوانان، دانشجویان، و سازمان های پیشروی زنان، پراکندن بذر آگاهی اجتماعی–سیاسی و فرهنگی و طرح نظرات انقلابی و پیشرویی همچون ضرورت تصویب قانون کار، اصلاحات ارضی، و خواست الغای قرار دادهای استعماری یی که کشورهای امپریالیستی بر میهن ما تحمیل کرده بودند، و فرا گیر شدن چنین خواست هایی در جامعه مان، از جمله تأثیرات مستقیم حزب تودهٔ ایران در همان سال های نخست بنیادگذاری اش است.
امپریالیسم و نیروهای ارتجاعی کشور در سیمای حزب ما خطری بزرگ برای منافع خود دیده و می بینند، و در طول هفتاد سال گذشته از هیچ تلاش و توطئه یی برای نابودی حزب توده ها فرو گذار نکرده اند.
راز ریشه های عمیق و سترگ اجتماعی حزب تودهٔ ایران، در دقت کم نظیر تحلیل ها و برنامه هایش و انطباق بی خدشه آن بر خواست های زحمتکشان و منافع و مصالح میهن بوده است.

از تشکیل ''شورای مرکزی اتحادیه های کارگران ایران''، در اسفندماه ۱۳۲۰ ، و بنیاد گذاری نخستین اتحادیه های دهقانی در اطراف تهران و برخی استان های کشور، در خرداد ماه ۱۳۲۲، حزب تودهٔ ایران نیروی رهبری کننده بی بدیل مبارزات کارگری – دهقانی کشور شناخته شد و مورد قبول توده های کار و زحمت قرار گرفت. برگزاری روز جهانی کارگر در ایران، در ۱۱ اردیبهشت ماه ۱۳۲۵، که با شرکت ۰۰۰/۷۰۰ کارگر در سراسر ایران برگزار شد، و همچنین ده ها اعتصاب و راه پیمایی کارگری در آن سال ها، نقش برجسته یی به مبارزات طبقه کارگر در میهن ما داد و فضای سیاسی ایران را به کلی دگرگون کرد.

تلاش حزب در سازمان دهی مبارزه بر ضد فاشیسم، و همچنین تلاش در راه دست یافتن به صلح، از عرصه های تاریخی مبارزات توده ای ها و سازمان های گونه گون شان در میهن بوده است. آوای نشریه ''مردم ضد فاشیسم'' ، ارگان تبلیغاتی حزب بر ضد فاشیسم، در نخستین سال های پس از تأسیس حزب، در سراسر ایران پیچید و تأثیرات مهمی را در راه مقابله با اندیشه های فاشیستی در جامعه برجای گذاشت.

نخستین برنامه حزب توده ایران که در مرداد ماه ۱۳۲۳ ، به تصویب نخستین کنگره حزب رسید، سند درخشانی از ماهیت انقلابی حزب و آرمان های والای آن در راه رهایی کارگران، زحمتکشان، زنان، جوانان، و دانشجویان کشور است. این نخستین سند مبارزاتی یک حزب سیاسی در آن دوره از تاریخ میهن ما بود که پیام آور رهایی میهن از بندهای وابستگی به بیگانه، استعمار، استبداد، و بنا کردن ایرانی آزاد و آباد بود. در نخستین «برنامه حزب» ما مسائل عمده یی از جمله:

''مبارزه در راه استقرار رژیم دموکراسی و تأمین کلیه حقوق فردی، و اجتماعی از قبیل: آزادی زبان، قلم، عقیده و اجتماعات... مبارزه بر علیه رژیم دیکتاتوری و استبداد...

سعی در گذراندن قانون کار از مجلس شورای اسلامی بر اصول زیر: تقلیل مدت کار روزانه در تمام کشور به هشت ساعت و پرداخت دستمزد متناسب برای کارهای اضافی ... ایجاد بیمه اجتماعی کارگران و کارمندان و مستخدمین ...

واگذاری بلاعوض خالصجات و املاک قابل کشت دولتی به دهقانان بی ملک ... اصلاحات اساسی در مورد تقسیم غیر عادلانه محصول بین ارباب و رعیت ... تجدید نظر در قانون استخدامی کشور به نحوی که مخصوصا شرایط معاش و زندگی کارمندان جز تأمین گردد...

کوشش در توسعه حقوق اجتماعی و برقراری حقوق زنان (حق انتخاب شدن و انتخاب کردن) در مجلس مقننه و انجمن های ایالتی و بلدی. بهبودی اوضاع مادی و تأمین استقلال اقتصادی زنان ...

تساوی کامل حقوق اجتماعی بین کلیه افراد ملت قطع نظر از مذهب و نژاد ...'' مطرح شده بود، و در راه آن ها مبارزه می شد و تا کنون نیز شده است.

طرح چنین خواست های انقلابی و پیشرویی نه تنها فضای سیاسی- اجتماعی آن روز ایران را دگرگون کرد، بلکه اثرات این اندیشه های مترقی و آزادی خواهانه تا به امروز در جامعه ما پابرجاست. هیچ نیروی آزادی خواهی را در میهن ما نمی توان یافت که برنامه سیاسی اش تحت تأثیر از این اندیشه های مترقی و انساندوستانه، از این آغاز حماسه گون حزب کارگران و زحمتکشان میهن ما، حزب تودهٔ ایران، تأثیر نپذیرفته باشد.

با تأسیس حزب تودهٔ ایران و انتشار انبوهی از روزنامه ها، مجله ها، کتاب ها، و نشریه های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، و فرهنگی، نسل جوان کشور با اندیشه های پیشرو، انقلابی، و تاریخ ساز مارکسیسم – لنینیسم آشنا شد، و در نتیجه آن توانست نقش مهم و سازنده ای در تغییر جامعه ما بازی کند. شماری از برجسته ترین متفکران، ادیب ها، شاعران، نویسندگان، و مترجمان کشور در دامان حزب توده ایران پرورش یافتند و زمینه سازِ رشد ادبیات، هنر، و فرهنگِ پیشرو در جامعه ما شدند.

یکی دیگر از عرصه های درخشان فعالیت حزب ما، تلاش های پیگیر آن در عرصه به وجود آوردن همکاری بین نیروهای مترقی و آزادی خواه کشور بوده و هست. از همان فردای تأسیس حزب، توده ای ها همواره در راه برقراری اتحادِ عمل بین همه آزادی خواهان و میهن دوستان کشور به منظورِ رهایی ایران از چنگال استبداد، وابستگی به بیگانه، و استعمار تلاش کرده اند و نمونه های درخشانی از این فعالیت ها در تاریخ معاصر میهن ما ثبت شده است. ایجاد '' جبهه آزادی''، دربردارنده نیروهای مترقی و همچنین روزنامه ها و مدیران نشریه های کشور، در تابستان سال ۱۳۲۳ ، برپایی جبهه ''مطبوعات ضد دیکتاتوری''، در اردیبهشت ماه ۱۳۲۷ ، ایجاد '' جمعیت ملی مبارزه با استعمار''، در دی ماه ۱۳۲۹ ، و ده ها تلاش دیگر از این دست در طول هفتاد سال گذشته، از جمله این نمونه هاست. واقعیت این است که، جا افتادن این اندیشه مهم که رهایی ایران از بندهای ارتجاع و استبداد نیازمندِ تلاش متحد و همکاری همه آزادی خواهان کشور است، نتیجهَ تلاش های مستقیم حزب تودهٔ ایران در جامعه ما بوده است.

مبارزه در راه دست یافتن به حقوق پایمال شده خلق های مورد ستم ایران، از جمله دیگر عرصه های فعالیت حزب ما در طول هفتاد سال گذشته بوده است. بنیادگذاری و تأسیس حزب تودهٔ ایران با آغازِ پیکار در راه رهایی خلق های ایران از بند ستم ملی و طبقاتیَ ارتباطی گسست ناپذیر دارد. حزب تودهٔ ایران نخستین سازمان سیاسی کشور بود که خواستِ واگذاری خودمختاری در چارچوب ایرانی واحد و دموکراتیَک را در دستور کار مبارزات سیاسی کشور قرار داد، و توده ای ها در صحنه های پیکار خونین خلق های آذربایجان، کردستان، و همچنین دیگر خلق های محروم کشور، از جمله خلق عرب،

بلوچ، و ترکمن، در راه دستیابی به حقوق شان، از هیچ گونه فداکاری کوتاهی نکرده اند.
از آغاز بنیادگذاری حزب توده ایران در دهم مهرماه ۱۳۲۰ تا کودتای ننگین ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ ، که از سوی دولت های امپریالیستی آمریکا و بریتانیا و به منظور سرکوب جنبش مردمی ایران و نهضت ملی شدن نفت ایران سازمان دهی شده بود، تنها در طی ۱۲ سال فعالیت سیاسی، توده ای ها سرچشمه آن چنان تحولات انقلابی یی در ایران بودند که سرتاسر منطقه خاور نزدیک و میانه نیز از بازتاب های شگرف آن تأثیر پذیرفتند. امپریالیسم آمریکا و بریتانیا، حزب توده ایران را بزرگ ترین خطر در مقابل منافع برتری طلبانه خود در منطقه می دیدند. امروز پس از گذشت نزدیک به شش دهه، و در پی گشوده شدن آرشیو ها و انتشار اسناد محرمانه سازمان گران این کودتا، روشن شده است که یکی از هدف های عمده کودتای ۲۸ مرداد، سرکوب خونین حزب توده ایران بود. دستگیری هزاران توده ای، شکنجه و سپس اعدام بسیاری از آنان از جمله رفقای قهرمان سازمان نظامی حزب، به دستور رژیم شاه، نه تنها نتوانست ‘‘ریشه حزب’’ را آن طور که دستگاه های امنیتی حکومت سلطنتی تصور و تبلیغ می کرد در ایران بخشکاند، بلکه الهام بخش نسل های نوینی از رزمندگان توده ای و دیگر نیروهای مترقی و چپ میهن گردیدند.
با وجود سرکوب ۲۵ ساله دستگاه های امنیتی رژیم سلطنتی، توده ای ها نقش حیاتی یی را در سازمان دهی مبارزه ضد استبدادی میهن ما ایفا کردند. روزنامه زیر زمینی ‘‘نوید’’ که به سردبیری رفیق قهرمان رحمان هاتفی (حیدر مهرگان) منتشر می شد، توانست با بردن نظرات حزب توده ایران به میان توده ها، و از جمله برای طرح نخستین بارِ نظریه ضرورت سازمان دهی اعتصاب عمومی، تأثیر مهمی در سَمت گیری مبارزات ضد استبدادی میهن ما برجای گذارد، و سرانجام، این نقش برجسته کارگران توده ای در سازمان دهی اعتصاب کارگران نفت بود که کمر رژیم سلطنتی را در هم شکست.
پیروزی انقلاب بهمن ۱۳۵۷ ، نظام سیاسی پوسیده و ضد مردمی سلطنتی را واژگون کرد و با استقرار آزادی، این امکان را پدید آورد که میهن ما بدون دخالت خارجی و حضور ده ها هزار مستشار آمریکایی، به سمت انتخاب نظام سیاسی- اقتصادی خود حرکت کند. حزب توده ایران پس از ۲۵ سال سرکوب خشن و خونین، فعالیت علنی خود را از سر گرفت و در مدتی بسیار کوتاه توانست به نیروی بزرگ اجتماعی یی با نفوذ چشمگیر معنوی تبدیل گردد. تأثیر اندیشه های حزب ما بر اصول مترقی یی از قانون اساسی ــ که دفاع از منافع قشرهای گوناگون اجتماعی و پاسداری از آزادی را در دستور کار خود قرار می دهد ــ در کنار تلاش حزب در سازمان دهی کارگران، کشاورزان، زنان، جوانان، و دانشجویان کشور، خیلی زود هراس ارتجاع داخلی و کشورهای امپریالیستی را که نگران سمت گیری انقلاب بهمن ۵۷ بودند، برانگیخت.
تنها کافی است اشاره کنیم که در دوران طوفانی سال های نخست پس از انقلاب، به همت مبارزه توده ای ها و دیگر نیروهای مترقی کشور، مسأله «اصلاحات ارضی» و «تصویب قانون کار» که تا حدودی از حقوق کارگران حمایت کند، با وجود همه مخالفت های نیروهای ارتجاعی و واپس گرا در جامعه به پیش برده شد و تا به امروز هنوز ارتجاع نتوانسته است این دست آورد های هرچند محدود را باز پس گیرد.
رویارویی هوشیارانه حزب توده ایران با توطئه های پی در پی امپریالیسم برای شکست انقلاب ایران و ازجمله هشدارهای حزب ما پیرامون امکان حمله نظامی به ایران، و سپس مبارزه برای صلح و بر ضد ادامه جنگ ایران و عراق، از دیگر عرصه های مهم و درخشان مبارزه حزب ما است. در سال های نخست دهه ۱۳۶۰ ، در پی پیروزی خرمشهر و بیرون راندن ارتش متجاوز رژیم صدام حسین، که به دست پر توان فرماندهان توده ای ارتش سازمان دهی و بدان دست یافته شد، حزب ما با وجود جو شدید تبلیغاتی رسانه های حاکم و طرح شعار ‘‘جنگ، جنگ تا پیروزی’’ از سوی خمینی و دیگر سران رژیم، این شعار را شعاری نادرست اعلام کرد و نظریه ضرورت پایان جنگ از طریق مذاکره را در جامعه مطرح ساخت. پاسخ مرتجعان حاکم به این دید درست و راه گشا، یورش وحشیانه به حزب تودهٔ ایران و کشتار گروهی از برجسته ترین فرماندهان انقلابی ارتش ایران بود.
سرکوب خشن و خونین حقوق و آزادی های دموکراتیک، به بند کشیدن هزاران مبارز آزادی و یورش همه جانبه به حزب توده ایران، در بهمن ماه ۱۳۶۱ ، که به گفته ری شهری جنایتکار، با دستگیری بیش از ده هزار تن از کادرها، فعالان، اعضاء، و هواداران حزب توده ایران همراه بود، باردیگر امکان فعالیت آزاد و علنی را، بر خلاف قوانین داخلی و بین المللی، از حزب کارگران و زحمتکشان میهن ما از بین برد و حاکمیت فاجعه بار رژیم ضد مردمی و استبدادی ‘‘ولایت فقیه’’ را بر ایران مستقر و مستحکم کرد.
هم میهنان گرامی
حزب ما در حالی به استقبال هفتادمین سالگرد تأسیس اش می رود که میهن ما با اوضاعی بیش از پیش بحرانی و نگران کننده روبه روست. بیش از دوسال از کودتای انتخاباتی ولی فقیه و روی کار آمدن مجدد محمود احمدی نژاد در مقام رئیس جمهوری برگمارده نظامیان، نیروهای سرکوب گر و تاریک اندیشان ‘‘ ذوب شده در ولایت مطلقه فقیه’’ می گذرد. بیش از دوسال است که نیروهای امنیتی و سرکوب گر و سپاهیان جهل، به جنبش مردمی جان به لب رسیده از بی عدالتی و ظلم و محرومیت های شدید اقتصادی و ناهنجاری های فزاینده اجتماعی می تازند تا صدای حق طلبانه اکثریت جامعه را برای استقرار حکومتی بر پایه آرای مردم و پایبند به حقوق آنان

خاموش سازند. با وجود یورش های مسلحانه و خونین به تظاهرات پرشکوه مردمی در اعتراض به کودتای انتخاباتی ولی فقیه، با وجود دستگیری هزاران مبارز و فعال اجتماعی و با وجود دستگیری شماری از رهبران سابق جمهوری اسلامی که همگی از ''یاران نزدیک امام'' بودند، رژیم ولایت فقیه نتوانسته است جنبش مردمی و اصلاح طلبانه میهن ما را سرکوب کند.
ادامه مبارزه برای اصلاحات، و طرد رژیم ولایت فقیه در حکم سد اساسی هرگونه تحول اساسی، بینادین و دموکراتیک ـ شعاری که برای نخستین بار از سوی حزب ما، در نوروز ۱۳۶۹ در جامعه مطرح شد ـ به خواست وسیع جامعه ما و نیروهای سیاسی آزادی خواه تبدیل شده است و سرنوشت و حیات رژیم استبدادی حاکم را به چالش کشیده است.
تنفر و انزجار عمیق اکثریت مردم ما از رژیم ولایت فقیه و رهبر آن، علی خامنه ای، ادامه حیات حکومت کنونی را تنها با تکیه به زور و دخالت روز افزون فرماندهان نیروی ضد مردمی سپاه پاسداران که همه شریان های اساسی اقتصادی کشور را در دست خود قبضه کرده است، ممکن می سازد. مخالفت بخش های مهم و وسیعی از روحانیون و ''مراجع تقلید'' در ''حوزه های علمیه'' و اکثریت کسانی که در گذشته نزدیکی رهبران سیاسی جمهوری اسلامی محسوب می شدند با حاکمیت انحصاری خامنه ای، خانواده و نزدیکان او، و رهبران سپاه و نیروهای انتظامی، نشان گرِ حرکت سریع و خطرناک ایران به سمت یک دیکتاتوری نظامی با سیمای مذهبی است.
رژیم، برنامه سازمان یافته و وسیعی را برای سرکوب کامل جنبش مردمی و دست آورد های هشت سال تلاش برای اصلاح حکومت مداری در ایران به مرحله اجرا گذاشته شده است. تهاجم پیگیر و در عین حال فزاینده به جنبش مستقل کارگری کشور، در کنار تهاجم وسیع به تشکل های دانشجویی، و سرکوب خشن فعالیت های سیاسی- اجتماعی زنان کشور و همچنین بستن روزنامه های منتقد و زیر فشار قرار دادن نویسندگان و روزنامه نگاران دگراندیش، به بند و حصر کشیدن شماری از شخصیت های اجتماعی - سیاسی کشور، از جمله موسوی و کروبی، نامزدهای انتخابات ریاست جمهوری دوره دهم و از رهبران جنبش اعتراضی برضد کودتای انتخاباتی ولی فقیه، همه بخشی از برنامه یی واحد برای تثبیت موقعیت ارتجاع و بازگرداندن حرکت چرخ تحولات کشور به سال های دهه ۱۳۶۰ است.
حزب ما در جریان برگزاری انتخابات سال ۱۳۸۴ ، با برشمردن خطراتی که جنبش را تهدید می کرد، همه نیروهای مترقی و آزادی خواه کشور را به اتحاد عمل و تلاش واحد برای شکست برنامه های ارتجاع فراخواند. این تلاش ها متأسفانه در فضای ناسالم سیاسی و شعارهای تند و غیر واقع بینانه شماری از نیروهای سیاسی - اجتماعی کشور و عدم حمایت از نامزدی «معین» در انتخابات، و همچنین مماشات و بی عملی نیروهای اصلاح طلب که سکان اداره دولت وقت را در دست داشتند، عملی نشد، و نیروهای ارتجاع توانستند گامی بلند در راه تحمیل برنامه های خود بر جامعه بردارند و شرایط دشواری را برای ادامه روند اصلاحات ایجاد کنند، روندی که با سازمان دهیِ کودتای انتخاباتی خرداد ماه ۱۳۸۸ ، و پایمال کردن رای میلیونَ ها شهروند میهن ما، مفهوم تازه ای به واژه ''انتخابات'' در رژیم ولایت فقیه داد. آنچه در دوران دولت احمدی نژاد و حاکمیت انحصاری ارتجاع بر سه قوه کشور رخ داده است، فاجعه یی عظیم است که آینده کشور و نسل های بعدی را با خطرات جدی رو به رو کرده است. اعمالِ مجموعه سیاست های مخرب و ضد ملی اقتصادی- اجتماعی دَر راستای تأمین منافع کلان سرمایه داری اداری(بوروکراتیک) و تجاری، شدت یافتن دهشت بارِ فقر و محرومیت که باید گفت در تاریخ معاصر میهن ما کم سَابقه بوده است، ادامه سیاست ها در راستای هرچه بیشتر خصوصی کردنِ صنایع و مراکز تولیدی کشور و ''تعدیل انسانی '' نیروی کار، یورش برای تغییر قانون کار و پایمال کردن بیش از پیش حقوق کارگران و زحمتکشان، بر خلاف همه ادعاها و قول های انتخاباتی در زمینه تقسیم پول نفت میان زحمتکشان، و همچنین زمزمه احیای سیاست های گزینشی مطرود دهه ۶۰ در دانشگاه ها و ادارات کشور، سیمای واقعی دولتی ضد مردمی و آزادی ستیز است که هدفش سرکوب خشن و خاموش ساختن هرگونه صدای مخالفی در کشور است .

هم میهنان گرامی!
بی عدالتی بی سابقه، فقر و محرومیت در کنار فشارهای کمر شکن اقتصادی و خفقان شدید، در مجموع، اوضاع غیر قابل تحملی را برای بخش های وسیعی از جامعه و حتی بخش هایی از نیروهای درون و پیرامون حاکمیت فراهم آورده است. اوج گیری اختلاف ها و درگیری ها با دولت احمدی نژاد، مانور برای ''انتخابات'' مجلس و سپس ''انتخابات'' ریاست جمهوری که پایان کار دولت منفور احمدی نژاد است، امکان های نویی را برای سازمان دهی مجدد و تشدید مبارزه بر ضد رژیم ولایت فقیه فراهم آورده است که باید با هوشیاری از آن ها بهره گرفت. در چنین شرایطی، میهن ما بیش از پیش نیازمند حرکتی متحد، وسیع، و سازمان یافته بر ضد رژیم دیکتاتوری حاکم است. جنبش های آزادی خواهانه یی که کشور های خاورمیانه را در ماه های اخیر فرا گرفته اند و به سقوط شماری از حکومت های استبدادی و ضد ملی منطقه از جمله حکومت حسنی مبارک در مصر و در تونس منجر شده اند، نشان داد که با حرکت سازمان یافته همه نیروهای اجتماعی، و خصوصا حضور نیرومند طبقه کارگر و زحمتکشان در این روند، می توان ارتجاع حاکم را به عقب نشینی و تن دادن به خواست های جنبش مردمی وادار کرد. این نیازی است که جنبش مردمی ما از نبودِ آن رنج برده است و به پاسخ گویی به این نیاز باید با تمام توان برخاست.

رفقا، اعضاء، هواداران، و دوستان حزب!
پیکار هفتاد ساله حزب توده ایران با همه فراز و نشیب های آن با تکیه به تلاش های خستگی ناپذیر شما امکان پذیر بوده و هست. در طول هفتاد سال گذشته و از جمله در سال های اخیر، اعضاء و هواداران حزب ما با توطئه های گوناگون ارتجاع برای نابودی حزب شان روبه رو بوده اند، و در این مصاف دشوار پرچم پر افتخار حزب کارگران و زحمتکشان کشور را همچنان در اهتزاز نگاه داشته اند. شکست ارتجاع در نابودی حزب تودهٔ ایران به مفهوم پایان توطئه ها و ترفند های رژیم نیست. رژیم استبدادی حاکم همچنان حزب تودهٔ ایران را دشمن اصلی برنامه های ضد ملی و ضد مردمی خود می داند و همچنان همه تلاش ها و امکانات خود را به منظور ضربه زدن به صفوف حزب ما به کار می برد. کشتار صدها تن از کادرهای برجسته، رهبران، شخصیت های اجتماعی، سیاسی، و فرهنگی حزب ما در جریان فاجعه ملی، که در جریان آن هزاران زندانی سیاسی جان باختند، در کنار توطئه حزب سازی و تلاش به قصد پراکنده کردن اعضا و هواداران و شکافته شدن صفوف حزب، بخشی از تلاش حاکمیت به منظور ''کندن ریشه های'' حزب از جامعه بوده است که تا به امروز نیز ادامه دارد. از سازمان دهی ''شوهای تلویزیونی'' قربانیان شکنجه برای بی اعتبار کردنِ تاریخ و مبارزات حزب توده ایران، تا خاطره نویسی های با نظارت شکنجه گران، برپایی دستگاه های عریض و طویل تبلیغاتی برای حمله به برنامه سیاسی- مبارزاتی حزب ما، و ''رهبر'' سازی دستگاه های امنیتی، هیچ کدام از این توطئه ها، با وجود همه دشواری هایی که بر سر راهِ فعالیت حزب ما پدید آورده است، اما نتوانسته اند پیکار حزبِ توده ایران در راه دست یافتن به آرمان های والای طبقه کارگر ایران را متوقف کند. انتشار منظم و وقفه ناپذیر ''نامه مردم''، ارگان مرکزی حزب توده ایران، برگزاری کنگره های سوم، چهارم، و پنجم حزب، در دشوار ترین شرایط، و نفوذ گسترده و فزاینده اندیشه ها و برنامه های مبارزاتی حزب ما در بین نیروهای اجتماعی و سیاسی کشور، نشان گرِ ادامه حیات پر ثمر حزب توده ها و شکست برنامه های ارتجاعَ و امپریالیسم است.
حزب ما، در دهه های اخیر، پس از یورش گسترده و خونین رژیم جمهوری اسلامی، همچنین با بحران های جنبش کارگری و کمونیستی جهان و فروپاشی کشورهای سوسیالیستی در دهه ۸۰ قرن گذشته میلادی و تهاجم فزاینده تبلیغاتیِ امپریالیسم جهانی بر ضد جنبش جهانی کارگری و کمونیستیِ رو به رو بوده است، و باید گفت که دشوار ترین آزمون تاریخ خود را با سربلندی پشت سر گذاشته است.
در هفتادمین سالگرد تأسیس حزب تودهٔ ایران، شایسته است که همراه با گرامی داشتِ خاطره تابناک ده ها هزار جانباخته توده ای، با مبارزات سترگ آنان تجدید عهد کنیم، و اعلام داریم که: حزب تودهٔ ایران، حزب کارگران، زحمتکشان و محرومان کشور، حزب زنان مبارز و آزادی خواه، حزب جوانان و دانشجویان مبارز، حزب روشنفکران، نویسندگان و هنرمندان پیشرو و حزب افسران میهن دوست و آزادی خواه، همچنان در کنار همه آزادی خواهان و نیروهای ملی و مترقی کشور در راه ریشه کن کردنِ استبداد و استقرار آزادی، استقلال، و عدالت اجتماعی به مبارزه تاریخی خود ادامه می دهد و همه تلاش ها و امکان های خود را در راه دست یافتن به این آرمان های والا به کار خواهد گرفت.
مبارزه ادامه دارد، و آینده از آنِ خلق و نیروهای ملی و آزادی خواهی است که در کنار مردم و برای عملی شدن خواست های جنبش مردمی می رزمند!

درود آتشین به خاطره تابناک جان باختگان توده ای و همه جان باختگان راه آزادی، استقلال، و عدالت در کشور!
فرخنده باد هفتادمین سالگرد تأسیس حزب تودهٔ ایران!
با هم به سوی برپاییِ جبهه واحد ضد دیکتاتوری، برای طردِ رژیم ولایت فقیه، و استقرار آزادی، استقلال، و عدالت اجتماعی!

کمیته مرکزی حزب توده ایران
۴ مهرماه ۱۳۹۰

****

حزب ما توده را سازد پیروز!

برگزاری جشن هفتادمین سالگرد بنیاد گذاری حزب توده ایران

آغاز سرود چهارم حزب توده ایران سکوت سالن پرشکوه شهرداری "همراسمیت"، در لندن، را درهم می شکند. صدها تن از شرکت کنندگان در جشن به پا می خیزند و خروش "حزب ما توده را سازد پیروز می رسد فردایی از پس امروز" فضای پر شوری می آفریند. سالن جشن به شکل زیبایی با شعارهای "فرخنده باد هفتادمین سالگرد بنیادگذاری حزب توده ایران"، گرامی باد خاطره شکوهمند جان باختگان فاجعه ملی و شعار "جبهه متحد ضد استبدادی"، و همچنین عکس قهرمانان و چهره های برجسته جنبش کارگری و کمونیستی ایران، رفقا: حیدر خان عمواوغلی، ارانی، روزبه، تیزابی، حکمت جو، مهرگان، سیمین فردین و دیگر شهدای حزب در سال های اخیر تزئین شده است. رفقا از هر سو گرد آمده اند و در کنار انبوه مهمانان ایرانی و خارجی هفتادمین سالگرد بنیادگذاری حزب توده ایران را جشن می گیرند. حزب سپید موی زحمتکشان میهن ما هفتاد ساله شده است. توده ای ها هفتاد سال است که جانانه و پیگرانه برای تحقق حقوق مردم، برای آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی، برای رهایی میهن از بندهای استعمار و استثمار می رزمند و سیمای مبارزات رهایی بخش کشور ما را دگرگون کرده اند. به شهادت دوست و دشمن حزب توده ایران در نبردهای سرنوشت ساز و پیروزی های بزرگ خلق نقش انکار ناپذیری داشته است و با وجود دهه ها سرکوب خشن و خونین ققنوس وار از خاکستر فراز و نشیب ها برخاسته است تا بشارت دهنده فردایی بهتر، فردایی آزاد و آباد، برای مردم میهن ما که در چنگال رژیم ضد استبدادی ولایت فقیه اسیرند، باشد.
مجری برنامه، رفیق رکن الدین خسروی، یکی از برجسته ترین چهره های تئاتر ایران را برای خواندن پیام رفیق علی خاوری، عضو هفتاد ساله حزب توده ایران، به صحنه فرا می خواند. پیام رفیق خاوری یاد آور: "حال و هوای نخستین روزها و ماه های زایش حزب سپیدموی ما برای ماندن و خدمت کردن به توده های کار و زحمت" است. از استقبال بی نظیر کارگران، زنان، جوانان و دانشجویان از حزب توده ایران و خدمات انکار ناپذیر حزب سخن می گوید و کلام را با فرا خواندن شرکت کنندگان در جشن به یکدقیقه سکوت، برای گرامی داشت همهء جانباختگان راه ازادی، استقلال و عدالت اجتماعی میهن، به پایان می برد.
رفقا برای اجرای یکدقیقه سکوت به پا می خیزند. چهرهای اندوهگین و در عین حال مصمم شرکت کنندگان یاد آور



خاطره تابناک ده ها هزار انسان اسطوره یی، سیامک ها، روزبه ها، وارطان ها، تیزابی ها، حکمت جوها، مهرگان ها، سیمین فردین ها، حسین پور تبریزی ها و شناسایی ها، کی منش ها، و شلتوکی ها و ... است که در راه تحقق آرمان های والای خلق جان خود را فدا کرده اند.
نوبت به صدر حزب کمونیست بریتانیا، رفیق بیل گرین شیلید می رسد که درودهای گرم و کمونیستی رفقای انگلیسی را به اطلاع شرکت کنندگان در جشن برساند.



او از تاریخ طولانی مداخلات امپریالیسم بریتانیا در ایران سخن می گوید و ضمن اشاره به کودتای ننگین ۲۸ مرداد، که به گفته او از جمله اهداف اساسی آن نابودی حزب توده ایران بود، مبارزه قهرمانانه توده ای ها را می ستاید. رفیق بیل در جایی دیگری از سخنانش ضمن اشاره به سیاست های مداخله گرانه امپریالیسم از جمله در لیبی و کشتار مردم ''سرت'' در روزهای اخیر، سخنان خود را با قول تشدید همبستگی با مبارزات قهرمانه مردم ایران به پایان می برد. سخنران بعدی رفیق سلام علی، عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست عراق و مسئول روابط بین المللی حزب است.



رفیق سلام با درودهای گرم به رفقای حزب توده ایران، مبارزات قهرمانانه توده ای ها، از جمله خسرو روزبه را سرمشقی برای مبارزان کمونیست در جهان می نامد و می گوید حزب کمونیست عراق به روابط خود با حزب توده ایران می بالد. رفیق سلام ضمن اشاره به سابقه طولانی مبارزه بر ضد دیکتاتوری در عراق و ایران و اشاره به اینکه کمونیست های عراقی و ایرانی در صفی واحد بر ضد جنگ ایران و عراق و برای صلح رزمیدند به تحلیل شرایط دشوار مبارزه مردم و نیروهای مترقی عراق و نقش کمونیست های این کشور در مبارزه برای آزادی و خروج نیروهای آمریکایی از عراق می پردازد. رفیق سلام در انتهای سخنرانی جالب و گرم خود همبستگی رزمجویانه رفقای عراقی با حزب توده ایران را اعلام می دارد.
سپس رفیق توران همتی، عضو شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در تریبون سخنرانی قرار می گیرد

و اعلام می کند: ''هیئت سیاسی-اجرایی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) هفتادمین سالگرد بنیادگذاری حزب توده ایران را به شما و به تمام توده ای ها که در داخل و خارج از کشور



برای رهایی کشور ما از سلطه استبداد و نظام غارتگرانه و برای آزادی، دموکراسی، عدالت اجتماعی و سوسیالیسم مبارزه می کنند، شادباش می گوید و آرزوی موفقیت توده ای ها در این مبارزه سترگ دارد.'' سخنران در بخش دیگری از سخنانش به پیشقدم بودن حزب در ''فرهنگ سازی و شناساندن اندیشه های پیشرو'' اشاره می کند و پیام را با تبریک مجدد هفتادمین سالگرد بنیادگذاری حزب به پایان می برد. رفیق فریدون معروفی، نماینده حزب دموکرات کردستان، سخنران بعدی است



که ضمن تبریک هفتادمین سالگرد حزب توده ایران و اشاره به مبارزات حزب اعلام می کند که امیدوار است نیروهای ترقی خواه ایران در کنار هم بر ضد رژیم دیکتاتوری حاکم به مبارزه برخیزند.
مجری برنامه همچنین دریافت پیام هایی از فرقهٔ دموکرات آذربایجان و مبارز خلق عرب، یوسف عزیزی بنی طُرُف، دبیر ''کانون مبارزه با نژاد پرستی و عرب ستیزی در ایران'' را، که در جشن شرکت داشت، اعلام می کند. بدنبال این پیام ها رفیق النی گروپاناجیوتی، نماینده حزب کمونیست یونان سخنرانی جالبی در همبستگی با حزب توده ایران و همچنین تشریح بحران عمیق سرمایه داری در اروپا و جهان ارائه می دهد. رفیق رشید الشیخ، نماینده کمیته مرکزی حزب کمونیست سودان ضمن اشاره به سفر اخیر احمدی نژاد به سودان و همکاری های نظامی–امنیتی دو رژیم منفور و ضد مردمی همبستگی خود را با مبارزات حزب ما اعلام می کند. رفیق حیدر عبدالله مسئول روابط بین المللی جبهه آزادی بخش بحرین سخنان خود را در میان ابراز و احساسات گرم حضار آغاز می کند و ضمن اشاره به نقش و مبارزات حزب توده ایران به تشریح مبارزه دشوار و پیگیر مردم بحرین بر ضد رژیم استبدادی می پردازد. رفیق حیدر عبدالله سخنان خود را با ابراز همبستگی با حزب و مبارزه مردم ایران و با شعار ایرانی ''سرنگون باد رژیم ولایت فقیه'' و در میان ابراز و احساسات پر شور حضار به پایان می برد. آخرین سخنران این بخش از برنامه رفیق ''نوئل هریس'' دبیر کل ''کمیته دفاع از حقوق مردم ایران'' (کودیر) و از چهره های برجسته جنبش سندیکایی بریتانیا است که ضمن اشاره به مبارزات برجسته توده ای ها در دهه اخیر در دفاع از حقوق بشر و برای آزادی زندانیان سیاسی ایران، اعلام کرد که ''کودیر'' با تکیه بر جنبش سندیکایی در بریتانیا همچنان به مبارزات خود برای دفاع از حقوق مردم ایران، آزادی فوری و بدون قید و شرط زندانیان سیاسی ایران ادامه خواهد داد. حضور هئیت های نمایندگی از حزب کمونیست قبرس (آکل) و حزب کمونیست بنگلادش، در کنار دیگر احزاب نمایشگر سیمای انترناسیونالیستی جشن هفتادمین سالگرد حزب بود.
افزون بر سخنرانی های ارائه شده در بخش های مختلف جشن برنامه های هنری حالبی نیز ارائه گردید. رفیق لیز پاین، عضو هیئت سیاسی حزب کمونیست بریتانیا قطعه شعر زیبایی از پابلو نرودا را قرائت کرد. هنرمند جوان و با استعداد ایرانی، سارا، قطعات زیبایی را با پیانو، از جمله ''از خون جوانان وطن لاله دمیده'' را به اجرا گذاشت. رفیق رکن الدین خسروی شعر ''فریاد آزادی'' فرخی یزدی و ''به گلگشت جوانان یاد ما را زنده دارید ای رفیقان'' اثر جاودان محمد زهری شاعر توده ای و خلقی ایران را دکلمه کرد و سپس برنامه جالب نمایش روحوضی ''کهتر و مهتر'' توسط هنرمند نامی میهن مان آقای عبدالملکی و در انتها فرازهایی از داستان ضحاک به شکل سنتی آن به اجرا در آمد. بخش هنری دیگر برنامه اجرای آهنگ های جالب توسط گروه آمریکای لاتین بود.



آخرین اجرای این گروه آهنگ زیبایی به یاد رفیق چه گوارا بود که با ابراز احساسات پر شور حضار رو به رو گردید. مراسم با خروش سرود ''انتر ناسیونال'' و بریدن کیک هفتادمین سالگرد تأسیس حزب توده ایران و احساسات پر شور شرکت کنندگان، جشن به پایان می رسد.

مبارزه ادامه دارد و حزب توده ها همچنان به پیکار حماسی خود ادامه می دهد...

''... صبح است
برخیز ای شب آمده غمگین غمگسار،
کاین جامهٔ سیاه غم آلوده بر دریم
وز خون آفتاب
سهمی به راهتوشه بر زندگان بریم.''

سیاوش کسرائی

فرخنده باد هفتادمین سالگرد تأسیس حزب توده ایران!

به نقل از نامه مردم، شماره ۸۷۹، ۱۸ مهر ماه ۱۳۹۰

متن کامل پیام رفیق خاوری به جشن هفتاد سالگی حزب

برخیز، ای داغ نفرت خورده دنیای لخت گرسنگان

دوستان، رفقا

می خواهم در همان حال و هوایی که نخستین روزها و ماه های زایش حزب سپیدموی ما برای ماندن و خدمت کردن به توده های کار و زحمت، این سازندگان ارزش های مادی و معنوی به تکاپوی تاریخ ساز خود آغاز کرد، کلامی چند با شما در میان بگذارم.

زنده یاد دکتر پرویز ناتل خانلری، پژوهشگر به نام عرصه ادب فارسی، در همان آغازین جشن سالگرد تولد حزب ما به نام دوستان حزب توده ایران با این کلمات به رهروان راه آزادی، صلح، عدالت اجتماعی، توسعه و ترقی میهن به حزب توده ایران شادباش می گوید. "امسال: جشن مهرگان ناگهان جلوه گر شده است. حزب توده ایران روز تاسیس خود را با این جشن کهن تطبیق کرده و پس از قرنها پیری کهن سال را که همه مرده اش می پنداشتند نیروی جوانی بخشیده است... مهرگان نو، جشن جنبش کوشش روح ملی ماست. در این جشن دلها به آینده ای درخشان امیدوار است. مهرگان نو فرخنده باد." مهرگان نو فرخنده باد

اما تاسیس و پیدایی حزب توده ایران پاسخی بود روشن و پر طنین به نیاز مبرم حل مسایل مهم اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و البته سیاسی جامعه ایرانیان. استقبال بی نظیر سرتاسری و گسترده وسیع ترین اقشار طبقات کارگران و دهقانان و دیگر زحمتکشان و نیز روشنفکران، زنان و جوانان میهن آینه تمام نمای این نیاز و آن پاسخ بود. به طوریکه در نخستین سال های تشکیل حزب صدها هزار کارگر و دهقان و پیشه ور و روشنفکر به ندای حق طلبانه حزب، آزادی، استقلال، برابری و عدالت اجتماعی پاسخ مثبت دادند. طبقه کارگر میهن تحت رهبری حزبش حرکت سریعی را از طبقه ای در خود به طبقه ای برای خود آغاز کرد. آنها در صفوف متشکل اتحادیه های کارگری، این یگانه ظرف گذار از نیرویی بالقوه به نیرویی بالفعل در عرصه پیکار برای دستیابی به حقوق به غارت گرفته شده استثمار بی رحمانه و وحشیانه دگرگونی یافتند. کارگران و زحمتکشان این سازندگان همه ارزش های مادی جامعه که از سر تفرعن در سیستم استثمار و غارت فعله نامیده می شدند حضور و اراده نیرومند خود را در صفوف فشرده و انبوه شورای متحده مرکزی، اتحادیه های کارگری که تقریبا تمام کارگران و زحمتشکان



میهن را در زیر چتر خود گرد آورده بود قواعد جدید اجتماعی را به نام حزب بسیج گرشان بر پیشانی تاریخ مبارزات سیاسی و اجتماعی وطن ما به ثبت رسانید: نان برای همه، کار برای همه، مسکن برای همه، بهداشت برای همه... .

دهقانان میهن از این گرایش وسیع و سریع توده های کارگر به شعارهای حزب طبقه کارگران و زحمتکشان عقب نماندند. شعار لغو قواعد و قوانین جابرانه فئودالیسم از جمله لغو بیکاری و سیورسات دهقانان میهن در عقب افتاده ترین روستاهای ایران توسط توده ای ها طنین افکن شد و صدها هزار دهقان زحمتکش را به مبارزه برضد نظام جابرانه فئودالی فراخواند و متشکل ساخت.

شرکت وسیع و فعال زنان رزمنده و ترقی خواه میهن در صفوف حزب و در سازمان دموکراتیک زنان ایران برای دست یافتن به آرمان های آزادی خواهانه و عدالت جویانه ابعاد گستردهء بی نظیری یافت.

دهها و دهها هزار جوانان میهن در سازمان جوانان حزب در همهء عرصه های رزم و پیکار حزب توده ایران فعالانه شرکت کردند که نمونه های کم نظیری در تاریخ مبارزات آزادی بخش خلق ها از خود به سینه تاریخ سپردند. روشنفکران مدافع منافع زحمتکشان عرصه فرهنگ و هنر مستقیم و غیر مستقیم در این نبرد نو با کهنه و خرافات پرستی جای شایسته خودشان را با حضور فعالشان در این پیکار بی سابقه به لحاظ گستردگی و ژرفای بی نظیرش در میهن به گرد حزب کار و زحمت بدست آوردند. آنچه حزب در این سالها و سالهای بعد و بعدتر در

عرصه رواج و اشاعه پیشرفت های علمی، فلسفی و هنری انجام داده است ثروت گرانبهای بیرون از شماری است که دوستان حزب در برابر عظمت و تاثیر شگرف آن در جامعه ما به احترام سر خم می کنند و مخالفانش اگر بخواهند به گزافه گویی و یاوه سرایی نام برده نشوند به تاثیر عظیم این جنبش فکری در جامعه خرافه زده ما شرمگینانه اذعان می کنند. امسال هم توده ای ها در برگزاری جشن تولد حزبشان که ۷۰ مین مهرگان را بر دوش دارد با سرافرازی یاد می کنند که حزبشان با عبور از بحران های سهمگین و پلیدترین نوع آن یورش مغول وار و سبعانه ارتجاع حاکم بر میهن هم چنان جای نگه داشته است و بر عهد و پیمان خود در دفاع از منافع توده های کار و زحمت و استقلال و آزادی و صلح و دموکراسی و عدالت اجتماعی بر میهن پای می فشارد. امسال هم توده ای ها در برگزاری هفتادمین سالگرد تولد حزبشان با سرافرازی یاد می کنند که آنها جنبشی را در میهن نمایندگی کرده و تداوم می بخشند که متکی بر علمی ترین جهان بینی ها مارکسیسم ـ لنینیسم است.

دیگر خرده گرفتن بر این گفته روز به روز دشوار و دشوارتر می شود آنهم در دورانی که بحران های طاقت فرسا و ویرانگر سرمایه داری مارکس را به تمام و کمال "رئابلیته" (تبرئه) کرده است.

با یادآوری کلام تاریخی مارکس که "خداوند تکامل نوشداروی خود را در کاسه سر شهیدان می نوشد." این مختصر را با گرامی داشت یاد همهء جانباختگان راه ازادی، استقلال و عدالت اجتماعی میهن به پایان می برم. و به احترام آنان برپا می خیزیم و یک دقیقه سکوت می کنیم.

زنده باد حزب توده ایران ، حزب کارگران و زحمتکشان میهن ما

زنده باد سوسیالیسم

زجا به چاره گر نخیزی این زمان رها کجا شوی زجور ناکسان

به نقل از نامه مردم، شماره ۸۷۹، ۱۸ مهر ماه ۱۳۹۰

****



نامه مردم ارگان مرکزی حزب توده ایران را بخوانید!

پیام های تبریک احزاب کارگری و کمونیستی جهان



به مناسبت هفتادمین سالگرد تأسیس حزب توده ایران ده ها پیام تبریک از سوی اعضاء، هواداران و دوستان حزب و همچنین احزاب کارگری و کمونیستی جهان به دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران رسیده است که در این شماره از کازیوه تعدادی از این ژپیام هارا با هم میخوانیم.

****

- پیام تبریک حزب ترقی خواه زحمتکشان قبرس (آکل)
- پیام تبریک حزب کمونیست بریتانیا
- پیام تبریک حزب کمونیست سودان
- پیام تبریک حزب کمونیست آمریکا
- پیام حزب کمونیست بنگلادش
- پیام حـزب کمونیسـت فدراسیون روسـیه
- پیام شادباش کمیته مرکزی حزب کمونیست یونان
- پیام حزب کمونیست فرانسه
- پیام تبریک حزب کمونیست عراق
- پیام تبریک حزب کمونیست برزیل
- همبستگی بین‌المللی با مبارزه مردم ایران در راه صلح، پیشرفت، و دموکراسی
  (همبستگی ۷۰ حزب و سازمان مترقی در هفتاد سالگی حزب)

- پیام های تبریک سازمان های ترقی خواه ایران

پیام تبریک حزب ترقی‌خواه زحمتکشان قبرس (آکل)

کمیته مرکزی آکل، گرم‌ترین درودهای رفیقانه‌اش را به مناسبت هفتادمین سالگرد بنیادگذاری حزب توده ایران، تقدیم حزب شما می‌کند. بنیادگذاری حزب توده ایران در پی رشد طبقه کارگر ایران و با تأثیر برانگیزاننده انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر، نقطه عطفی در مبارزات طبقه کارگر ایران برضد امپریالیسم و بهره کشی سرمایه‌داری بوده است.

حزب توده ایران در تاریخ هفتاد ساله‌اش نه تنها پیوند تنگاتنگی با زندگی طبقه کارگر و مردم ایران داشته، بلکه تأثیر تعیین کننده‌ای نیز در امر پیکار در راه دموکراسی، آزادی‌های سیاسی، و پیشرفت اجتماعی داشته است. حزب شما دوران‌های دشواری را در تاریخ فعالیت خود پشت سر گذاشته است، که پیگرد و بازداشت و کشتار بسیاری از کمونیست‌های ایران در هر دو رژیم ایران در این هفتاد سال، نمونه یی از آن دشواری‌هاست. به علت تحمیل وضعیت "غیرقانونی" که ده‌ها سال از سوی دیکتاتوری‌های ددمنش بر شما تحمیل شده است، فعالیت حزب شما حتی امروز نیز در بیرون از مرزهای کشور صورت می‌گیرد. شماری از کمونیست‌ها و ایرانیان ترقی‌خواه به دلیل باورهای سیاسی‌شان زندانی، شکنجه و اعدام شده‌اند.

به مناسبت سالگرد بنیادگذاری حزب شما، ما بار دیگر همبستگی خود را با مبارزات شما در راه برقراری دموکراسی، عدالت اجتماعی، ترقی و بهروزی در کشورتان و در جهان اعلام می‌کنیم. روابط دوجانبه نزدیک، و درک متقابل میان دو حزب ما، که در طی سالیان شکل گرفته اَست، مایه خوشوقتی و خرسندی ماست. حزب ما همواره آماده و مشتاق همکاری‌های برادرانه نزدیک‌تر با حزب شماست و خود را متعهد به آن می‌داند.

کمیته مرکزی آکل

۱ مهرماه ۱۳۹۰ (۲۳ سپتامبر ۲۰۱۱) ـ نیکوزیا

****

پیام تبریک حزب کمونیست بریتانیا به کمیته مرکزی حزب توده ایران

رفقای گرامی،

حزب کمونیست بریتانیا هفتادمین سالگرد بنیادگذاری حزب توده ایران در ۲ اکتبر ۱۹۴۱ (۱۰ مهر ۱۳۲۰) را به شما تبریک می‌گوید. از همان روزهایی که ایران یک نیمه‌مستعمره امپراتوری بریتانیا، و امپریالیسم بریتانیا دشمن مشترک بود، کمونیست‌های بریتانیا همواره اهمیت ویژه‌ای برای همبستگی با کمونیست‌های ایران قائل بودند. زمانی که مردم ایران برای پایان دادن به تسلط اقتصادی خارجی بر منابع طبیعی‌شان در دوران نخست‌وزیری محمد مصدق اقدام کردند، کمونیست‌های بریتانیا موفقیت مردم ایران را جشن گرفتند. و زمانی که کودتای سیا- بریتانیا در سال ۱۹۵۳ (۱۳۳۲) دموکراسی ایران را درهم کوبید و حکومت استبدادی را دوباره برقرار کرد، کمونیست‌های بریتانیا آن را محکوم کردند. کمونیست‌های بریتانیا همواره حامی مبارزات دلیرانه حزب توده ایران بر ضد آن حکومت خودکامه بودند، و برای نقش کلیدی آن حزب در بسیج مقاومتی که سرانجام به سرنگونی آن حکومت منجر شد، ارزش و احترام قائل بودند. از آن زمان تا کنون، و به‌رغم یورش‌های مداوم رژیم مذهبی ایران به سازمان‌های حزبی و از دست دادن هزاران تن از اعضای خود، حزب توده ایران همچنان از مبارزه در راه دست یافتن به همه آرمان‌های ترقی‌خواهانه آن انقلاب دست نکشیده است و به آن ادامه می‌دهد.

حزب کمونیست بریتانیا از شرایط پیچیده مبارزه یی که در ایران جریان دارد، و از نقشی که حزب شما در این مبارزه و به‌ویژه پس از انتخابات بحث‌برانگیز خرداد ۸۸ دارد، به‌خوبی آگاه است. ما همواره همبستگی خود را با میلیون‌ها تن از جوانان، زنان و مردان، کارگران و روشنفکرانی که در راه صلح، دموکراسی، آزادی و عدالت اجتماعی مبارزه می‌کنند، اعلام کرده‌ایم. ما همواره نسبت به اعمال شکنجه، دستگیری و قتل مخالفان رژیم اعتراض و آن را محکوم کرده‌ایم. کمونیست‌های بریتانیا خواستار پایان دادن به اعدام‌ها در ایران شده‌اند.

رفقای گرامی،

به این مناسبت، حزب کمونیست بریتانیا بار دیگر با شما و مبارزه‌تان تجدید همبستگی می‌کند. حزب ما، هم‌رأی با حزب توده ایران، بر مخالفت با هرگونه مداخله خارجی و امپریالیستی در ایران، و بر خواست یک خاورمیانه فارغ از تسلط و کنترل امپریالیستی تأکید دارد، و در پیکار دشوار حزب شما در راه دموکراسی، عدالت اجتماعی، و سوسیالیسم در ایران، خود را همراه شما می‌داند.

با گرم‌ترین درودهای رفیقانه

رابرت گریفیتز، دبیرکل حزب کمونیست بریتانیا

****

پیام تبریک حزب کمونیست سودان



رفقای کمیته مرکزی حزب توده ایران،

کمیته مرکزی، و اعضای حزب کمونیست سودان، بدین وسیله گرم‌ترین درودهای رفیقانه و صمیمانه‌ترین تبریک‌های خود را به مناسبت هفتادمین سالگرد بنیادگذاری حزب شما، به رفقا و اعضا و دوستان عزیز حزب توده ایران تقدیم می‌کنند. ما در حزب کمونیست سودان از سهمی که حزب شما در مبارزه مردم ایران برای دستیابی به دموکراسی و عدالت اجتماعی داشته است و دارد، به‌خوبی آگاهیم. حزب توده ایران طی هفتاد سال موجودیت خود در خط مقدم پیکار مردم ایران، سرمشق و نمونه یک سازمان پیکارجو بوده است. حزب شما سهم ارزش مند، بسزا، و تعیین کننده‌ای در موفقیت و دستاوردهای مردم ایران و خاورمیانه داشته است. حاصل مبارزه شجاعانه و بی‌باکانه حزب شما در دوران حکومت مصدق، طلیعه ملی کردن منابع طبیعی در منطقه بود. این گام مهم، راه را برای ادامه مبارزه دیگر ملت‌های منطقه در راه دست یافتن به حقوق‌شان گشود، که از بازتاب‌های آن، ملی کردن کانال سوئز از سوی جمال عبدالناصر، و ملی کردن نفت در شماری از کشورهای خاورمیانه بود. نقش حزب شما در مبارزه با رژیم شاهنشاهی و سرنگون کردن آن نیز نقشی عمده و حیاتی بود.

ما همچنین برای انترناسیونالیسم حزب توده ایران و سهمی که این حزب در پیکار خلق‌های جهان در راه دموکراسی، آزادی ملی و اجتماعی، و صلح داشته و دارد، ارزش زیادی قائلیم. امروزه حزب توده ایران یکی از گردان‌های فعال جنبش جهانی کمونیستی و کارگری است. حزب شما با تکیه بر اصول ضدامپریالیستی و همبستگی بین‌المللی، سهم خود را در پیروزی و دستاوردهای مبارزه با امپریالیسم، صهیونیسم، و ارتجاع خاورمیانه ادا کرده است. همکاری متقابل، همبستگی برادرانه، و پیوندهای پیکارجویانه میان دو حزب ما، مایه سربلندی و افتخار ماست. نه تنها مبارزه ما با رژیم‌های ارتجاعیِ دین سالار (اسلام سیاسی)، و نه تنها تعهد و اعتقاد مشترکِ دو حزب ما به یک الگوی جایگزین دموکراتیک، بلکه وفاداری و اعتقاد راسخ ما به اصول مارکسیسم و تلاش‌های خستگی‌ناپذیر ما- به‌رغم دشواری‌ها و عقب‌نشینی‌ها- در تداوم مبارزه در راه دست یافتن به آرمان‌ها و خواست‌های مردم مان است که ما را به یکدیگر نزدیک می‌کند.

همکاری‌های ما صرفاً به شرکت در نشست‌های بین‌المللی و کارزارهای همبستگی بین‌المللی محدود نیست؛ بسیار بیشتر از آن است. آنچه اهمیت دارد، نحوه و کیفیت همکاری ما، تبادل تجربه مبارزاتی ما، درس‌گیری ما از یکدیگر، و همیاری ما در کمک به شکل دادن آینده مردم مان است. این روابط ما مبتنی بر تجربه سالیان دراز مبارزه و همکاری در سازمان‌های دموکراتیک بین‌المللی است. ما به نقشی که دو حزب ما در تحکیم و تقویت و ترویج آرمان‌های انترناسیونالیسم از طریق تلاش‌های مشترک داشته‌اند افتخار می‌کنیم، که از آن جمله است فعالیت ما در سازمان‌هایی مثل "اتحادیه بین‌المللی دانشجویان"، "فدراسیون جهانی سندیکاها"، "فدراسیون جهانی جوانان دموکرات"، "فدراسیون جهانی دموکراتیک زنان"، و "شورای جهانی صلح."

رفقای گرامی!

بار دیگر، تبریک‌های برادرانه و پیکارجویانه ما را به مناسبت هفتادمین سالگرد بنیادگذاری حزب توده ایران بپذیرید. زنده باید انترناسیونالیسم.

آینده از آن ماست. پیش به سوی دموکراسی و سوسیالیسم.

دبیرخانه کمیته مرکزی حزب کمونیست سودان



پیام تبریک حزب کمونیست آمریکا به حزب توده ایران



رفقای گرامی حزب توده ایران،

با کمال مسرّت گرم‌ترین درودهای رفیقانه مان را به مناسبت هفتادمین سالگرد بنیادگذاری حزب شما تقدیم شما می‌کنیم. از سال ۱۹۴۱ (۱۳۲۰) که حزب شما پایه‌گذاری شد، تا کنون شما با سرکوبی روبه رو و دست‌به‌گریبان بوده‌اید که موجب از دست دادن جان هزاران تن از بهترین رهبران و فعالان حزبی

شما شده است. در دوران پهلوی‌ها، با وجود آنکه حزب شما در معرض سرکوب وحشیانه ساواک قرار داشت، توانست سازمانی مخفی تشکیل دهد که به شما امکان داد بتوانید نقشی کلیدی در سازمان‌دهی طبقه کارگر ایران و بسیج آن در برابر ارتجاع داخلی و مداخله‌گران امپریالیستی بازی کنید. کار شما در راه بسیج کارگران صنعت نفت برضد امپریالیسم بریتانیا و متحدان ایرانی آن، و نیز پشتیبانی شما از حکومت دموکراتیک زودگذر اوایل دهه ۱۹۵۰ (۱۳۳۰)، حائز اهمیتی حیاتی بود. و بار دیگر، در پی کودتای ''سیا'' ساخته سال ۱۹۵۳ (۱۳۳۲) و استقرار مجدد سلطنت مطلقه، حزب شما با سرکوبی فجیع روبه رو شد، اما به لطف کار عالی شما در میان کارگران، دهقانان، روشنفکران و جوانان، حزب شما توانست به حیات و کار خود ادامه دهد؛ به این ترتیب بود که شما توانستید در سرنگونی سلطنت در سال ۱۹۷۹ (۱۳۵۷) نقشی حیاتی داشته باشید.

پیامد گردش به راست شدید جمهوری اسلامی در رژیم مذهبی خمینی، سرکوب شدیدتری بود که حزب شما متحمل آن شد، و در این میان هزاران تن از اعضای ارزش مند و اکثریت رهبری حزب شما قربانی یک کشتار دسته‌جمعی شدند. اگر هر حزب دیگری به جایِ شما بود، بر اثر شدت سرکوبی که شما متحمل شدید، کاملاً متلاشی می‌شد و از میان می‌رفت، اما حزب توده به سازمان‌دهی در شرایط مخفیانه ادامه داد، به طوری که توانست در سازمان دادن کارگران ایران به عنوان بخشی از تظاهرات اعتراضی بر ضد رژیم ارتجاعی مذهبی ایران نقش عمده‌ای بازی کند.

حزب کمونیست آمریکا، همبستگی خود را با تلاش‌های شما در راه بازگرداندن دموکراسی به ایران و مخالفت با هرگونه و همه‌گونه مداخله امپریالیستی در امور داخلی کشور شما، اعلام می‌کند.

بار دیگر، هفتادمین سالگرد تأسیس حزب‌تان را صمیمانه به شما تبریک می‌گوییم.

شعبه بین‌المللی حزب کمونیست آمریکا

❊❊❊❊❊❊❊❊❊❊❊

پیام حزب کمونیست بنگلادش به کمیته مرکزی حزب توده ایران،

از طرف کمیته مرکزی حزب کمونیست بنگلادش، مناسبت تاریخی هفتادمین سالگرد بنیادگذاری حزب توده ایران را به شما تبریک می‌گوییم. همین‌جا، بار دیگر بر دوستی درازمدت مان با حزب شما، و نیروهای ترقی‌خواه و مردمی کشورتان، تأکید می‌کنیم و برای همه شما موفقیت کامل در مبارزه عادلانه تان با رژیم مذهبی و غیردموکراتیک ایران آرزومندیم. از همین مناسبت تاریخی استفاده می‌کنیم و بار دیگر سرکوب و آزار و اذیت کمونیست‌ها و نیروهای ترقی‌خواه را در کشور شما به شدت محکوم می‌کنیم.

به اعتقاد ما، حزب توده ایران با رهبری خردمندانه شما (کمیته مرکزی)، امروزه وظیفه تاریخی یی برای رهنمون شدن ملت و کشور بزرگ تان به سوی پیروزی و استقرار یک دموکراسی غیرمذهبی (سکولار) و سوسیالیسم را بر عهده دارد و انجام می‌دهد. ما اعتقاد راسخ داریم که حزب توده ایران به میراث پرافتخار فداکاری‌هایش وفادار است و به مبارزه درخشان خود و مقاومت در برابر همه فجایع و توطئه‌های امپریالیسم آمریکا ادامه خواهد داد. ما امروزه در مبارزه یی مشترک با جهانی‌سازی امپریالیستی شرکت داریم، که به دست تجاوزکارترین و خونخوارترین دشمن بشر، یعنی امپریالیسم آمریکا، هدایت می‌شود. ما صادقانه امید داریم و بر این باوریم که دوستی میان دو حزب ما در آینده هرچه بیشتر تقویت خواهد شد. ما برای مردم ایران در مبارزه عادلانه شان همراه با رهنمودهای حزب توده ایران، کمال موفقیت را آرزو داریم.

ما به رهبری حزب، اعضا و هواداران حزب، برای حفظ و اعتلای مبتکرانه و موفقیت‌آمیز ایدئولوژی و آرمان مارکسیسم و لنینیسم تبریک می‌گوییم.

زنده باد حزب توده ایران و پیوندهای برادرانه‌اش با حزب ما!

زنده باد دوستی میان مردم بنگلادش و مردم ایران!

با درودهای انقلابی،

منظورالاحسان خان، صدر

مجاهدالاسلام سلیم، دبیرکل

داکا – بنگلادش اول مهرماه ۱۳۹۰ (۲۳ سپتامبر ۲۰۱۱)

❊❊❊❊❊❊❊❊❊❊❊

پیام حزب کمونیست فدراسیون روسیه به کمیتهٔ مرکزی حزب تودهٔ ایران



رفقای گرامی

کمیتهٔ مرکزی حزب کمونیست فدراسیون روسیه از صمیم قلب هفتادمین سالگرد بنیاد گذاری حزب تودهٔ ایران را به همهٔ اعضا و هواداران حزب تبریک می گوید. حزب شما با پذیرش مارکسیسم– لنینیسم و در

مقام ادامه دهندة راه حزب کمونیست ایران، از روز بنیاد گذاری برای صلح و سوسیالیسم مبارزه می کند، در مقام حزب طبقة کارگر از روز نخست فعالانه در مبارزه به خاطر منافع حیاتی زحمتکشان و عدالت اجتماعی برای همة طبقات مردم، کارگران، دهقانان، و روشنفکران شرکت کرد. حزب شما کارگران را برای تشکیل سندیکاها و همچنین زنان و جوانان را برای دگرگونی های مترقیانه بسیج کرد. حزب تودة ایران اولین سازمان سیاسی بود که ضرورت ایجاد جبهة متحد نیروهای مترقی برای مبارزه با ارتجاع و امپریالیسم را درک کرد.
حزب تودة ایران با پایداری و آبدیگی در دوران تنگنا های بی سابقة نیمة دوم قرن بیستم، امروزه نیز به مبارزة خود در راه صلح ، دمکراسی، حقوق بشر، و عدالت اجتماعی ادامه می دهد. رفقای گرامی، در این مبارزه به خاطر آیندة بهتر خلق های ایران و در راه سوسیالیسم، ما آرزومند موفقیت های بزرگ و پیروزی برای شما هستیم.
هیأت رئیسة کمیتة مرکزی حزب کمونیست فدراسیون روسیه
مسکو، ۸ مهرماه ۱۳۹۰ (۳۰ سپتامبر ۲۰۱۱)

****

پیام کمیته مرکزی حزب کمونیست یونان به کمیته مرکزی حزب توده ایران



رفقای گرامی
کمیتة مرکزی حزب کمونیست یونان شادباش های رفیقانه خود را به اعضای حزب توده ایران و طبقه کارگر ایران به مناسبت هفتادمین سالگرد بنیان گذاری حزب شما تقدیم می دارد.
رفقای گرامی
حزب کمونیست یونان همبستگی استوار خود را با پیکار طبقه کارگر و توده های مردم در دفاع و دستیابی به حقوق اجتماعی و دمکراتیک، استقرار دوباره آزادی های سیاسی و اتحادیه ای، و آزادی تمامی زندانیانی که برای حقوق کارگران و مردم می رزمند اعلام می دارد. حزب کمونیست یونان قانونی کردن فعالیت حزب توده ایران و فعالیت سیاسی آزادانه کمونیست ها را خواهان است.
حزب کمونیست یونان در عین حال قاطعانه با هرگونه در سر پروراندن مداخله امپریالیستی که زیر پوشش و به بهانه تولید سلاح های هسته ای و شرایط حاکم بر ایران، و همچنین طرح حمله به ایران و پیاده کردن برنامه تغییر دوباره "خاورمیانه بزرگ" به هزینه مردم منطقه را مردود می داند. جدا از دستاویزی که امپریالیست ها برای پنهان کردن اعمال تجاوزگرایانه خود از آن استفاده می کنند، خلق ها باید به صورتی همگانی با این اعمال به مخالفت پرداخته و مانع عملی شدن آن ها گردند. در هر صورت، تنها مردم ایران اند که زمینه راه یابی و بحران زدایی را باید فراهم کنند. در چنین شرایط پرخطری، تشدید مبارزه ضرورت دارد: در محکوم کردن گسترده هرگونه تلاشی در مورد حمله به ایران به منظور جلوگیری از شرکت یونان در جنگ امپریالیستی احتمالی با ایران. عدم پایبندی یونان در مورد دخالت مستقیم یا غیر مستقیم به هرگونه "التزام پیمان نامه ای". بر ضد استفاده از پایگاه نظامی آمریکایی سودا و برای بستن فوری این پایگاه. برای بازگرداندن سربازان یونانی یی که در خارج از مرزهای آن انجام وظیفه می کنند. لغو عملیات نمایشی نظامی و موافقت های همکاری نظامی با اسرائیل. برای تحکیم همبستگی با مبارزات کارگران و مردم ایران و درخواست برای قانونی کردن فعالیت حزب توده ایران.

رفقای گرامی
تحولات در منطقه های پیرامونی ما (جنوب دریای مدیترانه، خاورمیانه، خلیج فارس، دریای کاسپین[خزر] و قفقاز) انفجارآمیز بوده است و در شرایطی بسیار مخاطره انگیز قرار گرفته اند که پیامدهای منفی چشمگیری در زندگانی کارگران داشته اند. امپریالیست ها پس از مداخله امپریالیستی در لیبی، که چماق غارت را دست به دست می گردانند، و افزایش تهدیدهای ترکیه بر ضد قبرس، تیره شدن روابط میان ترکیه و اسرائیل، تعرض های گستاخانه اسرائیل به ضد مردم فلسطین، لبنان، و مصر، و هم زمان طرح های امپریالیستی برای مداخله در سوریه و تهاجم به ایران با دستاویز قرار دادن برنامه هسته ای آن را در سر می پروراند و در دست اقدام دارد. این دگرگونی ها در پیوند با صف بندی های جدید در منطقه اند که با نقشه های امپریالیستی برای "خاورمیانه جدید"، و تغییرات در شمال آفریقا و خاورمیانه پس از سرنگونی دولت های ضد مردمی در مصر و تونس، و کوشش برای سازمان دهی نظم نوین سیاسی بورژوایی در پاسخ به نیازهای سوداگرانه کنونی سرمایه داری مرتبط است، صورت می گیرند. این واقعیت با موضع "بهار عربی" که بورژوازی و نیروهای فرصت طلب به بازتولید آن می پردازند، مخدوش گشته است.
چنین حالتی در شرایط بحرانِ هم زمانِ سرمایه داری ـ

به سبب اضافه انباشت سرمایه که به دنبال یافتن راه های سودآوری بالاست ـ پدیدار می گردد. این وضع با تشدید تضادهای درونی امپریالیست ها برای قبضه منابع طبیعی و انرژی زا که در شرایط بحران سرمایه داری شدت می یابند و می توانند با مداخله های گسترده نظامی مانند ادامه جنگ های امپریالیستی، همان گونه که ایالات متحده، ناتو و اتحادیه اروپا در گذشته ای نه چندان دور بر ضد یوگوسلاوی، افغانستان، عراق، و لیبی به راه انداختند، مشخص گردند. خطر درگیری های نظامی جدید به ویژه در این منطقه کلیدی، در راستای صف بندی نوین نیروها در هرم امپریالیستی در حال افزایش است. ایالات متحده، اتحادیه اروپا، چین، روسیه، و جز این ها، با پیمان نامه ها و ائتلاف هایی وارد عرصه رقابت شدید به منظور تقسیم چپاول گری منابع عظیم انرژی و ثروت منطقه گردیده اند. این کشمکش می تواند تمامی منطقه را با درجات کمتر یا بیشتر دربرگیرد.

حزب کمونیست یونان بر این موضع استوار است که، دگرگونی های موجود ضرورت بهره گیری از منابع طبیعی در راستای منافع کارگران از راه همکاری مشترک خلق ها را برجسته می سازند. یکی از پیش شرط های دست یافتن به این دیدگاه، انتقال قدرت به مردم است تا بدین وسیله راهِ همگانی شدن ثروت طبیعی، ابزار تولید انحصاری را که بایَد در تملک مردم باشند هموارسازد، و اقتصادی با برنامه ریزی مرکزی و نظارت مردمی رشد یابد. در غیر این صورت، این ثروت طبیعی همچنان میان شرکت های انحصاری و میان دولت های سرمایه داری که برای کنترل و بهره کشی از منابع طبیعی با یکدیگر درافتاده اند و برای حفظ سودهای شان مردم را بدون هیچ درنگی روانه کشتارگاه می کنند و تا هنگامی که مردم برای بنزین، گاز طبیعی، و انرژی به طور کلی بهایی گزاف می پردازند از نابودی محیطزیست ابایی ندارند، مایه ناسازگاری همچنان برجا خواهد ماند.

حزب کمونیست یونان، حزب های کمونیست و کارگری و جنبش های ضدامپریالیستی در منطقه را فرا می خواند تا پیکار خود را به ضد تمامی قدرت های امپریالیستی و جنگ های شان نیرومندتر سازند، و توده های مردم را فرا می خواند که این یا آن قدرت امپریالیستی را برنگزینند، خود را با این یا آن بخش طبقه بورژوازی و ائتلاف هایی را که آنان با قدرت های امپریالیستی دیگر برای تضمین ادامه بهره کشی سرمایه داری تبلیغ می کنند در یک صف قرار ندهند، با هرگونه مدیریت بورژوایی چه در پوشش سکولار یا هر چیز دیگر به مبارزه برخیزند، با هرصدای گمراه که استدلال می کند سرمایه داری می تواند انسانی گردد مبارزه کنند، مبارزه طبقاتی را گسترش دهند، مبارزه هماهنگ ضدامپریالیستی را قاطعانه و با اطمینان در جهت برتری خود به پیش برند و برای جامعه ای آسوده از بهره کشی فرد از فرد برزمند.

حزب کمونیست یونان با استواری به همکاری خود با حزب های کارگری و کمونیستی دیگر به طور دو جانبه، منطقه ای، و بین المللی، به ادامه و بهبود همایش های بین المللی و منطقه ای حزب های کارگری و کمونیستی، برای ترویج فعالیت مشترک و همکاری، برای تقویت مبارزه ضد امپریالیستی و در برابر مداخله و جنگ امپریالیستی ادامه خواهد داد.

همه ما باید در سامان دهی شرایط حاکم در جنبش کمونیستی تلاش کنیم و بر اساس جهان بینی مان گردآیه ای از مسائل را در راستای وحدت سازمانی و نظری با خطمشی انقلابی روشن کنیم. ما بر این باوریم که برگزاری نشست های بین المللی، منطقه ای برای احزاب کمونیستی ضرورت دارند. اما نیاز عاجل تر، شکل دهی به حضور متمایز آن حزب های کمونیستی و کارگری یی است که فعالانه در جهت برنامه یی راهبردی انقلابی متحد جنبش جهانی کمونیستی، در دفاع از خطمشی مارکسیسم – لنینیسم، انترناسیونالیسم پرولتری، دستاوردهای سوسیالیسم در اتحاد شوروی و اصول انقلاب و ساختمان سوسیالیسم عمل می کنند.

زنده باد مارکسیسم لنینیسم، زنده باد انترناسیونالیسم پرولتری

پرولتاریای تمام کشورها متحد شوید

۱۰ مهرماه ۱۳۹۰ (۲ اکتبر ۲۰۱۱)، کمیتهٔ مرکزی حزب کمونیست یونان

****

پیام حزب کمونیست فرانسه به کمیته مرکزی حزب توده ایران



رفقای گرامی،

حزب کمونیست فرانسه برادرانه‌ترین درودها و تبریک‌های خود را به مناسبت هفتادمین سالگرد بنیادگذاری حزب توده ایران، به شما و همه اعضای حزب تقدیم می‌کند. حزب شما، به عنوان وارث شایسته و والای حزب کمونیست ایران، نقش بزرگی در مبارزه در راه صلح، دموکراسی، و عدالت اجتماعی در ایران داشته است. امروزه این مبارزه برضد حکومت اسلامی ادامه دارد که حقوق اجتماعی و سیاسی مردم ایران را پایمال می‌کند و در رویارویی با همه مخالفان، به‌ویژه جوانان و زنان، به سرکوب شدید متوسل می‌شود.

سیاست شما مبنی بر همیاری همه دموکرات‌های ایرانی، شرط اساسی راه گشایی به آینده یی نوین در یک ایران سکولار و

دموکراتیک، همراه با پیشرفت اجتماعی و صلح است.
حزب کمونیست فرانسه مجدداً بهترین آرزوهایش را برای موفقیت تان تقدیم شما می‌کند، و بار دیگر به مناسبت هفتادمین سالگرد پایه‌گذاری حزب توده، پیمان دوستی و همبستگی برادرانه‌اش را با شما تجدید می‌کند.
حزب کمونیست فرانسه، ۱۱ مهرماه ۱۳۹۰ (۳ اکتبر ۲۰۱۱)

****

پیام تبریک حزب کمونیست عراق به مناسبت هفتاد سالگی حزب توده ایران



رفقای گرامی،
بدین وسیله گرم‌ترین درودهای کمونیست‌های عراقی را به مناسبت هفتادمین سالگرد بنیادگذاری حزب برادر، حزب توده ایران، تقدیم شما می‌کنیم.
این مناسبت یادآور پیکار خستگی‌ناپذیر حزب توده در هفت دهه گذشته در راه رهایی ایران از سلطه استعمار و امپریالیسم و یوغ ارتجاع و دیکتاتوری، برای دست یافتن به آزادی، دموکراسی، حقوق بشر، و عدالت اجتماعی است. به همین مناسبت، خاطره شمار زیادی از رهبران و کادرهای حزب توده را، میهن‌دوستانی واقعی که جان خود را در راه آرمان‌های والای کمونیسم و دفاع از آرمان عادلانه مردم و طبقه کارگر ایران فدا کردند، گرامی می‌داریم و به آنان درود می‌فرستیم. نمونه رفیق خسرو روزبه، قهرمان مردم ایران، که در اردیبهشت ۱۳۳۷ بی‌باکانه در برابر جوخه اعدام ایستاد، الهام‌بخش نسل‌های پی‌درپی کمونیست‌ها در سراسر جهان بوده است.
ما همچنین با افتخار از پیوند و رابطه ویژه میان دو حزب‌مان یاد می‌کنیم که در دهه‌های گذشته و در شرایطی که هر دو حزب ما در معرض سرکوب و ترور رژیم‌های ضدکمونیست و ارتجاعی- یکی پس از دیگری- قرار داشته‌اند، مستحکم‌تر از پیش شده است.
در همین ارتباط، به رابطه استثنایی میان دو حزب اشاره می‌کنیم که در سال‌های دهه ۱۹۵۰ (۱۳۳۰ش) و ۱۹۶۰ (۱۳۴۰ش)، به‌رغم شرایط بسیار دشوار قوام گرفت، که در پی کودتاهای فاشیستی سیاساخته در هر دو کشور، کمونیست‌ها و دموکرات‌ها متحمل اعدام‌های دسته‌جمعی و ترور فاشیستی شدند.
بار دیگر در اواخر دهه ۱۹۷۰ و اوایل دهه ۱۹۸۰ شاهد این روح انترناسیونالیستی درخشان و ستایش‌انگیز بودیم. در جریان جنگ خونین ایران- عراق که ۸ سال ادامه یافت و عواقب فاجعه‌آمیزی داشت و منجر به کشته شدن صدها هزار تن از هر دو طرف شد، کمونیست‌های ایرانی و عراقی کارزاری بین‌المللی را برای پایان دادن به جنگ و برقراری صلح و دموکراسی در هر دو کشور به راه انداختند و به پیش بردند.
کمونیست‌های عراق این میراث انترناسیونالیستی را گرامی می‌دارند و به تلاش خود به منظور تحکیم این پیوندهای مبارزه‌جویانه در امر پیکار مشترک در راه آزادی، صلح و عدالت اجتماعی، و ساختن آینده‌ای بهتر برای هر دو ملت ایران و عراق، ادامه خواهند داد.
رفقای گرامی،
هیچ کشوری در خاورمیانه در برابر تأثیر و نفوذ توفان‌های دگرگونی و تغییری که در ده ماه گذشته منطقه را در نوردیده است مصون نمانده است، اگرچه هر کشوری شرایط خاص خود را دارد.
ملت‌های مصر و تونس در تلاش برای رهایی از استبداد و سرکوب رژیم‌های حاکم در آن دو کشور موفقیت‌های عمده‌ای به دست آوردند. اخیراً هم شاهد سرنگونی شرم‌آور رژیم دیکتاتوری قذافی در لیبی بودیم. ملت‌های دیگر نیز در منطقه ما در راه کسب آزادی، دموکراسی، و عدالت اجتماعی، و تأمین و تضمین یک زندگی شایسته و احترام به حقوق بشر گام برداشته‌اند. منطقه ما شاهد موجی از تظاهرات اعتراضی و دیگر شکل‌های فعالیت‌های توده‌ای برای رسیدن به این هدف‌ها بوده است.
جنبش‌ها و خیزش‌های سراسری مردمی در برخی از کشورها بی‌تردید با موفقیت‌هایی همراه بوده و تخت و تاج‌هایی را سرنگون کرده است که گمان می‌بردند زیر پایشان بسیار محکم است. به رغم چالش‌ها و مانع هایی که جنبش‌های مردمی در کشورهای دیگر همچنان با آن روبه رویند، اکنون تردیدی نیست که اوضاع دیگر به دوره پیش از ژانویه ۲۰۱۱ باز نخواهد گشت. اما نیروهای انقلابی و جنبش‌های مردمی یی که به پا خاسته‌اند، هنوز راه درازی در پیش دارند. این راهی است دشوار، و پُر از کشمکش و مبارزه میان آن ها که می‌خواهند انگل‌وار ثمره مبارزه مردم را غصب کنند، و آنان که می‌خواهند با ارتقای جنبش توده‌ای مردمی و تبدیل آن به یک انقلاب واقعی آن را به پیروزی نهایی برسانند، و گزینه مورد خواست مردم را به قدرت برسانند، یعنی رژیم‌های مدنی دموکراتیک که در آن ها عدالت اجتماعی تحقق خواهد یافت.
این جنبش گسترده بار دیگر نشان داده است که دگرگونی‌ها و رخ دادهای بنیادی و رادیکال فقط به وسیله ملت‌ها و با

اختیار و خواست خود آن ها، و زمانی انجام می‌گیرد که آن ها به منافع خود آگاه می‌شوند. ملت‌ها سازندگان تاریخ بوده‌اند و خواهند بود. عوامل داخلی همیشه نیروی محرکه اصلی اند، اما تردیدی نیست که عوامل خارجی نیز تأثیر و نفوذ خود را دارند، اگرچه در درجه بعد از عوامل داخلی قرار دارند. این دو بر یکدیگر تأثیر متقابل دارند. آنچه تاکنون رخ داده است، می‌توان گفت که در مجموع نه خودبه‌خودی، بلکه نتیجه یک روند انباشت درازمدت بوده است. شکی نیست که خیزش‌ها و عمل توده‌ای مردم جدا و بی‌تأثیر از بحران‌های ناشی از سیاست‌های "درهای باز" اقتصادی و نولیبرالیسم، و اداره اقتصاد مطابق با نسخه‌های صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی نبوده که به وجود آورنده پدیده‌های قطبی شدن ثروت، محرومیت میلیون‌ها تن از مردم، افزایش گسترده بیکاری، و کاهش سطح زندگی بوده است. همان‌طور که در بیانیه مشترک حزب‌های کمونیست مصر و اردن، حزب مردم فلسطین، جبهه دموکراتیک آزادی فلسطین آمده است (که در اواخر ماه مه در امان، اردن منتشر شد)، باید در برابر نقشه‌های امپریالیست‌ها، صهیونیست‌ها، و نیروهای ارتجاعی که هدف‌شان خرابکاری و کارشکنی در خیزش انقلابی ملت‌های عرب است، نهایت هشیاری را داشت.

رفقای گرامی،

رخدادهای اخیر در منطقه، مردم عراق را نیز به حرکت واداشته است تا سد ترس و درنگ را بشکنند و به خیابان‌ها بیایند. سهم جوانان در این جنبش شاخص و چشمگیر بوده است. نیروهای امنیتی برای سرکوب این جنبش اعتراضی مردمی دست به ارعاب و اقدام‌های سرکوبگرانه زده‌اند. در تظاهرات روز ۲۵ فوریه در بغداد و استان‌های دیگر، ۱۷ تن کشته، و در تظاهرات اواخر ماه ژوئن شماری از فعالان جوان بازداشت شدند. اخیراً، در روز ۱۸ شهریور(۹ سپتامبر)، تظاهراتی در بغداد و ۹ استان دیگر سازمان داده شد که در آن ده‌ها هزار تن بر ضد فساد و وخیم‌تر شدن وضع زندگی اعتراض کردند و خواستار پایان دادن به سیستم تقسیم قدرت فرقه‌ای-ملیتی و خروج کامل نیروهای آمریکایی از عراق تا پایان سال ۲۰۱۱ شدند. کمونیست‌ها و نیروهای دموکرات در این جنبش تظاهراتی گسترده فعالانه شرکت دارند. هم زمان، تدارک برای برگزاری یک کنفرانس در بغداد در اواخر ماه اکتبر در جریان است. هدف از برگزاری این کنفرانس، شروع به کار و فعالیت "جریان دموکراتیک" است که جنبش گسترده‌ای متشکل از شخصیت‌ها و سازمان‌های دموکراتیک سیاسی و اجتماعی است، و وظیفه و هدف عمده آن بسیج مردم در راه برقراری یک کشور مدنی دموکراتیک و یک عراق فدرال دموکراتیک و آزد است که از استقلال ملی کامل برخوردار باشد.

رفقای گرامی،

در این دوران پرُچالش، در حالی که توفان‌های دگرگونی و تغییر منطقه ما را در می‌نوردد، و خطرهای سهمگینی که هر دو کشور ما با آن ها روبه رویند، تحکیم و تقویت پیوندهای انترناسیونالیستی، و همبستگی مؤثر و عملی میان نیروهای کمونیست، ترقی‌خواه، و دموکرات در منطقه خاورمیانه و جهان اهمیت حیاتی پیدا می‌کند.

بار دیگر درودهای گرم خود را به مناسبت هفتادمین سالگرد تأسیس حزب برادر، حزب توده ایران، تقدیم شما می‌کنیم و بر عزم راسخ خود برای تحکیم و تقویت پیوندهای برادرانه میان دو حزب‌مان و پیوندهای تاریخی دوستی میان مردم ایران و عراق تأکید می‌کنیم.

با گرم‌ترین درودهای رفیقانه،

کمیته مرکزی

حزب کمونیست عراق

۱۲مهرماه ۱۳۹۰(۴ اکتبر ۲۰۱۱)

****

پیام تبریک حزب کمونیست برزیل به کمیته مرکزی حزب توده ایران



رفقای گرامی حزب توده ایران،

گرم‌ترین درودهای حزب کمونیست برزیل را به مناسبت هفتادمین سالگرد بنیادگذاری حزب توده ایران بپذیرید. از دید ما، بزرگداشت هفتاد سالگی حزب توده ایران رخداد سیاسی بزرگی در پیکار مردم ایران در راه ساختمان سوسیالیسم است. هفت دهه تاریخ حیات حزب توده ایران پیوند تنگاتنگی با تاریخ مبارزات مردم ایران دارد.

رفقای حزب توده،

رفقای شما زمانی هفتادمین سالگرد تأسیس حزب را جشن می‌گیرند که نیروهای انقلابی و دگرگونی‌خواه با چالش‌های فراوانی روبه رویند. دنیا اینک در معرض توفان بزرگ ترین بحران نظام سرمایه‌داری از قرن نوزدهم به این سو قرار گرفته که بر تمام عرصه‌های اقتصادی، سیاسی، و اجتماعی جامعه و جهان تأثیر گذاشته است.

بحران کنونی سرمایه‌داری ویژگی‌های خود را داراست، از جمله اینکه در قلب نظام سرمایه‌داری، یعنی در ایالات متحده آمریکا، ظهور کرد و به اروپا و ژاپن گسترش یافت، و افول نسبی امپریالیسم آمریکا را تشدید کرد. ویژگی دیگر این بحران

آن است که در مقطعی از زمان رخ می‌دهد که دنیا در یک روند گذار و تحول قرار دارد که در آن قدرت‌های تازه‌ای مثل برزیل، روسیه، هندوستان، چین، و آفریقای جنوبی پدیدار شده اند که پشتیبان صلح و پیشرفت در پهنه جهانند.
در چنین شرایطی، امپریالیسم همچنان از جنگ و تجاوز به ملت‌ها برای حفظ قدرت خود در قلب نظام بین‌المللی سرمایه‌داری بهره می‌گیرد. امپریالیسم برای غارت کشورهایی مثل لیبی، عراق، و افغانستان، بازوی نظامی خود، یعنی ناتو، را به کار می‌گیرد. استفاده از زور وسیله یی راهبردی برای امپریالیسم است.
رفقای حزب توده،
در آمریکای لاتین، پس از سال‌ها مبارزه با نولیبرالیسم، ما اکنون در شرایط عینی نوینی زندگی می‌کنیم. قدرت‌گیری دولت‌های مترقی در منطقه ما نشانه دفاع از استقلال ملی، یکپارچگی و همبستگی در بین ملت‌های قاره، و تلاش برای دست یافتن به دور تازه‌ای از رشد اقتصادی و اجتماعی است. برزیل، به جلوداری رئیس جمهوری، دیلما روسِف، یکی از ارکان و اجزای این روند تاریخی است. امروزه کشور ما در راه حصول دستاوردهایی بزرگ در زمینه دموکراسی، تقویت و تحکیم استقلال ملی، و دور تازه‌ای از پیشرفت اجتماعی و عدالت اجتماعی گام برمی‌دارد. حزب کمونیست برزیل با دولت دیلما روسف همکاری می‌کند و برای همیاری در راه تکوین و اجرای طرح نوین ملی به منظور رشد کشور تلاش می‌کند.

رفقای گرامی حزب توده،
اکنون دنیا در مقطعی از تحولات و دگرگونی‌هایی بزرگ به سر می‌برد که نیروهای انقلابی و تحول‌طلب در آن نقشی اساسی به عهده دارند. ما اطمینان داریم که حزب توده ایران به پشتوانه حیات ده‌ها ساله‌اش، نیرویی حیاتی در مبارزه مردم ایران با امپریالیسم و در راه سوسیالیسم است.
فرخنده باد هفتادمین سالگرد تأسیس حزب توده ایران!
پاینده باد دوستی میان مردم ایران و برزیل!
با درودهای برادرانه،
حزب کمونیست برزیل
سائوپولو، ۸ مهرماه ۱۳۹۰ (۳۰ سپتامبر ۲۰۱۱)

****



پیام های تبریک سازمان های ترقی خواه ایران

پیام تبریک فرقه دمکرات آذربایجان

هفتاد سال قبل در تاریخ سیاسی کشور ما رخداد مهمی صورت گرفته است. شکست فاشیسم در عرصهٔ جهانی، همراه بود با قدرت گیری نیروهای دمکرات و آزادیخواه در اروپا و سست شدن پایه های حکومت دیکتاتوری رضا شاه در ایران. این وضعیت شرایط نسبی برای آزادیهای دمکراتیک در کشور مهیا کرده بود. در چنین شرایطی گروهی از زندانیان سیاسی آزاد شده از زندانهای رضا شاه، همراه با تعدادی دیگر از آزادیخواهان تشخیص دادند بنا بر نیاز مبرم کشور و برای برون رفت از عقب ماندگیهای اجتماعی ـ اقتصادی و سیاسی، حزبی ترقیخواه و عدالتجو را تاسیس کنند. در تاریخ دهم مهر سال ۱۳۲۰ این تصمیم عملی و « حزب توده ایران» اعلام موجودیت کرد. از آنجاییکه هم شرایط عینی جامعه و هم نیاز مردم بوجود چنین تشکیلاتی احتیاج مبرم داشت، حزب توده ایران توانست به سرعت در میان مردم، بخصوص زحمتکشان شهر وروستا، فرهنگیان، روشنفکران، هنرمندان، اقوام و ملیت ها و... نفوذ ورشد کند. دیری نپایید که به بزرگترین حزب سیاسی ترقیخواه کشور تبدیل شد.
از ابتدا تشکل وروشنگری سر لوحهٔ برنامهٔ حزب توده ایران قرار داشت. ایجاد صدها تشکل گارگری، دهقانی،علمی، فرهنگی، هنری، دانشجویی، دانش آموزی، زنان و جوانان و صلح و ضد جنگ از سویی و انتشار دهها روزنامه و مجله و صدها کتاب ، به یک باره افق فکری و نوینی را به جامعهٔ استبداد زده و عمیقا عقب نگهداشتهٔ کشور عرضه کرد. این حزب توانست در مدت کوتاهی خدمات شایانی در عرصهٔ سازماندهی و پیشبرد مبارزات توده های مردم در راه بهبود شرایط زندگی زحمتکشان مانند تصویب قانون کار، مبارزه بر علیه استعمارگران و ارتجاع داخلی و امپریالیسم جهانی را پیش ببرد.
فرقهٔ دمکرات آذربایجان در سال ۱۳۲۴ تاسیس شد. دهها هزارنفر از اعضاء و کادر های حزب توده ایران ازهمان بدو تاسیس، به صفوف تشکیلات فرقه پیوستند. این خود بیانگر این واقعیت است که این دو جریان سیاسی اهداف مشترکی را برای تامین دمکراسی، عدالت وحقوق خلق های تحت ستم ملی، دنبال میکردند. گواه این مدعا همین بس که، دهها شهید توده ای در میان شهدای فرقه دمکرات آذربایجان دیده می شود که ملیت غیر آذری دارند.
دشمنان خلق های ایران در تمام این سالها تلاش کرده اند تا با انواع توطئه ها، تاریخ سازی و ترفند های عوام فریبانه، این واقعیت را در چشم مردم طور دیگری جلوه دهند. اما خورشید را نمی توان همیشه زیر ابر نگه داشت. جنایتی که درتاریخ هفتاد ساله اخیر در حق فرقه ای ها، توده ای ، دمکرات ها ودیگر جریان های سیاسی ترقی خواه و میهن پرست رفته است در دنیا اگر نگوییم بی نظیر است، کم نظیر بوده است. هر بار هم حاکمان مستبد و زورگو با دستگیری، زندان، شکنجه های حیوانی و اعدام هزاران نفر از بهترین و میهن پرست ترین میهن، مدعی شده اند که این جریانات سیاسی را نابود کرده اند و آثری از آثار انها باقی نگذاشته اند. اما تاریخ گواهی میدهد که با هر نسیم آزادی سازمان های ترقیخواه و عدالت جو ققنوس وار بال می گشایند و حاکمان ضد مردمی به زباله دان تاریخ ریخته می شوند. این حکم تاریخ است.
ما ازاین فرصت استفاده کرده هفتاد سالگی حزب توده ایران را به رهبران، کادرها، اعضاء وهواداران آن و همچنین به تمامی آزادیخواهان و زحمتکشان کشورمان تبریک گفته و سر تعظیم در مقابل تمامی شهدای حزب توده ایران و دیگر سازمان های ترقیخواه فرود می آوریم.

فرقه دمکرات آذربایجان دهم مهر ۱۳۹۰

****

پیام هیئت سیاسی ـ اجرائی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) به جشن هفتادمین سالگرد بنیادگذاری حزب توده ایران

هیئت سیاسی ـ اجرائی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) هفتادمین سالگرد بنیادگذاری حزب توده ایران را به شما و به تمام توده‌ای‌ها که در داخل و خارج از ایران برای رهائی کشور ما از سلطه استبداد و نظام غارتگرانه و برای آزادی، دمکراسی، عدالت اجتماعی و سوسیالیسم مبارزه می‌کنند، شادباش می‌گوید و آرزوی موفقیت توده‌ای‌ها را در این مبارزه سترگ دارد. حزب توده ایران به خاطر دفاع از ارزشهای چپ و مبارزه با استبداد تحت پیگرد رژیم شاه و رژیم اسلامی قرار گرفته است. سرکوبگران دو رژیم، هزاران تن از تودهایها را دستگیر و شکنجه کرده و به حبس‌های سنگین محکوم نموده و عده‌ای زیادی از آن‌ها را به جوخه اعدام سپرده‌اند.
حزب توده ایران طی هفت دهه حیات خود علیه ستم طبقاتی و تبعیض جنسیتی، ملی ـ قومی و مذهبی و تامین زندگی انسانی

برای کارگران و زحمتکشان کشور رزمیده و در سازمان‌یابی طبقه کارگر ایران، زنان و دهقانان نقش ارزنده‌ای ایفا نموده و در گفتمان‌سازی در کشور سهم داشته است. حزب توده ایران در فرهنگ‌سازی، در شناساندن اندیشه‌های پیشرو، در راه‌اندازی روزنامه‌ها، نشریات و کتاب‌ها پیشقدم بوده است.
یکی از کارهای قابل تاکید حزب توده ایران شکل‌دهی و رشد فرهنگ حزبیت بوده است. حزب توده ایران نخستین حزبی بود که با الگوهای رایج حزبیت در کشور ما اعلام موجودیت کرد، حوزه‌ها و سازمان‌های حزبی را تشکیل داد، دامنه فعالیت خود را در سطح کشور گسترد، به طور سیستماتیک عضوگیری کرد، آموزش حزبی را رایج نمود و سازمان جوانان و تشکل‌های دمکراتیک و صنفی حول حزب را تشکیل داد. حزب توده ایران وسیعا ارزش‌ها و آرمان‌های چپ را در کشور ما اشاعه داد، برنامه و اساسنامه حزبی تدوین نمود و تاثیر جدی بر حیات سیاسی کشور گذاشت. تاریخ حزب توده ایران، بخشی از تاریخ نیروی چپ کشور ما است. هفت دهه حضور در صحنه سیاسی کشور را نمیتوان به تاریخ فرازها و پیروزیها تقلیل داد و از فرودها و ناکامیها بیاعتنا گذشت. نگاه نقادانه به هفتاد سال حیات سیاسی حزب، می‌تواند بر تجارب چپ ایران بیفزاید و راهگشای آن در آینده باشد.
رفقای گرامی!
ما برآنیم که چپ ایران برای تبدیل شدن به نیروی موثر در حیات سیاسی کشور، برای جلب نظر نسل جوان چپ و پاسخگوئی به الزامات جامعه ما، لازم است که به بررسی تاریخ، سیاست و عملکرد خود بپردازد، نقاط قوت و ضعف خود را دریابد و با برخورد نقادانه به نظریههائی که پاسخگوی مسائل امروز نیست، نظریههائی را به کار بندد که بتواند به مسائل امروز جهان و کشور ما پاسخ مناسب دهد. تحولات جهانی و دگرگونی های سه دهه اخیر در کشور ما، مسائل متنوع و پیچیدهای را در مقابل نیروهای چپ قرار داده است. نیروهای چپ نمی توانند این مسائل را نادیده بگیرند و پرسشهای مطرح را بیپاسخ بگذارند. ضرورت دارد که چپ ایران در همکاری و همفکری با هم پاسخ مناسب به مسائل جدید ارائه دهد.
رفقای عزیز!
بار دیگر هفتادمین سالگرد بنیادگذاری حزب توده ایران را به شما تبریک میگوئیم و امید و آرزو داریم که در هفتادمین سالگرد بنیادگذاری حزب توده ایران، تودهایها مشترکا و یکپارچه در راه تحقق ارزشها و آرمانهای انسانی چپ ایران گام بردارند.

هیئت سیاسی ـ اجرائی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)،
۱۶مهرماه ۱۳۹۰ (۸ اکتبر ۲۰۱۱)

****

پیام حزب دمکرات کردستان (حدک)

رفقای گرامی در کمیته مرکزی حزب توده ایران

باتقدیم سلامهای گرم و دوستانه
پیشاپیش از دعوت شما جهت شرکت در مراسم سالگرد تاسیس حزب توده ایران، سپاسگذاریم. از طرف نمایندگی حزب دمکرات کردستان در خارج از کشور صمیمانه ترین شاد باش وتبریکات مارا پذیرا باشید.
امید که احزاب و سازمانهای مبارز ومخالف جمهوری اسلامی با رسیدن به ائتلافی سیاسی و مبارزاتی علیه رژیم غیر دمکراتیک حاکم بر ایران، راه را برای برپائی نظامی دمکراتیک وپلورال با تحقق آزادی، دمکراسی وحقوق حقه تمامی ملیتهای داخل ایران باز کرده باشد که تحقق این ضرورت سرنوشت نوید بخشی را برای ایران رقم زند.

با تبریک و شادباش مجدد وآرزوی توفیق برای حزب توده ایران

با احترامات فراوان
حزب دمکرات کردستان- نمایندگی خارج از کشور
۷ اکتبر ۲۰۱۱

****

همبستگی بین‌المللی با مبارزه مردم ایران در راه صلح، پیشرفت، و دموکراسی

همبستگی ۷۰ حزب و سازمان مترقی در هفتاد سالگی حزب

ما حزب‌های کمونیست، کارگری و ترقی‌خواه چپ امضا کننده زیر، نگرانی خود را نسبت به رخدادهای ایران، و بحران سیاسی و اقتصادی یی که کشور را در بر گرفته است و به مردم ایران گزند جدّی وارد می‌آورد، اعلام می‌کنیم:
ما نسبت به حذف یارانه‌ها در مقیاس گسترده از کالاهای اساسی، سوخت و حامل‌های انرژی در نوامبر ۲۰۰۹، که افزایش قیمت‌ها و بالا رفتن سرسام‌آور نرخ تورم را سبب شده است، ابراز نگرانی می‌کنیم. خصوصی‌سازی گسترده و همه‌جانبه شرکت‌ها و بنگاه‌های بخش دولتی و در پیش گرفتن سیاست درهای باز از سوی دولت در زمینه واردات، موجب ویرانی و ازهم پاشیدگی اقتصاد کشور شده است. طبق آمار رسمی، میزان بیکاری ۵/۱۴ درصد است، و بیشتر از ۲۰ درصد مردم کشور زیر خط فقر زندگی می‌کنند.
ما به شدت نگران این امر هستیم که رژیم ایران برای مقابله با نیروهای مخالف، همچنان به دستگیری، حبس و شکنجه کردن مخالفان سیاسی‌اش ادامه می‌دهد. فعالیت همه نیروهای سیاسی چپ، ترقی‌خواه و مستقل، از جمله حزب توده ایران، ممنوع و غیرقانونی اعلام و هرگونه فعالیت آن ها به شدت محدود شده است. سندیکاها و اتحادیه‌های صنفی را منحل می‌کنند و رهبران آن ها را تحت پیگرد قرار می‌دهند و بازداشت می‌کنند.
واکنش رژیم در برابر هرگونه انتقاد از سیاست‌های نسنجیده و نابخردانه آن، چیزی نبوده است جز تحمیل یک فضای ترس و وحشت در کشور. رژیم برای ایجاد ترس، متوسل به اعدام شده است. در شش ماهه اول سال ۲۰۱۱، بیشتر از ۵۰۰ تن اعدام شده‌اند. بسیاری از این اعدام ها به شیوه قرون وسطایی در ملأ عام اجرا شده است.
ما اقدام‌های سرکوب گرانه نسبت به جنبش مردمی در ایران را محکوم می‌کنیم. ما همبستگی قاطع خود را با فعالان سندیکایی، زحمتکشان، زنان، جوانان و همه نیروهای ترقی‌خواه و دموکراتیک ایران که در راه حقوق دموکراتیک و بشر، عدالت اجتماعی و اقتصادی، صلح و دموکراسی مبارزه می‌کنند، اعلام می‌کنیم.
ما خواهان آزادی بدون قید و شرط همه زندانیان سیاسی هستیم. ما هرگونه شکنجه بدنی و روانی زندانیان سیاسی را محکوم می‌کنیم.
در عین حال، ما هرگونه دخالت دولت‌های امپریالیستی و متحدان آن ها را در ایران، که تلاش دارند نقشه‌های خود برای ایجاد یک ‘‘خاورمیانه بزرگ’’ را به پیش ببرند، محکوم می‌کنیم.
به اعتقاد ما، تصمیم‌گیری در مورد سرنوشت و سمت‌گیری آینده کشور، و دستیابی به صلح، دموکراسی و پیشرفت، فقط حق خود مردم ایران است.

- حزب توده ایران
- حزب کمونیست یونان
- حزب مترقی زحمتکشان قبرس (آکل)
- حزب کمونیست بریتانیا
- حزب کارگران بلژیک
- حزب کمونیست در دانمارک
- حزب کمونیست فنلاند
- حزب کمونیست آلمان
- حزب کمونیست اتریش

- حزب کمونیست‌های ایتالیا
- حزب سوسیالیست لتونی
- جبهه مردمی سوسیالیست لیتوانی
- حزب کمونیست لوکزامبورگ
- حزب کمونیست مالت
- حزب کمونیست جدید هلند
- حزب کمونیست نروژ
- حزب کمونیست پرتغال
- حزب کمونیست فدراسیون روسیه
- حزب کمونیست بوهم و موراوی (جمهوری چک)
- حزب کمونیست کارگری مجارستان
- حزب کمونیست کارگری بوسنی هرز گوین
- حزب کمونیست اسپانیا
- حزب کار سوئیس
- حزب کمونیست ترکیه
- حزب کمونیست جدید یوگسلاوی
- حزب کمونیست برزیل
- حزب کمونیست شیلی
- حزب کمونیست کلمبیا
- حزب کمونیست آمریکا
- حزب کمونیست مکزیک
- حزب کمونیست ونزوئلا
- حزب کمونیست پرو
- حزب کمونیست هندوستان
- حزب کمونیست پاکستان
- حزب کمونیست لبنان
- حزب کمونیست اردن
- حزب مردم فلسطین
- جبهه مردمی آزادی فلسطین
- حزب کمونیست آفریقای جنوبی
- حزب کمونیست سودان
- حزب دموکراسی و سوسیالیسم الجزایر
- حزب دموکراسی و سوسیالیسم مراکش
- جبهه پولیساریو (صحرای باختری)
- حزب آفریقایی استقلال دماغه سبز (کِیپ وِرد)
- حزب کمونیست استرالیا
- اتحاد میهنی گالیسیا
- حزب کمونیست سوئد
- حزب کمونیست کانادا
- حزب کمونیست فرانسه
- حزب استقلال و کار سنگال
- حرکت التجدید تونس
- حزب کارگران کمونیست تونس
- حزب نوسازی (رفونداسیون) کمونیست ایتالیا
- حزب کمونیست (جزیره) رئونیون
- حزب کمونیست (جزایر) مارتینیک
- حزب کمونیست بلژیک (والانس)
- جبهه آزادی‌بخش ملی بحرین
- تریبون‌ترقی‌خواه تونس
- جمعیت تریبون دموکراتیک ترقی‌خواه بحرین
- حزب کارگران سوسیالیست کرواسی
- حزب کمونیست مصر
- حزب کمونیست خلق اسپانیا
- حزب کمونیست بنگلادش
- حزب کارگران بنگلادش
- حزب کمونیست عراق
- حزب کمونیست اسرائیل
- حزب کمونیست ها کاتالونیا
- سازمان جوانان کمونیست بریتانیا
- سازمان زنان عرب (اردن)
- حزب کمونیست هند (مارکسیست)

به نقل از نامه مردم، شماره ۸۷۸، ۴ مهر ماه ۱۳۹۰

****

گرامی داشت هفتادمین سالگشت زایش و جاودانگی رحمان هاتفی

*جغرافیای من، همه تاریخ است

"به استقبالت، پهلوانان از تندیس ها گریختند" حیدر مهرگان

بر سینه سلولی سرد و یخ زده، آنجا که در زمانه ای شَرنگ گونه تر و کین توزتر از هزارها دشنام و دُشنه قلبِ جهان تپیده بود، مردی از تبارِ توفان و آتش با خونِ خود نوشته بود: "راه همان است که من رَفتم." دانشی مردی بوَد والامنش و تیزهوش که به گفته لنین بزرگ "با مغزی سرد و قلبی گرم" رزمیده بود. در کهکشان کاغذی گوتنبرگ و در گستره پُرگزند روزنامه نگاری بی هیچ گفت و گو از بهترین های ایران و جهان بود. بر دامنه دانش گیتی ساز و ریالیستیکِ مارکسیسم - لنینیسم دستی چنان فراخ و بلندکرانه داشت که باَ دانشوران این رشته بر سرِ این یا آن آموزه "پیچیده" تئوریک نَرد سخن می ریخت.
هنر و شیوانگاری (ادبیات) ایران و جهان را نیک می شناخت و خود در نقد این هردو رشته ژرف نگر وتأثیرگذار بود. شعر می سرود و قصه می نوشت. پژوهنده ای بود سخت کوش و رزمنده ای رزم آشنا که چیره دستی اش در پنهان کاری و سازمان دهی نمونه وار بود. اگر خوش باوری برخی ها به دروغ پردازی ها و شارلاتانیسم مذهبی جمهوری اسلامی نبود حتا سگانِ دست آموزِ سازمانِ سیا نیز نمی توانستند ردش را بو بکشند.
هم زَمان باَ پی ریزی و زایش حزب توده ایران (۱۰ مهر ۱۳۲۰) او نیز چشم بر سایه روشن هستی گشوده بود. همواره در چنین روزی گفته بود و می گفَت: "حزب یک روز پیرتر شد." پدرش افسر ژاندارمری بود و برای انجام ماموریتی تازه به تبریز رفته بود که تهمتن بالابلند ما زاده شده و هفته‌ای دیگر همراه با خانواده خود به تهران بازگشته بود. و سرانجام آن قدر خوش قلب و مهربان و مردم دوست بود که حتا مخالفان راه و روش سیاسی او نیز شیفته اش بودند: "من هرگز هم مشرب... او نبودم" اما "این روزنامه نگار سبزچشم خنده بر لب یکی از چهره‌هایی است که من در زندگی حرفه‌ای خود هرگز او را از یاد نمی برم." ۱
نام سیاسی اش را از حیدرخان عمواوغلی (مهندس تاری وردیوف) از پیشگامان جنبش کارگری و کمونیستی ایران و نیز از مهر و مهرگان، خجسته ماه پی ریزی حزب توده ایران گرفته بود: سخن از رحمان هاتفی منفرد (حیدر مهرگان) یکی از بزرگ ترین و برجسته ترین قهرمانان جنبش کارگری و کمونیستی ایران و جهان است.

"معراج مردان بالای دار است" حلاج

رژیم اشغالگر ایران حتا از کالبد زخم خورده و هزار تکه رحمان هم می ترسید. آن قدر که خبر انوشگی (شهادت) او را همواره پنهان نگاه می داشت. این در حالی بود که وی تنها دو ماه پس از دستگیری اش در زیر مرگ بارترین شکنجه ها جان سپرده بود: "انقلابی بزرگ،شاعر، نویسنده، پژوهشگر، روزنامه نگار نامدار کشور، رفیق رحمان هاتفی منفرد (حیدر مهرگان) عضو هیأت سیاسی وقت حزب و از رهبران و بنیادگذاران گروه آذرخش که سپس به سازمان نوید معروف شد در زیر شکنجه های بهیمی رژیم جنایت کار جمهوری اسلامی جان سپرد..." (نامه مردم، شهریور ۱۳۶۷).
نخستین کسی که حماسه انوشگی (شهادت) رحمان را فریاد برکشیده بود رفیق فاطمه مدرسی (سیمین فردین) استوره بی آلایش شکنجه گاه ها و قهرمان پایداری در زندانهای اسلامی بود. رژیم که از لت و پار کردن سیمین نیز راه به جایی نبرده و نتوانسته بود حتا به اندازه یک هجای کوتاه دهانش را بگشاید سرانجام نیرنگی اندیشیده بود. او را در میان انبوهی از پاسداران برای دیدار با پدر بیمارش به خانه برده بودند. شاید پدر چیزی بگوید و او را "به راه آورد!" اما این بار نیز کور خوانده بودند. هنگامی که سیمین را می بردند که به زندان باز گردانند، در همان آستانه خانه و به گونه ای که همه رهگذران بشنوند ناگهان فریاد برآورده بود: "این جنایت کاران رحمان را کشتند! قهرمان ما را تکه تکه کردند! اما او دهان باز نکرد..." ۲ و بدین گونه اما خبر جان گذشت رحمان را به گوش همه رسانده بود. دژخیم ها بر سر سیمین کیسه ای کشیده بودند و او را در زیر رگباری از مشت و لگد یک راست به سلول انفرادی برده بودند.
حیدر مهرگان باور انقلابی اش را به حزب توده ایران از سر راه نیاورده بود که به همین آسانی ها هم آن را واگذارد و به راه خود رود. او که با بدبینی به حزب تراز نوین طبقه کارگر ایران گام در سپهر مه آگین کار سیاسی گذاشته بود بعدها در فرایند دستگیری هایش در سال‌های ۴۵ و ۵۰ خورشیدی در دیدار و گفت و گو با رهبران زندانی حزب توده ایران به مرز آگاهی و شناخت رسید: "قزل قلعه خلوت بود. من با بی ایمانی مطلق به حزب توده ایران وارد بند شدم... می دانستم خاوری در همان بند است. شبی که فردایش باید از قزل قلعه می رفتم تصمیم گرفتم خاوری را ببینم. همه می دانستند که اعدامی است. نزدش رفتم و مثل یک خبرنگار... سوالاتم را کردم و او آرام پاسخ داد. نمی‌دانم این گفت و گو چقدر طول کشید اما می‌دانم که سپیده

زده بود و من هنوز همه سئوال هایم را نکرده بودم. او روزهای انتظار اعدام را پشت سر می گذاشت و من آخرین روزهای بازداشت را. وقت جدایی نتوانستم جلوی اشکم را بگیرم. در حال و هوای آن سالها این ایمان بی خدشه به حزب باور نکردنی بود. هنگام جدایی خاوری می خواست بداند درباره آنچه شنیده‌ام چه فکر می کنم. گفتم: آنچه را امشب شنیدم تا حالا در رمان ها خوانده بودم...! سرمست از آن همه ایمان از زندان آزاد شدم.'' ۳

دو سالی از این دیدار تاریخی بر نگذشته بود (۱۳۵۲) که به حزب پیوست و گروه آذرخش و سپس نوید را پی ریخت. هم زمان، با رادیو پیک ایران و دیگر رسانه های حزبی به همکاری آغاز کرد. حماسه گلسرخی از نخستین جُستارهای وی بود که از این رادیو پخش شد.

هاتفی در روزنامه نگاری نبوغی نمونه وار داشت. این او بود که در سال ۱۳۵۷ در جایگاه سردبیر روزنامه‌ی کیهان اعتصاب ۶۲ روزه مطبوعات را سازمان دهی کرد و به فرجام رساند. پیش از آن، سالها جانشین دکتر مهدی سمسار و سپس امیر طاهری سردبیران وقت کیهان بود. در این دومین دوره اما همه کارهای سردبیری را به تنهایی انجام می داد و ''امیر طاهری از وی همواره به عنوان کمک اول خود یاد می کرد.'' ۴

رفیق هاتفی اگرچه در سالهای پایانی رژیم شاه ''معاون امیر طاهری... بود اما همه تغییر و تحولات کیهان با نظر او انجام می گرفت و دکتر مصباح زاده مدیر مؤسس روزنامه کیهان و امیر طاهری... تسلیم نظرات او بودند. رحمان علاوه بر سردبیری روزنامه کیهان، تنها نشریه مخفی طرفداران حزب توده ایران را با کمک چند تن از بچه‌های روزنامه کیهان و تشکیلات کوچک ولی منسجم گروه نوید منتشر می کرد.'' ۵

در آن سالها بسیاری از روزنامه نگاران و نیز کارگران و کارمندان بخش های فنی و اداری روزنامه ها که می رفتند تا کار روزانه خود را آغاز کنند در میان کاغذها و روزنامه های روی میز کارشان یا در کشوی آن با کتاب‌های مارکسیستی در اندازه های بسیار کوچک و نیز با هفته نامه های نوید و اعلامیه های حزبی رو به رو می‌شدند و به تازه ترین رخدادهای پشت پرده سیاست که خود نیز از آن بی خبر مانده بودند دست می یافتند. آنها با شگفتی از هم می پرسیدند که چه کسانی و چگونه این جزوه ها را می آورند و در دسترسِ شان می گذارند؟ در آن میانه اما دستگاه دوزخی ساواک کُشتیار خود شده بود که سرنخی، چیزی از گروه نوید پیدا کند و نتوانسته بود. این در واقع نبوغ کم آسای رفیق هاتفی در ارگانیزاتوریسم و سازمان دهی بود که سازمان نوید را بس پنهان کارانه پی ریخته بود و نگذاشته بود لو برود. هم از این گونه بود که سازمان غرورآفرین نوید همچون پدیده ای بی همانند در جنبش کارگری - کمونیستی ایران و جهان به یادگار ماند و استوره رحمان را جاودانه تر کرد. به یاد داشته باشیم که وی سازمان نوید را در زمانه ای پی ریخت که ''تروریسم سازمان یافته دولتی به اوج و جنونی رسیده بود که حتا در ابعاد جهانی هم کم مانند بود.'' ۶

وی نخستین شماره فصل نامه و سپس هفته نامه نوید را در هزار نسخه درآورد (دی ۱۳۵۴) و تیراژ آن را که در سراسر کشور پخش می شد تا آستانه انقلاب بهمن ۱۳۵۷ به ۲۴۰ هزار شماره رساند. چنین بود که سازمان نوید تنها در سال ۱۳۵۷ بیش از ۳۰۰ هزار نسخه روزنامه مردم، ماهنامه دنیا و کتاب های مارکسیستی را که از خارج می آمدند در سراسر کشور پخش کرد. هم چنین، گاهنامه تئوریک به سوی حزب را که با شهادت هوشنگ تیزابی بر زمین مانده بود تا بازگشت رهبری حزب از خارج کشور چاپ و پخش کرد. در هوشمندی سیاسی رفیق مهرگان همین بس که او پس از پیشامد خونین ۱۷ شهریور ۱۳۵۷ برای نخست بار از کار بس (اعتصاب) سراسری برای درهم شکستن شالوده حکومت نظامی ازهاری و رژیم سترون شاه سخن گفته بود: ''تنها یک راه باقی است؛ مؤثرترین راه: با اعتصاب عمومی سراسری، کودتای نظامی شاه را علیه مردم درهم بشکنیم.'' ۷ و این چشم اسفندیار رژیم شاه بود. و سرانجام هنگام که پیکار مسلحانه در دستور روز تاریخ درآمده بود، باز این گروه نوید بود که پارتیزان های توده ای خود را به میدان نبرد با رژیم شاه کشاند: ''آنچه آموخته ایم اینک باید به کار ببریم. یک روز هر کلمه ای که می آموختیم، پربارتر از سدها (صدها) گلوله بود و امروز هر گلوله، پرمعنی تر از هزارها کلمه است.'' ۸

پنج سال پس از پی ریزی و پیکار سازمان بی همتای نوید و سه سال و سه ماه پس از درآیند هفته نامه نوید، واپسین شماره آن در ۲۶ اسفند ۱۳۵۷ با چاپ ۷۳- مین شماره آن به پایان رسید و با نخستین شماره علنی مردم پیوند خورد. رفیق هاتفی در این واپسین شماره نوشت: ''امید که هرگز در میهن ما آن چنان شرایطی تکرار نشود که ضرورت انتشار نوید و نویدهای زیرزمینی را ایجاب کند.'' ۹

دریغ که رفیق نستوه و نابغه ما آرزویی از این گونه نژاده و انسانی را بسی زودتر آنچه می‌اندیشید با خود به ژرفای گور برد.

کارل مارکس به درستی گفته بود: ''خداوند تکامل باده خود را در کاسه سرکشتگان می نوشد. و آنان که به پندار خود تخم اژدها کاشته اند، جز کرم خاکی نمی درونند.''

اینک رحمان هاتفی در اوج ترسناک ترین سانسورهای دولتی ایران قهرمان میلیون‌ها ایرانی است و هم اینان اند که راه و روش وی را پی خواهند گرفت و به فرجام خواهند رساند.

ارثیه مینویی مهرگان

در سایه روشن انقلاب بهمن ۵۷ اما پهلوان بلند بالا و خوش سیمای ما دیگر هیچ نمی آرامد: خواندن، پژوهیدن، نوشتن،

سازماندهی کردن، راهبری شبکه‌های حزبی و... این همه تنها گوشه هایی از تک و پوی تهمتنانه رحمان اند. هم در این سال ها به آفرینه ای می اندیشد که پاسخی شگرف و ژرف بینانه به شوق و تشنگی نسل نو برای آشنایی با گذشته حزب باشد. باید بازهم از خواب شبانه زد و کوهی از اسناد حزبی را ''از آغاز پیدایی تا انقلاب بهمن ۵۷'' کاوید و پیمود. باید این دریای خروشان و ناپیدا کرانه را چنان در کوزه ای کوچک ریخت که هیچ چیز آن تاریخ تلخ و شیرین چهل ساله در سایه نماند و سلوک وادی به وادی تشنه کامان گم دره های خاراگین شناخت را به فرجام آورد. کار اما همچون شیوه تغزلی حافظ آسان نمون است و دشواریاب.

هایکو ژاپنی به درستی گفته بود: ''یک سخن، همه جهان را تعیین می‌کند.''

و اینک نوبت رحمان بود که از آزمونی چنین خَستودنی و خطیر و شگفت برآید. در سال ۱۳۶۰ هنگام که نخستین چاپ اسناد و دیدگاه ها درآمد همه دیدند که پهلوان جوان ما بار دیگر تهمتنی کرده و در برابر ارتش بهتان زنان و مشاطه گران حزب ستیز چه جانانه ایستاده است. او که با فروتنی عارفانه اش کتاب را ''جز جامی از چشمه و نَمی از باران'' نمی دانست نوشت که در کتاب هزار صفحه ای او '' گنجاندن تمام وجوه چهل سال رزم و آفرینش [حزب] که هیچ عرصه ای از حیات مادی و معنوی جامعه از آن برکنار نبوده انتظاری غیرواقعی است...'' و من؛

من نه آنم که دو سَد نکته رنگین گویم

همچو فرهاد یکی گویم و شیرین گویم

وی بر هامش اسناد و دیدگاه ها نوشت: ''در سراسر تاریخ حزب توده ایران کمتر رویکرد و دگردیسه نوآورانه و انقلابی و حتا به ندرت اندیشه و بارقه ای روشنگر و راهگشا وجود دارد که جامعه را به پیش برده باشد و نخستین بار توسط حزب توده ایران عرضه نشده یا... فراورده تلاش و پیکار پیگیر آن نباشد. این دعوی سترگی است اما گزافه نیست...''

کوتاه سخن، تاریخ جنبش توده ای ایران به گویش رحمان هاتفی این گونه هاشور خورده بود: ''اینک تاریخ حزب توده ایران است که سخن می گوید. نه با زبان مورخان و تذکره نویسان که با زبان بی شبهه عمل و اندیشه خود. به گفته گزنفون: ''بگذار تاریخ خود لب بگشاید. اشباح گذشته بیش تر از راویان امروز که دستخوش مهر و کین اند از رازهای گذشته آگاه اند. در این نمای پهلوانی، روح واقعی تاریخ میهن ما زبانه می کشد. بی آشنایی با زیستنامه حزب توده ایران شناخت تاریخ معاصر ایران به سامان نمی رسد...'' ۱۰

''انقلاب ناتمام تاریخ، اقتصادی است در پویه شدن''

کارل مارکس

ولتر بورژوا می توانست بنشیند و برای انقلاب آینده ساز فرانسه آموزه آفرینی کند. اما نگاه او به تاریخ، نگرشی پیشرو و دیالکتیکی نبود: ''تاریخ، گردآورند (مجموعه ای) از جنایت ها، نادانی ها، و ناکامی های آدمی است!''

رحمان هاتفی اما از زیجی دیگر به رصد تاریخ برمی خاست: ''از سکوی امروز بهتر می توان دیروز را دید. بغرنجی های گذشته، اکنون معمایی حل شده است.'' ۱۱ وی در جایگاه تاریخ نگار می گفت: مساله این است که چگونه می توان تاریخ را به وجود آورد. مساله دانستن درس های تاریخ است. همیشه هستند و... خواهند بود آنهایی که از تجربه تاریخ هیچ نیاموخته اند.'' ۱۲ و ''به تاریخ می توان دروغ گفت اما تاریخ دروغ نمی گوید...'' ۱۳

حق با مرزبان نامه است که ''هر اساسی که نه بر راستی نهی، استوار نماند.''

او در کتاب – انقلاب ناتمام – به تاریخ نگاران و تذکره نویسانی که زنجیره درهم تنیده رخدادهای تاریخی را از هم می درند و خود را در اندازه یک ''وقایع نویس ژاژخا'' فرو می افکنند آموخت که به گفته کارل مارکس ''تاریخ اقتصاد در دست عمل است'' و برای رمزگشایی از داده های آن باید بستری را کاوید و پژوهید و دید که به پیشامدهای تاریخی جان می بخشند و شخصیت می دهند. نه! ما تاریخ را به شیوه ولتر، برگ‌های بریده از هم و گردآورند ''نادانی های'' انسان نمی دانیم. از سیسرون بیاموزیم که گفت:

''نخستین آیین تاریخ نگاری آن است که نادرست نگوییم.

''رحمان هاتفی کتاب ارجمند انقلاب ناتمام – زمینه‌های سیاسی و اقتصادی انقلاب مشروطه ایران – خود را در دهه ۵۰ خورشیدی نوشت و با نام ر. ه. اخگر به چاپ سپرد. اما دریغ که با یورش ساواک به چاپخانه، همه نسخه های آن به جز یکی خمیر شدند. وی بار دیگر بر آن شده بود که آفرینه ارزشمند خود را به گونه پاورقی در ماهنامه آفتاب که شماری از هواداران حزب توده ایران آن را در نخستین سالهای انقلاب در می آوردند به چاپ رساند که این بار نیز آفتاب به بند کشیده شد و این ماند و ماند تا حزب توده ایران آن را در مهرماه ۱۳۸۰ به چاپ رساند و بدین گونه به سه دهه انتظار پایان داد. رفیق هاتفی امیدوار بود که در پاره های واپسین کتاب، از پیش زمینه های انقلاب مشروطه فراتر بگذرد و به خود انقلاب بپردازد که دستگاه دوزخی ولایت فقیه به او امان نداد و این سدای رسای تاریخ را برای همیشه خاموش کرد. بدین گونه میهن ما انسانی تراز نو و دانشوری سترگ را برای همیشه از دست داد.

منتقدی از تبار بلینسکی

رحمان هاتفی بر گستره نقد دیالکتیکی آفرینه های شیوانگارانه و هنری، بی هیچ گفت و گو از بهترین ها بود. به ویژه که در شناخت و شناسند و برکشیدن نبوغ های نهفته هنری، ژرف نگری و تیزهوشیِ شگفت گونه داشت. از میان نمونه‌هایی که نخست بار آتش قلم وی بر سویه های تاریک کاراکتر هنری شان پرتو افکند یکی هم اردشیر محصص بود که نقد نقادانه

و بلینسکی وار رحمان ''در بهار یک بلوغ حاصل خیز'' ناگهان همچون آذرخشی در سیاه شبان دهه های چهل و پنجاه خورشیدی تیراژه کشید و چشم ها را مات و مبهوت محصص کرد: ''ازتالار قندریز تا گالری سیحون راه درازی نیست... اما اردشیر این راه را [در اندرون خویش] چند ساله پیمود نخستین جوانه های آن روز اینک به جنگلی انبوه بدل شده است. کودک با استعدادی که در تالار قندریز شوق زده و سرمست به سیاه مشق هایش خیره شده بود، حالا به سختی می تواند ابعاد وحشتناک دنیایی را که خود ایجاد کننده آن است باز شناسد. در زیر پوست آن کودک عاصی، غولی رشد کرده است که می‌خواهد جهان را در میان مشت هایش بفشارد و با ناخن هایش تا اعماق زمین و زمان را بکاود. کودک ناراحت تالار قندریز در برابر خود دنیای دیوانه ای می دید که گرفتار یک سوء تفاهم مدحش است. این دنیا به فضای خواب های پریشان و کابوسی بیشتر شباهت داشت. منطق آن بی منطقی بود. یک جور درهم ریختگی و ازهم پاشیدگی. دنیایی که بوی پوسیدگی و زوال می‌داد در حال فروریختن و غرق شدن بود. اما به ظاهر همه چیز آن در جای خود قرار دشت. در این دنیای نامطمئن و دروغگو، آدمها سایه‌های لرزان و بی مفهومی بودند که خودشان را تکذیب می کردند...'' ۱۴

ای کاش می شد همه آن نقد نقادانه را که از قلمی بس عاشق و شورَنده و شوریده برتافته بود پشت سر هم می آوردیم. و چه می شود کرد وقتی تهاراه و شیوایند این جستار نه تکثیر و بازآوری واژه به واژه آن نقد مردمی که برتافتن تهمتنی و دلیری رحمان است که در سکوت سُربی و چندش آور سال های سرد و مه آگین آن سال ها بر کاغذ کاهی روزنامه می آورد. در آن سال ها، کاریکاتورهای اجتماعی و طرح های به شدت سیاسی اردشیر محصص در برخی رسانه ها همچون روزنامه اطلاعات در می آمد و کمتر کسی ''توانایی جسور او را در دریدن نقاب هیولاها و آدم ها'' می شناخت و در می یافت که ''او در رسوا کردن چقدر بی رحم است.'' و این تنها رحمان بود که سکوت سُربی سالها را درهم شکست و گفت: ای ''سیاستمداران پرابهت بادکنکی که به یک نوک سوزن'' بادتان خالی می شود. ای ''خرده بورژواهای فربه و شکم پاره که در شکم و زیر شکم تان خلاصه'' می شوید. ای ''دیوانه های'' گریخته از «دارالمجانین»! اینک این هنرمند مردمی ما اردشیر است که ''چون یک باستان شناس، اعماق جان و روان مردم دور و برش را می کاود و از زیر آوار گوشت و استخوان و خون، شخصیت حقیقی و پنهان آنها را بیرون می‌کشد و زیر ذره بین طنز هوشیار و زیرک خود می برد.'' ۱۵

اما رحمان عاشق بود و پروای زندان و زنجیر و تازیانه را نداشت. ای کاش آنها که به شخصیت شیوا و استوره ای او نزدیک تر بوده اند همتی بدرقه راه کنند و نوشته های رحمان را از لابه لای رسانه ها بیرون آورند و زمینه را بر چاپ گرد آورند (مجموعه) نوشته های مطبوعاتی وی هموار سازند. به ویژه که پهلوان دانشور ما گویا کار رسانه ای خود را با نوشتن داستانهای جانانه در روزنامه قدیمی صبح امروز (سالهای آغازین دهه چهل به این سو) آغازیده بود که جا دارد این داستانها نیز گردآوری و در دفتری جداگانه شیرازه شوند.

دیدار با آرش

سال ۱۳۶۰ سال دیدار با آرش رحمان بود: نقدی راه گشایانه در شناخت دیالکتیکی آرش کمان گیر سیاوش کسرایی. او این بار نیز با واژگان آتشین خود به هماورد منتقدانی برخاسته بود که در ''رنگین نامه های'' با ویژگی ''آدامس های آمریکایی'' پرسه می زدند و ''آرش را به گناه پیوند با'' گذشته ''و به مثابه بازمانده ای از یک نژاد منقرض'' تحقیر می کردند. رحمان آمده بود که به گفته خود ''منتقدان'' رنگین نامه نویس و غوغاسالارانی را که ''مس را به جای طلا سکه می زدند''، فستیوال نشین ها، جشن هنرباف ها و وازدگانی از این گونه را به جای خود بنشاند. آخر مگر نه اینکه ''شاعران بزرگ، در عین حال برترین مورخان زمانه اند و آنجا که تاریخ نویسان متوقف می‌شوند، شاعران آغاز می کنند؟'' ۱۶

رحمان اما در چهره سراینده آرش کمان گیر شاعر تاریخ را می دید «اما نه فقط تاریخی که روی داده است که شاعر آن تاریخی که باید روی دهد... این است نیرویی که در تلاقی واقعیت با آرزو، در تلاقی تاریخ، آن گونه که هست و آن گونه که باید باشد آزاد می شود.

وی در شعر کسرایی دو گونه انسان – زمینی و سرزمینی – می دید و می دانست که این ''عین هَمان جوهری است که شعر کسرایی را...'' بر می کشد و بر فرازه های استوره ای اپیک و حماسه می نشاند. رفیق هاتفی اما در چهره آرش شیوا تیر نیرویی را یافته بود ''که طبیعت را به تاریخ مبدل کرده است'': او ''برده ای است که نسل در نسل فروخته شده. دهقانی است که برده داغ خورده و حراج شده را در زیر پوست خود پناه داده و کارگری است که هر صبح، چون یک برده نوین در کارخانه فروخته شده او از تبار رنج و کار است و از او برمی آید که رنج مردم را با قلب رنج دیده خود عوض کند.''

او در سیمای آرش کمان ابرو پرومته هم روزگار ما خسرو روزبه را می دید: ''مگر نه اینکه کسرایی منظومه آرش را با الهام از خاطره پهلوانیِ روزبه سروده؟ و مگر نه اینکه آرش باستانی در شبح آرشِ معاصر به ملاقات فرزندان خود که در کوره شکنجه گاهها ذوب می شوند تا از آنها برای میدان های فردا پیکره بسازند می رود و دست در دستشان می‌گذارد؟'' ۱۷

و سرانجام آرش جوان ما دفتر نقدی از این گونه را چنین فرو می بندد: ''اینک ما، قشونی از آرش...'' قشونی که در پساپشت فرمانده استوره ای و بلند بالای خود خسرو روزبه با رزم افزار شعر و شناخت و شعور به ستیز با امپراتوری سرمایه می رود .

اکتبر و ضد اکتبر
نگاه ژرف و نگران استوره روزگار رنج آزمای ما با کاوندگی بلینسکی وار خود که روندها و پدیده های پیرامونش را از کُنه و از سرشت آنها می پویید و می پژوهید، و نیز تیزنگری نقادانه وی، همچون تازیانه های تازنده بر پیکر آموزه ها و آورندهای کژآیند زمانه فرود می آمد و با هر ضربه خود گوهر مینوی دانش و شناخت را از دل خاراسنگ های دروغ و بهتان و کژ اندیشی بیرون می کشید و می آخت وتراش می داد.
رحمان در پلمیک ها و در گفتارهای حقیقت جویانه و نیز در شاهکارهایی که از قلم شوریده وش و شیوای او برمی تافت به راستی که نمونه وار و اندک یاب بود و کمتر کسی به گرد او می رسید. اگر در سالهای دهه ۵۰ خورشیدی توانسته بود کژروی های رزم چریکی جدا از توده را به خسرو گلسرخی نشان دهد، در سالهای این سوی انقلاب نیز با نقدهای جانانه اش در روزنامه مردم توانست چشم انبوهی از فرزندان خلق را که دل در گرو رزم چریکی بسته و راه خود را از توده مردم جدا کرده بودند به چشم حقیقت باز کند. در نقدهایی که بر آموزه های خام دستانه مائوایستی و تروتسکیستی می‌نوشت، پژوهندگان حقیقت با برهانی چنان پولادین و اندیشه شکن رو به رو می‌شدند که ذهن و زبانشان خواه ناخواه از فاکت گزینی های خرده بورژوایی و دهان پُرکن تهی می شد. در نقدهای تئوریک حیدر مهرگان که در امرداد ۱۳۶۰ در جزوه اکتبر و ضد اکتبر بازآوری شدند تاریخ نه از آن گونه که راست باوران چپ نما می پسندند که از دیدرسی واقعی گِروانه هاشور خورده بود.
رحمان در جستار درک دوران از دیدگاه لنینیسم و مائوایسم به درستی نوشت: ''شوریده نشان دادن دوران کنونی و تحریف ویژگی‌های آن، دستاورد چپ روها و چپ نماهای ما نیست. در این عرصه مائوایسم پیش کسوت و بنیادگذار است. در کنار همه آثار و ثمرات فاجعه آمیز مائوایسم و شبه تئوری هایش، یکی نیز درهم و برهم کردن مفهوم دوران و تنزل آن به سطح بازیچه ای برای اغراض سیاسی خاص بود. مائوایست ها در آستانه دومین انشعاب بزرگ در جنبش کارگری و کمونیستی جهان تغییر دلخواه و متناقضی را به جای محتوی عینی دوران گذاشتند تا برای ارتداد خود محملی بتراشند...'' آنها می گفتند: ''دوران ما عبارت است از دوران امپریالیسم، دوران انقلاب پرولتری، دوران پیروزی سوسیالیسم و کمونیسم.'' ۱۸ رحمان می افزاید: ''این تعریف که... مختصات دو عصر را در یک عصر ادغام کرده است، درواقع هجومی بود علیه جنبش کارگری و کمونیستی. طغیانی بود علیه مصوبه های این جنبش که در بیانیه احزاب برادر در کنفرانس های ۱۹۵۷ و ۱۹۶۰ مسکو اشعار می داشت: ''محتوای اصلی دوران ما که از انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر آغاز شده عبارت است از گذار از سرمایه داری به سوسیالیسم.'' ۱۹

''اکتبر و ضد اکتبر'' در جستارهای چهارگانه خود مات شدگان و ناباوران وادی چپ را با ''کلید درک دوران'' به آزمونگاه آموزه ها و تئوری های رنگ و وارنگ تاریخی می برد و از میان انبوه واژه ها و اندیشه های تلنبار شده در آن، گوهرِ تراش خورده سوسیالیسم علمی را بیرون می کشید و در دستشان می گذاشت.

''از تک نگاری تا اپیکوگرافی

آن جا که زندگی به معدن معنی می رسد
مرگ، کلام آخر نیست''
مهرگان

دامنه تک نگاری های حماسی و مردمی حیدر مهرگان با همه پراکندگی تاریخی شان بلندکرانه است و گستره مند. این اوست که نخست بار در حماسه سرودی که از فراز شکنجه گاه گذشت از کرانه های کوتاه زیست نامه نویسی فراتر گذشت و به سرایش غزل واره ای حماسی برخاست و از این نیز فراتر، در اندرون جان و اندیشه انوشای زمانه هوشنگ تیزابی به سیر و سلوکی روانکاوانه پرداخت و رمز و رازهای شخصیت شگرف وی را پژواک کرد. آن همه تک نگاری شعرگونه که همچون گنجی گزاف و بازیافته از کُنه و از سرشت شخصیت تیزابی برتافته بود اما خود سرگذشت سالها بعد کسی بود که از مرزهای افسانه و استوره نیز فرسنگ ها فراتر گذشت: ''دژخیمان، شش ساعت متوالی هوشنگ را لگدمال کردند. روی زخم های پایش دوباره تازیانه کشیدند. کفل ها و مردی اش را با سیگار سوزاندند و وقتی از هوش رفت دوباره به هوشش آوردند و کار را از سر گرفتند...''
هاتفی در این تک گویی درونی و پیش نگرانه زیرین گویی سرگذشت خود را پیش خوانی کرده است. سرگذشتی که در واپسین دمان هستی تیزابی از زبان خموش و پرغوغای هوشنگ برمی جوشد: ''نامت را به من بگو. می خواهم این طلسم را در مشت داشته باشم.''، ''من هزارها بار مرده ام و باز متولد شده ام... کدام نامم را می خواهی؟ در پشت هریک از نامهای من، سرهای از بدن جدا شده مناره شده اند، تن های در آتش سوخته و پیکرهای به دار آویخته صف کشیده اند. من بردیای دروغینم که از من بزرگ ترین دروغ تاریخ را ساختند من به چهره اشرافیت آدم خوار تف کردم. من مزدکم که فریاد زدم همه گرسنه ها باید سیر شوند. من صاحب الزنجم که پانسد (پانصد) هزار برده را... شوراندم... من بابکم که بر قله های سپند ایستادم... من ستارم که از لوله تفنگ های امیرخیز جرقه زدم و در آبهای ارس منتشر شدم. من حیدرم که با کوله باری از نان آمدم... من روزبه ام که از هر زخمم سدایی (صدایی) می آید. من نامهای بی شمار دارم که هر یک از آنها سنگ گور شریف ترین مردم است. آیا هنوز مرا نمی‌شناسی؟''
و به راستی کیست و در سودای کدام جادو است که این همه

نام را در ملودی تنها یک نام – رحمان هاتفی – نشناسد؟ کی است؟

حماسه گلسرخی

ای سرو سر فراز!
این رسم تو است که ایستاده بمیری
خسرو گلسرخی

زمزمه کردن، فریاد کشیدن، توفان برانگیختن و از بودن و سرودن درفشی از آذرخش و تیراژه برافراشتن چندان هم که می گویند دشوار نیست، اما هنگام که دماوند تلنبار شده بغض تاریخی تو دارد سینه ات را می کوبد و می فشارد و می خواهی بر آن همه احساس انسانی چیره شوی و بُرهانمند و بهنجار بگویی، به راستی که دشوار است، و دشوارتر از این همه هنگامی است که می روی تا تراژدی و حماسه را درهم آمیزی و می کوشی از میان اروندرود اشک ها و مویه هایت مغز نغز حماسه و اپیک را بازگشایی و بر دایره مینای داوری در اندازی.
حیدر مهرگان نه تنها با زیست نامه رفیق سالهای نوجوانی به بعد خود – هوشنگ تیزابی – چنین کرد که حماسه زندگی و رزم خسرو گلسرخی – دوست و همکار خود را در روزنامه کیهان –نیز با هق هق گریه سرود. و مگر نه این که کمونیست برجسته جهان سینما – چارلز چاپلین – با چشمی خون گرفته می خنداند و با چشمی دیگر می گریاند. سخن انجیل است که "در خرد بسیار، اندوه بسیار است" هاتفی در حماسه گلسرخی به سراغ شاعری می رود که جهانی بزرگتر را می پژوهید اما از همه این جهان هیچ چیز برای خود نمی خواست. یکی در هوای رزم چریکی جدا از توده (گلسرخی) و دیگری رهرو هماورد توده ای به پیشاهنگی حزب طبقه کارگر (مهرگان) و مگر نه این که لنین بزرگ در رمزگشایی از شور انقلابی چریک های روسیه (اس ارها و دیگران) گفته بود: "قربانی کردن یک انقلابی برای آنکه پست سرشتی برود و پست نهادی دیگر جای او را بگیرد خردمندانه نیست" گفت و شنود انقلابی این هر دو اما از دو دامنه گونه گون سیاسی آغاز می شود و سرانجام در کانون بهنجار و مردمی رزم توده ای به هم می رسد. چنین است نبوغ نمونه وار رحمان هاتفی در سخن وری و پلمیک سیاسی.
وی در پاسخ به پرسش گلسرخی از افشاگری سیاسی همچون مبرم ترین وظیفه برای یک مبارز خلق سخن گفته بود. و آن قدر گفته بود و شنیده بود که سرانجام گلسرخی از ناباوری به یقین رسیده وگفته بود: "یک مشت جوجه انقلابی روشن فکر می خواهند پا جای چه گوارا بگذارند و به خیال خودشان با آتش بازی و سدای ترقه مردم را بیدار کنند." و "اما اینها خودشان بیشتر احتیاج دارند که یکی بیدارشان کند." ۲۰
خسرو یکبار هم مشت های گره کرده اش را به ورشکستگان سیاسی زندان نشان داده و گفته بود: "از کتیرایی و روزبه بیاموزیم." ۲۱
هاتفی جزوه حماسه گلسرخی را با نام سیامک و اندکی پس از شهادت گلسرخی و کرامت دانشیان (۲۸ بهمن ۱۳۵۲) نوشت و در همان سالها به شیوه چاپ زیراکسی و زیرزمینی به میان مردم برد.

واپسین غروب تهمتن

زمزمه های زندان، هم راه با هُرم دوزخی تیرماه، آورندی تازه را سلول به سلول با خود می برد: لاجوردی جلاد از شکنجه گران رحمان به سختی برآشفته و گفته بود: "او باید هرچه زودتر دهان باز کند. ما در اینجا سنگ ها را هم به صدا در آورده ایم چه رسد به مشتی پوست و استخوان!"
آن روز از سایه روشن بامداد تا پاسی از غروب، شکنجه گران یکی از پس دیگری به جان تهمتن نستوه ما افتاده و کوشیده بودند دهان او را نیز همچون برخی وازده ها و درهم شکسته ها بگشایند. سترگ مرد جوان ما اما همچون فرخی لب دوخته هیچ نگفته بود.
دشنام پشت دشنام بود که از گند چاله دهان شکنجه گران فرو ریخته بود و هوای گرم و تنش آلود زیر هشت را به گند کشیده بود. شکنجه گرها با کابل و مشت و لگد پهلوها و سینه رحمان را کوبیده بودند. چهره اش چنان خونین و درهم شکسته بود که حتا آینه هم او را نمی شناخت.
رحمان کف به دهان آورده بود و خون قی کرده بود. با لگدی دیگر، اندام درهم تنیده اش تابی خورده بود و چرخیده بود و رو به دیوار افتاده بود. از میان چشم های نیمه بازش دیوار پیش رو را دیده بود که ازهم شکافته بود.
نخست خسرو روزبه را دیده بود که با چهره جذاب و مردانه اش پا در سلول گذاشته بود و سپس هوشنگ تیزابی را که تازه ترین شماره به سوی حزب را به نزد رفیق قدیمی خود دراز کرده بود!.و اشک شوق چشم‌های استوره زمانه را پوشانده بود.
لگدی دیگر بر پهلوی تهمتن فرود آمده بود. اما او که دیگر دردی را برنمی تافت. او که دیگر چیزی را حس نمی کرد، لبخندی به زیبایی همه گلهای بهاری بر لبش شکفته بود. بازجو رو به شکنجه گر فریاد کشیده بود: چرا گذاشتی بمیرد! چرا او را کشتی؟ او که حتا یک کلمه هم حرف نزده بود. حتا یک نفر را هم لو نداده بود! چرا گذاشتی بمیرد احمق! و رحمان هم چنان لبخند زده بود. لبخند تکاوری که از هماورد با دشمنی نیرنگ پیشه و سرسخت سربلند بر آمده بود. او با مرگ و جاودانگی خود پشت دشمن را به خاک کشیده بود.
شکنجه گران و بازجوها عربده کشیده و هم دیگر را به دشنام بسته بودند. از میانشان، یکی با چهره ای کریه تر از هزار کفتار با تفاله های درهم تنیده ریشی سیاه و انبوه، با کابل بر پیکر آرمیده استوره کوبیده بود. اما نیم سدایی هم از او در نیامده بود.

کفتار کابل به دست گویی همان سلطانی بود که به گفته گیوم آپولینر شاعر "نفخی متعفن رها کرده بود... با جراحت ها و غده های چرکین، با پوزه خوک و ..." ۲۲
بازجوها همچون جانوران درنده عربده کشیده بودند و کفتار کابل به دست باز هم زوزه کشیده بود و پیکر بی جان تهمتن را به تازیانه بسته بود. آنها به مرده ها هم تازیانه می زدند و از کالبد بی جانشان می ترسیدند. آنها به مرده ها هم شلیک می کردند.
در واپسین غروب تهمتن، در زیر هشت، جز چند شکنجه گر و بازجو و سطل های پر از باندهای خونین هیچ کس نمانده بود. واپسین غروب انسان تراز نو روزگار ما رفیق رحمان هاتفی به پایان رسیده بود.

پی نوشت

از شعر انسان تراز نو، حیدر مهرگان ❊
[۱] یاد آر ز شمع کشته...، دکتر صدرالدین الهی، سایت صدای مردم
[۲] شهیدان توده‌ای، جلد دو، ۱۲ مرداد ۱۳۸۷
[۳] نامه مردم
[۴] یادآر زِ شمع کشته...،همانجا
[۵] یادماندهَ ها، نصرت نوح، ص ۴۵۰
[۶] اسناد و دیدگاه ها، ص ۹۰۱
[۷] نوید، ش ۴۴، ۱۸ شهریور ۱۳۵۷
[۸] اسناد و دیدگاه ها، ص ۹۱۰
[۹ و ۱۰] همانجا
[۱۱] همانجا، ص ۱۸۹
[۱۲] همانجا، ص ۲۱
[۱۳] همان جا، ص ۲۶
[۱۴ و ۱۵] روزنامه کیهان، ۳۰ اردیبهشت ۱۳۵۰
[۱۶] دیدار با آرش، ص ۷
[۱۷] همانجا، ص ۳۶
[۱۸و ۱۹] اکتبر و ضد اکتبر، ص ۳۹
[۲۰ و ۲۱] حماسه گلسرخی
[۲۲] از چکامه پاسخ قزاق به سلطان کنستان تینیه

به نقل از نامه مردم، شماره ۸۷۸، ۴ مهر ماه ۱۳۹۰

❊❊❊❊❊❊❊❊❊❊❊❊❊❊❊❊❊



بحران اتحادیه اروپا، و درماندگی سرمایه داری جهانی

وضعیت مغشوش اقتصادی، و تلاش های پشت پرده اتحادیه اروپا برای حفظ یورو، و جلوگیری از سقوط سیستم بانکی یونان و اروپا، که شدیدترین رکود اقتصادی جهانی را به همراه خواهد داشت، به مرحله حساس و خطرناکی رسیده است. تصمیم سران اروپا، در تیرماه، برای ایجاد صندوق اعتباری یی به مبلغ ۴۴۰ میلیارد یورو برای ارضاء و امنیت ''بازار های مالی'' و همچنین جلوگیری از ورشکستگی دولت یونان و بانک های آن، کافی نیست. قرار است این مبلغ به بیش از ۲ تریلیون [۲۰۰۰ میلیارد یورو] افزایش یابد! شرکت اعتبار سنجی ''مودی'' رتبه اعتبار ایتالیا را ۳ درجه پایین آورده است. بانک مرکزی انگلیس دو هفته پیش اعلام کرد که، این کشور در بحران اقتصادی بی سابقه ای فرو رفته است و ۷۵ میلیارد پوند در موجودی بانک ها تزریق کرد. جلسه اخیر کشور های ''گروه بیست'' (۲۲ مهرماه) عملا اختلاف عمیق میان سیاستمداران آمریکا و اروپا را نشان داد که یک نکته اشتراک آن ها بی اعتباری آنان در نزد افکار عمومی است. قابل توجه است که، این مبلغ های ۲ تریلیون یورو و ۷۵ میلیارد پوند به منظور سرمایه گذاری ساختاری در راستای توسعه و کارآفرینی نیست. این تصمیم فقط به منظور جلب اعتماد ''بازار'' برای نجات پروژه ''اتحادیه اروپا'' است. پروژه ''اتحادیه اروپا'' هیچ گاه برآمده از یک وحدت اورگانیک و مردمی و از پایین به بالا نبوده است، بلکه این اتحاد، ''اتحادی'' است از بالا در جهت حفظ و گسترش منافع بانک های بزرگ و سرمایه های کلان صنعتی و کشاورزی. هم اکنون این ''اتحاد'' مصنوعی با بی ثباتی شدید اقتصادی و ناتوانی در اتخاذ تصمیم های سیاسی روبه رو است. گرایش دائمی ''اتحادیه اروپا'' به ''اقتصاد بازار'' به صورت غیر دموکراتیک و بدون نظر خواهی مستقیم مردم و با هدف کوچک سازی نقش دولت و بخش عمومی کشورهای عضو آن، به نفع سرمایه های کلان مالی و تولیدی شکل گرفته است. حجم عظیم بدهکاری کشورهایی مانند اسپانیا، یونان و ایرلند، با وجود سرپیچی از قوانین اساسنامه اتحادیه، حرکتی کاملا دانسته و برنامه ریزی شده بود. همین طور بانک های اروپا نیز دانسته و برخلاف میزان ذخیره موجودی خود، به این دولت ها و شرکت های خصوصی وام های بدون پشتوانه داده اند. دراین بین شرکت های اعتبار سنجی و نهاد های ناظر نه تنها عکس العملی نشان ندادند، بلکه تشویق کننده این روند هم بودند. درطی این فرایند، اضافه تولید و انباشت سود های عظیم دردست سرمایه داری پرقدرت کشورهایی مانند آلمان، فرانسه و انگلیس به بازارهای



زمین و املاک و اوراق قرضه دولتی کشورهای جنوبی اروپا سرازیر شد. رشد سرطانی و بسیار ناموزون اوراق دولتی دربطن این بازارها و درکنار گسترش سریع فعالیت های مالی و دلالیِ متصل به آن ها، باعث رشد حباب وار اقتصاد بود. تزریق این اعتبارهای عظیم بانکی به اقتصاد، به جای تولیداتِ ارزش افزا، عملا زیرپایه رشد این کشورها گشت. این به نوبه خود موجب بالا رفتن هزینه تولید، عدم توانایی رقابت، افت صادرات، و بالا رفتن واردات، و سرانجام کسر بودجه با ارقام نجومی شده است. هواداران دو آتشه ''بازار آزاد''، این سَبک رشد اقتصادی در کشورهای حاشیه اروپا بر پایه وام های بی اعتبار را به منزله موفقیت ''ارزش آفرینی'' در چارچوب اقتصاد آزاد عنوان می کردند! البته طبق روال معمول در این فرایند، موفقیت تضمین شده ای نصیب قشرهای فوقانی بورژوازی این کشورها درارتباط با سرمایه های مالی، بورس زمین، و ساختمان سازی شده است. آنان به برکت ایجاد این حباب و اعتبارهای هنگفت بانکی به ثروت های نجومی دست یافته اند.

وجود ''یورو'' در مقام ارز واحد، و بهره تعیین شده از سوی بانک مرکزی اروپا، استقلال عمل این کشورها را در سطح کلان و ملی حذف کرد. یونان با حدود سهم فقط ۳ □ از اقتصاد اروپا، درعمل اقتصاد کوچکی در اتحادیه اروپا است. ولی در صورت اعلام ورشکستگی خزانه ملی یونان، این تصمیم به سرعت بانک های بزرگ آلمان و فرانسه را با خطر ورشکستگی روبه رو خواهد کرد. در این شرایط، واکنش، یعنی هجوم مالی غارتگرانه بازارهای پولی به اوراق دولتی، یورو، و بانک های مرکزی دیگر کشورهای اروپا می تواند موجب ورشکستگی خزانه های ملی آن ها شود. این ورشکستگی ها، به سرعت و با ابعادی شدیدتر

ورشگستکی اقتصادی را به دیگرنقاط و کشورهای بزرگ تر سرایت خواهد داد، و سر انجام پیامدهای این سقوط به عرصه صنعتی، تولید، و کار کشیده خواهد شد. این سناریوی خانمان برانداز هر روز محتمل تر می شود، و در صورت روی دادنِ آن، هیچ کس نمی داند در برابر این بهمن سنگین چه باید کرد، و عملا از جلوگیری آن عاجز مانده اند. بحران اقتصادی و سیاسی آمریکا نیز با بدهکاری دولتی یی بیش از ۱۴ تریلیون دلار، به طور کامل حل نشدنی باقی مانده است. مجموع بدهی بخش خصوصی و دولتی آمریکا حدود ۵۰ تریلیون دلار است. حجم این ارقام نجومی بدهی ها، در قلب نظام سرمایه داری غرب، به همراهِ بحران مالی دولت های اروپا، برای سرمایه داری جهانی تهدید عظیمی است. برای درک بهتر این رقم ها و لمس کردن عدم تناسب حجم دراین بدهکاری ها ، باید اشاره کرد که، کل درآمد ناخالص داخلی کشورهای جهان، یعنی مجموع تمام تولیدات و معاملات، حدود ۶۳ تریلیون (در سال ۲۰۱۰) است. در صورتی که ''اتحادیه اروپا'' برای نجات اقتصاد کشورهای نسبتا کوچکی مانند یونان، اسپانیا و ایرلند، اعتبارِ عظیم ۲ تریلیون یوروئی به منظور ضمانتِ بانک ها لازم دارد. واقعیت این است که، با وجود گذشت سه سال از نقطه شروع به اصطلاح بحران اعتباری موسوم به ''وام های سابپرایم''، تنها حرکت عملی سیاست گذاران نظام سرمایه داری، تبدیل بحران اعتباری بانک ها و موسسه های مالی به بدهکاریِ عظیم و نجومی دولت های کشورهای سرمایه داری آن هم در مقیاسی وسیع تر است. کنش های سیاسی کنونی در اروپا و فشارهای سیاسی محافل دست راستی و وال ستریت آمریکا بر''اتحادیه اروپا''، به هدف تحمیل و انتقالِ کامل بدهکاری ها به دوش نسل کنونی و نسل های آینده زحمتکشان درسراسر اروپا و از جمله در آلمان است. روش مورد نظر در اینجا تحمیل یک رژیم اقتصادی خشن ریاضتی است که نه فقط برای چند سال، بلکه دهه ها باید اعمال گردد.

آنچه که به عنوان راه حل پشت درهای بسته مورد بحث است، عملا تکرار همان روش های گذشته است، یعنی: ایجاد بدهکاری بیشتر بر پایه ۲ تریلیون یورو از سوی همان موسسه های مالی با استفاده از ابزار مشتقات مالی یی است که عامل اصلی اقتصاد کازینویی و بی ثباتی اند. بار دیگر قرار است بر پایه ناب ترین نظریه های ''پول گرایی'' (مانیتوریسم) مکتب شیکاگو میلتون فریدمن این بحران را با ''قانون بازار آزاد'' حل کنند. به عبارت دیگر، ارائه اعتبار دولتی به منظور پشتوانه خزانه بانک ها، به همراه تزریق پول کلان از سوی دولت (پول مردم) از طریق بانک های خصوصی در غیاب سرمایه گذاری مستقیم ملی و برنامه ریزی شده. درآمریکا و انگلیس نیز همداستانی نظری بین سیاست گذاران و بورژوازی مالی پر قدرت در صدد تحمیلِ برنامه های خشن ریاضتی اند، و با هر گونه مالیات بر فعالیتِ های مالی، مانند مالیات موسوم به ''توبین'' به بهانه از بین رفتن ''انگیزه سرمایه گذاری'' شدیدا مخالفت می شود. ولی این سیاست های اقتصادی نولیبرالی، و کل این قشر سرمایه داری مالی و نمایندگان سیاسی و آکادمیسین های هوادار آنان، به شدت نزد اکثریت مردم آبروباخته اند. در کشورهای غربی حتی قشرهای متوسط جامعه منافع خود و تداوم سازندهای(مولفه های) دموکراسی را در تضاد با اقتدارگرایی اقتصاد ''آزاد'' و این قمار بازها و اختلاس گران ''بازار'' می دانند. اکثر مردم با پوست و گوشت خود در سرتاسر جهان، و از جمله در کشور ما، این واقعیت را لمس کرده اند که درون نظام موجودِ سرمایه داری، حاصل سوداگری ''خصوصی'' است، اما هزینه ضرر و اختلاس های سرمایه داران کلان به صورت ''اجتماعی'' تقسیم می گردد. این همان تضاد آشتی ناپذیر بین مالکیت خصوصی سرمایه و سوداگری با خصلت اجتماعی کار است، که دائما در بُعدهای مختلف و در کنش های بین المللی و داخلی بازتاب آن را می توان دید. از این روی، امکان پیش بُرد برنامه های نولیبرالیسم اقتصادی هر روز با اعتراض بیشتر مردم روبه رو می شود. هم اکنون ما شاهد گسترش تظاهرات قشرهای مختلف زحمتکشان، روشنفکران، و لایه های خرده بورژوازی هستیم. از نیویورک، بوستون، تا آتن و رم و مادرید و لندن، و تل آویو و قاهره، مردم به این نظام ضد عدالت اجتماعی و اقتدار طلب ''نه'' می گویند.

تغییر و امکان برگشت نظام سرمایه داری به الگوی ''کینز'' دراکثر کشورهای غربی از نظر سیاسی و بافت کنونی زیر بنای اقتصادی آن ها بسیار مشکل گشته است. در دو دهه گذشته این کشورها شاهد انتقال تولیدات صنعتی و برون سپاری خدمات در سطح کلان به کشورهای دارای ''نیروی کار ارزان'' بوده اند. به همراه ''جهانی شدن'' و تسلط سرمایه های مالی، امکان دخالت و تصمیم گیری دولت در راستای برنامه ریزی اقتصادِ ملی، بسیار محدود است. در این چارچوب بخش اعظم هرنوع سرمایه گذاری داخلی در برخی از کشورهای غربی به کارآفرینی قابل توجهی منجر نمی شود. مهم تر اینکه، الگوی سرمایه داری ''کینز'' دردهه هفتاد میلادی با شکست روبه رو گشت و نشان داد که در دراز مدت نمی تواند روند بالا رفتن تورم در کنار رشد درآمد ها را مدیریت کند. در دهه هفتاد میلادی، با بالا رفتن قیمت نفت از سوی اوپک، این فرایند به تنزل دائمی مهم ترین شاخص سرمایه داری، یعنی تناسب سود بر سرمایه، منجر شد. برخی هواداران الگوی سرمایه داری ''کینز'' به دلیل وجود برخی خدمات اجتماعی رایگان و گرایش سوسیال دموکراتیک، در مقایسه با نولیبرالیسم اقتصادی آن را ''سرمایه داری'' یی ''باچهره انسانی'' می نامند. البته باید توجه داشت که این به اصطلاح ''چهره انسانی'' سرمایه داری در دهه های ۵۰ تا ۸۰ قرن بیستم میلادی در کشور های غربی بدون تکیه مستقیم بر بهره

کشی از منابع طبیعی و انسانی کشورهای در حال رشد، امکان پذیر نبود. این بهره کشی عریان، به بهانه مبارزه با کمونیسم و حمایت از ''آزادی''، در این دوره به وسیله پشتیبانی و دفاع از دیکتاتورهای محلی، کودتا، جنگ افروزی، و سرکوب نیروهای مترقی، انجام می شد. اقتصاد سیاسی کشورهای غربی هنوز هم متکی به دسترسی به منابع طبیعی ارزان و بازارهای کشورهای در حال رشد است. در دو دهه گذشته، تحمیل نولیبرالیسم اقتصادی یکی از مدرن ترین ابزار برای دسترسی به این منابع بوده است. ولی بدرستی می توان گفت که، در برهه کنونی عرصه عملکرد نظامی و فشار اقتصادی امپریالیسم، به دلیل بیداری و رشد جنبش های مردمی، دائما تنگ تر می شود.

یکی از مشخصه های مهم وضع کنونی کشورهای اروپا بی اعتباری گسترده سیاست گذاران و دستگاه اداری (بورکراسی) ''اتحادیه اروپا'' در نزد اکثریت افکار عمومی است. روبنای سیاسی ''اتحادیه اروپا''، از جمله پارلمان ها، و ازحزب های سوسیال دموکرات گرفته تا لیبرال دموکرات ها، در طی دو دهه گذشته و هم اکنون در مورد پیامدهای بغایت ضد انسانی و نا عادلانه گرایش به سوی نولیبرالیسم اقتصادی بی تفاوت بوده اند. به وضوح می توان دید که، سیاست گذاران و نظریه پردازان سرمایه داری جهانی ابتکارعمل را از دست داده و میخکوب شده اند، نه به جلو می توانند بروند و نه به عقب برگردند. در طیف سیاست گذاران کشورهای غربی ازمحافظه کاران، لیبرال ها تا سوسیال دموکرات ها، همگی در مقابل بورژوازی سرمایه های کلان مالی به زانو درآمده اند. سیاست ها، گفته ها، و پیش بینی های ضد و نقیض بالاترین مقام ها و نخبگان کشورهای پیشرفته سرمایه داری نشانگر درجه درماندگی و ناتوانی آنان است. آنگلا مرکل، صدر اعظم آلمان، می گوید: ''در این راه حل نباید اعتماد سرمایه داران را از بین برد.'' اما واقعیت این است که، در پهنه جهان و همین طور آلمان (و نیز کشورما) این نوع تلاش های مذبوحانه سیاست گذاران به نفع قشرهای ممتاز ولی نالایق و فاسد جامعه، با تمسخر و اعتراض شدید مردم روبه رو می شوند. برای مثال، سنجش افکارعمومی کشورهای عضو ''اتحادیه اروپا'' نشان می دهد که به طور متوسط دو سوم شهروندان معتقدند که بازار مشترک اروپا فقط به نفع شرکت های بزرگ و ثروتمندان است.

آنچه که هم اکنون در ''اتحادیه اروپا'' می گذرد منحصر به اختلاس یا اختلال حسابداری بودجه ملی و لزوم صرفه جویی برای برطرف کردن تلاطم بازارهای بورس نیست، بلکه این یک بحران تمام عیاری است که هر روز عرصه های مختلف مبارزه طبقاتی حادی را در کشورهای اروپایی دامن می زند. وضع بحرانی اتحادیه اروپا، آمریکا، و انگلیس به وضوح نشانگرعمق و وسعت بحران ساختاری اقتصاد سرمایه داری جهانی و ورشکستگی کامل تئوریک و عملی الگوی نولیبرالیستی ''اقتصاد بی نظارت'' است. فرایند و کنش های اروپا نشان می دهد که قدرت اقتصادی – سیاسی واقعی در دست بورژوازی مالی و سرمایه های غول پیکری است که در جهت رفع بحران مالی، سازندهای(مولفه های) دموکراسی و آزادی ''واقعا موجود'' را فرومی پاشد. سیاست امپریالیستی اتحادیه اروپا و فشار های آن بر کشورهای در حال رشد، برآمده از همین منبع قدرت ضد انسانی سرمایه های غول پیکری است که به وسیله تحمیل نسخه های صندوق بین المللی پول و قوانین سازمان تجارت جهانی به ضد منافع مردم عمل می کند.

برخلاف تحلیل های ذهن گرایانه و یا تبلیغات مزورانه رژیم ولایی که چهار نعل، خشن ترین نوع سرمایه داری را با ''جراحی اقتصادی'' در ایران پیاده می کند، بحران اقتصادی کشورهای غربی به منزله سقوط سریع الوقوع نظام سرمایه داری نیست. همین طور هم، بر خلاف تحلیل ساده گرایانه صادق زیبا کلام برای خبرگزاری ''فارس'' (۲۶مهرماه)، کنش ها و اعتراض هایی مانند ''اشغال وال ستریت'' نشانه ''صلابت'' نظام سرمایه داری نیست. بلکه شواهد نشان می دهد که کشورهای غربی شاهد برخی تحول های عینی و ذهنی اند که به نوبه خود می توانند تغییرهای مشخص و مهم اجتماعی – اقتصادی را در سراسر جهان به همراه داشته باشند. در تحولات کنونی جهان، روند تغییر شرایط عینی، گسترش سازمان دهی وارتقاء سطح آگاهی و ذهنیت قشرهای زحمتکش برضد نولیبرالیسم اقتصادی برای گذر به رویکرد دیگری بسیارواضح است.

حزب ما در دو دهه گذشته دوش به دوش دیگر نیروهای چپ و مترقی جهان، در زمره نیروهای مبارز و فعال برضد ''اقتصاد بازار'' و'' جهانی شدن'' بوده است. حزب توده ایران با تحلیل شرایط کشورمان در طی این دودهه، با گرایش رژیم ولایی به نولیبرالیسم اقتصادی به طور مداوم مبارزه و آن را افشاء کرده است. از این روی، هدف ما در شرایط کنونی کمک به ارتقاء جنبش ضد دیکتاتوری بر پایه ارائه برنامه اقتصادی مردمی و منشور آزادی – دموکراسی است. فقط بدین صورت می توان قشرهای زحمتکش و خرده بورژوازی کشورمان را برای ایجاد تغییرات بنیادی لازم و گذر ایران به مرحله دموکراتیک ملی بسیج کرد.

به نقل از نامه مردم، شماره ۸۸۰

جنبش در خیابان های جهان تظاهرات جهانی بر ضد سیستم سرمایه داری

در جنبش جدید و قدرتمندی از اعتراض بر ضد سیستم اقتصادی سرمایه داری حاکم بر جهان، در هفته گذشته ده ها میلیون نفر از مردم، با حضور در بیش از ۹۵۰ تجمع در بیش از ۸۲ کشور، مخالفت خود را با ادامه سیستم بهره کشی سرمایه داری و سیاست های نولیبرالی حاکم به نمایش گذاشتند.
اعتراض ها و تجمع های اخیر بر انگیخته از خشم صدها میلیون نفر از مردم جهان بر آمده از نتایج و عواقب بحران فلج کننده اقتصادی کنونی سیستم سرمایه داری و به بن بست رسیدن آن است، سیستمی که در روند گسترش و غلبه خود بر جهان برای به دست آوردن سود سریع تر و بیشتر، فقر، شوربختی، بیکاری، بی خانمانی، گرسنگی، و آوارگی را برای اکثریت مردم جهان به همراه آورده است.

دور جدید این اعتراض ها که از ۲۶ شهریورماه آغاز شد ، با اولین فراخوان از سوی فعالان ترتیب دهنده این تجمع ها، توانست ده ها هزار تن را به خیابان های نیویورک و به مقابل ساختمان مرکزی بازار بورس ''وال استریت'' بکشاند. این تظاهرات پردامنه و هدفمند بر ضد سیستم اقتصادی غالب بر جهان در نیویورک و در قلب کشوری که در حال حاضر نماد و مظهر سرمایه داری جهانی است، خود نمایشی از به بن بست رسیدن سرمایه داری در شکل و عملکرد کنونی آن است.
تظاهرات که با شعار '' ۹۹ درصد برضد یک درصد'' آغاز شد ، حرکتی بود در اعتراض به قوانین اقتصادی غارتگرانه یی که اجازه می دهد ۴۰۰ نفر از ثروتمند ترین افراد آمریکا ، دارایی یی برابر با ۱۵۰ میلیون نفر از مردم عادی داشته باشند، و با وجود بحران اقتصادی یی که در آن به سر می بریم، هرچه بیشتر به ثروت آنان افزوده شود و همزمان مردم عادی هرچه بیشتر در فقر و بدبختی فرو غلتند. در توضیح ناعادلانه بودن سیستم اقتصادی حاکم بر جهان همین بس که در فاصله بین سال های ۲۰۰۸ تا ۲۰۰۹ ، یعنی سال های اوج بحران اقتصادی کنونی که در جریان آن ده ها میلیون نفر از زحمتکشان شغل و امکان معاش خود را از دست دادند، بیش از یک تریلیون دلار به ثروت میلیاردرهای جهان افزوده شد که به طور متوسط سهم هریک معادل ۵۰۰ میلیون دلار بود.
حرکتی که در ایالات متحده آمریکا با نام '' اشغال وال استریت'' حمایت فعال و ممتد ده ها هزار جوان و زن و مرد سندیکالیست مبارز را به خود جلب کرد، به سرعت در سراسر جهان اشاعه یافت و به اعتراضی بین المللی به سرمایه داری بدل گشت، و اعتراضی مشترک برای دردهای مشترک، جنبشی بر ضد بیکاری ، کاهش شدید سطح زندگی ، بی عدالتی و بر ضد کسانی که



آینده یی مبهم و نامطمئن را برای مردم جهان و به ویژه جوانان و زحمتکشان رقم زده اند ، شکل گرفت.
این حرکت اعتراضی اخیر در نوع خود شاید بتوان گفت متفاوت با حرکت های اعتراضی ضدسرمایه داری در گذشته است .پس از پایان جنگ جهانی دوم ، سیستم سرمایه داری جهان، به ویژه در ایالات متحده، با ۱۰ بحران اقتصادی روبه رو شده است که هر بار توانسته است به دلیل توان اقتصادی بالا بر آن ها غلبه کند و با افزایش تولید، به نوبه خود به افزایش بهره کشی و تمرکز هرچه بیشتر سرمایه دست زند . سرمایه داری در این راه از طریق افزایش بودجه نظامی و ایجاد جنگ های منطقه ای و فرامنطقه ای توانسته است علاوه بر ایجاد ''اشتغال'' و افزایش رشد در صنایع وابسته به تولید جنگ افزار، از طریق فروش اسلحه به کشورهای درگیر و '' در معرض تهدید''، صنایع نظامی و مشاغل وابسته به آن ها را فعال کند و از این طریق آغازگر چرخه تولیدی جدیدی شود، فعالیت اقتصادی یی که در آن به بهای کشته شدن میلیون ها تن از مردم جهان و تلف شدن پشتوانه های اقتصادی کشورهای دیگر، به میزان سرمایه های شرکت های چند ملیتی و میلیاردرهای جهان به صورت نجومی افزوده می شود و در کنار این انگشت شماران که مهار اقتصاد و سرمایه های مالی و صنعتی جهان را در اختیار دارند، صدها میلیون انسان بر روی کره خاکی ما در فقر و فلاکت و گرسنگی به سر می برند.
هر بحرانی همزمان، و بنا به شدت آن، با کاهش دستمزدها ، افزایش بیکاری، و کاهش سایر خدمات اجتماعی همراه بوده است. در رابطه با بحران کنونی سرمایه داری جهان که به واقع در ارتباط با بحران سیستماتیک سرمایه داری است، با توجه به شرایطی که در عرصه داخلی کشورهای بزرگ سرمایه داری به وجود آمده است و با تغییراتی که در عرصه بین المللی شاهد آن هستیم، می توان گفت که این بحران دیگر جنبه مقطعی

ندارد، بلکه بحرانی مزمن و پایدار است، و برای برون رفت از آن کارزارها و نسخه های پیشین سرمایه داری دیگر جواب گو نخواهد بود. نارضایتی های عمومی و یاس و نامیدی به بالاترین حد خود رسیده است و مردم هیچ آینده یی را برای خود نمی توانند ترسیم کنند. بنا به آخرین آمار منتشر شده از سوی سازمان "گالوپ"، ۸ مهرماه، ۸۱ درصد مردم از سیاست های دولت ناراضی اند و نیز تنها ۱۵ درصد مردم سیاست های مجلس را مورد تایید قرار می دهند. "نیویورک تایمز" نیز بنا بر همین آمار، ۱۰ مهرماه، نوشت که آمار تعداد مردمی که سیاست های دولت را خطری بلادرنگ برای آزادی ها و حقوق فردی مردم می دانند، به بالاترین حد خود رسیده و میزان جدیدی را ثبت کرده است.

تا کنون خزانه داری آمریکا و بانک مرکزی اروپا، بیش از ۲۰ تریلیون دلار به بازار های خود تزریق کرده اند تا شاید بتوانند رونق و جان تازه ای به فعالیت های اقتصادی خود بدهند. اما به رغم چنین تلاشی بحران هرچه بیشتر تعمیق می شود و راه برون رفت از آن نیز به مراتب دشوارتر می نماید. آنچه هر روزه بیش از بیش مشخص تر می شود این است که بحران کنونی، بحران اقتصاد نولیبرالی حاکم است. در حال حاضر بر طبق آمار های رسمی، بیش از ۲۰۵ میلیون نفر در جهان بیکارند. طبق گزارش سازمان ملل و به نقل از سازمان جهانی کار((ILO ، در حال حاضر ۶/۱ درصد از کارگران جهان بیکارند، و با در نظر گرفتن تعداد فراوان کارهای نیمه وقت و موقت و رشد اقتصادی پایین، چشم اندازی برای افزایش کار دیده نمی شود و روند افزایش بیکاری و در نتیجه فقر در بین کارگران کشورهای پیشرفته، همچنان رو به فزونی خواهد داشت. بنا به همین گزارش، در سال ۲۰۱۰ بیش از ۷۸ میلیون جوان بیکار بودند که نسبت به سال ۲۰۰۷ ، ۵/۴ میلیون نفر به آن افزوده شده بود. حدود ۵۵ درصد افزایش بیکاری در جهان بین سال های ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۰ در کشورهای پیشرفته سرمایه داری ، ایالات متحده و اتحادیه اروپا، رخ داده است که برابر با ۱۵ درصد نیروی کار در جهان است.

در سال ۲۰۰۹ بیش از ۵۳/۱ میلیارد کارگر در مشاغلی با دستمزد کم ، خطرناک، و نا مطمئن مشغول به کاربودند. چنین شرایطی تاثیری جدی در وضعیت معیشتی و سلامت کارگران داشته است. نزدیک به ۶۳۰ میلیون نفر از کارگران ، ۷/۲۰درصد مجموع کارگران، به همراه خانواده هاشان با دستمزدی برابر با ۲۵/۱دلار در روز زندگی می کردند که ۴۰ میلیون نفر بیشتر از آن سال های قبل از بحران بود.

در کنار این ها، افزایش قیمت مواد غذایی در سطح جهان خود معضل دیگری است که از یک سو به گسترش گرسنگی و سوءِ تغذیه، و از سوی دیگر به افزایش بیکاری ، فقر و بی ثباتی در زندگی کارگران منجر شده است.

در حال حاضر رشد اقتصادی آمریکا بسیار پایین است و توان بالقوه اقتصاد این کشور برای بالا بردن نرخ رشد با محدودیت های ساختاری بسیاری روبه رو است. در آلمان به عنوان قدرت شماره یک اقتصاد اروپا و موتور اقتصادی آن ، نرخ رشد اقتصادی تا حد ۱/۰ درصد تنزل یافته و فرانسه ، ایتالیا و اسپانیا یا رشد اقصادی ندارند و یا رشد منفی داشته اند. یونان و پرتغال نیز با ورشکستگی اقتصادی روبه رو یند.

کشورهای بزرگ سرمایه داری و کنترل کنندگان اقتصادی آن ها ، به رغم تلاش فراوان برای برون رفت از بحران کنونی ، نتوانسته اند چشم انداز روشنی را برای برون رفت ازآن ارایه دهند، و با گذشت زمان شرایط زندگی مردم در جهان سرمایه داری وخیم تر از گذشته می شود. یک مشخصه ویژه در اعتراض های کنونی، که با شعار اشغال وال استریت آغاز شد، اینست که شرکت کنندگان در آن در مقام نمایندگان ۹۹ درصد مردم جهان، تنها صاحبان سرمایه یعنی ۱ درصد را هدف قرار نداده اند، بلکه بر ضد سیستم سرمایه داری معترض اند ، یعنی بر ضد سیستمی که با بهره کشی و غارت دستمزد زحمتکشان فقر جهانی را بر اکثریت عظیمی از مردم تحمیل کرده است، بر ضد سیستمی که با رشد خود ، بیکاری ، بحران، و نابرابری را به وجود آورده است.

اگر در سابق اعتراض ها بر ضد دولتمردان و حکومت ها صورت می گرفت، این بار اعتراض ها به ضد تمامی سیستم سرمایه داری جهت گرفته است. تجمع های صورت گرفته در سراسر جهان و در برابر ساختمان های کنترل اقتصادی کشورها نشان دهنده موج جدیدی از اعتراض هاست که تفاوتی جدی با گذشته دارد.

هر نتیجه یی پس از این تظاهرات و اجتماعات اعتراضی گسترده جهانی به دست آید، یک پیام در آن آشکار خواهد بود و آن این است که: "۹۹ درصد" مصمم به حضور در صحنه است و از این پس بر "زرق و برق های " جهان سرمایه داری سایه خواهد افکند، و برای سرمایه داری جهانی این آغاز کابوس هاست، و به راحتی نیز از میدان پیکار بدر نخواهد رفت.

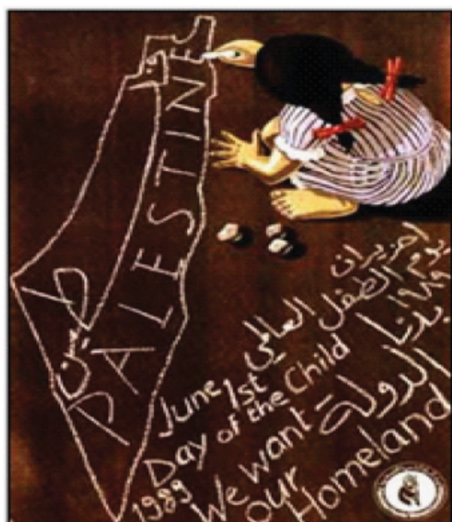
به نقل از نامه مردم، شماره ۸۸۰

****

جهان از پیشنهاد ایجاد کشور مستقل فلسطین حمایت می کند

مبارزه خلق فلسطین برای کسب حقوق قانونی خود، پایان دادن به اجحاف های دولت اسرائیل، و تشکیل یک دولت مستقل عضو سازمان ملل متحد از روز جمعه، ۱۸ شهریورماه، وارد مرحله نهایی خود گردید. بیش از یک سال است که نیروهای ملی و ترقی خواه فلسطینی با سازمان دهی کارزار موفقیت آمیز بین المللی سعی کرده اند تا در جهت رسیدن به خواسته اساسی خود برای تشکیل یک کشور مستقل فلسطینی و تأیید آن از سوی سازمان ملل، حمایت جهانی را جلب کنند. مقام های فلسطینی در رابطه با مبارزه خود برای تصویب عضویت فلسطین در سازمان ملل اظهار می دارند: ''پذیرش دولت فلسطین به عضویت سازمان ملل متحد گام مهمی به سوی پایان دادن به اشغال، و در مسیر دستیابی به استقلال فلسطین و عملی شدن صلح عادلانه و جامع در خاور میانه است. '' آنان معتقدند که، با توجه به عدم آمادگی اسرائیل برای قبول راه حل های مبتنی بر گفت و گو، و همچنین تجاوزگری های افراط گرایانه دولت های دهه اخیر این کشور، و حمایت راهبردی(استراتژیک) امپریالیسم جهانی به سرکردگی ایالات متحده آمریکا از این تجاوزگری ها، تنها راه حل باقی مانده روی کردن مستقیم به سازمان ملل و پذیرش داوری افکار عمومی جهان است. بیش از دوسوم کشورهای عضو سازمان ملل حمایت خود را از خواست تشکیل دولت مستقل فلسطین در درون مرزهای پیش از ژوئن ۱۹۶۷، اعلام کرده اند. در روزهای اخیر، ایالات متحده در حمایت از دولت اسرائیل، که از امکان به رسمیت شناخته شدن فلسطین در مقام صد و نود و چهارمین کشور عضو سازمان ملل به شدت در هراس است، در جهت سد کردن عملی شدن چنین امکانی، فعالانه دست به اقدام زده است. مقام های آمریکائی اعلام کرده اند که، در صورت قبول این طرح در مجمع عمومی سازمان ملل، تصویب آن را با استفاده از حق ''وتو'' ی خود در شورای امنیت سازمان ملل غیرممکن خواهند کرد. حزب توده ایران از مبارزه مردم فلسطین برای پایان دادن به اشغال سرزمین های خود و ایجاد یک کشور مستقل فلسطینی بر طبق قطعنامه های مصوب سازمان ملل متحد و در مرزهای پیش از ژوئن ۱۹۶۷ با پایتختی بیت المقدس شرقی، همواره حمایت کرده است.

در ادامه، متن گفت و گوی ''ولید العوض''، عضو دفتر سیاسی حزب مردم فلسطین، با مرکز خبری ''هلا فلسطین''، در مورد کوشش های مسمومی از نوع ذکر شده در بالا، که با زمینه کار و وظیفه سازمان ملل در برابر مردم رنج دیده فلسطین و همچنین ایجاد مانع در فعالیت نمایندگی آن سازمان در امور ''امداد و



اشتغال پناهندگان فلسطین (''انروا'')'' مرتبط می شود، و چندی پش انتشاریافت، برای اطلاع خوانندگان نامه مردم در زیر می آید:

س ـ در ابتدا چگونگی اوضاع مردم فلسطین را در سال ۱۹۴۸ بیان کنید.

همان طوری که اطلاع دارید، مردم فلسطین در سال ۱۹۴۸ با ''نکبت'' عظیمی روبه رو شدند. نزدیک به یک میلیون فلسطینی از شهر و دیار خویش آواره گردیدند، پروژه ''صهیونیسم'' این عده از مردم فلسطین را در تمام نواحی جهان پخش کرد. در نتیجه سیاست ''پاکسازی نژادی'' به اجرا گذاشته شده از سوی صهیونیست ها، ۱۲۵/۰۰۰ فلسطینی به لبنان مهاجرت کردند، و همین تعداد به سوریه، و دو برابر آن به اردن، و تعدادی نیز به غزه و کرانه باختری رود اردن روانه شدند.

مردم ساکن در کشورها و مناطق مذکور، مهاجران را با آغوش گرم پذیرفتند و از هر گونه کمک و مساعدتی به آنان دریغ نکردند. بعد از ۱۵ ماه می ۱۹۴۸ سازمان ملل متحد امور مربوط به تامین چادر و خدمات اولیه را برای پناهندگان بر عهده گرفت. مسئله پناهندگان فلسطینی آرام آرام در سازمان های بین المللی مطرح و جایگاه خودرا پیدا کرد. در سال ۱۹۴۹ مجمع عمومی سازمان ملل قطعنامه شماره ۳۰۲ را در زمینه تشکیل ''نمایندگی امداد و اشتغال پناهندگان فلسطینی'' (''انروا'') تصویب کرد. این نهاد در زمینه های مختلف به پناهندگان کمک رسانی و آنان را در پیشبرد مسایل زندگی روزمره یاری می رساند. ماموریت این نهاد تا فراهم شدن شرایط اجرای قطعنامه شماره ۱۹۴ مبنی بر بازگشت آوارگان به سر زمین های خویش، ادامه می یابد. قطعنامه شماره ۱۹۴ در دسامبر ۱۹۴۹ به تصویب رسید.

س ـ چه ارتباطی میان مسئله پناهندگان و تاسیس ''انروا'' وجود دارد؟
بین مسئله پناهندگان فلسطینی و وجود ''انروا'' رابطه یی منطقی و واقعی و جود دارد، همان گونه که بین حل عادلانه مسئله پناهندگان و تدوام عمل''انروا''نیز این رابطه وجود دارد. ''انروا'' با توجه به قطعنامه های قانونی و بین المللی مکلف به ادامه یاری رسانی به پناهندگان تا زمان اجرای قطعنامه شماره ۱۹۴ است. قطعنامه شماره ۱۹۴ صریحا حق بازگشت پناهندگان را به روستاها و شهرهایی که در ۱۹۴۸ از آن ها بیرون رانده شده اند، بیان می دارد. از همین جا و بعد از صدور این قطعنامه در ۱۹۴۹ ''انروا'' کار خود را شروع و بر توزیع چادر در اردوگاه های فلسطینیان نظارت کرد. همزمان برای ''انروا''کمیسر عمومی یی تعیین گردید. نکته قابل توجه آنست که هنگام تاسیس ''انروا'' بعضی از دولت ها در نظر داشتند از طریق ''انروا'' به محو و از بین بردن مسئله پناهندگان بپردازند. در سال های نخست فعالیت ''انروا'' روند چالش بین دو نگرش در ''انروا'' آغاز گردید. نگرش اول بر التزام به هدف های اولیه قطعنامه شماره ۳۰۲ تاکید می کرد و خواهان ارائه خدمات و یاری رسانی به فلسطینی ها در محل اسکان موقت آنان تا زمان بازگشت به سر زمین های شان بود، و نگرش دیگر که ایالات متحده آمریکا آن را به پیش می برد خواهان به کار گیری ''انروا'' برای اقامت دایمی پناهندگان در کشورها و اردوگاه های پناهندگان و در نتیجه، از بین بردن هرگونه امکان بازگشت آنان به سرزمین های شان در آینده بود. این طرح به''اسکان''معروف شد. این پروژه در سال های اولیه دهه پنجاه قرن بیستم میلادی و به دلیل عدم برتری جهانی آمریکا در آن زمان در ابتدای راه بود. موقعیت آمریکا در آن شرایط اجازه نمی داد تا بر کشورهایی که به تازگی از جنگ جهانی دوم رها شده بودند اعمال نظر کند. در ۱۹۵۵ انستیتوهای پژوهشی آمریکایی در زمینه ''اقامت دایمی'' و کسب حقوق شهروندی برای پناهندگان در مناطق مختلف شروع به ارائه طرح هایی کردند.
س ـ چه پروژه هایی از سوی ''انروا'' برای اقامت دایمی و''کسب حق شهروندی'' برای پناهندگان به انجام می رسید؟
پیشبرد طرح مربوط به اقامت دایمی پناهندگان فلسطینی در لیبی، یعنی انتقال آنان از اردن، سوریه و لبنان، و اسکان آنان در منطقه ''جبل الاخضر''(''کوه سبز'') و دور کردن شان از مرزهای سرزمین تاریخی فلسطین. ''انروا'' در این زمینه هیئت هایی برای پی ریزی این پروژه اعزام کرد. پروژه دیگری در خصوص آنان به اجرا گذاشته شد که به ''غزه'' پناه برده بودند. این پروژه برای اسکان این قبیل پناهندگان در صحرای سینا و در ۱۹۵۵ شروع گردید. ''انروا'' کارشناسانی برای بررسی امکان اقامت دایمی پناهندگان در سینا اعزام داشت. پروژه دیگر به منظور اقامت دایمی پناهندگان در شمال سوریه پیش بینی گردید. کلیه این پروژه ها بین ۱۹۵۳ و ۱۹۵۵ به مورد اجرا گذاشته شدند. این وضعیت تا زمان ''جنبش بیداری مردم فلسطین در غزه''، ادامه داشت.
س ـ فلسطینی ها چگونه بر ضد این پروژه ها و در جهت ابطال آن ها اقدام کردند؟
هزاران فلسطینی به رهبری'' معین بسیسو'' برای اعتراض به خیابان ها آمدند. در آن زمان دو نیروی سازمان یافته در عرصه سیاسی فلسطین مطرح بودند ،یکی ''حزب کمونیست فلسطین'' به رهبری''مُعین بسیسو'' و دیگری ''اخوان المسلمین''. این دو سازمان سیاسی، هم پیمان شدند و پروژه اقامت دایمی و کسب حقوق شهروندی فلسطینیان در کشورهای دیگر را با شکست رو به رو کردند. در این میان حزب کمونیست نخستین شهید مبارزه را به نام ''حسنی بلال'' در این راه تقدیم کرد. توده های مردم فلسطین با حمله به مراکز استقرار ''انروا'' مسئولان مصری را که در آن هنگام غزه را زیر نظارت داشتند، به مذاکره با رهبران تظاهرکنندگان وادار کردند. پس از آن، مقام های مصری به لغو پروژه اسکان (اقامت دایمی و کسب حقوق شهروندی) تصمیم گرفتند. پس از دو یا سه هفته مصری ها شروع به بازداشت اعضای حزب کمونیست فلسطین کردند و ۳۷ نفر از آنان هر کدام نه سال از عمر خود را در زندان گذراندند. دبیر کل حزب (مُعین بسیسو) و همسرش نیز جزو بازداشت شدگان بودند. در لبنان نیز جنبش ملی گرایان فلسطین با ارسال اعتراضیه های مکرر و با راه اندازی تظاهرات خیابانی پروژه ''اسکان'' را با شکست رو به رو کردند. این مبارزه را می توان نخستین مرحله رودررویی دو نگرش ارزیابی کرد. نگرش ادامه فعالیت ''انروا'' برای امداد رسانی و اشتغال پناهندگان فلسطینی و نگرش حذف مسئله بازگشت پناهندگان. آنچه در نهایت به پیروزی رسید، اراده مردم فلسطین و عزم آنان برای به شکست کشاندن سه پروژه ''اسکان'' در آن شرایط زمانی بود.
س ـ نحوه برخورد جامعه جهانی با مسئله پناهندگان فلسطینی، در بدو امر، چگونه بود؟
سازمان صلیب سرخ تا قبل از ۱۹۴۹ متولی خدمات رسانی به یک میلیون پناهنده فلسطینی بود. این سازمان با تقدیم گزارشی عدم توانایی خود را برای ارائه خدمات به این تعداد از پناهندگان اعلام کرد. سازمان ملل با صدور قطعنامه شماره ۳۰۲ بر ادامه خدمات ''انروا'' تا بازگشت پناهندگان تاکید ورزید. اما همان طور که گفتم توطئه های دولت های صاحب نفوذ برای انحراف پروژه امداد رسانی و اشتغال ادامه یافت.
س ـ بیشترین در گیری ها در چه سال هایی بین ''انروا'' و مردم فلسطین روی داد؟
پس از ۱۹۵۵ و تا ۱۹۵۷ بین اداره کنندگان ''انروا'' و مردم فلسطین رو یارویی های سختی در گرفت. مردم فلسطین با استفاده از شرایط پیش آمده در نتیجه جنبش ملی در جهان عرب موفق به جلوگیری از پروژه ''اسکان'' گردید وتوانست ''انروا'' را در جایگاه واقعی خویش قرار دهد.

س ـ نظرتان در باره رویدادهای دهه ۶۰ میلادی چیست؟
در ابتدای دهه شصت ''انروا'' به دو دلیل توانست در جایگاه خود بر اساس قطعنامه ۳۰۲ قرار گیرد. اول جنبش های آزادی خواهی و بیداری جهان عرب و دریافت پیام این جنبش ها از سوی مردم فلسطین، دوم پایه ریزی نهاد ''سازمان آزادیبخش فلسطین'' در ابتدای این دهه. این عامل ها سبب گردید تا گردانندگان پروژه اسکان، عقب نشینی و ''انروا'' در جایگاه خود قرار گیرد. دهه شصت و پس از آن در دهه هفتاد ''انروا'' خدمات خود را به پناهندگان (بدون آنکه نحوه زندگی آنان را تغییر دهد) ادامه داد. در این دوره مراکز آموزشی و بهداشتی تاسیس شد، و در پایان دهه شصت منزل های ''ازبستی'' به ''سیمانی'' تبدیل شد و با افزایش قدرت مردم فلسطین (در نتیجه تشکل و سازمان یافتگی)، ''انروا'' نیز تحت تاثیر قرار گرفت.
س ـ این مرحله را چگونه ارزیابی می کنید؟
این دوره را می توان این گونه ارزیابی کرد: ''هنگامی که فلسطینی ها زخمی و سردرگم بودند''، ''انروا'' سعی در حذف مسئله پناهندگان کرد اما بعد از ۱۹۵۵ و در شرایطی که فلسطینی ها توانستند با قدرت در صحنه باشند، ''انروا'' نیز در جایگاه طبیعی خویش قرار گرفت. در ۱۹۶۵ (در شرایط اقتدار فلسطینی ها)، ''انروا'' بر خدمات خود افزود و تا جنگ ۱۹۶۷ اعراب و اسرائیل این وضعیت در نوسان بود. با شکست عرب ها در این جنگ، مجددا پروژه ''اسکان'' پناهندگان فلسطینی، این بار در کانادا و استرالیا مطرح گردید، اما این بار هم به مرحله اجرا نرسید. دوره بین ۱۹۶۷ تا ۱۹۷۰ با برآمدن مجدد انقلاب فلسطین امکان ادامه پروژه ''اسکان'' مقدور نشد و ''انروا'' دوش به دوش سازمان آزادیبخش فلسطین مسئله پناهندگان را به پیش بردند.
س ـ ''سال های طلایی'' مردم فلسطین کدامند؟
سال های بین ۱۹۷۰ تا ۱۹۸۲ را می توان به عنوان ''سال های طلایی'' برای مردم فلسطین ارزیابی کرد. طی این سال ها ''انروا'' به صورت سازمان یافته و بدون پیش بردن پروژه اسکان به خدمات رسانی به پناهندگان مشغول بود. در سال ۱۹۸۳ ''دونا ازرت'' وکیل امریکایی طرح اسکان پناهندگان فلسطینی را در شمال عراق پیشنهاد کرد. در این سال و پس از شکست سازمان آزادیبخش فلسطین در لبنان، ''انروا'' هیئتی به شمال عراق اعزام کرد تا امکان ایجاد اردوگاه ها و محل سکونت دائمی را برای پناهندگان بررسی کند. این پروژه برای اسکان ۳۵۰/۰۰۰ پناهنده ساکن در غزه، ۳۰۰/۰۰۰ پناهنده ساکن در کرانه غربی، و پناهندگان حاضر در لبنان و سوریه و اعطای حقوق شهروندی به پناهندگان در اردن پیش بینی گردیده بود. ایالات متحده آمریکا با طرح پیشنهاد اخیر برای اجرای آن مصرانه به ''انروا'' فشار وارد می آورد. اما این بار نیز جنبش ''انتفاضه'' در ۱۹۸۷ بر این طرح خط بطلان کشید. فلسطینی ها با جنبش ''انتفاضه''، خود را مطرح کردند. رو در رویی دو نظریه همچنان تا ۱۹۹۱ و طرح گفت و گوهای صلح ''مادرید'' ادامه یافت. مجددا دو پروژه یعنی پروژه ''اسکان'' و'' حذف مسئله بازگشت '' در برابر پروژه حفظ حقوق مهاجران برای بازگشت در برابر هم قرار گرفتند.
س ـ آیا با به وجود آمدن حکومت خودگردان در ۱۹۹۴ تغییری در سیاست های ''انروا'' پدید آمد؟
از ۱۹۹۴ و با اعمال نفوذ حکومت خود گردان فلسطین، از حجم امکانات واگذار شده به ''انروا'' کم و در مقابل، این امکانات در اختیار حکومت خود گردان قرار گرفت. در این مرحله تجدید سازمان اردوگاه های کرانه غربی و غزه در دستور کار حکومت خود گردان قرار گرفت. در خارج از فلسطین پروژه اسکان پناهندگان در لبنان در منطقه ''القریعه'' مطرح گردید. جریان های مختلف در لبنان بر سر چگونگی اجرای این طرح به توافق نرسیدند و این طرح نیز اجرا نگردید.
بعد از ۱۹۹۶ و پس از استقرار حکومت خود گردان، کمیته هماهنگی بین ''انروا'' و حکومت خودگردان در خصوص وظایف هر دو طرف تصمیم گیری کرد و مقرر گردید که حکومت خود گردان هیچ گونه دخالتی در وظایف و مسئولیت های ''انروا'' نکند. حکومت خود گردان ضمن عدم قبول واگذاری خدمات و مسئولیت های ''انروا''، خواهان ادامه ماموریت ''انروا'' در مسئله پناهندگان گردید .
س ـ در حال حاضر اوضاع کنونی را چگونه می بینید؟
از دو سال پیش تا کنون و در شرایطی که بر اثر اختلافات پیش آمده در جنبش فلسطین، ایالات متحده آمریکا از فرصت استفاده کرده و طرح جدیدی را از جانب ''لینسی'' که در ''انروا'' مشغول به کار بوده و پس از آن به عنوان کارشناس در ''انستیتو پژوهش ها و بر رسی های واشنگتن'' انتقال یافته، پیشنهاد کرد. پیشنهاد ''لینسی'' بر اساس تغییر نام وظایف ''انروا'' و کم کردن خدمات این نهاد در تمامی بخش ها تنظیم شده است.
س ـ آیا به نظر شما تغییر نام ''انروا'' و کم کردن خدمات آن حاصل نظر ''انروا'' بوده یا نتیجه فشارهای خارجی؟
این نه تنها خواسته ''انروا'' نبوده بلکه این نهاد در مقابل فشار ناشی از کم کردن بودجه و عدم دریافت کمک های لازم قرار گرفته تا به عنوان جزئی از پروژه حذف مسئله بازگشت پناهندگان قرار گیرد. این فشارها همزمان بر مردم فلسطین و حکومت خود گردان نیز اعمال می شود. به نظر ما این وضع ادامه خواهد یافت. کمیته های مردمی و فعالان بخش خدمات به پناهندگان، با فشار بر ''انروا'' از تغییر نام آن جلوگیری کردند اما نتوانستند از کم کردن خدمات جلوگیری کنند. ''انروا'' سیاست های آموزشی خاصی در ارتباط با تغییر در فرهنگ کودکان و سایر پناهندگان داشته که از سوی ''هلا فلسطین'' افشا گردید. همان طور که قبلا اشاره شد، تمامی نشانه ها حاکی از چالش بین دو نگرش، یکی خواهان ادامه انجام وظایف از سوی ''انروا'' و آن دیگری

خواهان پایان یافتن ماموریت "انروا" و در پی آن فراموشی مسئله بازگشت پناهندگان است.

س ـ در حال حاضر شما چه پیشنهادی دارید؟

ما نباید وارد مبارزه برای پایان دادن به"انروا" شویم. برماست که بر نظارت بر نحوه عمل "انروا" ادامه دهیم. از حکومت خودگردان و سایر حکومت های عربی به عنوان میزبان "انروا" انتظار می رود تا ضمن نظارت و مراقبت بر کارهای "انروا"، بر واگذاری مسئولیت به کارشناسان درکشورهای در گیر با مسئله پناهندگان اهتمام ورزند.

س ـ برای جامعه فلسطین از طریق این تریبون (هلا فلسطین) چه پیامی دارید؟

جامعه فلسطین در تنگنای ناشی از محاصره اسرائیل به سر می برد. اشکالی ندارد اگر "انروا" برای کودکان فلسطینی اردوگاه های تابستانی در نظر بگیرد، اما برماست تا به وسیله فعالان فلسطینی که به بینش و فرهنگ فلسطینی مسلحند، کودکان را دریابیم و رابطه اصولی بین این فعالان و کودکان فلسطینی ایجاد کنیم. بر"کمیته های مردمی" و اداره امور پناهندگان است که با نظارت بر این اردوگاه ها مراقبت لازم را در چگونگی فعالیت ها به عمل آورند تا زمانی نرسد که ما در حوادثی همچون آنچه که امروز برای "انروا" طراحی می شود، غرق گردیم. در این وضعیت ما در برابر چالش های گوناگونی قرار داریم: ضرورت اتحاد برای آنکه سازمان ملل متحد دولت فلسطین را به رسمیت بشناسد، تلاش برای به ثمر رساندن طرح آشتی فلسطینی ها. توطئه ها در آینده بر ضد ما بیشتر و بزرگ تر خواهد بود. روند کنونی وضعیت پراکندگی نیروها زمینه مناسبی برای حذف مسئله پناهندگان و پایان دادن به حق آنان برای بازگشت به سرزمین های شان است.

به نقل از نامه مردم، شماره ۸۷۷، ۲۱ شهریور ماه ۱۳۹۰

****

تظاهرات عظیم کارگران ترکیه علیه تغییر قانون کار توسط دولت

شورای دانشجویان و جوانان چپ ایران: روز شنبه ۱۶ مهرماه ۱۳۹۰(۹ اکتبر ۲۰۱۱) با فراخوان DISK (کنفدراسیون سندیکاهای کارگران انقلابی)، KESK (کنفدراسیون سندیکاهای زحمتکشان خدمات دولتی)، TTB (اتحادیه ی پزشکان ترک) و TMMOB (اتحادیه ی موسسه های مهندسان و معماران ترک) با شعار اصلی «ترکیه ی برابر، آزاد و دموکراتیک برای یک زندگی انسانی» یک گردهم آیی عظیم در شهر آنکارای ترکیه برگزار شد.

تقریبا سی هزار نفر علیه اقدام AKP (حزب حاکم در ترکیه) برای حذف ضمانت پرداخت حق سنوات کار به کارگرانی که اخراج شده اند یا به دلایل مختلف از کار بیکار شده اند تجمع و راهپیمایی کردند. حذف این حق سنوات بخشی از پاکت قانونی جدید ترکیه است که قرار است از طرف دولت اردوغان به تصویب مجلس برسد. سندیکاهای کارگری و گروه ها و سازمان های چپ این برنامه و پاکت قانونی را حمله ای همه جانبه به حقوق کارگران و زحمت کشان تعبیر کرده اند. ساعت کار نامعین تر از سابق خواهد بود و سقف مزدها به نسبت منطقه¬های متفاوت در نظر گرفته خواهد شد. همچنین مدت اعتبار قرارداد های کاری بسته به خواست کارفرما تغییر خواهد کرد. طبق قانون فعلی که در دستور کار دولت قراردارد کارگری که به طور مثال ماهانه ۶۰۰ لیر دریافت می کند، موقع اخراج از کار پرداختی برابر با دست¬مزد یک ماه کارگر به او به عنوان سابقه کاری انجام می¬شود. اما بر اساس قانون جدید این پرداخت به شکلی انجام می شود که سی درصد به کارگر پرداخت می شود و سه درصد از هفتاد درصد باقی مانده به شکل سپرده در بانکی ذخیره میگردد تا بعد از بازنشستگی به کارگر پرداخت شود.



اشغال لیبی و قتل معمر قذافی

کشور کوچک لیبی با منابع فراوان مواد خام، به ویژه ذخایر قابل توجه نفت همواره مورد طمع کشورهای امپریالیستی اروپا و آمریکا بوده است.
با شروع موج اعتراضات مردمی در خاورمیانه و شمال آفریقا علیه رژیم های مستبد و دست نشانده حاکم براین کشورها که حاصل ده ها سال حاکمیتشان چیزی جز فقر، بیکاری، گرانی و بی خانمانی برای توده های مردم این کشورها و همچنین اعمال خشن ترین شیوه های سرکوب نبوده است، کشورهای امپریالیستی، یعنی حامیان همیشگی این رژیم ها، به منظور به انحراف کشاندن اعتراضات مردمی و کنترل و سرانجام به خدمت گرفتن آنها از طریق تحمیل و گماشتن چهره ها و نیروهای سیاسی مرتجع گوش بفرمان نظام غارتگر سرمایه داری و قرار دادن آنها در راس رهبری این اعتراضات برآمدند، که متاسفانه بواسطه ی عدم حضور جدی و ثمربخش نیروهای ترقیخواه در این کشورها، که آن نیز حاصل ده ها سال سرکوب خشن رژیم های دیکتاتوری حاکم است، تا این لحظه موفق بوده اند.
به همین خاطر است که رسانه های امپریالیستی همواره با شادمانی از شروع «بهار عربی» سخن میرانند و به تبلیغ آن می پردازند.
اما کیست که نداند حاصل این به اصطلاح «بهار عربی» تاکنون، برآمدن و قدرت گیری جریانات ارتجاعی و وابسته به امپریالیسم، همچون «اخوان المسلمین» در مصر و حزب نهضت اسلامی در تونس و سرانجام سلطه ی طیف نیروهای مرتجع موسوم به «شورای انتقالی» در کشور لیبی بوده است.
البته نباید قدرت یابی و سلطه ی این جریانات ارتجاعی بر این کشورها را به عنوان «حاصل» طبیعی اعتراضات مردمی به شمار آورد، بلکه این جریانات «میوه تلخ» و زهرآگینی هستند که در نتیجه دسیسه ها و فشارهای گوناگون دولت های امپریالیستی بر تنه درخت اعتراضات مردمی و انقلابات نارس این کشورها بزور «پیوند» داده شده اند و با آبیاری امپریالیسم رشد کرده اند.
همانگونه که در کشور ما نیز در نود سال پیش، به دنبال آن همه اعتراضات و مبارزات قهرمانانه بر علیه استبداد بغایت عقب مانده «قاجاریه»، فشارها، دسیسه ها و دخالت های آشکار و پنهان امپریالیسم بریتانیا و بقیه دولت های سرمایه داری اروپا، موجب آن گردید که تفنگچی و قداره بندی چون «رضاخان میرپنج» بر اریکه قدرت بنشیند و سلسله ننگین پهلوی را به مدت بیش از نیم قرن بر کشور ما تحمیل کند.
سلسله ای که به گواه هزاران سند تاریخی از همان نخستین روزهای بر سرکار آمدن تا واپسین دقایق حاکمیت ننگین و ضد مردمی اش، مورد حمایت همه جانبه همه ی کشورهای امپریالیستی، به ویژه آمریکا و بریتانیا قرار داشت و به طور کامل در جهت تامین منافع غارتگرانه ی آنها حرکت میکرد.
واقعیت این است که سلطه ی جریانات مرتجعی چون اخوان المسلمین مصر و حزب نهضت اسلامی تونس و شورای انتقالی لیبی را همانقدر باید حاصل اعتراضات و شورشهای مردمی یکسال اخیر توده های جان به لب آمده و تشنه آزادی، عدالت و دمکراسی کشورهای عربی دانست که رضاشاه، و سلسله پهلوی «حاصل» انقلاب مشروطه ایران، بودند.
در لیبی اما وضع از این هم فاجعه بارتر و تردید برانگیزتر است. در این کشور که اکنون پس از ماه ها بمباران بمب افکن های «ناتو»، به ویرانه ای تبدیل شده است. نه تنها از همان روزهای نخست شروع اعتراضات مردمی، با کمک و دخالت مستقیم کشورهای امپریالیستی، شورایی متشکل از مرتجع ترین افراد و نیروها و همچنین برخی از مقامات پیشین رژیم قذافی و تعدادی از روسای قبایل بدوی آن کشور تحت عنوان «شورای انتقالی لیبی» سرهم بندی گردید که نخستین اقدام آن دعوت از نیروهای پیمان نظامی» ناتو « بازوی مسلح امپریالیسم جهانی برای دخالت مستقیم در اوضاع داخلی این کشور، از طریق ارسال اسلحه، بمباران مستقیم تاسیسات زیربنایی، اقتصادی و خدماتی لیبی، به منظور سرنگونی دولت معمر قذافی و سپردن زمام امور آن کشور به دست به اصطلاح «شورای انتقالی» بود.
امری که بلافاصله و بدون اما و اگر مورد استقبال کشورهای امپریالیستی، به ویژه بریتانیا و فرانسه و... قرار گرفت و بدون تحمل هیچ هزینه ای «مجوز» آن را از



شورای امنیت سازمان ملل دریافت نمودند و برخلاف همه ی معاهدات بین المللی یک کشور عضو سازمان ملل متحد مورد حمله نظامی همه جانبه قرار گرفت و در مدت چند ماه با انجام حداقل ۹۰۰۰ (نه هزار) بار بمباران هوایی و به کارگیری مدرنترین سلاح های کشتار جمعی، بخش عمده ی از تاسیسات زیربنای آن، از جمله راه ها، پل ها و شبکه های برق و آب و تلفن و همچنین هزاران کارخانه و بیمارستان و مدارس آن به کلی ویران و با خاک یکسان گردیدند.
درباره تلفات انسانی نیز باید دانست که برخی منابع از به قتل رسیدن حدود ۵۰ (پنجاه)هزار نفر از مردم غیرنظامی این کشور، عمدتاً در نتیجه ی بمباران های ناتو خبر داده اند.
تنها در جریان اشغال شهر «سرت» که تا روزهای اخیز نیز به مقاومت در مقابل مزدوران محلی ناتو ادامه میداد،» صدها نفر سربریده شده اند» و هزاران تن دیگر رخمی گردیده و ده ها هزار تن از ساکنین غیرنظامی شهر آواره گردیده اند.
عکس های منتشر شده از این شهر، در نخستین روز اشغال آن، عمق فاجعه ای را که ناتو با بمب های ویرانگر خود در این شهر آفریده است، به نمایش می گذارند.
ساختمان های مسکونی و تاسیسات صنعتی، خدماتی کاملاً ویران شده و مزدوران «شورای انتقالی لیبی» براین ویرانه ها به رقص و پایکوبی مشغولند. این است آنچه از جانب رسانه های تبلیغاتی غرب، «آزاد کردن «شهر سرت نام گرفته و با شادمانی از آن نام می برند.
لازم به گفتن نیست که وضع ترابلس و بنغازی و بقیه ی شهرهای لیبی نیز به هنگام اشغال بهتر از سرت نبودند. اما کشتار وسیع مردم غیرنظامی در سرت، چنان ابعاد فاجعه باری به خود گرفت که این شهر را از بقیه ی مناطق و شهرهای لیبی متمایز می کند.
زیرا سرت به زعم مزدوران محلی ناتو، «زادگاه» معمر قذافی بود و ویران کردن آن و قتل عام وسیع ساکنین آن به جرم «همشهری» بودن و هم قبیله بودن با قزافی امری پسندیده شمره می شد.
جالب اینجاست که بمب افکن های ناتو نیز بیشترین و سنگین ترین حملات هوایی خود را متوجه این شهر نمودند. زیرا ویران کردن و اشغال آن را به مثابه «پایان» رژیم قذافی تلقی می کردند!
سرانجام سرت اشغال و معمر قذافی نیز در حالی که در اثر بمباران هواپیماهای ناتو زخمی شده بود، زنده به دست مزدوران مسلح شورای انتقالی اسیر شد و برخلاف همه ی قوانین بین المللی و معیارهای انسانی و اخلاقی به شیوه ی فجیعی به قتل رسید.
این در حالی بود که چند ماه پیش به اصرار همان به اصطلاح «شورای انتقالی» دادگاه لاهه حکم بازداشت معمر قذافی را صادر نموده بود و قاعدتا می بایست بعد از اسارت، تحویل دادگاه لاهه شود تا به زعم آنها به اتهام «جنایت علیه بشریت» محاکمه شود، محاکمه ای که بدون شک نمی توانست نتایج مورد نظر «غرب» را دربی داشته باشد.

به مناسبت هفتادمین سالگرد بنیادگذاری حزب توده ایران کتابهای زیر از طرف انتشارات حزب انتشار یا تجدید انتشار یافته اند .

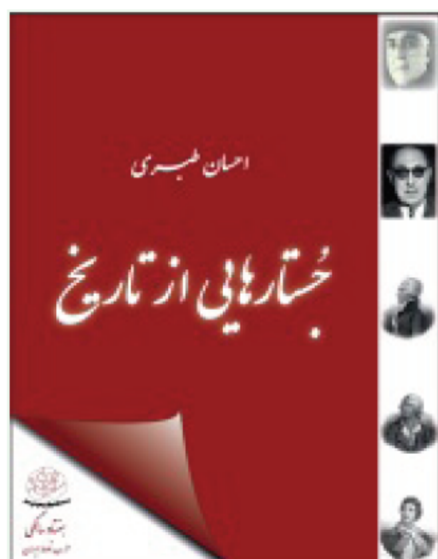
برای تهیه نسخه PDF این آثار به سایت حزب توده ایران به نشانی:

http://www.tudehpartyiran.org

مراجعه کنید.

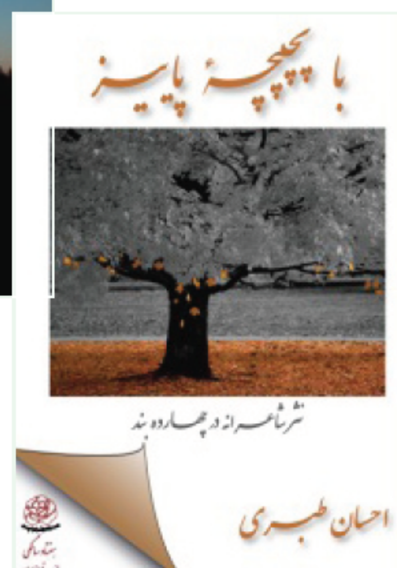












یک سال با کازیوه

فهرست مطالب یکساله ی ماهنامه کازیوه

نشریه جمعی از هواداران حزب توده ایران در کردستان

شماره اول
تاریخ انتشار: مهرماه ۱۳۸۹

- سرمقاله
- اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران
- آرمانهای انقلاب اکتبر زنده اند
- حزب توده ایران و مبارزه در راه رفع ستم ملی
- به مناسبت روز جهانی کودک
- رفیق شهید قزلچی (بنیانگزار داستان نویسی کردی)
- شعری از مسعود دلیجانی
- اجلاس منطقه ای شورای جهانی صلح
- بیانیه جبهه متحد کرد درباره حادثه تروریستی سنندج

بەشی کوردی:

- **سەروتار**
- **کوردستان بەرەو کوێ دەبەن؟**
- **وەزعیەتی نالەباری پەنابارانی کوردستانی ئێران لە عێراق**
- **وتووێژ لەگەڵ هاورێ «عەلی بێهروز»**
- **معرفی کتاب**

****

شماره دوم
تاریخ انتشار: آبان ماه ۱۳۸۹

- سرمقاله
- چشم انداز تحولات کشور و مبارزه برای طرد رژیم ولایت فقیه
- به قتل و غارت مرزنشینان خاتمه دهید!
- ناآرامی در غرب کشور خطری که باید آن را جدی گرفت
- قوی باش رفیق! (نامه ای از فرزاد کمانگر)
- دیدگاه حزب توده ایران درباره فدرالیسم
- رفیق شهید علی شناسایی
- سخنرانی نماینده حزب توده ایران در نشست گروه چپ پارلمان اروپا
- شرکت هیئت نمایندگی حزب توده ایران در کنگره حزب کمونیست بریتانیا
- حقیقت ساده (کریس دی برگ)

بەشی کوردی:

- **سەروتار**
- **کێشەی پەنابەرانی مەدەنی لە کوردستانی عێراق**
- **حوکمی هەڵپەسێردراو یان شمشێری «دیمۆکلێسی»**
- **جیاوازی نێوان یەکسانی و ڕەوابینی**
- **کاری توندوتیژیی شۆڕش پەراوێز دەخات**
- **معرفی کتاب:**

****

شماره سوم

تاریخ انتشار: آذرماه ۱۳۸۹

- سرمقاله:
- گسترش ناامنی خطری جدی برای کشور
- آزاد سازی اقتصادی با موج نوین سرکوب و ارعاب
- جنبش دانشجویی در مصادف با استبداد
- ادامه فشار بر فعالین سیاسی و مدنی ایرانی در کردستان عراق
- مبارزه خستگی ناپذیر برای آزادی زندانیان سیاسی
- درس ها و تجربیات جنبش ۲۱ آذر
- تبعیض، نابرابری و اعمال خشونت بر ضد زنان
- از مبارزه سندیکاهای کارگری حمایت کنیم
- پایه گذاری دموکراسی، در مسیر حرکت به سوی سوسیالیسم
- اجلاس جهانی احزاب کمونیست و کارگری
- سومین کنگره حزب چپ اروپا، تصمیمات مهم آن
- بدرود رفیق علی
- دوازدهمین سالگرد قتل «محمد مختاری و محمد جعفر پوینده»

بەشی کوردی:

- **سەروتار**
- **سمینارێک و چەند تێبینی**
- **درێژەی گوشار خستنە سەر پەنابەرانی کوردستانی ئێران لە عێراق**
- **قازانجی هەنارده کردنی نەوتی هەرێمی کوردستان بۆ کێیە؟**
- **سیستمی سەرمایەداری و بەزاندنی سنوورە نەتەوەییەکان**

****

شماره چهارم

تاریخ انتشار: دی ماه ۱۳۸۹

- سرمقاله
- ادامه تنش ها و برنامه های کودتاچیان
- حذف یارانه ها و مبارزه برای احقاق حقوق سندیکایی
- زحمتکشان و مبارزه برای دستمزد عادلانه
- این وضعیت برای کارگران غیر قابل تحمل است
- جایگاه تاریخی جنبش دوم بهمن، در پیکار برای الغای ستم ملی
- رابطه حکومت ملی آذربایجان و جمهوری کردستان (یک سند تاریخی)

- لزوم حمایت از حقوق اقلیت های مذهبی کشور
- ایران در مقام نخست مهاجرت نیروی نخبه
- بدرود رفیق جواد آرتشیار و رفیق رهبر
- اعدام حسین خضری زندانی سیاسی کرد
- بیانیه شورای هماهنگی اصلاح طلبان کرد
- سقوط دیکتاتوری در تونس
- تجزیه سودان، بهای ادامه رژیم دیکتاتوری

بەشی کودی:

- **سەروتار**
- **بەرز و بەڕێز بێت یادی ٢ی ڕێبەندان**
- **کلتوری هاوسەرگیری دەسەڵات و سامان و خزمایەتی (لە هەرێمی کوردستانی عێراق)**
- **ئایا ئەم دارمانە داراییەی ئێستا کۆتایی سەرمایەدارییە؟**

****

شماره پنجم

تاریخ انتشار: بهمن ماه ١٣٨٩

- ١۴ بهمن ماه سالگرد شهادت دکتر تقی ارانی و روز شهدای حزب توده ایران
- بازداشت خانگی میرحسین موسوی و زهرا رهنورد
- با جوسازی و ارعاب نمی توان در اراده توده ها خللی وارد آورد
- درس نیاموختن دیکتاتورها از تاریخ
- ضرورت در پیش گرفتن شیوه های مبارزاتی واقعیت گرا
- رژیم ولایت فقیه در تقابل با حقوق و منافع زنان
- تشکیلات دموکراتیک زنان ایران ۶٨ ساله شد
- پیروزی واپسین با ارانی است
- جنبش ٢ بهمن کردستان
- مسالهای به نام زبان مادری
- مصر در آستانه دگرگونی های بزرگ!
- بیانیه حزب کمونیست مصر
- مصاحبه با رفیق دکتر مظهر حیدر (حزب کمونیست پاکستان)
- من انسانم (شعری از: مسعود دلیجانی)
- به یاد فروغ فرخزاد

بەشی کوردی:

- **سەروتار**
- **شەپۆلی ناڕەزایەتییە جەماوەرییەکان لە هەرێمی کوردستان**
- **ڕاگەیاندنی حیزبی شیوعی کوردستان**
- **ڕۆژی جیهانی زمانی دایک**
- **لە کوردستان و عێراق ڕۆژی شەهیدی شیوعی بەرز ڕاگیرا**
- **وتووێژی «نەوال سەعداوی» سەبارەت بە خۆپیشاندانەکانی میسر**

****

شماره ششم

تاریخ انتشار: اسفندماه ۱۳۸۹

- شادباش نوروزی کمیته مرکزی حزب توده ایران
- اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران به مناسبت روز جیهانی زن
- بیش از دو قرن مبارزه زنان در جهان و ایران
- شمه ای از تاریخ جنبش زنان کرد در ایران
- پیروزی در گرو مبارزه مشترک جبهه وسیع قشرها و طبقات اجتماعی است
- آزادی برای زندانیان سیاسی
- دولت کودتا با افزایش دستمزد کارگران مخالف است
- پایان موفقیت آمیز اعتصاب کارگران پتروشیمی تبریز
- بدرود رفیق بلوریان
- به یاد رفیق محمد زهری
- همبستگی نیروهای مترقی جهان با مبارزات مردم ایران
- برگزاری پرشور جشن هشتم مارس، با شرکت نمایندگان زنان ترقی خواه جهان
- حزب توده ایران با دخالت نظامی امپریالیسم در لیبی قاطعانه مخالف است
- گردهمایی بین المللی در همبستگی با مبارزه مردم فلسطین
- ما سرکوبگری رژیم سودان را محکوم می کنیم!
- در راه ساختمان یک تونس دموکراتیک
- افزایش فشارها بر حزب کمونیست عراق

بەشی کوردی:

- **بەڕێز عەبدولڕەحمان حاجی ئەحمەدی**
- **فیدراسیۆنی پەنابەران ئیدانەی ناردنەوەی پەنابەرانی ئێرانی دەکات**
- **ڕاگەیاندنی حزبی شیوعی کوردستان**
- **دوای ئەم هەموو گلانە بۆ نابینە سوار؟**
- **پەیامی سەرەخۆشی مەکتەبی سیاسی «حشک»**
- **بروسکەی سەرەخۆشی سەرۆکی هەرێمی کوردستان**

****

شماره هفتم

تاریخ انتشار: فروردین ماه ۱۳۹۰

- اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران به مناسبت روز جهانی کارگر
- وظایف و چالش های جنبش کارگری در مرحله کنونی
- ضرورت سازمان دهی اعتراض های پراکنده کارگری
- طوفان اعتراضات کارگران ایرانی در آستانه روز جیهانی کارگر
- تامل بر زمینه های عینی و ذهنی مبارزه در راه ارتقاء سطح رزمندگی جنبش کارگری
- آزادی طبقه کارگر بدون آزادی زنان معنا ندارد
- کردستان در یک نگاه
- سرکوب مردم عرب خوزستان محکوم است
- پرونده فاجعه انفال همچنان گشوده است!
- پیام اول ماه مه فدراسیون جهانی سندیکاهایی کارگری
- مبارزه یی اساسی در راه اصلاحات سیاسی در بحرین

- مصاحبه رفیق صلاح عدلی، سخنگوی حزب کمونیست مصر
- امپریالیسم، و احیای سیاسی تحت الحمایگی
- اجلاسی در راستای ایجاد توازن بین المللی!

بەشی کوردی:

- **پیرۆز بێت ۱۱ی گوڵان ڕۆژی هاوپشتی جیهانی کرێکاران**
- **کاریگەری ئەنفاڵ لە سەر نەوەکانی پاشماوە**
- **قەیرانی سیاسی لە هەرێمی کوردستانی عێراق**
- **ئێمە کەس لە خۆمان بە ئۆپۆزیسیونتر نازانین**

****

شماره هشتم

تاریخ انتشار: اردیبهشت ماه ۱۳۹۰

- پژاک فعالان مدنی کردستان را تهدید به «اقدام انقلابی» کرد!
- قطعنامه مشترک به مناسبت روز جهانی کارگر
- استقبال حزب توده ایران از بیانیه مشترک سندیکاها و تشکل های کارگری
- برگزاری مراسم روز جهانی کارگر در سنندج، خوزستان و فارس
- روز جیهانی کارگر، و خانه نشین کردن زنان
- به امید جهانی شایسته و عاری از کار کودک
- برای نجات جان حبیب الله لطیفی و شیرکوه معارفی همه توان خود را به کار گیریم!
- پیام کمیته مرکزی حزب توده ایران به: دوازدهمین کنگره سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)
- گرد سرفراز آزادی به یاد «خسرو روزبه» قهرمان ملی ایران
- رفیق وارطان سخن نگفت!
- یاس سفید – به یاد رفیق شهید فاطمه مدرسی
- اولین سالگرد اعدام فرزاد کمانگر و چهار زندانی سیاسی در اوین
- درگذشت بهاره علوی، فعال مدنی کرد
- در دو سال گذشته ۱۵۰ روزنامه نگار بازداشت و ۴۰ مطبوعه توقیف شده است
- رژه زحمتکشان جهان در روز جهانی کارگر با خواست عدالت اجتماعی و زندگی شایسته
- کمونیست ها در همه مبارزه ها دارای نقشی محوری اند.
- مصاحبه «نامه مردم» با رفیق صلاح عدلی، سخنگوی حزب کمونیست مصر
- بیانیه هیئت سیاسی حزب کمونیست اسرائیل
- قتل بن لادن هلهله و هورا ندارد!
- دادگاه عالی عراق انفال بارزانیها را نسل کشی اعلام کرد

بەشی کوردی:

- **سەروتار (مەترسی سەلەفییە جەهادییەکان لە کوردستان)**
- **پژاک هەڕەشە لە وتەبێژی ڕێکخراوی مافی مرۆڤی کوردستان دەکات!**
- **ڕۆژی کرێکاران ڕۆژی خەبات و ئازاد کردنی بەشەریەتە**
- **پرۆژەی حیزبی شیوعی کوردستان بە بۆنەی ۱ی ئایار**
- **ئەنجومەنی سەندیکای ڕۆژنامەنووسانی هەرێمی کوردستان ناڕەزایەتی دەردەبڕێ**
- **یادی «۲۳» ساڵەی شەهید بوونی «لەیلا قاسم» (بووکی کوردستان)**

****

شماره نهم
تاریخ انتشار: خردادماه ۱۳۹۰

- همایش استقلال طلبان کرد! (سرمقاله)
- عدم کارایی رژیم استبدادی حاکم و چشم انداز پیکار برای آزادی در ایران
- اعتصاب غذای زندانیان سیاسی
- به مناسب روز جهانی کودک
- حقوق زنان طبقه های محروم، سیاست ارتجاع، و مبارزه جنبش زنان
- مساله ارضی، و ضرورت تامین منافع زحمتکشان روستا
- آموزه های «الماس فریب»
- منصوره بهکیش را آزادی کنید!
- جنبش جامعه مدنی (کردستان) خشونت را پشت سر خواهد گذاشت
- بیستمین سمینار بین المللی کمونیست ها
- ششمین کنگره حزب کمونیست کوبا
- افزایش تعداد نمایندگان کرد در پارلمان تورکیه
- حقایقی درباره بحران سوریه
- گسترش پیمان ناتو در حوزه خلیج فارس، خطری جدی برای صلح جهانی
- مردم فلسطین خواهان پایان تفرقه اند
- مبارزه مردم عراق، برای بدست آوردن دموکراسی
- طوفان؟ (شعری از مسعود دلیجانی)

بەشی کوردی:

- **ئەمریکا داوای پارەی ئەو فیشەکانە دەکات کە عێراقییەکانی پێ کوشتووە!**
- **هەرێمی کوردستانی عێراق، قەیرانی هەمەلایەنە و پرۆژەی چاکسازی!**
- **ئەگەری تیرۆری ئیجلال قەوامی**
- **۸۳ کەس لە خەڵکی مەدەنیی رۆژهەلاتی کوردستان دەستبەسە کران**
- **با مستەفا هجری لە ئاڵوگۆڕەکانی رەزا پەهلەوی ئاگادارمان کاتەوە!**
- **دەستکەوتێکی گرنگ بۆ کرێکارانی عێراق**
- **ژنان هیچ رۆڵێکی راستەوخۆیان لە سیاسەتدا نەبووە**

****

شماره دهم
تاریخ انتشار: تیرماه ۱۳۹۰

- ضرورت مبارزه مشترک، برای آزادی زندانیان سیاسی
- مبارزه زحمتکشان، مطالبات صنفی – سیاسی، و حقوق سندیکایی
- نولیبرالیسم اقتصادی: رژیم مجری طرح های صندوق بین المللی پول
- تنش در مرزهای کردستان و خطر گسترش درگیریهای مسلحانه!
- درگیریها را متوقف کنید و آرامش را به منطقه بازگردانید
- بدرود رفیق اصغر شکوری (عسگر عمی)
- حماسه پایداری (به یاد رفیق رحمان هاتفی)
- نگاهی گذرا به تاریخ ۹۱ ساله جنبش کمونیستی ایران!
- ۲۲مین سالگرد ترور دکتر قاسملو

- فقر و ارتباط آن با معیشت زنان بلوچ
- جنبش ملی – دموکراتیک کردهای ترکیه، یک گام به پیش!
- افق روشن (شعری از احمد شاملو)
- **سال ۲۰۱۱ سال پایان اشغال عراق؟**
- **۱۸همین سالگرد اعلام موجودیت حزب کمونیست کردستان عراق**
- **جهان به اردوگاه بزرگ مرگ تبدیل شده است!**
- **رویارویی جنبش مردمی تایلند با رژیم کودتا**

بەشی کوردی:

- **هەل یان هەڵدێر؟**
- **چاوخشاندنێکی خێرا بەسەر مێژووی ۹۱ ساڵەی بزووتنەوەی کۆمۆنیستی ئێران**
- **ساڵڕۆژی راگەیاندنی حزبی شیوعی کوردستانی عێراق**

****

شماره یازدهم

تاریخ انتشار: مردادماه ۱۳۹۰

- سیستم توزیع کالا و نقش سرمایه بزرگ تجاری
- اعمال فشار و تبعیض نسبت به اقلیت های مذهبی کشور
- مردم و تاریخ میهن ما جنایت هولناک «فاجعه ملی» را فراموش نخواهند کرد!
- لشکرکشی به کردستان و موضع حزب توده ایران
- گرامی باد یاد و خاطره رفیق شهید ناصر سلیمی
- شراب انجیر!
- من با توام (سیاوش کسرایی)
- ده روش برای اغوای مردم به واسطه رسانه های جمعی
- طرح برنامه نوین حزب توده ایران برای بررسی ششمین کنگره حزب
- بالِ طلب (مسعود دلیجانی)
- اوجَ گیری مبارزه توده ای برای تغییر اجتماعی، در اسرائیل
- بیانیه شورای جهانی صلح و فدراسیون جهانی جوانان دموکرات
- بیانیه مشترک تشکل های دموکراتیک و ترقیخواه بحرین
- اطلاعیه مهم رئیس اقلیم کردستان عراق
- مصاحبه با کارلوس فرناندز لیریا، فیلسوف اسپانیایی
- ماتریالسم دیالکتیک

بەشی کوردی:

- **گەلانی ئێران کودەتای نەنگینی ۲۸ی مورداد لەبیر ناکەن!**
- **سەبارەت بە تۆپبارانەکانی ئێران و تورکیە**
- **«کەبودوەند» لایەنگرەکانی پژاک بە ئەندامی رێکخراوی مافی مرۆڤی کوردستان نازانێ**
- **بەیاننامەی هاوبەشی سێ حزبی کوردستانی عێراق**
- **٤ تریلیۆن دۆلار و ۲۵۰ هەزار کوژراو**
- **روونکردنەوەیەک سەبارەت بە بڵاو کراوەی راه توده**
- **فەلسەفەی مارکسیزم**

راگەیاندنی کومیتەی ناوەندی حزبی تودەی ئێران

بە بۆنەی حەفتاهەمین ساڵرۆژی دامەزرانی حزبی تودەی ئێران!

حەفتا ساڵ خەباتی ماندوونەناسانە لە پێناو بەختەوەری کۆمەڵانی کار و تێکۆشان، و بۆ بەدەستهێنانی ئازادی، سەربەخۆیی و عەداڵەتی کۆمەڵایەتی!

هاوڵاتیانی بەڕێز!

بە هاتنی ١٠ی مانگی رەزبەر (مێهر مانگ)ی ١٣٩٠ی هەتاوی (٢ی ئۆکتبری ٢٠١١ ز) حەفتا ساڵ بە سەر دامەزرانی حزبی تودەی ئێران، حزبی تێکۆشەرانی رێگای رزگاری چینی کرێکار و زەحمەتکێشان، حزبی پێشڕەوانی رێگای رزگاری ژنان لە کۆت و بەندی ستەمی جنسی و چینایەتی، حزبی نووسەران، شاعێران و هونەرمەندانی لایەنگری خەڵک و پێشکەوتخواز، حزبی لاوان و خوێندکارانی خەباتکار، و حزبی سەرجەم تێکۆشەرانی رێگای ئازادی، سەربەخۆیی و عەداڵەتی کۆمەڵایەتی نیشتمانەکەمان تێپەڕ دەبێت.

مێژووی حزبی تودەی ئێران، بەشێکی جیانەکراوە لە مێژووی خەباتی قارەمانانەی خەڵکی نیشتمانەکەمان لە دژی ئێستعمار، چەوساندنەوە و ئیمپریالیزمە، بە خوێندنەوە و وردبوونەوەی ئەم مێژوویە کە بە شایەتی دۆست و دوژمن، دەتوانرێت رۆڵی بەرچاوی خەباتکارانی تودەیی لە بەرەوپێش بردنی بیری پێشکەوتنخوازیی و نەبەردی ماندوونەناسانە بۆ گۆڕانکاری لە کۆمەڵگایەکی دواکەوتوو و پێوەندییە کۆمەڵایەتی – ئابوورییە زاڵەکان بەسەر ئەو کۆمەڵگایە، و رێکخستنی خەباتی جەماوەر، ببینرێت.

سەبارەت بە مێژووی حزبی تودەی ئێران، لە حەوت دەیەی رابردوودا هەزاران ناملیکە، وتار و کتێب بڵاو کراوەتەوە، کە بەشێک لەوانە بە ژەهری تەبلیغاتی «ساواک»ی رژیمی ئێستبدادی شا، و دواتر «ئیتلاعاتی» رژیمی ویلایەتی فەقیە، و یان غەرەزی دوژمنکارانە، ئالودە کراون.

ئامانج لەم پیلانە بەربڵاوە تەبلیغاتییە، جێخستنی ئەم بیرۆکەیە بوو کە، گوایە حزبی تودەی ئێران حزبێکی



«وابەستە بە خارج» و «خائێن بە بەرژەوەندییە میلییەکان»ی نیشتمانەکەمان بووە.

بەڵام دیارە کە وەها تۆمەتگەلێک بۆ یەکەمجار لە لایەن کەسانێکەوە کە لە ئەنجامی کودەتای سەربازی ناوەندە سیخوڕییەکانی دەوڵەتە ئیمپریالیستییەکانی ئەمریکا و ئینگلیس(١٣٣٢ی هەتاوی)، لە دوای رووخانی حکومەتی میللی دکتور موسەدیق هاتبوونە سەرکار، بڵاو بۆتەوە، هەر ئەمەش بەسە بۆ سەلماندنی بێ بنەمایی ئەم جۆرە بۆچوونانە.

حەفتا ساڵ پێش ئێستا، دوای رووخانی حکومەتی رەزا شا(١٣٢٠ی هتاوی) و پاش رزگار بوونی دۆستان و

یارانی دکتۆر «تەقی ئەرانی» لە زیندانەکانی ستەم شاهی، و هەروەها بە هۆی کرانەوەی کەش و هەوای سیاسی، حزبی تودەی ئێران بە هەوڵ و تێکۆشانی ژمارەیەک لە لێهاتووترین خەباتکارانی ڕێگای ئازادی و تێکۆشەرانی ڕێگای ڕزگاری نیشتمانەکەمان لە کۆت و بەندی کۆیلایەتی، چەوساندنەوە، و دواکەوتوویی، بە سەرۆکایەتی «سولیمان موحسن ئەسکەندەری»، یەکێک لە «ئازادیخوازانی بەناوبانگی شۆڕشی مەشروتە«، دامەزرا.

حزبی تودەی ئێران لە حاڵێکدا پێی نایە گۆڕەپانی خەبات و تێکۆشان کە وڵاتەکەمان گۆڕانکارییەکی گرینگی تەجروبە دەکرد، و بە جێگیر بوونی بەشێنەیی سەرمایەداری وابەستە و هاوکات گەشە سەندنی چینی کرێکار، کۆمەڵگای ئێمە پێویستی بە حزبێکی تێکۆشەر و پێشڕەو بوو کە پشتیوان و ڕێکخەری چینی کرێکار و زەحمەتکێشان و وڵامدەرەوەی پێویستیی گرینگی گۆڕانکاری گونجاو لەگەڵ دۆخی کۆمەڵایەتی و سیاسی نیشتمانەکەمان بێت.

بەم پێیە، حزبی تودەی ئێران، لە درێژەی داب و نەریتی شۆڕشگێڕانە و تێکۆشانەکانی حزبی کۆمۆنیستی ئێران و ڕێبەرانی لێهاتووی بزووتنەوەی ڕزگاری و نیشتمانی، کەسایەتیگەلێک وەک «حەیدەرخانی عەمو ئۆغلی» و «دکتور تەقی ئەرانی»، لە پێناو گۆڕانکاری بنەڕەتی لە کۆمەڵگاکەمان، هەنگاوی نا.

چالاکی حزبی بە شێوەی نوێ و سەردەمیانە، پێکهاتنی ڕێکخراوە پیشەییەکان، لەوانە سەندیکا کرێکارییەکان، یەکیەتییە سەربەخۆکانی لاوان، خوێندکاران، و ڕێکخراوە پێشکەوتنخوازەکانی ژنان، چاندنی تۆی وشیاری کۆمەڵایەتی – سیاسی و فەرهەنگی و هێنانە ئاراى بیرۆکەی شۆڕشگێڕانە و پێشڕەوە وەک: پێویستی پەسەند کردنی یاسای کار، چاکسازی ئەرزی، و خواستی هەڵوەشاندنەوەی ئەو قەراردادە ئیستعمارییانەی کە وڵاتانی ئیمپریالیستی بەسەر وڵاتەکەماندا دایانسەپاندبوو، و تەشەنە سەندنی وەها ویست و داخوازیگەلێک لە وڵاتەکەمان، لە زمرەی کاریگەرییە ڕاستەوخۆکانی حزبی تودەی ئێران لە هەمان یەکەم ساڵەکانی دامەزراندنی دابوو.

ئەمپریالیزم و هێزە ئێرتجاعییەکانی ناوخۆی ئێران، بەردەوام حزبمانیان وەک بەربەست و مەترسییەکی گەورە لە سەر بەرژەوەندییەکانی خۆیان بینیوە و دەبینن، و هەر بەم هۆیەوە لە ماوەی حەفتا ساڵی رابردوودا لە هیچ هەوڵ و پیلانگێڕییەک بۆ لەناو بردنی حزبی تودەی ئێران، درێغیان نەکردووە.

رازی ریشە قوڵ و پتەوە کۆمەڵایەتییەکانی حزبی تودەی ئێران، لە وردبینی بێ وێنەی لە لێکدانەوە و شیکردنەوەکانی و هەروەها گونجاوی بەرنامەکانی لەگەڵ ویست و داخوازییەکانی زەحمەتکێشان و بەرژەوندییەکانی وڵاتەکەماندا بووە.

بە پێکهاتنی «شۆرای مەرکەزی یەکیەتییە کرێکارییەکانی ئێران»، لە مانگی رەشەممە (ئێسفەند مانگ)ی ۱۳۲۰، و دامەزرانی یەکەم یەکیەتییە جوتیارییەکان لە دەڤەری تاران و هەندێک لە پارێزگاکانی وڵات، لە مانگی جۆزەردانی ۱۳۲۲، حزبی تودەی ئێران وەک هێزی ڕێبەرایەتی بێ بەدیلی خەباتی کرێکاری – جوتیاری نیشتمانەکەمان، ناسراو و لە لایەن جەماوەری کار و تێکۆشانەوە قبوڵ کرا.

بەڕێوەبردنی رۆژی جیهانی کرێکار لە ئێران، لە ۱۱ی گوڵان (ئۆردیبهشت)ی ۱۳۲۵، کە بە بەشداری ۷۰۰ هەزار کرێکار لە سەرانسەری ئێران بەڕێوەچوو، و هەروەها ڕێخستنی دەیان مانگرتن و ڕێپێوانی کرێکاری لەو ساڵانەدا، رۆڵێکی گرینگی بە خەباتی چینی کرێکار لە نیشتمانەکەمان بەخشی و کەش و هەوای سیاسی ئێرانی بە تەواوەتی ژێر و ژوور کرد.

هەوڵی حزب بۆ ڕێکخستنی خەبات لە دژی فاشیزم، و هەروەها هەوڵدان لە پێناو سوڵح و ئاشتی، یەکێک لە بوارە مێژووییەکانی خەباتی تودەییەکان و ڕێکخراوە جۆراوجۆرەکانیان لە نیشتمانەکەمان بووە. گۆڤاری «مردم ضد فاشیسم» (مەردومی دژە فاشیزم)، ئۆرگانی تەبلیغاتی حزب لە دژی فاشیزم، لە یەکەم ساڵەکانی دوای دامەزرانی حزب، لە سەرانسەری ئێران ناوبانگی دەرکرد و کاریگەرییەکی گرینگی لە بەرەوڕوو بوونەوەی بۆچوونە فاشیستییەکان لە کۆمەڵگادا هەبوو.

یەکەم بەرنامەی حزبی تودەی ئێران کە لە مورداد مانگ «گەلاوێژ»ی ۱۳۲۳ لە لایەن یەکەم کۆنگرەی حزبەوە پەسەند کرا، بەڵگەیەکی درەوشاوەیە لە ماهیەت و ناوەڕۆکی شۆڕشگێڕانەی حزب و ئارمانە بەرزەکانی بۆ رزگاری کرێکاران، زەحمەتکێشان، ژنان، لاوان، و خوێندکارانی نیشتمانەکەمان. ئەمە یەکەم بەڵگەی خەباتکارانەی حزبێکی سیاسی لەو قۆناغە لە مێژووی نیشتمانەکەماندا بوو کە پەیام ئاوەری رزگاری وڵاتەکەمان لە کۆت و بەندی وابەستە بوون بە بێگانە، ئێستعمار، ئێستبداد و دروست کردنی ئێرانێکی ئازاد و ئاوەدان بوو.

لە یەکەم «بەرنامەی حزب»ماندا چەندین مەسەلەی گرینگ لەوانە:

- «خەبات لە پێناو چەسپاندنی رژیمی دیمۆکراسی و دابین کردنی سەرجەم مافەکانی

تاکەکەسی و کۆمەڵایەتی وەک: ئازادی زمان، قەڵەم، بیروباوەڕ و کۆبوونەوە...

• خەبات لە دژی رژیمی دیکتاتۆری و ئێستبداد...

• هەوڵدان بۆ دانانی یاسای کار لە مەجلیسی شۆرای میللی لەسەر بنەمای: کەم کردنەوەی ماوەی کاری رۆژانە لە سەرجەم وڵات بۆ ٨ سەعات و دانی حەقدەستی گونجاو لە بەرامبەر کاری ئیزافی ... بەخشینی بیمەی کۆمەڵایەتی بە کرێکاران و کارمەندان و خزمەتکاران ...

• سپاردنی بێ مەرامبەری زەوییە کشت و کاڵییەکانی تایبەت بە بنەماڵەی پاشایەتی بە جوتیارانی بێ زەوی...

• چاکسازی بنەڕەتی لە شێوەی دابەش کردنی ناعادڵانەی بەرهەم لە نێوان دەرەبەگ و رەعیەت...

• پێداچوونەوە بە یاسای دامەزراندنی وڵات بە شێوەیەک کە بە تایبەت مووچە و ژیانی کارمەندانی پلەنزم تەئمین و دابین بکرێت.

• هەوڵدان بۆ گەشتگیری مافە کۆمەڵایەتییەکان و دابین کردنی حقوقی ژنان (مافی هەڵبژێردران و هەڵبژاردن) لە مەجلیسی یاسادانان و ئەنجومەنە «ئەیالەتی و بەلەدی «یەکان (ئۆستان و شارەکان).

• باشتر کردنی دۆخی مادی و دابین کردنی سەربەخۆیی ئابووری ژنان...

• یەکسانی مافە کۆمەڵایەتییەکانی سەرجەم خەڵکی ئێران بە بێ جیاوازی مەزهەب، نژاد و... ئاماژەی پێکرابوو و لە پێناو دابین کردنیان، خەبات دەکرا و تا ئێستاش هەر درێژەی هەیە.

باس کردن و هێنانەئارای وەها ویست و داخوازیگەلێکی شۆڕشگێڕانە و پێشڕەو، نە تەنیا کەش و هەوای سیاسی — کۆمەڵایەتی ئەو کاتی ئێرانی ژێر و ژوور کرد، بەڵکوو کاریگەری ئەم بۆچوونە پێشکەوتنخواز و ئازادیخوازانە تا بە ئەمڕۆش لە کۆمەڵگاکەماندا هەر ماوە و بەردەوامە. هیچ هێزێکی ئازادیخواز لە نیشتمانەکەماندا بەرچاو ناکەوێت کە بەرنامە سیاسیەکەی لەم بیر و بۆچوونە پێشکەوتنخواز و مرۆڤدۆستانە، لەم دەستێپکە حیماسیەی حزبی کرێکاران و زەحمەتکێشانی نیشتمانەکەمان، حزبی تودەی ئێران، کاریگەری وەرنەگرتبێت.

بە دامەزرانی حزبی تودەی ئێران و بڵاو بوونەوەی ژمارەیەک رۆژنامە، گۆڤار، کتێب و بڵاو کراوەی سیاسی، کۆمەڵایەتی، ئابووری و فەرهەنگی، نەوەی نوێی وڵاتەکەمان لەگەڵ بۆچوونی پێشڕەو، شۆڕشگێڕانە و دەورانسازی مارکسیزم — لنینیزم ئاشنا بوون و بەم هۆیەوە توانی رۆڵێکی گرینگ و ئەساسی لە گۆڕانی کۆمەڵگاکەمان داهەبێت. ژمارەیەک لە لێهاتووترین بیرمەندان، ئەدیبان، شاعیران، نووسەران و وەرگێڕەکانی نیشتمانەکەمان لە داوێنی حزبی تودەی ئێران پەروەردە کران و بوونە رێ خۆشکەری، گەشەی ئەدەبیات، هۆنەر، و فەرهەنگی پێشڕەو لە کۆمەڵگاکەمان.

یەکێکی تر لە بوارە درەوشاوەکانی چالاکی حزبمان، هەوڵە بەردەوام و یەک لە دوای یەکەکانییەتی بۆ پێکهێنانی بەرەی هاوکاری لە نێوان هێزە پێشکەوتنخواز و ئازادیخوازەکانی نیشتمانەکەمان.

لە هەمان یەکەم رۆژانی دامەزرانی حزبمان، تودەییەکان بەردەوام بۆ دەستەبەر کردنی کاری هاوبەش (ئێتحادی عەمەل) لە نێو سەرجەم ئازادیخوازان و نیشتمان پەروەرانی وڵات، بە مەبەستی رزگاری ئێران لە چنگی ئێستبداد، وابەستەیی بە بێگانە، و ئێستعمار هەوڵیان داوە و نمونەگەلێکی درەوشاوە لە چالاکی و هەوڵەکانی حزبمان لەم بوارەدا لە مێژووی ئەو سەردەمەی وڵاتەکەماندا تۆمار کراوە. پێکهێنانی «بەرەی ئازادی»، کە هێزە پێشکەوتنخوازەکان و هەروەها ژمارەیەکی بەرچاو لە سەرنووسەرانی گۆڤار و بڵاو کراوەکانی نیشتمانەکەمانی لەخۆ گرتبوو لە هاوینی ١٣٢٣.

پێکهێنانی بەرەی «بڵاوکراوە دژە دیکتاتۆرییەکان» لە گوڵانی ١٣٢٧، پێکهێنانی «کۆمەڵەی نیشتمانی خەبات لە دژی ئێستعمار»، (جمعیت ملی مبارزه با استعمار) لە بەفرانبار «دەی مانگ»ی ١٣٢٩، و هەروەها دەیان هەوڵ و چالاکی لەم چەشنە لە ماوەی حەفتا ساڵی رابردوودا، لە زومرەی ئەم نمونانەن.

واقعیەت ئەوەیە کە، جێکەوتنی ئەم بۆچوونە گرینگە کە «رزگاری ئێران لە کۆت و بەندەکانی ئیرتجاع و ئێستبداد پێویستی بە هەوڵی یەکگرتوو و هاوکاری سەرجەم ئازادیخوازانی وڵاتەکەمانە«، نەتیجەی هەوڵ و تێکۆشانی راستەوخۆی حزبی تودەی ئێران لە کۆمەڵگاکەمان دا بووە.

خەبات لە رێگای دەستپێڕاگەیشتن بە مافی پێشێل کراوی نەتەوە ستەملێکراوەکانی ئێران، لە زومرەی فەعالیەت و چالاکییەکانی حزبمان لە ماوەی حەفتا ساڵی رابردوو بووە.

بناغەدانان و دامەزرانی حزبی تودەی ئێران، پێوەندییەکی جیانەکراوەی بە دەستپێکی خەبات لە پێناو رزگاری نەتەوەکانی ئێران لە کۆت و بەندی ستەمی نەتەوەیی و چینایەتییەوە هەیە. حزبی تودەی ئێران یەکەم سازمانی سیاسی وڵاتەکەمان بوو کە

خواستی خۆدموختاری لە چوارچێوەی ئێرانێکی یەکگرتوو و دیموکراتیک دا، لە دەستووری کاری خەباتی سیاسی نیشتمانەکەمان دانا، و تودەییەکان لە گۆڕەپانی خەباتی خوێناوی نەتەوەکانی ئازەربایجان، کوردستان، و هەروەها نەتەوە هەژارەکانی دیکەی وڵاتەکەمان وەک: نەتەوەی عەرەب، بەلوچ و تورکمەن لە پێناو دەستپێڕاگەیشتن بە مافەکانیان، لە هیچ چەشنە فیداکارییەک، درێغیان نەکردووە.

لە سەرەتای دامەزرانی حزبی تودەی ئێران لە ١٠ی مانگی مێهری ١٣٢٠ تا کودەتای نگریسی ٢٨ی موردادی ١٣٣٢، کە لە لایەن دەوڵەتە ئیمپریالیستییەکانی ئەمریکا و بریتانیا، و بە مەبەستی سەرکوتکردنی بزووتنەوەی جەماوەری خەڵکی ئێران و بزاڤی «خۆماڵی کردنی نەوت» رێکخرابوو، واتە تەنیا لە ماوەی ١٢ ساڵ فەعالیەتی سیاسیدا، تودەییەکان بوونە سەرچاوەی وەها گۆڕانکاریگەلێکی شۆڕشگێڕانە لە وڵاتەکەماندا، کە لە سەرانسەری رۆژهەڵاتی نزیک و ناویندا رەنگدانەوە و کاریگەری هەبوو.

ئیمپریالیزمی ئەمریکا و بریتانیا، حزبی تودەی ئێرانیان بە گەورەترین مەترسی و بەربەست لە بەرامبەر بەرژەوەندییەکان لە ناوچەکە دەبینی.

ئەمڕۆ پاش تێپەڕ بوونی نزیک بە شەش دەیە، و دوای کرانەوەی ئارشیوەکان و هەروەها بڵاو بوونەوەی بەڵگە نهێنییەکانی رێکخەرانی ئەم کودەتا، روون و ئاشکرا بوو کە یەکێک لە ئامانجە سەرەکییەکانی کودەتای ٢٨ی مورداد، سەرکوتی خوێناوی حزبی تودەی ئێران بوو. قۆڵبەست کردنی هەزاران تودەیی، ئەشکەنجە و پاشان لەسێدارەدانی ژمارەیەکی زۆریان، لەوانە: هاوڕێیانی قارەمانی «رێکخراوی نیزامی» حزب، بە بڕیاری رژیمی پاشایەتی، نە تەنیا نەیتوانی «ریشەی حزب» بەو شێوەیەی کە ناوەندە ئەمنیەتییەکانی حکومەتی پاشایەتی دەیانویست و تەبلیغیان بۆ دەکرد لە ئێران وشک بکات، بەڵکوو بووە هاندەر و سەرچاوەی ئیلهامی نەوەیەکی نوێ لە تێکۆشەرانی تودەیی و هێزە پێشکەوتنخواز و چەپەکانی نیشتمانەکەمان.

سەرەڕای سەرکوتی ٢٥ ساڵەی ناوەندە ئەمنیەتییەکانی رژیمی پاشایەتی، تودەییەکان رۆڵێکی گرینگ و چارەنووس سازیان لە بووژاندنەوە و رێکخستنی خەباتی دژە ئێستبدادی نیشتمانەکەمان گێڕا.

چاپ و بڵاو کردنەوەی رۆژنامەی ژێرزەمینی «نەوید» کە هاوڕێی قارەمان «رەحمان هاتفی» (حەیدەر مێهرگان) سەرنووسەری بوو، توانی بە بردنی بیر و بۆچوونەکانی حزبی تودەی ئێران بۆ ناو کۆمەڵانی خەڵک، و هەروەها بۆ یەکەم جار هێنانە ئارای بیرۆکەی پێویستی رێکسختنی «مانگرتنی گشتی»، لە لایەن «نەوید»ەوە، کاریگەرییەکی یەکجار گرینگی لە بەرەوپێش بردنی خەباتی دژە ئێستبدادی وڵاتەکەمان هەبوو، و دواجار، رۆڵی گرینگ و بەرچاوی کرێکارانی تودەیی لە رێکخستنی مانگرتنی کرێکارانی نەوت بوو کە بڕبڕەی پشتی رژیمی پاشایەتی تێکشکاند.

سەرکەوتنی شۆڕشی بەهمەنی ١٣٥٧، سیستمی سیاسی رزیو و دژە خەڵکی پاشایەتی ژێر و ژوور کرد و بووە هۆی خولقاندنی کەش و هەوایەکی ئازادی سیاسی و ئیمکانی ئەوەی پێک هێنا کە وڵاتەکەمان بە بێ دەستێوەردانی دەرەکی و بەشداری دەیان هەزار موستەشاری ئەمریکایی، بەرەو هەڵبژاردنی نیزامی سیاسی – ئابووری خۆی هەنگاو هەڵبگرێت.

حزبی تودەی ئێران پاش ٢٥ ساڵ سەرکوتی بێ بەزەییانە و خوێناوی، چالاکی ئاشکرا و عەلەنی خۆی دەستپێکرد و لە ماوەیەکی زۆر کورتدا توانی ببێتە هێزێکی گەورەی کۆمەڵایەتی و خاوەن پێگەیەکی بەرچاوی مەعنەوی. کاریگەری بیر و بۆچوونەکانی حزبمان لەسەر داڕشتنی مادە و بڕگە پێشکەوتنخوازەکانی قانوونی ئەساسی، کە پێوەدیان بە دیفاع لە بەرژەوەندییەکانی توێژە جۆربەجۆرە کۆمەڵایەتییەکان و بەرگری و دیفاع لە ئازادییەوە هەیە، لە پاڵ هەوڵدانی حزب لە رێکخستنی کرێکاران، جوتیاران، ژنان، لاوان و خوێندکارانی وڵاتەکەمان، بە خێرایی خۆف و ترسی خستە دڵی ئێرتجاعی ناوخۆ و وڵاتە ئیمپریالیستیەکان، کە نیگەرانی چۆنیەتی بەرەوپێش چوونی شۆڕشی بەهمەن مانگی ١٣٥٧ بوون.

هەر ئەوەندە بەسە ئاماژە بەوە بکەین کە لە دەورانی تۆفانی و ناهێمنی یەکەم ساڵەکانی پاش شۆڕش، بە هێمەت و تێکۆشان و خەباتی تودەییەکان و هێزە پێشکەوتنخوازەکانی وڵاتەکەمان، مەسەلەی «چاکسازی ئەرزی» و «پەسەند کردنی یاسای کار» کە تا ئاستێک پشتیوانی لە حقوقی کرێکاران بکات، سەرەڕای بەرهەڵستکاری هەمەلایەنەی هێزە کۆنەپەرەست و دواکەوتووەکان، بەرەوپێش برا و تا بە ئەمڕۆ هێشتا ئێرتجاع نەیتوانیوە ئەم دەستکەوتانە، هەرچەند سنووردارن، وەربگرێتەوە.

رووبەڕووبوونەوەی هوشیارانەی حزبی تودەی ئێران لەگەڵ پیلانگێڕییە یەک لە دوای یەکەکانی ئیمپریالیزم بۆ شکستهێنان بە شۆڕشی ئێران و هەروەها هوشدارییەکانی حزبمان سەبارەت بە ئەگەری هێرشی سەربازی بۆ سەر ئێران، و پاشان

خەبات بۆ ئاشتی و لە دژی درێژەی شەڕی ئێران و عێراق، لە چالاکییە گرینگ و درەوشاوەکانی خەباتی حزبەکەمانە. لە ساڵانی دەسپێکی یەکەمی دەیەی ۱۳۶۰، دوای ئازادی کردنی «خرمشهر» و راوەدوونانی ئەرتەشی موتەجاوزی رژیمی سەدام حوسێن، کە بە زەبری بەهێزی فەرماندە تودەییەکانی ناو هێزە چەکدارەکانی وڵاتەکەمان بەدیهات، حزبەکەمان سەرەڕای هات و هاواری تەبلیغاتی دەزگا راگەیاندنەکانی حکومەت و بەرز کردنەوەی دروشمی «شەڕ شەڕ تا سەرکەوتن» (جنگ جنگ تا پیروزی) لە لایەن خومەینی و بەرپرسانی دیکەی رژیم، ئەم دروشمەی بە دروشمێکی غەڵەت و ناپەسەند راگەیاند و بیرۆکەی پێویستی کۆتایی هێنانی خێرا بە شەڕ لە رێگای دانوستان و وتووێژ لەگەڵ رژیمی موتەجاوزی سەدامی هێنایە ئاراوە. وڵامی کۆنەپەرەستانی دەسەڵاتدار بەم بۆچوونە دروست و رێنوێنە، هێرشی وەحشیانە بۆ سەر حزبی تودەی ئێران و کوشتاری کۆمەڵێک لە لێهاتووترین فەرماندە شۆڕشگێڕەکانی ئەرتەشی ئێران بوو.

سەرکوتی دڕندانە و خوێناوی حقوق و ئازادییە دیمۆکراتیکەکان، دەستبەسەر کردنی هەزاران تێکۆشەری ئازادیخواز و هێرشی هەمەلایەنە بۆ سەر حزبی تودەی ئێران، لە بەهمەن مانگی ۱۳۶۱، کە بە وتەی «ری شهری» جەنایەتکار، (بەرپرسی ئەو کاتی ئیتلاعات)، زیاتر لە ۱۰ هەزار کەس لە کادرەکان، هەڵسووڕوان، ئەندامان و لایەنگرانی حزبی تودەی ئێرانی لێکەوتەوە، بۆ جارێکی تر بە پێچەوانەی یاسا ناوخۆیی و نێونەتەوەییەکان، ئیمکانی فەعالیەتی ئازاد و ئاشکرا (یاسایی) لە حزبی کرێکارانی و زەحمەتکێشانی نیشتمانەکەمان لەناو برد و حاکمیەتی پڕ لە کارەساتی رژیمی دژە خەڵکی و ئێستبدادی «ولایەتی فەقیە«ی بەسەر ئێراندا داسەپاند و پەرەی پێدا.

هاوڵاتیانی بەڕێز!

حزبەکەمان لە حاڵێکدا پێشوازی لە حەفتاهەمین ساڵڕۆژی پێکهاتن و دامەزرانی دەکات کە وڵاتەکەمان بەرەوڕووی بارودۆخێکی زیاتر لە رابردوو قەیراناوی و مایەی نیگەرانی بۆتەوە. زیاتر لە دو ساڵ لە کودەتای هەڵبژاردنی سەرۆک کۆماری «وەلی فەقیە« و هاتنە سەر کاری سەرلەنوێی «محمود ئەحمەدی نژاد» لە پۆستی سەرۆک کۆماری دەستنیشان کراوی نیزامییەکان، هێزە سەرکوتکەر و تاریک ئەندێشی «تواوە لە ویلایەتی مەتڵەقەی فقیە« تێپەڕ دەبێت. زیاتر لە دو ساڵە کە هێزە ئەمنیەتی و سەرکوتکەرەکان و سوپای جەهل و نادانی، هێرش دەکەنە سەر بزووتنەوەی جەماوەری وەگیان هاتوو لە بێ عەداڵەتی، تا دەنگی مافخوازانەی زۆرینەی خەڵکی کۆمەڵگا بۆ جێگیر کردنی حکومەتێکی هەڵبژێردراو بە دەنگی خەڵک و پێبەند بە مافەکانیان، خامۆش و دابمرکێنن. بەڵام سەرەڕای هێرشی چەکدرانە و خوێناوی بۆ سەر خۆپیشاندانی پڕشکۆی جەماوەری ناڕازی لە کودەتای هەڵبژاردنی وەلی فەقیە، و هەروەها سەرەڕای دەستبەسەر کردنی هەزاران تێکۆشەر و چالاکی کۆمەڵایەتی و سەرەڕای دەستبەسەر کردنی ژمارەیەک لە رێبەرانی پێشووی کۆماری ئیسلامی کە هەموویان لە «یارانی نزیک ئیمام» بوون، رژیمی ویلایەتی فەقیە نەیتوانیوە بزووتنەوەی جەماوەری و چاکسازیخوازانەی نیشتمانەکەمان سەرکوت بکات.

درێژەدان بە خەبات بۆ چاکسازی، و لەناو بردنی رژیمی ویلایەتی فقیە، وەک بەربەستێکی سەرەکی لە بەرامبەر هەرچەشنە گۆڕانکارییەکی بنەڕتی، بونیاتنەرانە و دیموکراتیک – ئەو دروشمەی کە بۆ یەکەم جار لە لایەن حزبمانەوە، لە نەورۆزی ۱۳۶۹ بەرز کرایەوە، بۆتە خواستی بەربڵاو و سەرەکی کۆمەڵگاکەمان و هێزە سیاسی و ئازادیخوازەکان، و چارەنووس و مان و نەمانی رژیمی ئێستبدادی دەسەڵاتداری، خستۆتە ژێر پرسیارەوە.

نەفرەت و بێزاری ریشەداری زۆربەی خەڵکی وڵاتەکەمان لە رژیمی ویلایەتی فقیە و رێبەرەکەی، «عەلی خامنەیی»، وای کردووە کە لە ئێستادا تەنیا بە زۆرەملێ و دەخاڵەتی رۆژ لە دوای رۆژ زیاتری فەرماندەکانی هێزی دژە خەڵکی سپای پاسداران کە دەستی بەسەر هەموو سەرچاوە ئەساسی و گرینگی ئابووریی وڵاتەکەماندا گرتووە و قۆرخی کردووە، مومکین بێت. دژایەتی بەربڵاوی بەشێکی بەرچاو لە رۆحانیۆن و «مەراجعی تەقلید» لە «حەوزەکانی علمیە« و زۆربەی ئەو کەسانەی کە لە رابردوویەکی نزیکدا رێبەرانی سیاسی کۆماری ئیسلامی بەئەژمار دەهاتن، بە حاکمیەت و دەسەڵاتداریەتی قۆرخ کراوی خامنەیی، بنەماڵە و کەسە نزیکەکانی، هەروەها فەرماندەکانی سپا و هێزە ئینتیزامییەکان، دەرخەر و نیشانەی حەرەکەتی خێرا و مەترسیداری هەنگاونانی ئێران بەرەو جێگیر بوونی حکومەتێکی دیکتاتۆری سەربازی، بەرواڵەت مەزهەبییە.

رژیم، بەرنامەیەکی رێکخراو و بەربڵاوی بۆ سەرکوتی بەتەواوەتی بزووتنەوەی جەماوەری و دەستکەوتەکانی ۸ ساڵ هەوڵ و تێکۆشان بۆ چاکسازی لە شێوەی حکومەت کردن لە ئێران (سەردەمی خاتەمی)، ناوەتە

قۆناغی بەکردەوە دەرهێنان. هێرشی بەردەوام و هەمەلایەنە بۆ سەر بزووتنەوەی سەربەخۆی کرێکارانی وڵاتەکەمان، لە پاڵ هێرشی بەربڵاو بۆ سەر رێکخراوە خوێندکارییەکان، و سەرکوتی درندانەی چالاکییە سیاسی – کۆمەڵایەتییەکانی ژنانی وڵاتەکەمان و هەروەها داخستنی رۆژنامە رەخنەگرەکان و خستنە ژێر گوشاری نووسەران و رۆژنامەنووسانی بیرجیاواز، بەند کردن و زیندانی کردن و «حەسری خانەگی» ژمارەیەک لە کەسایەتییە کۆمەڵایەتی – سیاسییەکانی وڵات، لەوانە موسەوی و کەڕوبی، پاڵێوراوانی دەورەی دەیەمی هەڵبژاردنی سەرۆک کۆماری و لە رێبەرانی بزووتنەوەی نارەزایەتی لە دژی کودەتای هەڵبژاردن بە دەستی «وەلی فەقیە»، بەشێکن لە بەرنامەیەکی دارێژراو بۆ داسەپاندنی پێگەی ئیرتجاع و گەراندنەوەی رەوتی گۆڕانکارییەکانی نیشتمانەکەمان بۆ ساڵانی دەیەی ۱۳۶۰.

حزبی ئێمە لە جەریانی بەڕێوەچوونی هەڵبژاردنی سەرۆک کۆماری لە ساڵی ۱۳۸٤، بە لەبەرچاو گرتنی ئەو مەترسیانەی کە هەڕەشەی لە بزووتنەوەی پێشکەوتنخوازانەی وڵاتەکەمان دەکرد، یەکخستنی چالاکییەکان (ئیتحادی عەمەل) و هەوڵدان بۆ شکست هێنان بە بەرنامەکانی ئیرتجاع، بانگهێشت کرد. ئەم هەوڵانە بەداخەوە لە کەش و هەوای ناسالمی سیاسی و لە نەوژمی بەرز کردنەوەی کۆمەڵێک دروشمی توند و ناواقیع بینانەی ژمارەیەک لە هێزە سیاسی – کۆمەڵایەتییەکانی ئێران و پشتیوانی نەکردن لە نامزەدی دکتور «معین» لە هەڵبژاردنی سەرۆک کۆماری، و هەروەها کات بە فیرۆ دان و ناکارامەیی هێزە چاکسازی خوازەکان کە جڵەوی بەڕێوەبردنی دەوڵەتی ئەو کاتیان لە دەست دا بوو، جێبەجێ نەکرا، و هێزەکانی ئیرتجاع توانیان هەنگاوێکی گەورە بۆ چەسپاندنی بەرنامەکانی خۆیان بەسەر کۆمەڵگادا هەڵبگرن و دۆخێکی ئاستەم و دژوار بۆ درێژەدان بە رەوتی چاکسازی پێک بهێنن، رەوتێک کە بە وەرێخستنی کودەتای هەڵبژاردنی سەرۆک کۆماری خۆرداد مانگ (جۆزەردان)ی ۱۳۸۸ و پێشێل کردنی دەنگەکانی هاوڵاتیانی وڵاتەکەمان، مانایەکی تازەی بە وشەی «هەڵبژاردن» لە رژیمی ویلایەتی فەقیە بەخشی.

ئەوەیکە لە دەورانی دەوڵەتی ئەحمەدی نژاد و گرتنە دەستی قورخکارانەی (انحصاری) هەر سێ قوەی دەسەڵاتی: یاسادانان، داد و جێبەجێ کردن (قوای مقننە، قضایی و مجریە) لە لایەن ئیرتجاعەوە روویداوە، کارەساتێکی گەورەیە کە داهاتووی نیشتمانەکەمان و نەوەکانی دواتری بەرەورووی مەترسیگەلێکی جیدی کردووەتەوە.

بەڕێوەبردنی زنجیرەیێک سیاسەتی زیانبەخش و وێرانکەرانەی دژە نیشتمانی لە بوارەکانی ئابووری - کۆمەڵایەتی بە مەبەستی دابین کردن و پاراستنی بەرژەوەندییەکانی گەورە سەرمایەدارانی ئیداری (بوروکراتیک)، تیجاری، پەرەسەندنی ساماناکی فەقر و هەژاری، بە شێوەیێک کە دەتوانین بڵێین لە مێژووی وڵاتەکەماندا بێ وێنەیە، هەروەها درێژەی سیاسەتی هەرچی زیاتر خسووسی کردنی کارخانەکان و ناوەندەکانی بەرهەمهێنانی وڵات و «تعدیل نیروی انسانی» (کە لە ئەساسدا بەڕێوەبردنی ئەم سیاسەتە هیچ نییە جگە لە لەسەر کار دەرکردن و بێکار کردنی بەشێکی بەرچاو لە کرێکاران و زەحمەتکێشانی وڵاتەکەمان). هەروەها هەوڵدان بۆ گۆڕانکاری لە یاسای کار و پێشێل کردنی زیاتر لە رابردووی مافی کرێکاران و زەحمەتکێشان. ئەمەش تەنانەت بە پێچەوانەی ئیدیعاکان و بەڵێنە تەبلیغاتییەکانی «ئەحمەدی نژاد»ە، کە لە کاتی هەڵبژاردن دا دروشمی «دابەش کردنی پارەی نەوت» بەسەر سەر زەحمەتکێشانی بەرز کردبووەوە، هەروەها باسکردن لە دووبارە هێنانە کایە و بەڕێوەبردنی سیاسەتی «پاڵاوتن» لە زانکۆ و ئیدارەکانی وڵات، کە لە دەیەی ۱۳۶۰ دا بەڕێوە دەبرا. (و لە ژێر گوشاری جەماوەردا رەت کرایەوە).

ئەمانەن سیمای واقیعی دەوڵەتێکی دژە خەڵکی و دژە ئازادی کە سەرکوت کردنی درندانە و کپ کردن و دامرکاندنی هەرچەشنە دەنگێکی نەیاری لە نیشتمانەکەماندا کردۆتە ئامانجی خۆی.

هاوڵاتیانی بەڕێز!

بێ عەداڵەتی بێ وێنە، فەقر و هەژاری لە پاڵ گوشاری کەمەرشکێنی ئابووری و خەفەقانی لەڕادەبەدەر، بە گشتی دۆخێکی لەتاقەت بەدەری بۆ زۆربەی خەڵکی وڵاتەکەمان و تەنانەت بەشێک لە هێزەکانی ناوەوە و دەوروبەری حاکمیەت خولقاندووە.

چڕتر بوونەوەی ناکۆکییەکان و تێکهەڵچوونەکان لەگەڵ دەوڵەتی ئەحمەدی نژاد، بەڕێوەبردنی مانۆڕی هەڵبژاردن «انتخابات»ی مەجلیس و هەروەها «انتخابات»ی سەرۆک کۆماری کە کۆتایی دەوڵەتی نەفرەت لێکراوی «ئەحمەدی نژاد»ە، دەرفەتگەلێکی تازەی بۆ رێکخستنی سەرلەنوێی پەرەپێدانی تێکۆشان لە دژی رژیمی «ویلایەتی فقیە« پێکهێناوە کە دەبێ بە هوشیاریەوە کەڵکیان لێوەربگیردرێت. لە وەها

بارودۆخێکدا، وڵاتەکەمان، زیاتر لە رابردوو، پێویستی بە حەرەکەتی یەکگرتووانە، بەربڵاو، و رێکخراو لە دژی رژیمی دیکتاتۆری زاڵ بەسەر نیشتمانەکەمانە. ئەو بزووتنەوە ئازادیخوازانەیەی کە وڵاتانی رۆژهەڵاتی ناوەڕاستی لە مانگەکانی رابردوودا لەبەر گرتووە و رووخانی ژمارەیەک لە حکومەتە ئیستبدادی و دژە نیشتمانییەکانی ناوچەکە لەوانە: حکومەتی حوسنی موبارەک لە میسر و رژیمی «تونس»ی لێکەوتەوە، دەریخست کە بە حەرەکەتی رێکخراوەیی سەرجەم هێزە کۆمەڵایەتییەکان، و بە تایبەت بەشداری بەهێزی چینی کرێکار و زەحمەتکێشان لەم رەوتەدا، دەتوانرێت پاشەکشێ بە ئیرتجاعی حاکم و قبوڵی ویست و داخوازییەکانی بزووتنەوەی جەماوەری بکرێت. ئەمە پێویستیەکە کە بزووتنەوەی جەماوەری نیشتمانەکەمان، لە نەبوونی رەنجی بردووە و بۆ وڵامدانەوە بەم پێویستیە، دەبێ بە هەموو هێز و توانامانەوە هەستین.

هاوڕێیان، ئەندامان، لایەنگران، و دۆستانی حزب!

نەبەرد و تێکۆشانی حەفتا ساڵەی حزبی تودەی ئێران بە هەموو هەوراز و نشێوەکانیەوە، بە پاڵپشتی و هەوڵی ماندوونەناسانەی ئێوە مومکین بووە و دەبێت. لە ماوەی حەفتا ساڵی پێشتر و هەروەها لە ساڵانی ئەخیردا، ئەندامان و لایەنگرانی حزبمان، بەرەوڕووی پیلانگێڕییە جۆراوجۆرەکانی ئیرتجاع بۆ لەناوبردنی حزبەکەیان بوونەتەوە، و لەم نەبەرد و بەرەوڕوو بوونەوە دژوارەدا، ئاڵای پڕ لە فەخر و شانازی حزبی کرێکاران و زەحمەتکێشانی نیشتمانەکەمانیان تا ئێستاش بە درەوشاوەیی راگرتووە.

شکستی ئیرتجاع بۆ لەناو بردنی حزبی تودەی ئێران بە مانای کۆتایی پیلانگێڕیی و فریوکاری رژیم نییە. رژیمی ئیستبدادی حاکم هەر وەک رابردوو حزبی تودەی ئێران بە دوژمنی سەرەکی بەرنامە دژە نیشتمانی و دژە خەڵکییەکانی خۆی دەزانێت و بەردەوام هەموو هەوڵ و کۆششی خۆی بە مەبەستی گورزلێدان لە ریزەکانی حزبمان بەکار دەهێنێت. کوشتنی سەدان کەس لە کادرە لێهاتووەکان، رێبەران، هەروەها کەسایەتییە کۆمەڵایەتی - سیاسی و فەرهەنگییەکانی حزبمان لە جەریانی کارەساتی میللی (ساڵی ۱۳۶۷ی هەتاوی)، کە بووە هۆی گیان بەختکردنی هەزاران زیندانی سیاسی، هەروەها پیلانگێڕی بە مەبەستی «حزب سازی» و هەوڵدان بۆ بڵاوە پێکردن بە ئەندامان و لایەنگران و کەلێن خستنە ناو ریزەکانی حزبمان، تەنیا بەشێک بوون لە هەوڵ و کۆششی حاکمیەت بە مەبەستی «بنبڕ کردنی ریشەکانی» حزب لە کۆمەڵگاکەمان، کە تا بە ئەمڕۆش ئەم پیلانە هەروا بەردەوامە.

لە «هێنانە سەرشاشەی تەلەویزیۆن»ی قوربانییەکانی ئەشکەنجە بە مەبەستی بێ ئیعتبار کردنی مێژوو و خەبات و تێکۆشانەکانی حزبی تودەی ئێران، تا «بیرەوەری نووسین» لە ژێر چاوەدێری ئەشکەنجەکەران، بەرپا کردنی دەیان و سەدان دەزگای تەبلیغی جۆربەجۆر بۆ هێرش کردنە سەر بەرنامەی سیاسی – خەباتکارانەی حزبمان، و «رێبەرتاشی دەزگا ئەمنیەتییەکان، هیچکام لەم پیلانانە، سەرەڕای هەموو ئەو سەختی و بەربەستانەی لەسەر رێگای چالاکی حزبمان دایناوە، نەیانتوانیوە خەبات و تێکۆشانی حزبی تودەی ئێران بۆ دەستپێڕاگەیشتن بە ئارمان و ئامانجە بەرز و بەنرخەکانی چینی کرێکاری ئێران، پەک بخەن. چاپ و بڵاو بوونەوەی رێک و پێک و بەردەوامی «نامە مردم»، ئۆرگانی کومیتەی ناوەندی حزبی تودەی ئێران، بەڕێوەبردنی کۆنگرەکانی سێهەم، چوارەم، و پێنجەمی حزب، لە دژوارترین هەلومەرجدا، و نفوزی بەربڵاو و روو لە زیاد بوونی ئەندێشەکان و بەرنامەی خەباتگێڕانەی حزبمان لە نێو هێزە کۆمەڵایەتی و سیاسییەکانی وڵات، دەرخەر و نیشانەی درێژەی ژیانی پڕسەمەر و بەنرخی حزبی «تودە«ها (کۆمەڵانی خەڵک) و شکستی بەرنامەکانی ئیرتجاع و ئیمپریالیزمە.

حزبەکەمان، لە دەیەکانی ئەخیردا، پاش هێرشی بەربڵاو و خوێناوی رژیمی کۆماری ئیسلامی، بەرەڕووی قەیرانەکانی بزووتنەوەی کرێکاری و کۆمۆنیستی جیهان و هەرەسهێنانی وڵاتانی سوسیالیستی لە دەیەی ۸۰ی سەدەی رابردوو و هێرشی بەربڵاو و روو لە زیاد بوونی تەبلیغاتی – ئیمپریالیزمی جیهانی لە دژی بزووتنەوەی جیهانی کرێکاری و کۆمۆنیستی بۆتەوە، هەر بۆیە دەتوانین بڵێین: دژوارترین تاقیکردنەوەی مێژوویی خۆی بە سەربەرزیەوە تێپەڕ کردووە.

لە حەفتاهەمین ساڵڕۆژی دامەزرانی حزبی تودەی ئێران، وێڕای رێزگرتن و یادکردنەوە لە دەیان هەزار گیان بەختکردووی تودەیی، بە شایستەی دەزانین کە لەگەڵ خەباتی قارەمانانە و مەزنی ئەواندا پەیمان نوێ کەینەوە و رایبگەیەنین: «حزبی تودەی ئێران: حزبی کرێکاران، زەحمەتکێشان و هەژارانی وڵاتەکەمان، حزبی ژنانی خەباتکار و ئازادیخواز، حزبی لاوان و خوێندکارانی خەباتکار، حزبی روناکبیران، نووسەران و هونەرمەندانی پێشرەو و حزبی ئەفسەرانی وڵات پارێز و ئازادیخواز بەردەوام لە لەگەڵ سەرجەم ئازادیخوازان و هێزە نیشتمانی و پێشکەوتنخوازەکانی

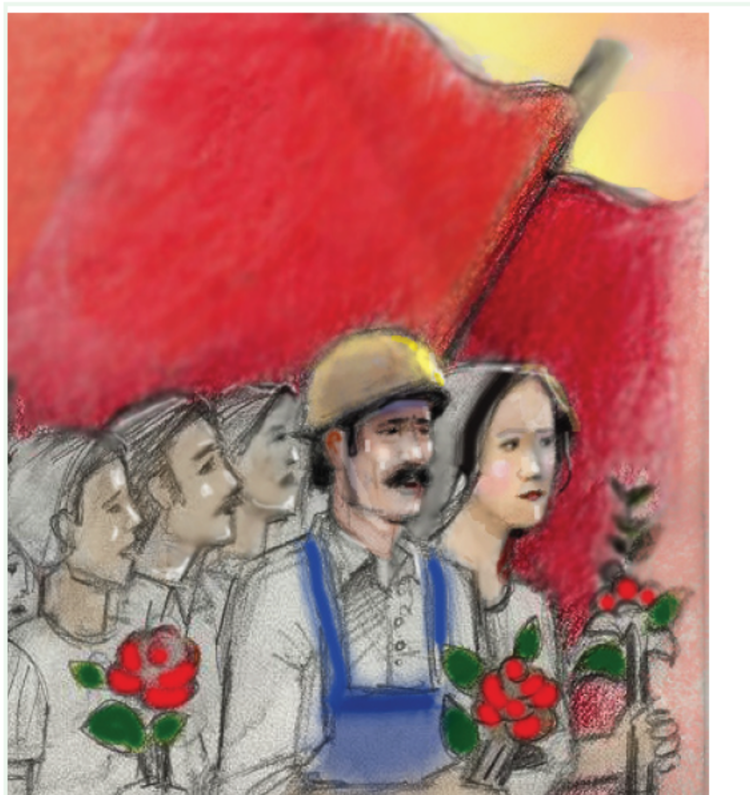
وڵاتەکەمان بۆ بنبڕ کردنی ئێستبداد و جێگیر کردنی ئازادی، سەربەخۆیی، و عەداڵەتی کۆمەڵایەتی درێژە بە خەباتی مێژوویی خۆی دەدات و هەموو هەوڵ و ئیمکاناتی خۆی لە پێناو دەستپێڕاگەیشتن بەم ئارمان و ئامانجە بەرز و بەنرخانە، بە کار دەبات.
خەبات درێژەی هەیە، و ئایندە تەعەلوقی بە گەل و ئەو هێزە نیشتمانی و ئازادیخوازانەیە کە شان بە شانی خەڵک و بۆ بەدەستهێنانی ویست و داخوازییەکانی بزووتنەوەی جەماوەری، تێدەکۆشن!

سڵاو و رێزی شۆڕشگێڕانە بۆ یاد و بیرەوەرییە درەوشاوەکانی گیان بەختکردووانی تودەیی و سەرجەم گیان بەختکردووانی رێگای ئازادی، سەربەخۆیی، و عەداڵەت لە نیشتمانەکەمان!
پیرۆز بێت حەفتاهەمین ساڵرۆژی دامەزرانی حزبی تودەی ئێران!

پێکەوە بەرەو بنیاتنانی بەرەی یەکگرتووی دژە دیکتاتۆری، بۆ لەناو بردنی رژیمی ویلایەتی فەقیە، و جێگیر کردنی ئازادی، سەربەخۆیی، و عەداڵەتی کۆمەڵایەتی!

کومیتەی ناوەندی حزبی تودەی ئێران
٤ی مێهر مانگی ١٣٩٠





پیرۆز بێت حەفتاهەمین ساڵرۆژی دامەزرانی حزبی تودەی ئێران
حزبی چینی کرێکاری ئێران !

مەراسمی پڕشکۆی حەفتاهەمین ساڵرۆژی دامەزرانی حزبی تودەی ئێران لە بریتانیا

بە بۆنەی حەفتاهەمین ساڵڕۆژی دامەزرانی حزبی تودەی ئێران، مەراسمێکی پڕشکۆ لە هۆڵی شارەوانی «هومرئێسمیت»ی لەندەن (بریتانیا) بە بەشداری سەدان کەس لە ئەندامان و لایەنگران و دۆستانی حزبمان و هەروەها ژمارەیەک لە نوێنەرانی حزب و ڕەوتە سیاسییەکانی ئێران و جیهان بەڕێوەچوو.

مەراسیمەکە بە سرودی چوارەمی حزبی تودەی ئێران دەستی پێکرد. بەشداربووان بە بیستنی سرودی حزبمان، بە مەبەستی ڕێزگرتن لە حەفتا ساڵ خەبات و تێکۆشانی بێوچان و کاریگەری پڕدەستکەوتی حزبی تودەی ئێران، هەستانە سەر پێ و بەم شێوە هەستی دەرونی خۆیان لە هەمبەر حزبی چینی کرێکارانی ئێران دەربڕی.



حەفتا ساڵ بەسەر دامەزرانی حزبی تودەی ئێران، حزبی زەحمەتکێشانی وڵاتەکەمان تێپەڕی. تودەییەکان حەفتا ساڵە بەوپەڕی لەخۆبردووییەوە بۆ دەستەبەر کردنی مافەکانی گەل، بۆ ئازادی و سەربەخۆیی وڵات و دامەزرانی سیستمێکی دادپەروەرانەی سیاسی، ئابووری و کۆمەڵایەتی، بۆ ڕزگار کردنی نیشتمانەکەمان لە کۆت و بەندی ئێستعمار و چەوسانەوە تێدەکۆشن.

بە شایەتی دۆست و دوژمن، حزبی تودەی ئێران لە نەبەرد و خەباتی چارەنووس ساز و سەرکەوتنەکان و دەستکەوتە گەورەکانی گەلانی ئێران لە حەفتا ساڵی رابردوودا، ڕۆڵێکی حاشا هەڵنەگری بینیوە و وێڕای دەیان ساڵ سەرکوتی بێ بەزەییانە و خوێناوی، هەرجارەو بەهێزتر و بە ئەزموونتر لە پێش، سەری بەرز کردووەتەوە و درێژەی بە خەبات و تێکۆشانی خۆی داوە.

بەڵێ حزبی تودەی ئێران ئەو حزبە تێکۆشەرەیە کە نە سەرکوتی دڕندانەی ڕژێمی پاشەیەتی و نە هێرشە یەک لە دوای یەکەکانی ڕژیمی ویلایەتی فەقیە و نە پیلانە جۆربەجۆرەکانی وڵاتانی ئیمپریالیستی بۆ لەناو بردنی، سەرکەوتوو نەبوون.



دوای سرودی حزب، بەڕێوەبەری مەراسمەکە بانگهێشتی هاوڕێ «ڕوکنەدین خوسرەوی» (یەکێک لە بەناوبانگ ترین دەرهێنەرانی تەئاتری ئێران)ی کرد بۆ خوێندنەوەی پەیامی هاوڕێ «عەلی خاوەری» سکرتێری پێشووی حزبی تودەی ئێران.

پەیامەکەی هاوڕێ «عەلی خاوەری» وەبیرهێنەرەوەی «کەش و هەوای یەکەمین ڕۆژەکان و مانگەکانی لە دایک بوونی حزبمان و خەبات و تێکۆشانی بۆ مانەوە و خزمەت کردن بە کۆمەڵانی کار و زەحمەت بوو.

هاوڕێ خاوەری باسی لە پێشوازی بێ وێنەی کرێکاران، ژنان، لاوان و خوێندکاران لە حزبی تودەی ئێران و خزمەت و کاریگەرییە حاشاهەڵنەگرەکانی حزبمان لەسەر کۆمەڵگای وڵاتەکەمان دەکرد و بە بانگهێشتی بەشداربووانی مەراسیمەکە بە «دەقیقەیەک بێدەنگی» بۆ ڕێزگرتن لە یادی سەرجەم گیانبەختکردوانی ڕێگای ئازادی، سەربەخۆیی و عەدالەتی کۆمەڵایەتی کۆتایی بە پەیامەکەی هێنا.

هاوڕێیانی بەشداربوو، بە مەبەستی بەجێ هێنانی «دەقیقەیەک بێدەنگی» هەستانە سەر پێ. خەم و پەژارە و لەهەمان حاڵدا پێداگری لە سیمای بەشداربوواندا بەرچاو دەکەوت، کە وەبیرهێنەرەوەی یادی پرشنگداری دەیان هەزار ئینسانی تێکۆشەر و لەخۆبردوو، و هەزاران

قارەمان لە چەشنی «سیامەک»ەکان، «روزبە«کان، «وارتان»ەکان، «تیزابی»یەکان، «حیکمەت»جووەکان، «مێهرەگان»ەکان، «سیمین فەردین»ەکان، «حوسێن پورشیرازی»یەکان و «عەلی شناسای»یەکان و «کەی مەنش»ەکان و «رەزا شەڵتوکی»یەکان و هتد بوو. کە لە ڕێگای بەدیهاتنی ئامانجە بەرزەکانی گەلدا گیانی خۆیان بەختکردبوو.



بە کۆتایی هاتنی دەقیقەیەک بێدەنگی، نۆبەی هاوڕێ «بیل گرین شیلید» سکرتێری حزبی کۆمۆنیستی بریتانیا بوو، کە رێز و سڵاوی گەرم و کۆمۆنیستی، هاوڕێیانی بریتانیایی پێشکەش بە بەشداربووان بکات.

سکرتێری حزبی کۆمۆنیستی بریتانیا، لە پەیامەکەیدا باسی لە مێژووی درێژخایەنی دەستێوەردانەکانی ئیمپریالیزمی بریتانیا لە ئێران کرد و وێڕای ئاماژە بە کودەتای نەنگینی ٢٨ی موردادی ١٣٣٢، کە بە وتەی ئەو یەکێک لە ئامانجە سەرەکییەکانی ئەو کودەتایە لە ناو بردنی حزبی تودەی ئێران بوو، ستایشی خەبات و تێکۆشانی قارەمانانەی تودەییەکانی کرد.

هاوڕێ «بیل» لە شوێنێکی تری قسەکانیدا وێڕای ئاماژە بە سیاسەتی دەستێوەردانی ئیمپریالیزم لە کاروباری ناوخۆی وڵاتانی تر، لەوانە وڵاتی لیبی و کوشتاری بیرەحمانەی دانیشتووانی شاری «سێرت» لە رۆژانی ئەخیردا، بە بەڵێنی پتەو کردنی هاوپشتی خەبات و تێکۆشانی قارەمانانەی گەلانی ئێران لە دژی رژیمی ستەمکاری کۆماری ئیسلامی کۆتایی بە وتەکانی خۆی هێنا.

لە درێژەی مەراسمەکەدا، هاوڕێ «سەلام عەلی» ئەندامی کومیتەی ناوەندی حزبی شیوعی عێراق و بەرپرسی پێوەندییە نێونەتەوەییەکانی ئەو حزبە، بەم جۆرە وتەکان و هەروەها پەیامی حزبی شیوعی عێراقی ئاراستە کرد:

سڵاو و رێزی خۆم و شیوعییەکانی عێراق پێشکەش بە هاوڕێیانی حزبی تودەی ئێران دەکەم.

بێگومان خەبات و تێکۆشانی قارەمانانەی تودەییەکان، لەوانە هاوڕێی شەهید «خوسرەو روزبە« بۆتە سەرمەشقی تێکۆشەرانی کۆمۆنیستی جیهان. حزبی شیوعی عێراق شانازی بە پێوەندییەکانی خۆی لەگەڵ حزبی تودەی ئێران دەکات.

هاوڕێ سەلام وێڕای ئاماژە بە پێشینەی دوور و درێژی خەبات لە دژی رژیمە دیکتاتۆرەکانی عێراق و ئێران و هەروەها ئاماژە بەو راستیەیە کە کۆمۆنیستییەکانی عێراق و ئێران لە ریزێکی یەکگرتووانە لە دژی شەڕی ئێران و عێراق بۆ سوڵح و ئاشتی، تێکۆشانیا دەکرد، تیشکی خستە سەر هەلومەرج و شەرایتی دژواری خەباتی گەل و هێزە پێشکەوتنخوازەکانی عێراق و رۆڵی کۆمۆنیستەکانی ئەو وڵاتە لە خەبات بە مەبەستی وەدیهاتنی ئازادی و چوونە دەرەوەی هێزەکانی ئەمریکا لە عێراق.



هاوڕێ سەلام لە کۆتایی وتە بەنرخ و دڵخۆشکەرەکانیدا پشتیوانی خەباتگێڕانەی هاوڕێیانی عێراقی لە حزبی تودەی ئێران راگەیاند.

لە درێژەی مەراسیمەکەدا هاوڕێ «توران هیمەتی» ئەندامی شوڕای مەرکەزی سازمانی فەدائیانی خەڵکی ئێران (ئەکسەریەت) وێڕای بەرز نرخاندنی ساڵرۆژی دامەزرانی حزبی تودەی ئێران، پەیامی شوڕای مەرکەزی ئەو سازمانەی پێشکەش کرد.



«هاوڕێ توران» ڕایگەیاند:
لێژنەی سیاسی – ئیجرایی سازمانی فەداییانی خەڵکی ئێران (ئەکسەریەت) پیرۆزبایی حەفتاهەمین ساڵڕۆژی دامەزرانی حزبی تودەی ئێران ئاراستەی ئێوە و سەرجەم تودەییەکان،کە ماندوونەناسانە لە ناوخۆ و دەرەوەی وڵات بۆ ڕزگاری نیشتمانەکان لە سوڵتەی ئێستبداد و نیزامی غارەتگەری حاکم و بۆ وەدیهاتنی ئازادی، دیمۆکراسی، عەداڵەتی کۆمەڵایەتی و سوسیالیزم تێدەکۆشن، دەکات. و هیوای سەرکەوتن بۆ تودەییەکان لەم خەبات و تێکۆشانەدا دەخوازێ.
هاوڕێ توران لە بەشێکی دیکەی وتەکانیدا ئاماژەی بە پیشاهەنگی و پێشدەستی حزبی تودەی ئێران لە بواری «فەرهەنگسازی و ناساندنی ئەندێشەی پێشڕەو» کرد و بە دووپات کردنەوەی پیرۆزبایی حەفتاهەمین ساڵڕۆژی دامەزرانی حزبی تودەی ئێران کۆتایی بە وتەکانی هێنا.



لە درێژەی مەراسمەکەدا، هاوڕێ «فەرەیدون مەعروفی»، نوێنەری حزبی دیمۆکراتی کوردستان (حدک)، پەیامی پیرۆزبایی «حدک»ی بە بۆنەی حەفتاهەمین ساڵڕۆژی دامەزرانی حزبی تودەی ئێران، ئاراستەی بەشداربووان کرد.
هاوڕێ فەرەیدون وێڕای پیرۆزبایی حەفتاهەمین ساڵڕۆژی دامەزرانی حزبی تودەی ئێران و ئاماژە بە خەبات و تێکۆشانی حزبمان، هیوای خواست کە هێزە پێشکەوتنخوازەکانی ئێران شان بە شانی یەک لە دژی ڕژیمی دیکتاتۆری حاکم درێژە بە خەبات و تێکۆشانی خۆیان بدەن.
بەڕێوەبەری مەراسمەکە دوای قسەکانی بەڕێز فەرەیدون ڕایگەیاند، لە لایەن هەر یەک لە فیرقەی دیمۆکراتی ئازەربایجان و تێکۆشەری گەلی عەرەب بەڕێز «یوسف عەزیزی بەنی تۆرف» سەرۆکی «ناوەندی خەبات لە دژی ڕەگەزپەرەستی و عەرەب دوژمنی»، کە لە مەراسمەکەدا بەشداری کردبوو، پەیامی پیرۆزبایی حەفتاهەمین ساڵڕۆژی دامەزرانی حزبی تودەی ئێرانی پێگەیشتووە.
دوای ئەم پەیامانە، هاوڕێی «ئێلێنی گروپاناجیوتی» نوێنەری حزبی کۆمۆنیستی یونان وتارێکی سەرنج ڕاکێش و گەرم و گوڕی سەبارەت بە پێوەندییە لەمێژینەکانی حزبی تودەی ئێران و حزبی کۆمۆنیستی یونان پێشکەش کرد.
هاوڕێ «ئێلێنی» لە درێژەی وتەکانی دا تیشکی خستە سەر ئەو قەیرانە هەمەلایەنەی کە بەرەوڕووی سیستمی سەرمایەداری لە ئوروپا و لە سەرتاسەری جیهان بۆتەوە. هاوڕێ «ئێلێنی» بە ڕاگەیاندنی هاوپشتی و حیمایەتی کۆمۆنیستەکانی یونان لە حزبی تودەی ئێران کۆتایی بە قسەکانی هێنا.
هاوڕێ «ڕەشید ئەلشێخ» نوێنەری کومیتەی ناوەندی حزبی کۆمۆنیستی سودان وێڕای پیرۆزبایی حەفتا ساڵەی دامەزرانی حزبی تودەی ئێران ئاماژەی بە سەفەری ئەم دواییانەی «ئەحمەدی نژاد» بۆ ئەو وڵاتە و هاوکارییە نیزامی – ئەمنییەتییەکانی دوو ڕژیمی دژە خەڵکی ئێران و سودان کرد و لە کۆتایی دا هاوپشتی و هاودەنگی کۆمۆنیستەکانی سودانی لەگەڵ حزبی تودەی ئێران ڕاگەیاند.
دواتر هاوڕێ «حەیدەر عەبدۆڵڵا» بەرپرسی پێوەندییە نێونەتەوەییەکانی «بەرەی ڕزگای خوازی بەحرەین» وتەکانی خۆی دەستپێکرد و وێڕای ئاماژە بە ڕۆڵ و تێکۆشانی کاریگەری حزبی تودەی ئێران، بە وردی باسی تێکۆشان و خەباتی دژواری گەلی بەحرەین لە دژی ڕژیمی ئێستبدادی ئەو وڵاتە کرد.

هاوڕێ حەیدەر عەبدوڵڵا بە ڕاگەیاندنی هاوپشتی لەگەڵ حزبی تودەی ئێران و خەباتی گەلانی ئێران بە بەرز کردنەوەی دروشمی «بروخێ ڕژێمی ویلایەتی فەقیە« لە ئێران، کۆتایی بە قسەکانی هێنا.
هاوڕێ «نوئێل هریس»، سەرۆکی کومیتەی دیفاع لە مافەکانی خەڵکی ئێران (کۆدیر) و کەسایەتی ناسراوی بزووتنەوەی سەندیکایی بریتانیا، دوایین کەس بوو کە لەم بەشەی مەراسمەکەدا وێڕای پیرۆزبایی حەفتاهەمین ساڵڕۆژی دامەزرانی حزبی تودەی ئێران و بەرز نرخاندنی خەباتی بەرچاوی تودەییەکان لە دەیەکانی ئەخیردا لە پێناو دیفاع لە مافی مرۆڤ و ئازادی زیندانیانی سیاسی ئێران، ڕایگەیاند: :کۆدیر» بە پشت بەستن بە بزووتنەوەی سەندیکایی لە بریتانیا، بەردەوام دەبێت لە دیفاع لە مافەکانی خەڵکی ئێران و ئازادی دەستبەجێ و بێ قەید و شەرتی زیندانیانی سیاسی ئێران.
بەشداری کردنی نوێنەرانی حزبی کۆمۆنیستی قبرس (ئەکل) و حزبی کۆمۆنیستی بەنگلادش، نوێنەرانی حزب و لایەنە کۆمۆنیست و دیموکراتەکانی وڵاتانی جۆربەجۆری جیهان لەم مەراسیمەدا، هێمای ئەنترناسیونالیستی جێژنی حەفتاهەمین ساڵڕۆژی دامەزرانی حزبی تودەی ئێرانی دەخستە بەرچاو.
جیا لە ئاراستە کردنی پەیام و وتارخوێندنەوەی نوێنەرانی حزب و لایەنەکان، چەندین بەرنامەی هونەری لە لایەن هۆنەرمەندان و گروپە هونەرییە بەشداربووەکانەوە پێشکەش کران.
هاوڕێ «لیزپاین» ئەندامی کەمتەبی سیاسی حزبی کۆمۆنیستی بریتانیا پارچە شێعرێکی لە «پابلۆ نێرۆدا» (شاعیری بەناوبانگی شیلی)، پێشکەش کرد.
هونەرمەندی لاو و بەهرەمەندی ئێرانی «سارا» بە ژەندنی پیانۆ، چەند پارچە موزیکی شۆڕشگێڕانەی ئێرانی پێشکەش کرد.
هاوڕێ «روکنەدین خوسرەوی» پارچە شێعری «هاواری ئازادی» هۆنراوەی شاعێری مەزنی وڵاتەکەمان «فەروخی یەزدی» و هەروەها پارچە شێعری «بە گلگشت جوانان یاد ما را زندە دارید ای رفیقان»، یەکێک لە هونراوە بەنرخەکانی «محەممەد زوهەری» شاعێری بەناوبانگی تودەیی پێشکەش بە بەشداربووان کرد.
دواتر شانۆگەری سوننەتی «کهتر و مهتر» (دەسەڵاتدار و ڕەعیەت) لە لایەن هونەرمەندی بەناوبانگی وڵاتەکەمان «عەبدولمەلکی» پێشکەش کرا.



لە کۆتایی دا پارچە موزیکێک بە یادی هاوڕێ «چێ گیڤارا» لە لایەن گروپی هونەری «ئەمریکای لاتین»ەوە پێشکەش کرا کە بەرەوڕووی پێشوازی پڕ لە هەستی بەشداربووان بووەوە.
مەراسیمەکە بە سرودی ئەنترناسیونال سرودی هاوپشتی جیهانی کرێکاران و زەحمەتکێشان و خەباتکارانی کۆمۆنیست کۆتایی پێهات.

خەبات و تێکۆشانی درێژەی هەیە و حزبی تودەی ئێران هەر وەک رابردوو درێژە بە خەباتی پڕ لە حیماسەی خۆی دەدات.

پیرۆز بێت حەفتاهەمین ساڵرۆژی دامەزرانی حزبی تودەی ئێران، حزبی چینی کرێکارانی ئێران.

****

کازیوە بە دۆستان و هاوڕێکانتان بناسێنن!

هەر دەمێنم



من کێوێکی بەردی خارام ،
بوم و هەم و هەر دەمێنم ،
ئەگەر تۆفانیش هەلبستێ ،
شەپۆلی وەک کێو بەرزەوە بێ ،
گەر بروسکە وەکو قەمچی ،
لە عاسمانەو بێتە خوارێ ،
سەر سینگم شەقار شەقار کا ،
کاتێک تۆفان دەنیشێتەو ،
شەپۆلەکان دادەمرکێن ،
عاسمانێکی پیرۆزەیی ،
لە سەر دنیا دەدرەوشێتەو ،
رفیق شهید دکتر علي گلاویژ
ئەو سا چاوت پێم دەکەوێ :
پام بە عەرزەو داکوتاوە و،
سەرم لە هەوران دەساوم ،
ئەو کێوە منم و هەرماوم ،
شاخی بەردم نەفەوتاوم ،
ئەمن رۆژم – رۆژی گەشی پاش بارانم ،
ملوێنکی کۆلکە زرینەم لە ملدایە ،
هەر ەرنگێکی ،لە مێژوی من کتێبێکە :
رەنگی سەوزی ئەو خاکەیە ،
وا تەبیعەت هەمو شتێکی پێداوە ،
بەڵام ئەوەی تێی دا هەیە ،
پاکی بە تاڵان براوە .
رەنگی زەردی – رەنگی روخساری دایکمە ،
وا لە بن باری مەینەتا ، سووری گۆناکەی چرژاوە،
رەنگی ئاڵی – ئەو خوێنەیە وا بۆ ئازادی رژاوە ،
ئەمن رۆژم - رۆژی گەشی پاش بارانم ،
هەورێکی چڵکنی بۆرین ، دەتوانێ پێشم لێ بگرێ .
بەڵام لە پشت ئەو هەورەش دا ،
عالەم دەزانێ من هەر هەم .

عەلی گەلاوێژ (ئاگری)
تاراوگەی لایپتزیگ ، ئەلمان – ۱۳۵۰ ی هەتاوی .

(هاورێ دکتۆر عەلی گەلاوێژ رۆژنامە نووس، توێژر،ئابووریناس و ئەندامی کومیتەی ناوەندی حزبی تودەی ئێران لە ساڵێ ۱۳۶۳ لە زیندانی ئوین لە ژێر ئەشکنجەی جەلادەکانی خومەینی دا شهید بوو.

خەباتی ماندوونەناسانەی ژنان لە دژی هەڵاواردنی جنسیەتی و نابەرابەری کۆمەڵایەتی

رژیمی ویلایەتی فەقیە لە بەرنامە ئیرتجاعی و دژە ژنەکانی خۆیدا جێگایەکی تایبەتی بۆ کۆنترۆڵ و سەرکوت کردنی بزووتەوەی ژنان تەرخان کردووە. لەم بەرنامانەدا هەوڵ دەدرێت دژایەتی لە هەمبەر هەڵاواردنی جنسیەتی و سیاسەتە کۆنەپەرەستانەکانی کۆماری ئیسلامی، تەنیا بە خەبات و خواستی ژنانی چین و توێژە دەوڵەمەند و مامناوەندەکانی کۆمەڵگا بناسرێت کە هیچ زانیارییەکیان لە نیاز و پێویستییەکانی ژنانی زەحمەتکێش نییە و ئەو خەم و گرفتانەی کە ژنانی زەحمەتکێش بە دەستیەوە دەناڵێنن، ئەوان لێی بێ خەبەرن. لەمبارەوە لە ماوەی حەفتەکانی ئەخیردا هاوکات لەگەڵ تەبلیغاتی هەدەفمەند سەبارەت بە هەندێک گۆڕانکاری لە لایحەی «پشتیوانی لە بنەماڵە» لە کومیسیونی قەزایی مەجلیس، باس لە گەڵاڵەگەلێک دەکرێت کە بۆ پشتیوانی لە ژنانی سەرپەرستی خانەوادە، ژنانی گوندنشین و ژنانی چین و توێژە هەژارەکانی کۆمەڵگا داڕێژراوە و ئامادە کراوە.

لەمبارەوە سەرەتا کومیسیونی «کۆمەڵایەتی مەجلیس» لە کردەوەیەکی بەتەنیا تەبلیغاتیدا، ڕایگەیاند: بە سەرەنجدان بە گەڵاڵەی تێکەڵاو کردنی وەزارەتخانەکان، نابێ بابەتی پشتیوانی لە ژنانی سەرپەرەستی خانەوادە فەرامۆش بکرێت. هەواڵنێری «ئیلنا» ڕێکەوتی ١٨ی مانگی پووشپەڕی ئەمساڵ نووسیبووی: «ئەندامی کومیسیونی کۆمەڵایەتی مەجلیس وتی: گرینگترین کردەوەی جێگای سەرنجی مەجلیسی شۆرای ئیسلامی لە پێوەند لەگەڵ پشتیوانی لە ژنانی سەرپەرەستی خانەوادە، یاسایەک بوو کە لە چوارچێوەی بەرنامەی پێنجەم پەسەند و ڕاگەیەندرا. بە پێی ئەم یاسایە دەبێ گشت ناوەندەکان، هەموو ژنانی سەرپەرستی بنەماڵە کە پێویستیان بە یارمەتی هەیە، بخەنە ژێر چاوەدێریەوە، هەڵبەت ئەم مەسەلەیە بە سەرنجدان بە تێکەڵاو بوونی وەزارەتخانەکان دواکەوتووە. پشتیوانی لە ژنانی سەرەپەرەستی بنەماڵە، لە ژێر کاریگەی تێکەڵاو بوونی وەزارەتخانەکان نابێ لەبیر بکرێت».

پاشان نۆبەی جێگری وەزیری جەهادی کەشاوەرزی گەیشت کە لە وتووێژێکدا لەگەڵ هەواڵنێری فارس ڕێکەوتی ٣٠ گەلاوێژ (موراد مانگ) هەواڵی ئامادە کردنی گەڵاڵەیەکی بۆ بەخشینی وامی کەم بەهرە بە گوندنشینان و بە تایبەت ژنانی گوندنشین ڕاگەیاند و وتی: بەم گەڵاڵەیە ژنانی گوندنشین لە بواری ماڵیەوە پشتیوانیان لێدەکرێت و ژیانیان گۆڕانکاری بەسەردا دێت! جگە لە مەجلیس و دەوڵەت، کومیتەی ئیمدادی «خومەینی»ش لە بواری بەناو «پشتیوانی لە مافی ژنانی هەژار و بێبەش» گەلێک چالاک بووە. هەواڵنێری فارس ٢ی مانگی خەرمانان (شهریور)، لەسەر زاری جێگری خودکفایی و خۆدئێشتغاڵی کومیتەی ئیمدادی خومەینی ئۆستانی تاران ڕایگەیاند، وامی خودئێشتغاڵی بە ژنانی سەرپەرەستی بنەماڵە پەرداخت دەکرێت. لە ڕاپۆرتی ئەم هەواڵنێرییەدا هاتووە: «لە سەرەتای ئەمساڵەوە پشتیوانییەکی تایبەت بە نیازمەندان و ئەوانەی کە پێویستیان بە یارمەتی ماڵی هەیە، دەکرێت. بە پشتیوانی کومیتەی ئیمداد، ئەمساڵ وامی خۆدئێشتغاڵی بە ژنانی سەرپەرەستی بنەماڵە زیادی کردووە و خوازیارانی وام دەتوانن سەردانی دەفتەرەکانی ئیمداد بکەن و لەم ئیمکاناتە کەڵک وەربگرن.»

ئەم چەشنە تەبلیغاتانە لە حاڵێکدا لە جەریان دایە کە بە بەکردەوە دەرهێنانی یاسای هەدەفمەند کردنی یارانەکان و چوونەسەرەوەی نرخی شت و مەک و خەدەماتی گشتی، ژنانی سەرپەرەستی بنەماڵە، ژنانی کرێکار، ژنانی کارمەند و هەروەها ژنانی گوندنشین، بۆ دابین کردنی بژیوی ژیانیان زۆرتر لە هەمیشە کەوتوونەتە ژێر گوشارەوە و بەرەوڕووی هەلومەرجێکی زۆر سەخت و دژوار بوونەتەوە. ئەو خاڵە گرینگانەی کە دەبێ ئاماژەیان پێبکرێت، ناکارامەیی گەڵاڵەکانی ئێستا بۆ پشتیوانی لە ژنانی چینە بێبەش و هەژارەکانی کۆمەڵگایە. سەرەڕای ئەمانە، زۆرێک لە تەرحەکان تەنیا لەسەر کاغەز واقعیەتیان هەیە و شتێک جگە لە درۆ نین، ژمارەیەکی زۆر کەم لەو تەرحانەی کە لە حاڵی بەکردەوە دەرهێنان دان، لە واقیعدا توانایی پشتیوانی لە مافی ژنانیان نییە. وەک تەرحی «خودئێشتغاڵی» کومیتەی ئیمدادی خومەینی کە تەنیا بۆ بەخشینی وام بەو کەسانەیە کە خۆیان هەڵیان بژاردوون و ئەمە ناتوانرێت بە بەرنامەیەک لە خزمەت بەرژەوەندی ژنانی سەرپەرەستی بنەماڵە لەقەڵەم بدرێت.

دەوڵەتی دژە نیشتمانی ئەحمەدی نژاد و هەروەها ژمارەیەک لە «ناوەندە ئەنگەڵییەکان» بە بێ ئەوەیکە ئاماژەیەک بە دەرئەنجام و ئاکامە خراپەکانی بەکردەوە دەرهێنانی بەرنامەی دژە نیشتمانی (آزاد سازی اقتصادی) بکەن، باس لە بەکردەوە دەرهێنانی تەرحگەلێک دەکەن کە ژیانی ژنانی زەحمەتکێش بەرەو باشی دەبات. ئاشکرا نییە کە چلۆن بڕیارە پشتیوانی لە مافی ژنانی کرێکار، کارمەند و بە گشتی موعەلیمان، پەرەستاران و مورەبیانی باخچەکانی ساوایان (مهد کودک) بکرێت، لە حاڵێکدا کە ڕێژەی چوونەسەرەوەی حقوق و حەقدەستی ئەوان گەلێک خوارتر لە ڕێژەی واقیعی تەوەڕۆم (هەڵاوسان) ە. هەروەها بە تێکەڵاو کردنی وەزارەتخانەکان و رکودی زاڵ بەسەر سەنایعی ئێران، ئەمە ژنانی شاغڵن کە لە ریزی یەکەمی ئیخراج و یان بە بڕوای کۆماری ئیسلامی ڕێکخستنەوەی هێزی کار (تعدیل نیروی کار)ن. ئیلنا لە کۆتایی ساڵی رابردوودا لە راپۆرتێکدا نووسیبووی: «بە ڕوودانی بچوکترین قەیرانێک، ژنانی کرێکار لەسەر کار دەردەکرێن.» بەم پێیە، بە پێچەوانەی تەبلیغاتی پۆپۆلیستی و فریوکارانەی ڕژیمی ویلایەتی فەقیە، نە تەنیا کەلین و جیاوازییەک لە نێوان ژنانی چینە هەژارەکان لەگەڵ بزووتنەوەی ژنان لە دژی هەڵاواردنی جنسیەتی نییە، بەڵکوو ئەم خەباتە زیاتر لە هەر چین و توێژێکی کۆمەڵایەتی دیکە، بە قازانجی ژنانی زەحمەتکێشە. لەم بوارەدا، راپۆرتەکەی هەواڵنێری «ئیلنا» سەبارەت بە بێ مافی ژنانی کرێکار، دان پێدانانێکی ئاشکرایە بە پێوندی ڕاستەوخۆی نێوان هەڵاواردنی جنسیەتی – چینایەتی و نابەرابەری کۆمەڵایەتی. ئیلنا لەسەر زاری بەرپرسی یەکیەتی ژنانی کرێکاری ئۆستانی مازەندەران، (ناوەندێک کە سەر بە خانەی کارگەر ی ڕژیمە، جەخت دەکاتەوە: «هۆکاری سەرەکی کار کردنی ژنان، دابین کردنی پێویستی ماڵییە... ژنان ناچارن بە زۆریەک لە ترس و هەڕەشەکان وڵام بدەنەوە، بەڵام پێشکەوتنی شوغڵی و پیشەییان نییە و لە کاتی ڕوودانی هەر قەیرانێکدا، لەسەر کار دەردەکرێن و هەڵاواردنی جنسیەتی لە دژی ئەوان بە ڕوونی بەرچاو دەکەوێت.» هەڵاواردنی جنسیەتی وەک «حەقدەستی ناعادڵانە و کەمتر لە هاوکارانی پیاو، ئیخراج لە شوێنی کار بە هۆی ژن بوون و لەم چەشنە گرفتانە بەرچاو دەکەون.

بەرتەسک کردنەوەی هەڵاواردنی جنسیەتی، تەنها و تەنها بە کردەوە ئیرتجاعییەکانی وەک جیاکردنەوەی جنسیەتی، شێوەکارێکی فریوکارانەی ڕژیمەوە بۆ پەراوێز خستنی بزووتنەوەی ژنانی ئێران. ژنان لە خەبات لە دژی هەڵاواردنی جنسیەتی خواستی تایبەت و بەرچاوی دیکەشیان هەیە کە لە پێوەندیەکی چڕ و پڕ لەگەڵ خەبات لە دژی حیجابی زەرەملێ و یاسا ئیرتجاعییەکانی دیکە دایە. بۆ نموونە دەتوانین بە حەقدەستی یەکسان لە بەرامبەر کاری یەکسان، دابین کردنی ئیمکاناتی شوغڵی یەکسان بە بێ لەبەرچاو گرتنی جنسیەت، ئاماژە بکەین.

لە مانگەکانی ئەخیردا، دژایەتی پێداگرانە و ئوسولی بزووتنەوەی ژنانی ئێران لەگەڵ گەڵاڵەی دەوڵەتی دژە نیشتمانی ئەحمەدی نژاد لە ژێر ناوی گەڵاڵەی «دوور کاری» کە لەم گەڵاڵەیەدا ئەولەویەت بە ژنان دراوە، نیشانەیەکی ئۆمیدبەخش لە سەرنجدانی ڕۆژ لە دوای ڕۆژی تێکۆشەرانی بزووتنەوەی ژنان بە ماف و بەرژەوەندییەکانی ژنانی چینی هەژار و بێبەش و بەڵگەی پێوەندی نێوان هەڵاواردنی جنسیەتی و نابەرابەری و هەژاری کۆمەڵایەتی، بە تایبەت بۆ ژنانە. هەروەها دژایەتی بەردەوامی هەڵسووڕاوانی بزووتنەوەی ژنان لەگەڵ کەم کردنەوەی حەقدەستی کارە نیوە وەقت و پارە وەقتەکان کە زۆرتر ژنان دەگرێتەوە، نیشانەی هەوڵ و کۆششی وشیارانە بۆ بەدەستهێنانی مافی ژنانی زەحمەتکێش و خەبات لە دژی هەڵاواردنی جنسیتی – چینایەتییە.

وشیار کردنەوەی ژنانی زەحمەتکێش بە تایبەت ژنانی کرێکار و سەرپەرەستی بنەماڵە لە ماف و بەرژەوەندییەکانیان، دەتوانێت لە بەهێز کردنی هەڵوێست و پێگەی بزووتنەوەی ژنان و بزووتنەوەی کرێکاری لە بەرامبەر ئێستبدادی ویلایەتی فەقیە، کاریگەری هەبێت.

هەڵاواردنی جنسیەتی، یاسا دژە ژن و ئیرتجاعییەکان وێڕای بەرنامە ئابووری - کۆمەڵایەتییە دژە خەڵکییەکان، ماف و بەرژەوەندی ژنانی چینە بێبەش و هەژارەکان و بنەماڵەکانیانی، بەرەوڕووی کێشە و گرفتێکی زۆر جیدی کردووەتەوە.

❊❊❊❊❊❊❊❊❊❊❊❊❊

دەیان چالاکی ئایینی کوردستان حوکمی قورسی زیندانیان بەسەردا سەپێندرا

٥٦ کەس لە چالاکانی مەزهەبی کوردستانی ئێران کە پێشتر و بە شێوەی جۆراوجۆر لە لایەن دەزگا ئەمنیەتی و نیزامیەکانی رژیمەوە قۆڵبەست کرابوون، لە لایەن دادگاکانی کۆماری ئیسلامیی ئێرانەوە حوکمی قورسی زیندانیان بەسەردا سەپا.
بە پێی هەواڵنێری هەرانا، ئەو بەندکراوانە کە خەڵکی شارەکانی سەردەشت، مەهاباد، سەقز، سنە، جوانرۆ، پیرانشار و شنۆن، لە سەر یەک بە ١٦٤ ساڵ زیندان حوکم دراون..
هرانا ناوی بەشێک لەو بەندکراوانە و حوکمەکانیانی بەشێوەی خوارەوە بڵاو کردۆتەوە:

مەلا عوسمان ئەمینی ٦ ساڵ ، عادڵ خودایی ٥ ساڵ، مەلا فەرهاد سەلیمی ٢١ مانگە بەبێ حوکم بەندکراون.

مهاباد
مەلا عەبدولرەحمان فەتاحی، ئیبراهیم رەسوڵی، مەنسور مەعرووفی و یوسف ئەحمەدیان کە پێشتر دەسبەسەرکرابوون، سەرلەنوێ بەبێ حوکم بەندکراونەتەوە و لە زیندانی مهاباد بەسەر دەبەن.
هەروەها جەعفەر غەفوری ٤ ساڵ،ئیبراهیم غەدیرفەر ٣ ساڵ، قاسم کاک ئەڵلاپور یەک ساڵ و قاسم ئابستە، خوسرەو بەشارەت، کامران شێخە، داود عەبدوڵڵاهی، ئەنوەر خزری و ئەیوب کەریمی ٢ ساڵ بیلاتەکلیف و و بەبێ حوکم لەزیندانەدا راگیراون.

سەردەشت
مەلا هادی هیمەت زادە ٢ ساڵ، خالد حاجی زادە ٦ ساڵ، حوسێن ئەمینی ٦ ساڵ، کاوە مەدوی یەک ساڵ، سەید ئیبراهیم سەیدی ١ ساڵ، حەجار عەلی زادە ٦ ساڵ، ناسر شێخی ٥ ساڵ، یونس ٣ ساڵ و سۆران عەلی پوور بیلاتەکلیف و بە بێ حوکم لە زیندان دا راگیراوە.

سنە
فواد رەزا زادە ٥ ساڵ، ئارمان بەهمەنی ٣ ساڵ، رامین کەریمی ٦ ساڵ، خەبات مێنبەری ١ ساڵ، سەید سەلاح مەهدەوی ١ ساڵ، فەخرەدین عەزیزی ٢ ساڵ لە بیلاتەکلیفی و بە بێ حوکم لە زینداندا راگیراوە.

بۆکان
مەلا محەممەد بەرائی ١٠ ساڵ، حوسێن جەوادی ٦ ساڵ، عوسمان ئەحسەنی ٦ ساڵ، عەبدۆڵڵا خوسرەو زادە ٦ ساڵ، هێمن مەحمود تەختی ٥ ساڵ، حیسام محەممەدی ٥ ساڵ، رەسول ماوت ٧ ساڵ و شەش مانگ، نامیق دڵ دڵ ١ ساڵ لە بیلاتەکلیفی و بە بێ حوکم لە زیندانی ئێوین دا بەندکراوە.

جوانرۆ
سەید خەلیل حەمیدی ٢ ساڵ، جەمال سلێمانی ١١ ساڵ، لایق کوردپوور ٥ ساڵ، پەرویز عوسمانی ٥ ساڵ، فواد رەزایی و مهدی محەممەدی نژاد بیلاتەکلیف و بە بێ حوکم لە زیندان دا بەندکراون.

پیرانشار
ئەحمەد عەبدۆڵڵاهی ٦ ساڵ، عەلی کەوگر ٥ ساڵ، جەلال فەرۆخی ٢ ساڵ، جەمال ئودەری ١ ساڵ، حەسەن عەبدۆڵڵاهی ٢ ساڵ، عەلی مینایی ٢ ساڵ، عەبدۆڵڵا سلێمانی و عەبدولرەحیم بیلاتەکلیف و بە بێ حوکم لە زینداندا راگیراون.

شنۆ
خوسرەو زەرستانی ٧ ساڵ، عەبدولرەحمان پنام ٢ ساڵ، مەسعود رەسولی ٣ ساڵ حوکمیان هەیە.

****

سەرۆکایەتی هەرێمی کوردستان هێرشەکەی پارتی کرێکارانی کوردستان مەحکوم دەکات

دوای ئەوەی لە پارێزگای هەکاری کوردستانی تورکیە پارتی کرێکارانی کوردستان (پ ک ک) هێرشێکی بەربڵاوی کردە سەر مۆڵگەیکی ئەرتەشی تورکیە و بەپێ دواین زانیاریەکان ژمارەی کوژاوانی سوپای تورکیە ٢٦ کەسە و ژمارەی کوژراوانی پەکەکە ٨ کەس راگەیندرا، سەرۆکایەتی هەرێمی کوردستانی عێراق بەیاننامەیەکی بڵاو کردووە کە لە بەیاننامەکە دا ئەم هێرشانەی مەحکوم کردوە و باسی ئەوەی کردوە تازە سەرەتایەک بوو بۆ ئەوەی کە کێشەی کورد بەرێگای ئاشتیانە چارەسەر بکرێ بەڵام بەداخەوە بەهۆی هێرشی گروپێکی چەکدار ئەم هیوایە بەرەو نەمان دەچێ و دەنووسێ: لەکاتێکدا بۆ لێک تێگەیشتن و چارەسەرکردنی پرسی کورد لەتورکیا بەرێگای ئاشتی و گرتنە بەری خەباتی مەدەنی زەمینەسازی دەکرا، بەداخەوە ئەمرۆ چوارشەمە١٩/١٠/٢٠١١ راگەیەنرا کە لەئەنجامی هێرشی گروپێکی چەکدار لە ناوچەی هەکاری (٢٤)سەربازی هێزەکانی تورکیا بونە قوربانی.
لە بەیاننامەکەشدا داوا دەکەن کە ئەم هێرشانە بوەستێنن و دەنووسێ: بۆیە داوا دەکەین دەستبەجێ ئەم هێرشانە بوەستن ، چونکە هیچ کاتێک شەر چارەسەری کێشەکانی نەکردووە .

ئەمەش دەقی بەیاننامەکەی سەرۆکایەتی هەرێمی کوردستانە:

بە ناوی خوای مەزن و دلۆڤان
لەکاتێکدا بۆ لێک تێگەیشتن و چارەسەرکردنی پرسی کورد لەتورکیا بەرێگای ئاشتی و گرتنە بەری خەباتی مەدەنی زەمینەسازی دەکرا، بەداخەوە ئەمرۆ چوارشەمە١٩/١٠/٢٠١١ راگەیەنرا کە لەئەنجامی هێرشی گروپێکی چەکدار لە ناوچەی هەکاری (٢٤) سەربازی هێزەکانی تورکیا بونە قوربانی.
ئێمە لەکاتێکدا بەتووندی ئیدانەی ئەو تاوانە دەکەین ، بە راشکاوییەوە رایدەگەیەنین کە ئەم کردەوەیە بەر لە هەرکەسێکی تر ، دژی بەرژەوەندییەکانی گەلی کوردستانە و بەردەوامبوونی زیانێکی گەورە بە دۆزی گەلی کوردستان دەگەیەنێ .

بۆیە داوا دەکەین دەستبەجێ ئەم هێرشانە بوەستن ، چونکە هیچ کاتێک شەر چارەسەری کێشەکانی نەکردووە .

سەرۆکایەتی هەرێمی کوردستان
٢٠١١/١٠/١٩

* * * * * * * * * * * *

کوردەکانی سوریا بەشدارنین لەو ئەنجومەنە نیشتیمانیەی لە تورکیا پێکهێنراوە

پارتەکوردیەکانی سوریا بەشداربیان لەو ئەنجومەنە نیشتیمانیەدا نەکرد کە ڕۆژی یەکشەممە (٢-١٠-٢٠١١) بەشێک لەلایەنە نارازیەکانی حکومەتی ئێستای سوریا لە وڵاتی تورکیا پێکیان هێنا،

بەرپرسێکی پارتێکی کوردی سوریاش ڕایدەگەیەنێ کە ئەو ئەنجومەنە «گوزارشت لەسەرجەم پێکهاتەکانی گەلی سوریا ناکات».

شەلال گەدۆ ئەندامی مەکتەبی سیاسی پارتی چەپی کورد لە سوریا لە لێدوانێکدا بۆ ڕێگای کوردستان وتی»هیچ پارتێکی کوردی سوریا بەشداری ئەو ئەنجومەنەیان نەکردووە کە لەتورکیا پێکهێنراوە ، چونکە ئەو ئەنجومەنە گوزارشت لەسەرجەم پێکهاتەکانی گەلی سوریا ناکات».

ناوبراو وتیشی»زۆربەی بەشدارانی ئەو ئەنجومەنە سەربە ئیخوان موسلمین و گروپە تووند ڕەوەکانن کە لەگەڵ دەسەڵاتدارانی تورکیا هاوڕان لەسەر پەراوێزخستنی گەلی کود و کێشە ڕەواکەی».

شەلال گەدۆ ئاماژەی بەوەکردکە لە ڕاگەیاندراوی کۆتایی کۆنگرەی ئەستەمبوڵدا تەنها وەک «مافی هاوڵاتی بوون» باسی کوردیان کردووە لەکاتێکدا بزووتنەوەی ڕزگاریخوازی گەلی کورد لەسوریا تێدەکۆشێت لەپێناو مافە نیشتیمانی و نەتەوەییەکانی گەلی کورد نەک هەر مافی هاووڵاتی بوون.

وتیشی»ئێمە دەمانەوێ لەدەستوردا ئەوە جێگیربکەین کە کورد نەتەوەی دووەمە لەسوریادا و سەرجەم مافە نیشتیمانی و نەتەوەییەکانیش دەستەبەر بکەین،ئەمەش خاڵی ناکۆکی گەلی کوردە لەگەڵ ئەو ئەنجومەنە نیشتیمانیەی کە لە تورکیا پێکهێنراوە».

ناوبراو جەختیشی کردەوە»ئێمە ناخوازین لەئەنجومەنێکدا بەشداربین کە هەرلەسەرەتاوە ئامانجەکانی ڕوون نین و کێشەی کورد پەراوێز بخات».

هەرچەندە لەو ئەنجومەنە نیشتیمانیەی کە بەشێک لە لایەنە ئۆپۆزسیۆنەکانی سوریا لە تورکیا پێکیان هێناوە ، چەند کوردێکیشی تیا بەشدارە ، بەڵام شەلال گەدۆ ئاماژە بەوە دەکات کە ئەو کوردانە «وەک شەخسی بانگهێشتی ئەو کۆنگرەیەکراون و نوێنەرایەتی پارتە کوردیەکانی سوریا ناکەن».

سەبارەت بە بەدیلی ئەوان لەقۆناغی ئێستا ، شەلال گەدۆ ئاماژەی بەوەدا کە بەم زووانە گۆنگرەیەکی نەتەوەیی لەناو سوریادا دەبەستن کە جگەلەوەی یانزە پارتی کوردی تیادا بەشدار دەبن، هاوکات چەندین کەسایەتی سیاسی سەربەخۆ و چالاکانی مەدەنی و کۆمەڵایەتیش لەخۆدەگرێت.

گەدۆ وتیشی»لەو کۆنگریەدا دەستەیەکی سەرکردایەتی هەڵدەبژێردرێت کە لەقۆناغی ئێستادا گوزارشت لەسەرجەم پێکهاتەکانی بزووتنەوەی ڕزگاریخوازی گەلی کورد بکات لەسوریادا».

ئەو بەرپرسەی پارتی چەپی کورد لەسوریا ئاماژەی بەوەشدا کە بەشێکی زۆری سەرکردەی پارتە کوردیەکانی سوریا سەردانی دەرەوەیان لێ قەدەغەکراوە بۆیە کۆنگرەی نەتەوەیی بەشێوەیەکی نهێنی لە ناوسوریادا دەبەستن.

سەرچاوە: ڕێگای کوردستان
سازدانی دیمانە: محەمەد چاوشین

****

کازیوە بە دۆستان و هاوڕێکانتان بناسێنن!